

تذکره نویسی فارسی

در هند و پاکستان

متضمن

شرح تذکره‌های شعرائی که در هند و پاکستان بتألیف درآمده است و نام
تذکره‌های فارسی که در خارج از هند و پاکستان تألیف شده و تذکره‌های صوفیه
و علماء و امراء و غیره و کتب تاریخ که در آنها ذکر شعرا رفته است

بمشار

دکتر سید علیرضا نقوی

۱۳۴۷ هجری شمسی

۱۹۶۸ میلادی



چاپ علی اکبر علمی

تہ. ان

اهداء

بمات شريف و نجيب و مهمان نواز ايران

سپاسگزاری

نگارنده ارا الطاف و عنایات آیه مهر و محبت و نمونه کامل احلاق ستوده ایرانی،
آقای دکتر حسین گویلی، سرپرست دانشجویان خارجی و مدیر کل فارسی دانشگاه
تهران صمیمانه تشکر مینماید که در طی اقامت اینجانب در ایران از هیچ نوع کمک
و مساعدت و راهنمایی دریغ نمرمودند الحق و خود شریفایشان برای دلگرمی و تشویق
دانشجویان خارجی دانشگاه تهران بسیار معتمد است.

فهرست مندرجات

موضوع	سال تألیف	صفحه
پیشگفتار	تقریظ ار استاد والا مقام آقای دکتر پرویز جالبی	یک
مقدمه		۱
فصل اول قبل از تیموریان هند (اراقندای سلطنت مسلمانها در هند تا تأسیس حکومت تیموریان هند در ۹۳۲ هـ)		
ملاحظات عمومی بر فصل اول		۵۱
۱- لباب الالباب سدیدالدین محمد عوفی تقریباً ۶۱۸ هـ		۵۹
فصل دوم تیموریان هند (۹۳۲-۱۲۷۴ هـ)		
قسمت اول- اررمان ناصر تاشاهجهان (۹۳۲-۱۰۶۸ هـ)		
ملاحظات عمومی بر فصل دوم قسمت اول.		۸۵
۲- روضة السلاطین- مولانا سلطان محمد وحری		
هروی	۹۳۵-۹۶۱ هـ	۹۱
۳- حواهر المعانی مولانا سلطان محمد وحری		
هروی	۹۶۳ هـ	۹۶
۴- نهایس المآثر- میر علاءالدوله کامی قزوینی ۹۷۳-۹۷۹ هـ		۱۰۰

[illegible]

موضوع	سال تالیف	صفحه
۲۱- سفینه بیحصر- میر عظمیٰ الہ بیحصر	۱۱۴۱ھ	۲۳۱
۲۲- مقالات الشعرا- قیام الدین حیرت	۱۱۴۴ھ	۲۳۶
۲۳- سفینہ خوشگوی- سدراس داس خوشگو	۱۱۳۷-۱۱۴۷ھ	۲۳۸
۲۴- ید بیضا- میر علام علی آزاد ملگرامی	۱۱۴۵-۱۱۴۸ھ	۲۵۵
۲۵- تذکرہ ندرت- علی فطرت عطاء اللہ ندرت	۱۱۴۹ھ	۲۷۳
۲۶- گلدستہ عبدالوہاب عالمگیری	۱۱۵۵ھ	۲۷۴
۲۷- بہارستان سحر- میر عبدالرزاق صمصام الدولہ	۱۱۶۰ھ	۲۷۵
۲۸- ریاض الشعرا- علیقلی خان والہ داعستانی	۱۱۶۰-۱۱۶۱ھ	۲۹۳
۲۹- منتخب الاشعار- میرزا کاظم ملقب بہ		
مردانعلی حان متلا	۱۱۶۱ھ	۳۱۰
۳۰- منتخب حاکم - ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری	۱۱۶۱ھ	۳۱۵
۳۱- تذکرہ حسینی- میر حسین دوست حسینی سہلی	۱۱۶۳ھ	۳۱۷
۳۲- مجمع النہایس - شیخ سراج الدین علیخان		
آرزو	۱۱۶۳-۱۱۶۴ھ	۳۲۲
۳۳- تذکرۃ المعاصرین - شیخ محمد علی حریر	۱۱۶۵ھ	۳۴۱
۳۴- سفینہ علی حریر- شیخ علی محمد علی حریر ؟		۳۷۴
۳۵- تحفۃ الشعرا- میرزا افضل سک قاقشال		
اورنگ آبادی	۱۱۶۵ھ	۳۷۸
۳۶- سروآزاد- میر علام علی آزاد ملگرامی	۱۱۶۶ھ	۳۸۳
۳۷- سفینۃ الشعرا ؟	۱۱۷۰ھ	۳۹۰
۳۸- تذکرہ بیطیر - میر عبدالوہاب افتخار		
دولت آبادی	۱۱۷۲ھ	۳۹۳
۳۹- ناع معانی- نقش علی	۱۱۷۴ھ	۳۹۶
۴۰- تذکرہ شاعرات - ؟	۱۱۷۴ھ	۳۹۹
۴۱- مقالات الشعرا- میر علام علی شیر قانع تنوی	۱۱۶۹-۱۱۷۴ھ	۴۰۱
۴۲- سفینہ عشرت - درگاداس عشرت	۱۱۷۵ھ	۴۱۴

موضوع	سال تالیف	صفحه
۴۳- مردم دیده - ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری	۱۱۷۵ھ	۴۱۵
۴۴- حراہ عامرہ - میر غلام علی آزاد ملگرامی	۱۱۷۶ھ	۴۲۵
۴۵- تذکرہ الشعرا ؟	۱۱۷۰-۱۱۸۰ھ	۴۳۷
۴۶- گل رعنا۔ لچھمی برائیں شعیق اور نک آبادی	۱۱۸۱-۱۱۸۲ھ	۴۴۵
۴۷- شام عربیان - لچھمی برائیں شعیق		
اور نک آبادی	۱۱۸۲ھ	۴۴۵
۴۸- تذکرہ یوسف علیحاج - یوسف علیحاج	۱۱۸۴ھ	۴۴۶
۴۹- مجموعہ عشق یا چہار چمن یا ناع گلہای حسن۔		
شیخ علام محی الدین منٹلا و عشق قریشی	۱۱۸۷ھ	۴۴۷
۵۰- لب لباب۔ قمر الدین علی	۱۱۹۴ھ	۴۴۷
۵۱- ایس الاحیاء۔ موہن لعل ایس	۱۱۹۷ھ	۴۵۰
۵۲- خلاصۃ الکلام۔ علی ابراہیم خان حلیل	۱۱۸۷-۱۱۹۸ھ	۴۵۶
۵۳- عقد ثریا - شیخ علام علی ہمدانی مصحفی		
امروہوی	۱۱۹۹ھ	۴۶۳
۵۴- تکملۃ الشعرا ی حام حمشید مولوی محمد		
قدرت اللہ شوق	۱۱۹۹ھ	۴۶۸
۵۵- صحف ابراہیم۔ علی ابراہیم خان حلیل	۱۲۰۵ھ	۴۷۱
۵۶- خلاصۃ الافکار - ابوطالب خان اصغہانی	۱۲۰۷ھ	۴۷۷
۵۷- تذکرہ بونہار۔ محمد رفیع الدین نقشبندی	۱۲۱۶ھ	۴۸۹
۵۸- محرن العرایب۔ شیخ احمد علی ہاشمی سندیلوی	۱۲۱۸ھ	۴۹۴
۵۹- سہینہ ہندی۔ بہگوان داس سمل و ہندی	۱۲۱۹ھ	۵۰۰
۶۰- طبقات سخن۔ شیخ علام محی الدین قریشی	۱۲۲۲ھ	۵۱۱
۶۱- تذکرہ کاتب۔ میرزا محمد علی کاتب صغوی	۱۲۲۵ھ	۵۱۸
۶۲- ریاض الوفاق۔ دو الفقار علی مست	۱۲۲۹ھ	۵۱۴
۶۳- بستر عشق - آقا حسینقلی خان عاشقی		
عظیم آبادی	۱۲۲۴-۱۲۳۳ھ	۵۱۵

موضوع	سأ' تالیف	صفحه
۶۴- انیس العاشقین۔ کنوردتن سنگه رحمی ۱۲۳۹ یا ۱۲۴۵ھ		۵۲۱
۶۵- گلدسته کرباناک۔ علام علی موسیٰ		
رضا رایق	۱۲۱۰-۱۲۴۴-۱۲۴۸ھ	۵۲۷
۶۶- محک شعرا۔ محمد صالح شاملوی حراسانی	۱۲۵۲ھ	۵۲۹
۶۷- معراج الحیال۔ وریر علی عبرتی عظیم آمادی	۱۲۵۷ھ	۵۳۶
۶۷- صبح وطن۔ نواب محمد عوث حن اعظم ۱۲۵۶-۱۲۵۸ھ		۵۴۵
۶۹- نتایج الافکار۔ محمد قدرت اله حان قدرت		
گوپاموی	۱۲۵۶-۱۲۵۷ھ	۵۵۲
۷۰- نغمہ عدلیہ۔ محمد رضا نجم طباطبائی	۱۲۶۱ھ	۵۵۹
۷۱- حدایق الشعرا۔ میرزا امیر بیگ امیر نارس ۱۲۶۲-۱۲۶۱ھ		۵۶۲
۷۲- حریتہ الشعرا۔ سید علی کبیر المدعو محمد		
میر بحان الہ آبادی	۱۲۶۰-۱۲۶۵	۵۶۳
۷۳- اشارات بینش۔ سید مرتضیٰ بینش	۱۲۶۵ھ	۵۶۵
۷۴- گلزار اعظم۔ نواب محمد عوث حان اعظم	۱۲۶۹ھ	۵۷۰
فصل سوم ارآعار سلطنت انگلستان درہند (۱۲۷۴ھ) تا ۱۳۴۹ھ		
ملاحظات عمومی بر فصل سوم		۵۷۹
۷۵- ریاض الفردوس۔ مولوی محمد حسین حان	۱۲۷۴ھ	۵۸۲
۷۶- شمع محلل سخن۔ سید عبداللطیف الطاف حسینی ؟		۵۸۴
۷۷- ہفت آسمان۔ آقا احمد علی احمد	۱۲۸۵ھ	۵۸۵
۷۸- شمع انجمن۔ نواب سید صدیق حسن حان نواب	۱۲۹۲ھ	۵۹۲
۷۹- نگارستان سخن۔ نواب سید نور الحسن حان		
طیب و نور	۱۲۹۲-۳ھ	۶۰۲
۸۰- صبح گلشن۔ نواب سید محمد علی حسن حان سلیم ۱۲۹۴-۵ھ		۶۰۸
۸۱- روروش۔ محمد مظفر حسین صنا گوپاموی ۱۲۹۵-۶ھ		۶۱۲
۸۲- اختر تانان۔ ابوالقاسم محتشم	۱۲۹۹ھ	۶۱۷
۸۳- تذکرۃ الحوائین۔ میرزا محمد رفیع		

موضوع	سال تالیف	صفحه
ملک الکتاب شیرازی	۱۳۰۶ هـ	۶۶۲
۸۴- تکمله مقالات الشعراء - محمد ابراهیم مسکین و	۱۳۰۶ هـ	۶۶۲
حلیل	تقریباً ۱۳۰۹ هـ	۶۲۵
۸۵- حذیقه عشرت - کنورد رگا پرشاد مهرسندیلوی	۱۳۱۱ هـ	۶۴۲
۸۶- تذکره الشعراء - یحیی عبدالعنی مفرح آبادی	۱۳۲۸ هـ	۶۴۳
۸۷- سحوران چشم دیده - مولوی ترک علیشاه ترکی	۱۳۳۲ هـ	۵۴۷
قلندر نور محلی	۱۳۳۲ هـ	۵۴۷
فصل چهارم ارسال ۱۳۴۹ هـ تا حال		
ملاحظات عمومی بر فصل چهارم	۱۳۵۰ هـ	۶۵۹
۸۸- سحوران ایران در عصر حاضر -		
الحاج دکتر محمد اسحق	۱۳۵۵-۱۳۵۱ هـ	۶۲۲
۸۹- شعرای عصر پهلوی بدشاهی بهائی ایرانی	۱۳۵۲ هـ	۶۷۷
۹۰- ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان		
کشمیر - دکتر حواحه عبدالحمید عرفانی	۱۳۷۵ هـ	۶۷۸
۹۱- تذکره شعرای فارسی زبان پیشاور - دکتر بدیر		
حسن میرزا برلاس	۱۳۷۷ هـ	۶۸۵

ملحقات

۹۲- تذکره شعرای یرد - اردشیر حاصح	۱۳۸۲ هـ	۶۹۹
-----------------------------------	---------	-----

ضمائم

ضمیمه اول - نام تذکره های فارسی که در هند و پاکستان تألیف شده است

ولی شرح آن در این کتاب نیامده است ۷۰۹

ضمیمه دوم - نام تذکره های فارسی که خارج از شبه قاره هند و پاکستان تألیف

شده است ۷۱۳

ضمیمه سوم - نام تذکره های شعرای فارسی و کتب دیگر که زبان اردو

در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است و احوال بعضی شعرای فارسی را بر شامست ۷۳۵

علامات اختصاری که در این کتاب بکار رفته است

حلد	ح
حاشیه	ح
رجوع کنید به	ر.ك.
سطر	س
هجری شمسی - شماره	ش
صل الله علیه وآله وسلم	ص
علیه السلام	ع
-	ق
میلادی - متوفی (سال)	م
هجری قمری	ه
هجری قمری	ه - ق

تقریظ

ار

استاد والامقام جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری
وریر محترم سائق فرهنگ و استاد ارجمند دانشکده ادبیات تهران

ایران با سرزمین کهنی که سراسر آن تا حدی بیش هندوستان حواصده
میشد پیوندی کهن دارد این پیوند امروز گاری آغار میشود که افراد حابواده هند
و ایرانی ارهم حدا سدید و گروهی در حاك ایران و گروه دیگر در هندوستان
جا گرفتند سپس دردوران هخامنشیان قسمتی از شمال شرقی آن سرزمین به ساهمساهی
ایران بیوسب و دررور گار ساسانیان بیرهمین پیوند دوام یاف اما در اس رمان
رابطه علمی و فرهنگی میان دو کشور استوار بر سد و برای آنکه در این باب سخن
درار سود همین قدر میگوئیم که داستان بر رویه طیب ورفس او به هندوستان در طلب
کتاب بید پای که همان کلیده ودمه معروف اسب در حکم مثالی اسب برای ساسان
دادن سوق و علاقه ای که ایرانیان به کتب داس هندی و افرودن آن به گنجینه
فرهنگ ملی خود داشته اند

با این حال ناید گفت که رابطه فرهنگ ایران با هندوستان پس از اسلام بیس

از پیش محکم شده است در این زمان بود که شریع اسلامی ار راه ایران و توسط ایرانیان در آن سرزمین انتشار یافت. بسیاری از سلسله‌های ایرانی، یا ایرانی‌شده، در ولایت‌های آن اقلیم فرمانروائی کردند

گروهی بيمشار اردانشمندان و سخنوران ایران در دربار آن پادشاهان پناه جستند زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین رواج و انتشار یافت تا آنجا که گاهی زبان ادبی و رسمی و درباری شمرده شد

صدها سخنور فارسی زبان دربار پادشاهان هند روی آوردند یا در آن دستگاه بره‌رئ یافتند که نام بعضی از بررگ‌رین گویدگان و نویسندگان ادبیات فارسی در میان ایشان دیده میشود از مسعود سعد سلمان و ابوالرحمن رومی و سائى عزبوى و بصرالله بن عبدالحمید و امیر خسرو و حواجه حسن و عرفى تاصائب و کلیم و طالب و بیدل این سلسله همواره پیوسته بوده است و در زمانهای اخیر بررگانی از آن سرزمین برحاسته‌اند که بر افتخارات ادبیات برمایه فارسی افزوده‌اند و از آن حمله تنها ذکر نام غالب دهلوى و اقبال لاهورى برای اثبات مسدعا کفایت میکند

باین طریق تاریخ فرهنگ و زبان و ادبیات ایران و هندوستان با هم آمیخته است و این بیود معنوى هر گرگسستنى بیست البته با گفته باید گذاشت که مهمترین قسمت رابطه ایران همواره با مسلمانان هندوستان بوده است و پس از تقسیم آن سرزمین به دو کشور هندو و پاکستان، کشور اخیر از این پیوند آشائى دیرین سهمى بسیار بررگتر یافته است

اما اگر ازشیوه خاص شعر فارسی که در آن دیار پرورش یافت بگذریم، نویسندگان فارسی زبان هندو پاکستان در دورمین بر ادیبان ایران برترى یافته‌اند؛ یکى در امر تدوین و رهنگنامه و لعب و قواعد زبان فارسی و دیگرى در تست احوال و احار شاعران فارسی زبان ایرانیان خود باین دو امر توجه سایانى نداشته و درباره آن کارچیدانى نکرده‌اند و حتى میبوان گفت که تا این اوا حرار کوششهای

شانزده

برادران هندی و پاکستانی خود در این دو رشته آگاهی کافی نداشته‌اند
استقلال آن سرزمین و خصوصاً استحکام روابط مودت میان ایران و پاکستان،
گذشته از فواید مهم دیگر، این فایده عظیم را ببرد داشته‌است که پیوند فرهنگی دو
کشور محکم‌تر شده و با آمدن جوانان دانشمند و دانش‌پژوه پاکستانی به ایران،
ادیان این کشور بیشتر توانسته‌اند از علائق دیرین فرهنگی که ما را به هم مربوط
میکند آگاه شوند.

مونه و برهان صریح این معنی همی کتاب است که اکنون بدست خوانندگان
میرسد. مؤلف فاضل این کتاب آقای سیدعلی رضا بقوی که از چند سال پیش
در داشکده ادبیات تهران لدت صحت و آشنائی با ایشان را یافته‌ام نا این تألیف
گراسها تاب کرده‌اند که هور در میان برادران پاکستانی ما کسانى هستند که
میتوانند خدمت‌های شایسته‌ای بران و ادبیات فارسی انجام دهند

این کتاب جامع که باشوق و کوشش فراوان تدوین شده و همه نکات دقیق
علمی در تدوین آن مراعات گردیده‌است برای همه محققان و علاقه‌مندان به
تاریخ ادبیات فارسی سودمند و معتمد است و من خود از آن بهره فراوان برده‌ام و برای
مقدمه کوتاه اگر بکته‌ای ناید بفرمایم قدر دانی از همت و دقت و فضل و احاطه مؤلف
داسمدم بر موضوع کتاب است.

آرزو میکنم که این محقق دقیق و پرمایه توفیق یابد که در آینده آثار
گراسهای دیگر نیز درباره زبان و ادبیات فارسی که میراث مشترك دو کشور ایران
و پاکستان است به پژوهندگان دانش و ادب عرصه دارد

دکتر پرویز نائل حائری

اساد داشکده ادبیات تهران

۱۳۴۲/۱۲/۱۴

پیشگفتار

کتاب حاضر اصلاً رساله‌ای بود که نگارنده بعنوان پایان نامه دوره دکتری ریان وادیات دانشگاه تهران بر اهmannی استاد ارجمند جناب آقای دکتر برویر ناتل حائری در سال ۱۳۴۰-۴۱ تألیف کرد

علاقه ریان فارسی که ارواں کودکی در بهاد ایحباب بودیعه بهاده شده بود، دائماً مرا بر آن میداد که در راه تحصیل این ریان بوجه کافی وسعی وافیه میده ل دارم، اما بعللی تا مدتی نتوانستم در این راه بوفیق حاصل نمایم در سال ۱۹۴۹ میلادی یکه هیأت فرهنگیه ارسوروی وارد پاکستان شد و یکی اراعضای آن نام تورسوراده ساعر معروف آن کسور در جندین دانشکده و مرکز فرهنگیه سحرانیها ایراد و شعرهایی ریان شیرین فارسی انشاد کرد بحسب اتفاق ایحباب بیر در بعضی ارا این جلسات شرک داشتیم و ما کمال خوشوقتی بی بردم که مطالب آن سحرانیها را تمام و کمال درک میکنم همین احساس مرا بر آن داش که اطلاعات وسیعتری در این ریان کسب نمایم

در این سوی ودوق فراواں که برای کسب ریان فارسی داشتم، توانستم در مدت سته کوناھی در امتحان «مشیه فاصل» که مسلرم داشتن اطلاعات وسیعی در ریان وادیات فارسی اس موقعیتایان توحیهی بدسب آوزم همچنین بعلب دستگی فراواں

رمان و ادبیات فارسی در سال ۱۹۵۵ میلادی در امتحان فوق لیسانس فارسی دانشگاه کراچی در میان کلیه دانشجویان فارسی باحرار مقام اول نائل گردیدم

موقعیتهای متوالی در امتحانهای فارسی طبعاً موجب شد که عشق من سبب باین رمان افروده گردد و اندیشه‌ای را که از دوران کودکی برای مسافرت طالب علمی بایران، یعنی سرزمین فردوسی و سعدی و حافظ، در محبلیه خود میپروراندم در مرحله حقیقت بردیگسارم در همان اوان دانشگاه تهران به پیشنهاد آقای دکتر روستائیان واسه اسبق فرهنگی ایران در پاکستان موافقت خود را در مورد اعطای بورس تحصیلی بایجاب اعلام نمود و بدین ترتیب بگاریده فرصتی بدست آورد که آرزوهای خود را در مورد تحصیلات عالی در رشته رمان و ادبیات فارسی حامه عمل بپوساند و پس از گذراندن امتحانات مربوط در صدد تهیه رساله دکترای فارسی داسکده ادبیات برآمد

حوسختانه برادر گرامی، آقای دکتر سپریار بهوی، زوری صمصص صاحب فرمودید که مرحوم پروفیسور سیرانی داسمند معروف پاکستان را عقیده بر این بود که خدمات داسمندان هند و پاکستان در زمینه رمان و ادبیات فارسی مخصوصاً در قسمت تألیف فرهنگ و بدکره و تاریخ حبا که باید وساید بایرانیان شناسانده شده است باینرا این افرادی که بایران اعرام میسوند موطعد که این وطیعه حظیر را با حد امکان انجام دهد

ار آنجا که آقای دکتر شهریاری بر رساله دکترای خود را درباره « فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان »^۱ تهیه کرده بودند در انجام این سفارس و تحقیق آرزوی مرحوم پروفیسور سیرانی بایجاب بیر موضوع رساله دکترای خود را « بدکره نویسی فارسی در هند و پاکستان » انجاب نموده برای تهیه مدارك و مواد آن در سال ۱۳۳۵ س پاکستان رفتم و نامدتی ممانع و مآحدی را که در کتابخانه‌های آن دیار موجود بود مطالعه نموده بایران نارگسم

اتفاقاً در همان ایام، استاد دانشمند، جناب آقای دکتر محمد باقر، رئیس محترم
فسمب فارسی دانشگاه پنجاب لاهور، که در هنگام مسافرت اینجانب بپاکستان
در راه تهیه مدارك برای این تألیف همه گونه مساعدت و رهمائی فرموده بودند، بایران
تشریف آوردند و نظریه مراتب کوشش اینجانب در تحقیق و تنوع که شخصاً
در پاکستان شاهد آن بودند و همچنین اهمیت موضوع رساله فوق توصیه فرمودند که
ماسد آقای دکتر شریار رساله خود را بحای دکتراى دانشکده ادبیات برای
دکتراى زبان و ادبیات دانشگاه تهران تهیه کنم و با این پسار گذاردن امتحانات
مربوط در راه تکمیل و تهیه مدارك رساله خود کوششهای پی گیر بعمل آوردم و در مدت
هف سال دوبار بپاکستان مسافرت کرده کلیه تذکره هائی را که در کتابخانه های
آن سامان موجود بود بمطالعه در آوردم همچنین از کتابخانه های ایران و هند
اطلاعات مورد لزوم را بدست آورده رساله ای در موضوع فوق تنظیم نمودم که ایک
باعتبارات و اضافات لازم بملاقمندان ادبیات فارسی تقدیم میگردد

در کتاب حاضر نگارنده حتی المقدور سعی کرده اس که اطلاعات دس اول
را از مآخذ و منابع موجود بدست آورد و در صورت عدم دسترسی این اقدام را بوسیله
رفقا که در معاط خارج از ایران اقامت داشتند انجام دهد و در مواقعی که باطلاعات
خارج از حد امکانات موجود بیار بود، این احتیاج را بوسیله فهرس کتابخانه ها و
کتابهای دیگر بر طرف کرده اس این کتاب به یک مقدمه و چهار فصل تقسیم
شده اس، چنانکه از شرح تذکره های هر فصل بر میآید، فصول چهار گانه از لحاظ
اهمیت و کیفیت مطالب تذکره ها و انواع و سبک نگارس آن بایکدیگر متعاهت و
مختلفند

در آغاز هر فصل از وضع سیاسی و اجتماعی و ادنی آن دوره باحمال سخن رفته
و مختصراً سبک انشاء و اارس و اهمیت آن دوره تشریح گردیده و سپس شرح تذکره های
هر دوره برداشته شده اس

قبل از ورود بمبحث مطالاب و محتویات تذکره ها سئرح حال و آمار

ه انشاالله قسم فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد

همه کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد

دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه
دارد و کتب فارسی و کتب مقدسه و کتب آحادی که در این کتابخانه

پنجاب لاهور و دکتر علام سرور رئیس قسم فارسی دانشگاه کراچی و دانشمند و الامقام
حاج آقاي پير حسام الدين راشدي كه ار همه گونه راهنمائي لازم در مورد اين
كتاب دريغ فرموده اند

چهارم از استادان معظم حاج آقاي سعيد نفيسي و دکتر محمد معين و آقاي
محتي مينوي و اديب محترم آقاي احمد گلچين معاني كه به تنها در موارد و مواقع
مختلف به اين جانب ارائه طريق فرمودند بلكه با كمال خوشروئي احاره دادند كه
از كتابخانه هاي گرايبهاي ايشان استعاده كنم

پنجم از تمام استادان محترم دانشكده ادبيات كه بگاريده از محضر بر بر كشتان
كسب فيص نموده است

ششم از برادران عزيز آقا يان پروفيسور سيد حسن استاد اداره تحقيقات عربي
و فارسي پنهديد و دكتر صياء الدين ديساتي رئيس اداره با سانشناسي با گپورهند و
دكتر محمد مرسلين استاد دانشكده ادبيات دهلي كه در تهيه اطلاعات مورد لزوم
و نقل قسمتي ارتد كرده ها از كتابخانه هاي هند همكاري و همگامي فرموده اند

هفتم از دوستان داسميد آقا يان دكتر حسن سادات ناصري و عليعلي محمودي
بختيار و حليل دوستخواه و مرتضي صرايي و حاتم مهوس سرخوش و حاتم مهين
حاحيا پور كه در تكميل بعضي مطالب اين كتاب بدل لطف فرموده اند

هشتم از دانشمندان معظم آقا يان محمد تقوي داش بزوه و عليبي منروي كه
در موارد مختلف اين كتاب را راهنمائي فرموده اند و همچنين برؤسا و ساير كارمندان
كتابخانه هاي مجلس و ملي و ملك و دانشكده ادبيات و حقوق و مركري دانشگاه
تهران كه در استعاده از كتابخانه هاي مربوط نايحاجت كمك فرموده اند

نهم از آقاي علي اكبر علمي كه وسايل حاج اين كتاب را فراهم نموده اند
همچس از كارمندان حاجخانه علي اكبر علمي مخصوصاً از آقاي هدايتي كه
در چاپ اين كتاب نهايت محاهدت را بعمل آورده اند

ییسوسه

درپایان ار ایردمتعال مسألت دارم که در راه خدمت بیشتر بر بار و ادبیات
فارسی و معرفی فرهنگ ایران مرا موفق گرداناد و این سادات روری کناد که
قاحد امکان نتوانم حق احسانات و عایات مردم برر گوار ایران را ادا کم و
درتشید روابط ناگستنی فرهنگی دوملت بررگ و برادر پاکستان و ایران
رور هر رور کوشاتر باشم

سیدعلیر ضائقوی

مقدمه

معانی کلمه تذکره

الف- معانی کلمه تذکره در زبان عربی

کلمه تذکره در زبان عربی بمعنی «یاد کردن و یاد آوری و یاد کرد و یاد گار و گذرنامه» آمده است و هیچ‌کس به معنی کتابی در شرح حال و آثار حال نگار نگرفته است همان‌که حاجی حلیه در کشف الطون جلد اول^۲ هفتاد و هفت کتاب عربی را که اسم آنها به کلمه تذکره شروع می‌شود ذکر نموده است اما هیچ‌کدام راجع به ترجمه احوال رجال نیست و همه حاد معنی «یاد آوری و یاد گار» نگار نگرفته است ناید بوجهی که در زبان عربی برای کتبی که در ترجمه احوال باشد اصطلاحات دیل نگار می‌رود

(۱) **طبقات** - اگر شرح حال رجال در کتابی از روی طبعه به طبعه و سلسله به سلسله و قرون به قرون باشد آنرا «طبقات» می‌گویند و ما در طبقات الادباء تألیف کمال الدین ابی البرکات

۱- ر. ک «فرهنگ تاریخ فارسی» بخش نخست چاپ وزارت فرهنگ در خاندان هکستان سال ۱۳۱۹ ق. تا به تمام استاد و دایع الرمان فروزانفر

۲- ر. ک «کشف الطون» طبع و کالت المعارف ۱۳۶۰ هـ / ۱۹۴۱ تألیف مصطفی بن عبداللّه الشهبیر به حاجی حلیه و به کاتب حلیه جلد ۲ ص ۳۸۳-۳۹۳ حاجی حلیه در دیل کلمه تذکره اسم به کتاب ترکی را هم ذکر کرده است که یکی از آنها تذکره الاولیاء تألیف حواجه پاتنا (۸۹۱ م) و نقیه هشت کتاب تذکره الشعرا می‌باشد البته در میان آنها هیچ کتاب ناکلمه تذکره شروع نمی‌شود اما در هر حال معلوم می‌شود که در ترکیب فارسی کلمه تذکره بمعنی کتابی در ترجمه احوال نگار رفته است

عبدالرحمن متوفی ۵۷۷ هـ و طبقات الاولیاء تألیف سیح سراح الدین عمر متوفی ۸۰۳ هـ و طبقات الشعراء ابی همام البصری و اسمعیل بن یحیی البزید و غیره^۱

(۲) اسباب - اگر کتابی شرح حال رجال را از روی سستها و بلدان داشته باشد آن را اسباب میگویند مانند اسباب سمعانی^۲.

(۳) معجم - اگر در کتابی ترجمه احوال رجال از روی المصنف باشد آن را معجم میگویند مانند معجم الادباء تألیف یاقوت حموی در قرن هفتم و معجم المؤمنین تألیف عمر رضا کحال^۳

معانی کلمه تذکره در زبان فارسی

کلمه تذکره در فرهنگهای فارسی بمعانی دلیل آمده است
یادداشت و یاد آوردن و یاد دادن (فرهنگ آندراج) کتاب تاریخ حالات و اسعار
شعرا (فرهنگ نظام) یاد گار و یادداشت و چک مسافر (گذرنامه) و کتابی که در آن احوال
شعرا نوشته باشد (فرهنگ نعیمی ناظم الاطباء)

در تمام کتب ادبی فارسی (غیر از تذکره دولتشاه) و در زبان فارسی کلمه تذکره
معنی یاد گار و یادداشت و یاد آوری نگارفته است و تذکره در زبان صفویه بمعنی کتابی
در شرح حال و آثار شعرا پیدا کرده است

اگر در زبان فارسی این کلمه در زبان فارسی مختصراً بحکم شود
اولین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه «تذکره» شروع میشود «تذکره الاولیاء»
تألیف شیخ اجل فریدالدین عطار در اوایل قرن هفتم هجری است که در مقدمه آن

۱- برای ۳۶ کتاب طبقات عربی رجوع کنید به کشف الطیون ج ۲ ص ۱۰۹۵-۱۱۰۸ و برای

۲۹ کتاب طبقات دیگر در ک ایضاح المکنون ج ۲ ص ۷۸-۸۰

۲- برای ۳ کتاب ادب عربی رجوع کنید به کشف الطیون جلد ۱ صفحه ۱۷۸-۱۸۰ و

برای ۳ کتاب دیگر اسباب عربی در ک ایضاح المکنون ج ۱ ص ۱۳۲

۳- برای ۱۱ کتاب معجم عربی رجوع کنید به کشف الطیون جلد ۲ صفحه ۵۰۸-۵۰۹ و برای

۱۳ کتاب دیگر معجم عربی در ک ایضاح المکنون ج ۲ ص ۵۰۸-۵۰۹

«دیگر باعث آن بود که چون دیدم که روز گاری پدید آمده اس که الخیر شر و اشرار الناس احیار الناس را فراموش کرده اند تذکرهٔ ساختن اولیاء را این کتاب را تذکرهٔ الاولیاء نام نهادم تا اهل حسرا و روزگار اهل دولت را فراموش نکنند و گوشتی به فشیان و خلوت گرفتگان را طلب کنند و با ایشان رعیت نماید تا در سیم دولت ایشان به سعادت ارلی پیوسته گردند^۱

دومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع میشود رساله ای نام «تذکره» در آغار و احام تألیف شیخ نصیر الدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ هـ) است که مشتمل است بر بیست و فصل^۲ اینجا هم کلمه تذکره بمعنی یادآوری و پند دادن بکار رفته است سومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع میشود و در متن آن نیز کلمه تذکره بکار رفته است کتاب تذکره السعرا تألیف امیر دولتشاه سمرقندی سال ۸۹۲ هـ است که مؤلف در مقدمه کتاب مروری میویسد

«تلمای دین داد آمار و احار داده اند و ابواب قصص انبیاء بر روح خلق گساده اند سیح عطار که مرقد او در ریاحین انوار معطر داد در تذکره الاولیاء بد بیضاء نموده و مورخان را در تواریخ و مقامات سلاطین بوا نا مجلد ها برداشته اند و کتابها ساخته اند و همچنین در بلاد و مصلح عباد آنچه نایستی است فصلادر آن کار چند نموده اند و یاد گاری گذاشته اند بیب

آنچه مجهول مانده در عالم ذکر تاریخ و قصه سحر است
 چه آنکه علماء با وجود کمال و فصل بدین اوسانه در قلم ریخته نکرده و سر هم نرو و بیاورده اند و دیگران را اوقات مساعد نکرده و بلکه نصاعت آن بد اشته اند
 العنه تاریخ و تذکره و حالات این طایفه را هیچ آفریه از فصلا صط نموده اگر سطر
 ۱- رجوع کنید به «تذکره الاولیاء» چاپ چاپخانه مروری تهران ۱۳۲۲ ش ماه تمام محمد

قروبی ص ۵۹

۲- این کتاب از طرف دانشگاه تهران سال ۱۳۳۵ چاپ شده است

بروحه صواب درین انواب نموده آید حفاً که بروحه صلاح خواهد بود - این شکسه چون ارحار گنجینه معنی این رمور اصعا بمودم و دانستم که این صید ارفید صیادان این صناعت هسته و این در بروی ارباب طلب سسته اسب ار آنچه سسکسته سسته در مده | لعمردیده و از آن حوشه که ارحرمی کرام چیده نمودم ار تواریح معسره وارد و اوس اسادان ماصی و اشعار مقدمین و متاخرین و ارسایل معرقه و کتب سیر و غیر ذلک تاریخ و معامات و حالات سعرا ی بررگ کهد کرد و اویس و اشعار ایسان در اقالیم مشهور و مدکور اسب جمع نمودم و ار عهد اسلام الی یوم ما هدا به تمریب شمه ای ار تواریح سلاطین بررگ که شعرا ی نامدار برور گاران طایفه بوده اند در ان بد کره بعلم آوردم و ار منشئات اکانر و لطایف اعظم و تحقیق معرفت ابدان آنچه توانستم بعدر الوسع و الامکان در این بد کره نایر ادر سایدیم^۱

حنا که ارسطور فوق بر می آید و دلساه کلمه تد کره را بمعنی یادگار و کتابی در شرح حال شعرا بکار برده اسب

در رمان صفوی و تیموریان همدیر کلمه تد کره بمعنی «یادگار و کر» و کتابی در شرح حال و نمونه اشعار شعرا همدو بکار رفته اسب - مثلاً در کتب ریر کلمه تد کره بمعنی یادگار آمده اسب

۱) بد کره ساه طهماسب صفوی که ساه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴هـ) در این کتاب شرح حال و بعضی و فایع رمان سلطنت خود را ار ابتدای خلوس دررور دوسه به ۱۹ رحب ۹۳۰ هـ نارمان تألیف کتاب (۹) دکر کرده اسب و در مقدمه کتاب میویسد «بحاطر سسکسته حظور کرد که اراحوالاب و سرگذسب خود تد کره ای بعلم آورم که ارا ابتدای خلوس الی یزما هدا احوال و سب دوع گدسته اسب نارمن بر سیل یادگار دررور گار نماید و دستور العمل اولاد ادهاد و احسان سود^۲»

السناء» در انشاء سمرقندی چاپ کتابت فروشی نارانی تهران باهتمام محمد

۲) تذکره همایون واکر که بایریدنیات نیرمایشاکر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴هـ) در ۹۹۹هـ تألیف کرد و آن کتاب مشتمل است بر وقایعی از ۹۴۹ تا ۹۹۹هـ از زمان همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳هـ) واکر شاه^۱

۳) تذکره الملوك تألیف در حدود سال ۱۱۳۸هـ مشتملست بر «دستور العمل هر يك» ارباب میاصد در گاه معلى موافق ارمه سلاطین صغویه.

۴) تذکره آسدرام محصل - در تاریخ حنك بین محمد ساه بادشاه هند (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) و بادشاه افشار بادشاه ایران (۱۱۴۸-۱۱۶۰هـ) میباشد «

۵) تذکره الملوك تألیف یحیی حان میرمسی فرح سیر بادساه هند (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) که تاریخ عمومی هند اررمان فتح هند بدست مسلمانان تا ۱۱۴۹هـ میباشد^۲

۶) تذکره الحواتین تألیف میر دوستی سال ۹۵۵هـ که مشتملست بر اشعار شعرا
۷) تذکره بصرت یا منتجب لطایف الحیال که میرزا محمد صالح حسینی در ۱۱۰۴هـ تألیف کرده اس و آن نیز مشتملست بر اشعار شعرا .

در این فیل کتب کلمه تذکره بمعنی یادگار و یادآوری نگارفته اس
در تذکره «تحفه سامی» تألیف سام میرزا صفوی در ۹۵۷هـ نیز کلمه تذکره بمعنی
دکرو یادآوری آمده اس حاکم مؤلف در مقدمه آن میوید

«محمود نماید که این سحه هر حا که صاحبقران معفور مد کور میگردد
مراد حصرت شاه ماصی اس و هر کحا که صاحبقران مرفوم میسود غرض شاه عالم باه
گیتی ستان اس که به معضای دگری السلطان تیرل الامان «تذکره» ایشان
مستلزم آمال و اما نیست و سرمایه سعادت دو جهانی^۳

امادر «تذکره نصرآبادی» تألیف محمد ظاهر نصرآبادی در ۱۰۸۳هـ کلمه
تذکره بمعنی کتابی در شرح حال و نمونه اسعار و سعرا نگارفته اس و مؤلف در مقدمه

۱- این کتاب در هند از طرف رایل ایشیاتک سوسایتی آف بنگال سال ۱۳۶۰/۱۹۴۱م

چاپ شده است

۲- تذکره آتفه ۴۰۹

۳- تذکره تحفه سامی چاپ مطبعه ارمغان تهران ۱۳۱۴ش

مکرر بمعنی تذکره الشعرا یعنی کتابی که حاوی شرح حال و نمونه اشعار شعرا باشد آورده اسب مثلاً در مقدمه میگوید

«هنوز در عجم «تذکره» جامع این اشعار (بیست) و کس بر این هم نکرده»^۱

(۳) در ریاض العارفین بیرهدایب کلمه «تذکره» را بمعنی یادگار و مجموعه احوال و اشعار شعراء هردو مکاربرده است چنان که در مقدمه کتاب مذکور میویسد «بعضی اراصحاب را عره احباب این فقیر ضعیف بی مقدار را ترعیب و تحریص فرمودند که چه باشد که «تذکره» بحیث تنصیر اهل بصیرت مستمل بر ادواز و اشعار و سلسله طریقت و قایدان حقیقت این طبقه شریعه جمع نماید که طالبان و راغبان طریقه همه طریقت را در حالات این قوم استحصار و اعتنای و آیندگان را تذکری از خاکسار حاصل آید»^۲

(۴) همچنین در تذکره رسجات تألیف سحاب اصمهبائی و تذکره عبدالرراق بیک دبلئی و تذکره درویش نوای کاشانی و تذکره محمدشاهی نواب بهمیرا و تذکره احمر و تذکره دلگشا و تذکره السلاطین و تذکره صاحبقران یا بوستان خیال تألیف میر محمد تقی حسین ۱۲۷۹ هـ و تذکره طلعب تألیف طلعب اعتمادمقدم عبا چاپ تهران ۱۳۲۹ س و کتب دیگر تذکره الشعرا کلمه «تذکره» بمعنی تذکره الشعرا بکاررفته است

خلاصه امروز کلمه تذکره در ادبیات فارسی ایران بمعنی «کتابی محوی شرح حال و نمونه اشعار شعرا» بکارمرو

اما باید توجه داشت که کلمه تذکره در سه فاره هندو و پاکستان در این دوره بمعنی کتابی در شرح حال رجال بکاررفته اسب مانند تذکره الامرا کیولرام و تذکره علمای هند تألیف احمد علی و تذکره حوسویسان تألیف مولانا علام محمد

۱- ر ك مجمع الصحا چاپ تهران

۲- ر ك ریاض العارفین چاپ تهران

همب قلمی دهلوی که به ترتیب در شرح حال امراء و علماء و حوشنویسان می باشد ولی در این دوره در شه قاره هند و پاکستان نیز تنها کلمه «تد کره» بمعنی تد کره الشعرا بکار رفته است و میرود

تعریف تد کره و مبطور از کلمه تد کره در این کتاب

چنانکه در سطور فوق توضیح داده شد طبق اصطلاح ادبی که اررمان ریده وقاجار علیه یافته اس بد کره کتابیس که در آن سرح حال و آثار شاعری با عده ای ار شعرا آمده باشد - در این کتاب تد کره نگار به تنها اسعار شعرا را نقل میکند بلکه شرح حال آنها را هم می نویسد و گاهی اسم آثار و تألیفات هر ساعر را در دیل شرح حال وی ذکر نموده در باره آن محصرأ بحث میکند و همچنین در موقع نقل اشعار شعرا گاهی در باره آن نظر خود و دیگران را در باره گوینده آن نیز ذکر میکند

اگر کتابی فاقد سرح حال شعرا باشد و تنها به نقل نمونه اسعار شعرا محدود باشد آن را طبق اصطلاح ادبی تد کره نمی گوید بلکه «بیاض» یا «حنگ» یا «سینه» می گوید (رجوع شود به «بعضی اصطلاحات مربوط به تد کره» در سطور دیل)
نظر به تعریف فوق در این رساله کلمه «تد کره» بمعنی تد کره الشعرا یعنی کتابی که حاوی سرح حال و نمونه اسعار شعرا باشد بکار رفته است
بعضی اصطلاحات مربوط به تد کره

در ادبیات فارسی بعضی اصطلاحات بکار رفته است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط به تد کره می باشد و بنا بر این لازم میداند که در باره آن توضیح مختصری در اینجا داده شود

(۱) **بیاض** - فرهنگ نویسندگان فارسی این کلمه را بمعنی دیل آورده اند
«ارسواد به بیاض آورده و صاف کرده شده (فرهنگ آندراج) نوشتن با خط واضح روی مسوده - کتاب مستطیلی که در آن ادعیه یا اسعار و مطالب متفرقه نوشته یا نوشته - کتابچه ای که چپ باد داس در بغل

Ajong, Jong (Junk -

[illegible][illegible]

معمولی در زبان چینی «^۱» «^۲» عبارت از صورت های ساده کلمات است که باید
در زبان فارسی به کار رود و اینها را می توان به گونه ای دیگر نیز نوشت:

[illegible]

• باب ۱۵۵ | حق تعالیٰ عز و جل در ردی و نفی استیلا در آید و بگوید

(استعماری و فساد) / یوسف / کندی / محتاط

[illegible]

این اصطلاح ظاهر است به بیاض تاره تراست و بهمان معنی بیاض ~~بیا~~ شد باین
فرق که لارم نیست حگ مانند بیاض ارطول نازشود

باید اذعان کرد که این اصطلاح بمعنی مجموعه اشعار و آثار ادبا و غیره
تنها در ایران معمول بوده و در شعبه قاره هند و پاکستان نه در قدیم هند و نه امروز
هیچوقت معمول بوده است و بنابراین در آن سرزمین مجموعه ای بنام « حنگ »
ترتیب داده شده است

حنگهای متعددی در کتابخانه های ایران مانند کتابخانه های دانشکده
ادبیات و مرگری و مدرسه سپهسالار و مجلس وجود دارد که غالباً مجموعه اشعار و
احبار و احادیث و حکایات و غیره میباشد

(۳) سفینه - این کلمه را در فرهنگهای فارسی به معانی دلی نوشته اند
« در عرف بیاض را گوید که قطع طولانی باشد و اعتنا آن در جهت طول
بود در حق طول و شبیه بوده کشتی از عالم تسمیه الشیعی باسم مشه به (فرهنگ آندراج).
دفتری که در آن منتحات اشعار شعرا متعدد باشد که نامهای دیگرش حنگ و
بیاض شعراست - دیوان شعرا را هم سفینه شعر گوید چنانچه حافظ گوید :

در این زمانه رفیعی که حالی از حلل است

صراحی می ناب و سفینه عرل است

وجه تسمیه کتاب شعر به سفینه شاید از این بوده که دفتر اشعار منتخب عموماً
مستطیل بوده بشکل کشتی و از طول نامیشده چنانچه حگ هم در ترکی بمعنی
کشتی است و در معنی دفتر نظم و شرمسب استعمال شده ممکنست وجه تسمیه این
باشد که دفتر اشعار منتخب تشبیه به کشتی شده که در آن هر قسم مال التجاره هست
(فرهنگ نظام)^۱

در ادبیات قدیم فارسی کلمه سفینه بمعنی مجموعه اشعار و آثار ادبی در چندین
کتاب آمده است . اولین کسانی که به ما رسیده و در آن کلمه سفینه بکار رفته دیوان

کمال الدین اسمعیل (متوفی ۶۳۵هـ) است که شاعر در قطعه‌ای در وصف سعینه شعر،
کلمه «سعینه» را در ابیات زیر بکار برده است:

در این سفینه نگه کن بچشم معنی بین کی^۱ رشک لعنت مانی و صورت چینست
سفینه چیست؟ غلط می‌کنم کی^۲ دریائیتست
کی^۱ دست عقل را طراف آن گهر چینست.

«سعینا» را در بحر دیده‌اند سی سعینه که درو بحر ها بود ایست
همچنین در کتاب «المعجم فی معانی اشعار العجم» تألیف شمس قیس راری
(میان سالهای ۶۲۳ و ۶۲۸هـ) در عبارات زیر کلمه سعینه بکار رفته است

(۱) «بعضی اشعار خویش بر «سعینه» کی بخت او کرده بود می‌نوش
روزی گف حواحه امام حق بعم تو شناخته بود و ترا بد سیار گفته (اسب) و
هجوها کرده بر «سعینه» من نوشته. گفم «سعینه» بیار تا سگرم»^۳
(۲) «وفایده بصیحتی کی از روی سعب با او گفته‌ام این بود کی هجو (و
دشنام) من در عراق و حراسان (بر) گوشه «سعینه‌ها» مثب ما بده اس»^۴

همچنین در بیت زیر حافظ که در سطور فوق در ردیف معنی کلمه «سعینه» از فرهنگ
نظام نقل شده نیز این کلمه بکار رفته است:

در این زمانه رویی که حالی از حلال است صراحی می‌باف و سعینه غزل اسب
ظاهراً بر عکس آنچه در فرهنگ نظام آمده اسب اینجا کلمه سعینه به همان
معنی «مجموعه اشعار» بکار رفته اسب نه بمعنی دیوان اشعار

خلاصه سعینه که مانند جنگ معنی لغوی آن «کسی» اسب در ادبیات فارسی

۱- در بعضی کتب قدیم «که» صورت «کی» می‌نوشته‌اند مثلاً ر. ک. المعجم فی معانی اشعار
العجم چاپ دانشگاه تهران با اهتمام استاد مدرس رضوی ۱۳۳۵ ش

۲- ر. ک. مجموعه ده دیوان چستر بیٹی (Chester Beatty) چاپ دبلین
ایرلند با همکاری استاد محترم آقای محتسب میبوی

۳- ر. ک. المعجم چاپ دانشگاه ۱۳۳۵ ش، صفحه ۴۵۱

درست بمعنی «جنگ» نگارفته است

این اصطلاح در ایران و سه فاره هندوستان و کشورهای دیگر فارسی ربان بمعنی فوق نگار رفته است. سفینه‌های متعددی در کتابخانه های ایران و پاکستان موجود است البته گاهی نویسنده آن يك دو حمله در معرفی گوینده اشعار بر میآورد مانند سفینه علی حرین (برای اطلاعات بیشتر درباره این کتاب رجوع شود به بحث مفصل آن در کتاب حاضر)

باید توجه داشت که در هندوستان تذکره‌هایی بنام سفینه نوشته شده است که البته منظور نویسندگان آن اصطلاح مخصوص ادبی سفینه بوده بلکه تنها ینماست معبوی لعوی آن که کشتی باشد و دارای همه سوغ اشیاء و مردم است بمعنی کتابی نگارفته که در آن دگر اشعار و شرح حال شعرای مختلف می‌باشد مانند سفینه بی‌جبر و سفینه السعراء و سفینه حوسگوا^۱

(۴) مرقع - در فرهنگ‌های فارسی معانی این کلمه را بدین قرار ضبط کرده‌اند.

کتاب تصویر و حرفه دلق درویشان چه که این هر دو چیز رقع رقع و پاره پاره با هم جمع کرده شده باشد (فرهنگ آذرباج) قطعه‌های تصویر که بشکل کتاب جمع کرده شده‌اند محاراً قطعه‌های حرس نویسی که بشکل کتاب جمع شده باشد (فرهنگ نظام) ساخته شده آریاره پاره‌های به هم جمع کرده و حرقه و دلق درویشان و کتاب تصاویر و کتابی که از قطعه‌های خطوط مختلف ترتیب داده شده باشد (فرهنگ یسی)

خلاصه مرقع که ایست الموم باشد که در آن اشعار و تصاویر شعر و آیات قرآن و پاره‌های نثر به حط‌حوب نوشته باشد گاهی مرقع را با اشعاری یا پاره‌ها نثر حط گویندگان و نویسندگان آن ترتیب داده عکس آن‌ها را بر در آن می‌گذارند معمولاً مرقع مربوط به کارهای هنری مانند نمونه‌های حط خوشنویسان می‌باشد که آن‌را از

نظر شهرت حطا طان و بعضی آثار ادبی شعرا و نویسندگان بخط خوب تهیه کرده گاهی حروف و حاشیه آنرا تذهیب و تزیین میکنند مانند مرقعی که رکن الدین طغرل بن ارسلان از اشعار شعرا بحط رین الدین و تصویر آنها بهلم حمال نقاش اصفهانی در ۵۸۰ هـ ترتیب داده بود و راوندی ذکر آنرا در «راحة الصدور» آورده است^۱ همچنین مرقعی که طغر حار تربتی متخلص به احسن در زمان نظامی کامل ترتیب داده بود و سرخوس آنرا اشتها تأد کره نوشته است چنانکه مینویسد

«تد کره اشعار سجنوران که ناوی ربط آسائی داشته مثل صائب و کلیم و سلیم و قدسی و دانش و میر صیدی و سالک یردی و سالک فروینی و غیرهم که در آن رمان کوس سخنوری مینوحتند انتخاب هر کدام بخط او نویسانیده بر پس ورق صورت آن معنی - نسخ نیز ثبت کرده بود يك ورق که بر او شبیه کلیم بود فعیر پیش عیان دیده و صورتش را زیارت کرده ام»^۲

همچنین رجوع کنیده مرقعی که خوشگو از شعرای مختلف ترتیب داده بود (رجوع شود به آثار خوشگو در دیل «سینه خوشگوی» در این کتاب)

بعضی اسامی دیگر از این نوع مجموعه ها **کشکول** است مانند کشکول سیح بهائی که مجموعه ای از آثار در موضوعات ادبی و عرفانی و تاریخی میباشد و کشکول بهرامی که آثاری در موضوعات متنوع دارد اما حننه مدهی آن دست راست و محلات بمعنی توبره مانند محلات شیخ بهائی و **کراسه** بمعنی مجموعه کوچک مانند کراسه المعی و غیره بر هسب که هر يك از آنها مجموعه آثار ادبی و عرفانی و تاریخی و مدهی و مسائل دیگر میباشد و هیچ نوع تخصیصی از لحاظ موضوع در آنها رعایت نشده است

اهمیت ادبی بیاض و جشک و سفینه و غیره

ناید نوحه دانش که بیاض و جشک و سفینه و غیره بر مانند تد کره در رنده نگه داشت سیاری از آثار شادنا و اسعار و سحرای فارسی بخش سیار مهمی را ناری

۱- ر ك. پایان بحث درباره اولین تد کره فارسی در همین مقدمه

۲- ر ك. کلمات الشعر احاط لاهور ص ۵ و چاپ بدراس صفحه ۷

کرده اند و میتوان گفت که اگر امروز بیاض و حنک و مجموعه های دیگر ادبی وجود داشت دبای ادب فارسی از وجود بسیاری از آثار گرانمای ادبی فارسی محروم میشد و همچنین اسم عده ای از نویسندگان و گویندگان آن نکلی در پرده حفا میماند

اما تنها بعض بزرگ این قبیل مجموعه ها این است که گرد آوردن آن در باره رندگی نویسندگان آن آثار هیچ نوع شرحی نداده اند و در نتیجه غیر از اسم آنها اطلاع دیگری بدست خواننده نمیرسد و البته خواننده ای که بمطالبت حال و مهمی در این قبیل مجموعه ها بر می خورد علاقه پیدا میکند که اطلاعات بیشتری در باره نویسنده یا گوینده آن را بدست آورد و چه بسا گرد آورنده چنین مجموعه ها که با نویسندگان و سمرائی که آثار آن در این مجموعه ها آمده است معاصر و همزمان و حتی گاهی از بزرگ آنها آشنایان بوده و یا وسایل کافی دیگر برای شناساندن و معرفی آنها را در اختیار داشته است اما بعزت تساهل یا عدم توجه داین نکته مهم هیچ شرحی در باره این شعرا و نویسندگان نداده است. البته در اکثر موارد این بقیصه نامر احصیه نه تدکره ها و تواریخ رفع می گردد اما در مورد شعرا و نویسندگانی که تدکره ها در هیچ تدکره و تواریخ بیامده خواننده نکلی بی اطلاع میماند

اولین تدکره فارسی

قدیم ترین کتابی در ترجمه احوال و نمونه اسعار شعرا که ما امروز در باره آن اطلاع داریم لبالب الالباب تألیف سدیدالدین محمد عوفی است و خود عوفی بر در بیان فصل دوم مقدمه الکتاب ادعا کرده است که لبالب الالباب اولین کتاب در طبقات شعرای فارسی میباشد چنانکه میگوید .

«سک برب که در این سیوه در طبقات شعرای عرب چند تألیف ساخته اند .. ولکن در طبقات شعرای عجم هیچ تألیف مشاهده بقتاده و هیچ مجموعه در نظر بیامده است »

اما باید توجه داشت که دو کتاب دیگر سیه نه تدکره قبل از لبالب الالباب عوفی تألیف شده است یکی مناقب السعراء تألیف ابی طاهر الحاتونی که در اواخر

قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری میریسته‌اس و دیگر چهار معاله نظامی عروضی سمرقندی که در حدود ۵۰۵ هـ تألیف شده‌اس .

مرحوم پروفیسور براون عقیده داشت که قبل از لب‌الالباء جند تذکره دیگر میر به فارسی نوشته شده و اینکه «مناقب الشعراء» کتاب تذکره شعرا بوده‌اس چنانکه در مقدمه مجلد دوم لب‌الالباء (مقدمه مصحح) در دیل بحث در باره این کتاب مینویسد «عرت این کتاب لب‌الالباء در این است که در این فن تقریباً یادگار وحید اس اگرچه قبل از این چند تذکره‌های دیگر در احوال و متأثر شعرای فرس نوشته شده از قبیل مناقب الشعراء ابوطاهر حاتوبی و غیره ولی اکثر آنها دستخوش حوادث و پایمال مرور زمان گشته الا کتاب چهار معاله نظامی عروضی سمرقندی که در اوایل قرن سادس نوشته شد و در ۱۳۰۵ در دار الخلافه طهران مطبوع گردید - در آن کتاب هم اگرچه ضمناً از گروهی از مشاهیر شعرای متقدمین دگری رفته‌اس ولی مقصود اصلی مؤلف عیر از آن بوده‌اس بحالی کتاب لب‌الالباء که اصل مرام مؤلف همین بوده‌اس که حتی المقدور از شعرای مشهور دگری و افکار انکار و منتحاسعار اریسان بر سیل نموده یادگاری در صحایف کتاب بها گذارده»^۱

اما ناید ادعا کرد که مناقب الشعراء تذکره الشعراء بوده‌اس و تا آنجا که ما اطلاع داریم هیچ کتاب قبل از لب‌الالباء در این موضوع یعنی شرح حال و نمونه اشعار شعرا نوشته نشده‌اس

دولتساه که لب‌الالباء را دیده بود و از خود آن نیز اطلاعی نداس (و در این هیچ سکی نیست چون اگر وی لب‌الالباء را دیده بود افلا میتواسا بر مطالب آن اسفاده کند و تذکره او بر ارا علاط و استباهات مختلف که تذکره عوفی از آن ناك است نمیسد) در مقدمه تذکره خود ادعا میکند که تاریخ و تذکره و حالات شعرای فارسی را هیچ آفریده از فصلا صبط سموده‌اس ناید توجه داش که خود دولتساه در دو مورد از «مناقب الشعراء» نقل کرده‌اس - ما بر این اگر مناقب الشعراء

تذکره شعرا بود دولتشاه این ناقص و اصح را بین قول و فعل خود مرتکب نمیشد
طاهرأ منافع الشعراء مجموعه حکایات ادبی راجع به محاصرات و مشاعرات شعرا و
منتجاتی از اسعار آنان بوده است

کتاب دیگر شبیه به تذکره یعنی چهارمقاله نظامی عروضی بیرکات تذکره
سوده اسب خان که قول پر و سوزن را و در ساره آن در سطور فوق نقل گردید
اولا مقصود مؤلف بیان دستور العمل رفتار چهار طایفه اربخا وادشاه یعنی طرز کار
دیرو شاعر و محم و طیب و جمع آوری حکایات حالسی در باره دیبران و شعرا و
منجمان و طایبان بوده بعد کراحوال ردگی شعرا و نقل منتجات اشعار آنان که
شرط اول تذکره الشعرا میباشد، باینجا ارحمله چهار مقاله کتاب مؤلف تنها یک
مقاله (مقاله دوم) را برای ذکر «علم ماهیت شعر و صلاحیت شاعر» و حکایاتی راجع به
بعضی شعرا مخصوص کرده اسب و این حکایات تنها به بعضی احوال ردگی شعرای
مدکور اشاره میکند و شرح حال این شعرا را کاملاً بیان نمیکند چنانکه یکی از
لوارم تذکره الشعرا میباشد.

در اینجا باید اضافه کرد که عوفی در پایان مقدمه باب دوازدهم (جلد دوم)
اساره نکاتی کرده اسب که ممکن اسب برای خواننده موجب اشتباه گردد
چنانکه مینویسد

«تمام این افاصل را احل محترم محدالدوله والدین سیدالافاصل والکتاب
دام فضله در دیوان ذکر کرده است و اشعار ایشان تمام و کمال آورده».

اما این «دیوان» محدالدوله بیترحمماً کتاب تذکره الشعرا سوده و محتملاً
مستمل بر منتجات اشعار شعرا بوده اسب حوا اگر موضوع این کتاب ترحمماً احوال
شعرا و نمونه اسعار آنان بوده عوفی در مقدمه کتاب خود (چنانکه در سطور فوق
گفتیم) ادعا نمیکرد که لدالالاه در این موضوع تعاریف اولین کتاب

همچنین محمد بن علی بن سلیمان راوندی در «راحه الصدور» در دلیل سب تألیف

کتاب خود مینویسد

۲ - در مورد شرح حال شعرا عموماً تنها مآخذ اطلاع مآخذ کرده ها می باشد چون اکثر مورخین در موقع شرح وقایع سیاسی رمان سلاطین و پادشاهان و کارهای نمایان که آنها انجام داده اند در کتاب تاریخ یا اصلاً دگر در کتب تاریخی معاصر سلاطین و پادشاهان مذکور نیاورده یا تنها به دگر اسامی شعرا یا جید بیت یا قصیده ای که آنها در مدح سلاطین سروده و یا در مواقع مخصوص ساخته بودند اکتفا کرده اند و بدرت شرحی درباره گوینده چنین اشعار در کتب خود آورده اند. البته نباید فراموش کرد که بعضی از کتب تاریخ در ضمن وقایع رمان سلاطین به تنها اشعار شعرا یا معاصر آنها را نقل کرده بلکه حتی گاهی شرح حال عده ای از آنها را در فصل علی حده ای آورده اند مانند مآثر رحیمی و منتخب التواریخ و سیر المآثرین و غیره

۳ - بعضی تدکیره های عمومی اشعار شعرا را منقذ و متأخر هر دور اشاملس و نامراجع به این تدکیره ها خوانده میتواند اطلاعات مفیدی درباره سیر و تحول شعر فارسی را ارقذیم تارمان تألیف کتاب بدست آورد این قبیل تدکیره ها برای تدوین و ترتیب تاریخ شعر فارسی بسیار لازم میتاسد مانند لال الالب و عروت العاشق و خلاصة الاسعار و ریاض الشعراء و محرن العرا و ابیس العاشق و گل رعنا و خلاصة الافکار و امثال آن

۴ - گاهی برخی اردکیره نگاران در ذیل شرح حال شعرا در ضمن بیان وضع سیاسی دوره شان به بعضی وقایع مهم تاریخی بیراشاره میتکنند با شرح آن وقایع میپردارند که بعلل مختلف ارقلم مورخن افتاده یا در کتب تاریخ باین شرح و بسط دگر شده است و چون آن وقایع را تدکیره نگار بدشم خود دیده و در تدکیره خود ثبت میتنماید با براین ادرس و اعتبار آن بیانات فوق العاده زیاد میتاسد. مثلاً اطلاعاتی که میرعلام علی آراد در «حرا به عامره» در ذیل شرح حال بعضی ارامرای معاصر آورده اسب یکی ار مآخذ اصیل و فوق العاده مفید برای بی بردن بدوضع تاریخی و سیاسی آن دوره میتاسد و هم چنین حرین در «تدکرة الاحوال» و واله در «ریاض الشعراء» در ضمن شرح حال خود بعضی وقایع سیاسی رمان خود را بیان کرده اند که ارحیت تاریخی ار مآخذ اصیل و بسیار

۵) بعضی تذکره ها در دلیل شرح حال شعرا اشاره بوضع اجتماعی رمان ایشان میکنند و همچنین بعضی از حکایات و لطایفی که در تذکره ها آمده است گوشه ای از آداب و رسوم آن دوره را بیان میدارند و حتی بعضی نکات محلول و مهم اجتماعی آن عهد را روشن میسارند

۶) بعضی از تذکره ها بدست ادبای نام آور و شعرای ماهر تالیف شده که در ضمن شرح حال یا نقل اشعار برخی از شعرا درباره مقام ادبی آنها یا اهمیت بعضی اشعارشان اظهار نظر میکنند و این قبیل عمایند و بطریقات در تعیین نایه علمی و ادبی شعرای مذکور خیلی کمک و راهنمایی میکند مثلاً آرزو که یکی از بوابع دیره آخر تیموریان همد بوده در تذکره «مجمع العیاس» نظرهایی درباره شعرا یا اشعار آنان داده است که از لحاظ بعد ادبی خیلی مفید و ارزنده میباشد

۷) گاهی از تذکره نگاران در ضمن نقل اشعار ساعری بعضی از اشعار شاعری را شرح داده اند و بطریباتی که بعضی از ایشان بویسندگان به تنها شعر میسروده بلکه در تذکره معانی و مطالب اشعار بپردازای اسعد ادکافی بوده اند این فیدل شرح اشعار بعضی نکات مهم را روشن و اسکالات آنرا مرتفع میسارند (مثلاً رجوع شود به «حرا به عامره»)

۸) بعضی تذکره نگاران صاحب ذوق سر تا سر دیوان بعضی شعرا را با دقت مطالعه کرده و اشعار خوب آنها را انتخاب نموده و گاهی هرازان بیب این شعرا را در تذکره خود ثبت کرده اند و برای این که تنها اشعار خوب شعرا را میجوهند دیگر احتیاج ندیوان شعرا دارند و تنها بمطالعه تذکره های مرورا کتفامینمایند ما بد خلاصه اشعار تعنی کاسی و خلاصه اشعار (= هیحانه االیب محمد صوفی مار درانی)

۹) غالب تذکره نویسندگان اشعار و شرح حال مفصل خود را در تذکره های خود آورده اند در صورتیکه شرح حال مفصل اکثرشان را نمیتوان از کس دیگر بدست آورد و ما خود بوده و سایرین اگر تذکره های آنها مرور

بحالمانده بود ماهه تنها ار اشعار و شرح حال بسیاری ار شعرائی که در این تدکرها
دکر شده محروم میسیدیم بلکه حتی نمیتوانستیم شرح حال و نمونه آثار معصل نویسدگان
آنها را هم ار حای دیگر بدست آوریم

۱۰) بعضی ارتدکرها نگاران در موقع نقل اشعار و شرح حال شعرا ار بعضی کتب
تاریخ و تدکرها و دیوان و غیره اسفاده کرده اند که امر و رار بین رفته است مانند تدکرها
حیات الشعراء متین کشمیری ار مآخذ گل رعنا و حرا به عامره و نگارستان سخن و
اختر تابان و تدکرها منیر لاهوری ار مآخذ صحیفه ابراهیم و شام غریبان ار مآخذ اختر
تابان و نگارستان سخن و مایح الافکار و آفتاب عالم تاب و حواهر رواهر و خریطه
حواهر و تدکرها باع ارم و تدکرها (حوهر) پی زری و بنشر عم ار مآخذ اختر تابان و امثال
آن سامر این تدکرها هائیکه مطالبی ار این کتابها نقل و اقتباس نموده اند برای
حواسدگان امر و ر که بهیچ حوه دسترسی به مآخذ ار میان رفته آنها ندارد در داری
اهمیت و ادرس فراوان میبازد

۱۱) عده ای ارتدکرها نویسان بر بعضی اشعار شعرا ایراد گرفته یا آنها را اصلاح
نموده اند اگر این ایرادات صحیح و حالی ار عرض و تعصب باشد در سخن مقام ادبی شعری
مر نور اهدیت حاصی دارد (مثلا رجوع شود به «مجمع النقایس» آرزو و «حرا به عامره» آراد
و «معدن الحواهر» مولوی محمد مهدی و اصف و «گلزار اعظم» نواب اعظم)

۱۲) برخی ارتدکرها نگاران اشعار شعرائی را با اشعار دیگران مقایسه نموده و
همچنین در موقع نقل اشعارشان اشعار را که شعری دیگر در همان معنی یار دین و قافیه
سروده اند بر نقل کرده اند (مثلا رجوع شود به حرا به عامره و سمیه خوشگوی و تکمله
مقالات الشعراء و گلزار اعظم و غیره)

۱۳) در بعضی تدکرها نویسندگان آن حکایات حالی در باره شعرا و ملوک
وامرا نقل کرده اند که عالما در کتب تاریخ و غیره بیان سده است این حکایات بعضی
گوسه های رندگی این شعرا و ملوک و امرا را روشن میسازد که در صحت بودن این
حکایات تاریک و مبهم میماند (مثلا رجوع شود به خلاصه الاسعار و تدکرها حسینی و سمیه

حوشگوی و مجالس العشاق و غیره).

در اکثر موارد این حکایات از حای دیگر اقتباس شده است اما نویسندگان غالباً
 مآخذ اطلاعات خود را ذکر نموده اند بنا بر این در مورد شعرای قدیم تر نمیتوان با قوال
 تذکره نگاران اطمینان کرد، مثلاً اکثر حکایات «حلاصة الانعار» تقی کاسی (و مجالس -
 العشاق تألیف سلطان حسین بایقرا) درباره عشق و عاشقی شعرانامعنر و طاهرا مجعول
 میباشد اما حکایاتی که آنها در باره معاصرین خود آورده اند اعداد بسیار بسیار بیشتری دارد و
 میتوان این بیانات و روایات را قبول کرد

۱۴- چون بعضی مردم صاحب ذوق تنها نداشتن مجموعه ای از اشعار خوب شعران را
 شرح حال مختصر گویند گان آن علاقمند میباشند^۱ و اکثرشان فرصت کافی برای مطالعه
 دیوان شعران ندارند و یا دیوان شعران در دسترسشان نیست، بنا بر این غالب تذکره ها و سایل
 سرگرمی آنها را فراهم میآورد و احتیاج آنان را رفع میسازد

شرایط تذکره نگاری

تذکره نگاری مستلزم شرایطی است که در ذیل خلاصه میشود

۱- اولین شرط تذکره نگاری ذوق و استعداد علمی و ادبی نویسنده و علاقه او
 به شعر است، و ارزش و اهمیت و مرجعیت هر تذکره منحصر به ذوق ادبی و پایه علمی و وسعت
 مطالعه نویسنده آن میباشد

۲- تذکره نگار باید فرصت کافی و وسایل لازم برای تألیف تذکره داشته باشد

۱- یکی از مقاصد مهم تذکره ها تهیه اشعار منتخب خوب از شعران و شرح حال مختصرشان بوده
 است چنانکه آذر در تذکره آتشکده در مورد منظور خود از تألیف این تذکره میگوید

(تا) هر وقت دل را شوق سبحان هر يك از متقدمین غالب گردد تماشاى این گلزار بیچار
 کرده از مصحات ریاحین گفتار این مشام حان را رشك ساخت گلشن سار و هر گاه خاطر مصاحبت
 هر يك از معاصرین را طالب باشد ملاحظه این گنج پر بها نموده از لمعات حواهر کلام آن گوس دل
 را غیرت و ادای میسارد - دمی بایاری مشتاق العتی بی بقا دارد و بعضی دادوستی دمسار صحتی
 بی اسار بحای آرد (رک آتشکده چاپ تهران ۱۳۳۷ ق. باهتمام سید جعفر شهیدی ص ۴)

چون در صورت بودن فرصت و فعدان وسایل لازم نمیتواند ارعده این کار خطیر
برآید .

۳- نویسنده باید در دلیل شرح حال هر شاعر اطلاعات زیر را بهم رساند

(۱) اسم و کنیه و تحلیص و القاب و نسب شاعر (۲) سال و محل و تولد شاعر (۳) وضع
اجتماعی و سیاسی رمان او (۴) دوره تحصیلات و شاگردی و اسم استادانی که شاعر شاگرد
آنها بوده (۵) تاریخچه مشاغل شاعر (۶) آثار شاعر و بحث محصری درباره آن (۷) اسامی
فرریدان و شاگردان او (۸) نظر نویسنده و دیگران درباره مقام و پایه ادبی شاعر
و همچنین دلایل و مدارک در تأیید و اسات عقیده نویسنده

۴- نویسنده باید شرح حال سعرا را از مآخذ معتبر تهیه کند. بهترین و معتبر-
ترین مأخذ برای این منظور خود صاحب ترجمه میباشد اگر نویسنده به خود شاعر
دسترس نداشته یا صاحب ترجمه قنایوت کرده باشد باید برای کسب اطلاعات لازم
به کسان و بر دیگران و دوستان صاحب ترجمه مراجعه کرد

در مورد شعرای گذشته شرح حالشان را باید از کتب تاریخ و تذکره معتبر
اقتباس و نقل کرد و نقل از قول هر مطلبی جهت تحقیق لازم بمآخذ معتبر رجوع کرد و
در صورت اختلاف بیانات و روایات بین تذکره نویسان و مورخین باید اقوالشان را
مورد تحریه و تحقیق قرار داده قول معاصرین و دوستان و بر دیگران صاحب ترجمه را بر
قول دیگران ترجیح داد

۵- تذکره نگار در موقع بعد ادبی باید انصاف و عدالت را ادرس بدهد و از
روی تعصب و گروه بندی به تعریف و تمجید کسی پردارد و همیشه باید محاسن و اوقع
نگاری را در نظر داشته از مبالغه و دروغ بافی خودداری کند

۶- تذکره نگار باید از «اطناب ممل و ایحار محل» و عارت آرائی بی حاصل
پرهیزد و تنها مطالبی را در تذکره خود جا دهد که برای موضوع آن مفید و
نااررس باشد

۷- نویسنده باید سعی کند که حتی المقدور اسعار هر شاعر را شخصاً انتخاب کند

واردتد کره‌های دیگر نقل‌نکند چون در صورت‌احیر خواننده نمیتواند دوق و معیار صحیح خودتد کره نگار را درک کند

۸- نویسنده باید اشعار هر شاعری را طوری انتخاب کند که مقام و پایه ادبی واقعی گوینده آن در نظر خواننده روشن و ظاهر گردد و همچنین اسعار و آثار او را مورد نقد و سنجش قرار داده خوب و بد آن را بی‌کم و زیاد نشان بدهد

۹- تد کره نگار باید تنها اشخاصی را درتد کره خود ذکر کند که حقیقتاً شاعر بوده‌اند نه اینکه احوال و آثار هر کس و با کسی را که یک‌دوش شعر سروده‌اند درتد کره خود حاد دهد

معایب و محاسن تد کره‌های فارسی

باید بطرداشتن شرایط تد کره نگاری که در سطور فوق ذکر شد میتوان گفت که هیچکدام ارتد کره نگاران فارسی در کتاب خود نتوانسته‌اند کلیه شرایط فوق را رعایت کنند. معایب و محاسن تد کره‌های فارسی (مخصوصاً اره‌ندوب‌باکستان) از روی شرایط سابق‌الد کریکایک در ردیل خلاصه میگردد

۱- در میان تد کره نگاران فارسی (مخصوصاً اره‌ندوب‌باکستان) بسیاری از ایشان صاحب دوق شعر و اهل علم و ادب بوده و عالیشان شعر میسروده‌اند همچنین عده کثیری از آنان صاحب فصل و دانش بوده‌اند و با این اړ لحاظ دوق و استعداد علمی شایستگی ترتیب‌دادن تد کره را داشته‌اند، مانند عوفی و بحری هروی و صوفی مارندری و عبدالسی و میر عماد الهی و سرخوش و آزاد بلگرامی و سراج‌الدین علیخان آرزو و میرعلیسیر قانع تنوی و علی‌ابراهیم خان حلیل و مصحفی‌امرو هوی و سواب صدیق حسود کرمحمد اسحق و دکنتر عرفانی

باید بوجه‌داس که، انتخاب اسعار اساساً منحصر به دوق تد کره نگار میباشد و واگرویی دارای درقی خوب نباشد اسعاری را که از اسعاران انتخاب میکند طبعاً خوب بچراهند بود اما برعکس اگر تد کره نگار دوق بی‌استعدادی سحر را داسه

باسد انتخاب او حال خواهد بود

سیاری ارتد کره نویسان فارسی سعی کرده اند تنها اشعاری را که دارای صنایع و بدایع و مضامین دقیق و معانی مشکل و افکار صعب الفهم باشد اسباب کنند و کمتر به روایی و شیرینی و فصاحت و محاسن دیگر شعر توجه داشته اند، مثلاً عوفی که لباب الالباب، اولی تد کره فارسی، را تألیف نموده است بهمن مرض مشکل پسندی و علاقه بفرآوانی صنایع و بدایع مبتلا بوده چنانکه در تد کره وی اکثر اشعار منتخب فاقد لطف و عذوب اما پرار ترا کیب عرب و عجیب و اسعارات و تشبیهات بارد می باشد.^۱

ار لحاظ حسن انتخاب اسعار «میحانه» عبدالنی و «حلاصة الشعراء» (= «انتخابه» تألیف محمد صوفی ماریدرانی) و «سحنوران ایران در عصر حاصر» بهترین تد کره های فارسی می باشد

۲- برخی را آنها فرصت کافی و وسایل لازم برای تألیف تد کره نداشتند چنانکه ابوطالب تریری مؤلف «حلاصة الافکار» در مقدمه کتاب خود ارداس فرسنو و وسایل کافی گد و سکوه کرده و اعراف نموده است که اگر وی محال بیستری و کتب لازم را در اختیار داشت می توانست تد کره ای به مراتب بهتر و جامع تر ترتیب دهد. همچنین و الهمؤلف «ریاض الشعراء» در کتاب خود دوباره بداس فرصت کافی و جمعیت حاضر ند کرده است و حریر مؤلف «تد کره المعاصرین» کتاب خود را از روی محفوظات حاضر خود بدو داس نداشتها و کتب لازم در مدت بهرورت تألیف نموده و حتی محال نکرده است که در این تد کره دوباره نظر کند چنانکه یک نفر بهام مخدرباوندی را عیادرتحت دو عنوان مکرر و دو شماره متوالی (۷۶ و ۷۵) ذکر نموده است

۳- غالب تد کره نویسان در تهیه شرح حال شعرا دقت و تلاش لازم را بعمل نیاورده و حتی در مورد معاصرین و دوستان خود و کسانی که شخصاً با آنها ملاقات کرده بودند اطلاعات کاملی در تد کره های خود نیاورده بد و طاهرراً اکثر آنها ملروم این موضوع توجه نکرده و به اهمیت آری سرده اند چنانکه عوفی مؤلف «لباب الالباب»

با وجود اینکه بسیاری از صاحبان ترجمه را شخصاً ملاقات کرده بودند معذک در باره ریدگی آنها اطلاعات لازم را بدست نداده است (رجوع شود به بحث در باره «لئال الالاب» در این کتاب).

همچنین موهن لعل ایس مؤلف «ایس الاحنا» که تذکره استاد خود و شاگردان او را ترتیب داده است اصلاً به اهمیت ذکر احوال مفصل صاحبان ترجمه توجه نکرده و حتی در شرح حال خود اطلاعات لازم در باره ریدگی خود بیاورده و غالباً به شکسته نفسی بی خود و عبارت پردازی بیمعنی اکتفا کرده است.

اکثر تذکره نویسان غالباً اسم آثار شعرا را ذکر کرده و بندرت در باره آنها بحث کرده اند. همچنین در بسیاری از تذکره های فارسی نویسندگان آن نظر خود و دیگران را در باره شعرا ذکر نکرده و غالباً به تعیین مقام و پایه ادبی علمی شعرا پرداخته اند مثلاً علاء الدوله قزوینی مؤلف «نعائس المآثر» بر گفته های هیحکس ایراد گرفته و همین امر موجب انتقاد علیه او از طرف دناوی مؤلف «منتخب التواریخ» شده است.

۴- برخی از تذکره نگاران سعی کرده اند شرح حال و اشعار شعرا را از خودسان یا اقوام و خویشاوندان آنها یا منابع معسر دیگر بدست آورند اما اکثر نویسندگان تذکره های فارسی باین نکته هم توجه نداشته اند. از این لحاظ بهترین تذکره های فارسی «میحانه» تألیف عبدالسی قزوینی و «سجنوران ایران در عصر» حاصر تألیف کرم محمد اسحق میباشد که نویسندگان آن در تهیه شرح حال شعرا تلاش لازم نموده و حدیب فراوان بخرچ داده و هر چه در کتاب خود در باره شعرا ذکر نموده اند بعد از تحقیق و تنقید لازم نموده اند.

همچنین آراد بلگرامی مؤلف دیدیسا و سروآراد و حرا به عامره و خوشگو مؤلف سمنه خوشگوی (مخصوصاً دفتر سوم) شرح حال بعضی از شعرا را از خودشان گرفته و در مورد دیگران از منابع معتبر نقل و اقتباس نموده اند.

۵- همچنین کسانی که بطر خود را در باره شعرا داده اند کمتر از روی انصاف و

واقعی بوده است. بعضی از آنها مانند تقی اوحدی در تعریف هر کس و نا کس راه مبالغه پیموده و حتی شعرای سیار با چپ و بیمایه را هم بطور اعراق آمیزی ستوده اند.

عالم تد کره نویسان اردوستان خود حیلی تعریف کرده اند با وجود اینکه گاهی اکثر آنان مستحق آن نبودند مثلاً رجوع شود به انیس الاحا (و آتشکده آدر) و تد کره المعاصرین حرین و سخنوران چشم دیده و گلزار اعظم و شمع ایجنمن تألیف نواب صدیق و دو تد کره دیگر تألیف فریدان او

برخی از نویسندگان در موقع انتقاد بر شعرا گاهی از حدود عدالت تجاوز نموده و مرتکب بی عدالتی و تعصب شده اند مثلاً رجوع شود به مجمع النقایس آرو (و آتشکده آدر) و گلزار اعظم

با یاد اداغان کرد که در چنین مواقع اکثر ایرادات علیه شعرا راجع به اشتباه در استعمال بعضی اصطلاحات و غیره بوده است و همه چنین در مواقع تعریف و تمجید از شعرا یا تنقیح ارایسان عالماً بصحاب استعمال اصطلاحات و دقت مصامین و تارگی افکار و بلند پرواری تحیل شاعر و احتساب ارتکار مضامین دیگران و فراوانی صایع و بدایع و نارگی تراکیب بوده و کمتر کسی از نویسندگان تد کره های فارسی بر وانی و لطافت ربان توجه داشته و از لحاظ عدوس و فصاحت و بلاغت اشعار شعرا را مورد سبجش قرار داده است مثلاً رجوع شود به مجمع النقایس و حرا نه عامره و گلزار اعظم

البته برعکس این تد کره نگاران بندرت بعضی تد کره نویسان جنبه فصاحت و روائی ربان شاعر را هم در نظر داشته اند ما سداً آتشکده که مخصوصاً بر گویندگان سکه هندی سبختی و تبدی تاخته و بر اشعار آنان بعلب فقدان محاسن فوق شدیداً انتقاد نموده است اما گاهی او بر اشعار سست و کم ارزش شعرا را انتخاب نموده و سعی کرده است بپایه و مقام شعر آنان را در نظر حواسده کمتر از آنچه بوده حلوه دهد

۶- اکثر تد کره نویسان فارسی در موقع تعریف شعرا مخصوصاً از استادان و مر بیان خود راه اطباب و عبارت پردازی پیموده اند. مثلاً رجوع شود به انیس الاحا همچنین گاهی مطالبی را در تد کره خود آورده اند که باصل موضوع کتاب مربوط نبوده است

مثلاً رجوع شود به مرآت الحیال شیرخان لودی (رجوع شود به بحث درباره این تذکره در این کتاب).

۷- غالب تذکره نویسان فارسی مخصوصاً متأخرین اشعار شعری گذشته و حتی گاهی اشعار معاصران را ارتد کره هائی که قبل از آنها دیگران تألیف کرده اند اقتباس و نقل کرده و خودشان کمتر حجم انتخاب اشعار را بخود داده اند بنابراین اشعار را که در تذکره خود از شعرا نقل کرده اند محدوداسب با انتخاب از اشعاری که در تذکره های سابق ضبط شده اسب مثلاً رجوع شود به بزم آرای وهب اقلیم و سعینه خوشگوی (دفتر اول و دوم) و گل رعنا و انیس العائسین و بشر عشق و ریاض الشعرا و محرر العرایب و بهارستان سخن و گلدسید و تذکره کاتب و شمع احسن و صبح گلشن و رور و رسن.

اما بعضی ارتد کره نگاران تقریباً تمام اشعار شعرا را خودشان انتخاب کرده و در تذکره خود ضبط نموده اند مانند لباب الالباب و خلاصه الاسعار (مخصوصاً حاتمه) و خلاصه الشعرا (میخانه تألیف محمد مصوفی مار بدران) و میخانه و سر و آراد و تذکره المعاصرین حرین و تکمله معالات السعرا و تذکره بی نظیر و انیس الاحباء و محک شعرا و سخنوران چشم دیده و هب آسمان و گلدسه کرناک و اسارات نبش و صبح وطن و گلزار اعظم و سحروران ایران در عصر حاضر و شعرا عصر پهلوی

۸- تذکره نویسان فارسی غالباً در موقع انتخاب اشعار شعرا سعی کرده اند اشعار خوب آنهارا انتخاب نموده و در تذکره های خود ثبت کنند و چون این تذکره ها فاقد اشعار کم ارزش این شعرا میباید نمیتوان آنها بوسیله اشعار نقل شده مقام واقعی این شعرا را تعیین نمود. برخی از آنها مانند آذر در تذکره خود اردوستان و آشنایان خود اشعار خوب را انتخاب کرده و از کسانی که درباره آنها بطرحوب داشته اند تمهیداً اشعار نیمزه و بی ارزش را انتخاب کرده اند و بنابراین در حین موارد مقام واقعی ساعر را نمیتوان تنها از این تذکره ها درک کرد

۹- اکثر تذکره های عمومی فارسی دارای يك بعض بررک دیگری هم میباشد که گاهی در کسر برای بیمایه بی ارزش می بردارد که از روی انصاف و بعد واقعی

شعر نمیتوان آنها را حرو شعرا حساب کرد و این امر را جامعیت کتاب دانسته اند. اکثر این شعرا چند شعر بیشتر سروده اند و آن هم از لحاظ سنجش شعر هیچ ارزش ندارد. مثلاً رجوع شود به کتاب لبا الالباب و حواهر العجایب و عرفات العاشقین و ریاض الشعرا و خلاصه الافکار و محرر العرایب و انیس العاشقین و گل رعنا و مقالات الشعراء قانع و مجمع النهایس و شمع الحمن و نگارستان سحن و صبح گلشن و روروشن.

بعضی از این تذکره نگاران در شب اسامی و اشعار برخی از شعرای بیمایه بطری داشته اند چون شعرای مر بور حر و دوستان و آسایان و شاگردان آنها بوده و بدین وسیله حواسته اند حق دوستی و ساگردی و استادی را ادا کرده باشند مثلاً رجوع شود به انیس الاحد و سخنوران چشم دیده

اشکالات در راه تذکره نگاران قدیم

امروز باید فراموش کرد که اشکالاتی هم در راه تذکره نگاران قدیم وجود داشت و عمده اشکالات نبودن وسایل کافی رفو آمد و مکاتبه و فقدان وسایل طبع و نشر کتاب و دانستن کتابخانه های عمومی و قلت فرصت نگارگری نویسنده گان در مساعل رورانه خود می باشد

در نتیجه اختراع وسایل جدید و وسیع ماشینهای امروز مسافرت از یک نقطه کشور بلکه از یک نقطه دیگر با سانی انجام میگیرد و وسایل مسافرت و تماس با مردم و مراجعه کتابخانه ها که حرو لوازم کار تحقیق و تنوع می باشد برای مردم امروزه جهان (سریط تحمل محارح مربوطه) کاملاً میسر است

اما در قدیم مسافرت از یک نقطه به نقطه دیگر کشوری حتمه ها و گاهی ماهها طول میکشید و نه تنها وسایل دید و محو رفو آمد در آن ایام وجود نداشت بلکه چنین مسافرتها خطر حائی هم در برداشت و چه سا مسافران و قافله هائی که در راه بدست راهران افتاده اسیر یا کشته شدند و هیچوقت نتوانستند بمصد خود برسند.

برعکس امروز، در قدیم کتابخانه های محروم و مرتب عمومی وجود نداشت و معمولاً کتابخانه ها در ملکیت یک نفر امیر یا پادشاه بود و بنا بر این استفاده از آن کتابخانه ها

غالباً برای سایرین مقدور نبود. اکثر این کتابخانه‌ها اصلاً فهرست مرتبی نداشت و اگر احیاناً فهرستی هم داشت مثل امروز چندین نسخه تهیه و در اختیار علاقمندان قرار نمیگرفت. بنابراین دیگران معمولاً در خایر آن بی اطلاع بودند و اگر اتفاقاً کسی بوسیله شخصی درباره وجود نسخه‌ای از کتاب در یکی از این کتابخانه‌ها اطلاع پیدا میکرد رسیدن او بدان کتابخانه و مراجعه به نسخه مطلوب کتاب مستلزم تحمل چندین نوع اشکالات و سختی‌ها بود.

همچنین بعثت بودن وسایل خوب و مرتب مکاتبه و ارتباط، قبل از احضار وسایل جدید مانند پست و تلگراف و تلفن، اگر کسی کتابی یا توضیح مطلبی را از دیگری میخواست تنها راه مراجعه شخصی یا فرستادن کسی برد آن دیگری بود چنانکه در سطور فوق گذشت یکی از اشکالات مهم دیگر در قدیم فقدان وسایل چاپ کتاب بود و نسخه برداری کتب تنها با دست صورت می گرفت و به همین علت نسخه‌های هر کتاب از معدود چند تجاوز نمی کرد و بنابراین تهیه نسخه‌ای از کتابی برای مردم عادی کار بسیار مشکلی بود.

همچنین گرفتاری و مشغولیت مردم در کارهای روزانه تا آنها کمر محال میداد که سالهائی از عمر خود را صرف تألیف و تصنیف کتاب نمایند بطور ناشکالات سابق الذکر و نامساعد بودن اوضاع عمومی نویسندگان در قدیم اگر کسی در تألیف و ترتیب کتابی مانند تذکره توفیق پیدا میکرد این امر خود سابه عشق و علاقه فراوان وی به آن موضوع بوده و باید از طرف مردم امروری مورد تحسین و آفرین واقع شود.

انگیزه های تذکره نگاری

انگیزه‌هایی که معمولاً موجب وجود آمدن تذکره‌های فارسی بوده است در سطور ذیل بطور خلاصه بیان میگردد.

۱) آرزوی کسب شهرت جاوید- اولین انگیزه ای در هر کار تحلیقی معمولاً

سهراب شخصی میباشد هر کس میخواهد در دنیا مشهور و معروف گردد

و اینکه در آینده بر اسم او را به بیکوئی سرید این آرزوی حاویدماندن در نهاد آدم سرشته شده است و همین اصل در مورد تذکره نگاری هم صدق میکند.

(۲) **دوق ادبی** - انگیر مهم دیگر که موجب بوحد آمدن کلیه آثار ادبی میباشد دوق ادبی مؤلف است. اکثر تذکره نگاران اشعاری را که از خواندن لذت میبرده اند جمع آوری نموده و سپس شرح حال گویندگان آن اشعار را تهیه نموده بصورت تذکره در آورده اند.

(۳) **رقابت وجوابگوئی** - بعضی تذکره هادر نتیجه رقابت بوحد آمده است و در جواب تذکره های دیگر تألیف شده است مانند «مردم دیده» که حاکم در جواب مجمع - النقایس آرزو ترتیب داد و صبح «وطن که» بواب اعظم در جواب گلدسته کرباتک و «گلزار اعظم» که بواب مر بورد در جواب معدن الحواهر تألیف مولوی محمد و اصف ترتیب داده است

(۴) **گروه بندی** - بعضی تذکره نگاران تذکره هائی در د کردستان و آشنایان و شاگردان و اسادان خود تهیه نموده و طی آن صاحبان ترجمه را بطور اغراق آمیزی تعریف کرده اند مانند «ایس الاحبا» که درد کرباخر مکین (استاد مؤلف) و استاد و شاگردان او میباشد و «گلدسته کرباتک» درد کرباخر مدارس که اکثرشان بامؤلف دوست و آشنا بودند میباشد و مؤلف بعضی از شعرای مدارس را که در باره آنها نظر خوبی نداشت یا آنها حرو دوستان وی نبود در کتاب خود ذکر نکرده است

«اشارات یش» که درد کرباخر مدارس کرباتک اس و اکثرشان در اجمن ادبی بنام محفل مشاعر اعظم که بواب اعظم تأسیس نموده بود و مؤلف هم حرو اعضای آن بود شرکت داشتند و «صبح وطن» که در جواب گلدسته کرباتک اس درد کرباخر مداری است که بواب اعظم مؤلف این تذکره آشنا بودند و اکثرشان در گلدسته کرباتک د کربنده بودند و «گلزار اعظم» تذکره شعرائیست که اکثرشان عضو اجمن مر بور سام «محفل مشاعر اعظم» بودند و «مردم دیده» که در جواب مجمع النقایس آرزو تألیف شده است درد کرباخر مداریست که مؤلف با آنها دوست بوده و بعضی از آنها را آرزو در تذکره خود ذکر نکرده

بود و «تذکرة المعاصرین» حرین تذکره رفعا و آشایان مؤلف است که همه آنها سیه بود و مؤلف با آنها ملاقات کرده بود.

۵) تشویق پادشاهان و امرا - گاهی نویسندگان در نتیجه تشویق پادشاهی یا امیری به تألیف کتاب پرداخته اند و یا ناامید بدست آوردن انعام و اکرام پادشاهی یا امیری دست نایب کار میرده اند. بسیاری از تذکره ها نام سلاطین و امراء تألیف شده است اما در باره اینکه آیا نویسندگان بوسیله عنوان کتاب بام سلاطین و امرا از آنها انعام و اکرام گرفته اند یا نه هیچ اطلاعی در دست نیست البته بعید نیست عنوان کتاب نام پادشاهی یا امیری موجب تشویق و تعدیر بیشتری در حق نویسنده از طرف کسی که تذکره بام او تألیف شده، گردیده باشد.

کتاب تاریخ و تذکره ارقصه های انعام و اکرام پادشاهان و امرا ایران و شبه قاره هند و پاکستان که آنها در حق طایفه شعرا و ادبا معمول داشته مسخ و سبب همس تشویق و قدردانی سلاطین و امرا موجب بوجود آمدن بسیاری از آثار فارسی از جمله تذکره و تاریخ می باشد شعرا و ادبای فارسی به تنهادر مدح پادشاهان و امرا در بار آنها شعر میسروده بلکه در باره کارهای نمایان آنها واحددو اسلافشان کتاب تاریخ تألیف و برای ذکر شعرا در باره ارقصه های فیض و خود سلاطین بر رک و امرا معتد تذکره هائی ترتیب میداده اند مثلاً «مآثر رحیمی» به تنهاتاریخ وقایع سیاسی رمان تیموریان هند را صبط کرده بلکه ذکر شعرا و دیگر ارجوان انعام و اکرام عبدالرحیم خان حانان سبذسالار معروف ادب پرور اکبر ساه مستفیض میگردیده اند بطور مفصل آورده است و «تاریخ جهانگیری» ذکر شعرا و رمان اکبر و جهانگیری و «مجمع الشعرا و جهانگیری» ذکر شعرا و دیگر در مدح جهانگیری شعر سروده اند و «طبعات ساه جهانگیری» ذکر شعرا و رمان تیموریان و پادشاهان تیموریان و «اسرار بیس» و «گلدسته کرناٹک» و «صح وطن» و «گلزار اعظم» ذکر بسیاری از شعرا و دیگر ارجوان به بوناب اعظم و بدر او بهره ور میشده اند آورده است و غالب تذکره هائی که در بهونال تألیف شده است مانند «سمع النحن» و «نگارستان سخن» و غیره ذکر شعرا و ادبائی را بر ساملسب که از طرف بوابان

بهوپال مورد لطف و تشویق واقع شده اند .

همچنین بسیاری از نویسندگان نامید تشویق و تقدیر از رحمت خود و برای حل توحه بیشتر پادشاهان و امرا آثار خود را حمله کتب تذکره را بنام آنها آراسته اند چنانکه «لباب الالباب» عوفی بنام عین الملك فخرالدین وریر ناصرالدین قباچه و «خواهر العجایب» را فحری بنام ماهم دایه اکر شاه و «برم آرای» را سید علی حسینی بام مربی خود بنام عبدالرحیم خانجانبان و «حلاصة الاشعار» را تقی کاسی اول بنام شاه طهماسب صفوی اول و سپس بنام شاه عباس بزرگ صفوی و در آخر بنام ابراهیم عادل شاه سلطان بیجاپور عنوان کرده و «حلاصة الشعرا» را عبداللطیف گجراتی بنام خواجہ ابوالحسن مشهدی ملقب به لشکر خان و «مجمع الشعرا» را قاطعی و «عرفات العاسقین» را تقی کاشی بنام جہانگیر شام و «حلاصة الافکار» را ابوطالب اصفهانی بنام مربی خود آصف الدوله بواب وزیر اود و «انیس العاشقین» را رتن سگه رخمی بنام بصیرالدین حیدر پادشاه اود و «نتایح الافکار» را قدرت بنام بواب اعظم و «احسن تان» را ابوالعاسم محسنم و «تذکرۃ الحواتین» را ملک الکتاب شیرازی بنام شاه جهان بیگم والیه بهوپال آراسته است *

مختصری درباره تربیت شعرا و ادبای فارسی از طرف پادشاهان و امرای هند

پادشاهان قدیم سه قاره هند مخصوصاً سلاطین غوری و خلجی و تیموری و امرای دربارشان در ترویج و اشاعه زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین خدمات بسیار گرا سپائی را انجام داده اند و چون در سطور فوق صحبت از تشویق و تقدیر پادشاهان و امرای هندوستان بمیان آمده است لازم می داند مختصری درباره این موضوع ایتجا توضیح داده شود

الف . از ابتدای سلطنت غریویان تا زمان تیموریان

زبان فارسی در زمان سکنتکین و محمود غزنوی وارد هند شد اما قبادر آخر زمان غریویان چون لاهور مرکز سلطنت آنها شد پادشاهان این سلسله به سرپرستی شعرا

هندی الاصل مانند ابوالعرج رونی و مسعود سعد سلمان لاهوری همت گماشتند بعد از
غزنویان سلاطین غوری و امرای آنها (که علام سلاطین مرپور بودند) مانند ناصرالدین
قباچه و شمس الدین ایلتمش همواره در تربیب و ورورش ادبامیکوشیدند و آپهارات تحت
سایه عطف خود می گرفتند در زمانیکه معولان بر ایران حمله کرده بسیاری از شهرها
و بلاد آباد این مملکت را آتش زده و به خاک یکسان کردند و هر اران نعر اراهای این
سرزمین به هندوستان مهاجرت کرده و در آن کشور اردسب معولان و وحشی پناه بردند. در
میان این مهاجرین بعضی اهل علم و ادب هم و خود داشتند مانند عوفی مؤلف لباب الالباب
و مباح سراح مؤلف طبقات ناصری و از طرف پادشاهان و امرای و وررای هند مورد حمایت
و تریب واقع شده بمناصب و مراتب عالی رسیدند غالب این ادباء کتاب های خود را به
نام پادشاهان و امرای مرپور آراسته اند چنانکه عوفی تذکره خود را بنام عن الملک -
فخر الدین حسینی و وزیر ناصرالدین قباچه و ترجمه فارسی العرج بعد السدة را بنام ناصر
الدین قباچه و حوامع الحکایات را بنام ناصرالدین قباچه شروع و سپس بنامش
نظام الملک قوام الدین حیدری و وزیر التمش تمام و بنام او عنوان کرده است

همچنین پادشاهان دهلی و امرای دربار آنان عده کثیری از اهل ادب و هنر را
تربیب می کرده اند چنانکه در بار امیر جهو و ساهرا ده محمد قاسم و سلطان علا الدین
حلجی مرکراهل فصل و هر و راناب سرواد بوده و شعرائی مانند امیر حسرو و حواحه
حس دهلوی حر و دمای خاص آنان بودند.

ب . تیموریان هند

در باره تشویق و تربیب اهل علم و ادب از طرف ساهان تیموری هند و امرای آنها
تاریخ نویسان و تذکره نگاران فارسی معصل سخن گفته اند. در میان پادشاهان تیموری
اسم اکبر و حامی دیگر و ساه جهان و در میان امرای ایشان اسم میرم حان و فرزند ادب پرور
او عبد الرحیم حان حانان و ساهرا ده دار اسکوه و نرها الملک سعادت خان بيشابوری
قائد کربد و دربار آنها مرکرو مجمع شعرا و ادبا و اهل هنر بوده چنانکه کتب تاریخ
و تذکره و آثار شعرا و آراستہ های انعام و اکرام آنها مسحوب مثلاً صاحب «میخانه»

(در صفحه ۲۵) مینویسد:

«این مثل میان عالمیان اشتهار سرشاری دارد که هر کسیك نوبت گشت هند نمود و بهره ارا این ملك فیاض برداشت و قبی که به ایران رفت اگر در راه این سرزمین و این بلاد میرد البته در آرزوی این حال که مراد میمیرد»

همین علت بود که شعرا و دانشمندان ایرانی در زمان تیموریان هند گروه گروه به هندوستان مهاجرت کرده و ارجوان به مآب سامست تمیض میشده اند.

غلامعلی آراد بلگرامی راجع به پرورش و تربیت اهل علم و فضل در دربار تیموریان هند در «خرانه عامره» در دیل آرزو (ص ۱۱۶-۱۱۷) چنین مینویسد

«در عهد ایشان هیچ خاندان عمده در ایران و توران نماند که در هندوستان نیامده و بدولتی و جمعیتی نرسید چون اینها هر کردول را دائرة وار احاطه کردند و در حدب مردم ولایت (ایران) حکم مقاطیس بهم رساندند هر عامی و سوفی به توقع منصب هفت هزاری حاسب دهند و دید تا به بحا و ارباب کمال چه رسد آرا جمله فرقه شعرا مثل غزالی مشهدی و عرفی سراری و تنائی مشهدی و بطیری و بشاری و بوعی خوشابی و مشفق بحاری و حکیم رکناکشی و طالب آملی و ابوطالب کلیم همدانی و قدسی مشهدی و میرزا عنایت اصفهانی و دیگر حماع لا تعد و لا تحصى که تاریخ نامها مفصل تصریح میکند ارا هندوستان رایان (یعنی هندوستان نژادان) در عهدا کمری سیح فیضی لوای شاعری بر افراحت و بحطاب ملك السعرائی سرمایه افتخار اندوخت و معاصرین شیخ فیضی ملاشیری کو کووایی و شاهای کالیوی و صمیری بلگرامی و در عصر حها نگیری و شام حهای سیدا و منیر که هر کدام صاحب لکه بیب (صد هر اربیت) اسب و سیح محمد محسن نابی کشمیری و محمد طاهر غنی کشمیری و اقرا اینها بر م سخن چیدند و غاره تاره بر روی این شاه در عا مالیدند و در عهد حلد مکان نا وصف عدم توحه پادشاه شعر علو کرد و ارا هر گوشه شاعری بر حاست و هم در این عهد ناصر علی و میرزا بیدل طرح سخن به ائین تاره انداختند» .

ج . از زمان تسلط انگلیسها تا حال

باید توجه داشت که قبل از تسلط انگلیسها بر شبه قاره هندو یا کستان رمان فارسی رمان درباری و رسمی و ادبی آن کشور بود و حتی تا مدتی بعد از تسلط انگلیسها با وجود کوشش و جدیب آنها برای برکندن ریشه فارسی از آن سرزمین هنوز فارسی زبان ادبی هندوستان بوده و شعرائی مانند آردو و غالب غیر از اردو بر زبان فارسی هم شعر میسرودید و حتی دیوانهائی بر زبان فارسی ترتیب داده و با سعار فارسی خود افتخار میکرده اند چنانکه غالب دهلوی میگوید .

فارسی بین تا سینی نقش های رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که سرگ من اسب

بعد از تسلط انگلیسها در ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۱۲۷۴ هـ بتدریج زبانهای انگلیسی و اردو و هندیهای فارسی را گرفتند اما تا مدتی هنوز در بعضی نواحی نیم مستقل شمع شعرو ادب فارسی روش بوده است مراکز مهم ادب فارسی در این دوره اود و مدراس و حیدرآباد دکن و بومبال بود که در ادب تسویق حکام این نواحی نویسندگان فارسی کسی بفارسی تألیف میکرده و شعرا بر مسمخ آراسه گاهی ترتیب دیوانهای فارسی می برداخته اند

پادشاهان اود که اصلا ایرانی نبودند اهل علم و ادب را تشویق میکرده اند و حتی در این زمان نیز بعضی ایرانیها از ایران مهاجرت کرده در لکهنو توطی میحسند . از حمله کتب فارسی که در اود در این زمان تألیف شده است «ابیس الاحما» تألیف موهی لعل ابیس و «خلاصه الافکار» تألیف ابوطالب اصعهای است که اول الدکر منها شعرای معاصر لکهنو و نواحی آبراد کر می نماید و اخیر الدکر تمام آصف الدوله پادشاه اود میباشد و صمصام سعرا ی معاصر لکهنو و مصافات آنرا دکر میکند از این دو تند کره میخوان پی برد که هنوز در لکهنو و نواحی دیگر هندوستان کسانی بودند که بفارسی شعر میسروده و باین زبان کتابائی تألیف میکرده اند

کس و مدراس هم در این دوره از مراکز مهم ادب فار

ایر فارسی که بعضی از آنها اصلا ایرانی بودند در این

نواحی در سایه تربیت حکام بسر برده و برخی فارسی کتابهایی تألیف مینموده‌اند و عده‌ای ناین ریان سر میسروده‌اند حکام دکن مانند نظام دکن ادبا و فصلائی را تربیت کرده‌اند که بعضی از آنها کتاب‌های مهمی بر زبان فارسی تألیف نموده‌اند مانند داعی‌الاسلام که در حیدرآباد دکن «فرهنگ نظام» را به فارسی تهیه کرده است در این ایام میر عده‌ای از خاندان‌های ایرانی را ایران مخصوصاً از خراسان به حیدرآباد رفته و آنجا سکونت گزیده‌اند

در مدراس حکام کرناٹک مخصوصاً نواب اعظم بتر بیت ادباء هم گماشته‌و در راه احیای ادب فارسی کوشش و حدیب مینموده‌اند چنانکه نواب اعظم ابحمن ادبی نام محفل مشاعره اعظم را تأسیس نموده و بسیاری از شعرای مدراس و نواحی آن را در این ابحمن جمع کرده و مشاعره‌ها و مباحثه‌های ادبی ترتیب میداده است. تذکره‌های اسارات بنیس و گلدسته کرناٹک و نتایج الافکار از تألیفات همین شعرا میباشد و صبح و وطن و گلزار اعظم که دگر شعرای مدراس را شاملست برسان میدهد که استان مدراس و حکام و نویسندگان آن ناحیه حقد ر سهم بر رگی در احیای زبان و ادب فارسی در سه قاره هند داشته‌اند عده‌ای از این شعرا دیوان فارسی داشته و دیگران کتی در موضوعات محتلمی بر زبان فارسی ترتیب داده‌اند مثلاً آنها تذکره گلزار اعظم اسم ۲۲ نفر را دگر نموده‌اس که بر زبان فارسی دیوان داشته و همچنین تقریباً نیست نفر دیگر را بر دگر کرده است که آثار دیگر بر زبان فارسی تألیف نموده‌اند .

همچنین حکام بهوپال در زمان تسلط انگلیس‌ها خدمات ارزنده و برجسته‌ای به ادبیات فارسی انجام داده‌اند مخصوصاً در زمان حکومت نواب شاه جهان بیگم و بیام نواب صدیق حسن خان بعضی کتاب‌های گرانبائی بر زبان فارسی تألیف شده‌اس از جمله تذکره‌های سمع ابحمن و نگارستان سخن و صبح گلش را خود نواب صدیق و دو فرزند او تذکره روزروس را محمد مظفر حسین صا گو ناموی که طاهرأ حرو کارمندان ریاس بهوپال بود ترتیب داده و احترامان را آقای ابوالقاسم محتشم و

تذکره الحواتین راملک الکتاب شیرازی بنام نواب شاه جهان بیگم والیه بهوبال عنوان کرده اند. همچنین کتاب های دیگری بر بن فارسی در بهوبال در موضوعات مختلف تألیف شده که اکثر آن را خود نواب صدیق حسن تألیف نموده یا دیگران به فرمایش و کمک نواب مر بوروشاه جهان بیگم تألیف نموده اند

در پایان باید تذکر داد که هنور در هند و پاکستان ذوق ادبی فارسی بکلی از بین نرفته است و مخصوصاً در میان مسلمانهای هندوپاکستان کسانی وجود دارند که ادبیات فارسی علاقه دارند و گاهی به فارسی شعر هم میسازند و بعضی کتاب هایی را به فارسی تألیف و منتشر میکنند اما امروز دیگر کسی از حکام و امراء آنها را مورد تسویق و تقدیر قرار نمیدهد بلکه این کار را منحصر آنعلت علاقه و عشقی که سبب ادبیات فارسی دارند انجام میدهد

اجرای ترکیبی تذکره های فارسی

اکثر تذکره ها مشتمل بر اجرای دیل میسازد

۱. مقدمه - معمولاً مشتمل بر حمد و نعت و منیبت صحابه و ائمه و مدح پادشاه وقت و امیر و مملکتی مؤلف و سب و سال تألیف و گاهی قطعه تاریخ تألیف کتاب می باشد (مثلاً رجوع شود به عرفات العاشقین و سروآراد) گاهی در مقدمه قطعه تاریخ تألیف کتاب را از دیگران میآورند (مثلاً رجوع شود به تحفة الشعراء) حال این است که حتی در تذکره هایی که نویسنده آن هندو بوده حمد و نعت آمده است مانند گل-رباعا و ایس العاسیر و سعبه هندی اما در تذکره هایی که بعد از سال ۱۹۳۰ میلادی مطابق ۱۳۴۹ هـ تألیف شده است حمد و نعت و منیبت و مدح پادشاهی یا امیری بیامده و تنها سب و سال تألیف ذکر شده است

همچنین بسیاری از تذکره نگاران در مقدمه صماً بحثی درباره ابتدای شعر و آغاز شعر فارسی و تحول آن و سب شعر گوئی ارق را و احادیث و همچنین اقسام نظم و نثر بحث کرده اند مثلاً رجوع شود به لباب الالباب و حرا به عامره و سروآراد و بهارستان سخن و خلاصه الافکار و گاهی در باره عروض و وفای و صنایع و بدایع حروف و عبره بحث

مکشد. مثلاً رجوع شود به بهارستان سخن

۲ - اصل تذکره - این قسمت اصل تذکره می باشد و طی آن مؤلف شرح حال و نمونه اشعار شعرا را می آورد

۳ - خاتمه - در این قسمت نویسنده گاهی ذکر بعضی شعرا مخصوصاً از معاصرین خود را که ذکرشان در اصل تذکره نی آورده باشد می آورد مثلاً رجوع شود به بهارستان سخن و خلاصه الافکار و گاهی شرح حال و نمونه اشعار خود ذکر بعضی از اهل خاندان خود را می آورد مثلاً رجوع شود به مردم دیده گاهی سال اتمام کتاب را در خاتمه ذکر نموده قطعه ای یا قطعاتی را در تاریخ اتمام آن از خود می آورد. مثلاً رجوع شود به میحابه و مرآت الحیال و ریاض الشعراء و منتخب الاشعار و تذکره حسینی همچنین برخی از نویسندگان قطعه تاریخ تألیف کتاب را از دیگران ببرد خاتمه نقل میکنند مثلاً رجوع شود به شمع الجسم و صبح گلشن و نگارستان سخن و رور روشن

تقسیم بندی فصول و ترتیب اسامی شعرا در

تذکره های فارسی

(الف) - تقسیم بندی فصول

بعضی تذکره نگاران فارسی در موقع تقسیم بندی فصول در اسم گذاری عنوان این فصول دست ناستکاری رده اند عنوان های حالی که تذکره نگاران هندوپاکستان در تذکره ها برای فصول کتاب خود آورده اند در ذیل بیان می گردد .

نفایس المآثر مشتملست بر «مطلع» در حمد و نعت و سب و تألیف و غیره و شرح حال و اشعار شعرا در ۲۸ «بیت» (هر بیت مخصوص برای یک حرف) و سپس يك «قطعه» راجع به تاریخ گجرات و «مقطع» در تاریخ نبرو همایون و اکبر شاه در سه مطلب

عرفات العاشقین ذکر شعرا را در ۲۸ «عرصه» آورده و هر عرصه مشتمل است بر سه «عرفه» به ترتیب در ذکر شعرا از متقدم و متوسط و متأخر

تذکره ندرت مشتمل است بر دو «چمن» برای شعراى قرن ۳ و ۴ و هفت

«گلشن» برای شعرای قرن ۱۱ تا ۱۱۵ هـ و يك «حدیقه» در دگر شعرای معاصر از قرن ۱۲ هـ

گلدسته مشتمل است بر ۲۸ «حرف» و هر حرف به سه رکن «حبابی» و «مبابی» و «دیابی» بترتیب در دگر شعرای متقدم و متوسط و متأخر.

ریاض الشعرا دگر شعرا را بترتیب العبادر ۲۸ «روصه» (هر روصه برای يك حرف) آورده است

تذكرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰-۱۱۸۰ هـ) مشتملست بر ۳ «گلشن» برای شعرای متقدم و متوسط و متأخر و گلشن سوم دو «چمن» دارد در دگر شعرای ۱ (ایران و توران و) هندوستان

انیس الاحبا دگر شعرای معاصر را در دیل «افتتاح» و «فتح الباب» و «فصل» و «فاصله» و «احتتام» و «حسن حاتمه» آورده است

خلاصة الافكار مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» (هر حدیقه برای يك حرف) و يك «دیل» و يك حاتمه

معراج الحیال دگر شعرا در ۲۸ «احسن» (هر احسن برای يك حرف) آورده است

نغمه عندا لیب مشتملست بر دو «روصه» و روصه اول مشتملست بر ۵ «بهار». بهار پنجم در دگر شعرا و روصه دوم مشتمل بر دو «حدیقه» در موسیقی یونانی و هندی است

حدایق الشعرا مشتملست بر ۳۰ «شجره» در العاب ملوك و شعرا و ۳۰ «دوحه» در اسامی و تاریخ ملوك و هف «بحله» در دگر هف ریان محلی ایران و ۳۰ «نتیجه» در اشعار شعرا بترتیب ردیی

هفت آسمان اصلاً مشتملست بر ۷ «آسمان» (هر آسمان برای يك بحر از ۷ بحر مثنوی فارسی) اما طاهر ا مؤلف تهباك «آسمان» را که در دگر مثنویهای بحر سریع است

ب - ترتیب اسامی شعرا

تذکره‌های فارسی ترتیب اسامی شعرا بچندین طریق آورده اند . در تذکره - های هندوستان ترتیب اسامی شعرا با بواع دلیل آمده اس

(۱) **الفنائی** - اکثر تذکره نویسان اسامی شعرا را بترتیب الفبائی از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر آورده اند در تذکره‌های دلیل اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است بنفیس المآثر و تذکره حرانات و عرفات العاشقین^۱ و خزینه گنج الهی و کلمات السعرا و همیشه بهار و سعبیه بیخبر و معالات الشعراء حیرت و یدبیس و گلدسته^۲ و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکره حسینی و مجمع النفایس و سعبیه علی حرین و سعبیه السعرا و تذکره بیطیر و باغ معانی و تذکره شاعرات و معالات الشعراء قابع و سعبیه عشرت و مردم دیده^۳ و منتخب حاکم و خرابه عامره و تذکره الشعرا (تألیف ۱۱۷۰ - ۱۱۸۰ هـ) و گل رعنا^۴ و لب لباب و خلاصه الکلام و عقد بریا و صحف ابراهیم و خلاصه الافکار و تذکره بوبهار و محرن العرایب و سعبیه همدی و تذکره کاتب و ریاض الوفاق و شتر عشق و انیس العاشقین و اشارات بیس و گلدسته کرنا تک و معراج الحیال و صبح وطن و نایح الافکار و نعمه عبدلیب و حدایق الشعرا و گلزار اعظم و شمع احمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن و اختر تابان و تذکره الخواتین و تکمله مقالات السعرا و حدیقه عشرت و تذکره الشعرا ی عنی و سحنوران چشم دیده و سحنوران ایران در عصر حاضر .

(۲) **تاریخی** - در تذکره‌های دلیل اسامی شعرا ترتیب تاریخی یعنی از روی سال وفات و زمانان آمده اس

خلاصه الاشعار (غیر ارخامه) و خلاصه الشعرا و میحانه و تاریخ جهانگیری

۱ - در دلیل هر حرف ترتیب تاریخی مراعات تنده است

۳ - در هر باب اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است

تقسیم بندی تذکرة های هند و پاکستان

تذکرة های هند و پاکستان را میتوان بطریق ذیل طبقه بندی کرد .

اولاً . اړ لحاظ عمومی و خصوصی بودن تذکرة ها .

ثانیاً . اړ لحاظ اصالب مطالب تذکرة ها .

تقسیم بندی از لحاظ عمومی و خصوصی بودن تذکرة ها

بعضی تذکرة های هند و پاکستان مخصوص برمانی یا کشوری یا ناحیه ای یا گروهی یا نوعی ارشعر بوده است و برعکس تذکرة های دیگر مخصوص بزمانی یا کشوری یا ناحیه ای یا گروهی یا نوعی ارشعر بوده و ذکر شعراى متقدم و متأخر را شاملست وحتی بعضی شعراى کم مایه و غیر معروف را هم ذکر نموده است .

ایک تذکرة های هند و پاکستان اړ لحاظ تقسیمات فوق ، یعنی عمومی و

خصوصی ، طبقه بندی میگردد

۱- عمومی - در میان تذکرة های هند و پاکستان تذکرة های ذیل مخصوص برمانی یا کشوری یا گروهی یا نوعی ارشعر بوده است . لبالب الالباب و برم آرای و هفت اقلیم و خلاصة الاشعار و عرفات العاشقین و حزینه گنج الهی و لطایف الخیال و مرآت الخیال و سعینه خوشگوی وید بیضا و تذکرة ندرت و گلدسته و بهارستان سخن و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکرة حسینی و مجمع النقائق و سعینه الشعرا و سعینه عشرت و حرايه عامره و تذکرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰ - ۱۱۸۰ هـ) و تذکرة یوسف علیحان و لبالب و تذکرة الشعراى حام جمشید و صحف ابراهیم و خلاصة الافکار و تذکرة نوبهار و محرّن العرايب و تذکرة کاتب و شتر عشق و ابیس العاشقین و معراج الحیال و نتایج الافکار و نغمه عبدلیب و حدایق الشعرا و ریاض الفردوس و شمع محفل سخن و شمع احمن و صبح گلشن و رور روشن و تذکرة الشعراى عی .

(۲) خصوصی - در میان تذکرة های هند و پاکستان تذکرة های ذیل مخصوص

برمانی یا کشوری یا ناحیه ای یا گروهی یا نوعی از اشعار بوده است اسامی این تذکرة اړ لحاظ همین تقسیمات در ذیل ذکر میگردد .

الف - تذکره‌های مخصوص برمانی که آن هم مشتملست بر طبقات دیل .

۱- معاصرین مؤلف - بنایس المآثر و سخنوران چشم دیده و سینه هندی و

طبقات سخن و محک شعر و سخنوران ایران در عصر حاضر و شعرای عصر پهلوی .

۲- متأخرین - تذکره خرابات و مقالات السعرا و سینه علی حری و ریاض-

الوفاق و نگارستان سخن

۳- شعرائی که در زمان پادشاهان مخصوص می‌ریسته اند - «تاریخ حها بگیری»

درد کر شعرای زمان اکبر و حها بگیری «و طبقات ساهجانی» درد کر شعرای زمان تیمور با

شاهجهان و «کلمات الشعرا» در د کر شعرای زمان حها بگیری و شاهجهان و اور بگیری

و «همیشه بهار» درد کر شعرای زمان حها بگیری تا حلوس محمد شاه و «سینه بیحس»

درد کر شعرای زمان حها بگیری تا تألیف کتاب (۱۱۴۱ هـ) و «سروآراد» در د کر شعرای

ار ۱۰۰۰ هـ تا ۱۱۶۶ هـ و «تذکره بینظیر» درد کر شعرای ار ۱۱۰۰ هـ تا ۱۱۷۲ هـ و «ناع

معانی» (نسخه نالکی پور) درد کر شعرای ارقن ۹ تا ۱۱۷۴ هـ و «عهد نرسا»

در د کر شعرای ار زمان محمدشاه تا شاه عالم .

ب - تذکره‌های مخصوص به کشوری یا ناحیه‌ای و آن مستمل اسب بر

طبقات زیر .

۱- تذکره‌های مخصوص بکشوری «سروآراد» در د کر شعرائی که ارسنه

۱۰۰۰ هـ تا ۱۱۶۶ هـ در هند متولد شدند یا بهند آمدند و «گل رعای» درد کر شعرای

هندوستان و «سخنوران ایران در عصر حاضر» و «شعرا ی عصر پهلوی» هر دو درد کر شعرای

معاصر ایران

۲- تذکره‌های مخصوص ناحیه‌ای «تحفة الشعرا» درد کر شعرای معاصر

د کر و «معالات الشعراء» تألیف قابع درد کر شعرای سند و «ریاض الوفاق» درد کر شعرای

معاصر کلکنه و نارس و «اسارات بینس» و «گلدسته کر ناک» در د کر شعرای متاخر

کر ناک و «صبح وطن» درد کر شعرای مدراس و «گلزار اعظم» درد کر شعرای متاخر

کر ناک و «مکمله معالات السعرا» درد کر شعرای متأخر سند و شعرای ناری ربا

کسمیر درد کر شعرای کسمیر

تقسیم بندی از لحاظ اصالت مطالب

الف- تذکره‌های اصیل- تذکره نگاران کتب دِل، تقریباً تمام مطالب خود را

ار خود نوشته و ارتد کره‌های دیگر نقل و اقتباس نکرده‌اند

لباب الالباب و حواهر العجایب و بنایس المآثر و میحانه و کلمات الشعر او خلاصه-
الاشعار (حاتمه) و تذکره حرانات و تاریخ حبابگیری و مجمع الشعرا ی جهابگیری
و تذکره المعاصرین حرین و سغینه علی حزین و تحفة الشعرا و منتخب حاکم و ابیس-
الاحبا و سغینه هندی و ریاض الوفاق و اشارات بینس و گلدسته کر باتک و محک شعرا
و صبح وطن و نگارستان سخن و سخنوران حشم دیده و شعرا ی عصر پهلوی و سخنوران
ایران در عصر حاضر

ب- تذکره‌های غیر اصیل- تذکره‌هایی که نویسندگان آن مطالب خود را از

حای دیگر نقل کرده‌اند و آن مستملست بر طبعات ریر .

۱- تذکره‌هایی که نویسندگان آن تقریباً تمام مطالب را از تذکره‌های
دیگر نقل کرده‌اند نرم آرای و خلاصه‌الاشعار (غیر ار خاتمه و انتخاب اشعار) و
خلاصه‌الشعرا (غیر ار اسعار که مؤلف بتحانه محمد صوفی مازدرا بی انتخاب کرده
اس) و گلدسته و مجموعه عشق و لباب (خلاصه ریاض الشعرا) و حدیقه عشرت و
تذکره‌الشعرا ی غنی و تذکره‌شعرا ی کتیمیر .

۲- تذکره‌هایی که نویسندگان آن اکثر مطالب را از خود نوشته و بعضی مطالب
را ارتد کره‌های دیگر نقل کرده‌اند سغینه بیحبر و تذکره بینظیر و گلزار اعظم .

۳- تذکره‌هایی که در آن اکثر مطالب ارتد کره‌های دیگر نقل شده و بعضی
مطالب را نویسنده خود اضافه کرده‌است روضة السلاطین و همت اقلیم و - ریه گنج
الهی و لطایف الحیال و همیسه بهار و مقالات الشعرا ی حیرت و سغینه خوشگوی و
ید بیضا و تذکره بدرت و بهارستان سخن و ریاض الشعرا و منتخب الاسعار و تذکره حسینی
و مجمع النفائس و سغینه الشعرا و ناع معانی و تذکره شاعران و مقالات الشعرا و سغینه
عشرب و مردم دیده و تذکره الشعرا (۱۱۷۰-۱۱۸۰ هـ) و گل رعنا و شام عریبان و تذکره
یوسف علیحان و خلاصه الکلام و همت آسمان

۴- تذکره‌هائی که نویسندگان آن بعضی مطالب را ارجای دیگر نعل کرده و بعضی دیگر را از خود آورده اند : عرفات العاشقین و طبقات شاهجهانی و مرآت الحیال و سرو آزاد و حزانه عامره

سبک انشای تذکره‌های فارسی در شبه قاره هند و پاکستان

از لحاظ سبک انشاء تذکره‌های فارسی را که در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است میتوان به پنج قسمت دیل تفسیم نمود

۱- تذکره‌هائی که بسبک مصنوع تألیف شده است - در این تذکره‌ها معمولاً سجع و جناس و استعاره و تشبیه و مراعات النظیر و بعضی صنایع و بدایع دیگر بکار رفته است . اولین تذکره که باین سبک نوشته شده اسب لباب الالباب عوفی^۱ است که اتفاقاً اولین تذکره فارسی هم میباشد و بعد از آن تذکره برم آرای^۱ اسب که مؤلف آن اکثر مطالب را عیباً از لباب الالباب نعل کرده است و بنا بر این کاملاً تحب نفوذ سبک انشای عوفی در لباب الالباب قرار گرفته و کتاب خود را بسبک انسانی همان کتاب عوفی تألیف نموده اسب. همچنین شمع ابحمن و نگارستان سحن و صبح گلشن و رور روشن و احتر تابان و تذکره الحواتین و حدیقه عشرت^۱ بهمن سبک مصنوع تألیف شده است .

۲- تذکره‌هائی که غالباً بسبک و انسانی مصنوع تألیف شده اسب - اولین تذکره‌ای که باین سبک نوشته سده حواهر العجایب فحری هروی اسب^۱ سپس انیس الاحا و محک شعرا و معراج الخیال^۱ بیر بهمن سبک تألیف شده اسب

۳- تذکره‌هائی که بنثر مشکل تألیف شده است و در آن کلمات عربی و مراوانی بکار رفته اسب مانند مجمع النفایس و مقالات الشعراء قابع و عقدت ریأ^۱

۴- تذکره‌هائی که غالباً بسبک انشای ساده نوشته شده اسب اما در مقدمه و حاتم و در موقع تعریف شعرا و در بعضی موارد دیگر نویسندگان آن سبک مصنوع پرداخته اند مانند خلاصه الاشعار و عرفات العاشقین و لطایف الخیال و مرآت -

۱- رجوع شود به بحث درباره این تذکره‌ها در این کتاب

الخیال و تذکرة المعاصرین و سروآراد و خرا به عامره و مشتر عشق و صبح وطن و گلزار اعظم و غیره^۱

در بعضی از این تذکرها برای عبارت «فوت شد» و «ایک اشعار او» جمله هائی مصنوع آمده است مثلاً رجوع شود به سروآراد و تذکره بینظیر و خرا به عامره و صبح وطن و گلزار اعظم^۱

همچنین نویسندگان این تذکرها گاهی القاب توصیفی شعرارا بشمر مسجع آورده و گاهی بمناسبت اسم و تحلیص احساس بکار برده اند مثلاً رجوع شود به عرفات العاشقین و ایس الاحا و گلزار اعظم^۱

۵- تذکرهاى كه سبك اسای ساده تألیف شده و هیچ نوع صنعت لفظی و معنوی در آنها بکار برفته است مانند هفت آسمان و تذکرة الشعراى غنی و سخنوران ایران در عصر حاضر و شعراى عصر پهلوی و تذکره شعراى پارسی زبان کشمیر و تذکره شعراى فارسی ربان پیشاور^۱

ورود کلمات اردو و هندی به نثر فارسی

در تذکرهاى فارسی هندوستان اررمان اوربگریب به بعد کلمات اردو و هندی بحشم میخورد و علت اساسی آن تألیف این تذکرها بدست کسانی است که اصلاً هندی بودند و ربان مادری آنان عالماً اردو یا هندی بوده و بنا بر این در موقع نوشتن فارسی گاهی کلمات ربان خود را طی آثارشان بکار میبرده اند

باید توجه داشت که از ابتدای دوره اسلام تا زمان شاهجهان (یعنی از زمان محمود غزنوی تا ۱۰۶۸ هـ) در میان پارده تذکره فارسی که در شبه قاره هندوستان تألیف شده است نهاد و تذکره را نویسندگان اصلی نوشته و بقیه تمام تذکرها را نویسندگان ایرانی که بهند مهاجرت کرده تألیف نموده اند. همچنین نویسندگان هندی الاصل در دوره مذکور بر ربان فارسی تسلط کامل داشتند و بنا بر این در موقع نوشتن آن ربان هیچوقت احتیاج با استعمال واژه های ربان خود نداشته اند.

اما از زمان اورنگریب بعد زبان اردو و هندی در نقاط مختلف هند بیشتر رواج پیدا کرده و بتدریج رواج زبان فارسی کمتر میشده است. همچنین تسلطی که نویسندگان هندی الاصل فارسی در اول بر فارسی داشته در این دوره نداشته اند و بنابراین گاهی اصطراً کلمات زبانهای اردو و هندی را در تألیفات فارسی خود نگار میسرده اند مثلاً جاگیر و چوبوتره (رحوع شود بحث درباره سینه خوشگوی و سروآراد و خرابه عامره و مردم دیده و گل رءا و سینه هندی در این کتاب)

گاهی کلمات اردو و هندی و اسامی شهرهای هند را نامالای اردو آورده اند (رحوع شود به خرابه عامره و سینه خوشگوی و سینه هندی).

همچنین برخی از نویسندگان این دوره گاهی بعلت عدم تسلط بر زبان فارسی بعضی اصطلاحات را خودشان وضع میکرده اند مانند هندوستان را بمعنی هندوستان راده و غیره (رحوع شود بحث درباره سینه خوشگوی و سینه هندی در این کتاب) و حتی گاهی در املاهای بعضی کلمات استباه میکرده اند (مخصوصاً رحوع شود به بحث درباره سینه هندی در این کتاب)

رواج سبک انشای ساده در شبه قاره هند و پاکستان

باید ادعان کرد که سبک ساده نویسی حدید که در ایران از اواسط دوره قاجار معمول شده است در شبه قاره هند و پاکستان تا اواخر زمان انگلیسها معمول شده بود و علت آن، عدم تماس و ارتباط بین اهالی هند و ایران تا اواخر دوره سلطت انگلیسها میباشد. بالاخره حوالاً اواخر دوره مرزورف و آمدن این دو کشور و دوره شروع شد مردم هندوستان با تحول زبان فارسی که در ایران رخ داده بود و قوف پیدا کردند و بتدریج سبک خود را مطابق سبک حدید فارسی تغییر داده کتابهایی باین سبک تألیف نمودند، چنانکه کلیه تذکرههایی که در این دوره (۱۳۴۹ هـ تا حال) به فارسی تألیف شده است سبک فارسی حدید میباشد. تمام این تذکرهها نشر ساده نوشته شده و هیچ نوع تصنع در آن نگار برفته است.

فصل اول

قبل از تیموریان هند

از ابتدای سلطنت مسلمانان در هند تا تأسیس
حکومت نایریان در ۹۳۲ هـ

ملاحظات عمومی بر فصل اول

اوضاع سیاسی و اجتماعی ارتسخیر هندوستان بدست مسلمانها تا ۹۳۲ھ

بعد ارتسخیر ایران دررمان حلیفه دوم عربها تا سرحد هندوستان رسیده بودند اما دررمان حلقا هیچوقت از طرف مسلمانها اقدام حدی برای فتح هندوستان بعمل نیامد و تنها يك دفعه بامر حضرت عثمان خلیفه سوم (۲۳-۳۵ھ) سرداری بسوی بھار سرحدی هندوستان اعزام شد اما بطر بگراس عجبی^۱ که وی در باره این سرزمین

۱- در فتوح البلدان (فتوح السند) تألیف ابوالحسن بلادری آمده است که چون عثمان بن عفان حلیفه شد و عبدالله بن عامر بن کریر را والی عراق کرد بوی نوشت که کسی را به سرحد هندوستان نفرستد تا اطلاعات لازم در باره این سرزمین بدست آورد عبدالله حکیم بن حبله العدنی را اعزام کرد و چون وی از آنجا برگشت او را پیش حلیفه فرستاد حکیم پیش حلیفه گفت من آن سرزمین را خوب شناخته ام و در باره آن تحقیقات لازم بعمل آورده ام حلیفه گفت که تعریف کن و حکیم چنین پاسخ داد ماء ها و شل و ثمرها دقل و لصها بظلال قل الحیش فیها صاعوا وان کنزوا حاعوا (آب آن سرزمین کم و میوه بد و در دآن قوی اند اگر تعداد لشکر در آنجا کم باشد آنها تلف میشوند و اگر زیاد باشد اگر سگی میمیرد) حلیفه چون این گزارش را شنید گفت آیا تو حرمیده ای یا عمارت پرداری میکنی. حکیم پاسخ داد که الله حرمیده ام (ر. ك. فتوح البلدان چاپ مصر ۱۳۵۰ هـ / ۱۹۳۲ م باهتمام رضوان محمد رضوان ص ۴۲۰- ۴۲۱)

بحلیعه مر نور داد دیگر تا مدتی عربها ناین سرزمین توجه نکردند^۱

سپس بعد از تسخیر هرات در زمان معاویه مسلمانها بفرمانداری مهلب بن ابی صفره در سال ۴۴ هـ بطرف کابل بیس را بدید و وارد سرزمین هند شده تا شهر ملتان رسیدند اما این حمله بر هندوستان صورت تصرف دائمی پیدا نکرد. بعد از آن بیز عربها مکرر به سرحد هند حمله کردند اما حرد در بعضی نقاط مروری نتوانستند کار خود را پیس برند تا اینکه در زمان ولید بن عبدالملک (۹۶-۹۷ هـ) در سال ۹۲ هـ محمد بن قاسم بن ابی حجاج بن یوسف حاکم عراق با پناه ای بحاکم هند حمله کرد و راجا داهر آنجا را شکست داده ولایت سند را از سواحل آن تا حوالی ملتان تسخیر نمود با وجود اینکه عربها تا قریب دو قرن بر ایالت سند حکومت کردند اما هیچوقت در صدر بیسرف و توسعه حدود مستعمرات خود در هند بر نیامدند و حتی تسخیر بقیه نقاط هندوستان توسط مسلمانها از راه سند صورت نگرفت بلکه از طریق افغانستان احاطه پذیرف

بعد از حمله محمد بن قاسم امیر سسکتکن (۳۶۶ - ۳۸۷ هـ) اولین سردار مسلمان بود که سرزمین هند حمله کرد و بعضی قبایل را چپوت را معلوف ساخته و شهر و باحی بیساور را تحت تسلط خویش در آورد بعد از وی سر اسلطان محمود عربوی (۳۸۸ - ۴۲۱ هـ) در میان سالهای ۳۹۲ هـ و ۴۱۵ هـ دوا رده بار هندوستان حمله کرد و بتدریج قسمت شمال غربی آن کسور را تا لاهور بتصرف خود در آورد و حاکمی از طرف خود در لاهور مقرر کرد سپس چون بهرامشاه بن مسعود عربوی

۱- در آخر سال ۳۸ هـ و اوایل سال ۳۹ هـ در زمان خلافت علی بن ابیطالب حارث بن مرة العدنی با حاره حصرت علی سرحد هند اعزام شد و در جنگی که کرد پیرو شد و مال عبیت و اسیران زیاد بدست آورد و تنها در یکروز هزار رأس اسب بین سربازان قسمت کرد سپس در ۴۲ هـ وی و همراهاس در سرزمین قیقان که در بلاد سند در نزدیکی حراسان واقعست کشته شدند و تنها عده کمی از آنها توانستند حان سلامت برمد (ر . ک . فتوح - البلدان چاپ مصر ص ۴۲۱ .)

(۵۱۱- ۵۴۸هـ) اردشیر سیف الدین غوری شکست خورد و منهرم گشت مدتی به هندوستان پناهنده شد و بعد از آن دوباره چون اردشیر علاء الدین غوری شکست خورد پند گریب. اما دوباره به غریب مراجع کرد. طولی نکشید که ترکان غر در ۵۵۵ هـ عربی را از خسرو شاه بن بهرام شاه عربی (۵۴۸- ۵۵۵ هـ) گرفتند و خسرو شاه پند گریب از آن باریج بعد سلاطین غریبی که خسرو ملک بن خسرو شاه (۵۵۵- ۵۸۲هـ) آخرین پادشاه آن سلسله بود محصوراً بر (قسمت شمال غربی) هندوستان سلطنت کردند و عربی و قسمت های دیگر سلطنت خود را برای همیشه اردست دادند.

سلطنت عربی بویان لاهور راه برای معزالدین (سپاه الدین) محمد بن سام غوری (۵۶۹- ۶۰۲هـ) و حاشینانوی که نام سلاطین دهلی معروفند برای تصرف تمام شمال هند و انتشار اسلام در آن نواحی باز نمود. در ۵۸۲ هـ سلسله عربی بویان از هندوستان ببردند و معزالدین محمد غوری بر جیده سد و سراسر هند شمالی تحت تسلط غوریان درآمد. بعد از فوت معزالدین علاموی قطب الدین ایبک از طرف سلطان عیاش الدین محمود غوری (۶۰۲- ۶۰۷ هـ) بحکومت هندوستان منصوب شد و تا سال ۶۰۷ هـ حکومت کرد و بعد از وی علام و سلطان سمس الدین التتیش (۶۰۷- ۶۳۳ هـ) بر هندوستان حکومت کرد. وی رقیب خود ناصر الدین قباچه حاکم سد را در ۶۲۵ هـ شکست داد و قباچه خود را در رود سند ابداح و حاکم داد و در نتیجه تمام مال و مملکت او تصرف التتمش درآمد.

بالاخره حلال الدین فیروز حلجی، آخرین پادشاه سه ساله حاندان علامان یا شمسیه را در ۶۸۹ هـ ارتح و معزول کرده خود را سلطان هند (۶۸۹- ۶۹۶ هـ) اعلام کرد و بدین ترتیب میان سلطنت حاندان حلجی را در هند نهاد.

در میان حاندان بهائی که بعد از حلجیان (۶۸۹- ۷۲۰ هـ) بر هندوستان حکومت کردند تعلیمیه (۷۲۰- ۸۱۷ هـ) و سادات حصر خان و بهارک شاه و غیره (۸۱۷- ۸۵۵ هـ) و لودیایان (۸۵۵- ۹۳۰ هـ) بر قسمت اعظم هندوستان فرمانروائی کرده اند و همچنین بعضی سلسله های مستقل دیگر مانند سلاطین سگاله و شرقی حوپور و

مالوه و گجرات و کشمیر و خاندیش و بهمنی نیز بر نواحی مختلف هندوستان حکومت داشتند که بعداً در زمان نابریان از بین رفتند

طاهرالدین بابر در ۹۳۲ هـ بر هندوستان حمله کرد و ابراهیم لودی، آخرین پادشاه سلسله لودی را شکست داد و بدین ترتیب سلطنت لودیان را بر انداخته بنیان سلطنت نابریان را در هند نهاد (که ذکر زمان آنها در فصل دوم این کتاب می‌آید).

وضع زبان و ادب فارسی در این دوره

طاهر آریان فارسی اررمان سبکتکین در پیشاور و نواحی آن و در زمان سلطان محمود غزنوی در قسمت شمال غربی هندوستان وارد هند شده و برای اولین دفعه زبان رسمی و ادبی این نواحی شده است. بعضی اهل فصل و ادب فارسی در همین زمان از این سرزمین برخاسته‌اند که در میان آنها ابوالفرح بن مسعود رومی (متوفی بین سالهای ۴۹۲-۵۰۸ هـ) و مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری (متوفی ۵۱۵ هـ) از همه معروفتر بوده و هر دو معاصر ابراهیم بن مسعود عربی و مسعود بن ابراهیم عربی بوده‌اند و اولی در مدح آنها قصیده‌ها ساخته و دومی نام آنها مدح شده سال صعوبت بدان کشیده و در ناسرده سال آخر عمر کتاب دار سلاطین عربی نوشته است.

در زمان سلاطین دهلی، ناصرالدین قباچه حاکم سندار مر بیا معروف اهل علم و فصل بوده و در باروی مجمع و مرکر اهل ادب و هنر بوده و فصلائی مانند محمد عوفی مؤلف لباب الالباب و منهاج سراج مؤلف طبقات ناصری حرو درباریان وی بودند. ناید توجه داشت که عوفی الفرح بعدالسنده را نام ناصرالدین قباچه فارسی ترجمه کرد و بهرمایش وی تالیف حوامع الحکایات را شروع کرد و لباب الالباب را نام وریر او عین‌الملک فخرالدین الحسن الاسعری تألیف نمود.

بعد از مرگ قباچه فضلا و علمای دربار وی مانند عوفی و منهاج سراج و عین‌الملک اسعری و برادرش بهاء‌الملک حسن بخدمت سمس الدین التمش بیوستند و التمش و

امرای او آنهارا سرپرستی کردند چنانکه عوفی جوامع الحکایات خود را (که نفرهایش قباچه شروع کرده بود) نامر نظام الملک قوام الدین محمد حمیدی وزیر التتمش بپایان رسانید و نام وی عنوان کرد

در میان خلجیان معروف ترین پادشاه ادب برور سلطان علاء الدین خلجی (۶۹۶-۷۶۵ هـ) بود که تمام مصاحبین وی اهل فضل و هنر و ادب بودند^۱ و شعرائی مانند امیر خسرو و حسد دهلوی از شعرای دربار او بودند.

اررمان سلسله تعلق بعد بعزت هرح و مرع سیاسی و خنگ های داخلی کمتر کسی به شعر و ادب توجه نموده است و بهمین علت ما اروضود کسی از نویسندگان یا ساعران معروف سراغ نداریم که در این عهد ریسته باشند و تنها امیر خسرو در اوایل حکومت تعلق بدربار آنها مربوط بود

نقش صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج فارسی در هند

باید ادعا کرد که صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج و اشاعه فارسی در سرزمین هندوستان سهم بسیار بزرگ دارند چون آنها از بزرگ نامردم آن کشور تماس داشته و به تبلیغ دین می پرداختند و بیروان آنها به نقاط مختلف هندوستان مسافرت کرده و پیغام اسلام را بمردم میرساندند و گاهی غیر از تعزیر بتألیف کتاب هائی بفارسی نیز می پرداخته اند صوفیان معروف که در این دوره در هندوستان می ریسته اند بعرار زیر می باشند ابوالحسن علی بن عثمان حالانی هجویری غرنوی مؤلف «کشف المحجوب» متوفی بعد از ۴۲۵ هـ و خواجه معین الدین چشتی متوفی ۶۳۳ هـ و سیح بهاء الدین دکرایی ملتانی متوفی ۶۶۷ هـ و سیح فرید الدین گنج شکر متوفی ۶۶۴ هـ و قاصی حمید الدین ناگوری متوفی ۶۹۵ هـ و شیخ ابوعلی قلندر (سیح شرف الدین بابائی) متوفی ۷۲۵ هـ و سیح نظام الدین اولیاء دهلوی متوفی ۷۲۵ هـ و سیح نصر الدین حراغ دهلوی متوفی ۷۵۷ هـ

۱- برای اسامی فضلا و همدمانی که به دربار علاء الدین مربوط بودند رجوع شود به تاریخ فرشته ص ۹۰ و شعر المحم جلد دوم در دبل امیر خسرو دهلوی

و شیخ جلال محدوم جهان گشمتوفی ۷۹۰ ه و شیخ بوزقطن عالم متوفی ۸۰۸ ه و محدوم شاه بنی متوفی ۸۲۴ ه و شیخ محمد گیسو درار متوفی ۸۲۵ ه
اکثر صوفیان مذکور اصلا هندی بودند ولی زبان مادری آنها فارسی بوده و بنا بر این کتاب هائی که می نوشته یا شعرهائی که می سروده اند به فارسی بوده اس

اهمیت این دوره از لحاظ تذکره نویسی فارسی

در تاریخ تذکره نویسی فارسی این دوره دارای اهمیت فوق العاده ای می باشد ، چون تذکره نویسی در زبان فارسی از همین دوره شروع می شود از حیث تعداد تذکره ها این دوره نمی تواند نادوار دیگر تذکره نویسی فارسی رفعت کند چون تنها دو تذکره سعرا با سال ۹۳۲ ه نام لباب الالباب و تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی بر زبان فارسی در هندوستان و ایران تألیف شده اس اما از لحاظ این که همین تذکره ها در آینده برای تذکره نگاران نفس راهنما را ناری کرده و بحسب نمونه ها برای نویسندگان آینده بوده و همچنین از بطر این که تنها مآخذ اصیل در مورد شعرای قرن سوم تا هفتم همین دو تذکره بوده و تذکره نویسان بعدی تمام اطلاعات خود را راجع به شعرای فروع فوق از همین دو تذکره اقتباس نموده اند می توان با اهمیت این دوره پی برد

لباب الالباب و تذکره دولتشاه

ایضا باید تذکره کرد که لباب الالباب به تنها اولی تذکره فارسی اس و بعربیا سه قرن قبل از تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی تألیف شده بلکه از لحاظ صاحب مطالب کتاب و صداق دیانات مؤلف بر بر تذکره الشعراء رحا و برتری دارد حنا که اکثر اطلاعاتی که دولتشاه مخصوصاً در باره شعرای متقدم آورده معقول و بی اساس و بر خلاف حقایق تاریخی بوده و در مقابل آن کلیه مندرجات و حکایات لباب الالباب قابل اطمینان و معتبر بوده اس

همچنین باید توجه داشت که لب‌الالباب تنها مآخذ معتبر برای آیندگان در مورد شعرای رمان‌صفاری و سامانی و عربوی بوده و شرح حال و حکایاتی که راجع به این شعرا در تذکره دولتشاه ذکر شده پر از اغلاط تاریخی و مطالب بی‌اساس می‌باشد

نواقص عمده لب‌الالباب

لب‌الالباب تنها تذکره‌ایست که در این دوره در شبه‌قاره هند و پاکستان تألیف شده‌است. با وجود همه‌میرایی که این کتاب دارد (و درباره آن در ذیل این کتاب نسبتاً مفصل بحث شده) این تذکره دارای بعضی نقائص اساسی و مهمی هم می‌باشد که دیلاً ذکر می‌گردد

اولاً عوفی مؤلف لب‌الالباب توحه‌ی باهمیب شرح حال شعرا نداشته و با وجود اینکه امروزه کلیه مآخذ او اطلاع‌نداریم اما می‌توان گفت که بسیاری از کتبی که در تألیف این کتاب از آنها استفاده نموده‌است امروزه در میان رفته‌است. اگر عوفی به اهمیت شرح حال و آثار شعرا کاملاً بی‌برده بود حدود اطلاعات و ذخایر معلومات‌ما درباره شعرای متقدم‌بمراتب بیشتر از آنچه که امروزه هست می‌بوده، اما حیف که عوفی به این نکته مهم توجه نکرده و در ذیل ذکر اکثر شعرا و فضلا به عبارت پرداری و تعریف بی‌پوده پرداخته است و حتی در ذیل شعرائی که معاصر وی بودند و یا او شخصاً با آنها ملاقات کرده و مدتی با آنها مربوط و محشور بوده راجع برندگان آنها هم اطلاعات کافی بهم نرسایده‌است

ثانیاً اشعاری که عوفی از شعرا انتخاب و در تذکره خود ضبط نموده‌است غالباً طبق ذوق او پر از صنایع و بدایع و ترکیب‌های غریب و عجیب می‌باشد و طاهر همان ذوق شعرای رمان‌آلوده است چنانکه اشعاری که وی از شعرای بعد از رمان سلحویان آورده

است از صنایع و بدایع مختلف مشحون و از قوافی و ردایب مشکل و تراکیب غریب
مملو است

سبك انشای تذکره نگاران این دوره

سبك انشاء عوفی مؤلف لباب الالباب (که تنها تذکره ایست که در این دوره
در شبه قاره هندوپاکستان تألیف شده است) در این تذکره سیار مصنوع اسب و غالباً در
آوردن صنایع و بدایع سیار سعی و حدیث نموده و برعکس حوامع الحکایات (از دیگر
حود) این تذکره را با اصطلاح بشر فنی نوشته اسب عوفی در اکثر موارد در این کتاب
بحای آوردن مطالب و اطلاعات مفید راجع به رنگ گاهی شعرا توجه بخصوص با فرایط
در استعمال کلمات و تراکیب مشکل عربی و صنایع و بدایع لفظی و معنوی مخصوصاً استعارات
و تشبیهات و تسحیعات و تحنیسات و غیره داشته و حتی المعداد سعی نموده هر چه بیشتر
صنایع را در شرح و بکاربرد و یکی از علل مهم فقدان اطلاعات مفصل و مفیدی درباره
رنگ گاهی شعرا در لباب الالباب همین سبك عوفی اسب و این سبك به تنها توجه وی را
به سوی عبارت پردازی و صعب گری معطوف کرده بلکه از آوردن شرح حال مفصل این
شعرا باز داشته اسب



اکنون درباره لباب الالباب که تنها تذکره ایست که در این دوره در شبه قاره
هندوپاکستان تألیف شده اسب، تفصیل بحث می کنیم

لباب الالباب^۱

ابتدا «در توحید که صدق معرفتش جوهریان فصاحت بصاعت و حاصل اعتراف بلعائن آن بوده که قوله تعالی لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم الحكيم»^۲.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد و اسم پدرش نیز محمد است چنانکه خودش در مقدمه لباب الالباب حلد اول (ص ۱) اسم خود را چنین نوشته است «محمد (بن) محمد عوفی» همچنین در حوامع الحکایات که تألیف دیگر مؤلف است بر اسم خود را محمد ذکر کرده است^۳

۱ - طاهر آ این تذکره نامدتی در هند و ایران شهرت پیدا نموده است چنانکه تقریباً سه قرن بعد از تألیف این کتاب موقعی که دولت شاه سمرقندی تذکره خود را تألیف می کند وی طبق اعتراف خودش هیچ اطلاعی از وجود لباب الالباب ندارد و همچنین تقریباً چهار قرن بعد از تألیف لباب الالباب در ۱۰۰۰ هجری علی بن محمود الحسینی تذکره ای به نام برم آرای تألیف کرده و اکثر مطالب لباب الالباب را عیناً در آن کتاب بدون ذکر اسم مأخذ نقل و آن را به نام سپه سالار معروف ادب پرور اکبر شاه عبدالرحیم خان حاکم آن عنوان می کند اگر لباب الالباب در آن ایام معروف بود مؤلف برم آرای حرأت نمی کرد مطالب آن کتاب را بدون ذکر اسم آن نقل کند اما حال این است که دو سال بعد از تألیف برم آرای در ۱۰۰۲ هجری مؤلف هفت اقلیم برای اولین دفعه اسم لباب الالباب را در کتاب خود ذکر کرده و بعضی مطالب را از آن نقل کرده است

۲ - ر ک لباب الالباب حلد اول ابتدای حلد دوم لباب الالباب بدین قرار است .

«شکرو سپاس و حمد بقیاس مر قادر حاکم و صانع قدیم را که لباس هستی در بر موجودات بلندی و پستی افکند و عقل قیاس را وریر قریشی شاه روح گرد آید».

۳ - ر ک نسخه موره بریتانیا ش ۳۹۲ ص ۸۷ الف چنانکه علامه قزوینی در مقدمه لباب الالباب چاپ لیدن (ج ۱ ص ۱۶) متذکر شده است

مؤلف ار اولاد عبدالرحمن بن عوف ار مشاهیر صحابه رسول اسب و بهمین جهت شهرت وی عوفی بوده است. خدمت مؤلف قاصی امام سرف الدین سید المحدثین ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان العوفی ار مشاهیر علمای ماوراء النهر و «در علم حدیث و معرفت اسباب عرب و اسامی رجال و حرح و تعدیل مشارالیه بالناس» بوده اسب .

در مورد لقب عوفی در میان نویسندگان اختلاف رأی بوده اسب و بعضی ار آنها لقب اورا «سید الدین»^۱ و بعضی دیگر «بور الدین»^۲ و سدرت «حمال الدین»^۳ نوشته اند اما نظر بدلایلی که آقای دکتر نظام الدین در مقدمه حوامع الحکایات^۴ و حنا بکه آقای دکتر معین در مقدمه «حوامع الحکایات» (بخش اول)^۵ ذکر نموده اند این امر

۱- ر. ک. مقدمه حوامع الحکایات تألیف سدید الدین محمد العوفی ار محمد بطام- الدین چاپ لیدن ۱۹۲۹ میلادی ص ۴۳ و مقدمه حوامع الحکایات (بخش اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ش تصحیح و اهتمام آقای دکتر محمد معین ص ۲-۵ .

۲- ر. ک. مقدمه منتخب حوامع الحکایات « چاپ فرهنگ ۱۳۲۴ ش صفحه ب و مقدمه لباب حلا و ل چاپ لیدن و اهتمام و تصحیح محمد قروینی ح ۱ ص یب مرحوم علامه محمد قروینی در حاشیه مقدمه کتاب مذکور بعنوان مآخذ بکتب دیل استناد کرده است تاریخ گزیده تألیف سال ۷۳۰ ه و تاریخ نگارستان تألیف سال ۹۵۷ ه و تاریخ جهان آرا تألیف سال ۹۷۲ ه (که هر دو از مؤلفات قاصی احمد عمارت است) و حبیب السیر تألیف سال ۹۳۰ ه و چهارم ح ۲ و تاریخ فرشته تألیف سال ۱۰۱۵ ه .

۳- ر. ک. تاریخ مرآة الادوار تألیف مصلح الدین محمد اللاری سال ۹۷۴ ه و (کشف الطنون) حاحی حلیه ح ۲ ص ۵۱۰ و مقدمه لباب الالباب چاپ لیدن و اهتمام محمد محمد قروینی ح ۲ (ص ۲۰) .

۴- ر. ک. حاشیه ۱ فوق

تقریباً ناب شده است که لقب عوفی «سدیدالدین» بوده و لا غیر^۱

حال عوفی سیدالحکماء ملک الاطباء شرف الرمان مجدالدین محمد ضیاء الدین عدنان سرخکتی^۲ در سلك خدمت سلطان قلج طمعاح خان ابراهیم بن حسین ماقبل آخرین ملوک حایه ما وراء النهر^۳ منحرف و اراطباء خاص او بوده است.

۱- عوفی در باب یاردهم لباب ح ۲ در دیل سعدالدین مسعود دولتیار مینویسد «وقتی بردیك این داعی قطعه فرستاد

قطعه

صاعی که تصاویر کائنات حدوث ركلك صنع بك قطره آب میسدد
چوبل مه را در آتش شفق انداخت سپهر را بحط حکم حواب میبندد
کمال عرت او از حلال استعما کسوف وحشت بر آفتاب میبندد
که دست و پا را ی حمال دولت و دین مرا بهر مژه ای در باب میبندد .

مرحوم علامه قزوینی در مقدمه لباب الالباب جلد ۲ ص ۲۰ مینویسد « در این قطعه که شاعری معاصر عوفی درباره او گفته است لقب او را حمال الدین (حمال دولت و دین) آورده است پس لقب او حتماً «حمال الدین» بوده است نه «بورالدین» یا «سدیدالدین».

اما اولاً معلوم نیست که قطعه فوق را شاعر مدکور درباره عوفی گفته باشد و ثانیاً اگر این قطعه درباره عوفی باشد و بنا بر این مسلم شود که لقب وی «حمال الدین» بوده احتمال دیگر این است که وی دولت داشته است «حمال الدین» و «سدیدالدین» چون درایکه لقب او سدید الدین بوده هیچ شك و تردیدی نیست چنانکه در خودرمان او در چهار مورد لقب او سدیدالدین آمده است (ر.ك. مقدمه حوامع الحکایات - بخش اول - باهتمام آقای دکتر معین و مقدمه حوامع الحکایات چاپ لندن باهتمام محمد نظام الدین) و اگر نامسلم شود که وی لقب حمال الدین هم داشته است لاجرم باین نتیجه میرسیم که او این هر دو لقب را داشته است

۲- برای ترجمه حال او ر.ك. لباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۴۲ و ۳۰۰-۳۰۱ .

۳- برای ترجمه حال او ر.ك. لباب الالباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۴۲ و ۳۰۰-۳۰۱ .

تاریخ ملوک ترکستان (حایه) ^۱ نام قلاح طمعاح حان مذکور و کتابی در خواص اشیاء که قطعه‌ای از هر کدام را عوفی در حوامع الحکایات نقل کرده است و تألیفات اوست

عوفی در بحار متولد گشته چنانکه در حوامع الحکایات ^۲ خود را محمد بن محمد عوفی بخاری می‌خواند اما سال تولد وی معلوم نیست ^۳ دوره اول تحصیلات خود را در وطن خود با تمام رسا باید و سپس در طلب علم و ملاقات مشایخ از آنجا سفر کرد و غالب بلاد ماوراءالنهر و خراسان و بعضی از بلاد هندوستان را راقیل سمرقند و آموی و خوارزم و مرو و بیشانور و هرات و اسفرا و اسفرا این و سپهر بو و سحستان و فره و عربین و لاهور و کنایت و بهرواله و بهکر و دهلی بعد از سیاحت پیموده و بعد از فصلای هر سرزمین رسیده و از بسیاری از ایسان احاره و ایاب احادیث حاصل نموده است و در ضمن همواره شغل دگر و وعظ قیام نموده است و بدین وسیله بعد از ملوک و امرای وقت تقریباً حسته وار فواید دیباوی شان معطوط و بر حور دار میگردیده است

علماء و مسایحی که عوفی خدمتشان رسیده و اقتباس فواید از ایسان نموده جمعی

۱- صاحب فهرست کتابخانه لیدن ح ۳ ص ۹ خطای نامه تألیف سید علی اکبر ملقب به خطائی را که وی بنام سلطان سلیم حان (۹۱۸-۹۲۶) تألیف کرده است و تاریخ ملوک ترکستان اشتباه کرده است و آن سهو و اصح است

۲- ر. ک. صفحه ۴۳۹۲ 87a

۳- در این خصوص می‌توان بقراین داخلی و خارجی حدود تقریبی را تنبیت نمود در سال ۵۹۷ هجری موقعی که عوفی از وطن خود بخارا به سمرقند می‌رود ما او را مردی بیرومند و فاضلی کامل می‌یابیم و طبیعی است که پس از تحصیلات طولانی خود در بخارا می‌بایست ۲۵-۳۰ سالگی رسیده باشد و بنا بر این می‌توان تولد وی را بین سال‌های ۵۶۷ و ۵۷۲ هجری داشت (ر. ک. مقدمه حوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصحح آقای دکتر معین ص ۹-۸)

محمد بن عدنان که از خواص ملارمان پادشاه قلع طمعاح حان ابراهیم^۱ بوده به خدمت پسر آن پادشاه قلع ارسلان خاقان نصره الدین عثمان بن ابراهیم مشهور به سلطان السلاطین^۲ که در آنوقت ولیعهد بوده تعرب حسته متصدی دیوان انشای این شاهرا ده شده و گاهی ناوی محاصراتی بیرداشته است^۳

مدت اقامت عوفی در دربار سلطان نصره الدین عثمان چندان طولی نکشید و وی برودی در حدود ۶۰۰ هـ ارماوراء النهر به بلاد حراسان هجرت نمود چنانکه در ۶۰۰ هجری وی در سا بود و سپس چندین سال در بلاد مختلف حراسان و سیستان و خوارم سفر کرده وافر واید ادبی و مادی علمای آن بلاد بهره مند گردیده اس در ۶۰۳ هـ

۱ - حلال الدین قلع طمعاح حان ابراهیم بن حسین ماقبل آخرین ملوک حایه ماوراء -
 البهر است ایشان را حاقایه وایلك حایه و آل افراسیاب بیرمی گویند و مدت سلطنت ایشان در ماوراء البهر بعد از سامایه و قبل از معول قریب دویست و سی سال است از حدود ۳۸۰ هـ تا ۶۰۹ هـ که بدست سلطان علاء الدین محمد حواری مشاه منقرص شدید و اکنون هیچ تاریخ مستقلى در باره این سلسله موجود نیست و در هیچ تاریخی ذکرى از این قلع طمعاح حان ابراهیم بیامده است وفات وی در حدود ۶۰۰ هجری بوده است «سند نادنامه» تألیف محمد بن علی الطهیری السمرقندی (که نسخه ای از آن در موره بریتانیا موجود است ر ك ریوس ۷۴۸ و بیرناه تمام و تصحیح آقای احمد آتش در استانبول در چاپخانه وزارت فرهنگ در ۱۹۴۸ م به طبع رسیده است) و همچنین تاریخ ملوک حایه تألیف محمد الدین محمد بن عدنان سرحکتی حال عوفی که قطعه ای از آن را عوفی در حوامع الحکایات نقل کرده است و ظاهراً از میان رفته به نام این پادشاه است (ر ك لباب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی ص ۵۷۱ و ۵۷۲- و مقدمه آن کتاب صفحه بیست و یک و بیست و دو)

۲- آخرین ملوک حایه ماوراء البهر است و حلوس وی در حدود سال ۶۰۰ هجری بوده و در ۶۰۹ هـ سلطان محمد حواری مشاه او را ماردیکاش کشت و حایه را در ماوراء البهر منقرص نمود . (ر.ك. لباب مصحح استاد نفیسی حاشیه صفحه بیست و سه)

۳- مثلاً ر.ك. لباب الالباب چاپ لیدن ص ۴۴-۵۴ و حوامع الحکایات نسخه موره بریتانیا ص Add 16862 صفحه 378a و مقدمه حوامع الحکایات مصحح دکتر معین ص ۱۷-۱۸ که آنجا بعضی از محاصرات عوفی با این شاهرا ده ذکر شده است .

دریشابور بوعظ و تذکیر مشغول شد و در ۶۰۷ هـ در اسرار بود.

عوفی در باب الالاب در دیل ترجمه حال علاء الملک ضیاء الدین ابوبکر احمد الجامعی میگوید «در آن وقت که هژلف این مجموعه در اسرار بخدمت او رسید داعی را کمال تربیت او پایمردی کرد تا در خدمت او بماند. وقتی در خلوت میفرمود که مرا بیوسته آرزو آن بود که ائمه ما و اراء المهر و حراسان را ببینم و مجلس و عظ ایشانرا استماع کنم تا اتفاق سفر خطا افتاد و در بلاد ساغون رفتم. ..»

مقصود حامجی اینحا سمری اسب که در رکاب سلطان محمد حواری مشرله با خطا کرد و ما بین خوار و رمشاه و تاینگو سردار قراخا در طرار جنگی عظیم واقع شد و تاینگو شکست خورده اسیر گردید^۱ و چون این جنگ سال ۶۰۷ هـ اتفاق افتاد یس واضح حسب که اقامه عوفی در اسرار در خدمت صیاء الدین ابوبکر جامعی ناگزیر بعد ارسال مذکور بوده اسب^۲

در اثناء مسافرت اسرار را هر نان «اساب و امتعه» عوفی را بعارت بردید و وی پیاده و بی برگ ماند. روایت عوفی چون وی بنهر بو که ما بین استر آباد و خوارزم بود رسید و حواس بخدمت نصره الدین که بود جامه^۳ رسد ممکن نشد چون شب و

۱- ر. ک. و تعلیقات لباب الالاب چاپ لیدن ح ۱ ص ۳۲۱-۳۲۲

۲- ر. ک. مقدمه لباب چاپ لیدن ح ۱ ص «یر» الی «یح»

۳- کهود حامه نام حشمی است که در میان استر آباد و حواری می نشسته اند و شهری داشته اند موسوم به شهر بو نصره الدین پادشاه آن طایفه بود که بدست سلطان علاء الدین محمد حواری رمشاه (در حدود ۶۰۰ هـ) کشته شد و لهدا برادر راده وی رکی الدین کهود حامه در وقت حرح مبول بکین عم حویش بدیشان پیوست و وقتیکه علاء الدین محمد حواری رمشاه ارمقابل لشکر مبول فرار کرد و بالاخره در قریه ای در کنار بحر حرر پناه بسته بود رکی الدین مذکور با جماعتی ارمبول ناگهان در سر او تاختند اما سلطان فوراً در کشتی نشسته فرار نمود و ایشان کشتی او را تیر ماران نمودند ولی بخود او رسیدند (رجوع شود به سیرت حلال الدین مکی ربی تألیف سوی ص ۴۶) نصره الدین شعر هم می گفته است (رک لباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۲-۵۱)

در باره حامدان کهود حاه بیر رجوع شود به «تاریخ کهود حامگان» نوشته طاهری شهاب در سالنامه کشور ایران سال دهم ۱۳۳۵ ش

رور نصرۃ الدین مر نور «مغارله ملاح و معاقره اقداح راح» می‌کنشت عوفی این رباعی را بخدمت وی فرستاد

ای شاه بدل بحر و کانی دگری^۱ در قالب ملک و عدل حانی دگری
ران روی کبود جامه می‌خواستندت کر رفعت و قدر آسمانی دگری

چون نصرالدین این رباعی را خواند بسیار تحسین نمود و پیغام فرستاد که فرصت استماع و تذکیر ندارم ملتمس چیس عوفی در حواب این بی‌برافرساد
هر چند که بر بساط شطربح هنر امروز سپهم، پیاده می‌باید رف
نصرۃ الدین اسبی با سار و یراق برد عوفی فرستاد و وی را آنجا سوار شده پی کار خود رفت^۲

عوفی تا بعد از ۶۰۷ هـ در بلاد حراسان بوده و بعد از آن طاهرراً در اوایل انتشار حروح معول قتل ار ۶۱۷۰ هـ خود را ملاد سدا ندا حمد و بخدمت ناصرالدین قاجار^۳

۱- آقای دکتر معینی در مقدمه حوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصرع اول این رباعی را در ص ۱۹ بهمین شکل و سپس در ص ۳۳ بدین شکل آورده اند «ای شاه لطف و بدل کان دگری» و در مصرع دوم و چهارم بجای «حان دگری» و «آسمانی دگری» حان دگری و آسمان دگری نوشته اند

۲- ركن لباب الالباب چاپ لیدن ح ۱ ص ۵۱

۳- ناصرالدین قاجار (متوفی ۶۲۵ هـ) از ممالیک سلطان سهاب الدین عوری پادشاه دهلی بود و قاجار چه مدت که در سال ۶۰۲ هـ در بلاد سند و ملتان سلطنت کرد وی یکی از «احواد و اتحاد» عالم بوده است و در فتنه معول بسیاری از اکابر و اشراف حراسان و عور و عرب بخدمت او پیوستند و از ارهه ایشان گه ناری کرد و در حق همگان انعام و اکرام وافر فرمود (رک طبقات ناصری ص ۱۴۳)

در سال ۶۲۵ هـ سلطان شمس الدین التمش (۶۰۷-۶۳۳ هـ) که مابعد قاجار اعلامان عوریه بود و در سال ۶۰۷ هـ نمای سلطنت حاندان اعلامان نهاد (که آنرا حاندان شمسیه نیز گویند و آنها تا ۶۸۹ هـ در هند حکومت کرده اند) بقصد محاربه با قاجار بسند لشکر کشید و سرانجام در ۱۹ حمادی البانی ۶۲۵ هـ ناصرالدین قاجار ارقلمه بهکر در رودخانه انداخت و مرد

پیوس که از ممالیک سلطان شهاب الدین عوری سلطان دهلی (۵۹۹-۶۰۲ هـ) بوده اسب خون عوفی سال ۶۱۷ هـ در ملارب او بوده اما معلوم نیست چه موقع بدان درگاه متصل گردید

عوفی در هند نیز بتدکیر و وعظ مشغول بود چنانکه در لب^۱ درد کر بهاء الدین حامی می گوید: «وداعی دولت در خطبه روز عید در شهر سنه سبع عشره وستمایه این معانی را در ح کرد و فصلی در معنی قهر حصان و صبط و لایب و موالات اقبال و دولت و ممایلت ملوک اطراف بندگان حصرت ناصری تضمین کرد.»

طبق یادداشتی از کاتب ترجمه فارسی «الفرح بعد السدة» که عوفی نام قضاچه کرده بود و اصل عبارت آن در ردیل بحث در باره لقب عوفی در مقدمه «حوامع الحکایات» (بخش اول)^۲ آمده اسب کاتب مر نور که از معاصرین عوفی بوده حر و القاب عوفی «قاصی» و «واعظ الملوك و السلاطین» نوشته و متدکر شده که عوفی را در کمایب ملاقات کرده اسب و ای که عوفی روری حید آنجا قاضی ساحتی بود بعد بیست در آدوق عوفی قاضی آن شهر باشد حون کمایب حر و مملک ناصر الدین قضاچه بوده اسب

وی تا سال ۶۲۵ هـ در «۱۷۴»^۳ معر ناصر الدین قضاچه سر میرد و در این مدت «لب الالباب» تدکره مورد بحث را نام و وزیر او عین الملک و حر الدین الحسین اشعری^۴ تألیف

۱- رک لب چاپ لیدن ص ۱۱۵

۲- رک «حوامع الحکایات» بخش اول چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ق م اهتمام آقای دکتر معین ص ۲ تا ۴

۳- «اچه» شهریت مسافت هفتاد میل در جنوب غربی ملتان در پاکستان عربی فعلی

۴- عین الملک و حر الدین الحسین من شرف الملک رعی الدین ابی بکر الاسعری از اولاد ابرو و بی اشعری یکی از حکمیه معروف صغیر است در ابتدا وی وزیر ناصر الدین قضاچه بود و بعد از مرگ قضاچه چون حرایب و بقایای حشم او که از حمله آنها عین الملک و درش بهاء الملک حسن و عوفی و منهاج سراح صاحب طبقات ناصری بودند خدمت التمش پیوستند ، التمش عین الملک را وزیر پسر خود رکن الدین ویر و شاه (۶۳۳-۶۳۴ هـ) مقرر نمود و بعد از آن تاریخ (۶۲۵ هـ) جیری از احوال او معلوم نیست - (رک طبقات ناصری چاپ کلکته ۱۸۶۶ م، ص ۱۴۴)

وعمر وی اندکی کمتر از ۶۰ سال قمری می‌باشد^۱ اما ممکنست عوفی بین ۵۷۲ و ۵۶۰ هجری کمره باشد و در آن صورت سن وی در موقع وفات ۶۸ سال بوده‌است.

آثار مؤلف: - آثار مؤلف بدین قرار است.

۱- لب‌الالباب تذکره مورد بحث

۲- حوامع الحکایات و لوامع الووایات - در چهار جلد و هر جلدی بیست و پنج باب دارد و هر جلدی ناچاره یک جلد لب‌الالباب یا اندکی کوچکتر است این کتاب مستمل است بر متجاوز اردوهرار حکایات عوفی تألیف این کتاب را بر مایش ناصرالدین قباچه شروع کرد اما تا مرگ او در ۶۲۵ هجری و این کتاب را ناتمام برسانیده بود و سپس نامر بطام‌الملک قوام‌الدین محمد بن ابی سعید حمیدی این کتاب را پایان رسانید و بعد از ۶۲۸ هجری آن را تمام و عنوان کرد این کتاب با مقدمه سیار معینی باهتمام دکتر بطام‌الدین سال ۱۹۲۹م «مطابق ۱۳۴۸ هجری» در لندن طبع رسیده‌است هم‌چنین انتحایی از آن باهتمام ملک الشعراء بهار از طرف وزارت فرهنگ ایران سال ۱۳۲۴ش و بحث اول آن تصحیح و اهتمام و مقدمه آقای دکتر محمد معین از طرف دانشگاه تهران سال ۱۳۳۵س چاپ شده‌است

۳- ترجمه فارسی کتاب «الفرح بعد السدة» تألیف قاصی ابی الحسن بن علی - التوحی متوفی ۳۸۴ هجری - اغلب حکایات آن در حوامع الحکایات مندرج است نصف آخر این کتاب در کتابخانه اندیا آفس موجود است (رک ۷۳۷ و ۷۳۸) این کتاب را عوفی در ۶۲۰ هجری سام‌الملک ناصرالدین قباچه ترجمه کرده‌است

۴- مدایح السلطان - اسم این کتاب را عوفی در باب دوازدهم از قسم اول حوامع الحکایات حروم و مؤلفات خود آورده‌است که در ورور و روس حدیقه حکیم سائی بوده ولی اکنون هیچ نسخه‌ای از این کتاب در دست نیست و تنها چهار بیت از آن در مورد فوق در باب

ع نازل گدیده‌است



عوفی «لبا الالباب» رادر حدود سال ۶۱۸ھ تألیف نموده اسب ودلائل آن به فرار
ربر اسب.

همچین دزدیل «الامیر ناصر الدین عثمان بن حرب السحری» می نویسد: و در آن وقت که مؤلف این ترتیب سجستان بود امیر ناصر الدین بر حسب ایردی پیوس و ولیعداؤ ملک عن الدین بهرام شاه بود که این ساع ممالک سجستان در صط اسب» و چون مدب حکمرانی ملک عن الدین بهرام شاه مرور ارسه ۶۱۲ تا ۶۱۸ هجری بوده اسب لدا معلوم می شود که تألیف این کتاب موحرتر ارسه ۶۱۸ هجری بوده اسب

بیردردیل سلطان علاءالدین و والدین محمد (بن) السلطان تکس حواری مشاه را
 این طور دعا میکند «اعلی اله سابه» و وفات محمد حواری مشاه در سنه ۶۱۸ هـ اتفاق افتاد
 اما در آن ایام بسبب هرج و مرج و فتنه و فساد بدست مغول تا مدت مدید بعد از فوت سلطان
 محمد حواری مشاه حال او با علایم مردم مشتبه بود و کسی نمی دانست وی کجا اسبورده
 یا مرده ابن ابی الحدید در شرح بهج البلاغه می گوید که تا هفت سال بعد از مرگ

۱ - برای نمونه اسعار عوفی رک «لہاب» چاپ لیدن ح ۱ ص ۴۵۵-۵۵۶

و ۱۶- ۱۷ و ۶۳ و ۱۶۳- ۱۶۴ و جلد ۲ ص ۴۲۸-۴۳۱ و «حوامع» مصحح دکترا معین ص ۱۲۸.

محمد حواری زمشاه غالب مردم یقین داشتند که وی ریده اسب و متواری اسب. بنابراین معلوم می شود که عوفی بیر بهمین اعتقاد بوده و دعای مرثیه در لیل تاریخی بر ریده بودن محمد حواری زمشاه بیسب .

راجع بسبب تألیف عوفی در مقدمه چنین توضیح داده است .

«چون خادم دعا و ناشر ثنا محمد عوفی روی ار همه چهاں گردانیده و ب همه چهاں آورده اسب یعنی حصرت رفیع و در گاه فلک ناه . خواست که حضرت عالیه را هم از سیوه صاع و سوما یه بصاع خود خدمتی کند و تحفه ای آرد که تافیا م دسب الالباه ام آں برسد در طبعات شعرا ی عجم این مجموعه پرداخت . و این مجموعه را لبالب الالباب نام نهاد »

در باره مآخذ کتاب مؤلف در دیباچه هیچ توضیحی نداده ولی در متن کتاب اسم کتاب های زیر را آورده اسب و از آنها در تألیف این تذکره استفاده نموده

۱ - یتیمۃ الدهر تألیف مستوفی (ر ك میمندی)

۲ - تاریخ ناصری (ر ك طاهری جعابی)

۳ - حماسۃ الطرفاء تألیف ابو محمد عبدالکافی رورسی (ر ك . شهید

بلخی)

۴ - عرب نامه تألیف ابوالقاسم باحرری

۵ - دیوان اشعار عربی موسوم به «الاحسن فی شعر علی بن حسن تألیف

ابوالقاسم باحرری

۶ - رقیۃ العلم (ر ك اتانك حوینی)

همچس بعضی روایات را از اشخاص زیر شیده و نقل کرده اسب

رکی الدین لوهوری (ر ك ملکشاه) و عماد الدین دیر (ر ك آتس) و شهاب

الدین مسعود (ر ك تکش) و امام ادیب رسید الدین (ر ك امیر ناصر الدین عثمان

سجری) و امام همام عالم الدین کرمانی (ر.ک. امیر و حرالدین مسعود کرمانی) و قاضی شرف الدین محمد کر کوئی (ر.ک. نظام الملک نصیر الدین محمود) و سعد الدین ابن-مسعود (ر.ک. اتانک جوینی) و شیخ الاسلام زکی الدین (ر.ک. شهاب الدین محمد) و منتخب الدین (ر.ک. مؤید الدین ابوبکر ترمذی) و حمید قهندری (ر.ک. بهاء الدین حامحی) و پسر عماد الدین کاتب (ر.ک. عماد الدین کاتب) و حرالدین مستعد (ر.ک. حرالدین عریر فرید) و امام شرف الدین عسری (ر.ک. شهاب الدین محمد بن همام) و کمال معری سمرقندی و حمید الدین سجری (ر.ک. بهاء الدین اوسی) و پسر امام مجد الدین نسوی (ر.ک. امام محمد الدین) و شیخ رکی (ر.ک. فرید الدین محمود هروی)

اما گاهی اسم را وی یا آورده و تنها اینطور نوشته اس

«اربررگی شنیدم» (ر.ک. نظام الملک نصیر الدین محمود و غیره)

«شنیدم ارنه ای» (ر.ک. اختیار الدین روربه و غیره)

این تذکره شامل شرح حال و آثار سیصد ساعر^۱ می باشد در ابواب کتاب عیالاً طبقه بندی ارروی استان و شهرهای شعراست و نیز تعدیم و تأخیرشان ارروی رماں مرعی داشته است یعنی شعرای متقدم را قبل از شعرای متأخر ذکر نموده است حسابکه در سطور فوق گذشت عوفی این کتاب را بنام علی الملک و حرالدین الحسن اسعری نوشته است (ر.ک. دیباجه جلد دوم) و الفاب بوصیفی وی را در مقدمه کتاب مفصلاً (در هسب سطر) آورده است

این کتاب مستملست بر دو حلد نمر از زیر

جلد اول - در تذکره ملوک و وزراء و فضلاء و علمائی است که گاهی شعر هم می سروده اند این حلد با «امیر متصرف بن نوح بن منصور سامانی شروع شده با «سمس-

۱ - در حلد دوم این کتاب بعد از حاقانی اشعار محیر الدین (بیلقانی) آمده است

ولی اسمش ظاهراً اردست ساح افناده است بدین جهت عده کل شعرای این کتاب سیصد وعده شعرای حلد دوم همناد می باشد

سامان بوده اند .

در دیل این باب اول مؤلف حیطله بادعیسی و فیروزمشرقی و ابوسلیک گرگانی
را که شعرای عهد آل لیث و آل طاهر بودند آورده است و سپس یک فصل در ذکر شعرای
آل سامان آورده است (کل ۲۸ شاعر)

باب نهم در ذکر شعرای آل ناصر (۲۰ شاعر)
سپس مؤلف «در ذکر شعرای آن طبقه که نام و نسب ایشان معلوم نیست» (کل
۹ شاعر) آورده است.

باب دهم در ذکر لطایف شعرای آل سلجوقی^۱ (کل ۲۲ شاعر)

فصل دوم - در ذکر شعرای ماوراءالنهر (۷ شاعر)

فصل سوم - «عراق و نواحی آن» (۱۰ شاعر).

فصل چهارم - «فصلای عربین و لوهور» (۹ شعر)

باب یازدهم در ذکر لطایف شعرائی است که در این قرن بوده اند بعد از عهد معری
و سنجرى^۲ (کل ۲۳ شاعر)

فصل دوم - در ذکر شعرای ماوراءالنهر (۱۵ شاعر)

فصل سوم - در ذکر «عراق و مصافات آن» (۶ شاعر)

فصل چهارم - «عربین و لوهور» (۹ شاعر).

باب دوازدهم در ذکر لطایف اشعار صدور و افاصل که بدین حصرت محصوصد
و برین دولب موسوم (۴ شعر)

تنها شرح حال افراد ریز را مفصل نقل کرده است

(الف) ملوک - محمود بن سکتکین و اتسر

(ب) ورراء - اتابک حویى و صیاء الدین و بهاء الدین علی حامحی

۱ - طاهرأ این قسمت فصل اول را باب دهم است

۲ - طاهرأ این قسمت فصل اول را باب یازدهم است

ج- **علما و فضلا** - قطب الدین سرحدتی و محمود بن احمد نیشابوری.

شرح حال بهاء الدین علی حامدی را مفصل تر ارهمه (در ۳ صفحه) آورده

اسب

تنها اشعار افراد رپر را مفصل آورده اسب ولی شرح حالشان را مختصر نقل کرده

اسب

(الف) **ملوک** - ابوالمطر طاهر حجابی و طعاشه و پیعوملک و احتیار الدین
رور به سیمایی در این قسمت اشعار بیعوملک را مفصل تر ارهمه (در چهار صفحه)
آورده اسب

(ب) **وزرا** - اشعار چهارده نفر را دستاً مفصل تر آورده اسب مخصوصاً اشعار
ننا کوک و کمال الدین بحاری و محمد بن مؤید بغدادی (هر یک در سه صفحه) و فخر
الدین مبارکشاه (در ۳/۱ صفحه) و ووطاط (در چهار صفحه).

در این قسمت اشعار ووطاط را مفصل تر ارهمه (در چهار صفحه) آورده است.

(خ) **علما و فضلا** - اشعار بیس و سه نفر را دستاً مفصل و مخصوصاً اشعار رضی-
الدین نیشابوری و سمس الدین را بی (هر کدام در سه صفحه) و رین الدینی سحری (در
چهار صفحه) و سرف الدین شعروه (۴/۱ صفحه) را مفصل تر از دیگران آورده است
در این قسمت اشعار سرف الدین شعروه را ارهمه مفصل تر آورده است.

(د) **شعرا** - اشعار هفتاد و یک ساعر را دستاً مفصل و مخصوصاً اشعار محمد بن
ناصر علوی و ابوبکر روحانی و محمد یمینی کاتب و شهاب الدین سمرقندی (هر کدام
در سه صفحه) و حوهری هروی و خالد مکی طولانی و سوری و قطران تبریزی و عبدالرافع
هروی و ابوعلی مروزی و رکی مراغه‌ای (هر کدام در ۳/۱ صفحه) و کسائی مروزی
و ابوالعالی رازی و ابوالفرح رومی و مسعود سعد سلمان و شهاب الدین ابی رحافر نوی
(هر کدام ۵/۱ صفحه) و عمق بحارائی (در ۶ صفحه) و ابوری و روحی و لوالجی (هر
کدام در ۷ صفحه) و معری نیشابوری (در سه صفحه) و ادرقی هروی (در ۹/۱ صفحه) را
حیلی مفصل آورده اسب

در این قسمت اشعار معری و ارزقی هر وی را مفصل تر اردیگران آورده اسب .
 رویهمرفته در این تذکره اشعار ارزقی هر وی را مفصل تر ارمه (درج / ۹ صفحه)
 نقل کرده است .

اشعار و شرح حال هر دورا در ذیل افراد زیر سة مفصل نقل کرده اسب .
 (ب) ورا - نظام الملك ابو علی الحسن و ابو القاسم علی باحرری و شرف الدین
 فرید کافی و مجد الدین عریری
 (ح) علما - تاح الدین عمرو نظام الدین محمد الدین سر حکتی و نهاء الدین اوسی
 و حمید الدین عمر بلخی و دقایقی مروری

(د) شعرا - رود کی سمرقندی و معری نیشابوری و ارزقی هر وی
 گاهی در ذیل بعضی شعرا شرح حال سان را خیلی مختصر (در دوسه سطر) آورده
 ولی اشعار سان را مفصل نقل کرده اسب مانند رینتی علوی و لیبی ادیبی و مسرور طالعانی
 و منشوری سمرقندی .

عجب ایست که اشعار و شرح حال شعرا ی معروفی مانند فردوسی و نظامی
 گنجه ای را خیلی مختصر آورده اسب ولی شرح حال بعضی شعرا ی سة عمر معروف
 مانند محمود ابن احمد نیشابوری و اشعار شعرائی مانند محمد ابن عمر فردوسی و دهقان
 شطرنجی و روحی و الواحی را سة خیلی مفصل آورده اسب .

گاهی در ذیل بعضی شعرا اشعار عربی را نیز ارایسان نقل کرده اسب مانند ابو محمد
 بن یمین الدوله و ابو القاسم میمندی و نظام الدین محمد و شید بلخی و غیره
 در ذیل نام شعرا ی ریر اسم تألیفات شان را سة مفصل نقل کرده اسب و فخر الدین
 محمد نیشابوری و مجد الدین احمد سحاوندی

تنها تاریخ وفات افراد ریر ادا کر نموده اسب .

(ب) ورا - ابو القاسم علی باحرری (مقتول در ۴۴۸هـ) و ابو العلاء معروف
 ساکوک (موفی ۴۹۱هـ) و سہاب الدین محمد بن رسید رئیس (متوفی ۵۹۸هـ) .
 در قسمتهای ملوک و علما و شعرا تاریخ وفات هیچ کدام از آنها را صبط

مکرده‌اس

دردیل تراجم افراد زیر مؤلف تصریح نموده‌اس که با ایشان ملاقات کرده‌اس و بدیجهب مطالبی که درباره آنها در این کتاب آورده‌است بیشتر مورد اعتماد و اعتبار می‌باشد

ضیاءالدین حامحی و بهاءالدین حامحی و صدرالدین بیضاپوری و مهذب‌الدین اسفراری و محمدالدین شرف الکتاب و شرف‌الدین سغی و تاح‌الدین عمرو نظام‌الدین عمرو شمس‌الدین داعی سغی و صدرالدین حرما بادی و محمدابن مؤید بعدادی و فریدالدین حاحرمی و محمدبن بدیع نسوی و فخرالدین خطاط‌هروی و بدرالدین هروی و سرف‌الدین و راهی و ابوعلی مروزی و منجم سحری و مهار کشاه سجزی و قوامی خوافی و سعدالدین مسعود دولتیار و اشرفی سمرقندی و شهابی عراقی خجندی .

مؤلف گاهی در این کتاب حکایات متدل نقل کرده‌است چنانکه دردیل حکیم ارقی‌هروی و روحی و لوالحی آورده‌اس

همچنین ار بعضی شعرا طبق ذوق آن دوره اشعار خیلی متدل آورده‌است مثلاً رجوع شود به شمسی بحاری

لباب‌الباب در احوال شعرا اغلب معلومات را بهم نمی‌رساند و مخصوصاً سال ولادت و وفات افراد مدکور را که خیلی مهم‌اس غالباً از روی سهل یا غفلت ذکر نکرده‌است، همچنین ارا کثر شعرا اشعار خوب انتخاب نموده‌اس بلکه اغلب اشعار سست را آنها نقل کرده‌اس و بنابراین از روی این منتحان نمیتوان سبک و اسلوب و پایه اکثر شعرا بی‌برد

اکثر اشعاریکه مؤلف از شعرا انتخاب نموده‌است غیر جالب و تا اندازه‌ای نامطبوع‌اس و در انتخاب اشعار مؤلف تنها باین امر توجه داشته‌اس که اشعار منجبدارای ترکیبات و قوافی و ردایب مشکل و غیر معروف باشند و بس، چنانکه مثالهای زیر به‌توت میرساند .

قصیده و طواط ناردیب آتش و قافیه‌های چهاں و حان و غیره

قصیده کمال بخاری باردیف بادو حاک و قافیه‌های سرو حسرو غیره

» شرف‌الدین سمنی: باردیف بسکند و قافیه‌های هم‌حار و رار و غیره

قطعه بهاء‌الدین اوشی: باردیف بشکند و قافیه‌های حو و حزار و گهر بار و غیره

قصیده اره‌ری مروزی باردیف چشم و قافیه‌های حشم سار و حمار و غیره

» » » دل » هرار و نیم‌رار و غیره

قصیده محمد بن دبیع سوسی با قافیه‌های بسج و وح و سحی، سج و سج و سوح و فرسخ

و ناچرخ و اصلخ و مسلخ و آدخ و زح و مچخ و غیره

قصیده‌های رین‌الدین سحری: باردیف چشم و قافیه‌های هرار و اسوار و غیره

وردیف آراسته و قافیه‌های آفتاب و نعل و غیره و ردیف شکسته و قافیه‌های آفتاب و

صواب و غیره.

قصیده شرف‌الدین فراهی باردیف و فا و قافیه‌های حمال و سمال و منال و حال و

گوشمال و زال و غیره

قصیده سوری با قافیه‌های بطک و کلک و ححک و علك و غیره

ترکیب بند قطران تریری با قافیه‌های گوهر بار و تار و تار و رنگ و رنگ و رنگ

رنگ و روی روی و حوی حوی و کشمیر میرو تا حیر حیر و دور دور و سور سور و بهرام رام و

سا کام کام و افسال نال و آمال مال و آباد باد و آراداد

قصیده محمد بن عمر فرقدی باردیف تبع و قلم و قافیه‌های یادگار و

شهریار و غیره

قصیده محمد بن علی سراحی باردیف سب و قافیه‌های نعل و حجاب و غیره

» عجبی حجدی » بسکند » خار و یار و غیره

حتی بیا » گوهر » حوار و حوار و غیره.

» » لعل » رمان و اسحوا و غیره

» » رمرد » حار و لالا و غیره

» » پیاله » سکرو بر و غیره

قصیده حتی بیا باردین جندید وقافیه استخوان ودهان و غیره
 « » « » نغشته « لالهزار و بهار
 « شیخ احمد بن محمد المیم با قافیه های مفرقی و مرقی و مطرقی و
 مستعی و غیره

اراستحاب اشعار فوق که در لبا الالبا آمده است معلوم می شود که بعضی شعرا
 مخصوصاً بعد از عهد سلجوقی خیلی سعی می کرده اند در اشعار خود صنایع و بدایع
 به فراوانی بکار برند و قوافی و ردایف مشکلی را برای طبع آزمائی انتخاب می کرده اند ولی
 این قبیل اشعار حرعلا مفضل فروشی آنها چیردیگر نبود. الحق شعر گفتن در آن سبک
 بسیار مشکل و بر رحمت و ارکندن کوه و آوردن حوی شیر کمتر بود ولی این اشعار که
 مملو از صنایع و بدایع لفظی و معنوی بوده دارای همه چیز بود حرعلا روح شعر و ردایف بارد
 و قوافی بی مره آنها را لطف و تازگی شعر میکاسته اس

عجب تر اینست که عوفی از چنین اشعار بطور اغراق آمیزی تعریف و تمجید کرده
 اس و معتقیده وی بعضی از گویدگان این قبیل اشعار بهتر از رودکی و عنصری بوده اند،
 حنا که در دریل رفیع الدین مرربان فارسی میبویسد «ولطایف سحر او ساطع نظم عنصری
 و رودکی در نوشته « حنین عقاید، خود آینه ذوق مؤلف و ار جمله علل کم بودن
 اشعار لطیف و شیرین در لبا الالبا میباشد

سبک مؤلف بسیار مصنوع اس و عالا تکرار استعارات سمع و تشبیهات بارد و
 تسجیعات متکلف و ثقیل و حاسات مصنوعی و غیر مطبوع و افراط در استعمال کلمات و
 تراکیب مشکل عربی و هم و درك مطالب برای خواننده خیلی دشوار و بر رحمت شده
 اس و گاهی شروی بعدری مصنوع اس که بعضی عبارات بصورت چیستان در آمده و
 فهمیدن آن مصداق «کوه کندن و کاه بر آوردن» میباشد

باوصد ایرادات فوق این کتاب از حیث تاریخی و ادبی دارای اهمیت بسیار است

چنانکه میر غلامعلی آراد بیلگرامی در مقدمه «حرايه عامره» می نویسد: «جميع تد نویسان متأخر در تحریر احوال شعرای اقدم القدماء عیال اوید»^۱ و در حقیقت اگر لباب الالباب بدسب ما برسیده بود اکثر شعرای متقدم در پرده حفا می رفتند در تذکره دولتشاه که بگمان مؤلف آن اولین تذکره ایست که بفارسی نوشته شده اراعلب شعرای متقدم مخصوصاً معاصرین صفاریه و سامانیه و غیره بویه که در لباب الالباب از آنان یاد شده دگری برفته است و حتی دولتشاه اسم آنها را هم شنیده بود و سرخ احوال شعرای متقدمی که در تذکره خود آورده است اکثر مشوب به حکایات بی مأخذ و افسانه ها و اکادیب و مجعولات است.

اهمیت اصلی این کتاب در آنست که این قدیم ترین کتابیست منحصراً در ترجمه احوال شعرای فارسی که بدسب ما رسیده است و برای آیندگان تنها مأخذ مهم و مثابه شمع راه بوده است.^۲

برای شرح حال عوفی رجوع شود به مقدمه حوامع الحکایات چاپ لندن ۱۹۲۹ م باهتمام دکتر نظام الدین و مقدمه حوامع الحکایات (بخش اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ش باهتمام و تصحیح آقای دکتر محمد معین و مقدمه منتخب حوامع الحکایات چاپ وزارت فرهنگ ایران ۱۳۲۴ ش باهتمام ملک الشعراء بهار و مقدمه لباب الالباب چاپ لندن ۱۹۰۳ و ۱۹۰۶ م باهتمام دکتر براون و مرحوم علامه محمد فروزی و مقدمه لباب الالباب چاپ تهران ۱۳۳۵ ش با تصحیح و تعلیقات استاد سعید نفیسی

نسخ خطی

- ۱- اشپرنگر س ۱
- ۲- برلن س ۶۳۷ (افص- قرن ۱۵ م)
- ۳- لندریان س ۱۲۴ تا ۳۰۸ (قرن ۱۶ یا ۱۷ م)

۱ - ر ك حرايه عامره صفحه ۶

۲ - برای بحث مفصل درباره این موضوع رجوع شود به مقدمه کتاب حاضر در ردیل عنوان «اولین تذکره فارسی»

چاپ

جلد اول - مرتبه د کتر بر اون لندن ولیدن ۱۹۰۳ م

جلد دوم - مرتبه د کتر بر اون و میرا محمد قروبی - لندن ولیدن ۱۹۰۶ م

جلد اول و دوم - نا تصحیح و تعلیقات از استاد سعید نفیسی - تهران

اسفند ۱۳۳۵ ش

تصحیح باب‌الالباب

ارمرحوم وحید دستگردی - رجوع شود به مجله ارمغان ح ۱۱ ص ۳۳۵-۶ و ۴ -

۶۵۲ و ۷۴۷-۵۲ و جلد ۲۲ ص ۴-۷۴۳

فهرست اسامی شعرا رجوع شود به اشپرنگر ش ۱ (اما آن فهرست کامل

بیست)

تذکره هیچکدام از نسخ سابق الذکر کامل نیست و در بعضی موارد افتادگیها

هم دارد بی‌محل نخواهد بود اگر شمه‌ای درباره این افتادگی‌ها توضیح داده شود

در دیل معری عربی در قطعه آخر چهار بیت ناقص آمده است و بقول استاد سعید

نفیسی «در حای دیگر که این قطعه را آورده اند تنها پنج بیتی که تمام مسبق نقل کرده اند

و پیدا است که سحهای که مؤلفین سلف از باب‌الالباب در دست داشته اند همین افراد گویا

را داشته است»^۱

در دیل شعرای زیر اشعارشان در نسخ کتاب ناقص آمده است

معری (چهار بیت در قطعه آخر چنان که در سطور فوق ذکر شد) و خسروی (سه

بیت) و حمیدالدین مسعود (یک بیت آخر) و شهاب‌الدین محمود بن علی صاع (۲ بیت) و

نحیب‌الدین ترمذی حطا (۳ رباعی) و صیاء‌الدین کابلی (یک رباعی) و محمد کاتب

بلخی (۶ بیت) و شاعر شماره ۱۶۸ ح ۲ (۴ بیت) و صیاء‌الدین سحری (سه بیت) هم‌محبن

فصل دوم

تیموریان ہند یا بابریان (۹۳۲ - ۱۲۷۴ھ)

قسمت اول

ادآغا سلطنت بابریان (۹۳۲ھ) تا پایاں سلطنت شاہ جہاں (۱۰۶۸ھ)

ملاحظات عمومی بر فصل دوم (قسمت اول) (۹۳۲-۱۰۶۸ هـ)

اوضاع سیاسی واجتماعی و ادبی این دوره

طبرالدین ناصر در ۹۳۲ هـ ابراهیم لودی، آخرین پادشاه سلسله لودیان هند، را در حنگ پابی پت شکست داد و سلطنت خاندان لودی را در هندوستان بر انداخت و سلطنت بامریان یا تیموریان هند را در هند تأسیس کرد

سب ناپرساه (۹۳۲-۹۳۷ هـ) از طرف پدر به امیر تیمور و از طرف مادر به چنگیز خان میرسد و بنا بر این وی اصلاً ترک بوده به معول اما بعضی تاریخ نویسندگان او را اشتباهاً مغول نوشته اند. بعد از شکست دادن ابراهیم لودی ناصر تمام شمال هند را تسد تا سواحل بنگال در سیاف نا وجود این که زبان مادری ناصر ترکی بود اما وی فارسی هم شعر میسرود چنانکه اشعار وی از وی در تذکره های فارسی ضبط شده است

بعد از ناصر شاه پسر وی ناصرالدین همایون (۹۳۷-۹۶۲ هـ) حاکمین پدر شد اما قبل از اینکه بعشه تسخیر بقیه بواهی شمال هند مانند گجرات و مالوه را عملی سارد در ۹۳۶ هـ بدست شیر شاه سوری سردار افغانه بنگال شکست خورد و محبوس شد از دهلی فرار کرده اندامدتی در سد و بعد با ایران ناهنده شود بعد از یارده سال بعزم تسحیر ممالک اردس رفته خود به دمر اعب کرد و بالاخره در ۹۶۱ هـ سلطنت دهلی را محدوداً بدست آورد و سال بعد فوت کرد

باید توجه داشت که بابر و همایون بعلت جنگ و جدالی که در مقام عمر مشغول آن بودند نتوانستند بترسب و تشویق شعرا وادبا پیردار بدو تنه‌ار و خودیک شاعر معروف سراع داریم بنام شیخ حمالی (متوفی ۹۴۲هـ) مؤلف سیر العارفين که در رمان آنها در هندوستان میریسنه است. با گفته نماد که همایون شاه بیرمانند پدرش بفارسی سمرمی سروده و اشعار وی در تذکره های فارسی تست سده اسب

بعد از همایون بسروی حلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴هـ) درس چهارده سالگی حاشین پدرشد و بیرم خان خانان سردار باتدبیر همایون تا ۹۶۸هـ و طایف خود را بعنوان اتالیق (سرپرست) و نایب السلطنه با کمال خوبی انجام داد و بالاخره نامر اکبر شاه که در ۹۶۸هـ رمان کلیه امور سلطنت را بدست خود گرفت عارم حیح شد اما در راه بدست یکی از افغان ها کشته شد بعد از بیرم خان بسروی عبدالرحیم خان خانان بحای پدر سپه سالار اکبر ساه سد و تا آخر عمر همین سمب زادر دست داسب باید تذکر داد رمان و ادبیات فارسی از رمان اکبر ساه در سراسر سبه قاره هندوستان رونق گرفت و بعلت تشویق باد ساه و امرای وی مانند عبدالرحیم حای خانان شعر و ادب فارسی در آن سرزمین پهناور فوق العاده ترفی و سیوع پیدا کرد و میسوان گفت در رمان هیحیک از بادشاهان هندو ایران عدده شعرا و نویسندگان فارسی با دباره رمان اکبر ساه بوده

بیرم خان و عبدالرحیم حای خانان هر دو ساعر و ادب پرور بودند حبا که اسعار هر دو آبهادر کتب بد کرده و تاریخ دکر شده اسب عبدالقای بها و بدی مؤلف مآثر رحیمی در حاتم کتاب خود دکر سعرائی را آورده اسب که بدربار عبدالرحیم حای خانان مربوط بود بد. همحبین کتب تاریخ مانند اکبر نامه و دربارا کسری و منحب الواریح و بد کردهائی مانند بقایس المآثر و برم آرای و خلاصه الاسعار و غیره دکر ساعرای رمان اکبر ساه را بتفصیل آورده اند

بعد از اکبر بسروی نور الدین محمد حبا نگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷هـ) دومین باد ساه سلسله با نریان بود که در رمان وی سمر و ادب فارسی حیلی رونق داسب و سرح مفصل

توسعه ممالک بهمنی مستلزم تقسیم آنها بولایاتی شد و همین تقسیم راه برای تحریر سلطنت دکن بار کرد چنانکه یوسف عادلشاه در ۸۹۵هـ در بیجاپور و احمد بن نظامشاه در ۸۹۶هـ در احمد نگر و عماد الملک فتح الله در ۸۹۰هـ در رار و قاسم در ۸۹۷هـ در بیدرو سلطان قلی قطشاه در ۹۱۸هـ ولایات خود را مستقل اعلام کرد.

سلاطین بهمنی که با ادب و هنر علاقه فراوانی داشتند دردکن بنیان فرهنگ ایران را نهادند و در میان آنها بعضی سلاطین فارسی شعر میسرودید مانند سلطان محمدشاه دوم بهمنی (۷۸۰-۷۹۹هـ) و سلطان فیروزشاه بهمنی (۸۰۰-۸۲۵هـ) و سلطان سکندر بهمنی (طاهر آ سلطان محمود شاه بهمنی ۸۸۷-۹۲۴هـ)

بعد از سلاطین بهمنی در زمان عادلشاهیان (۸۴۱-۱۰۹۵هـ) و قطشاهیان (۹۲۴-۱۰۹۸هـ) پیشرفت فرهنگ و ادبیات فارسی دردکن بکمال رسید. اکثر سلاطین این دو سلسله فارسی شعر میسرودید و در بارشاهان مکرر و مجمع فضلا و ادبای ایرانی بوده است.

در میان عادلشاهیان اسامی و اشعار یوسف عادلشاه (۸۹۵-۹۱۶هـ) و اسمعیل عادلشاه (۹۱۶-۹۴۱هـ) و ابراهیم عادلشاه بانی (۹۸۸-۱۰۳۸هـ) و از میان قطشاهیان اسامی و آثار یار قلی حمشید قطشاه (۹۵۰-۹۵۷هـ) و سلطان محمد قلی قطشاه (۹۸۸-۱۰۲۰هـ) و سلطان محمد قطشاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵هـ) در کتب تذکره و تاریخ ذکر شده است باید توجه داشت که سلاطین عادلشاهی و قطشاهی اصلاً ایرانی و مذهباً سیه بودند و غالب آنها بحای پادشاهان تیموری هند ساکنان ایران را بعنوان پادشاه خود می‌شمارتند و همین موضوع یکی از علل اساسی بر چیده شدن آنها بدست تیموریان هند بوده است.^۱

۱- برای شرح حال و آثار سلاطین بهمنی و عادلشاهی و قطشاهی رجوع شود به برهان مآثر تألیف علی بن عزیر الله طاطمائی سال ۱۰۰۰هـ و تاریخ ورشته تألیف ۱۰۱۵هـ و تذکره الملوك تألیف میر رفیع الدین ابراهیم شیرازی سال ۱۰۱۷هـ و تاریخ سلطان محمد قطشاه سال ۱۰۲۶هـ
نقشه در صفحه بعد

تذکره نگاری در این دوره

این دوره در تاریخ تذکره نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد چون در تذکره های این دوره به تنهاد کر تمام شعرای رمان تیموریان هند آمده است بلکه بعضی تذکره ها شعرای متقدم را هم شاملست (رجوع شود به برآم آرای وهفت اقلیم و خلاصة الشعراء و عرفات العاشقین و خرینه گنج الهی) و بنا بر این تذکره های این دوره به تنهادر تدوین شعر فارسی در زمان تیموریان هند مأخذ و منبع بسیار مفیدی است بلکه تاحدی آینه تطویر و تحول شعر فارسی از زمان قدیم تا رمان تیموریان نزرگ هند میباشد.

در این دوره دو تذکره بسیار مهم از لحاظ انتخاب اشعار شعرا تألیف شده است بنام نتحانه (خلاصة الشعراء) و خلاصة الاشعار که نویسندگان آن دیوان شعرای برگزیده متقدم فارسی را در تذکره های خود خلاصه نموده و اکثر اشعار خوب آنان را در تذکره های خود آورده اند و با این کسیکه با اشعار خوب شعرای متقدم علاقمند است دیگر احتیاج نداشته دیوان آنها ندارد.

همچنین در این دوره بعضی تذکره ها از لحاظ شرایط و لوازم تذکره نگاری بسیار مهم بوده است از جمله میخانه عبدالنسی و خلاصة الاشعار از حیث شرح حال و انتخاب اشعار و بتخانه (خلاصة الشعراء) ملاصوفی مازندران را از حیث حسن انتخاب اشعار شعرا میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی حساب کرد.

اکثر تذکره های این دوره نام یکی از سلاطین هند یا امراء و حکام یا منسوبین آنها

بقیه در صفحه قبل

(مؤلف؟) وحیدة السلاطین تألیف میرزا نظام الدین احمد شیرازی بسال ۱۰۴۵ هـ و حدائق السلاطین تألیف علی بن طیفور سظامی سال ۱۰۹۲ هـ و تاریخ قطب شاهی تألیف قادر حان منشی بیدری سال ۱۲۴۵ هـ و سلاطین السلاطین تألیف میرزا ابراهیم ربیری (سال؟) و محبوب الرحمن (اردو) تألیف مولوی عبدالجبار حان ملکا پوری چاپ حیدرآباد سال ۱۳۳۰ هـ و کلام الملوك (اردو) تألیف میر سعادت علی رضوی سال ۱۳۵۲ هـ.

تألیف شده است چنانکه روضه السلاطین بنام ابوالفتح شاه حسن ارغون حاکم سندوتته و خواهر العجائب نام ماهم دایه اکر شاه و برم آرای نام عبدالرحیم خانخاان و خلاصه الاشعار (اول بنام شاه طهماسب صفوی و سپس نام شاه عباس بر رک صفوی و در آخر) بنام ابراهیم عادل شاه سلطان بیخا پور و مجمع الشعرای حها نگیری نام حها نگیر ساه عنوان شده است تقریباً تمام تذکره های این دوره را کسانی که بهنده ها حرت کرده یعنی ارایران و افعلیستان و ترکستان روسی فعلی بهندوستان رفا و آجاسکونب داشته بودند تألیف نموده اند چنانکه فخری هروی مؤلف روضه السلاطین و خواهر العجائب و علاءالدوله فیروزی مؤلف بغایس المآثر و سپیدعلی بن جمودا الحسینی مؤلف برم آرای و امین احمد راری مؤلف هفت اقلیم و بنی کاسی مؤلف خلاصه الاشعار و ملا محمد صوفی مار بندرانی مؤلف بیتحانه (قسمب اشعار خلاصه الشعراء) و مؤلف تذکره حرانات (که طاهر اراهل هرات بوده است) و تقی اوحدی مؤلف عرفات العاشعین و عبدالنسی مؤلف میحانه و مطربی سمرقندی مؤلف تاریخ حها نگیری و قاطعی مؤلف مجمع الشعرای حها نگیری و میرعماد حسینی مؤلف حرینه گنج الهی ارسر مرمن ایران و افعاسان و برکسان روسی فعلی بهند مها حرت کرده بودند

در میان تذکره نویسان فارسی این دوره تنها دو نفر نام عبداللطیف گجراتی مؤلف خلاصه الشعراء و محمد صادق مؤلف طبقات ساه حها بی اراهای هد بوده اند تذکره های دیل تقریباً ناماً درد کر سغرای دربار تیموریان هد میاسد بغایس- المآثر و تاریخ حها نگیری و مجمع السغرای حها نگیری و طبقات ساه حها بی در میان تذکره های این دوره تنها یک تذکره نام روضه السلاطین و مطد کر سلاطینی را آورده است که سغر میسروده اند و تذکره حرانات تنهاد کر سغرای معاصر مؤلف را آورده است

ارمیان تذکره های این دوره دهها میحانه دربار سغرائیسب که «ساقی بامه» سروده اند (الستدرک فصل کتاب د کر دعصی سغرائی را هم آورده است که ناموقع تألیف میحانه ساقی بامه سروده بودند) و بعینه تذکره هادر موقع انتحاب اسعار هیح نوع

تخصیص بیکی از اصناف سخن قایل نشده اند

سنگ این دوره

تقریباً تمام بدکره های این دوره بران ساده بوده و تنها در مقدمه مخصوصاً در موقع حمد و نعت و منصف و مدح پادشاه و امیر یا ممدوحان دیگر مؤلف و همچنین در موقع تعریف سحران بران مصوع پرداخته اند. تنها کتابی که در این دوره سنگ مصنوع بوسته شده است نرم آرای است که مؤلف آن تحت عنوان سنگ عوفی قرار گرفته و کتاب خود را بهمان سنگ عوفی تألیف کرده است باید توجه داشت که مؤلف نرم آرای اکثر مطالب را عیباً از لایب الالاب عوفی نقل کرده است

اینک شرح تذکره هائیکه در شهفاره هندو یا کستان در دوره اول تیموریان هند تألیف شده است میپردازیم .

روضة السلاطین

ابتدا

ای کوی تو روضه سلاطین جهان وی سوی تو دلها همه پیدا و بهان
رو یافت بتو کسی که وارست رخود یک لطف کن و مرا رخود نار جهان
سپاس و ستایش بی قیاس پرورد گاری را که روضه اقبال سلاطین عالم را بر یاحین
عدل و احسان مرین و معطر گردا بیده

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد متخلص بحر ی هروی ابن امیری است اما بعضی درد کر اسم او اشتباه کرده اند در نسخه لطایف نامه^۱ متعلق به دوره نرینا یا (رحوع سود به ریوص ۳۶۵) نام مؤلف آن اسبابها بحر ی بن سلطان محمد امیری ذکر شده ولی در نسخه دیگر از همان کتاب که متعلق به کتابخانه شخصی حاجی محمد بحوایی است این عبارت آمده است که اسم صحیح مؤلف را نشان میدهد «تراب اقدام حرحه

بوشان جام العقر فحری سلطان محمد بن امیری» که طاهرآ در این عبارت کلمه فحری سهواً یا عمدآ برای احترام از تکرار حذف شده است^۱

الهی تحت نام فحری مینویسد «سلطان محمد امیری متخلص به فحری یکی از ارباب بود تا زمان طهماسب میریست و مادح آن ملک بوده و محالس النعائس میرعلی شیر ارتر کی بفارسی ترجمه کرد بعضی تراحم شعرای دوره دوم اصافه کرد. کمان دیگری بنام «ستان خیال» نیز تألیف کرد که مطلع های عزل ها از شعرای مختلف رمانش دارد».

و حای دیگر در دیل نام فحری میگوید . «فحری هروی رفیق میرعلی سر بود بعضی گویند که این فحری هماسب که دگرش گذشت»
و بار در صفحه ۲۶۳ همان کتاب (تذکره الهی) عبارت زیر آمده است «فحری سلطان محمد پسر امیری بود محالس النعائس را ترجمه کرده به لطایف نامه موسوم کرد»

مؤلف خلاصه الافکار اسم مترحم محالس النعائس را مولانا سلطان محمد امیری آورده است و میگوید «منحمله آثار میرعلی شیر محالس النعائس است که او در زبان ترکی نوشت مولانا محمد سلطان محمد امیری آن را بفارسی ترجمه کرد و در آخر یک مجلس اصافه نمود این کتاب شعراء و فضلا از رحمان شاه رح بارمان ساه اسمعیل دارد»
شمس الدین سامی مؤلف قاموس الاعلام ترکی را هم به اشناء روی داده است و وی فحری را نام امیری حلط کرده و تألیف لطایف نامه و بوستان خیال را بحای فحری به امیری سست داده است چنانکه میگوید

امری از شعرای ایران بوده و در رحمان ساه طهماسب صفوی ریسته است منظومه نام بوستان خیال و چند مثنوی و اسعار دیگر دارد و همچنین تذکره الشعراء میرعلی

۱- رک مقدمه مصحح محالس النعائس (دو ترجمه آن از قرن دهم) باهتمام استاد علی اصغر

شیر نوائی موسوم بمجالس النفایس را از حجتائی بفارسی ترجمه کرده است^۱.
 در همان کتاب (قاموس الاعلام ترکی) در دیل احوال مولانا فحری بن محمد
 امیری بیر شرح حال مختصری آمده است که بقرار زیر است^۲ :
 «مولانا فحری بن محمد امیری) از اهالی هرات بود بعد از ایفاء مراسم حج در زمان
 ساه طهماسب حسینی بصوب سند عریب گرد و مورد الطاف حاکم آجاعیسی ترکحان
 (ترخان) واقع گردید در او احرقر قرن دهم هجری بدرود بدگی گفت. تذکره الشعرائی
 بیام «حواهر العجائب» و دو اثر دیگر موسوم به تذکره النساء^۳ و تحفة الحیب را و بیادگار
 مایده است باشعار او دسترس پیدا نکردم» .

در کتاب «لطایف نامه» که مستمل بر ترجمه فارسی مجالس النفایس علی شیر نوائی
 می باشد فحری اشاراتی نکرده که در مورد احوال زندگی مؤلف مفید و قابل استعاده
 ناسد تنها از حلال سطور این ترجمه (لطایف نامه) بر می آید که فحری بر دحواحه حبیب الله
 ساوچی وزیر حراسان شان و مقامی داشته و آن ترجمه خود را بطراو میرساییده است و
 اراو به «ولی العمی» تعبیر میکند و بعضی اشعار را در آن کتاب بر حسب او امر او اصفه
 میکرده است^۴ . —

واله داغستانی در تذکره «ریاض الشعراء» مینویسد
 «مولانا فحری در رهند و ورع یگانه رمان و در تصوف نادره دوران اسب چند مثنوی
 در سلک نظم کشتیده و از معاصرین شاه طهماسب معفور ماضی بوده »
 در «تاریخ معصومی» شرح بسیار مختصری از وی آمده است و مطالب مهمی در مورد
 بدگانی او از آن کتاب بدست نمی آید مؤلف تاریخ معصومی مینویسد .

۱- ر ك. قاموس الاعلام ج ۲ چاپ استانبول

۲- ایصاح ه

۳- تذکره النساء تألیف فحری بن امیری همان حواهر العجائب است و لا غیر

۴- ر ك ترجمه مجالس النفایس مصحح استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ هـ ص ۲۱۰

«مولا فخری هروی مردی خوش طبع و اکابر بوده و شعر بیر می گفته بعضی تصنیفات دارد در صنایع و بدایع و عروض و قوافی»^۱

مؤلف مدتی در دربار شاه حسن ارغون حاکم سندوته (۹۳۰-۹۶۱ هـ) بوده و دو کتاب خود را بعنوان صنایع الحسن و روضه السلاطین را بنام وی تألیف کرده است. بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نرسید و معلوم نیست که وی کجا و چه سالی فوت کرده است.

آثار مؤلف

کتاب مختلف که دگری از فخری هروی آورده اند اسم کتابهای زیر را از جمله آثار وی نوشته اند

۱- تحفة الحبيب - اسم این کتاب را مؤلف در مقدمه حواهر العجایب آورده است (رجوع شود به سب تألیف آن کتاب) این کتاب مجموعه عربیاتیست که فخری ارغون محلیت ترتیب داده و نام حبیب الله ساوچی و زیر مکتوبه آصف عنوان کرده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه بانک ملی نور موقوفه است (رجوع شود به فهرست کتاب خانه بانک ملی، پور، یکممه اول، ص ۲۳۳ س ۱۹۹۳)

۲- لطایف نامه - ترجمه فارسی تدکره محاسن النعایس علی شربوائی که اصلاً بر نام ترکی است. مؤلف این ترجمه را بنام حبیب الله ساوچی و زیر عنوان کرده است. این کتاب نیز ترجمه دیگر فارسی به اهتمام اسد علی اصغر حکمت در تهران در ۱۳۲۳ ش چاپ شده است.

۳- صنایع الحسن - در صنایع و بدایع است که مؤلف بنام شاه حسن ارغون حاکم سندوته تألیف کرده است. امروز نسخه ای از این کتاب موقوفه است.

۴- بستان خیال - این کتاب مجموعه ایست از مطلع عربیهای سعراى مختلف معاصر مؤلف

۵- حواهر العجایب - تدکره دیگر مؤلف (رجوع شود به حواهر العجایب

در کتاب حاصر)

۶- روضة السلاطين- تذکره مورد بحث^۱.

تیسره بر کتاب

مؤلف این کتاب را نام ابوالفتح شاه حسن عاری طاهر^۲ شاه حسین ارغون حاکم سیدوته (۹۳۵-۹۶۱ه) تألیف کرده اسب این کتاب مشتملست بر ذکر بعضی پادشاهانی که شعر سروده اند و حاوی هفت باب اسب براریر

باب اول (ص ۴ب)- «در بیان وحدتسمیه شعر و احوال بهرام گور و ابتدای نظم فارسی و احوال سلطان سحر ماصی و طغرل بیک سلجوقی که گاهی بنظم النغات میفرموده اند»
باب دوم (ص ۹الف)- «در بیان احوال پادشاهان چغتائی اور بیک (اوزک) و سلاطین ایسان که اشعار خوب گفته اند و در میان مردم سهرت تام وارد نموده اند»

باب سوم (ص ۱۱الف)- «در بیان احوال پادشاهان چغتائی ارا و لاد امجاد امر تیمور صاحب قران که در سمرقند و حراسان بوده و ابیات و اشعار بیک فرموده اند و دیوان عرل ترتیب داده اند»

باب چهارم (ص ۲۱ب)- «در بیان احوال پادشاهان عراق و روم که بنظم گفته اند»
باب پنجم (ص ۲۶ب)- «در ذکر سلاطین و ملوک هندوستان که بنظم میل کرده اند»
باب ششم (ص ۲۸ب)- «در بیان احوال امرای عالیشان پادشاهان (که) سراطاعی

۱- مؤلف «تاریخ معصومی» کتابی نام روضة السلاطين نام یک نفر دیگر آورده است چنانکه

«شاه حسین تکر دی [که در صمیمه نکردی تصحیح شده است] در سلك امرای میر پادشاه حسن انظام داشت به حدت طبع و وحدت ذهن و مکارم اخلاق و محاسن آداب سرآمد فصای رمان خود بوده و در فن شعر و تاریخ مهارت کامل داشت و روضة السلاطین از جمله مصنفات اوست (رک استوری ص ۷۹۶ ح ۱) روضة السلاطین مروری بر کتابی غیر از روضة السلاطین هروی است یا نه معصومی استباه داده اسب

بهر کس فرو بیاورده اند^۱ و ایات خوب دارند.

باب هفتم- «درذکر جمال حضرت نواب و ختم کتاب» .

در پایان کتاب قصیده ای در مدح شاه حسین مذکور آورده است که مطلعش بقرار

ریرا

دلم سرمست جام عشق و عقل کل زبان داش بگوید بشنود هر دو جرارتو حیدیر داش

نسخ خطی

۱- برلن ش ۶۴۴

۲- بلوشه ح ۲ ش ۱۱۴۲ (قرن ۱۷م) و ش ۱۱۴۲ (اواخر قرن ۱۷م)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره الهی و خلاصه الافکار و اشپربگر (ح ۱ ش ۵) و تاریخ معصومی و ریاض الشعراء و قاموس الاعلام ترکی تألیف شمس الدین سامی ج ۲ و ۵ چاپ استامبول و ریو و استوری ح ۱ ص ۷۹۶ و ترجمه مجالس النقایس (لطایف نامه فحری) با اهتمام استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ ش، مقدمه مصحح فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب یا فهرست کتب فارسی کتابخانه هاد کر

شده است

جواهر العجایب

ابتدا

فارع ر همه عمو مصایب دیدم

خود را از خودی بهر تو غایب دیدم

چون عرش جواهر عجایب دیدم

کردم نظرو فرش حریم حرمت

جواهر عجایی که ریور گوش پرده نشینان سراوقات سلطان عقل و هوش تواند

بود حمد و ثنای قادر است که دست معمار قدرتش قبه لا حوردی فلك دوار را بدرهای شاهوار

احم ثواب و سیار مرین و محلی گردانیده^۲

۱ طاهراً بیاورده اند .

۲ اشپربگر ابتدای این کتاب را بدین قرار آورده است

سحن حاست و دیگر گفتگو حایان رمن بشنو اگر هر لحظه حان تاره میحواهی سحن نشو

اما این محققاً اشتباه است چون بیت فوق در ابتدای «کلمات الشعراء» آمده است نه

«جواهر المعایب» .

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد محخلص به فحری هروی است
(برای شرح حال اور حووع شود به بحث در باره روضة السلاطین در صفحات قتل).

تیسره بر کتاب

مؤلف در مقدمه مختصر این کتاب در مورد سب تألیف چنین توضیح داده است
که وی در زمان شاه طهماسب حسین صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ه) برای ریارت «حرمین
شریفین» رفت (در ایحداد و بیب ار آن پادشاه مدح گفته است) گذرش بملک سغد
افتاد و آنجا چندی اقامت کرد تا اکر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ه) قدم بر سریر همایون
نهاد (ایحا مؤلف قصیده ای در مدح اکر شاه آورده است) بحاطر مؤلف رسید که
باید هدیه ای لایق مجلس آن پادشاه تهیه کند مدتی در این اندیشه بود. آخر شبی
مجموعه «تحفة الحیب»^۱ را مطالعه میکرد و «بر اشعار دلپذیر محادیم» میگذشت.

ناگاه بطریش بر عرلی از مسماة مهری افتاد که مطلعش بدین قرار است

حل هر نکته که بر بحر دم شکل بود آرمودیم بک حرعه می حاصل بود

«آخر بعد از مشاهده بسیار بدلم چان تاف و بر حاطرم قرار یافت که جهت
انساط حاطر آن بلفیس نشان (یعنی ماهم دایه اکر ساه) آنحه ارطایفه اناث در لباس
دیکو ساس نظم ظاهر شده جمع سارم که بعایت غریب است پس بترتیب این مختصر
کوسیده فراهم آوردم حوون حین حواهر لطیف ار معادن طبع ایشان محل تعجب بود
این سحره را س از اتمام «حواهر العجایب» نام کردم».

مؤلف این کتاب را نام ماهم دایه اکر شاه که اشاره باسم او در سطور فوق گذشت
تألیف نموده است و در بایان کتاب (ص ۲۲) قصیده ای در مدح «ماهم» به مطلع زیر آورده

ای شکوه معشرت تاح سرائر افتحار گشتن ار رای تو حسر حسروان رورگار

و در بیب زیر اسم ماهم زاد کر کرده است

کامگار بحود و لب ماهم بلفیس قدر آنکه شد پرورده اورا در شاهی بر کار

بعفیده اسپر بگر فحری این کتاب را در دربار محمد عیسی حان تر حان (متوفی - ۹۷۴ هـ) که آتوق حا کم سندنو دوشه اس^۱

این تذکره زبان شاعر اسب و مسمل اسب بر نمونه اسعار و سرح حال بسیار مختصر بیس و سه ساعره که مؤلف درد کراسامی آنا هیچ فاعده مخصوص را مراعات کرده

بروای اسپر بگر مؤلف این کتاب را سال ۹۴۷ هـ تألیف کرده اسب و بیب ریرا در انات عمیده خود آورده اسب که بقول او سال تألیف کتاب را میرساند

خود را حور خود بهر تو عایب ددم تاریخ رهمه عم و مصایب ددم
سپس اشپر بگر مصرع دوم بیب فوق را بد صورت بعیر داده اسب «تاریخ همه عم ر مصایب دیدم» و گفته که چون ارا عدد همه عم (۱۰۹۰) اعداد مصایب را (۱۴۳) م بها کیم عدد ۹۴۷ بدس میآید که سال تألیف این کتاب را میرساند
اما باید توحه داسب که بیب فوق در ابتدای سجه حانی اس کتاب (حنا که در سطور فوق گدسب) بدین فرار آمده اسب

خود را ار خودی بهر تو عایب دیدم فارع رهمه عم ر مصایب دیدم
و چنانکه معلوم اسب بیب فوق بیب اول رباعی اسب که این کتاب با آن شروع میسود و بنا بر این با احتمال قوی اسپر بگر استها کلمه «فارع» را «تاریخ» خوانده اسب

در هر حال سال تألیف این کتاب در سب معلوم بیسب اما حنا که مؤلف درد دل معدمه کتاب توضیح داده اسب و بیب اس کتاب را بعد از حلوس اکبر ساه (۹۶۳ هـ) تألیف نموده اسب و طاهر اهور مدت زیادی بحلوس اکبر ساه بگدسته بود که فحری دس بدنوبن این کتاب رده اسب

این کتاب با «مہستی» شروع شده با «سداہ سائی» ختم میسود و تذکره بسیار محصری اسب و مسمل بر بیس و سه صجه اسب که طی آن مؤلف بیس و سه ساعره را

«مؤلف کی مثل کلمہ»

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ «مؤلف کی عبارت میں ہے کہ»

«مؤلف کی عبارت میں ہے کہ»

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

مؤلف کی عبارت میں ہے کہ

سبك انشای مؤلف عالماً مصوع و ٲر تكلف اسب و مؤلف گاهی نش مسجع هم

بوسته اسب

روپهمرفته «حواهرالعحایب» تدكړه ای ناچیر و كم اررشی اسب چه ار حیب
انتحاب اشعار شاعره ها وچه ار حیب شرح حالشان چندان اهمیب ندارد اما ناوصف
این ایرادات حوون این كتاب اسم واشعار بعضی ساعره ها را شامل اسب كه در كب
سابق دكړنده اسب نمیتوان بكلی مكر اهمیب آن سد در هر حال این حقیف
عیر قابل تردید است كه مؤلف در تألیف آن كتاب بخودریاد رحم بداده وحتی شرح
حال بعضی ساعره ها را كه طاهرأ معاصر او بودد بیر بطور معصل و معیدی بیاورده-

اسب

نسح خطی

۱- نادلین ش ۳۶۲ - طاهرأ خلاصه این تدكړه است در به صفحه

مورخ ۱۱۸۵هـ

۲- ناسکی مورخ ۹ ش ۱۰۹۸ » در ۴ صفحه مورخ فرن ۱۸ م

۳- بوهارس ۴۸۲ (۱) » » » » ۱۶ » » ۱۹ م

۴- اسپر بگرخ ۱ س ۵

چاپ

این تدكړه سال ۱۸۷۳ م (= ۱۲۹۰ هـ) در مطبع بولكشور لكه بوهید بطبع

رسیده اسب

برای فهرست اسامی رجوع سوده اسپر بگرخ ۱ ص ۱۱ (فهرست اسامی ۲۳ ساعره)



نغایس المآثر

انتدا

مطلع انوار كلام فدیم

» سم اله الرحمن الرحیم

» ریبده نامه فصل الحطاب

ریب دیباحه ام الكتاب

۱۱۱ ۲۱ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

(کتاب)

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

۱۳۰۴ ۲۵ دی ۱۳۰۴ ر کتبی خطی ۲۵۱-۲۵۲

وی را (یحیی معصوم) میگفت ولی بعداً در آخر عمر ستاره یحیی بر گیسب وی را نامر
شاه طهماسب دستگیر کرده ناصهان بردید و وی در آنجا در زندان سال ۹۶۲ ه
در ۱ - ۲

استوری مینویسد^۲ که موقعیکه شاه طهماسب حکم دستگیری میر یحیی و
حاجواده اش را سال ۹۶۰ ه بعل سبی بودن آنها بآذربایجان فرستاد علاءالدوله که
بروایت بدوئی^۳ در آن وف در آذربایجان بود پندرس خبر کرد ولی بدرتواسب
فرار کند و دستگیر شده در زندان خان سپرد اما میر عبداللطیف برادر علاءالدوله موفق
شد نه کوههای گیلان فرار کند همایون بادشاه هندوسان او را بهدوستان دعوت
کرد و وی عارم هندوسان شد ولی بعد از فوت همایون در سال اول سلطنت اکبر ساه
(۹۶۳ ه)^۴ بهد رسید بروایت ندوئی عبداللطیف از ایران فرار کرده در دربار
همایون ساه داه حسب و همایون او را اتالیق (استاد و سر بر سر) و لئعهد خود اکبر
منصوب کرد وی سال ۹۸۱ ه در هندوسان فوت کرد^۵

میر یحیی بدر مؤلف طاهر آسه سرداشت نام میر عبداللطیف و فاضل صهی الدین عیسی
و میر علاءالدوله از این جمله در کر عبداللطیف^۶ در سطور فوق گذشت قاضی صهی الدین
عیسی برادر دوم علاءالدوله که درس از وی بر گز بود مانند بدر خود عالم و ساعر
بود و در سال ۹۷۶ ه وارد هندوسان گسبه و در حاجواده ساهی سمب مسی گری را داشت و

۱- ر ك نفایس المآثر نسخه علنگره ترك ۲۱۱ ب - در نسخه رامپور سال وفات وی
۹۷۲ ه ذکر شده است

۲- مآخذ استوری برای این روایت (چنانکه خودش ذکر کرده است) اکبر نامه

ح ۲ ص ۳۵ و ندوئی ح ۱ ص ۳۰ میاسد

۳- ر ك ندوئی ح ۳ ص ۹۸

۴- ر ك ندوئی ح ۳ ص ۹۸ ندوئی اینجا مینویسد «پادشاه پیش ایشان سقی چند
اردیوان حواجه و غیر آن حوادده اند» بدر مآثر الامرا ح ۳ ص ۸۱۴ عبارت زیر در این ماده
آمده است «در سال دوم بمعلمی عرش آشنایی افتحار اندوخت»

۵- ر ك نفایس المآثر ترك ۲۲۲ الف

۶- برای عبداللطیف ر ك ندوئی ح ۳ ص ۸ - ۹۷ و آئین اکبری و ترك جهانگیری
و مآثر الامرا ح ۳ ص ۵ - ۸۱۳ و رحمن علی ص ۱۳۲ و غیره

علاءالدوله نامدهب اسلام علاقه ریادی داشت و در بد کره خود در مواردی بسیار اشاراتی بآیات قرآن و احادیث رسول آورده اسب همچین دوق عرفان و بصوف هم داشت و همیشه در تذکره خود اسم صوفیه را با احترام میآورد

علاءالدوله شعر هم میسروده است ولی چنانکه اراشعارش که در این تذکره آورده است پیدا است در این فن چندان مهارت و معروفیت نداشته است معدلک قطعه های تاریخ که وی سروده است از حیث تاریخ حالی از ارزش و اهمیت بیست چون اعاب این قطعه ها در تاریخ تولد یا وفات بعضی از معاصرین وی یا بعضی وقایع مهم زمان وی بوده اسب

سال وفات مؤلف معلوم نیست و ای در موقع تألیف مستحب الواریح (۱۰۰۴ هـ) همور در قید حیات بود

آثار مؤلف

علاءالدوله از آثار خود اسم کتابهای زیر را در نقایس المآثر آورده اسب

۱- صحیفه الارقام - رساله ای در فن خطاطی

۲- رساله ای در صایع شعر

۳- بعضی رسایلی که مؤلف در ردیل نام صوفی کسمیری بآن اشاره نموده اسب ولی

شرح آن معلوم نیست و فهرست یا نسخ این رسایل در هیچ کتابخانه موجود نیست

۴- نقایس المآثر - تذکره مورد بحث

تصهره بر کتاب

برای پی بردن بارش این تذکره باید به نکات زیر توجه داشت

۱- علاءالدوله را در عبداللطیف فروینی استاد اکبر شاه بود و بنا بر این طاهرأ

در دربارشاهی حیلی بنوود داسب و با اکثر شعرای دربار سحاصاً آشنائی داسب لذا اطلاعاتی که وی راجع شعرای معاصر خود در این تذکره آورده اسب حیلی مهم و با ارزش و مورد اعتماد و اعتبار اسب

۲- قسمب آحر این تذکره مشمل سب بروقایع تاریخی عهد نابر و همایون و

۱ کربادساهاں تیموری هند دراین قسمت و فایعی که مربوط بعد اکر شاه است
حیلی اهمیت و ادرس دارد چون اکثر این وقایع را مؤلف با جسم خود دیده یا از منبع
معتبر و موثق آن عهد شنیده بود

۳- هیچ کتاب دیگر با ندازه بنایس المآثر شرح حال شعرای رمانا کرب شاه را
نیاورده است ملا عبدالعادر نداوی قسمت شعرای عهدا کبری را در جلد سوم «منتخب
التواریخ» ارمین تذکره نقل کرده است^۱ و بعدیده مستشرقین تاریخ مر نور معدن
اطلاعاتی است درباره شعرا و مساهر عهدا کبری

۴- مؤلف در این کتاب اشعار و شرح حال اکثر اشخاص را از طبقات مختلف مردم
از قبیل سلاطین و امرا و فضلا و شعرا که در عهد نابرساه تا عهدا کرب شاه به فارسی شعر
میسرودید در این کتاب نقل کرده است

۵- صمّا این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای بعد از عهدمانند مسعود سعد سلمان
و خسرو و طهیر فاریابی و حامی و غیره را بردارد بعضی از آنها را به ما در این تذکره
ذکر نموده است ولی در مورد بعضی دیگر نتایج تحقیق خود را در این کتاب شرح داده
است

۶- برای ادراک دوق ادبی و علمی حانداں تیموری هند و امرای دربار آنها
از رمانا نابرتارمانا اکر هیچ مأخذی بهتر و مفصل تر از این کتاب و خود ندارد
۷- در مورد شعرای متقدم غیر از تذکره های دولتهاهی و علی سیر بوائی و غیره
از کتب تاریخ و جغرافیاییر استفاده نموده است و در ذیل شرح حال شعرا گاهی اطلاعات
مفید جغرافیائی نیز بهم رسانیده است

۱- نداوی در ح ۳ «منتخب التواریخ» در قسمت شعرا عنوان زیر را آورده است «ذکر
شعرای عصر اکربشاهی در بنایس المآثر مذکور اند که مأخذ این عجاله است و مشهوره تذکره
میر علاء الدوله است» ولی بسیاری از این شعرا را اشپرنگر در فهرست اسامی این تذکره
در ذیل بنایس المآثر ذکر نکرده است و از این معلوم میشود که نسخه نداوی موخر تر یا مفصل تر
از نسخه اشپرنگر بوده است

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و آثار سیصد و پنجاه شاعر بترتیب الفبائی
از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها اکثر این شعرا در رمان اکبرساز در هندوستان
میر بسته اند.

چنانکه مؤلف دیباچه در این کتاب توضیح داده است اسم آن «نایس المآثر»
سال تألیف آن (۹۸۳هـ) را میسر است ولی از قطعه ای که در آخر کتاب آورده است معلوم
میشود که سال ۹۷۳هـ سال آغار تألیف این تذکره و سال ۹۷۹هـ که آن قطعه منضم
آن تاریخ میباشد سال اتمام این کتاب است و مرعارت «تجلی بدیهه» = ۹۷۹ بطور
تاریخ اتمام این کتاب ذکر نموده است^۱

علاوه بر این مؤلف در متن کتاب بعضی مطالب را آورده است که سالهای
۹۷۹هـ تعلق دارد همچنین قسمت تاریخی این کتاب در سال ۹۸۲ تمام می شود و در
گرد آورنده فهرست مورخه بریتانیا عقیده دارد که سال اتمام این تذکره است^۲ اما
در متن این کتاب بعضی شواهدی وجود دارد که از آن میتوان استنتاج نمود که
با وجود اینکه تألیف اصل این کتاب سال ۹۸۲هـ تمام شده بود ولی مؤلف تا سال
۹۹۸هـ در این کتاب اضافه نموده است چنانکه از وقایع زیر که در این کتاب ذکر شده
است معلوم و ظاهر میگردد

(۱) در سنه ۹۹۸هـ عثمانی در قلعه گوالیار بدانی سد

(۲) در محرم ۹۹۸هـ سید علی عسکری یکی از خواننده های دربار ساهی فوج کرد
سجده حقی این تذکره که در علیگره موجود است مشتمل بر قسم های زیر میباشد

(۱) مطلع که حاوی مطالب زیر است

الف - حمد و تعریف

ب - بحث مفصل درباره فدای سعادت و فیصل آن به نثر

ج - سب تألیف کتاب

د - تعریف اکبرساز

۱- رک اوامر ص ۳۳

۲- رک دیو ح ۲ ص ۲۲۰

هـ - بح در باره اصاف سخن

(۲) احوال شعرا - در این قسمت شرح حال و آثار شعرای معاصرو قریب العهد

و بعضی بعید العهد را آورده است و در ردیل اکثر شعرا در ضمن شرح حالشان اشاره بآثار و اسعار و اطلاعات جغرافی و تاریخی در مورد وطن و زمانشان کرده است

(۳) مطالب - این قسمت مشتمل بر وقایع تاریخی است بترتیب زیر

الف - شرح حال ناصر شاه (۱۸۹۹-۱۸۹۷ هـ) و اسعار منتخب وی و وقایع تاریخی عهد او

ب - « همایون شاه (۱۸۳۶-۱۸۶۳ هـ) « « « «

ح - « اکبر شاه (۱۸۶۳-۱۹۰۱ هـ) « « « «

مؤلف در قسمت آخر این کتاب دگرگونی را در حواشی گان معروف در باری بیر آورده است

اما نسخه مویح (۱) شامل قسمتهای زیر میباشد

۱- مطلع - مشتمل بر دو مصرع بدین ترتیب

مصرع اول «در کیفیات صدور شعر»

مصرع دوم «در تعریف و تقسیم شعر»

۲- شرح حال و اشعار نوریاً ۳۵۰ شاعر مخصوصاً از قرن دهم هجری بترتیب الفبا

در بیست و هشت «بیت» (هر دیتی مخصوص برای يك حرف الفبائی)

۳- يك قطعه راجع بتاریخ گجرات از ۹۸۰ تا ۹۸۵ هـ

۴- مقطع که مشتمل است بر تاریخ عهد ناصر و همایون و اکبر در سه «مطلب»^۲

این تذکره (قسمت شعرا) با «آسوب نظری» سرویسده با «یوسفی نرسا داری

(نصر آبادی) تمام میشود

علاءالدوله طبعاً آدم سحر گری نبوده است و در این کتاب سعی نموده است

بر گمبدهای هیچکس ایرادی نگیرد و بر روس هیچکس انتقادی نکند و بهمین علت

۱- در يك فهرست کتابخانه مویح ص ۳ ق ۳

۲- باید ادعا کرد که «مطلع و مصرع و بیت و قطعه و مقطع و مطالب» هر يك در این

تذکره بمعنی قسمت و باب است بمعنی اصطلاحی آن و اسم گذاری ادوات کتاب بدین طریق و طر «متکرانه و شاعرانه» بمطوّر تسهیل در تعریق ادوات و تقسیم کتاب بوده است

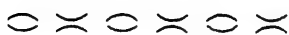
مداوینی برطروروش وی انتقاد کرده اس^۱

سخ خطی

- ۱- کتابخانه دانشگاه علیگره (دخیره سخان الله) - نسخه کاملی است مورخ ۱۰ ربیع الاول سنه ۱۰۸۵ هـ. بعضی اوراق آن کرم خورده و آب رسیده اس
- ۲- کتابخانه رامپور - نسخه ناقص الاخر اس ولی قسمت تاریخی آن کامل اس و مانند نسخه موره بریتانیا اس
- ۳- موره بریتانیا - این نسخه که مورخ فریب ۱۸۶۰ م اس تنها ۹۵ برگ این کتاب دارد که مشتمل بر مقدمه و فهرست مضامین و حاتمه و قسمت تاریخی تا حمادی - الثانی ۹۸۶ هـ ارعهد اکر شاه و شرح حال نامربوط و بریشان بعضی سعا اس (رجوع شود به ریوح ص ۳ ۱۰۲۲ الف)
- ۴- فهرست سخ خطی از بکستان سرقی - نسخه ای ناقص دارد که ظاهر آدر سده نورد هم استنساخ شده اس
- ۵- او مر فهرست کتابخانه مویح - ۳۳۵ برگ و صفحه ای ۱۷ سطر دارد مورخ ۹۸۹ هـ (رجوع شود به او مر فهرست مویح ص ۳ س ۳)
- ۶- کتابخانه دانشگاه لاهور - دخیره مرحوم پروفیسور سراح الدین آدر - بعضی اقتباسات از این نسخه پروفیسور محمد سعید در اوریتل کالج مگرین لاهور چاپ کرده اس
- ۷- کتابخانه موتی محل لکھو - نسخه ای از این کتاب در کتابخانه شاهی اود بود و اشپرنگر سرح آرا در فهرست خود آورده اس (رجوع شود به اشپرنگر س ۱۰)

۸- راس - تراوس س ۲۴۷ (۲) مورخ فریب ۱۸۶۲ م

۹- رها تسک ص ۱۶۹ س ۱۴۷



مجمع الفضل

ابتدا

«سپاس بی‌عیب و ستایش بی‌نهایت آفریدگاری را حل حلاله و عم‌نواله که از کمالات موحودات در دریای وجود شخصی انسانی سفینه‌پرد فیه پرداخت»

شرح حال مؤلف *

مؤلف این تذکره محمد عارف نقائی^۱ است. وی فعول خودش در بحارا ندیا آمد و ارشادگردان ملامشقی بحارائی^۲ بود و مدتی در ماوراءالنهر در ملارمت سلاطین از نکیه سر برد^۳ وی سال ۹۷۹ هـ وارد هندوستان گردید و چندی در ولایت اوریسه و بنگاله گذرانید سپس به دارالحلافه آگره رفته آنجا تذکره خود به نام «عارف‌الآثار» را تألیف کرد و بعد از آن بدکن روی آورد و آنجا در خدمت عبدالرحیم حاجانان سربرد و مدتی باملك قمی بود. وی با «اشاء و شعرو حط» آشنائی داشت و در زمان اقامت خود در دکن مشغول «گلشن اشعار» را بر سر شاهنامه در مدح عبدالرحیم حاجانان سروده است^۴

سپس نقائی بگجرات رف و آنجا نامیرا بطام‌الدین احمد^۵ (مؤلف طبقات اکبری) سربرد وی در اول مشغولی تحلیص می‌کرد ولی به پیشنهاد میررای مر نور تحلیص بقائی را اختیار کرد

۱- مؤلف مآثر رحیمی «حواحه عارف نقائی» نوشته است رجوع شود به مآثر رحیمی جلد سوم حاتم - قسم دوم در احوال شعرا تن ۹۵.

۲- برای شرح حال مشقی بحاری رجوع شود به «مجمع الصلاة» شاعر اول در فرقه سوم

۳- نقائی این اطلاعات راجع به زندگی خود را بر روایت مؤلف مآثر رحیمی در تذکره «عارف‌الآثار» ذکر نموده است.

۴- ر ك مآثر رحیمی ج ۳ قسم دوم ش ۹۵

۵- برای شرح حال بطام‌الدین احمد ر ك به مآثر الامراء جلد ۱ صفحه ۶۶۰-۶۶۴

نقائی در رمان تألیف منتخب التواریخ بداوبی هلالی حایجانا راترک گفته به آگره رف^۱ این واقعه طاهرأ قبل از تألیف «مجمع العصاله» صورت گرفته است چون از قرائن معلوم میشود که وی در موقع تألیف این کتاب به خدمت حایجانا مربوط بوده است^۲

بقیه احوال زندگی نقائی بدست یامد و معلوم نیست که وی در چه سالی فوت کرده است^۳ اما وی تا تألیف مآثر رحیمی (۱۰۲۵هـ) در فید حیات بوده بنابراین دکر اودر آن تاریخ در حلد سوم حایمه آمده است

تیسره بر این کتاب

مؤلف چنانکه خودس در مقدمه توضیح داده است تألیف این کتاب را در ۹۹۶هـ در اندگان (اندخان) آغاز و در سه ۱۰۰۰هـ در و سه و ربور^۴ پیدان رسانیده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه میگوید «در رمایکه (مؤلف) به شمع

۱- ر ک منتخب التواریخ بداوبی ح ۳ ص ۱۹۶

۲- بداوبی در منتخب التواریخ ح ۳ ص ۱۹۶ در پایان شرح حال نقائی اضافه میکند «و اکنون از ملازمت حایجانا جدا شده میگویند که در آگره آمد و قصه لاهور دارد» منتخب التواریخ در سال ۱۰۰۴هـ بنیایان رسانیده است اما طاهرأ بداوبی این قسمت شرح حال نقائی را قبل از سال ۱۰۰۰هـ نوشته است چنانکه بسیاری از قسمت های دیگر آن کتاب را نیز قبل از ۱۰۰۰هـ نوشته است

۳- ریو در حلد ۳ ص ۱۰۸ ب می نویسد که نقائی در رمان جهانگیر فوت کرده است

۴- در هندوستان در آن رمان دوم محل نام وریپور وجود داشت یکی در سرکار بارک آباد در صوبه (استان) بگاله و دیگری در سرکار آگره و صوبه آگره بوده است (رجوع شود به آئین اکبری ح ۲ چاپ بولک شور لکهنو ص ۵۹ ستون ۲ و ص ۸۶ ستون ۲) اما با احتمال توی منظور محل احیرالدکراسا چون مولف در موقع تألیف این کتاب در آگره بود

اسعار بعضی از فصلا و شعرا توجه میمود ادبات متر که ایشانرا مع احوالات و کیفیات در فلم آورده اسامی آنها که در میان مردم مشهور و در کتب تواریخ مسطور بود اختیار میمود که حمله فاصل روزگار بودند و هر یک در برد حواقین معظم و سلاطین مکرم و امرای عالی هم بر دیک و محترم بودند و بعضی که احوال ایشان طاهر و عوینا بود از دیده و شبیده مرقوم فی کتب و بعد ارجع کردن آن بحاضر این فقیر حقیر حان رسید که علی الترتیب به بیاض برده و در تحریر آورد و احوال و کیفیات و لطایف ایشان را گاهی تفصیلا و گاهی اجمالاً بیان گرداند بنا بر این حرأت نموده مدی از مسودات بیحصل و شطری از مرقومات باطل که املائی آن اتعاق افتاده بود در تحریر آورد»

مولف این کتاب را دام نواب ابوالفتح سلطان اسعدیار بن سلطان حسرو بن سلطان یار محمد بن سلطان حاجی بیگ^۱ عنوان کرده است^۲

(۱) شرح حال ابوالفتح سلطان اسعدیار اریجیح مآحدی ددست نیامد در شرحه نامه امرای سیبانی که در «طبقات سلاطین اسلام» تألیف استاطلی لیل پول و ترجمه مرحوم عباس اقبال در صفحه ۲۴۴ به نام «حاجی بیگ» بر میخوریم اما چنانکه از آن شرحه نامه پیدا است وی «سلطان» بوده و پدر او لاد او کسی نام «یار محمد» بوده است همچنین در دیل اسامی «شعبه امرای بحارا» در همان کتاب در صفحه ۲۴۳ اسم یار محمد که در ۹۵۷ هـ حلوس کرد و در دیل اسامی «شعبه امرای سمرقند» اسم حسرو سلطان که در ۹۶۸ هـ حلوس کرد چشم میخورد اما معلوم نیست که اینها نام چه نسبتی داشته اند در هر حال اسم ابوالفتح سلطان اسعدیار به در شرحه نامه ها و به در فهرست امرای ماوراء النهر ذکر نشده است و تنها اسم یک نفر «اسعدیار» که در ۱۰۳۲ هـ حلوس کرده است در فهرست اسامی حاکمان حیوه سابق الدکر در صفحه ۲۵۰ ذکر شده است که معلی چند میتواند از اولاد امرای بحارا و سمرقند باشد از حمله اینکه حاکمان حیوه غالباً با امرای بحارا در جنگ بودند (رجوع شود به طبقات سلاطین اسلام ص ۲۴۹) در هر حال هویت کامل ابوالفتح اسعدیار مر نور معلوم شد اما با احتمال قوی وی از امرایا اولاد امرای بحارا و یواحی دیگر ماوراء النهر بوده است چون خود عارف نقائی اصلا اهل آن یواحی بوده و این تذکره را در ۹۹۶ هـ در «اندحان» شروع کرده است

۲- مؤلف متأثر رحیمی میبوسد «و تصیف دیگر که مجمع الفصلا نام کرده و آن بر منی بر مدح این نامدار است» اما مولف در مقدمه کتاب آنرا صریحاً نام «سلطان ابوالفتح اسعدیار» عنوان کرده است

این کتاب مستملست بر مقدمه و سه «فرقه» و حاتمہ حاوی دکر^۱ ساعر
میباشد کہ دکر این ساعر در هر فرقه بترتیب رمان آمده اسب مؤلف در مقدمه بعد از
حمد و نعت و مہمب صحابہ و حضرت امام حسین مختصراً دکر فصحای عرب را آورده
است سپس در سه «فرقه» و حاتمہ مطالب ریر را دکر نموده اسب

فرقه اول - «در احوال و کیفیات فصلا و شعرا کہ اراشدای طہور استاد رود کی
تارمان طہور حامی کوس ساعری رده اند» میاسدوناب «ابوالحسن رود کی» شروع شدہ
با «مولانا محمہ و در سہ» تمام میسود و مستملست بر دکر ۱۳۰ ساعر

فرقه دوم - در دکر احوال ساعرای رمان مولانا حامی و فصلائی آن روز
گار تارمان مولانا مشعفی و با «مولانا نورالدین حامی» شروع شدہ با «مولانا ساعدی» تمام
میسود و مستملست بر دکر احوال ۱۲۰ ساعر

فرقه سوم - «در دکر و اوصاف مولوی مشعفی و احوال و مقامات اکابر کہ الیوم
بوستان جرد بریور فصل و بلاعب ایشان آراستہ» اسب میاسد و با «مولانا مشعفی»
شروع شدہ با «^۲» تمام میسود و مستملست بر دکر^۳ ساعر

خاتمہ - «در دکر و بیان محابین و دیوانگان حوون آئین و ہر ال و مسجرہا
و اہل حبط و طلہ کہ سب علہ حماف و قصور فطرت از فواید علمی بی بہرہ
ماندہ اند و مباحثات ایشان و مسعرات نامورون و متطمان ازورون برون و لطایف کور
و کران و مہماب سیرین و اعلاط عام و امثال آہا»

سرح حال و مہوہ اشعار شعرای ریر را معصل آورده اسب **فرقه اول** فردوسی
طوسی و حواحہ ابوالعلا گجوی و سعدی سیراری و ساه قاسم انوار **فرقه دوم** مولانا
حامی (در ۹ ص) و ظہیر الدین محمد ناب و ناصر الدین محمد ہمایون و ساه بیگ خان

۱- سحہ دانشگاه لہور کہ مورد استفادہ نگارندہ این کتاب قرار گرفتہ است ناقص-

الآ حرمیاسد و نادکر «یمانی» در فرقه سوم تمام میشود و دکر تنہا ۱۰ ساعر را دارد

۲- رک حاشیہ افوق

۳- فرقه سوم در سحہ دانشگاه لہور دکر ۱۴۰ ساعر را دارد .

وعلیشیر (بنائی) وخواجہ آصفحاهی آصفی و دیوانہ حسامی و نابافعانی و مولانا ہاتمی و فخرالدین علی و بنائی و رضائی و مولانا حیدر و اہلی شیرازی و میر مسیاء (۴) و خواجہ ابوالرکھ و امیدی تہرانی و ہلالی استرآبادی و خواجہ ایوب و خواجہ ہاشمی و مولانا کوکی و خواجہ حس شاہ شاعر و عراقی مشہدی و واصفی و ریر کی و رحمی و آگہی و شہودی و واصلی **فرقہ سوم** مشقی و میرزا قاسم (در ۷ صفحہ) و قدسی و بویدی و درویش بہرام و میرزا ابراہیم و اشترلب و محمد شریف و عالم کابلی و حافظ سلطان علی (در ۵ صفحہ) و خواجہ حس و دیوانہ محنتی و بیرام خان و مولانا رعدی و ملک قمی و سعید حواری و میرزا قاسم و حافظ ابراہیم و محمد رحیم (عبدالرحیم) خانچانان و فیضی و جعفر آصفحان و شکیمی و نوعی و عرفی و ثنائی .

شرح حال فصلا و شعرای زیر را معصل ولی نمونہ اشعارشان را مختصر آورده

اسب .

فرقہ دوم سلطان حسین بہادر و شاہزادہ بدیع الزماں و فریدون حسین میرزا و محمد مؤمن میرزا و شاہ اسمعیل و خواجہ عبداللہ مروارید و امیر حسین و عماد فصل الہ **فرقہ سوم** مطہر سلطان و میر بدیع و میرزا قاسم ترخان

سک انشای مؤلف سادہ است اما در مقدمہ و در موقع تعریف شعرا گاہی بشر مصوع پرداختہ اسب و قبل از اسم بعضی شعرا العان توصیفی آورده اسب کہ گاہی با اسم یا تحلیص شاعر حاس دارد ما سدا فصیح العصحا امیر معری و مقبول الملوك نظامی عروحي (عروسی) سمرقندی و فصیح الیان فصیح حر حانی و کبر و دفنون مولانا حبونی و طوطی گلستان شیرین معالی مولانا ہلالی

سالہارا بالفاظ عربی آورده و گاہی بعضی عبارات عربی را نکار برده است ما سدا

«وکان ذلک فی سہورسہ دمان و تسعین و تسعمایہ» (عرفی)

نسخہ خطی این تذکرہ

نسخہ منحصر بفرید این تذکرہ در دانشگاہ لاہور موجود است . این نسخہ

ناقص‌الآحراست و باد کریمایی در فرقه سوم تمام می‌شود^۱

نرای شرح حال مؤلف رجوع شود نه‌آتر رحیمی ج ۳ خاتمه قسم دوم
در احوال شعرا ش ۷۵ و منتخب التواریخ بداوی ج ۳ ص ۱۷۶ و شمع انحن ص ۸۱ (که
تمام مطالب را از منتخب التواریخ بداوی اقتباس کرده است) و طبقات شاهجهایی و
بلاند ص ۱۶۶ و ریوح ص ۱۰۸۶ ب

فهرست اسامی شعرا - در هیچ کتاب ذکر نشده است .

تذکر - اسم این تذکره در فهرست استوری ذکر شده و ویار و خود این کتاب
اطلاع نداشته است

بزم آرای

ابتدا - «شکرو سپاس و ستایش بی‌عیاس و حد و بی‌حد و بنای بی‌حد مرقد در حکیم و
صاحب قدیم را که لباس هستی در سر موحدات بالاو پستی افکند».

مؤلف - اسم مؤلف سید علی بن محمود الحسینی است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال یک‌هزار (۱۰۰۰ هـ) نام‌مری خود عبدالرحیم خان بن
یرم‌خان تألیف نموده است در خاتمه این کتاب عبارت زیر آمده است
«اتمام و احتتام این مجموعه که مسمی بتذکره الشعراست وقتی اتفاق افتاد که
تاریخ هجری به‌رادر رسیده بود»

اکثر مطالب این تذکره از لب‌الالاد عوفی عیناً نقل شده است اما چون بعضی
مطالب را مؤلف بدان اضافه نموده است بنابراین میتوان این را تذکره مستقلی
فلمداد کرد

الته این تذکره غالباً فاقد اهمیت تاریخی است چون در اکثر موارد در دیل
شرح حال شعرا که غالباً محصر است سالها را ذکر کرده است و اکثر مطالب را به‌ش
مصنوع بوسته است

این کتاب مستمل است بر مقدمه و هفت فصل و خاتمه (اما سحر یوم مقدمه ندارد).

۱ - آقای عبدالحی حبیبی دانشمند فاضل معاصر افغانی نسخه‌ای از روی این نسخه برای
کتابخانه شخصی خود استنساخ و از روی آن نسخه به‌چند دیگر برای استاد سعید میسی تهیه کرده اند

در مقدمه مؤلف تنبها تذکره دولتشاه و سام میرزا را ذکر کرده و با کمال بی‌انصافی و بیشرمی اسم لیال‌الالباب را که اکثر مطالب این کتاب را از آن نقل نموده است اصلاً سرده است. وی تعریف جلال‌الدین اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) را بعنوان پادشاه سر کرده و این کتاب را نام عبدالرحیم حاجان مرینور عنوان کرده است

هفت فصل کتاب بدینقرار است

فصل اول - در حسن شعر

فصل دوم - در معنی شعر

فصل سوم - در آغاز شعر .

فصل چهارم - در اوایل کتبی که شعر فارسی گفت

فصل پنجم - در دگر مملوک و سلاطین که شعر سروده اند از ساسانیان شروع شده

ناملك اختيار الدين شيباني معاصر سلطان سحر تمام میشود

فصل ششم - در دگر و در و صدور و اعظم دیگر که شعر میسروده اند

ناو القاسم احمد بن الحسن میمندی شروع شده با شیخ ابوسعید ابوالخیر تمام میشود .

فصل هفتم - در دگر شعرا از زمان سامانیان تا زمان سلطان محمود . این قسمت آخر که قسمت اعظم کتاب را تشکیل میدهد تا اندازه‌ای بترتیب تاریخی است و ناو الحسن شهید بلخی و ابوعبدالله بن محمد رودکی و کیسائی مروزی و عصری و فرحی و عسجدی و طهری و ابوالفتح بنی و اسدی طوسی و فردوسی و غیره شروع شده با قاسم حجابادی معاصر شاه طهماسب تمام میشود

خاتمه کتاب در دگر سلاطین و امرا و فضلا و شعرائی که در زمان اکرم میریسته اند و بعضی از آنها نامؤلف آسا بودند میباشد در اوایل این قسمت دگر عبدالرحیم حاجان و سلطان ابراهیم بن بهرام صفوی و حان احمد (حاکم) گیلان و در آخر آن دگر مرمری اصغری زدوائی سبرواری و روئی ساوخی آمده است .

در اول این کتاب فهرست اسمی شعرا (در هشت صفحه) آمده است .

سبك ايشاء مؤلف مانند سبك عوفی در لباب الباب مصنوع است چون سیدعلی مؤلف برم آرای اکثر مطالب را از لباب الالباب عوفی عیناً نقل کرده است و بنا بر این تحت نمود سبك عوفی در کتاب مریور قرار گرفته است .

نسخه خطی

رجوع شود به ریو دیل ش ۱۰۶ ص ۷۳ الف

فهرست اسامی شعرا

در هیچ فهرست یا کتاب دیگر نیامده است .

هفت اقلیم

ابتداء

خرد هر کجا گنجی آرد پدید

بنام خدا سارد آرا کلید

حمد مر خدا را حل حلاله که عند لیبران در قفس دهان بد کر اورط اللسان

اسب و طوطی بیان در شکرستان شکر اوسیرین زبان

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف امین بن احمد رازی است . وی در شهر ری متولد شد^۱ پدرش حواجه میرزا احمد که اردمای شاه طهماسب بود مدتی کلا تر شهری بوده و حواجه محمد شریف رازی (موفی ۹۸۴هـ) وریر که (سرتیب) حاکم حراسان ویرد و اصمهان بوده عموی امین بود و اعتماد الدوله عیاش بیگ بن محمد شریف پدر بورحان بیگم که در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴هـ) بر مراتب عالی فائز و وریر حاکم گیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷هـ) بود عموراده او بود . امین احمد رازی در موقع تألیف « هفت اقلیم »

(۱) - مؤلف میگوید « شهر ری که مولد و منشای این فقیر است ، ر ک . هفت اقلیم

در هندوستان سکوت داشت^۱

بقیه شرح حال مؤلف بدست برسد .

تمصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۰۰۲ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که در دیباچه کتاب آورده است می‌رساند :

این سعه که هست همچو فردوس نگو

تا مو شوی در او نه شکمی مو

گر از تو سوال تاریخ کند

تصنیف امین احمد راری گو

اما چنانکه اته در فهرست اند یا آفس تذکره داده است مولف در فهرست اسامی سلاطین عثمانی اسم محمد ثالث را بر دکر کرده است که نشان می‌دهد که قسمتی از این کتاب بعد از سال ۱۰۰۲ هـ تألیف شده است ولی در هر حال بیان پروفوسور (براون) مننی برای یک سال تألیف این کتاب ۱۰۲۸ هـ است^۲ صحیح بیس

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد سب تألیف کتاب چنین توضیح داده اس :

«(مؤلف) همیشه اوقات خود را در تحقیق احوال ارباب و اخبار اخیار مصروف می‌داشت و اشعه ابوار عواید ایشاں (را) اعتراف و اقتباس می‌مود تا آخر بنا بر وفور حواش خود و اشاره بعضی دوستان خاطر بدان قرار گرفت که تذکره (ای) جمع ساز دار نظم و شرتا رمان حال . و بعد از شش سال که لیل و بهار بدان مواطنت نموده شد کتانی حصول پیوست مملو از اشعار و حکایات و آثار» .

مؤلف اسم مأخذ را در دیباچه یا حاتمه کتاب نیاورده اس اما در ردیل شرح حال

۱ - در همت اقلیم بعضی بیانات و اشاراتی ماکر شاه و شعرای دربار او آمده است که حاکی از این است که مولف در موقع تألیف این کتاب در هندوستان اقامت داشته است مثلاً در ردیل نام طارقی ساوحی می‌ویسد که او در حدود پانزده سال «ملارم این درگاه» موده است (برای طارقی ساوحی ر . ک. بدایونی ح ۳ ص ۲۳۳)

۲ - ر . ک. تاریخ ادبیات براون ح ۴ ص ۴۴۸

کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده

- مجمع الاساس (رجوع شود به دیباچه).
- برهت القلوب (رجوع شود به ابرقوه و کرمان و غیره).
- عجایب البلدان (رجوع شود به بغداد و لاهور و غیره).
- لب التواریخ (رجوع شود به بغداد).
- تذکره الاولیا (ی عطار) (رجوع شود به معروف کرخی و حنید و غیره).
- تاریخ اعصم کوفی (رجوع شود به کوفه).
- معجات الاس (رجوع شود به سیح ابوبکر کنایی و غیره).
- طبقات محمودشاهی (رجوع شود به ابویوسف بن ابراهیم و غیره).
- مناظره الاسان (رجوع شود به ابویوسف یعقوب بن ابراهیم و غیره).
- تاریخ بنا کتی (رجوع شود به دارا بجرد).
- تاریخ المی (رجوع شود به مصر و غیره).
- عجایب مخلوقات (رجوع شود به بابل و لاهور و غیره).
- تاریخ جهان آرا (رجوع شود به لار).
- غرایب الاسرار (رجوع شود به مصر).
- جامع التواریخ (رجوع شود به ترمکیان تحب بلخ).
- تاریخ گریده (رجوع شود به کرمان و قزوین و غیره).
- چهار معاله (رجوع شود به عنطری و فردوسی و غیره).
- طغرنامه تألیف شریف الدین علی یردی (رجوع شود به کشمیر و غیره).
- تاریخ میرزا حیدر (رجوع شود به کشمیر).
- حسیب السیر (رجوع شود به عماد فیه و مصر و بلخ و غیره).
- حواهر الاسرار تألیف سیخ آدری (رجوع شود به فلکنی و عماد فیه و غیره).
- تاریخ مبارکشاهی (رجوع شود به قندهار و قزوین و غیره).
- تذکره عوفی (رجوع شود به عثمان بن محمد محبّاری و تاج الکتاب).

و غیره) .

- ۲۴ - طبقات اکبری (رجوع شود به آگره)
- ۲۵ - رساله در عجایب و غرایب هند تألیف میر محمد یوسف (رجوع شود به کالپی)
- ۲۶ - اسان العجایب (رجوع شود به مصر)
- ۲۷ - بهارستان (حامی) (رجوع شود به عبدالواسع حبلی)
- ۲۸ - آثار الملاد (رجوع شود به مصروقم و همدان)
- ۲۹ - تاریخ قدیم هرات (رجوع شود به هرات)
- ۳۰ - تاریخ هرات (رجوع شود به خواب)
- ۳۱ - بهایت الادراک (رجوع شود به قسطنطنیه)
- ۳۲ - تاریخ رشیدی (رجوع شود به حشر)
- ۳۳ - طبقات فقها (رجوع شود به محمد بن علی بن اسمعیل القفال)
- ۳۴ - تاریخ یافعی (رجوع شود به ابن المعصع)
- ۳۵ - تذکره دولتشاه (رجوع شود به شیخ آدری)
- ۳۶ - جامع رشیدی (رجوع شود به حواحه نصیر الدین طوسی) .
- ۳۷ - محالس النعائس (رجوع شود به درویش دهکی) .
- ۳۸ - نظام التواریخ (رجوع شود به خاقانی)
- ۳۹ - روضة الصفا (رجوع شود به بیلغان و سمرقند) .

این کتاب مشتمل است بر مطالب جغرافی و تاریخی و در ردیل بلاد مختلف مؤلف
دکتر هرادی با صد و شصت تن^۱ از سغرا و عرفا و فضلا و امر او ملوکی را که شعر سروده اند
آورده

طبق عقیده قدیم مؤلف هم «ربع مسکونی» را در هفت اقلیم قسمت کرده و
اطلاعات فوق را تحت هفت اقلیم آورده است بدین قرار
اقلیم اول - شامل دکریمس و بلاد الریح و یوبیه و چین

۱ - رک فهرست اندیا آف ص ۱ ش ۷۲۴ که آنجا فهرست اسامی این ۱۵۲۰ تن ذکر

اقلیم دوم - درد کرمکه و مدینه و یمامه و هر مرو دکن (اینجامؤلف تاریخ سلاطیندکن را از قدیم تا سال ۹۹۹هـ آورده است) و احمد بگرو دول آباد و گولکنده و احمد آباد و سورت و ننگال و اریسه و کوچ

اقلیم سوم - درد کرمق و بغداد و کوفه و نجف و غیره و بصره و یرد و فارس و سیستان و قندرها و غریب و لاهور و دهلی (ایضا مؤلف تاریخ هندوستان از قدیم تا زمان اکبر و در فصلای دهلی را آورده است) و سوریه و مصر

اقلیم چهارم - حراسان و بلخ و هرات و حام و مشهد و بیشاپور و سرور و اسفراین و غیره و اصفهان و کاشان و قم و ساوه و همدان و ری و تهران و دماوند و آسترآباد و طبرستان و مازندران و گیلان و قزوین و آذربایجان و تبریز و اردبیل و مراغه .

اقلیم پنجم - شروان و گنجه و حواریم و ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا و فرعه .

اقلیم ششم - ترکستان و فاراب و یارکند و غیره و روسیه و قسطنطنیه و روم .

اقلیم هفتم - بلغار و سغلاب و یاجوج و ماجوج .

گاهی راجع به بلاد و کشورهای مختلف بعضی اطلاعات حالت و معیذی را آورده است مثلاً در ردیل کالپی « انواع میوه های هندوستان و بعضی عجایب آنجا » را مخصوصاً درباره حوگیا (درویشان هندو) شرح داده است

گاهی در ردیل نام بعضی شعرا و فضلائم و به هائی بشر هم از آنها نقل کرده است مثلاً رجوع شود به عیدراکانی

مؤلف اکثر سعی کرده است در مصوع بنویسد چه در مقدمه کتاب و چه در ردیل شرح حال شعرا و وحی گاهی شوشن شرمسحع بیر پرداخته است

گاهی بعضی کلمات توصیفی را هم فافیه با اسم یا تحلیص شاعر آورده است

مانند

« سیددوالفقار شاعر پاکیره رورگار بیکو گفمار بود ».

همچنین در بعضی القاب و کلمات توصیفی بر عایب اسم یا تحلیص شاعر حنا س آورده

است مثلاً

فصولی «در فصل و دانش بر بسیاری از همگان فایق بوده و در فهم و دکان اقران سابق»

مولانا شرف الدین علی . «در عصر خود اشرف فضایی ایران و الطف علمای دوران بود»

افصح الدین فلکی «فلک جهان بلاغت و قمر آسمان فصاحت بوده» .
در دلیل نام بعضی شعرا حمله‌ای مصوع در معنی «فوت شد» آورده است
مثلاً .

در دلیل مولانا احمد مینویسد «تا معمار قصا ابواب رند گایش را (به) بلاد
احل بر آورد»

سالها را همه حائال الفاظ عربی آورده‌اند .
رویه‌مرفته این کتاب به تنه‌ها راجع جغرافی و تاریخ بلکه راجع تذکره شعرا
و فضلاء دارای اهمیت و ارزش زیاد می‌باشد و مخصوصاً برای شعرای رمانا کبر شاه این
کتاب حروم منابع اصیل می‌باشد . .

نسخ خطی

۱ - قاهره ۵۰۹ - کتابخانه حدیویه مصر ص ۱۰-۵۰۹ دارای ۳۱۸ برگ
صفحه‌ای ۲۳ سطر مورخ دو الحجه ۱۰۵۲ هـ

۲ - ادبیات تهران ش ۴ - (ارآغاتا اقلیم ششم) و ش ۵۲ - ب (مورخ ۵ صعر
۱۲۵۱ هـ) و ش ۱/۳ - ح (مورخ ۲۲ دی ۱۳۱۹ ش/ ۱۵ دوالقعد ۱۳۵۹ - حلد اول ارآغاتا سید
محمد دارای ۵۹۵ ص) و ش ۲/۳ - ح (همان نسخه - حلد دوم تا پایان کتاب ارض ۵۹۶ تا
ص ۱۱۲۸)

۳ - مرکز تهران - ش ۲۷۵۶ مورخ ۱۱۳۹ هـ

۴ - ملک تهران - ش ۳۱۳ ۴ مورخ ۱۰۳۰ هـ

۵ - H.Kh. (ح-ح) ص ۶۰۱ ش ۱۴۴۱

۶ - سپهسالار ح ۲ ص ۴۸۵ ش ۱۱۲۳ مورخ ۱۰۲۵ و ش ۱۱۲۴ مورخ ۱۰۷۱ هـ و

۱۱۲۵) (اوایل قرن ۱۱ هـ - چند برگه از آن افتاده است) .

۷- بادلین ۴۱۶ (مورح ۱۰۳۹ هـ) ش ۱۷ (مورح ۱۰۷۵ هـ) و ش ۱۸ (مورح ۱۱۹۹ هـ)
و ۴۱۹ (تنها اقلیم ۵۳ بدو تاریخ) ۴۲۰ (تنها اقلیم ۴ بدون تاریخ) سح فارسی- ۲۴ (C)
(مورح ۱۰۵۲ هـ)

۸- اکسمورد ۲۰ (ناقص- بدون تاریخ) .

۹- لنینگراد ۱۱۳۴ (مورح ۱۰۶۶ هـ) و ۱۱۵۴ هـ .

۱۰- بلوشه ۶۴۲ مورح ۱۰۶۸ هـ و ۶۴۳ مورح ۱۰۹۴ هـ

۱۱- بانکی بورج ۶۳۶ (قرن ۱۷ م)

۱۲- ریوح ۱ ص ۳۲۵ (قرن ۱۷ م) ص ۳۳۶ (۱۵۰۹ هـ) ص ۳۳۷ الف (قرن ۱۷ م)

۳۳۷ ب (دوسوم اول کتاب - قرن ۱۷ م) ح ۳ ص ۹۷۰ الف (۱۲۶۱ هـ) دیل ش ۱۳۸
(قرن ۱۷ م)

۱۳- آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۹۰ (قرن ۱۷ م) ح ۱ ص ۲۳۲ ش ۴۶۵

۱۴- لندزیاما ص ۱۱۳ ش ۷۱۲ (اوراق بریشا - در حدود ۱۷۵۰ م)

۱۵- ایوانو ۲۸۲ (۱۱۶۶ هـ) ۲۸۳ (۱۸۷۱ م) ایوانو- کرر ۸۰۶ (قرن ۱۹ م)

۱۶- مجلس ۴۵۶ (۱۲۷۳ هـ) ۱۷ بوهار ۱۰۰ (قرن ۱۷ م) .

۱۸- داسگاه نمئی ۳۶ (قسمی از کتاب شامل شعرای ش ۹۸۵-۱۵۵۸) (رحوع

شوده اته) .

۱۹- براون سح فارسی ۱۱۰ .

۲۰- براون دحیره (K) ش ۵ (۱۳) (= هوم شنیدلر ش ۳۹)

K س ۴ (= اندیا آفس ش ۵۴۱- رحوع شودنه ۲۱ ریر) .

۲۱- اندیا آفس ۴۵۴^۱ (۱۰۰۶ یا ۱۱۰۷ هـ^۲)

۲۲- آتن ۵۶ (اتمام)

۱- این سحه در فهرست اته ذکر شده است و ك استوری ح ۱ ص xi در دیل

۲۳- کپورت‌تلاش ۴۹ (رجوع شود به OCM ح ۳ ش ۴ اوت ۱۹۲۷م)

۲۴- دانشگاه لاهور- دوسرجه (رجوع شود به OCM ج ۳ ش ۱ نوامبر ۱۹۲۶م ص ۶۸)

۲۵- اته ش ۷۲۴ و ۸۳۵ (۱۰۸۹هـ) و ش ۷۲۶ (ناقص الاول- از اقلیم سوم تا آخر ۱۰۹۳هـ)

چاپ

۱- حلد اول کلکنه ۱۹۱۸۱ م و حلد دوم ۱۹۲۷۲ م و حلد سوم ۱۹۳۹۳ م
(تا پرتوی شیرازی ش ۲۶۰ رجوع شود به فهرست اسامی اته)

۲- تهران کتابفروشی ادبیه ناصر خسرو - ۱۳۴۰ ش (چاپ پراثر اغلاطی

۳- کلکنه- ماهتمامد کتر اسحق در ۵۰۰ صفحه در دست چاپست .

انتخاب

انتخاب هفت اقلیم - فیض الله همت انصاری حو پوری بام و حیه اندین علی خان
بہادر (رجوع شود به اته ش ۷۲۷)

همچنین بعضی‌ها اقتباسات و ترجمه آن را در اوقات مختلف در اروپا و غیره
در مابہای فراسه و آلمانی و انگلیسی چاپ کرده‌اند - (رجوع شود به استوری ح ۱
ص ۷۱-۱۱۷۰)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به هفت اقلیم و استوری ح ۱ ص ۱۱۷۰.

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به فهرست اندیا آفس ح ۱ ش ۷۲۴ ص ۴۹۹- ۳۸۱ (کل ۱۵۶۰ شعر

شاعر و غیره)

خلاصه الاشعار وزبدة الافكار

ابتدا

« حواهر حمد و ثنای که مفرح قلوب اصحاب دین و مفتاح صدور ارباب عشق متین تواند بود سراوار جمیلیست که تحلیلات صفات خود را در آینه اسبابی بحکم اناله خلق الانسان علی صورته طاهر گردانید ».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب تقی الدین محمد و تحلیص او د کری اسوا و معروف به تقی کاشی بوده. اسم پدرش شرف الدین علی الحسینی^۱ الکاشانی است مؤلف در کاشان در ۹۵۶ هـ بدینا آمد وی از شاگردان محبوب محتشم کاشی بوده چنانکه در زمان بیماری خود در ۹۹۶ هـ که محرر مرگ محتشم شد وی را این شاگرد حواش کرد که دیوان اشعار او را جمع و تدوین کند و د کری چنین کرد و مقدمه ای بر آن دیوان افزود^۲ مؤلف اکثر اوقات زندگی خود را در ایران در کاشان بسر برده اما در آخر عمر به ندر فته در سال ۱۰۱۶ هـ تدکیره خود را با نام ابراهیم عادل شاه ثانی سلطان بیجاپور (۹۸۸-۱۰۳۷ هـ)^۳ عنوان و تعدیم نمود. مؤلف صحف ابراهیم « در دیل نام تقی الدین محمد کاشانی د کری تحلیص » مینویسد « اگر چه برخی اشعار خودش را بر در آخر تدکیره انصام نمود اما در نظر در یاف قدر بطمرا ندارد و هر چند تمیش نگار رف تدکیره نویسان که مؤحر ار زمان او بوده اند نام و اشعار او را در مجموعه های خود دکر بکرده اند ».

تصیره کتاب

مؤلف این کتاب را اول در چهار جلد در سه ۹۸۵ هـ تألیف کرد سپس در ۹۹۳ هـ جلد پنجم با آن اضافه نمود چنانکه قطعه زیر میرساند.

۱- از روی نسخه برلن «الحسی» (ر.ک. برلن ش ۶۴۷ ص ۶۱۰)

۲- نسخه ای را بر این دیوان با مقدمه د کری در موره بریتانیا موجود است (ر.ک. ریو ح ۲ ص ۱)

۳- در فهرست برلن ۹۵۷-۱۰۳۶ هـ و در استوری ۹۸۷-۱۰۳۵ هـ دکر شده است اما «در کلام الملوک» تدکیره سلاطین دکی چاپ همد ۱۳۵۷ هـ باهتمام میرسعادت علی رضوی سال حلوس ابراهیم عادل شاه ثانی ۹۸۸ هـ و تاریخ وفات وی محرر ۱۰۳۷ هـ دکر شده است و همین صحیح است.

چون پنج کتاب تقی تذکره سنج در مخزن جلد حا گرفتند چو گنج
تاهریک را درست باشد تاریخ بر پنج کتاب تقی افرودم پنج
(= ۵۹۹۳)

سپس مؤلف باوقات مختلفی باین کتاب مطالبی را اضافه مینمود تا اینکه در ۱۰۱۶ هـ
از تألیف آن بکلی فراغت حاصل نمود و بعد از آن طاهرأ هیچوقت باین کتاب اضافه ای
نکرد بیت ریر تاریخ اتمام مجلد آخر این کتاب را میرساند
تاریخ نگار را آن سب گفت شدست مجلدات لارم (= ۱۰۱۶ هـ)

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی بعد از
مدتی مدید خلاصه ای از اشعار اکثر شعرای متقدم و متأخر را ترتیب نموده و اردیوان
آنها انتخاب رد و شرح عشق آنها را بیان کرده و اوراق این مجموعه را باغرا احادیث و
روایات بیاراست بالاخره در اوایل سه ۹۹۶ هـ این نسخه صورت اتمام پذیرف و مؤلف
آنها بام پادشاه وقت شاه عباس برگز صفوی الحسیسی (۹۹۷ - ۳۸ ۱۰۱۶ هـ) مرین
ساخت

این تذکره بسیار معصل است و ارحیث حجم کتاب میتوان آنرا معصل تر
ار سایر تذکره ها گفت این تذکره مشتملس بر مقدمه و چهار فصل و چهار کن و دو
حاتمه و یک اصل دیگر و دیل .

در ابتدای مقدمه مدح شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ هـ) را (در ۳ ص) و
در بعضی نسخ (رجوع شود به برل و بلاند) مدح ابراهیم عادل شاه سلطان بیجاپور (۹۸۸ -
۱۰۳۷ هـ) را آورده است مقدمه کتاب مشتملس بر «سب جمع اشعار و موجب انتخاب
دو اوین شعرای آفاق و التماس عدم اعتراض اربینندگان این اوراق» و بیان عشق و محبت
و شرایط آن در چهار فصل و احتیارات (منتحات) اشعار حضرت علی با ترجمه بشعر و
شرح آن بهارسی ارحود مؤلف (در ۱۶ ص) و سپس مؤلف سند شعر گوئی از آیات قرآن
و احادیث رسول و ابتدای شعر و مختصری در باره تاریخ شعر فارسی را (در ۲ ص) آورده

چهار فصل فوق‌الد کردریان عشق و محبت نقرار دیل است

فصل اول - دریان ایحاد عشق و معرف آنکه عشق ارلیس و انس محب

ارحاب الهی است بحکم منطوق آیه یحبهم و یحبونه

فصل دوم - در تعریف و فضیلت عشق و مدمب کسایکه مذاق را عشق نام

بهاده اند

فصل سوم - در تقسیم عشق بمحار و حقیف و شرایط محب^۱ از احاب محبو

بصیحت جماعتی که منکر بد مودت را

فصل چهارم - در شرایط محب^۲ از طرف محب و محار و مدمب جماعتی که

معشوق را بد استه اند

سپس تحت یك «لاحقه» بحثی در باره بطم و شر و اقسام بطم آورده اس

رکن اول - «و آن مرتسب بر بد کره سخرای متقدمین اررمان آل سکتکین

ارقصیده گویان و بیان حالات عشق ایسان با انحاب دواوین هر یك در صمن آن دراین

رکن پنجاه فاصل به سده تترتیب ناریح فوت فاو ل نم الاول و این دو مجلد اس» - مجلد

اول با «ملك الشعراء استاد عصری» شروع سده «باسلطان الشعراء امیر ا فصل الدن حاقابی»

تمام میشود و مشتملس بر دکر ۲۲ شاعر و مجلد دوم با « رنده الشعرا طهیر الدین

فاریابی» شروع سده با « حواحه ا فصل الدن کاشابی» تمام میشود و مشتملس بر دکر ۲۸

شاعر

رکن دوم (= مجلد سوم) - «و آن مشتملس بر دکر عرل سرایان متقدمین و بعضی

۱- ایحا مولف همت سرطرا بیان کرده است

۲- ایحا مولف چهار سرطرا آورده است

۳- ر ك. مسحه مجلس ش ۱۹۳۵ از کتبا هدائی شاهراده محید فیروز در مسحه نلاند

اسم شاعر آخر مجلد اول «قوامی گنجوی» است

ارقصیده گویان که با ایشان معاصر بوده اند و درین رکن ریاده ارچهل^۱ کامل مذکور شده بترتیب مذکور» (یعنی بترتیب تاریخ فوتشان) و این رکن با «شیخ مصلح الدین سعدی» شروع شده با «شاه شجاع کرمانی» تمام میشود.

مؤلف این رکن را بام شاه عباس برگ صغوی (۹۹۶-۱۰۳۸هـ) عنوان کرده و ما بدرکن اول اینها بیاورامدح و ثنا گفته است^۲

رکن سوم (= مجلد چهارم) - «آن بیز مشملت برد کرعرل گویان و بعضی ارقصیده گویان متأخرین و درین رکن ریاده ارچهل^۳ کس نام برده شد». این رکن با «حواجه شمس الدین محمد حافظ» شروع شده با «مولانا فائز» تمام میشود در آغار این رکن مؤلف در باره سه طبقه صوفی «واصلان و سالکان و مقیمان» بحث کرده است^۴

رکن چهارم (= مجلد پنجم) - «و آن مشملت بر حالات شعرای رمان سلطان حسین میررالی رمان هدا التالیف و درین رکن ریاده ار^۵ صاحب دیوان مسطور گشته» این رکن با «مولانا عبدالرحمن جامی» شروع شده با «مولانا عراقی مشهدی» تمام میشود

حاتمه (اول) - «و آن مشملت بر رد کر بسیاری از شعرای عصر و رمان تألیف این نسخه حیر مآل و ترتیب آن بر دوا رده شهر^۶ داده شده» در نسخه بالا بدرقسم «حاتمه»

۱- امارمتی نسخه مجلس ت ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهزاده فیروزی شیرنگر ۲ و

در نسخه ملاذ ۴ شاعر ذکر شده اند

۲- ر ک نسخه ملاذ

۳- امارمتی نسخه مجلس فوق ۴ و در نسخه ملاذ ۴ شاعر آمده اند

۴- ر ک نسخه بل دند.

۵- درمتی نسخه مجلس ت ۱۹۳۵ مذکور ۱۰۲ شاعر ذکر شده اند نسخه ملاذ درکن

چهارم ندارد امارد اول آن عدد ۱۰۱ شاعر ذکر شده است

۶- نسخه شیرنگر سیرده اصل دارد و آنجا اصل سیردهم در ذکر شعرای حراسان

میباشد

چهارصد و یارده شاعر ذکر شده اند.

در نسخه ش ۳۳۴ - مجلس (مورخ ۲۳ رحب ه) مؤلف توصیح داده است که حاتمیه کتاب خلاصه الاشعار را بعدد روح آسمان بر دوازده اصل قسمت نموده و بار هر اصلی را بدو فصل تقسیم کرده بدین ترتیب
فصل اول - درد کرسخ و رانی که الیوم بارار فصاحت بدرر العاط ایشان آراسته است
و دکان بلاغ بحر رمعانی ایشان پیراسته»

فصل دوم - در ایراد اشعار سخنورانی که بعضی از آن قبیله اند که بنده بیمه دار بخدمت ایشان در صعر سن رسیده و فیص بی نهایت از نظر کیمیا آنرا یسان یافته و الحال در عرصه فنا سانسند و جمعی دیگر اریشابر اندیده و بملا رمت برسیده»
دوازده «اصل» این تذکره برار زیر است^۱

اصل اول - درد کرسعرای کاشان اصل دوم - درد کرسعرای اصفهان
اصل سوم - « قم و بواحی آن اصل چهارم - « ساوه و بواحی آن
اصل پنجم - « قزوین اصل ششم - « گیلان
اصل هفتم - « سریر و آذربایجان اصل هشتم - « یرد و کرمان
اصل نهم - « شیراز اصل دهم - « همدان و بواحی آن
در ایراد در دیل سد «لاحقه» شعرای زیر را آورده است

لاحقه اول - شعرای بعداد لاحقه دوم - شعرای حر بادقان لاحقه سوم - شعرای

حوا سار

اصل یازدهم - درد کرسعرای ری و استر آباد اصل دوازدهم در ذکر شعرای

حراسان

حاتمه دوم^۲ که در نسخه ثانی این تذکره آمده است تنها اینجانب اسعار شصت

۱- ر ك اته نسخه تن ۶۶۷ و مرلن تن ۶۴۷ الف - در نسخه اشیر بگر شعرای اصفهان

بخت دواصل (دوم و سوم) و شعرای ری و استر آباد و مصافات آن، تحت اصل دوازدهم و شعرای

حراسان تحت اصل سیزدهم آمده است

۲- ر ك نسخه بلاند و اشیر بگر

شاعر معاصر را (بدون شرح حال آنها) دارد که قبلاً از بطر مؤلف افتاده بود و وی از دیوان ایشان اطلاع نداشت. مؤلف علت افزودن این حاتمه دوم را چنین توضیح داده است که بعد از تکمیل تذکره بعضی شعرا بمؤلف احاره دادند که وی دیوانشان را مطالعه کند مخصوصاً شعری که در همان اوان شعر گوئی را آغاز کرده بودند چون تعداد زیادی از نسخه‌ها از روی این تذکره در عراق و حراسان استنساخ شده بود و دیگر ممکن بود که این اسعار و مطالب را آنها اضافه نمایند با این مؤلف محورشده (در این نسخه‌ثانی) يك حاتمه دیگر را بافرایند اسامی شعرا را ترتیب العنائی از روی حرف اول تحلیص یا اسم آنها آورده است.

اصل در نسخه برلی (س ۶۴۸ الف) بعد از «حاتمه» (اول) اصل دوازدهم «در ذکر شعرای حراسان» يك «اصل» دیگر آمده است که مشتمل بر شرح حال و نمونه اسعار ۱۶۲ شاعر بر ترتیب العنائه از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «مولانا ابوالحسن ابیوردی» شروع شده با «میر ساهمیر متحلص ندیمین» تمام میشود و در این قسمت مؤلف شرح حال خود را ببردردیل «تقی الدین محمد الحسیبی نه دگری» در ردیف «د» آورده است.

دیل^۱ در نسخه بالاند در دایان «حاتمه دوم» مؤلف يك «دیل» را اضافه کرده است. در این قسمت عقیده خود را درباره این کتاب اظهار نموده و مناسب اتمام این کتاب از خودش حیلی تعریف و تمجید نموده است.

در آخر مؤلف میگوید که چون در اثر اضافه کردن ذکر عده زیادی از شعرا این تذکره حیلی صحیم گردیده و سبب و پناه هر از بیت شد لذا وی محورشده يك مجلد دیگر بر پیچ مجلد سابق اضافه کند و بالآخره این کتاب را در ۱۰۱۶ هـ اتمام رسانیده از کار تذکره نگاری دست کشید و از آن بعد ذکر و اشعار هیچ شاعری را باین تذکره بیافزود.

۱- در يك نسخه بالاند ویرایشگر میبویسد که يك دیل محصری شامل شرح حال شعرا و بدون اشعارشان در نسخه کتابخانه موتی محل لکنه (عند) موجود بود رک اشپرنگرش ۸ و ۹

همانا اصلی ندارد» چنانکه درسطور فوق گذشت مؤلف دردیباچه (در ۳۳ صفحه) در باره عشق بحث نموده است و سپس در ردیل بسیاری از شعرا بحث های مفصل در باره عشق و محبت و اشعار شعرای دیگر را آورده است که غالباً بغلت نامربوط و خارج از موضوع بودن این بحث ها را لطیف مطالب می‌کاهد

سك انشای مؤلف غالباً ساده است و گاهی مؤلف نثر مصروع و حتی نثر مسجع را بکار برده است اما نثر او در هیچ حاد رحین موارد بی‌مره و حالی را لطیف نیست و ناوحد این تصنع نثر او غالباً شیرین و روان می‌باشند. مؤلف در مقدمه کتاب و در موقع تعریف شعرا نثر مصنوع نوشته است

در ردیل بعضی شعرا چند لغت تعریفی قبل و بعد از اسم و تخلص آسان آورده است مانند «ملك الامر او الشعر ابو القاسم حسن حکیم عصری مقدم سخن سرایان گلستان فصاحت و مکرر صیر فیان حواهر بلاغت و براعت» یا «عمدة الشعر امولانا سائی فدوه فصلا و مهذبسان رمان و مرجع شعر او معماران دوران بوده» یا «استاد الشعرا ابو لفرح رونی معتدای صنایع شعرای جهان و پیشوای اکابر و افاضل جهان بوده»

سالها را بر بیان عربی ذکر نموده است

گاهی احادیث رسول و آیات قرآن و صرف المثلها و اقوال بزرگان را عربی آورده است مثلاً (در مقدمه) (ان اله خلق الانسان علی صورته - کتب کبرامحمیا و احسب ان اعرف فحلمة الخلق لا اعرف -- لی مع الله و قد لا یسعن فیهم ملك مغرب و لانی مرسل -- انامدینه العلم و علی بابها -- (فصل اول) من عرف نفسه فعرف ربه - لا تنظر الی من قال و انظر الی ما قال - المحارفطره الحقیقة و غیره

همچنین در موقع تعریف از ممدوح خود بعضی حمله ها را عربی نوشته است مانند الدی نص سراق الامن و الامان ۰۰۰ (رجوع سودنه مقدمه در ردیل تعریف شاه طهماسب صغوی)

مؤلف «صحف ابراهیم» در ردیل بنی الدین محمد کاسانی ذکر کرده که می‌پسند «مؤلف تذکره موسوم بحلاصه الاسعار و ریده الافکار است و آن کتابست در کمال

- ۱۱۱۱ هـ) ۸ - لندریانا ص ۲۲۳ س ۳۱۲ (نسخه خلاصه شده بدو رکن چهارم مورخ ۹- ۱۰۳۸ هـ - نسخه نالاند) ۹- برلن ش ۶۴۷ (نسخه خلاصه شده مورخ قرن ۱۹ م) و ش ۶۴۷ الف (تنها حاتمه و حاتمه دوم و دیل مورخ قرن ۱۹ نا فهرست ۱۶۲ شاعر در «اصل» بعد از حاتمه اول) ۱۰- ایوانو- دیل نابی- ش ۹۳۲ (قسمی از مجلد چهارم - رکن سوم مشتمل بر ذکر شعرائی که در اشپر بگردیدیل شماره های ۱۶- ۱۰۹ آمده اند، مورخ حدود ۱۸۷۲ م = ۱۲۹۰ هـ)
- ۱۱- دانشکده ادبیات تهران - س ۱۰۴ - ب (نسخه اصل مؤلف است که قسمی از آن بخط مؤلف است مشتمل بر ذکر ۴۷ شاعر و نمونه اشعارشان نسخه نامتومی است مورخ قرن ۱۰ هـ و ش ۵۹^۱) (نسخه ۱۰ اقصا اسرار حاتمه و مشتمل بر ذکر احوال و نمونه اشعار ۲۱۲ شاعر از اصل اول و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم - این نسخه از مقدمه ناقص الاول و اشعار قصیده محسن کاسی شروع میشود مورخ قرن ۱۱ هـ)
- (۱۲) کتابخانه ملی تهران (سیار ناقص و نامتوم).

برای شرح حال مؤلف رجوع سود به «اصل» بعد از حاتمه (اول) در نسخه برلن ش ۶۴۷ الف در دیل «دکری» و رجوع ص ۲۶۵ و صحف ابراهیم در دیل بنی الدین محمد کاسانی در کری تحلیص و نالاند J.R.A.S ح ۹ (۱۸۴۸ م) ص ۲-۱۳۱

فهرست اسامی شعرا - رجوع سود به اشپر بگرس ۹ (نسخه نابی) و اتیه ش ۶۶۷ (بقیه اسامی شعرا که از فهرست اشپر بگرس افتاده است)

خلاصه الشعرا (و بتخانه)

ابتدا - الله سبحانه تعالی و تعدس و عیده معاتیه (العیب لایعلمها الا هو تعالیه)^۲

- ۱- این نسخه در پاریس در دست مرحوم عباس اقبال بوده و علامه قزوینی نیز آن را دیده و یادداشت‌هایی بخط خود بر آن نوشته است برای فهرست اسامی شعرا این نسخه را محله دانشکده ادبیات تهران سال ۸ ش ۱ مورخ مهرماه ۱۳۳۹، ص ۲۱۹-۲۲۳
- ۲- عبارت در قوسین در نسخه مجلس بیامده و نیز بعد از این عبارت در آن نسخه بحای «حرابه» و «کلمه» «حرابین» آمده است

حرا به دانش نقضه قدرت کامله و سرپنجه تقدیر شامله اوست و دفاین بی منهای سخن و دیعه در حیا انسان به حص حکمت نالغه و عین رحم و اسعه او^۱.

این کتاب اصلاً تألیف و نقراسب اول مولانا محمد مارید رانی^۱ عبداللطیف در ۱۰۱۰ هـ مجموعه ای بنام «تنحاه» ترتیب داد مستمل بر چهل و پنج هزار بیت و سپس عباسی گجراتی در ۱۰۲۱ هـ شرح حال شعرا را آن اصفه نموده آنرا بصورت تذکره ای در آورد

ما بر این شرح حال هر دو مؤلف ایجا مسطور میگرد

شرح حال مولانا صوفی

مولانا محمد صوفی^۲ مارید رانی متخلص بصوفی (و محمد^۳) و معروف

به ملا صوفی در آمل متولد شد در ایام جوانی سوق سیاح در دلش افتاد چون عراق (عجم) رف آجا با اصحاب تصوف آمیزش و احتلاط پیدا کرد و بی سالك وادی عرفان و تصوف گسب و بریاصب و تهذیب نفس برداشت و همجنس شعر گوئی را آغار نمود و بعلت ذوق عرفان شعر عارفانه و صوفیانه میسرورد. بهر شهری که میرفت عده ای صوفی مذهب و قلندر مشرب رور او جمع میشدند و ارضحت وی کسب فیض مینمودند اما چون خیلی آرا دهنش بود عده ای بر مخالف وی کمر بستند و بنا بر این بعد از سیاح

۱- بعقیده آتمیر را حسن بیگ حاکی بر در ترتیب «تنحاه» با ملا صوفی مارید رانی همکاری داشته است (رک «ادلیں ش ۳۶۶») اما این صحیح نیست چون در مقدمه «خلاصه الشعرا» تصرحت آمده است که ملا صوفی مارید رانی «تنحاه» را «بحسن خواهش و توحه قدردان اهل معنی» میرا حسن بیگ حاکی ترتیب داده است

۲- به عقیده اشپرنگر و عبدالقندر گرد آورده فهرست نامکی پور تحلیص ملا صوفی «محمد» بوده چنانکه آنها در دیوان وی دیده اند اما تذکره نویسان وی را در ردیف «ص» در دیل تحلیص «صوفی» آورده اند بنابر روایت مولف «صحف ابراهیم» میویسد که ملا صوفی «محمد و صوفی» هر دو تحلیص داشته است

۳- عبدالقندر میگوید که تذکره نویسان جدیدین شاعر را با تحلیص «صوفی» و سستیهای مختلف مانند مارید رانی و شیرازی و کرمانی و اردستانی و همدانی و آملی و اصفهانی و کاشمیری ذکر نموده اند اما بعضی از آنها همان محمد صوفی مارید رانی را مکرر با سستیهای مختلف آورده اند چون اشعاری که در دیل این شعر نقل کرده اند اسعاریست که در دیوان ملا صوفی مارید رانی (نسخه کتابخانه نامکی پور) موجود است

بلاد آذربایجان و عراق (عجم) ملا نغاس روف و مدتی مدید در سیرار افامب نمود .
عالم مردم آنجا اصحاب سیر و سلوک بودند و لذا از وی پذیرائی گرمی بعمل آوردند و
ملا اکثر اوقات خود را در مدرسه آنجا بین مریدان و معنفدان خود بسر میبرد

آب و هوای سرزمین فارس در تربیب دوق و شعر در او کمک سرائی نمود اما
دیری پائید که او را «طریقه حالی دسداد» که در میان علما و فضلا سوء اعتماد و رندفه
و روش الحاد متهم گشت و سایر این محصور شد و دیگران طاهراً ترك تعلق و محالط
نمایند چون هر کس که ناوی روف و آمد داشت با وجود اختلاف عقیده نکفر و رندفه
متهم میگشت و بعل این بدنامی و خوف محاربا از طرف ناساه ملا نتوانست مدتی بیشتری
در شیراز بماند و آنجا را ترك گفتم و سیاح بلاد دیگر پرداخت

مؤلف بد کره «لطایب الحیال» میگوید که ملا صوفی مدتی در کاروان افامب
داشت و بصحب شیخ المحققین ابوالقاسم مسرف شده و در مدح وی قصیده ای بر دیف
«سحن» سرود و سیح مر نوریر در حواص آن قصیده ای در مدح ملا سرود

بالاخره در اوایل سلطه ساه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ) و در زمان
اکبر شاه (۹۶۲ - ۱۰۱۴ هـ) ملا متوجه هندوستان شد و مدتی در احمدآباد گجرات
سکونت داشت

تقی اوحدی مؤلف «عرفات» میگوید که ملا همیشه اوقات خود را با نتحان شعرو
فراع و سیور برد و کمانداری و کتاب میگذارد و اینکه وی مکرر بخدمت ملا در
گجرات میرسید ملا نغاس فع و روش اهل سلوک بوده و هیچ سایه عرو و بحوت
نداشت

مولف «مآثر الامرا» در دیل میر سید حلال صدر محلص برصائی بخاری که از
اعظم آن عهد و ساکن احمدآباد بوده و در زمان ساه جهان نادر شاه هند منصب سپهرازی و
در ۱۰۵۲ هـ صدر دهللی یافته (موفی ۱۰۵۷ هـ) مینوسد که ملا محمد صوفی مار بدرانی

در همان اثناء حها نگیر شاه بالشکر خود ناحمیر آمد و برای مدتی کم سه سال
 ۵ شوال ۱۰۲۲ تا اول دوا (معد ۱۰۲۵ هـ) در آن شهر اقامت نمود ملاهی حکدام اراعیان
 شاه را مطابق دوق خود دید و لی در نتیجه اصرار واشتیاق بر رگ اهلی برای مدتی
 زلوی رف اما آنجا کمر شگفتو نارمیسد و کمتر نگفت و سید میپرداخت و
 خره بکلبه درویشی خود بر گسب و چون در آن شهر عده مریدان و طالبان وی بسیار
 ب سامعتضای طبیعت خلوت پسند خود تصمیم گرفت آن شهر را ترک گفته گجرات
 ودت نماید

در موقع تألیف عرفات دوسال بود تقی اوحدی از خدمت ملا صوفی جدا شده بود-
 در عرفات مینویسد که در اول سن صوفی و بطیری دوسی بر دیکگی و خود داس و
 می آنها بمناطره و مباحثه میپرداختند اما در آخر ملا صوفی از بطیری رنجیده شد-
 طاهراً علی رجش ملا این بیب کتاب آ میر بطیریست که ضمن عر لی در باره
 گفته اس^۱.

یش برون چه کنی پس م گوسعد گ رگی که در درو سب ترا گوسعد کن
 بنا بر این موقعیکه بطیری برای آخرین بار مر یص رسد ملا صوفی برای عیادت
 برف اما حون بطیری فوت کرد بر حاره وی حاضر رسد

تقی اوحدی ملا صوفی را دو باره در ۱۰۲۵ هـ در گجرات ملاقات کرد
 بر وایب مؤلف «مآثر الامرا» حها نگیر ملا را بس خود احصار نمود و سیف حان
 مدار گجرات که ناما علاقه و اراد ب فرا وانی داس باچار ملا را از خدمت نادر شاه فرستاد
 ملا صوفی در راه (در سر هند) فوب کرد^۲ و در آن حال این رباعی سرود

۱ - این بیت در میخانه ص ۷۹۷ و کلیات بطیری مطبوعه لکهنو ۱۸۷۴ م، ص ۲۴۹ آمده است

۲ - در تذکره الشعرا یعی (ص ۱۲۲) آمده است که ملا محمد صوفی مارید را بی (متوفی
 ۱۰۸۰ هـ) با ابو حیان و ملاحسن پردی بهد آمد و در کشمیر توطن گردید و حواش حها نگیر
 لی رفت و در سر هند فوب کرد صاحب تذکره آتشکده نقش را تحلیص دانسته او را
 بامی خوانده ... «ا» توطن ملا در کشمیر و رفتن وی بدهلی حواش حها نگیر
 ق و مسلم نیست

ای شاه به تحت و نه نگیں میماند ار بهر تو يك دو گر رمیں میماند
 صدوق خود و کاسه درویشان را حالی کن و پر کن که همین میماند
 چون نادر شاه سید سیار متأثر و ملول گشت

هؤلف « صحف ابراهیم » سال فوت ملا صوفی را ۱۰۳۲ هـ و خوشگو ۱۰۳۵ هـ
 نوشته اسب و روایب احیرالد کر اصح اسب چنانکه این مصرع ماده تاریخ فوت ملارا
 میرساند

محررانه یکی شد بحق محمد صوفی (= ۱۰۳۵ هـ)

آثار ملا صوفی

آثار ملا صوفی بدین قرار اسب

۱ - بحانه - مجموعه اشعار مسح از قدما بقول عبداللطیف گجراتی چهل و
 دس هزار بیت و روایب مؤلف میحانه (ص ۴۷۸) شصت هزار بیت دارد. برای نسخه رجوع
 سود نه نادلین س ۳۶۶

۲ - دیوان اشعار - بقول مؤلف میحانه (ص ۴۷۹) « هزار بیت و کسری
 دارد » - برای مسح خطی آن رجوع شود نه نادلین س ۲ و ۳۰۱ و هامبورگ س ۴۱ و ۱۹۱ و
 مونیخ س ۱۸ (۶) و اسپرنگر س ۳۸۲

۳ - ساقی نامه - برای مسح آن رجوع شود نه نادلین س ۳ و ۶۲ و ۹ ص ۱۳۹ و
 برلن س ۱۸ و ۲ ص ۱۰ الف و هامبورگ س ۱۹۱ (۴) و مونیخ س ۱۸ (۳) و اسپرنگر ۱۸۷ - این
 ساقی نامه در میحانه ص ۴۷۹-۴۹۱ و انیس العشاق شیخ احمد سندیلوی و سفینه ای خطی
 متعلق بآقای فرح حراسانی (که آقای گلچین در تصحیح و تکمیل ساقی نامه ملا صوفی
 در میحانه از آن استفاده نموده اسب) آمده اسب

۴ - اشعار متفرقه - که در دیوان وی نیست - سه هزار بیت - (رجوع شود
 نه میحانه ص ۴۷۹)

شرح حال عبداللطیف

مآحدی که در دست داریم اطلاعات زیادی در باره وقایع زندگی عبداللطیف

جراتی نمیرساند و حتی اطلاعاتی درباره سال تولد و آموزش و تعلیم و اوصاف دیگر اوایل زندگی او در دست نیست

عبداللطیف عباسی گجراتی در گجرات متولد شد محمد صالح کسوه مؤلف «عمل صالح» و اهل گجرات نوشته و عبدالحمید لاهوری مؤلف «پادشاه نامه» نیز قول او را تأیید نموده است عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا وطن خود را احمدآباد نوشته است و اینکه در ۱۰۱۰ هـ وقتی که مولانا محمد صوفی ماریدرانی ترتیب «نتیجانه» را با تمام رسانید وی در احمدآباد بود

عبداللطیف مدتی در خدمت لشکر خان مسپدی بوده است و این کتاب را بر نام عنوان کرده است

لشکر خان در زمان حاکم گیسو دیوان کابل و در زمان شاه جهان ساه صوبه دار (اساندار) کابل بود

عبداللطیف وقایع نگار لشکر خان بود و حدیث نامه نام خان و آصف خان و مہانتخان و دیگران از طرف لشکر خان بوسه است^۱ طبق توضیحی که عبداللطیف در مقدمه خلاصه الشعرا داده است لشکر خان او را «حجت تعصی محاسبات دیوانی کل صوبه (استان) ننگال و اودیسه تنها گذاشته خود سوارم در بار حاکم گیسو سوار بعد از مدتی عبداللطیف نیز رهسپار دارالحلافه آگره شده و در راه فرصتی بدست آورده در کار تدوین این کتاب توفیق حاصل نمود

مؤلف «پادشاه نامه» می نویسد که عبداللطیف در ۸ جمادی الاول ۱۰۴۲ هـ وارد خدمت شاه سی و دو سال بحکم جلوس ساه جهان (= ۱۰۴۲ هـ) دسم دیوانی بن (وزارت مواضع) بجای رامی داس منصوب گشت و در ۱۰ شعبان ۱۰۴۵ هـ ساه جهان او را بر دحاکم گولکنده اعزام نمود ناید بوجه داس که سلاطین گولکنده همیشه با ساه جهان مباحثات خوبی داشتند و مخصوصاً در انامی که وی علیه بدر خود دست بطعیان رده بود بوی کمک کردند و موقعی که ساه جهان برای فرو ساندن سورش حار، جهان لودی

۱ - مجموعه ای نادر از این نامه ها در انجمن آسیائی ننگال دحیره کرن (ش ۳۶۴)

موجود است و مجموعه دیگر از این نامه ها در کتابخانه شرقی تیبو سلطان میسور هم موجود بود (رک ۱۴ فهرست کتابخانه تیبو سلطان)

مراجع نمود. وچهل لك^۱ بعدو مقدار ریادی ارتحایف قیمی همراه خود آورد^۲ و دررای این موقع شاهجهان عبداللطیف رالف عمیدت خان اعطا نمود^۳ و بمصوب یکپار پیاده و چهارصد سوار منصوب کرد^۴ اما علت بیماری عبداللطیف قادر باحرای و طایف خود بود و بنا براین در ۵ دوالعد ۱۰۴۷هـ او را ارسم دیوایی تن معرول نموده این سمت را بحای او بنویاست رای محول کردند^۵

متأسفانه تاریخ دقیق وفات عبداللطیف معلوم نیست اما این قدر حمی است که وی در سال ۱۲ سلطت شاهجهان (یعنی ۴۹-۱۰۴۸ هـ) فوت کرده است^۶

آثار عبداللطیف

عبداللطیف آثار بسیاری داسه است اما منها بعضی از آنها اردسحوس حوادث روزگار بحا مانده است

مؤلف «عمل صالح» می نویسد که عبداللطیف برای تألیف تاریخ سلطت شاهجهان مور گشت اما در نتیجه حساد رفا از آن مأموریت در کنار سد بعضی از آثار عبداللطیف برار بر است

(۱) خلاصه السعرا (بدکره مورد بحث)

(۲) رقعات یا اساء عبداللطیف

(۳) شرح مشوی مولا نارومی (سروع در سال ۱۰۲۴هـ و اتمام در ۱۰۳۸هـ)

(۴) نسحه ناسحه مشویان سعیمه شامل شرح وصمایم مشوی مولا نارومی و شرح

۱ - یعنی چهارمیلیون (يك لك = صد هزار)

۲ - دهك منتخب اللباب ح ۱ ص ۳

۳ - ر ك پادشاه نامه ح ۳ ص ۱۲

۴ - عمل صالح ح ۱ ص ۴۳۸

۵ - پادشاه نامه ح ۲ ص ۹۲

۶ - حقیقت الحقیقت - مرتبه ح - استفسی (ر . ك . فهرست موره بریتانیا

اسعار مشکله مثنوی (آغاز در ۱۰۳۶ هـ) سحر این کتاب در کتابخانه‌های اندیا آفس و دانشگاه کریچ و نادلین و موره بریتانیا و ایستاتک سوسائتی بنگال (دخیره کررن) موجود است

(۵) لطایف اللغات یا فرهنگ لغات مثنوی رومی (تألیف بین ۱۰۳۲ و ۱۰۳۸ هـ) سحر این کتاب در کتابخانه‌های ایستاتک سوسائتی بنگال و موره بریتانیا و اندیا آفس و داسکده اتن Fiton و گال (سگوو) ناکی پور موجود است و در ۱۸۸۷ م در لکهنو (بولکثور) و در ۱۹۰۵ در کاپور بطبع رسیده است

(۶) لطایف المعوی من حقایق المثنوی در سحر مثنوی مولانا رومی که عبداللطیف در حدود ۱۰۳۷ هـ تألیف نموده است سحر خطی این کتاب در کتابخانه‌های ایستاتک سوسائتی بنگال و موره بریتانیا و داسگاه نمشی و نادلین موجود است و در کتابخانه شه وادیر موجود بود (رحوع سودیه اشپرنگر) در ۱۸۶۶ م در لکهنو و در ۱۸۷۶ م در کاپور (هند) بطبع رسیده است

(۷) مرآت المثنوی - سحر دیگر بر مثنوی مولانا رومی - برای سحر رحوع

شود به‌تاه س ۱۱۰۲

(۸) لطایف الحقایق من بغایس الدقایق - عبداللطیف تألیف این کتاب را در ۱۰۴۰ هـ آغاز و در ۱۰۴۱ هـ با همکاری میر عماد الدین محمود الی ناتمام رسانید. این کتاب در شرح حال حدیقه سائی است و شامل شرح و متن مثنوی حدیقه می‌باشد سحر این کتاب در کتابخانه‌های اندیا آفس و داسگاه ادسنگ و داسگاه نجاب لاهور و دانشگاه علیگر و پوهار و ناکی پور موجود است و بولکثور لکهنو آن را در ۱۸۸۶ م بحاجر رسانیده است.

(۹) سحر حدیقه - این کتاب نیز در شرح حدیقه سائی است اما متن مثنوی را ندارد عبداللطیف آن را در ۱۰۴۴ هـ تألیف نموده است سحر آن در کتابخانه‌های اندیا آفس و بحسن آسیائی بنگال (دخیره کررن) موجود است

تبصره بر کتاب

عبدالمطیف این کتاب (حلاصۃ الشعرا) را در ۱۰۲۱ هـ تألیف نموده است همانکه مصرع فرد «فهرست لطیف حسن عجیب است» که در مقدمه آمده است میرساند در مورد سب تألیف کتاب عبدالمطیف در مقدمه حلاصۃ الشعرا چنین توضیح میدهد که مولانا محمد صوفی بحواش میرزا حسن بیگ حاکمی وریر مجموعه ای بنام «بتخانه» ترتیب داد مشتمل بر چهل و پنج هزار بیت ارسوزش دیوان در سب و نمود شاعر دیگر که صاحب دیوان بدولی دیوانسان بنظر او بر سیده و اشعارسان در مجموعه های دیگر است شده بود و همجنس اشعار و عرای دیگر که «صاحب دیوان نیستند و اشعار متفرقه شان در میاست تیمار چهار لک (یعنی چهار صد هزار) بیت برگزیده و در سه عشر و الف (۱۰۱۰ هـ) موافق سبع و اربع (۷۹۹) جلوس اکبری چهار بیان را از جمع نمودن دواوین و مسح شعری بی بیار گردانید

ولی در آتوب التقاتی بان نمود که عنوان کتاب را بدساحه شری دلپذیر مریب دارد. و اسامی شعرا این کتاب را هم حواء موافق تقدیم و تأخیر زمان و حواء مطابق رتبه و حال سخن ایشان تریبی دهد و سلك فهرست آنها را بطمی بحسد که فی الفور طالبان علم (و) سخن بروهی بی شعر و مستحب هر کس سرید

(در هر حال سده) عبدالمطیف ابن عبدالله العباسی که از ناز یافتگان کمار ساط آت عارف یعیی بود و خود را از رمره ریره حیان حوا آن نعمت بدیرع میسرد و در استکتاب و معالیه آن کتاب مستطاب بقدری (دحلی داس و در اصل ترتیب این سحه در بلده طیه احمد آتاد گجرات که وطن محاری این اقل العباد صورت ابعداد بدیرفه بر دمه حق گذاری و سپاس گذاری لازم داس حد کلمه بر سیل یادگار نگاسته فلم سکسته روم گرداند . . . تا هر کس مطالعة این کتاب فایر گردد بداند که جامع این سحه کیست و در چه و وف و زمان ترتیب یافته و هر شاعری کی بوده و اسم

او کجا نوشته شده و ممدوحش که بوده است و بطفیل این بزرگان نام گنهام این
کمترین بیر . . مدکور السیه و افواه از باب فضل و کمال گردد . .

«سپس خاطر من رسید که احوال شعرائی که اسعار ساز در این کتاب مسجحه شده
بر سیل احوال نوشته شود تا حوادث گان آن از رجوع بد کمره های سعرا بیر مستغنی
گردند و ما را این محمل احوال شعرا حاوی اطلاعاتی راجع بر ما و وفات آنها و عهد
سلاطین که آنها در آن عصر زندگی میکردند و بعضی مطالب لازم دیگر را بجا و احتصار
بنویسد گر چه علت و سبب تألیف این امر همین دینا حد تنجانه بود ولی در ضمن تنوع
احوال سعرا جمعی دیگر را کابر گذر احوال تنجانه بنیستند هم بطر آمد که ترک آنها
مناسب ندانسته همه را محملا «موافق طبعات سعد فلکی» (یعنی در هفت طبعه) نوشت و
آن را موسوم به خلاصة السعرا صاحب و آنچه در تنجانه سبب داس بر فوق این
سجحه یوس «

در مورد ترتیب اسامی سعرا عبداللطیف در دیدحه حسین توصیح میدهد «اسامی
سعرا ی این سجحه را آنجه تاریخ و فاسان مسجص بطر در آمد موافق تقدیم و تأخیر
زمان ایسان و آنجه تاریخ فوت آنها مسجص بیاف بنیاس تاریخ فو ممدوح و معاصران
آنها نوشت «

عبداللطیف در مقدمه کتاب اسامی کتابهای زیر را آورده است که در آن
بر تألیف این تذکره استفاده کرده است

- ۱ - تذکره دولسناه سمرقندی
- ۲ - نفیس المآثر غلاء الدوله قزوینی
- ۳ - تذکره عوفی
- ۴ - منتخب التواریخ - میرزا حسن بیگ حاکی
- ۵ - روضه الص
- ۶ - حبیب السیر
- ۷ - محمل تصیحی

۸- تاریخ ابن حلکان

۹- تاریخ جهانگشای عظاملک حویزی

۱۰- تاریخ رشیدی - مرزا حیدر کسمیری گورکان

۱۱- اکبرنامه ابوالفضل

۱۲- تاریخ نظام الدین احمد بختی (طبقات اکبری)

۱۳- تاریخ فیروزشاهی (صیاء الدین بری)

۱۴- طبقات ناصری

۱۵- تاریخ ساکتی

۱۶- معجات الاس

۱۷- تاریخ جهان آرا احمد عفری

۱۸- تاریخ بیهمی

مؤلف میوید که غیر از کتب فوق‌وی از «هندین تذکره و تاریخ معسر»

دیگر نیز استفاده نموده‌اند

چنانکه عبداللطیف در مقدمه کتاب توصیح داده‌اند این کتاب را نام حواحه

ابوالحسن مسهدی المحاطب (ملف) به اسکر حان عنوان کرده‌اند

این تذکره مشتمل است بر دو جلد - جلد اول آن با «ابوالفرح رومی» شروع

سده با «بحیب خردقانی» تمام می‌شود و جلد دوم با «انتخاب دیوان عصری» شروع

سده با «راکی مراغه‌ای (نافض الاحر)» تمام می‌شود و مشتمل است بر مقدمه و شرح حال

شعرا^۱ و فهرست اسامی شعرا و اشعار منسوب از دیوان ۳۶ شاعرین

۲- حکیم اررفی

۱- ابوالفرح رومی

۴- جمال الدین عبدالرزاق

۳- محیر الدین بیلغانی

۱- مؤلف از جمله شعرا شرح حال تنها ۶۸ شاعر را در این کتاب آورده است.

را مؤلف به نام «عمادی شهریاری عربوی» در قسمت اول درذیل شماره ۲۸ آورده

سپس اسعار منتهی ق ارقیث^۱ ۶۲ شاعر آورده است که اولسان رود کی و آخرشان
ر کی مراعه ای^۱ است *

اسم بعضی از این شعرا را مکرر آورده است چنانکه اشعار حواحه نصرالدین
طوسی را اول درذیل شماره ۴۴ آورده است و سپس دوباره اشعار دیگر درذیل شماره ۵۹
نقل کرده است همچنین اشعار عین العضاة را درذیل شماره های ۲۰ و ۶۲ نقل کرده

رویه مرفته این اندکزه مشتمل است بر شرح حال ۶۷ شاعر و اسعار منتخب از
فریب به صد و هشتاد و هفت (۱۸۸) شاعر^۲.

مؤلف در ضمن شرح حال شعرا تاریخ وفات سلاطین و بعضی اولیاء و اکابر
اسما را آنجا ذکر کرده بیرفید کرده است تا علاوه بر احوال شعرا تاریخ سلاطین و
مساجد و ائمه زمان این شعرا نیز آشکار گردد *

شرح حال شعرا را در زیر مفضل آورده است

کمال الدین اسمعیل و رسید و طواط و سنائی و حسن عربوی و مسعود سعد بن
سلیمان و احد الدین ابوری و ناصر خسرو و حاقانی و ادیب صابر و اوحدی مراعه ای و
معری هروی و سعدی شیرازی و فخرالدین عراقی و فاسم ابوا و مظهر (از مداحان
سلطان فیروز ساه ۷۵۲ - ۷۹۰ هـ) و مولانا رومی بلخی و امیر خسرو دهلوی و رویه مرفته
شرح حال سنائی (در ۱۶ ص) و ناصر خسرو و امیر خسرو (هر کدام در ۲۶ ص) را
مفضل از سایرین آورده است *

۱ - نسخة مجلس ناقص الاخر است و آنجا اسم شاعر آخر کی مراعه ای آمده است

۲ - در فهرست مادلین ش ۳۶۶ اسمی ۱۲۰ شاعر آمده است (ص ۱۹۷ الف تا ۲۰۳ ب)
که اول آنها ابوالفرح ربوی و آخرشان شیخ مهستی است اما چون اسم نصیر طوسی در ذیل
شماره های ۹۲ و ۱۰۷ و اسم مسعود بن سعد در ذیل شماره های ۴ و ۱۱۱ مکرر آمده است
بنابراین عده کل شعرا از روی نسخة بادلی ۱۱۸ میباشد *

همچنین اسعار منتخب اردیوان^{۳۶} شاعر را که اسامی آنها در سطور فوق گذشت
بیر خیلی مفصل آورده است. اما در قسمت آخر کتاب اسعار شعرا را غالباً مختصر نقل
کرده است.

مؤلف در ردیل نام ابوالفرح روی اصل ویرا از سیستان و مداح بوعلی سیمجور
بوشتو میگوید که وی در زمان ابراهیم بن مسعود بن محمود در رحب ۴۹۲ هـ در گذشته
است و از این جهت معلوم میشود که وی ابوالفرح روی را با ابوالفرح سیستانی^۱
استباه کرده است، بدروایت تقی کاشانی ابوالفرح روی در ۴۸۹ هـ و بدروایت «تاریخ
نادرالزمانی» (ص ۲۶۵ ش ۱۶۸) در ۴۸۲ هـ یک سال بعد از فوت ابراهیم بن مسعود بن
محمود در گذشته است. همچنین سال وفات رودکی را بنحی «۳۲۹ هـ» سال ۴۰۷ هـ
آورده است.

از جمله شعرای مدکور این تذکره مؤلف نتحانه (ملا محمد صوفی) ادعا کرده
است که در کمطیر که اشعار منتخب اردیوان او و شرح حال وی در این تذکره بطور
مفصل آمده است در هیچ تذکره دیگری بیامده است.

رویه برفته این تذکره از حیث انتخاب اسعار دارای اهمیت بسیار میباشد مخصوصاً
حس ملاحظه صوفی که این اسعار را انتخاب نموده است دارای ذوق عالی بوده و هر چند
انتخاب کرده است بحر و لطیف و آینه قریحه طریفوی میباشد.

این تذکره مشتمل است بر هفت طه و هر طه آن احوال و اسعار حدیث شاعر
مستور و اشعار منتخب و گاهی نادر آن را شامل است. شرح حال شعرا اگرچه غالباً
خیلی مختصر است اما گاهی اطلاعات مفیدی را در آره بعضی از آنها میرساند که
در هیچ تذکره دیگری یافت نمیشود. مؤلف اکثر کتب خیلی معتبر و موقر اما محدود
فرار داده و بقول خودس نا حدس تذکره و تاریخ معسر تطبیق و تلمیق نموده و اختلاف
روایات و احوال آنان را بیر در این تذکره قید کرده است و همه حسن میگوید «در آنچه

لارمه تفتیش و تحقیق است دقیقه فرو گذاشت بگشته» اما گاهی مرتکب بعضی اسباهات بررگی شده است چنان که در مورد ابوالفرح رومی و رودکی در سطور فوق

سك اسای مؤلف در مقدمه بسیار مصوع است اما شرح حال شعرا را نه بشر ساده نوشته است

نسخ خطی خلاصه الشعرا

۱ - نادلین س ۳۶۶ (ناقص الاخر و نیز بعضی صفحات اردیوین مستحب از این افاده و همچنین رباعیات عمر حیا و اسعار ادیب صابر را اصلاح ندارد)

۲ - مجلس س ۱۲۰ و ۱۳۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (در دو جلد که تنها در آخر آن حدیث صفحه افاده است جلد اول آن مستمل بر ۷۱۵ ص صفحه ای ۲۱ سطر و جلد دوم مستمل بر ۶۱۷ ص و صفحه ای ۲۱ سطر میباشد)

برای شرح حال و آثار ملا صوفی مازندرانی رجوع شود به خلاصه - الاشعار و میخانه (ص ۸۰ - ۴۷۶) و عرفات العاسقین و لطائف الحیال و مآثر الامراح ۳ ص ۴۴۴ - ۴۵۱ (در دیل ترجمه میرسید حلال صدر) و بیاض شماره ۲۳۷ مجلس بهران مورخ ۱۰۵۹ هـ بخط محمد صالح برادر راده اسکندر بیگ مسی مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی و خلاصه الشعرا (مقدمه) و صحف ابراهیم و حوسگو و اسپر بگرو و فهرست نامکی - بور ح ۳ ص ۶۱

برای شرح حال و آثار عبداللطیف عباسی رجوع سود به عمل صالح ح ۳ تألیف محمد صالح کسوه و پادشاه نامه ح ۱ تألیف عبدالحمید لاهوری و خلاصه السعرا (مقدمه) و مستحب اللبا ح ۱ ص ۵۲۳ و حقیف الحقیف مرتبه ح استفس

برای فهرست اسامی شعرا رجوع سود به فهرست نادلین ص ۱۹۷ الف الی ص ۲۰۳ ب^۱

۱ - در این فهرست تنها اسم ۱۲۰ (بلکه ۱۱۸) شاعر ذکر شده است اما در نسخه مجلس در فهرست کتاب اسم ۱۲۶ شاعر و اشعار قریب ۶۲ شاعر دیگر آمده است

عرفات العاشقین

ابتدا

«سم الله الرحمن الرحيم - ومن دخل كان آمناً- رسائی
ای آنکه ترادر حرم دل بار است گرناحر الاسود عشقت کاراست
احرام طواف معرفت بسته در آئی کایجا عرفات کعبه دیدار اس
تیمناً و تر کاً افتتاح کلام در این مقام نام احدیست قدیم صمدی واج
التعطیم حل سأنه و عظم مکانه

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب تقی الدین محمد الحسینی الاوحدی الدقاقی البلیانی ثم الصفاهاهی
متخلص به «تقی» اسب (چنانکه اشپرنگر وایوانود کر کرده اند و در تذکره محرر
العرایب و دیگر تذکره ها تقی اوحدی ذکر شده و اکثر آنها ذکر او را تحت حرف «ت»
آورده اند) اما عند المقتدر در فهرست نابکی بورتخلص ویرا «اوحدی» میویسد که محققاً
اشناه اسب اسم پدر مؤلف معین الدین محمد ابن سعد الدین محمد^۱ اسب و سشن
بهت واسطه شیخ المشایخ اوحد الدین عداله العارسی البلیانی^۲ میرسد و بچند واسطه
ندشیخ ابوعلی دقاق^۳ و از وی بچند واسطه نامام موسی کاظم میرسد

بلیان که وطن اجداد مؤلف قریه ایست از توابع کارروں فارس - بر وایب مؤلف
اجداد وی اهل علم و فصل و صاحب «حرقه و سجاده بلکه هادی و مہدی رمان و دوران»
خود بوده اند پدر مؤلف بر ما یکہ اراضہاں بفارس رفته بود هما بحافوت کرد و مؤلف
اصلاً ورا ندیده بود اما در «محرر العرایب» در ردیل شیخ معین الدین محمد اوحدی آمده
اسب که او والد مولانا تقی الدین اوحدی صاحب تذکره عرفات اسب و در قرین گاهی شاه

۱ - در ک استوری ج ۱ ص ۸۰۸

۲ - برای شرح حال شیخ اوحد الدین در ک معجرات الاس ص ۲۱۹ و سقیمه الاولیا

ص ۱۸۰

۳ - برای شرح حال ابوعلی دقاق متوفی ۴۰۵ یا ۴۰۶ هـ رجوع شود به تذکره الاولیا ج ۱

ص ۱۸۲-۲۰۱ و معجرات الاس ص ۳۲۸-۳۳۱ و سقیمه الاولیا ص ۱۵۹

طهماسب صفوی در مجلس وی حضور مییافت و سیح معین الدین از فروین شیراز و آریحا
به هند رفت و در در ۹۷۹ هـ فوت کرد و قول آخر صاحب محسن العرایب نا گفته
خود تعی او حدی مایب و احتلاوه دارد چون وی میگوید که پدرش در فارس فوت
کرده است

مؤلف در عصر چهارشنبه ۳ محرم ۹۷۳ هـ در اصفهان ندیا آمد و بیب ریز
از قطعه ای که مؤلف در شرح حال خود آورده است سال تولد وی را می رساند
را نکه تاریخ سال مولودم طلب شاه نعم الهاس (= ۹۶۳ هـ)
یعنی او حدی هجری و آورده ساله بود که مادرش هم بدور حیات گفت و او را بدو مادر
هر دو محروم شد

مؤلف در کوچکی بعد از حتم و آن فرا گرفت صرف و نحو و منطق و ریاضی را
شروع کرد و سپس تحصیل حکمت و اخلاق مسعود گسب اما بمقتضای سن کوچکی
خود بروی او تحصیل حکمت و اخلاق دس کشید

وی از کوچکی مطالعه شعر میپرداخت و ارس بدسالگی شعر میسر و دولی چون
مادرش او را از گفتن شعر منع میکرد وی در زمان ارب مادر از شعر گزینی منصرف شد
خون سائیده ساله شد مادر عرصه صفوی و عرفان بهاد و در گوسد عرب سبب
مؤلف نا دوا رده سالگی در اصفهان « نسو نما » یافت و بعد از آن برای یکسال
در یرد در خوینا و بدان و اقارب خود سر برده و سپس باصفهان مراجعت نمود و با سائیده
سالگی در آن شهر سکونت داشت

سپس بفارس رفت و آنجا نا چهار سال « بخدمت عرفا و طرفا و علما و شعرای محققین
و مدققین » بوده و همانجا با دحیر مولانا میر فاری که بسر عموی پدر او بوده ازدواج
کرد

درس بیست سالگی از سیر از نعر او رفت و در ۹۹۵ هـ هنگامیکه در اصفهان مخرج
و مرج عظیمی روی داد وی در اردوی سلطان محمد خداسده صفوی (۹۸۵-۹۹۶ هـ) بود
بالاخره خون ساه عباس بر رگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) از حراسان نیروین رفت تعی

اوحدی با اتفاق امرای دربار صفوی اراضیهای سیرکاشان و قمر فیه و بالاخره وارد اردوی
ساده عباس صفوی شد و یکسال را آنجا بسر برده از راه اصفهان بشیراز رف و آنجا پنج سال
اقامت داشت.

در سنه ۱۰۰۰ هـ موقعیکه عبدالله خان اورنگ در مشهد دستبختل عامرد و ساه عباس
صفوی نظرف مشهد ستاوتقی اوحدی از فارس بعراق رفت و چون حریف فتح و مراجعت
نادر شاه ایران بعراق رسید باصفهان برگشت و چون سنی در حسن فتح و نصرت نادر شاه
چراغار نزدیک مؤلف مناسب آن موقع رباعی سرود و پیش ساه گذرانید
سپس مؤلف وارد دوی ساهی اصفهان بشوین روپ و آنجامه دار ریادی شعر سرود
و ظاهر آن بعداً به اصفهان مراجعت کرد و هنگامیکه ردوساهی اصفهان کوح میگرد
مؤلف بعلت بیماری وضع عظیمه «دولت ملامت» اشعاع کرده و یکسال در اصفهان
اقامت نمود و در موقعیکه آثار طاعون در آن شهر پیدا شدوی بهیرد حرد رفته یکسال
آنجا توف نمود و در آن راه وطن خود اصفهان برگشت و تا سال ۱۰۰۵ هـ در عراق عجم
سکونت داشت سپس بقصد ریاستت عایه عراقی عرب رفت و آنجا چهار سال اقامت
داشت و در سنه ۱۰۰۸ هـ از راه همدان راه گاه خود اصفهان مراجعت کرد و آنجا
تا آخر سال ۱۰۱۴ هـ سکونت داشت.

در اوّل رب ۱۰۱۵ هـ مؤلف با تهاق جمعی اردوستان تارم هندوستان سدوار عراق
عجم بشیراز و از آنجا بکرمان و قندهار و از آنجا به لاهور (لاهور) رفت در راه حسن
فوت اکبر شاه^۱ و خلوس جهانگیر شاه (۱۰۱۶ هـ) را شنید^۲ یکسال و نیم در لاهور
بوقت نمود و سپس همراه اردوی جهانگیر ساد تارم آگره سد و بعد از یکسال و کسری

۱- مؤلف محرن العرایب در دیل اسم تقی اوحدی می نویسد

در عهد اکبر شاه و نورالدین جهانگیر بهندوستان حبت نشان آمده . که باقول

مؤلف اختلاف دارد

۲- مؤلف در دیل شرح حال خود بتعریف و توصیف ریادی از جهانگیر شاه بتر مصوع

پرداخته است

نگجرات رفت در سال ۱۰۲۰ هـ تصمیم گرفت بحجار عریض نماید اما عملی نشد و بالاخره ناآگه مراجع کرد در موقع تألیف کتاب عرفان یکسال و نیم بود که در آگه اقامت داشت و سن مؤلف در حدود چهل و نه سال بود

سپس مؤلف با حمد آناد گجرات رفت حوال سال ۱۰۳۶ هـ کتاب «کعبه عرفان» را در احمد آناد انتخاب و تریب داد چنانکه در نسخه کعبه عرفان متعلق بکتانجانه بابکی پور توضیح دیل آمده است
«این نسخه که کعبه عرفان اسرار عرفان در احمد آناد گجرات (در سه) ۱۰۳۰ هـ منتخب شد»

مؤلف تا سال ۱۰۳۹ هـ در میدان حیات بود چنانکه در نسخه خطی ش ۷۳۳ فهرست ایوانو اشعار، مورخ ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ را از خود نقل کرده است
بمیه احوال مؤلف بدست بر سید و سال فو بی روایت بد کرده اء السعراء عبی ۱۰۵۰ هـ است اما مأخذ اصلی این روایت معلوم نشد

آثار مؤلف

آثار مؤلف چنانکه خودش در عرفان و کعبه عرفان ذکر کرده به قرار زیر

است

الف - شعر

- ۱- مثنوی یعقوب و یوسف مشتمل بر ۲۲۲ بیت
- ۲- ساقی نامه موسوم به نثار و حمار^۲ - مشتمل بر سیصد بیت
- ۳- کعبه دیدار - مشتمل بر سه هزار بیت
- ۴- سعیه السعیه - مشتمل بر سه هزار بیت
- ۵- کعبه الحرمین - مشتمل بر چهار هزار بیت
- ۱- تذکرة الشعراء عمی چاپ استی تیوت پارس عایگر ص ۳۳
- ۲- نسخه بابکی پور ش ۶۸۵ ح ۸ نشاء بیحمار
- ۳- ایضا بصره العارفین

۶- لوح محفوظ

۷- قلم قدرت

۸- تنصرة العارفين - دیوان قصاید و مدح و قدح

۹- تذکره العاشقین - دیوان غزل مستمل بر نه هزار بیت - نسخه ناقص از این دیوان در کلکته موجود است (رجوع شود به ایوانوش ۷۳۳). طاهر آ این دیوان و کتاب «دیوان غزلیات» که در مدراس (ش ۷) موجود است یکیسب
۱۰- رباعیات اوصافیه و رباعیات اصافیه که بقول مؤلف «بروش بحوم اروی فال گرفته میسود»

۱- مثنوی شیر گز به (رجوع شود به ریاض السعرا)

۱۲- دیوان مقطعات و مطائات و اهاحی و رباعیات اصافیه و اوصافیه

۱۳- غیب الحیات «مسی در آنچه در عهد گفته شده»

۱۴- فردوس خیال اوحدی - این کتاب را مؤلف در عرض شش سال در بین راه سیر و گزر - ترتیب داده و آن مسمل بود بر اسعالم منتخب از شعرای مختلف که در ۱۰۲۰ هـ تا تمام رسید اما بعد از یکی از امرای دربار جهانگیر ساه در آگره وی را وادار کرد که در این کتاب تحدید بطریقه و شرح حال شعرا را این کتاب اصافیه نماید و مولف در نتیجه کتاب مستعلی ترتیب داد با نام تذکره عرفات العاشقین (تذکره مورد بحث).

۱۵- دیوان امید آناد در حوای اشعار امیدی

۱۶- دیوان آدمیت

۱۷- دیوان حواهر رواهر

۱۸- دیوان درو غرر «که قصاید محص اند»

۱۹- کعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذکره عرفات در پایا این بحث)

۲۰- انتخاب کعبه عرفان (رجوع شود به خلاصه تذکره عرفات در پایا این بحث)

(ج ۱)

۲۱- کلیات - طاهر آ مجموعه مثنویهای کوچک مؤلف بود که نسخه ای از آنرا

اشپزنگرد در فهرست خود (در ص ۵۷۶) ذکر کرده است.

ب - نشر و نظم

۱- سرمه سلیمایی - در لغات فارس است مؤلف برهان فاطع در موقع تألیف کتاب خود از این فرهنگ استفاده کرده است نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه لنین گرا موجود است (رجوع شود به فهرست آلمان رورن ص ۱۶ س ۱۷۴)

۲- رساله کافیه الفافیه در علم فافیه و روس سخن است که مؤلف در آن ششصد و بیست و یک مورد استنباط آورده است

۳- رساله مفصاح معانی و عینیّه - در تصوف است که مؤلف طی آن سبهار را بیست و یک مورد استنباط آورده است و بقول مؤلف «فوق سده» (از بیست و یک)

۴- تذکره عرفان العالی - تذکره مورخین که بقول مؤلف فریب پنجاه و یک مورد استنباط در آن جمع نموده است

۵- حصار واحدی

علاوه بر کتب سابق الذکر مؤلف یک دیوان شعر دارد که شامل فریب و آمده هر اربست بود و در فهرست گم شد

تفسیر بر کتاب

بسیار واحدی تألیف عرفان را در ۱۰۲۲ هـ در آگره شروع کرد و همایشا ر ۱۰۲۴ هـ آنرا با تمام رسانید چنانکه در مقدمه کتاب می نویسد «و حال التحریر که ۱۰۲۳ است یک سال و نیم شد که در آگره واقع و در انام این نسخه صرف بر سر حدود چهارده درسی بایع مهمل امکان تفسیر نمی نمایم» و همچنین در مقدمه این کتاب قطعهای آورده است که بیست و یک مورد از تاریخ انام این کتاب (۱۰۲۴ هـ) را بطریق معنی میرساند

هر که تاریخ خویش گویم بدو سال این بوی تمام شده

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب حسن توضیح میدهد که در زمانیکه وی عازم هندوستان بود در اوایل آن مسافرت یکی از باران حانی و دوستان حاودانی وی

نام حیدر لقی همدانی اروی التماس نمود که بطور یادگار برای او مجموعه‌ای از اشعار متقدم و متأخر سارد و بنا بر خواهش آن دوست مؤلف هر چه اشعاری از شعرای مختلف در عرض سس سال مسافرت از سریر از ناگجرات، هندوستان جمع آوری نموده بود بصورت مجموعه‌ای بنام «فردوس خیال اوحدی» (کد هم نام کناسب و هم ماده تاریخ تألیف آن) ترتیب داد سپس در سال ۱۰۲۶ هـ که در دارالسلطنت آگره اقامت داشت «یکی از احله اعیان رمن که صدق اصدق احب احبا دوستی صمیمی قدیمی» مؤلف بود اروی فرمایش کرد که کتاب «فردوس خیال» شری بنیابصمام نموده آنرا بصورت تدکیره‌ای در آورد و بنا بر این مؤلف شرح حال «کابرو اصاعرد از اساطیر سلاطیس و ویرا و سحر او عرف و فصلا و علماء و علماء و طر فای» قدیم و جدید هر کس که شعر سروده بود اگر از اشعار وی یک تب هم بدست آمد در این تدکیره آورده و اسم آنرا «عرفان و عرفات عین و وعرضات و عرضات عارفین» گذاشت

مؤلف اسم متحد کتاب را در مقدمه یا حاتم کتاب بنیاورده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای در بر ادکر کرده اسم که از آنها در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱- لب الالب (لب الالبان) عوفی - در شرح حال اکثر شعرا ی متقدم و این کتاب استفاده کرده است

۲- محالس المعانی - در شرح حال اکثر شعرا ی متوسط از این کتاب استفاده کرده است

۳- تدکرة النساء (رجوع شود به نام دختر قاضی سمرقندی)

۴- چهار مقاله سمرقندی (رجوع شود به نام ابی رخاء العربی و غیره)

۵- معانی الاس (رجوع شود به نام ابویزد سطیمی و غیره)

۶- سیرار نامه (رجوع به نام سیح ابوعبد لند شیر ری)

۷- تاریخ صفویه (رجوع شود به نام ساه اسداعیل و غیره)

۸- حبیب السیر (رجوع شود به نام معنائی و حوا بد میر و غیره)

- ۹- طبقات ناصری منهاج سراج (رحوع شود نام امیر چاوش)
 - ۱۰- تذکره العارفين (رحوع شود به نام مولانا حواحه خان حوافی و غیره)
 - ۱۱- تاریخ همایونی (رحوع شود به نام سامان و غیره)
 - ۱۲- تاریخ ساهر حی (رحوع شود به نام ملک سمس الدین و غیره)
 - ۱۳- (نزه القلوب) حمداله مسیوفی (رحوع شود به نام کمال الدین اصفهانی)
 - ۱۴- تاریخ بیهمی (رحوع شود به نام محمود عربی)
 - ۱۵- نظام التواریخ (رحوع شود به نام ملک شاه و غیره)
 - ۱۶- مقالة الارار (رحوع شود به نام نجم الدین محمود)
- این تذکره مستملس برد کر ۳۱۹۵ ساعر^۱ ترتیب العا^۲ اردوی حرف اول اسم یا تحلیص ساعرونا «اسادا بوالحسن رود کی» شروع شده با «میررایوسف خان» به نام میشود و حاوی د کرسعرای معدم و متوسط و متأخر میباشد که د کرسا را در بیس و هسب «عرصه» آورده اسب و هر «عرصه» مخصوصب برای يك حرف. هر «عرصه» مشملس بر سه «عرفه» ترتیب برای د کرسعرای معدم و متوسط و متأخر مؤلف بفول خودس حتی المعذور اسعار صوفیانه و عاشقانه را ار دواوین سعرا اسحاب نموده و در این تذکره سب کرده اسب
- وی در مقدمه کتاب ادعا نموده اسب که در مورد هیجکس بعصب و حاسداری نکرده اسب و این فول مولف مبی بر حقیف میاسد حناکه مؤلف در سراسر کتاب ار هیجکس انتعادی نکرده و هیجکس را مورد تصبیح و تسبیح فرار نداده اسب و ار این حیب این تذکره دارای بعض بررگی اسب حون فاود بعد و بطر صبیح مؤلف در باره شعرای مد کور میاسد و عرار تعریف و توصیف حتی ار سعرای درجه سوم و چهارم چیری ندارد و سب ار این تعریف مؤلف را بهی حو حه نمیتوان اعتناری گداسب

۱- استوری تقریباً سه هزار ساعر (ر. ک استوری ح ۱ ص ۸۱۰)

۲- اماگاهی در ترتیب اسامی اشتباه کرده است حناکه مولانا ردی کاسی را بحای عرصه «را» در عرصه «بون» و اسمعیل بن روح را بجای عرصه «الف» در عرصه «میم» آورده است

اشعار و شرح حال اکثر شعرای متقدم و متوسط را مفصل آورده است اما در دیل نام شعرای متاخر شرح حالشان را دو سه جمله و از آن در دو سه بیت نقل کرده است. از جمله ۳۱۹۵ شاعر مؤلف در دیل نام ۱۳۶ شاعر اشعارشان را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است مانند ابوالفرج رونی و ابوسعید ابوالخیر و غیره. همچنین در دیل نام ۶۸ شاعر شرح حال آنها را مفصل اما نمونه اشعارشان را مختصر آورده است مانند سلطان محمد خلایق و شاه اسمعیل صفوی. تنها در دیل نام ۲۱۶ شاعر اشعار و شرح حالشان را مفصل آورده است مانند ابونکر اردقی الهروی و سیح امین الدین بلیانی و غیره.

اشعار و شرح حال بقیه شعرا را مختصر آورده است.

در دیل نام شعرای دیل اشعارشان را از سایرین مفصل تر نقل کرده است. محمود شستری و مسیح کاشانی (هر کدام در ۵ ص) و فرحی (در ۵ ص) و طاهری گنجوی (در ۶ ص) و بطیری (در ۷ ص) و مسعودی سعد سلمان در (۷ ص) و تهمی اوحدی (در ۸ ص)

رو به پرفته اشعار خود را در همه مفصل تر آورده است.

همچنین رو به پرفته شرح حال خود را نیز در همه مفصل تر. اول در ۶ ص در مقدمه و سپس در ۱ ص تحت « بنی اوحدی » آورده است. گاهی در دیل نام بعضی شعرا جمله ای برای معرفی آنها آورده است اما اشعار آنها را مفصل نقل کرده است مانند فاضل عثمان قاضی و غیره. گاهی در مورد بعضی شعرا از آنها خیلی تعریف و توصیف نموده است اما شرح حال آنها را در یک دو جمله آورده و از آنها یک دو بیت نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام احتری ترسیری و ملا احتری یسری.

بعضی کلمات و اصطلاحات مسکلی را که در اشعار شعرا بکار رفته است در موقع نقل آن اشعار شرح داده است مثلاً رجوع سودنه نام فخر الدین مبارکساز در دیل شرح حال اسحاق مد کوردیل آنرا ساز را سسه مفصل ذکر نموده است.

شیخ ابوعلی سینا و تقی اوحدی (مؤلف) و حامی

گاهی در دیل شرح حال سعرا بعضی حکایات حالی را نقل کرده است مثلاً رجوع سود به سمائی و فردوسی و لسانی

در دیل نام رفیع الدین مرزبان الفارسی شرح حال او را اصلاً مسته و نه در سطح سطر از او تعریف و تمجید بیجود کرده است که منظور از آن غیر از عبارات برداری حیردیگر سطر نمی آید چون طی آن سطح سطر هیچ اطلاعی در بار زندگی شاعر نداده

همچنین در دیل نام سیح الاویا سیح مختار الدین صفی بن محمود شرح حال او را اصلاً مسته و تنها اشعار او را (در - ص) نقل کرده است

در دیل شرح حال اکثر سعرا مؤلف بطور اعراق آمیزی از آنها بهره و توصیف کرده است اما مقصود مؤلف از آن حرعبار آرائی حیردیگر بوده چون از این عبارات طبعی هیچ مطلبی ندست خواننده بهم نمیرسد (مثلاً رجوع سود به نام اهلی خراسانی و اهلی سراری)

در دیل شرح حال اکثر سعرا مؤلف سال ولادت و وفات و وقایع مهم دیگر از زندگی آنها را نقل نکرده است

همچنین در دیل نام بعضی از سعرا تعریف و توصیف آنها را در حدی حملد معاف بطور اعراق آمیزی آورده اما با وجود آن هیچ اطلاعی درباره زندگی آنها در سراسر شرح حال بهم نرسایده است (مثلاً رجوع سود به نام ابوسعید صالح بن محمد الهروی و ابوسعید سعادت بن سعید سلمان)

سک مؤلف در این کتاب عالماً صنوع و بر تکلف است و حتی در دوستان شرم صنوع مؤلف سعی بلیغ نموده است و به خصوصاً در موقیع تعریف و توصیف از سعرا عالماً نشر جمع بکار برده است

عالماً نقل از اسم و بخلص ساعر الفات توصیفی آورده است که آخر آن عالماً باه و تخلص ساعر هم فایده نیاسد مانند

نماید و گاهی بی علت بروی تاخته است. حتی اسم عرفات را در مقدمه کتاب حروم آخذ خود ذکر کرده است در صورتیکه در تألیف تذکره خود از هیچ کتاب دیگر با دانه تذکره عرفات استعاده نموده است و این امر شاهد تعصب و بی عدالتی و اله می باشد

نسخ خطی

ناگفته نماند که نسخ کامل این تذکره بسیار نادر بوده است. آزاد در «حرايه عامره» (ص ۷) می نویسد که وی نسخه ای از این کتاب دیده بود که تنها از حرف «ص» تا حرف «ی» داشته اما در موقع تألیف حرايه عامره هیچ نسخه ای از این کتاب در دست او نبود

آرزو هم همین گله داشت که نسخه باتمامی از این کتاب داشت و نسخه کتابخانه ایوان هند شرقی^۱ که بلا بد در دست داشت نیز تا بهر ششم در حرف «ق» بود و بقیه کتاب از آن نسخه افتاده بود

سچی که امروز در کتابخانه ها از این کتاب محفوظ است بقرار زیر است

۱ - کتابخانه ملك ش فیش ۵۳۲۴ مورخ قرن ۱۱ ه .

۲ - آصفیه ح ۳ ص ۱۶۴ ش ۲۰۹

۳ - اندیا آفس ش ۳۶۵۴^۲ (= لندزیا نا ص ۲۲۳ ش ۳۱۳ مورخ تقریباً

۱۷۶۰/۱۱۷۴ ه)

۴ - نابکی پور ح ۸ ش ۶ - ۶۸۵ (این نسخه طاهر آکاملسب غیر از اینکه عرفه

دوم و سوم در عرصه «ح» مشتمل بر ۱۳۸ شاعر را ندارد) مورخ ۱۰۵۰ ه

خلاصه عرفات

۱ - کعبه عرفان - مؤلف در ۱۰۳۶ ه خلاصه ای از کتاب عرفات بنام «کعبه

East India House Library - ۱

۲ - این نسخه در قهرستانه ذکر شده است ر ك استوری ح ۱ ص xvi

در دبل ۱۰

عرفان» در احمد آباد گجرات ترتیب داد که هر حرف آن مشتملست بر سه قسمت بعنوان
حنانی و مبنائی و دیانی ترتیب راجع به شعرای متقدم و متوسط و متاخر و مجموعاً قریب
به هشتاد هزار بیت دارد

۲ - انتخاب کعبه عرفان - خلاصه کعبه عرفانست که مؤلف بفرمایش چنانگیر
ساز در سه «رکن» مشتمل بر شعرای متقدم و متوسط و متاخر ترتیب داده است .
۳ - گلدسته - عبدالوهاب عالمگیر بن سید منصور خاں در ۱۱۵۵ هـ تذکره‌ای
بنام گلدسته ترتیب داد که اکثر اشعار را از انتخاب «کعبه عرفان» انتخاب و نقل کرده
است (رجوع شود به بحث درباره «گلدسته» در این کتاب)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به عرفات العاشقین^۱ و محرن العرایب و
فهرست نانکی پور و استوری ج ۱ ص ۸۱۱ و ریاض الشعرا و تذکره طاهر بصر آبادی و
مجمع البعایس و بلاد در مجله احسن هما یونی آسیائی ج ۹ ص ۶-۱۳۴ و اشپر بگر ص ۹۵
و گلدسته

فهرست اسامی شعرا در هیچ کتاب یا فهرست کتابخانه نیامده است

تذکره خرابات

ابتدا : (سجده کتابخانه ملک تهران که تنها نسخه این کتاب اسب با «تتمه
غریبات حامی» شروع میشود)

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف در این کتاب ذکر نشده است و شرح حال خود را بر در این کتاب
بیآورده است اما اطلاعات زیر درباره آن از محتویات کتاب بهم میرسد :
۱ - مؤلف ناحان احمد میرزا حاکم گیلان فوق العاده ارادت داشته و شرح حال
اورا خیلی مفصل و دقیق نوشته است و طاهر آوی احوال نعم حان مر پور بر خوردار
رده است

۱ - شرح حال مؤلف در عرفات العاشقین مفصلتر از سایر کتب آمده

۲ - مؤلف در کودکی درهرات بوده و آنجا خواجه حسین نائی ملاقات کرده است (رجوع شود به شرح حال خواجه حسین نائی)

۳ - مؤلف باشعراى ریر ملاقات کرده است :

(۱) خواجه حسین نائی چنانکه در ذیل نام او مینویسد :

« فقیر حقیر راقم این مجموعه موسوم به حرا بات درهرات در کودکی در خدمت

ایشان مشرف شدم »

(۲) رضا کاشی چنانکه در ذیل نام مینویسد

« در ایام نواب مرحوم علیقلی خان شاملو ارکاشان بهرات آمد و بنده در آن ایام

بخدمت او رسیدم و در تاریخ ۹۹۵ هـ در قتل عام هرات بدست عسا کر عبدالله ارباک

شهید شد »

(۳) میر رضای مشهدی چنانکه در ذیل شرح حال او مینویسد .

« در شهور سنه ۹۹۰ در دار السلطنه بخدمت او رسیدم »

(۴) شاه روحی همدانی چنانکه در ذیل شرح حال او مینویسد .

« بخدمت او رسیدم فی شهور سنه ۹۹۶ هـ . »

۴ - چنانکه در ذیل نام رضا کاشی در سطور فوق گذشت مؤلف در ایام نواب

علیقلی خان شاملو درهرات بوده اما معلوم نیست در ۹۹۵ هـ در ایام قتل عام هرات هم

در آنجا بوده اس یا حیر ؟

۵ - از شرح حال مولانا تاحری و ناقر حورده کاشی و میر تشبیبی اصفهانی و

ایسی شاملو و میر ابوالقا معلوم میشود که از سال ۱۰۱۰ هـ تا ۱۰۲۵ هـ در هند

بوده اس .

۶ - در محرم ۱۰۱۹ هـ در رها پور هند بود (رجوع شود به شرح حال ایسی

شاملو) .

۷ - در ذیل نام میر ابوالقا « نواب حسین خان میرزا » را ولی نعمت خود نوشته

حسین ثنائی (۴۵ ص).

مخصوصاً دردیل نام حواجه حسین ثنائی انتخاب معصلی ارقصاید و عربیات و مقطعات و رباعیات و مثنوی و آورده اسب و رویه پرفته اشعار او را معصل ترار سایرین نقل کرده است.

دردیل نام مولانا حامی و مولانا جلال الدین دوانی اسم آثارشان را معصل نقل کرده است.

مؤلف میگوید که شعرای رپر در موقع تألیف این کتاب در قید حیات نبودند
نواب خان احمد میرزا (حاکم گیلان) و امیرا نوال المعالی کاشی و میرا نوال الحس
تعرشی مشهور بفرهانی و ابوراب بیگ کاشی و مولانا امی و مولانا پروی ساوچی و
محمد حسین نغائی و میرا نوال النغای نغائی و تانعی حواساری و داعی حراسانی و نواب
رستم میرزا و راری و رامینی

گاهی در صص شرح حال شعرا حکایات حالی را نقل کرده اسب (مثلاً رجوع
شود به شرح حال امیر حاج انسی)

سك انشای مؤلف عالماً ساده اسب اما گاهی بثر مصوع و حسی بثر مسجع هم
نوشته اسب. مخصوصاً دردیل سرح حال اهلی شیرازی و اهلی ترسیزی بثر مسجع
پرداخته اسب.

گاهی حمله ای مصوع بمعنی «فوت کرد» آورده اسب چنانکه
دردیل نام اهلی حراسانی منویسد «آبحار حب ردد گانی بحانه حاودانی
کشید»

دردیل حواجه (میرزا) حلال اسیر می نویسد «مستوفی قصا و اراق حیات او را
باطل ساحت»

روی پرفته این تذکره درباره شعرای معاصر مؤلف بعضی اطلاعات مفیدی را
بهم میرساند و حاوی ذکر بعضی شعرای اوایل قرن یازدهم میباشد که در تذکره های
دیگر اصلاد کبری از آنها برفته اسب و حوون مؤلف نا کثر آنان معاصر بوده و با بعضی

ارآنان ملاقات کرده است بنابراین بیان اودر باره آنها قابل اعتبار و اعتماد میباشد.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد این تذکره که قسمتی از آن حتماً بحط مؤلف است در کتابخانه ملک تهران موجود است و مؤلف هنوز آنرا ناتمام رسانده است و ظاهراً هیچوقت فرصت این کار را نداشته و این نسخه را همینطور ناتمام گذاشته است در ذیل نام بعضی از شعرا حای حالی برای نوشتن اشعار گذاشته است (مثلاً رجوع شود به دم اهلی شیرازی و شیح بهاء الدین محمد) و همچنین حای حالی برای شرح حای شعرا گذاشته است (مثلاً رجوع کنید به نام اسیری ترتی و حیدر تیلوه). گاهی مطالب را اصلاح نموده و بعضی را باطل کرده است چنانکه در ذیل نام «بهار قمی» اشعار او را حط کشیده و یاد در ذیل نام بواب رستم میرا میبویسد. «چون آن حضرت فدوی تحلیص کرده اند اشعارشان در ردیف «فا» طرح باید کرد»

این نسخه بعضی اصفاهائی بحط دو نفر دیگر بیردارد که یکی از آنها «محمد طیب» است چنانکه وی گاهی باین اسم امضاء کرده است

تذکر

اسم این تذکره در هیچ کتاب دیگر ذکر نشده و حتی استوری هم اروجود آن بی خبر بوده است

میخانه (عشاق)

ابتدا

کسی کوشود مسب ارحام دوست
تراودر هر موی او نام دوسب .
ار او حوتش در حم میخانه ها
درو سورد در معر دیوانه ها
ادای حمدا رزان دل سرمستان شراب حام اری و د کربنائی از صمیم قلب شیر گیران
باده وحدت لم یرلی سرا و ارمالک الملکی است که سراندرده عظمتش برتر از ساحت
موفور المساحه کون و مکاست»

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب در پایان «مرتبه دوم» میخانه احوال زندگی خود را به تفصیل بیان کرده است و همچنین در موارد دیگر نیز در این کتاب راجع به خودش اشاره‌هایی نموده است. با استفاده از اقوال مؤلف شرح حال او در یاد لوح میگردد.

اسم و لقب مؤلف عبدالنسی خان فخرالرمایی و تحلیص وی عرتی و نسی است. اسم پدرش حلف بیگ است که هیچوقت شعر نگفته و مردی درویش بهاد و صوفی مسرب بود و اوقات خود را در قروین تجارت میگذراند اما بعد ارادای حج چون بوطن مراجعت کرد دیگر تارک دیاشده و درویشی اختیار کرد و بقیه عمر خود را بندرویشی و حدا پرستی گذراند تا در اواخر سال ۱۰۰۱ هـ در قروین طبق بیستگوئی خودش بمرص طاعون در گذشت.

حد مؤلف فخرالرمای نام داس و بهمان نسب مؤلف خود را فخرالرمایی میگوید. فخرالرمای مر نور «در فصیل و مور و بیب سرآمد و رور گار خود بود» و به صب قصای قروین را داشت. نسب وی بحواجه عبدالله انصاری (متوفی در هرات ۴۸۰ سن ۸۴ سالگی)^۱ میرسد.

عبدالنسی سال ۹۹۸ هـ^۲ در قروین جسم بهمان گشود و همایحا سس رشد و تمیر رسید از اوایل عمر دوق و سوق شعر گوئی داس و اکثر اوقات خود را در صحت شعرا میگذراند و در آرمای عربی تحلیص میکرد. مانند شعروی بداستان سرائی هم علاقه فراوانی داشت و حافظه او بقدری قوی بود که قصه امیر حمزه رایك نارسنید و حفظ کرد و اگر در محفلی کسی صدیب پیش او میخواند قریب به هفتاد حان حفظ او میشد که بخانه آمده همه را یاد داشت میکرد.

۱- ر ك مرادات هرات ص ۵۰

۲- چنانکه در سطور آینده میآید مؤلف در بزرده سالگی مشهورفت و آنحایکماه توقف نموده و در ۱۰۱۷ هـ از راه قندهار به لاهور رسید تا برای تولد وی در ۹۹۸ هـ اتفاق افتاد.

در نورده سالگی نمر زیارت امام رضا (ع) بمشهد مقدس رفت و قریب بیک ماه در آشپزخانه داشت در زمان اقامت وی در مشهد بعضی از تجار و کسایکه به هندوستان رفت و آمد داشتند پیش او چندان تعریف هندوستان کردند که اشتیاق فراوان برای مسافرت بآن سرزمین در قلب او ایجاد گردید و تقریباً سه سال بعد از حلوس جهانگیر ساه مؤلف در آحر سال ۱۰۱۸ هـ بیمار و برار از راه قندهار ببلهور رسید^۱ و چهار ماه در آن شهر توقف نمود تا حستگی سفر بکلی رفع شد و سپس در سال ۱۰۱۸ هـ بدار الخلافه آگره رسید^۲

چون بآگره رسید خود را بخدمت یکی از خویشاوندان خود میرزا نظامی قزوینی رسانید که در آن ایام بواقعه نویسی در گاه جهانگیری استعمال داشت^۳. میرزا مزبور بنشیند فیه امیر حمزه خیلی علاقه داشت و بنا بر این مؤلف بسبب تمرین و ممارست در اندک مدت در فن سرائی کمال مهارت را بدست آورد. اما در این ایام بعلت اسعال بقصه گوئی نتوانست بگفتن شعر بپردازد

در سال ۱۰۲۲ هـ خون موک و لشکر جهانگیر شاه بحاجت امیر حرکت کرد مؤلف نیز همراه میرزا نظامی عازم آسپهر شد و آنجا اتفاقاً یکی از هموطنان خود بنام مسیح بیک برخورد کرد وی در خدمت زمانه بیگ مهاجران بوده و مهاجرت خان او را مددالمهاجر پسر خود میرزا امان الله خان معمر کرده بود روزی مسیح بیگ عبدالنسی را بخدمت میرزا امان الله مرور برد و چون حسب الامر وی عبدالنسی و صلی از داستان (امیر حمزه) بیان کرد میرزا چنان مشغول شد که نگذاشت وی بممرل برگردد بلکه جمعی از عربان که معتمدان خاص او بودند او را سپرد و تا پانزده روز وی در نظر آن

۱- ر.ک میخانه ص ۲۶۱ س ۱۱ ۲- ایضا ص ۱۷

۳- او در موقع تألیف میخانه (۱۰۲۸ هـ) دیوان صونه (استان) بهار بود باید توجه داشت که او غیر از نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری است اما حوشحال چند در تاریخ محمد شاهی معروف به مادرالزمانی عبدالنسی را از قرای این نظام الدین احیرالدکتر نوشته است که اشتباه است

آمد اما روز شانزدهم اتفاقاً حان مر بور با اتفاق دو نفر از

ومسیح بیک بتفریبی د کر عبدالسی را بمیان آورد و حان مر بور مؤلف را خود خواند. اتفاقاً حان مر بور که بشعر علاقه فراوان داشت مصرع زیر گفت

نون چشمه 'ور نیست جایی بحصور

عبدالنبی بداهه مصرع دیگر آن گفت

وجش فوجیست گوئی ارغمره حور

چون این مصرع مورد پسند حان واقع شد با حاره اود و مصرع دیگر دیل را تته ار آن رباعی ساخت.

گل خورشید حان آراشد هر خار که رست از لب چشمه نور

بان مر بور باشید این رباعی حنان خوشوقت شد که مصرعی ارامیر حسرو

ده پیشهاد کرد که مصاحبین غرلی بر آن مصرع سارید و حو مؤلف رور

، غرلی راپیش خان حواید مورد تشویق و تقدیر حان واقع شد و دیگری

که حان مر بور عبدالنبی را بکتابداری سرکار حود مقرر نمود .

آن به عدم مؤلف هم فرصت حونی برای مطالعه کتب بدست آورد و ضمن مطالعه

عوب ارمصنفات و مؤلفات متقدمین و مباحثین اعم از شروطم انتخاب مینمود

ایام بخاطر او گذشت که دوسه تألیف به شروطم ترتیب دهد تا در صفحه

ر او یادگار بماند و سایر این طرحی برای تألیف سه کتاب نام دستور

نواد الحکایات یا بحرانواد و میخانه^۱ ریج و بحسب تألیف میخانه

گردید .

نور تألیف این کتاب پایان برسیده بود که مؤلف « بیواسطه خط بسمانی و

ت مساس حسامی » گرفتار مرض بادرنگ^۲ شد و اترس رسوائی و بدنامی و

— برای شرح بیشتر این کتابها رجوع شود به آثار مؤلف در سطور آینده

— حوشی بعایت سورا و دردناک و ربك آن برردی مایل و صاحب این مرض بیشتر

احرارت و تب میباشد و علاج آنرا بچیرهای سرد میباید کرد (فرهنگ آندراج)

قهر و عصا حان بتوسط ارکان دولتش اروی احاره مراحت بولایت (ایران) گرفت و فوراً کتابهای ناتمام را همراه خود برداشته در لباس فقراراحمیر برآمد و راه ناربول روانه لاهور شد این واقعه در اواسط ۱۰۲۴ هـ اتفاق افتاد مؤلف در راه بایکی اردرفقای خود (نام محمود بیگ ترکمان)^۱ برخورد و موصبه ای لباس درویشی را در آورده با اتفاق او عارم شهر مدکور گردید

چون در سال ۱۰۲۵ هـ لاهور رسید و با در آن شهر شایع بود و لذا ارتس آن بلافاصله روانه کسمیر شد و قریب بدو سال در آن سرزمین در خدمت میرا نظام الدین احمد (نظامی قروینی) که دیوان و بخشی آن ولایت بود بسر برد و کتاب «دستور الفصحاء» را آنجا ناتمام رسانید

در اواخر سال ۱۰۲۶ هـ حسب الطلب در گاه پادشاهی میررای مر بوره «ماندو» رفت و مؤلف بیه همراه او رفت و قریب بیگ ماه در آن شهر اقامت نمود و چون میررای ندیوانی صوبه (استان) بهار منصوب شد عبدالمسیبیه همراه او به بهار رفت و در سال ۱۰۲۷ هـ به سهرنته مر کر آن استان رسیده^۲ ظاهر آجیدی برد میرزای مر بوره اقامت داشت

در زمان اقامت در سهرنته در سال ۱۰۲۸ هـ مرد سردار حان حواحه یادگار^۳ برادر عبدالله خان فیروز جنگ تقریباً و حان موصوف به عبدالمسیب آقندر احسان کرد که او میخانه را به نام وی موشح ساخت و ساقی نامه خود را هم در پشته بنام حان مر بوره ناتمام رسانید در این ساقی نامه وی بی تحلیل کرده است

عبدالمسیب در ۱۰۲۹ هـ در پشته بود که حابه وی آتش گرفت و معداری مسودات او طعمه حریق شد. در همان سال وی تا گره هم رفت چنانکه در کتاب نوادر الحکایات

۱- برای ترجمه حال او ر ك میخانه مرتبه سوم ص ۶-۸۸۳

۲- ر ك میخانه ص ۹۱۸ س ۴

۳- برای دکر او ر ك تور ك حهاگیری ص ۱۷ س ۵ و ص ۲۷۳ س ۱۷

۴- ر ك میخانه ص ۴۳۰ س ۲۰ و ص ۱۸۶ س ۲

معلوم است . بعد از آن از حال وی اطلاعی از هیچ مأخذی در دست نیست بجز اینکه او در ۱۰۴۱ هـ هنوز زنده بود و در همان سال دیباچه نوادر الحکایات را نوشته است^۱.
مؤلف در ساقی نامه خود آرزوی بارگشت بایران را با جوش و خروش بیان کرده است اما معلوم نیست که این آرزوی او تحقق یاف یا خیر . تاریخ وفات مؤلف پیر از هیچ مأخذی بدست نیامد

مؤلف راجع به مذهب خویش بالصراحت کمری نکرده است اما با احتمال قوی وی مذهب شیعه امامیه داشت و رفتن بریارت مشهد مقدس در عنوان شای و جمع آوری اشعار ساقی نامه ها در مدح ساقی کو بر حضرت علی و امام رضا علیهما السلام و بسیاری از قصص شعرا که از حضرت علی استمداد کرده بودند و در میخانه ذکر شده است این گمان بر تشیع او را تأیید میکند همچنین در ساقی نامه حضرت علی و امام رضا را بطریق شیعیان مدح نموده و از آنها استمداد کرده و اصلاً ذکر و اسمی از حلقه ای ثلاثه را در سراسر کتاب نیاورده است اما وی نظائر تعصب مذهبی ندانست

آثار مؤلف

مؤلف در دیل بر حمله حال خود پس متذکر شده است که علاوه بر داستان سرائی از آثار دوق و شوق شعر داشت وی در «میخانه» ساقی نامه دو بیت شعری درج کرده و در همین کتاب بطور پراکنده بیست و یک بیت و پنج شعر از خود نقل کرده است و علاوه بر این او میگوید که تا سال ۱۰۲۸ هـ غیر از ساقی نامه هزار و پانصد بیت شعر ساخته است^۲ اما بحر اسعاری که در میخانه محفوظ مانده در حای دیگر شعری از او دیده نشده است.

من حیث المجموع وی ساعر معمولی و صافگوی است و اسم او و تألیفاتش عموماً در معرض حفا مانده و معلوم نیست که وی دیوانی هم ترتیب داده بود یا خیر
قسمت مهم دوره تألیف عبدالسی اررمان کتابداری میرزا امان الله خان شروع

۱- ر ك فهرست ریوس ۱۰۰۴

۲- ر ك میخانه ص ۷۷۱ س ۱۰

میشود چون در آن ایام وی فرصت حویلی برای مطالعه کتب بدست آورده و این موقعیت حلی استفاده کرده است. دیری نگذشت که وی باین نکته پی برد که تنها شعروسیله شهرت او نمیشود و فقط ممکنست «اخبار ارباب دولت» و «ادکار اصحاب طبیعت» و کلام آن بهاذریعه شهرت او بشود و بنا بر این دوق و شوق تألیف و تصنیف در وی ایحاد شد و چنانکه درسطور فوق گذشت دررمان کتابداری وی طرح تألیف سه کتاب دیل را ریحه غیر از این سه کتاب اثر دیگری در دسب نیست

۱- **دستور الفصحا** - در فن داستان گوئی و مؤلف دستور العملی برای داستان خوانان درست کرده است. مؤلف تاریخ اتمام این کتاب را «دستور با بحام رسیده» ذکر کرده است^۱ که از آن ۱۰۴۱ استخراج میشود اما از قرینه عبارت معلوم میشود که این کتاب در ۱۰۲۵ یا ۱۰۲۶ هـ پایاں سیده است و علاوه بر این در فاصله ۱۰۲۹ تا ۱۰۳۱ هـ هیچ واقعه‌ای در میحابه ذکر نشده و در نسخه کتابخانه رامپور که در ۱۰۳۹ هـ استنساخ گردیده این عبارت همیطور درج است و سابر این نظاهر این ماده تاریخ اتمام کتاب درست نیست. سحهای از این کتاب امروز با بمانده است.

۲- **بواذر الحکایات با بحر النوادر**^۲ - در این کتاب مولف «حکایات شیرین و نقلهای رنگین» جمع کرده است و نظاهر در ۱۰۴۱ هـ تکمیل رسیده است (چون مؤلف دیباچه این کتاب را سال ۱۰۴۱ هـ نوشته است).

۳- **ساقی نامه** - مؤلف این ساقی نامه را سام سردار خاں که ذکرش درسطور فوق گذشت سروده است. قریب به دویست بیت از آن در میحابه آمده است و معلوم نیست که آن ساقی نامه اشعار بیشتری هم داشته یا حیر.

۴- **قصاید و غزلیات و اشعار متفرقه** - ظاهر آن مؤلف هیچوقت بترتیب دیوان خود نپرداخته و چنانکه درسطور فوق مذکور شد غیر از بیست و پنج بیت شعر

۱- ر ك میحابه ص ۷۷۰ س ۱۱

۲- این کتاب اصلا در پنج حلد بوده اما امروز تنها يك حلد از آن درموره بریتانیا

موجود است (ر ك ر یو ص ۱۰۰ ب).

ترجیع بندی) ^۱ اضافه کرد و بظاهر در مقامات دیگر نیز تبدیل و تعییری داده است . از ملاحظه نسخ حطی متعلق بکتابخانه آقای بیات و ملک تهران و مقابله آن با میخانه چاپ لاهور معلوم میشود که مؤلف بعد از ۱۰۲۸ هـ که سال ختم کتاب است تحدید نظری در تألیف خود کرده و تعییراتی در آن داده است . در این تجدید نظر که تاریخ آن معلوم نیست مؤلف هیجده ترجمه دیگر بکتاب افزوده و بعضی از ساقی نامه ها را که در وهله اول بتخلیص و اختصار آورده بود بطور کامل ثبت کرده و همچنین بعضی از ساقی نامه ها را که بعلت سوختن خانه وی در پشته از بین رفته بود بعداً بدست آورده و بالتمام درج کرده است

مؤلف در میخانه بمآخذ خود حایجا اشاره کرده است اگر چه در همه جا در این مورد تصریح نشده است اما در اکثر موارد اسم مآخذ و منابع خود را ذکر نموده است که بقرار زیر میباشد

۱ - مخزن اخبار تألیف میر مختار ^۲

۲ - تذکره دولتشاه (رجوع شود به ترجمه نظامی ص ۱۴۸).

۳ - جواهر الاسرار آذری (رجوع شود به ترجمه حال خسرو دهلوی ص ۶۲)

۴ - بهارستان جامی (رجوع شود به ترجمه حال نظامی ص ۹۴ و خسرو ص ۶۹)

۵ - نفحات الانس حامی (رجوع شود به ترجمه حال نظامی ص ۱۴).

همچنین از توافق بعضی عبارات معلوم میشود که مؤلف میخانه از کتب دلیل نیز

استفاده کرده است

۶ - تحفه سامی تألیف سام میرزا

۷ - نفایس المآثر تألیف علاء الدوله قزوینی .

۸ - دیباچه دیوان عراقی (رجوع شود به ترجمه حال عراقی ص ۲۹ س ۹)

(۱) دیک میخانه ص ۶۸۷ س ۱۴ .

(۲) در بیان حالات شعرائیکه پیش از عهد اکبری بودند در نه مقام از این کتاب استفاده

کرده است مثلاً دیک نظامی ص ۱۲ و خسرو ص ۶۲ و ۶۳

۹- دیباچه عزة الکمال (رجوع شود به ترجمه حال حسرو ص ۶۱ س ۱۰)
 ۱۰- دیباچه دیوان حسین ثنائی (رجوع شود به شرح حال ثنائی ص ۱۹۹ س ۲۰)
 ۱۱- دیباچه دیوان فیضی (رجوع شود به شرح حال فیضی ص ۲۴۷ س ۹)
 گاهی از کلام شعرا باحوال آنان و معاصرانشان پی برده اسب مثلاً رجوع سودبه
 ترجمه حال اقدسی ص ۲۲۷ و میرزا عاری ص ۲۶۰ و صحیفی ص ۳۱۶ و غیره
 مؤلف بعضی حالات شعرا را دلیله از خودشان تحقیق و در میخانه مندرج
 کرده اسب

۱- شکبسی (ص ۳۰۳ س ۳) ۲- مسمد صوفی (ص ۴۷۶ س ۱۷)
 ۳- شانور رازی (ص ۵۲۹ س ۱۷) ۴- عارف ایگی (ص ۶۲۹ س ۱۹)
 ۵- وصلی (ص ۶۶۹ س ۴) ۶- کامل چهرمی (ص ۷۰۵ س ۳)
 ۷- عسکری کاشانی (ص ۷۲۰ س ۱۴)
 هم چنین بظاهر حالات حکیم رکیا و مرشد بر و حردی و طالب آملی و ملکی و
 قزوینی را و حتی احوال اکثریای نام شعرا را مرتبه سوم را از خودشان گرفته اسب چون
 تقریباً با همه آنان ملاقات کرده اسب
 احوال شعرا را دلیله از بردنکان و دوستان و ساگردان و خادمین ایشان
 تحقیق کرده و بوسه اسب

۱- وحشی ۲- عرفی ۳- غیاثی ۴- سحر ۵- ملک قمی
 ۶- فرقتی ۷- فعمور ۸- صوفی ۹- فصیحی ۱۰- دوسی سمرقندی
 ۱۱- عروزی

اس تدکره که مؤلف آنرا «حاصل عمر» خود میداند و میخواست اسب که
 مجموعه احبار و بیاض سخن «قرار دهد» چه از حیث شرح حال و چه
 از حیث اشعار شعرا از بهترین تدکره های فارسی اسب و مستمل اسب برد کر ۹۰

شاعر^۱ که ساقی نامہ (یا نر کب و ترجیع بند بطرر ساقی نامہ) سروده اند و مؤلف دکرسان را در سه مرتبه دلیل آورده است

۱- **مرتبه اول** - درد کر (میس و نه)^۲ بحر ار «سخنه رای است که قبل از تألیف داعی حق را لیک احاب گنہ اند و سر در نغاب تراب تیره کشیده» این قسمت با شیخ نظامی (م ۶۱۱ھ) شروع شده با فصل حان (۱۰۲۸ھ) تمام می شود. مؤلف دکر این شعر را ترتیب سبب وفات آنها آورده است بحر اینکه دکر حکیم پرتوی را که بتصور او بعد از امیدوی فوت کرده است مقدم برد کر امیدوی آورده است ارجمله شعرای مرتبه اول مؤلف تنها با سبکی ملاقات کرده است

۲- **مرتبه ثانی** - درد کر بیست و سه^۳ بحر شاعران سحرورانی است که تا زمان تألیف میحانه در قید حیات بوده «واسپار سرشاری» داسه و ساقی نامہ سروده اند. این مرتبه با «محمد صوفی مار بندرانی» شروع شده با «عبدالسی فخر الرمانی» (مؤلف کتاب) تمام می شود غالب شعرای این مرتبه را مؤلف ملاقات کرده است

۳- **مرتبه سوم** - درد کر سی و هشت^۴ بحر شاعران سحرورانی است که تا هنگام ملاقات با مؤلف ساقی نامہ نگفته و مؤلف با آنها ملاقات کرده است اما مؤلف در دیل بعضی از این شعرا دکر ملاقات خود را با آنها بیاورده است ارجهارتن از آنان یعنی مولانا دهبی کشمیری و صیائی موسجی و دیری کاللی و احوالی سیستانی مؤلف

۱- در این تعداد میرزا حمر آصف حان و میر حیدر معنائی شامل نیستند چون ترجمه^{۱۱} آنان در دیل دیگران مذکور شده به طور مختل میحانه چاپ لاهور تنها دکر ۷۴ شاعر را دارد.

۲- در میحانه چاپ لاهور دکر ۲۶ بحر آمده است

۳- میحانه چاپ لاهور ۲۰ شاعر

۴- ایضاً ۲۵ شاعر - همچنین در سحجه چاپی لاهور دکر آقاصمی صفاها بی در مرتبه سوم آمده است اما در سحجه چاپ تهران در مرتبه اول قرار دارد علت این اختلاف ایست که مؤلف میحانه بعد از حتم کتاب ساقی نامہ کامل و تاریخ فوت آقاصمی (۱۰۲۸ھ) را بدست آورده و با جارحای ترجمه او را از مرتبه سوم کتاب بمرتبه اول تغییر داده است.

اشعار ساقی نامه آنها را نقل کرده است .

بعضی از خصوصیات مسمار میحانه بفراردیل است .

۱ - مؤلف احوال شعرا را مفصل تر از تذکره های دیگر آورده است و غالباً

درد گرفتار حاشیاء نکات ریز را در مد نظر داشته است

نام و نسب و تخلص شاعر و اطلاعات راجع بآباء و اجداد او و استعداد علمی و مقام شعرا و سیر و سیاحت شاعر و در خدمت کدام شاه یا امیر بوده و اینکه با مؤلف ملاقات کرده است یا نه و اینکه اطلاعات درباره زندگی شاعر را از خود او بدست آورده یا از دوستان و کسان وی و اینکه در وقت ملاقات با مؤلف سن شاعر در چه حدود بود و آیا دیوانی ترتیب داده بود یا نه و تفصیل منظومات شاعر را ذکر تعداد ابیات و اینکه مؤلف آن منظومات را دیده است یا حیر و تاریخ وفات و مدفن شاعر و نمونه ساقی نامه یا کلام منظوم دیگر شاعر .

کمتر تذکره ای وجود دارد که در ضبط احوال شعرا این اهتمام کرده باشد

۲ - میحانه در بوع خود اولین کتابسب و ملا عبدالنبی اول کسی است که ساقی -

نامه های فارسی را جمع آوری نموده است . البته بعد از او چند نفر دیگر نیز این کار را تعقیب نموده اند مانند کوکب مؤلف مجمع المضاوین و هم خان که بقول سرخوش صدویسب ساقی نامها را جمع کرده است ^۲ .

۳ - مؤلف میحانه تحقیق دقیق را همیشه منظور بطرارشده است چنانکه در همین

کتاب (ص ۱۸۱ ص ۱۰) خود را «محقق اخبار» میگوید در تمهید مقدمه نانی (ص ۴۷۴ س ۱۱) میگوید که حالا شعرای مرتبه اول را «ارروی اسادار باب خرد و ارقوم مردم معسر» نقل کرده است و در مرتبه دوم و در مورد شعرائیکه آنها را دیده است حالاتشان را ارقول خودشان نقل کرده و در مورد کسانی که با آنها ملاقات نکرده است حالاتشان را از کسان و دوستان ایشان گرفته و در این کتاب آورده است

۳ - ر.ک کشف الطون ج ۲ ص ۱۸ ح ۲ .

۴ - ر.ک کلمات الشعرا در دیل نام طهوری .

درمورد شعرای مرتبه سوم تقریباً باهمه آنها شخصاً ملاقات کرده و با ایشان صحبت داشته^۱ اس^۱ و بنا بر این میتوان فرض کرد که مآخذ احوال شعرای این مرتبه خود این شعرها هستند

۴ - چنانکه از فهرست مآخذ و منابع این کتاب برمیآید مؤلف در تدوین احوال و جمع آوری اشعار شعرای ارمآخذ معتبر و قابل اعتماد از جمله خود شعرای و دوستان و خویشاوندان آنها و همچنین از معتمدیهای دیوان این شعرای و دیگران تحقیق نموده است و از کتب و منابع معتبر برای این منظور استفاده کرده است و چون باهمه این شعرای قریب العهد یا معاصر بوده و سایل این کار برای او میسر بوده است (رجوع شود به فهرست مآخذ کتاب درسطور فوق)

۵ - مؤلف هر ارها شعر فارسی را در میخانه محفوظ کرده است. علاوه بر اشعار متعرق متن پجاء و سه ساقی نامه (چهل و یک مثنوی و هشت ترجیع بد و چهار ترکیب بد^۲ را مفصل درج کرده^۳ و از ساقی نامه های چهارشاعر (دیری و ذهنی و صیائی و وصلی) اقتباسات مختصری آورده است

۶ - بعضی ساقی نامه ها تنها بر صفحات میخانه ثبت گردیده و در هیچ کتاب دیگری ضبط نشده.

۱- ر ک میخانه ص ۷۸۴ ص ۵

۲ - میخانه چاپ لاهور سی و دو ساقی نامه و پنج ترجیع بد ترکیب بد

۳- در بعضی موارد مؤلف میخانه اشعاری را از ساقی نامه ها حذف کرده است مثلاً از ساقی نامه محمد صوفی ماربد رانی تنها ۲۱۸ بیت نقل کرده است در صورتیکه ساقی نامه وی بر روایت حاحی حلیفه (کشف الطوبی ح ۲ ص ۱۸) مشتمل بر ۲۸۵ بیت بوده و از ساقی نامه طهوری فقط ۸۳۳ بیت آورده است در صورتیکه بقول ربو (ح ۱ ص ۶۷۹) این ساقی نامه مشتمل بر ۴۵۰۰ بیت است حاحی حلیفه تعداد ابیات این ساقی نامه را ۸۰۵ میگوید (ر. ک کشف - الطوبی ح ۲ ص ۱۸) همچنین تعداد ابیات ساقی نامه حافظ بقول حاحی حلیفه ۱۲۹ است اما در میخانه ۱۴۷ بیت نقل شده است.

۷- ترجمه احوال بعضی شعرا تنها در میخانه آمده و در هیچ کتاب دیگر دیده نشده است مانند وصلی شیرازی و ملکی قزوینی و عسکری کاشانی و صفائی تبریزی و حریمی مصنف و میر عبداللّه مرثه و صیائی موشچی و مولانا رامی^۱

۸- مؤلف میخانه بشرح حال بعضی شعرائی را که چندان مشهور نبودند نیز سببه بتفصیل ذکر کرده است مخصوصاً احوال شعرای دیل را مفصل آورده است. پرتوی و غیاثا و شاپورراری و فرونی اسر آبادی و عروری کاشی و کامل جهرمی و اوحی کشمیری و شراری همدانی و مورون الملک (لطیف تبریزی)^۲.

۹- مؤلف در دیل بعضی شعرادر باره وضع اجتماعی آن دوره هم اشاره هائی نموده و در باره قدردانی شاهان و امرای معاصر هند و دکن و ایران از شعر و شعرا و اصحاباً و تلویحاً ذکر کرده اسب و مخصوصاً بر خلاف بعضی تذکره نگاران متأخرمانند حرین وواله ارسر میر هندوسان و احلاق مردم و شاهان و امرای آنکشور بسیار تعریف و توصیف نموده اسب و در اکثر موارد برای هندوستان لفظ «دارالامان» بکار برده اسب و احوال این همه مرایا و حویها این تذکره عشر عشر سهرتی که سراوار آن بوده بیافته اسب و حتی اته که در گرو بندریس^۳ اسم ۵۱ تذکره و تاریخ و غیره را که در آنها حالات شعرا مندرج اسب ذکر نموده اسب نام این کتاب را هم نمیدانسته و در هیچ کدام فهرسب کتابخانه های پاکستان و هند و ایران و اروپا نامی از این تذکره ندرده سبده اسب بحراییکه در فهرسب مویح (ص ۳۷) در یک نسخه خطی دیوان عرفی

۱- در مقدمه گردآورنده میخانه چاپ لاهور اسم دوستی سمرقندی و درویش حاوید و مولف هم ذکر شده است اما ذکر اولی در عرفات و متأثر رحیمی و ذکر دومی در عرفات و ذکر مولف در تاریخ محمدشاهی هم آمده است.

۲- برای اطلاعات بیشتری راجع باین شعرا که آقای گلچین از مآخذ مختلف گرد آورده است رک حواشی میخانه چاپ تهران در دیل نام این شعرا.

۳- Grundriss - برای ترجمه آن رک «تاریخ ادبیات فارسی» تألیف هرمان اته ترجمه اردکتر رساراده شفق چاپ سگاه ترجمه و نشر کتاب تهران ۱۳۳۷ شمسی (ص ۴-۱۲).

شیرازی «احوال عرفی شیرازی» از «میخانه عشاق عبدالنسی» نقل شده است و همچنین در هیچ تذکره یا تاریخی اسم این کتاب یا مؤلف آن ذکر نشده است بجز تاریخ محمد - شاهی معروف بنادر الرماهی تألیف حوشحالچند که در چند سطر آن ذکر عبدالنسی مؤلف میخانه احمالآمده و دوبی از ساقی نامه او نیز نقل شده است (واوهم عبدالنسی را اشتباهاً اراقربای نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری نوشته است)^۱

اول کسی که اسم میخانه را ذکر نموده است مرحوم مولانا شبلی نعمانی است که در حلد اول شعر العجم توحه خوانندگان را باین کتاب جلب نموده و در ترجمه احوال حواجه حافظ شیرازی و طالب آملی (شعر العجم ج ۲) از این تذکره استفاده کرده است و پروفسور براون هم بوسیله شعر العجم از بعضی مضامین و مطالب میخانه اطلاع حاصل کرده و از آن استفاده نموده است

مؤلف شرح حال تقریباً کلیه شعرا را معصل آورده است و تنها در ذیل شعرای مسدوح ذیل شرح حالشان را بسطه مختصر آورده است . مولانا وجودی و شرمی قرویی و مطهر کاشی و عداله مژه و دهنی کشمیری و عصری و صیائی موشچی و مولانا رامی

همچنین اشعار اکثر شعرا را بمرمصل آورده است و تنها در ذیل شعرای زیر اشعارشان را مختصر نقل کرده است . میر عداله مژه و عصری و مولانا رامی (از هر کدام یک بیت) و موروں الملک و ابور لاهوری (از هر کدام دو بیت) و حیاتی گیلانی و رونقی همدانی و باقیای مصنف و مولانا وجودی و ابراهیم فارسی و درویش حاوید (از هر کدام سه بیت) و شیرازی همدانی و قدسی مشهدی و نادم گیلانی و کیفی بومسلمان و صالح تهریری و دهنی کشمیری و عارفی موسوی و صیائی موشچی (از هر کدام چهار بیت) و مولانا طبعی و میر تنسپهی کاشی و شرمی قرویی و مطهر کاشی و مولانا صفائی (از هر کدام پنج بیت) و حریری مصنف (۶ بیت)^۲

۱- ر ک - ص ۱۶۹ ج ۳ کتاب حاضر

۲- این تعداد ابیاتی را که مؤلف در شرح حال این شعرا از آنان نقل کرده است بـ

شامل است.

اما باید توجه داشت که مؤلف در اکثر موارد فوق در موقع نقل اشعار سعی کرده است تنها اشعار را که «مناسب سیاق این اوراق» داشته یعنی در تعریف شراب یا ساقی گفته شده است نقل نماید. البته در بعضی موارد اگر ارشاعری شعری باین مصمون پیدا نکرده است اشعاری را در مضامین دیگر نقل کرده است.

در ذیل شعرای زیر اشعار آنها را معصل تر آورده است طالب آملی (۳۲۴ بیت) و نوعی خوشابی (۳۴۳ بیت) و سنجر کاشی (۴۹۸ بیت) و طهوری ترشیری (۹۲۵ بیت) روی هم رفته اشعار ترشیری را از سایر شعرا معصل تر نقل کرده است

بعقیده مؤلف میخانه ساقی نامه پرتوی بهتر از همه ساقی نامه ها است چنانکه در دیل پرتوی میگوید:

«تکلف بر طرف در ساقی نامه داد سخنوری داده و آنچه لارمه شعر و شاعری باشد در اشعار آن بحا آورده است باعتبار این بی نصاع معلوم نیست که تا لایب کسی باین حوی ساقی نامه بنظم آورده باشد»^۱

سبک انشای مؤلف اکثر ساده و روان است اما در مواقع تعریف از شعرا و اهرا و پادشاهان مؤلف بنثر مصنوع پرداخته است و حتی گاهی در چس موارد نثر معصع هم نوشته است مثلاً رجوع شود به حمله اول درد کرشیخ نظامی و حافظ شیرازی و صوفی مارندرابی و رکن کاشی و فصیحی و عارف ایگی و نظام دست عیب و فروبی استرآ نادی و اوحی کشمیری و اسدیگ قروینی و نظیری بیشا نوری و طبعی و سمیمی و دیری و صالح تبریزی و سرقی قروینی و مطهر کاشی و ابراهیم فارسی و محمد طنز نوره و درویش حاوید همچنین قبل از اسم و حلاص کلیه شعرای مرتبه اول بحر میرزا اشرف جهان فروینی

۱- بعقیده سرخوش مؤلف «کلمات الشعرا» بهترین ساقی نامه را طهوری سروده است چنانکه در دیل نام طهوری میگوید «کلام کسی بنایه طهوری میرسد مگر ساقی نامه فقیر سرخوش ناری پهلورده» (کلمات الشعرا چاپ مدراس ص ۱۲۴) - اما خوشگو ساقی نامه نوعی خوشابی را بهترین ساقی نامه قرار داده است چنانکه در دیل نام نوعی مینویسد «باعتقاد فهم ناقص فقیر خوشگو (ساقی نامه نوعی) بر جمیع ساقی نامه ها جرب افتاده»

ومیرزا ابوتراب بیگ، فرقتی و افضل خان دکنی و تمام شعرای، مرتبه دوم غیر از دوستی سمرقندی و مؤلف و در مرتبه سوم دردیل نام شراری همدانی و حصالی يك یا چند لقب توصیفی آورده است. در اکثر موارد این القاب با تخلص یا سبست شاعر هم قافیه آورده است مانند: «شیخ نامی گرامی حصرت شیخ نظامی و مطلع انوار ربانی و کاشف اسرار سبحانی فخر الدین ابراهیم همدانی المشتهر بعراقی» و غیره

گاهی این القاب توصیفی را حیلی معصل آورده است چنانکه دردیل نام حافظ (که آنجا این القاب را همه مفصل تراست) مینویسد «عندلیب دلفریب اتحمن سخنوری و بلبل داستا سرای چمن بکته پروری قطب مر کر فصاح و بلاغت مقبول طبیعی اصحاب ارادت طوطی بوستان سخن پرداری حواجه حافظ شیرازی».

همچنین دردیل نام بعضی شعرا در موقع تعریف آنها بعضی کلمات را بمناسبت و رعایت تخلص شاعر آورده است مثلاً دردیل نام فصیحی مینویسد: آن ربهدة المتاحرین و آن افصح المتکلمین سرآمد مستعدان این خسرو رمانست و فصیح ترین شعرای خراسان».

رویه مبرفته این تذکره چه ارحیت شرح حال شعرا و چه ارحاط ذکر اشعارشان جرو بهترین تذکره های فارسی است مؤلف با فن بیوگرافی و قوف کامل داشت و همچنین دارای ذوق عالی شعر بوده است چنانکه اشعاری که مؤلف ار شعرا انتخاب نموده نشان می دهد

سخ خطی

۱- کتابخانه رامپور (هندوستان) مورخ ۱۰۳۹ هـ (رجوع شود به مدیر احمد ش ۹۶) - اراین نسخه يك یا نصف ورق در شروع کتاب افتاده است و چند برگه دیگر نیز صایع یادروقت صحافی بی ترتیب و نامنظم شده است.

۲- کتابخانه شخصی پرفسور شفیع - تاریخ کتابت ندارد - ناقص الاول است و متن و حاشیه هم بعضی جاها ناقص است اراول تا آخر نا احتیاط تصحیح شد در مرتبه سوم حالات نظیری و قدسی و بطر بیگ قمشه ای و نا قیادر

۳۱- کتابخانه شخصی آقای عبدالحسین بیات - این نسخه سابقاً متعلق

به مرحوم سید عبدالحسین حلاجی بود اردیباچه این نسخه سه صفحه ساقط است (مورخ ۱۹ دی قعه ۱۰۷۱ هـ) در آغاز این نسخه ترجمه احوال میر عبدالحادی ملهم کاشانی و سافیه نامه او بعلم مرید و شاکر دوی معصوم کاشی و در دو ساله آن ساقی نامه میررعی آرتیمانی بعاصله کمی از تاریخ اصل نسخه بخط و کاعد حدی گانه ای الحاق گردیده و پس از آن بخط تازه تری سحر حلال اهللی سیراری نوشته شده است (حون ملهم و رضی معاصر صاحب میخانه بود ترجمه و سافیه نامه آن دو شاعر در میخانه چاپ تهران بعنوان «ملحفات» صمیمه شده است ولی چون سحر حلال اهللی سیراری سافیه نامه نبود بنا بر این آن منطومه در چاپ تهران حرو ملحفات چاپ شده است (رجوع شود به «میخانه» مقدمه مصحح ص سه چاپ تهران)

۴- کتابخانه ملی ملک تهران ش ۴۲۵۸ - این نسخه سپرده صفحه اول و شش صفحه از آخر را فاقد است و بحر یکی دو صفحه دیگر که از اواسط آن افتاده است دیگر نقصی ندارد و با «بطامی گنجوی» (ناقص اول) شروع شده با «احولی سیستمی» (ناقص الاخر) تمام میشود در حدود اواخر قرن ۱۱ یا اوایل قرن ۱۲ هـ استنساخ شده است

۵- کتابخانه نور عثمانیه استانبول ش ۴۳۲۸ مورخ بر ما ۱۲۰۰ هـ

چاپ میخانه

۱- لاهور سال ۱۹۲۶ م / ۱۳۴۵ هـ باهتمام پروفیسور محمد سعید - ابتدای آن ناقص است و بواقص دیگر هم دارد که در چاپ تهران رفع گردیده است

۲- بهرا سال ۱۹۶۱ م / ۱۳۴۰ س = ۱۳۸۱ هـ باهتمام آقای احمد گلجین معانی- در این چاپ غالب تعایض چاپ لاهور مخصوصاً فقدان اسدای کتاب با استفاده از نسخ نور عثمانیه و آقای بیات و ملک بهرا من رفع گردیده است و سبب چاپ لاهور اصافات و مرایای دیل دارد

تراجم احوال ۱۸ بهرا سحر که در چاپ لاهور بود در این چاپ اصافه شده و

حدید صد بیت از ساقی نامه های شعرا که در چاپ لاهور با تمام و ناقص آمده بود نیز تکمیل گردیده و ساقی نامه (و ترجیع و ترکیب سد) عتایی و حکیم ر کسا و حکیم شمعانی و طالب آملی و باقر خرده و نظام دستغیب و اسد بیگ قروینی در متن کتاب و ترکیب سد نظیری و ساقی نامه حیاتی گیلانی و ترجیع بدقدسی مسهدی در حواشی کتاب که هیچکدام از اینها در چاپ لاهور سوده و همچنین ترجمه های تفصیلی و تکمیلی در حواشی کتب در ۵۹ مورد و تراجم مختصر و تواریخ در ۱۳۶ مورد و توصیحات و اظهار نظرها در ۱۶۸ مورد و اشعار منتخب از دواوین و سعاین دهرار و ششصد بیست و معرفی شهرها و دیهها و سرح لغات و اصطلاحات و فهرس رجال و کتب و نام نعمات و آلات موسیقی و متعلقات آن و ساقی نامه ها در این چاپ اصاد شده اس

دیل میخانه

چون بعد از تألیف میخانه بسیاری از شعرای فارسی نیز ساقی نامه س روده اند و همچنین بعضی ساقی نامه ها بدست صاحب میخانه رسیده بود بنا بر این آقای 'حمد گلچین' معانی تصمیم گرفتند دیلی بر میخانه تألیف نموده بقیه ساقی نامه ها را که در میخانه بیامده در این کتاب با سرح حال گوید گان آن جمع نماید و قسم عمده مسوده آن کتاب به تکمیل رسیده اس (الحق این اقدام بسیار مفید و معتمی است و نگارنده موافقت آقای گلچین را در این راه بیک خواستار است)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به میخانه (د کرمؤلف کد اب در ص ۷۵۸-۷۷۱) و تاریخ محمدشاهی معروف به نادرالربانی تألیف حوشت الحند و مقدمه مصحح میخانه چاپ لاهور و ترجمه آن مقدمه در میخانه چاپ تهران
فهرست اسامی شعرا رجوع شود به میخانه چاپ تهران ص ۹-۱۰ (اسم ۹۰ ساعر)

تاریخ جهانگیری

ابتدا

ای نام تو افتتاح هر دیوایی و نام تو آرایش هر عنوایی
در کنه کمال تو کی اندیشه رسد در راه تو عقل کل بود حیرانی
بعد از حمد تذکره صمد الهی و تعظیم و پس از تبصره نعمت رسالت پناهی
صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم میگوید بنده کمتر از هر کم مطربی
الاصم »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب معلوم نیست اما تحصیل او مطربی واصل او از سمرقند
و وی در ۹۶۶ هـ بدینا آمد و تا سال ۱۰۳۷ هـ که به بلخ رفت در قید حیات
بود^۱ -

تبصره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را در رجب ۱۰۳۴ هـ پس ۶۸ سالگی^۲ آغاز نموده
اسب و حاتم این کتاب را در حمادی الثانی ۱۰۳۶ هـ آغاز نموده اسب و قبل از ۱۰۳۷ هـ
که به بلخ رفت با تمام رسانیده اسب .

این تذکره مشتملست بر ذکر شعرائی که در زمان اکبر شاه (۹۶۲-۱۰۱۴ هـ)
و حاکمگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) در دربار معولان هند یا سلاطین اورنگ و اولاد و احفاد
چنگیز خان میریسته اند مؤلف در این تذکره ذکر شعرا و افاصلی را که تا ۱۰۳۴ هـ
با آنها ملاقات کرده آورده است.

این کتاب مشتملست بر قسمتهای زیر

(۱) ر.ك. نسخه اته ص ۱۹۰ الف سطر ۹۸

(۲) مؤلف اینها سن تقریبی خود را هفتاد سال ذکر کرده است (ر.ك. اته ص ۲ ب

سطر ۵) .

سلسله اول - «درد کر سلاطین چغتائی و شعرای بلاغ شعاری که در زمان ایشان خلعت ظهور و اشتہار پوشیده و دیوان اشعار ایشان در ماوراء النہر متداولست.»

سلسله دوم - «درد کر سلاطین اورنگیہ و افاضلی کہ در ایام دولت ایشان خلعت ظهور و اشتہار پوشیده اند»

و این سلسله مشتمل بر دو طبقہ دلیل است

طبقہ اول - «درد کر سلاطین کہ سب پیوستگی باین حادثان دارند و افاضلی کہ در ایام دولت ایشان بوده اند»

طبقہ دوم - «درد کر سلاطین کہ سبست مبارک ایشان پادشاہ عظیم الشان چنگیزخان میرسد و افاضلی کہ در ایام ایشان خلعت اشتہار پوشیده اند.»

خاتمه - «درد کر ملازمت حلیمہ الہی ظل الہی و وقایع وارده در ایام ملازمت و لیالی طی سبیل التفات و اصح و لائح باشد خاتمه در این اوراق الحاقی است سب آنکہ بعد از تحریر کتاب مکتوب گردید»

در خاتمه مؤلف دکر بعضی شعرا را کہ قبلاً دکر شدہ اند آورده است چون مؤلف نا اکثر شعرا و افاضلی کہ در این کتاب دکرشان آمدہ است شخصاً ملاقات کردہ است و شرح حال زندگی شان را خودش نوشتہ و ارجای دیگر نقل یا اقباس نمودہ است بنابراین ارجحیت اصالت مطالب این تذکرہ دارای اہمیت فراوانی می باشد

سخنہ خطی - اتہ ح ۲ ش ۳۰۳۳ (مورح ۲۳ شہرالنہی (شعبان) ۱۰۷۵ھ).

فہرست اسامی شعرا - در ہیچ کتاب دکر شدہ است

مجمع الشعرای جہانگیری^۱

ابتدا

با ہمہ محتاجی و عجز و بیار ساحتم از سملہ مفتاح راز

۱- استوری در ح ۱ ص ۸۱۳ اسم این کتاب را «مجمع الشعرای جہانگیر شاهی» دکر کردہ است تذکرہ مجمع الشعرای جہانگیری حرو مآحد «حرانہ عامرہ» آزاد بلگرامی می باشد (ر.ک. مآحد «حرانہ عامرہ» در این کتاب)

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب معلوم نیست اما تحلیص‌وی قاطعی اسب. این کتاب را مؤلف بس پیری نوشته اسب. - جوع شود به نسخه نادلین ص ۵ الف) و استاد یا مرشد او مولانا قاسم بود (ایضاً - ص ۵ الف). وی میگوید که برخلاف شعرائیکه تمام عمر خود را صرف همان فن شعری کنند وی اکثر اوقات خود را صرف اکتساب هنر کرده است.

تبصره بر کتاب

این کتاب ظاهراً دفتر سوم یک کتاب برگزینی است چون در فهرست این تذکره (نسخه نادلین ص ۳ و ۴) این عبارت آمده است: «فهرست اسامی شعرا که در این دفتر ثالث تذکره الشعرا ایراد نموده شد در مدح و مذاکره حضرت خلاف پناه ظل الله بورا الدین محمد جهاگیر پادشاه عادل»

درد کر اسامی شعرا هیچ ترتیب مخصوصی را رعایت نموده اسب و درباره تعدیم و تأحیر اسامی شعرا در این تذکره (در ص ۵ الف) این عبارت آمده اسب «تعدیم و تأحیر در این مجمع الشعرا جهاگیری در اسامی واقع شده باشد بی‌وجوه و بخواهد بود یا اره‌گدر سیادت یا اره‌گدر مصب پادشاهی و عرت آن و یا تأحیر الرمان یا تأحیر حامیب هر جا تعدیم و تأحیر شده باشد شرف المکان بالمکین اسب. بر اهل عرفان معلوم و هویدا است اگر سهو کاتب یا سهوی که لارمه پیری است واقع شده ناسد بدیل عمو و مرحمت خواهند پوشید و اصلاح خواهند فرمود».

این تذکره مشتملست بر دکر ۱۵۱ شاعری که در مدح جهاگیر شاه شعر سروده اند. مؤلف در دیل شرح حال شعرا درباره رندگانی آنها خیلی کم اطلاعات بهم رسانیده است اما اشعارشان را گاهی خیلی مفصل آورده اسب
بعد از هر حرف دعائی برای شاه آورده اسب که از «الهی»

شروع میشود

نسخه خطی

رجوع شود به بادلین ش ۳۷۱ (این نسخه بخط مؤلف است و ناقص الاحر میباشد چون طاهر آدوسه صفحه از قسمت آخر که درد کر مؤلف بوده ندارد).
فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به نسخه بادلین ش ۳۷۱

طبقات شاهجهانی

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمدصادق است استوری عقیده دارد که محمد صادق مؤلف شاهجهانی و محمدصادق همدانی مؤلف کلمات الصادقین و مولانا محمد صادق کشمیری که اسم او در تاریخ محمدی آمده است اسامی مختلف یک نفر است^۱.
مؤلف در سال ۱۰۰۰ هـ بدینا آمد و اکثر اوقات زندگی خود را در دهلی گذراند و بیش شیخ فیضی (متوفی ۱۰۲۲ هـ) تحصیل علوم متداوله نمود بیر ارشاگردان رشید شیخ عبدالحق دهلوی بود^۲

ناید ادعا کرد که مؤلف کلمات الصادقین (که با احتمال قوی همین محمد صادق است) شیخ عبدالحق دهلوی را حضرت محدومی می نویسد و بیر تذکر میدهد که جد وی (مؤلف) حاجی محمد همدانی بود که بملتان رفت و بالاخره در دهلی سکونت گزید و هماغه در سال ۱۰۰۶ هـ در گذشت. اینجا مؤلف اسم کتاب دیگر خود سام سلسله الصادقین را بیر آورده است و همچنین میگوید که امیدوار است کتابی سام مآثر جهانگیری تألیف کند. ولی امروز از وجود چنین کتابی اطلاعی نداریم

تصوه بر کتاب

مؤلف سال تألیف طبقات شاهجهانی را در این کتاب ذکر نموده است اما در طبقه دوم کتاب سال ۱۰۴۶ هـ را سال جاری نوشته است

این کتاب مشتملست برده طبعه وهر طبعه د کر شعرائی را شاملسب که ترتیب
دررمان سلاطین ریر میریسته اند .

۱۱- تیمور (۷۷۰- ۸۰۷ هـ) ۲- میرانشاه وشاهرخ (۸۰۷- ۸۵۰ هـ)

۳- میررا سلطان محمد والغبیگ (۸۵۰- ۸۵۳ هـ)

۴- ابوسعید (۸۵۴- ۸۷۳ هـ) ۵- عمرشیخ (۸۷۳- ۸۹۹ هـ)

۶- بابر (۹۰۰- ۹۳۷ هـ) ۷- همایون (۹۳۸- ۹۶۳ هـ)

۸- اکبر (۹۶۳- ۱۰۱۴ هـ) ۹- حهانگیر (۱۰۱۴- ۱۰۳۷ هـ)

۱۰- شاهحهان (۱۰۳۷ هـ تارمان تألیف کتاب = ۱۰۴۶ هـ)

هر طبقه این کتاب مشتملسب بر سه باب بقرار دیل .

باب اول-درد کرسادات و عرفا

باب دوم-درد کر علما و حکما و فصلا

باب سوم-درد کر شعرا

نسخ خطی

۱- آصفیه ح ۱ ص ۲۴۶ ش ۷۲۱ (مورخ قبل ار ۱۱۵۶ هـ)

۲- آتیه ش ۷۰۵ (باریج اسنساح بدارد)

۳- ریو ح ۳ ص ۱۰۰۹ اب (قرن ۱۹ میلادی)

برای شرح حال مؤلف رجوع سودنه طبعات ساه حهایی و کلمات الصادقین

و تاریخ محمدی وریو ح ۳ ص ۱۰۰۹ و استوری ح ۱ ص ۲-۱۱۷۱.

فهرست اسامی شعرا

درهیج فهرست کتابخانه یا کتاب دیگر دکر شده اسب .

خزینہ گنج الہی

ابتداء : « صاحب مقطعات موعظت آئین امیر محمود مشہور بابن امین (یمین) »

شرح حال مؤلف

این کتاب میرعماد الدین محمود حسینی است و تخلص وی الہی است . اسم پدرش بروایت اشہر بگر حجت الدین و بقول مؤلف منتخب الاشعار حجت اللہ است . وی اصلاً از سادات اسد آباد نریک ہمدان بود^۱ .

مؤلف « ہمیشہ بہار » مینویسد کہ اسمش میرصدرالدین محمد علی ابن محمد شیراری اسب ووی اہل ہمدان بودہ و در سال ۱۰۱۰ھ بہمد آمدہ در دربار شاہی خیلی عرت و احتشام یافت و برای علم طب اورا مسیح الرمان لقب دادند اما یا این قول راحع بکس دیگر است یا مؤلف « ہمیشہ بہار » ایجا اشتہاء کردہ است چون الہی در این کتاب میگوید کہ وی در سال ۱۰۱۰ھ بقصد تحصیل ناصہمان^۲ رفت و در آنجا سہ سال ونیم اقامت کرد و بعد میگوید کہ در سال ۱۰۱۵ھ بسرای ہمیں مطور بشیرار رفت .

مؤلف « کلمات الشعراء » مینویسد کہ میرالہی ہمدانی در عہد حہ نگیر شاہ (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ھ) ارولایت ہمدان بہ ہندوستان آمد .

اما قبل از اینکہ بہندوستان بیاید بکابل رفت و مدتی آجا اقامت داشت . در آن زمان طغر خان احسن کہ خود شہم شاعر بود و شعرا را تربیت میکرد استاندار کابل بود وی این سمت را بہ بیابت پدر خود حواحہ ابوالحسن تربیتی از ۱۰۳۳ھ مطابق سال ہوردہم سلطنت حہا نگیر شاہ تا ۱۰۳۷ھ^۳ مطابق سال اول سلطنت شاہ حہان داشت و پدرش رسماً استاندار کابل بودہ ولی شخصاً در آن ایام در کابل اقامت نداشت .

۱- ر ک . تذکرہ طاہر بصرآبادی و آتشکدہ

۲- اشہر بگر اشتباہا شیرار نوشتہ است (ر ک . پدرش فہرست برلن)

۳- مولف پادشاہ نامہ مینویسد کہ بعد از وی لشکر حان مشہدی حاکم کابل شد

(و . ک پادشاہ نامہ ج ۱ ق ۱ ص ۱۲۰)

(۲) دیوان

۱- نسخه‌ای از این دیوان مورخ ۱۰۴۲ هـ در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است (ر ك ريوح ۲ ص ۶۸۷)

۲- نسخه دیگر مورخ ۱۰۵۲ هـ در کتابخانه اوده موجود بود (ر ك. اشپرنگر ش ۲۷۷)

۳- نسخه‌ای مورخ ۱۰۵۲ هـ در برلین موجود است که طاهر آ همان نسخه اشپرنگر است یا ارروی آن استنساخ شده است (ر ك برلن س ۹۳۹)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بین سالهای ۱۰۴۲ و ۱۰۵۲ یا ۱۰۶۳ و ۱۰۶۴ هـ تألیف کرده است.

این تذکره مشتمل بر رد کر قریب چهارصد شاعر^۱ متقدم و متأخر ترتیب المعیار روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و مؤلف در تألیف این کتاب از کتب ریسر استفاده کرده است

- ۱- تذکره دولتشاه سمرقندی
 - ۲- تحفه سامی
 - ۳- محال النفایس میرعلیشیرنوائی
 - ۴- عرفات العاشقین تقی اوحدی.
 - ۵- حواهر العجایب فحری
 - ۶- تذکره حواجه امین الدین حسن ثاری
- (مدکرا الاحباب)

- ۷- مقالة الانرار (تذکره صوفیه)
 - ۸- محال عبدالقادر مراغه‌ای
- این تذکره با «امیر محمود اسیمین» شروع شده با «همایون پادشاه» تمام میشود و مخصوصاً مشتمل بر رد کر شعرای متوسط (ارقرن بهم و دهم) میباشد و شرح حال و آثار بعضی شعرای قرن هشتم را نیز شامل است که اردولتشاه نقل کرده است

۱- نسخه اشپرنگر هم بخط مؤلف است و در این نسخه، مؤلف بعضی جاها را حالی گذاشته و گاهی تنها اسم شاعر را نوشته و بعداً حارای شرح حالش حالی گذاشته و فقط اشعار منتخب را ارروی آورده است. گاهی تنها شرح حال شاعری را نوشته و حارای اشعار او حالی گذاشته است. غالباً در حاشیه اصفهائی دارد که بخط کسی دیگر است

این تذکره هیچ دیباچه و خاتمه ندارد و چنانکه اشپرنگر گفته است هیچوقت
 با تمام نرسیده و بنا بر این کاملاً غیر معروف مانده است

نسخ خطی

۱- اشپرنگر ش ۱۱ (۱) ۲- برلن ش ۶۲۶- نسخه ناتمام بخط مولف

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به منتخب الاشعار متلا ش ۴۶ و عمل صالح
 ح ۳ ص ۱۶-۴۱۵ (که اطلاعات زیادی درباره وی نمیرساند) و تذکره طاهر
 نصر آبادی ص ۶-۲۵۵ و کلمات الشعرا و مرآت الحیال ش ۷۴ و همیشه بهار و واقعات
 کشمیر ص ۱۵۳ و ریاض الشعرا (که دیوان منتخب الهی دارد) و آتشکده ش ۵۹۸ و
 خلاصه الافکار ش ۳۶ و مخزن العرایب ش ۱۱۳ و ریاض الافکار (رک) بانکی پوردیل
 ح ۱ ص ۵۰) و هفت آسمان ص ۷-۱۴۶ و فهرست دیو ح ۲ ص ۶۸۷ و ح ۳ ص ۱۰۹۱ و
 واستوری ج ۱ ق ۲ ص ۸۱۶)

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به اشپرنگر ص ۶۷-۸۷

فصل دوم

قسمت دوم

ارجلوس اورنگزیب عالمگیر شاہ (۱۰۶۸ھ) تا آغاز سظلت انگلستان

(۱۸۵۷م / ۱۲۷۴ھ)

ملاحظات عمومی

بر

قسمت دوم فصل دوم

(۱۰۶۸ - ۱۲۷۶ هـ)

وضع سیاسی و اجتماعی این دوره

این دوره در تاریخ هند دوره هرج و مرج سیاسی و انحطاط اجتماعی میباشد اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) آخرین پادشاه بزرگ تیموریان مرد بسیار خشک و مذهبی افراطی و مسلمان متعصبی بود و بر عکس رسم اسلامی خود به آنها ادب و شعراء را تربیت نمیکرد بلکه حتی ارشعرا را بر حار و نفرت داشت . در درباری که همیشه در زمان پادشاهان مسلمان هند تا قبل از اورنگزیب مرکز اهل فضل و مجمع اهل هنر بوده در زمان این پادشاه تقریباً کلی اروض و علما و فضلا محروم گشت و اگر در زمان او بعضی از ادبا مانند نعمت خان هالی هنور حرو درباریان او بوده اند علت وجود آنها در دربار شاهی غیر از ذوق شعر و ادب آنان بوده است .

در زمان اورنگزیب مخصوصاً در آخر عهد او اکثر حکام دس بشورش رده و تدریج رشته اطاعت خود را از دولت مرکزی گسسته و بالاخره موفق بتأسیس حکومتی مستقلی شدند مخصوص بعد از فوت اورنگزیب (در ۱۱۱۹ هـ) حاشمیان وی نتوانستند حتی بقیه اجرای کشور را که تحت تسلط تیموریان هند مانده بود از تحریر نگه دارند و

این پادشاهان که تقریباً اسماً پادشاه هند بودند همواره مشغول فروشادن شورشهای داخلی بودند که در نواحی مختلف کشور برور میداد و حتی در بار آنها بیرمر کر توطئه و سازش علیه یکدیگر بود. خلاصه هیچکدام از حاشیای اورنگریب قواستند مملکت را ارشر شورشیان پاک کرده و یک دولت قوی مرکری برای سراسر هندوستان تشکیل دهند.

در آخرین دوره نالائی دیگر بر مردم هند آمد و آن توسعه بقود انگلیسها و توفیق آنها در تسکیل دولتهای دسبسانده خود بود که بتدریج منجر به تأسیس حکومت انگلستان در هند گردید.

انگلیسها بوسیله توطئه چینی و کمک بعضی از حکام حاین و کوتاهس و نمک - نشاس هندوستان بتدریج یکایک رقای خارجی خودمانند فراسویسها و پرتقالیهارا ارمیدان خارج کرده و دشمنان داخلی مانند سلاطین میسور و اود و حکام سند و در آخر خود سلطنت مرکری تیموریان هند را ارس برده توانستند بقسههای خود مسی بر تحریر مملکت هند و تضعیف دولت مرکری آن کشور و بالاخره تشکیل حکومت انگلستان در هند را عملی سازند.

وضع ادبی این دوره

با وجود نامساعدی اوضاع و کسادونی قدری فصل و هنر در این دوره هور در بعضی معاط هندوستان ادبیات فارسی رواج داشت.

در این دوره مخصوصاً بعد از اورنگریب برحی از سلاطین دهلی مانند بهادرشاه بابی متخلص به طغر (۱۲۵۳-۱۲۷۵ هـ) غافل از بقشههای دامنهدار انگلیسها برای برانداختن سلطنت تیموری هند و دامپائیکه برای تضعیف و خاتمه این دولت و تشکیل حکومت خود در سراسر هندوستان گسترده بودند هنوز مشغول عیش و عسرت بوده و گاهی برم سعر و ادب را برپامیکردند تا وجود اینکه در این دوره سعر اردو بیش از پیش در سراسر هندوستان رونق گرفت اما پساری ارسرا از حمله شعرای اردو مانند غالب و آرزو و مصحفی هور بفارسی هم سعر میسروده و کتابهایی باین زبان نوشته اند.

همو بطرح انگلیسها برای کندن ریشه زبان و ادب فارسی از سرزمین هندوستان کاملاً به مرحله اجرا در نیامده بود و در بعضی بواحی هندوستان مانند دهلی و مدراس و حیدرآباد کن و او دوسند که بتدریج تحت نفوذ و تسلط انگلیسها در آمد مردم هنور بر بان فارسی شعر میسروده و کتابهایی باین زبان تألیف مینموده اند چنانکه تنها مؤلف «تذکره اعظم» اسم ۲۴ نفر از شعرای مدراس را ذکر کرده است که بر بان فارسی دیوان شعر داشته و تقریباً اسم ۲۰ نفر را که آثار دیگری باین زبان تهیه نموده بودند نیز آورده است

همچنین از تعداد شعرای معاصر که در تذکره های این دوره ذکر شده است میتوان درک کرد که همو در سرزمین هند عده کثیری از شعرای هندوستان به فارسی شعر میسروده اند مثلاً تذکره های دیل که در تذکره شعرای این دوره میباشد تعداد شعرا را بدین قرار ذکر نموده اند

کلمات الشعرا : در حدود ۲۰۰ شاعر و مقالات الشعرا : حیرت ۱۵۰ شاعر و سغیه خوشگوی (دفتر نال) ۲۴۵ شاعر و تحفة الشعرا ۶۲ شاعر متاخر کن و تذکره بینظیر ۱۴۹ شاعر و مردم دیده ۶۱ شاعر و ایس الاحاء ۵۰ شاعر و عقد ثریا ۱۳۷ شاعر و سغیه هندی ۳۳۵ شاعر و ریاض الوفاق ۱۴۲۰ شاعر کلکتہ و نارس و اشارات بیش ۷۷ شاعر کرناٹک و گلدسته کرناٹک ۷۰ شاعر کرناٹک و صبح وطن ۹۲ شاعر مدراس و خرینة الشعرا ۱۹۰ شاعر و گلزار اعظم ۴۳۲ شاعر کرناٹک .

مختصات تذکره نگاری این دوره

بویسندگان این دوره مانند دوره سابق که در آن سیاری از تذکره های عمومی تألیف شده است تذکره های دیل را در ذکر شعرای متقدم و متأخر و معاصر ترتیب داده اند

لطایف الحیال و مرآت الحیال و سغیه خوشگوی و یدبضا و تذکره ندرت و گلدسته و بهارستان سخن و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکره حسینی و مجمع - النعایس و سغیه الشعرا و سغینه عشرت و حرانه عامره و گل رعنا (تنها در ذکر

شعراى هند (و تذکره يوسف على حان وصحف ابراهيم و خلاصه الافکار و محرس -
العرايب و تذکره کاتب و ستر عشق و انيس العاشين و معراج الحيال و نايح الافکار و
نعمه عندليب

ناوجود اينکه نويسندگان اين تذکره ها شرح حال و بموده اشعار شعراى متقدم
و حتى گاهى بعضى شعراى متاخر را ارتد کره هاى سابق نقل کرده اند معذک گاهى
اشعار بعضى شعراى متقدم و متاخر را ارديو ان آنها انتخاب نموده در تذکره هاى خود
آورده اند

همچنين شرح حال و بموده اشعار شعراى معاصر خود را غالباً مفصل آورده اند و
نا بر اين غالب اين تذکره ها براى تدوين تاريخ شعر فارسى بسيار مفيد ميشود و
بعضى از آنها تا اندازه اى سير تکامل شعر فارسى را از ابتدائى آن تا زمان تأليف تذکره
روشن مىسازد .

برعکس دو دوره سابق الد کرد را اين دوره تقريباً تمام تذکره هاى فارسى را
که در هند تأليف شده است خود نويسندگان همدت ترتيب داده اند و در ميان بنجاه و نه
(۵۹) تذکره تنها شش (۶) تذکره را تذکره نگاران ايرانى تأليف نموده اند که بقرار
زير است

لطائف الخيال تأليف سيح مفيد شيرازى و رياض السعرا تأليف على قليحان و اله
و تذکره المعاصرين و سعيه على حرين هردو تأليف سيح محمده، على حرين و تذکره
کاتب تأليف ميرزا محمد على کاتب صعوى و محک سعرا تأليف محمد صالح ساملوى
حراسانى

ار حمله شش تذکره نگاران فوق حرين و و اله بعلت هرح و مرح سياسى و
نا مساعدى اوصاع ايران از آن کشور بهند مهاجرت نموده و در هندوستان ساه
آورده بودند

سبك نگارش تذکره نويسان اين دوره

سك استاى تذکره نگاران اين دوره اكثراً ساده بوده اما انيس الاحا و محک

شعرا و معراج الحیال غالبا بسبك مصنوع نوشته شده است همچنین نویسندگان بعضی تذکره‌ها مانند تذکرة المعاصرین و ستر عشق و صبح وطن و گلزار اعظم در موقع تعریف شعرا بشر مصنوع پرداخته‌اند

برای اولین دفعه در تاریخ تذکره نگاری شبه قاره هند در این دوره بعضی نویسندگان کلمات زبان اردو و سدی را بکار برده‌اند (رجوع شود به سفینه خوشگوی ویدیا و مقالات الشعرا قانع و سرو آزاد و مردم دیده و حرا به عامره و گل رعنا و سفینه هندی)

برخی از این نویسندگان کلمات اردو و اسامی شهرهای هند را بحای فارسی بامالای اردو نوشته‌اند (رجوع شود به سفینه خوشگوی ویدیا و سرو آزاد و خرا به عامره و سفینه هندی)

در این دوره مخصوصا سبك سفینه خوشگوی و سفینه هندی خیلی حالب است چون نویسندگان هر دو آنها به تنها کلمات اردو را بکار وانی بکار برده‌اند بلکه حتی بعضی اصطلاحات را از خود ساخته‌اند و حتی گاهی درامالای بعضی کلمات اشتباه کرده‌اند (رجوع شود به بحث درباره سبك انشای این دو کتاب در این رساله)

نکته حالب دیگر در مورد سبك اسای این دوره استعمال بعضی القاب تعریفی قلیا بعد از اسم و تحلیص و همچنین جملات مصنوع بمعنی « فوت شده » و « اینک اشعار او » میباشد که در بسیاری از تذکره‌های این دوره بکار رفته است (رجوع شود به کلمات الشعرا و سفینه خوشگوی و بهارستان سخن و ریاض الشعرا و منتخب الاشعار و تذکره حسینی ویدیا و سرو آزاد و تذکره بی نظیر و حرا به عامره و گل رعنا و صبح وطن و نتایج الافکار و گلزار اعظم)

همچنین در بعضی تذکره‌ها کلمات و اصطلاحات عربی بکار وانی بکار رفته و گاهی بعضی عبارات بعلت استعمال کلمات مشکل و غیر معروف عربی برای حواسده‌های عادی خیلی مشکل شده است (رجوع شود به مجمع النایس و تذکرة المعاصرین ویدیا و سرو آزاد و حرا به عامره و مقالات الشعرا و ابیس الاحما و عقد ثریا و بشر

عشق و محاک شعرا).

روی هم رفته تذکره‌های این دوره نشان می‌دهد که در این دوره شعر فارسی سیر نرولی خود را طی کرده و شیرینی و روانی و حدیث سابق خود را از دست داده بود و اکثر شعرای همان مضامین و افکار شعرای پیشین را جامه نو اما ارزان و کم‌ارزش می‌پوشاندند و حتی ابتکار مضامین و تارگی فکر که از محتصات عمده سبک هندی بوده در شعر این دوره بندرت به چشم می‌خورد.

همچنین در این دوره نیز دست بنثر دوره‌های سابق بیمه ترو سست‌تر شده و عناصر خارجی بیشتر در آن رخنه کرده و بسیاری از کلمات رباعی‌های اردو در نثر فارسی هند وارد شد. همچنین استعمال اصطلاحات غریبه و عجیب که اکثر محصول سرزمین هند بود و یا خود نویسندگان هند در موقع نوشتن فارسی بعلب عدم تسلطشان بر این زبان از خود می‌ساختند از لطف نثر فارسی این دوره کاسته و آنرا برای خوانندگان ایرانی غریبه و نامفهوم تر گردانیده بود.

اکنون درباره تذکره‌هایی که در دوره دوم تیموریان هند در آن سرزمین فارسی نوشته شده بطور مفصل بحث می‌کنیم.

لطایف الخیال

ابتداء «لسان سحران فصاحت آفرینی معر دماغ فکرت حقیقت گرینی صدی گوهر گنجینه رار مسلم الثبوت دشوار پسندان عراق و حجار . (حافظ)»

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب شیخ معید شیرازی (محمد بن محمد عارف شیرازی دارابی)

معروف به شاه محمد^۱ است که از تلامذه و شاگردان شیخ بهائی است. شرح حال معصل وی بدست نرسیده ولی از شرح حال شعرای دیگر که در این تذکره مرقوم نموده اسب بعضی اطلاعاتی درباره زندگی وی بهم می‌رسد. از آنجا معلوم می‌شود که وی بسال ۱۰۶۲ هـ در شهر دولت آباد هند بود در آن شهر تا دیر ماند (رجوع کنید به دکر میر برهان ابرقوئی) و در دوران اقامت در هند در سورت و احمد آباد بوده و در سورت نامیرا محمد حسین حائری اصفهانی و در احمد آباد با پسران میر فاضل الحسینی بطبری^۲ ملاقات کرد و همچنین در احمد آباد نامیرا یوسف قزوینی برادر میرزا طاهر وحید^۳ ملاقات کرده اسب

در سال ۱۰۶۷ هـ مؤلف از هندوستان بایران مراجعت کرد و می‌نویسد که در این مسافرت سائلک قزوینی و او با هم در یک کشتی بودند. در ایران غالب اوقات خود را در شیراز و اصفهان گذرانده و در شیراز با نظمی بهبهانی و حکیم رکماکاسی^۴ ملاقات کرد

۱- از روی یادداشتی که در ابتدای سحه منتخب تذکره لطایف الحیال متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۲۹۵۱ آمده است اسم مؤلف تذکره لطایف الحیال «شیخ مفید شیرازی محمد بن محمد شیرازی دارابی الموعود شاه محمد» است. پروفیسور اقبال در مقاله‌ای درباره «لطایف الحیال» که در اورینتل کالج مگربین مورخ نوامبر ۱۹۳۴ م (قسمت اول) با وجود بداستن اسم مؤلف این تذکره تألیف آنرا به محمد الداوانی نسبت داده است و استوری هم این عقیده را تصدیق نموده است و در سحه این تذکره که متعلق به کتابخانه ملک است اسم مؤلف محمد بن محمد عارف شیرازی ذکر شده است. در پایان حلد اول این سحه شرح احوال مختصری به نثر بسیار مصبوع آمده است و نگارنده آن شرح حال یک کسی بنام اسمعیل است که از مؤلف و کتابش خیلی تعریف کرده و نوشته است که بعد از سعی بسیار دیوان مؤلف را بدست آورده و اشعاری چند از آن را بتحاب نموده در این کتاب آورده است

۲- محسن العرابی مامور پلیس محلی و منظور بطرحها نگیر پادشاه بوده

۳- ر.ک. به آتشکده آذر متصحیح آقای حسن سادات ناصری ح ۳ ص ۱۲۲۱

۴- سال وفات رکماکاشی در تذکره ها ۱۰۶۶ هـ آمده است ولی مؤلف و لطایف

الحیال، می‌نویسد که وی رکما را در ۱۰۶۷ هـ در شیراز ملاقات نموده است و از این معلوم می‌شود که رکما تا سال ۱۰۶۷ هـ هنوز در قید حیات بوده است. برای شرح حال حکیم رکما کاشی.ر.ک. می‌باید چاپ تهران ص ۹۳ و خلاصه الاشعار تقی کاشی و مجمع الحواسب و اکبرنامه و عرفات تقی واحدی و توتوک بها نگیری و عمل صالح و سر و آراد و حرا به عامره.

و در اصفهان رفاقت مفصلی با صائب و شاه مجدای تهرانی و صادق پسر شیخ موهی اصفهانی^۱ بوی دست داد. درباره صائب مینویسد که او بر مولف خیلی لطف و شفقت میفرمود و مولف از صحبت وی خیلی استفاده کرد.

مولف دوباره به هندوستان رفت (ولی معلوم نیست در چه سال) و تالیف این تذکره (لطایف الخیال) را در سال ۱۰۷۶ هـ در حین اقامت در هند شروع کرد چنانکه در دیل نام میر محمد باقر داماد پسر میرزا صادق شیرازی مینویسد: «در بعضی جنگل هندوستان که حمیر تالیف این مجموعه مینمود از اشعار ایشان این بیت در خاطر بسپیل انموزج بصفحه اوراق نقل نموده. بیت.

با این دو روزه عمر حه آید بدست ما
نامایه قلیل چه سودا کند کسی

مولف به همراهی میرزا قاسم خلیف میرزا محسن محصل به تاثیر بنیارت نجف اشرف و کر بلائی معلی رفت اما سال این مسافرت معلوم نیست.

شعراى دیگر که مولف با ایشان ملاقات کرده بدین قرارند

۱- میر تقی شاگرد میرزا حلال اسیر که مولف درباره وی مینویسد که در موقع تالیف این تذکره میر تقی در حهانگیر نگر (دهاکه) بوده و دیوان خود را ترتیب میداد و خیلی مشتاق ملاقات ناو بود

۲- میر صابر حسینی که با مولف صحبتی داشت مولف مینویسد که میر مرپور در رهاپور در سال ۱۰۶۴ هـ فوت کرد

۳- مولانا واهب همدانی^۲ که بعول مولف در حیدرآباد سال ۱۰۷۴ فوت کرد

۴- میرزا صادق کاشی که مولف او را در دیل شعراى سوحوان معاصر حساب

۱- محرن العرایب شیخ مومن در خدمت جهانگیر پادشاه و از رفقای تقی اوحدی

(مولف عرفات العاشقین) بوده.

۲- محرن العرایب برادر مولانا روقی همدانی

کرده است .

درباره بقیه احوال زندگانی مولف اطلاعاتی در دست نیست .

آثار مولف

طبق یادداشتی بعنوان «توصیح» که در آخر نسخه «منتخب تذکره لطایف الخیال» متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده است ملاشاه محمد (مولف تذکره لطایف الخیال) «تصانیف مفیده بسیار دارد از آن جمله است شرح صحیفه سحادیه موسوم بریاض العارفین»^۱

این تذکره هیچ مقدمه و حاتمه ندارد و ظاهراً هیچوقت پایان نرسیده است و بنا بر این سال تالیف و سبب تالیف و غیره را ندارد . اما از متن کتاب معلوم میشود که مولف تالیف این کتاب را با سال ۱۰۷۶ هـ آغاز نموده است چنانکه در ذیل نام میر مرتضی مینویسد «در حین تالیف این مجموعه که سنه ست و سبعین (والف یعنی سنه ۱۰۷۶ هـ) است در حها نگیر مگر ترتیب دیوان لطافت بیان که سه هزار بیت است داده اند».

همچنین در ذیل ناقرای عصار شیرازی و میرزا صائف سال (آغاز) تالیف را ۱۰۷۶ هـ ذکر نموده اس

مولف ظاهراً تا سال ۱۰۷۸ هـ در تالیف این کتاب مشغول بوده است چنانکه در پایان شرح حال میرزا اسمعیل مینویسد : «تاسنه هزار و هفتاد و هشت هجری که تاریخ تالیف لطایف الخیالست ..» اما چون بعد از ۱۰۷۸ هـ سالی در این کتاب ذکر نشده باین میتوان باین نتیجه رسید که بعلمت مرگ مولف یا علل دیگر کار تالیف این تذکره با تمام مانده است .

در متن کتاب اسم هیچ کتاب دیگری را بعنوان مأخذ ذکر نکرد

۱- این یادداشت امضاء یا اسم نویسنده ندارد اما ظاهراً بخط آقای ناستانی رادست که سابقاً این نسخه متعلق مکتبخانه وی بوده و بعضی یادداشتها باین خط و نامضای وی در حواشی و ابتدای کتب دیگر بر که سابقاً متعلق مکتبخانه وی بوده و اکنون متعلق مکتبخانه مرکزی دانشگاه تهران است دیده شده است .

با براین معلوم نیست که در تألیف شرح حال شعرای قدیم چه کتابهای حروم مباح مؤلف بوده است. البته شرح حال شعرای معاصر را غالباً از خود نوشنه است.

تبصره بر کتاب

طبق فهرست اسامی شعرا که در ابتدای نسخه دانشگاه لاهور آمده است عده شعرا چهارصد و پنجاه و چهار است اما نسخه دانشگاه لاهور که تنها جلد اول این تذکره را دارد شامل دکر صد و نابرده^۱ ساعر است و در نسخه کتابخانه ملک تهران که هر دو جلد این تذکره دارد تنها سیصد و پنجاه و چهار دکر شده است

مؤلف شعرا را از روی استان و شهرهای آنان طبقه بندی کرده است بدین قرار
 ۱ - فارس و سانکاره ۲ - نواح فارس ۳ - اصمهان ۴ - توابع اصمهان
 ۵ - کاشان و توابع آن ۶ - دارالمؤمنین قم ۷ - قزوین و ساوه و بواحی آن ۸ - ری
 و تهران و توابع آن ۹ - همدان ۱۰ - توابع همدان ۱۱ - اردبیل آذربایجان
 ۱۲ - تبریز ۱۳ - توابع آذربایجان ۱۴ - شوشتر ۱۵ - طبرستان و گیلان ۱۶ -
 مازندران ۱۷ - استرآباد ۱۸ - یرد و نواح آن ۱۸ - کرمان و توابع آن ۲۰ -
 حراسان و نواح آن ۲۱ - بیسا نور ۲۲ - مشهد مقدس ۲۳ - هرات و توابع آن
 ۲۴ - بلاد متفرقه از حراسان ۲۵ - قندهار و سیستان ۲۶ - ماوراء النهر ۲۷ -
 هندوستان و توابع آن ۲۸ - روم و توابع آن و بحف اسرف و کر بلائی معلی

این تذکره شامل دکر بعضی از شعرای متقدم و متأخر است که تا سال ۱۰۷۸ هجری میریسته اند و با «حافظ» شروع شده با «قدسی کر بلائی» تمام میشود.

مؤلف در ردیل نام اکثر شعرا شرح حال آنها را محصور ولی اسعار آنها را بمعصل آورده است

تنها در ردیل نام شعرا و اسخاص ریر شرح حال آنها را بسبب بمعصل آمده است

۱ - در مقاله ای که پروفیسور اقبال در اورینتل کالج مگرین مورخ نوامبر ۱۹۳۴م (قسمت اول) راجع به «لطایف الحیال» نوشته است عده شعرای این نسخه تذکره را دوپست و چهارده دکر نموده است.

نظام دست‌غیب و کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی و صمیری و شیخ بهاء‌الدین محمد و میرزا صایب و شیخ صفی و شاه صفی الصفوی و شاه عباس ثانی و ابوطالب تریری و فارغ و شمس‌الدین شوشتری و نورالله شوشتری و میر سیدعلی و تقی‌الدین محمد و طالب‌ای آملی و بصیرالدین طوسی و سیدحسینی و مولانا جامی و هلالی و انوری و اصفی رویهم‌رفته شرح حال نورالله شوشتری معصل‌تر از همه (در چهار صفحه) آورده است.

اشعار قریب به صدویست و پنج شاعر را سده معصل و اشعار شعرای ریر را خیلی معصل آورده است

شیخ بهاء‌الدین محمد (۲۴ ص) و میرزا حلال اسیر (۲۰ ۱/۴ ص) و میرزا صایب (۲۲ ص) و رلالی خوانساری (۵۱ ص) و عارف شیرازی (مؤلف ۱۷ ص) و طالب‌ای آملی (۱۸ ص) و وحشی یردی (۲۵ ۱/۴ ص) و طهوری ترشیری (۴۷ ص).

رویهم‌رفته اشعار زلالی خوانساری را معصل‌تر از همه (۵۱ ص) آورده است و اراقسام شعر اشعار منتخب ارساقی نامه طهوری ترشیزی^۱ را معصل‌تر از همه (۴۲ ص) آورده است

در دیل نام‌اشیخ بهاء‌الدین محمد اسم آثار وی را معصلاد کر کرده است. رباعیات سام‌میر را و همچنین رباعیات سنائی غرنوی (بعد از حسن دهلوی) و اشعار منتخب فیضی را بدون شرح حال آنان آورده است (و طاهراً فرصت نکرده است شرح حال آنان را بویسد)

در دیل نام اکثر شعرا يك سطر برای معرفی و چند بیت از آنان آورده است

۱- برای نسخه کامل ساقی نامه طهوری ر ك ساقی نامه طهوری چاپ کانپور ۱۸۷۶ م که در حدود چهار هزار و پانصد بیت محشی دارد. این کتاب در کتابخانه شخصی آقای گلچین معانی در تهران موجود است و مشارالیه در موقع تصحیح انتخاب ساقی نامه طهوری که در «میخانه» عبدالسی آمده است این کتاب را پیش‌تر خود داشته است (ر ك میخانه چاپ تهران تا تصحیح و تحشیه آقای گلچین ص ۳۶۵ حاشیه ۱).

مانند مجرد شیرازی و شریف و باقی بهاویدی

سك اشای مؤلف عالماً حلی مصوع است و گاهی نشر مسجع هم بکار برده است
اسب مخصوصاً در موقع تعریف و تمجید از شعرا

همچنین فل از اسم و تحلی شعرا عالماً چند لقب توصیفی نشر مسجع آورده است
مانند « سالک مسائل عرفان در دریای ایمان مر کردایره حقیق و صواب رسی شیخ
سعدی فارسی » گاهی این القاب توصیفی حلی معصل آمده است چنانکه در دیل نام حافظ
و میرزا اسمعیل .

روپهم رفته این تذکره در مورد شعرای رمان او انگریب عالمگیر شاه (۱۰۶۸-
۱۱۱۹هـ) و شعرای معاصر مؤلف دارای اهمیت سرائی می باشد و چون مؤلف با اکثر
شعرای معاصر خود سحاصاً ملاقات کرده است بنا بر این مطالبی که درباره رید گانی
آنان در این تذکره بسته است مورد اعتبار و اعتماد می باشد اما چون این تذکره
بعلی نامعلوم با تمام مانده است و مؤلف در بسیاری از موارد نتوانسته است شرح حال
شعرا را با تمام برساند بنا بر این نمیتوان این مطالب را کامل حساب کرد و اگر مؤلف
فرصت بیسری داشت حتماً بعضی مطالب را بر آن می افزود

در هر حال این تذکره چنانکه امروز بدست ما رسیده است دارای ارزش و اهمیت
فراوان می باشد و باید آن را در ردیف تذکره هائی مانند عرفات و میحانه و خلاصه الاسعار
که بسیاری از شعرای مد کور در لطایف الحیال در این تذکره ها ذکر شده است حساب
کرد اما چون مؤلف لطایف الحیال فرصت نکرده در این تذکره دوباره بطر کد و
مطالب آنرا اصلاح و اضافه نماید بنا بر این تذکره بر عکس کتب مد کور بصورت کامل
در بیامده و با تمام مانده است

نسخه خطی

(۱) داسگاه لاهور- « باحافظ شروع شده » « با حکیم رکن مسیح و رکی »
تمام میشود و شامل شعرای نسخ طبعه از فارس تا کاسان است و قسمت کاشان نیز با تمام است
چون از حمله سی و دو تن ساعر مد کور در فهرست اسامی شعرا که در اول این نسخه تحت عنوان

کلمات الشعرا

ابتدا

«سبح حاسب و دیگر گفتگو حانان رمن نشو

اگر هر لحظه حان ناره می خواهی سبح نشو

بعد حمد سبح آفرینی که حقیقت اسان را شراف امتیاز بنطق اسرف محلوقات
ساخته و بعد بی امی که بوء قلم از عار شق نکرده بشق العبر پرداخته»

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب میرزا میاں محمدافضل متخلص به سرخوش و بعول اشپرنگر

معروف به «حیلا» است

اسم حدش میرعل بیگ است که اصلاً اهل بدخشان بود و اسم پدرش محمدراهد
است که درس کار عبداللّه حان رحمی^۱ سمب میرساما بی را داشت بعد از وفات عبداللّه حان
خون مردم او وارد خدمت شاهی سدید هر پنج پسر محمدراهد در مرمره مسلکین درگاه
عالمگیری منحرف سدید از آن جمله میاں سرخوش که سردوم محمدراهد بود و
حرو بکران ساهی گسب

سرخوش در سال ۱۰۵۰ هـ بعد ساد حنّان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) در کسمیر متولد شد و

میرمعز «افضل اهل زمانه» ناریخ تولد او گفته است

بصرآ نادی او را لاهوری نوشته است و بیرو میگوید که سرخوش در سال ۱۰۸۳ هـ
در لاهور سکو ب د است ولی خوسگو این قول بصرآ نادی را تکذیب نموده است سرخوش
میگوید که در موقع تألیف این کتاب (۱۰۹۳ هـ) در دهلی در گوشه خلوت انروا
نشسته بود

اگر چه سرخوش در کسمیر متولد شد ولی در سهد بر رگ بد وی از حرد سالی
سعر گوئی علاقمند بود و با ناصر علی سهدی رفیق بود در شعر اول ساگرد برادر

۱- برای شرح حال عبداللّه حان رحمی ر ک مآثر الامرا ج ۳ ص ۹۲

بر رگ خود بود و بعد شاگرد میرزا محمد علی ماهر شد .

همچنین در حدود سال ۱۲۰۰ در خدمت معتمد حکام شیرازی هم مشق سخن میکرد و از صاحب میر معر موسوی خان (متخلص به فطرت) استفاده می نمود . خان آروز در باره سرخوش می نویسد :

« هر چند شاگرد محمد علی ماهر است اما استفاده تمام در خدمت میر معر فطرت المحاطب (معروف) به موسوی خان نموده » و میر معر راجع به سرخوش چنین عقیده داشت

« در همدسه شاعر دیدم عی و ناصر علی و سرخوش »

سرخوش اول درس کار (خدمت) عبدالله خان رحیمی شاه جهانی در خدمات بعضی کار حاجات بوده و بعد از فوت خان مر نور در خدمت شاهی درآمد در سال ۱۲۸۷ هـ در حسن ابدال سمب «سرفی عدالت» ه صوب شد حاجانکه خود س تاریخ آرا «اشراف عدالت» (= ۱۲۸۷ هـ) گفته است

در آخر عمر به منصب تحویل داری احاس مدرس صوبه (استان) سرافرا رسید و به دارالاحلافه رفت و در حواله سعداله خان حویلی (مرل) صاحب و در آنجا اقامت گردید و روی هر دو تخته در مرل خود این دو فقره (حمله) بخط حلی نوشته بود که تا زمان تألیف سقیه خوشگو خوانده می شد « اگر بیائی در بار است و اگر بیائی حق بی نیاز است »

بقول خوشگوروری پس شاه گلشن رباعی زیر را خواند
چار اندر تحقیق کماهی آگاه

بی اول شان در افواه

پس مولوی و سحابی و ملا شاه

پس سرخوش عریب الله الله

شاه گلشن از این «ویریه های بی مره» سرخوش مدتی اروی قهر بود ولی در
انجیگری یکی از آشیای سرخوش دوباره ناوی آشتی کرد :

سرخوش از اول طبع درویشانه داس و همیشه بدریاف حقایق نصوف توجه تمام داشت و خودش بیر به جماعت صوفیه بعلق داس در آخر عمر گوشه ابرو و گوسف ولی بکلی تارک دنیا سد و وطایف دیوای خود را کما فی السابق انجام میداد سرخوش تاریخ خلافت و سجاده نشینی خود را بیر گفته اس

از حمله شاگردان وی معروف تر ادهمه بدر این داس خوشگو مؤلف «سعینه خوشگوی» اس

غیر از او سرخوش اسامی ساگردان ریر را در کلمات الشعرا ذکر نموده

اس

حافظ محمد جمال نلاس و بیغم ریراگی (که مثل خوشگو هندو بود) و سبح سعد الله گلش و عبدالرحیم کم گو کسمیری و حکم چند بدرت (که بیر هندو بود) مؤلف در ماده تاریخ گوئی بد طولائی داس و ماده تاریخ وفات بعضی شعرا که خودش گفته اس در کلمات الشعرا آورده اس ما نند ماده تاریخ وفات راسخ مالا مفیدو صائب و ناصر علی سر همدی و محمد علی ماهر و میر معروف طرت

سرخوس سن هفتاد و شش سالگی در رمان فرح سیر پادشاه هند (۱۱۲۴-۱۱۳۱ هـ) در سال ۱۱۲۶ هـ^۱ در دهلی فوت کرده همان حامد فوس شد

خوشگو در سعیه خودش فرح سرخوس را چنین آورده اس که در سلح محرم هرار و صدویس و سس در حالت بیماری سحبت که بحر نه رع شده بود این رباعی سرود و بدست میان فصل اله خوشتر پسر میانه خود که خطاط بود داد و گفت که این رباعی را بر کفن من بخط در سب بویسید

سرخوش کار الله فصل و کرم اس از معصیت و سیاه کاری چه عم اس

رحشیدن برو بن و حوس داران رحم چه فرو و عصب چه سیار کم اس

۱ - در کلمات الشعرا چاپ دانشگاه مدراس سال وفات سرخوس ۱۱۲۷ هـ آمده است و آذر ۱۱۲۵ هـ و مولف صحف ابراهیم ۱۱۲۷ هـ و مولف تاریخ محمدی (برگ ۳۱۴) آخر محرم ۱۱۲۵ هـ ذکر کرده است (برای تاریخ محمدی رک زیوح ص ۱۰۸۶ الف) .

سپس رونه طرف یاران کرد که آن وقت حضور داشتند و گفت چون من به جهان دیگر میرسم ارمی سؤال میکند که سرخوش ارحمان چه آوردی؟ جواب میدهم که این رباعی بعنوان هدیه و بدر آورده ام اگر بحشید بهتر و الا میگویم که شعر فیهی عالم بالا معلوم شد

بعد از یک پاس از این حالت سس هفتاد و شش سالگی آرادانه حان بجان آفرین سپرد و متصل قدم رسول (؟) مدفون گشت»

لاله سکهر اراح متخلص به سبب ماده تاریخ وفات وی را «افصل دهور» (یا «آه افصل دهر») یافته و حکم چند بدرت یکی ارشا گردان وی «رحمان رف آه عارف یارک» گفته است

سرخوش در کلمات السعرا راجع به پسری صجیب کرده است و تاریخ ولادت وی را «اکمل محمد افضل» (= ۱۰۹۴ هـ) آورده است و حان آرزو اسم یسر دیگر را از سرخوش ذکر نموده که بقول وی «بدارو» (بدار سرخوش) شعر میگفت و هر تحلیص میدود و در عین شباهت حان گردان را وداع نمود «- مؤلف گل رعنا و سقیه خوشگو تحلیص فصل الہرا خوشتر و اورا بسرمیانه نوشته اند

آثار مؤلف

(الف) - شعر .

۱ - دودیوان - بقول مؤلف «گل رعنا» شامل شعر قدیم و جدید بود «و حاوی قصاید و غزلیات و رباعیات و نظمهای مختلف» و از بی احتیاطی و غفلت فروردین سرخوش تلف شد. راجع به دیوان سرخوش گرد آورنده «سره آراد» - ر حاشیه آن نوشته است که در کلکته طبع رسیده است اما گمان میرود که آن دیوان میرزا یحی حان سرخوش باشد که شاعر ایرانی و معاصر مظفر الدین شاه قاجار است و دیوان سال ۱۹۰۶ م در چاپخانه حمل المیس کلکته چاپ شده است

۲ - کلیات سرخوش - بقول خوشگو کلیات سرخوش مستمل بر چهل و پنج هرا

۱- اما حیف که سبب کم توحیی و بی پروائی صاحب ادب هاشمیت کم یافته رک سینه
نه شو جواب یتنه همد ص ۷۷

تصريح بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۰۹۳ هـ تألیف نموده اسب واسم این کتاب «کلمات - الشعرا» ارروی ابعاد سال تألیف آنرا میرساند اما عصی وقایعی که در این کتاب ذکر شده سال ۱۱۱۵ هـ تعلق دارد

در مورد سب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده اسب
 «پوشیده نما نذر یرانی که پیشتر (قبل از این) بآلیف و ترتیب تدکرة الشعرا پرداخته اند ابتدا از احوال و اشعار رود کی کرده تا بسخنوران عهد خویش رسانده اند اکثر تواریخ و تذکره که تارمان عرش آشیان اکبر شاه رقمی گشته (یعنی نوشته شده است) در هر تاریخ احوال ایشان مسطور اسب و در هر تذکره ذکر همین هامر قوم. بحاطر فاطر گشت که از روی نوشته یکدیگر سواد برداشتن و نقل نویسی لطمی
 بدا

مکرر گر چه سحر آمیز باشد طبع را ملال انگیز باشد
 مناسب حیا میباید که چون در این ایام روح سخنان رنگین حیا لا و معنی - تازه یا بان بسیار اسب و (از) اشعار خواهر عیار ایشان بیاضی بر روی کار، اگر ترتیب احوال و تدوین اقوال ایشان سعی نموده آید بر حاسه لهداشتمه (ای) از احوال و اقوال سخن سنحان عصر نورالدین حها نگیر ساه تا باز از حیا لان عهد عالمگیر شاه که بایه معنی یابی را بمعراج کمال رسانده و فقیر سر حوس فیض صحبت اکثری (از آنان را) دریافته و با بعضی سبب هم عصری داشته آنچه نگوس خورده کم و بیش موافق ترتیب حروف تهجی بعید قلم و ضبط رقم در آورده ند «کلمات الشعرا» موسوم گردا بیدو تاریخش بیر اربام (آن تذکره) بر آورده (اسب)»

این تذکره مشتمل اسب بر ذکر در حدود نویست شاعر و ترتیب اصناف از روی حرف اول اسم با تحلیص شاعر و با «میه الهی» شروع شده با «میریحی کلتی» تمام میشود و شامل سمرائی اسب که در عهد حها نگیر ساه و شاه حها و اور نگزید عالمگیر ساه (یعنی میان سالهای ۱۰۱۴ هـ و ۱۱۱۹) میریسته اند

شرح حال شعرا که مؤلف در این تذکره آورده است اکثر از خود مؤلف است و ارجای دیگر بعل نکرده است اما در تألیف این کتاب ارباب میر معزموسوی حان موسوم به گلشن «فطرت» و بیاض محمد علی ماهر و بیاض محمد رحمان را سخ بیراستعاده کرده است و ظاهر اشعار بعضی شعرارا از آنجا بعل و انجاء نموده است چون اکثر شعرای این تذکره معاصر مؤلف بودند و مؤلف با غالب آنان ملاقات کرده یا با آنان رفیق بوده است بنا بر این بیانات و اظهارات وی درباره آنان قرین اعتبار و اعتماد میباشد

در رمایکه شعرا اربی اعتنائی و عدم توجه امرا و پادشاهان وقت در گوشه عزلت رندگی بسر میگردید مؤلف با تألیف این تذکره و جمع آوری اشعار آنان در این کتاب ثابت کرده است که حی در آن دوره که نارار سخن کساد بوده با این وصف بعضی شعرای حوی در سرزمین هندوستان میریسته اند و محفل سعروسحن فارسی را گرم نگه داشته اند

با وجود اینکه مؤلف با اکثر شعرای مذکور این تذکره معاصر بوده و با اکثر آنان ملاقات نموده و بنا بر این موقعیت و فرصت حوی برای بدست آوردن اطلاعات لازم راحع بر دگانی شان باسد سال ولادت و وفات و سرح تحصیلات و آثار آنان را داشته اما متاسفانه مؤلف را این فرصت حوب که ماحصه استعاده نموده و در دیل سرح حال شعرا اکثر اطلاعات مهم راحع بر دگانی آنان را بهم رسانیده و بحای آن بوشن حکایات با معتربی ارش پرداخته است

مؤلف در پایان دیباچه کتاب طی بیبریر ادعای عجیبی کرده است

داخل اهل سخن بیست نه پیش دانا هر که نامش نه بود در کلمات الشعرا
الته مقصود و منظور مؤلف شعرائی است که از رمان حباگیر شاه تا رمان عالمگیر شاه می ریسته اند حون این تذکره تنها در ذکر شعرای همان دوره میباشد .
سرح حال شعرا را حیلی مختصر آورده است و حتی در دیل نام شعرای ریر که سرح حالشان را سة مفصل آورده است اکثر اطلاعات مهم را حع بر دگانی شان نداده

مثلاً رجوع شود به نام بینش کشمیری و ملارصوا

در دیل نام بعضی شعرا برخی اشعارشان را با اسعار دیگران معایسه نموده‌اند
چنانکه بعضی اشعار موسوی خان را با اشعار ناصرعلی و صائب و غیره مقایسه و مقابله
کرده‌اند

در دیل نام شعرای زیر اشعار خود را که در جواب بعضی اشعار آنان یا در همان معنی
گفته‌اند نقل کرده‌اند

اعجاز و بدل و خایخان و راسخ و طالع و موسوی و ماهر و مفید و منصف و واثق
درویش و اله .

سك اشای مؤلف در اکثر موارد ساده و سلیس است و مؤلف حتی الامکان
از عبارت پردازی احتراز نموده و مطالب خود را باختصار و ایجاز بیان کرده‌اند اما
گاهی بوسیله طرق زیر بعضی عبارات را می‌بینیم و مصنوع ساخته‌اند

۱ - قبل از اسم یا تحلیص بعضی شعرا بعضی کلمات تعریفی را آورده‌اند که
با اسم یا تحلیصشان حساس دارد مانند

«بکمالات صوری و معنوی ممتاز مولوی محمد اعجاز» یا «بحربی ساحل میرزا
عبدالقادر بیدل» .

یا «آراسته باطن و ظاهر میرزا محمد علی ماهر»

۲ - رعایت اسم یا تحلیص بعضی شعرا يك دو حمله در تعریف آنان نوشته‌اند
چنانکه در دیل نام حیران مینویسد «میخواست که بتقلید ناصرعلی راه رود . راه اصلی
خود هم گم کرده حیران است»

یا در دیل نام رمانا مینویسد «در معنی یابی یگانه رمانه بود»

همچنین در دیل نام تلاش و دستور و شوقی و شرر و فصیحی و قادر و قانع و کلان
و مشهور و نازکی و ناطق و نصیب و هم یک دو حمله رعایت تخلص آنان در تعریفشان
آورده‌اند

U I. در

۱۸۸۱ تا ۱۹۱۲ در

۱۸۸۱ - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

(۱۸۸۱) - ۱۸۸۲

در آن دهه مستقیم سالها را می‌گذرانید

۳- کتابخانه‌های اربعه اوقات (تخصیلات) حوثی اربعه

در آن دهه بود که خود خود در سال ۱۰۸۱ هجری قمری

۲- شاه‌نشین در ۱۰۸۰ هجری قمری و در ۱۰۸۱ هجری قمری

و اما سال ۱۰۸۱

۱- اسم یکی از طوایف اربعه اوقات - ر. ک. - در آن دهه

و سیر حاکم در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

در آن دهه و سیر حاکم در آن دهه

نظم بر نثر را نشان داده است همچنین برای اثبات شعر شواهدی را اقرار آن واحدیت آورده اس

سپس در مورد ابتدای شعر فارسی و اقسام آن و بیان حط و اقسام آن و بیان حروف و العاط و اعراب بحث کرده اس .

شش قسمت شعرا بقرار زیر اس .

قسمت اول - مشتمل بر دگر پنجاه و هشت تن^۱ ارشعراى متعده كه بارود كى شروع شده با آصفى (معاصر حامى) تمام مىشود

قسمت دوم - مشتمل است بر دگر هشت تن ارشعراى معاصر كه با مير حلال اسير^۲ شروع شده با مولانا سحابى بحفى تمام مىشود .

قسمت سوم - مشتمل است بر بیست و هفت تن^۳ ارشعراى عهد شاه جهان كه با محمد حان قدسى شروع شده با يوسف بیگ شایق^۴ تمام مىشود

قسمت چهارم - مشتمل اس بر دگر یازده تن ارشعراى رنده كه با نوان عاقل حان (رازى) شروع شده با احمد عىرت تمام مىشود

قسمت پنجم - مشتمل است بر دگر یازده تن^۵ ارشعراى رنده كه صیب شهرت آبان دایران و توران رسیده اس و با شیخ ناصر علی شروع شده با تیج محمد امین و حش^۶ تمام مىسود

قسمت ششم - مشتمل است بر دگر پانزده تن شاعر كه با مہرى هروى شروع شده با همدى تمام مىشود .

۱ - از روى سحہ ريو ۶۰ تن

۲ - ريو «میر را» نوشته است و همان صحیح است

۳ - ريو ۲۸

۴ - در سحہ ريو قسمت سوم با امیر معر فطرت تمام مىشود و يك شاعر اصافه دارد

۵ - از روى سحہ ريو ۹ تن

۶ - سحہ ريو با «شیخ عبدالقادر» تمام مىشود و دو شاعر كسر دارد

بقول ریو مؤلف این تذکره را بنام شاه جهان آراسه است^۱ اما این محققاً صحیح نیست چون شاه جهان شاه در ۱۰۶۸ هـ بنسب پسر خود از رنگریب از حب معلوم شده و بنندان افتاد و در سال ۱۰۷۵ هـ فوت کرد. بنابراین مرآت الحیال که تألیف ۱۱۰۲ هـ میاشد بیست و به سال بعد از فوت شاه جهان تألیف شده است مؤلف این کتاب را بنام هیچکدام از «ملوک و حواسب» عنوان نکرده است چنانکه در مقدمه کتاب در دلی عنوان «تمهید» (ص ۲۰) مینویسد

«بعضی عریان در سوابق ایام تذکره ها بنام پادشاهان نوشته اند و در ضمن احوال شعرا ذکر ملوک و حالات آنها درج نموده اگر چه آن تألیفات بیهی حالیه و فایده بیست و همان فواید که از کتب تاریخ حاصل آید از آن رسایل مصور است و لیکن چون در افم حروف را از تحریر و ترتیب این گلدسته بهارستان خیال مقصدی دیگر در پیست است و شایه مدحت ملوک و حواسب بیا موم خاطر این عرض راه ندارد»

شرح حال شعرا ی قسمت اول را از تذکره های دیگر نقل کرده است ولی بقول خود مؤلف قسمتهای دیگر را خود سبسته است و از حای دیگر بر نداشته است چنانکه خود سب بعد از کرخواحه آصفی (آخرین شاعر قسمت اول) حبیب توصیح میدهد

«آنچه در اوراق صدر بر زبان و قلم گذشته از تذکره ها و کتب بواریح بود بعد از این هر چه سب میگردد بحد کلام مؤلف این اوراق است و الکلان علی الملک المان».

و تنها احوال و آثار بقیه پنجاه و هفت شعر شاعر را مؤلف خودش سبسته است

۱ - ر. ک. ریو جلد اول ص ۳۷۰ - طاهر آ این اشتباه از عبارت دلی سرچشمه گرفته است که در تقریط میرزا محمد حاکم الکتاب (ناشر تذکره مرآت الحیال در سال ۱۳۲۴ هـ از بمبئی) در ص ۳۴۴ آمده است «از بحمله کتاب مستطاب گلدسته بهارستان کمال تذکره مرآت الحیال که در این باب امیر الامرا امیر شیر علی حاکم لودی در عهد سلطه شاه جهان پادشاه هندی تألیف ساخته است».

این کتاب (حای نمئی) مشتمل بر سیصد و چهل و دو صفحه امادین یا چوبوش ح حال و نه و نه
اسعار، شعر او حاتم یعنی مطالبی که تذکره تعلق دارد در صد و هفتاد و سه صفحه آمده است
و در نغید صد و سست و نه صفحه مؤلف بحث های متوسط و معضلی را جمع بموضوعانی خارج
حارج از موضوع تذکره آورده است و بنا بر این حجم کتاب در نتیجه اضافه شدن این مطالب
از موضوع تقریباً دو برابر شده است بنا و خود این که این مطالب مهم و مفید است
اما چون خارج از موضوع تذکره است بهر بود اگر مؤلف در یک یا چند ساله حد آید

تنها یک مطلب که مؤلف در ضمن شرح حال ندارد که بعضی شعر آورده است بنا
اندازه ای بموضوع کتاب مربوط است و آن بحثی است درباره علم عروض و قوافی که
مؤلف در دو باب ندارد که ملائیت در ۲۴ صفحه آورده است که در باب اول آن پنج فصل
در ۱۲ صفحه و در باب دوم سه فصل در ۱۲ صفحه آمده است

اما مطالب خارج از موضوع کتاب بهر از زیر است

۱ - بعد از «طلم (هراتی)» درباره علم نفس در یک «اساره» و چهار «دقیقه»
در سی صفحه بحث کرده است

۲ - بعد از شرح حال «مالا شاه» تو بیج در بیان معنی تفسیر و تأویل و تفریق
میان اینها در ۲ صفحه داده است (و ح اب است که بعد از آن اسعار ملاسه را
بغل کرده است ۱۱)

۳ - بعد از «روش صمر» درباره موسیقی در ۱ صفحه بحث کرده است

۴ - بعد از «شیخ محمد سعید قرنی» درباره علم معجزات در دین و اصل
در ۲۹ صفحه بحث کرده است و اصل اول را در ۱۲ و اصل دوم را در ۲۲ صفحه و اصل دوم را در ۲۲ صفحه
در ۱۲ صفحه آورده است

۵ - بعد از «میر احمد نیک حقیقی» درباره وحید حیات و حب و ان فداده
در ۶ صفحه بحث کرده است

۶ - بعد از «سیح عبدالعزیز و سرور» راجع به عشق در ۱۲ صفحه بحث کرده

است و اشعار و حکایات مختلفی در این باره نقل کرده است (و سپس سافى نامه بوسرفرار را آورده است).

۷ - بعد از « شایق » درباره حمر و عیره درده « وحه » بحث کرده و بعضی اشعار « حمريه » را در هس صفحه شرح داده است

۸ - بعد از « حکیم فیض علی » بحث های مفصلی راجع بعلم طب در دو صفحه و ا فالیم سعه در شش صفحه و « کلیم گوش که از تحم فایل آدم اند » در ۸ سطر و لطایف المعوی در هشت سطر و ریاح در یک صفحه و حال در پنج صفحه و بحر ها در پنج صفحه و عرایب عالم در ۷-۸ صفحه و عجایب دریا در ۲ صفحه آورده است .

۹ - بعد از « وحش » راجع بعلم اخلاق در سه « مقاله » و چند « شعبه » و « نوع » در ۲۴ صفحه بحث مفصلی آورده است

همچنین در دیل نام مولانا لطف شرح حال امیر تیمور گورکان و در دیل نام سید نعمت الله شرح حال ساهر ح بن امیر بيمور را آورده است که هر دو طاهر ا هيچوقت شعر سروده اند

در دیل نام دوساعر ریر عر از نمونه اسعار حد نمونه شر را بیر از آنها نقل کرده

۱- در دیل نام سکر الله خان دو نامه از ناصر علی و حواب آن از طرف سکر الله

۲- در یل نام حلیل حراسانی ك رفعه او (نامه او) در تهییب عید العطر

مؤلف شرح حال اکثر سعار را مختصر آورده است ولی عالیا اطلاعات مهم راجع برندگان آنان مانند سال تولد و وفات و غیره را بهم رسانیده است اما حوا و افلا بجا و هفت ساعر از جمله شعرای مذکور معاصر مؤلف بودند و مؤلف طاهر ا ناسیاری از آنان ملاقات هم کرده بود و حیف است که شرح حال آنها را بن این حار و احصار آورده است چون حقایق این بود که سحر آنان را مفصل تر و متوسط تر می آورد

همچنین اسعار سعار را هم عالیا مختصر آورده است ولی میتواست مفصل تر بیاورد حوا اسعار آنان در دسترس وی بودند و حتماً مؤلف دواوین بعضی از شعرای مذکور را

(چه آنهایی که فوت کرده بودند و چه آنهایی که هنوز در قید حیات بودند) دیده بود و
 بنابراین میتوانست از دواوین آنها اسعار بیشتری را انتخاب نماید در هر حال
 معلوم نیست علت این اختصار و ایجار عدم فرصت بیشتری بوده یا عدم توجه خود مؤلف
 باین موضوع

رویه پرفته اگر از بعضی اختصار فوق العاده صرف نظر کنیم از حیث اصالت مطالب
 این تذکره حروبهترین تذکره های دوران اورنگریب عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹)
 میباشد

گاهی آثار مشهور شعرا را نیز بطور نمونه آورده است مثلاً رجوع شود به شرح
 حال شاه نعمت الله و شکر الله خان و میرزا خلیل حراسانی و ناصر علی و بیدل^۱
 مؤلف شرح حال شعرا را نیز را بستاً مفصل آورده است

رودکی و امیر خسرو و حواجه حسن و عبدالرحمن حامی و ظهیری و عرفی و صائب
 و طاهر کسمیری و محسن فانی و شیخ عبدالعزیز بنوسر فرار (هر کدام در یک صفحه) و
 عیدر اکابی و فیضی و قدسی و ناطم هراتی و حیدر بهان و ملا فطرت و بیدل (هر کدام
 در ۱ صفحه) و فردوسی و شیدا و شاه نعمت اله و محمد علی ماهرو بواب عاقل خان
 و شکر الله خان (هر کدام در ۲ صفحه) و محمد سعید قریسی (در ۳ صفحه) و ملا شاه (در ۳
 صفحه)

رویه پرفته شرح حال ملا ساه را از همه مفصل تر آورده است
 هر کدام مؤلف نمونه اشعار شعرا را نیز با سبب مفصل آورده است کمال الدین
 اسمعیل قدسی و شیدا و ملا فطرت و محسن فانی (هر کدام در یک صفحه) و شاه نعمت اله
 و بیدل (هر کدام در ۱/۴ ص) و محمد سعید قریسی (در ۲ صفحه) و شیخ عبدالعزیز بنوسر-
 فرار (در ۱/۴ ص) و رویه پرفته نمونه اشعار بنوسر را از همه م
 گاهی بعضی اصطلاحات و اشعار را شرح داده است (رجوع شود به
 و حافظ)

۱- در دیل نام آور قعه ای (نامه ای) را از خود هم نقل کرده است
 ۲- در دیل نام او دو رقه (نامه) را از ناصر علی نقل کرده است

۱۵ - ۱۸۷۱

۳۰۱ - ۱۰۰۰

۴۱ - ۱۰۰۰

(۲۳۸۶ - ۱۰۰۰)

۱۱ - ۱۰۰۰

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

۳۳۳

۷ - ۱۰۰۰

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

(۱۱ - ۱۰۰۰)

۱۱ - ۱۰۰۰

۱۱ - ۱۰۰۰

۱۱ - ۱۰۰۰

۱۱ - ۱۰۰۰

چاپ کتاب

۱ - کلکته ۱۲۴۶ هـ .

۲ - بریلی ۱۲۶۲ هـ (رجوع شود به اشپریگر س ۱۴)

۳ - بمبئی مطبع مطهری ۱۳۲۴ هـ

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به نادلین ستونهای ۲۰۷ - ۲۱۱

برای شرح حال مؤلف : رجوع شود به مرآت الحیال و استوری ح ۱ ق ۲ ص ۸۲۴
تذکر

کتابی بهمین نام (مرآت الحیال) از تألیفات تلسی رام بن دوی چند اس که
داستان عشقی اس به شر (برای نسخه آن رجوع شود به اندیا آفس ح ۲ ص ۳۰۶۹) .



همیشه بهار

ابتدا

« ای دکر تو گلغروس ناراز سخن

رنگین ر تو برگ برگ گلزار سخن

اوصاف تو دیباحت مجموعه حسن

توصیف تو متناظره رحسار سخن »

سبحان الله رهی رتنه سخن که اگر اورا میوه بیش رس بوستان مطاهر تحلیات

گوناگون حوام بحاس و اگر باعث سوویمای استحار و صاف امس و آفاقی موافق

امر کن گویم سرا »

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب کسر چند متخلص به احلاص اس ستیق در « گل رعده » و را

حبا آنادی (دهلوی) میویسد اسم پدرش احل داس دهلوی اس که مرث وی

مرکز فضل بود و وی در شعر ساگرد میرزا عبدالعنی قبول کشمیری بود^۱ وی ارفوم
کهری بود و پدرش مشرب درویشی داشت و غالباً در صحبت قهرای صاحب کمال
سر میسرد^۲

اخلاص دررمان حیات پدرش کارداری (که برسان اردو پهنکیتی گویند)
یاد گرفت بعد از آن شعر گوئی متوجه و مایل شد وی دررمان احمد شاه (۱۱۶۰-
۱۱۶۷ هـ) فوت کرد^۳

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۳۶ هـ تألیف کرده است چنانکه بقول خودش عدد اسم
آن «همیسه بهار» (= ۵۶۸) دو برابر کرده سال تألیف کتاب را میسراند
این تذکره مشتمل است بر شرح حال و نمونه آثار سیصد و هفت شاعر^۴ بر ترتیب
الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر و با «امیر حان» بحام^۵ شروع شده با «احمد یار حان»
یکتا تمام میشود این تذکره درباره شعرائی است که از رمان جهانگیر ساه (۱۰۱۴-
۱۰۳۷ هـ) تا حلوس محمد ساه (۱۱۳۱ هـ) می ریسند و هم محسب بعضی شعرا که در رمان
اکبر ساه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) بودند نیز در این تذکره مدکورند
مؤلف شرح حال «الاشیدار» (در سش صفحه) و اشعار کلیم کاسابی را (در چهار صفحه)
مفصل تر از همه آورده است

سکای سالی مؤلف در دیباچه مصوع و گاهی مسجع است ولی شرح حال شعرا
را نسیقه بران ساده تر نوشته است

۱ - ر ك گل رعنا در دیل نام «اخلاص جهان آبادی» .

۲ - ر ك گل رعنا در دیل نام «اچل داس»

۳ - ر ك ربوح ۴ ص ۱۰۸۶

۴ - استوری تقریباً دو بیست شاعر (ر ك استوری ح ۱ ص ۸۲۶)

۵ - سسحه «حدانحش» (نانکی پور) با «میرزا حلال اسیر» شروع میشود و «بحام»
آخرا شاعر هشتم است و در سسحه اندیا آفس «امیر الهی» شاعر اول است و «بحام» آخرا شاعر دوم است
ولی در سسحه اشیر بگر «بحام» شاعر اول است .

در ۱۰۵۳ هـ دنیا آمد و بعد از عنوان سب در خدمت اکثر علمای دین و اصحاب یم
 رسیده و از صاحب آنها کسب فیض نموده حندی در سر کار حاجاب حان سب سپاهگیری
 گذرانید و از حمله چهل تن که بحوهر حالات و مردانگی اشتها داشتند بود
 بیست و دو سالگی اردن با قطع بعلق نموده و دستجوی حنیع بر آمد تا اینکه در بلده نرها پور
 بعد از شاه نرها سطاری رسیده چندی در خانقاه وی ماند و از صاحب پر فیض وی استفاده
 کرد (بعد از مرگ شاه نرها) بعد از میر عبدالخلیل (بلگرامی) رسیده تسکین قلب
 رسانید سپس در خدمت میر سید احمد کالپی رسیده و دست ارادت دامن تریب وی زد
 (احمدی تحلیص بمناسبت اسم همین پیر اوس) بعد از مرگ سید احمد مروری سلگرام
 وطن اصلی خود مراجعت نموده قریب شصت سال در گوشه عرب بدوق و شوق
 گذرانید و سن بود سالگی سب سه چهارم حمادی الاول سه ۱۱۴۳ هـ داعی حق را
 لبیک گفت

ببحر آدم حوس دوفی بود و در شعر «تلاسهای رنگین» داس بود و در بصوف بیر دستگاہی
 بهر سا بیده و حیدر ساله در توحید و تصوف تألیف نمود و سر وی حنیفه و حادیه و صوفیا
 داسه و وی چند مشوی بیر در همین موضوع (تصوف و عرفان) سروده بود وی سیار حوس
 صاحب و حدی و محبوب مردم بود و با کمال ادب و حسن خلق با مردم رفتار میکرد

ببحر خط سگسته حوب میبوس و سر هم حوب میگفت و با سحر ای معروف رها
 خود صاحبها داس مخصوصاً میرا بیدل از صاحب وی سیار محظوظ میشد مؤلف
 در سینه خود مجلس خود را نامیرا بیدل بیان کرده است

مؤلف با موسیقی و فنون دیگر بیر آشنائی کامل داشت
 خوشگوبل میکند که ببحر در جستجوی کار با گره رفته بود اتفاقاً محمد
 عاشق هم در خدمت صوبه دار (ساندار) که لشکریا را استخدام می نمود حضور داس
 چون بی حیدر رسید بده عاسق این مصرع ناصر علی را برای وی خواند

«ببحر بیر رسیدی در منزل بستند»

آراد در «سرو آراد» می نویسد که در ۱۱۳۴ هـ ببحر و او را بلگرام تا ساها حها

آناد (دهلی) همسفر بودند

در آخر عمر دهلی رفت آزاد در «مآثر الکرام» می‌نویسد که در وقت احتضار مردم از وی استعسار کردند که اگر حکم سودن عشر را به بلگرام نفرستیم یا در این شهر (دهلی) حائنی را اسباب و مرما نهد تا مطا بق آن عمل کنیم وی فرمود که این مشت حاک را مر حائنی که خواسته باشید بیا ندارید

همچنین در حسن احتضار شخصی که او را در مسأله وحدت و خود نایب حر راه سخن بود پرسید حالا چه می فرمائید بیخبر جواب داد سخن مردان یکی است

وفات بیخبر در دوسه چهارم دو القعد سه ۱۱۴۲ هـ یکسال قبل از فوت پدر در دهلی اتفاق افتاد و در همان شهر در حواری مرقد سلطان المسایخ نظام الدین اولیا بر سر شاهزاده مل بدیو از سر قی با ع دریا حاک لغای اعظم شاه بن سلطان اورنگزیب بحاک سپرده شد

آزاد بلگرامی قصیده ای (مریبه ای) بر وفات بیخبر انشاد کرد که هر مصرعش ناریخ فوت بیخبر را می رساند

مطلع و بیت بعد از آن اتفاقاً دو قافیتین شده است. این قصیده دوازده بیت دارد که بیت اول آن بهرار زیر است

می رید خوش تلاطم نار عمان الم

۱۱۴۲

اشک می ریزد بروی روح مرگان قلم

۱۱۴۲

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱ - سقیه بیخبر - کتاب مورد بحث

۲ - حد رساله در توحید و تصوف

۳ - کلیات که مشتمل است بر پانزده هزار بیت^۱ ارقصیده و غزل و رباعی و مثنوی

تصريح در کتاب

مؤلف در مورد سبب تألیف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است که طلب سخن بر هر کس واجب است بنا بر این مؤلف حواصی که بعضی اسعار را از شعرای متقدم و متأخر در سینه خود یاد کر اسامی و موطن آنها ثبت نماید بعضی اردوستان وی ناو گفتند که هر گاه که قید نام و نشان شعر در میان آمده است کتاب بصورت تدکیره میشود ولذا بهتر آنست که این سجع بحای خود علیحده با سد و مولف هم طبق توصیه آنها عمل کرد اما اشعار متقدمین را حسب بطویل سجع ارایه احدا کرده تا نا آن اشعار مجموعه حدیث گاه ای در سبب کمد و در این سینه بها اسعار شعرای متأخر در میان آنها بگیر شاه و شاه عباس صفوی بعد از عرفی و ثنائی تارمان مؤلف که عصر محمد شاه و محمود شاه افغان بوده آورده است

این کتاب سال ۱۱۴۱^۲ تألیف شد و شامل احوال و آثار مختصر (۹) شاعر متأخر

به ترتیب العا اروی حرف اول اسم یا تحلیص آنان میباشد

این سینه با احمدی (بدر مولف) شروع شده با احمد یار خان یک کتاب تمام میشود مؤلف خودش در مقدمه اعراف کرده است که در این مجموعه بعضی شعرائی هستند که ادره بیست شعر بیشتر نگفته اند و حتی بعضی ها کسانی هم هستند که حریک بیست دیگر نگفته اند ولی طبق این شعر

بیک بیت دعوی مسلم بود اگر مصرع مصرعی هم بود

اسم آنها را هم در این سینه آورده است

این سینه مشتمل است بر ۱۴۱ صفحه و شرح حال و اسعار اکثر شعرا بسیار مختصر

۱ - ر ك سینه خوشگو - ولی در «شتر عشق» هفت هزار بیت «در «سرو آزاد» قریب

به هفت هزار بیت آمده است.

۲ - ر ك مقدمه حرا به عامره که در آنجا آزاد در ضمن اسامی ماحد آن کتاب سال

تألیف سینه بی حیر را ۱۱۴۱ هـ ذکر کرده است

است و عالماً مؤلف حدکلمه برای معرفی اسم و تخلص ساعر و یکدوبیت از او بدل کرده است

شرح حال کلیه شعرا بسیار مختصر است (مثلاً رجوع شونده احمدی و ادهم و میر را اسیر و دحیر (مؤلف) و غیره)

اسعار بعضی شعراء را معصل ولی شرح حالشان را بسیار کوتاه آورده است بلکه عالماً در یک دو حمله و گاهی در حدکلمه آنها را معرفی کرده است مانند اوجی و الهی و ایحد و شاپور تهرانی و غیره

اسعار شعرای ریر را از دیگران معصل تر آورده است . میرزا اسیر و بیختر (مؤلف) و ناصر علی سهریدی (سره دی) و وحید قروینی

سکاسای مؤلف ساده و عاری از تصنع است و در سراسر کتاب مؤلف زبان ساده و آسانی بکار برده و از تکلف و عبارت برداری احتراز ورزیده است

رویه پخته این کتاب از این حیث که مجموعه مختصری از اشعار شعرای آن دوره اسد دارای اهمیت و ارزش می باشد ولی چون فاقد اطلاعات مهم درباره زندگی شعراست نمیتوان آنرا جزء تذکره های خوب و سودمند حساب کرد

البته مؤلف در اسباب اسعار و وی خوبی نشان داده و در این مجموعه مختصر اسعار خوبی را برگزیده است

سج خطی

سج های از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است که ظاهراً تنها نسخه ایست از این کتاب که امروز در حاکم آمده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع سوده سقیمه بیختر و سرو آزاد ص ۳۱۵ و ۳۲۵ و مائرا کرام ح اول ص ۱۱۵ و حرانه عا، ره و سقیمه حوسگو و تذکره بیطیر و نشت عشق

تذکر

اسبوری اسم این تذکره را در فهرست خود بیاورده است و از وجود این سفیده اصلاً اطلاع نداشته است

مقالات الشعراء

انتدا «گلشن گلشن گلهای حمد و ثنایار حباب عالی محید سحر آفرین»
اسم مؤلف این کتاب شیخ قیام الدین متخلص به حیرت واسم مدرس سیح امان الله
اکبر آبادی اسب

مؤلف در ورق ۲۸ (سجده متعلق به کتابا بهرامپور) می نویسد که وطن آنائی او
اکبر آباد (آگره) اسب و پدر وی بکارهای حروی مامور بود حیرت سی سال عمر خود را
در لہو و لعب تلف کرد و بالاخره چند ماه پیش از تألیف این کتاب (در ۱۱۷۳ھ) همراه
دیوان کشنچی بوده و دیوان مر نور در خدمت بها کر سور حمل مقام طباس براداس

تصنیر بر کتاب

حیرت این تذکره را سال ۱۱۷۳ھ تألیف کرده اسب حابا که اسم اس کتاب
«معالات الشعراء» از روی حرف ابجد میرساند

مؤلف در مقدمه کتاب اسم کسریر را که در تألیف این تذکره مورد استفاده
وی بودند ذکر کرده اسب .

۱- تذکره واله

۲- تذکره آرو

۳- تذکره شوق (تذکره سغرای اردو)

این تذکره مشتمل بر صد و پنجاه شاعر مباحره بر سبب العبا که از رمان
اورنگ ریب شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹ھ) تا رمان عالمگیر ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ھ)
میرسته اند و با «آرو» شروع شده با «محمد اشرف یکتا کسمیری» تمام میسود

سرح ابواب این تذکره از روی العبا برار براس

برگ ۳ باب الف - اسراح الدین آرو با میرا ارحمد آزاد (۱۴ ساع)

برگ ۱۱ باب الباء از میرا مهدی بیان با حواحه حسن الدین بیان (۸ ساع)

- برگ ۱۵ باب التاء - از محمد تقی تعظیم تاسیدرضا تمکین (۳ شاعر)
- برگ ۱۶ باب التاء - از محمد افعلساعدتاراجه، حگل کشف و تروت (۴ شاعر)
- برگ ۱۷ باب الحیم - از میر محمد جعفر تاملاطر علی حرأت (۳ شاعر)
- برگ ۱۹ باب الحاء - از حاجی محمد گیلانی تامیان محمد حیات (۱۰ شاعر)
- برگ ۳۴ باب الحاء - از ددراں داس حوسگو تاحوشر (۵ شاعر)
- برگ ۳۵ باب الدال - از میرزا هاشم دل تاحواحه میردرد (۴ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الدال - عبدالله دزه (۱ شاعر)
- برگ ۳۸ باب الراء - از میر محمد رضا ناهحمد رحیم حاس (۶ شاعر)
- برگ ۴۰ باب السس - از ساطع کشمیری تحدیجه سلطان دیگم (۶ شاعر)
- برگ ۴۲ باب السس - از میرزا کاظم شرما رای تسکرای شوق (۹ شاعر)
- برگ ۴۷ باب الصاد - از میرزا صمیر ناخدا یب علیحان صمیر (۲ شاعر)
- برگ ۴۸ ب باب الطاء - عبدالناهی طیب (یک شاعر)
- برگ ۴۸ - باب العس - از سید مرتضی علم تا سگهم لعل عرت (۱۲ شاعر)
- برگ ۵۲ باب العس - عافل و غیرب (۲ شاعر)
- برگ ۵۴ باب العاء - از میرزا سید محمد فدائی تا فایر (۹ شاعر)
- برگ ۵۶ باب القاف - از عبدالعی قیول تا مشتاق رای قدرت (۳ شاعر)
- برگ ۵۸ باب الکاف - از عصم بالله کامل تامیرزا گرامی (۴ شاعر)
- برگ ۵۹ باب اللام ولمیم - از اظفعلیحان نامیر تقی میر (۱۵ شاعر)
- برگ ۷۳ باب النون - از بورالله بیگ درعب تا دیار (۱۲ شاعر)
- برگ ۷۶ باب الواو - از میرزا محمد ابرک الله واصح تا والہ داغستانی (۷ شاعر)
- برگ ۸۰ باب الباء - از علی هام (یک شاعر)
- برگ ۸۰ ب باب الیاء - از احمد نازحان یکتا تامحمد اشرف یکتا (۴ شاعر)
- این تذکره مستمل برد کبر سغرای متاخر میباشند و اکثر مطالب آن ارتد کرده‌های دیگر که اسم آنها در سطور فوق گذشت ماحود و مقفیس سب و دما بر این نمیتوان

برای این تذکره اهمیت زیادی قائل شد

در هر حال بعضی مطالب راجع به شرح برخی شعرا را مؤلف از خود پس هم اضافه کرده است و ما برای این نمیتوان بکلی ادرس آن را انکار کرد

نسخ خطی

۱ - اسپرنگرش ۳۱

۲ - رامپور - مورخ ۲۵ حمادی الاخری ۱۲۲۸ هـ (رجوع سوده محله اورینتل

کالج لاهور ح ۶ س ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰ م ص ۱۱۶-۱۴)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اسپرنگر ص ۶۰-۱۵۳

برای شرح حال مؤلف :

رجوع شود به مقالات السعراء حیرت و محله اورسل کالج لاهور ح ۶ س ۲

۳ مورخ فوریه ۱۹۳۰ م

سینه خوشگو

ابتدا (دفتر اول) (۱)

دفتر دوم - « الحمد لله وال سب که توفیق (او) از سوید دفتر اول سینه خوشگوی

فراع حاصل شد »

دفتر سوم - « احوال متاخرین اردفتر باب سینه خوشگو مستمل برد کر

معاصرین اسب که بعضی از آنها سب هم عصری داسه »

(سجده «آب آورد»)

« در این زمانه رفیعی که حالی از حلال اسب

صراحی می باب وسعیه عرل اسب

«رورروس» خوشگو را بدر این داس «دهلوی» نوسه^۱ است که صراحتاً اسماء است
 قیام الدین حرت در مثال الشعراء می نویسد که خوشگو از قوم هندی و بنام بود و
 اشراف نگر (ص ۱۵۵) می نویسد که حیرت در باره خوشگو و سبه است که وی دیا بود
 از سارس و اراشا گردان بیدل بود. باید بوجه داس که ۱۰۰ او فعال هندی و نام معنی است
 و سعه ایست از حرفه بیس اما آنکه خوشگو اصل سارس بود صحیح نیست همچنین
 مؤلف «محرر العرایب» می نویسد که خوشگو از «ایفه بیس را حیوب درد بهگوان
 داس هندی در «سعیه هندی» بر این قول را تأیید نموده است و میگوید که خوشگو
 از طایفه بیس است که «فرقه ایست از قوم را حیوب دیواره من مضافات اوده و سلسله
 اسباب ایسان سال ناخی که سنده مثل سمراده دیگر مایه ۱ (دکمه اح) در کراغان
 خاریست میرسد» اما طاهر آ را حیوب از قوم کهتری^۲ دیده به بیس

سال تولد خوشگو معلوم نیست اما خوشگو در سیه خود که در بین سالهای
 ۱۳۳۷ و ۱۱۴۷ هـ تألیف شده است در دیل شرح حال بیدل می نویسد «غیر در این مدت
 عمر که به جاه و شرف مرحله طی کرده»^۱ و بنا بر این تولد خوشگو در بین سالهای -
 ۱۰۲۸ - ۱۰۸۸ هـ اتفاق افتاده است

خوشگو در سیه خود در باره اسامی خود اشاره عائی کرده است در دیل
 نام حکم خدمت می نویسد «۱ و فعیر دهم ربط من وی داس و نامی خدمت
 مؤلولی محمد و اخلاق باصرتی می خواندیم و در حیات حضرت سر حوس میگذ
 سخن من میگذرانیده هم مسوق هم طرح بودیم»

همچنین در دیل شرح حال میان صادق الف (ص ۲۱۹) می نویسد

«در عهد پادشاه سق (درس) از «محرر اسرار در خدمت من خوانده و این
 قدر بنا گردی موسوم است» و در دیل شرح حال بهوب رای نعم بیراگی
 (ص ۱۰۱) می نویسد «عمر چهارده سالگی از حده او اسامه معوی
 میگرد (م)» و در دیل ترجمه حال حاتم دیگر حاتم (ص ۹۰) می نویسد «فر خوشگو

بر تعلیم نوشته‌ام و مشق کرده»

حوسگو در شعر شاگرد محمد افضل سرحوش (متوفی ۱۱۲۶هـ) بود چنانکه خودش در ردیل شرح حال سرحوش می‌نویسد که در چهارده سالگی اشعار خود را بطر اصلاح وی می‌گذاشت و همچنین می‌گوید که سرحوش تحلیص وی را خوشگو گذاشت. «همان روز از روی کمال تحلیص خوشگو عایب فرمود و گمت لفظ خوش را تحلیص خود برآورده بحشیده‌ام»

قیام‌الدین حیرت در «معالات الشعراء» می‌نویسد که خوشگو در اول مشق سخن پیش مرزا بیدل و محمد افضل سرحوش و سعدالله گلشن نموده و حان آرزو می‌نویسد که خوشگو از شاگردان او بوده چنانکه در مجمع‌النفایس می‌گوید «حالادر عظیم آباد و سارس می‌باشد و گاه گاهی خطوط (نامه‌ها) با اشعار خود یشش فقر می‌فرستد» و حای دیگر می‌نویسد که خوشگو تابست و مسح سال مصاحب دائمی وی بوده است و قول آرزو می‌بر صحت می‌باشد چنانکه به تنها آرزو شعر خوشگوار اصلاح می‌مود بلکه حتی در سغیه خوشگو هم چندین مرتبه نظر کرده و در چندین موارد عباراتی را بدس خود اضافه نموده است

پروفسور عطاء الرحمن (گردآورنده سغیه خوشگو چاپ پتیه) می‌نویسد که خوشگو شاگرد محمد افضل سرحوش و سراج‌الدین علی‌حان آرزو و لاله‌سکبراح سمیت و بهوب‌رای بیراگی بی‌عم و مصاحب دائمی شاه سعدالله گلشن و مرزا عبدالقادر بیدل بود و روابط دوسانه با مرزا مطهر و آرزو و شعرای دیگر معاصر خود داشت

خوشگو در مساعره‌ها (مخالف ادبی) که در مرل مرزا بیدل و گلشن برپا میشد حضور می‌یافت و این فیصل احتمالاً در مرل خود هم تسکیل میداد و از شعرای معروف آنوقت دعوت نموده و از آنها پذیرائی گرمی بعمل می‌آورد

خوشگو از همه بیشتر با بیدل از ادب داشت چنانکه در ردیل شرح حال بیدل می‌نویسد که مؤلف هر روز بخدمت میرسید (ص ۱۰۹) و «در عمر زیاد از هر روز مرتبه خدمتش مستعید شده باشم» (ص ۱۱۸).

بقول آرو ووشمیق خوشگو سغینه حودرا نام عمدة الملك امیرحان متخلص
به انحام باطم صوبه (استان) اله آباد عنوان کرده اس و بواب مر بوروری دو روپه
بر محصول (مالیات) تمام اله آباد برای او معرر نمود و این مستمری تا موقعیکه نواب
عمدة الملك درود حیات بود بخوشگو میرسید

همچنین خوشگو در سلك ملازمین لاله کهرت حمد دیوان هیس جنگ بیر
منسلك بوده و لاله مر بور خوشگورا در زمان اقامت وی در تبه و سارس تریس و کمک
میسود و در مواقع دیگر برار وی مواظب و بشیانی میکرد خوشگو در سغینه حود
در دیل نام را حه رام نراین متخلص به مورون میویسد « واسطه ملازم بواب هیس
جنگ شهید (۱۱) و تقرر و حه معاش ارسر کارایسان او بوده »

خوشگو مدت ده سال یعنی از ۱۱۳۷ ه تا ۱۲۴۷ ه در تألیف سغینه حود مشغول
بود اما بعداً بعل حمله نادر شاه (۱۱۵۱ ه) نتوانست سححه حر کنویس آن کتاب را
پاکویر کند چون در نتیجه این حمله محو شد با بقای لاسکرشاهی به کوت کانگره
برود^۱ و در پنجاد در حدود هفت یا هشت سال اقامت داشت ولی در ۱۱۵۵ ه بدهلی
مراجعت نمود^۲ و سغینه حود را با استاد خود سراح الدین علیحان آرو داد تا در آن نظر
کرده آنرا اصلاح نماید و آرو سرح حال بعضی سرحا و مقدمه را بر آن افزود^۳
در موقع تألیف « مجمع المایس » (۱۱۶۱ ه) خوشگو در عظیم آباد و سارس
رندگی میکرد^۴

۱ - ده ك اشپرنگر ص ۱۳۰

۲ - اگر این روایت اشپرنگر صحیح باشد که خوشگو در ۱۱۵۵ ه بدهلی مراجعت
نمود پس وی ظاهراً در حدود چهار سال (۵۵ - ۱۱۵۱) در آنجا اقامت داشته است نه هفت
یا هشت سال یا اینکه وی قبل از حمله نادر شاه و بعد از اتمام سغینه حود در ۱۱۴۷ ه به پنجاد
رفته است

۳ - ده ك اشپرنگر ص ۱۳۰

۴ - آرو در مجمع العائس میویسد « حالا در عظیم آباد و سارس میباشد » این
عبارت قبلاً گذشت .

حوشگو اول خدمت میگردولی بالاخره ترك دنیا کرد بلباس فقراء در آمد
اول کسیکه صحبت وی خوشگورا نامذاق عرفان آشنا کرد سدا شد بی تکلف عمومی
حوشگو بود^۱ و همان لذت بعداً او را وادار کرد که از لذایذ دنیا دست کشیده در گوشه
انروا نریاض بپردازد

حوشگو بعد از ترك دنیا اول در اله آباد و سارس و عظیم آباد بسر میبرد و ایام آخر
زندگانی را در اله آباد گذرانیده بالاخره در عظیم آثار (پته) در سال ۱۱۷۰ هـ از این
دارقانی بسوی ملك حاودانی شتافت قدرت الله شوق در «تكملة الشعرا» در باره
حوشگو میویسد «آخر در قصه بدر این رفته فوت شد» اما شعیق در «گل رعنا»
میویسد «در عشره سابع بعد مایة والف (۱۱۷۰ هـ) در عظیم آباد پته بیکر عصری
وا گذاشت»

حوشگو در باره شاگردان خود در سعبیه اشاره ای نکرده و تنها در «سعبیه هندی»
اسم نورالعین واقف بعنوان شاگرد حوشگو ذکر شده است چنانکه مؤلف «سعبیه هندی»
میویسد

«ورالعین واقف در ابتدا مشق سخن نزد وی (حوشگو) میکرد»

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- سعبیه حوشگو - تذکره مورد بحث

۲- مرقع - حوشگو موقعی تربیب داده در آن اسعار و نمونه آثار شعری
معاصر را بخط خودشان جمع آوری نموده بود اما حیف که امروز اتری از آن
مرقع با نمانده است

۳- مله و طات بیدل - حوشگو در دیل شرح بیدل میویسد که وی «ملعوطات
بیدل را تربیب داده بود و چون هزارها نارد در خدمت وی حضور داشته امامتأسفانه امروز
از این کتاب هم هیچ نسخه ای باقی نمانده است

۳- ر.ك. سعبیه حوشگو دفتر سوم، شرح حال «سدا شد بی تکلف».

تبصره بر کتاب

چنانکه در سطور فوق گذشت مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۱۳۷ هـ آغاز نموده و پس از ۱۱۴۷ هـ با تمام رسا بدو در سال ۱۱۵۵ هـ حان آرد و به شرح حال بعضی شعرا و دیباچه‌ای به این کتاب اضافه کرد. بجزیر آغاز و اتمام این کتاب را میرساد آغازش در سفینه خوشگوی بود انجامش در سفینه خوشگوی است

۱۱۴۷

۱۱۳۷

ترتیب اسامی این تذکره در روی تاریخ بولد یا قوب سعرا است این کتاب مشتمل است بر سه دفتر - دفتر اول شامل ذکر ۳۶۲ شاعر معتمد است و بنا «رودکی» شروع شده با «کافی تمام میشود دفتر دوم مشتمل بر ذکر ۸۱۱ شاعر^۱ متوسط و متأخر و بنا «حامی» شروع شده با «سگونی» (متوفی در حدود ۱۰۶۰ هـ) تمام میسود دفتر سوم شامل ذکر ۲۴۵ شاعر معاصر مؤلف اس و بنا «فطرت» شروع شده و بنا «مسی سربسکه جا کسر» تمام میشود^۲

برای شرح دفتر اول این کتاب رجوع سوده نسخه‌ان یا آفسش ۴۰۲۳

تبصره بر نسخه «آب آورد»

نسخه‌ای از «سفینه خوشگو» که در ی سوستری در ۱۲۴۱ هـ از روی نسخه‌ی «آب آورد» دوباره اسد مساح کرده و بعضی مطالب را بر آن افزوده شامل بعضی قسمت‌های دفتر دوم و سوم میباشد و مستمل است بر ذکر بریاً ۱۱۰۲ بن ساعر^۳ ترتیب الصا مؤلف در شرح حال سعرا اسم کتاب‌های بربراد کر نموده است که از آن در تألیف

۱- نسخه نادرین شامل ذکر ۸۱۱ شاعر است اما نسخه اشپر بگرد کر تنها ۵۴ شاعر داشت (رک اشپر بگرس ۱۳۰)

۲- رک نسخه نامکی پور - این نسخه با عبارت زیر شروع میشود «تراحم بعضی موروان فصل دوم تذکره سدرا داس خوشگو تحلیص» و از این عبارت معلوم میشود که این نسخه ناقص الاول است و فصل اول از آن افتاده است همچنین در این نسخه شرح حال شاعر اول «فطرت» اصلاً نیامده و مؤلف تنها اشعار او را نقل کرده است .

۳- رک نسخه مرکری تهران ش ۲۶۵۵

۱- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۲- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۳- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۴- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۵- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۶- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۷- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۸- مؤلف

۹- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۰- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۱- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۲- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۳- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۴- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۵- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۶- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۷- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۸- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۱۹- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۲۰- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۲۱- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۲۲- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۲۳- مؤلف ۱۲ کتاب در ۱۲ جلد

۲۱- منتحات حصرت گلشن- رجوع شود به نام میر الهی . -

شرح حال شعرای ریرا سسه مفصل آورده است

اکبر پادشاه و حلال اسیر و ادهم تر کمان و ایسی کتا دار و بیرم حان و حها بگر
پادشاه و میرزا جعفر آصفحانی و حمالی کسوه و رلالی حواساری و سرحوش و سقب
سکهر اچ و شکیمی و نعمت حان عالی و شیخ عطار و عنی کشمیر و عی تفرشی و قادری
دارا شکوه و مولانا مایلی و محمد ماهر و منیر لاهوری و بصیر همدانی (هر کدام در یک
صفحه) و حکیم همدانی و مولانا محتشم و معینی حوینی و همایون پادشاه (هر کدام در
۱ ص) و سمرند و بطیری (هر کدام در ۲ ص) و صائب (در ۲ ص) و حاجانان
و ملاشیدا (هر کدام در ۳ ص) و بیدل (در ۹ ص) .

رویه مرفته شرح حال بیدل را مفصل تر ا ر همه آورده است .

همچنین اسعار شعرای ریرا سسه مفصل آورده است .

میرزا جلال اسیر و میر سحر کاشی و شکیمی و نعمت حان عالی و عی کشمیری
و عیانا حلوائی و قدسی و کلیم همدانی و مشرفی و میر لاهوری و نظام دسعب و بطیری
و درویش و اله (هر کدام در یک ص - تقریباً ۳۰ بیت) و حیرتی و توبی و طبری و عرفی
و فوحی (هر کدام ۱ ص) و سالک یردی و سالک قروینی و سعائی و صائب و طعری
مشهدی (هر کدام در ۲ ص) و رصی دانش (در ۲ ص) و دارا (در ۳ ص)

رویه مرفته اشعار دارا مفصل تر ا ر همه آورده است

در دیل نام بعضی شعر اشعاری را که مورد پسند حان آرزو بوده نقل کرده است
مثلاً رجوع شود به آشنا و استعنا و ایس و الهی قمی و ابوتراب احدانی و میر الهی
و محمد ناقر اشراق و امان الله امانی و ناقدی و حری و میرزا نظام دسعب و
سالک قروینی و سالک یزدی و محمد هاشم سحر و محمد قلی سلیم و فریدون سائق و شانی
تکلو و ملاشیدا و عرفی شیرازی و عایب اله شیرازی و رور بهان صری و طاهر وحید و
محمد طاهر و ملا طعری و عیانا حلوائی و فصیحی هروی و میرزا رستم فدائی و فیضی
و نورالدین محمد قراری و قدسی و لسانی شیرازی و میرزا قلی میلی و میرزا ملک مشرقی

ونصیر همدانی و ملا نادم و امیر همایون و درویش و اله .

درذیل شرح حال بعضی شعرا مخصوصاً اشتهاات تذکره بصرآبادی را بیان کرده است رجوع شود به طاهر وحید و حکیم سعیدومیر کفری و علی دأش حاوید و حبیب آشوب و سید مرتضی رصی .

بعضی اقوال را از دیگران نقل کرده اس مثلاً رجوع شود به نام ملاشیدا که درذیل او قول شاه گلشن را نقل کرده و همه چین درذیل شرح حال ناحی و حسن بیک گرامی و ملا فاصل قول آرو را آورده اس

تحلص مر را حانی را غرلی فکر کرده د کرش را در ردیف « غ » آورده است در حالیکه تحلص وی « عرتی » بوده و این عرتی را کسی غیر از مر را جانی قلمداد نموده وی را در ردیف « ع » بام ملا عرتی شیرازی آورده اس (طاهر آ این اشتهاء بدری که سفینه خوشگور را دوباره ترتیب و نظمیم نموده رح داده است)

درذیل شرح حال حصرت میرم شاه حکایتی راجع به شکستن ابریق و رباعی گفتن وی و روسپاه شدن و بار رباعی دیگر گفتن او و در نتیجه دوباره روسفید شدن وی که در اکثر تذکره ها و کتب به حیاام دیشاوری مسوسست (والله اعلم بالصواب) مؤلف آنرا به میرم شاه بسب داده اس

د کرد و بعر را نام «شاه مراد حواساری» آورده اس که طاهر آ هر دو یکی بوده و آنرا مکرر آورده است هم چین د کرصیا، کاشی راهم مکرر آورده است (ص ۲۲۹ و ۳۳۲)

درذیل شرح حال ملا سابق میوید « برادر ملا سعید اشرف که د کرش در دفتر چهارم خواهد آمد» که طاهر آ اشتهاء اس چون این تذکره سدفتر بیشتر ندارد ری گرد آورنده این نسخه «آب آورد» بعضی قسمها را در این تذکره اضافه نموده اس مثلاً رجوع شود به قسمت آخر شرح حال ابوالقاسم فندرسکی و میرزا اشراق و میرزا برقی و حمادی (درذیل نام حمالی) و حسرود هلوی و دارا قاحار .

هم حسین د کر لامع (میرزا نورای لامع) را درذیل حرف «لا» بعد از حرف «ها»

آورده‌اس ۱۱ اما حرف «لا» در هیچ تذکره دیگر دیده شده است
در دیل نام شعرای زیر توضیح داده است که با آنها ملاقات کرده است. فیضان و
جودت.

این رباعی نانا طاهر را نام ملا احسی خوندساری (نظ حواساری)
نوشته است.

ندشت خاطر حرم بروید رخا کم حز کل ماتم بروید
بصرای دل بی حاصل من گیاه ناامیدی هم بروید
در دیل شرح حال «بیحر» می‌نویسد «در تذکره غلام علی آراد مسطور است که
میرا بیحر در کتاب «بیحر نامه» تذکره حقیقه مجلس خود را نامیرا بیدل مصل
نوشته است اما در «سروآراد» اسم این تذکره سعینه بیحر آمده است و نه «بیحر نامه»
(رجوع شود به سروآراد ص ۳۱۵)

در دیل حس بیگ اسم می‌نویسد «تذکره السعرائی نوشته طاهر اتمام یافته
و بطرهم بیفتاده» اما اسم تذکره حس بیگ اسی در حای دیگر دیده شده است
هم چنین در گرد آورده نسخه «آب آورد» در دیل نام طری می‌نویسد
«حفیر در تذکره ملا فریدون قمی» که تذکره فریدونی مسهور است احوال ملا
طری را چنین دیدم «

سك انشای مؤلف

در نسخه آب آورد سكا انشای مؤلف غالباً ساده است اما در موقع تعریف شعرا
بشروع پرداخته است

گاهی العاد بوصی قبل یا بعد از اسامی شعرا آورده است مانند
«ابوالولای تاره گویا حضرت میرزا محمد علی صائب سریری استادالاستاد
رورگار و سرآمد معنی بدان نادره کار» یا «سر کرده شهرستان گف و شیدنواب
وحیدالرمای میرزا طاهر وحید»

هم چنین گاهی جمله ای مصوع در معنی «فوت شد» آورده است مانند

اشعار شعرای ریر راطبق پسند آروو نقل کرده است شاه ناصر علی و غنیمت و
 وحشت و سالم و ایتیار خان خالص و محمد امین مطلع و صدا ف .
 هم چنین اشعار «بیرا گئی» را از روی پسند سر خوش نقل کرده اسب (رحوع شود
 به ص ۱۰۲) .

شعرای دیل اشعارشان را بحط خود برای خوشگوا فرستاده اند و خوشگوا آنها را
 در این سینه شامل کرده اسب : رواج و اشتیاق و احتر و بی ریا و رفع و تمکین و قابل
 و مس و حشمت و متین و محاص و سابق و بی کس و شورش و انای داس محاص
 مؤلف اشعار بیدل را اریباضی که وی بامضای خودش بمؤلف داده بود انتخاب
 و نقل کرده است (رحوع شود به صفحه ۱۲۵)

مؤلف دیوان شعرای ریر را دیده و اشعارشان را از آنجا انتخاب نموده است .
 راسخ و مائل و اشرف و سیادت و میر بحاب و لامع و بیرنگ و عاشق و نعم حان عالی
 و فیضان و وحدت و سر خوش و حنون و عالی و واصح و بی تکلف و تأثیر و حیاء و رائج و
 ثابت و حسرت و حرین و الفت .

روی هم رفته شرح حال بیدل (در ۲۱ ص) و اشعار او را (در ۲۳ ص) ار همه مفصل تر
 نقل کرده است و در دکر بیدل اکثر آواروی و وقایع مهم رند گانی و سرا پای او و روابطه
 او با امرا و ملوک معاصر و قوت وی و حکایات مختلف راحع نادوار مختلف رند گئی
 وی را بیان کرده و چون مؤلف اکثر در خدمت بیدل بوده بنا بر اسب بیانات او درباره
 بیدل مورد اعتماد و موثق تر ار تدکره بویسان دیگر می باشد و میتوان گفت که درباره
 بیدل هیچ کتابی غیر ار تألیفات خود بیدل معتر تر از این کتاب وجود ندارد

در دیل شرح حال بعضی شعرا بر حی حکایات را بدون دکر مأحد نوشته است
 ررحوع شود به شرح حال ملا ساطع (ص ۲۳۶) و غیره

در دیل شرح حال شعرای ریر تصریح نموده اسب که با آنها ملاقات کرده است
 میان شاه ناصر علی و حفطاله خان حهطی و فیضان و حود و سر خوش و تلاش
 و محمد علی مطلع و حاتم بیگ حاتم و دوالقدر و تمکین و بیرا گئی و بیدل و قبول و

سبقت و گلاب رای محصل و شاه گلش و عاقل و حیا و فایر و آبرو و شهرت و برهت و
 استیاق و پیام و قابل و سامان و تاب و تحرید و اختر و مررا گرامی و رافع و شاعر و
 یکس و تما و رفعت و تمکس و حواد و آگاه و شاه میم و عطیم و سامع و واقف و حشمت
 و متین و حرین و سر، گو بال تمیر و محصل و حلب و ابنا ی داس محصل و نابو بال مکند
 و حصوری و حکم چند بدرت و راحه رام برای مورون و مشی سرب سکه حا کستر
 در دیل نام تحرید، نامه ای که وی تآرو فرستاده بود بطور مودیه نقل کرده
 اسب (ص ۸ - ۲۲۶)

اکثر حکایات را که در ضمن شرح حال شعرا بیان کرده اسب از منابع موثق
 و غالباً یاد کراسم منابع خود نقل کرده است مثلاً

در دیل شرح حال ناصر علی حکایاتی از شاه گلش و بهگونت رای قلندر .

» اشرف حکایتی از کلمات الشعرا

» همت » میان علی عظیم پسر همت .

» نعمت حان عالی » میرزا بیدل

» میرزا داود مشهدی نقل قول از حرین

» رائج الهیار (از رفقای رائج)

در دیل شرح حال بعضی شعرا بعضی بیانات تذکره نویسندگان دیگر را در سازه

آنها تکدید نموده و حقیقت امر را چنانکه خودش تحقیق کرده است نوشته

رجوع شود به شرح حال ناصر علی و سرخوش و بیدل که آنجا قول طاهر بصر آبادی را
 تکدید و اصلاح نموده است .

گاهی با عراضاتی که شعرا ی دیگر بر اشعار شعرا ی مذکور این سعه

گرفته اند جواب داده و سدا را از اشعار دیگران آورده است رجوع شود به نام

ناصر علی و اشرف

اما گاهی بر بعضی اشعار شعرا خودش ایراد گرفته است رجوع شود به نام

آراد (ص ۲۶۹) و واقف (ص ۲۸۷ و ۲۸۸) .

مؤلف نا «ماده تاریخ گوئی» هم علاقه داشب و ماده تاریخ فوت شعرا که دیگران سروده اند در دیل شرح حال آنها آورده اسب : رجوع شود به شرح حال ناصرعلی و سرخوش و بیدل و محمد اعظم و مر راحاتم بیگ و حودت و منعم و بیرنگ و میرالهب

سبک انشاء مؤلف در دفتر سوم

در دفتر سوم سینه خوشگو بیرسک اشای مؤلف اکثر ساده اسب اما در موقع تعریف ار شعرا مخصوصاً در دیل نام بیدل و آروو شر مصنوع و گاهی شر مسح بکار برده است

گاهی بعضی اصطلاحات و عبارات عربی را بکار برده است مثلاً

در دیل ناصرعلی مینویسد در شاعری «کوسا و لاغیری» بواحه (ص ۳) .

«خوداں » . دعوی «ا و لاغیری» نموده (ص ۲۸۰)

«سامی » . «و من ادعی فعلیه السد» (ص ۲۳۲)

«عبار » . «و کان دالک فی شهر المومآة و حمسین» (ص ۲۱۰)

همچنین بعضی کلمات اردو (که بعضی از آنها اصلاً فارسی اسب) بکار برده اسب

قانو بمعنی قوت و طاقت (رجوع شود به شرح حال محمد رماں راسخ ص ۸)

گولی بمعنی گلوله (رجوع شود به نام اعظم ص ۴۳) چند گهری بمعنی ساعت (سحا -

ص ۱۹۵) کچهری بمعنی دادگاه (ساح گلشن ص ۱۶۶ و منعم ص ۵۳) خطوط بمعنی

نامه ها (عاشق ص ۵۷) حظ بمعنی نامه (تحرید ص ۲۲۶) بوره بمعنی کامل و تمام

(مشرب ص ۸۲) چلم بمعنی سرقلیان گلی (بیدل ص ۱۱۲) بالکی بمعنی تحسروان

(بیدل ص ۱۱۲) چوتره بمعنی سکو (بیدل ص ۱۲۱) پله ترارو بمعنی کفه ترارو

(بیدل ص ۱۲۳) بالاغہ بمعنی مرتب و بدون تعطیل (بیدل ص ۱۲۰)

املائی بعضی کلمات را طوری نوشته که یا اصلاً غلط اسب و یا امر و رفرق کرده

است :

مسنوی بحای مثنوی (لامع ص ۵۴) نیسه بحای نیسه بمعنی بوه و نواده

(عاشق ص ۵۷) بست بحای بیست (ریاض ص ۱۹۲)

سج خطی

الف ۱- اندیا آفس ۴۰۲۳ (د فبراول) ۲- اشپرنگر ۳۳۰ = برل ۳-۶۵۲
(دفتر اول و دوم، ناقص)

۳- مجلس ش ۴۰۳ (دفتر دوم-۱۲۶۸هـ) ۴- بادلیں ۳۷۶ (دفتر دوم)
۵- دانشگاه لاهور (دفتر دوم- ناقص شامل ذکر ۷۷۵ شاعر ارحامی تامر راری) =
بادلن ش ۷۷۹

۶- نانکی نور ح ۸ص ۸۳-۱۱۵^۲ دفتر سوم (طاهر آ ناقص- بخط آزاد بلگرامی
مورح ۱۱۸۲هـ) دیل ج ۱ ص ۱۷۸۶ (دفتر دوم ناقص- ارحامی تاسروری) = بادلیں-
۶۳۶ (قرن ۱۹ م).

ب - سجہ «آب آورد «کہ» دری» در حدود ۱۲۴۳هـ در شوثرار روی اوراق
پراکنده و آب حورده دوباره ترتیب واستساح نموده اسب

۱- سپہ سالار ح ۲ ش ۹۰ و ۱۱۱۶ ۲- ملک بہرا ۴۳۰۵ (قرن ۱۳هـ)
۳- ریو دیل ش ۱۱۱ (۱۲۵۲هـ) ۴- مر کری بہرا ۲۶۱۵۵ (۱۲۴۷هـ)

۱- این سجہ در فهرست اتہ ذکر شدہ است رک استوری ح ۱ ق ۱ ص ۱۱ x کہ آنجا
استوری علامت I O را شرح داده است

۲- این سجہ دو قسمت دارد- قسمت اول در «تراجم بعضی موربان از فصل دوم تذکرہ
بدرابن دلس خوشگو تحلیص» میآید و مشتملست بر ذکر شعرای ربر، ۱- قطرب ۲- حسینی
۳- نامة محمد علی اصغہائی ۴- شاه اسمعیل دبیحی، ادبیح ۵- قدیرا متحلص بہ عرفان ۶-
مرزا بطام الدین احمد ۷- سراحا متحلص بہ نقاش اصغہائی ۸- میرزا محمد طاهر متحلص
بہ طاهر ۹- مرزا دبیح الرمان متحلص بہ اقدس ۱۰- حاجی عبدالواسع متحلص بہ اقدس
۱۱- میر محمد ہاشم متحلص بہ مضمون ۱۲- محمد ابراہیم متحلص بہ ابصاف ۱۳- میر حمیل
متحلص بہ سوری ۱۴- مرزا اسمعیل متحلص بہ حجاب ۱۵- محمد اسحق متحلص بہ شوکت
بحارائی ۱۶- محلی کاشی ۱۷- شعیبا متحلص بہ اثر و قسمت دوم بہ وان «قسم سوم» مشتملست
بر شعرای معاصر کہ مؤلف با بعضی آربان آشنا بود و با «میان» نہ نصیر متحلص بہ علی» شروع
شدہ با «منشی سرب سکہ متحلص بہ جاکستر» تمام میشود - در این سجہ فہرست اسامی شعرا
در چہار صحنہ آمیہ است.

در این نسخه آقای حسیعلی باستانی راد
مالک سابق این نسخه بعضی حواشی
اصافه کرده است .

چاپ کتاب

دفتر سوم پته ۱۳۷۷ هـ ۱۹۵۸ م باهتمام پرفسور سید شاه عطاء الرحمن .
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سینه خوشگو (که در دیل نام برخی شعرا
اشاره هائی کرده که بعضی وقایع زندگی او را روشن میسازد) و مقالات الشعراء حیرت
و گل رعنا و مجمع المایس و مخزن العرایب ش ۷۳۶ و اشیر نگر ص ۱- ۱۳۰ و تکملة
الشعراء سوق و سینه هدی ش ۹۷ و روز روشن ص ۲۰۶ و ادبیات فارسی مین هندوون
کاحصه (اردو) ارد کتر سید عبدالله ص ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۷۲ و ۱۷۸ و فهرست ناسکی پور و
و دیباحت انگلیسی و فارسی سینه خوشگو چاپ پته ۱۳۷۷ هـ پرفسور عطاء الرحمن

فهرست اسامی شعرا

- ۱- دفتر اول- در هیچ کتاب نیامده است
- ۲- دفتر دوم- رجوع شود به نادرین ستونهای ۲۱۲ - ۲۳۹
- ۳- دفتر سوم- رجوع شود به ناسکی پور ح ۸ ص ۸۶- ۱۱۵ .

ید بیضا^۱

ابتداء : - بحمد من بظم الاشياء و علم الادم الاسماء

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرعلامعلی متخلص به آراداسب وی بسا حسینی^۲ و اصلاً واسطی
۱- در فهرست کتابخانه آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ تا ۱۸۶ اسم این تذکره سید یقار آمده
است تذکره ید بیضا موسوم به «صحیح» بدان
۲- آرادا بسا اگر در یدی، گوئیم صحیح تر خواهد بود چون وی از اولاد موتم الاشال
من- ید شهید بوده چنانکه در شطور آینه میآید

ووطا بلگرامی دمدھیا، حبی و طریقه حبسی است سش به موتم الاشال بن رید
شهید بن امام زین العابدین میرسد چنانکه خودش در باره آن گفته است

گرچه باشد موتم الاشال عیسی حدام^۱ عیسی حان بخش شیرا بم نامداد نفس
آزاد میگوید که معنی «موتم الاشال» یتیم کسده سیر یجها است و چون وی
اکثر شکار میکرد و در این باین لقب ملقب شده بود هم چنین دیگر حای آزاد نایب امر
کوهی را ولاد رید شهید است اشاره کرده است چنانکه میگوید

مرا یتیم ستم کیش و گف ارسر نار چراغ دوده رید شهید روس سد

آزاد روریکسه ۳۵ صفر ۱۱۱۶ ه قمری در محله میدا پوره در قصه بلگرام
ارتوایع صوبه (استان) اود متولد شد وی نزد پنج اساد تحصیل نمود. اولاً نزد
میر طفیل احمد اترو لوی بلگرامی علوم درسی و ثانیاً نزد میر عبدالخلیل حدامری
حدود^۱ لغت و حدیث و سیر سوی و فہون ادب و ثالثاً بیس میر سید محمد دانی حدود^۱
عروض و فوافی و بعضی ارفون ادب و رابعاً نزد شیخ محمد حیات سدهی در مدینه
صحیح بخاری و «صحای سته و سایر مفردات» و خامساً نزد شیخ عبدالوہاب طبطاوی
در مکه «بعضی فواید علم حدیث» را خواند آزاد در باره سالگی فارغ التحصیل شد
وی در سنہ ۱۱۳۰ ه بدست فدوہ العارفین میر سید لطالہ بلگرامی کہ د کرس را
درمآثر الکرام و سرو آزاد آورده است در طریقه چشمہ تبع کرده و بدان طریقه مسلک
و مربوط شد

مؤلف بقول خود در تمام عمر سه بار^۲ اروپا بہ مسافرت خارج روبر اول

۱- رک «سجوران بلند فکر» (اردو) در دیل نام آزاد

۲- آزاد و ولف سجوران بلند فکر «سه بار» نوشته بد ولی ای درس نیست چون بعد
از حج آزاد بہ اورنگ آباد رفت و از آنجا چندین بار با اتفاق امراء مہالدولہ ای سیر
و سیاحت دکن و شہرہای دیگر رفت اما اگر گفته شود کہ روطی خود بہ مسافرت کرد در آن
صورت این قول صحیح خواهد بود چون طاهر آزاد بعد از مسافرت سوم هیچ وقت روطی خود
(بلگرام) مراجعت نکرد.

در ۱۱۳۴ هـ باتفاق میر عظم‌اله بیختر بلگرامی برای دیدن جد مادری خود میر -
عبدالخلیل شاه جهان آباد (دهلی) رف و آنجا دو سال اقامت داشته و از صحت جد
مادری خود استفاده نموده دوباره به بلگرام وطن خود برگشت

مسافرت دوم وی در دی الحجه ۱۱۴۲ هـ اتفاق افتاد موقعیکه وی از راه شام -
جهان آباد و لاهور و ملتان به سیوستان یا سهوان از بلاد سند در خدمت خال (دائی) خود
میر سید محمد بلگرامی رف میر سید محمد مر نور از طرف پادشاه دهلی میر بخش و
وقایع نگار آنجا بود آزاد روز دهم ربیع الاول ۱۱۴۳ سیوستان رسید. میر سید
محمد آزاد را برای مدت چهار سال به بیات خود در هر دو خدمت مذکور مقرر کرده
خودش به بلگرام رفت و بعد از چهار سال به سیوستان مراجعت نمود آزاد در ۱۱۴۷ هـ
از همان راهی که به سیوستان رف بود شاه جهان آباد رف.

در این مسافرت آزاد با حرین در ۱۱۴۷ هـ در شهر بهکر ملاقات کرد و حرین
برخی از اسعار خود را بحد خود بطور یادگار بوی داد و چون آزاد نا عجله سوی
دهلی میر رف وی حرین را در همان شهر گذاشته خود سوی مرل متصود راه افتاد
هم چنین در حین مراجعت موقعیکه از راه لاهور ساه جهان آباد میرفت ناواله
در ۱۱۴۷ هـ در لاهور ملاقات کرد و هر دو شاه جهان آباد باهم مسافرت کردند بعد از
ورود به دهلی آزاد در آن شهر یک هفته توقف نموده سوی اله آباد رهسپار شد و واله
در دهلی ماند و هم‌ا جا رحل اقامت افکند^۲

چون سایر اعضای خانواده آزاد در آن زمان در شهر اله آباد اقامت داشتند وی
بیر از دهلی خود را به اله آباد رسانید و در آن شهر سه سال اقامت کرد ولی در این مدت
دوبار ب وطن خود بلگرام رف و هر بار به اله آباد برگشت

مسافرت سوم آزاد در ربیع ۱۱۵۰ هـ روی داد موقعیکه وی از بلگرام به حجاز
بمصد حج رف این آخرین مسافرت آزاد بود چون دیگر وی هیچوقت به وطن

۱ - ر ك حرا نه عامره ص ۱۹۴

۲ - ایضاً ص ۲۴۸

خود (بلگرام) برنگشت. آراد وقتی که از اله آباد در سال ۱۱۵۰ هـ به بلگرام رفت شوق زیارت حرمین و اختیار تحرید (اِبروا) که از مدتی در قلب وی موح میرد یکبارگی هجوم آورد و در نتیجه وی در سوم رجب ۱۱۵۰ هـ از بلگرام عازم حجاز شد. «سرخیر» سال تاریخ آن (۱۱۵۰ هـ) را میرساند.

حالت اینست که در باره عرم و قصد خود به هیچکس اطلاع نداد و حتی حویشا و ندان و بردیکان وی بیرسره روز بعد از رفتن وی از این موضوع با خبر شدند و برادرش تاسه مرل عقبوی رف ولی چون او را هیچ حایافت با کام بوطن برگشت علت این بود که آزاد ار راه غیر معروفی رفته بود. آراد تا مالوه بردیک گجرات پیاده رف. اتفاقاً در آن ایام لشکر بواب آصف‌جاه (۶۱ - ۱۱۱۳ هـ) در مالوه چادر رده بود. یکی از افراد لشکر بواب از آراد پذیرائی گرمی بعمل آورد

دردوم شعبان (۱۱۵۰ هـ) آراد در خدمت بواب مر نور حضور بهم رسیده و رباعی زیر را پیش وی حواد و طی آن از بواب تقاضای کمک نمود

ای حامی دین محیط خود و احسان

حق داد ترا خطاب آصف شایان

او بح بدرگاه سلیمان آورد

تو آل سی را بدر کعبه رسا

راجع باین رباعی که آراد صریحاً جهت تملق آصف‌جاه و استمداداری سروده بود در «خرانه عامره» (ص ۱۲۶) چنین توضیح داده اس

«در حقیقت نظم این رباعی برای تحمیق مصمون آیه کریمه و علی الناس حق - الیب من اسطاع الیه سیلانه برای حلب حطام دیوی بوده»

در هر حال ناگفته نماند که غیر از این رباعی آراد در تمام عمر خود هیچوقت شعری دیگر بمدح پادشاهی یا امیری نساخته اس

خلاصه بواب مر نور حرح سفر را بآراد داد و وی از مالوه به بدرسورت رفت و از آبحار و روز ۲۴ ذوالعده (۱۱۵۰ هـ) سوار کشتی شده روز ۱۸ محرم ۱۱۵۱ هـ وارد بندر جده

شد و آنجا چهل روز توف نمود و روز ۲۹ محرم وارد مکہ شد. چون بمکہ رسید هنوز مدت زیادی بموقع حج مانده بود و ما برای سہ روز در مکہ اقامت داشته و بعد از طواف بیابان و زیارت عتبات عالیہ بمدیہ رفت و عید فطر را آنجا گذرانیدہ روز ۱۴ شوال دوبارہ بمکہ مراجعہ نمود و آنجا ماسک حج را بجا آورد

«عمل اعظم» (= ۱۱۵۲ھ) تاریخ بجا آوردن حج را میرساند. چنانکہ در سابق گذشت در مدیہ برد شیخ محمد حیات سدھی صحیح بخاری خواند و سند بمیہ صحاح ستہ را اروی گرفت و در مکہ پیش شیخ عبدالوہاب طبطبای درس حدیث گرفت

در ربیع الاول ۱۱۵۲ بمطایف رفت و بعد دوبارہ بمکہ برگشت و در عشرہ آخر همان ماہ عارم ہندوستان شد و در ۳ حمادی الاول در حدہ سوار گشتی شدہ در ہشت روز بہ محامین رسید و از آنجا زیارت علی بن عمر شادلی مشرف شد و چہار روز آنجا توقف نمودہ روز بیس و نہم در سرہ سرورہ پیادہ شد و روز ۲ حمادی الثانی وارد بصرہ شد و (بقول اسوری) بمح ماہ در بصرہ بود و برواہ «سحور ان بلد فکر» روز ۲ حمادی الثانی سور رسید و آنجا بمح ماہ اقامہ داس (کہ طاہر اصحیح نیست) و در ۱۱ ذوالقعدہ از آنجا حرکت کرد و در ۲۷ آن ماہ باورنگ آباد کس رسید «سفر بحر» (= ۱۱۵۲ھ) تاریخ مراجعہ وی بہ ہندوستان و مہاجر تہد کی را میرساند

در باورنگ آباد آزاد در تکیہ ساء مسافر عہدوایی (متوفی ۱۱۲۶ھ) رحل اقامہ افکند

در ۱۱۵۴ھ برای سیاحت حیدر آباد و بیدر رفت و بعد از چند روز دوبارہ بہ تکیہ مرہور مراجعہ نمود

مؤلف «سحور ان بلد فکر» می نویسد کہ چون در ۱۱۵۸ بواب نظام الدولہ ناصر۔ حنگ شہید حاکم حیدر آباد (۱۱۶۱-۱۱۶۴ھ) از طرف بدر خود بواب آصف چہ بہ صوبہ داری (استانداری) باورنگ آباد مأمور گشت وی آزاد را بدر باز خود دعوت نمود و اروی حیلی احترام و تحلیل نمود و چہاں محدود باحلاق آزاد گشت کہ وی را مصاحب و مترجم خود مقرر کردہ و تا زندہ بود می حقوقہ او را از چشم خود دور میکرد بواب

مربور در شعر از آراد اصلاح می‌گرفت.

در همان سال (۱۱۵۸هـ) بواب مربور برای سیاح و گردش بکراتک رفت و آزاد را هم همراه خود برد و باتفاق وی آراد در عرماه صفر ۱۱۶۱ هـ باورنگ آباد مراجعت کرد. آراد در همان سال (۱۱۶۱هـ) به اتفاق بواب به برها پور رفت و چند روز بعد دوباره باورنگ آباد برگشت روز ۱۴ شوال به همراهی بواب مربور بارکات رفت و یک سال و چند ماه در مسافرت بود در همین مسافرت در محرم سه ۱۱۶۴ هـ بواب ناصر حنک کشته شد و بعد از کشته شدن بواب آزاد ۱۵ رحمادی الاول ۱۱۶۶ هـ باورنگ آباد مراجعت نمود. شمس‌الہ قادری مؤلف «قاموس العلوم» (اردو) مینویسد که آراد از طرف بواب ناصر حنک مستمری می‌گرفت اما هیچوقت معامی یا خدمتی را قبول نکرد

در ۹ ربیع ۱۱۷۴ هـ آراد بدعوت صمصام الدوله شاهنوا رخا و وزیر اعظم به حیدر-آباد رفت و چند ماه بعد روز ۱۹ ذوالعده دوباره باورنگ آباد مراجعت نمود و چند روز در تکیه‌ساح مسافر سابق الدکر توقف نمود

در ۱۱۶۷ هـ بواب امیر الممالک صلابت حنک حلف آصف‌احا حاکم حیدر آباد (۷۵ - ۱۱۶۴) بواب صمصام الدوله را سمت و کالب خود منصوب کرده و به حیدر-آباد دعوت نمود بواب صمصام الدوله با کمال استیاق آراد را پیش خود دعوت نمود و چون آراد به حیدر آباد رسید بواب نظام علی‌خان آصف‌احا ثانی (۱۱۱۸ - ۱۲۷۵) بی‌روی را مورد تعظیم و تحلیل قرار داد. در ۱۱۷۰ هـ صمصام الدوله معرول شد اما در نتیجه مساعی رفقای صمیمی خود مانند آراد دوباره بمقام خود برگشت ولی در سال بعد (۱۱۷۱ هـ) ۳ رمضان در نتیجه توطئه‌ای صمصام الدوله کشته شد و مرل وی را بعارت بردند در این دست‌و‌عارتگری^۱ سحبه نامام مآثر الامرا تألیف صمصام الدوله نیز گم شد. اما آراد بعد از تلاش بسیار موفق شد اکثر اوراق پریشان آرا پیدا کرده «و حطبه و تمهید» و شرح حال مؤلف و برخی دیگر را اضافه نموده بصورت یک کتاب

مرگ در گوشه عزلت نشست

پنج سال بعد از صیافت مر بور در سه ۱۲۰۰ ه^۱ سن ۸۴ سالگی فوت کرد
شاعری تاریخ وفات وی را چنین گفته است «آه علام علی آزاد»^۲ (= ۱۲۰۰ ه)
وحیه الدین اشرف در «بحر دحار» مینویسد که آزاد در ۲۱ دوالقعه سال ۱۲۰۰ ه
فرت کرد و در «روصه» یا «حلد آزاد» دفن شد^۳ و مؤلف «تتایح الافکار» مینویسد
که وی در «روصه» پائین مرار حضرت حسن دهلوی مدفون شد
ایک عقاید و آرای تذکره نویسندگان و دیگران درباره اخلاق و پایه علمی آزاد
بلع میشود

تقریباً همه تذکره نویسندگان معاصر آزاد بعلم و فضل او اعتراف کرده اند. آزاد
در «مجمع النعائس» تألیف (۱۱۶۳ ه) مینویسد که آزاد مردی عالم و فاضل اس و بفتح
رفته و چند وقت است که در اورنگ آزاد اقامه دارد و صونه داران (اسانداران) دکن
در تعظیم و توقیر (احرام) وی میکوسند و خدمت او را برای خود سعادت محسوب
میدارند. نام احلاص و آشنائی غائبانه دارد و بوسیله حواله سستی یکبار اشعار
و شرح حال من را خواسته و بار دیگر اشعار و شرح حال خود را فرستاد گویند
تذکره السعرائی^۴ نوشته و در این ایام در آن تحدید بطر میماید

حاکم در «مردم دیده» (تألیف ۱۱۷۵ ه) مینویسد که وی آزاد را فریب نه سی سال

۱- شفیق در «چمستان شعراء» (اردو) مینویسد که آزاد در ۱۱۵۲ ه وارد اورنگ آزاد شد
و هفت سال را در تکیه نانا شاه مسافر بسربرد و روی هم رفته چهل و هشت سال از عمر خود را
در دکن بسربرد و هما بحافوت کرده و در حلد آزاد مدفون گشت (رک «چمستان شعراء» چاپ
انجمن ترقی اردو، ص ۱۴)

۲- رک سحروران بلند فکر تحت نام «آزاد»

۳- رک مسحه «بحر دحار» متعلق به موره بریتانیا ص ۳۱۵ که در فهرست دیو ح ۳
ص ۹۲۶ ذکر شده و دیو در باره این مطلب در ص ۳۷۳ اشاره کرده است

۴- مراد «یدبضا» تذکره مورد بحث است.

پیش^۱ در خدمت شاه آفرین لاهوری استاد خود در لاهور دیده بود و هنگامیکه بقصد زیارت حرمین در او آخر رحب (۱۱۷۵ هـ) به اورنگ آباد رسید چندین بار بخدمت آزاد رسید اما چون (حاکم) عزم مسافرت بحار داشت بیش از سه چهار روز در اورنگ آباد توقف ننمود و سپس چون در ۱۵ حمادی الاول بعد از حج باورنگ آباد مراجعت نمود مکرر بخدمت آزاد میرسید^۲

سپس مینویسد که همه اعضای خانواده آزاد اهل فصل و کمال بوده اند و آزاد دیوانی دارد عربی که من ارفهم آن قاصرم عربیات فارسی وی خیلی شیرین است. تذکره های یدبصار حرا به عامره^۳ بی تصع (است) و از بسیاری از تذکره های دیگر گوی سفت برده نا این همه علم و فضل هیچ غرور و تکبر ندارد نامردم با کمال تواضع و گشاده پیشانی رفتار میکند و عرنا و فقرا را مرهون احسان خود میسازد چند سخته از تذکره خود بمن و نورالین واقف لطف کرده اسب و ارما مرتب پذیرائی کرده و ما را ممون و مرهون مروت و حسن اخلاق خود میگرداند تا سال تحریر (مردم دیده) که یکپار او و یکصد و هفتاد و پنج هجریست در همین شهر (اورنگ آباد) بحوبی و خوشی میگرداند و جمیع اکابر اعم از صوفیه دار (استاد دار) و مرتبه داران دیگر و عموم مردم همه معتقد کمال و اخلاق این عزیز بزرگ میباشد^۴

هیگ در کتاب «آثار مهم تاریخی دکن» (انگلیسی) در صفحه ۵۸ در باره معروفیت آزاد بعد از مرگ او چنین مینویسد «صیت و شهرت علم و فصل این شاعر (آزاد) با ندازه ایست که والدین بچه های خود را به مرادوی میرد تا آنها دانه ای

۱- حاکم آزاد را در ۱۱۴۷ هـ موقعیکه او از سیوستان بطرف دهلی میرفت و چندی در لاهور توقف نموده بود دیده است (ر. ک. مسافرت دوم مؤلف در سطور قبل)

۲- ر. ک. «مردم دیده» ص ۳۴

۳- از این معلوم میشود که حاکم حرا به عامره تألیف ۱۱۷۶ هـ را قبل از اتمام آن

در ۱۱۷۵ هـ دیده بود

۴- ر. ک. «مردم دیده» ص ۳۴-۳۵

بی تکلفانه زندگی میکنند و از عاداتی که متأخرین تیموریه درهند رواج داده اند که سایر خلق سلوک عدیت، با اکابر نمایند بعایت دوراند و حق اینس که بسیار قبیح است که در مواضع خاص اکابر امتوسلان خویش ادب عامیانه توقع کنند» سپس ابوطالب مینویسد .

« و ایضاً (آراد) معالات هر لیه را سگ پیدا شده و مضمون این بیت کلیم را میستاید :

گر هجو بیست در سخن من عجب مدار حیف آیدم که رهبر در آب بقا کم
غافل از اینکه هجو حربه و واسطه عرت شاعر است چنانکه آلت شمشیر باعث
هیبت سپاهی (سرنار) اسب و دلیل لطف و قوت طبع اوست ^۱ - اعظم شعرای سلف عدم
آنها را اتفاق بقص میدادستند و متأخرین بسبب عجز طبع عذری پیدا ساخته»
و سپس مینویسد

« و نیز عجیب تر از این هر دو اینکه ارامثال این تشبیهات که در این اشعار واقع شده و دو اوین استادان از آن پر است در قبح آن گاهی (هیچوقت) شنیده نشده بود چون این شعر وحید

شاعران جان از برای شعر فهمان میکنند دختر هر کس و حیه افتاد مفت شوهر اسب
بر رنار تو سعدی حوحر نگل مانده اسب

و این مصرع عرفی : حوحر حیص دختر رر خوشدار لپهای من

و این ابیات حکیم مسطور

چون هما اندك خور و کم سهوتم داند و من

چون حروس دانه حین رابی شهوت پرورم

گر ر مردی دم ریم ای شیر مردان مشوید

را نکه چون حر گوش گاهی ماده و گاهی برم

۱- همچنین مؤلف «خلاصة الافکار» درباره هرل در دیل فوق الدین یردی مینویسد

«هرل بهر یکی از هفون عشره شعر بلکه اصعب طرق و محك امتحان قوت طبع شاعر است».

بیرحیرت میفرماید و تقصیح میکند و از این معنی بوضوح میپویود که آن اسفار و احتلاط با عرب و عجم دهقیت (دهقانیب) ایشان را یکباره رایل ساخته بود و السلام»

آثار مؤلف

سید شمس اله قادری آثار آراد را در «قاموس العلوم» (اردو) ح ۱ ستونهای ۵-۳۳ و سید و حاکم حسین در مجله انجمن آسیائی ننگال سال ۱۹۳۶ ص ۳۰-۱۲۳ (آثار اردو) و برو کلماں در «دیل» ح ۲ ص ۶۰ (آثار عربی را) ذکر نموده اند

(الف) آثار فارسی مؤلف

۱- دیوان (رحوع شوده سحہ المرحان) - برای نسخ دیوان رحوع شود نه اسپرنگر ۱۴۶ و بانکی پور ح ۳ ش ۴۲۳ و اته ۱۷۲۲ و ایوانو- کردن ۶ - ۳۰۴ و و مدراس ۷۵ (ح) (منتخب) و آصفیه ح ۳ ص ۲۸۸ س ۸۳۰ (منتخب) چاپ حیدر آباد (بدون تاریخ) در دو جلد - ح اول ۶۰ صفحه و جلد دوم ۶۱ دارد - بیررحوع شود کاراتی ص ۸۲

۲- مثنوی در حواص مثنوی میر عیدالخلیل بلگرامی - برای نسخه رحوع شود ح ۳ ص ۶۳۲

۳- مثنوی سرابی عشق - برای نسخه سو رحوع دهنه علیگره دح ۱۱ له ص ۴۳ س ۹۰

۴- سدة السعادات فی حسن حاتمة السادات (رحوع شوده سحہ المرحان - ص ۱۲۳) برای نسخ رحوع شوده آصفیه ح ۲ ص ۱۳۴۶ س ۳۷۲ و ح ص ۶۶۲ تا ۱۰۱ و اته ۲۶۷۰ - بقول سمس اله قادری در مثنوی در ۱۲۸۲ هـ چاپ سد

۵- عراقان هند - (اسم تاریخی = ۱۱۷۸ هـ) ترسمه فصل ۳ و ۴ سحہ المرحان میرمایش عبدالقادر مهربان 'اورنگ آبادی و لجمی بر ایرشعیق اورنگ آبادی که از رفقای مؤلف بودند برای نسخ رحوع شوده آصفیه ح ۱ ص ۱۶۸ س ۱۶۴ و برلن ۱۰۵۱ و اته ۲۱۳۵ و بد بر احمد ۱۳۱۰

۶- شجره طیبہ در شجرہ ہا و شرح زندگانی شیوخ بلگرام - برای نسخ رجوع
شود بہ آصفیہ ج ۱ ص ۳۲۲ ش ۳۵ و ج ۲ ص ۱۷۷۸ ش ۲۱۴.

۷- روضۃ الاولیاء - تألیف ۱۱۶۱ھ مشتمل بر شرح حال دہ عارف صوفی اسب کہ
در حلد آباد یار و صہ نزدیک دول آباد دفن هستند با «الغریب الہنسوی» شروع شدہ با «آراد»
(مؤلف) تمام میشود برای نسخ رجوع شود بہ آصفیہ ج ۱ ص ۳۲۰ و ج ۳ ص ۱۶۴ و آتہ
۶۵۵ چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ھ

۸- مآثر الکرام (فی) تاریخ بلگرام - در ۱۱۶۶ھ تمام شد و شامل دو فصل
است. فصل اول شامل دکر ہشت ہزار «فقرا» بلگرام و اطراف آن و فصل دوم شامل
دکر ہما ہزار «فصلا» بلگرام و اطراف آن اسب - برای نسخ رجوع شود بہ آصفیہ
ج ۱ ص ۳۴۸ ش ۱۰۵ و آتہ ۶۸۲ (کہ مؤلف بہ ریچارد حاسن در ۱۷۸۵ م فرستادہ
بود) و ریور ج ۳ ص ۹۷۱ الف و باکی یور ج ۸ ش ۷۲۳ و برلن ۶۰۳ (تنہا فصل دوم
دارد - فہرست اسامی این فصل در فہرست برلن آمدہ است، رجوع شد بہ ص ۸-۵۶۷).
چاپ حیدرآباد ۱۹۱۰ م با مقدمہ مولوی عبدالحق

۹- یدنیضا - تذکرہ موردیحت

۱۰- سروآراد - تذکرہ دیگر مؤلف (۱۱۶۶ھ)

۱۱- حرا بہ عامرہ - تذکرہ سوم شاعر (۱۱۷۶ھ)

انتقاد بر آثار فارسی آزاد

۱- شرایف عثمانی تألیف غلامحسین صدیقی بلگرامی کہ مؤلف آن برای اصلاح
«اشتاہات» مآثر الکرام و سروآراد نوشتہ اسب - برای نسخ رجوع شود بہ ایوانو
۲۷۷ و اندیا آفس ۳۹۱۳ و آصفیہ ج ۲ ص ۱۶۴

۲- تحقیق السداد فی مرلات الازاد تألیف محمد صدیق سحور عثمانی
بلگرامی کہ در ۱۱۶۷ھ تألیف شد و طوطی آن مؤلف بر مآثر الکرام و سروآراد انتقاد
کردہ و بر سبک و سحر آزاد را ساد انتقاد گرفتہ اسب - برای نسخہ آن رجوع شود
بہ ایوانو ۳۹۷.

۱- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۲- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۳- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۴- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۵- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۶- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۷- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۸- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۹- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳
 ۱۰- (۱۳۸۱) ۱۳۸۱/۱۲/۱۳

[illegible][illegible]

یست | ۱۵۷۰ | و در سفر

۹۰۰ در محضر حضرت آیت الله العظمی در ۱۳۸۰

၁၈၈၆ ခု၊ ဇူလိုင်လ (၁၈) ရက် (စနေ) ရက်နေ့၊ နေပြည်တော်၊ မြန်မာနိုင်ငံတော်

[illegible]

نہایت کم ہمسائیہ

در این تذکره آمده است ارشعراى مأحرین بودید و اکثرشان معروف سودند
سك اندشای مؤلف عالماً ساده است اما گاهی کلمات عربی را نكار برده اس

نسخ خطی

- ۱- اشپرنگر ش ۱۳ .
- ۲- نانکی نور ح ۸ ش ۱۲۶ (قسمتی بخط مؤلف)
- ۳- اندیا آفس ۳۹۶۶ (ب) ۳ (۱۱۸۷ هـ)
- ۴- آصفیه ح ۳ ص ۱۶۲ س ۱۸۶ و ش ۱۵۵ (تذکره «صح حدان» یعنی «ید بیضا») .

۵- کتابخانه شخصی آقای محمد ابراهیم در گرهی یاسین (سند) پاکستان عربی
برای شرح حال آزاد بلگرامی - رجوع سود نه ید بیضا (۱۱۴۸ هـ) و روضة الاولیاء
(۱۱۶۱ هـ) و آثار الکرام (۱۱۶۶ هـ) و سرو آزاد (۱۱۶۶ هـ) و حراره عامره (۱۱۷۶ هـ) و
سحة المر حان (۱۱۸۷ هـ) و جمع النعاس آرزو و مردم دیده حاکم لاهوری ص ۳۴-۳۵ و
ریاض السعرا و سقیه حوسکو و گل رعنا و چمستان شعرا (اردو) و صحف ابراهیم ش ۱۹۹ و
حلیة الافکار ش ۴۱ و آرایس محفل و نایح الافکار و ولایت محابه ابحم سلطسی
آسیائی سنگال ح ۹ و روح ۱۸۴۸ ص ۳ - ۱۵۰ و گارس دتاسی ح ۱ ص ۲۵۹ - ۲۶۰
و آسیاتیک سیه لابی (انگلیسی) ح ۱ ص ۸ - ۴۹۷ و آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی)
تألیف هیگک حاب اله آباد ص ۵۸ و حدایق الحمیه (اردو) تألیف محمود احمد صدائی
جاب اله آباد ۱۹۳۹ م ح ۲ ص ۷۷ - ۱۶۳ و فادوس العلوم (اردو) تألیف شمس اله
قادری و ص ۱۰۱ ح ۱ حیدر آباد ۱۹۳۵ م ستوهای ۳۲-۳۵ و فهرست دانشگاه بمبئی
۲۰۰ - ۲۰۳ و آزاد بلگرامی (مقاله نانگلیسی) ارسیدو حابه حسن (که در مجله انجمن
سلطسی آسیائی سنگال سلسله سوم (مکتوبات) ح ۲ سال ۱۹۳۶ م ص ۳۰ - ۱۱۹
حاب سده اسب و نرو کمان دبل - ح ۲ ص ۶۰۰ - ۶۶۱ و محبوب الرحمن تذکره سعراى
دکن (اردو) حصه (حرو) اول س ۶۴-۵۴ تألیف مولوی ابوتراب محمد عبدالحصار

که ترتیب شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر بود .

گلدسته مجموعه ایست منتخب از « انتخاب کعبه عرفان » که عبدالوهاب عالمگیری سال ۱۱۵۵ هـ ترتیب داده است و اسامی شعرا را به ترتیب العبا آورده است

این کتاب با ۹ شروع شده با میرزا یوسف جان تمام میشود
مؤلف در آخر کتاب شرح حال مختصری از خیام با مجموعه بعضی رباعیات او به ترتیب الفبا (عیار رباعی اول) آورده است
سپس مجموعه اشعاری تحت عنوان موضوع های مختلف آورده است. این عبارات به ترتیب الفبا است

نسخه خطی : بابکی پور ح ۸ ش ۶۹۲ (قرن ۱۸ میلادی)
برای شرح حال عبدالوهاب عالمگیری رجوع شود به گلدسته و استوری
ح ۱ ص ۸۱

فهرست اسامی شعرا: در هیچ کتاب ذکر نشده است

بهارستان سخن

ابتدا

« طراوت بهارستان سخن بآیاری ستایش حرف آفرینی است که عبدلیب
ناظمه را به ترانه خوش بآیاری سخن مترجم صاحب و بصارت بسان سرای کلام
به بای فصیح بیابیس که گلنگ کلمات معجز سمب وی حدایق مسامع گوس
مستعان هدایت توامان را شمراست سعادت اساس »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میر عبدالرزاق ملقب به صمصام الدوله است اصلش از

خواف است و حد بر گش میر کمال اندین در رمان آکس ساه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ)
 بهند آمد و درسک ملارمین وی مسسک سد

پسرس میرک حسین د رمان چهاگیر ساه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ هـ) در خدمت
 درگاه سلطانی بود و سر مرک حسین نام میرک معین الدین ملف به امامت، حان
 در رمان شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) دهه مصب عالی معتر بود و در رمان اورنگ
 رب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) دیوانی لاهور و ملتان و کابل و کشمیر سرافراری
 داس و همگامکه ساهرا ده علم بصوبه داری (اسا داری) ملتان منصوب شد
 امامت - ان علاوه بر سم دیوانی بیاد صوبه داری را هم داس و در زمانی که
 پادشاه در هند بود صوبه داری کن به حان جهان کو کلتاس و دیوانی دکن و بخشیگری
 و وقایع نگاری به امامت حان مرحمت سد

از حمله سراسر امامت حان چهارقر بهرات عالی رسیدند

مرء بد القادر داس حان و میر حسین امامت حان و میر عبدالرحمن و رارت حان
 مدحاص نگرامی و کاظم حان

وزارت حان گرامی سم دیوانی بدختر اداس و سهرم میگف و صاحب
 یک دیوان اسعار بود و کاظم حان سم دیوانی ملتان را داس
 میر حسین علم سر کالم حان من کور پدر صمصام الدوله شاهوار حان
 بود وی دس ساهگ ایت کر ایت مال دس صمصام الدوله
 به میر حسین امامت حان فوق میرسد

میر عبدالرزاق برور ۲۹ رمضان ۱۱۱۱ هـ در لاهور متولد شد و حور اکثر
 نزدیک وی در اورنگ آباد بودند وی در اوایل انام حیاتی داورنگ آباد متقل
 سد و انیسگاه نواب آصفجه (۱۱۲۲-۱۱۶۱ هـ) به صنی سرافرار سد و چندی بعد
 بدیوان پادشاهی صوبه (استان) برار ماعوز سد و مدنی آن سسراندس داشت
 و هگامی که در سال ۱۱۵۰ هـ محرم ماه ۱۰ - ماه من ۱۱۳۱ - ۱۱۶۱) آصف جاه را
 بحسب خود طلب کرد نواب آصف جاه سر خود نواب نظام الدوله ناصر جنگ

را به نیابت حکومت دکن مأمور ساخت و خودش عارم دارالحافه دهلی شد
نظام الدوله از خدمات مصمم حیلی راضی بود و دیری نگذشت که وی را بدیوان
سرکار حودودیوانی پادشاهی برارهر دو معتمر کرد

چون آصف‌جاه در ۱۱۶۱ هـ فوت کرد نواب نظام الدوله بر مسند بدر نشست و
نواب مصمم الدوله را از برار طلبیده مثل سابق بدیوانی سرکار حود مأمور صاحب
و حوں نظام الدوله (۱۱۶۱ - ۱۱۶۴ هـ) را احمد شاه (۱۱۶۱ - ۱۱۶۷ هـ) شاهجهان -
آباد (دهلی) احصار نمود وی نواب مصمم الدوله را بدکن گداست و در موقع
وداع انگشتی حود را ناوداد

بعد از سہادت نظام الدوله در سہ ۱۱۶۴ هـ مطهر جنگ حاسین وی شد ولی
او بیر شد از دوماہ بردیک شهر کرپہ بقتل رسید و مسند ریاست نواب امیر الممالک
صلاہ جنگ رسید کہ سر سوم نواب آصف‌جاه اول بود
لشکر وی از بواجی کرپہ شہر کرپول رسید
نواب و مصمم الدوله ناآشہر بہراہی لشکر رفت و حوں نہ کرپول رسید
از لشکر جدا شدہ ناوریگ آباد رفت و حدی بخانہ حود نشستہ و در بہم رحب ۱۱۶۵ هـ
در حضور نواب امیر الممالک صلاہ جنگ (۱۱۶۴ - ۱۱۷۵ هـ) در حیدر آباد رسیدہ
بصوبہ داری (استانداری) حیدر آباد منصوب شد اما حدی بعد از آن سمت معرول
شدہ ناوریگ آباد مراجعہ نمود و آنجا مبروی گس

ہنگامیکہ در ۱۶ صفر ۱۱۶۷ هـ صلاہ جنگ امیر الممالک ناوریگ آمد
رفت وی مصمم الدوله را بحضور حود طلب کردہ و او را حلب و کالب مطلق
و منصب ہفت ہزاری سوار و لقب مصمم الدوله عطا فرمود و مصمم الدوله مدت
چہار سال منصب و کالب مطلق مأمور بود و کارهای مربوطہ را بحوالہ حسن احکم
میداد

دیر نگ کہ مصمم الدوله لشکر نواب صلاہ جنگ امیر الممالک را
برای تسبیہ و گوسمالی رگہوچی بہ سولہ جانب برار بردہ و رگہوہر نور را گوسمالی

امر مشکلی سود ولی همین موضوع کوچک که صمصام الدوله بآن هیچ اعتنائی نمیکرد
برای وی خیلی گران تمام شد

در ۲۵ الی ۱۱۷۰ هـ لشکر بها نواب امیرالامراء شجاع الملک پسر محمد
شریف خان سالب جنگ پسر نجم بون آصف حاهرا از مرسل بیرون آورده و وی
را پیش نواب امیرالممالک برد و حلعو کالب ملق برای شجاع الملک گرفته حکم
معرولی نواب صمصام الدوله را براروی گرفتند.

مردم در اثر حسم و غضب میخواستند بر مرسل صمصام الدوله حمله کرده آنرا
بعارت برند و صمصام الدوله قبل از وقت از این خطر باحسرسده در نصف سائانه لارم را
بر فیله نار نموده و عارم قلعه دول آباد گردید و در هشتم دوالعهده ۱۱۷۰ هـ آبخارسید
بعداد حرکت وی مردم به مرسل اوحله کرده بقیه انانه وی را بتاراج بردند و اکثر
اموال وی بدست دول افتاد

چندی بعد لشکری از طرف سرکار (دولت حیدرآباد) به قلعه اب آناد اعزام شد و
قلعه مرپور را محاصره نموده نامردم آن جنگ کرد در آن ایام غلام علی آزاد مولف «سرو
آزاد» و «حرانه عامره» نیز حرو ملتزمین رکاب نواب صمصام الدوله بود و حسب صلح
و آشتی بین صمصام الدوله و نواب شجاع الملک بلاش و کوشش بسیار می نمود و
در نتیجه مساعی آزاد و رفقای دیگر صمصام الدوله را محاصره قلعه دست کسیدند اما
همور بسرایط مصالح بین طرفین توافق کامل نوحود نیامده بود که نواب نظام
الدوله بانی سر سالب جنگ باطم صوبه برار از بلچپور باورنگ آناد آمد و نواب امیر
الممالک وی را بمصب و لیعهدی خود اسباب نموده و لقب نظام الملک آصفحاه (بانی)
نوی اعطا کرد

نواب آصفحاه بانی آزاد تلگرامی را به حضور خود طلب کرد و او را برای اسمال
نواب صمصام الدوله بقلعه دول آباد فرستاد و آزاد تالاحره موفق شد صمصام الدوله را
برای حضور در خدمت نواب آصفحاه بانی راضی کند و نواب مرپور بپرسد از ان عمده
خود را برای استعمال وی فرستاد صمصام الدوله در عره ربیع الاول ۱۱۷۱ هـ از قلعه

دولت آباد بیرون آمده و با سرداران نواب ملاقات نمود و همان روز بد خدمت نواب آصف-
حاه و نواب امیر الممالک سر فیاض

در همان ایام بالاخری او مرسته سرحد سواس را فرار و آن «مقدمه الحیش»
فرستاده خودس بردیک اورنگ آباد بقصد حارث نواب آصفحاه رسید و لیکر
مرسته هاراحه رام چندرا که بقصد سر فیاض بد خدمت نواب امیر الممالک ناورنگ آباد
آمده بود محاصره نمود و نواب آصفحاه ناورنگ آباد رفته و رام چندر مرهورا
ار آن ورطه هلاک صاحب داد و در راه حدین حانامرسته ها حنگ کرد در همه این معرکه ها
صمصام الدوله حرو ملتزمین را کاب آصفحاه بود

در همان اوان حرسید که عمدة الملك موسی موسی و حیدر حنگ ابر کار
حما گیرها و راع یافته حواغان سر فیاضی در حضور نواب امیر الممالک بودند و
برای این منظور حیدر آباد رسیده بودند

حیدر حنگ مکرر به نواب صمصام الدوله نامه ها می نوشت و طی آن مراتب
احلاص و صمیمیت خود را نسبت با و اظهار می نمود تا آنکه صمصام الدوله بیر گولوی را
خورد و برای وی در مورد صمیمیت حیدر حنگ شکر و تری دیدی نا قی نماند

اسکر نواب ارشد کبیر در مصاف اورنگ آباد حاکم نموده بردیک شاه گده
رسید و حیدر حنگ بحضور نواب سر فیاض تدو تمام لشکر اورنگ آباد رسیده و در حومه
سمالی شهر حادر زدند

نواب صمصام الدوله با کمال سادگی رمان احیار خود را بدست حیدر حنگ
سپرد و حیدر حنگ شملی و حانلوسی وی معرل شد

هر چند رفقای صمصام الدوله که به حیل و فریب حیدر حنگ آسنا بودند او را
از این موضوع آگاه کردند و در این ناره بوی احطار نمودند اما حرف آبا به گوش وی
فرورفت و نواب هیچوقت آبا ناور نکرد تا آنکه در ۲۶ ربیع ۱۱۲۱ هـ نواب
امیر الممالک باتفاق نواب یسین الدوله برای گردش ساعت بیگم پوزه
واقع در اورنگ آباد رفت و حیدر حنگ موقع را غیبت شمرده هر دو آنها را

دستگیر کرده در خیمه‌ای زندانی کرد. همچنین میر عبدالحی و میر عبد السلام حان و میر عبدالنسی حان پسران صمصام الدوله را طلب کرده آنها را هم با پدرشان در یک حیمه توقیف نمود و بر درخیمه آنها پاسا نه‌ای نصاری فراسیس را مقرر نمود و دوباره مرل بواب صمصام الدوله را مورد تاخت و تار قرار داد و اقربا و خویشاوندان وی را که صاحب استطاعت بودند شکنجه داده از آنها ثروت هفتگی بدست آورد

چون بواب آصف‌جاه ثانی از این رفتار گستاخانه حیدر حنگ با خبر شد وی خیلی عصبانی شد و فکر از بین بردن وی افتاد حیدر حنگ از صمصام الدوله قصص عهد و بی وفائی کرده بود و برای این اعتماد و اعتیار بواب آصف‌جاه را اردسب داده بود. ولی قبل از اینکه بواب مرور نقشه خود را عملی سازد حیدر حنگ لشکر را از بواب جدا کرده و وی را نکلی بی‌دست و پا کرد. قتل از این آصف‌جاه لشکر سگینی از برادر همراه رکاب خود آورده و مهمات ملکی و مالی را در قبضه خود در آورده بود سپس حیدر حنگ تصمیم گرفت بواب آصف‌جاه را بصوبه داری حیدر آباد بفرستد و باین بهانه وی را در قلعه گولکنده بر داند اندازد اما «تدبیر کند منده، تعدیر کند خنده».

در روز ۳ رمضان ۱۱۷۱ هـ حیدر حنگ بحیمه بواب آصف‌جاه رف بولی بواب مرور قبلا با رفقای خود نقشه قتل وی را کشیده بود طبق آن نقشه حیدر - جنگ را بقتل رسانیدند و بواب آصف‌جاه براسی سوار شده تنها از لشکر بیرون رفت چون عمده الملك موسی موسی و دیگر اعیان لشکر خبر قتل حیدر حنگ را شنیدند دست و پا ببردند. در همان گیسو دار بعضی ماحرا حویان بواب صمصام الدوله و میر عبد العنی حان پسر اصغر بواب صمصام الدوله را کشتند ولی حالت اینسب که حیدر - حنگ که طرح قتل آنها را کشیده بود چهار ساعت قبل از آنها کشته شد چون خبر قتل حیدر حنگ به صمصام الدوله رسید وی از رندگی خود و رفقایش بومید گشو و دیری نگذشت که لجهمان هندو از رفقای نصاری فراسیس بحیمه صمصام الدوله آمد

ووی را با همراهایش بقتل رسانید
 نواب صمصام الدوله و سروری را در گورستان احداث آنها بحاکم سپردند و مین الدوله
 را در گورستان آنائی وی دفن کردند
 میرعلام علی آراد لمگرامی تاریخ قتل هر سه سید سابق الذکر را در آیه «و حوه
 یومئذ مسمره» (= ۱۱۷۱ هـ) یاف و تاریخ شهادت نواب صمصام الدوله را در این قطعه
 نظم کرد

رف صمصام الدوله از حهان سوم ماه شریف مضان
 سال، این واقعه آن سید خود گفت ما کشته عبدالرحمن (= ۱۱۷۱ هـ)
 و براین رباعی مستراد رتاریخ شهادت وی نظم کرد
 صمصام الدوله آن امیر و الا - داش آگاه
 احق شده کشته در کمین گاه دعا - و امطلوماه
 آراد بعرض میرساند تاریخ - یاران شوید
 کردند شهید با کسان سید را - انا لله (= ۱۱۷۱ هـ)

محمی بنماد که و میر عبدالحی خان و میر عبدالسلام خان دو پسر دیگر صمصام.
 الدوله از مرگ حتمی نجات یافتند میر عبدالحی خان را يك روز قبل از پدر
 جدا کرده بود و میر عبدالسلام خان را بعلت بیماری از حیمه بخانه بردند چندی
 بعد لجه مان قاتل صمصام الدوله بیر بقتل رسید و محمد حسین جماعه دار فرقه کار دیان که
 با جماعت خود بر نواب صمصام الدوله واقربای وی معین بود و سبب آنها مرتکب
 ابواع بد رفتاری ها شده بود بیر با جماعت خود کشته شد و عمده الملك موسی یوسی

-
- ۱- ریومیگوید که فراسویها مسئول سقوط صمصام الدوله بودند چون وی محال
 سرسخت آنها بود و در دوم رمضان ۱۱۷۱ هـ بدست بعضی ارلشکریهای موسی یا قول بعضی بدست
 ژنرال (فراسوی) کشته شد (رک ریو ح ۱ صفحه ۳۴۰ ب)
 - ۲- در مفتاح التواریخ بیل من ۳۲۹ بحای و امطلوماه داین غم حاکماه آمده است
 ولی در مقدمه ما اثر الامرا همان عبارت فوق نقل شده است

که بطرف پهلجری رفته بود ندب انگلیسها شکست خورد و فرار کرد
 بعد از شهادت نواب صمصام الدوله چون لشکر حیدر آباد رف میر عبدالحی
 حان را همراه خود بردید و در قلعه گولکنده توفیق نمودید و میر عبدالسلام حان
 را بعلب بیماری وی در اورنگ آباد گذاشته از آنجا به قلعه دول آباد فرستادید نواب
 آصف‌حاه ثانی بعد از قتل حیدر حنک بطرف نرا حرک نمود و لشکر و سامان حنک را
 فراهم آورده با جابوچی پسر رگه و بهو سله حنک کرده و او را شکست داد و سپس روی
 حیدر آباد آورد نواب امیر الممالک که برای انتظام ملکی به محلی بدر رفته بود
 عارم در آباد شد و هر دو برادر نزدیک حیدر آباد ملاقات کردند

نواب آصف‌حاه ثانی مثل سابق بر مسند ولایت عهدش و زمان مهم ملکی و مالی را
 بدست خود گرفت سپس در ۱۵ ذوالعده ۱۱۷۲ هـ میر عبدالحی حان را از قلعه
 گولکنده آزاد کرده وی را بخدمت سابق برگردانید و بجای لب شمس الدوله دلاور
 حنک که وی سابقا داشت به لب پدر «صمصام الدوله صمصام حنک» و منصب شهرار بیاده
 و پنجرار سوار سرافراز نمودید همچنین میر عبدالسلام میر از قلعه دول آباد
 آزاد گشته بر د خانواده خود رف

نواب صمصام الدوله جامع کمالات بود و با جمیع علوم آشنا در شعر فهمی بد و ولایتی داشت
 و مصطلحات زبان فارسی را خوب میدانست و میگفت «من در دو چیز دعوی (ادعا)
 دارم یکی عدالت که بدقایق معاملات حسا که داد و امیر سم (رسیدگی میکسم) و حق را
 از ناظر جدا میسارم و دوم شعر فهمی»

همچنین وی منشی عالی بود و ادبای وی در نامه‌های فارسی طرر خاصی دارد
 ولی حیف که مشآت وی جمع سد وی در تاریخ دانی بیر مهارت کلی داس و بهترین
 نمونه و دلیل آن کتاب «مآثر الامراء» اوسب او کتابخانه بررگی از کتب عربی و
 فارسی فراهم آورده و اکثر این کتابها را ندب خود معا بله و تصحیح نموده بود ولی
 متاسفانه در موقع تاراج منزل ندب لسکریها کتابخانه وی هم بار احر ف

آثار مولف

۱- بهارستان سخن - تذکره موزد بحث.

۲- مآثر الامراء - که در احوال امراء و سلاطین تیموری هند است و مصاصم الدوله آنرا بدقت جمع آوری نموده و از حیث تاریخ و رای' همیت زیادی میباشد (این کتاب در سه مجلد از طرف احمد آسیائی نگال، همام مولوی عبدالرحیم در کلکته سال ۱۸۸۸ میلادی طبع رسیده است)

۳- مجموعه رقعات - تمام منشآت مصاصم الدوله جمع شده است و اکثر آن اردسیر درماید ثبت شده و تنها چند دست در دست مرآت افتاده و به طور بهر در کتاب بهارستان سخن درج یافته است

۴- فواید الفواید - مجموعی بر عقاید دینی و مسائل سرعی و آداب و اخلاق است که مولف اسم آنرا در مقدمه بهارستان سخن ذکر نموده است

تیسره کتاب

دره ورد سبب تألیف این کتاب مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که در هنگام جمع آوری کتابی به نام «فواید الفواید» در عقاید دینی و غیره (رجوع شود به آثار مؤلف در بطور فوق) مصاصم الدوله فصلی در حوا سرع نوشت و از آنجا که «سخن از سخن می خیزد» در موقع نوشتن آن کتاب برخی ملاحظات بر سر ما شد عروس و قافیه و صایع شعری و بعضی متممات آن از قبیل اشیاء و املا و غیره احوال و بعضی شعر اموزد توحه و دقت و از گرفت حوا این موضوع نامرغوع کتاب فوق مختلف بود و بعضی رفقای مولف بر اصرار داشتند که کتابی علی حده در این موضوع برای استفاده دیگران بنویسد و این مولف تألیف این کتاب مندرج درید و قبل از تمام کتاب فوق این کتاب (بهارستان سخن) را تمام کرده آنرا در بهارستان سخن موسوم ساخت

از توضیحی که سر مؤلف میر عبدالجی حسان^۱ در این کتاب داده است معلوم میشود که در حین تسوید «فواید الفواید» بواسطه مصاصم الدوله در سنه ۱۱۶۰ هـ مبعوض است احوال حد بر سخن سرایان را ناین کتاب محرم سارد و سایر این اسامی آور

برپیش این کتب یادداشت نمود ولی بعلت گرهاری ریادی فرصت نکرد این فکر را عملی سازد و بنا بر این میر عبدالحی اسر مؤلف در اننای تکمیل کتاب «مآثر الامراء» به اتمام این کتاب هم‌هم گماشت و شرح احوال اشخاص مذکور را از کتب معسره اقتباس نموده صورت این کتاب در آورد و با وجود اینکه جمع و ترتیب این کتاب تا ۱۲۶۰ هـ طول کشید ولی چون اتمام آن در ۱۱۹۲ هـ بوقوع پیوست تاریخ اتمام آنرا چنین

چون این گلستان گشت صورت پذیر
 کرو و شگفت خاطر حرو و کل
 عجب محفلی رنگ و رونق گرفت
 قراں یافت در وی بهم حام و مل
 بحستم ر دل سال اتمام او
 نگفتا بهار سخن کرد

(= ۱۱۹۲ هـ)

مؤلف اسم مآخذ را در مقدمه ذکر نکرده است ولی از محتویات کتاب معلوم میشود که وی از کتب زیر استفاده کرده است چنانکه اسامی آنرا در ذیل شرح حال تنگرا آورده است

- ۱ - هفت افلیم (رحوع سودنه ذکر فردوسی و و طواط و بطام استرآبادی)
- ۲ - بحال الاس حامی (رحوع سودنه بر حمله حال فردوسی و سائی و حاقانی و بطامی و اوحدی و کمال حجدی و فاسم انوار)
- ۳ - تذکره دولتشاه (رحوع سودنه شرح حال سائی و ابوری و کمال الدین اسمعل و اوحدی اصفهانی و کاتنی و آذری اسفرایی)
- ۴ - تاریخ گریده حمد الله مستوفی (رحوع سودنه شرح حال حاقانی)
- ۵ - شرح دیوان مرتضوی از میر حسین میدی (رحوع سودنه شرح حال ابوری)

۶ - چهارمقاله (رحوع شود به دکر فردوسی و عمر حیام) .

۷ - رساله رباعیات حیام از احمد بن حسین رشیدی تهریری (رحوع شه به دکر حیام)

۸ - حواهر الاسرار آدری (رحوع شود به دکر خاقانی و امیر خسرو)

۹ - حبیب السیر (رحوع شود به دکر خاقانی و قاسم انوار و میرشاهی سبرواری)

۱۰ - محمل التواریخ (رجوع شود به دکر خاقانی)

۱۱ - صحیح صادق (رحوع شود به بطامی و سجایی استرآمادی)

۱۲ - بهارستان حامی (رحوع شود به دکر کمال الدین اصفانی و امیرشاهی

سرواری)

۱۳ - احبار الاحبار عبدالحق دهلوی (رحوع شود به دکر امیر خسرو)

۱۴ - تذکرة الاتقیا (رحوع شود به دکر امیر خسرو)

۱۵ - حاشیه صفحات محمد دهمدار (رحوع شود به دکر حافظ)

۱۶ - تاریخ فرشته (رحوع شود به دکر آدری اسعراپی)

۱۷ - تحفه سامی (رجوع شود به دکر هاتمی)

۱۸ - عالم آرای عباسی (رحوع شود به دکر ملک قمی)

۱۹ - مرآت الحیال (رحوع شود به دکر سجایی استر آبادی و قدسی و

چندر بهان برهم)

۲۰ - اکرامه شیخ ابوالفضل (رحوع شود به دکر بطیری بيشانوری)

۲۱ - کلمات الشعراء (رحوع شود به دکر چندر بهان برهم)

این کتاب مشتمل است بر مقدمه و رواده فصل و حاتم تریزیر .

مقدمه در سب تألیف کتاب

فصل اول - در بیان کلام مطوم و اسناد شعر گوئی از آیات واحد بر سرور

تاریخ اندای شعر گوئی عربی و فارسی (در ۱۸ صفحه) .

فصل دوم - در عروض (در ۱۷ صفحه)

(۱۷۸۱ ص)

مجلس شورای اسلامی (۱۷۸۱ ص)
مجلس شورای اسلامی (۱۷۸۱ ص)
مجلس شورای اسلامی (۱۷۸۱ ص)
مجلس شورای اسلامی (۱۷۸۱ ص)
مجلس شورای اسلامی (۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

(۱۷۸۱ ص)

طبعه چهارم درد کر بیست و چهار شعر شاعر است که از حلوس جهانگیر شاه
(۱۰۱۴ هـ) تا پایان سلطنت ساهجهان (۱۰۶۷ هـ) میریسته اند و

نامر را جعفر اصفهانی شروع شده با سلیم تهرانی تمام میشود
طبعه پنجم درد کر چهل تن شاعر است که از حلوس اورنگریب عالمگیر شاه
(۱۰۶۸ هـ) تا آخر سال دهم سلطنت محمد شاه عاری (۱۱۴۱ هـ)

و حکیم سرمد شروع شده و با دلآورد خان نصرت تمام میشود
حشمه درد کر بنده از معاصرین است که درد کن بودند و «حاوی کلمات
سوزی و معنوی» بودند و گاهی شعر هم میسرودند و با سید علام حسن

فردوسی رصائی شروع شده با قاضی محمد باسائاً تمام میشود
این مجموعه مستملست بر دگر صدوسی شعر که اکثرشان اصلاً شاعر بودند
و آه را در ترتیب دریحی از روی همان شعرا دگر موده است و با «فردوسی»
شروع شده و با قاضی محمد صالح تمام میشود

هفتم در این تذکره «غیر از حشمه» تنها کار شعری منتقد و متاخر را
دگر نموده است و اغلب آنرا در آغاز فصل دوازدهم (ص ۲۴۶) چنین توصیف
داده است

در هر عصری صاحبان تحقیق در سغین و اوداق را حلال گروه
(شعرا) و لاشکوه سغین فرموده اند ؛ حصی اعداد جمیع افراد این عایند متعدد
ملکه متعسر است ام حزن تقریب شعر و قواعداً در بیان آمد بناء علیه
تحریر مبدی از حلال کافر شعرا متقدمین و رنگین حلال مع حریف که صاحب
دواوین اند و سدی اعشار و استر یافته اند و مسجی ارمه لات ایسان در مدح صنعه
و یت حرمه مسافتاد

در هر مرتبه مجوزیت این تذکره از حیث تدریجی مقام اهمیت ندارد
حزن غیر از حتمه که مستمل است بر دگر صدوسی شعر و معاصرین که گاهی شعر گوئی
میپرداختند و تقریباً تمام مضامین که در کتب دیگر نرسیده و در بین غیر از

جنبه تحقیق که مولف درمورد احوال شعرا بعمل آورده است نمیتوان زیاد اهمیت برای این کتاب قایل شد.

شرح حال اکثر شعرا را مولف مختصر ولی جامع آورده است و درمورد اکثر شعرا سال ولادت و وفاتشان یا تنها سال وفات آنها را ذکر کرده است. تنها در مورد شعرای زیر شرح حالشان را بسطاً معصل آورده است:

سلمان ساوحی و امیرشاهی سرواری و هلالی استرآبادی و شاه طاهر دکنی و کلیم و صائب و ناصر علی (هر کدام در سه صفحه) و فردوسی و فیضی (هر کدام در چهار صفحه) و کمال الدین اصفهانی و مولانا رومی و شاه نعمت الهولی و شیخ آذری اسمرایینی و خاخوانان (هر کدام در پنج صفحه) و حافظ (درشش صفحه) و آصفجه نظام الملک (در ۸ صفحه - که بیشتر حاوی مطالب تاریخی است از دوره حکومت وی در دکن)

رویه مرفته شرح حال حافظ و آصفجه نظام الملک را معصل تر از همه آورده است

در ضمن احوال بعضی شعرا شرح حال دیگران را نقل کرده است مثلاً

در دیل نام شاه نعمت الهولی شرح حال «اؤلاد و احفاد» او (ص ۷-۳۵۵)

» هلالی » شکیب خان (ص ۳۹۸-۴۰۰)

» قاسم خان حویبی » بدر بورجهان و اسلاف و اخلاف وی (۴۶۵-۴۷۲)

در ضمن احوال شعرا مؤلف روایات مختلف تذکره نویس و مورخین را مورد بحث و تحقیق قرار داده و چنانکه بعقیده وی اصح و معتبر بوده بیان کرده است (رجوع

شود به فردوسی ص ۲۵۳ و سنائی ص ۲۵۶ و حاقانی ص ۲۶۶ و نظامی ص ۲۸۱ و

کمال الدین اسمعیل ص ۲۸۸ و اوحدی اصفهانی ص ۳۰۹ و سلمان ساوحی ص ۳۳۲)

استعار بعضی از شعرا را معروف را مختصر نقل کرده است و علت آنرا چنین

بیان کرده است که چون اشعار این شاعر «درالسهو افواه حاریس» با این نقل

حد نبی اروی اکفا کرده است (رجوع شود به نام فردوسی ص ۲۵۳)

تنها اشعار شعرای رپر را سته مفصل آورده است.

عمر حیان (در سه صفحه - بیست رباعی) و طاهر وحید (در ۳-۳ صفحه) و حافظ و کلیم و رفیع مشهدی (هر کدام در ۴ صفحه) و سعدی و عرفی (هر کدام در ۱-۴ صفحه) و ناصر علی (در ۶ صفحه) و سوک بحاری (در ۸ صفحه) و غنی کشمیری (در ۱۰ صفحه) و صائب و بیدل (هر کدام در ۱۸ صفحه)

روی هم رفته اشعار صائب و بیدل را مفصل تر از همه آورده است.

تهداد ردیل نام صائب در مورد کلیات وی (در یک صفحه) بحث کرده است و عقیده خود را در مورد مقام وی در شاعری طی آن اظهار نموده است. در ردیل نام ملاشیدا هفت بیت محمد حان قدسی و اعتراضات ملاشیدا را نامحاکمه ملا میر لاهوری آورده است (ص ۴۷۸-۴۸۲)

در ردیل نام نواب دلاور خان نامه‌ای عربی از وی نام مولوی علی اصغر لکهنوی نقل کرده است که نام موضوع تذکره مربوط بیست (ص ۶۵۸-۶۶۰)

سک مؤلف اکثر ساده اسب ولی در مقدمه و گاهی در موقع تعریف شعرا اثر مصوع بوسه اسب و کلمات عربی را فراوان نگار برده اسب گاهی بعضی اصطلاحات عربی را استعمال کرده م‌ند

کمالایحی (رجوع شود به ابوری) الهایة هو الرجوع الی الدایة (رجوع شود به نام عراقی)

تا تلص و نست شعرای زیر «الف و لام عربی» را آورده است
ابوالمحد آدم السنائی العربی و مولانا حلال الدین محمد اللجی و السعدی الشیرازی و فخر الدین ابراهیم المشهور بالعراقی و سید غلام حسین حسن القادری الرضائی.

گاهی سالها را بر زبان عربی آورده اسب م‌ند
«وكان ذلك في سب وعشرين وست مائة (رجوع شود به کمال الدین اصمعیانی)
فل اراسم شعرای رپر لمب توصیفی برای آنها آورده اسب.

سحان العجم (فردوسی) و استاد الحکما (سنائی) و حجة الحق (عمر حیام) و
 حسان العجم (خاقانی) ملک الکتاب (وطواط)
 گاهی برای فوت شد حمله‌ای نشر مصنوع آورده اسب مانند
 ابو حلاح شیرازی: در سنه هشتصد و هشتاد و هفت ارحوان الوان نعمت دیوی
 دسب کشیده میل نعیم احروی نمود.

سخ خطی

- ۱- کتابخانه سح خطی دولت، مدراس ش ۵۲۸ (در ۳۵۲ ص و صفحہ‌ای ۱۷ سطر
 مورخ ۲۳ محرم‌سہ ۱۲۵۹ هـ)
- ۲- کتابخانه آصفیہ حیدر آباد دکن ش ۱۲۱ (بخط پسر مؤلف در ۲۷۷ ص و
 صفحہ‌ای ۲۵ سطر مورخ ۱۱ ربیع‌الاول سہ ۱۱۹۴ هـ ایس نسخه تکلمه شعرا که
 میر عبدالحی حان اصفه کرده اسب ورقعات و عرایص مؤلف را ندارد)
- ۳- ایضا ش ۱۹۳ (در ۵۴۷ ص و صفحہ‌ای ۱۷ سطر شامل «تکلمه شعرا و رقعات
 و خطوط و عرایص» مورخ ۱۲۰۴ هـ)
- ۴- ایضا س ۱۷ (در ۲۵۰ ص و صفحہ‌ای ۱۷ سطر مورخ ۹)

چاپ

از طرف دولت مدراس هندوستان باهتمام چندر سکهارن رئیس کتابخانه
 دولتی سح خطی سرفی مدراس سال ۱۹۵۸ م^۱

۱- «چاپ بسیار بسیار بد و پر از اعلاطی است و گاهی صورت بعضی کلمات بوسیله
 مصحح (۱) و کاتب یا حروف چین چنان مسح شده است که پی بردن مایل آنها بسیار مشکل
 و گاهی ناممکن است از شان استفهام (۲) که مصحح (۱) بعد از بعضی کلمات آورده است معلوم
 میشود که وی آدم کم استعدادی بوده است و لیاقت تصحیح این کتاب بلکه این قبیل کتابها را
 نداشته است غیر از اعلاط مصحح و کاتب اعلاط چاپی بپر در این کتاب فراوان است ولی

برای شرح حال صمصام الدوله رجوع شود به مآثر الامرا چاپ انجمن
 آسیائی بنگال کلکته ح ۱ ترجمه صمصام الدوله از میرعلامعلی آرادص ۱۴-۴۱
 (که بهترین مأخذ برای شرح حال صمصام الدوله میباشد) و مقدمه «بهارستان سخن»
 ارسید عبدالوهاب بحاری (که پراطلا است) و سروآراد و سوانح دکن برگ ۸۳
 و حدیقه الاقالیم ح ۲ ص ۱۵۴ و تاریخ الافرور برگ ۷۸ و کاتلاگ مارلی ص ۱۰۱
 و تاریخ هند تألیف ایلّیات ح ۸ ص ۱۸۷-۱۹۱ ریوح و ص ۳۴۰ ب)



ریاض الشعرا

ابتدا

«تذکره محفل خاطر قدس مآثر صاحب دلائل آگاه حمد ناطقیست که بظن مجموعه
 ممکنات را بکلمه کر از قلم طراز صورت نگار بر لوح تکوین با حسن نظامی حلوه
 ظهور بحسیده»

بقیه حاشیه از صفحه قبل

مصحح (۱) به رحمت عنطگیری را تغزل فرموده و نه حتی هیچ غلطنامه‌ای در اول یا آخر
 کتاب آورده است شاید بعقیده وی این کتاب هیچ غلطی ندارد
 چاپ کتابها بچین وضع سیار تأسف آوراست مخصوصاً امروز که وسایل چاپ بهتر و
 مترقی‌تر شده است و معلوم نیست چرا دولت مدراس این کار مهم را بدست چنین آدمهای
 بی سواد و بی استعداد سپرده که باعث تصبیع پول آن دولت هم شده است 'لبنه' این امر که حدیثاً
 دولت مد اس بچاپ نسخ فارسی و عربی همت گماشته است برای فارسی دانان موجب مسرت
 و خوشحالیست اما بهتر ایست که این کار بدست کسانی سپرده شود که لیاقت و استعداد چنین
 کاری را داشته باشند و عده چنین اشخاص در هندوستان هنوز کم شده است

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف باللقاب وی نواب خان رحمان بهادر طغرل خانک علی قلی خان متخلص به والہ شمعالی^۱ لکھی^۲ داغستانی اسب وار اولاد حضرت عم پیمبر اسب^۳ در فتنه هلاکو و سقوط عباسیان جمعی از افراد خانواده اش متفرق شدند و گروهی طرف حجاز و حماعتی بسوی هندوستان رفتند

احداد والہ صاحب داغستان مهاجرت کردند و آنجا متوطن شدند مردم داغستان که از قبیلہ لکھی و تمام آنها شافعی بودند حد بر رگ والہ را که بداعستان مهاجرت کرده بود شمعال (رئیس) خود انتخاب نمودند و تاتالیف «ریاض الشعرا» بقول والہ بنی اعمام و اقوام وی در داغستان سکونت داشتند و شمعالی آن مملکت در دست آنها بوده اسـ

چون سلطنت ایران سلاطین صفویہ رسید بطر بایکہ داعسان سرحد ایران بود در میان پادشاهان ایران و داغستان همواره بر اع بوده و حو این ایال بدر مرر ایران واقع شده حکام آنجا گاهی سلطان روم (ترکیہ) و اکثر پادشاه ایران هر کدام قوی تر بوده مسوب و مربوط میسند

داغستان چنان ملکی اسب که در رحمان شاه عباس و شاه صفی سپاه آنها حد بین مرتبه بآن سرحد روف که آن ناحیه را تحت تسلط شاه ایران در آورد اما هر بار از آنها شکست خورده با کام و نامراد بر میگشتند و حتی نادر شاه که سلاطین هند و عثمانی را مکرر شکست داد با وجود حمله ای که سه سال طول کشید نتوانست به داغستان تسلط پیدا کند^۴.

۱- بقول آراد شمعال رئیس (قبیلہ) را گوید (ر.ک ح.۱۰۰ عامرہ ص ۴۴۶)

۲- ر.ک ح.۱۰۰ عامرہ ص ۲۴۶ - در آتشکده لکھی آمده است ر.ک ش ۱۵

۳- خود والہ میگوید

دارد ر.ک کسوت عباسیان پیر از دودمان ماست رح دلستان ما

۴- ر.ک مجمع العائن آرو

اما در ۱۱۴۲ هـ اصفهان و نواحی دیگر ارقضه افاعه در رفته و دوباره در تسلط و تصرف شاه ایران درآمدند و شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۵ هـ) پسر سلطان حسین میرزا که مدرس در موقع محاصره اصفهان برای آوردن سپاه حاکم لشکر شاهی بحاجت آذربایجان فرستاده بود در حین حیات پدر در قزوین مرتجع سلطنت بنسب در این ایام والہ درسکند دمای حاکم شاه طهماسب قرار گرفت ولی در ۱۱۴۴ هـ پدر شاه طهماسب را ارتجاع محروم و معزول کرده سلطنت را بدست خود گرفت و والہ چندی در اصفهان مبروی ماند در همان اوان سابعه ای برای والہ نیش آمد که اورا محبور کرد برك وطن گفته بهدوستان مهاجرت کند

والہ از کوحکی ناحدیحه سلطان دحسرس علیجان عموی خود همدرس بوده و در زمان همدرسی هردوستان عاشق یکدیگر شده و بالاخره نامردسند^۱ ولی در ایامیکه افاعه بر اصفهان مسلط شدند مادر حدیحه سلطان بمادر والہ بیسپاد کرد که هرچه رودتر اردواح آن دو عاشق بدو سرفیات صورت نگرد اما مادر والہ با کمال دلسردی دسب ردسپیه مادر حدیحه سلطان رد

در همان اوان شخصی ارمتوسلان ردك (محمود حسان) افغان برای خواستگاری حدیحه سلطان آمد ولی چون از طرف دستگان حدیحه جواب ردسید و از بیل بهدف مایوس گسب با كمك محمودحان افغان دروصول بدعصود موفق سد و برور حدیحه را سكاچ خود در آورد دیری نگدسب که اصفهان دوباره بدسب ایرانیا درآمد و افغانیا آرتا مبرم گسبه بطرف فارس و کرمان فرار کردند و شخصی که با حدیحه اردواح کرده بودهم آرتا حمله بود

دوسان و حویسا و بدان والہ اورا هدف تیر ملامت فرار داده سینه فكار

۱- میرسمس الدین فقیر دهلوی عباسی که از رفقای صمیمی والہ بود در مبروی^۱ والہ

وسلطان شرح این داستان عشق را بتفصیل بظم کرده است این مبروی برودی از طرف اداره تحقیقات عربی و فارسی « پنه بهار هدطبع میگردد »

اورا نابیش زبان محروح میکردند وواله هم را این سمات حویشان بستوه آمد
ارشاه صفوی احاره گرفت و ترك اصفهان گفته شهر بشهر آواره و سرگردان میگشت
تا اینکه سراج حل فارس رفته تصمیم گرفت بهدوسان مباحثت کند

واله اسم آنکس را که حدیجه را برور سناح خود آورده و دکر نکرده
است اما طاهر این شخص و کرداد علام محمودخان افغان که با حدیجه نکاح کرده
یکی است آخر مردم ساه طهر است کرم داد را کسند سپس نادر ساه حدیجه سلطان
زانی نکاح در تصرف خود داس و حدی بعد وی را نادر و اح حب فلی بیگ حاکم
پرد سرعم حدیجه سلطان در آورد بعد از فوت نادر ساه مردم یزد نصف قلی را
کشتند

س از آن صائح خان قاتل ادرشاه ا حدیجه سلطان عقد نکاح بس و لی
حدی بعد صالح خان را کریم خان رسد بختل رساید سپس میرزا احمد وزیر
اصفهان حدیجه را در خانه نکاح خود در آورد در همان ایام و انه میرزا سیر
ره دوسان نادران فرستاد که حدیجه را بند آورد اما حق میرزا سیرب نایران
آمد ارتس میرزا احمد مر و رع و مطر آمدن خود میرزا را صلا بر زبان
پیورد حدی بعد میرزا احمد بر دس گریه حن زد کشتند

بعد رفتن میرزا احمد حدیجه سلطان بقعه هندو رو کرد نازد که از آنجا
بصره رفته راه دریا خود را پس و به رسد رسد و لی حن ملتش نداد و وی
در راه کرم ساهان فوت کرد و حسری را کمره لا برده آیت دس کرد

حارصه بعلب اردس رفتن حدیجه سلطان و اعتس و نالمیت کسور و انه
صمیم گرفت بهد مباحثت کند و بعد رفوت ساه طهر سب دسی در ۱۱۴۴ ه عارم
هندس بقون آرد حریب رو نه رکیرس تسدر عس دهه مدد و در بند عاس

۱- و انه در سراج حل حید درویر سمر میگوید درخت راده در قد ترک سته
حرد را بطلان رسد هندوستان که ناسو را به حار ست رسد و وحی دیگر میرسد
دالتص رحمت سیر و مشتت در ساه محرم سید بخت در حلق ساه هندوستان
طالع گردیده حر رسد مراد را رسد نص غایت

شیخ حرین نزد میرزا اسمعیل زمین داودی حاکم بندرمدکور توقف کرد و خان
واله سوار کشتی شده به تته درسند رسید و حرین نیز بعد از ده روز به تته رسید.
واله ارته به جدا آباد و بهکرو ملتان و بالاخره به لاهور رفت. بقول حاکم چون
واله به لاهور رسید شاه آفرین لاهوری در قید حیات بود. واله از وی استدعای ملاقات
کرد و شاه مرحوم اراو معذرت خواست و گفت که فقرا را بامردم چه کار. آخر
واله نامه معصی نوشت و در ضمن، این بیب شاه آفرین را در آن نقل کرد:

پژمرده ایم بی تو به ریاد ما برس از ناغ مادر یغ مدار، ای بهار ما
چون شاه آفرین این نامه را خواند شخصا بخانه واله رفته و با وی چندین
ساعت صحبت کرد.

در ۱۱۴۷ هـ از لاهور به شاه جهان آباد (دهلی) رفت. آرا میگوید که هنگامی
که من ارسند به هندوستان (شمال هند) میرفتم در راه در شهر لاهور سال ۱۱۴۷ هـ
بامیرزا امام قلی برادر کوچک میرزا جعفر بهمراهی علیقی حان واله داغستانی
ملاقات کردم و تاشاه جهان آباد باهم مسافرت کردیم چون بشاه جهان آباد رسیدیم
بعد از یک هفته توقف در آن شهر من عازم اله آباد شدم و واله هم با حاحل اقامت
افکند^۱ واله میگوید که پادشاه دهلی و امرای آحار ورود او حریافته او را
مورد تمقد و لطف قرار دادند و با وجود اینکه واله از رفتن بدربار شاهی خودداری
میکرد اما در نتیجه اصرار امرائی مانند برهان الملک سعادت خان بیساوری ناظم
صوبه (استان) او در خدمت محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) درآمد و بمنصب چهار
هراری (پیاده) و دوهزار سوار منصوب گشت و بوب و حیهه مرصع و چند رجبر

5
 4
 3
 2
 1

[illegible]

၎င်းတို့သည် နေပြည်တော်၊ ရန်ကုန်၊ မန္တလေး၊

لله الحمد والمنة على ما يشاء من عباده العباد والمؤمنين

-مجلسه اول، دوم و سوم به ترتیب در روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه برگزار شد.

گفتند که روزی آن دو جوان رفتند و دیدم که حواله داده اند

[illegible]

در این صورت بود که در وقت

بسم الله الرحمن الرحيم

مصدقہ - ۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

پیشہ طویل و صحت پسند تاجری سے اول از اول جو بھی

[illegible][illegible]

۱- سند صادره بوسیله بنکداری محترم به جهت همخوانی کلیه موارد در صورتی که در

1. $\frac{1}{2} \times \frac{1}{3} = \frac{1}{6}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 2. $\frac{1}{2} \div \frac{1}{3} = \frac{1}{2} \times \frac{3}{1} = \frac{3}{2}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 3. $\frac{1}{2} + \frac{1}{3} = \frac{3}{6} + \frac{2}{6} = \frac{5}{6}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 4. $\frac{1}{2} - \frac{1}{3} = \frac{3}{6} - \frac{2}{6} = \frac{1}{6}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 5. $\frac{1}{2} \times \frac{3}{4} = \frac{3}{8}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 6. $\frac{1}{2} \div \frac{3}{4} = \frac{1}{2} \times \frac{4}{3} = \frac{2}{3}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 7. $\frac{1}{2} + \frac{3}{4} = \frac{2}{4} + \frac{3}{4} = \frac{5}{4}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 8. $\frac{1}{2} - \frac{3}{4} = \frac{2}{4} - \frac{3}{4} = -\frac{1}{4}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 9. $\frac{1}{2} \times \frac{4}{5} = \frac{2}{5}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 10. $\frac{1}{2} \div \frac{4}{5} = \frac{1}{2} \times \frac{5}{4} = \frac{5}{8}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 11. $\frac{1}{2} + \frac{4}{5} = \frac{5}{10} + \frac{8}{10} = \frac{13}{10}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 12. $\frac{1}{2} - \frac{4}{5} = \frac{5}{10} - \frac{8}{10} = -\frac{3}{10}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 13. $\frac{1}{2} \times \frac{5}{6} = \frac{5}{12}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 14. $\frac{1}{2} \div \frac{5}{6} = \frac{1}{2} \times \frac{6}{5} = \frac{3}{5}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 15. $\frac{1}{2} + \frac{5}{6} = \frac{3}{6} + \frac{5}{6} = \frac{8}{6} = \frac{4}{3}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 16. $\frac{1}{2} - \frac{5}{6} = \frac{3}{6} - \frac{5}{6} = -\frac{2}{6} = -\frac{1}{3}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 17. $\frac{1}{2} \times \frac{6}{7} = \frac{3}{7}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 18. $\frac{1}{2} \div \frac{6}{7} = \frac{1}{2} \times \frac{7}{6} = \frac{7}{12}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 19. $\frac{1}{2} + \frac{6}{7} = \frac{7}{14} + \frac{12}{14} = \frac{19}{14}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 20. $\frac{1}{2} - \frac{6}{7} = \frac{7}{14} - \frac{12}{14} = -\frac{5}{14}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 21. $\frac{1}{2} \times \frac{7}{8} = \frac{7}{16}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 22. $\frac{1}{2} \div \frac{7}{8} = \frac{1}{2} \times \frac{8}{7} = \frac{4}{7}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 23. $\frac{1}{2} + \frac{7}{8} = \frac{4}{8} + \frac{7}{8} = \frac{11}{8}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 24. $\frac{1}{2} - \frac{7}{8} = \frac{4}{8} - \frac{7}{8} = -\frac{3}{8}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 25. $\frac{1}{2} \times \frac{8}{9} = \frac{4}{9}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 26. $\frac{1}{2} \div \frac{8}{9} = \frac{1}{2} \times \frac{9}{8} = \frac{9}{16}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 27. $\frac{1}{2} + \frac{8}{9} = \frac{9}{18} + \frac{16}{18} = \frac{25}{18}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 28. $\frac{1}{2} - \frac{8}{9} = \frac{9}{18} - \frac{16}{18} = -\frac{7}{18}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 29. $\frac{1}{2} \times \frac{9}{10} = \frac{9}{20}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 30. $\frac{1}{2} \div \frac{9}{10} = \frac{1}{2} \times \frac{10}{9} = \frac{5}{9}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 31. $\frac{1}{2} + \frac{9}{10} = \frac{5}{10} + \frac{9}{10} = \frac{14}{10} = \frac{7}{5}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 32. $\frac{1}{2} - \frac{9}{10} = \frac{5}{10} - \frac{9}{10} = -\frac{4}{10} = -\frac{2}{5}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 33. $\frac{1}{2} \times \frac{10}{11} = \frac{5}{11}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 34. $\frac{1}{2} \div \frac{10}{11} = \frac{1}{2} \times \frac{11}{10} = \frac{11}{20}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 35. $\frac{1}{2} + \frac{10}{11} = \frac{11}{22} + \frac{20}{22} = \frac{31}{22}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 36. $\frac{1}{2} - \frac{10}{11} = \frac{11}{22} - \frac{20}{22} = -\frac{9}{22}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 37. $\frac{1}{2} \times \frac{11}{12} = \frac{11}{24}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 38. $\frac{1}{2} \div \frac{11}{12} = \frac{1}{2} \times \frac{12}{11} = \frac{6}{11}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 39. $\frac{1}{2} + \frac{11}{12} = \frac{6}{12} + \frac{11}{12} = \frac{17}{12}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 40. $\frac{1}{2} - \frac{11}{12} = \frac{6}{12} - \frac{11}{12} = -\frac{5}{12}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 41. $\frac{1}{2} \times \frac{12}{13} = \frac{6}{13}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 42. $\frac{1}{2} \div \frac{12}{13} = \frac{1}{2} \times \frac{13}{12} = \frac{13}{24}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 43. $\frac{1}{2} + \frac{12}{13} = \frac{13}{26} + \frac{24}{26} = \frac{37}{26}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 44. $\frac{1}{2} - \frac{12}{13} = \frac{13}{26} - \frac{24}{26} = -\frac{11}{26}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 45. $\frac{1}{2} \times \frac{13}{14} = \frac{13}{28}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 46. $\frac{1}{2} \div \frac{13}{14} = \frac{1}{2} \times \frac{14}{13} = \frac{7}{13}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 47. $\frac{1}{2} + \frac{13}{14} = \frac{7}{14} + \frac{13}{14} = \frac{20}{14} = \frac{10}{7}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 48. $\frac{1}{2} - \frac{13}{14} = \frac{7}{14} - \frac{13}{14} = -\frac{6}{14} = -\frac{3}{7}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 49. $\frac{1}{2} \times \frac{14}{15} = \frac{7}{15}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 50. $\frac{1}{2} \div \frac{14}{15} = \frac{1}{2} \times \frac{15}{14} = \frac{15}{28}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 51. $\frac{1}{2} + \frac{14}{15} = \frac{15}{30} + \frac{28}{30} = \frac{43}{30}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 52. $\frac{1}{2} - \frac{14}{15} = \frac{15}{30} - \frac{28}{30} = -\frac{13}{30}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 53. $\frac{1}{2} \times \frac{15}{16} = \frac{15}{32}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 54. $\frac{1}{2} \div \frac{15}{16} = \frac{1}{2} \times \frac{16}{15} = \frac{8}{15}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 55. $\frac{1}{2} + \frac{15}{16} = \frac{8}{16} + \frac{15}{16} = \frac{23}{16}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 56. $\frac{1}{2} - \frac{15}{16} = \frac{8}{16} - \frac{15}{16} = -\frac{7}{16}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 57. $\frac{1}{2} \times \frac{16}{17} = \frac{8}{17}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 58. $\frac{1}{2} \div \frac{16}{17} = \frac{1}{2} \times \frac{17}{16} = \frac{17}{32}$ (To divide by a fraction, multiply by its reciprocal.)
 59. $\frac{1}{2} + \frac{16}{17} = \frac{17}{34} + \frac{32}{34} = \frac{49}{34}$ (To add fractions, find a common denominator.)
 60. $\frac{1}{2} - \frac{16}{17} = \frac{17}{34} - \frac{32}{34} = -\frac{15}{34}$ (To subtract fractions, find a common denominator.)
 61. $\frac{1}{2} \times \frac{17}{18} = \frac{17}{36}$ (The product of two fractions is the product of the numerators over the product of the denominators.)
 62. $\frac{1}{2} \div \frac{17}{18} = \frac{1}{2} \times \frac{18}{17} = \$

၎င်း ခရစ်နှစ် ၁၈၈၁ ခုတွင် ဖွဲ့စည်း ထူထောင်ခဲ့ပြီး ခုနှစ် ၁၉၁၁ ခုတွင်

၁၂၃၄၅၆၇၈၉၁၀၁၁၂၁၃၁၄၁၅၁၆၁၇၁၈၁၉၂၀၂၁၂၂၂၃၂၄၂၅၂၆၂၇၂၈၂၉၃၀၃၁၃၂၃၃၃၄၃၅၃၆၃၇၃၈၃၉၄၀၄၁၄၂၄၃၄၄၄၅၄၆၄၇၄၈၄၉၅၀၅၁၅၂၅၃၅၄၅၅၅၆၅၇၅၈၅၉၆၀၆၁၆၂၆၃၆၄၆၅၆၆၆၇၆၈၆၉၇၀၇၁၇၂၇၃၇၄၇၅၇၆၇၇၇၈၇၉၈၀၈၁၈၂၈၃၈၄၈၅၈၆၈၇၈၈၈၉၉၀၉၁၉၂၉၃၉၄၉၅၉၆၉၇၉၈၉၉၁၀၀၁၀၂၀၃၀၄၀၅၀၆၀၇၀၈၀၉၁၀၁၁၁၂၁၃၁၄၁၅၁၆၁၇၁၈၁၉၂၀၂၁၂၂၂၃၂၄၂၅၂၆၂၇၂၈၂၉၃၀၃၁၃၂၃၃၃၄၃၅၃၆၃၇၃၈၃၉၄၀၄၁၄၂၄၃၄၄၄၅၄၆၄၇၄၈၄၉၅၀၅၁၅၂၅၃၅၄၅၅၅၆၅၇၅၈၅၉၆၀၆၁၆၂၆၃၆၄၆၅၆၆၆၇၆၈၆၉၇၀၇၁၇၂၇၃၇၄၇၅၇၆၇၇၇၈၇၉၈၀၈၁၈၂၈၃၈၄၈၅၈၆၈၇၈၈၈၉၉၀၉၁၉၂၉၃၉၄၉၅၉၆၉၇၉၈၉၉

၂၀၁၈ ခုနှစ် ဇူလိုင်လ ၁ ရက်နေ့မှ ၂၀၁၈ ခုနှစ် ဇူလိုင်လ ၁ ရက်နေ့

[illegible]

[Handwritten musical notation]

(۱۸۱۱-۱۸۱۲) هجری قمری: در این سال، حاکم وقت، میرزا حسن قزوینی، در این شهر، یک مدرسه تاسیس کرد.

خان ولسیوال (۱۱۶۷-۱۱۶۸) صاحب سیرت و آراء در بیان

۱. اساتذہ (دعوت) کی تعلیمی سرپرستی و خدمت (بول چال) و تعلیمی و علمی و

هنگ والہ اطرف شجاع الدولہ حاکم را استخدام کردہ ہمراہ خود بدہلی برد و در حدود یکہزار روپیہ حقوق حاکم مقرر کرد قرار شد کہ بوسیلہ محمود کشمیری کہ ارمقربان والہ واردوستان حاکم بود پرداخت گردد اما حاکم این عطیہ را قبول نکرد و این خود موجب مریدصمیمیہ و احلاص بین آہا شد چون والہ بشاہ جہاں آباد رسید بعلت تندی مراج کہ داشت کار وی درست نشد و بنا بر این قراردادی کہ بین حاکم و والہ بستہ شدہ بود ناجرا در نیامد بالاخرہ حاکم از طرف والہ مرخص شد و بلشکر شجاع الدولہ رسید بعد از چند ماہ حاکم حیر در گذشت والہ راشید^۱

حاکم بروایت مولوی محمود در مردم دیدہ (ص ۱۰۲) میوید کہ موقعیکہ والہ بر دیک بہرگ و در حال «احتصار» (برع) بود ہوز بفر شعر بود. ملا عبدالہ نامی کہ در آنوقت حضور اشت بوالہ گفت کہ این چہ موقع شعر گفتن اس کلمہ (لا الہ الا الہ محمد رسول الہ) بخواید و ایمان تارہ کنید.

والہ در جواب این رباعی حواد

گر خان رودم رتن بخواہم مردن و رجاك شود بدن بخواہم مردن

گویند علیقلی بمرد این غلط است اوہام تو مرد من بخواہم مردن

گلش حویپوری کہ والہ اورا استخدام کردہ بود و تا مرگ در خدمت والہ بود در مثنوی «صورت الحال»^۲ سال فوت والہ را ۱۱۶۹ھ آورده اس و میگوید کہ مرگ والہ در دہلی اتفاق افتاد سن وی بروایب مولف «مردم دیدہ» (ص ۱۰۱) چہل و شش سال بود. اراد نیر در حرانہ عامرہ (ص ۴۴۹) سال وفات والہ را ۱۱۶۹ھ ذکر کردہ است

۱- ر ك مردم دیدہ ص ۵۷

۲- ر ك سحہ ربو ح ۲ ص ۷۱۵ ب- در آخر این سحہ بخط سر کرد ولیام پول این عبارت آمده است «علیقلی والہ در دہلی در سال ۱۱۶۹ھ بعد از بیماری شش رورہ در گذشت» (ترجمہ)

حاکم ماده تاریخ واله را «پیوست برحمتواله» (= ۱۱۷۰ هـ) گفته و آزاد آنرا بصورت شعر در قطعه زیر آورده است

طغر خنگ امیر گهر سح معنی بحکم قضا از جهان کرد رحلت
طلب کرد دل سال تاریخ فوتش خرد گفت «پیوست واله برحمت»
(= ۱۱۷۰ هـ)

ار فرزندان او تنها اسم يك دختر در کتب آمده است بقول بیل ، واله دختری داشت نام گنایگم که ربان اردو شعر میسرود و درود حوایی معروف بود وی در عماد الملك غاری الدین خان سوم بود و در ۱۱۸۹ هـ فوت کرد^۲

اکنون عقاید و آرای تدکره نگاران معاصر واله درباره اخلاق و پایه علمی وی اینجا نقل میگرد

حوشگو میویسد که واله شاگرد شیخ علی حرین بود و بطرز وی شعر میسرود^۳ اما واله در ایامورد هیچ اشاره ای نکرده است

حاکم در مردم دیده (ص ۱۰۱) می نویسد که واله آدم حوش معاش و حوش پوش و حوش صحبتی بود و غالباً معروف بود او سریع التحریر (تد نویس) بود و در شعر کسی را محل نمیگذاشت و وجود اکثری از شعرای معاصر خود را میمشاخت. اکثر بروش و طرز شعرای قدیم شعر میسرود و شعرویی پر درد و لذت است. آرزو در «مجمع النقایس» می نویسد:

۱- ماده تاریخ فوت مذکور عدد ۱۱۷۰ میرساند که یکسال بیشتر از اصل سال وفات واله است ابوطالب حان در خلاصة الافکار سال فوت واله را ۱۱۷۰ هـ ذکر کرده و در تذکره عی ۱۱۷۷ هـ آمده است و هر دو اشتباه است

۲- ر ك بیل فرهنگ تراحم شرقی (انگلیسی) و اشپرنگر ص ۲۲۷ و گارسن دتاسی ح ۱ ص ۴۸۸ - ۴۹۰ .

۳- ر ك سعیده حوشگو دفتر سوم ص ۲۹۶

هرچند از علوم طاهر بهره‌ای ندارد اما ارحمت صفای ذهن و تتبع کتب از اکثر مطالب آگاهی دارد و بیشتر مقدمات مستحضر اوست علی‌الخصوص تصوف که از برکات تصفح و تفحص اولیا بتوحید حقیقی پی برده و عالم را حقیقت واحدشمرده و در مقدمه و صحابه «تلك امة قد حلت لها ما كست ولكم ما كستتم ولا تسئلون عما كانوا يعملون» گویان دست از تعصب و تعنت شیعه‌وسنی برداشته و بررگان هر دو طریق را بربرگی و حوی‌ی یاد کرده و میکند و ارطعن و تشبیع که شیوه قشریان بیهوده گواست مدام بر حذر می‌باشد شاهد احوال اوس این مقال او رباعی

دیدیم نراع سنی و شیعه لقب

کاموخته اند کیش چهل ارام واپ

هرحا که حریت کبیتش شیعه بود

هرحا که سگی است سنیش هسب لقب

.... تمام دیوانش او وقایع عشق و اسرار عرفان مملو است. . اکثر (در)

تتبع بابافغانی است بلکه اگر بچشم دق نظر کرده آید جاشی که در کلام اوست در شعر بابانیست زیرا که ایهمه مقدمات تصوف نانا را کم دسب داده»

آثار مؤلف

انارمؤلف بدین قرار است

- ۱- دیوان که در ۱۱۵۷ هـ تا تمام رسید این دیوان واله را که مشتمل است بر چهارهزریب^۱ فقیر دهلوی^۲ از رفقای واله برای او ترتیب داده است (برای نسخ آن رجوع شود به نادرین ۱۱۸۲ و اته ۱۷۰۸ و اندیر دخیره بوص ۹ و آصفیه ح ۱ ض ۷۳۶ ش ۳۴۵)

۱- حاکم در مردم دیده (ص ۱۰۱) می‌ویسد قصائدعرا و دیوانی قریب هفت هزار بیت دارد .

۲- این همان شاعر است که داستان عشق واله و سلطان را سروده است و ذکر آن در دیل سرح حال واله در سطور فوق گذشت

- ۲- نجم الهدی^۱ - مثنوی مذهبی است که والہ در ۱۱۴۹ هـ سروده است (برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ذیل ح ۱ ش ۱۹۲۱ و ایوانو ۸۵۵).
- ۳- مثنوی مررنامه - راجع به داستان عشق میرزا شیرافکن. (برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۸۵۶).
- ۴- ریاض الشعرا (تذکره مورد بحث).

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱۶۰ هـ آغاز نموده و در سال ۱۱۶۱ هـ با تمام رساییده است^۲ و در خاتمه مؤلف این رباعی آورده است که سال اتمام این کتاب را میرساند .

این تذکره چون طرب فرای دل شد تاریخش را دل ارحر دسائل شد

گفتار ریاض الشعرا رفت حیران دروی چو بهار سرزده داخل شد

(ایضا چون ار عدد «ریاض الشعرا» (= ۱۶۱۳) عدد حران (= ۶۵۸) را میبا کیم و ار عدد «بهار» (= ۲۰۸) عدد «ب» (= ۲) را منها کرده حاصل آنرا به حاصل اول (۱۶۱۳ - ۶۵۸ = ۹۵۴) جمع کیم عدد ۱۱۶۱ بدست میآید که سال اتمام ریاض الشعرا میباشد) .

در مورد سبب تألیف، مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است: « غرض راقم در تسوید این اوراق ایست که بقدر مقدور اشعار یلند و افکار ارحمد فراهم آید (و) اینکه جمعی کثیر از موروثان را دکر نماید »

۱- این مثنوی را اشپرگر بوالہ بست داده است اما بعقیده عبدالمقدر (فهرست

بانکی پور) این مثنوی را سید محمد موسوی متخلص به والہ سروده است که در حراسان متولد شد و بحیدرآباد مهاجرت کرد و ار آجا به ارکات رفت و همانجا در ۱۱۸۴ هـ درگذشت (د.ک. فهرست مدراس ش ۶۱ و گلزار اعظم ص ۸ - ۳۶۵ و گلدسته کراتک)

۲ - قسمت بیستر این تذکره در ۱۱۶۰ هـ نوشته شده و در ۱۱۶۱ هـ با تمام رسیده

است اما ایوانو عقیده دارد که قسمت آخر این کتاب در ۱۱۶۲ هـ تألیف شده است. 

ت و اگر گاهی بر اشعار بعضی انتقاد نموده است آن هم از تعصب و غرض نیست.

همچنین در ذیل بعضی اشعار آنان را شرح داده و درباره بعضی از آثارشان اظهار نظر کرده است (مثلاً رجوع شود به فخرالدین اسعد گرجانی و نظامی و غیره).

یکی از مرایای مهم این تذکره اینست که مؤلف در دیل شرح حال خود وقایع تاریخی زمان خود از قبیل هجوم افغان و فتح اصفهان و غیره بدست آوردن و اخراج آنها بدست نادر و حلوس نادر و غیره را شرح داده است چون اکثر این وقایع چشم دیدن و اله موده و وی از حرئیات آن اطلاع کاملی داشته ما بر این ارمأ حذاصیل تاریخ آن دوره میباشد اما در مورد ادعای دوم مؤلف باید تذکر داد که این منی بر صحت و حقیقت نیست و یکی از معایب بزرگ این تذکره انتخاب بسیار مختصر از اشعار متقدم است و معلوم نیست بجه علت مؤلف در این کار تساهل نموده است حوس اگر خوف تطویل بود پس بهتر آن بود که ذکر اشعار کلهلا غیر معروف و بی ارزش را از این تذکره خارج نموده و بد ک شعرای بزرگ و اهم بیشتر توجه می نمود.

همچنین باید ادعا کرد که مؤلف به فقط اشعار شعرای معروف متقدم را خیلی مختصر آورده است بلکه شرح حال اکثر آنها را هم در دوسه سطر آورده است مثلاً رجوع شود به نام اثیرالدین اچیسکتی و اسدی طوسی و حاقانی و رودکی و سلمان ساوخی.

از حمله نقایص این تذکره یکی اینست که مؤلف غالباً توجه خاصی بد ک احوال مهم رد گانی اشعار نداشته و حتی سال فوت بعضی اشخاص معروف را هم ذکر نموده است مانند اثیرالدین اچیسکتی و ادیب صابر و اسدی طوسی و اسوری و اوحدی کرمانی و اهلی سیراری و نادر و جهانگیر و حسن دهلوی و حاقانی و عمر حیام و رودکی و سلمان ساوخی و صائب و طهوری و نعمت خان عالی و امیر علی سیر

(نوائی و) فانی و فرخی و معری و منوچهری و نظامی گنجوی و غیره

این تذکره مشتمل است بر مقدمه و بیست و هشت «روصه» (یک روصه برای یک حرف) و خاتمه و با «شیخ ابوالحسن حرقانی» شروع شده با «یحیی حان یکتا» تمام میشود و حاوی ذکر شعرای متقدم و متوسط و متاخر است بترتیب العا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر. عده شعرای این تذکره قریب به ده هزار و پانصد^۱ میرسد و بنا بر این مانند فرهنگ جامع اسامی شعرا است و همین امر یکی از علل خاص اختصار و ایجاز بیان و انتخاب اشعار شعرا در این تذکره میباشد.

در مقدمه توضیح داده است که مراد از پادشاه شهید اول سلطان حسین صفوی و ارشید نانی شاه طهماسب و از قهرمانان ایران نادرشاه و از پادشاهان عالم پناه محمد شاه پادشاه هند بوده است.

همچنین تذکره داده است که در ترتیب اسامی شعرا که از روی العا^۲ اساس زمان را رعایت نموده و حتی مراتب فصل و حاه را نیز مرعی نداشته چون فرصت این کارها را نداشت

اما در ترتیب اسامی تقدیم و تأخیر شعرا رعایت تحلیص نموده و اگر تخلص سود رعایت اسم و اگر آههم سود رعایت کنی و لاف کرده و اگر احیاناً کسی بکنیت یا لقب مشهور بوده در مورد او همان را رعایت کرده است

در این کتاب مؤلف با انتخاب عزل و قصیده و قطعه و رباعی اکتفا نموده است و از مثنوی های برگزیده انتخابی بیاورده است و در این مورد چنین توضیح داده است که اگر اشاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سعه مولوی جامی و مثنوی مولوی و غیر ذلك انتخاب میکرد قریب بیست هزار شعر در این تذکره اضافه میشد و از فرط تطویل کسی را رغبت بحوالدن و نوشتن آن نمیشد و اگر چند بیت از هر مثنوی به رعایت اختصار مینگاشت بیننده (خواننده) را توهم این میرفت که شاید باعتقاد مؤلف اشعار بلند درین مثنوی همین معرر بوده^۳

شرح حال شعرا را در يك دوسطر آورده است و حتی در ديل نام اكثر شعراى معروف هم شرح حالشان را مختصر آورده است باین عدد كه چون بين مردم مشهور بوده «محتاج بتعريف و توصيف نيست» مثلاً رجوع شود به انورى و اوحدى كرماني و حافظ و سنائي و سحابى و محتشم كاشى

شرح حال شعرا و افراد زير را سة مفصل آورده است ادهم و نابى شاه و جرأت و حزين و محمد رحيم خان (حانان) و فردوسى و بابا فاعلى و مولانا رومى و مولوى معزالدين و ميرزا محمد و نجم الدين كبرى و نامى سعدلو (هر کدام در يك صفحه) و افضل يابى نى و فتح عليحان (عموى مؤلف) (هر کدام در ۱/۳ ص) و ملا شاه بدخشاني و لطف عليخان (عموى مؤلف) و محمد عليحان (پنر مؤلف) و محمد على خان نژاد (هر کدام در ۲ ص) و شاه طهماسب (در ۳ ص) و برهان الملك (در ۷ ص) - از همه مفصل تر (

همچنين در ديل نام تقريباً هشتاد شاعر اشعارشان را مفصل تر نقل کرده است مخصوصاً در ديل دم شعراى رير اشعارشان را از سايرين مفصل تر آورده است سليم تيرابى (۱۱ ص) و كمال الدين اصغابى (۱۲ ص) و طهورى (۱۳ ص) و حرين (۱۴ ص) و حافظ (۱۸ ص) و وال (۲۴ + ۲ ص) و ضائف (۳۲ ص) و امير خسرو (۴۱ ص)

در ديل نام نعمت حان (عالى) رقعدهاى (نامداى) اراو بشر و همچنين در ديل مير شمس الدين فقير دهلوى رساله اى مسمى به واقيه در علم عروض و قافيه (قريب ۱۶ ص) و رساله ديگر مسمى بحلاصة الديق در صنايع شعر (در ۱۲ ص) آورده اس
اشاره تر كى امير على شيرازى در روضة المون تحت «نوائى» و اشعار فارسى وى را در روضة الفا در ديل نام «فانى» آورده است

در ديل شرح حال بسيارى از شعرا عقيدة تقى كاشى ر' درباره آبهاد كرده و در ديل عبدالعلى تيرابى اين عقيدة حرين را ازوى نقل كرده است «شيخ على حرين ميگويد كه از معاصرين بسجى فهمى او كس نديدم».

مؤلف اکثر شعرای معاصر هندی نژاد خود را در این تذکره ذکر نموده چون برای آنها زیاد اهمیت قایل بودمانند آرو و آرادو غیره اما بسیاری از شعرائی که در این تذکره ذکر نموده است غیر معروف بودند و اشعارشان هم بی ارزش و بی مزه بوده و معلوم نیست مؤلف چرا این شعرای غیر معروف را که در باره آنها خودش هم هیچ اطلاعی نداشت و غیر از یک دوبیت از آنها نقل نکرده است بر شعرای معروف معاصر خود ترجیح داده است^۱ یکی ارعلل بارز آن تعصب مؤلف است نسبت بشعرای هندی نژاد که سراسر این تذکره پر از آن میباشد. حتی در دیل بعضی شعرای معروف که در هندوستان متولد شده اند مینویسد که آنها حارج ار هندوستان متولد شدند و بهندوستان آمدند مثلاً خسرو (باوجود اینکه خسرو هندوستان را «مولد و منشای» خود میگوید).

در دیل نام بعضی شعرا اشعارشان را با اشعار دیگران مقایسه نموده است مثلاً اشعار حریز را با اشعار صائب و اهللی و کلیم و راقم و وحید و اقدسی و غیره و اشعار حسن را با اشعار حمیدالدین وحید ر کمره مقایسه نموده است.

در دیل شرح حال بیدل (در نسخه ملک تهران ش ۴۳۰۱) مینویسد که بیدل بایران رفته و آنجا در اصفاها اشعاری بمدح پادشاه و قطعات تاریخ ناهائی مانند چهل سون سروده است که حتماً در باره یک کسی غیر از بیدل عظیم آبادی است سبک انشای مؤلف عالباً ساده است اما در مقدمه و شرح حال خود و در بعضی موارد دیگر گاهی بنثر مصوع پرداخته است

گاهی آیات و احادیث و ضرب المثل های عربی را نگار برده است مانند «کل اح یعارقه اخوة الا لفرقدان» یا «ادامرو باللعو مروا کراما»

۱- اما از بین شعرای معاصر متولد در هند شرح حال و آثار شمس الدین فقیر را ار همه مفصل تر آورده است چون وی دوست مؤلف بوده و در ترتیب دیوان مؤلف باو کمک نموده و حتی داستان عنق واله و حدیحه سلطان را نظم کرده بود

قبل و بعد از اسامی بعضی شعرا القاب تعریفی آورده است که گاهی نثر مسجع است مانند «سلطان المشایخ ابوسعید ابوالخیر قدس سره قاید صراط المستقیم طریقت قافله سالار مراحل معرفت دلیل بوادی فباهادی وادی بقاست» . (همچنین رجوع شود به شرح حال شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوعلی سینا و اسدی طوسی و اهلی شیرازی و بیدل و خسرو و عطار و غیره).

گاهی حمله ای مصنوع بمعنی «فوت شد» بکار برده است مانند :
 شیخ احمد جامی در سنه ۵۲۶ خلعت فانی را بر آورده به تشریف باقی
 مشرف شد.

ابوسعید ابوالخیر : در سه ۴۴۰ گوش هوش بندای یا ایته النفس المطمئنة
 ارجعی الی ربك راصیه مرصیة فادحلی فی عسادی و ادحلی جبتی در حست وصال
 آسوده گردید»

نسخ خطی

- ۱- اشپرسگر ش ۱۸ - ۲- برلن ۶۵۷ (خلاصه شامل شرح حال و يك بيت از
 هر شاعر محتملا ارمولف) ۶۵۶ (۱۲۲۴ هـ) ۳- ایوانو ۲۳۰ (۱۱۷۱ هـ) و ایوانو-
 کررن ۵۷ (ناقص - مورخ ۱۷۹۴ م) ۴- لیندریاناس ۱۲۱ ش ۳۱۱ (در حدود ۱۷۷۰ م)
 و ش ۵۷ (۱۲۱۰ هـ) و ش ۵۸ (ناقص الاخر - جدید)
- ۵- بوهار ۹۲ (۱۱۹۱ هـ) ۶- ریو ح ۱ ص ۳۷۱ الف (۱۲۰۳ هـ) تکمله ۱۱۲
 (۱۲۱۶ هـ) ۱۱۳ (تاحرف کاف - قرن ۱۹ م) ۷- آصفیه ح ۳ ص ۱۶۴ ش ۱۲۰
 (۱۲۵۸ هـ) ۸- نانکی پور ح ۸ ش ۶۹۳ (قرن ۱۹ م) ۹- بادلین ۳۷۷ (بدون
 تاریخ) ۳۷۸ / (قسمتی از کتاب) ۱۰- اندیا آفس ۳۶۵۳ ۱۱- دانشگاه پنجاب-
 دوسنخه (یکی ناقص الاخر و دیگری ناقص الاول و دونسخه « خلاصه ریاض
 الشعراء ») ۱۲- ملک تهران ش ۴۳۰۱

۱- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است . رك استوری ح ۱ ق ۱ ص ۲۶۱ در

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب میرزا کاظم^۱ ملقب به مردان علی خان و متخلص به منتلا است و اسم پدرش میرزا محمدعلی خان بن میر کرم علی خان^۲ مشهدی است خدمت مولف در زمان محمد معزالدین چهارشاه (خلوس و فوت: ۱۱۲۴هـ) همراه نواب برهان الملك سعادت خان بیشاپوری^۳ از خراسان بهندوستان مهاجرت نمود و در زمان محمد فرخ سیرشاه (۳۱-۱۱۲۴هـ) وارد سلك ملازمین دربارشاهی گردید و بلب خان معتمد کشت و در زمان محمدشاه (۶۱-۱۱۳۱هـ) در گذشت.

یسرش محمدعلی خان پدر مولف هم اول در خدمت برهان الملك مرپور بوده و بعد از وفات وی در خدمت نواب ابوالمصور خان صفدر حنك حاکم وریر اود (۱۱۶۲-۱۱۶۸هـ) درآمد و سپس بتوجه و توصیه وی از طرف نواب مرپور به بیابان استانداری اله آباد منصوب گشت وی در زمان نواب صفدر حنك سپهسالار (فرمانده سپاه) شد و «چند فتوح نمایان بدست او بظهور رسید».

بعد از وفات نواب مرپور میرزا محمدعلی خان به بنگال رفت و آنجا در سلك بدمای نواب شجاع الملك جعفرعلی خان و نواب عالیجاه قاسم علی خان ناظم بنگال درآمد و در ۱۸ حمادی الاول ۱۱۷۶هـ فوت کرده و در عظیم آباد (پتنه) در درگاه شاه اردان (متوفی ۱۰۲۸هـ) بحاجت غرب مدفون گشت.

مردا علی خان در سال ۱۱۴۴هـ^۴ در لکهنو متولد شد و فن شعر و علم صرف و

۱- فهرست نادلیں محمدعلی خان بن محمد (که اسم پدر مولف است به اسم خود

مولف) .

۲- نتایج الافکار میرزا محمد

۳- مقوفیه ۱۱۵۱هـ - وی مؤسس سلطنت اود بود - برای شرح حال او رجوع شود به حرانه

عامه ص ۷۴-۷۶.

۴- ر.ک- تذکره «روروشن» - سایر این سی مولف بوقت تألیف این تذکره ۱۷

سال بود و این ظاهرًا عجیب است چون باین سی کوچک چطو مولف توانسته است تذکره ای باین حوبی و بتر تقدیری مصبوع ترتیب دهد

بحو وفعه وعلوم متداوله دیگر را پیش مولوی وحیه الدین نظام آبادی حوپوری^۱ فراگرفت و در شعر هم شاگرد او بود مشق خطاطی را نزد میرزا محمد حسین دهلوی میکرده است. با وجود اینکه فرصت «تحصیل کمالات» را نداشته معدلت چون نمیخواست از کمالات بکلی بی بهره بماند تا برای این اکثر اوقات خود را در خدمت فضلاء و ارباب کمال بسر میبرد و گاهی بنوشتن و مشق خطوط میپرداخت و از بعضی خطاطین معروف مانند میر عماد حسینی تقلید میکرد و خط نسخ و نستعلیق را خوب مینوشت. گاهی دیوان شعرای بزرگ متقدم و متأخر را مطالعه میکرد و همچنین اکثر اوقات خود را در صحبت شعرای معروف معاصر خود مانند عبدالرضامتین و میر شرف الدین وفا قمی و میرزا اسمعیل ایما و میرزا ابوعلی هاتق میگذراند و در اثر صحبت آنان گاهی خودش نیز شعر میسرود.

بعول مولف «نتایج الافکار» مثلاً از طرف نواب صفدر حسنگ نالقب مردان علی حان مفتخر گردید

مؤلف «برم سخن» مینویسد که مثلاً در عاری پور توطن داشت و اصلاً اهل نارس و معاصر سودا دهلوی بود و بران اردو و فارسی دیوان و تذکره داشته است^۲ اما اسم تذکره اردو حرو و تألیفات او در کتب دیگر ذکر شده است مثلاً در آخر عمر از لکهنوبه عظیم آباد (یتنه) روت جنابکه در موقع تألیف تذکره «گل رعنا» وی در عظیم آباد سر میبرد و ابیاتی چند بخط خویش برای شعیق مؤلف آن کتاب فرستاده و شرح حال وی را یکی از آشنایان وی بامیر غلام حیدر پسر مولوی میر محمد یوسف بلگرامی برای شعیق نوشته بود^۳.

۱- سحه این تذکره که در دانشگاه لاهور موجود است برمایش همین مولانا

و ح الدین استنساخ شده است. (روك سح تذکره «منتخب الاشعار» در سطور آینده.)

۲- روك تذکره برم سخن ص ۱۰۲

۳- روك گل رعنا مثلاً

بقول مولف «روز روشن» متلاً در اواخر ۱۲۱۲ هـ در عظیم ایاد فوت شد^۱
و بروایت مولف «نتایج الافکار» در «اواخر مایة ثانی عشر» فوت کرد.

آثار مولف

- ۱- منتخب الاشعار - تذکره مورد بحث ۲- تذکره اردو^۲
- ۳- دیوان فارسی که بقول مولف روز روشن چهار هزار بیت دارد. ولی شفیق بعد از اشعار دیوان متلاً را در «گل رعنا» دو هزار نوشته است.
- ۴- دیوان اردو

تمصره بر کتاب

مولف این کتاب را در سال ۱۱۶۱ هـ تألیف نموده اسب چنانکه بیت زیر
از قطعه‌ای که در حاتمیه این تذکره آورده اسب میرساند .
مکن هر ره گردی که من فکر کردم
پی سال تاریخ «نظم معانی»
(= ۱۱۶۱ هـ)

باید ادعا کرد که مولف «نتایج الافکار» و «گل رعنا» اسم این تذکره را
«نظم معانی» نوشته‌اند که اشتباه اسب چون مولف خودش در دبل سبب تألیف
درسطور دبل اسم آید! «منتخب الاشعار» ذکر نموده است و بمؤلفین «نتایج الافکار» و
«گل رعنا» این اشتباه از همین بی‌فوق رح

د مورد سبب تألیف مورد درد یا چه چنین توضیح داده است که در ایام عتقوان
شاه وی مطالعه دواوین شعرا خیلی علاقه داشت و بعضی از اشعار را بسیار
می‌پسندید و آنها را در پاره‌های کاغذ یادداشت می‌کرد و برودی از این صفحات مقدار
زیادی جمع‌آوری نموده بصورت کتابی در آورد و «بر صفحه‌رور گار نه یاد گار گذاشت»

۱- ر. ک. تذکره «روز روشن» متلاً

۲- ر. ک. نرم سحن ص ۱۰۲

و این تذکره را «منتخب الاشعار» نام گذاشت.

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار منتخب از ۷۱۱ شاعر متقدم و متأخر تازمان مؤلف. چنانکه عده شعرا که در فهرست اسامی در اول این کتاب آمده است بدین ترتیب میباشد *

الف = ۷۸ ب = ۳۲ ت = ۱۲ ث = ۳ ح = ۳۰ ح = ۳۰ خ = ۲۴
د = ۱۱ د = ۴ ر = ۲۴ ز = ۱۱ س = ۴۴ ش = ۳۲ ص = ۲۴
ض = ۵ ط = ۲۶ ظ = ۴ ع = ۴۲ غ = ۱۵ ف = ۴۴ ق = ۲۳ ك = ۲۲
ل = ۶ م = ۸۵ ن = ۴۱ و = ۲۲ ه = ۱۴ ی = ۱۳ (كل = ۷۱۱)

مؤلف ذکر این شعرا را به ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر آورده است

این تذکره با «مولانا اهللی شیرازی» شروع شده با «یکتا» (تاراجند) تمام میشود

مؤلف شرح حال غالب شعرا را خیلی مختصر آورده است و اکثر آنها را در يك یادو حمله معرفی نموده و سپس اشعار منتخب را از آنان نقل کرده است اما اشعار شعرا را غالباً مفصل آورده مخصوصاً در ردیل نام شعرای ریر اهللی شیرازی و اهللی حراسانی و ابوسعید ابوالخیر و عبدالرحمن جامی و امیر خسرو دهلوی و سحابی استرآبادی و سلیم تهرانی و امیرهمایون گاهی در ردیل نام بعضی شعرا تنها يك بیت از آن نقل کرده است (رجوع شود به ذکر راسخ و سید رضا و رفیع قزوینی و ساقی و سام میرزا و صالح تبریزی و یمینی و یکتا، تاراجند)

در ردیل شرح حال شعرا غالباً اطلاعات مهمی درباره زندگی شان را فراهم نیاورده و حتی سال وفاتشان را هم ذکر نکرده است

انتخاب اشعار در این تذکره غالباً خوب است و معلوم میشود که مولف دارای

دوق حویلی بوده است

سبك انشای مولف گاهی ساده و گاهی مصنوع است

رویهمرفته ارحیت تار کی مطالب این تذکره زیاد مهم نیست ولی از روی

حسن انتخاب اشعار میتوان آنرا حروتذکره های خوب حساب کرد

نسخ خطی

۱- داشگاه لاهور دحیره بروفور شورانی مورخ سلح محرم سنه ۱۱۶۶ هـ

که بفرمایش مولانا وحیه الدین استساخ شده است.

۲- نادلیز ش ۳۷۹

۳- رامپور- فہرست بدیر احمدش ۹۴ (مورخ ۱۱۶۶ هـ)

فہرست اسامی شعرا- رجوع سود بہ نادلیز ستوبہای ۲۳۹-۲۵۵

برای شرح حال مولف- رجوع سود بہ مسحب الاشعار وروروش و برم-

سحن (اردو) وندیخ الافکار و گل رعنا ص ۲۹-۱۰۲۷ و نسخہ خطی کتابخانہ اہم

ترقی اردو کراچی

منتخب حاکم

ابتدا: (بدست برسید)

مولف

اسم مولف این کتب ملا عبدالحکیم متخلص بہ حاکم لاهوری است (برای

شرح حال او رجوع شود بہ «مردم دیدہ» در این کتاب)

تبصره بر کتاب

حاکم این تذکره (ظاهر آذاتمام) را در سال ۱۱۶۱ هـ ترتیب داده است چنانکه اسم این کتاب: (منتخب حاکم) (= ۱۱۶۱ هـ) میرساند.

این کتاب متخصریست در رد کراحوال و نمونه اشعار آفرین و آزاد و امیدوار و رو که همه آنها ارمعاصرین حاکم بودند با «تکلمه» ای مشتمل بر دگر میر عبدالحی و شیخ نورمحمد.

ریومیگوید که حاکم این تذکره را از «مجمع النقایس» آرزو نقل کرده و بعضی شعرا را سر آن افروده است اگر این قول صحیح باشد حاکم نسخه «مجمع النقایس» را قبل از اتمام آن در ۱۱۶۴ هـ دیده و از آن استفاده کرده است.

ظاهر آ قبل از اینکه حاکم ترتیب تذکره معصل تری بردارد این تذکره متخصری را ترتیب داده است چنانکه بعداً در سال ۱۱۷۵ هـ تذکره معصل تری بنام «مردم دیده» تهیه نموده است. باید ادعان کرد که چهارشاعر اول این تذکره همان هستند که در «مردم دیده» بیرمذ کورند اما معلوم نیست چرا حاکم دگر میر عبدالحی و شیخ نورمحمد را در «مردم دیده» نیاورده است

نسخ خطی

۱- رها تاسک ص ۱۳۳ ش ۲۱ مورخ ۱۱۷۵ هـ قسمتی از این نسخه بخط

مؤلف

۲- ریو ج ۳ ص ۱۰۳۷ الف (که قسمتی از این کتاب میباشد و مشتملست

بریک ورق از نسخه ای از کتابخانه میرالملک)

تذکره حسینی

ابتدا

« ستایش بی حد و نیایش بی عدم بدعی را سزد که افراد ایجاد را به ایات منتخه اشخاص و انبیاء علیهم الصلوٰۃ والسلام حسن انتظام بحشید و مجمع اشعار هدایت و ارشاد بذوات مقدسه ائمه الهدی علیهم التحیة و الثنا پیرایه اختتام پوشانیده^۱ »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میرحسین دوست و تحلیص‌وی حسینی است و اسم پدرش مولوی سید ابوطالب است و اصل وی از سنهیل ضلع مرادآباد (هندوستان) است . چنانکه خودش توضیح داده است وی بسن نوره سالگی در جستجوی یاک استاد برگ از سنهیل به دهلی رفت و آنجا شیخ فضل‌الہ را استاد برگ یافت . وی در دهلی قسمت بیشتر عمر خود را در صحبت شعرا و در جستجوی هنر گذرانید و بتدریج در شعر مهارتی پیدا کرد

در ۱۱۷۳ هـ دهلی را ترک گفته به بریلی رفت و آنجا کتابی در دستور زبان فارسی نوشت و در ۱۷۸۹ م تیمور نامہ ہاتھی را بشر درآورد . بعد از آن در بارہ احوال وی حصری نداریم

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱ - تذکرہ حسینی - کتاب مورد بحث
- ۲ - تشریح نادر - کتابیست در دستور زبان فارسی (برای مسح آن رجوع شود بہ فہرست کلکتہ ص ۱۰۴ و رامپور - نذیر احمد ش ۳۰۲)
- ۳ - تیمور نامہ ہاتھی کہ آنرا بشر درآوردہ است .

۱ - سحہ بانکی پور عبارت زیر آغار میشود :

» حمد بیقیاس و سپاس محمدت اسام حسابصا بی را سراسر است « . . .

تبصره بر کتاب

این کتاب را مولف بسال ۱۱۶۳ هـ تألیف کرده است چنانکه بیبریر در قطعه ای که در پایان کتاب آمده است می‌رساند .

این نسخه چویافت زیب اتمام تاریخ شدش «حجسه احام»

(= ۱۱۶۳)

در مورد سبب تألیف مؤلف در دنیا چه کتاب چینی توضیح می‌دهد :

«امام بعد حاکم راه بی و علی مؤلف این اوراق میر حسین دوست سنهلی

چون در یورده سالگی بر سبیل تحصیل علم بدر الحلافت بر هب بهاد شاه جهان آباد وارد گشت و عمری در اکتساب علوم ادبیه بگذرانید و بعضی محاسن فصاحت شیرین کلام و شعرای بلاغ انتظام در وی شعر مهارتی بهمرسانید یاران جانی و دوستان روحانی باعث شدند بر جمع اشعار و کهن بنابر آن تذکره الاحباب انگشت قبول بر چشم گذاشت و مجمعی (مجموعه‌ای) مختصر از احوال (و) اشعار اولیاء باصفا و وملوک و فصلا و شعرا به تخصیص لطایفی که میان یکدیگر گداشته اند پرداخته آمد مسمی به تذکره حسینی»

مؤلف اسم مادر و منابع خود را که در تألیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است به دردمناحه و به در دیل شرح حال شعرادر هیچ کجا بیان نکرده است و حتی حکایه و لطایف را در دیل شعرا بدون ذکر مادر آن نقل کرده است .

این کتاب را مولف نام‌ساز شرف‌الدین محمود عبوان کرده است (رحوع شود به نسخه خطی دانشگاه لاهور)

این کتاب مشتمل است بر دکر چهارصد و چهل و پنج^۱ شاعر متقدم و متأخر برتیب‌العبا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها و (تیمنا نام حضرت امیر المومنین

علی علیه السلام و اصلاً) باشیخ ابوالحسن حرقانی شروع شده و بایوسفی خراسانی تمام میشود. در آغاز مولف مناقب و حکایاتی در توصیف و فضایل حضرت علی^۱ نقل کرده است و یکرباعی و چند بیت از دیوان او آورده است.

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار شعرا و همچنین اولیا و ملوک و ارمقدماتین و متأخرین که شعر هم میسروده اند.

در ردیل نام اکثر شعرا شرح حالشان را خیلی مختصر آورده است و مولف نخواسته است شرح حال مفصل یا جامعی از شعرا را در این تذکره بیاورد چنانکه در ردیل نام بعضی شعرا و عرفای معروف مانند خاقانی و ابوری و بایرید سظامی نیز شرح حالشان را مختصر آورده است و هر چه نوشته است اکثر اطلاعات در مورد رقایع مهم رندگانی آنها مانند سال ولادت و وفات و غیره را بهم نمیرساند و حتی در ردیل شعرای معاصر خود مانند آرزو و غیره نیز چنین اطلاعات را ذکر نکرده است و همچنین شرح حال خود را نیز بیاورده است.

مولف تنها در ردیل شرح حال ۵۱ تن از شعرا و عرفا سال وفاتشان را ذکر

نموده است

۱ - مولف خودش ارسادات حسینی بوده و با حضرت علی علاقه و ارادت زیادی داشته است و مناقب تنها حضرت علی را در این کتاب آورده است ولی خودش طاهر آسی بوده چنانکه

از قطعه زیر که در دیباچه آورده است پیداست

صاحب صدق و صفا حامی رسول اطهر

اولین حضرت بود مگر بود ناز عمر

سومی حضرت عثمان حیا را محزون

چهارمی حیدر کرار کرامت مطهر

این قطعه در نسخه چاپی بیست و نهمی در نسخه خطی دانشگاه لاهور موجود است.

گاهی حمله‌ای برای معرفی شاعر و يك دوبیت یا رباعی اروی نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام مائلی وه جنون ومخلص کاشی و معم حکاک وعیره
ار حمله چهارصد و چهل و پنج شاعر تنها در دیل نام شعرا و عرفای ریر اشعار
و شرح حالشان را سة مفصل آورده است

شیخ ابوالحسن خرقایی و ابوسعید انوالحیر و احمد حام و ابواسمعیل شیخ
وشیخ جلال الدین آدری و نایرید سظامی و بیدل و مولانا روحی و حامی و حسن دهلوی
و حافظ شیرازی و خسرو دهلوی و و طواط و حماد الدین سلیمان و میرزا شرف
حان قزوینی و عراقی و شیخ فریدالدین گنج شکر و قطب الدین محمد بخته اراکائی
و قاسم ابوار و شیخ عبدالقادر حیلانی و حواجه معین الدین چشتی و نظام الدین اولیاء
و نجم الدین کسری و نظام الدین گنجوی

اما در دیل شرح حال شعرای فوق بزر غالب اطلاعات مهم در باره رید گانی
آنها را بهم نرسانیده اس.

مؤلف در دیل شرح حال بسیاری ار شعرا و عرفا لطایف و حکایات جالبی نقل
کرده است و ار کثرت این حکایات معلوم میسود که (چنانکه خود او بزر در دیپاچه
توصیح داده است) یکی ار مقاصد و هدفهای وی در تالیف این کتاب جمع آوری
چنین حکایات بوده است.

در دیل نام اشخاص بزر جدیدین حکایت در باره آنها نقل کرده اس

شیخ ابوالحسن خرقایی و ابوسعید انوالحیر و آصف شیرازی و ابوریومیرزا
ابراهیم ادهم و نایرید سظامی و حامی و سعدی شیرازی و عرت هراتی و شیخ فرید
الدین گنج شکر و حواجه کرک اندال و شیخ عبدالقادر حیلانی و نظام الدین اولیاء
و نجم الدین کسری

مخصوصاً در دیل نام شیخ نایرید سظامی حکایاتی در باره او اار همه مفصل تر
(در هشت صفحه) نقل کرده است

در دیل نام شیخ ابوسعید انوالحیر سی و سه رباعی ارا و آورده اس و تاثیر حواص

آنها جهت بیل بمقاصد گوناگونی نیز شرح داده است. همچنین یازده رباعی دیگر از وی نقل کرده است که طاهر اچنین تأثیری را ندارد.

در دیل نام هیچ شاعر بر اشعار وی انتقاد نموده و برعکس غالباً از اکثر آنها بتعریف و توصیف اکتفا نموده است

گاهی اشعار بعضی شعرا را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه در دیل نام حرین بعضی اشعار وی را با اشعار مسرور و جامی و صوفی یا در دیل نام ستیدا بعضی اشعار او را با اشعار قدسی مقایسه نموده است

سبك انشای مولف

سبك انشای مولف غالباً ساده است ولی در موارد تعریف و توصیف شعرابنثر مصوع و گاهی نثر مسجع برداشته است

در دیل اکثر شعرا و عرماى معروف يك لقب توصیفی قبل از اسم آنها آورده است که در اکثر موارد با اسم یا تحلیص آنها هم قافیه است مانند.

«مرجع مقرران رحمانی شیخ ابوالحسن حرقانی» یا «قدوة الاولیاء عظام شیخ احمد حام» یا «رنده اولیای حلیل شیخ ابو'سمعیل» یا «آفتاب مشرق سخنوری حکیم اوحدالدین ابوری» یا «دیباچه سخندانی میرا ابوالحسن فراهانی»

نسخ خطی

۱- اشپرنگر س ۲۰

۲- دیو ح ۱ ص ۳۷۲ الف (قرن ۱۸ م) و ص ۳۷۲ ب (قرن ۱۸ م)

۳- ناسکی یور ح ۸ ش ۶۹۴ (قرن ۱۹ م)

۴- برلن س ۶۵۴ (تأخرف سین)

۵- دانشگاه لاهور (ناقص- رجوع شود به اوزیتل کالج مگرین ح ۳ ش ۱

مورخ نوامبر ۱۹۲۶ ص ۷۵)

شرح حال مؤلف

مؤلف این تذکره شیخ سراح الدین علی خان متخلص به آرزو و ملقب به استعدادخان است و اسم پدرش شیخ حسام الدین است که در سلك منصبداران عالمگیر شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹هـ) بود و باوجود اینکه مرد نظامی بود معذالك گاهی بشعر گوئی میپرداخت و گاه حسامی و گاهی حسام تخلص میکرد و در سال ۱۱۱۵هـ فوت کرد.

نسب آرزو از طرف پدر به شیخ کمال الدین همشیره زاده شیخ نصر الدین محمود المشتهر (معروف) به چراغ دهلی (متوفی ۷۵۷هـ) و از طرف مادر به شیخ حمید الدین عرف (معروف به) محمد غوث گوالیاری (متوفی ۹۷۰هـ) مؤلف الحواهر الخمسه که مزارش در گوالیا راست میرسد و بس شیخ محمد غوث بیچند واسطه به شیخ فرید الدین عطار می پیوندد.

قیام الدین حیرت در تذکره «مقالات الشعراء» می نویسد که آرزو در سال ۱۰۹۹هـ در گوالیار بدینا آمد و سپس به دهلی رفت

مؤلف «صحبا براهمیم» نیز می نویسد که او در گوالیار متولد شد اما آزاد در این باره هیچ حاتد کر نداده است و ریو و عبدالقندر (گردآورنده فهرست بانکی پور) میگویند که آرزو در اکبر آباد (آگره) متولد شد همچنین خوشگو که ارشاد گردان ارشد آرزو بوده در سفینه خود مسقط الراس (محل تولد) آرزو را اکبر آباد نوشته است و همین اصح است

اشپر بگر میگوید که آرزو در ۱۱۰۱هـ در آگره یا گوالیار متولد شد و در آگره برگ شد. آزاد نیز در خرابه عامره سال تولد آرزو را ۱۱۰۱هـ ذکر نموده است اما خوشگو در سفینه خود سال تولد آرزو را ۱۰۹۹هـ نوشته و عبارت «برل عیب» را نقل کرده است که پدر آرزو در تاریخ تولد وی گفته است.

اما باید ادعان کرد که آزاد و خوشگو هر دو شرح حال آرزو را از خودش گرفته اند اما چون خوشگو به آرزو نزدیکتر بود و «ماده تاریخ تولد» آرزو را هم نقل

کرده است بنابراین قول وی در این باب اصح است

بقول مؤلف، وی از بدو شعور تاسن چهارده سالگی بتحصول علوم مشغول بود و غیر از کتاب گلستان و بوستان و پندنامه شیخ سعدی و نام حق (و آن هم در پنج شش سالگی) دیگر کتب فارسی نخواند و تا چهارده سالگی تکسب علوم عربیه اشتغال داشت. هوقعیکه پدرش از لشکر عالمگیر شاه بگوالیار رفت در هنگام شب صدیادویست بیت ارشعرای متاخر بآرزویاد داده بود و همان سرمایه شاعری آرزو بود.

بسبب چهارده سالگی در وی ذوق شعر ایجاد شد و در سرزمین شورا نگین متهرا وی بشعر گوئی آغاز نمود.

چون چندی بعد دوباره به گوالیار مراجعت کرد آنجا دوسه ماه در خدمت میر عبدالصمد متخلص به سخن که سمت مشرفی حریه آنجا را داشت اشعار خود را بطر اصلاح وی میگذرانند ولی دیری نگذشت که میر مرپور از گوالیار به اکبر آباد رفت و آرزو مدتی با بی کسی و تنهایی دمساز بود. اتفاقاً چندی بعد صحبت میر غلامعلی متخلص به احسن بوی دسب داد و در خدمت او تکسب فن شعر پرد.

در این مدت مرد وی درس هم میخواند و دو غزل خود را از نظر اصلاح وی گذراند و سپس تا مدتی بعلت گرفتاریهای گوناگون نتوانست بشاعری توجه کند.

سپس آرزو برای مدتی باتفاق عالمگیر شاه بدکن رفت و بهماه در لشکر شاهی بود و بعد از اینکه عالمگیر شاه فوت کرد و شاهزاده محمداظم بحای پدر بر تخت سلطنت حلوس کرد آرزو باتفاق ساهراده مزبور از دکن مراجعت نمود و در گوالیار وطن احداث مادری حود رسید و بحواش والده خود چندی در آن شهر اقامت نمود

سپس از گوالیار با کبرآباد (آگره) رفت و مدت پنج سال نزد مولانا شیخ عمادالدین معروف به درویش محمد کتب متداوله را خواند و در ضمن بشعر گوئی هم

هم پرداخت. در این ایام صحبت اکثر شعرای معروف آن وقت مانند شاه گلشن و میرزا حاتم بیگ حاتم و میان عظمت‌اله کامل و محمد مقیم آزاد و میان علی عظیم خلف‌الدق میان ناصر علی علی سرهندی و غیره ناو دست داد.

چندی بعد آرزو و خواش و والده بگوالیار رهسومدتی در آن شهر اقامت داشت تا آن که دوباره جنگ داخلی بین شاهزادگان شروع شد و بالاخره محمدعظیم‌الشان پسر دوم و محمد رفیع‌الشان پسر سوم و جهان‌شاه پسر چهارم عالم گیر شاه کشته شدند و معزالدین جهاندار شاه پسر ارشد پادشاه فاتح شد و بر تحت سلطنت نشست. بعد از جلوس جهاندار شاه (۱۱۲۶هـ) آرزو با کبرآباد رفت.

دیری نگذشت که بین جهاندار شاه و فرح سیر پسر دوم محمد عظیم‌الشان جنگی در گرفت و جهاندار شاه بطرف دهلی گریخت و محمد فرخ سیر عارم دار الحلافه دهلی شد و چون آنجا رسید عموی خود را با انتقام قتل پدر کشت و چندی « به عشق و کامرانی و سحای و ررافشانی » گذرآید.

در اترایل سلطن محمد فرح سیر شاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) سبب مأموریت بخدمتی به شاه جهان آباد (دهلی) رفت و از آنجا بخدمت مهمی بگوالیار رفت و شش سال در آنجا بر احوال بسر برد.

در این ایام کمتر بشاعری میپرداخت. در زمان تسلط سادات نارهه خدمت مذکور تعیین پیدا کرد و آرزو بار دوی شاهی رسید که در آن وقت مشغول رفع شورش بیکوسیر بود و دوباره از آنجا بخدمت سوانح‌نگاری گوالیار مأمور شد و در حدود دهم ماه در آن شهر بسر برد در همان اوان ستاره اقبال سادات نارهه روبه تزلزل آورد و آرزو بیر از خدمت مر نور معزول شده و چندی بیکار ماند.

بعد از جلوس رفیع‌الدوله (۱۱۳۱هـ) آرزو دوباره عارم اکبر آباد شد و بعد از فتح قلعه اکبر آباد بتوجه نواب میرزا حان در اطراف گوالیار بخدمتی مأمور گشت و در حدود یک سال آنجا بسر برد.

چون بعد از شکست عبداله حان محمد شاه (در ۱۱۳۱هـ) فاتحانه وارد دهلی شد

و بر تحت سلطنت نشست آرزو در سال ۱۱۳۲ هـ بدھلی رفت و همانجا سکونت گزید و از آن بعد بیشتر وقت خود را در تألیف و تصنیف میگذراند. (در موقع تألیف مجمع النقایس (۱۱۶۳ هـ) سی و سه سال بود که در دھلی بسر میبرد)

چون آرزو به دھلی رسید روری برای ملاقات محمد افضل سرخوش رفت این موقعی بود که سرخوش بصارت چشم را اردست داده بود آرزو بهر مایش وی غزلی خواند و سرخوش بسیار محظوظ شد و بسرو پیشانی آرزو بوسه داد و گفت

مدتیست در این شهریم این قسم صاحب طبعی (را) از نو آمدگان شهر ندیدیم و پیش محمد حسین خان ناجی از آرزو خیلی تعریف کرد و گفت: «تمام عمر این قسم جوان بلند تلاشی (را) ندیده ام»^۱

در دھلی آرزو بدوستی صمیمانه آنندرام مخلص^۲ (متوفی ۱۱۶۴ هـ) مفتخر شد و مخلص بتربیت و سرپرستی آرزو کوشید و بنا بر توصیه وی آرزو از طرف دربار لقب استعداد خان و منصب هفتصدی « و حاگیری » در وطن خود یافت^۳ همچنین مؤتمن الدوله اسحاق حان اسحاق شوشتری^۴ خان سامان محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) بآرزو کمک شایانی میکرد و نقول آرزو او بیست و چند سال در خدمت اسحق خان بود و بعد از وفات وی در ۱۱۵۲ هـ پسر ارشد وی میرزا محمد ملقب به اسحاق خان نجم الدوله^۵ بآرزو ماهی صد و پنجاه^۶ روپیه مستمری میداد و غیر از این کمکهای دیگر

۱- ر.ك. سمیه خوشگو

۲- برای شرح حال مخلص ر.ك. حرا به عامره ص ۴۲۵

۳- خوشگو مینویسد که «حاگیر» مربوط بهارت عنیم دکن رفت ر.ك. سمیه خوشگو

۴- برای شرح حال اسحاق حان شوشتری ر.ك. مآثر الامراء ج ۳ ص ۵-۷۷۴

۵- برای شرح حال نجم الدوله ر.ك. مآثر الامراء ج ۳ ص ۶-۷۷۵ و حرا به عامره

ص ۱۲۲

۶- مؤلف «شمع احمن» مینویسد اسحاق حان و پسرش هر دو ماهی صد و پنجاه روپیه

بآرزو میدادند

هم میکرد .

در ۲۲ شوال ۱۱۶۳ هـ نجم الدوله در جنگی بین افغانه و صدر جنگ در بین پتیالی و سهاور در میدان جنگ کشته شد آرزو در مجمع التقایس در ذیل شرح حال خود مینویسد: «اکنون سیزده سال است که اکثر اوقات (را) صرف خدمت و صحبت نواب نجم الدوله که ستاره عمر دولتش بر اوج اقبال روز افرون و افق ازدیاد پیوسته لامع و روشن باد مینماید»^۱.

حاکم در «مردم دیده» مینویسد که بعد از مراجعت نادر شاه از دهلی وی اتفاقاً بدلهلی رفت و اول دفعه با آرزو در آنجا ملاقات کرد و نامه ای که شاه آفرین لاهوری بنام آرزو داده بود بوی رسانید و آرزو از حاکم پذیرائی گرمی بعمل آورد و بعد از آن هر موقع حاکم از لاهور بدلهلی میرفت با آرزو ملاقات میکرد و هر دو با هم رفت و آمد داشتند.

در آن ایام آرزو مشغول نوشتن دیوانی در جواب دیوان فغانی بود حاکم هم گاهی بتقلید وی شعر میسرود و پیش آرزو میخواند و آرزو خیلی خوشحال میشد

روزی حاکم دیوان خود را در آرزو برده اروی خواهش کرد بتعمق در آن نگاه کرده در مورد حسن و قبح اشعارش اظهار نظر کند . آرزو اول از قبول آن امتناع می ورزید اما در نتیجه اصرار حاکم قبول کرد و بعد از دو ماه دیوان را بوی برگرداند و در هر موردی که ایراد داشت در دیوان یادداشت نمود ولی اکثر این ایرادات آرزو مورد پسند و موافقت حاکم قرار نگرفت و وی عقیده داشت که تنها در بعضی موارد ایرادات آرزو وارد بود .^۲

آزاد در «خرانه عامره» در ذیل نام حاکم لاهوری مینویسد که چون وارسته

۱- از این عبارت معلوم میشود که آرزو این قسمت از شرح حال خود را از موت

نجم الدوله (۱۱۶۳ هـ) نوشته است

۲- ر.ک. مردم دیده ص ۷ - ۳۵۶

سیالکوٹی اعتراضات و ایرادات خان آرزو را دید در جواب آن رساله ای نام «حواب شافی» نوشت اما عجب اینست که با وجود این مناقشه صمیمیتی که بین آرزو و حاکم وجود داشت بجای خود ماند و هیچ تغییری نکرد و خان آرزو در مجمع النعائیس حاکم را بحوبی یاد کرد و حاکم خان آرزو را حتی موقعیکه او از عالم رفته و احتمال رودر نایستی و ریا در بین نبود بحیر یاد میکرد و در «مردم دیده» از وی بسیار تعریف کرده است. حنین حسن معامله و مجاملت در بین شعرا بدرت اتفاق میافتد آزاد عقیده دارد که وارسته سیالکوٹی در رساله «حواب شافی» تنها در بعضی موارد تواسته اسب نایرادات آرزو بحوب جواب دهد اما در بعضی موارد در این منظور موفق نشده اسب و حتی اعتراف کرده است که ایرادات آرزو در چنین موارد درسب و صحیح بوده است

آزاد خودش به بعضی ایرادات آرزو و مرا شعرا حاکم که بعقبده وی درسب سوده در «حزانه عامره» جواب داده است^۱.

خلاصه بعد از فوت نواب نجم الدوله برادر کوچک وی نواب رشید خان سالار حنگ روابط صمیمانه و قدیم با نواده خود را با آرزو ادامه داد و چون صدر حنگ باطم صوبه (استان) اود واله آباد در روز ۷ دوالحجه ۱۱۶۷ ه فوٲ کرد و سالار حنگ در اواخر محرم ۱۱۶۸ ه برد شعاع الدوله به اود رفت آرزو را هم همراه خود برد در این ایام میر محمد یوسف بلگرامی حال فراده میر علام علی آزاد آرزو را هم در اود ملاقات کرد وی قبلانیٲ اورا در هلی دوبار دیده بود وی طی نامه ای با آراد نوش که آرزو در آنوقت دیوانی در بحور قصار بطم میگرد و تار دیم دال رساییده بود

بزودی بین آرزو و سالار حنگ قراشد که آرزو بقیه عمر خود را در احودهیا که وطن اصلی حدش شیخ کمال الدین بوده بگذراند .

حاکم در «مردم دید» مینویسد که وی بهمراهی نواب صدر حنگ وزیر الممالک بصوبه (استان) اود رفت و بعد از فوت نواب صدر حنگ (در ۱۷ دوالحجه

۱۱۶۷هـ) خان آرزو نیز بهمراهی سالار خنگ بلکهنو^۱ رسید. نواب والہ (مؤلف ریاض الشعرا) بیردر آن ایام در خدمت نواب شجاع الدوله حلف صفدر خنگ بود و آنجا گاهی صحبت هائی بین هر سه نفر (آرزو و حاکم و والہ) صورت می گرفت ولی چندی بعد حاکم و والہ بدھلی رفتند ولی خان آرزو در لکهنو ماند^۲.

دیری نگذشت که سالار خنگ خان آرزو را به نواب شجاع الدوله معرفی کرد و نواب مزبور ماهی سه صد روپیه مستمری برای آرزو مقرر کرد اما هنوز چند ماه بیش نگذشته بود که خان آرزو بمرصی شدید و خطرناک مبتلا شد و چون دانست که مرگ وی نزدیک است وصیت کرد که بعد از مرگ حسد او را بدھلی برده آنجا دفن کند. بالاخره در ۲۳ ربیع الثانی ۱۱۶۹هـ (مطابق ۲۶ ژانویه ۱۷۵۶م) بسن هفتاد سالگی در لکهنو فوت کرد.

آزاد در «سرو آزاد» مینویسد که آرزو در حمادی الاخری سنہ ۱۱۶۹هـ در بلده لکهنو فوت کرد و در همان شهر مدفون گردید اما در حرانه عامره مینویسد که اول حسد وی را در لکهنو امانت گذاشتند و چندی بعد بقیه حسد وی را بدھلی برده آنجا دفن کردند و قول آخروی اصح اسب شعیق در «جیمستان شعرا» قطعه تاریخ فوت آرزو را که آزاد گفته است و در «سرو آزاد» آمده است نقل کرده که بقرار زیر است.

سراج الدین علی خان نادر عصر رمرگ او سخن را آبرو رفت
اگر جوید کسی سال وفاتش بگو، آن جان معنی آرزو رفت

(= ۱۱۶۹هـ)

۱- ناگفته نماند که در آن ایام لکهنو مرکز شعر و ادب فارسی بوده و بعزت تربیت و سرپرستی علم و ادب اطراف نوابان اود اکثر اهل علم و فضل اتمام گوشه و کنار هندوستان سوی لکهنو روی آورده در این شهر جمع شده بودند.

۲- ر. ک. مردم دیده ص ۷-۵۶.

آزاد در خراشه عامره «قطعه زیر را آورده است که وی در تاریخ فوت آرزو

خان والا شان سراج الدین علی	شمع رونق بخش برم گفتگو
زدرقم آزاد سال رحلتش	رحمت کامل بروح آرزو
	(= ۱۱۶۹ هـ)

دکتر منوهر ساهمی انور مینویسد که بعد از مرگ آرزو طبق وصیت وی حسد اورا بدھلی برده در منزل شخصی وی^۱ دروکیل پوره واقع در دارالسلطنت دھلی در نزدیکی رودخانه جمنا بخاک سپردند^۲

خان آرزو یکی از نوابی است که ادرزمین شبه قاره هند و پاکستان برخاسته اند وی نه تنها شاعری ماهر و ادیبی لیب بود. بلکه در فن تاریخ نویسی و زبان شناسی و فن شعرو فرهنگ نویسی و نقد ادب و شرح شعر هم «اقتدار و دستگاه» کامل داشت و در بین دانشمندان آن دوره هیچکس مثل او جامع جمیع فنون و علوم نبوده است. وی با چندین زبان آشنائی کامل داشت و اول کسی بود که بوسیله آشنائی خود با زبان سانسکریت توانست تشابه و تجاس بین زبانهای سانسکریت و فارسی را درک و احساس کرده و نزدیکی این دو زبان را آشکار کند^۳.

با وجود این علم و فضل آرزو هیچوقت غرور و تکبر را بخود راه نمیداد و همواره عقاید و آرای نقادان و ایراد گیران را با کمال حوسردی مورد تحقیق و تدقیق قرار

۱ - خوشگوراجه ماین منزل در سینه خود مینویسد «لا حرم بگوشه و توشه در ساخته مکانی (منزلی) بیرون وکیل پوره در دارالخلافت مرتب فرموده متصل رای حسته رای آند - رام مخلص ... اقامت دارند و صحبت میان ایره دو بررگ بسیار گرم است»

۲ - د.ک. مقاله بعنوان «خان آرزو و آثار وی» از دکتر منوهر سهای انور رئیس قسمت فارسی و عربی وارد و در دانشگاه پنجاب دانشکده کامپ دھلی که در محله هندو ایران (اندوایراییکا) ج ۱۳ ش ۴ مورخ دسامبر ۱۹۶۰ م با انگلیسی چاپ شده است.

۳ - د.ک. سراج اللغات.

داده ایرادات صحیح را با کمال شہامت قبول میکرد و تا آخر عمر حاضر بود خود را اصلاح نموده و معایب و نقایص خود را رفع سازد و حتی بسن پنجاه و چهار سالگی ہمدرفن شعر بر خود اعتماد کامل نداشت چنانکہ اعتراف میکند :

«خدا آگاہ و انصاف گواہ است کہ فقیر آرزو از عمر (سن) چہارده سالگی مشق شعر میکنم و تا امروز کہ پنجاه و چہارمرحلہ ار عمر طی شدہ بر خود اعتماد ندارم . . . ہر چند مسودات نظم و نثر و کتب و شرح و فرہنگ و غیرہ صد ہزار بیت مکتوبی شدہ باشد^۱ .

اما ناید ادعان کرد کہ بعضی ارشا گردان آرزو مانند مخلص و خوشگو و مظہر و واقف مدتی قبل از مرگ استاد خود دیوانہای خود را تریب دادہ بودند و ہمچنین بعضی شاگردان وی مانند آبرو و مصمون و یکرنگ و میر سودا و درد و غیرہ کہ از شاگردان و تربیت یافتگان خوشگو و مظہر بودند ارحملہ شعرای معروف ریختہ (اردو) بودہ اند . با وجود اینکہ بسیاری ار شعرای معروف اردو شاگرد آرزو بودند معہدا خودش بدرت نارد و شعر میسرود .

در آن عصر هیچکس درس را سر اسرہد و پا کستان نمیتوانست در علم و فضل حریف آرزو شود و بارزترین ثبوت این امر عقیدہ تدکرہ نویسان معاصر است کہ در مورد مقام علمی آرزو اظهار کردہ اند^۲ . مخصوصاً قایم چاند پوری در «مخرن نکات» مینویسد در حال حاضر ممکن نیست تصور کرد کہ شاعری بر رگتر و فاضلتر از آرزو وجود دارد . ہمچنین مولف «مجموعہ نغز» مینویسد :

«اگرچہ زبان دامن ایران از ممر حسد بنفس الامرار او حسایی نمیگیرند (نمی برند) اما حق آنست کہ وجود چنین کس در خاک ہندوستان حکما کسیر اعظم (را) دارد» و سپس میگوید ہمچنانکہ علمای اہل حق را اعیال ابوحنیفہ کوفی میگویند

۱ - ر.ک. سہیلہ خوشگو چاپ پتہ .

۲ - ر.ک. تدکرہ ریختہ گویان گرد پوری و مخرن نکات قایم چاند پوری و تدکرہ

حسینی و سرو آزاد و مجموعہ نغز .

၁ - ဂ. န. နိမိတ် « နိမိတ် နိမိတ် » (၁၂၅)

၁ - ဂ.န. ကဆုန်လဆန်း ၂၁ ရက်နေ့

۲ - خراج

١٣٣١ هـ / ١٩١٢ م / ٢٠ ربيع الثانی / ١٥ شعبان ١٣٣١

۱ - سراج العبد (بالعبد) در ۱۱۴۷ هـ شام شد - فرهنگ کلمات غیر عربی

۱۸۶۰ء بمبئی

سن‌خان ررو هنبو از چهل وهش سال یتجاوز بکړه بود که کتیب رتیر را

مؤلف

۱۰۰ | ۹۵ | ۹۰ | ۸۵ | ۸۰ | ۷۵ | ۷۰ | ۶۵ | ۶۰ | ۵۵ | ۵۰ | ۴۵ | ۴۰ | ۳۵ | ۳۰ | ۲۵ | ۲۰ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ | ۰

[illegible]

«کے شہر ہندی زبان بجا لیا اور کوئٹہ کی طرف»

فرهنگ مولف قریب به پنج هزار بیت را با استشهاد آورده است. برای
 نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۲ ص ۵۰۱ و ح ۳ ص ۹۹۷ الف و ۱۰۷۰ الف و
 ایوانو ۷-۱۴۳۶ و ایوانو- کرزن ۵۲۶ و بانکی پور ج ۹ ش ۹-۸۰۷ و برلن ۱۲۰(۱) و
 براون ذیل ۳۸۵ و اته ۲۵۱۴ و دانشگاه لاهور (دو نسخه) چاپ در حاشیه‌های اللغات
 غیاث الدین محمد رامپوری و در کلکته بسال ۱۸۶۸ م و ۱۸۷۰ م و ۱۸۷۴ م و ۱۸۷۸ م و
 ۱۸۹۰ م/۱۳۰۷ ه و لکهنو ۱۲۹۶ ه و بمبئی ۱۸۸۰ م

۳- کلیات اشعار غزل و قصیده و غیره (نظم و نثر) مشتمل بر قریب به سی
 هزار بیت.

۴- دیوانی در جواب دیوان اطهر شیرازی که در هندوستان خیلی معروف بود
 در این دیوان آرزو غزل بغزل بدیوان اطهر جواب نوشته است (نیز رجوع شود به ش ۲۸ و ۲۹
 آثار مولف).

۵- مثنوی سوز و سار (یا شور عشق) در جواب محمود و ایاز ملا زلالی.
 ۶- خیابان- در شرح گلستان سعدی که در او ان کود کی نوشته بود. در این کتاب
 آرزو کلمات و اصطلاحات مشکل گلستان را شرح داده است و در ضمن بر بعضی شروح قدیم
 مانند شرح میر نوراله احراری و ملا سعد و غیره مفصلاً انتقاد کرده است و قریب به
 هزار بیت با استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به اشپرنگر ش ۸۱ و بادلین
 ۷۲۵ و برلن ۴۹ (۲) چاپ در کانبور هندوستان بسال ۱۲۹۳ ه.

۷- شکوفه زار - در شرح قسمت اول اسکندرنامه - در این کتاب ضمناً
 بر شروح قدیم انتقاد کرده است.

در این کتاب قریب به شش هزار بیت با استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع
 شود به اشپرنگر ش ۲۶۴ و ریو ذیل ۲۳۲ و اندیا آفس دی- پی ۱۲۴۲ الف و و داننگاه
 لاهور و کتابخانه ایگره ص ۴۹ و آصعیه ج ۲ ص ۱۴۸۲ و برلن ۷۳۶ - چاپ در حاشیه
 اسکندرنامه در بمبئی بسال ۱۲۷۷ ه.

۸- شرح قصاید عرفی - شامل قریب به چهار هزار بیت در ضمن جواب اعتراضات

منیر لاهوری را هم داده است . برای نسخ آن رجوع شود به اندیا آفس دی-بی ۱۲۸۶
الف و ب و ج.

۹- سراج منیر - در جواب رساله منیر بنام «کارنامه» در اعتراضات بر چهار
شاعر : عرفی و طالب و رلالی و ظهوری شامل دوهزار بیت .

۱۰- عطیه کبری در بیان (سبک) فارسی که بقول مولف در موضوع خود اولین
کتابی است که قریب به یک هزار و پانصد بیت بطور استشهاد آورده است. برای نسخ آن
رجوع شود به ایوانو ۳۹۴ و ایوانو - کرزن ۱۷۷ و ایوانو تکمله ثانی ۹۶۹
(۴) و بانکی پورج ۹ ش ۸۵۴ (۲) و مدراس ۴۸۳- چاپ - کلکته ۱۸۳۲ م (که با موهبت
عظمی در یکجا چاپ شده است) و کانپور بسال ۱۸۹۷ م

۱۱- موهبت عظمی- در فنی معانی و بیان فارسی که بقول مولف مانند عطیه-
کبری در این موضوع اولین کتاب است که قریب دوهزار بیت با استشهاد دارد برای
نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۹ ش ۸۹۴ الف و ایوانو تکمله ثانی ۹۶۹ (۵)
و ۹۷۰- چاپ کلکته ۱۸۳۲ م (که با عطیه کبری در یکجا چاپ شده است)

۱۲- سراج و هاح - شرح «محا کمه» شعرا که بر بیب حواحه حافظ شیرازی
نموده (و در حل آن بیب مباحثه نموده اند)

۱۳- آداب عشق - در تحقیق آداب عشق

۱۴- معیار الافکار - در قواعد صرف و نحو فارسی

۱۵- جوش و خروش - در حواص سوزو گدار نوعی حبوشانی

۱۶- مهر و ماه - مثنوی در بحر غیر متعارف. برای نسخ آن رجوع شود به
لیندریان تا ص ۲۱۶ ش ۶۲۰ و دانشگاه لاهور.

۱۷- مثنوی بوزن حدیقه سائی که تا تألیف سعبه خوشگونان تمام بود.^۱

۱۸- عالم آب- ساقی نامه در حواص ساقی نامه طهوری.

۱- ر. ک سعبه خوشگو چاپ پته در ذیل شرح حال آردو

۱۹- پیام شوق- در جواب مراسلات و مکاتیب اعزا (خویشاوندان) .

۲۰- گلزار خیال- در تعریف بهار و جشن هولی (هندوها).

۲۱- آبروی سخن- در وصف حوض و فواره و تآك.

۲۲- شرح مختصر المعانی.

۲۳- عبرت فسانه در جواب «قضا و قدر» ملاقلی سلیم که ناتمام ماند.

در بین سالهای ۱۷۳۴ م و ۱۷۵۳ م مطابق ۱۱۴۷ تا ۱۱۶۷ هـ آرزو کتب زیر را تألیف نمود .

۲۴- تسیه الغافلین- آرزو اردیوان شیخ علی حزین پانصدیت نا مربوط و محل ایراد در آورد^۱ و در این رساله قریب به هزار بیت بطور استشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به اندیا آفس دی پی ۴۲۳ (ج) و دانشگاه لاهور.

۲۵- احقاق الحق- کتاب دیگر در انتقاد بر اشعار حزین^۲.

۲۶- تصحیح غرایب اللغات عبدالواسع هاسوی که فرهنگ کلمات اردو است با مترادف آن بفارسی و عربی و ترکی . برای نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۲ ص ۱۰۳۰ الف و مانکی پور ج ۹ ش ۸۳۸ و ایوانو تکمله ثانی ۹۶۹ (۷) و علیگره ص ۵۶ ش ۲۱ و ۱۶ و دانشگاه لاهور (دو نسخه)

۲۷- داد سخن- شرح قصیده «محا کمه» منیر که بر اعتراضات شیدا بر قصیده

۱- مولوی امام بخش صهبائی کتابی در همین موضوع بنام «قول فیصل» نوشت که در کابور پسال ۱۸۶۲ م چاپ رسیده است و در جلد ۳ کلیات صهبائی شامل است (ر.ک. کلیات صهبائی چاپ کابور ۱۷۷۸ م و لکهنو ۱۸۸۰ م) همچنین بقول بلو حمان محسن علی برادر زاده آردو نیر کتابی در همین موضوع نوشت و تیک چند و میرا قتیل و وارسته ار حزین دفاع کردید .

۲- سحای از این کتاب موجود نیست اما صهبائی کتابی بنام «اعلاى حق» در همین موضوع نوشته بود که در کلیات وی موجود است (ر.ک. کلیات صهبائی چاپ کابور ۱۸۷۸ م و لکهنو ۱۸۸۰ م)

قدسی سروده بود شامل سه هزار بیت. برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۳ و دانشگاه لاهور.

۲۸ و ۲۹- دیوان در جواب دیوان سلیم و دیوان دیگر در جواب دیوان فغانی در تذکره خود می‌نویسد که دیوان خود را در جواب سلیم و اطهر و فغانی نوشته و اول این اشعار جدا بود اما بعداً این را شامل يك دیوان بر رگی کرده است برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو- کرر ۲۹۵ و ۲۹۶ و نانکی پور ح ۳ ش ۳۹۹

۳۰- مجمع النقایس- تذکره مورد بحث

۳۱- مثنی- در علم اصول- لغت و دستور فارسی بطور «مطهر» امام جلال الدین سیوطی. چون این کتاب مستلزم اطلاعات وسیعی درباره زبان و ادبیات فارسی و لغات سنسکریت بود بنابراین هیچکس در آن ایام در سراسر هندوستان بهر ار آرو وجود نداشت که بتواند تألیف این کتاب مادرت نماید برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو- کرر ۵۵۰.

۳۲- شرح گلگشتی میراجات

در مدت اقامت در احوادها آرو کتب ریر را تألیف نموده اسب

۳۳- دیوان برک شامل غزل و قصاید و رباعیات و غیره برای نسخه آن رجوع شود به ش ۲۸ و ۲۹ فوق

۳۴- زاید الواید^۱- فرهنگ مصادر غیر معروف فارسی بامشقات غیر معروف آن- این کتاب ناتمام ماند برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو تکلمه ثانی ۹۶۹ (۱۱)

۳۵- دیوان در جواب دیوان کمال حجدی - (باتمام ماند)

۱- دکتر موهر سهای در محله هند و ایران ح ۱۳ ش ۴ مورخ دسامبر ۱۹۶۰ م
اشتهاً «زوائد الواید» نوشته است بظاهر این کتاب مربوط به دروید الواید عبدالواسع هانسوی است که در همین موضوع است و نسخه‌ای از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است
رجوع شود به اورینتل کالج مگرین ح ۸ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۲ م ص ۷۳.

غیر از کتب فوق خان آرزو کتاب زیر را نیز تألیف کرده است :

۳۶ - نوادر الالفاظ - در بیان لغات هندی که فارسی و عربی آن در هند

غیر معروف بوده شامل قریب به پنج هزار بیت که بطور استشهاد آورده است .

تذکره - برای بقیه آثار آرزو رجوع شود به فهرست اشپر بگرو بانکپور .

تبصره بر کتاب

مؤلف ظاهرأ تألیف این تذکره را بسال ۱۱۶۳ هـ^۱ (قبل از فوت بحم الدوله) شروع

کرده است و بقول اشپر بگرو در ۱۱۶۴ هـ نا تمام رسانیده است - آراد بیر در حرانه عامره

(ص ۸-۱۱۷) سال تألیف این تذکره را ۱۱۶۴ هـ ذکر نموده است .

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباجه کتاب چنین توضیح میدهد که او شوق

فراوان بخواندن اشعار فارسی داشت و مدتی و دو این و تذکره ها و سفاین و غیره کتب

بررگان (را) مطالعه مینمود اما چون این اشعار را فراموش میکرد یکی از رفقای

او «سینه صحیمی» آورد که هر چه اشعار اساتید را آرزو انتخاب نماید در آن سینه هم

ثبت کند. بالاخره آرزو اشعار منتخب از صد دیوان شعرای متوسط و متأخر را در آن سینه

جمع نمود . بعدأ بحاطر مؤلف رسید که پاره ای از احوال آن شعرا را بیرون بیاورد و

بنابر این از تذکره های مختلف آنرا جمع نموده بصورت تذکره ای در آورد .

بقول اشپر بگرو عده شعرای این تذکره ۱۴۱۹ و بقول عبدالمقتدر (فهرست

بانکی پور) ۱۷۳۵ میباشد که آنها را ترتیب العسا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنان

ذکر نموده است .

مؤلف در دیباجه اسم تذکره های زیر را ذکر نموده است که از آن در تألیف این

این کتاب استفاده است .

۱ - تذکره (عرفات) تقی اوحدی .

۲ - تذکره بصرا نادی .

۱ - در دیل نام حشمت میبوسد در همین سال که سه ۱۱۶۳ هجری است .

۳ - کلمات الشعرا .

۴ - تحفه سامی -

ارحمه ما خذ فوق مؤلف مخصوصاً ارتد کره عرفات حیلی استعاده کرد است و اکثر مطالب را از آن تذکره اقتباس و نقل کرده اما گاهی بر بعضی اقوال وی انتقاد نموده است .

همچنین در بعضی موارد اقوال تذکره نگاران دیگر را نوشته و آنچه را خودش تعحّض نموده است بر نوشته است . گاهی تنها بر بعضی اقوال تذکره نگاران اکتفا نموده است

این تذکره نا «ابویرید بسطامی» شروع شده با «محمد اشرف یکتا کشمیری» تمام میشود و شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر میباشد . در این تذکره مؤلف قریب به چهل هزار بیت از شعرای متقدم و متأخر جمع نموده است .

شرح احوال اکثر شعرا را حیلی مختصراً اما اشعار شعرا را معمولاً مفصل آورده است در ردیل نام قریب صد و پنجاه شاعر شرح حال آنان را نسبتاً مفصل آورده است و اطلاعات لازم درباره زندگی آنها را بر فراهم آورده است مانند آرزو و بیدل و حامی و تقی اوحدی و غیره

اما در ردیل قریب صد شاعر با وجود اینکه شرح حال آنها را مفصل آورده است اما اطلاعات مهمی درباره زندگی آنها را بهم برسانیده است مانند اهلی حراسانی و اهلی شیرازی و ابیسی و ادهم و احسن و آشنا و حلال اسیر و غیره

در موقع نوشتن شرح حال شعرا سعی نموده است شرح حال آنان را مفصل یا حتی جامع اکثر اطلاعات مهمی درباره زندگی آنان باشد ، اما درباره مقام و پایه شعر آنان غالباً اظهار نظر کرده است و از این حیث هیچ تذکره ای نمیتواند حریف مجمع النعائس باشد .

اکثر این عقاید حالی از اعراض شخصی است و مؤلف بیدلیل از کسی انتقاد نموده است .

در ذیل نام قریب چهار صد شاعر اشعار آنان را مفصل آورده است و مخصوصاً اشعار منتخب از خود را مفصل تر از همه (در ۱۷ صفحه و بقول خودش ششصد و هشتاد و پنج بیت و چند رباعی) آورده است و بعد از اشعار خویش اشعار بیدل عظیم آبادی را از سایرین مفصل تر نقل کرده است.

در ذیل اشعار بعضی شعرا از خودش هم اشعاری نقل کرده است و گاهی اشعار خود را در ذیل گفتار دیگران حیلی مفصل آورده است.

گاهی بعضی اشعار شعرا را اصلاح نموده است و آنچه نظر اوصایب و بهتر بوده نوشته است مثلاً رجوع شوده اثر شیرازی

سبك اشای مؤلف عالماً غیر مصوعی است اما کلمات عربی را بر اوایی بکار برده است که گاهی بعضی عبارات را بصورت عریب و عجیب در آورده است اما عالماً از نوشتن عبارات مصوعی و پرتکلفی احتراز ورزیده است

رو به مرتفع از حیث نقد ادبی این تذکره بهترین تذکرات فارسی است اما قسمت شرح حال شعرا زیاد مفید و با ارزش نیست

مؤلف در شعر دوق حوی داشته و بنا بر این انتخاب اشعار شعرا بر معمولاً حوست. در موفع انتخاب اشعار بر عکس اکثر تذکرات نگاران هندوپاکستان سعی نموده است اشعاری را که مخصوصاً دارای صنایع لفظی و معنوی باشد انتخاب نماید بلکه اشعار روان و مطبوع را انتخاب نموده است

در مورد این تذکره آزاد در «حرائر عامره»^۱ چنین اظهار نظر میکند،
 «(آرور) در جمع اشعار آبدار و انتخاب دو این اهتمام عظیمی بکار برده. حقا که فتاوی اشعار متاخرین است هر چند متوجه تحریر احوال شعرا و ضبط تاریخ ولادت و وفات و سنوات وقایع و ذکر شعرا بر تئید زمان نیست و طاهر است فرق در بیاض (جنگه) و تذکره همین باشد که بیاض تنها اشعار شاعر دارد و تذکره احوال و اشعار هر دو دارد لیکن خود در دیباچه و حاتم کتاب عدرا این معنی بر میگذارد و معهدا در ضمن

عبارات صاف (و) بی تکلف لطایف و تعبیرات تازه نابر حی فواید بهره‌رج ساحت از این سبب کتاب او را کمیصتی خاصی بهم رسیده »

سخ خطی

- ۱ - اته ۶۸۰ (ح ۲) کتاب است با ضیاء الدین فارسی شروع شده با حرف «یا» تمام میشود و مورخ ۱۱۶۶ هـ است که از نسخه مؤلف استنساخ شده است
- ۲ - اندیا آفس دی پی ۷۳۹ (ناقص ۲)
- ۳ - نانکی پور ح ۸ ش ۶-۶۹۵ مورخ ۱۱۷۹ هـ .
- ۴ - بادلیں ۳۸۰ (تاریخ ندارد)
- ۵ - ایوانو ۲۳۱ (تها حرف الف تاحیم دارد - مورخ قرن ۱۹ م)
- ۶ - دانشگاه لاهور دو نسخه (یکی بقطه‌های غلط دارد و دیگری ناقص الاول و آخر است و با آرو ناقص الاول شروع شده با قاصی سلام اله ناقص الاخر تمام میشود) .

خلاصه مجمع النقایس

- ۱ - منتخب مجمع النقایس - برای نسخ خطی آن رجوع شود به اته ۶۸۱ مورخ ۱۲۴۳ هـ مطابق ۲۴ سال ابر شاه ثانی (۱۲۲۹-۱۲۵۳ هـ) (تمام شعرای مجمع النقایس دارد اما شرح حال شعرا خیلی مختصر است یا اصلا نیست) و اندیا آفس ۴۰۱^۲
- ۲ - جامع العواید - این کتاب را که رک پت رای کایست در ۱۱۹۵ یا ۱۱۹۶ هجری با انتخاباتی از تراجم شعرا بد کرده آرو و نقد و نظر بر اشعار شعرا ترتیب داده است برای نسخه خطی آن رجوع شود به اندیا آفس ش ۴۰۸۱ مورخ ۱۱۹۶ هـ^۲
- برای شرح حال خان آرو رجوع شود به مجمع النقایس و اشپرنگر ص ۳-۱۳۲ و مقالات الشعرا حیرت و صحت ابراهیم ش ۳۹۳ و سرو آزاد و خرا نده عاجره ص ۱۱۶-۱۲۱ و ریاض الشعرا و مردم دیده و سقیه خوشگو و چمنستان شعرا شفیق و

۲ - این نسخه در فهرست اته ذکر شده است رک استوری ح ۱ ص ۱۷۱ در دبل

و منتخب الاشعار مبتلا ش ۸۴ و دیوان منتخب سراج (اشپر بگر ص ۱۵۰) و ذکر میر
 ص ۴-۶۳ و خلاصه الکلام ش ۸ و خلاصه الافکار ش ۴۰ و مخزن العرایب ش ۲۲۹ و
 مجموعه بحر ج ۱ ص ۶-۲۴ ربلو حمان «فرهنگ نویسی فارسی» (انگلیسی) (محلہ
 انجمن آسیائی بنگال ش ۳۷ قسمت ۱ مورخ ۱۸۶۸ ص ۱۸-۲۵ و ۷۰-۷۱) و گارسن
 دتاسی ج ۱ ص ۸-۲۲ و بیل «فرهنگ تراجم شرقی» (انگلیسی) در دیل نام سراج الدین علی
 خان و آحیات آزاد (اردو) ص ۵-۱۲۳ و ریو ح ۲ ص ۱-۵۰ و رحمن علی ص ۷۱ و
 بانکی پور ج ۳ ص ۸-۲۱۷ و ح ۱۱۲ و تاریخ ادبیات اردو تألیف رام بایوسکسینه
 (انگلیسی) ص ۸-۴۷ و قاموس العالم تالیف شمس اله قادری (اردو) حصہ اول - چاپ
 حیدرآباد دکن ۱۹۳۵ م ستون ۲۶-۲۹ و مقاله دکتر مسوهرسہای انور بعنوان «حان
 آرزو و آثار او» (بانگلیسی) (رحوع سود بہ محلہ ہند و ایران ج ۱۳ ش ۴ مورخ
 دسامبر ۱۹۶۰م)

فہرست اسامی شعرا - رحوع شود نہ مجمع العایس

تذکرۃ المعاصرین

ابتدا

«تعالیٰ الہ حمد بیچوی کہ اوزاق پریشان مجموعہ کون و مکان را
 برشتہ ایجاد شیرازہ بستہ و از ترکیب ظلمت و نور عدم و ظهور صفحہ سادہ امکان را
 بیچندین نقش و نگار غریب آراستہ»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکرہ نا القابش شیخ حمال الدین ابوالمعالی محمد علی و
 متخلص بہ حرین است یکی از احداد وی شیخ شہاب الدین علی بلدہ آستارا را کہ

موطن او بوده ترك گفته بدار السلطنت لاهیجان موطن اجداد حزین گردید از آنجمله شیخ علی بن عطاء اله ار معاریف علمای رماں خود بود و بگفتن شعر هم رغبتی داشت و وحدت تحلیض میکرد حان احمد خان پادشاه گیلان نظر باستعداد و فضل وی در تعظیم و تکریم وی منالغہ مینمود و در مسایل علمی از وی استفاده میکرد شیخ علی در دار السلطنت بصحت شیخ حلیل بهاء الدین محمد عاملی رسید و هر دو با هم موانست و محبت تمام داشتند .

نسب حرین از پانزده واسطه به شیخ زاهد گیلانی^۱ میرسد که پیرو مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی سر سلسله سلاطین صفوی بود.

پدر حرین ابی طالب زاهدی لاهیجی حیلانی است که سن بیست سالگی از لاهیجان با صفهان رف و آنجا به تحصیل علوم پرداخت و سپس همتا بجا منرلی حریده توطن گردید و در سال ۱۱۲۷ هـ بس شصت و نه سالگی در آن شهر در گذشت حرین پسر ارشد ابی طالب بود . یکی از برادران او در کودکی و دو برادر دیگر در عنوان شای فوت کردند.

حرین در روز دوشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۰۳ هـ در اصفهان متولد شد و بس چهار سالگی شروع تحصیل کرد و در عرض دو سال سواد خواندن و نوشتن را کسب کرد و برودی ذوق و شوق فراوانی برای تحصیل علوم در وی ایجاد گردید و وی بسیاری از کتب نظم و نثر فارسی را مطالعه کرده بحواندن رسایل صرف و نحو و فقه و منطق هم گماشت و چون ذوق شعر داشت و از خواندن آن بسیار لذت میبرد خود او نیز بگفتن شعر پرداخت ولی تا مدتی شعر خود را از نظر و علم دیگران پنهان داشت و چون استاد وی از این موضوع با خبر شد وی را از سرودن شعر منع کرد و پدرش هم بسختی در این امر تأکید نمود ولی حرین با وجود این همه تهدیدات و سختی ها از گفتن شعر دست نکشید و هر موقعیکه شعری

۱ - اسم شیخ زاهد گیلانی در نفحات الاس در دیل ترجمه امیر قاسم تهریری

بحاطرش وارد میشد آنرا یادداشت میکرد اما از دیگران پنهان میداشت. در سن هشت سالگی بامر پدر خود مشغول یاد گرفتن تجوید و قرائت قرآن شد و دو سال در این فن مشغول بود و در این مدت چند ساله در فن تجوید مطالعه کرد. سپس پدرش شخصاً بتدریس وی پرداخت و حرین شرح جامی بر کافیه و شرح نظام بر شافیه و تهذیب و شرح ایساعوحی و شرح شمسیه و شرح مطالع در منطق و چند کتاب دیگر در فقه و حدیث و اصول نزد پدر خود خواند. همچنین بامر پدر در حدود سه سال در خدمت شیخ حلیل اله طالقانی تحصیل کرد اتفاقاً شیخ مرپور حرین را از گفتن شعر منع و زجر نمیکرد و حتی گاهی بشعرهای تازه وی گوش میداد و بقول حرین وی این تحلیص را بنا تنصیه و پیشنهاد وی اختیار نمود بعد از فوت شیخ مرپور حرین نزد شیخ بهاء الدین گیلانی تحصیل میکرد. حرین ده ساله بود^۱ که پدرش بقصد ملاقات و زیارت برادر و اقارب خود بلاهیجان رف و حرین را همراه خود برد. حرین قریب یکسال در لاهیجان توقف نمود و رساله خلاصه الحساب را در خدمت عموی خود شیخ ابراهیم راهدی حیلانی (متوفی در ۱۱۱۹ هـ) خواند

بعد از یکسال ناصفهان مراجعت نمود و در صحبت بعضی علمای این شهر کسب فیض کرد و مخصوصاً علم هیأت و تفسیر و منطق و طب و هندسه را در این مدت در خدمت فصای اصفهان فرا گرفت.

روزی در مجلسی پدر حرین از وی خواست که غزلی بر برب ریبه حشتم کاشی بسازد و بخواند

ای قامت بلند قدان در کمند تو رعنائی آفریده قد بلند تو
حزین غرلی ارتحالا ساخت و در آن مجلس خواند. حصار مجلس این غزل را بسیار پسندیدند و از همان وقت پدر حرین نیز باو احاره گفتن

شعر را داد.^۱

در همان اوان روزی حزین سوار اسب شده در صحرا مشغول اسب دوانی بود. ناگهان از اسب برمین افتاد و استخوان دست راست وی شکست و تا مدت يك سال خوب نشد اما در آن روزها هم حرین ارکارنوشتن و خواندن غافل نشد و قلم را بدسب چپ گرفته مینوشد. از جمله اشعاری که در آن ایام سروده بود ساقی- نامه ایست در قریب یکپهرا بیت.

حرین در اصفهان با بعضی اکابر علماء و فضلاء آن شهر صحت و آشنائی داشت از جمله مولانا محمد باقر مجلسی^۲ و میرزا علاء الدین محمد معروف به گلستانه و شیخ جعفر قاصی و مسیح الزمان آخوند مسیحائی کاشانی و مولانا حاجی ابوترابی و میرزا باقر قاصی و مولانا شمس الدین محمد از علمای معروف زمان خود بودند

۱ - مؤلف «محرر العرایب» مینویسد که روزی دو سه نفر از فضلاء مهمان پدر شیخ حرین بودند و پدرش گفتند که این پسر شما حدا فصلش زیاد کند معروف جهان خواهد بود عجب طبیعت و دهی رسا دارد مخصوصا در علم شعر از استماع این حرفها حرین که از پدر خود محفیانہ شعر میسرود پیش پدر خیلی حالت رده شد. در این اثنا ذکر شعرای گذشته میان آمد و بوبت بفضل مولانا محدثم کاشی رسید همه حضار بمدح و ثنای او لب کشادید و بیان این مطلع در میان آمد .

ای گردن بلند قدان در کمند تو رعنائی آفریده قد بلند تو

مولانا حسن که از فضلاء رمان بود در آن مجلس تشریف داشت بشیخ گفت مطلبی در جواب آن مطلع سارد شیخ ملا تأمل این مطلع گفت و بخواند

صید از حرم کشد حم حعد بلند تو فریاد از تطاول مشکین کمند تو

مولانای مذکور برحاست بوسه برپیشانی حرین داد و فضلاء دیگر که در آنجا بودند بپیر به شیخ تحسین و آفرین گفتند

۲ - حرین میگوید که وی سه چهار بار در خدمت ملا باقر مجلسی رسید و هنوز هفت هشت ساله بود که ملای مربوط فوت کرد

بعد از مدتی در حوزین ذوق و شوقی برای استطلاع حقایق ادیان و ملل مختلف ایجاد شد و در نتیجه وی با علمای نصاری و کشیش آنها بنام خلیفه^۱ آوانوس^۲ احتلاط و نزدیکی بهم رسانید و نیز بطور مخفی بیک نفر کلیمی بنام شعیب ملاقات کرده و نزد او کتب مسیحی و ترجمه تورات را خواند^۳ همچنین بتحقیق اختلافات فرق مختلف اسلام پرداخت و کتب هر فرقه را «منصفانه و مشتاقانه» مطالعه کرد و بامردمی که با مذهب خود علاقه و رابطه خاصی داشتند صحبت میکرد. در ضمن کتب متداوله را تدریس میکرد و بر بعضی کتب حواشی و تعلیقات مینوشت و همچنین رسایل حداد گانه ای در موضوعات مختلف نوشته و غالباً از نظر فضلی آن فنون گذرانیده اطمینان خاطر حاصل مینمود

در همان ایام تا مدت دو ماه متلاً به عارضه مفاصل شد و در آنوقت چون فرصت داشت اکثر اوقات خود را بگفتن شعر میگذراند. سپس کلیه اشعار را که تا آنوقت سروده بود از قصاید و مثنوی و غزلیات و رباعی جمع آوری نموده اولین دیوان خود را ترتیب داد که تقریباً هفت هشت هزار بیت داشت^۴.

چندی بعد به شیراز رفت و از صحت علمای آن شهر اکتساب معرفت نمود و طبیعیات شفا و الهیات و شرح اشارات و حدیث و معارف و کتاب تلویحات شیخ اشراق و بدی از قانون و کتب دیگر را مطالعه کرد و در ضمن کتب متداوله را تدریس مینمود.

۱- کشیش ترسایان و ارمیها را در آنوقت «خلیفه» میگفته اند - ر.ک. حاحی بایا

تألیف موریر و «ظری بریدگی و آداب ایران» تألیف حاتم شیل چاپ لندن ۱۸۵۶ م:

«Glimpses of Life & Manners in Iran» -

by Lady Sheil

۲- بقول دیو این کشیش رومن کاتولیک و شاید اصلاً فراسوی بود.

۳- ر.ک. استوری ح ۱ ق ۲ ص ۸۴۱

۴- اما چنانکه شرح آن بعداً میآید این دیوان حرین تلف شد.

آزاد در خزانه عامره مینویسد: «(حرین) شاگرد محمد مسیح فسائی و او شاگرد آقای حسین خوانساری است و در شیراز از او منطق و هیأت و حساب و طبیعیات و الهیات کسب نمود و برخی احادیث و کتاب حکمة العین با حواشی از ملا محمد شیرازی بسند رسانید^۱ حرین از شیراز به بیضا رفت و آنجا بایک نفر دانشمند مجوس برخورد کرد و از وی اطلاعاتی درباره مذهب مجوسی کسب نمود و رساله «تحقیق غنا» و «رساله منطق» را در آنجا تألیف کرد. دوباره بشیراز برگشت و از آنجا به اردکان فارس رفته ارضیت علمای آن شهر استفاده نمود و در همان شهر تألیف مجموعه‌ای را بنام «مدّة العمر» مشتمل بر بنفایس نوادر شروع کرد و تا سال ۱۱۳۵ هـ بقریب هفت هزار بیت رسانید (ولی در همان سال در اصفهان سانحه‌ای روی داد که در نتیجه آن کتابخانه حرین بگارت رفت).

از شیراز به فسا و از آنجا به کارون رفت و از صحت علمای آنجا کسب فیض کرد. سپس به شولستان و جهرم و داراب رفت و در خدمت علمای آنجا فیض علم آید و در داراب رساله «لوامع مشرقه» در تحقیق واحد و وحدت و چند رساله دیگر در غوامص مسایل الهیه نوشت. از آنجا به لار و بندرعباس^۲ رفت.

اتفاقاً در آن ایام چند کشتی از بندرعباس به مکه میرفت و حرین هم فرصت را غنیمت شمرده عازم مکه شد اما کشتی وی گرفتار باران و طوفان شدیدی شد و بالاخره چندروز بعد بسواحل عمان رسید و آنجا راهزنان دریائی اموال مسافران کشتی را بغارت بردند و حرین باز حمت بسیار خود را بمقسط رساند و یکماه آنجا توقف نمود و بالاخره از مسافرت مکه منصرف شده و عازم جریره بحرین شد و یک ماه بعد از آنجا به بندر معموره گنگ و از آنجا سیر مناطق سردسیر فارس رفت و در عرض این مدت ارا کثر بواحی فارس دیدن کرد. خلاصه بشیراز رفت و از آنجا

به راه‌پیرد باصفهان مراجعت کرد. در راه در شهر یرد با بعضی علمای آنجا ملاقات و صحبت کرد

بعد از مراجعت باصفهان برد مولانا صادق اردستانی^۲ کتبی چند در حکمت نظری و علمی خواند و در همان ایام رسایل زیر را تألیف نمود:

رساله توفیق در توفیق حکمت و شرکت و رساله توجیه کلام قدمای حکمای میحوس در مبداء عالم و حواشی بر شرح حکمت اشراق و دررایح الجنان و رساله ابطال تناسخ و شرح رساله کلمة التصوف شیخ اشراق و حاشیه بر الهیات شفا و فرایند العواید و حاشیه بشرح هیا کل النور و رساله در مدارح حروف و فرسنامه .

همچنین در همان ایام اشعار خود را جمع آوری نموده دیوان دوم خود را ترتیب داد که تقریباً ده هزار بیت بود. مشوی تذکرة العاشقین را بر در همان اوان در اصفهان شروع کرد این مشوی متضمن حکایتی است منقول از اصمعی و یک هزار بیت دارد. در سال ۱۱۲۷ هـ پدرش فوت کرد و دو سال بعد در ۱۱۲۹ هـ مادرش نیز در گذشت.

سپس مؤلف شیراز رفت و چندی در آن شهر اقامت نمود و همایا دیوان سوم خود را ترتیب داد که شامل سه چهار هزار بیت بود . ارشیراردو باره باصفهان برگشت . در اوایل ۱۱۳۴ هـ محمود حاکم افغان بر ایران حمله کرد و در این حمله از حمله شهرها اصفهان را بیرغارت کرد . حرین دوهرا در مجلد کتاب را متفرق ساخت و بقیه در آن حمله بغارت رفت در همان ایام دو برادر حزین و جدیه مادری وی در گذشتند و خودش نیز تا مدتی مریض بود

در غره محرم ۱۱۳۵ هـ حرین تغییر لباس کرده از اصفهان خارج شد و بزحمت تمام خود را بخوانسار رسانید و از آنجا به خرم آباد رفته دو سال در آن شهر اقامت داشت و در این مدت با علمای آنجا آشنائی بهم رسانید . در همان اوان « رومی ها ، (یعنی ترکها) بشهر همدان وارد و آنرا محاصره کردند و آنجا را مورد تاخت و تار

۲- حرین در « تذکرة المعاصرین » از این استاد خود حلی تعریف کرده است.

قبایر دادند. حزین برای نجات دادن آشنایان خود بدان شهر رفت و از آنجا به نهاوند و ولایت بختیاری رفت. آنجا تصمیم گرفت که برای همیشه بعراق عرب رفته آنجا توطن نماید. با همین قصد بخرم آباد مراجعت نموده عارم شوشر و حوزستان شد و در راه در شهر شوشر با علمای آن شهر نزدیکی و آشنائی بهم رسانید از آنجا به بصره رفت. اتفاقاً يك كشتی از بصره عارم یمن بود. بنابراین بقصد یمن رفت اما آنجا مریض شد تا اینکه موقع حج گذشت و دوباره از حج محروم ماند.

از یمن به بصره مراجعت نمود و از آنجا از راه شوشر بخرم آباد رفت اما در آن شهر مریض شد و در همان اوان رومی‌ها (ترکها) بر آن شهر حمله کردند و حرین با لشکر آنها بکرمانشاهان رفت و مدتی در آنجا بسربرد و رساله «مفرح القلوب» در محربات و فوائد طیبه و رساله تحرد نفس را در آنجا تألیف نمود. از آنجا بقصد تویسرکان و محال دامن کوه الوند رفت و از آنجا به بغداد و کربلا و نجف رفت و بالاخره در نجف رحل اقامت افکند و در حدود سه سال در آن شهر اقامت داشت در این مدت يك نسخه مصحفاً (قرآن) را بخط خود نوشته در روضه حضرت علی گذاشت و با علمای آن شهر صحبت هائی داشت

از نجف بقصد مشهد از راه بغداد و کردستان و آذربایجان بمارندران رفت و چون شاه طهماسب صفوی^۱ (۴۴ - ۱۱۳۵ هـ) مشهد را فتح کرد حرین از راه استرآباد بمشهد رفت و در آن شهر قسمت بیشتر کتاب کشفیه خود را با چند رساله دیگر تألیف نمود و گاهی با «اعیان و مستعدان» آنجا صحبت هائی داشت. همایا اشعار خود را جمع آوری نموده دیوان چهارم خود را ترتیب داد و مثنوی «خرابات» بطرز و روش

۱ - حرین چندین بار با شاه طهماسب ملاقات کرد. بقول حرین شاه طهماسب در مشهد برای دیدن وی آمد و در سنه ۱۱۴۱ هـ هنگامیکه لشکرشاهی بر اشراف افغان حمله کرد شاه طهماسب از حرین دعوت کرد که با اتفاق وی برود و همچنین در موقعی دیگر حرین شاه مرور بصیحت هائی کرد و او را طرقي برای تحفظ و نقای سلطنت خانواده او تلقین کرد (ر.ک تاریخ احوال حرین)

بوستان سعدی که یک‌هزار و دویست بیت دارد همنجا شروع کرد ولی این مثنوی در آن شهر با تمام نرسید .

در سال ۱۱۴۲ هـ موقعی که طهماسب میرزا یا شاه طهماسب دوم صفوی برای استیصال اشرف خان افغان متوجه اصفهان شد حزین نیز بدعوت وی همراه او رفت ولی در سیر واره تب دچار گردید و بنا بر این به‌ساری مازندران رفته برای دو ماه آنجا بستری شد اما در آن حال هم بعضی شاگردان را درس میداد . ارساری براه تهران و اصفهان و شیراز و لاریه بندرعباس رسید و در ۱۱۴۳ هـ آهنگ سفر حجاز کرد از بندرعباس به بندر صورت (۴) ^۱ و از آنجا به مکه رفت و بعد از فراغت از حج «سب اشارتی که در رؤیا روی داد» رساله امامت را تألیف نمود و سپس در ۱۱۴۵ هـ به حریره بحرین و از آنجا به بندرعباس مراجعت نمود .

از بندرعباس به لار رفت ولی با بغلی دوباره به بندرعباس برگشت و تصمیم گرفت ایران را ترک گفته به بصره برود . اما چون در آن ایام «خان معظم» تعداد را محصور داشت با «جماعت ولدیسیه» (ولندیزی) بسواحل عمان رفته و مسقط رسید ولی از آنجا بعلت ناآسارگاری طبع دوباره به بندرعباس مراجعت نمود و از آنجا بکرمان رفت .

چون لشکر قزلباش ^۲ شکست خورد و «خان معظم» از بغداد مراجعت کرد حرین دوازده بصره و نجف به بندرعباس رفت . ولی در این اثنا راه بغداد دوباره بسته شد و سابر این ناچار در اول رمضان ۱۱۴۶ هـ حرین با کشتی عازم سند (هندوستان)

علت این تصمیم ناگهانی حرین را برای مسافرت به هد و ریاض الشعراء

۲ - معلم بیست که حرین برای رفتن به حجاز چرا اول به بندر صورت (هند) رفت طاهراً «بندر صورت» غلط چاپی است .

۱ - قولناتی اشاره به «مادرشاه» است چنانکه حرین در موارد متعددی در تاریخ احوال، برای مادرشاه همین کلمه را بکار برده است.

در دیل شرح حال حرین چنین توضیح داده است

شیخ حرین يك دوماه برد اهل لار بود که میرزا باقر کلاتر هجوم کرد . وقت طلوع صبح پخانه ولی محمدخان شاه لومو متخلص به سرور که در آنوقت از جانب قهرمان ایران^۲ حاکم لار بود ریخته جان مشارالیه را بقتل رسانید و آنجا برد شیخ رفته عمل شنیع خود را اظهار و اعتراف نمود و لوای مختاصم و مخالف مادر شاه را اهراش . محمدحان بلوچ که با چند هزار نفر از طرف مادر شاه برای محاصره حریم فرستاده شده بود (چون حاجی عنی بیگ حاکم آنجا یاغی شده بود) باستماع این حیر متوجه لار گردید . حرین و کلاتر مزبور و مردم شهر در حراست شهر پافشاری نمودند ولی بالاخره بصف شب از یک طرف شهر برآمده متفرق گشتند و در نتیجه بعضی از آنها دستگیر و گروهی طعمه شمشیر شده و برخی حان سلامت بردند

با براین حرین متهم بقتل ولی محمدحان و تولید این فتنه شد . حرین بهرادر رحمت خود را بساحل عمان رسانید ولی از فرط مشقت تاب نیاورده باره سادر فارس مراجعت نمود و آنجا بکرمان آمده عازم اردبیل شد . کلاتر کرمان از ورود حرین ناخبر شده سعایت شخصی از ملارمان ولی محمدحان که در آن شهر بود بمحمد تقی حان مشهدی رضوی بیگلربیگی آنجا حیر رسانید و هر دو در صدد «ایدا و اهاات» حرین برآمدند .

اتفاقاً در همان ایام والہ بعلت فوت موسم سرد دریا نتوانست بهندوستان عریض نماید و بنا براین بکرمان رفته در انتظار موسم مناسبی برای رفتن بهندوستان بود . بیگلربیگی مرور از آشایان نزدیک والہ بود و والہ کلاتر و بیگلربیگی هر دو را از آسیب رساندن وادی کردن شیخ منع کرده وسیع راناتفاق خود به بندر عباس برد میرزا اسمعیل زمین دآوری که حاکم بندر عباس بود از هر دو آنها پذیرائی گرمی بعمل آورد و شیخ برد او ماند و والہ عازم هندوستان گردید اما بعدا ارده

۲ - از قهرمان ایران مراد «مادر شاه» است چنانکه والہ مکرر در تذکره «ریاض الشعراء»

او با باین لقب یاد کرده است .

روزشیخ حرین بیر بعلت تعذر از توقف در بندر عباس مجبور شد به هندوستان عریمت نماید .

حزین غره شوال به تنه رسید و از آنجا با کشتی به خداآباد رفت و مدتی هفت ماه بعلت بیماری در آن شهر توطن نمود . از آنجا به بهکر کنار آب سدر رسید و آنجا قریب به یکماه توقف نمود^۱ و از نیک قریه ای که نزدیک حصار ملتان بوده رفت و دو سال در آنجا اقامت داشت و همایجا رساله « کنه المرام » در بیان قضا و قدر و خلق اعمال و چند رساله دیگر را تألیف نمود . از ملتان به لاهور و از آنجا بدلهلی رفت و یکسال در آن شهر اقامت داشت و سپس بمرم برگشتن بایران ب لاهور رفت ولی آنجا خسر رسیدن لشکر « قریلباس » قندهار رسید^۲ و محاصره آن شهر خیلی طول کشید . هوربادر شاه در کابل بود که حرین از لاهور بسوی سلطان پور حرکت کرد و از آنجا بسر هندرف و چون نادر شاه براه کرناال عارم دهلی شد^۳ حرین نیز بدلهلی

۱ - آزاد و حرانه عامره (ص ۱۹۴) مینویسد « اتفاقاً در آن ایام که در حدود سته سم ارمین و عاقه وال (۱۱۴۷ هـ) بود فقیر اریوستان محل سرحاب هند برستم و در بنده بهکر ورود گاه شیخ و فقیر نزدیک واقع و با هم صحبتها دست داد و حروی اشعار بحط خود بر سنیل یادگار تسلیم بنمود . فقیر بر حاح استعمال راه پیش گرفتم و شیخ نباتی قطع مسافرت کرده بر سر ملتان و لاهور عبور نموده بممرل مقصود یعنی دارالالافه شاهجهان آماد فایر شد » .

توضیح - باید اذعان کرد که در آن ایام قسمت شمالی هندوستان را هند یا هندوستان و قسمت جنوبی هند را دکن و قسمت شرقی را بنگاله می گفتند

۲ - نادر شاه قبل از نوروز ۱۱۴۹ هـ بقندهار رسید و این شهر روز ۲ ذوالقعد ۱۱۵۰ هـ بدست وی افتاد

۳ - نادر شاه در ۱۵ ذوالقعد ۱۱۵۱ هـ در حنگ کرناال لشکر دشمن را شکست داد و در ۹ ذوالحجه ۱۱۵۱ هـ وارد دهلی و ۷ صفر ۱۱۵۲ هـ آن شهر را ترک گفت .

رفت و تا مراجعت نادرشاه اردهلی در آن شهر خود را پنهانی نگه داشت^۱

بعد از مراجعت نادرشاه (۷ صفر ۱۱۵۲ هـ) حرین دوباره بلاهور رفت ولی ذکر یا خان حاکم آنجا دشمن اوشده بردیک بود اورا آسیبی رسامد که اتفاقا حسنعلی خان کاشی که از جاب محمد شاه «برسبیل سفارت» پیش نادرشاه رفته بود بلاهور برگشت^۲ و بنا بر توصیه واله ار آنجا شیخ حرین را همراه خود بعافیت به دهلی رسانید^۳.

چون حرین دهلی رسید محمد شاه بنا بر توصیه و بیشهاد عمدة الملک امیرخان متخلص به انجام بحرین سیور علی عطا کرد^۴ مؤلف «محرر العرایب» مینویسد «امیرخان انجام حاگیر مبلغ چهل هزار روپیه در نزدیکی اکبر آباد (آگره) نرایش گرفت از مردم ثقه شنیدم که پادشاه مر یور مبلغ پنج لك روپیه بمعرفت (بتوسط) نواب مر یور بشیخ عطا فرموده».

علامه حسین خان مؤلف «سیر المتأخرین» مینویسد: «محمد شاه بواسطه عمدة الملک

۱ - آزاد در حرانه عامره (ص ۱۹۴) مینویسد که در مدتی که نادرشاه در دهلی بود حرین در خانه واله پنهان بود و واله در ریاض الشعرا در این ناره مینویسد. «شیخ لاند دهلی تشریف آورد. در کلبه ایس ذره ناچیر مروی و محفی ماند تا کوک اقبال شاهی ارشاهجهان آباد مراجعت بایران نمود»

۲ - واله در این ناره در ریاض الشعرا چنین مینویسد «منابر هجته که شرح آن طولی دارد ذکر یا خان بهادر دلیر حاک که صوبدار (استاندار) آنجا (لاهور) بود خواست به حضرت شیخ آسیبی برساند اتفاقاً در آنوقت احوی ملکای حسعلی خان کاشی ارحاب پادشاه عالم پناه بسمارت بخدمت قهرمان رفته مراجعت نموده بلاهور رسیده بود راقم حروف (واله) بخان معزالیه موثتم شیخ را با اتفاق خود شاهجهان آباد سالماً و عافاً رسانید و تا حال تحریر (۱۱۶۳ هـ) در شاه جهان آباد تشریف دارد»

۳ - ر.ک. حرانه عامره ص ۱۹۴

۴ - ر.ک. حرانه عامره ۱۹۴

و دیگر مقربان دولت خواه مکرم پیغام داده مسألت نمود که (حزین) متعهد امضای امور وزارت گشته رونق افرای سلطنت او شود اما چون سرفرو د آوردن بدنیا سنگ و عار آن بقاوه اختیار بود راضی نشد^۱.

اکنون وضع مالی حرین مستحکم گشت ولی بعلت هجو و نکوهش سرزمین هند بضی امرا و حواسب دهلی بمخالفت او برخاستند. آزاد در «خزانه عامره» باین موضوع چنین اشاره میکند

«قضارا شیخ اهل هند را هجو کرد از آن جمله است این بیت.

نسناس سیرتی است تمای مردمی از دیولان هند که اسان بداشته است»^۲

همچنین در کتاب «تاریخ احوال» که حرین در ۱۱۵۴ هـ در دهلی تألیف

کرد در باره خود خواهی و خود غرضی مردم هند میگوید

«رسوخ این شیوه ارتاثیرات آب و هوای هند است چه طاهر است که خلق

این دیار با کسی بی غرض آشنا نیستند و از باستان نامه ها هویدا است که قبل از اسلام

نیرایان و فرماندهان این دیار را همین طبیعت بوده است».

در کتاب فوق حرین در چندین مورد از اهالی هند نکوهش و بد گوئی

کرده است و همین هجو و بد گوئیها بود که بعضی شعرا و ادبای هند را بمخالفت

حزین برانگیخت و بعضی از آنها محال سرسخت وی شدند و حتی علیقلی خان

واله که اصلا ایرانی بود و تعصب ملی در او باندازه ای بود که اکثر شعرای

فارسی معاصر هندی الاصل را بحساب نمیاورد و خود دوست صمیمی حرین بود

براین عمل قبیح حرین وی را مورد سررش و انتقاد قرار داده و در «ریاض الشعراء»

در این باره چنین مینویسد :

«پادشاه و امرا و سایر ناس کمال محبت و مراعات سست بوی (بحرین)

مرعی دارد از آنجا که مروت حلی و انصاف ذاتی حضرت شیخ است عموم اهل

این دیار را از پادشاه و امرا و غیره هجوهای رکیک که لایق شأن سیح بوده نمود و هر چند او را از این ادای رشت منع کردم فایده نخشید و تاحال در کار است. لابد پاس نمک پادشاه و حق صحبت امرا و آشنایان بیگناه گریبان گیر شده ترك آشنائی و ملاقات آن برر گوار نموده این دیده را نادیده انگاشتم. آفرین بر خلق کریم و کرم عمیم این بررگان که با کمال قدرت در صدد انتقام بریامده بیشتر از پیشتر در رعایت احوالش خود را معاف نمیدارد و این معنی ریاد موجب حجل عقلائی ایران که در این دیار سلای غربت گرفتاراند میشود

هر که پاکج میگذارد ما دل خود میخوریم

شیشه ناموس عالم در نعل داریم ما

«القصه (خلاصه) بعضی از عبوران این مملکت کمر انتقام بسته تیغ هجا

بروی کشیده در بطر ارباب حرد حقیعش نمودند. از حمله سراح الدین علیحان آرو که از شعرای این شهر اسب و در فصیل و سخوری گوی از میدان همگان میراید بسیار اشعار غلط از دیوان سیح بر آورده رساله مسمی به «تنبیه العافین»

۱- آرو در مقدمه این رساله که واله بیر در «ریاض الشعراء» آنرا نقل کرده است

در مورد سب تألیف آن چنین توضیح داده است

«بسم الله الرحمن الرحيم بعد حمد کلام آفرین کلیم و قائل فوق کل دی علم علیم حل

شاه و اعظم درهانه و صلوٰه بر افصح الفصحا که فاتحه کتاب حلق و حاتم رساله نبوت است

علاه من التحیات اتمها عرس میشود که در این ایام مطالعه دیوان بلاغت تیان حناب

فیس مآب شعرای روح بکنه پرداری و ببر فلك سحر ساری بقیة السلف و حجة الحلف نتیجه

متقدمین و حاتم متاخرین شیخ محمد علی متخلص بحرین که تحمینا ارمند ده سال سب

هنگامه ایران وارد هندوستان حبت نشان که داخلش من دحله کان آما گویا سبست گردیده

و از طنبه شاعریش گوشت اکابر و اصاع پر گشته اتعاق افتاد و استعاده تمام دست بهم داد

ولیکن در بعضی اشعار که سب قصور دهی بمعانی آن بر سیده و فایر بمقاصد آن نگریده

بقیه حاشیه در صفحه بعد

١-٢

၇၇ နိဂုံး (၇၇၇၇၇၇၇၇)

၂၃၁ ခုနှစ်၊ ဇန်နဝါရီလ ၁၀ ရက်နေ့၊ နေပြည်တော်၊ မြန်မာနိုင်ငံတော်

စာအုပ်ကို မတ် ၁၅၊ ၂၀၂၁ ခုနှစ်တွင် ပြန်လည် ရေးသားပြီး ပုံနှိပ် ထုတ်ဝေခဲ့ပါသည်။

[illegible]

پتہ: مسیحی سہیل | محل: ہندوستان | جوڈی: جی | برائے: موم | تصویر: برائے

ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ॥ १ ॥

၂၀၁၇ ခုနှစ်၊ ဇူလိုင်လ ၁ ရက်နေ့၊ နံနက် ၈ နာရီ ၀၀ မိနစ်

ကံသေအောင် ငွေငါး ရာခိုင်နှုန်း လေးဆလောက် ပိုတော့ ပေါက်နေတာ။

၁၉၁၁ ခုနှစ်

မင်းသားတို့၏အားကိုးမှုကို ခံရသော အခါမှစ၍ မင်းသားတို့၏အားကိုးမှုကို ခံရသော အခါမှစ၍

၂၀၁၆ ခုနှစ်၊ ဇန်နဝါရီလ ၁ ရက်နေ့၊ နံနက် ၈ နာရီခန့်တွင်

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

وحي و پښتو ژبې د معنياتي وړولو، درلودلو، اخیستلو، خوړلو، رسولو، رغولو، چلند او

အထက်ပါ အချက်များကို စိစစ်ကြည့်ရင် မြန်မာနိုင်ငံတော်၏ နယ်လွတ်ရေးနှင့် ပတ်သက်၍

[illegible]

၇။ အဆင့် ၄၄၈။

این از شعری در مکتب منتهی کرد و ملا ساطع و عیبه در جواب محو مردم کشمیر چنین

၁။ အထွေထွေအကျဉ်းချုပ်
 ၂။ အကျဉ်းချုပ်
 ၃။ အကျဉ်းချုပ်
 ၄။ အကျဉ်းချုပ်
 ၅။ အကျဉ်းချုပ်
 ၆။ အကျဉ်းချုပ်
 ၇။ အကျဉ်းချုပ်
 ၈။ အကျဉ်းချုပ်
 ၉။ အကျဉ်းချုပ်
 ၁၀။ အကျဉ်းချုပ်

محمد بن حریز بن محمد بن علی بن ابی طالب

... الخ

၈၈၈ ၆ | ခိုဝှက် ဟာ ခိုဝှက် | ခိုဝှက် ခိုဝှက် ၆ | အောက်က အောက် ခိုဝှက် ခိုဝှက် |

1. $\frac{1}{2}$ 2. $\frac{1}{3}$ 3. $\frac{1}{4}$ 4. $\frac{1}{5}$ 5. $\frac{1}{6}$ 6. $\frac{1}{7}$ 7. $\frac{1}{8}$ 8. $\frac{1}{9}$ 9. $\frac{1}{10}$ 10. $\frac{1}{11}$ 11. $\frac{1}{12}$ 12. $\frac{1}{13}$ 13. $\frac{1}{14}$ 14. $\frac{1}{15}$ 15. $\frac{1}{16}$ 16. $\frac{1}{17}$ 17. $\frac{1}{18}$ 18. $\frac{1}{19}$ 19. $\frac{1}{20}$ 20. $\frac{1}{21}$ 21. $\frac{1}{22}$ 22. $\frac{1}{23}$ 23. $\frac{1}{24}$ 24. $\frac{1}{25}$ 25. $\frac{1}{26}$ 26. $\frac{1}{27}$ 27. $\frac{1}{28}$ 28. $\frac{1}{29}$ 29. $\frac{1}{30}$ 30. $\frac{1}{31}$ 31. $\frac{1}{32}$ 32. $\frac{1}{33}$ 33. $\frac{1}{34}$ 34. $\frac{1}{35}$ 35. $\frac{1}{36}$ 36. $\frac{1}{37}$ 37. $\frac{1}{38}$ 38. $\frac{1}{39}$ 39. $\frac{1}{40}$ 40. $\frac{1}{41}$ 41. $\frac{1}{42}$ 42. $\frac{1}{43}$ 43. $\frac{1}{44}$ 44. $\frac{1}{45}$ 45. $\frac{1}{46}$ 46. $\frac{1}{47}$ 47. $\frac{1}{48}$ 48. $\frac{1}{49}$ 49. $\frac{1}{50}$ 50. $\frac{1}{51}$ 51. $\frac{1}{52}$ 52. $\frac{1}{53}$ 53. $\frac{1}{54}$ 54. $\frac{1}{55}$ 55. $\frac{1}{56}$ 56. $\frac{1}{57}$ 57. $\frac{1}{58}$ 58. $\frac{1}{59}$ 59. $\frac{1}{60}$ 60. $\frac{1}{61}$ 61. $\frac{1}{62}$ 62. $\frac{1}{63}$ 63. $\frac{1}{64}$ 64. $\frac{1}{65}$ 65. $\frac{1}{66}$ 66. $\frac{1}{67}$ 67. $\frac{1}{68}$ 68. $\frac{1}{69}$ 69. $\frac{1}{70}$ 70. $\frac{1}{71}$ 71. $\frac{1}{72}$ 72. $\frac{1}{73}$ 73. $\frac{1}{74}$ 74. $\frac{1}{75}$ 75. $\frac{1}{76}$ 76. $\frac{1}{77}$ 77. $\frac{1}{78}$ 78. $\frac{1}{79}$ 79. $\frac{1}{80}$ 80. $\frac{1}{81}$ 81. $\frac{1}{82}$ 82. $\frac{1}{83}$ 83. $\frac{1}{84}$ 84. $\frac{1}{85}$ 85. $\frac{1}{86}$ 86. $\frac{1}{87}$ 87. $\frac{1}{88}$ 88. $\frac{1}{89}$ 89. $\frac{1}{90}$ 90. $\frac{1}{91}$ 91. $\frac{1}{92}$ 92. $\frac{1}{93}$ 93. $\frac{1}{94}$ 94. $\frac{1}{95}$ 95. $\frac{1}{96}$ 96. $\frac{1}{97}$ 97. $\frac{1}{98}$ 98. $\frac{1}{99}$ 99. $\frac{1}{100}$ 100. $\frac{1}{101}$ 101. $\frac{1}{102}$ 102. $\frac{1}{103}$ 103. $\frac{1}{104}$ 104. $\frac{1}{105}$ 105. $\frac{1}{106}$ 106. $\frac{1}{107}$ 107. $\frac{1}{108}$ 108. $\frac{1}{109}$ 109. $\frac{1}{110}$ 110. $\frac{1}{111}$ 111. $\frac{1}{112}$ 112. $\frac{1}{113}$ 113. $\frac{1}{114}$ 114. $\frac{1}{115}$ 115. $\frac{1}{116}$ 116. $\frac{1}{117}$ 117. $\frac{1}{118}$ 118. $\frac{1}{119}$ 119. $\frac{1}{120}$ 120. $\frac{1}{121}$ 121. $\frac{1}{122}$ 122. $\frac{1}{123}$ 123. $\frac{1}{124}$ 124. $\frac{1}{125}$ 125. $\frac{1}{126}$ 126. $\frac{1}{127}$ 127. $\frac{1}{128}$ 128. $\frac{1}{129}$ 129. $\frac{1}{130}$ 130. $\frac{1}{131}$ 131. $\frac{1}{132}$ 132. $\frac{1}{133}$ 133. $\frac{1}{134}$ 134. $\frac{1}{135}$ 135. $\frac{1}{136}$ 136. $\frac{1}{137}$ 137. $\frac{1}{138}$ 138. $\frac{1}{139}$ 139. $\frac{1}{140}$ 140. $\frac{1}{141}$ 141. $\frac{1}{142}$ 142. $\frac{1}{143}$ 143. $\frac{1}{144}$ 144. $\frac{1}{145}$ 145. $\frac{1}{146}$ 146. $\frac{1}{147}$ 147. $\frac{1}{148}$ 148. $\frac{1}{149}$ 149. $\frac{1}{150}$ 150. $\frac{1}{151}$ 151. $\frac{1}{152}$ 152. $\frac{1}{153}$ 153. $\frac{1}{154}$ 154. $\frac{1}{155}$ 155. $\frac{1}{156}$ 156. $\frac{1}{157}$ 157. $\frac{1}{158}$ 158. $\frac{1}{159}$ 159. $\frac{1}{160}$ 160. $\frac{1}{161}$ 161. $\frac{1}{162}$ 162. $\frac{1}{163}$ 163. $\frac{1}{164}$ 164. $\frac{1}{165}$ 165. $\frac{1}{166}$ 166. $\frac{1}{167}$ 167. $\frac{1}{168}$ 168. $\frac{1}{169}$ 169. $\frac{1}{170}$ 170. $\frac{1}{171}$ 171. $\frac{1}{172}$ 172. $\frac{1}{173}$ 173. $\frac{1}{174}$ 174. $\frac{1}{175}$ 175. $\frac{1}{176}$ 176. $\frac{1}{177}$ 177. $\frac{1}{178}$ 178. $\frac{1}{179}$ 179. $\frac{1}{180}$ 180. $\frac{1}{181}$ 181. $\frac{1}{182}$ 182. $\frac{1}{183}$ 183. $\frac{1}{184}$ 184. $\frac{1}{185}$ 185. $\frac{1}{186}$ 186. $\frac{1}{187}$ 187. $\frac{1}{188}$ 188. $\frac{1}{189}$ 189. $\frac{1}{190}$ 190. $\frac{1}{191}$ 191. $\frac{1}{192}$ 192. $\frac{1}{193}$ 193. $\frac{1}{194}$ 194. $\frac{1}{195}$ 195. $\frac{1}{196}$ 196. $\frac{1}{197}$ 197. $\frac{1}{198}$ 198. $\frac{1}{199}$ 199. $\frac{1}{200}$ 200. $\frac{1}{201}$ 201. $\frac{1}{202}$ 202. $\frac{1}{203}$ 203. $\frac{1}{204}$ 204. $\frac{1}{205}$ 205. $\frac{1}{206}$ 206. $\frac{1}{207}$ 207. $\frac{1}{208}$ 208. $\frac{1}{209}$ 209. $\frac{1}{210}$ 210. $\frac{1}{211}$ 211. $\frac{1}{212}$ 212. $\frac{1}{213}$ 213. $\frac{1}{214}$ 214. $\frac{1}{215}$ 215. $\frac{1}{216}$ 216. $\frac{1}{217}$ 217. $\frac{1}{218}$ 218. $\frac{1}{219}$ 219. $\frac{1}{220}$ 220. $\frac{1}{221}$ 221. $\frac{1}{222}$ 222. $\frac{1}{223}$ 223. $\frac{1}{224}$ 224. $\frac{1}{225}$ 225. $\frac{1}{226}$ 226. $\frac{1}{227}$ 227. $\frac{1}{228}$ 228. $\frac{1}{229}$ 229. $\frac{1}{230}$ 230. $\frac{1}{231}$ 231. $\frac{1}{232}$ 232. $\frac{1}{233}$ 233. $\frac{1}{234}$ 234. $\frac{1}{235}$ 235. $\frac{1}{236}$ 236. $\frac{1}{237}$ 237. $\frac{1}{238}$ 238. $\frac{1}{239}$ 239. $\frac{1}{240}$ 240.

به آگره رود و از آن شهر به بنارس مهاجرت کند و هم‌آجا برای همیشه متوطن شد. با وجود اینکه حزین در بنارس (که بررگترین مرکز مذهبی هندوان بود) با کمال راحت و احترام زندگی میکرد و ارادتمندان وی همیشه برای عرض ارادت بخدمت وی رفته و آمد داشتند^۱ ولی با این وصف او هیچوقت با زندگی خود در هندوستان حرسند و راضی نبود و چندین بار سعی کرد به ایران برگردد اما در این منظور موفق نشد چنانکه مؤلف سیرالمأخرین در این باره مینویسد: «چند بار آن عالی‌مقدار تا عظیم آباد (پتند) رسیده عارم بدر رفتن از حاکم سیاه^۲ هند بود (ولی) تقدیر مساعدت ننمود»^۳

در باره زندگی وی در بنارس حسین دوس در «تذکره حسینی» مینویسد: «ارمال هندوستان چری می‌گرفت تا آنکه عمدة الملک امیر حان انجام ازاله آباد آمده اعتقاد بهمرساید سند جبد لك دام بطریق مدد حرج درس کرده آورد التماس قبول نمود از آنجا که تحقیق ربط شده بود (یعنی با هم علاقه صمیمی پیدا کرده بودند) رد آن نمرمود و بواب مسارالیه آن سند را شخصی تفویض کرده که حالات حاصلات (یعنی در آمد محصولات) آنرا فصل به فصل عاید سرکار شیخ نماید»

همچنین حاکم در «مردم‌دیده» مینویسد. بالفعل در بنارس فروکش دارد (یعنی اقامت دارد) در لباس فقیری (رند گپ، خود را) امیرانه می‌گذراند»

در بنارس چندین دفعه در ۱۱۷۷ هـ شاه عالم پادشاه هند (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ هـ) و شجاع الدوله وزیر اود و میر قاسم ناظم گال برای دیدن حزین آمدند و ظاهراً نظر بشهرت وی در تقوی و تعدد و کشف و کرامات و عقیدت که خودشان در خدمت

۱ - ر. ک. سینه خوشگو حزین ۲ - عجیب است که حتی بعضی اهالی هند هم اینقدر پست و بی‌حمیت بودند که به تقلید بعضی ایرانیهای معرور حاکم هند را «سیاه» می‌گفتند

اهالی آنجا را مرتکب شد دو گروه افراطی وجود داشت اول از موافقان حزین و دوم از مخالفان وی اما در بین این دو گروه يك گروه سومی هم بود که با هیچکدام از این دو گروه افراطی تعلق نداشت. حالا عقاید هر يك از این سه گروه ایضا نقل میشود.

سراج الدین علی حا آرو که از مخالفان سرسخت حزین بود در «مجمع-التقایس» درباره حزین مینویسد. « مدت مدید گذشته که (شیخ حزین) از تسلط نادر شاه بر قلمرو ایران و نارسائی رورگار و مزاح خودش وارد هندوستان هند نشان گشته و در هنگامیکه نادرشاه بر شاهجهان آباد (دهلی) مسلط شده بود و شهر مذکور بتصرف قشون او درآمده بود در گوشه ای حریده بود بعد از رفتن افواج شاهی بار ظاهر شد چون کسی چنانکه قدر او بود در آنوقت بشاحت و نازکی مزاحش که از کمر حوایان باح میخواست باسختی ایام صاحب بعم و ولایت (ایران) عازم لاهور گردید و بیشتر نتوانست رفت. از بس که طبع ناساز دارد وطن و غرب بر (برای) او یکسانست .

« عجب آنکه شیخ مذکور رساله ای مشتمل بر حسب و سب و سیر و سفر خود بنویسد دعوی های بلند در آن نموده که صاحب داعیه از آن معلوم میشود گویا علت غائی نوشتن رساله مذمت هند و اهل هند است .. (ناوحد اینکه) در هندوستان بهشت نشان هیچکس او را بالای چشم ارواس نگفته عث در حق این ملک و اهالی آن گفته آنچه گفته

«دیوان مذکور (چهارم) مکرر بمطالعه درآمده بآن درجه که مضمون و متیقن (جماعت) بصیریان اوست نیست اکثر تربیت طلبان و کاسه لیسان اعتقاد بیش از پیش در خدمت عریض دارد میگویند که شیخ مذکور فاضل اس و صاحب تصانیف لیکن هیچ تصنیفی از علم حکم و کلام نظر نیامده بعد (از) مطالعه احوال مصنعات معلوم خواهد شد آری شعر که میگوید»

عبدالحکیم حاکم که به هیچکدام از این دو گروه افراطیون تعلق نداشت در «مردم دیده» درباره حزین مینویسد « در سارس دو مرتبه بصحت شیخ محمد

علی حرین سلمه اله تعالی رسیدم بسیار بحلق برخورد. از حالات و کمالش چه نویسم که در هندوستان و ایران اشتهار تام دارد در این عصر همچو اوی بیسب... آنجه، خان آرزو در «تنبيه العافلين» بر اشعارش ایراد گرفت اکثر آن از ستم طریقی است مگر در بعضی مواضع گرفت (یعنی ایراد) بحاست.

میرحسین دوست که بهمی گروه بیطرفی تعلق داشت در «تذکره حسینی» می نویسد: الحال در بنارس سکوت دارد و در فی شعر او را یدیدضاست بطور (یعنی بهسبک) قدیم و حدید و در حسن محاورت^۱ بی نظیر است. حط ملت و نسخ و رقا ع و شکسته در نهایت حودت مینویسد و رد و پارد درست میداند و از عریب علوم بهره مند است. چون شیخ در حنب (یعنی در مقابل) شعر خود شاعران هند را واقعی نهاده از این معنی عداوت بهمرسید و در پی آهو گیرها (یعنی عیب جوئیها) کمر بستند چنانکه سراج الدین علیحاح سلمه اله اردیوان (حرین) چهارصد بیت معشوش و اکثر بی ربط ترکیب و سیاری خلاف محاوره متعمدین و متاخرین بر آورده خطبه و خاتمه نگاشته سجد ساحت تنبيه العافلين نام نهاده این چند بیت را است. .. قطع بطر (صرف طر) از اینها انصاف آنکه شیخ رمانه با کمال تقدس و صفا و ورع و همت و سحا اسب و در شعر ثانی میر را صائنا هیچ یکی از شعرای حال پهلوی به او می تواند رد (یعنی نمی تواند حریف او شود) و عالمی داشته (حالی داشته) که وی را (ار) اختلاط حوش نمی آمد فقیر (مؤلف) يك دیواش که تصیف هندوستانست قریب سب (بیست) هزار بیت سیر کرده انتخاب برداشته از حمله چند بیت مرقوم میشود»

آقای رموند^۲ مترجم سیر المتاخرین که در سال های ۱۷۶۴ و ۱۷۶۵ میلادی (مطابق ۱۱۷۱ و ۱۱۷۹ هـ) باحرین ملاقات کرده بود مینویسد که بعقیده وی حرین «صاحب قلم و دانش» بود

اکنون عقاید دوستان و ارادتمندان حزین در مورد فضل و کمال وی مرقوم می گردد.

واله که اردوستان صمیمی حزین بود در پایان شرح حال وی در «ریاض الشعراء» مینویسد «خلاصه باوجود این حال (یعنی ایرادات آرزو و غیره) بیان واقع آنست که شیخ در این حرو و زمان سرآمد سحوران عالم است چنانکه این ابیات که از متحبات افکار اوست اثبات این مدعا مینماید».

غلامحسین خان مؤلف «سیرالمتأخرین» که از عقیدتمندان حزین بود و در اواخر عمر با حزین خیلی نزدیک شده و مکرر برای دیدن وی به نارس رفته بود در باره فضل و تنحز علی حزین مینویسد: «مخفی نماد که فقیر (مؤلف) و کسانی که بهمه و حوه بهتر از حقیر بوده اند اعتراف دارند که در این حرو و زمان چون او کسی دیده نشده بلکه مترددین عرب و عجم^۱ میرحامیت آن حباب در جمیع علوم ظاهر و باطن احدی را در اطراف و اکاف عالم نشان ندیده آیتی بود از آیات الهی»^۲

خوشگو که از شاگردان حان آرو بود اما علاقه و ارادت مفرطی در خدمت شیخ حزین داشته در باره حزین در سینه خود مینویسد «چند سالست که بدار الخلافه شاهجهان آباد زیت افروز است و عالمی از برکات خدمتش بهره اندوز بسیار صوفی مراجع و تقدیسش اسب از علوم ظاهر و باطن بصیه وافیه یافته و سب اسلاف اشرف زنده داشته بمقدمین مثل سعدی و حواجه شیراز و پاره (ای) بعبانی (علاقه) دارد و دیگر تاره گویان مثل صائب و سلیم و کلیم را و خود نمیکند (یعنی اهمیت نمیدهد) و چون مصارفش عمده اسب (یعنی حرجش زیاد است) (و) از هیچکس چیزی قبول نمینماید از این جهت مردم از گمان غالب آنست که حضرت شیخ دست غیب دارد واله اعلم

«بحقیقت الحال امروز اهل ایران حباب او را بمشردی میپرستند (به) خصوص

۱- یعنی کسانی که عرب و عجم رفعت و آمد داشتند.

۲- سیر المتأخرین ج ۲ ص ۶۱۵

نواب صاحب عمدة الملك امير خان بهادر مرحوم اعتقاد بلیغ باوی داشته. در این که حضرت ایشان بعد از سیر اعظیم آباد معاودت کرده بویه نارس تشریف آوردند بسبب کسل مزاج چندی درین جا توقف فرمودند چند شعر بحمدت ایشان فرستاده استدعای ملازمت نمود بخود طلب فرمودند چون سعادت حضور رسید فرشته (ای) دید با آب و گل رحمت سرشته...

احمد علی سندیلوی مؤلف «محرن العرایب» در تذکره خود در ذیل نام حزین می نویسد: «شیخ الاحل الاعظم فخر العرب و العجم المذعوالعلی المتخلص به حرین رحمة اله علیه... وی آراینده چهره بلاعت و پیراینده سرو بوستان براءت است و اوراق رفعت کلاموی بر تراز طاق سپهر و خاطر روشن او مصقله آئینه مهر است چنین شاعر صاحب استعداد و صاحب مایه بعد از مولانا حامی یعرصه سخنوری نیامده اگر کسی درین معنی بکار نماید و معترض شود حر فضولو خود پسندی نخواهد بود. اکثر عریران که از ولایت ایران بهد آمده اند میگویند که اشعار شیخ در ولایت پسند نمیکند حای تعجب است و او خود عدویب و سلاست که در کلام اوست پسند نکردن چه حجب دارد حو شاعر صاحب کمال و سیار دان مانند او دیگری در آن زمان بوده که شهره آفاق باشد.»

پس می نویسد: «حضرت شیخ سبب ترفع و علوشان با کثر مردم بی اعتنائی میکر قعی نمی نهاد از این سبب گرمی نازارش سرد گشته گرد (ناره) بعضی اعرو و... ۱- و ناملا یزد و اکثر راهجو کرد این مردم... در پی انتقام شدند... و مردم کشمیر را بیرجوهائی کیک کرده این قوم هم بشیخ در افتادند و ملاطاف و غیره را بر آن داشتند که حاشیخ بگویند ایها هم رنخی زده بریش خود خندیدند چرا که (زیرا که) در حن کلام شیخ کلام اینها معلوم. پس گویا هجو خود کردند. در نارس رحل اقامت انداخت اهل نارس چه از فرقه هندو چه مسلمان خاکپایش را بجای سرمه چشم میکشیدند و از دور و نزدیک جهت زیارت شیخ میرفتند و بآن

مباهات میکردند که من شرف صحبت شیخ را دریافته‌ام فی الواقع حای مباهات است چرا که همین بزرگانند که قابل‌الریاره هستند و حضرت شیخ اکثر بزرگان را دریافته و از نفایس قدسیه آنها فایده و میمنه حاصل نموده بود تا حین رحلت اوقات شریف (را) بلطاف و سخاوت بسر برده. در باب اخراجش (مخارج او) که بهزاران رویه میکشید مردم انواع قسم حرفها میردند چیریکه او را عقل ناور و قبول نماید استماع نیفتاده و حضرت شیخ جامع انواع طرز سخن است.»

خلاصه مردم عامی هندوستان و حتی اکثر حواص آں کشور عقیده داشتند که شیخ حرین صاحب کشف و کرامات بوده چنانکه در «آرایش محفل» (تألیف ۲۰-۱۲۱۹ هـ) آمده است که از طرف خدا بر حرین الهام میشده و وی معجزه میکرد و بر آفتاب هم تسلط و قدرت داشته است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است .

(الف) - نظم

چهار دیوان شعر - حرین در «تاریخ احوال» ذکر این دیوانها را در صفحات ۶۴ و ۹۷ و ۱۰۱ و ۱۶۳ آورده است (رحوع شود بشرح حال حرین) اما هیچ نسخه‌ای از سه دیوان اول حرین امروز وجود ندارد و تنها بعضی نسخ دیوان چهارم وی مورخ ۱۱۵۵ هـ که در آن مؤلف تذکر داده است که قبل از آن سه دیوان ترتیب داده و این که آن دیوان چهارم را در هندوستان ترتیب داده است امروز بحا مانده است نسخه‌ای از این دیوان در موزه بریتانیا موجود است (رحوع شود به ریو ح ۲ ص ۷۱۵ الف) همچنین در خاتمه دیوان که در آخر تذکرة المعاصرین صمیمه شده است مؤلف تذکر داده است وی در ۱۱۵۵ هـ چهارمین دیوان خود را ترتیب داده است

دیوان چهارم حرین شامل قصاید و غزلیات و متفرقات غزلیات و رباعیات و قطعات قسمت‌هایی که از مثنوی‌های وی بنام «چمن» و «اجمن» و «خرانات» و «مطمح الابطار»

(فاتحه آن) و تذکرة العاشقین، (تنها فاتحه و حائمه آن) میباشد. کلیات حزین که در کاپورولک به چاپ شده است اساساً مشتمل است بر همین دیوان چهارم وی اما دو مثنوی دیگر بنام «صفیر دل» مورخ ۱۱۷۳ هـ «فرهنگ نامه» هم دارد و همچنین مثنوی دیگر «ودیعة الدیعة» مورخ ۱۱۷۳ هـ که بسن هفتاد سالگی بتقلید حدیقه سنائی سروده است در بعضی نسخ دیوان دیده شده است. نسخه ای از کلیات حزین در کتابخانه مجلس تهران^۱ (ش ۹۷۱ مورخ ۱۲۲۸ ق) موجود است. آجا بیر مؤلف سن خود را هفتاد سال و در ص ۱۴۵ عده اشعار خود را پنجاه هزار بیت گفته است.

بعد پنجاه هزار بیت گرین که در آمد بدختر تدوین

مدرحات کلیات حزین از روی نسخه مجلس تهران بقرار زیر میباشد:

۱- قصاید مشتمل بر توحید و بعضی مدایح فریب به ۲۱۵۰ بیت

۲- مثنوی در وصف حضرت پیغمبر ص - ۵۶ بیت

۳- قطعات شامل ماده های تاریخ و مواظ و مرثی و مکاتیب منظوم - قریب ۱۱۰۰ بیت

۴- صفیر دل - مثنوی با مقدمه مختصری شش در حدود ۶۷۰ بیت

۵- حدیقه تانی در حواص حدیقه سنائی

۶- حرانات - مثنوی در ۴۷۰ بیت

۷- چمر و احمن - مثنوی در ۳۰۰ بیت

۸- مطمح 'الانظار در حواص محرن الاسرار بطامی - قریب به ۱۱۲ بیت

۹- فرهنگ نامه - مثنوی در ۳۵۰ بیت

۱- از مدرحات این کلیات معلوم می شود که حزین خواسته است که در برابر پنج گنج

نظامی گنجهای اشاء کند چنانکه در ص ۱۲۳ بیت ۹ (نسخه مجلس) می گوید

کنی تاره تا حسمه گنجوی شرات کهی باد و دایت قوی

اما طاهر! در این منظوم توفیق یافته است چون آرگنهای وی حر اییاتی چند امروز

۱۰- تذکرات (تذکرة) العاشقین- مثنوی پروزن لیلی و محنون که اشعار عربی نیر

دارد قریب به ۴۷۰ بیت

بعد از دیوان چهارم حرین هیچوقت بندوبین و ترتیب دیوان پنجم همت نگماشت و بعداً هر چه گفته بدیوان چهارم خود اضافه و علاوه نموده است چنانکه نسخه‌ای از دیوان وی در موزه بریتانیا موجود است^۱ که نسب بنسخ دیگری بعضی قصائد و غزلیات اضافی دارد که حرین حتماً در آخر عمر سروده است.

(ب)- نشر

کتابی نشر^۲ که نسخ آن امروز موجود است^۳ بدینقرار است:

۱- رساله در حقیقت نفس و تحرید^۴ - برای نسخ آن رجوع شود به آته ش ۱۹۰۳ و بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۱ و ایوانو - کرزن ش ۵۰۲ (۲) و ایوانو تکلمه دوم ش ۱۰۴۳ (۵)

۲- رساله فرس نامه - این رساله را در هندوستان طرر کتابی دیگر نوشته است که سابقاً در جوانی در اصفهان در همین موضوع تألیف نموده بود. برای نسخ رجوع شود به بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲ و ۲۳۴ و لیندیریا ص ۱۵۲ و ریوح ج ۲ ص ۴۸۳

۳- اللمعه (من) مرآت الاله فی شرح شپیداله - تفسیر سوره آیه ۱۶ براس عربی که در اردبیل در ۱۱۳۹ هـ نوشت برای نسخ آن رجوع شود به آته ش ۱۹۰۴ و ایوانو - کرزن ۷۵۲ (۴) و اندیا آفس نسخ عربی ج ۲ ش ۱۱۶۵ (۲)

۱- و.ک. ریو ج ۲ ص ۲۱۷ الف

۲- فهرست آثار حرین در محوم السها ص ۲۸۷-۲۹۳ نیر ذکر شده است اما آن فهرست

هم کامل نیست .

۳- حرین در «تاریخ احوال» اسم نیست رساله را آورده است که اکثر آن حواشی بر بعضی متون فارسی بوده اما امروز غالب آن اربین رفته است.

۴- ظاهراً این رساله و رساله «تحرید نفس» که حرین در کرماشاه تألیف نموده و در تاریخ احوال بدان اشاره نموده است یکی است

۴- شجرة الطور فی شرح آیت النور در تفسیر سوره ۲۴ آیه ۲۵ بزبان عربی در مشهد در ۱۱۴۰ هـ نوشت. برای سح آن رجوع شود به آیه ۱۹۰۴ و ایوانو - کرزن ۷۵۲ (۳) و اندیا آفس نسخ عربی ج ۲ ش ۱۱۶۵ (۱)

۵- رساله در تحقیق معاد روحانی - برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳ و ایوانو - کرزن ۷۵۲ (۱) و ایوانو تکلمه ثانی ۱۰۴۳ (۳)

۶- رساله در اوزان شرعی یا رساله در اوزان مثقال و درهم و دینار و غیره. برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و ریوج ۲ ص ۴۸۳ و ایوانو - کرزن ۵۰۲ (۷).

۷- رساله در مسئله حدوث و قدم - برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳ و ایوانو - کرزن ۵۰۲ (۳) و ایوانو دیل ثانی ۱۰۴۳ (۴).

۸- حوای رقعات شیخ حسن مرحوم - برای نسخه آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳

۹- شرح قصیده لامیه شرح قصیده خود به منتقت امیرالمومنین - برای سح آن رجوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و ۲۳۵.

۱۰- رساله صیدیه یا رساله در خواص حیوان - برای سح آن رجوع شود به

علیگره دحیره سحاح الله ص ۸ و بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و ریوج ۲ ص ۴۸۳.

۱۱ - رساله در حمله های ایران برهند - در ۱۱۷۰ هـ در حسین آباد با تمام

رسید. برای نسخه آن رجوع شود به ریوج ح ۲ ص ۶۱۵.

۱۲ - رساله دستور العقلا - در حکمب عملی و غیره در ۱۱۵۳ هـ در دهلی نوشت.

برای سح آن رجوع شود به اندیا آفس دی پی ۱۲۰۷ و ایوانو - کرزن ۵۰۲ (۱).

۱۳ - مواعد لاسحار - در فقه شیعه برای سح آن رجوع شود به براون

دیل ش ۱۲۸۰

۱۴ - مذاکرات فی محاصرات - برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه ج ۱

ص ۱۷۰ تحت عنوان «بلاغ»

آن سنجای بوسیله در دوشاد ۱۱۴۴۵ در دهلی در حواله مراجع تاریخ ۱۶ -

۱۶ - تاریخ
موجوده

(۱۸۱۸/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

(۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵) (۱۶۲۵/۱۶۲۵)

I. O. ۰ ۰ ۰

The life of Sheikh Mohammad Ali Hazin by ۰

F. C. Belfour

MC Master ۰

۱۸- سینه علی حرین چاپ- حیدرآباد دکن ۱۳۶۸ هـ - ۱۹۳۰ میلادی

تذکر

براون در دیل شرح حال حرین مینویسد که حرین کتابی نظیر کشکول بهائی بنام «مدّة العمر» نوشته است بقول براون نسخه‌ای از آن در هوزر لندن موجود است و ریو آنرا در ص ۴۸۳ معرفی نموده است اما ریو در ص ۴۸۳ دو کتاب بنام فرسامه رساله‌ای در اوران و غیره و رساله‌ای در خواص حیوان را ارتالیفات حرین دکر و معرفی نموده است و بس

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را در اواخر سال ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه کتاب توضیح میدهد: «مخفی نماید که تسوید این اوراق در اواخر سال هزارویکصد و شصت و پنج هجری در وقتی که بخت غنوده در شبستان هند تیره‌رور است اتفاق افتاده»

در باره سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است: «راقم این مقال صف معال‌گرس محفل ارباب کمال محمدالمشتر بعلی الجلالی حرین است... یادآوری دوستان یکدل و حقیقت‌پژوهی کامل و بی‌اس بیک صحت‌یاران حلیل و اصدقای حلیل قدرشاسی همرو هروصیع و سیل برآن داش که در این صفحات تذکر بعضی ارباران معاصر و ابیات برخی اراضاحدلال صافی ضمیر که بفر قویم و طبع مستقیم مایل بظم لآلی اشعار بوده و از این شراب ظهور جامی پیموده اند پردازد تا بادای حق و داد و هم احیای نام و اسات کلام اندای مقامهریک نموده ناشدوهم بحلاوت این شکرستان کام تلح را شیرین حشاند و در حرارت فرقت ایشان به سرانگشت حمله دل اندوده برل خویش حراسد و هم حصران را و آیدگان را وسیله اس و اساطی باشد»

این کتاب مشتمل است بر تذکر یکصد تن از شعرا و علما و فضلا و بررگان

اصمهان که با مؤلف هم‌عصر بودند و در اواخر عهد صفویه می‌ریسته‌اند و در این تذکره مؤلف هیچ ترتیب مخصوصی به العبائی و به تاریخی و به جغرافیائی مرعی نداشته‌است.

این کتاب شامل دو فرقه‌است ی‌ررار ریر:

فرقه اولی «درد کر علمای معاصر که با شاد شعر زبان بلیع گشوده و توجه خاطر بآن مبذول فرموده‌اند» این قسمت با «صدرالدین سید علیحان بن سید نظام‌الدین احمدالحسینی» شروع شده با «صدرالدین الجیلانی» تمام می‌شود و شامل دکر حال و اشعار بیست و نهم می‌باشد

فرقه ثانی در ذکر شعرای معاصر است و با «میرزا طاهر» شروع شده با «میرزا محمد شیرازی» تمام می‌شود و شامل دکر حال و اشعار هشتاد و شاعر می‌باشد

کلیه شعرها و فضائلی که دکرشان در این کتاب آمده است شیعه اتا عشری بوده‌اند چنانکه مؤلف خودش در دیباچه در این باره توضیح داده است. «بطون این همایون دفتر با طهار شعرای ملب‌اتنی عشر احتصاص خواهد داشت» و تمام آنان معاصر مؤلف بودند و وی با اکثرشان ملاقات و صحبت داشته است چنانکه خودش در دیباچه می‌نویسد. «و چون این راقم آثار حاصل ملاقات و صحبت اکثری روی داده اگر بر سبیل بدت درین محفل سامی و برم گرامی دکر قلیلی از عربان بران قلم آید که ادراک صعب صورت بسته باشد حالی از اشعار و اسارت خواهد گذاشت»

در خاتمه دیوان که در آخر این کتاب صمیمه شده است^۱ مؤلف در سه صفحه به بشر بسیار مصوع و معرب‌ار شکسته حالی خود در هندوستان شکوه و بوحه کرده‌است و این نمودار وضع وی در هندوستان و عقیده و نظر او درباره آن کشور و اهالی آن می‌باشد

بعضی مرایای این تذکره بقرار ریر است

۱- این تذکره دارای فواید تاریخی و ادبی است و تا اندازه‌ای وضع انحطاط ادبی و فترت سیاسی در اواخر دوره صفوی را روشن میسازد. اشعاری که در این تذکره انتخاب و ثبت شده است شاهد این حقیقت است که فن شعر و شاعری در آن دوره قوس بر ولی خود را تا حد اعتدال پیموده بود چنانکه اکثر اشعاری که مؤلف اینجا نقل کرده‌اند نمیتوان همسنگ و همپایه اشعار متقدمین و متوسطین باشد.

۲- حمعی از علما و فضلا و ادبا و معاصر مؤلف که در این کتاب از آنان یاد شده است زیاد معروف بوده و بنا بر این در جای دیگر شناخته نشده‌اند و از این حیث این تذکره تنه‌ا منبع و مأخذ اطلاعات درباره شرح رنگینی و مقام ادبی و علمی ایشان می‌باشد.

۳- بر عکس اغلب تذکره نویسان مؤلف سعی کرده است تا حد امکان تاریخ فوت شعرا و علما را ذکر نماید یا بطور دیگر عصر آنان را تعیین نماید. این اهتمام و الترام مؤلف با وجود عدم وسایل بسیار قابل تعریف و تمجید است مخصوصاً در آن رمان « تیره روری » که تلخی آن از صعوبات خاتمه این کتاب پیدا است.

۴- مؤلف با اکثر شعرا و علمای مذکور ملاقات و صحبت داشته‌است و بنا بر این بیانات وی درباره آنان بیشتر مورد اعتبار و اهمیت میباشد.

اما نقص و عیب دیگری که این کتاب دارد اینست که مؤلف این کتاب را در مدت بسیار کم با نداشتن وسایل لازم برای این کار تألیف نموده است چنانکه خودش در پایان کتاب تصریح نموده است که آنرا در مدت نه روز تنها از محفوظات خاطر خویش استمداد نموده و ترتیب داده‌است. ظاهراً مؤلف محال اصلاح و تحدید بطور مسودات آنرا هم نداشته چنانکه یک نفر نام‌مختار به او بدی راعیاً در تحت دو عنوان مکرر و در دو شماره متوالی (۷۶ و ۷۷) صط نموده است.

این شاه پریشان خیالی و عدم جمعیت خاطر مؤلف میباشد و به اینکه از طرفی موحب تحسین و تعریف است اما از طرف دیگر باعث ایجاد شك و تردید در ده،

خواننده نیست به صحت و درستی بعضی بیانات مؤلف میباشد و فکرش را باین عقیده و حقیقت سوق می‌دهد که اکثر سال‌های مربوط به زندگانی شعرا و وقایعی که در اینجا ذکر شده است از روی حدس و تخمین بوده است و این حقیقت تا اندازه‌ای از اهمیت این تذکره میکاهد

مؤلف در ذیل شرح حال شعرای زیر تصریح نموده است که وی با آنها ملاقات کرده است .

در **فرقه اولی** تمام فضلا مدکور و در **فرقه ثانیه** میرزا طاهر و میرزا داود و میرزا محمد شقیع و میرزا محمد امین ازل و میرزا ابراهیم و میرزا اشرف .
همچنین در ذیل شرح حال شعرای زیر تصریح نموده است که ملاقات آنها بوی دست نداده است

ملا سعید اشرف و میرزا مهدی عالی مشهدی و تعظیم مارندارانی و میرزا محمود شیرانی

بابر این در ذیل تمام بقیه شعرا در این مورد هیچ نوع تصریح ننموده که با آنها ملاقات کرده یا خیر

تنها در مورد شعرای زیر سال وفاتشان را ذکر نموده است .

شیخ ابراهیم ۱۱۱۹ هـ و میرزا هاشمی الهمدانی ۱۱۳۶ هـ و کمال الدین حسینی الفسائی ۱۱۳۴ هـ و محمد علی الکاکی الشیرازی ۱۱۳۵ هـ و محمد هادی ۱۱۳۴ هـ و میرزا داود ۱۱۳۳ هـ و میرزا محمد شمع ۱۱۲۹ هـ و میرزا محمد امین ازل ۱۱۳۵ هـ و میرزا اشرف ۱۱۳۳ هـ و میرزا غیاث الدین محمد ۱۱۳۴ هـ (یکسال بعد از اشرف) شوکت سحارائی ۱۱۰۷ هـ و ملا سعید اشرف ۱۱۱۶ هـ و لطف علی بیگ شامی ۱۱۲۰ هـ و میرزا سید رضا ۱۱۳۳ هـ و میرزا ابوطالب حیات ۱۱۳۵ هـ و میرزا هاشم ارتیمانی ۱۱۳۴ هـ و میرزا اسمعیل ایما و تعظیم مارندارانی ۱۱۲۸ هـ و محمد علی بیگ دیبیم ۱۱۱۰ هـ .

در ذیل شرح حال شعرای زیر تنها سنشان در موقع وفات آورده است ولی سال

وفاتشان را ذکر ننموده است:

مسیح قریب ۹۰ سال (عشر تسعین) میرزا طاهر . قریب به صد سال

میرزا باقر ۷۰ سال (عشر سبعین) ملا حاجی محمد گیلانی: هفتاد سال

محلصای کاشی ۹۰ سال بخشای کاشی. تقریباً ۷۰ سال (در عشر سبعین)

عرب برو حردی ۵۰ عمرش از هفتاد سال گذشته بود. ندیع اصهبانی: از هفتاد در گذشته

(یعنی تجاوز نموده) میر معصوم اصیل ۴۰ سال

در ذیل شرح حال شعرای ریر سال مقرون و تقریبی را آورده است یا

به واقعه تاریخی اشاره نموده است که از آن میتوان سال وفاتشان را معلوم کرد .

قهرمائی همدانی - «بیست سال شده باشد که بملك بقا پیوس»

عبدالمولی اصهبانی - «چند سال پیش از تحریر رحلتش مسموع شد»

واصل گیلانی - «پنجاه سال گذشته که در اصهبان بر حمت حق متواصل

گشت»

آقارضا - «سی سال گذشته باشد که رحل نمود»

اعلی اصهبانی - «هنگام استیلای رومیه (بر) همدان آن نادره زمان در آن

شهر عزت شهادت فایر گردید»

شریف شیرازی اصهبانی - «قریب بیچهل سال گذشته که بعالم بقا ارتحال

نموده»

میرزا محمد شیرازی - «تحمیلاً سی سال گذشته که در مشهد رضویه علی مشرفها

التحیه سعادت رحلت نمود»

در «فرقه اولی» اشعار و شرح حال فضلا را معمولاً هر کدام در بیسم

صفحه نقل کرده اس اما از فصالی ریر اشعار و شرح حالتن را سة مفصل تر نقل

کرده اس

صدرالدین سید علیحاج الحسینی و مسیح (الام) و شاه محمد شیرازی و شیخ

ابراهیم و شیخ حلیل اله طالق بی و طهیر (الام) و قوام الدین محمد یوسف الحسینی و

محمد مسیح کاشانی و کمال الدین حسینی الفسائی و محمد علی الکاکی الشیرازی و میرزا هاشمی الهمدانی و میرزا باقر.

در ذیل نام صدراالدین سید علی خان الحسینی مزبور تنها اشعار عربی از او نقل کرده و در ذیل نام مسیح (الامام) علاوه بر اشعار فارسی اشعار عربی او را نیز آورده است

همچنین در «فرقه ثابیه» اشعار و شرح احوال اکثر شعرا را هر کدام در نیم صفحه نقل کرده است اما در ذیل نام شعرای ریر اشعار و شرح حالشان را نسقه معصنتر آورده است:

میرزا طاهر و میرزا داود و میرزا محمد امین ارل و ملا حاجی محمد گیلانی و مرحوم میر بجات و شوکت بخارائی و ملا سعید اشرف و میرزا محسن تأثیر و شفیعی اثر شیرازی و محصلای کاشی و بخشای کاشی و لطف علی بیگ شامی و سید عبدالله حسایی و ملا محمد نصیر فایض ابهری اصفهانی و میرزا مهدی الهی تریری و ملا علی اعلی اصفهانی.

اشعار علما و شعرای ریر را ابرهه معصنتر آورده است

در فرقه اولی اشعار مسیح (الامام) (در ۴ ص)

در فرقه ثابیه اشعار ملا حاجی محمد گیلانی (۲ ص) و ملا سعید اشرف و بخشای

کاشی (قریب ۱/۲ ص) و میر بجات و شفیعی اثر شیرازی و ملا نصیر فایض ابهری اصفهانی (هر کدام در ۳ ص) و میرزا طاهر (قریب ۱/۳ ص)

همچنین شرح حال علماء و شعرای ریر را مفصل تر ابرهه آورده است

در فرقه اولی مسیح (۱/۴ ص) و صدراالدین سید علی خان الحسینی

(۲ ص)

در فرقه ثابیه میرزا طاهر (۱/۴ ص) و شوکت بخارائی (۲ ص)

در ذیل نام میرزا فتح اله حورائی و سعید قصاب هیچ شعری از آنها نقل

نکرده است

دردیل نام فضلالی زیر که همشان در «فرقه اولی» آمدند اساهی آثارشان را نسبة مقصل ذکر نموده است :

صدرالدین سید علیخان الحسینی و مسیح و شیخ ابراهیم و قوام الدین محمد یوسف الحسینی و کمال الدین حسینی العسائی.

دردیل شرح حال محمد مسیح کاشانی حکایت عجیبی را نقل کرده است که عقرب کاشان غریب را نمیگردان

غالباً در تعریف علما و شعرا راه اغراق و مبالغه پیچوده است چنانکه در ذیل نام مسیح الانام می نویسد:

« علامه روزگار و نادره زمان بود. او در حمیع علوم سرآمد علمای اعلام و احنق ادکیای افاضل عالی مقام بود »

گاهی بر اشعار بعضی شعرا ایراد گرفته و از آنها انتقاد نموده است چنانکه در ذیل مخلصای کاشی می نویسد: «طبعی سخن آشنا و هیل مصرط بشعرا داشت و اشعار خوب داند. سلیقه اش در شعر قصوری سود لیکن چون از سرمایه دامشوری عاریست و صنعت ابهام را بحد گرفته گاهی بلکه اکثر سخنش با وجود تناسب الفاظ سبک و حام میافتد و اگر او را تربیت افاضل فیض گستر و ملوک داشور فرامیدی و نفس او را کیفیت حاصل آمدی از و رسان و سابعان مضمهر سخن

در ذیل نام میرزا زاهد علی سخا می نویسد : « اگر چه در گویائی اقتداری نداش لیکن ابیات خوب دارد و طبعش شگفته و خیالش را طراوتی است ».

دردیل نام نورس دماوندی می نویسد . « شاعری مشهور و عمری بآن پیشه معرور و از امثال خود کمی داشت لیکن بلاغت و حالات سخن بصیبی است شگرف که هر کس را میسر نیاید و هر مرغکی احیر نماید ».

سبک انشای مولف

شر مؤلف غالباً آمیزش کلمات عربی و فراوانی دارد و به این حقیقت اشاره

می نماید که مؤلف بزبان عربی نیر تسلط و تبحر تمامی داشته و چون خودش آخوند و آخوند زاده بلکه از خانواده آخوندها تعلق داشت طبق رسم آن زمان درموقع تحریر کلمات عربی را زیاد بکار می برده است چون در آن زمان این شاهه و علامت علم و فضل نویسنده محسوب میشده است (چنانکه حتی امروز هم بعضی همین عقیده دارند)

شرح حال صدرالدین سید علی حاکم الحسینی و مسیح (الانام) را به زبان بسیار مصنوع و مشکلی نوشته است و کلمات مشکل عربی را فراوان بکار برده تا آنجا که ارحد اعتدال تحاور نموده است و این بهترین نمونه شر «آخوندانه» آن عصر میباشد

گاهی سالها را بزبان عربی ذکر نموده است و همچنین قبل از اسم و تحلیص بعضی علما و شعرا القاب توصیفی برای آنان بزبان و ترکیب عربی آورده است مانند «السید الکبیر الفاضل التحریر صدرالدین سید علی خان الحسینی» و «المولی الاولی الاجل الاعظم الاکمل مسیح الانام اعلی اله مقامه» و «العاصم المحقق الحقانی الشیخ ابراهیم ابن عداله الراهدی الجیلانی»

غالباً حمله های دعائی را بزبان عربی آورده است و همه حا فراوان به کار برده است مانند اعلی اله مقامه و رحمة اله علیه و علیه الرحمه و المعمره و قدس اله روحه و طاب نراه و طاب مثواه و اللهم احشره مع الائمة الطاهرين و اسکه اله فی خواره مع الصدیقین و اللهم احشره مع اولیاء الانرار و الاطهار و تعمداله برحمته .

همچنین گاهی بعضی جملات را بعربی نوشته است چنانکه در دیل نام مسیح مینویسد

«وشرفه وفضله احل من ان یحکی و اثمر من ان یدکر»

گاهی در ابتدای شرح حال شعرا بعضی حمله ها را بشرمسجع نوشته است چنانکه در دیل نام مسیح مینویسد «اسم بشریفش محمد مسیح بن اسمعیل فسائی است

2019年12月27日 星期五 12:00:00

۱۰۹ ...

(١٨٧١)

(1) $\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$

ཉེ

• 1-76 20 4476 4440 6 4370

٥٠٥١ . ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠ ٣١ ٣٢ ٣٣ ٣٤ ٣٥ ٣٦ ٣٧ ٣٨ ٣٩ ٤٠ ٤١ ٤٢ ٤٣ ٤٤ ٤٥ ٤٦ ٤٧ ٤٨ ٤٩ ٥٠ ٥١ ٥٢ ٥٣ ٥٤ ٥٥ ٥٦ ٥٧ ٥٨ ٥٩ ٦٠ ٦١ ٦٢ ٦٣ ٦٤ ٦٥ ٦٦ ٦٧ ٦٨ ٦٩ ٧٠ ٧١ ٧٢ ٧٣ ٧٤ ٧٥ ٧٦ ٧٧ ٧٨ ٧٩ ٨٠ ٨١ ٨٢ ٨٣ ٨٤ ٨٥ ٨٦ ٨٧ ٨٨ ٨٩ ٩٠ ٩١ ٩٢ ٩٣ ٩٤ ٩٥ ٩٦ ٩٧ ٩٨ ٩٩ ١٠٠

V-၇၄၅၆၈၉ ၁၀၂၃၄၅၆၇

١- ٢٢٠٠٠

۱۱۶۰ هـ / ۱۷۴۲ م

٥٠ - ٢٧٥

(d) 3-100-50-263

4- 157 YAL 6 bAL

2-17616 YAA 6 bAA

۱۸ - ۱۳۴۵

عقبت

၎င်းတို့သည် နေပြည်တော်၊ ရန်ကုန်၊ မန္တလေး၊ မုံရွာ၊ ဟင်္သာတ၊

၂၂၅၂၆၈၆၀

سید الشهدا علی بن ابی طالب علیه السلام را در میان خود می‌دیدم و می‌فهمیدم که این همان کسی است که در میان شما در میان ما در میان همه شماست.

[illegible]

5. 5. 5.

این خاکها - است و منجر شوا رقی انوار و مؤید بنایید کرد و رانوار

[illegible][illegible]

۳- اصفهان ۱۳۳۴ ش (چاپ دوم)

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به اشپرنگر ص ۱۳۵ - ۱۴۱ و بلاند در مجله انجمن همایونی آسیائی^۱ ج ۹ ص ۹-۱۴۷.

برای شرح حال حزین رجوع شود به تذکرة المعاصرین و تاریخ احوال و سفینه خوشگو دفتر ثالث و منتخب الاشعار مبتلا و ریاض الشعراء و اله و مجمع - النفایس و حرائر عامره ص ۱۹۳-۲۰۰ و تاریخ محمدی و آتشکده ش ۷۸۳ و سیر المتأخرین چاپ لکهنو ۱۸۶۶ ج ۲ و خلاصة الکلام ش ۱۶ و عقد ثریا و خلاصة الافکار ش ۶۸ و شرح حال حزین (نسخه اندیا آفس ش ۴۰۳۸ که اسم مؤلف ندارد) و مخزن الغرایب ش ۶۵۲ و مرآت آفتاب نما و آرایش محفل و شتر عشق و نغمه عندلیب و مجمع الصحا ش ۹۴ (درسه سطر) و هفت آسمان ص ۲-۱۶۱ و شمع - انجمن ص ۱۳۰ و بحوم السما ص ۲۸۳-۲۹۳ (که فهرست آثار حزین بقلم خودش دارد) و تذکرة حسینی و مردم دیده و غیره

سفینه علی حزین

ابتدا «باسمه سبحانه - مولانا اهلی شیرازی ..»

مؤلف. اسم مؤلف این کتاب شیخ محمد علی حزین است (برای شرح حال وی رجوع شود به تذکرة المعاصرین در این کتاب)

تبصره بر کتاب

سال تألیف این کتاب هیچ حا ذکر نشده است، این کتاب در ذکر ۱۰۷ شاعر

صاحبان معنی افضل بیگ خان (قاقشال) کرد تألیفی مرتب از پی ارباب شعر
 کلک او بر لوح گیتی هست نقش تازۀ میشود تاریخ سالش تحفه «اصحاب شعر»
 (= ۱۱۶۵ هـ)

همچنین تاریخ تألیف این کتاب را عارف الدین خان عاجزاز «تحفه اوج
 کلام شعرا» و میرزا علی بی ایچاد نیرارروی تعمیه ارقطعه زیر یافته است :
 خان افضل بیان معنی سح . مجلس آرای صفه شعرا
 کرد تألیف سحه رنگین . از سخن های طرفه شعرا
 سال تاریخ این رروی قبول . گفت ایچاد تحفه شعرا
 اینجا چون عدد روی قبول را که حرف «ق» (= ۱۰۰) است با عدد «تحفه
 شعرا» = ۱۰۶۷ جمع کنیم عدد ۱۱۶۷ بدست میآید که يك عدد کمتر از سال
 تألیف کتاب (۱۱۶۵) میباشد

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین مینویسد که چون قبل از او
 دیگران تذکره هائی نوشته بودند ما برای او میخواست تذکره شعرای بزرگی
 که دگر آنها در تذکره های قدیم تکرار آمده است بنویسد بلکه «بحکم لکل
 حدید لدة باشتمال احوال آن گروه والاشکوه . . که در خدمت فیض و مسرت
 آنها ربط بدگی و اخلاص داشت . . بعمارتی که حالی از تکلف است پرداختوبه
 تحفه الشعرا موسوم ساخت .»

این تذکره مشتمل است بر ذکر شصت و دو (۶۲) شاعر معاصر دکن که در زمان
 نظام الملک میریسته اند که دو نفر از آنها هندو هستند و با «سید غلام حسن قادری
 متخلص به سالک» شروع شده با «میرا خان حانان مظهر حهاں آبادی» تمام میشود و
 مؤلف در ذکر اسامی هیچ ترتیب خاصی را مراعات نکرده است .

در دیل شرح حال آصفچاه و نظام الدوله وقایع تاریخی معاصر را مفصل آورده
 است و چون این وقایع در زمان مؤلف اتفاق افتاده و اکثر آن چشم دید اوست
 بنابراین از حیب تاریخ معاصر این مطالب دارای اهمیت فراوانی میباشد .

مؤلفه شرح حال شعرا و اشخاص زیر را نسبه مفصل آورده است: سالک و عزت و عاشق و واصل (هر کدام در ۱ ص) و وحدت و عاجز (هر کدام در ۲ ص) و آزاد بلگرامی (در ۲ ص) و نظام الدوله ناصر (در ۲۶ ص) و آصفجاه (در ۴۳ ص) و یومهرفته شرح حال ناصر و آصفجاه را از سایرین مفصل تر آورده است. همچنین اشعار شعرای زیر را نسبه مفصل آورده است:

با باخان بخاری و نصرت و نشاء و رسا همدانی و تسلیم و عاقل (هر کدام در ۱ ص) و فخرالدین و میر عنایت اله و موزون و امید همدانی و صبا و امداد (هر کدام در ۲ ص) و فضلی و مخمور و والده حیدر آبادی و عاصی (هر کدام در ۲ ص) و شاه سراح و شهید تهرانی و اقتخار (هر کدام در ۴ ص) و ووقا (در ۳ ص) و آصفجاه (۴ ص) و وقار و واصل (هر کدام در ۵ ص) و ایجاد (در ۵ ص) و ناصر (در ۶ ص) و آواز بلگرامی و جرأت (هر کدام در ۷ ص) و عاخر (در ۷ ص) و مظهر (در ۹ ص).

و یومهرفته اشعار آزاد بلگرامی و جرأت و عاخر و مظهر را مفصل تر از دیگران آورده است.

در ذیل شرح حال شعرا غالباً سال هارا ذکر نکرده و همچنین اکثر مطالب مهمی را درباره زندگانی آنها مانند سال تولد و غیره را ذکر نکرده اسب و چون مؤلف با اکثر این شعرا معاصرو طاهر آشنا بوده (چون اکثرشان در حیدر آباد و نواحی آن زندگی میکردند) بنا بر این، علت این که چرا مؤلف در جمع آوری مطالب مهمی راجع بر زندگی شعرای مذکور سعی و کوشش ننموده غیر از غفلت و تساهل او بعلت دیگر نمیتوان حمل کرد.

در ذیل نام آصفجاه غیر از اشعار او نامه ای از مزار زحان و نامه آصفجاه به محمد شاه و رقعهای (نامه ای) در طلب گهریال (ساعت بزرگ) فرنگی را نیز نقل کرده

در ذیل نام شعرای زیر غیر از اشعار فارسی اشعار اردو را هم قتل کرده

شاه فضل الله نقشبندی و سید عبدالولی و میر فخرالدین اورنگ آبادی و
 شهید تهرانی و میر عبدالحی خان اورنگ آبادی و عارف الدین عاجز و میر عبدالوهاب
 دولت آبادی و میرزا جانبانان مظہر.

نسخ خطی

۱- آصفیج ص ۱۶۳ ش ۱۰ (۱۱۸۵ھ و نیز رجوع شود به تذکر احمدش ۷۷) و

ج ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۲۲.

۲- مدراس ۴۳۹ (ناقص الاخر).

۳- کتابخانه شخصی کر دل (سرھنک) رشید ناظم بیمارستان جناح (جناح ہسپتال)

کراچی (کہ مشتمل بر ۱۲۴ صفحہ کوچک است).

فہرست اسامی شعرا

چون فہرست اسامی در ہیچ کتاب فہرست کتابخانہ ای ذکر نشدہ بنا بر این

اینجا نوشتہ میشود.

۱- سید غلام حسن قادر سالک ۲- میر غلام علی آزاد بلگرامی ۳- شاہ ہدایت اللہ

چار کاری وحدت ۴- شاہ فضل اللہ نقشبندی ۵- سید عبدالولی عزلت ۶- میر عبدالمنان عزلت

۷- میر فخرالدین اورنگ آبادی اصلا ترمذی ۸- شاہ سراج اورنگ آبادی ۹- مولوی

محمد باقر شہید تهرانی ۱۰- میر عنایت اللہ جیری ۱۱- آصف جاہ نظام الملک بہادر

فتح جنگ سپہ سالار ۱۲- نظام الدولہ میر احمد خان بہادر ناصر ۱۳- متوسل خان بہادر

قابل ۱۴- خواجہ ناما خان بخاری خواجگی ۱۵- حواجم قلی خان بہادر قایم جنگ

مورون ۱۶- مرشد قلی خان بہادر رستم جنگ مخمور ۱۷- میرزا ہدایت اللہ ارادت خان

بہادر ۱۸- میر محمد نعیم دلاور خان نصرت سیالکوٹی ۱۹- میر محمد ہاشم جرأت

۲۰- قزلباش خان امید ہمدانی ۲۱- میر فقیر اللہ خان نشاء ۲۲- میر قاسم خان عاشق

۲۳- حواحه ایوب محاط (ملقب) بہ حمیل بیگ خان ۲۴- میر عبدالحی خان

- اورنگ آبادی وقار ۲۵ - عارف الدین خان میرزائی عاجر اورنگ آبادی ۲۶ -
 جان میرزا مخاطب (ملقب) بہ میرزا حان رساحسینی ہمدانی ۲۷ - آقا امین ایلچپوری
 وفا ۲۸ - میرزا علی تقی ایجاد مخاطب (ملقب) بہ تقی علی حان ۲۹ - میرزا محمد تقی
 صبا مخاطب (ملقب) بہ علی بی حان ۳۰ - غلام ابراہیم خان ۳۱ - قاصی محمد حان آشنا
 ۳۲ - میر محمد رضی شوشتری ۳۳ - میر محمد والہ حیدر آبادی ۳۴ - میر عیدالوہاں
 افتخار دولت آبادی ۳۵ - میر سید احمد ہنرمختاب (ملقب) بہ فدوی احمد خان ۳۶ -
 میرزا ترک علی بیگ واصل اورنگ آبادی ۳۷ - شیخ نور محمد عاصی برہانپوری
 ۳۸ - شیخ محمد انور یکدل ۳۹ - شیخ غلام حسین عرف میاں حو بن امداد برہانپوری
 ۴۰ - نصیر الدین خان داسا ۴۱ - نور الدین علی رنگیں ۴۲ - شیخ احمد فدا
 اورنگ آبادی ۴۳ - وارث حان راز ۴۴ - میر یوسف حان سمل ۴۵ - میر کامل
 کامل برہانپوری ۴۶ - محمد قلی تسلیم برہانپوری ۴۷ - محمد حامد مخاطب (ملقب)
 بہ حامد علی حان دولت آبادی ۴۸ - میریحییٰ مخاطب (ملقب) بہ عاشق علی حان ایما
 ۴۹ - حواجہ کامگار حان عالی اورنگ آبادی ۵۰ - میر محمد علی افصح شاہان آبادی
 ۵۱ - آقا صایا معتمد ۵۲ - میر محمد علی ضیا ۵۳ - میرزا خلیل خلیل حیدر آبادی
 ۵۴ - مبارک یار خاں مبارک ۵۵ - محمد عاقل حان عاقل مخاطب (ملقب) بدائشمد خان
 ۵۶ - امین الدین علی مخاطب (ملقب) بہ علی حان امین اورنگ آبادی ۵۷ - حافظ
 محمد فاضل گجراتی ۵۸ - شیخ محمد فاضل جوہا سرہندی ۵۹ - مہاسگ عرف کیسامل
 حقیر ۶۰ - رای مدن سگہ موزون ۶۱ - قاضی محمد صالح روشن ۶۲ - میرا جان جاناں
 مظہر شاہ جہان آبادی

• کتاب آن را «مآثر الکرام» موسوم و در دودفتر قسمت کرد و نام دفتر اول آنرا «مآثر الکرام فی تاریخ بلگرام» گذاشت که مشتملست بر دو فصل در ذکر عرفاء و فضایل بلگرام و نام دفتر ثانی این کتاب را «سروآزاد» گذاشت مؤلف اسامی مأخذ و منابع خود را در دیباچه یا حاتمه کتاب ذکر نکرده است اما در ذیل احوال شعرا اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است.

- ۱- صحیح صادق (رجوع شود به نام سحایی و فیصی و ملارمانی و شیدا)
- ۲- آئین اکبری ابوالعصل (رجوع شود به نام فیصی)
- ۳- اعلام الانعام سیخ محمد یحیی اله آبادی (رجوع شود به نام فیضی)
- ۴- تذکره ناطم تبریری (رجوع شود به نام ملارمانی و ملک قمی)
- ۵- تاریخ عالم آرای عباسی (رجوع شود به نام ملک قمی)
- ۶- مکتوبات فیضی (رجوع شود به نام فیضی و ملک قمی)
- ۷- حوان خلیل ملاطهوری (رجوع شود به نام ملاطهوری)
- ۸- تذکره نصر آبادی (رجوع شود به نام رکی همدانی)
- ۹- تذکره عرفات تقی اوحدی (رجوع شود به نام فصیحی و مرشد یردجری)
- ۱۰- تذکره میر تقی (رجوع شود به نام مرشد یردجری)
- ۱۱- شاهجهان نامه شیخ عبدالحمید (رجوع شود به نام قدسی مشهدی و یحیی کاشی)
- ۱۲- مرآت الخیال (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۳- شاهجهان نامه ملاعلاء الملک تونی (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۴- عمل صالح (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۵- کلمات الشعرا سرخوش (رجوع شود به نام صیدی تهرانی و ماهر اکبر آبادی)

- ۱۶- مطول ملافتارانی (رجوع شود به نام سلیم طرشتی)
- ۱۷- سلافة العصر سید علی معصوم مکی (رجوع شود به نام فرح شوستری)

- ۱۸- منتخب التواریخ بداونی (رجوع شود به نام شاهی بلگرامی)
- ۱۹- عا س المآثر میر علاء الدوله قرینی (رجوع شود به نام شاهی بلگرامی)
- ۲۰- گلزار ابرار شیخ محمد مندوی (رجوع شود به نام نظیری)
- ۲۱-۲۲- کلیات نعمت خان عالی و کلیات شاپور.
- ۲۳ - ۳۸ - دواوین آفرین لاهوری و اسیر شهرستانی و اشرف واوچی
نظری و راقم وزایر و شوکت بخاری و صیدی و طهر خان و طهروی و عالی و فیض و
ماهر و نظیری و بوعی و واعظ قرینی.
- سرو آزاد (دفتر ثانی از کتاب مآثر الکرام) مشتمل بر دو فصل است فصل اول
در ذکر ۱۴۳ شاعر فارسی است ترتیب تاریخی (از روی سال وفات یا سن شاعر)
که از آن جمله سی (۳۰) شاعر اهل بلگرام هستند و صد و سیزده (۱۱۳) شاعر از شهرهای
دیگر که به ارسنه یکپار تارمان تألیف کتاب (۱۱۶۶ هـ) در هندوستان متولد
شدند یا به هندوستان رفتند. فصل دوم سرو آزاد در ذکر هشت شاعر زبان هندی (اردو)
است بنابراین فصل دوم این کتاب از موضوع ما خارج است.
- فصل اول این تذکره با سحابی استرانی شروع شده با (محزون بلگرامی
تمام میشود.
- مؤلف در دیباچه بعد از حمد و نعت سبب تألیف قطعه تاریخ ترتیب کتاب
آورده است. سپس در باره آغاز شعر بحث کرده و اقوال مختلف راجع به آغاز شعر فارسی
نقل کرده است
- در ردیل شرح حال شعرا مؤلف غالباً اطلاعات را بر فراهم آورده است:
- ۱- اسم و القاب شاعر ۲- وقایع مهم زندگی او ۳- سن تولد و وفات شاعر
۴- آثار شاعر مخصوصاً آثار شعر او ۵- شرح حال شاعر که در کتب تاریخ و تذکره
دیگر آمده است
- گاهی مؤلف شرح حال شاعر را بقدری مفصل آورده است که تکامل
فکری او بکلی روشن میگردد مثلاً رجوع شود به ترجمه حال فیضی. همچنین

اکثر اشعار شعرا را مفصل آورده است و بدین ترتیب می توان به پایه وارزش ادبی شاعر پی برد

در پایان دیباچه «خرانه عامره» مؤلف راجع بیک التزامی که در انتخاب اشعار در این تذکره ملحوظ داشته است تذکر داده است «در سرو آزاد از آغاز کتاب تا انجام (آن) الترام است که مطالع بی غیر مطالع مقدم باشد».

شرح حال شعرای زیر را در ضمن احوال دیگران نقل کرده است

۱- سید صدرحهان در دیل نام حادق گیلانی ص ۹۲

۲- شیخ غلام مصطفی انسان و شیخ حان محمد در دیل نام سلیم طرشتی

ص ۷۴

میرزا محمد دانا در دیل نام اشرف ص ۱۱۷.

۴- حافظ محمد اسعد مکی در دیل نام آفتاب ص ۱۸۹

۵- حاجی افضل در ذیل نام صمیری بلگرامی ص ۲۴۶

۶- میر معصوم و میر نظام الدین در دیل نام سید علی معصوم مدنی ص ۲۸۶.

گاهی با وجود اینکه شرح حال شعرا را مختصر آورده است باین وصف وقایع مهم زندگی آنها و مختصات شعرشان را بیان کرده و «برده» اشعار آنها را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام گرامی و گلش ورائح سیالکوتی.

گاهی بیانات محتلفی از تذکره هائی که در سال وفات (و غیره) شاعر اختلاف داشته نقل کرده است

شرح حال شعرای زیر را مختصر و نقل کرده است اما سال وفاتشان را ذکر نموده است

رضی اصهبانی و رکی همدانی و بطام شیرازی و فتحی اردستانی و ادائی یردی و منیر لاهوری و سالک یردی و اثر شیرازی و قبول کشمیری و گرامی کشیری و گلش دهلوی و رائج سیالکوتی

اما برعکس، اشعار و شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده است اما سال تولد و

وفاتشان را ذکر نکرده است

فیضی اکبر آبادی و مشرقی مشهدی و شیدا و فرج شوشتری و واعظ قزوینی و
صیدی تهراتی و فیاض و تجلی و اشرف و شوکت و وحید و آفرین لاهوری.
تنها اشعار و شرح حال شعرای زیر را خیلی مختصر آورده است و حتی سال تولد
یا وفاتشان را هم ذکر نکرده است.

شوقی (میر محمد خسین) و سعید ایردی و نادم لاهیجانی و سروری کابلی و مطیع
تبریزی و ناصح تبریزی و سالک قزوینی و راقم مشهدی و غمارو آگاه (سید علیرضا)
و سخور و ثمین و واقق و محرون بلگرامی.

شرح حال سید عبداله خان (۷۴ ص) و امیرالامرا سید حسین علی خان
(در ۱-۹ ص) و آصف آصفجه (در ۹ ص) و آفتاب نظام الدوله (در ۱۲ ص) را خیلی
مفصل آورده است اما هیچ شعری از آنها نیاورده و تنها اشعاری که دیگران در مدح
آنها سروده اند نقل کرده است

همچنین در ذیل نام سید معصوم علی مدنی تنها شرح حال او را نقل کرده اما هیچ
شعری را از او نیاورده است.

رویه مرفته شرح حال میر عبدالخلیل واسطی را مفصل تر از سایرین
(در ۳۳ ص) آورده است و همچنین اشعار بیدل (۷۲ بیت و یک رباعی) و بیخبر بلگرامی
(۱۶۵ بیت و ده رباعی) و آزاد یعنی مؤلف (۲۲۸ بیت) را از همه شعرا مفصل تر
آورده

در میان رباعیات منتخب رباعیات سید غلام مصطفی از همه معصنتر (۲۶ رباعی)
آورده است چون نقول مؤلف شاعر مر بور دیوان رباعیات دارد
در ذیل شرح حال شعرای زیر تذکر داده است که خودش با آنها ملاقات
کرده است

آفرین لاهوری و اقدس شوشتری و متین صفاهانی و عزلت و رسا
و ایحاد و بیحر .

شرح حال مطهر حاجابان و افتخار و آردو از خود شاست و از این حیث

کاملاً معتبر است.

در ذیل شرح حال شعرای زیر بعضی وقایع مهمی که بعد از اتمام کتاب روی داده است (مانند فوت شاعر) در پایان اشعار شاعر اضافه نموده است: میر معصوم و فقیر و آرزو و غریب.

در ذیل شرح حال شعرای زیر قطعه‌ای که مؤلف در وفاتشان گفته است نقل کرده است:

شهرت شیرازی و روحی سیرپوری و افضلی و عشقی (سید برکت‌اله) وصیا و میر طویل بلگرامی و بیحیر بلگرامی و احمدی و سید عظیم‌الدین بلگرامی و محب بلگرامی و واحد بلگرامی.

در ذیل شرح حال مید عبدالله خان و امیر الامرا سید حسین علی حاین و آصف حامو آفتاب نظام الدوله ناصر حسنگ وقایع تاریخی زمان ایشان را خیلی مفصل آورده است که از حیث تاریخ معاصر دارای ارزش بسیاری است اما چون اکثر این مطالب کلی تاریخ مربوط است و هیچ‌کدام از این اشخاص شاعر نبوده‌اند بنابراین از موضوع این کتاب که تذکره شعرا است خارج است
شرح حال شعرای زیر اگرچه مختصر است اما مؤلف اطلاعات مهم راجع بر بدگانی آنان آورده است.

انیسی شاملو و رمای یردی و شانی تکلوف و فرقتی جوشقانی و عففور محمد حسین و قاسم حوینی و الهی و ادهم و باطم هروی
اشعار شعرای زیر را با اشعار دیگران مقایسه نموده است:

اشعار سلیم طرشتی را با اشعار ملا و ارسته و صائب و غنی کشمیری و نوعی خوشانی و ملا مشرقی و واعظ و فطرت و اشعار وحید قرینی را با اشعار عمق بخاری و شیخ سعدی و عرفی و ملک قمی و نعمت حان عالی

روی هم رفته از حیث جامعیت شرح حال و حسن انتخاب اشعار شعرا این تذکره را میتوان در ردیف بهترین تذکره‌های فارسی قرار داد.

سبك انشای مؤلف غالباً مصوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است مخصوصاً در مدفع تعریف و توصیف شعرا نثر مسجع آورده است و حتی گاهی بعضی القاب توصیفی را نیز بنثر مسجع آورده مانند.

فیضی : طوطی هند سخن گستری است و ملك الشعراى در باراكبرى

ایسی شاملو: نکته سنج یگانه است و ایس معای بیگانه.

همچنین در ذیل نام شعراى ديل قبل از نقل اشعار شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی

«اينك اشعار او» آورده است:

زمانی : غنچه تأملش باين رنگ می شگم

شای تكلو : چراغ فكرش چنين پرتو میدهد

رضی اصفهانی: نقش سخن باين آئين می بندد

بطير : آهوان معای را باين قسم شكار میکند

سروری کابلی : نهال فكرش باين رعنائی میآلد

نادم لاهیجانی: ریحان کلامش در سرزمین ورق سبز میشود

فرح شوشتری . پریرادان سخن را چنين تسخیر میکند

باطم هروی : سنبل شعرش کا کل می افشاند

واعظ قزوینی : اين چند غزال ار حتر او بحرامش میآید

اقدس شوشتری . حریر كلك اقدس سامعه (را) می افرورد

همچنین در ذیل نام شعراى زیر جمله‌ای مصنوع بمعنی « فوت شد » بکار

برده است:

سحابی . فای صورت را بافای معنوی هم آغوش

ادهم : زندان هستی را بدرود نمود

طمر حان . محمل بصرای فنا کشید

آشنا . رحمت به بهاخانه عدم کشید

واضح . ودیعت حیات سپرد

«...بسیار جادو و ساحر طبعه است . مؤلفان این سقییه اشعری و ابن ندیم

12

۱۰۰

(تیسرا حصہ، چوتھا باب)

۱۳۱ هجری قمری - ۱۳۲۱ شمسی - (۱۳۲۱ هجری قمری)

۶۶-۶۷ ص ۵۰۳ - یو | یو | یو | به | شود | روزه | اسمی | اسمیت | فیهی

[illegible][illegible]

ཡུལ་

۹- د بشکړه بنديز ۳۹۶۹ کال (۱۳۴۸ ل) پرېستل شوی دی.

၂- ရန်ကုန် ၁၃၈၆ (၁၉၄၃)

342 (807 2 715 - 0211 8) .

١- (٥١٢١١) (٨) (٢٠١١) ٣٣١ ٢- (٥١٢١١) (٨) (٢٠١١) ٣٣١

(م ۶۱ ق ۵۸ بن ۵ - ایوا - ۵ - (۵۱۲۲۳) ۷۴۵ اول ۱۶۲

၁- နေပြည်တော်၊ ၂၀၁၆ ခုနှစ်၊ မတ်လ ၃ ရက်နေ့

۱- ۳۶ پی ۳۷ (۳۸) ۳۹ ۴۰ ۴۱

کتابخانه

မိုးလင်းလင်း (၇) နံနက် ၈ နာရီ : မိုးလင်းလင်း

ရာဇာဓိပတိ : လောကဉာဏ်၊ ဟိန္ဒူ နှင့် ချစ်မြတ်နိုးရန်

پیشتر استیجیات جلد : ۱۲

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست^۱ اما او یکی از رفقای آندرام مخلص (متوفی در ۱۱۶۴ هـ) بوده است چنانکه مؤلف اسم او را در بر گهای ۹۱ و ۱۲۳ و ۲۵۴ در نسخه ایوانو-کرزن ذکر نموده است همچنین در بر گهای ۱ و ۲۳۲ و ۳۱۶ و ۳۲۸ همین نسخه بدون ذکر سبب خود بآندرام مربوط، بخودش هم اشاره میکند ولی در هیچ جا اسم خود را ذکر نکرده است در برگ ۳۴۸ وی میگوید که در ۱۱۴۰ هـ سخی شاعر را در لاهور ملاقات کرده است.

تبصره بر کتاب

این تذکره بین سالهای ۱۱۵۱ و ۱۱۷۰ هـ تألیف شده است چون مؤلف در برگ ۲۱۱ سال ۱۱۵۱ هـ و در برگ ۶۱ سال ۱۱۵۲ هـ و در برگ ۲۹ سال ۱۱۶۰ هـ را ذکر نموده و همچنین در برگ ۲۶۴ سال ۱۱۷۰ هـ را سال جاری نوشته است.

بظاهر این کتاب با تمام ماده و مؤلف از ترتیب آن هیچوقت فراعته نیافته است ذکر بعضی شعرا در دو یا سه جای مختلف تکرار شده و از این پیداست که مؤلف شرح حال این شعرا را از منابع و مآخذ مختلف نوشته است و تا پایان عمر فرصت تجدید نظر در این کتاب و تکمیل آن را ندست نیاورده است.

آقای ایوانو (گردآورنده فهرست کتابخانه ایمن آسیائی سگال) در فهرست ذخیره کرزن (ص ۲۳۲) چنین اظهار نظر میکند که در اول این تذکره حتماً تذکره «ریاض الشعراء» و اله برر گتر و طاهرأ مشتمل بر قریب بدو هزار شاعر بوده و نسخه موجود که مشتملست بر ۶۹۳ شعر از شعرا تنها یک سوم اصل کتاب میباشد اما اگر سغینه الشعراء حاوی ذکر دو هزار شاعر بوده در آن صورت محققاً از تذکره و اله کوچتر بوده است چون تذکره و اله مشتملست بر ۶۹۳ شعر و اروپا صد شاعر

۱- اسم مؤلف این تذکره در سراسر نسخه موجود هیچ جا ذکر نشده است و همچنین اشارات کافی درباره شرح حال و غیره مؤلف نیامده که در تعیین وی بودن به هویت مؤلف کمک و راهنمایی نماید

ذکر شعرا در این کتاب بترتیب العبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر آمده است. اما همه‌ها این ترتیب کاملاً رعایت نشده است. بعضی قسمت‌های این تذکره فائده‌ها و تنها در دیل حروف «الف ب ت ث ح ح ح د ر س ش م ص ط ف ق» ذکر شعرا سببه کامل است اما بعضی قسمت‌های برگ این تذکره یعنی قسمت «ع و م» از این نسخه تقریباً بکلی افتاده‌اند و همچنین این نسخه قسمت عمده حروف «ذ ز» و تقریباً تمام حروف «ل ن و ه ی» را ندارد. ترتیب برگها بر دیر در بشیلری از موارد هتوش است.

ماخذ مهم مؤلف تذکره تقی اوحدی (عرفات العاشقین) تذکره نصرآبادی است که اسم آنها را مؤلف در اکثر موارد ذکر کرده است اما ظاهراً منابع وی در تألیف این کتاب غیر از این دو تذکره کتاب‌های دیگری هم بوده که اسم آنها در نسخه موجود نیامده است.

این نسخه با تمام تذکره شعرای متقدم و متأخر فارسی است که شرح حال مفید شعرای مذکور را دارد که مؤلف از منابع مختلف گرد آورده و در این تذکره جمع کرده است اما چنانکه مؤلف (در ص ۱ این نسخه) تذکره اسامی معصود اصلی وی از ترتیب این کتاب انتخاب و جمع‌آوری بهترین اشعار هر شاعر بوده و نه نوشتن شرح حال گویندگان آن اشعار.

مؤلف شرح حال شعرای متأخر را مخصوصاً آنهایی که در قرن دوازدهم هجری میزیسته‌اند خیلی مفصل آورده است اما در دیل نام شعرای متقدم شرح حالشان را سببه مختصر نقل کرده است.

همچنین اشعار شعرا بر دیر این تذکره غالباً مفصل آمده است و به هم رفته این تذکره بسیار مفید و با ارزش است اما حیف که هیچ نسخه کاملی از آن امروز موجود نیست.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد از این تذکره در کتابخانه احمن آسیائی بنگال - ذحیره

کرزن موجود است (رحوع شود به ایوانو - کرزن ش ۳۲۶) - این نسخه خیلی ناقص است و بد ترتیب و تنظیم شده است. ترتیب برگها در بسیاری از موارد صحیح نیست در اندای آن چند ورق خراب شده و خوانده نمیشود در بعضی صفحات اسم شاعر ضبط شده اما جا برای این منظور خالی گذاشته شده است این نسخه ۵۰۲ صفحه و صفحه ای ۱۵ سطر و ۶۹۳ شاعر دارد و مورخ او احر قرن دوازدهم هجری است. بعضی تعصیلات بیشتر درباره این نسخه در سطور فوق گذشت.

برای فهرست اسامی ۶۹۳ شاعر این نسخه رحوع شود به نسخه فهرست ایوانو - کرزن ش ۳۲۶ ص ۲۳۳ - ۲۴۰

تذکره بینظیر

انتدا

«حان جهان حمد معروض بدرگاه صنعت طراری که پریشان معانی را در شیشه های العاط حا داد و لیلی و شان سخن را در سیاه خیمه های حروف و ندقبا بر گشاد»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میر عبدالوهاب متخلص به افتخار اسب و ی از خانواده سادات بخاری بوده و سلسله نسبش به محدوم جهانیان سید حلال الدین بخاری میرسد. حدش در زمان اورنگریب عالمگیر (۱۰۶۸ - ۱۱۱۹ هـ) با حمدنگر که دارالسطت نظامشاهیان (۱۸۹۴ - ۱۰۰۶ هـ) بوده مباحرت کرد و افتخار در احمدگر متولد شد و همایا برک شد سپس با دختر سید مرتضی خان و حارس حصار شهر سیاه قلعه دولت آباد اردواح کرده و در شهر دولت آباد رحل اقامت آفکند.

غیر از زبان فارسی وی عربی هم خوب بلد بود و در دستور و عروض این زبان ها تسلط و از فقه و علم الادویه بهره واری داشت .

افتخار انچه فقای صمیمی آزاد بلگرافی بوده و آراد او را در سال ۱۱۶۳ هـ بنواب نظام الدوله ناصر جنگ متوفی (در ۱۱۶۴ هـ) معرفی کرد و افتخار به خدمت نواب مر نور در آمد افضل بیک قاقشال در «تحفة الشعراء» مینویسد که افتخار در حال تنگدستی و فقر زندگی میکرد اما ممکنست این قول او برای رمسانی که هنوز افتخار وارد خدمت نواب مزبور شده بود صادق باشد.

مولوی عبدالجبار صوفی ملکپوری در «محبوب الزمن» (اردو-تألیف ۱۳۲۹ هـ) مینویسد که افتخار در سال ۱۱۸۲ هـ در خدمت نواب اشجع الدوله غیور حسک یکی از امرای دربار آصفه‌ها بود و بالاخره در سال ۱۱۹۰ هـ فوت کرد و در شهر دولت آباد جنب مقبره برهان الدین غریب مدفون شد

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۱۷۲ هـ تألیف نموده اس چنانکه اعداد اسم این کتاب «نذکره بینظیر» (= ۱۱۷۲ هـ) سال اتمام این کتاب (۱۱۷۲ هـ) را میرساند. مؤلف اسم منابع این کتاب را در مقدمه یا حاتمه یا آورده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که در تألیف این کتاب مورد استعاده وی قرار گرفته است :

- ۱- اخبار الاخیار - رجوع شود به نام ایحاد.
- ۲- تادیب الزندیق^۱ تألیف میر عبدالقادر سمرقندی - رجوع شود به نام آزاد.

۳- تسلیة العواد فی قصاید آراد (رجوع شود به نام آراد)

۴- تذکرة الشعراء احلاس (همیشه بهار) - رجوع شود به نام حنون

۱- ذک: آثار آراد بلگرامی: (استقاد بر مولعات فارسی آزاد (۲) در دلیل بحث درباره بدیضا در این کتاب

ومیرزا ارجمند.

۵- تذکرة الشعراى حزين- رجوع شود به نام مير عبدالجلیل

واسطی بلگرامی

۶- تذکرة الشعراى متین (حیات الشعرا)- رجوع شود به نام جنون ومتین .

۷- تذکرة الشعراى وارسته - رجوع شود به نام آزاد.

۸- تذکرة الشعراى آزاد (سرو آزاد وید بیضا) - رجوع شود به نام

آزاد ومتین.

۹- جواب شافی- رجوع شود به نام آزاد

۱۰- فرهنگ رشیدی- رجوع شود به نام آزاد .

۱۱- مآثر الامراء - رجوع شود به صیاء ووقار.

۱۲- مآثر الکرام- رجوع شود به نام آزاد.

۱۳- مصطلحات الشعراى وارسته - رجوع شود به نام آزاد .

۱۴- نادرشاهنامه رجوع شود به نام عارف.

۱۵- دیوانهای اثر و آزاد (عربی و فارسی) و آفرین و افصح و ایجاد و بیخبر و

ثالث و حرأت و حرین و حالص و زایر و شهرت و عاقل و عالی و عرلت و متین و مخلص و

مشر و مظهر و منص و میرزا و حات (کلیات) و نوید.

۱۶- ساقی نامه دردمند

۱۷- مثنویهای شهید (شور چون و باله عشق نواز و غیره)

۱۸- مثنویهای یکتا (گلسته حسن و جهان آشوب و غیره).

از جمله مآخذ فوق تذکرة الشعراى متین و وارسته (ش ۶ و ۷) امروز باقی نمانده

است و این امر خود ارزش این تذکره را بالا میبرد.

این تذکره مشتمل است بر دگر صد و چهل و نه^۱ شاعر بترتیب الفبا که ۱۱۰۰ هـ

تا ۱۱۷۲ هـ در ایران یا هندوستان میریسته اند و با آزاد بلگرامی شروع شده

«میریوسف» تمام میشود .

درذیل نام، اکثر شعرا مؤلف شرح حال را مختصر آورده است. اما اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان آنها را فراهم آورده است و سال اکثر وقایع مهم زندگی (ولادت یا وفات) را ثبت نموده است.

اشعار منتخب شعرا نیز غالباً مفصل و لطیف است و بمودار دوق عالی مؤلف است و این اشعار را مؤلف از دیوانهای اکثر شعرا خودش انتخاب و گل چین نموده است .

از حیث جامعیت شرح حال و حوی انتخاب اشعار این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی شمرد. البته این تذکره زیاد مفصل نیست اما هر چه است نفوذ زبده است.

سبک اسنای مؤلف غالباً ساده و عاری از تکلف و تصنع است.

چاپ

اله آباد سنیت هاوس ۱۹۴۰ میلادی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سروآراد و تذکره بی نظیر چاپ اله آباد (مقدمه گرد آورنده) و محبوب الرحمن (اردو) چاپ حیدرآباد دکن ص ۷ - ۲۰۶ و تحفة الشعرا تألیف افضل بیگ قاقشال،

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به چاپ اله آباد ۱۹۴۰ میلادی.



باغ معانی

انتدا

رب یسر . بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر
فاتحه وفتح کلام خدا نام خدا آمده نام خدا

سیاس بیقیاس چهار آفرینی دلسرد که عبدالملطوقه را بر شاخسار زبان جا (داد) ولهجه و ستایش و نیایش بیقرینی را بجاست که طوطی مقال را در گل زمین طبع مورون نهاد.

مؤلف

اسم مؤلف نقش علی^۱ است (شرح حال وی اصلاً بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۱۷۴ هـ نوشته است چنانکه خود اسم این کتاب «باغ معانی» (= ۱۱۷۴) از روی حروف ابجد میرساند و همچنین در ذیل نام عطاء الله خان متخلص به اعلیٰ مینویسد «در این اوقات که هرار و یکصد و هفتاد و چهار هجریست ..» اما از متن کتاب پیداست که مؤلف بعداً در کتاب اضافه هائی نموده است چنانکه در ذیل نام سید نورالدین خان متخلص به الفتی سال ملاقات با او را ۱۱۹۰ هـ ذکر نموده است همچنین در ذیل نام آراد مینویسد که او مشغول تألیف سروآراد (تألیف سال ۱۱۶۶ هـ) است و در حاشیه بخط خودش مینویسد که وی يك نسخه از حرايه عامره (تألیف سال ۱۱۷۶ هـ) دریافت نموده و «تذکره سوم که از تألیفاتش بنظر عاصی مؤلف رسیده نام خرینه (حزانه) عامره نهاده لیکن مختصر است و بطریق تاریخ حالات نواب نظام الملك و اولادش نوشته (است)».

نسخه کامل این کتاب امروز هیچ جابجدا نیست. اشپرنگر مینویسد (ص ۱۵۲) که بعقیده او این تذکره مشتمل بر سه یا چهار مجلد با ورقهای نزرگ بوده که

۱- اشپرنگر در اسم مؤلف اشتباه کرده است و تألیف این کتاب را به علی ابراهیم خان

خلیل بست داده است (رک اشپرنگر ص ۱۵۲) اما در نسخه کتابخانه باکی پور در عبارت ریر اسم مؤلف صریحاً ذکر شده است «اما بعد میگوید مؤلف این اوراق سک آستان نی و ولی نقش علی عمی اله عنه من حرایم الحمی والحلی که چون از آراستن پنج چمن تذکره باغ معانی بآیاری سحاب الطاف و سرچشمه اعطاف الهی شادامی خاطر حاصل شد حالیا منقار عندلیب کلکم بر شاخسار گلهای چمن و هفتم و حاتم هرا را است».

از آنها خود اشپرنگر تنها جلد دوم را دیده بود . همچنین نسخه خطی که در بانکی پور موجود است جلد سوم این کتاب است و شامل دگر شعرای قرن مهم تارمان مؤلف است که اکثرشان یا بهندوستان رفته یا در آن سرزمین زندگی میکرده اند . ترتیب اسامی این تذکره الفبائی بوده است اردوی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر . شرح حال اکثر شعرا را مختصر آورده است و انتخاب اشعارشان را نیز مختصر نقل کرده است

رویه مرفته شرح حال مولانا شیدای مشهدی را (در ۲۹ سطر) و اشعار باقر خرد کاشی را (در ۱۲ ص) مفصل تر آورده است
سبک اشای مؤلف غالباً ساده و غیر مصوع است

نسخه خطی

- ۱ - اشپرنگر ص ۱۵۲ (چمن ۳ - شاهان چمن ۴ - و رراء و امراء چمن ۵ - ۳۲۲ شاعران ارمان هارون الرشید تا ۸۰۰ ه)
- ۲ - نانکی پور ح ۸ ش ۶۹۸ (چمن ۶ و ۷ - شامل دگر شعرائی مخصوصاً ارهند یا متعلق بهند از قرن ۹ تارمان مؤلف ناقص ، تا « طریف » است ، و محتملاً بخط مؤلف است)
- ۳ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۲ ب (قسمتی از چمن ۴ و ۳ - مورح تقریباً ۱۸۵۰ میلادی است)

فهرست اسامی شعرا

فهرست اسامی شعرای این تذکره در هیچ کتاب نیامده

شرح حال مؤلف

در هیچ کتاب دیده شد .

مؤلف اشعارشاعره هارا غالباً مختصر آورده است و از تذکره های دیگر نقل کرده است .

همچنین شرح حال اکثرشاعره ها را مختصراً و گاهی جامع نقل کرده است اما سعی کرده است که اطلاعات مهمی درباره زندگانی آنان در این کتاب مجمل ذکر نماید.

تنها در ذیل نام شاعره های زیر شرح حالشان را (مختصراً) جامع آورده است :

.. خدیجه سلطان بیگم و حمپله خام فصیح و رید النساء بیگم و بورجهان بیگم
گاهی بعضی کلمات را شرح داده است مثلاً در ذیل نام بی بی مهری کلمه
« بکنده » را شرح داده است

همچنین اشعار بعضی شاعره هارا اصلاح نموده است مثلاً در ذیل شعر زیر
« نسائی ».

عاشقی با قامت ابرو کمندی کرده ام با همه بستی تمنای بلندی کرده ام^۱
مینویسد . « اگر بجای ابرو کمندی مشکین کمندی باشد خوش محاوره
است » .

در ذیل نام بعضی شاعره ها بر اقوال تذکره نگاران دیگر انتقاد کرده است
چنانکه در ذیل نام کامله بیگم بر قول خاں واله که راجع بیک رباعی کامله بیگم
در تذکره خود نوشته اس « این رباعی اغلب از سلیمه بیگم باشد چه در هندوستان
ربان فارسی را مردان آخا خوب میدانند چه حای ربان و در آن رمان رواج
ربان فارسی در هند بوده » مؤلف مینویسد .

« محاوره فارسی در هندوستان از عهد قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتش
(معمول شده) است که اکثر بلکه بسیاری از مردم حراسان و ماوراءالنهر و بلخ
و طخارستان (که) همراه ایشان بودند در اینجا سکونت وریدند ایشان بهمان ربان

وهم ربان هندمتکلم وهم در آن عهدشعرای بسیار پردست (قوی) اراهل هند بوده اند و اردبان بی بی فاطمه سام که ذکر ایشان گذشت در آن عهد بوده.

همچنین در دیل نام بی بی مهری حلایر هروی راحع به بدیه گفتن رباعی مهری مر بور پیش شاد بیگم مولف مینویسد: «بردبنده صحیح نیست زیرا که معاصر شاهرخ میرزا است مگر آنکه صحت یا گوهر شاد بیگم اتفاق افتاده باشد».

همچنین راحع به غرلی که مطلع آنرا مولف ریاض الشعرا هم بام مهری وهم بنام ماهی نوشته و امیرعلیشیر در مجالس النفاذ دو بیت اول غزل را ثبت کرده است مینویسد «مشهور چنانست که این بیت از مهریست که در حکیم بوده اما فقیر^۱ زمر دم نیک شنیدم که از مولانا سلیمان است...»

سک انشای مولف ساده است اما گاهی در موقع تعریف اربعی شاعره ها بوشتن شرمصوع پرداخته است مثلاً رجوع شود به نام فاطمه (صفاها بی)

نسخه خطی

تنها نسخه این بدکره در دانشگاه لاهور است که با «توبی اتون» در حرف «تا» شروع میشود و در قسمت آخر این نسخه بعد از «بدکره شاعرات» مستزاد هائی از عطار و مولانا ی دوم و بیتری ارسینی و یاری و یک ترکیب سدار حاجی حان محمد قدسی و در حاشیه از صفحه ۲۹ تا صفحه ۳۹ حرر و تعوید های مختلف آمده است

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب یا فهرستی سطر برسد

مقالات الشعرا

ابتدا

محمد من حصص بالقوة النطقية الاساس وعلمه حقایق المعنی والیس»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میر غلامعلی شیر متخلص به قانع است و سلسله نشش به قاضی سید شکرالله میرسد که در زمان شاه بیگ ارغون (۹۲۷-۹۲۸ هـ) از شیراز بسد آمد.

قانع در سال ۱۱۴۰ هـ در شهر تته (سند) بدینا آمد و «حلق اسما من السلاله» ماده تاریخ ولادت اوست. وی در تته پیش علمای بزرگ آن شهر درس خواند. اسامی بعضی از استادان خود را در این کتاب (مقالات الشعرا) ذکر نموده اسب از ابتدای زمان تحصیل بشعر و شاعری علاقه داشت و پس دوازده سالگی (در سال ۱۱۵۲ هـ) بگفتن شعر آغاز کرد و دیوان اشعار خود را بمشتمل بر هشت هزار بیت ترتیب داد اما بعداً با بر بعضی علل نامعلومی این دیوان را بدیوانداخت سپس در حدود سال ۱۱۵۵ هـ صحبت میر حیدر الدین ابوتراب متخلص به کامل وی را دوباره بوجد و شور در آورد و در نتیجه قانع دوباره شعر گوئی پرداخت و در حلقه شاگردان میر کامل مرور در آمد.

احداث قانع همیشه در ادوار مختلف درس بمراتب معرر و عالی فایز بود و از طرف دولت های سدمستمری دریاف می نمودند در زمان میان غلام شاه کلپوره والی سند (۸۶-۱۱۷۰ هـ) در سال ۱۱۷۵ هـ قانع بخدمت تاریخ نویسی خاندان دولتی منصوب گشت و بامر شاهی نوشتن دو کتاب را آغاز نمود یکی بشعر بسبك شاهنامه فردوسی و دیگری به نشر اما چندی بعد معللی نامعلوم از تألیف این کتابها دست کشید و ظاهرأ بعد از یکی دو سال ترک این خدمت گفته به تته وطن خود مراجعت نمود و در سال ۱۱۸۰ هـ در آن شهر بتألیف تحفة الکرام مشغول شد.

از شرح حالی که خودش نوشته اسب معلوم می شود که در تمام عمر غیر از سورت

۱- بعضی اسناد رسمی و فرامین شاهان سند که در کتابخانه شخصی داشمید معظم

پیر حسام الدین گرد آورده و مصحح مقامات الشعرا موحود است روش می سارد که دولت های

سند در ادوار مختلف با احداث قانع و طیفه (مستمری) می داده اند.

و کچهو احمد آباد و جونا گره بهیچ جای دیگر مسافرت نکرده و تمام اوقات دردی خود را در شهر تته در کار تصنیف و تألیف گذرانیده و از سن دوازده سالگی تا وفات خود (۱۲۰۳ هـ) همواره بدینکار مشغول بوده است.

قابع چنانکه از اشعارش معلوم میشود شیعه تقصیلی^۱ بود اما در طریقت بگروه نقشبندیه منسلک بوده و اکثر اعضای خانواده وی نیز مانند او بهمین سلسله بیعت داشته اند

از آثار او پیدا است که وی آدم وسیع النظر و غیر متعصبی بود چنانکه می گوید.

چورافضی نکنم سرد دل بعض کسی رچار یار درین دهر گرم محل ماس

سود عجب بما بشدار صاف رافضی گودل ر گرد سینه اصحاب شسته ایم
قابع به ماده (تاریخ گوئی) علاقه فراوانی داشت چنانکه در قطعه ای تاریخ فوت پندر خود عرت اله (متوفی در ۱۱۶۹ هـ) چنین گفته است

خرد گفت تاریخ سال وفات که پیوست با رحمت ایردی

و همچنین ماده تاریخ فوت پدر را ارسوره «المنافقون» چنین آورده است
لله «عره و لرسول للمؤمنین»^۲

قابع تا آخر عمر در کار تصنیف و تألیف مشغول بوده و حتی یکسال قبل از وفات سه کتاب بنام «طومار سلاسل گزیده»، «شجره اطهر اهل بیب»، و «سالکان طریقت» را در سال ۱۲۰۲ هـ با تمام رسانید و با وجود پیری و بیماری گوناگون هیچوقت از کار علمی دست نکشید بالاخره در سال ۱۲۰۳ هـ سن ۶۴ سالگی در تته چشم از جهان پرست و در کوهچه مکی در قبرستان حابواده خود مدفون گشت

۱- یعنی او خود اینکه به حلقه ای ثلاثه احترام می گذاشت اما درین چهار حلقه بهصیلت

حسرت علی قایل بود

۲- ر. ک. آیه ۶۶ سوره المنافقون، «ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین»

میر قانع سه سپرداشت بعد از او بعضی از اخلاف وی نیز مانند او بهارسی شعر میسروده اند.

آثار مؤلف

آثار قانع در تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر حاوی اطلاعات دقیقمتی میباشد عده آثار او بسیار بوده اما از دستخوش رورگار اکثر آن را بین رفته است طبق اسامی که در مقالات الشعرا و فهرست کتابخانه تته و کتب دیگر گرد کرده عده مؤلفات وی به چهل و سه بالغ میشود بسیاری از کتابهای قانع تا تمام مانده و وی در تکمیل آن توفیق نیافته است در باره عده اشعار خود در «مقالات الشعرا» مینویسد که اگر آنها را جمع آوری مینمود به سی هزار رب میرسید. «الی الحال ۱۱۷۴ هـ اگر بجمع شعر میپرداخت تاسی هزار کما و بیش (کم و بیش) رسیده مینمود اما اغلب طبع بدین نبوده اکثر مسودات بهر حال که ماندند ماندند»^۱

آثار مؤلف بدین قرار است .

۱- دیوان علی شیر- در سال ۱۱۵۲ بسن دوازده سالگی گرد آورده بود اما بعداً آبراندیا ادا حب .

۲- مشوی شمه ارقدرت حق^۲ - در سال ۱۱۶۵ هـ تألیف نمود.

۳- مشوی قضا و قدر- در ۱۱۶۷ هـ تألیف نمود و نسخه آن در انجمن ادبی سند موجود است

۴- نو آئین خیالات - در ۱۱۶۹ هـ بشر تألیف کرد

۵- مثنوی قصه کامروی^۲ - در ۱۱۶۹ هـ سرود و حاوی سه هزار رب بود

۶- دیوان قال غم^۲ - در ۱۱۷۱ هـ سرود و حاوی نه هزار بیت بود^۱

۱- ر. ک مقالات الشعرا ص ۵۷۲

۲- در این کتابها نسخه ای بحا مانده اما اسامی و منتحیات و مقتضات آن در مقالات الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده است.

- ۷- ساقی نامه^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سروده بود.
- ۸- واقعات حضرت شاه^۱ - در سال ۱۱۷۴ هـ سرود و حاوی یک هزار بیت بود.
- ۹- مثنوی چهار مرله^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سرود و حاوی یک هزار بیت بود.
- ۱۰- تزویج نامه حسن و عشق^۱ - در ۱۱۷۴ هـ بشر تألیف کرد.
- ۱۱- اشعار متفرقه در صایع و تاریخ^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سرود و هزار بیت بود.
- ۱۲- بوستان بهار معروف به مکی نامه - در ۱۱۷۴ هـ تألیف کرد رساله کوچکی است بنظم و نثر در باره مقابر قبرستان مکی. نسخه خطی آن در انجمن ادبی سند موجود است و این رساله در مجله مهران شماره ۲ تا ۴ سال ۱۹۵۶ م با حواشی چاپ شده است.
- ۱۳- مقالات الشعرا - تذکره مورد بحث در سال ۱۱۷۴ تألیف کرد.
- ۱۴- تاریخ عباسیه - در سال ۱۱۷۵ هـ بشر آغاز کرد ولی با تمام ماند.
- ۱۵- تاریخ عباسیه - در سال ۱۱۷۵ هـ شعر آغاز کرد ولی با تمام ماند. کل بیست هزار بیت بود^۱
- ۱۶- تحفة الکرام - در سه جلد در ۱۱۸۱ هـ تألیف کرد. تاریخ عمومی است اما در باره اوصاف و احوال سیاسی و اجتماعی سند بحث کرده است.
- ۱۷- مثنوی اعلان - در ۱۱۹۲ هـ سروده است و ۱۱۷۳۳ بیت دارد نسخه ای بخط مؤلف در موزه بریتانیا موجود است.
- ۱۸- ربدۃ الماقب - در ۱۱۹۲ هـ سرود و حاوی ۱۲۰۰۰ بیت بوده (رجوع شود به فهرست کتابخانه تته).

۱ - از این کتابها نسخه ای بنا نموده اما اسامی و مستحبات و مقتضیات آن در مقالات الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده است.

۲- جلد سوم این تاریخ که مشتمل بر احوال سیاسی و اجتماعی سد است در مطبعه باصری دهلی در سال ۱۳۰۵ هـ طبع رسیده است و به رودی از طرف انجمن ادبی سد بیر منتشر می شود.

- ۱۹- مختارنامه- در ۱۱۹۴ هـ سرودو حاوی ۷۰۰۰ بیت است. نسخه‌ای از این کتاب در انجمن ادبی سدموجود است.
- ۲۰- نصاب البلقا. در ۱۱۹۷ هـ تألیف کرد که در فکر آلات و اقسام اشیاء و حیوانات مختلف و مصطلحات ادبی است نسخه‌ای بخط مؤلف در کتابخانه شخصی مولانا محمد ابراهیم گره‌ی یاسینی موجود است.
- ۱۲- مثنوی ختم السلوک- در ۱۱۹۹ هـ سروده است و نسخه‌ای از این کتاب بخط مؤلف در انجمن ادبی سدموجود است.
- ۲۲- طومار سلاسل گریده- در ۱۳۰۲ هـ تألیف نموده و در ذکر سلسله‌های طریقت و مشاهیر صوفیه سند است. نسخه‌ای بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۳- شجره اطهر اهل بیب^۱- در ۱۳۰۲ هـ تألیف نمود و در ذکر شجره نسبت سادات سند بود.
- ۲۴- معیار سالکان طریقت- در ۱۲۰۲ هـ تألیف نمود در ذکر یکپارار بحر ار مشاهیر روحانی است و بحسه خطی آن درموره بریتانیا موجود است
- ۲۵- روضة الانبیا- (سال تألیف معلوم نیست؟) شعر بود و در فهرست کتابخانه آتیه اسم آن ذکر شده است
- ۲۶- رینت الاخلاق- شعر بود مشتمل بر نصایح و مواعظ
- ۲۷- غوثیه- بشعر بود در سلوک و معرفت.
- ۲۸- مثنوی قصاص نامه- امروز ۲۶۳ بیت از آن مانده است
- ۲۹- میران الاقتار- بشعر بوده است
- ۳۰- تذهیب طباع^(۹)
- ۳۱- سرافراز نامه^(۹)
- ۱- از این کتابها نسخه‌ای بحامانده اما اسامی و مقتضات آن در مقالات الشعر و بعضی کتب دیگر آمده است.

- ۳۲- حدیقه غالباً مجموعه شعرای فارسی است. نسخه ناقص الاخر آن در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۳۳- مثنوی کان جواهر (۴).
- ۳۴- میران فارسی (۴)
- ۳۵- رساله معنی مع شرح - نشر و شعر بوده
- ۳۶- لب تاریخ کلهوره.
- ۳۷- بیاض محاک الشعر - جگگی است شامل اشعار گریده فارسی. نسخه ای از این بخط مؤلف. در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۳۸- دیوان اشعار^۱.
- ۳۹- قصاید و مقتت.
- ۴۰- انشای قانع - نسخه ای از آن در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۴۱- مثنوی محبت نامه - ۱۵۹ بیت از آن در بیاض (حنگ) مکی نامه موجود است
- ۴۲ - ۴۳ - (در فهرست میر مائل^۲ اسم این دو کتاب محو شده و خوانده نمی شود).
- تصره بر این کتاب
- مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱۶۹ هـ آغاز نمود و در ۱۱۷۴ هـ با تمام رساییده است و اسم تذکره « مقالات الشعراء » از روی ابجد سال اتمام آنرا میرساند چنانکه مؤلف در این باب در مقدمه توضیح داده است اما در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه چنین مینویسد: «روری در مجموعی اریاران . مضمون این معنی و حقیقت چنین بیان
-
- ۱- ارا این کتاب نسخه ای بحامانده اما اسم و مقتضات آن در مقالات الشعراء معنی کتب دیگر آمده است .
- ۲- میرعلامعلی متخلص به مایل یکی از سه پسر قانع بود که بعد از پدر حاشین وی شد (ر.ک. شرح حال میرمایل تنوی از پیرحسام الدین راشدی در محله مهران - بهار ۱۹۵۵م)

آمد که چون در هیچکدام تذکره صائبه رک صاحب کمالان خطه پاك سند بدیدن
نمی آید اگر چنانچه عروس حالات سدی از ابارسحن این سرزمین استعدادترین
و شاهد مقالات برخی از اصحاب فن این حاك پاك قرین درپزند تألیف و حلیه تدوین
حلوه افرای جمله گوش مستمعان ناهوش و ضیا پیرای خانه چشم مبصران خردنیوش
گردد باری یاد گاری از این دیار بروی کارتوا بدما ند»

سپس مؤلف (نثر بسیار مصوع می نویسد) که وی اکثر بهمین فکر مشغول
بوده اما این کار حیلی مشکل نظر می آمد چور در هیچ کتاب ذکر این شعرا بمقدار
وافی و کافی نوده و در تواریخ و کتبی دیگر بطور متفرق و پیریشان یافت میشد. در هر حال
مؤلف بسال هزار و صد و شصت و نه در ضمن نظم «قصه کاهروپ و کام لئا» تألیف این
کتاب را آغاز نمود.

مؤلف اسم مآحد را در مقدمه یا خاتمه ذکر نکرده است اما در شرح حال
شعرا اسم کتاب های ریر را آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استاده
کرده است.

۱- کلمات الشعرا- سرخوش

۲- ید بیضا^۱ تألیف میرعلامعلی آراد

۳- منتخب التواریخ (رجوع شود به نام یارو بیرم)

۴- تاریخ معصومی یا تاریخ سد میر معصوم نامی بهکری (رجوع شود به نام
هلال و غیره)

۵- اکبر نامه^۲

۶- واقعات تیموری یا تورك تیموری (رجوع شود به نام ناقی)

۱- مولف شرح حال اکثر شعرا را که سند آمده اند از این تذکره اقتباس و نقل
کرده است.

۲- از مطالبی که مولف در شرح حال نام آورده است معلوم میشود که بعضی مطالب
را از این کتاب نقل کرده است.

۷- مجالس المومنین (رجوع شود به نام بیرم خان)

۸- قوانین انشا بالغ (رجوع شود به نام بالغ)

۹- تاریخ غیاث الدین هروی (رجوع شود به نام سپاهی).

۱۰- لطایف الطوایف - علی بن ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع شود

به نام شهود)

۱۱- مجمع الصنائع - نظام الدین احمد

۱۲- تاریخ نظامی (رجوع شود به نام نظام الدین)

این تذکره مشتمل است بر ذکر هفتصد و نوزده شاعر در بیست و هشت باب
باین ترتیب که برای هر يك حرف يك باب مخصوص است و اسمای شعرارا بر ترتیب
الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها آورده است.

این تذکره با «ابراهیم، ملا اسراهم بندر لاهی» شروع شده با «یونس
میر محمد یونس ارغون» تمام میشود در حاتمہ کتاب بعضی غزلهای شعرای معاصر
را آورده و گاهی اشعار خودش را هم نقل کرده است این غزلها قافیه و ردیف شبیه
به هم دارد.

گاهی بعضی حکایات مندرج در این تذکره نقل کرده است مثلاً در ذیل
نام بالغ.

در ذیل نام بعضی شعرا بعضی اطلاعات حالی آورده است مثلاً در ذیل نام باقر مینویسد:
«ناں باقر حانی و کوره باقر خانی از محترعات اوست» اما قبل از قبول چنین
روایاتی لازمست تحقیق بیشتری در این زمینه بعمل آورده شود.

از حمله ۷۱۹ شاعر در ذیل نام ۴۳۷ شاعر مؤلف شرح حال آنها را در يك و دو
سطر و اهر کدام يك دوبیت نقل کرده است و حتی در ذیل بعضی از آنها بد کرام
و وطن شاعری آورده يك بیت از او بدون هیچ شرح حال اکتفا نموده است مانند
صا و روح الله و غیره

شرح حال شعرای زیر را معصل تر از دیگران آورده است : خانخانان

(۲ ص) و امین الدین خان و بابروجانی بیگ میرزا و امیر شاه قاسم (هر کدام در ۳ ص) و اعظم خان و سپاهی (هر کدام در ۵ ص) و قانع (مؤلف در ۶۸ ص). همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است : طالب (۲ ص) و خالص و کامل (هر کدام در ۳ ص) و شاعر (۳ ص) و میر جانشاه (۵ ص) و مداح (۵ ص) و آزاد و رجا (۷ ص) و محسن (تقریباً ۲۵ ص) و قانع (مؤلف ۶۸ ص) بدین ترتیب شرح حال و اشعار خودش را از همه مفصل تر (هر کدام در ۲۸ ص) آورده است .

در نوشتن شرح حال شعرا هیچگاه سعی نکرده است آنرا مفصل بنویسد و اطلاعات هر چه بیشتر را در باره آنان بهم رساند و این تذکره غالباً فاقد اکثر اطلاعات مهم درباره شعرا میباشد و حتی شرح حال بعضی شعرا را که مؤلف بآسانی میتواند از تذکره های دیگر مفصلاً نقل کند بمر مفصل نباشته است مانند آزاد و حزین و سرخوش و غیره و همچنین شرح حال شعرائی را که مؤلف با آنان از نزدیک آشنائی داشت بمر مفصل نباشته است

در ذیل نام شعرای زیر هیچ شعری از آنها نقل نکرده است و تنها شرح حال آنها را آورده است :

عبداللطیف (تبارك) و گل محمد و مشتاقی اما درباره این موضوع هیچ توضیحی هم نداده است . ظاهراً یا سهواً و غفلة نباشته است یا شعری از آنها درست مؤلف نبوده است .

همچنین در ذیل نام « ابوبکر سوسستانی » تنها نقل اشعارش اکتفا نموده و شرح حال وی را اصلاً نباشته است . در ذیل شرح حال خود مؤلف شرح حال مفصل از بعضی اسلاف خود نباشته است که اساساً شاعر نبوده اند .

مؤلف اشعار خود را در ذیل اشعار دیگران بمر نقل کرده است (رجوع شود به نام تسلیم و عاشق محمد کریم و عبدالله حاحی کربلائی و حکیم غالب و محسن و نجم الدین) و مخصوصاً در ذیل نام عاشق چندین غزل کامل خود را در جواب بعضی

اشعاروی نقل کرده است .

همچنین درذیل نام بعضی شعرا اشعاردینگران را که درمعانی ومفهوم تشابه داشته نقل کرده است مثلا درذیل نام عبدالله حاجی کربلائی اشعارذلالتی را ودرذیل نام نجم الدین اشعارغلامعلی مداح را نقل کرده است

مؤلف با « ماده تاریخ گوئی » علاقه فراوانی داشته است چنانکه درپایان اشعارخود هفت قطعه تاریخ که درآن ار آیات قرآنی واحادیث رسول اقتباس نموده است آورده است همچنین گاهی بعضی اشعار را از خود یا شعرای مربرور یا دیگران نقل کرده است که تاریخ بعضی وقایع زندگی آنها (مانند ولادت ووفات وغیره) را میرساند مثلا رجوع شود به آراد واکروبا بر . همچنین درموقع انتخاب اشعارشعرای « ماده تاریخ گو » سعی کرده است که اشعار آنها که متضمن ماده تاریخ بعضی وقایعی میباشدنقل کندمثلا رجوع شود به اشعار آزاد وعدالجلیل بلگرامی . حتی درذیل نام عدالحلیل هیچ اشعاری غیرا اشعار « تاریخ » ازوی نقل نکرده

درذیل نام اشخاص زیرچندین « ماده تاریخ » نقل کرده است که خود آنها یا مؤلف یا دیگران سروده اند . امی و آهی واحمد عساری قروینی واکبر وامین الدین حان حسینی واعظم خان والهام و ابو احمد خاں و آزاد و ابراهیم واعظم و بابرو بیرم خان و ناقی و بالچندوبی تکلف و تسلیم و حعفر و چتر بهوح و حس و حفظ الله حان و حالص و ذهنی و رجا و سرافرادر و سرخوش و سرشار و شاهجهان و شعیب و شوقی و شهرتی و سید صفائی و عبدالباسط و عدالحلیل بلگرامی و عبدالقادر و سید عبداللطیف و غلام محمد پسر آخوند و فاضل خان و فایر و قاسم (سراح الدین) وقایع (مؤلف) و کامران و محسن و وقاری و همایون شاه

رویه مرفته درذیل اشعار خود اشعار « تاریخی » ار همه بیشتر نقل کرده است . درموقع انتخاب اشعار شعرا طبق ذوق « هندی » اکثر اشعاری را که دارای صنایع لفظی و معنوی بوده ترجیح داده و ذوق شعرو را از حنیس اشعار منتخب میتوان

در ك نمود مخصوصاً رجوع شود به صادق و نجم الدین -

علاوه بر اشعار شعرا گاهی نمونه هائی از نثر آنها را نیز نقل کرده است مثلاً در ذیل نام اکرم رقعہ ای (نامہ ای) و ارقدوس دورقعہ (دونامہ) و از خود مؤلف ۲۸ فقرہ (حملہ) و یک رقعہ (نامہ) بذکر از کتاب خود بنام « آئین حیالات » کہ بقول خودش « به از نظم است » (یعنی بہتر از شعر است)

سبک انشای مؤلف

نثر مؤلف آمیزش عربی زیاد دارد و گاهی بعضی اصطلاحات و کلمات عربی را آورده است کہ بفارسی معمول نیست مانند کرہ ثانی بمعنی دفعہ دوم (ص ۲۴۲) و غیرہ .

سالها را ہمہ جا بریان عربی آورده است و در اکثر موارد در نوشتن بعضی مطالب از آیات و احادیث استفاده کرده است مثلاً رجوع شود بہ شرح حال عبداللہ (واعظ) و عبدالرسول . مخصوصاً در « مادہ تاریخ کوتی » از آیات و احادیث زیاد استعارہ نمودہ است مثلاً رجوع شود بہ نام عبدالرشید و میر عبداللطیف و عریضی و آخر اشعار مؤلف گاهی بعضی کلمات اردو یا سندی یا کلماتی کہ اصلاً فارسی بودہ اما در ہندوپاکستان بمعانی مخصوصی در آمدہ است بکار بردہ است^۱ مانند :

« بفوجداری پر گنات معیش داشتہ » (رجوع شود بہ نام اللہ وردی بیگ (ص ۷۰) « بواسہ » بمعنی نوادہ (رجوع شود بہ نام تسلیم ص ۱۲۱) « در دیوانخانہ ایشان نشستہ کچہری می کرد » (رجوع شود بہ نام ابراہیم ص ۶۸) « دوپاس » بمعنی طہر کہ بار دو دوپہر گویند (رجوع شود بہ نام رجا ص ۲۳۲) « سرشتہ دار دامہای جاگیر جاگیر داران » (رجوع شود بہ نام ابوالمعالی ص ۷۵) « خوشنویس و دستخط » (رجوع شود بہ نام اسد اللہ ص ۷۶) « دہر » بر ناں سندی بمعنی « تشکر » گاهی بجای « فوت شد » بعضی کنایات محصوص و جالبی آورده است مانند

۱ - اکثر نویسندگان متاخر ہند و پاکستان در موقع نوشتن فارسی ہمین روش را

داشتہ اند مانند آراد و آرو و حاکم و حوشگو و شعیق و غیرہ .

کتاب در باره بعضی اصول و مقادیر

॥ ॐ नमो भगवते वासुदेवाय ॥

[illegible]

ཉམས་པོ་

[illegible]

حضرت ابراہیم علیہ السلام ایتلاف سے مراد ہے

کے لئے

အ-၂၈၇၂၆၁၃၃ (၁၈၇၆)

2-562 2 07 V3V 1100 (0652 2321 0)

۱۔ کتابخانه شخصی حضرت مولانا محمد رفیع الدین صاحب

۱۲۳

است. | شمس | قمر | و غیره

و گاهی از تحصیل واسم شاعر استفاده کرده بر عایت آن بعضی عبارات را آورده و
است مثلاً راجع شود به جمله ای که از این حال صفا و صفا و مشرب در سطور

(ب) مشرق نامہ (موجودہ راجستھان) کے راجا نے (۱۸۵۷ء) میں برطانوی حکومت کو ایک خط لکھا کہ اس نے اپنے ملک میں برطانوی حکومت کی طرف سے دی گئی سب سے زیادہ برائیوں کی فہرست پیش کی ہے۔

«سازمان اسناد و کتابخانه ملی» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران) (سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)

[illegible]

منی از صبا کی می آید « (خود بخود بنام صبا می آید) »

تاریخی و غیره شرح بسیار مفیدی را از کتب تاریخ و تذکره و غیره اضافه کرده است و این حواشی مفصل و بجای خودش باید «تکمله» ای بر این تذکره حساب کرد خلاصه زحمات موضح فاضل آن و اولیای ایمن ادبی سندهی سراوارستایش و تمجید و تشویق فراوانی میباشند و این روش در تصحیح و چاپ کتب تذکره و تاریخ بوسیله سایرین باید «شمع راه» و مورد تقلید و تتبع قرار گیرد

سعییه عشرت

ابتدا

«حمدناظمی را که رباعی عناصر را ترکیب بند ساخته و ثنای راقمی که بر لوح فلک از قلم ابداع مسدس شش جهت نگاشته»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب در گاداس است (شرح حال اودر هیچ کتاب قاریح یا تذکره و غیره ذکر شده است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۵ هجری تألیف نموده است چنانکه اسم این کتاب «سعییه عشرت» از روی احمد میر ساید

سحه ناقص الاخر این کتاب در ناکی پور (که تنها نسخه موجود است) مشتملست بر چهارصد و بیجاه و پنج شاعر بترتیب الفبا از روی حرف اول یا تحلیص شاعر و نا «اسدی طوسی» شروع شده با «حاجی فریدون محلی» به سابق تمام میشود و حاوی ذکر شعرای متقدم و متأخر میباشد.

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را مخصوصاً از معاصرین مفصل

رویبرفته مؤلف شرح حال بیدل را (در سه صفحه) مفصل تر از همه آورده و اشعار سراج الدین علیخان متخلص به آرزو را (در ۳۳ صفحه) مفصل تر از سایرین نقل کرده است.

سبك انشای مؤلف در مقدمه كتاب مصنوع است و گاهی شرمسجع را نیز بکار برده است. اما شرح حال شعرا را بشتر ساده و غیر مصنوع نوشته است.

نسخه خطی

نسخه خطی منحصر بفرد این تذکره در بانکي پور موجود است (رجوع شود به بانکي پور ح ۷ ص ۶۹۹). این نسخه، قص الاخر است و تنها تا حرف فریدون متخلص به «سابق» میاشد و مورخ قرن ۱۹ میلادی است.

«مردم دیده»

ابتدا

بعد (از) حمد کلیمی که سخن آفرین و حکیمی که احکم الحاکمین است و صلوات کریمی که رحمة للعالمین و شفیع المذنبین است و اهل بیت طاهرین و اصحاب طیبین و تابعین رضی الله تعالی عنهم اجمعین..»

شرح حال مؤلف

این کتاب را ملا عبدالحکیم لاهوری متخلص به حاکم تألیف کرده است، وی از طرف حده سید حسینی است چون حده وی از فرزندان قاصی یوسف بود که از سادات معتبره هرات و قاصی بلخ بود

اسم پدرش شادمان خان اوزبك است . از طرف پدر سبش به اوزبك اورغ دورمن میرسد که از نجبای قوم اوربك بود پدر حاکم در عهد عالمگیر شاه (۱۰۶۹-۱۱۱۸هـ) از بلخ بدکن وارد شد و بقول حاکم به منصب «علی قدر حال خود» و بقول آرزو به منصب هفتصدی و پنجاه سوار سرافرار گردید بعد از مرگ پادشاه مربوط شادمان خان در مراد آباد سکونت گردید و حاکم در آنجا در سنه یک هزار و یکصد و بیست هجری (سنه ۱۱۲۰هـ) متولد شد و در سال اول جلوس محمد فرخ سیر شاه (۱۱۲۴هـ) پدر حاکم «سب کمال ارتباط و اخلاص» نواب دلیر جنگ همراهی بلاهور رفت و در آن شهر رحل اقامت افکند و در زمان فرخ سیر شاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) به منصب سه هزار و در عهد محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) به منصب پنجهزاری و نوبت و علم و تقاره مفتخر شد بالاخره در چهارم رمضان سنه ۱۱۳۵هـ مطابق سال پنجم جلوس محمد شاه در لاهور فوت کرد و شخصی «بخت رفت» (= ۱۱۳۵) ماده تاریخ وفات شادمان حاکم گفت

در هنگام فوت پدر حاکم هنوز پانزده ساله بود وی به مطالعه کتب فارسی و اشعار اساتید قدیم بسیار علاقه داشت و گاه گاهی شعر هم میسرود تا آنکه بخدمت شاه آفرین لاهوری^۱ رسیده و در مرمره شاگردان او درآمد در باره آفرین لاهوری حاکم میگوید

حاکم بداشتم سروسامان فکر شعر از فیض آفرین بسخن آشناسم
قبل از حمله نادر شاه به بدوستان^۲ حاکم بدست حاجی محمد شریف که از خلفای شیخ سعدی لاهوری بوده و بیک واسطه سب و بیسید آدم بنوی میرسید بیعت کرد و در سلسله قادریه مسلک گشت بعد از مراجعت نادر شاه (۷ صفر ۱۱۵۲هـ) بدلی رفت و آنجا با حواحه محمد صادق خان بهادر ملاقات کرد حواحه مربوط

۱- برای شرح حال او «رجوع شونده مردم دیده» و غیره

۲- مادر شاه در ۱۵ دوالقعه ۱۱۵۱هـ در حاکم کرنا لشرک دشمن را شکست داد

و در ۱۵ دوالحجه ۱۱۵۱هـ وارد دهلی شد در ۲ صفر ۱۱۵۲هـ شهر را ترک گفت.

دیوان حاکم راجط خود نوشت . نماچندی بعد این دو مان را دزدیدند. حاکم بعد از رفع اختلاف صدر حگ وزیر و اعتمادالمک همراه وزیر مشارالیه از دهلی به صوبه (ستان) اود رفت و بعد از فوت وی بدلی مراجعت نمود. چندی بعد وارد لشکر شجاع الدوله شد ولی دیری نگذشت که ترك دنیا کرده در زمره فقرا درآمد

مؤلف در مقدمه «مردم دیده» توصیح میدهد که در نتیجه مطالعه مثنوی معنوی مستباده رومی شد و در قصه برای بریلی (در استان) اترپردیش «هندوستان امروزی» در غره حمادی الاخری سه ۱۱۷۱ هـ تغییر لباس داده لباس فقرا درآمد و از آنجا برای استطلاع «احوال متعلقان» عارم وطن خود لاهور شد و شش ماه در آن شهر توقف نموده و سپس در شوق ادراک صاحب حضرت اخوند عبدالسلام بقشندی رو بخطه کشمیر آورد و بالاخره بعد از طی مازل در ملاقات او توفیق یافت. چندی بعد اخوند مر نور بر حمت حق پیوست و بعد از فوت وی حاکم یکسال و نیم در آن «سرزمین بهشت آیین سر برد»

حاکم در کشمیر باغاری بیگ خان که بخشی اعتماد الدوله و رفیق معین السلاک پسر اعتماد الدوله بود ملاقات کرد و همچنین ناامیر «حسین اله ملقب به عبدالملک خان برادر راده میر نعمت حسن سپید که با اتفاق غازی بیک خان در کشمیر بوده از نزدیک آسائی پیدا کرد اما از شعرای کشمیر هیچکس برای دیدن حاکم نیامد و حاکم تنها به سه چهار «بررگ گوشه سیر» - سد عبدالرشید و آخوند عبدالوہاب و ساه صیاء اله و کاسوپر ملاقات کرد .

حاکم می گوید که در همان ایام «سی در واقع خیبری نمودند و از خود بردند. خون بیدار سدم از کار شده و با وجود عدم وسائل تصمیم گرفت برای زیارت حرمین برود. در آن ایام بدون اجازه مهاراجه سکد حیون که صاحب تصفی آنها بود عمر ممکن نبود و اما حاکم سدرس عری بیک خان

بگرفتن جواز عبور موفق شد و به جمون^۱ رسید. خواجه هدایت‌اله گماشته راجا عطاء‌اله بتواضع بسیار از وی پذیرائی کرد.

حاکم دواو اسطریع الثانی در شهر هوهشیارپور نزد «متعلقان» و خویشان وندان جود رسید و بعلت هنگامه (شورش) سنگبان یکسال در آنجا توقف نمود و غالباً در آن ایام بر لب نهر آب شهر با شاه عثمان خان خلیفه میرشاه علی مینشست و صحبت می کرد. روزی با هم نشستند و دید که سید حواجه میر با وی برخورد حاکم بنخواجه مرپور گفت که قصد ریارت حرمین را دارد و خواجه میر از طرف حواجه عداله خان بهادر و سایلریدگی خانواده حاکم را فراهم نموده و در نتیجه حاکم در ۱۴ ربیع الثانی (سده ۱۱۷۴هـ) عازم مکه و مدینه شد.

طی مثنوی‌ای که در مقدمه «مردم دیده» آمده است حاکم این مسافرت خود را شرح داده است. او آن معلوم میشود که چون پسوی مکه و مدینه رهسپار شد در ماه صفر نورالین واقف با او هم سفر شد و در راه دو نفر دیگر بنام کریم‌اله (که او را حاکم «پیر حقاوی» میگوید) و حسن با آنها همراه شدند. در راه با استاد خود مولوی عبدالرحمن ملاقات کرد و چون در ۲۹ ربیع ۱۱۷۴هـ به اورنگ آباد (دکن) رسید مهمان شاه محمود شد و آنجا با آزاد بلگامی ملاقات کرد و آزاد مقدم آن‌ها را گرامی داشت. از اورنگ آباد به سورت رفته و آنجا مولوی حیر دین او را در کستی نام «سلیمان مکی» سوار کرد اما بعلت کسالت واقف نتوانست با وی برود.

حاکم بعد از دو ماه شب جمعه در آحرماه شوال در حدهار کشتی پیاده شد و از آنجا سوار شتر شده عازم مدینه شد و در راه مرار سپیدان بدر را زیارت کرد و بالاخره مدینه رسید و آنجا مرار رسول و مسجد قدس را زیارت کرد و همچنین قبر حضرت ابوبکر و مرار حضرت فاطمه و قبرهای دیگر حجت بنیع را زیارت کرد و بقول خودش این سعادت در ماه ذی‌العده نصیب وی شد سپس متوجه خانه کعبه شد و چون

رسیدند و از آنجا بوسیله قاصدی حال خود را به آزاد بلگرامی نوشته و آزاد مقداری پول برای آنها فرستاد و آنها به سلامت به کولاپور رسیدند اما چون باز وسایل مسافرت را نداشتند دوباره بآراد نوشتند و از وی کمک خواستند و آزاد دوباره بآنها مقداری پول فرستاد و بالاخره حاکم و قدرت هر دو بسلامت به وطن رسیدند و در دوم شوال حاکم به آراد نوشت که وی جاپور و هوشیارپور در بواحی لاهور نزد اهل و عیال خود رسید و واقف بمر درهماں ماه در وطن خود تناله رسید.

روزی حاکم دیوان خود را برد سراج الدین علی خان آرو برد تا «بظر تامل» مطالعه نموده از حسن و قبح کلام او را آگاه سازد. آرو اول امتناع و روزی دوما در نتیجه اصرار حاکم بالاخره دیوانش را پیش خود بگذاشت و بعد از دوما حاکم برگرداند و هر چه ایراد داشت در حواشی دیوان یادداشت کرد اما حاکم با اکثر ایرادات آرو موافقت نداشت. چون وارسته سیالکوٹی اعتراضات و ایرادات خان آرو را دید در جواب آن رسالدهای نام «جواب شافی» نوشت اما عجیب اینست که آرو حاکم را در تذکره خود بحوبی یاد کرده است و حاکم حتی بعد از فوت آرو از وی تعریف میکرد و در «مردم دیده» حاکم درباره آرو میگوید «فهررا با آرو ربط احلاص ریاده از حد بود روری عرلی در تنوع عرلش کفتم که متطعس ایست»

گرچه این از فیص خان آرو گردیده است طرفه شوری این عرل حاکم بلاهور افکند
این مرحوم این بی بدیهه گفته و ستاد

شعر آرو را در تهی گرتوبا ایهم پسندی حاکمی

در «حرا نه عامره» (ص ۲۰۲) میگوید «در این لفظ لطفی و انبامی

مجمع المعایس» (تألیف ۱۱۶۴ هـ) درباره حاکم میویسد «چند

سال بیس را این دیوان خود را که فریب چهار هزار بیب است به نظر فقیر در آورده بسیار
و به خط گفته. حدیث مرتبه وارد شاه جهان آباد گشته و این مرتبه

بسبب ظلم صوبه دار (استامدار) پنجاب وضط (توقیف) جا گیرهای (املاک) مردم در این جا رسیده میر ملاقات با حقر مینماید .

آزاد در «حرامه عامره» (ص ۲۰۲) میگوید که وارسته در رساله شاهی در مورد بعضی اعتراضات خان آرزو توأسته اس حواب بدهد اما در بعضی موارد در ایس منظور موفق شده اس و حتی معترف باشناه حا کم شده اس

مؤلف تذکره «نشر عشق» میگوید که حا کم در هنگام مراجعت کشمیر در شهر قنده سند در سنه ۱۱۷۸ هـ فوت و در همان جا دفن شد و بقول مؤلف «تایج الافکار» حا کم در ۱۱۸۲ هـ (اثین و ثمانین و مایه و الف) فوت کرده است و مؤلف «نعمه عندلیب» میگوید که حا کم در کشمیر فوت کرده اس. لچمی براین مؤلف «گل رعنا» مینویسد که برالعلین واقع لاهوری (بتالوی) در اوایل محرم ۱۱۸۲ هـ سام آزاد بلگرامی نامه ای نوشته حا کی ار این کد حا کم و واقع در کشمیر در خدمت نواب سر بلند خان بهادر صوبه دار رفتند و در موقع مراجعت حا کم در شهر قنده بعارضه اسهال فوت کرد و همانجا دفن شد و این واقعه در ۱۱۷۸ هـ اتفاق افتاد^۱.

اما استوری (ح ۱ ص ۸۲۹ - ۸۳۰) میگوید که حا کم تا موقع تألیف «عقد ثریا» (۱۱۹۹ هـ) در قید حیات بود

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در سال ۱۷۵ هـ در اورنگ آباد تألیف کرده اس و در مقدمه کتاب دو قطعه از آراد نقل کرده اس که طی آن آراد ار حا کم تعریف و توصیف کرده اس ایک دوم این قطعه که سال این کتاب راهم میرساند:

حا کم حطه معنی حا کم	کرد بوتد کره ای را تصیف
سال تألیف نقل کرد آراد	تاره تألیف هما یون لطیف (= ۱۱۷۵ هـ)

۱ - نیز رک محبوب الرحمن (اردو) ح ۱ ص ۳۷۳ که در آنجا روایت فوق نقل

۶. درباره سبب تألیف مؤلف در مقدمه این کتاب چنین توضیح میدهد که «از مدتی مرکوز خاطر داش» که تذکره‌ای مشتمل بر احوال جمعی از شعرای ماضی و حال بنویسد «چنانچه اشعار جماعت کثیر ارسلف و حلف تحمینا تا پنجاه هزار بیت (ار) سه هزار شاعر کسری کم و قریب دوصد (دویسب) دیوان مطالعه نموده از هر یکی انتخاب زده موسوم به «انتخاب حاکم» ساخته می‌حواس ادهم قلم را در میدان گراوش حالات (احوال شعرا) حولان دهد» که ناگاه «عان عریب از این وادی منقطع گردید و جادیه غیبی رمام اختیار (را) اردست برده بعالم فقر کشید ... در این‌ولا که پانزدهم حمادی الاولی سنه ۱۱۷۵ ه... ارسورت مبار که به خجسته بنیاد (اورنگ آباد) وارد شد» و در تکیه شاه محمود اقامت گزید و از صحبت میر غلام‌علی آزاد متمتع شد تذکره الشعرائی مسمی به «مجمع النعایس» تألیف سراج‌الدین علی خان آروو بنظر وی رسید و درباره فکر تألیف تذکره تازه گشت بالآخره تصمیم گرفت تذکره شعرائی بنویسد که خودش در خدمت آنها رسیده و شرح آنها را تذکره «مجمع النعایس» نقل نموده «هر حاکم بیش و کم دینده شود» بقدر اطلاعات خود اضافه کند و همچنین اسامی شعرائی را که خان آروو چها یا عمدا در تذکره خود بیاورده بیر علاوه کند و اسم این تذکره را بموجب فرمایش میر غلام علی آزاد «مردم دیده» گذاشت

این تذکره مشتمل است بر دکر شصت و یک ساعری که مؤلف با آنها قات کرده و شامل مقدمه و دو باب و حاتمه میباشد

باب اول - در دکر هیجده شاعر است بترتیب العا که ارمجمع النعایس بهمان ت مؤلف نوشته شده است

باب دوم - در ترجمه عربی‌ای که داخل تذکره حاکم آرزو بیستند و مشتمل است بر چهل و دو شاعر بترتیب العا و حاتمه «در شمه» (ار) احوال خود مؤلف و حالات بزرگان شعیق او «باب اول» با «آفرین» شروع شده با «واقف» تمام
ت و باب دوم با «اطهر» شروع شده با «بیم» تمام میشود

خارج از موضوع تذکره میباشد

مؤلف گاهی بر اشعار شعرا انتقاد نموده است مثلاً رجوع نمود به نام فقیر.
 سدك افشای مؤلفا کثر ساده و غیر مصوع است اما بعضی جاها مخصوصاً
 در موقع تعریف و توصیف شعر، شریک معنی و گاهی شریک مسجع نگاشته است
 رویهمرفته این تذکره را میتوان «تکلمه مجمع النعایس آرو» نامید. اما
 غیر از پانزده شاعری که ذکرشان در سطور فوق گذشت مؤلف در انتخاب اشعار
 شعرا رحمت نکرده و حتی در باب دوم این کتاب در دلیل شرح حال شعرائی که
 ذکرشان در مجمع النعایس بیامده است اکثر اطلاعات لازم را از زندگانی این
 شعرا نیاورده است

نسخه خطی

کتابخانه مرحوم صدربار حاکم حبيب الرحمن خان شیرداری (عکسهای
 که از این نسخه برداشته شده است در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود
 است)

چاپ

ارطغرل آکادمی ادبی پنجابی لاهور سال ۱۳۳۹ ش باهمام دکتر سید
 عداله بطبع رسیده است این چاپ برار اعلاطیست بدون مقدمه مصحح در
 شرح حال مؤلف و اهمیت کتاب وغیره).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به مردم دیده چاپ لاهور ۱۳۳۹ ش که در آثار آن فهرست اسامی
 شعرا نیز ذکر شده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع شود به مردم دیده و حراة عامره و مجمع النعایس و نغمه عتلیب و
 نشر عشق و محزن العرايش ۶۴۲ و معاللات الشعراى حیرت و عقد سر یا وسینه و حوتگو و
 سینه هدی

خزانه عامره

انتاد

در سر کلام را حیغه حمد صاعی که اسرار را بگوهر گرانمایه ناطقه بواخت
و دهان را بحواهر رواهر مملو صاحب

مؤلف

مؤلف این تذکره میر غلام علی متخلص به آراد بلگرامی است. (برای شرح حال
او رجوع شود بحث در باره «ی. بیضا» در این کتاب)

تذکره در کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۷۶ هـ در اورنگ آباد دکن تألیف کرده است
چنانکه در شرح حال خود مینویسد اکنون در دارالامن اورنگ آباد گوشه گیرم؛
در مقدمه کتاب قطعه دلی آورده است که سال تألیف کتاب (۱۷۶ هـ) را
می‌رساند

آراد رقم نمود بو تذکره	در حیب ورق ریخت بقود سره
گنجور حرد گوهر تاریخ فساد	حق داده عجب خزانه عامره
	(= ۱۱۷۶ هـ)

مؤلف در مورد سبب تألیف در مقدمه کتب چنین توضیح میدهد:

«عزیر القدر میر اولاد محمد که برادر زاده فقیر است خواهش
نمود که تذکره تألیف کرده شود در ذکر سعرائی که چراغ مدح از باب کرم
افروخته اند. صلات اردو لت قدردانی ممدوحان خود اندوخته چون خاطر مشارالیه

۱- اما مؤلف بعضی اوقایعی بعد از سال ۱۷۶ هـ را هم در این تذکره ذکر
نموده است چنانکه سال فوت در گاه قلی خان (متوفی در ۱۱۹۰ هـ) را هم ضبط نموده است
(در کج حرا نه عامره ص ۲۲۴)

عزیز بود التماس او بحسن قبول رسید».

مؤلف فهرست مآخذ کتاب خود را در مقدمه بقرار زیر آورده است:

۱- لب الالباب (لباب الالباب) محمد عوفی

۲- تذکره دولتشاه

۳- تذکره سامی سام میرزا صفوی

۴- خاتمه خلاصه الاشعار (میر تقی کاشی)

۵- تذکره میر تقی کاشی (خلاصه الاشعار)

۶- هفت اقلیم امین احمد راری

۷- منتخب التواریخ بداونی

۸- مجمع الفضلاء بقائی

۹- تذکره میرزا طاهر بصر آبادی

۱۰- مرآت الخیال شیر خان

۱۱- کلمات الشعراء سرحوش

۱۲- همیشه بهار احلاص

۱۳- حیات الشعراء محمد علیخان متین کشمیری

۱۴- سفینه بی خیر

۱۵- یدبضا (تذکره دیگر آزاد)

۱۶- ریاض الشعراء واله

۱۷- مجمع التقایس آرزو

۱۸- تذکره شیخ علی حرین

۱۹- سرو آزاد (تذکره دیگر آزاد)

۲۰- تذکره بیظیر عیدالوهاب دولت آبادی

۲۱- مردم دیده حکیم (حاکم) لاهوری

همچنین در ذیل بحث و شرح اشعار شعرا از فرهنگ‌های زیر استفاده

کرده‌است.

۲۲- فرمنك برهان قاطع

۲۳- قاموس عربی

۲۴ و ۲۵- منتخب اللغات و فرهنگه فارسی. عبدالرشید تنوی

(ص ۴۱۰ و ۴۲۴)

ار حمله کتب فوق مؤلف ار همه بیشتر ا کتاب مجمع النعائس آرزو استفاده کرده است و حتی گاهی اشعار شعرا را از آنجا نقل کرده است. باید اذعان کرد که ار حمله کتب فوق تذکره حیات الشعرا متین کشمیری امروز بجای نمانده است.

علاوه بر این مؤلف «ار بسیاری اردو اوین شعرا و کتب فن تاریخ و غیر آن» استفاده کرده است. همچنین مؤلف در مقدمه کتاب تذکره داده است که بعضی مآخذ «ید بیضا» مانند نعائس المأثر و صبح صادق و تذکره باطم تسریزی و تذکره ملا قاطعی و غیره در این وقت (یعنی در موقع تألیف خزانة عامره) حاضر نیست لهذا در این کتاب برخی از مقدمات ارید بیضا گرفته شد درباره عرفات تقی اوحدی، مسد

«و فقیر عرفات (را) از حرف الصاد تا حرف الیاء (در) سابق دیده بودم حالا حاضر نیست»

غیر از کتب فوق مؤلف اسامی کتابهای دیر را در متن کتاب آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است.

۲۶- چهار مقاله نظامی عروسی (رجوع شود به نام ابوسعید سلمان).

۲۷- حدائق السحر و طواط (رجوع شود به نام ابوسعید سلمان).

۲۸- تاریخ گریده حمد اله مستوفی (رجوع شود به نام حسن غزنوی).

۲۹- احبار الاحیاء سیح محدث دهلوی (رجوع شود به نام شیخ حمالی

دهلوی)

- ۳۰- نفحات الاس حامی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۱- تاریخ فرشته محمد قاسم فرشته (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۲- مرآت الصفا (رجوع شود به نام حافظ و بطیری)
- ۳۳- اعلام الانعام شیخ محمد یحیی اله آبادی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۴- تاریخ مکه یا تاریخ قطبی قاصی قطب الدین حمی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۵- نقایس المآثر لآلاء الدوله درویدی (رجوع شود به نام حیرتی و غیره).
- ۳۶- تفسیر در مشور شیخ جلال الدین سیوطی (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۷- تاریخ طبری (رجوع شود به نام حیدری تریزی)
- ۳۸- بدو الحق امام عزالی (رجوع شود به نام حیدری تریزی)
- ۳۹- مآثر رحیمی نهاوندی (رجوع شود به نام حاتحانان)
- ۴۰- تنبیه العاقلین آرو (رجوع شود به نام حرین)
- ۴۱- ابوالحناب رفیع واعظ قزوینی (رجوع شود به نام حاکم لاهوری).
- ۴۲- حبیب السیر (رجوع شود به نام حاقانی).
- ۴۳- بهارستان حامی (رجوع شود به نام امیر حسرو)
- ۴۴- مشتآت حاجی عبدالعلی طالقانی (رجوع شود به نام داش مشهدی)
- ۴۵- تذکره ملا قاطعی (رجوع شود به نام شهیدی)
- ۴۶- تاریخ صبح صادق (رجوع شود به نام طهر فارانی)
- ۴۷- ثمرات القدس (رجوع شود به نام عبدالعادر بداونی).
- ۴۸- شاهجهان نامه عبدالحمید لاهوری (رجوع شود به نام قدسی).
- ۴۹- تاریخ عالم آرای عباسی (رجوع شود به نام ملک قمی).
- ۵۰- تفسیر قاصی بیضاوی (رجوع شود به نام حرین)
- ۵۱- صحاح جوهری (» »)

ایتمام کتاب بمولف رسیده است این مطالب را در پایاں شرح حال آنها اضافه کرده است مثلاً رجوع شود به ذکر شاعر (میر سید محمد بلگرامی).

مؤلف در ۸۱ صفحه این کتاب (ص ۳۵ تا ص ۱۱۶) بعضی وقایع تاریخی معاصر را به شرح حال نوابان و امرای آنوقت بیان کرده است. این قسمت کتاب ارحیث تلخیص معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد چون اکثر وقایع مذکور چشم دید مؤلف بوده است و همچنین نوابان و امرای مر نور میر معاصروى بودند و آرادشخصاً با اکثرشان ملاقات کرده است. این قسمت مشتمل است بر ذکر حال نواب آصفجه و امیرالامراء فیروز جنگ و عمادالملک نواب نظام الدوله ناصر جنگ و مطهر جنگ و امیرالملک و نواب آصفجه ثانی و نواب یرهان لملک و وزیرالممالک صفدر جنگ و وزیر الممالک شجاع الدوله و سپس ذکر احمد شاه درانی و هفت حمله‌وی بر هندوستان و ذکر حاصلات (درآمد) ایران و در ضمن ذکر مرهته ها و بیان آنکه دولت آباد در چه وقت و بچه بهج بتصرف اسلامیان (مسلمانها) درآمده بود در دیل آصفجه و نواب نظام الدوله بعضی اشعار که آنها سروده اند آورده است. همچنین ذکر اسحاق خان و اولادش را در دیل نام آرو آورده است.

در هر حال چون اکثر این مطالب (غیر از اشعار آصفجه و نظام الدوله) مربوط بموضوع تاریخ است ما براین خارج از موضوع تذکره میباشد بهتر بود اگر مؤلف آنرا بصورت رساله جداگانه ای می نوشت تا با مطالب این تذکره مخلوط و آمیخته نشود.

همچنین در دیل نام ناقص ابهری واقعه محاصره آصفهان (۱۱۳۴هـ) و وقایع دیگر زمان سلطان حسین و مادر شاه را نقل کرده است که البته ارحیث تاریخ مهم است اما از موضوع این کتاب خارج است.

شرح حال شعرای ریر را از همه معصل تر نقل کرده است (در ۳ ص) و آرو (۳ ص) و مولانا قمرالدین (در ۴ صفحه) اشعار و شعرای ریر را از همه معصل تر نقل کرده است. بیحر و رفیع و کاتمی

انسان و انسانیت (۱۳۱) و انسانیت (۱۳۲) و انسانیت (۱۳۳) و انسانیت (۱۳۴) و انسانیت (۱۳۵)

۱۳۵- انسانیت

۱۳۶- انسانیت و انسانیت (۱۳۷) و انسانیت (۱۳۸) و انسانیت (۱۳۹) و انسانیت (۱۴۰)

۱۴۱- انسانیت و انسانیت (۱۴۲) و انسانیت (۱۴۳) و انسانیت (۱۴۴) و انسانیت (۱۴۵)

۱۴۶- انسانیت و انسانیت (۱۴۷) و انسانیت (۱۴۸) و انسانیت (۱۴۹) و انسانیت (۱۵۰)

۱۵۱- انسانیت و انسانیت (۱۵۲) و انسانیت (۱۵۳) و انسانیت (۱۵۴) و انسانیت (۱۵۵)

۱۵۶- انسانیت و انسانیت (۱۵۷) و انسانیت (۱۵۸) و انسانیت (۱۵۹) و انسانیت (۱۶۰)

۱۶۱- انسانیت و انسانیت (۱۶۲) و انسانیت (۱۶۳) و انسانیت (۱۶۴) و انسانیت (۱۶۵)

۱۶۶- انسانیت و انسانیت (۱۶۷) و انسانیت (۱۶۸) و انسانیت (۱۶۹) و انسانیت (۱۷۰)

۱۷۱- انسانیت و انسانیت (۱۷۲) و انسانیت (۱۷۳) و انسانیت (۱۷۴) و انسانیت (۱۷۵)

۱۷۶- انسانیت و انسانیت (۱۷۷) و انسانیت (۱۷۸) و انسانیت (۱۷۹) و انسانیت (۱۸۰)

۱۸۱- انسانیت و انسانیت (۱۸۲) و انسانیت (۱۸۳) و انسانیت (۱۸۴) و انسانیت (۱۸۵)

۱۸۶- انسانیت و انسانیت (۱۸۷) و انسانیت (۱۸۸) و انسانیت (۱۸۹) و انسانیت (۱۹۰)

۱۹۱- انسانیت و انسانیت (۱۹۲) و انسانیت (۱۹۳) و انسانیت (۱۹۴) و انسانیت (۱۹۵)

۱۹۶- انسانیت و انسانیت (۱۹۷) و انسانیت (۱۹۸) و انسانیت (۱۹۹) و انسانیت (۲۰۰)

۲۰۱- انسانیت و انسانیت (۲۰۲) و انسانیت (۲۰۳) و انسانیت (۲۰۴) و انسانیت (۲۰۵)

۲۰۶- انسانیت و انسانیت (۲۰۷) و انسانیت (۲۰۸) و انسانیت (۲۰۹) و انسانیت (۲۱۰)

۲۱۱- انسانیت و انسانیت (۲۱۲) و انسانیت (۲۱۳) و انسانیت (۲۱۴) و انسانیت (۲۱۵)

۲۱۶- انسانیت و انسانیت (۲۱۷) و انسانیت (۲۱۸) و انسانیت (۲۱۹) و انسانیت (۲۲۰)

۲۲۱- انسانیت و انسانیت (۲۲۲) و انسانیت (۲۲۳) و انسانیت (۲۲۴) و انسانیت (۲۲۵)

۲۲۶- انسانیت و انسانیت (۲۲۷) و انسانیت (۲۲۸) و انسانیت (۲۲۹) و انسانیت (۲۳۰)

۲۳۱- انسانیت و انسانیت (۲۳۲) و انسانیت (۲۳۳) و انسانیت (۲۳۴) و انسانیت (۲۳۵)

۲۳۶- انسانیت و انسانیت (۲۳۷) و انسانیت (۲۳۸) و انسانیت (۲۳۹) و انسانیت (۲۴۰)

۲۴۱- انسانیت و انسانیت (۲۴۲) و انسانیت (۲۴۳) و انسانیت (۲۴۴) و انسانیت (۲۴۵)

وغزاله و پتیاره و سهر و فکر (ابوسعبد سلمان ص ۱۶ و ۱۸ و ۲۰) و قالین (شاه آفریز ص ۳۴)
 و شق و و شاق و قنسی (خاقانی ص ۲۰۵ و ۲۰۷) و مصقل منحل و و منزل و طوطی و حلی (طهیر
 قاریایی ص ۳-۳۱۲) شرح قطعه‌ای از نعمت حسن عالی و کلمات مشک آن (ص ۳۳۶-
 ۳۴۶) جوهر (عادل شاهجهان آبادی ص ۳۰۰) و بسمل و 'رد صیقل و سمر و کساد و زکام
 و عذار و بوالهوس (هایلی تبریزی ص ۱۰-۴۰۷).

همچنین بعضی کلمات مشکل را در دیل اسعار ساطی سمر قدی و بیدل
 و شیدا و نظامی شرح داده است و غالباً سد آنرا از ورهنگ ها و اسعار شعرای دیگر
 آورده است

اشعار خود را نیز در ۸ صفحه شرح داده است و سداستعمال بعضی اصطلاحات را
 از شعرای دیگر آورده است

مؤلف اگر چه در دیل نام خاقانی از آوردن اشعار «رکیک» و مسند هجو وی
 خودداری کرده است اما در دیل اسعار نعمت حسن عالی قطعه‌ای در هجو سیار مستدل را
 به تنها نقل کرده است بلکه در ۱۰ صفحه آنرا شرح هم داده است و در پایان «حمار بد مستیهای
 ریش این حام» را بوسیله استعاره و توبه رفع ساخته است

در باره اشتباهات تذکره نویسان دیگر اشعار زیر - عرا را بجای گویدگان
 اصلی آنها نام دیگران سبب داده اند تذکر داده و گوینده اصلی آنها ذکر
 نموده است

۱ - بیتی رزلالی که مؤلف هم: «قلیم» نام قطران نوشته است (ص ۲۴۸)
 ۲ - بیتی از محمد طاهر عی کشمیری که مؤلف مستحب التواضع و مستحسن دیگر
 آورده است (ص ۲۴۸).

۳ - بیتی از غشیعه امیر خسرو که در محمود و ایار رزلالی آمده است
 (ص ۲۴۸)

۴ - دو بیتی که آردو در «مجمع النعایس» بجای محمد قلی سلیم تبریزی نام
 شیدا نوشته است (ص ۲۸۱).

۵ - اعتراض بریبتی از میر محمدزمان (درذیل وجدان سر هندی) .
 همچنین ایراداتی را که بعضی بر اشعار شعرای زیر داشته اند ذکر نموده است .
 حافظ (بر مدح الدنیا) و صائب (مکرر درذیل نام عنصری) و عرفی و نعمت خان
 عالی و فردوسی .

در ضمن شرح حال شعرا یا نقل اشعارشان در باره موضوعات زیر بحث
 کرده است .

- ۱ - درذیل نام ابوری در باره تشبیب و نسیب و حسن طلب و مقطع .
- ۲ - درذیل نام حیدری تبریزی در باره مذمت هند ارشعراى ایرانی و اینکه
 خود ایرانیها هم هندی الاصل هستند (چون حضرت آدم اول بسرزمین هند
 نازل شد) .
- ۳ - درذیل نام ستایی تکلودر باره موضوع بر کشیدن شعراء (ص ۷۰-۲۶۹)
- ۴ - درذیل نام صمیر تحقیقی در باره بحور عربی و فارسی (ص ۹-۲۹۸) .
- ۵ - درذیل نام عرفی شیرازی در باره «های مختعی» (ص ۳۲۱) .
- ۶ - در ذیل نام علی سر هندی، در باره قاعده حمل در ماده تاریخ گوئی
 (ص ۳۳۰)

- ۷ - در ذیل نام نعمت خان عالی در باره بواقص شعری (ص ۳۳۸) .
- ۸ - درذیل نام نظامی در باره نوعی از تشبیه که آنرا علمای بدیع هندی ایننا
 الکار گویند (ص ۴۳۱)

سبك انشای مؤلف

سبك انشای مؤلف غالباً نیم مصوع و گاهی بکلی مصوع است مخصوصاً در مقدمه
 و در موقع تعریف شعرا بشرم جمع پرداخته است و گاهی برعایت اسم یا تحلیص شاعر
 حساس آورده است مثلاً

در ذیل نام ابوری حاوری میویسد « استاد فن و یکی از رسل ثلاثه قلمرو

سحن است

و غیره - ۳-۱۷۲۰) تکمله ج ۲ ش ۱۷۸۸ (قرن ۲۱۹) .

۱۱- علیگره ذخیره سبحان اله ص ۶۰ ش ۲۰ (۱۲۶۶هـ) .

۱۲- ایوانو ۲۳۲ (قرن ۱۹م) ذخیره کرزن ۵۹ (۱۲۸۲هـ) .

۱۳- براون - سخ فارسی - ۱۱۵

۱۴- براون دحیره H۲۳ (۲) (شرح حال آصفجاه و غیره)

۱۵- انجم همایونی آسیائی فهرست فارسی ش ۱۱۶ (نیر ش ۱۶۴ و ۱۶۵) .

چاپ

کاپور ۱۸۷۱ و ۱۹۰۰ و منشی نولکشور لکھنو (سال ۹۰)

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به خراشه عامره چاپ لکھنو و کاپور .

تذکرۃ الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست

مؤلف این کتاب را بین سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ هـ تألیف نموده است چون

در صفحه ۹۵ الف سحه اته سال فوت سراح الدیس آرزو را ۱۱۷۰ ذکر کرده

و سپس در ص ۶۶۳ الف درباره میرشمس الدین فقیر (متوفی در ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱ هـ)

مینویسد که وی هنوز در قید حیات است

این تذکره مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» هر حرف در یک حدیقه و هر حدیقه مشتملست

بر سه «گلش» برای ذکر شعرای ۱ - متقدم ۲ - متوسط ۳ - متاخر و گلشن سوم

دو «چمن» دارد چمن اول درد کر شعرای ایران و توران و چمن دوم درد کر شعرای

هندوستان .

این کتاب با «شیخ ابوالحسن حرقانی» شروع میشود و مشتملست بر رد ک

در خوشی سخنان بلند کن جای می
 یارن مفرول سار اشار می مرا
 اینی رحمان کن کلاه رعنا می
 چو بوقلمون گم گشت قایم دارد
 بر نظار گیار سخن و تماشائیان بهمشه دارا این چنین معنی می
 عرو و وثقای آرا دی سده لچری بر این منحص به شفیق اورنگی آذی که ارور
 از دایع غلامی حضرت آراد ملگرا می مدطله العالی بر حین است

اندا

کتاب

۱-۲۰۰. ا. ک. ۳۵۵ م. شود به می ۱۷-۱ نسخه ۱۹۲۲ ش. فوق.

فهرست اسامی شعرا

۱-۲۰۰. ا. ک. ۳۵۵ م. شود به می ۱۷-۱ نسخه ۱۹۲۲ ش. فوق. این نسخه دارای ۹۳۶
 برای نسخه خطی منصف بنوری این کتاب ۱۵ ستون و هر ستون ۳ ستون و هر ستون ۳
 نسخه خطی منصف بنوری این کتاب ۱۵ ستون و هر ستون ۳ ستون و هر ستون ۳

نسخه خطی

(نسخه خطی منصف بنوری این کتاب ۱۵ ستون و هر ستون ۳ ستون و هر ستون ۳)

۱-۲۰۰. ا. ک. ۳۵۵ م. شود به می ۱۷-۱ نسخه ۱۹۲۲ ش. فوق. این نسخه دارای ۹۳۶

۱-۲۰۰. ا. ک. ۳۵۵ م. شود به می ۱۷-۱ نسخه ۱۹۲۲ ش. فوق.

۱-۲۰۰. ا. ک. ۳۵۵ م. شود به می ۱۷-۱ نسخه ۱۹۲۲ ش. فوق. این نسخه دارای ۹۳۶
 سال وفات شیخ خراسانی ۴۵۲۲ هجری قمری ۱۰۵۲ هجری شمسی ۱۶۴۲ میلادی
 ۲۲۰۰ هجری قمری ۱۰۵۲ هجری شمسی ۱۶۴۲ میلادی

157 223

[illegible]

24-11-19

است. | و | یقیناً | یقیناً |

1957

«*تاریخ و جغرافیة ایران*»

• بیست و نهم

مؤلفی تذکرہ «سخنوارانِ بلندفکری» (اردو) میں موجود ہے۔
 مہارتی، نام داشت و مادر آن حضرت مولوی محمد علی صاحب نظام بنوای فرزند علی صاحب نظام بنوای
 ۱۲۱۸ھ (۱۸۰۱ء) فوت کرد۔ ۱۲۰۱ھ و در سال ۱۲۰۱ھ فوت کرد۔
 ملازم بود و دارای منصبی و لقب «دولت چندی» بوده و در سال ۱۲۱۴ھ
 اما این در سیرت نیست چون شفیق تا سال ۱۲۱۴ھ «سلاطین عالم» و
 است در قید حیات بوده است. در ردی حلیہ «گل رعنا» و «صلوات» (خاتم) حیدر آباد
 ۱۲۱۴ھ این احمدی ولی «۱۲۲۳ھ» و «تالیف شفیق متوفی» : «تالیف احمدی» عبارت ریز

صمصام الدوله به منصبی و لقب «دولت چند» سرافراز گردید - وی در اول سال
تخلص داشت و لی در سنه ۱۱۸۶ هـ آزاد بنگامی را «تشمیق» تخلص داد اما
تخلص داشت و «ساح» تخلص داشت و همچنین در شعر فارسی نیز
درود (ارود) (کما فی) (ساحی) تخلص می گشتند و اینها که شعری در بعضی

مؤلف اسم کتابهای زیر را در دیباچه کتاب آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است.

۱- مرآت الخیال تألیف شیرخان لودی .

۲- کلمات الشعرا تألیف سرخوش دهلوی .

۳- همیشه بهار تألیف اخلاص دهلوی .

۴- حیات الشعرا تألیف محمدعلی خان کشمیری .

۵- ریاض الشعرا تألیف واله داعستانی

۶- تذکره خوشگو (فصل ثالث)

۷- مجمع العایس تألیف سراج الدین آرزو .

۸ و ۱۰- ید بیضا و سروآراد و حرافه عامره تألیف آزاد بلگرامی .

۱۱- تذکره بی نظیر تألیف میر عبدالوهاب دولت آبادی

۱۲- مردم دیده تألیف عبدالحکیم حاکم لاهوری

این تذکره مشتمل است بر . . . (۹) شاعر فارسی هدا اعم از اینکه احداث آنها از

ایران آمده مقیم هند شدند یا اصلاً اهل هندوستان بودند و مشتمل است بر دو فصل

فصل اول شامل ذکر شعرای مسلمان است که با «میر غلام علی آزاد» شروع شده یا

«میریوسف بلگرامی» تمام میشود و **فصل دوم** شامل ذکر شعرای هندو است و

با «اچلداس» شروع شده با «هنر (گیان رای)» تمام میشود .

شرح حال آزاد خیلی مفصل و تقریباً ارسایر شعرا معصل تراس است و همچنین

شرح حال اکبر تقریباً در ۴۸ ص آمده است که ارسایرین معصل تراس است.

اشعار و شرح حال عده زیادی از شعرا را معصل آورده است و گاهی مختصر

ولی جامع و حاوی اطلاعات مفیدی میباشد

اشعار بعضی شعراء را با اشعار دیگران مقایسه نموده است مثلاً در ذیل نام

«وارسته سیالکوٹی» اشعارش را با اشعار حاکم و حافظ مقایسه نموده است.

۱۹۳۳-۳۴ به ایشترنگ

شروع شود ، حومه است ، آهسته آهسته در « تهمه » ۲۰ شاعر که در

۵- ۳۵ اوناوینا

(۲۱۹۶۱۹ - قریب - تهمه دارد - ۴۸۰ ص ۶ به یکی با یکی)

۳- ۱۱۳۱۳ (مورخ ۱۱۳۱۳)

۲- ۱۱۸ (مطابق ۱۱۸)

۱- ۱۲۲ (ایشترنگ)

نسخ خطی

میشد .

این کتاب را مؤلف بعنوان تکمله « محمد السامی » آرد و تألیف کرده است .
و در دیل تهمه شریح حال و نحوه اشعار بیشتر شاعر معاصر را که در تهمه
و در دیل تهمه شریح حال و نحوه اشعار بیشتر شاعر معاصر را که در تهمه
و در دیل تهمه شریح حال و نحوه اشعار بیشتر شاعر معاصر را که در تهمه

برخاسته از آنرا « یوسف علیخان » میگوید

این کتاب تکمله است و مؤلف میگوید « حقیقه الصفا » اثر « یوسف علیخان »
مؤلف تألیف این کتاب را در مرداد ۱۳۸۵ سال ۱۳۸۵

تیمور کتاب

اسم مؤلف یوسف علیخان و اسم پدرش یوسف علیخان است .

مؤلف

یوسف علیخان

مجموعه عشق

یا «چهار چمن» یا «باغ گل‌های حسن»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب شیخ غلام محی‌الدین قریشی میرتهی است که اول مبتلا تخلص میکرد و بعد تخلص عشق را اختیار کرد. پدرش شیخ نعمت‌الله متخلص به «نعمی» بود و عشق بسن دوازده سالگی در تدوین دیوان قطور پدر خود کمک کرد. عشق دوق شعر را از پدر بارث برده بود و خودش بیر دیوانی ترتیب داده که در آن دیوان مبتلا تخلص آورده است. عشق با وجودیکه اکثر اوقات خود را در تیراندازی صرف میکرد ولی هیچگاه در موقع بیکاری از مطالعه کتب مختلفه غافل نمیشده وقتی که شاه‌عالم (۱۱۷۳-۱۲۰۲ هـ) از یشه (ط اراله آباد) به دهلی رفت (در ۱۱۸۵ هـ) وی بایکی از درباریان پادشاه مرپور دوست شد که لقب وی نواب نجف‌خان واسمش ابراهیم بیگ و تخلص وی عالم بود و به پیشنهاد نواب نجف‌خان مرپور عشق دیوانی دیگر ترتیب داد و در دیوان مرپور تخلص عشق را اختیار کرده است و همچنین عشق برمایش صحن خان مشوی و سون عشق را که داستان «شاهرخ و ماهرخ» را بیان میکند سرود

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- مجموعه عشق - تذکره مورد بحث
- ۲- دو دیوان فارسی «تخلص مبتلا و عشق»
- ۳- مشوی «فسون عشق» (در بیان داستان شاهرخ و ماهرخ).

۵- نسخه سرائر در تاریخ گوئی

۶- بحارالتشريح- تأليف سال ۱۲۲۰ هـ

۷- عشیات العشق در باره تصوف تأليف ۱۲۲۰ هـ

۸- طبقات سخن- تذکره ديگر فارسی و اردو .

«مجموعه عشق» يا «چهارچمن» يا «باغ گلهاي حسن» تذکره فارسی است که ۱۲۸۰ صفحه دارد (رحوع سود به اشپرنگر). مؤلف اين کتاب را سال ۱۱۸۲ هـ تأليف نموده است. چنانکه نام اين کتاب «باغ گلهاي حسن» از روی احمد ميرساند

نسخه خطی

برای نسخه منحصر به فرد این تذکره رحوع شود به فهرست علیگره سخن الله ص ۵۳ ش ۸ .

برای شرح حال مؤلف رحوع شود به طبقات سخن تحت عشق و مبتلا و مجموعه نعرج ۱ ص ۴۰۱ و اشپرنگر ص ۱۸۷ و استوری ص ۴- ۸۸۳ فهرست اسامي شعرا در هيچ کتاب ذکر نشده است

لب لباب

ابتدا

حمدي ميره اروس صبا اعطاع سراي نار گاه کليمي است که انه تذکره للمتعر
.. کلام ..

مؤلف

اسم مؤلف قمرالدين علي بن ذياء الله الحسني الباصري است

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۲ رح ۱۱۹۴ هـ برای آقای رچارد حاسن^۱

ترتیب داده است .

این تذکره اصلاً خلاصه تذکره « ریاض الشعراء » است و تقریباً نام تمام شعرائی که در ریاض آمده است در این تذکره بزرگ شده است اما با این فرق که شرح حال شعراء و نمونه اشعارشان در تذکره اخیر سبباً مختصر آمده است .
 باوجود اینکه این کتاب اساساً خلاصه « ریاض الشعراء » میباشد اما مؤلف آن بعضی مطالب حاشیه را در این کتاب افزوده است که در تذکره « ریاض الشعراء » بوده و از این حیث این کتاب دارای اهمیت و ارزش بیشتری از « خلاصه ریاض الشعراء » میباشد .

ذکر شعراء در این کتاب نیز مانند ریاض الشعراء به ترتیب الفبا آمده است اما بر خلاف ریاض الشعراء که با « شیخ ابوالحسن حرقانی » شروع میشود این تذکره با ذکر « شیخ ابوسعید بن ابوالحیر » آغاز میگردد .

نسخه خطی

اتر ش ۶۹۵ (مورخ ۱۱۹۴ هـ دارای ۲۳۶ برگ و صفحه‌ای ۱۵ سطر بخط

شکسته)

فهرست اسامی شعراء

در هیچ کتب دیگر سده است

انیس الاحبا

انتدا

«ستایش بی حد و بیایش لاتعد سخن آفرینی را که بنعمه کاف و بون چندین زمره
گوناگون بر آورده و بمصداق کلمه فیکون هژده (هیجده) هزار عالم را ناطوار
بوقلمون ظاهر کرده».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره موهن لعل متخلص به انیس اسب . اسم پدرش رای
تولارام است که قامونگوی پرگه گویامو درس کار حیر آباد بوده است . مؤلف
هندوی کایسته بود اسم حدانیس دیوان اودهیراج بود . انیس ارشاگردان میرا
محمد فاخر مکین بود و در موقع تألیف این تذکره نیش ار پنجاه سال بود که
در خدمت حویلی لکهنومصاف صوبه نصر نگر اود خدمت میکرد^۱

تصیره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۹۷ هـ نوشته است . چنانکه قطعه زیر که در حاتم

کتاب آورده اسب میر ساد

این نسخه کهرشک باع بی سعی حلّیس
سالش ر چمن طرار دانش حستّم
چون صاحب انیس ار گل شعر نفیس
فی الفور بگفت این بود باغ انیس
(= ۱۱۹۷ هـ)

۱- مؤلف در این تذکره همین قدر شرح حال خودش را آورده است و سپس
در چندین صفحه پشت سر هم عباراتی بسک مصبوع آورده است که مبنی و مطهر شکسته بعضی
مؤلف میباشد اما هیچ اطلاعی را درباره زندگی وی نمیسازد و بکلی بیحد و بی فائده

نورعلی واصلی» است و **باب دوم** شامل ذکرشش شاعر هندو است که اولشان برای سروپ سنگه دیوانه و آخرشان «موهن لعل ایس (مؤلف)» میباشد. علاوه بر این مؤلف در حاتم مذکور یازده شاعر را آورده است که آنها شاگردان مکین بودند و اولشان «محمد حسن» و آخرشان «دیبی پرشاد سایل» است^۱

ترتیب نسخه اشپرنگر ماسح نانکی پور و مجلس فرق دارد و ترتیب نسخ اخیر الذکر بدین قرار است^۲

افتتاح درد کر حال و اشعار میرزا عظیمای اکسیر اصفهانی استاد میرزا فاحر مکین.

فتح الباب درد کر حال و اشعار میرزا فاحر مکین

فصل «در بیان احوال و افکار مستعیدان آنجاب که محلی به پیرایه اسلامند» و شامل ذکر سی و یک شاعر مسلمان از شاگردان مکین است که اولشان «شاه عالم پادشاه متخلص به آفتاب» و آخرشان «میر نورعلی متخلص به و صلی» است

فصله «درد کر احوال و اشعار شاگردانی که از فرقه همد زیت بخش کلامند» و شامل ذکر شش شاعر هندو از شاگردان فاحر مکین است که اولشان «رأی سرب سکه دیوانه» و آخرشان «موهن لعل متخلص به ایس (مؤلف)» میباشد

احتتام «محتویست ماحوال و افکار شاگردان مسلمین تلامذه آنجاب» و شامل ذکر سی و شش مسلمان است که شاگردان فاحر مکین بوده اند و اول آنها «حواجه محمد حسن حسن» و آخر آنها «میرزا ابراهیم بیگ متخلص به دوست» میباشد

و در **حسن حاتم** «مدکور است احوال و اشعار تلامذه همد شاگردان فیض-

۱- ر ک نسخه اشپرنگر ق ۳۳

۲- همچنین ر ک نسخه دیو ح ۱ ص ۳۷۷ الی که در ۱۲۳۵ هـ مآتمام رسیده است و اضافه های زیادی دارد چنانکه در فصل پنجاه شاعر و در فاصله دوازده و در احتتام یازده و در حسن حاتم هیجده شاعر دارد و نسخه آن در ۱۲۳۷ هـ نوشته شده است

مآب» و مشتمل بر دگرشش شاعر هندو است که شاگردش گردان فاخر مکی بود سده اول آنها «خوشحال چند عریان» و آخرشان «لاله داتارای متخلص به رفیق» است مؤلف اشعار و شرح حال شعرائی را که در اول در زمره شاگردان مکی بودند اما بعداً از گرفتن اصلاح از او دست کشیدند در این تذکره بیاورده است چنانکه خودش در مقدمه کتاب باین موضوع اشاره میکند

«ذکر اشخاصی که دل صاف نداشتند و بعد از گرفتن اص ۷ ح سخن خود را از این دولت محروم گذاشتند بسد خاطر بیفتاد و قلم انصاف رقم آنها را در این صفحه (صحیفه) حان داد»

مؤلف در این تذکره هیچ حاسی نکرده اسب اطلاعات مهمی را ح جمع پر بد گانی شعرا را که خود با آنان از بر دیک معاشریامعاصر بوده نویسد و حتی سال تولد و وفات عظیمای اکسیر اصعبانی و سال ولادت فاخر مکی استاد خود را هم ذکر نکرده است.

در سرتاسر کتاب تنها در دیل تمام شعرای ریر سالها را ست کرده اسب که به بعضی وقایع بد گانی آنان اشاره میکند

در دیل نام «محب» میویسد «در سه ۱۱۸۸ هـ ۰۰۰ بلکنو رسید».

«فایص» «در سه ۱۱۹ هـ ۰۰۰ این رباعی را در مدح گفته»

«بیمر» «در سه ۱۱۸۰ هـ ۰۰۰ ترک تعلق (از دنیا) نموده»

همچین در دیل نام شعرای ریر اساره هائی بد بعضی وقایع تاریخی نموده است که از آن میتوان سال تقریبی آن واقعه را بدست آورد

در دیل نام ساکر میویسد «بعد از هگمه احمد شاه بدالی در ۰۰۰ بلکنو رسید»

گ ید

محل میرزا محمدی حرملی در ۱۳ ص و میرزا عظیمی اکسر ص ۱۱ ص

را (در ۳ ص) از همه معصل

همچین اشعار مستحب خود در ۱۳ ص و میرزا محمدی حرملی ۱۱ ص

از همه مفصل‌تر آورده است.

هم چنین اشعار شعرای ریر رائیر نسبة مفصل آورده است.

لطف علیخان باطوق (در ۴ ص) حسن علیخان دهین و عنایت بیگ ساکن وینحان
رای والی (هر کدام در ۵ ص) و برهان علیخان رهین (در ۶ ص) و محمد جعفر خان راغب
(در ۷ صفحه)

مؤلف در مقدمه این کتاب دوا دعا کرده است اما هر دورا در تألیف این کتاب
رعایت نکرده^۱

۱- ادعای اول مؤلف راحع سیک خود است. مؤلف میگوید: «دل از تکلفات
عبارت مشیانه و اشارات حریفانه و طریفانه پرداختم (حالی کردم) که مراد ادای
مطلب است نه اظهار ادب و غیر ادب»

اما متأسفانه سیک اشای مؤلف در این کتاب با ندازه‌ای پر تکلف و پر بصع
اسب که غالباً در ردیل شرح حال شعرا اطناب بیخود و عبارت پردازی بی معنی جای مطالب
لارم را گرفته است و بارزترین دلیل آن شرح حال خود مؤلف است در ردیل نام ایس که
بعلت همین عبارت پردازی و تصع هیچ اطلاعی در باره سال ولادت و تحصیلات و خدمات
و غیره مؤلف را بهم میرساند

۲- ادعای دوم مؤلف راحع به عدم مبالغه و اغراق است چنانکه خودش میگوید:
«این هیچمدان که چین شعل (را) پیش گرفته محص برای تدکار دوستانست و
سیک دوشی خود ارحقوق ایشان احوال هر یک بی کم و کاست نگاشته و هر گر رعایت
طرف دوستی منظور نداشته و در این امر معاف و معذور است که تکلف و مبالغه از دیانت و
راستی دور است»

اما اکثر شعراء را که اشعار بسیاری از آنها بی اهمیت و ارزش میباشد بالقاب
پر تکلفی یاد کرده است مخصوصاً در ردیل نام میرزا عطیمای اکسیر اصفهانی و میرزا
محمد فاحر مکی در آوردن القاب و تعریف باین اندازه مبالغه ورزیده است که از آن
عبارات غیر ارتکلف و تعریف بیخود و بیحیث مقصود و منظور دیگری پیدایست همچنین

در تعریف شعرای دیگر نیز خیلی غلو کرده و اکثر تعریف آنها اغراق آمیز است. با اسم و تخلص هر شاعر بعضی القاب در تعریف وی بنثر مسجع آورده است مانند: «والا دوده ان شمع شستان فضل و کمال و گل سرسند دولت و اقبال کمال آئین محمد برهان علیخان رهس».

«بزرگی شعار عالی تبار صاحبزادی صائب محمد جعفر حار راغب».

سلک اشای مؤلف در دیل نام اکثر شعرا پر تکلف و مصوع است و مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف اشعرا تصع بیشتری بچشم میخورد. نثر مصنوع این تذکره آئینه دوق مشکل پسندی آن دوره می باشد.

هم چنین اشعار منتخب این تذکره بیرمودار دوق آن زمان است و رویهم رفته

ند

این تذکره کوچک مشتملست بر ذکر بعضی شعرائی که در تذکره های دیگر اسامی آنان یافت نمیشود. مؤلف احوال و نمونه آثار شاگردان استاد خود فاخر مکین و شاگرد شاگردان وی را در این تذکره جمع آوری نموده است و شعرای خوب را از بین آنان انتخاب کرده و در نتیجه بعضی شعرای متدی و قاره کار را نیز در این تذکره ذکر نموده است. هم چنین چون در ترتیب این تذکره نظر و منظوری داشته و آن جمع آوری اشعار استاد خود و شاگردان او بوده ما بر این هیچ حاحر خوبی و تعریف اسم آنها را برده و هیچ وقت بر اشعار آنان استناد نموده است.

سخ خطی

۱- اشبرنگر ش ۳۳

۲- ریو ج ۱ ص ۳۷۶ الف (مورخ قرن ۱۸ - طاهر آ نه خط مؤلف یا نا تجدید نظر مؤلف) ص ۳۷۷ الف (نا تجدید نظر و اصفهائی - آغاز در ۱۲۰۹ هـ و اتمام در ۱۲۳۵ هـ) ناینجاه ساعدر در فصل ۱۲ و در فاصله ۱۱ و در احتتم و ۱۸ در حسن حاتم -

(مورخ ۱۲۳۷ هـ)

۳- برلن

۴- بانکی پور ح ۸ ش ۷۰۳ (قرن ۱۹ م)

۵- مجلس تهران (= کتبخانه شخصی استاد سعید نفیسی در تهران).

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به انیس الاحیاء و نایح الافکار (امام بیچ جا شرح حال مفصل وی بیامده است)

فهرست اسامی

نسخه اول (مورخ ۱۱۹۷ هـ) رجوع شود به اشپرنگر ص ۳-۱۶۲.



حلاصة الكلام

ابتدا

« تعالی اله ما قاصر فهمان کوتاه بیان را چه یارا که ربان بحمد و ثنای متکلم
بی ربان تو انیم گشود و دات بی شان مدد کون و مکان را که بهم وادراک و عبارت
در نگجد دانیم ستود »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره علی ابراهیم حان و تحلیص وی حلیل^۱ والقباب
او بواب امین الدوله عزیر الملک حان بهادر ناصر جنگ اسب و سلسله نسبش
به دوا رده واسطه به شیخ شمس الدین فریاد رس لودی میرسد که در زمان مخدوم اشرف
حبابگیر کچه چهاوی وارد هندوستان گردیده در تصوف شاگرد و مرید مخدوم مر بور
بود شیخ فریاد رس در ۷۹۰ هجری فوت کرد و مرازش در ضلع (شهرستان) فیص آباد
در شمال غربی دریاچه ایتوه زیارت گاه خاص و عام اسب

۱- دکتر روردر حاشیه مقدمه « گلشن هده » تحلیص علی ابراهیم حان حلیل را « علی » نوشته

است که درست نیست

یکی از اجداد خلیل بنام منجهوشید که نسبش در پشت پنجم به شیخ فریادرس میرسد موقعیکه از اود بجات بهار میرفت بعضی از کهار وی راشید کردند. خانم او پهلوی بی و دو پسر او بنام شیخ مصطفی و شیخ جنید به صوبه (استان) بهار رفته در قصبه شیخ پوره (یا شیخ پوره) در ضلع (شهرستان) مونگیر اقامت گزیدند. بعد از وفات شیخ مصطفی اولاد او خلاف وی در عظیم آباد (پتنه) متوطن گشتند و در محله های دونی گهات و غیره سکونت گزیدند شیخ محمد رضا پندر خلیل هم از اولاد شیخ مصطفی مزبور بود. خلیل در حدود ۱۱۴۸ هـ در عظیم آباد (پتنه)^۱ متولد شد قاضی عبدالودود در مقدمه دیوان رضا میوید در مقدمه دیوان خوش آموه است که خانواده مادری مصطفی تدکره (گلزار ابراهیم) از عظیم آباد بود اما صاحب اینست که مولوی نصیر حد مادی علی ابراهیم خلیل اهل شیخ پوره بوده و بعد از مراجعت از ایران در عظیم آباد رحل اقامت افکند. (رجوع شونده سیر المتأخرین چاپ نولکشور لکهنو ص ۶۱۱).

اسم پدر خلیل خواجه عبدالحکیم بود خلیل هجده ساله بود که از سایه پدر محروم گشت و کار تعلیم و تربیت وی بعهده داود علی خان عرف زایر حسین خان دائی او محول شد و خلیل در اول کتب عربی و فارسی را نزد وی خواند. وی طبیعه شاعر بود و از کودکی منقبت و مرثیه های ائمه را میسرود. از این جا پیداست که وی مذهب شیعه داشت

در ۱۱۶۱ هـ (مطابق ۱۷۴۸ م) داود علی خان بقصد حج و زیارت عتبات عالیه عارم کلکته شد. چون آنجا رسید مدتی در شهر کلکته توقف نمود. آنجا نواب علی وردی خان مهات، جنگ دوست قدیمی وی ناظم ننگاله و بهارواریه^۲ بود. داود علی خان ابراهیم خان خلیل را که همراه خود بکلکته آورده بود به علی وردی خان مرزور سپرد و خلیل تحصیلات خود را در مرشد آباد پایان رسانید.

۱- شیخ پوره ضلع مونگیر ر ک «بهارمین اردو زبان و ادب کارتا ۱۸۵۷ تک»

زبان اردو اردو دکتر اختر اورپوی چاپ پتنه ۱۹۵۷ م.

۲- اسم صوبه (استان) هندوستان

در ۱۱۷۴ هـ (مطابق ۱۷۶۱ م) موقعیکه انگلیسها میر جعفر را معرول کرده و میر قاسم را بر مسند نظامت (بنگال) نشاندند میر قاسم مزبور حلیل را بعنوان مشیر خود انتخاب نمود و بداروغگی «داغ و صحیحه» مأمور کرد. دکتر اختر اورینوی^۱ مینویسد که خلیل وزیر نواب میر قاسم علی خان عالیجاه بوده و مدتی صوبه دار (استاندار) عظیم آباد (پتنه) و نایب ناظم آنجا بود. بعد از اینکه دوره «عالیجاه» سپری شد از نواب اود شجاع الدوله جدا شد و مرشد آباد رفت.

سپس تا مدتی خلیل در گوشه عزلت و انزوا سر برد تا اینکه در ۱۱۷۷ هـ (مطابق ۱۷۶۳ م) بعد از فوت میر جعفر انگلیسها بجم الدوله را بر مسند نظامت (بنگال) نشاندند و نواب مظفر جنگ محمد رضا خان بهادر را نایب مدارالمهام او مقرر کردند مظفر جنگ مزبور حلیل را برای نیابت خود و سمت امانت انتخاب نمود. اما چون در سه ۱۱۸۳ هـ (مطابق ۱۷۶۹ م) مبارک الدوله پسر یلجمین میر جعفر بر مسند نظامت حلوس کرد خلیل با او توافق نظر نداشت و بالاخره مجبور باستعفا شد.

در مدت ۱۱۸۳ هـ تا ۱۱۹۴ هـ حلیل اوقات خود را بیشتر در مشاغل ادبی و کار تصنیف و تألیف صرف میکرد. در ۱۱۹۵ هـ (مطابق ۱۷۸۰ م) لرد وارن هیستنگر^۲ گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان که از رفقای حلیل بود او را همراه خود به لکنهو برده به نواب آصف الدوله بهادر نواب وزیر او در (۱۱۸۹-۱۲۱۲ هـ) معرفی کرد و نواب او را خلعت فاخر عطا کرد. سپس در ۱۱۹۶ هـ شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) حلیل را لقب «امین الدوله عریر الملک نصیر جنگ» عطا کرد و وی را حاگیری بیر بحشید

در ۱۲۰۶ هـ (مطابق ۱۷۹۱ م) حلیل از طرف کمپانی هند شرقی بتوصیه و پیشهاد

۱- ر. ک. بهارمیس اردو زبان و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ تک» بریاں اردو اردو دکتر اختر

اورینوی چاپ پتنه ۱۹۵۷ م.

۲- لرد وارن هیستنگر (Lord Warren Hastings) در سال ۱۱۸۶ تا ۱۲۰۰ هـ

از طرف کمپانی هند شرقی گورنر جنرال (فرمانروای کل) هندوستان بود.

۵ - وقایع جنگ صحره - کتابیست درباره جنگ صحره ها که در بین ۱۱۷۱ و ۱۱۹۱ هـ روی داد و خلیل این کتاب را در زمان لرد کارنوالس در ۱۲۰۱ هـ تألیف نموده است و سرگرد فلر آنرا از زبان انگلیسی ترجمه کرده است .

۶ - رساله از راجع بشورش راجه چیت سنگه که حاکم بنارس بوده اما چون خلیل بقول خودش یکی از خیر خواهان کمپانی انگلیسی بود بنا بر این مطالب این کتاب را نمیتوان خالی از تعصب و عرض شمرد .

۷ - مکتب - مجموعه ای از نامه های خلیل در موزه بریتانیا موجود است که بعضی وقایع سیاسی زمانه ولف را روشن میسازد .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در سال شانزدهم حلوس شاه عالم مطابق ۱۱۸۷ هـ آغاز و در سال بیست و هفتم حلوس شاه عالم مطابق ۱۹۸ هـ با تمام رسانیده است در تألیف این کتاب کتابهای دیل مورد استعاده مؤلف قرار گرفته است

۱ - تذکره دولتشاه

۲ - خلاصه الاشعار (و رده افکار)

۳ - مآثر رحیمی

۴ - تذکره طاهر بصر آبادی

۵ - عرفات العاشقین

۶ - تذکره ناطم تمریزی

۷ - کلمات الشعرا

۸ - مجمع النعایس

۹ - ریاض الشعرا

۱۰ - تذکره شیخ علی حرین

۱۱ - سرو آر د

۱۲ - نفحات الاسی حامی

۱۳ - تقایس المآثر

این تذکره مشتمل است بر ذکر احوال و اشعار هفتاد و هشت شاعر ترتیب العبا از روی حروف ایل اسمیات تحلیص شاعر در دو جلد و حلد اول آن با «استاد الشعرا حکیم اسدی طوسی» شروع شده با «حمال الدین صمیری» تمام میشود و حلد دوم آن با «ملا طعراي مشهدی» شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود و شامل ذکر شعرائیست که

ساده و غیر مصنوع است. البته گاهی در موقع تعریف و توصیف شعرا اثر مصنوع و حتی گاهی مسجع را بکار برده است مانند «ملاطعرای مشهدی». طغرای منشور سخنوری و سر لوح دیوان نکته پروری».

رویه هر فته این کتاب در موضوع خود خیلی مهم و با ارزش است. تنها تذکره های دیگر که در باره قسمی اراقسام مثنوی نوشته شده است یکی میخانه است که تنها در باره «ساقی نامه» می باشد و دیگر «هفت آسمان» که در باره مثنوی گویا است اما حیث که تنها يك «آسمان» آن که مشتمل بر ذکر تنها يك نوع اراپواع مثنوی می باشد بطبع رسیده است و آسمانهای دیگر که مشتمل بر شش نوع دیگر مثنوی بوده ظاهراً تمام نشده و هیچ وقت چاپ شده است.

نسخ خطی

۱- بانکی پور ج ۸ ش ۵-۷۰۴ (این نسخه در دو جلد است. جلد اول آن ناقص الاخر است و با «اسدی» شروع شده با امیر خسرو «تمام میشود ولی جلد دوم آن کاملست و با «ملاطعرای مشهدی» شروع شده با «میریحی کاشی» تمام میشود و هم چنین جلد اول بعضی اشعار «شیرین خسرو» امیر خسرو و ذکر شعرائی از حرف «دال تا صاد» را کسر دارد) و ش ۷۰۶ (شرح حال شعراء را ندارد مورخ قرن ۱۹ میلادی).

۲- بادلین ۳۹۰ (مورخ ۱۲۴۶ هـ)

۳- لندریا نا ص ۱۷۷ ش ۳۱۸ (مورخ تقریباً ۱۷۹۰ م)

برای شرح حال مولف رجوع شود به تذکره گلشن همد (که در حاشیه مقدمه آن دکتر محی الدین دور شرح حال و آثار خلیل را بریان اردو نوشته است) و تاریخ شعرای بهار تالیف عربی الدین بلخی و سیر المتأخرین چاپ بولکشور ص ۶۱۱ و «بهار میں از ورید و ادب کا ارتقا ۱۸۵۷ء تک» (تحول و تکامل زبان و ادب اردو در پارتا - ۱۸۵۷ میلادی) با دو تألیف کترسید احمد احترا و رینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پته چاپ پته مارس ۱۹۵۷ میلادی ص ۶ - ۳۲۴ و مسیود تاسی.

تذکر

اکثر مطالعات را جمع بشرح حال علی ابراهیم خان خلیل را آقای پروفیسور سید حسن استاد زبان فارسی در مؤسسه تحقیق فارسی و عربی بهار (پتنه) هندوستان بعد از پرسش و تفتیش و تحقیق از خانواده جلیل و رفقای بزرگ خلیل و منابع معتبر دیگر بدست آورده و با کمال لطف برای نگارنده این رساله ارسال فرموده و نگارنده از این زحمت و احسان و همکاری پروفیسور دانشمند بسیار ممنون است.

رای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به مادلین ش ۳۹۰ - نوهای ۲۹۵ - ۳۰۲ و بابکی پور ج ۸ ص ۱۳۸ - ۱۴۶ (عیر از حروف «د» الی «ص»)

عقد ثریا

ابتدا

اول که زبان سلسله جنبای کرد
از دلسله طره سخن زایی کرد

بعد که حمد و حمدان
در دهر و منقب خوانی کرد

طایر تیر پروهم و خیال انسان سست نیس
را چه یازا که باوح هوای محمدتو

تمای ماری عراسمه نال پرواز تو اند
گسود و مرغ آسمان سیر اندیشه آدمی حاکی نثارا

چیه طاقت که بعوت تیر پری و بلند پروای
ادراک خود را رهبر اشین عنقای معروف

تواند نمود

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره تنبیح علامه همدانی متخلص به مصحفی است و اسم پدر

ولی محمد بن درویش محمد است. وطن آبائی او امروها^۱ (هندوستان) و مولدش هم امروهاست^۲. مولانا حسرت موهانی در تذکره خود ولادت مصحفی را در سال ۱۱۶۶هـ نوشته است ولی مصحفی در «ریاض الفصحاء» (تذکره شعرای ارد) در ذیل شرح حال خود مینویسد که سوی در آنوقت هشتاد سال بود و تألیف تذکره مذکور را در سال ۱۲۲۱هـ آغاز و در سال ۱۲۳۶هـ تمام کرده است بدیجهت سال ولادتش میان سالهای ۱۱۴۱ و ۱۱۵۶هـ اتفاق افتاده است هم چنین چون مصحفی بر وایب شیفته در ۱۲۴۰هـ در ۸۴ سالگی فوت کرده اسب بنا بر این سال تولد وی ۱۱۴۶هـ میباشد.

تحصیلات معلماتی وی در امروها و تکمیل تحصیلات نظم و نثر بسن سی سالگی در دهلی صورت گرفت. در آخر عمر قرآن و تفسیر و ادبیات عربی را فرا گرفت و علم عروض و قافیه را از کلام و اشعار استادان سخن یاد گرفت.

مصحفی در عنوان شباب (در حدود ۱۹۰۰هـ) بدهلی رفت و آموزش وی هماجا صورت گرفت. در دهلی در مجالس مشاعره^۳ شرکت میکرد و شعرای معروف آنوقت در منزل مصحفی بیر جمع میشدند وی دهلی دوازده سال بار و شعر میسرود ولی قل را این بیشتر مایل شعر فارسی بود

چون اوضاع دهلی مشوش شد مصحفی شهر تانده رفت و از آنجا در حدود ۱۲۰۱هـ به لکهنوم جرت نمود و در آن شهر در حدود سال ۱۲۰۲هـ بوسیله میرانشا وارد دربار صاحب عالم شد که دربار وی در آن ایام مرکز شعر و سخن بود. بقول گارس دتاسی مری مصحفی شاهزاده سلیمان شکوه پسر دوم شاه عالم نانی بوده است.

۱- در ۲۰ میلی شمال شهر مراد آباد

- ۲- بقول گرهام بیلی وی اصلا امروها بود ولی در جوانی بدهلی رفت و آنجا را وطن خود می گفت. بروایت گارس دتاسی وی در لکهنوم متولد شد و بقول سکینه وی در اکبرپور متولد شد اما دو محل باین نام مشهور است یکی بربک شهر فیض آباد و دیگر بربک کاپور. بقول شیفته وی در دهلی متولد شد اما قول گرهام بیلی صحیح است و دیگران اشتباه کرده اند
- ۳- مشاعره مجلس ادبی را میگویند که در آن شعرا سر میخوانند و هورم در هندوستان و پاکستان حبیبی مجالس ادبی معمول است.

مؤلف «تذکرہ گلشن ہند» (اردو) میونسپل «فلاک» ۱۲۱۵ء است چہارده سال است کہ اوقات خود را در لکھنؤ بسر میبرد ، سبب معاش آنجا ارمدتی صیب اہل کمال است و ہمین طور حال این غریب ہم در ہم بر ہم است» (ترجمہ از اردو) ' در تذکرہ «نتایج الافکار» سال فوت مصحفی ۱۲۵۰ء ذکر شدہ اس
شیفہ در تذکرہ خود مینویسد کہ در سال اس کہ مصحفی فوت کردہ و تذکرہ شیفہ در سال ۱۲۵۰ء تالیف شدہ اس و ناس این سال وفات مصحفی ۱۲۴۰ء اس
وفات وی سن ۸۴ سالگی در لکھنؤ اتفاق افتاد «در شمع انجمن» ہم ہمین سال ذکر شدہ است.

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار اس

- ۱- تذکرہ ہندی گویان کہ سال ۱۲۰۹ء تالیف کردہ است برای سح آن رجوع شود بہ اشیر نگر ص ۴۷ = ایوانودیل اول ۷۶۹) (۱۲۱۹ء) و ریو ح ۱ ص ۳۷۸ الف (اواخر قرن ۱۸) و بانکی پور ح ۸ ش ۱۷۱۰ (۱۲۲۸ء) چاپ در اورنگ آباد از طرف اصحن ترقی اردو با ہتمام و تصحیح مولوی عبدالحق.
- ۲- ریاض الصحا - تالیف آن در ۱۲۲۱ء آغاز و در ۱۲۳۶ء تمام شد تذکرہ محتصر ص ۳۰۵ شاعر اردو اس چاپ در اورنگ آباد از طرف اصحن ترقی اردو (ش ۷۷)
- ۳- خلاصۃ العروس - رسالہ ایست در عروس
- ۴- معید الشعرا - رسالہ ایست در اصطلاحات فارسی
- ۵- دودیوان فارسی - یکی از آنہا کہ در حوا بطیری بود تمام ما د
- ۶- سہ ایا بقول بعضی (حم زدیوان اردو

۱- ذرہ گلشن ہند چاپ علیگرہ ص ۲۲۷-۲۲۸

- ۲- بقول اشیر نگر چہار دیوان ' در آن حملہ یکی سحہ حر کبویں دیوان فارسی است کہ سبک شعر ناصر علی و یکی دیگر ضرر حلال اسیر سرودہ است اما عندالمقتدر در فہرست بانکی پور) میگوید کہ مصحفی تنہا یک دیوان سبک حلال اسیر و ناصر علی دارد

و با «اجب» شروع شده با «یوسف» تمام میشود

این تذکره بسیار مختصر است و در ذیل نام اکثر شعرا مؤلف تنها شرح حالشان را نقل کرد ولی هیچ شعری از آنان نیاورده است اما از اجب و آصف و اکثر و امین و بیاهی و پروانه و شاه پنچا و توفیق و ثابت و قاسم و محیط و الوهادی هر کدام یک بیت و از باسطی و هاتقی هر کدام یک مصرع و از آزاد و بیدار و شهاب و بیت و از آگاه و فغان و مظهر سه بیت و از مجید یک رباعی و از واصل یک بیت و یک رباعی و از حاتم ۸ بیت نقل کرده است.

مؤلف حتی اشعاری از خود هم بعد از شرح حال خود نیاورده است اما در ذیل نام مظهر و حاتم قطعه‌های فوت را آورده که خودش سروده و بترتیب مشتمل است بر ۱۰ و ۴ بیت.

همچنین در ذیل نام شعرای زیر تنها در چند کلمه آنها را معرفی کرده اما هیچ شعری از آنها نیاورده است: ذهین و سوز و سرور و صوح و ضیاء و طیب و کاشف و مسرور نیازی و وفا.

در حاتم کتاب از مولوی فخرالدین و میر محمد حسین لندی از هر کدام یک بیت نقل کرده اما شرح حالشان را اصلاً نیاورده است. سبک انشای مؤلف در اکثر موارد غیر مصنوع است اما عالماً کلمات مشکل را بکار برده است.

رو به مر فته این تذکره ماسدی تقریباً بی ارزش و بی اهمیت است چون مؤلف به شرح حال شعرا را در این تذکره معصلاً آورده است و نه انتخاب از اشعار آنها را معصلاً نقل کرده است و چنانکه خودش در ذیل سب تألیف اعتراف نموده است اکثر مطالب این تذکره را از ریاض قتیل برداشته اما خودش حتی در نوشتن ترح حال شعرائی که معاصروی بودند و بنا بر این وی طاهر آنا بسیاری از آن‌ها بوده هیچ رحمت نکشیده است. بطر ملاحظات فوق این کتاب را باید «سعیه» نامید که آن هم با تمام مانده است چون گاهی مؤلف تنها نقل اشعار و گاهی بقل شرح حال

اسم مولیٰ محمد علی بن موسیٰ و جدایی را
و اسم پدری قوی است

ਭਾਗ 2 ਦਾ ਅੰਤ

مہر تپسہ لکھنؤ ۱۳۵۱

۱۹۳۳ء کی یاد اور حیات خاتون شہیدہ - اسی سال ہی اس کی وفات ہوئی

ကိုးကွယ်ရန် ၂၁၈၂-၀၈၇

[illegible][illegible]

۱۹۵۰ | اربعی نیسم | اول فروردین | ۱۳۲۹ سال در کربلا | عید نوروز و عید یزدگردی است

42

میں نے اپنے آپ کو اس کے لئے وقف کر دیا ہے۔ اس کے لئے میں نے اپنے آپ کو وقف کر دیا ہے۔ اس کے لئے میں نے اپنے آپ کو وقف کر دیا ہے۔

در تاریخ جام جهان‌نما آورده است (رجوع شود به صفحه ۷۴۷ - نتمه کتاب). مؤلف در موضع موی تحصیل‌پذیری صلح بریلی بدنیا آمد. در آن ایام موضع مد کورجرو ریاست رامپور بود و چون ریاست رامپور را او جدا داشت و زیر اقتدار یریتا نیا در آمد تمام قسمت مر بورا ریاست رامپور جدا شد و از همان روز از رف و آمد مردم آن به رامپور کاسته شد.

شوق در تاریخ جام جهان‌نما می‌گوید که حد بررگ او باتفاق چند نفر و لشکر چند هزار سوار برای جنگ نارای پتهورا آمد و در نواحی سپت جنگ کرده و مهاجرا با چند نفر از همراهیان خود شهید شد سپس سید حسین جنگ سوار بهند آمد و اولاد اجداد مؤلف برباتفاق سید حسین مر بور بهند آمده و در سپت رحل اقامت افکندند. دکر اجداد مؤلف در تواریخ هند مامد تاریخ مبارک‌شاهی و طمقات اکبری آمده است و مؤلف خودس بربشرح حال آنان در حاتم کتاب پرداخته است.

شوق تذکره الشعراء ریخته (اردو) بنام «حقیقت الشعراء» را نیز ترتیب داده بود چنانکه در صفحه ۷۸ در دیل نام حافظ امیرالدین متخلص به امیر بداونی می‌نویسد «این مؤلف رابطه برادرانه داشت ۰۰۰ گاهی شعر ریخته هم می‌گفت چنانچه در تذکره حقیقت الشعراء اشعار او اکثر نگاشته شد»

آثار مؤلف

- ۱- تذکره حقیقت الشعراء - در تذکره شعرای ریخته گویان (اردو)
- ۲- تاریخ جام جهان‌نما - در تاریخ سلاطین و اولیاء ایران و هندوستان است و مشتملست بر یک مقدمه و ۳۹ طبقه و یک حتمه - مؤلف این کتاب را در ۱۱۹۱ هـ آغاز نموده و در ۱۱۹۹ هـ با تمام رسانیده است نسخه آن در رامپور (در ۷۵۲ ص) موجود است رجوع شود به جلد اورینتل کالج لاهور مورخ نوامبر ۱۹۳۰ ص ۶۹ - ۷۴
- ۳- تکملة السعراء جام حمسید - تذکره مورد بحث
- ۴- طمقات السعراء - تذکره دیگر مؤلف در تذکره شعرای ریخته گویان (شعرا)

اردو) برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه ح ۱ ص ۳۲۲ ش ۴۰. چاپ - باهتمام محمد ابواللیث صدیقی بدایونی.

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را بعد از تألیف تاریخ جام جهان نما (اتمام ۱۱۹۹۰ هـ) ترتیب داده است. در مورد سبب تألیف در مقدمه چنین مینویسد که هنگامیکه از تألیف تاریخ جام جهان نما فارغ شد بعضی رفقای او فرمایش کردند که چون تاریخ مریور تذکره شرای فارسی ندارد بنا بر این مؤلف حالات شرای فارسی را بعنوان تکمله آن کتاب بنویسد و بنا بر این مؤلف در امثال امر و دوستان خود این تذکره را ترتیب داده است. اما چون تهیه تذکره هائی که احوال شرای متقدم و متاخر داشته باشند کار مشکلی بود بنا بر این احوال آنها را از تذکره های دیگر جمع نمود مؤلف در مقدمه کتاب اسم کتب زیر را ذکر نموده است که شرح حال شعرا را از آنها اقتباس و نقل کرده است.

۱- تذکره علیقلی خان شش انگشتی متخلص به واله ۲- تذکره سراج الدین علیخان ۳- تذکره سرخوش ۴- تذکره غلامعلی آزاد ۵- متح اللطایف رحیم علیخان (و غیره)

این تذکره مشتمل است بر دو مقاله بقرار زیر

مقاله اول - درد کر شرای عرب **مقاله دوم درد کر شرای عجم**.

مؤلف اشعار و شرح حال خود را در این کتاب بیاورده است اما هر گاه ملاقات با شاعری بوی دست داده بود درباره این موضوع در ردیف نام آن شاعر تذکره داده است مثلاً رجوع شود به ذکر حافظ امیرالدین متخلص به امیر بدایونی (ص ۷۸) و شاه قدرت الله بلیع ساکر اولدهن صاحب هفت دیوان (ص ۱۱۴) و دوست علی پسر قاضی عبدالخالق متوطن در قصبه حلیر (ص ۲۲۹).

غالب مطالب این تذکره از کتب دیگر اقتباس و نقل شده است و بنابراین از حیث اصالت این کتاب دارای اهمیت زیادی نمیشد

است و در دیباچه کتاب قطعه آورده است که سال تألیف آنرا می‌رساند :

ز تائید نقاش هر زشت و زیبا شد این نقش بود در بکوئی یگانه
چو تاریخ اتمام حستم ز هاتف بگفتا مگو نفع بخش زمانه
(= ۱۲۰۵ هـ)

در مورد سب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است :

«این احقر العباد . . پیوسته ناهمه فروبی مشغله اوقات فرصت را بمطالعه تصانیف علماء و عقلا و دو این شعر در آورده مرور دهر و آنچه از کلام فصیحان عصر و بلعای دهر بوده است بادقت و امتیاز بسلك انتخاب کشیده بود و حین عرض سخن زیاده بر صد هزار بیت شمار آید . لاجرم جوهری اندیشه بنظراره دریا دریا گوهر لفظ آنداز و معدن معن یاقوت معنی بگین صد آرزو (جمع آوری نموده) و (خواست) که این حواهر گیسوان بها از تفرقه بجمعیّت رسد و بسلك تألیف کشیده شود . بسب کثرت مشاغل و هجوم اسای نوع که برای حل و عقد اموروی التفات با این حیر خواه حلاقی و بیک اندیش مخالف می‌کردند سالها گذشت که سرانجام این امر عظیم و مقدمه حسیم میسر نگشت تا آنکه در عهد طل سبحانی زیب افرای اورك حن نابی ساه عالم پادشاه خلداله ملکه مآبیاری توفیق خالق بیچون و هوب سایم افضال فرما روای کن فیکون ان گلن امید بسرزمین بلده بنارس روی شگفتگی دید»

مؤلف در دیباچه کتاب در مورد مآحد و منابع خود در تألیف این کتاب مورد استفاده اقرار گرفته است چنین می‌نویسد : بهنگام تسوید این اوراق هفتاد و دو جلد لازم مصفات متقدمین و متوسطین و متأخرین که شمردن نام آنها بطول انجامد مهیا بود»

بعضی کتابهائی که اسم آنها را مؤلف در متن کتاب در دیل شرح حال شعرا استفاده مؤلف در تألیف این کتاب قرار گرفته بدین قرار است

مقدم و متوسط و متأخر میباشد و با «شیخ ابویزید بسطامی» شروع شده با «ملایکانه بلخی» تمام میشود.

در این تذکره طبق توضیح خود مؤلف «تخصیص قسمتی از اقسام نظم نیست و قصاید و غزل و قطعه و رباعی و ترجیع و ترکیب (بند) و مخمس و مسدس و معما همه مسطور است و بند و ضرورت ابیات مثنوی هم مذکور است»^۱.

مؤلف در مورد محل و سال تولد و وفات و مدفن و غیره شعرا از کتابهای مختلف تحقیق کرده و نتیجه تحقیق و تفحص خود را در این کتاب ذکر نموده است چنانکه خودش در مقدمه کتاب در این باره توضیح میدهد.

«در تحقیق مولد و منشا و مدفن و زمان ظهور و سال ارتحال و نمایش رتبه کلام و اعلان قدر و منزلت هر کدام از طایفه فرجام مجوز و تقصیر و تساهل نگشته از کتب سیر و اخبار و تذکره‌های متداوله استنباط این مراتب نموده است و در مواقع اختلاف اقوال تدقیق و تنقیح در کار داشته قول معتبر را که خرد خرده شناس بصحبت و صواب آن طمانینت پذیرفت اختیار کرده».

همچنین مؤلف در دیباچه کتاب توضیح داده است برخلاف رسم تذکره نویسان معاصر بشرح معایب شعرا نپرداخته و همچنین در ستایش آشنایان خود «ژاژ خانی و هرزه درائی» نکرده و از افشای قبایح و دمایم کسانی که مرتکب ناپرهیزکاری بوده‌اند بفتحوی آیه کریمه «هذاتذکره للمتقین» اجتناب و اغماص اولی و انس دانسته و اگر گاهی اشاره‌ای باین معنی آمده بنا بر علتی بوده است. حتی در موقع ذکر شعرای معاصر که جمعی از هندوستان و بعضی از بلاد دیگر بوده حانبداری و تعصب نورزیده

مؤلف انتخاب اشعار غزلیات را مقدم بر قصاید آورده و در موقع نوشتن اشعار

۱- مؤلف تذکره‌ای دیگر دارد نام «حلاصة الکلام» که در آن تنها اشعار مثنوی را انتخاب نموده است (ر ک. بحث درباره «حلاصة الکلام» در این کتاب).

رعایت ترتیب ردیف احسن دانسته جمیع اصناف سخن را مردف نوشته و همچنین جمعی از شعرا را که در تخلص مشارکت یاد علم و لقب و کنیت مشابیه داشته اند پهلوی هم آورده است تا اگر خواننده را ظن تکرار از شخص واحد روی دهد همان لحظه بتواند رفع آن ظن و اشتباه کند

گاهی مؤلف عقاید شعرا و تذکره نگاران را در باره مقام و مرتبه اشعار شعرا در ذیل شرح حال آنها آورده است مثلاً رجوع شود به شرح حال انوری.

در ذیل نام بعضی شعرا طبق رسم تذکره نگاران و مورخین قدیم بجای نوشتن اسم کتاب یا شخص تنها « گویند .. » نوشته مثلاً رجوع شود به شرح حال از جاسپ امید ریازی و قمر لاش خان امید.

در ذیل نام اکثر شعرا شرح حال و اشعار منتخب از آنها را مختصر آورده است. رویه هر فته شرح حال مولانا رومی (در سه صفحه) و اشعار عرفی (۹۹ بیت) را مفصل تر از سایرین آورده است

ارحیث اطلاعات تاریخی راجع به زندگی شعرا این کتاب دارای اهمیت و ارزش فراوانی میباشد چون در مورد اکثر شعرا مؤلف شرح حالشان را بعد از مقابله و تحقیق ارتد کرده ها و تواریخ مختلف نقل کرده است

سک اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در مقدمه کتاب بنثر مصنوع پرداخته است.

نسخ خطی

۱- برلین ۶۶۳^۱

۱- در نسخه برلین عبارت زیر خط اشپریگر آمده است.

Biographies of 3263 Persin Poets
alphabetically arranged by Nawwab Ibrahim
Aly Khan, who compiled these notices from

بقیه حاشیه در صفحه بعد

هندوستان شد و اینجا درسك ملازمین برهان الملك در آمد و این خدمت را با کمال موفقیت انجام میداد اما پس از فوت برهان الملك ابوالحسن مزبور دیگر روی سپاهیگری و لشکر نیاورد.

ابوطالب خان در ۱۱۷۶ هـ در شهر لکنهو هندوستان بدنیاء آمد و بعد از مهاجرت پندش نواب شجاع الدوله بعلت نظر لطفی که بر پندش داشت بتربیت مؤلف پرداخت و کمک هزینه تحصیل برای وی تعیین نمود و هر موقعی بلکنهو میرفت از وی احوالپرسی میکرد و او را مورد تفقد قرار میداد. مؤلف چهار ساله بود که مادرش از نواب مزبور اجازه گرفته بمرشدآباد نرد شوهر خود رفت اما هموز سن مؤلف از چهارده سالگی تجاوز نکرده بود که پندش در ۱۱۸۲ هـ در گذشت و در نتیجه مرگ پندش وی کفیل مسئولیت های سنگین خانواده شد و شش سال دیگر در بنگال توقف نمود. وی از سن ۱۳ الی ۲۰ سالگی در دربار مظفر خنگ مرشد آساد زندگی میکرد.

در اوایل حلوس نواب آصف الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ هـ) والی اود در اواخر ۱۱۸۹ هـ مؤلف به لکنهو رفته دوباره وارد خدمت ملازمت نواب مزبور گشت و بنا بر پیشنهاد مختار الدوله (نایب آصف الدوله) که از قدیم با وی روابط دوستانه داشت بعضی محالات میان دوآل (کگا و حمنا) و (فرماندهی) رساله ای از لشکر بعده وی قرار گرفت و سیدزین العادین خان که باتفاق وی وارد صوبه (استان) اود شده بود بعنوان شریک و همکار او اسحاق و مأمور شد و موقعیکه سید مزبور علیه حیدر بیگ خان کالی قیام کرد مؤلف را نیز تا آخر همراه خود داشت و این امر و بعضی سوء تفاهم دیگر موجب تعبیر بطر و عقیده نواب سبت بوی شد و بعد از سقوط مختار الدوله در ۱۱۹۰ هـ يك نفر دیگر سبت بجای مؤلف مقرر شد و مؤلف بار ششتم شد

بعد از فوت سید سابق الدکر مؤلف بعنوان یکی از دسیاران سرهنگ های^۱

[illegible]

Mr Johnson - 1

(19) 1900-1901 Mr. Middleton - 8

၁- ငါ့ ငါးမိတ် (၁၃၈၈) ခုနှစ် နှစ်ပတ်စပို့ နှစ်ပတ်စပို့ နှစ်ပတ်စပို့

ਸਤਿਨਾਮੁ ॥ ਸਤਿਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ॥ ਸਤਿਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ॥ ਸਤਿਗੁਰ ਪ੍ਰਸਾਦਿ ॥

بعضی از نسخ تذکره خلاصه الافکار ضمیمه شده است (مثلاً رجوع شود به نسخه ملک تهران) برای شرح رساله «لب السیر و جهان نما» رجوع شود به تاریخ هدایایات و دوسن (انگلیسی) ج ۸ ص ۲۹۸-۳۰، این رساله را مؤلف بنام آصف الدوله نوشته است و آن مشتملست بر چهار باب درباره (۱) رسول (۲) حلما (۳) فلاسه و اصحاب رسول و فضلاء و شعرا و غیره (۴) - خاندان ها که معاصر رسول بودند یا بعد از او (در بعضی نقاط دنیا) سلطنت میکرده اند برای مسح این رساله رجوع شود به اته ش ۶۴۶ برگ ۳۹۶-۴۷۳ (که در آخر خلاصه افکار ضمیمه شده و این نسخه را سونتون استنساخ و خود مؤلف در ۱۸۰۴ م آنرا تصحیح نموده است) و ش ۶۹۷ برگ ۳۲۲-۳۹۰ (تاریخ ندارد) و بادلین ش ۳۹۱ (به خلاصه افکار ضمیمه شده است مورخ ۱۲۱۰ ه) و آصفیه ج ۳ ص ۹۸ ش ۱۳۱۲ (مورخ ۱۲۲۰ ه) و ریو ج ۳ ص ۸۹۵ ب (تبا مقدمه و فصل ۸ از باب ۴ درباره هد دارد - مورخ ۱۸۵۰ م) ریو تکلمه ش ۱۱۶ (۲) (اوایل قرن ۱۹ میلادی) و ملک تهران (س فیش ۴۳۰۳) .

۶- مسیرطالی و بلاد افریجی - کتابیست بهارسی راجع شرح مسافرت مؤلف ناروپا - برای مسح آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۳۸۴ الف (مورخ ۱۲۲۱ ه) و ۳۴۸ - تبا ج ۳ دارد - اوایل قرن ۱۹ م) بادلین س ۱۸۰۵ (۱۲۲۲ ه) بلوشه ج ۱ ش ۶۴۷ (۱۲۲۸ ه) و علیگره دحیره سخن الله ص ۵۷ س ۱ و آصفیه ج ۲ ص ۸۳۶ س ۲۹ و بانکی پور ج ۷ ص ۶۲۷ و براون نسخ فارسی ش ۱۱۶ (کمتر از نص کتاب) و ادسرگ ش ۹۰ و اته ش ۲۷۲۷ و مدراس س ۴۴۹ و رویال ایشیتک سوسایتی ص ۱۷۷ - چاپ کلکته ۱۸۱۲ میلادی ترجمه نانگلیسی چاپ لندن ۱۸۱۰ م و باصافدها ۱۸۱۴ م و ترجمه نقرانسه چاپ پاریس ۱۸۱۱ م و ۱۸۱۹ م و ترجمه آلمانی چاپ وین ۱۸۱۳ م و ترجمه دارد و نویسیله میرار صد محروون مراد آبادی چاپ مراد آباد (تبا قسم اول) و خلاصه نانگلیسی چاپ کلکته ۱۸۲۷ م و ۱۸۳۶ م این خلاصه را اصلا داوید ماکفرل David Macfarlane ترتیب داده است .

برای نسخه آن رجوع شود به برلین ۳۵۸

۷- تفتیح التالیف - تاریخ عصر آصفی (۱۷۷۵-۱۷۹۷م) بمبئی

۸- تفتیح التالیف - تاریخ عصر آصفی (۱۷۷۵-۱۷۹۷م) بمبئی
 ۹- تفتیح التالیف - تاریخ عصر آصفی (۱۷۷۵-۱۷۹۷م) بمبئی
 ۱۰- تفتیح التالیف - تاریخ عصر آصفی (۱۷۷۵-۱۷۹۷م) بمبئی

History of Asafud Daula being translation
 of "Tafzihul Ghatilin" compiled by Abu Talib
 and translated by W. Hoey - Allahabad, 1885.

۸- خلاصه الاوقاف - تکریم مورخین.

عراق التالیف کتب موقی تصحیح و تکرار در انتشار کتب
 حفاظت و حفظ و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

مبوست و تکرار در انتشار کتب

تفتیح التالیف

تفتیح التالیف

تفتیح التالیف

۱- خلاصه الاوقاف - تکریم مورخین
 ۲- خلاصه الاوقاف - تکریم مورخین

بینخارو گنج بی رنج است سال اتمام این خجسته نگار (= ۱۲۰۷ هـ)
 ورتو از مدأش بحواهی گو «جمع یکجا خلاصه الافکار» (= ۱۲۰۶ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه چنین توضیح داده است که مؤلف از اوایل عمر تا موقع تألیف کتاب در ۱۲۰۶ هـ که چهل ساله بود بسیاری از کتابها را مطالعه کرده و چون شعر خیلی علاقه داشت از مدتی تصمیم گرفته بود که تذکره‌ای از شعرای متقدم و متأخر تألیف کند که مورد پسند خاطر مردم باشد و با وجود مصر و گرفتاری زیادی این فکر را از دست نداده و همواره مشغول جمع آوری مواد برای این کتاب بوده و از هر کتابی که مطالعه میکرد اشعاری انتخاب میکرد تا اینکه در ۱۲۰۲ هـ از لکهنوبه کلکته رفت و آنجا نامیر محمد حسین که احیر از حیدر آباد کن بآجا رفته بود برخورد کرد. در آن ایام مؤلف تذکره والہ (ریاض الشعرا) را مطالعه میکرد

میر محمد حسین مر نور ادوی حواش کرد که تذکره والہ را خلاصه کند و بنا بر فرمایش او مؤلف آنچه مناسب بود از آن تذکره ساقط کرده و دیباچه‌ای در ابتدا و در چند نفر امعاصرین را در حاتمہ آن افزود و بدین ترتیب سبب سابق خیلی خلاصه شده و کتابی جدید بنظر می‌آمد اما چنانکه مؤلف میخواست صورت بسبب. باین خیال کهن در زمین دل بیج گرفته باعث بر تحریر این اوراق گشت، مؤلف اریست و نوج سال مواد این کتاب را جمع آوری می نمود و باین دیری نگذشت که این کتاب بانجام رسید

مؤلف اسم منابع خود را هیچ حاد کر نکرده است اما رمتش کتاب معلوم میشود که وی از تذکره علیقلی خان والہ (ریاض الشعرا) و سرو آزاد و آثار الکرام و تذکره های مشهور دیگر استفاده کرده است و از تذکره ریاض الشعر از همه بیشتر مطالب را نقل کرده است و آن کتاب را اساس تذکره خود قرار داده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر شعرای متقدم و متأخر و معاصر مؤلف بترتیب الفبای حروف اول اسم یا تحلیص شعر و شامل مقدمه و بسبب و هشت حدیقه (هر حدیقه برای یک حرف) و یک دلیل و حاتمہ که مجموع سی و شش حرف و بیست و هشت

حدیقه آن مشتمل است بر ذکر سیصد و نه شاعر و ذیل بر صد و پنجاه و نه شاعر و خاتمه بر
 دگر حدود مؤلف و بیست و سه شاعر معاصر و بدین ترتیب تعداد کل شعرای مذکور
 این تذکره بالغ به چهار صد و نود و دو (با ضمیمه ذکر خود مؤلف) میشود. قسمت بیست
 و هشت حدیقه با «ابوسعید ابوالخیر» شروع شده با «محمد یوسف حربادقانی»
 تمام میشود و ذیل با «ادهم کاشی» شروع شده با «یحیی» تمام میشود و خاتمه
 با «میر محمد حسین» شروع شده با «ابوطالب اصهبانی» (مؤلف) تمام میشود

در مقدمه کتاب مؤلف بر اصل و ابتدای شعر و تطور کامل این هنر تا قرن دوازدهم
 هجری بحث کرده و سپس اقسام شعر و شرایط تذکره نگار را آورده است.

ذیل کتاب مشتمل است بر دگر ۱۵۹ شاعر که احوال آنها «در حین تحریر اوراق
 چنانچه باید بوضوح پیوست و دو اوین ایسان هم حاضر بود و بیشتری از ایشان صاحب
 دیوان نیستند لهذا فقط بدگر اسامی و تسبب قلیل اشعار ایشان از روی تذکره ها اکتفا
 کرده و خاتمه کتاب مشتمل است بر دگر بیست و سه شاعر معاصر مؤلف و ابوطالب خان
 (مؤلف)

مرا یا و محتصات این تذکره بقرار زیر است

۱- در این کتاب مؤلف از همه اقسام شعر و شرایط انتخاب آورده است و در ذیل نام هر
 شعر آورده است (تفاوتها در صورتیکه مؤلف
 از او انتخاب شده است) و سپس قصاید و غزلیات و قطعه و ترجیع العزل
 (ترجیع بند) و ترکیب بد و مربع و محسن و مسدس و غیره و سپس رباعیات
 و مثنویات و بعد از این اشعار مصنوع و مرآت و هرل و هجوزا بترتیب العلماء آورده است اما
 در ذیل نام بعضی اشعار انتخاب آنها را از یک دو نوع آورده است و هرگاه بعضی
 اقسام شعر قبل از انتخاب بود آنرا حذف نموده است.

۱- استوری ۱۶۰

۲- استوری در حدود ۴۹۴ و بلاحد ۴۹۱

۲ - تعداد اشعار منتخب در این تذکره خیلی زیاد است و گاهی در دیل نام بعضی شعرا بچهارصد حتی هفتصد بالغ میشود و ما بر این خواننده احتیاج داشتیم این کتب که از آن مؤلف انتخاب نموده است ندارد .

۳ - از تنوع و کثرت اشعار منتخب خواننده میتواند رتنه و پایانه شاعر را درک نماید.

۴ - مؤلف در جمع آوری مطالب این تذکره خیلی رحمت کشیده و اطلاعات مهمی را جمع به زندگانی شعراء را از کتب تذکره و تاریخ بدست آورده و خلاصه آنرا در این کتاب درج نموده است .

۵ - مؤلف این کتاب را بعد از رحمت بیست و پنج ساله تألیف نموده و در طی این مدت همواره در محتویات آن مکرر متامل نظر کرده و همچنین انتخاب اقسام شعر و نظم آنرا چندین دفعه تغییر داده و بعضی قسمتهای آنرا حذف یا اضافه نموده است

۶ - مؤلف اکثر اشعار را خودش از دیوان شعرا انتخاب نموده است و حتی کتبی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سعه مولانا جامی و کلیات حاقانی و غیره را خودش چندین بار مطالعه نموده و اشعار نثر را از آن انتخاب نموده است

۷ - در ابتدای کتاب فهرست بسیار مفصلی آورده است که در آن غیر از اسمهای شعرا تعداد اقسام شعر و ابیات نظم را را بر دکر نموده است همچنین در هر حدیفه در دیل اسم هر شاعر تعداد ابیات را با اقسام شعر ذکر نموده است که در هیچ تذکره دیگر دیده نشده است از این فهرستها معلوم میشود که عده کل اشعار منتخب این تذکره متجاوز از بیست و پنج هزار و پانصد میباشد

در دیل نام شعرا زیر انتخابی از آثار مشهورشان را آورده است

۱ - رساله ای از شیخ حریری در شرح بعضی ابیات حکیم خاقانی

۲ - انتخابی از گلستان سعدی

۳ - یک رقعۀ از « مناسبات » و یک (حرو) شرار و قیام حیدر آباد نعمت

خان عالی

۴ - شانزده رقه از رقعات عالمگیری

۵ - رساله ای در صنایع شعر بنام خلاصه الدیع از میر شمس الدین فقیر دهلوی.

۶ - يك جزو نثر از منشآت تاریخ نادری میرزا مهدی خان کوک .

۷ - يك (جرو) نثر از منشآت ابواب الحنان میرزا رفیع واعظ قزوینی .

۸ - پنج رساله از تألیفات خود قراقرزیر .

(۱) - رساله ای در علم اخلاق (در حدود ۳ صفحه) و

(۲) - رساله در مصطلحات موسیقی شامل ذکر نعمات قریش و همد (در ۳ صفحه).

(۳) - رساله در علم عروض و قافیه در دو باب (در ده صفحه)

(۴) - رساله مختصر در فنون خمسه طب در پنج جلد (در ۲۹ صفحه)

(۵) - لب السیر و جهان نما (تألیف ۱۲۰۸ هـ) شامل ذکر بعضی وقایع مهم تاریخ

از قدیم تا زمان مؤلف باضمام تاریخ مختصر اروپا و ذکر «اسیاء و سلاطین و سایر مشاهیر طوایف انام و احوال بلاد آغار بنای هر يك تا زمان تحریر». این رساله بسیار مفید و جامع است و مؤلف مطالب آنرا از صد ها کتاب خلاصه و جمع آوری نموده است و در تدوین این رساله خیلی رحمت کشیده است این رساله مشتمل است بر ۱۰۳ صفحه برگ .

در ذیل نام اور بگریب تنها ۱۶ رقهه از او نقل کرده است و درباره اینکه چرا

وی شعر نگفت چنین میبویسد : «سبب تقوی و متانت مرا اح از مبادرت شعر حتی سماع آنهم پرهیز میفرماید»

همچنین در ذیل نام میرزا مهدی کوکک بیرتها انتخاب نثر از منشآت تاریخ

نادری او آورده است

شرح حال اکثر شعرا را در يك دو سطر و حتی شرح حال بعضی شعرا معروف

مانند ابوالعریح رومی و ادیب صابر و ابوری و اثیر الدین احسیکتی و اوحدی مراغه ای

و اوحدی کرمانی و غنی کشمیری و مجیر بیلربی و موحهری و غیره را هم در دو سطر

غالبا سال وفات و گاهی اسم آندیشان را ذکر نموده است . ولی

در خاتمه کتاب شرح حال اکثر شعراء را مفصل آورده است چون اکثرشان دوستان و آشنای مؤلف بودند .

رویه زفته شرح حال اورنگریب عالمگیر (قریب به یک صفحه) و میرزا مهدی خان کوکب (در یک صفحه) ار همه مفصل تر آورده است .

انتخاب اشعارا اکثر شعراء را مفصل آورده است مخصوصاً دردین نام شعرای ریر اشعارشان را ارسایرین مفصل تر آورده است

ابوری : در حدود ۴۵۰ بیت حامی . هزار بیت خاقانی : ۷۵۰ بیت
حسرو . : ۹۵۰ سعدی ۵۵۰ سلمان ساوحی : ۶۵۰
شفائی : ۵۰۰ عرفی . ۴۵۰ فردوسی ۷۰۰
کمال الدین اسماعیل ۷۵۰ مولانا رومی ۱۰۰۰ نظامی . ۵۰۰
وحشی یزدی ۳۵۰

مؤلف به «ماده تاریخ گوئی» خیلی علاقه داشته است چنانکه خودش در مقدمه همدۀ قطعه «در تاریخ» تألیف این کتاب آورده و همچنین ماده تاریخ فوت شعرای ریر را که دیگران گفته اند بیر نقل کرده است . ماده تاریخ فوت بهاء الدین عاملی و نادل و نظیری .

دردیل نام نعمت خاں عالی لغات مشکل قطعه وی را که در هجو گفته شرح

در ذیل نام «یدل و حسرو نوشته است که آنها در خارج از همد متولد شده و در هند «بشوونما» یافتند که محققاً اشتباه است اما در ذیل نام مسعود سعد سلمان می نویسد : «در مولداو اختلاف کرده اند اما آنچه تحقیق رسیده (و) از کلامش بوصوح می پیوندد (مولداو) لاهور است» و این قول مؤلف طبق مدارك تاریخی صحیح است

مؤلف در باره مردم همد عقیده خوبی نداشته و آنها را در ذیل به آزاد بلگرامی «دهقان» نوشته است و بر بعضی اقوال آزاد بلگرامی 'تقداسپرتند و تیری کرده است (رجوع شود به پایان شرح خان آزاد در ذیل «ید بصا» در این کتاب که آنها اصل

(۲۱۹) مورخ قهرمان دارد کتاب کتبی در آذربایجان (۱۸۱۲) ۵ - ۵

(۱۲۲۰) ۳۱ - ۳۲

۳۳ - ۳۴

۳۵ - ۳۶

۳۷ - ۳۸

و کتبی در آذربایجان (۱۸۱۲) ۳۹ - ۴۰

۴۱ - ۴۲

۴۳ - ۴۴

۴۵ - ۴۶

۴۷ - ۴۸

۴۹ - ۵۰

۵۱ - ۵۲

۵۳ - ۵۴

۵۵ - ۵۶

۵۷ - ۵۸

۵۹ - ۶۰

۶۱ - ۶۲

۶۳ - ۶۴

۶۵ - ۶۶

۶۷ - ۶۸

۶۹ - ۷۰

۷۱ - ۷۲

۷۳ - ۷۴

۷۵ - ۷۶

۶- ریوح ص ۱ ص ۳۷۸ (حلی باقص است مورخ اوایل قرن ۱۹م) ج ۳ ص ۱۰۰۳ اب
(تمها اشعار دارد . مورخ قریب به ۱۸۵۰ م).

۷- آتش ۶۹۶ (نخط سوتن که قبل از اعرام او بنند ابوطالب اوراد لرندن
فارسی تدریس میکرد . رجوع شود به آهستون ۸-۳۵۷. این نسخه را ابوطالب مؤلف
در ۱۸۰۴م / ۱۲۱۹ هـ تصحیح کرده است) و ش ۶۹۷ (چهار ساله اول کمدر حاتم کتاب
آمده است ندارد).

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به مفتاح التواریخ ص ۵-۳۷۴ و تاریخ هند
انگلیسی (از ایلیات ودوس جلد ۸ ص ۹-۲۹۸ و ریو ح ۱ ص ۳۷۸ و دایرة المعارف
اسلام تحت نام ابوطالب خان و خلاصة الافکار (حاتمه) و استوری ص ۳-۱۴۴ و میشود:
«تراجم جهانی» ح ۱ ص ۸۵-۷ و فهرست کتابخانه ادبیرگی ش ۹۰ .
فهرست اسامی شعرا رجوع شود به بادلین ستونهای ۳۰۲-۳۱۵ فهرست
۴۹۴ شاعر)

قد کر سدر سجه «سرور افرا» متعلق بکتابخانه ادبیرگی تمثال مؤلف هم
آمده است که برای «مجله» (European Magazine) کشیده شده است.

تذکره نوبهار

ابتدا

«الحمد لله الذي علم الانسان ما لم يعلم وصل الله على خير خلقه محمد وآله

وصحبه وسلم»

۱- Michaud: Biographie Universelle, Paris, 1843,

pp. 85-70.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد رفیع الدین واسم پدرش محمد شمس الدین است. وی پس از تسبندیه قادر به مسلک بود و روز پنجشنبه بعد از نماز صبح نوزدهم حماد الثانی سنه یک هزار و یکصد و شصت و چهار (۱۱۶۴) هجری در قصه قدهار از توابع صوبه (استان) محمد آباد سرکار نادر^۱ متولد شد و چندی بعد از آنجا به حیدر آباد دکن هندوستان مهاجرت نمود و در آنجا بسال ۱۲۶۱ ه فوت کرد^۲.

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۲۶ ه تألیف نموده است و راجع به سبب تألیف درد بیاضه چنین توضیح میدهد: «فقیر (مؤلف)... بواس خاطر بعضی عزیزان مشتاق که خاطر ایشان عریر بود تذکره در ذکر شعرائی که چاشنی عرفان بمذاق ایشان رسیده بطریق انتخاب مع تراجم آنها اراستدای شعر که یاش میآید تالعات تحریر این رساله که یک هزار و دو صد (دویست) و شانزده هجریست بقید قلم می آرد».

مؤلف اسم مأخذ و منابع کتاب را در بیاضه یا حاتمه کتاب بیاورده ولی در دیل شرح حال شعرا اسم کتابهای ریر را ذکر کرده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است

- ۱- تاریخ فرشته - رجوع شود به نام حافظ
- ۲- حبیب السیر - رجوع شود به نام حافظ
- ۳- مرآة الصفا - « حافظ و شوک
- ۴- ذخیرة الحواقین - رجوع شود به نام عرفی
- ۵- شاهجهان نامه ملا عبدالحمید لاهوری - رجوع شود به نام یحیی کاشی.
- ۶- نفحات الاس حامی - رجوع شود به نام حسن دهلوی.
- ۷- مجمع العیاس آرزو - رجوع شود بنام تراب و میرحیدر تهرانی
- ۸ تذکره دولتشاه - رجوع شود به نام بدر حارمی.

۱- باید ادعا کرد که این نادر افغان غیر نادر شاه ایرانی است.

۲- ر.ک. استودی ح ۱ ص ۸۸۰

- ۱۵- بیدل
۱۶- بلیغ مولوی قدرت اله
۱۷- تراب میرزا ابوتراب ۱۸- ثبات محمد عظیم
۱۹- مولانا جمال الدین معاصر سلطان محمد بن تغلق شاه ۲۰- شیخ حمالی دهلوی
۲۱- حافظ شیرازی ۲۲- حرین
۲۳- حاکم ۲۴- حاقانی
۲۵- امیر خسرو ۲۶- حسن سنجر
۳۷- میر صیصی صوی ۲۸- نواب درگاه قلی خان
۲۹- ذکامیر اولاد ۳۰- میر عبدالقادر مهربان
۳۲- رفیع قرویی ۳۲- رافت
۳۳- محمد رفیع الدین (مؤلف) ۳۴- شیخ سعدی
۳۵- شپیدی قمی ۳۶- سرف تیری
۳۷- شوک بخاری ۳۸- شاعر بلگرامی
۳۹- صائب ۴۰- میر صیدی تهرانی
۴۱- نواب صمصام الملک ۴۲- طهوری
۴۳- عرفی شیرازی (م ۱۹۹۹ هـ) ۴۴- علی سرهندي
۴۵- علی (عالی) شیرازی ۴۶- عاقل شاهجهان آبادی
۴۷- غیرت ۴۸- فردوسی
۴۹- قدسی مسهدی ۵۰- سید فرید الدین اورنگ آبادی
۵۱- کاهی ۵۲- کلیم
۵۳- لسانی شیرازی ۵۴- محتشم کاشی
۵۵- میرزا معزالدین ۵۶- سیح نظامی گنجوی

- ۵۹- واقف نالوی
۶۰- هلالی استرآبادی
۶۱- هلالی همدانی
۶۲- یحیی کاشی

مخزن الغرایب

ابتدا

«گوهر القاطع صاحب بیان و لامعانی بلاغ تو امان شایسته رشته حید حداد و بدیس»
که عروس رینای سخن موروں را بمعجر حواهر نگار مضمون تارۀ دلغریب ریب
غرفه حسن و جمال میسارد.

شرح حال مؤلف

۱. مؤلف این کتاب شیخ احمد علی هاشمی سدیدلوی اسب و اسم پدرش شیخ
علام محمد بن مولوی محمد حاجی اسب مؤلف در حدود ۱۱۶۴ هـ در سدیله ندیا
آمد (و سدیله شهرست در ۳۲ میل شمال غربی لکهنو) چون در مقدمه «مجنر
الغرایب» (تألیف ۱۲۱۸ هـ) میویسد که وی این کتاب را اسب پناه و چهار سالگی
تألیف کرده اسب. بعلت ناسر گارومسوش بودن وضع اقتصادی پدر مؤلف محور
شد از کودکی خانه پدر را ترك گفته در تلاش معاش عرب بیافتد و بالاخره نواب
عزت الله میرزا حسن سربا حنگ بن میرزا محمد محسن برادر بزرگ نواب
صعدر حنگ (نواب وزیر اود موفی در ۱۱۶۷ هـ) مؤلف را به نواب ذوالفقار الدوله
میرزا نجف خان بهادر عالم حنگ معرفی کرد و مؤلف بر اثر بقود نواب عزت الله

۱- ر ك بیل تحت نام «نجف خان»

مزبور وارد رساله^۱ (الشکر) شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۱ هـ) شد.

بعد از مرگ نجف خان که در ۱۱۹۶ هـ در زمان قتل و غارت اهالی دهلی روی داد احمد علی ارضیبت ایرانیهائی که از حراسان و عراق و فارس آمده بودند استفاده میکرد و همین صحبت فصلاى ایران دروى علاقه بشعر فارسی ایجاد نمود و سپس مؤلف به جمع آوری اشعار فارسی پرداخت و بالاخره در نتیجه تشویق استاد وی میرزا محمد حسن قنیل احمد علی تصمیم گرفت تذکره‌ای بنام «مخزن الغرایب» بنویسد بقیه شرح حال مؤلف بدست بیامد

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۸ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که در حاشیه کتب آورده است میرساند.

گر دید مخزن الغرایب موسوم	این تذکره از لطف قدیر قیوم
«ختم صحف» از هاتم غیبی معلوم	تاریخ تمامیش مرشد در خواب
(= ۱۲۱۸ هـ)	

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیساجه کتاب چنین توضیح داده است که وی ارس سیرده و چهارده سالگی تارمان تألیف کتاب که بیجاه و چهار سال از عمر وی گذشته بود علماً اشعار غزل و اقسام دیگر شعر را خوانده و شب و روز مشغول مطالعه و آوین شعر بود و چون در اول حوب فارسی بلد نبود هر موقعیکه بدلی میرفت با مردم حراسان و فارس تماس داشته ارضیبت آنها استفاده می نمود تا بالاخره تا اندازه‌ای این زبان را یاد گرفته و اکثر اشعار شعرای حراسان و عراق و فارس را که وی میشنید بر باره‌های کاغذ جدا جدا می نوشت. سرانجام مؤلف میخواست از این اشعار جنگی ترتیب دهد اما استاد وی میرزا محمد حسن متخلص به قنیل او توصیه کرد که چون وی اشعاری از اقسام مختلف شعر جمع آوری نموده بنابراین باید تذکره‌ای ترتیب الی بنویسد و خواننده شعر هر کدام شعر را بخواند تا سابی آنرا در این

کتاب پیدا کند و بنا بر خواہش استاد خود مؤلف «این جواهر رو اهر» را ترتیب القفا «در رشته تحریر کشید».

مؤلف اسم کتابهای زیر را در مقدمه کتاب ذکر نموده است که بنا بر قول خودش اکثر اشعار این کتاب را از این مآخذ نقل کرده است همچنین در نقل شرح حال شعرا بجز این کتابها استعاده کرده است.

- ۱- تذکره عوفی
 - ۲- تذکره دولتشاه سمرقندی
 - ۳- مجالس العشاق
 - ۴- تذکره (مجالس المعایس) امیرعلیشیر
 - ۵- تذکره (بصحات الانس) حامی
 - ۶- تذکره میرزا محمد صائب
 - ۷- تذکره سام میرزا
 - ۸- تاریخ بداوی
 - ۹- طبقات اکبری
 - ۱۰- مجمع المعایس
 - ۱۱- تاریخ فیروزشاهی
 - ۱۲- تذکره تقی اوحدی (کعبه عرفان)
 - ۱۳- تذکره نصرآبادی
 - ۱۴- هفت اقلیم
 - ۱۵- تذکره لذت النساء^۱
 - ۱۶- تذکره (مرآت الحیال) شیرخان لودی افغان
 - ۱۷- ۱۹- بیاض های میرزا معر فطرت و دارا شکوه و محمد اکبر بن
- اورنگریب

۲۰- تذکره المعاصرین حرین

۲۱- تذکره عقیلی خان عاسی (والد)

۲۲- تذکره (معایس المآثر) علاءالدوله^۲

این کتاب مشتمل است بر ذکر ۳۱۴۸ شاعر متعدد و متأخر بر ترتیب القفا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها و از حیث تعداد شعرا دومین جامع ترین تذکره

۱- تذکره ای مابین نام بنادیم طاهراً این اشتباه کاسته که بحای «تذکره النساء» تذکره «لذت النساء» نوشته است

۲- ر.ک. اشهر بکر ج ۲ ص ۲۶۱ در دیل شماره ۱۳

• ५५५

[illegible][illegible][illegible]

این اشعار صوفیانه است و عارفانه
و حقیقی معنی آن را در این اشعار و کلام
درودیه و موعودیه و موعودیه و موعودیه و موعودیه

مؤلف در اینجا میگوید که وی میخواهد اشعار را در این کتاب بکشد چون مردم زبانهای اریتر، شمرای و سنیان خودشان نمیتوانند آنرا بفهمند و بعضی از آنها مشکل پیدا میکنند در حال ترجمه اشعار است و بعضی نیز بر روی مطالب و معانی آن چیزی نگذاشته اند.

مؤلف در این کتاب «شاعر عاشقانه و روحانی و قریب الهم و سهل مستقیم» را انتخاب کرده است و در ردیف هر حرف اول شعرهای متقدم را ذکر نموده و سپس متاخرین و معاصرین را آورده است.

[illegible]

دهلوی و مسیح کشایی و سستی و هلالی (هر کدام در ۳ ص) و حاقانی و شانی و صیدی
 تهرانی (هر کدام در ۴ ص) و اهلی شیرازی و سلمان ساوحی (هر کدام در ۴ ص) و فخر-
 الدین حرجانی و میر بجات (هر کدام در ۵ ص) و ابوزی و کمال الدین اسماعیل و والہ
 (هر کدام در ۵ ص) و نائی (در ۶ ص) و طه پوری و عرفی و کلیم و نوعی حوشانی (در ۷ ص)
 و امیر خسرو (در ۷ ص) و فیضی (در ۸ ص) و محتشم (در ۹ ص) و حرین و نفائی
 (هر کدام در ۱۰ ص) و حامی (در ۱۱ ص) و صائب و فغانی (هر کدام در ۱۲ ص) و سعدی
 و بطیری (هر کدام در ۱۳ ص) و قنیل (در ۱۷ ص) و وحشی بافقی (در ۲۶ ص).

رویه بر رفته اشعار و وحشی بافقی را از همه مفصل تر آورده است

گاهی در ذیل نام بعضی شعرا بعضی مطالب و اسعار متکلی را شرح داده
 است مثلاً رجوع شود به نام حاقانی

شرح حال شعرای زیر را از سایرین مفصل تر آورده است

ابراهیم ادهم و اسما و سعدی و سرخوس و سعید ملتانی و ملا شاه بد حسابی و عطار
 و مظهر و ناصر خسرو و میر معصوم نامی و نواب عماد الملک (هر کدام در یک ص)
 و میرم خان و امیر خسرو و سرمد و تنیدا و احدی و عالی (هر کدام در یک ص) و میرزا
 محمد امین خان و حیم (هر کدام در ۲ ص) و نواب میرزا دین العابدین (در ۲ ص)
 و حامی (در ۳ ص) و سید اشرف جهانگیر سمانی (در ۴ ص)
 انگیز سمانی را از همه مفصل تر

آورده است

در ذیل نام ملک قبی ناره ای ارزش او را اشعار و در هجو ملا مثالی نقل کرده
 است که بسیار متدل است و قسمت آخر آن را در صایع لفظی می یابد
 گاهی بر اشعار بعضی شعرا اصلاح نموده است مثلاً در ذیل این بیت
 تمس الدین فقیر دهلوی

زود بحاجه غیر ز دل آردی کرا متیم سر راه انتظار کد

می یوسد بحر لفظ متیم آگه هلاک چه اند ساید بد ناسد.

هنری تحلیلی آجری بوده است.

در ردیف دهها آفریده و نیز آفرینش داده است که در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است.

(۱۸۸۸ میلادی) خاندان هنری در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است.

استان (استان)

در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است.

تاریخچه

در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است. در این کتاب به تفصیل درج شده است.

اینجا

سفرنامه

[illegible]

مؤلف اول سمل تحصیل داشت و چندی بعد تحصیلی مختار کرد و در قریه
در سال ۱۲۶۱ هـ بود و در ۱۳۰۵ هـ فوت شد و در آن زمان که در قریه
بود و در آن وقت که در قریه بود و در آن وقت که در قریه بود

[illegible]

தேவநகரம் 1960

[illegible]

وی بود. سپس در خدمت نواب آصف الدوله بهادر بدیوانی میرزا^۱ راجه بدھی سنگه بهادر که «صاحب نوبت و حاگیر و مالک خدمت سرکار حیر آباد و سیلک شده بود» درآمد و از حضور (وی) «صاحب دستخط» شد چنانچه پانصد سوار بدستخط (نامضای) وی استخدام شدند.

بعد از فوت راجه مرهور بهگوان داس مصاحب و بدیم پترچند بهادر که «مالک سپاه و کار حاجات و خاسامانی» آصف الدوله بهادر بود، شد و چون راجه مرهور برفوت کرد وی مصاحب معتمد الدوله مشیر الملک مهاراج ادھراج^۲ مهاراجه تکیست رای در اسر بهادر ص. لال حبشک (متوفی در ۱۲۱۵ هـ) نایب و دیوان و دیر الملک نواب آصف الدوله بهادر مقرر شد. سپس رای حی سنگه رای وی را مورد لطف و عنایت قرار داده بقدر و مرتبه وی افروزد. مؤلف این احوال را معصدر قصیده «سب نامه» و تذکره «حدیقه هندی» (که امروز جا نموده است) شرح داده است.

مؤلف باقی ماده تاریخ گوئی خیلی علاقه داشت و در دیل نام بعضی شعرا ماده تاریخ هائی که گفته آورده اسب مثلاً زجوع شود به نام مکین و قطعه تاریخ تألیف این کتاب که در حاتم آورده است

بقیه احوال زندگی بهگوان داس بدست بیامد

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- مشوی سلسله المحب - بروزن سلسله الذهب مولانا حامی که یک هزار بیت دارد و متضمن احوال «حیب گت» که بهارسی عطار دفلک گوید بروزن قران السعدین

۱- اینحا «میرا» ظاهراً معنی شریف و ارباب و اعیان آمده است چنانکه موهن

لعل ایسر در ایس الاحا در ناره بهگوان داس هندی در دیل شرح حال وی میویسد «میرا وضع (و) پاکیره گفتار اند» در هر حال استعمال این کلمه با اسم یکم هندی عجیب بنظر

میاید ۲- صاهراً ادھراج

۲ - «سینه صدی» نسخه‌ای از کتاب فوق در دسترس است.

۱ - کتاب «سینه صدی» در کتابخانه ملی تهران موجود است.

اما بعد از مطالعه کتاب در این کتابخانه، فرموده است که در این کتاب هیچ‌یک از کتب که در این کتابخانه موجود است، در این کتابخانه موجود نیست. (۱۲۱۹ هجری قمری)

کتابخانه ملی تهران
کتابخانه ملی تهران

اما بعد از مطالعه کتاب در این کتابخانه، فرموده است که در این کتاب هیچ‌یک از کتب که در این کتابخانه موجود است، در این کتابخانه موجود نیست. (۱۲۱۹ هجری قمری)

اما بعد از مطالعه کتاب در این کتابخانه، فرموده است که در این کتاب هیچ‌یک از کتب که در این کتابخانه موجود است، در این کتابخانه موجود نیست. (۱۲۱۹ هجری قمری)

اما بعد از مطالعه کتاب در این کتابخانه، فرموده است که در این کتاب هیچ‌یک از کتب که در این کتابخانه موجود است، در این کتابخانه موجود نیست. (۱۲۱۹ هجری قمری)

خبر و دهلی است.

بزارود و صدوبیست هجری وفات یافت .

در باره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است :

«اما بعد ناز پرورده بیازمندی بهگوان داس هندی بهگارش میآورد که سابق در سیکهزار و دو بیست (۱۲۰۰هـ) تذکره حدیقه هندی مشتمل بر حالات شرای ماضی و حال که در هند تولد یا نشو و نما یافته اند به قید قلم شکسته رقم در آورده و بعضی علوم مفیده درو مندرج نموده. آن حدیقه ایست جاتقرا و آن تالیفی است دلگشا. حالا که یک هزار و دویست و نوزده هجری (۱۲۱۹هـ) مطابق جلوس سال چهل و هفتم پادشاه بحر و بر شهنشاه گردون فر ... شاه عالم ثانی . . است احوال شرای معاصرین را از آغاز جلوس فردوس آرامگاه (یعنی محمد شاه که در ۱۱۳۱هـ تخت سلطنت داشت) از صد تا یکجا کرده تالیفی دیگر ساختم»

مؤلف اسم کتابهای زیر را در ضمن شرح حال شعر آورده است و از آن معلوم میشود که وی در تألیف کتاب از این کتابها استفاده کرده است :-

- ۱ - مجمع الفایس رجوع شوده به نام آرو و امانت و ثبات و کور بخش .
- ۲ - ریاض الشعرا - رجوع شود به نام ناقرو ثبات و حشمت و راغب و سودا و حدیقه سلطان و طیب و واله و یکتا .

۳ - ید بیضا - رجوع شود به نام احمد یار حان یکتا

۴ - تذکره معاصرین حرین - رجوع شود به نام ملا فیضا

این تذکره مشتمل است بر دکر سیصد و سی و پنج شاعر ترتیب البعائی از روی حرف اول اسم یا تخلص آنان که از جلوس محمد شاه (۱۱۲۱هـ) تا ۱۲۱۹هـ (سال تألیف کتاب) در هندوستان میریسته اند این تذکره با «آفتاب (ابوالمطهر عالی گوهر)» شروع شده با «یکتا (محمد اشرف)» تمام

مؤلف در مقدمه این کتاب توضیح داده است که منظور وی از جناب ارشاد مآر

میرزا محمد فخر مکی و از فردوس آرامگاه محمد شاه پادشاه هند است .

این تذکره مختصریست و مشتمل بر ۲۶۶ صفحه (از روی حای پتنه) میباشد

و مؤلف غالباً شرح حال شعرا را به مختصر (در نیم صفحه) آورده است و از هر کدام سه چهار بیت نقل کرده است.

تاریخ تولد و وفات شعرا را اصولاً کمتر ذکر نموده است و علت آن ظاهرأ معاصر بودن مؤلف باشد. شرح حال بعضی شعرا خیلی مختصر است و در مورد برخی دیگر مفصل است ولی این امر مبنی بر اهمیت مقام شاعر نبوده بلکه موجباً دیگری مانند آشنائی و مناسبات مؤلف با شاعر یا مقام و موقعیت و حسب و نسب وی بوده است مثلاً شرح حال آفتاب پسر عالمگیر ثانی، امعلی آورده است و لوی که اروی تنها يك بیت نقل کرده است اما شرح حال میرزا ارجمند پسر میرزا عبد الغنی را در يك سطر آورده و اروی يك بیت نقل کرده است.

این تذکره تنها شامل حال شعرائی است که مؤلف با آنان آشنائی داشته و به همه گویندگان فارسی زبان آن زمان هندوستان و ایران به اهمیت فارسی در دیار هندوشیوع آن در آن سرزمین بحوبی میتوان پی برد.

نکته مهم تاریخی که از این تذکره دست میآید کثرت مهاجرت اهل ذوق و فن از ایران به هندوستان در این زمان است چنانکه می بینیم که اغلب این گویندگان در اواخر عهد صفوی و زمان نادر شاه از نقاط مختلف ایران به هندوستان مهاجرت کرده اند. اسامی بعضی شعرا که در این تذکره از آنان یاد شده و اصلاً از ایران بدیار هند رفته بودند بهر اریز است.

۱ - قزلباش خان امید که مولدش همدان بوده و در اصفهان نشو و نما یافت و در اوایل عهد بهادر شاه وارد هند گردید (ص ۶)

۲ - احمد علی خان ایمن که مولدش قم بوده و در زمان اورنگزیب وارد هند شد و در حنك نادر شاه در کرناٹل شهید شد (ص ۸).

۳ - میرزا محمد امین ازل در ایام محاصره اصفهان در ۱۱۳۳ هـ فوت کرد (ص ۹).

۴ - میرزا محمد سفیع سملارا کابریلده نیشابور است (ص ۲۳).

۵ - بدیع نضر آبادی (طاهر نصر آبادی) در تاریخ یکی از عمارات شاه سلطان حسین (صفوی) قصیده رناده ارسد بیت نظم کرد . . (ص ۲۴)

۶ - آقای صالح برهان مولش مازندران است است ومدتی در هندوستان اقامت گزیده . . (ص ۲۵) .

۷ - محمد باقر بیگ از میرزا زاده های ایرانست بر فاقه نادر شاه در هندوستان رسید (ص ۲۶)

۸ - برهان الملك نیشاپوری در عهد سلطنت بهادر شاه ار ولایت (ایران) بهید آمد (ص ۳۶)

۹ - شیخ محمد علی حرین چون نادر شاه بر ایران تسلط یافت شیخ را آجا دل برداشته بهد متافت (ص ۵۱)

۱۰ - ذره پسر محمد باقر مجلسی هنگام محاصره از اصفهان برآمده (ص ۸۹). علاوه بر شعرائی که فارسی زبان و ایرانی الاصل بوده بسیاری از شعرای مدکور این تذکره هندی الاصل و جزو امراء و راجاهای هند بودند و تعداد آنان بیر در این تذکره کم نیست و از اشعاری که مؤلف از آنان آورده است معلوم میشود که آنها بیر تسلط کامل بر زبان فارسی داشته اند و در ذوق و شوق شعر دست کمی از شعرای ایرانی الاصل نداشته اند .

اشعاری که مؤلف در این تذکره انتخاب نموده است بطور کلی بسک هندی است ولی در انتخاب این اشعار مؤلف ثابت کرده است که خودش بیر نادوق و حال بوده است اکثر اشعار را مؤلف از غزلیات انتخاب نموده است و حردریکی دو مورد بقل انتخاب قصاید مبادرت نکرده است چنانکه در ذیل شرح حال خود قصایدی که در مدح سروده صط نموده است .

در بیر شعرای مذکور یک بر وزن شاعر بنام حدیحه سلطان سگم نت عم خان و اله (مؤلف تذکره ریاض الشعرا) راد کر نموده است و اشعار وی را بیر بقل کرده اس (ص ۱۱۱ این کتاب).

و محمد صدیق مخنور و رای بال گویندشاد و دینی پرشادشاد و بلبل میکند شهود و نظام الدین صانع و محمد مکر عیاش و منشی بهکاری لعل عزیز و شیخ محمد عاشق عشق و میر غلام حسین دهلوی و میر شمس الدین فقیر و کشتن چند قریب و نواب محمد خان محبت و ملهار سنگه مکین و رای میکول لعل مستانه و میر محمد تقی میر و بهوری سنگه مشرب و محمد واصل خان واصل و میر را ابوعلی هاتق .

در ذیل نام شعرای زیر « ماده تاریخ » فوت آنان را که دیگران سروده اند

آورده

آرزو . آرزو رفت از جهان افسوس انتحام (عمدة الملك) : غم عمده

(= ۱۱۵۹)

انصاف : بردا مضجعه بیخبر : (یک بیت از قصیده آزاد در تاریخ فوتش)

درگاه قلی خان : خدایش بیامرزد ساکن . اهل دینی ساکن فردوس گشت (ارمؤلف)

سالک: از جهان روت ربه العقر حاجانان مظهر مظهر کل (از آزاد)

اطلاعات زیر در تذکره های دیگر نیامده است

۱ - میر عظیم ثبات : در تألیف ریاض الشعرا باعلی قلی خان واله تخلص معاون

مانده (ص ۴۵)

۲ - رای مکه رای شوق: در آن ایام (۱۱۷۰ هـ) تذکره مسمی به سفینه الشوق

تألیف می نمود (ص ۱۱۵) .

۳ - شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت: تذکره الاولیا و تذکره الشعرائی

نیر تألیف کرده (ص ۱۲۸) .

اما عجب آنست که مؤلف اروحوذ تذکره «مردم دیده» حکیم حاکم لاهوری

اطلاع نداشت و در ذیل شرح حال حکیم اشاره ای باین تذکره ننموده و اروی مختصراً

در دو سطر یاد کرده بحدیث نقل کرده اسب

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً ساده و روان است و بعضی اصطلاحات و اسماءات و کنایات دور از ذهن که در بعضی آثار نویسندگان فارسی زبان هند نیز موجود است (ماسد آزاد و خوشگو و غیره) در این تذکره آواست. به بعضی نکات و محتصات سبک انشای مؤلف در اینجا مختصراً تذکره داده میشود.

۱- بعضی اصطلاحات و بدعت‌های لفظی دارد مانند منصب پنجه‌ری سرفراز کمانید (بجای کرد) (ص ۹۳). هندوستان را بجای هندوستان زاده (رجوع شود بنام حلیم) و نیبسه بجای بیه (رجوع شود به نام عاصی) و میگویانند (گویانندن = فعل متعدی از گفتن - رجوع شود به نام محمدشا).

۲- بعضی کلمات فارسی را بروش عربی جمع بسته است مثلاً با محبات جمع نامه.

۳- گاهی بعضی کلمات اردو را بکار برده است سوا بح عمری بمعنی شرح حال (حدن) بواسه بمعنی سسه حرد) و چموتره بمعنی مصطبه (حرین) و سپاهی به معنی سرباز (حشمت) و تعنات شد بمعنی منصوب شد (حیران) و موروثی بمعنی ارثی (درد) صوبه بمعنی استان (زایر و سخور و غیره) و پروانه بمعنی نامه، حوار (سخور) حایگیر بمعنی املاک (ساطع) و کملی بمعنی پتو (محمدشاه) و حکاء بمعنی ناحیه (مکین)

۴- املائی بعضی کلمات واسامی هندی را بخط اردو آورده است. مثلاً رجوع شود به شرح حال دولت و راجه رام، سن و راغورائج و روشن و سحور و سواد و قلیل و مخمور و منت و مستانه و مائل و تژاد و ورسته.

۵- بجای عبارت «موت شد» حملات مصوع آورده است

امید در سه ۱۱۵۹ بمرص سلته رحمت هستی بسوی عالم بقا کشید
سحقه حار در همان سال (۱۱۵۲) رحمت حیات مستعز را از بر کشید

دهیر . نقد حیات (را) به قاصد ارواح سپرد .

فقیر . کشتی حیاتش عریق بحر رحمت شد .

۶- گاهی قبل یا بعد از اسامی بعضی شعرا القاب توصیفی به نشر مسجع آورده است .

حرین : فرمانروای اقلیم سحوری و کشور گشای مملکت بلاغ گستری

مکین : مهر برج فضل و کمال و ماه شهر عرو حلال

سخ خطی

تہا یک سجع از این کتاب در کتابخانه خدابخش تہ موحود اس کہ بخط مکین لال اس و در ہم حمادی الاخری سہ ۱۳۲۰ هـ (سال اتمام تألیف کتاب) بخط شکستہ استیساہ شدہ است (رجوع شود بہ فہرست بابکی سور ح ۸ ص ۲۱۵)

چاپ

در پتہ ہند دہتما و تصحیح سیدشاہ محمد عطاء الرحمن عطا کا کوی استاد ادارہ تحقیقات عربی و فارسی پتہ بہار ہندوستان سال ۱۳۷۷ ق = ۱۹۵۸ م طبع سگی رسیدہ و باوجود اینکہ اعلاط چاپی و غیرہ در آن زیاد اس کہ غالب آن ظاہراً بعل کم سواد بودن ساخ سجع اصلی (مکین لال مد کورہ فوق) اس اما رحمتی کہ مصحح آن در تہیہ توصیحات سودمدی و فہرست اسامی و اماکن و کتب تذکرہ قابل تقدیر و تمجید میاتد

برای شرح حال مؤلف رجوع شود بہ سفیدمدی و انیس الاحا و استوری

ح ۲ ص ۸۸۲

برای فہرست اسامی شعرا رجوع شود بہ تذکرہ « سعبہ ہندی » چاپ

پتہ ہند

تذکرہ - تبصرہ بر این کتاب مقالہ ای کہ در مہراہمی کتاب سال دوم

شماره پنجم از طرف انجمن کتاب تهران درباره سغینه هندی چاپ شده است بیرمورد
استفاده نگارنده قرار گرفته است

طبقات سه سخن

مؤلف

اسم مؤلف شیخ علامه محی الدین قریشی میرمی است که اول مبتلا تحلیص میگرد
و بعد عشق تحلیص اختیار کرد (برای شرح حال و آثار او رجوع شود به بحث درباره
مجموعه عشق در این کتاب)

تیمبره در کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۲۲ هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن «عنقات
سحر» اردوی احمد میرساند

این تذکره «رحیث اصالب مطالب حبلی مهم و ارزس است» در شرح حال
سعدی در این تذکره آمده است مؤلف خودش نوشته است و در حاشیه دیگر نقل
با افتخار نموده است

۱- طبقه اول - مستعمل است در ۹۶ شعر ریخته (ردیف)

۲- طبقه دوم - مستعمل است در ۶۰ شعر ای مع صرف فارسی

سج حطی

۱- است. نگ. ۵۳

فهرست اسامی

برای فهرست اسامی شعرای طبقه اول رجوع شود به فهرست برلن
۶۷۵ - ۶۷۶

تذکره کاتب

ابتدا

شعله که نواله اخگر اورمین و آسمان را فرو گرفته منورسارد .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرزا محمدعلی کاتب صغوی است که در اول شاهزاده ابوالمنصور میرزا محمد سلیمان شکوه پسر شاه عالم (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ هـ) اورا برای استسخار دوا و این فارسی واردو استخدام نمود و سپس وی مصاحب و کاتب سلطان ابوالفتح محمد صغوی متخلص به طلوعی گردید سلطان ابوالفتح هر روز اسماً آخرین پادشاه صغوی بود که محمد خان وی را در ۱۲۰۰ هـ در تهران پادشاه اعلام کرد اما بعداً وی در ۱۲۰۵ هـ بسند فرار نمود و بالاخره در ۱۲۱۰ هـ در لکهنو رحل اقامت افکند

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۵ هـ تألیف نمود چنانکه این قطعه که در پایان کتاب آورده میرساند

گردید بدهر نام کاتب موسوم	شد تذکره از فضل قدیر قیوم
کم کن تو صد از تذکره گردد مفہوم	تاریخ تمامیش بگفتا هاتم

(چون از اعداد تذکره (= ۱۳۲۵) عدد ۱۰۰ منها کنیم ۱۲۲۵ باقی میماند و همان سال تألیف این کتاب است).

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی در خدمت سلطان ابوالفتح محمد صفوی سمت میر منشی را داشت سلطان صفوی وی را امر کرد که اشعاری را که در موقع مطالعه «معزن العریب» وی روی آنها نشان کذاری کرده بود جمع کند و همچنین شرح حال شعرا را که سلطان در «تحفة الشعراء»^۱ بیاورده نیز علیحده تهیه کند بنا بر این کاتب «تعمیلاً لحکم السلطان» این تذکره را ترتیب داد و بمناسبت سمت خود اسم آنرا «تذکره کاتب» گذاشت. شرح حال اکثر شعرا در این تذکره مختصر آمده است و تقریباً تمام آن از «معزن العرایب» نقل شده است. البته اشعاری که در این کتاب گردآوری شده است نشانه دوق حوب گردآورنده میباشد.

ترتیب اسامی شعرا از روی العبا است و شاعر اول در این تذکره سید شریف جهانگیر سمنانی و شاعر آخر محمد اشرف یکتا است.

رویه هر فته این کتاب زیاد اهمیت ندارد چون تقریباً تمام مطالب آن از معزن العرایب و کتب دیگر نقل شده است و بنا بر این از حیث اصالت تقریباً هیچ

نسخه خطی نسخه منحصر نبرد آن در رامپور موجود است که تاریخ ندارد و مشتملست بر ۲۹۰ صفحه (رجوع شود به مجله اوزینسل کالج لاهور ج ۶ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰ میلادی ص ۱۰۸ - ۱۱۱ و ج ۱۸ ش ۱۳۷ ص ۱۱۲ و مدیر احمد ش ۸۱)

۱ تحفة الشعراء چنانکه از سیاق عبارت پیدا است تذکره ای بوده که سلطان محمد صفوی آنرا ترتیب داده بود اما اسم این تذکره در هیچ جای دیگر ذکر شده و نسخه ای هم از این کتاب امروز باقی نمانده است. تذکره ای به همین نام را میرزا افضل بیگ قاقشال اورد که آمادی در ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است (رجوع شود به بحث درباره «تحفة الشعراء» در این کتاب)

مؤلف است (هندوستان) تألیف کرده است

مؤلف

(مؤلف معمولاً هندو است)

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف

مؤلف (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند (مؤلف) در هند

مؤلف

مؤلف

كلك جواهر سلك تكوين و سواد تقرير بر سفینه اختراع و بياض ابداع
تسطير نمود.^۴

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب آقا حسین قلی خان متخلص به عاشق عظیم آبادی و کنیت
وی ابو محمد و اصلش از خراسان است. حداد نواب عسکرخان است و حد بر رگ
او نواب عیسی خان از شهر جام در آغاز سلطنت احمد شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۷ هـ) باتفاق
بعضی از متعلقین و وابستگان به درالخلافت شاه جهان آباد (دهلی) رسیده و آنجا
سکونت گزید. .. اجداد او در ملارمت سلطان احمد شاه و عالمگیر ثانی در آمده
بلقب نواب و خان بهادر و ماصب عالی گاهی « به بعضی کارحاجات حصوری و
برخی با تنظیم محالات و چکله داری » رافرار شده و در مدت قلیل حشمت و اقدار
کثیر اندوخته « بکام دل زندگانی مینمودند. بالاخره حد بر گش در سال پنجم جلوس
احمد شاه مطابق سنه ۱۱۶۵ هـ فوت کرد .

جد مؤلف نواب عسکرخان تا عهد عالمگیر ثانی با عرت و احترام رندگی
میکرد. موقعیکه احمد شاه درانی به هندوستان حمله کرد و حرا به شاهی حالی شد بعضی
از مصاحبین پادشاه باو پیشنهاد کردند که املاک عسکرخان را توقیف نماید و بنابر
توصیه آنها و بامر پادشاه سی هزار اشرفی (سکه طلائی) و بیست و دولک (دویست
و بیست ملیون) روپیه (سکه نقره ای) نقد و دو عرانه ظروف طلا و آلات نقره و
اشیای دیگر را بحرا به شاهی بردند. در ۱۱۷۰ هـ موقعیکه احمد شاه درانی برای
دفعه پنجم حمله کرد بعضی از مردم لشکر عسکرخان زادر حال تلاوت قرآن بقتل
رسادند

جد مؤلف سه بر داشت که آقا علی خان شاهجهان آبادی پدر مؤلف
ار همه کوچکتر بود و در وقت فوت پدر س او دو سال بود چون نواب میرالدوله
که از حویشا و بدان بر دیک جد مؤلف بود وزارت شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) رسید

مؤلف «کلش بیجار» درباره عاشقی مینویسد که اکنون که سال ۱۲۵۲ هـ است در شهر لکهنو اقامت دارد و چون عربی بلد نیست در تذکره خود خیلی اشتباه کرده است
بقیه شرح حال مؤلف بدست نیامد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۲۲۴ هـ آغاز کرد و در سیردهم رجب رورسه شنبه ۱۲۳۳ هـ با تمام رسانید (و عبارت «نشر گه خان» = ۱۲۲۴ هـ) سال آغاز تألیف این کتاب را می‌رساند.

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که وی در شهرهای کلکته و اکبر آباد (اگره) و شاهجهان آباد (دهلی) سیاحت پرداخته و در ضمن سیاحت با مردم بلاد مختلف برخورد کرده و با آنها صحبت داشته است. بالاخره در اثر صحبت آنها بگفتن شعر متوجه شد و در اثر همین علاقه شعر اشعار شعرا را جمع آوری نمود و بتدریج قریب دوهزار بیت جمع آوری کرد. در سال ۲۱۰۳ هـ مؤلف در جهای کول (۹) موقعیکه وی در حضور آقای ایللیات کلکتر^۱ صلح علیگره در جستجوی کار بود اتفاقاً روری با میر محمد جعفر مسیح بریلوی تحصیلدار پرگنه اترولی^۲ از مصافات صلح علیگره برخورد کرد میرزا نور بمولف گفت که تذکره «ریاض الشعراء» در اختیار دارد و مؤلف آن تذکره را از وی بعاریب گرفت و رو نوشتی از آن برداشت. بعد از مطالعه آن تذکره باین نتیجه رسید که والہ اشعار «رطب و یابس» را جمع آوری نموده و اگر کسی اشعار عاشقانه بخواهد میتواند از مطالعه آن لذت ببرد.

بنابر این مؤلف تصمیم گرفت که تذکره ای بنویسد که محتوی اشعار عاشقانه باشد و برای بیل باین مقصود چندین کتاب تذکره و تاریخ و سفیه و دیوان را از دیگران بعاریت گرفته یا نه بهای کثیر خریداری نمود همچنین بعضی از این کتب

۱- یعنی صلح دار یا حاکم صلح - صلح در هندو پاكستان تقريباً معنى شهرستان (رجوع شود به ص ۲۲ صفحه پیش)

از جمله کتب فوق‌الاحیات الشعراء متیر کشمیری و خریطه جواهر امروز
بحافانده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر هزار و چهارصد و هشتاد شاعر متقدم و متوسط و
و متأخر. ترتیب القبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «شیخ ابواسماعیل عبدالله
افشاری» شروع شده با «یوسف بلگرامی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مفصل است و شرح حال و آثار شعرا و اشعار مستخف آنها در این
تذکره خیلی مفصل آمده است و تنها اشعار عشقی شعرا نقل و اکثر این اشعار از غزل و و پایی
انتخاب شده است.

مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مفصل آورده است و مخصوصاً در ذیل نام شعرای
معاصر شرح حال آنها را خیلی مفصل آورده و همچنین اشعار شعرا را هم غالباً بتفصیل
نقل کرده است.

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی ثمر مسجع را هم بکار برده است.
گاهی جمله ای مصنوع در معنی «فوت شد» آورده است و بعضی جاها بمناسبت
اسم یا تخلص شاعر حنا س آورده است مثلاً در ذیل نام سمل مینویسد «بسمل تیغ
فنا گردید».

نسخ خطی

۱- اشپرنگر ۷۳۲

۲- بامکی پورج ۸ ص ۷۱۶-۷۱۷

۳- رامپور - رجوع شود به ندیر احمدش ۹۷ (۱۲۳۶هـ).

۴- دانشگاه پنجاب - دو نسخه یکی را این نسخه ها ناقص الاول والاخر است از روی

فهرستی که در اول کتاب (ناقص الاول) آمده است تعداد کل شعرا ۱۴۸۰ ذکر شده و
اسامی شعرا هم بهم حورده و بعد از رضا قروینی در حرف «را» ذکر امیر خسرو آمده است
ولی شرح حال وی ناقص و با تمام مانده است. این تذکره در یک جلد است و دریاچه هم

دارد و نسخه دیگر با شیخ عبداله انصاری شروع شده با واقف بتالوی (تاقص الآخر) تمام میشود و این نسخه متعلق بکتابخانه مولانا محمدحسین آزاد دهلوی نویسنده معروف اردو بوده و بعضی عبارات آن بخط آواد است. امشبک مؤلف را که اصلاً خبلی مصنوع بوده اینجا بکلی تغییر داده و اشعار شعرا را هم مختصر نقل کرده است.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به دفتر عشق تحت نام عاشقی و گلشن بینظرو گار سن دتاسی ج ۱ ص ۲۳۵ تحت نام عاشقی و نگارستان سخن ص ۵۹ و صبح گلشن ص ۲۷۱ و نزم سخن ص ۸۴ و استوری ج ۱ ص ۸۸۶

فهرست و اسامی شعرا

در هیچ فهرست یا کتاب دیگر ذکر نشده است.

انیس العاشقین

انتدا

«ند کره سعادت تصره که عرت بخش فصیح بیانان لودعی والمعی^۱ تواند بود
و حمد سخن آفرینی است که بآیه وافی الهدایه فاتو بصوره من مثله کج طبعان مدومه
صلالت و گمراهی را با عتراف : بناظلمنا انفسا فاعمر لنادبوننا انا کنا من الخاطئين
بمقامات صدق و یقین رسایده است. ۴»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره کنور رتن سنگمتخلص به رخمی است که از طرف شاهان

۱- بود لورعی المعی تیر رای (صابالہ بیان)

اود بالقبایق منشی الملوك فخر الدوله دیرالملک مهاراجه (رتن سنگه) بهادرهوشیار جنگ جفتخرشد. وی سکینه کایسته بود و اصلش از بریلی بود. خانواده او از چندین پشت در خدمت شاهان اود بودند و حدش راجه بهگوان داس دیوان و اتالیق (استاد) وزیر الممالک نواب آصف الدوله بهادر (۱۶۸۹-۱۷۱۲ هـ) والی اود بوده و بعداً مدتی ماطم بریلی بود.

پندر خمی زای بالکرام متخلص به صوری نایب مهاراجه چهاوالال بوده در سرکار نواب آصف الدوله سمت میر آتش را داشت و تویحانه بالک گنج در لکنهو هنور هم بنام وی مشهور است. وی مدتی صاحب دیوان نواب آصف الدوله بود. بالاخره در غره شوال ۱۲۱۱ هـ به عظیم آباد رفت و نواب مرپور که وی را خیلی دوست داشت «تاب حدائی بیاورده» روز ۲۸ ربیع الاول ۱۲۱۲ هـ از این سرای قاضی بعالم حاودانی شتافت و بالکرام نیز خدمت شاهی را ترک گفته از دنیا مافیهای خرو بی پروا شد و تا مدتی در بلاد مختلفه آواره و سرگردان ماند. البته گاهی برای دیدن پسر خود رخمی میآمد و باز بعلت شوریدگی بسرگردانی میپرداخت تا بالاخره در ۱۲۶۰ هـ از این سرگردانی راحت شده و سرپریر حاک کشیده بخواب اندی فرو رفت.

رخمی در لکهنو در شب یکشنبه ۲۳ محرم سنه ۱۱۹۷ هـ مطابق ۹ دسامبر ۱۷۸۲ میلادی چشم بدیده گشود و در آغاز شب شوق اکتساب علوم بدش افتاد. بنابراین بعضی زبانهای مشهور و متداول مانند فارسی و عربی و هندی و انگلیسی را بقدر مایحتاج فرا گرفت و با علوم عقلیه و نقلیه در این زبانها آشنا شد.

مؤلف بسیر و سیاحت اکثر بلاد هندوستان پرداخته و نخستین مسافرت وی از لکنهو به بریلی وطن آنائی می بود. سپس در ۱۲۱۸ هـ به کلکنه رفت و آنجا چند

۱- فرقه ایست اره دوها که بعضی افراد آن اربلا و فضلی معروف عربی و فارسی بوده اند

و امروز هم پیش از سایر اقوام هندو به زبانهای عربی و فارسی دوق و علاقه دارند.

کرده است.^۱

بقول مؤلف «صح گلشن» زخمی با اکثر علوم عربی و فلسفی و ترکی و انگلیسی و سنسکریت آشنائی داشت. وی پسری داشت بنام کنور دولت سنگه شکری که در عنوان خوانی فوت کرد و بقول مؤلف «صح گلشن» در جمله فنون ار پسر خود بر قدم راتر میگذناشت»

آثار مؤلف

- ۱- جام گینی نما - برای نسخه رجوع شود به ریوس ۱۰۹۶
- ۲- سلطان التواریخ - تاریخ مفصل شاهان اوداست و شامل وقایع تاریخی تا مرگ محمد علی شاه پادشاه اود (۱۲۵۸ هـ) میباشد - مؤلف آنجا شرح حال خود و اسب مفصل آورده است - برای نسخ رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۹۶۲ (مورخ ۱۲۶۵ هـ) و اندیا آفس ۳۹۶۱ (مورخ ۱۸۷۸ م)
- ۳- دیوان فارسی - نسخه آن در دانشگاه لاهور در کلکسیون شیرانی موجود است.^۲

۴- انیس العاشقین - تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب ۱۰ طاهرأ در ۱۲۴۵ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه نسخه خطی دانشگاه لاهور مینویسد که وی این کتاب را بسال یکهرار و دو صد (دویست) و چهل و پنج ۱۲۴۵ هـ تألیف نموده است اما در خاتمه جلد دوم ورتوگراف (عکسهای) نسخه کتابخانه لاله ماتا پرشاد عبارت ریر آمده است:

ت وهفتم (بیست وهفتم) رمضان المبارک سه ۱۲۳۶ هجری مطابق بستم و

- ۱- بقول دیو نسخه ای از سلطان التواریخ تألیف رتن سکه زخمی درموره بریتانیا موجود است که مؤلف آبراه سر اچام ایلیات در ۱۸۵۱ م تقدیم کرده است (دک. ریو ج ۳ ص ۹۶۲). از این معلوم میشود که مؤلف این کتاب را چندی قبل از مرگ خود به سر ایلیات تقدیم کرده و در همان سال گذشته است.

هفتم مئی (مه) سنه ۱۸۲۴ عیسوی (میلادی) حسن تحریر پسند رفت ... کتبه
عبدا المنیب غلام حسین.

اکنون پی بردن باینکه کدامیک از عبارات فوق اشتباه است مشکلات چون
در عبارت اول سال بصورت الخط میرد ذکر شده و در عبارت دوم سالهای هجری و میلادی
هر دو آمده است (و این سالها هم درست است).

راجع بسبب تألیف مؤلف در اینجا چه کتاب چنین توضیح داده است :
« از عنفوان شب بظم اشعار مایل و صحبت شعر را سایل بوده ام و هنگام فراغ
از کتب معقول و مقول بملاحظه دواوین ملاغت تضمین قعما و متأخرین بر
می نموده ام تا در سه ۱۲۴۵ یک هزار و دویست (دویست) و چهل و پنج هجری گنگه
وارد دارالسلطنه لکهنو بودم بعضی اشعار عاشقانه شعرای بانام و نشانه (معروف)
را فراهم آورده باقلیلی از حالات هریکی نهایت ایحار بقلم سپردم و با انتخاب
عزل و رباعی اقتصار ورزیده از تحریر اشعار قصیده و مثنوی الا بضورت
در گذشتم »

این تذکره مشتمل است بر ذکر حال و اشعار و منتخب از متجاور از دو هزار
شاعر متقدم و متأخر بترتیب العما از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و شامل
مقدمه در مدح نصیرالدین حیدر شاه اود (۵۳ - ۱۲۴۲ هـ) و سی و دو « حرف » اول است
که هر حرف آن مخصوص برای یکی از حروف العما است حلد اول این کتاب
« با آبرو » شروع شده با « ضیائی » تمام میشود و حلد دوم آن « طاب حاکم جرم »
شروع شده با « یوسا هری » تمام میشود^۱

مؤلف این کتاب را بنام نصیرالدین حیدر شاه اود عنوان کرده است
در دیل اکثر شعر او و شرح حالشان را حیلی مختصر آورده است مانند آبرو

۱- صفحه یکده در دانشگاه لاهور مر خود است حلد اول این کتاب است.

۲- در دانشگاه لاهور عکهای از نسخه متعلق مکتب بانه لاله ماتا پرشاد موجود است

که مشتمل است بر حلد دوم این کتاب .

و چون به خود به خود نسخه‌های این کتاب

فهرست اسامی شعری

کتابت شده در ۱۹۰۶ و استواری ۸۹۰

برای شرح مولودیه و شرح الیاسی

در ۱۲۳۹ هـ

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

کتابخانه به خودی خود به خودی خود

در تذکره «محبوب الرحمن» سال وفات او ۱۲۴۷ هـ ضبط شده ولی «در گلزار اعظم» و «تتایح الافکار» و «اشارات بینش» ۱۲۴۸ هـ آمده است. در تذکره «سخنوران بلند فکر» (اردو) قطعه تاریخ وفات رایق که سید ابوطیخ خان والا گه ۴ مدین قرار آمده است .

داروی اجل چو خورد رایق با بدرقه گلاب ایمان

سالش ز سر بکا دلم گفت حقا که ز دهر رفت لقمان

بقول مؤلف «سخنوران بلند فکر» (اردو) اینجا از سر بکا تعبیه است یعنی باید عدد «ب» = ۲ را بعد مصرعه دوم = ۱۲۵۱ اضافه کرد و بدین ترتیب سال وفات رایق (۱۲۵۳ هـ) بر می آید که با اصل سال وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم و غیره ۱۲۴۸ هـ است پنج سال فرق دارد. اما حقیقت اینست که بمؤلف سخنوران بلند فکر اشتباه دست داده و باید عدد را از ۱۲۵۱ منها کرد و در نتیجه ۱۲۴۹ بدست می آید که فقط یک سال از وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم و غیره ۱۲۴۸ هـ می باشد فرق دارد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۲۱۰ هـ آغاز نموده چنانکه اسم تذکره ارروی ابجد میرساند و در بین ۱۲۴۴ و ۱۲۴۸ با تمام رسانیده اس اما روایت صاحب «گلزار اعظم» سال اتمام این کتاب ۱۲۴۰ است چنانکه «گلدسته ربیای کر ناک» میرساند این تذکره مشتمل است بر ۷۰ شاعر بترتیب الفبا ارروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر که در کر ناک در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ م زندگی میکرده اند چون مؤلف با تمام این شعر آشنا بود و آنها هم شهری وی بودند به این اطلاعاتی که در این تذکره درباره این شعرابهم رسانیده است اعم از اینکه در درباره یا خارج اردو بار بودند در هر حال قابل اعتقاد و اعتبار است

نسخ خطی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به گلدسته کر ناک و تتایح الافکار ص ۱۸۹ و صبح وطن ص ۸۱-۸ و گلزار اعظم ص ۱۲ و اشارات بیشش ص ۴۹-۵۴ و حدیقه المرام

(بربان عربی) تألیف مولوی محمد مهدی واصف مدراس چاپ مدراس ۱۲۸۹ هـ
 ص ۴-۲۲ و استوری ج ۱ ص ۸۹۰ و سخنوران بلند فکر (اردو) تألیف مولوی محمد منور
 گوهر چاپ دانشگاه مدراس هندوستان ۱۲۵۲ هـ
 فہرست اسامی شعرا
 رجوع شود بہ ایوانودیل اول ص ۸-۱۰ (اسم ۷۰ شاعر)

محک شعرا

ابتدا

ای حمد تو آب و تاب اب حارسخن وی دگر تو چشمہ سارا نہار سخن
 ار فیص تنای تو تمامی مہ وسال آسیب خران بدیدہ گلزار سخن
 بی بہا حمدی کہ شمیمش دلہای مردہ را دگر گئی دہدو حارسخری کہ نسیمش
 حابہای پژمردہ را تازگی بخشد حمد محمودیست جل حلالہ و شکر مہ
 عم بو ۴

مؤلف

اسم مؤلف محمد صالح شاملوی خراسانی است کہ از معاصرین فتحعلی شاہ قاجار
 (۱۲۱۲-۱۲۶۰ هـ) بود (شرح حال مؤلف بدست نیامد)

تبصرہ بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۵۲ هـ تألیف نمودہ است. (رجوع شود بہ مقدمہ کتاب)
 در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمہ حسین توصیح میدہد کہ ارمدتی وی
 بیکر جمع آوری منتخبات اشعار سمرای معاصر بود اما بعلت گرفتاریہی گودن
 این فکر صورت عمل نمیگرفت تا اینکہ در سال ۱۲۵۲ هـ در بلدہ حیدرآباد

از دوستان^۱

این کتاب مشتمل است بر دکر ۱۸۱ تن سخنگو بشمول فتحعلی شاه و شاهزادگان و امر او شعرای زمان وی و با «فتحعلی شاه قاجار» شروع شده با «میرزا وصال شیرازی» تمام می شود

مؤلف در دلیل شرح حال اکثر شعرا اطلاعات مهم رندگانی آنها را اما نند سال و محل ولادت و غیره را بیاورده است و اغلب عبارت آرائی پرداخته و ارا اکثر شعرا در دوسه سطر یاد کرده و از آنها دوسه بیت را نقل کرده است.

عجیب اینست که اکثر شعرای این کتاب معاصر مؤلف و حتی از رفقا و آشنایان وی بوده اند اما مؤلف شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات ضروری را درباره رندگی آنها نداده است

اکثر شعرای این تذکره در تذکره های معاصر ایران ذکر شده اما ذکر بعضی از آنها مخصوصاً ذکر شعرای متأخر هندوستان در تذکره های دیگر ایران بیامده است اما بعضی از آنها در تذکره های هند ذکر شده اند. از جمله شعرای این تذکره شعرای ریر یا اصلا هندی بوده یا در موقع تألیف این تذکره در هند اقامت داشته اند.

چراغ علیخان آصف حاھی فطرت مار بدرانی و عاسقلی خان نصرت خان الشهیر نه دکنی و میر غضر علیخان آزاد کشمیری و میرزا نورالعین واقف هندی شاهجهان آبادی و برهان قلی خان لکناهوری (لکهنوی) و میر محمد حسینی لکناهوری (لکهنوی) و میرزا محمد قاجر مکین بطری^۲ و میرزا علی قتی خان بی لاهوری.

در ذیل نام اشخاص ریر مؤلف شرح حال آنها را سببه مفصل آورده است. نشاط اصهبانی و طایر شیرازی و فاصل خان سوی همدانی (هر کدام در ۲ ص) و سمل شیرازی

۱- در نسخه کتابخانه ملک این عبارت با تمام مانده است.

۲- برای نورالعین واقعاً «مردم دیده» ۳- برای میرزا محمد قاجر مکین ر ک وایسرا الاحماء.

(در ۲ ص) ونیری شیرازی (در ۳ ص) وفتحعلی شاه قاجار (در ۳ ص) وملك الشعرأ صباى كاشى (در ۴ ص - مفصل تر از سایرین).

در ذیل نام شعرای زیر اشعارشان را سة منصل آورده است. میرزا صوری كاشى (۶۰ بیت) و ملك الشعرأ صباى كاشى و حاوری تبریزی و حیران رشتی و خاور شیرازی (از هر کدام ۷۰ بیت) و عندلیب كاشى و همای مروی (از هر کدام ۱۰۵ بیت) و شاطا صغانی (۱۱۰ بیت) و مجمر اردستانی (۱۴۵ بیت) و سمل شیرازی (۱۷۵ بیت) و وصال شیرازی (۲۲۵ بیت) و شهاب ترشیری (۵۸۰ بیت) و ونیری شیرازی (۲۷۰۰ بیت).

سبك انشای مؤلف

سبك انتای مؤلف عالماً مصنوع است و در بسیاری از موارد در مسجع بکار برده است مخصوصاً قسم اول را که مقدمه و ذکر پادشاه و شاهزادگان و امرار شامل است مؤلف بنثر بسیار مصنوع نگاه داشته است. در این قسمت مؤلف القاب توصیفی بفرمانی بکار برده است مخصوصاً در ذیل پادشاه و شاهزادگان این قبیل القاب را خیلی فراوان آورده است. همچنین در ذیل بعضی شعرای مهم این دوره نیز القاب توصیفی آورده است مثلاً: در ذیل نام ونیری شیرازی مینویسد «عندلیب گلستان بلاغت طوطی شکرستان فصاحت» (در يك صفحه). همچنین رجوع شود به ملك الشعرأ عندلیب كاشى و بی بی عفت شیرازی و میرزا ساوی همدانی و سمل شیرازی و وصال شیرازی

نسخه خطی: نسخه محصر بر داین تذکره در کتابخانه ملك تهران موجود است (رجوع شود به ش ۴۰۹۶ که تذکره ملك تهران) اما در این نسخه قسمت آخر دیباچه کتاب را تمام نمانده است

تذکره - اسم این تذکره در هیچ فهرست که تذکره ذکر نشده است و حتی استوری هم از وجود این کتاب اطلاع نداشته است

فهرست اسامی شعرا - چون اسم این کتاب در هیچ فهرست اسامی شعرا اینج نقل میگردد.

ذکر پادشاه

۱- فتحعلیشاه قاجار

ذکر شاهزادگان فتحعلی شاه

۲- نواب محمد علی میرزا ۳- شاهزاده حسین علی میرزا

۴- نواب محمدقلی میرزا حسروی ۵- نواب محمدتقی میرزا شوکت

۶- نواب علیشاه ظل السلطان ۷- شیخ علی میرزا شاپور

۸- عبدالله میرزا ۹- نواب امام ویردی میرزا

۱۰- نواب محمود میرزا ۱۱- نواب محمد رضامیرزا افسر

۱۲- نواب حیدرقلی میرزا حاور ۱۳- نواب همایون میرزا حشمت

ذکر امرای رمان فتحعلی شاه قاجار

۱۴- ابراهیم خان طغرل ۱۵- سلیمان خان عرت

۱۶- محمد قاسم خاں شوکت ۱۷- الله یار خان

ذکر شعرای رمان فتحعلی شاه

۱۸- نیری شیرازی ۱۹- میرزا رضی تبریزی

۲۰- میرزا سحاب اصفهانی ۲۱- میرزا صبوری کاشی

۲۲- ملک الشعرا صای کاشی ۲۳- میرزا مفتون شیرازی

۲۴- مولانا نشاط اصفهانی ۲۵- حاوری تبریزی

۲۶- حسین علی بیگ شرراصفهانی ۲۷- سلیمان صباحی کاشی

۲۸- میرزا مائل طهرانی ۲۹- میرزا سیدحسین محمراصفهانی

۳۰- میرزا صادق همای مروی ۳۱- میرزا داود بینوای مشهدی

۳۲- میرزا ابوالحسن شیدای یردی ۳۳- آقامحمد علی شیدای اصفهانی

۳۴- آقامحمد صغای اصفهانی ۳۵- میرزا سعیدفدای اردستانی

۳۶- منت علی بیگ نوای شیرازی ۳۷- میرزا محمدعلی وفای اصفهانی

۳۸- میرزا محمد حسین وفای فراهانی ۳۹- میرزا ابوالحسن یغمای جندقی

- ۴۰۔ میرزا عبداللہ خان شہاب ترشیزی ۴۱۔ میرزا محمد تقی صاحب عازن فدائی
- ۴۲۔ میرزا محمد رفیع خان طرب شیرازی ۴۳۔ ملک الشعرا محمد حسین خان عندلیب کاشی
- ۴۴۔ میرزا عبدالعلی کوکب یردی ۴۵۔ آقا میرزا محمد صادق کوکب شیرازی
- ۴۶۔ میرزا مرتضیٰ محبوب ترشیری ۴۷۔ میرزا حیدر علی محبوب شیرازی
- ۴۸۔ میرزا محمد قلی الفت کاشی ۴۹۔ محمود خان الفت شیرازی
- ۵۰۔ آقا میرزا محمد حسین عشرت شیرازی ۵۱۔ ملا محمد تقی حسرت ہمدانی
- ۵۲۔ میرزا علی خان بیگ حسرت اصفہانی ۵۳۔ ملا باقر صحبت لاری
- ۵۴۔ آقا محمد طلعت اصفہانی ۵۵۔ بی بی عفت شیرازی
- ۵۶۔ بی بی عشرت ۵۷۔ بی بی عشرت شیرازی
- ۵۸۔ محمد امین بیک فطرت اصفہانی ۵۹۔ چراغ علیخان آصفہانی فطرت
- مارندانی
- ۶۰۔ میرزا سید نعمت اللہ فکرت مارندانی ۶۱۔ عباس قلی خان نصرت الشہیر بہدکنی
- ۶۲۔ میرزا سلطان بیک نصرت گیلانی ۶۳۔ میرزا محمد حسین نصرت شیرازی
- ۶۴۔ میرزا رضا قلی بیگ ہدایت دامغانی ۶۵۔ محمد حس خان فرخ خان زند
- ملقب بہ خانلر خان
- ۶۶۔ میرزا عصقر علی خان آزاد کشمیری ۶۷۔ میرزا محمد جان امید اصفہانی
- ۶۸۔ میرزا ابوالحسن امید بہاوندی ۶۹۔ میرزا جواد اصفہانی
- ۷۰۔ حاجی عابد اصفہانی ۷۱۔ آقا محمد شیرازی
- ۷۲۔ میرزا احمد بیگ اختر گرجی ۷۳۔ میرزا علی اکبر اصفہانی
- ۷۴۔ ابراہیم خان ابور شیرازی ۷۵۔ میرزا شیخ محمد علی بہادر
- دارا حسردی
- ۷۶۔ آقا حسین بیمار شیرازی ۷۷۔ محمود خان حاور آذر بایجانی
- ۷۸۔ مولانا حاجی شیخ محمد ساغر حرزعی ۷۹۔ محمد سی حار سعیر شیرازی
- ۸۰۔ حسین علی بیک شرز اصفہانی ۸۱۔ میرزا علی تقی حر شیرازی

- ۸۲- میرزا احمد صبور کاشی
 ۸۴- آقا لطفی فکار شیرازی
 ۸۶- میرزا رضا منصور اصفهانی
 ۸۳- حسنعلی خان طایر شیرازی
 ۸۵- میرزا محمد حسین محمر اردستانی
 ۸۷- آقا میرزا محمد ابراهیم
 منظور شیرازی
 ۸۸- میرزا امان الله یگ کاتب اصفهانی
 ۹۰- میرزا سیدعلی نیاز شیرازی
 ۹۲- میرزا یوسف انیس نهاوندی
 ۹۴- میرزا محمد مونس اصفهانی
 ۹۶- میرزا محمدعلی دانش اصفهانی
 ۹۸- ملا درویش قائنی
 ۱۰۰- آقا میرزا بابا عارض اصفهانی
 ۱۰۲- شیخ محمد قانع شیرازی
 ۱۰۴- میرزا ابوالحسن حریری حدیفی
 ۱۰۶- شیخ عابد عارف کازرونی
 ۱۰۸- میرزا ابوالعین واقف هندی
 شاهجهان آبادی
 ۱۱۰- آقا علی عسکر شایق اصفهانی
 ۱۱۲- میرزا صادق ناطق اصفهانی
 ۱۱۴- آقا محمد صالح واقف اصفهانی
 ۱۱۶- میرزا محمد امیر خان بیدل بيشابوری
 ۱۱۸- میرزا محمدعلی
 ۱۲۰- شیخ محمد رحیم
 ۱۲۲- میرزا ابوالقاسم اری
 ۱۲۴- میرزا هاشم حرم اصفهانی
 ۱۰۹- هادی یگ شایق هندی
 ۱۱۱- میرزا مراد یگ مشفق شیرازی
 ۱۱۳- میرزا محمدعلی واقف یردی
 ۱۱۵- میرزا محمد رحیم بیدل شیرازی
 ۱۱۷- آقا میرزا حابی سائل شیرازی
 ۱۱۹- آقا محمد قائل شیراز
 ۱۲۱- میرزا ابوالقاسم ادریایحانی
 ۱۲۳- میرزا یحیی حرم شیرازی
 ۱۲۵- حرم حراسانی

- ۱۲۶- میرزا علی قایم مقام فراهانی
 ۱۲۸- میرزا منعم شیرازی
 ۱۳۰- میرزا مرتضی بیگ پریشان
 ۱۳۲- ملا حسن نهاوندی
 ۱۳۴- میر محمد حسین هندی
 لکناهوری (لکهنوی)
 ۱۳۶- میرزا عبدالرسول حیران رشتی
 ۱۳۸- میرزا محمدعلی گلشن رنگنه
 ۱۴۰- میرزا محمد حسین مخون شیرازی
 ۱۴۲- میرزا رفیع مفتون قمی
 ۱۴۴- آقا چماقلوی مازندرانی
 ۱۴۶- میرزا کلب حسین بیگ
 آشفته ایروانی
 ۱۴۸- محمد مهدی خان شهنه مازندرانی
 ۱۵۰- میرزا احمد کشته بطری
 ۱۵۲- آقا میرزا محمد کاظم واله اصفهانی
 ۱۵۴- آقا میرزا رحیم علی تسلی سیرازی
 ۱۵۶- میرزا حسین حسینی یزدی
 ۱۵۸- آقا بزرگ میرزا دوقی شیرازی
 ۱۶۰- میرزا محمدعلی رفیعی
 ۱۶۲- میرزا صادق رفیقی مازندرانی
 ۱۶۴- آقا میرزا محمد صفائی کرمانی
 ۱۶۶- میرزا صدیق علی بیگ وردی
 رند تیرازی
 ۱۲۷- آقا میرزا حسن علی محروم شیرازی
 ۱۲۹- ملا محمد نادم شیرازی
 ۱۳۱- برهانقلی حان لکناهوری (لکهنوی)
 ۱۳۳- ملا حسین هازندرانی
 ۱۳۵- میرزا محمدعلی حیران یزدی
 ۱۳۷- میرزا احمد روشن شیرازی
 ۱۳۹- میرزا محمد فاخر مکی بطری
 ۱۴۱- عبدالرراق بیگ مفتون تسیری
 ۱۴۳- شیخ عبدالمعالم همایون اصفهانی
 ۱۴۵- میرزا آقا علی اشرف آگه شیرازی
 ۱۴۷- میرزا عبدالعی ذره تهرانی
 ۱۴۹- میرزا عبدالوهاب قطره اصفهانی
 ۱۵۱- نصرالله خان قراگوزلو
 ۱۵۳- میرزا عبدالباقی باقی اصفهانی
 ۱۵۵- میرزا محمد حسین حانی شیرازی
 ۱۵۷- میرزا فضل الله حور سیرازی
 ۱۵۹- میرزا وصال خان راوی همدانی
 ۱۶۱- آقا میرزا محمد ابراهیم کاتی
 ۱۶۳- میرزا صنی کاشانی
 ۱۶۵- میرزا محمدعلی صدیقی یزدی
 ۱۶۷- میرزا محمد حسن علی شیرازی

- ۱۶۸- آقا علی شیرازی
 ۱۶۹- حاجی حسین حامی شیرازی
 ۱۷۰- آقامیرزا محمدحضر فنوی
 ۱۷۱- میرزا محمد فکاری اردکانی
 ۱۷۲- آقامیرزا عبدالرحیم قضائی یزدی
 ۱۷۳- مهدی بیگ شقاقی آذربایجانی
 ۱۷۴- میرزا محمد حسین یاری الشیر
 ۱۷۵- میرزا محمدباقر بیگ
 به حراسانی
 ۱۷۶- میرزا علینقی خان نقی لاهوری
 ۱۷۷- میرزا عباس نشاطی مازندرانی
 ۱۷۸- نورعلیشاه اصفهانی
 ۱۷۹- میرزا مهدی شیرازی
 ۱۸۰- حاجی علی اکبر بسمل شیرازی
 ۱۸۱- میرزا محمدشفیع وصال شیرازی

معراج الخیال

انتدا

«عبریں رلف رعای) شاهد سخن را شاه ربی فرمودن بنام پاک بطق آموری
 میزید تعالی تأنه که طبع رنگین خیالان صائب افکار گل در گریبان اربهار مکرمتش
 و اندیشه نازک تلاشان عالی دستگاه گهر بدامان اریسان مرحمتش»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب وریر علی متخلص به عبرتی است وی در عظیم آباد پتنه
 متولد شد و شاگرد راجاپیاری لال المسی (متوفی ۱۲۵۴هـ) بوده و بعد از اتمام تحصیلات
 در خدمت رئیس الامرا روش الملک مبارک الدوله بون' محمد مهدی قلی خان بهادر
 شوکت جنگ در آمد و اتالیق محمد حسن خان بهادر تهور شوکت جنگ مر نور
 هم بود. چون فخر الامرا مبارک الملک صیاء الدوله بواب سید محمد حسن خان بهادر

تهور جنگ که در کلکته بود به عظیم آباد رفت عبرتی بسمت منشی او منصوب شد و با اتفاق او به بنارس هم رفت .

عبرتی بعد از تألیف «اعجاز المحبت» (۱۲۴۷هـ) بکلکته رفت و چند ماه در آنجا سیاحت و گردش پرداخت و سپس بدھا کا (در پاکستان شرقی امروز) نیز رفت .
عبرتی در تذکره خود شرح حال بعضی شعرا و امرای آن شهر را آورده است . در همان سال ۱۲۴۷ هـ دوباره به بنگال رفت اما قبل از ۱۲۵۰ هـ به عظیم آباد (پننه) مراجعت نمود چنانکه در رقعہ ای (نامه ای) در مصاحف الاخلاق (تألیف ۱۲۵۰هـ) مینویسد: «هنگام بازگشت از حناگیر نگر (دها که) حال در گذشتن پذیر آن جوان سال (را) شنیدم» همچنین رقعہ ای (نامه ای) که در «ریاض الافکار» عبرتی موجود است و نواب تهور جنگ (متوفی در ۱۲۵۰هـ) به مؤلف نوشته است چنان میرساند که مؤلف در آن وقت ترك ملازمت نواب کرده بود و نواب بر این واقعه اظهار تأسف می کند اما اجازه میدهد که عبرتی در وطن خود (عظیم آباد) زندگی کند .

عبرتی در عظیم آباد (پننه) در خدمت راجا بیوپ سنگه در آمد و به معلمی مهیت سنگه پسر راجای مریور مأمور شد راجا بیوپ سنگه شعر هم میسرود و ولا تخلص میکرد قبل از ۱۲۶۶هـ عبرتی بر نظارت مأمور بود اما در نتیجه خیانت رای شنکر لعل (صدر اعظم پننه) عبرتی محبور شد آراء ترك گوید چنانکه شرح آن را در «جام جهان نما» تألیف ۱۲۶۶هـ آورده اس عبرتی بعد از ترك خدمت فوق در خدمت نواب سید ولایت علیخان در آمد و در همان ایام «جام جهان نما» را تألیف کرد .

آخرین کتاب عبرتی «ریاض الافکار» است که وی بسال ۱۲۶۸هـ تألیف نموده است بعد از آن تریح احوال وی بدست نرسید

عبرتی شیعه اثناعشری بود و بر دینهای فارسی و عربی تسلط کافی داشت و علماً متدبیر و شاعر و کاتب و شاعر شعر میسرود

تألیفات

آثار فارسی عربی بنی زرار بنی زرار است :

۱- اعجاز المعجیت - اولین تألیف عربی که است و بی سال ۱۲۱۷ هـ نوشته

است. این کتاب در اصل خلاصه مشنوی «تذمینی» فیضی است بنی زرار بنی زرار.

آثار خود به شرح زیر است : ۲۵۹.

۲- معانی الاحیاء - مجموعی ۷۹۹ قریه (نامه) عربی است که بی سال ۱۲۵۰ هـ

نویسه شده و به شرح زیر است : این کتاب به شرح زیر است : ۲۵۹.

۳- معانی الاحیاء

مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۴- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۵- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۶- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۷- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۸- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۹- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۰- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۱- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۲- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۳- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۴- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۵- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۶- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

۱۷- معانی الاحیاء - مشنوی است که بی سال ۱۲۵۱ هـ نوشته شده و به شرح زیر است : ۲۵۹.

مؤلف در مقدمه اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است :

- ۱ - نشتر عشق ۲ - سرو آزاد ۳ - ید بیضا ۴ - طبقات الشعرا
۵ - آتشکده آذر ۶ - ریاض الشعرا .

امادر شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را نیز آورده است

- ۱ - مرآت الخبال (رجوع شود به فانی)
۲ - تذکره صحایف شرایف تألیف میر محمد عسکری (رجوع شود به رسا) .
۳ - تذکره مدوالتشاه (رجوع شود به سلمان) ۴ - تاریخ فرشته (رجوع شود به صادق)
۵ - تحفة السامی تألیف اسمعیل حسینی (رجوع شود به شرح حال مانی و مومن)
این تذکره مشتملست بر ذکر دو یست و پنج^۱ شاعر متقدم و متوسط و متأخر مخصوصاً از قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی بترتیب القبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «ابدال» شروع شده با «یوسف شاملو» تمام میشود. این کتاب مشتملست بر بیست و هشت انجمن و هرا انجمن برای یک حرف مخصوص است بقرارد زیر :
- انجمن اول مشتمل بر افکار بیست و هفت تن^۲ از جادو و فسانان است که جان سخن پروانه شمع ایشان .
- انجمن دوم مشتمل بر افکار نه تن^۳ از برجسته خیالان است که طبع درخشان غیرت عمان .
- انجمن سوم مشتمل بر افکار چهار تن از بلاغت گستران یکپه پیوبد است که طبع مضمونشان معانی را حلّی بند .

۱ - مؤلف در حاتم « دود (دو یست) شیرین رقمها » نوشته است بقول پروفیسور محفوظ الحق عده شعرای این کتاب دو یست و سه (۲۰۳) است امادر بسجده دانشگاه لاهور ذکر ۲۰۵ شاعر آمده است

۲ و ۳ - در خود کتاب بترتیب ذکر بیست و شش و یارده تن آمده است (رجوع شود به بسجده دانشگاه لاهور)

انجمن چهارم مشتمل بر افکار دوتن از معنی رسان کهنه خیال است که خامه از گلدیری طبع شان نهال .

انجمن پنجم مشتمل بر افکار دوتن از معانی پرور است که نزهتشان نشتر است خون چکان .

انجمن ششم مشتمل بر افکار ده تن از صائب تلاشانست که بعنوبت کلامشان شنیدن را آب درهان .

انجمن هفتم مشتمل بر افکار چهارتن از شیرین تلاشانست که شور کلامشان بر زخم حگر نمک پاشان .

انجمن هشتم مشتمل بر افکار دوتن از اعجاز دستگاههاست که طریبا نشان بدل سامعین الماس فشان .

انجمن نهم مشتمل بر افکار دوتن از عرش خیال جادو تلاشانست که بر بگینی کلامشان شنیدن را صد گلستان بدامان .

انجمن دهم مشتمل بر افکار نه تن اردل کیا باست که حریق خیالشان نشه بخش دماغ معنی یا بان .

انجمن یازدهم مشتمل بر افکار دو تن از همه درد مو شکافانست که هریبت خیرشان هوش ربای سینه صافان .

انجمن دوازدهم مشتمل بر افکار چهارتن از شیرین تلاشانست که شور کلامشان بر زخم حگر نمک پاشان

انجمن سیزدهم مشتمل بر افکار هفت تن^۱ از همه سوز عالی دستگاههاست که هر مصرعه پیچیده شان مانا بر لنگها ن .

انجمن چهاردهم مشتمل بر افکار هشت تن از سرایا اعجاز ادبند است که هر شعر شور آمویشان برق حرمن شکیب را کت پسندان

۱- در خود کتاب ترتیب ذکر بیست و شش - یارده - ده تن آمده است . (روح شود به سحره دانشگاه لاهور) .

انجمن پانزدهم مشتمل بر افکار يك تن از جادو نگار معنی پرستانست که بیت
دیوانشان آئینه دار بهار صد گلستان

انجمن شانزدهم مشتمل بر افکار سه تن از خونین رقصانست که ترتیب غرلشان
وحشت افزا تر از چشم آهوان .

انجمن هفدهم مشتمل بر افکار يك تن از اعجاز بیانان معنی یابست که جادوکاری
طبعشان نسخه سامری را جواب .

انجمن هیجدهم مشتمل بر افکار چهارده تن از معنی پژوهان سحر رقمست که
رنگ آمیزی طبعشان مرسله پیوند گلوی قلم .

انجمن نوزدهم مشتمل بر افکار سه تن از رنگین سخنانست که رسته خامه شان
غیرت چشمه حیوان .

انجمن بیستم مشتمل بر افکار سیزده تن از قدسی خیالانست که طررتحریرشان
غم از دل زدای آشفته خیالار .

انجمن بیست و یکم مشتمل بر افکار پنج تن از نرافکارانست که خونین رقمی شان
همرنگ بهاران .

« بیست و دوم » « پنج تن از بلاغت گسترانست که خوش طبعشان
گهر دیر تر از عریان

« بیست و سوم » « دو تن از سخن سرایانست که صریح خامه شان سر مشق
رنگین بویان .

« بیست و چهارم » « هژده (هیجده)^۱ تن از معنی پرورانست که هر شعرشان
نمکپاش دل شوریده سران

« بیست و پنجم » « چهارتن^۲ از رنگین کلامانست که هر حرفشان
شنیدن را کل دامن .

۲۵۱- در حدود کتاب ترتیب ذکر بیست و يك و شانزده تن آمده است (رجوع شود

به نسخه داشگاه لاهور)

« بیست و هشتم » « شش تن ^۱ از سخنورانست که جنس خامه‌شان حان
معنی پروران.

« بیست و هفتم » « سه تن از فصاحت اندیشاست که سلمای کلاه‌شان
هوش‌ربای مهر‌کیشان.

« بیست و هشتم » « پنج تن از شعله‌پیااست که هر صفحه دیوانشان
دیده فروزتر از رخ جانان.

مؤلف در این تذکره انتخاب اشعار شعرا را تنها از غزلیات آورده است
و در دیل نام هر شاعر یک غزل (غالباً) کامل نقل کرده است.

شرح حال شعرا غالباً جامع است و اکثراً اطلاعات مهم راجع برندگان
شعرا را ذکر نموده است.

در مورد شعرای زیر مؤلف میگوید که آنها در زمان وی در قید حیات
بودند

اختر و سمل (مولوی مهدی علی) و حسرت و حسرتی و ذبیح و شفا و ضمیر و عظیم و غالب
و فرقتی و فریاد و کوکسویکتا (میرزا نور علی خان).

در دیل نام ۸۷ تن شاعر سال وفاتشان را ذکر نکرده است اما در دیل نام
بقیه‌شان (غیر از شعرائی که در زمان او در قید حیات بودند) سال وفاتشان را
ذکر نموده است.

مؤلف اکثر مطالب را از تذکره‌های دیگر نقل کرده است اما اگر قدری
بیشتر رحمت میکسید میتوانست شرح حال بقیه شعرا را نیز جامع‌تر بیاورد مخصوصاً
در مورد اسیر و اعظم و آفرین و ابوالعقل خان رازی و شاپور و شوکت و طغری
و عنیم و غیره

دیوانهای اکثر شعرا را خودش مطالعه کرده است و غزلی که خیلی مورد پسند

۱- در خود کتاب ذکر هشت تن آمده است : (رجوع شود به نسخه دانشگاه

او واقع شده از آنجا انتخاب نموده است چنانکه خودش در مقدمه در این زمینه توضیح داده است.

سبك انشای مؤلف

سبك انشای مؤلف بسیار مصنوع است و در اکثر موارد نثر مسجع را بکار برده است گاهی در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی «فوت کرد» آورده است چنانکه در ذیل شرح حال شاه بخشش حسین فرقتی مینویسد . بفردوس برین شتافت .

در ذیل نام ظهوری مینویسد: ره خموش آباد عدم گرفت.
همچنین قبل از آوردن اشعار هر شاعر در جمله‌ای چند کلمه در توصیف و تعریف شاعر آورده است چنانکه :

در ذیل شرح حال فغانی مینویسد: از آن پخته گوی شیرین افکار است

« « فیضی « . از آن عجب و درو گار است

« « قاسم « : از آن قدسی نژاد است

رویه هر فته این تذکره جزو تذکره های حالی است با وجود اینکه شرح حال شعرا را مختصر (اما جامع) آورده است و از هر شاعر عرلی نقل کرده است یعنی در شرح حال و انتخاب اشعار هر دو باختصار و ایحار توجه داشته است مخصوصاً شرح حال شعرای معاصر که مؤلف با آنها آشنا بوده مهم تر و با ارزش تر است.

نسخ خطی

۱- ایوانو- کردن ش ۶۰ مورخ ۱۲۸۲ هـ

۲- دانشگاه لاهور که گاهی روی بعضی کلمات نقطه های اضافی و گاهی کم دارد و ظاهراً این هم روستی بوده است در خطاطی.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به معراج الخیال و مقاله ای درباره عبرتی

از پروفیسور محمد محفوظ الحق در مجلہ ندیم (اردو) پٹنہ (بہار نمبر) مورخ جولائی و اگست (ژوئیہ و اوت) ۱۹۳۳ میلادی و استوری ج ۱ ص ۹۰۰.

برای فہرست اسامی تنہا ۲۳ شاعر معاصر مؤلف رجوع شود بہ ایوانو۔ کرزن ۸-۶۷

صبح وطن

ابتدا

» خدا در انتظار حمد ما بیست محمد چشم بر راه ثنا نیست
اما بعد غلام پر ارلوث محمد غوث کان اللہ لہ کہ عکس پذیر سجنجلض
تلامذہ رحمان کہ رفعتشان »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد غوث و القاب وی امیر الہند و الاجاہ عمدۃ الامرا مختار الملک
عظیم الدولہ حاکم بہادر شہامت جنگ و تحلیص وی اعظم بودہ وی پسر نواب امیر الہند
فخر الامرا مدار الملک روشن الدولہ محمد منصور خان بہادر بہادر جنگ سپہ سالار و
صوبہ دار (استاندار) ملک کرناٹک (۱۷۴۱-۱۷۴۴ھ) بود نشست از حاکم پندر بہ سی و دو
واسطہ بحصرت عمر و از حاکم مادر بہ بیست و شش واسطہ باہام حسین میرسید مادرش
فرزند ضیاء الدولہ بہادر و بپیرہ نواب ضیاء الملک حیدر آباد دکن بود.

نواب اعظم ساعت دہ روز چہار شہ ۲۹ ذوالحجہ ۱۲۳۹ھ بدیہ آمد و ہور
بہ ردمہ ' بیش نگدشتہ بود کہ از سایہ پندر محروم شد. روز دوم چہلم پندر تدریج
۲۵ اوت ۱۸۴۲ میلادی (مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۸) بعنوان نواب صوبہ دار کرناٹک

۱- اشارت بیش سن نواب اعظم مروت فوت پندر دو سال نوشتہ است از ک اشارت

در قصه چپوك بر مسند ریاست نشست و عمویش نواب عظیم‌جاه بهادر نایب‌مختار برای هفده سال بکار نیابت (نایب‌السلطنه) مأمور شد و کارهای مربوطه بر ریاست کرناٹک را بجای نواب‌صغیر انجام میداد .

با گفته نماند که ریاست کرناٹک از نواب والا‌جاه به‌خلف‌الرشید وی نواب عمدة‌الامرا بهادر و از وی سرادرزاده وی نواب رحمت‌مآب عظیم‌الدوله بهادر (۱۲۱۶-۱۲۳۴) خلف‌الرشید نواب امیرالامرا رسید و از وی به‌رضوان‌مآب اعظم‌جاه محمدمنورخان بهادر (۱۲۳۴-۱۲۴۱هـ) و اروی پسر وی نواب محمدغوث‌خان مؤلف صبح‌وطن رسید .

نواب اعظم در پنج سالگی بمکتب (دبستان) رفت و برد حافظ محمد مکی و حافظ عبدالوالی قرائت قرآن را تمام کرد و از مختصرات فارسی تا اخلاق حسنی پیش‌غلام محی‌الدین خوشنویس (سعدی) و انشای حلیقه و رلیخا و گلشن سعادت و رساله عبدالواسع هاسوی و سکندرنامه و اخلاق جلالی و دیوان غنی (کشمیری) و دیوان ناصرعلی سرهندی و دیوان حلال‌اسیر را خواند و از مطولات و نثر «سه‌شر» و «بنجر قعه» و «مینا پارار» ظهوری و رسایل طعرا ی‌مشهدی و اشای بیدل و اشای نعمت‌خان عالی و سبعة سیاره و فن عروض و قافیه و در عربی فدایه صیائیه‌المشهور به شرح‌ملائی حامی نرد مولوی جمال‌الدین احمد و در عقاید و فقه و حدیث «بقدر مایحتاج» و دیوان نخستین عربی‌آزاد بلگرامی را نرد مولوی ارتضی‌علی خان خواند و حط عربی و فارسی را از مولوی مربور و عنایت حسین خان خوشنویس یاد گرفت .

نواب در شعر شاگرد ابوطالب‌خان و الابودولی با ناصرعلی سرهندی ارادت و عقیدت خاصی داشت و بتقلید وی شعر میسرود وی شعر و دمیگفت و در عرض یکی دو ساعت عربی درست میکرد و شی قصیده‌ای مستمل بر ۴۷ بیت در مکتب امام حسین سرود . در آن‌دک مدت دیوانی بتقلید ناصرعلی سرهندی بجواب دیوان مطهر ترتیب داد نواب اعظم با ناصرعلی سرهندی خیلی ارادت داشت حب که در تذکره «گلزار اعظم» باعتبار صا و ایراداتی که مولوی محمد مهدی و اصنف در تذکره «معین‌الحواهر»

بر بعضی اشعار ناصر علی گرفته بود جواب داده است.

نواب اعظم در ۱۲۶۰ هـ انجمن ادبی بنام «محفل مشاعر اعظم» تشکیل داد و دو نفر را بعنوان داور مقرر نمود که یکی از آنها محمد قدرت اله گوپاموی مؤلف تذکره «نتایج الاوکار» بود. وی در مکه چندین رباط بنا کرد و در مدراس کتابخانه عام اهل اسلام و مدرسه اعظم و لنگر خانه ای^۲ درست کرد. بعد از یک عمر بذل و خود و عطا و بخشش^۳ سن سی و دو سالگی^۴ روز ۲۴ محرم ۱۲۷۲ هـ (مطابق ۱۷ اکتبر ۱۸۵۵) از این دنیای فانی بسوی سرای جاوداسی شتافت و در مقبره جد خود نواب عظیم الدوله بهادر رحمت مآب نواب کرناٹک (۱۲۱۶-۳۴ هـ) واقع در محوطه مسجد و الاحاهی ترملکپیری^۵ دفن شد «سرغیب» و «مظلوم نمر» هر کدام سال وفات وی (۱۲۷۲) را میرسانند^۶

استوری می نویسد که نواب اعظم هیچوقت حاضر نبود با اروپائیان معاشرت کند. در اول قدری انگلیسی یاد گرفته بود اما آنرا هم بعداً فراموش کرد و زندگی خود را در عیش و عشرت می گذراند و همیشه احتیاج پول داشت که بدرباریان خود عطا و بخشش کند.

بی محل نخواهد بود اگر اینجا شرح محصری در دوره اندام کرناٹک داده شود نواب اعظم اولاد نرینه (سر) نداشته و در زمان فرمانداری کل (گورنر جنرالی) لرد دالبوری (۱۲۶۴-۱۲۷۳ هـ) ضیق صلح دمه مورخ ۱۸۰۱ میلادی (= ۱۲۱۶ هـ) قرار داده بود که ریس کرناٹک آرتی دشد و اینکه سرباط و مقررات آن صلح نامه را رعایت نمود عظیم الدوله بهادر مراعات نگردد و فی چون نواب اعظم

۱- در کتب سحر و جادو در ردیل به قدرت ۲- مری که آید و بنظر آید

۳- بقول استوری یک عمر عیش و عشرت ۴- استوری سرس ویتال

۵- استوری در شمال مسجد جامع ترپلی ک ۶- در تذکره سحر و جادو

وارثی از اولاد نرینه بجا نگذاشت بنا براین دولت انگلیس تصمیم گرفت بریاست^۱ کرناٹک خاتمه داده و برای نواب عظیم جاه بهادر عموی نواب اعظم و سایر اعضای خانواده نواب مستمری مقرر گردد. همچنین برای ملکه خیرالنسایبگم که نواب مرحوم در سال ۱۲۶۴ هـ با وی ازدواج کرده بود و برای اعظم النسایبگم ملکه دوم نواب اعظم چهار هزار روپیه مستمری مقرون نمودند و برای سایر متعلقین و ملازمین نواب نیز حسب مدارج و مقام آنها حقوقی مقرر کردند.

برای پرداخت و واریز بدهکاریهای نواب اعظم اثاثیه وی را بدست یکتقر معتمد سپردند و املاک و منازل وی را حراج کردند و خود دولت بریتانیا آنرا به پنج لکه (پانصد هزار) روپیه خریداری نمود.

نواب عظیم جاه مزبور تقاضای خود را متضمن ادعای او نست بریاست کرناٹک پیش ملکه ویکتوریا ملکه بریتانیا تقدیم نمود و مسترد اسن را برای احقاق حق خود در پالمان بریتانیا انگلستان اعزام نمود. در پالمان بریتانیا عده ای با نواب عظیم جاه موافق بودند و گروهی مخالف وی. بالاخره همان شد که شد و تصمیم قطعی گرفته شد که بریاست کرناٹک خاتمه دهد برای تسلی و اشک شوئی نواب عظیم جاه روز ۱۲ آوریل ۱۸۷۱ م (مطابق ۲۰ محرم ۱۲۸۸ هـ) کرد نیئرگورنر (استاندار) مدراس لقب پرس آف ارکات^۲ (شاهزاده ارکات) از طرف دولت انگلیس باو اعطا کرد و ماهیانه بیست و پنج هزار روپیه مستمری برای وی مقرر نمود و وی را امیر درجه یک در هند جنوبی شناختند همچنین دولت انگلیس بوی قول داد که مادامیکه دولت بریتانیا در هند بوده نصف مستمری ماهیانه وی یعنی دوازده هزار و پانصد روپیه به جانشینان و پسران و دختران وی داده خواهد

۱- برای توضیح کلمه «بریاست» رجوع شود به ص ۵۲۷ کتاب حاضر

۲- Prince of Arcot

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است :

- ۱- دیوان اعظم - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - ذیل اول ش ۸۱۴
- ۲ - بهارستان اعظم - طاهر آ مجموعه اشعار است . رجوع شود به آصفیه

ج ۱ ص ۷۱۴

۳- صح وطن - تذکره مورد بحث.

۴- گلزار اعظم- تذکره دیگر که اعظم در ۱۲۶۹ هـ تألیف نموده است.

امادرباره آثار نواب اعظم مولوی محمد مهدی و آصف در «حقیقه المرام» (ص ۷) مینویسد که نواب عظیم اصلاً هیچ تألیفی از خود شته است و اینکه راقم (مولوی محمد حسین قادری ملقب به افضل الشعرا) کتابی در علم عروض و تذکره شعرائی نوشته و آنرا بنام نواب مر نور نسبت داده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف طاهر آ تألیف این کتاب را در ۱۲۵۶ هـ شروع کرده و در ۱۲۵۸ هـ به اتمام رسانیده است چنانکه در پایان کتاب هشت قطعه آورده که از آن جمله هفت قطعه سال تألیف کتاب را بدین قرار میرساند

۱- يك قطعه سال ۱۲۵۶ ۲ پنج قطعه سال ۱۲۵۷ ۳

۱۲۵۸ میرساند. بقیه يك قطعه طاهر آ تاریخ صحیحی را میرساند

مورد سب تألیف مؤلف رد

«در این هنگام که تذکره گلدسته گردنك را یقرا د معن بطر ملاحظه کردم 'حو' بعضی سخن سنجان را چون گل که غذبی بوی فتم یعنی پس قومیت (تعبیت و ملیت) خلاف واقع تحریر پرداخته ذکر برخی از رهگذر او تذبط بطمطراق قلمی ساخته لهذا حقیقت حال هر يك معنی طراز را با یزده عزل ادبی اذینك انتخا بقید قلم در آورد ،

این تذکره مشتمل است بر ذکر نواد و دو شاعر^۱ متأخر استان مدراس در جنوب هندوستان بتتیب القبا ارروی حرف اول اسم یا تخلص شاعرو یا «اعظم محمد غوث» (مؤلف) شروع شده با «یادمولوی خواجہ حمید الدین» تمام میشود.

تنها مأخذی که مؤلف اسم آن را در این کتاب در مقدمه آورده است تذکره گلدسته کرناٹک اسب اما این تذکره اصلاً تکلمه ایست برای گلدسته کرناٹک ر (چنانکه مؤلف در مقدمه توضیح داده است) برای رفع نقص آن کتاب نوشته شد

مؤلف در دیباچه کتاب توضیح داده است که شرح احوال هر شاعر را بایازده غزل از دیوان او بدون انتخاب (یعنی کامل) آورده است اما هر گاه که دیوان کسی پیدا نشد اشعار او را ارتد کره گلدسته کرناٹک برداشته و در این کتاب نقل کرده است. همچنین اسامی بعضی شعرا که بعد از فوت رایق شروع بشعر گفتن نمودند اند نیز ناچند غزل در این تذکره آورده اسب

مؤلف ادعا کرده است غزلهای شعرا را بصورت کامل آن نقل کرده «تا هویدا گردد که سره چیست و ناسره کیست و در صورت انتخاب این معنی بظهور نمی پیوندد» اما در این کتاب .

در ذیل نام ۲۳ شاعر یازده غزل را اریستان نقل کرده است

« ۱۴ » کمتر از یازده غزل را

« رایق دوازده غزل از وی نقل کرده است

» ۲۴ شاعر تنها یک یا دو بیت از آنها نقل کرده است .

« بقیه شعرا چند بیت از آنها نقل کرده است

شرح حال بعضی شعرا را از خود شن نقل کرده است مانند بیش و شاعر وعاشق و سایرین بکلی مورد اضمین و اعتبار میباشد

ار حمله بود و دو شاعر شرح حال ۲۱ تن را متصل آورده اسب مانند اعظم

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوانو ذیل اول ص ۸-۱۰ (با انضمام گلدسته کرنا تک).

نتایج الافکار

ابتدا

«شادابی گلشن سخن با بیاری حمد بهاره پیرائی است که عندلیب قوت با طقه را نعمه سنج
حوش نوائی گردا بیده و نیایش عوان صحیعه برقم ثنائی نظم آرائی است که عرایس
معانی را بتحلیه جواهر زواهر العاط برمنصه آرایش بشایده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد قدرت اله خان گوپا موی متخلص به قدرت است سشش
به بیست و سه واسطه به قاسم بن محمد بن ابی بکر میرسد که از فقهای سبعمدیه بود
وسلسله صوفیه نقشنویه باو منتهی میشود.

اسلاف مؤلف از عربستان بهدوستان آمده و در قنوج اقامت جستند و از آنجا
یکی از اجداد مؤلف در اواخر سلطنت عوریان (۵۷۱-۵۶۱۲) در گوپا من یا گوپا ماوا^۱
که یکی از شهرهای دارالسلطنت لکهنو در نواحی استان اختر (اود) بود سکونت
گرید و با شرفا و اهالی محترم آنجا روابط و «هم سستی» پیدا کرد و «نظر بتقوی و
وصلاح و دیانت و امامت» او را سیابت صدارت (ریاست) برگزید و باین سمت
مأمور و منصوب گردید

سپس حواجه پهل نواده حد فوق الذکر که بقول مؤلف «باوصاف حمیده و روش
پسندیده مقبول دلها بود و با تناوع شریعت و طریقت یکتا و از حجاب قطب العالم حصرت

۱- ۱۴ میل در شرق شهر هر دوئی در اود سابق و استان اتر پردیش امروزه هندوستان.

شیخ سعدالدین خیر آبادی قدس سره خرّقه خلافت داشت بهمین منوال امرار معاش میکرد بعد از وفات وی پسرش مولوی شاه عبدالرحیم که مؤلف «فتاویٰ مجمع المسائل» بوده جانشین پدر گردید و تا انقراض سلسله تیموری و عهد نواب شجاع الدوله (متوفی در ۱۱۸۹هـ) اولاد و اعقابش یکی بعد از دیگری بهمان خدمت مأمور بودند

اسم پدر مؤلف محمد کامل بود قدرت در سال ۱۱۹۹هـ متولد شد و چون بسن تمیر رسید کتب درسی فارسی و عربی را پیش بعضی استادان مانند مولوی محمد مقیم و شیخ غلام حیلانی و شیخ بدر عالم خواند در فن شعر ارل شاگرد «خوشدل» بود و چندی بعد بدست سید شاه غلام بصیرالدین سعدی بیعت کرده و در سلسله قادریه در آمد. در اوایل سن بیست و نه سالگی در سال ۱۲۲۷هـ جهت استعاده از صحت استادان خود خوشدل و خوشنود بمدراس مباحثت کرد

مولوی محمد ارتضیٰ علیحاح خوشنود، قدرت را بدر بار نواب اعظم جاهر ضوان مآب نواب کر باتک (۱۲۳۴ - ۱۲۴۱هـ) معرفی کرد و قدرت بدین ترتیب در مرمره بدمای نواب مز نور در آمد در سال ۱۳۳۹هـ نواب مر بور قدرت را بتولیت مقبره نواب اعظم الدوله بهادر (۱۲۱۶ - ۱۲۳۴هـ) پدر خود مأمور کرد و لقب «خان» بوی اعطا کرد نواب اعظم حاه در سال ۱۲۴۱هـ فوت کرد و سپس سراج الدوله محمد غوث خان بهادر جنگ رحمت مآب (۱۲۴۲ - ۱۲۷۲هـ) حاشین نواب اعظم شد و بریاست کر باتک مصوب گشت.

در سال ۱۲۶۰هـ نواب محمد غوث حاح اسحق ادبی بنام «محفل مشاعر اعظم» تأسیس نمود و دو نفر را بعنوان داور مقرر کرد که یکی از آن دو نفر قدرت بود. «قدرت راهدی بود شب زنده دار و عابدی بو. پرهیز کار» سال وفات او معلوم نیست اما وی تا موقع تألیف تذکره گلزار اعظم (۱۲۶۹هـ) در قید حیات بود. آثار مؤلف بدین قرار است

۱- دودویان فارسی^۱ ۲- نتایج الافکار تذکره مورد بحث

۱- ر. ک. استوری ح ا ق ا در دیل نام محمد قدرت الله گویا موی

۳- محمد النفا سی تالیف خان آرزو اکر آید

۲- «ریاض الشعر» تالیف والده و افسانه

۱- «آتشکده محمد» تالیف آرزو صفا

مورد استناد قوی است

کتاب کمال اسم کتابی در دیار چه کتاب آورده است که در تالیف این کتاب

«(ای) یادگار باشد...»

که گفت که چندی از اینها را در دیار آورده است که در تالیف این کتاب

و بعضی از معاصرین نگاشته اند در این ضمن از اینها را در دیار آورده است که در تالیف این کتاب

«گاه و بگاه در دیار آورده است که در تالیف این کتاب»

در مورد سبب تالیف مؤلف در دیار آورده است که در تالیف این کتاب

محمد بن خاندان (عنوان) کرده است.

از همین قطعه معلوم میشود که مؤلف این کتاب را بنام بزرگوار (عظیم)

گفت که در دیار آورده است که در تالیف این کتاب

فکر سال تا سال الا فکر

قطعه مؤلف بنام آورده است

میرساند.

را ۱۲۵۸ هـ سال است که در دیار آورده است که در تالیف این کتاب

سال تا سال این کتاب را بنام آورده است که در تالیف این کتاب

در خانه کتاب تو بنام آورده است که در تالیف این کتاب

در افکار: ۱۴۰۰ هـ در دیار آورده است که در تالیف این کتاب

«لبنان در سینه است و خستین و ماتین و انانیتان» بعضی از اینها

ند که میگوید:

مؤلف تالیف این کتاب را بنام آورده است که در تالیف این کتاب

بنام آورده است که در تالیف این کتاب

۴- بهارستان سخن تألیف عبدالرزاق

۵- مرآت الخيال تألیف شیرخان

۶- کلمات الشعر تألیف سرخوش

۷- سینه میر عظمت اله بیحر

۸ و ۹- سرو آزاد و خرا نه عامره تألیف میر آزاد بلگرامی

۱۰ و ۱۱- گل رعنا و شام غریبان تألیف شفیق اورنگ آبادی

این کتاب «المیر الهی اسد آدی (همدانی)» شروع شده با «میریوسف بلگرامی» تمام میشود و شامل ذکر کل پانصد و بیست و نه (۵۲۹) شاعر متقدم و متأخر و معاصر بترتیب الفبا از روی حروف اول تحلیص یا اسم شعرا میباشد. این کتاب مشتمل است بر هشت صفحه^۱

در دیباچه مؤلف جواز و مدرک شعر گوئی را از احادیث و آیات قرآن آورده است و همچنین درباره اول کسیکه بفارسی شعر گفته بحث کرده است و بعقیده وی آنکس مرام گوراسب و اول کسیکه در دوره اسلام بفارسی شعر گفت عباس مروی (مروزی) که در سال ۱۰۳ هـ مدح مامون خلیفه عباسی شعر سروده است سپس مؤلف درباره تحول شعر فارسی بحث مختصری آورده و بعد از آن راجع باقسام شعر بحث کرده است

تقدیم و تأخیر اسامی در زیر هر حرف بمراعات سالهای وفات شعرا آورده و قبل از ذکر سال وفات هر شاعر در این زمینه ارتد کرده های مختلف تحقیقاتی بعمل آورده و در نتیجه آنرا نوشته است همچنین اسامی اولیا و صوفیه را طبق احترام آنان مقدم و مؤخر آورده و اسامی شاعران را در هر ردیف بتقلید «الرحال قوامون علی النساء» بعد از اسامی شعرا آورده است تنها اسم «میر الهی» را بعزت سست نه «الله» قبل از اسامی صوفیه و عرفا آورده است. مؤلف اکثر شعرای معروف هندی تتراد را در این تذکره حاداده است اما بعضی شعرای معروف ایرانی را داماند فرحی و م و چهری را ذکر نکرده است همچنین

۱- اردوی چاپ ممئی سال ۱۳۳۶ ش.

شرح حال اکثر شعرای معروف را در چند سطر مختصر آورده ولی در شرح حال و تعریف شعرای معاصر که با مؤلف آشنا یا دوست بوده بمبالغه پرداخته و اشعارشان را نیز نسبتاً مفصل تر انتخاب و نقل کرده است .

اما اهمیت این تذکره از اینجاست که بسیاری از شعرای فارسی را ذکر نموده است که در تذکره های دیگر پیدا نیست و مخصوصاً ذکر شعرای معاصر مؤلف خیلی مفید و با ارزش است . همچنین شرح حال شعرای متقدم و متأخر را مؤلف مختصر ولی جامع آورده است و همه جا الترام نموده است که سال وفات آنان را مخصوصاً ذکر نماید .

اشعار شرح حال اکثر شعرا را مختصر آورده است و از بعضی شعرادریک دو سطر یاد کرده و از آنها یک دوبیت نقل کرده است مانند انسی ایلی و اسیری شیرازی و حسن بیگ تکللو .

همچنین در ذیل نام شعرای زیر شرح حالشان را در یک دو سطر آورده است :
اویس و بلبل و توفیق و ذهنی و سالم و محتشم خان فدا و مجرم و مستعنی .

اشعار شعرای زیر را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است : اشرفی سمرقندی و اهلی خراسانی و آفرین لاهوری و بییش کشمیری و عبدالواسع حلبی و سیادت و صهاو صافی و غنیمت پنجابی (کنجاهی) و مفید بلخی .

همچنین شرح حال افراد زیر را مفصل اما اشعارشان را مختصر نقل کرده است :
ابوعلی سینا و آذری و احس و امیرحان و حیاتی کاشانی و زایر و ریب النسایبگم و یحیی منیری بهاری و شکینی و قطب الدین بختیار و داراشکوه قادری و ملک قمی و معرالدین و بطامی و بعثت اله ولی و واحد .

شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است : حلال الدین مولانای روم و خوشود و بهرام یثدو و رکن کاشی و واله داغستانی (هر کدام در ۳ص) و ناصرعلی سمرندی (سمرهندی در ۳-۴ص) و قطب الدین بختیار و ناصر خنگ و خوشدل (هر کدام در ۴ص) و امیر حسرو (در ۴-۵ص) و داراشکوه (در ۵-۶ص) .

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از دیگران نقل کرده است : امیر خسرو و راعب و عرفی (هر کدام در ۴ ص) و میر درد و ناصر علی سهرندی (سهرندی) و مظهر جانجانان و والا (هر کدام در ۱-۴ ص) و جامی و حافظ و حزین و شوکت بخاری (هر کدام در ۵ ص) و سرخوش (در ۶ ص) و شاپور تهرانی و صایب و قدرت (هر کدام در ۷ ص) و محتشم کاشی (در ۸ ص) و واقف (در ۹ ص) و خوشدل (در ۱۲ ص) .

سبك انشای مولف

سبك انشای مولف غالباً مصنوع است و مؤلف در آوردن عبارات مصنوع و پرتکلف اکثر کمال سعی و کوشش بخرج داده است و حتی در این تلاش گاهی زبان سیار پرتصنع و غریب را بکار برده است مثلاً در پایان کتاب این عبارت را آورده است :

«یمن افضال ایردم تعال پیکرتد کره او اخر سال گذشته کسوت مسوده پوشیده بود امروز که تاریخ بیست و یکم شعبان ۱۲۵۸ ثمان و خسمین و ماتین و الف است خلعت بیضه در بر کشیده و شب دیر قلم کده در ساخت رقم گرم عنابی داش بسر منرل اختتام قیام و ررید» .

سالها را در سراسر کتاب بر نان عربی آورده است .

قبل از اسم و تخلص شعرا يك يا چند لقب توصیفی آورده است که در اکثر موارد پنشر مسجع و گاهی بمناسبت تخلص یا اسم شاعر حناس دارد، مانند «عبدلیب گلستان آگاهی نخبه السادات میرالهی» یا «مقبول بارگاه سبحانی شیخ اوحداالدین کرمانی» یا «سرمسب جام وحدت و سرخوش باده محبت شیخ الاسلام ابوالنصر احمدجام»

همچنین برای «فوت شد» جمله ای مصنوع و گاهی به مناسبت تخلص شاعر حناس آورده است مانند . . . «ار دارالملهال (به) ترهتکده وصال فایر گردید» (شیخ ابوسعید ابوالخیر) «اواخر . . . متلای پنجه اجل گردید» (متلاً) .

گاهی بعضی اصطلاحات آورده است که برای خواننده های ایرانی معنی آن روشن نیست مانند «ولایت» بمعنی ایران و افغانستان و «پستر» بمعنی سپس و «یکیم سال» بمعنی یکسال و بیم همچنین در املای بعضی کلمات بجای «و» حرف «ب»

[illegible]

ᠰᠤᠨ ᠶ᠋ᠢᠨ ᠲᠣᠭᠤᠯᠤᠰ ᠵᠡᠳᠦ ᠪᠡᠬᠡ ᠴᠢᠩ ᠮᠤᠨ ᠶ᠋ᠢᠨ ᠲᠣᠭᠤᠯᠤᠰ

۲- یوروپ

• זיין פאטער האט אים געזאגט: (ווי) ער וועט זיין א גרויסער מאן - 1

[illegible][illegible][illegible]

٥٢٦ - ٧٧٨ م / ١١٨٦ - ١٣٨١ هـ / ١٧٧٨ - ١٩٦١ م / ١٩٦١ - ١٩٦١ م / ١٩٦١ - ١٩٦١ م (١٩٦١)

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم من أجل أن يبين لنا ما كنا نجهل من أمور ديننا وأحكامنا

۱ - مدرسه حاج میرزا محمد باقر

၆၇

၌တံ့ + ၀၇၆၂) ၁-၂၈၇၂၆၇၈၂.၃, (၀၆၇၆၂) .

١-٢٠١٣ ٢-٢٠١٤ ٣-٢٠١٥ ٤-٢٠١٦ ٥-٢٠١٧ ٦-٢٠١٨ ٧-٢٠١٩ ٨-٢٠٢٠ ٩-٢٠٢١ ١٠-٢٠٢٢ ١١-٢٠٢٣ ١٢-٢٠٢٤ ١٣-٢٠٢٥ ١٤-٢٠٢٦ ١٥-٢٠٢٧ ١٦-٢٠٢٨ ١٧-٢٠٢٩ ١٨-٢٠٣٠ ١٩-٢٠٣١ ٢٠-٢٠٣٢ ٢١-٢٠٣٣ ٢٢-٢٠٣٤ ٢٣-٢٠٣٥ ٢٤-٢٠٣٦ ٢٥-٢٠٣٧ ٢٦-٢٠٣٨ ٢٧-٢٠٣٩ ٢٨-٢٠٤٠ ٢٩-٢٠٤١ ٣٠-٢٠٤٢ ٣١-٢٠٤٣ ٣٢-٢٠٤٤ ٣٣-٢٠٤٥ ٣٤-٢٠٤٦ ٣٥-٢٠٤٧ ٣٦-٢٠٤٨ ٣٧-٢٠٤٩ ٣٨-٢٠٥٠ ٣٩-٢٠٥١ ٤٠-٢٠٥٢ ٤١-٢٠٥٣ ٤٢-٢٠٥٤ ٤٣-٢٠٥٥ ٤٤-٢٠٥٦ ٤٥-٢٠٥٧ ٤٦-٢٠٥٨ ٤٧-٢٠٥٩ ٤٨-٢٠٦٠ ٤٩-٢٠٦١ ٥٠-٢٠٦٢ ٥١-٢٠٦٣ ٥٢-٢٠٦٤ ٥٣-٢٠٦٥ ٥٤-٢٠٦٦ ٥٥-٢٠٦٧ ٥٦-٢٠٦٨ ٥٧-٢٠٦٩ ٥٨-٢٠٧٠ ٥٩-٢٠٧١ ٦٠-٢٠٧٢ ٦١-٢٠٧٣ ٦٢-٢٠٧٤ ٦٣-٢٠٧٥ ٦٤-٢٠٧٦ ٦٥-٢٠٧٧ ٦٦-٢٠٧٨ ٦٧-٢٠٧٩ ٦٨-٢٠٨٠ ٦٩-٢٠٨١ ٧٠-٢٠٨٢ ٧١-٢٠٨٣ ٧٢-٢٠٨٤ ٧٣-٢٠٨٥ ٧٤-٢٠٨٦ ٧٥-٢٠٨٧ ٧٦-٢٠٨٨ ٧٧-٢٠٨٩ ٧٨-٢٠٩٠ ٧٩-٢٠٩١ ٨٠-٢٠٩٢ ٨١-٢٠٩٣ ٨٢-٢٠٩٤ ٨٣-٢٠٩٥ ٨٤-٢٠٩٦ ٨٥-٢٠٩٧ ٨٦-٢٠٩٨ ٨٧-٢٠٩٩ ٨٨-٢١٠٠ ٨٩-٢١٠١ ٩٠-٢١٠٢ ٩١-٢١٠٣ ٩٢-٢١٠٤ ٩٣-٢١٠٥ ٩٤-٢١٠٦ ٩٥-٢١٠٧ ٩٦-٢١٠٨ ٩٧-٢١٠٩ ٩٨-٢١١٠ ٩٩-٢١١١ ١٠٠-٢١١٢ ١٠١-٢١١٣ ١٠٢-٢١١٤ ١٠٣-٢١١٥ ١٠٤-٢١١٦ ١٠٥-٢١١٧ ١٠٦-٢١١٨ ١٠٧-٢١١٩ ١٠٨-٢١٢٠ ١٠٩-٢١٢١ ١١٠-٢١٢٢ ١١١-٢١٢٣ ١١٢-٢١٢٤ ١١٣-٢١٢٥ ١١٤-٢١٢٦ ١١٥-٢١٢٧ ١١٦-٢١٢٨ ١١٧-٢١٢٩ ١١٨-٢١٣٠ ١١٩-٢١٣١ ١٢٠-٢١٣٢ ١٢١-٢١٣٣ ١٢٢-٢١٣٤ ١٢٣-٢١٣٥ ١٢٤-٢١٣٦ ١٢٥-٢١٣٧ ١٢٦-٢١٣٨ ١٢٧-٢١٣٩ ١٢٨-٢١٤٠ ١٢٩-٢١٤١ ١٣٠-٢١٤٢ ١٣١-٢١٤٣ ١٣٢-٢١٤٤ ١٣٣-٢١٤٥ ١٣٤-٢١٤٦ ١٣٥-٢١٤٧ ١٣٦-٢١٤٨ ١٣٧-٢١٤٩ ١٣٨-٢١٥٠ ١٣٩-٢١٥١ ١٤٠-٢١٥٢ ١٤١-٢١٥٣ ١٤٢-٢١٥٤ ١٤٣-٢١٥٥ ١٤٤-٢١٥٦ ١٤٥-٢١٥٧ ١٤٦-٢١٥٨ ١٤٧-٢١٥٩ ١٤٨-٢١٦٠ ١٤٩-٢١٦١ ١٥٠-٢١٦٢ ١٥١-٢١٦٣ ١٥٢-٢١٦٤ ١٥٣-٢١٦٥ ١٥٤-٢١٦٦ ١٥٥-٢١٦٧ ١٥٦-٢١٦٨ ١٥٧-٢١٦٩ ١٥٨-٢١٧٠ ١٥٩-٢١٧١ ١٦٠-٢١٧٢ ١٦١-٢١٧٣ ١٦٢-٢١٧٤ ١٦٣-٢١٧٥ ١٦٤-٢١٧٦ ١٦٥-٢١٧٧ ١٦٦-٢١٧٨ ١٦٧-٢١٧٩ ١٦٨-٢١٨٠ ١٦٩-٢١٨١ ١٧٠-٢١٨٢ ١٧١-٢١٨٣ ١٧٢-٢١٨٤ ١٧٣-٢١٨٥ ١٧٤-٢١٨٦ ١٧٥-٢١٨٧ ١٧٦-٢١٨٨ ١٧٧-٢١٨٩ ١٧٨-٢١٩٠ ١٧٩-٢١٩١ ١٨٠-٢١٩٢ ١٨١-٢١٩٣ ١٨٢-٢١٩٤ ١٨٣-٢١٩٥ ١٨٤-٢١٩٦ ١٨٥-٢١٩٧ ١٨٦-٢١٩٨ ١٨٧-٢١٩٩ ١٨٨-٢٢٠٠ ١٨٩-٢٢٠١ ١٩٠-٢٢٠٢ ١٩١-٢٢٠٣ ١٩٢-٢٢٠٤ ١٩٣-٢٢٠٥ ١٩٤-٢٢٠٦ ١٩٥-٢٢٠٧ ١٩٦-٢٢٠٨ ١٩٧-٢٢٠٩ ١٩٨-٢٢١٠ ١٩٩-٢٢١١ ٢٠٠-٢٢١٢ ٢٠١-٢٢١٣ ٢٠٢-٢٢١٤ ٢٠٣-٢٢١٥ ٢٠٤-٢٢١٦ ٢٠٥-٢٢١٧ ٢٠٦-٢٢١٨ ٢٠٧-٢٢١٩ ٢٠٨-٢٢٢٠ ٢٠٩-٢٢٢١ ٢١٠-٢٢٢٢ ٢١١-٢٢٢٣ ٢١٢-٢٢٢٤ ٢١٣-٢٢٢٥ ٢١٤-٢٢٢٦ ٢١٥-٢٢٢٧ ٢١٦-٢٢٢٨ ٢١٧-٢٢٢٩ ٢١٨-٢٢٣٠ ٢١٩-٢٢٣١ ٢٢٠-٢٢٣٢ ٢٢١-٢٢٣٣ ٢٢٢-٢٢٣٤ ٢٢٣-٢٢٣٥ ٢٢٤-٢٢٣٦ ٢٢٥-٢٢٣٧ ٢٢٦-٢٢٣٨ ٢٢٧-٢٢٣٩ ٢٢٨-٢٢٤٠ ٢٢٩-٢٢٤١ ٢٣٠-٢٢٤٢ ٢٣١-٢٢٤٣ ٢٣٢-٢٢٤٤ ٢٣٣-٢٢٤٥ ٢٣٤-٢٢٤٦ ٢٣٥-٢٢٤٧ ٢٣٦-٢٢٤٨ ٢٣٧-٢٢٤٩ ٢٣٨-٢٢٥٠ ٢٣٩-٢٢٥١ ٢٤٠-٢٢٥٢ ٢٤١-٢٢٥٣ ٢٤٢-٢٢٥٤ ٢٤٣-٢٢٥٥ ٢٤٤-٢٢٥٦ ٢٤٥-٢٢٥٧ ٢٤٦-٢٢٥٨ ٢٤٧-٢٢٥٩ ٢٤٨-٢٢٦٠ ٢٤٩-٢٢٦١ ٢٥٠-٢٢٦٢ ٢٥١-٢٢٦٣ ٢٥٢-٢٢٦٤ ٢٥٣-٢٢٦٥ ٢٥٤-٢٢٦٦ ٢٥٥-٢٢٦٧ ٢٥٦-٢٢٦٨ ٢٥٧-٢٢٦٩ ٢٥٨-٢٢٧٠ ٢٥٩-٢٢٧١ ٢٦٠-٢٢٧٢ ٢٦١-٢٢٧٣ ٢٦٢-٢٢٧٤ ٢٦٣-٢٢٧٥ ٢٦٤-٢٢٧٦ ٢٦٥-٢٢٧٧ ٢٦٦-٢٢٧٨ ٢٦٧-٢٢٧٩ ٢٦٨-٢٢٨٠ ٢٦٩-٢٢٨١ ٢٧٠

مجلس

• (مختبر جینیاتی)

۱۱) «کلی و ایروما فریانه معنی» خنبره «کورو» (جسرو) بنده متیر بنده شود (رحو)

تجلیات و تجلیاتی «شکلی» به معنی «شکل» (وجودی) «شکلی» به معنی «شکل» (وجودی) «شکلی» به معنی «شکل» (وجودی)

[illegible][illegible]

است :

[illegible][illegible][illegible]

«مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا)

اور سب سے پہلے :

15/01/2019 09:05:00 2019/01/15 2 - 1

(۱۸۷۲۹۶۳) کتب و نسخ خطی، ۵۰ (۱۸۷۲۹۶۳) کتب و نسخ خطی

[illegible]

دایرة المعارف جود «بحر الخزان» بنام آغا ایلکات نوشته است برای نسج رجوع

۱- اخبارات هندوستان و جمہوریہ ہندوستان کے حالات و خبریں

جستارهای نقدی و تحلیلی

مجلس

• ၁၉၄၆ ခု၊ ဇူလိုင်လ ၁၀ ရက်နေ့၊

۱۰۷۲

[illegible]

خاساسان خالو ده شاهي و درو غرضي ده بود . وي بعد از هفت سال خدمت بعنوان

[illegible]

تاریخچه و سیر تحولی نظام حقوقی ایران در دهه ۱۳۸۰

پیش از این در این مقام است . بنابر این در این مقام است . بنابر این در این مقام است .

اسم المؤلف : ابن کثیر محمد رضا متخلص به طحطاطی ملقب به المصنف الاول

شیر حیات مؤلف

١٠٠

که جزو چهارم «بحر الذخار» است. برای نسخ رجوع شود به ریزو ح ۳ ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از کتاب مورخ قریب به ۱۸۵۰م) و ص ۱۰۱۸ ب (جلد ۶ از صفحه ۱۲۶ تا ۲۵۲. قسمتی از کتاب مورخ ۱۸۴۹م) و ۱۰۵۳ الف (اوراق مربوط به جلد ۴).

۳- نغمه عندلیب - تذکره مورد بحث - ج روی از کتاب «بحر الذخار» است برای نسخ رجوع شود ریزو به ح ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ ۱۸۵۰م که مؤلف به اچ ام ایلیات تقدیم کرده است. رجوع شود به تاریخ ایلیات ج ۸ ص ۴۳۲) و ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از این کتاب) و ص ۱۰۱۸ ب (قسمتی از این کتاب).

۴- خورشید لامع یا منظر العالم - در حراف - ح روی از کتاب «بحر الذخار» است

۵- مجمع الملوك - تاریخ عمومی که جرو سوم «بحر الذخار» است در حدود

۱۲۶۰هـ تألیف آن شروع شد. برای نسخ رجوع شود به نذیر احمد ۷۰ (متعلق به کتابخانه

محمد علی حسین حیدر آباد - بخط مؤلف) و ریزو ج ۳ ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از کتاب مورخ ۱۸۵۰م) و ص ۱۰۵۳ الف (قسمتی از کتاب) و نیز رجوع شود به ص ۱۰۴۸ الف

۶- ربدۃ العرایب - تاریخ عمومی در پنج جلد - آغاز در ۱۲۳۱هـ و بقول ایلیات و

دوسن درین ۱۸۱۶ و ۱۸۳۰م تألیف شد برای سح رجوع شود به اندیا آفس دی پی

۲۶۲ (بلگرام ۱۳۲۲ - جلد ۵ آن در ذکر فلاسفه و عرفا و شعرا و غیره است - بحط

مؤلف) ریزو ج ۳ ص ۱۰۴۲ ب (قسمتی از جلد ۵ مورخ قریب به ۱۸۵۰م) و ص ۱۰۲۶ الف.

(فقط مقدمه و فهرست دارد - مورخ قریب به ۱۸۵۰م) و ص ۱۰۵۳ الف (قسمتی از ح ۴ راجع به تیموریان هند).

تبصره بر کتاب

«نغمه عندلیب» رامؤلف در ۱۲۶۱هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن ار روی

ایجد می-سازد - تذکره کوچکی است در ۲۲۸ صفحه که مؤلف بنام واجد علی شاه

پادشاه اود (۱۲۷۲-۱۲۶۳هـ) نوشته است و مشتمل است بر دو روضه - روضه اول

شامل پنج بهار است بقرار زیر

- ۱ - در دستور فارسی (ص ۷) .
- ۲ - در انواع شعر فارسی (ص ۱۱ الف) .
- ۳ - در صنایع شعری (ص ۱۳ الف) .
- ۴ - در قافیه و ردیف (ص ۱۵ الف)
- ۵ - شرح حال مختصر قریب به ۴۵۰ شاعر متقدم و متأخر آن بترتیب الهی که اکثر آن مهم نیست (ص ۱۹ تا ۲۰۰ ب) اما شرح حال شعرای هندی نژاد و آن هم مخصوصاً ارشعراى معاصر مؤلف تا اندازه‌ای مفید است . غالباً اشعار شعرا را نقل کرده است بدون شرح حال آنها اما قسمت شعرای هند مفصل تر است . شرح حال خود را با انتخاب اشعار خود تحت نام «بجم» در ص ۹-۱۸ آورده است و شرح خانواده خود را تحت آغا (اقدارالدوله سید محمد خان) در ص ۲۷-۳۰ آورده است
- روصه دوم شامل دو حدیقه است - حدیقه اول در موسیقی یونانی (ص ۲۰۱ الف) و حدیقه دوم در موسیقی هندی است (ص ۲۰۳ ب)
- رویه هر فته این تذکره زیاد اهمیت و ارزش ندارد و مؤلف توجه بخصوص در جمع آوری مطالب آن صرف نموده و تنها بدکراسامی شعرا اکتفا نموده و دوسه بیت از آنان نقل کرده است و تنها در مورد شعرای هند که معاصر مؤلف بودند بعضی مطالب مفید و نا ارزش دارد .

نسخ خطی

- ۱ - ریو ج ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ تقریباً ۱۸۵۰ م که مؤلف به اچ ام ایلین تقدیم کرده است . رجوع شود به تاریخ ایلین ح ۸ ص ۴۳۲) ص ۱۰۱۴ ب (قسمتی از این تذکره) ص ۱۰۱۸ ب (قسمتی از این تذکره)
- برای شرح حال مؤلف رجوع شود به نعه عدلیب تحت نام بجم و معاتبع - الریاست (مقدمه) و تاریخ هند تألیف ایلین و دوسن ح ۸ ص ۳-۳۲ و ۴۳۶-۴۳۷ و ریو ح ۳ ص ۹۱۴
- فهرست اسامی شعرا - رجوع شود به نسخه ریو ح ۳ ص ۹۷۸ ب

حدايق الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرزا امیر بیگ متخلص به امیر بنارسی است. وی از زمان سعادت علیخار (۲۹-۱۲۱۲ هـ) تا زمان محمد امجد علی شاه (۶۳-۱۲۵۸ هـ) در خدمت سلاطین اود بود

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۲۱۱ هـ بفرمایش طغرالدوله فتح علیخان کپتان آغار و در ۷ شعبان ۱۲۶۲ هـ تمام کرده است .

این تذکره مشتملست بر ذکر ۲۶۰۹ شاعر بترتیب المبا که اول آنان «آبرو» و آخرشان «محمدیوس جان ابهری» است. دگر این شعر را در ۳۱ «حدیقه» (ارضه ۸ تا صفحه ۱۶۶ ب) آورده است و هر حرف را تحت یک حدیقه نقل کرده است همچنین این تذکره مشتملست بر قسمتهای زیر

۱- ۳۰ «شجره» در القاص صحیح ملوک و شعرا (ص ۱۶۶ الی ص ۱۸۳)

۲- ۳۰ «دوحه» در اسامی - رست جغرافی (ص ۱۸۳ الی ص ۲۱۳)

۳- دو «ثمره» در اسامی و تواریخ حلوس و مدت سلطنت ملوک از دوره

فل از اسلام در ایران و دنیای اسلام (ص ۲۱۳ الی ص ۲۲۹)

۴- هفت «بخله» در باره هفت زبان محلی ایران (هروی و سگری و غیره)

(ص ۲۲۹ الی ص ۲۳۰)

۵- ۳۰ «نتیجه» که مجموعه اشعار شعرا بترتیب ردیف میباشد .

چنانکه از فهرست محتویات این کتاب معلوم میشود کتابی است سیار مفید و

مطالب و اطلاعاتی که در آن جمع آوری شده سیار با ارزش و سودمند میباشد

- نسخ خطی -

- ۱- ۶۰۲- ایوان نو کرزن ۶۰۲- محتملاً بخط مؤلف است .
 ۲- بومار فهرست نسخ عربی- ص ۵۲۹- ۵۳۰ (تنها حدیقه‌ها و شجره هادارد) .
 فهرست اسامی شعرا . در هیچ کتاب ذکر نشده است

خزینة الشعرا

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سیدعلی کبیر المدعو (یا عرف) محمد میر نحان اصلاً احملی است
 اسم پدرش سیدعلی حفر حسین محمدی حنیدی حنفی نقشنیدی است و اصل او
 از شهراله آباد هند است

مؤلف در ۲۸ محرم ۱۲۱۲ هـ بدیبا آمده و مادر و پدر وی از اولاد عارف و فاضل
 معروف بام شاه خوباله که اسم اصلی وی محمدیحیی است بودند . مؤلف چندین
 کتاب در فقه و غیره تألیف کرده و یک دیوان و چندین مثنوی بیرسوده است .
 همچنین کتاب «سراشادتین» تألیف عبدالعزیز دهلوی را در ۱۲۵۱ هـ
 در عاری پور از عربی فارسی بام (اطهار السعادة فی ترجمه اسرار الشهادة) ترجمه کرد
 که در ۱۲۵۳ هـ با متن عربی در کلکته طبع رسیده است .
 فهرست اسامی آثار دیگر مؤلف در «حرية الشعرا» در ص ۱۸۵ و ۱۸۶ الف آمده است

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۶۰ هـ آغاز نموده است چنانکه خود اسم کتاب
 «حرية الشعرا» می‌رساند و بسال ۱۲۶۵ هـ آنرا با تمام رساید چنانکه بقول خودش
 «واقعات البادرات» از روی محمد میرساند
 این تذکره مستملست برد کر ۱۹۰ شاعر که اول آن ناصرعلی سرهندی (متوفی
 در ۱۱۰۸ هـ) است

تقریباً تمام شعرائی که ذکرشان در این کتاب آمده است اصلاً هندی هستند و اکثر آنان از شاگردان ودوسان و خویشاوندان شاه خوب‌الہ سابق‌الدکر و محمد افضل متخلص به محقر الہ آبادی عموی مؤلف میباشند .

نسخه خطی

ادبیا افس ش ۳۸۹۹ (مورخ ۸ ۱۹۹۰م).

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به خرینة الشعراء ص ۱۸۰-۱۹۶

فهرست اسامی

در هیچ کتاب ذکر نشده است .

اشارات بینش

ابتداء:

حمد بدیعی که زبان معنی پروران مصرعیت در صف ابداع مایه کلام او
نای ناطمی که لب سخنران بیتی است در ستایش نظم با طعام او منحصر بگفتن

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سید مرتضی متخلص به بیش است و وطن قدیم آبای او مشهد
مقدس است و دانش چند واسطه محضرت امام حسین میرسد . جذ بزگ او ارمشهد
هجرت نموده روی بدکن آورد و در شهر گلبرگه رحل اقامت افکند . یکی از اجداد

۱- این نسخه در فهرست اتد ذکر شده است رجوع شود به استوری ج ۱ ق ۱ ص xvi

در دیل عبارت I O.

وی شاه ابراهیم مصطفوی^۱ حسینی که حال قدوة السالکین ربه العارفین سید محمد گیسودراز است و از او اولادش شاه نوراله حسینی است در زمان حکومت نواب سعادتاله خان وارد ملک کر باتک شده در دار النور محمدپور (ارکات) اقامت گزید و در جنگ با فرانسویها در شهر جیت پشته شهید شد

پس فرزند وی شاه نوراله ابراهیم حسینی کو جدمؤلف بود در عهد پندر اعظم رخت اقامت به چینا پتن کشید و بعرب و احترام تمام بسر میرد^۲. پدر مؤلف میرصادق علی رضوی الحسینی مدراسی مختلص به صادق محصو صادر «ماده تاریخ گوئی» ید طولائی داشت و هنگامیکه نواب عازم ریارت عتبات شد او عبارت «یا علی موسی الرضا» (= ۱۲۳۸ هـ) که «ماده تاریخ» آن واقعه بود بر نقره پیاره کنده و خدمت نواب تقدیم کرد بالاخره میرصادق در ۱۲۵۳ هـ رحلت از این جهان برست. برادر بزرگ مؤلف میر مهدی الحسینی مختلص به ثاقب (متولد در ۱۲۲۳ هـ)

ار شعرای معروف مدراس بود و بیر مثل پدر در «ماده تاریخ گوئی» مهارتی بسر داشت در بیشتر سال ۱۲۲۷ هـ در مدراس متولد شد و بعیض تربیت پدر خود در دوازده سالگی نوشتن و خواندن فارسی را یاد گرفته و برودی بگفتن شعر پرداخت و چون سلیقه و استعداد خاصه برای این فن داشت طبعاً در این میدان مهارت بسرایی بدست آورد.

مؤلف محبوب الرحمن (اردو) در دیل نام بیس مینوید. «بیش برد علمای مدراس کتب درسی عربی و فارسی خواند و اول پیش پدر و برادر خود مشق سخن میکرد و بعد از آن ارمولوی واقف استعاده کرد. وی دکی الطبع و صحیح الفکر و خوش تقریر و در حال جوانی بيمثل و بطیر و در شعر و شاعری بی بدل و عدیل بود

۱- صبح گلشن ص ۷۵ مصطفی و محبوب الرحمن ص ۳۰۵. شاه ابراهیم مصطفی

۲- ایضاً. بقدر دایبهای نواب امیر الهد والا حاه محمد علی خان بهادر محتص گشته

مدراس را موطن و مسکن ساخت.

مدتی در حیدر آمد اقامت داشت سپس به مدراس رفته عضو انجمن «مشاعره اعظم» شد و با شعرای معاصر خود مناظره و معارضه میکرد سرانجام در ۱۲۶۵ هـ عازم مکه شد و بعد از تحمل شداید بسیار در راه بالاخره بادی حیح و زیارت موفق و مشرف شد و بعد از یکسال بوطن مألوف (مدراس) مراجعت نمود و بعد از مدتی اقامت داشت. اما سال وفات وی در هیچ تذکره ذکر نشده است.

در «گلزار اعظم»^۱ آمده است که بینش در سال ۱۲۶۵ هـ از نواب اعظم مرخصی برای سه سال گرفته بقصد زیارت عتبات عالیة عازم آن مواضع مقدسه شد. چون به بصره رسید بعلت خرابی هوا اهل قافله بعارضه تسولرزه مبتلا شدند و انتظام قافله بگلی بهم خورد و در همان عالم هرسانی بعضی بسوی بغداد شتافتند و برخی براه نجف اشرف افتادند. بینش هم بمرص تسولرزه مبتلا شد اما دیری نگذشت که او هم به نجف اشرف رسید و یک هفته در آن سرزمین اقامت داشت و چون آنجا کسی را ندید که از وی مواظبت و پرستاری کند به جاب کر بلای شتافت اما روریکه وارد بقعه مبارک شد «نقدحان را»^۲ نثار آن آستان غربت نشان نموده در صحن روضه مبارک بیا سود.

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۶۵ هجری تألیف نموده است خود اسم این کتاب «اشارات بینش» از روی احد تاریخ تمام آن (۱۲۶۵ هـ) رامی رساند.

در مورد سب تألیف این کتاب مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که در سال ۱۲۶۲ هـ مجلس مشاعره بریاست حان بهادر اقامه در دار الحلافه (مدارس) تشکیل شد و در آن مجلس «واق» و «قدرت» حکمین مناظره انتخاب شدند رئیس این کمیته نواب اعظم حاه بود. مؤلف بطریق سیاحت سری بحیدر آباد کشید امیر اعظم حاه او را در سلك

ملارمان خود قرارداد، روزی بحاطر مؤلف گذشت که شعرائی که قبل از او بودند برای آنها تذکره‌های متعدد تألیف شده و در دست زمانه بطور یادگار است اما تذکره شعرائی که در زمان نواب مزبور بوده اند هیچکس ننوشته و بنا بر این جمع آوری تمام غزلیات «مشاعره» و آثار سخنوران آن عصر از هر شهر و دیار پرداخت و بقدر استعداد خود آنها را انتخاب و ترتیب داد و احوال هر کدام از این شعرا را بایجاز و اختصار نگاشته این نسخه را به «اشارات بیش» که ماده تاریخ تمام آنسب موسوم نمود.

این تذکره مشتمل است بر مقدمه و شرح حال و آثار شعرا و خاتمه در مقدمه مؤلف درباره سبب تألیف کتاب توضیح داده و این کتاب را بنام نواب محمد غوث خان شہامت جنگ (۱۲۴۲-۱۲۷۲ هـ) حاکم کرناٹک عنوان کرده است. در خاتمه کتاب دو «قطعه تاریخ» خاتمه کتاب از مبارک‌الہ حان راعب و فایز و یک قطعه از حان بہادر اقام و مورجگ نظیر و حشمت و ذہن و دکا و ثاقب و بدرت و وفا و امیر و علام دستگیر لایق (ار هر کدام یک قطعه) نقل کرده است که هر قطعه آن سال تألیف این کتاب (۱۲۶۵ هـ) را میرساند

این تذکره مشتمل است بر احوال و اشعار منتخب از هفتاد و هفت تن از شعرای کرناٹک است که معاصر مؤلف بودند و اکثرشان در «مجلس مشاعره» که نواب اعظم حاکم تاسیس نموده بود شرکت داشتند

شرح حال اکثر شعرا را در نصف صفحه یا یک صفحه آورده است و اشعار آنان را در یک صفحه نقل کرده است اما در دلیل نام شعرای زیر شرح حال آنان را نسبتاً مفصل آورده است

بصارت و ثاقب و صاحب و ذکا و راعب و صادق (هر کدام در دو صفحه) و قمر (در ۲ ص) و اعظم (۴ ص) و بینش (مؤلف در ۵ ص) و رویہم رفته شرح حال خود را مفصل تر از همه آورده است

همچنین اشعار شعرای زیرانسته مفصل نقل کرده است:

۱. نو اور و بیهوش و شایق و عشق و فایق و معاون و والا و واقف و ولا (هر کدام در ۲ ص)
و فاروق و قدرت و قهر و و اصف (هر کدام در ۲ ص) و راقم و رسا و فرصت (هر کدام
در ۳ ص) و واعظ و رونق (هر کدام در ۳ ص) و ثاقب و راعب و صاحب (هر کدام در ۵ ص)
و بینش (مؤلف در ۷ ص) و ذکلو (در ۹ ص) و رویه رفته اشعار خود و کارا ار همه مفصل تر
آورده است

در دیل نام شعرای زیر دوسه سطر در شرح حال آنان و سه چهار بیت از اشعارشان
آورده است:

احقر و بینوا و جوهر و احمدی و بیخود و سعید و ضمیر و رفعت و ناظر و قدیر و قدرت
و واجد و یگانه.

در دیل اشعار شعرای زیر اشعاری که خود مؤلف در جواب آنها سروده است نیز
آورده است:

سه بیت در دیل اشعار بیهوش	دو بیت در دیل اشعار ثاقب
يك « « صاحب	يك « « خوشنود
« « « دید	سه « « راعب
دو « « رایق	چهار « « راقم
يك رباعی در دیل شرح حال رابر	يك بیت در دیل اشعار صاحب
يك بیت در دیل اشعار ضمیر	« « « « علیم
دو « « « فاروق	سه « « « فایق
دو « « « قدرت	دو « « « مجرم
يك « « « معاون	سه « « « نامی

اشعار بعضی شعرا را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه اسعار وصال را

با اشعار حبیبانه دكاو شعر خود را با شعر کلیم همدانی

مؤلف در فن «ماده تاریخ گوئی» مهارتی سرا داشت و «ماده تاریخ» فوت شعرای

ریر را که خودش گفته است در ذیل شرح حال آنها آورده است:
 «ماده تاریخ» قوت بصارت و ماده تاریخ فوت معشوقه راغب (که کلمه «راغب» سال
 فوت آنرا میرساند).

همچنین مؤلف ماده تاریخ تألیف رساله ای در علم عروض که محمد عزیرالدین
 منخلص به دید تألیف نموده بود «مجمع العروض» (= ۱۲۶۰ هـ) گفته و ماده تاریخ تدوین
 دیوان ریخته (اردو) محمد حبیب اله دکانی را «چشم بینش روشن» (= ۱۲۶۱ هـ)

سبك مؤلف غالباً ساده و غیر مصنوع است غیر از دیباچه که آجا گاهی بنوشتن نشر
 مصنوع پرداخته است

در ذیل نام بعضی شعرا القاب تعریفی آنان را بشتر مسجع آورده است:

اعظم . امیر عالی تبار خدیو معدلت آتار ..

حسن . عالم یگانه و فاضل فر رانه

حوشنود . حقایق آگاه معاون دستگاه .

راغب . سلاله السادات الکرام خلاصه الامرای العظام ..

صاحب عالی مناصب و الامناقب

همچنین برای «فوت شد» جمله ای مصنوع آورده است مانند

بیهوش . (در ۱۲۶۰ هـ) از تلاش معنی بیگانه بجهت تجوی یگانه برحق شتافت.

نسخ

ایوانو کررنش ۶۱ (با اضافات و تعییرات محتمل اندست خود مؤلف)

چاپ

مدارس ۱۲۶۸ هـ (در ۲۰۳ صفحه)

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به ایوانو کررنش ص ۶۸-۷۰ (اسم ۶۰ شاعر)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به اشارات بمنش و صبح وطن ص ۳۸-۴۲ و صبح

گلش ص ۷۵ و گلزار اعظم ص ۲۲-۱۱۹ و استوری ۹۰۰-۹۰۱ و ۹۰۳-۹۰۴

گلزار اعظم

ابتدا

ای حمد تو ورد دل و جان شام و پگاه
وی نام تو بر نوک زبان در همه گاه
بی فضل تو سویت نتوان بردن راه
لا حول و لا قوة الا بالله
شگفتگی گلزار سخن به اهتراز نسیم حمد بهار آرائیست که چمنستان خیالات
رنگین را به آبیاری مضمون دلنشین در خطه قلوب نخلبدان حدیقه نکته دانی سرسبر و
شاداب گردانید و گلستان صنایع لطیفه و بوستان بدایع معنویه را بر نگ و بوی بلاغت
و آب و تاب و صاحت در گلزمین افنده گلچینان گلشن دقیقه یابی کل گل شکفاید»

مؤلف

اسم مؤلف نواب محمد عوض خان بهادر متخلص به اعظم اسب (برای شرح حال
اور جوع شود به «صبح وطن» در این کتاب).

تصريح بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را به سال ۱۲۶۷ هـ آغاز^۱ و در ۱۲۶۹ هـ با اتمام رسانیده است
اسم این تذکره تاریخی است یعنی اردوی اجداد سال تألیف کتاب امیر ساند. همچنین
مؤلف در مقدمه کتاب قطعه دیر را آورده است که سال تألیف این کتاب (۱۲۶۹ هـ)
را می رساند.

چوتیار شد گش بی حراں
که افزاید از سیر آن عقل و هوش
شدم در پی نام و تاریخ او
ندا کرد «گلزار اعظم» فروش
(= ۱۲۶۹ هـ)

۱- مؤلف در مقدمه کتاب می نویسد در عرصه (مدت) دو سال شاهد مدعا را بحله انصراف
آراستم «و چون سال اتمام کتاب ۱۲۶۹ است بنا بر این مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۲۶۷
آغاز نموده است

دژنوزد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که وی در ۱۲۵۷ هـ بتحریر تذکره شعرای الکلی کرناٹک (یعنی تذکره «صبح وطن») پرداخته و در آن غزلیات هنریک از آنها را بدون انتخاب یعنی کامل آورده بود^۱. سپس مؤلف خواست تذکره تلزه ای بنویسد و طی آن انتخاب اراشعار شعرای و شرح حال آنها را با بیان سال و محل تولد و آثارشان و غیره بکمال دقت و تحقیق ترتیب دهد تا اینکه تذکره «معدن الجواهر» تألیف و اصف بملاحظه رسید و بوضوح پیوست که مؤلف آن تذکره بر اشعار بعضی اشائیه سخی اعتراضات بیجا و بی محل آورده و بنا بر این در جواب آن تذکره مؤلف بترتیب این تذکره (گلزار اعظم) پرداخت.

مؤلف اسم مأخذ این کتاب را در مقدمه یا خاتمه کتاب ذکر نکرده است اما در دیل شرح حال شعرا اسم کتابهای دیل را آورده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است.

- ۱- کلمات الشعرا (رجوع شود به ترجمه حال اعظم).
- ۲- تذکره حان آرزو (رجوع شود به شرح حال اعظم).
- ۳- سرو آزاد (رجوع شود به ترجمه حال اعظم).
- ۴- نتایج الافکار (رجوع شود به شرح حال حوشدل).
- ۵- مرآت الحیال (رجوع شود به شرح حال و اصف).
- ۶- گلدسته کرناٹک که گاهی تنها اسم آن را «گلدسته» نوشته است (رجوع شود به شرح حال عزت و عاصی).

۷- منتخب اللغات میر عبدالرشید نتوی (رجوع شود به ذکر حال).

این تذکره مشتمل است بر ذکر چهار صد و سی و سه (۴۳۳) شاعر کرناٹک بترتیب الیبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «آگاه مولانا محمد باقر» شروع شده با «یادمولوی حواجه حمید الدین» تمام میشود تقریباً تمام این شعرا معاصر یو اب اعظم مؤلف بودند.

شرح حال شعر ایذیر را مفصل آورده است: ابجدی و یه صارت و حسن و رایق و مختار
سیف الملوک و معجز و معاون و نامی مولوی تراب علی و ناطر و وفا و واقف (هر کدام دو
در ۱۴ ص) و نورالدین انور و اکرم و بینش و ذوقی و رفیع و شایق و قریب و قدرت و معجز
(هر کدام دو ص) و خوشدل و راقم و مهربان (هر کدام در ۱۴ ص) و خوشنود و محفوظ
(هر کدام در ۳ ص) و مولانا محمد باقر آگاه نایبی و اعظم (مؤلف) و ماجد (هر کدام
در ۴ ص) و والا (در ۵ ص) . رویهم رفته شرح حال والا را از همه مفصل تر آورده است.

اشعار شعرای زیر را مفصل آورده است: خاجی و دستگیر (هر کدام در ۱۴ ص)
و اکرم و بهجت و بلیغ و خوشنود و خالص و رایق و شایق و صاحب و فاروق و معجز و معاون
و مخلص و نامی غلام الدین و والید محمد موسوی (هر کدام در ۲ ص) و ذوقی (در ۱۴ ص)
و ثاقب و راغب و قدرت (هر کدام در ۳ ص) و آگاه مولانا محمد باقر نایبی و انور و احسن
و فایق و مهربان (هر کدام در ۱۴ ص) و ماجد (در ۴ ص) و رونق و واقف (در ۱۴ ص)
و بیش و والا سید ابوسعید (هر کدام در ۵ ص) و راقم (در ۱۴ ص) و اعظم (مؤلف)
(در ۱۴ ص)

رویهم رفته مؤلف اشعار خودش را مفصل تر از سایرین آورده است.

اشعار خود را در دیل اشعار شعرای زیر نیز نقل کرده است: محمد باقر آگاه
و خوشدل و راغب و فایق و قدرت و مهربان و ماجد و والا

در دیل اشعار رونق اشعاری را از سید محمد خلوص و اعز الدین خان نامی و شایق
علیخان شایق و همچنین دو رباعی را از حکیم عبدالواسط عشق در دیل اشعار فاروق
نقل کرده است

در دیل شرح حال خود حوای اعتراضاتی را که واصف بر ۴۳ بیت ناصر علی
در تذکره خود آورده بود (در ۲۶ ص) داده است و در دو صفحه از ناصر علی تعریف
کرده است

در دیل نام واحد اعتراضات و اشعار دیگران (در ۱۴ ص) نقل کرده است
همچنین در دیل نام واصف اشتباهات تذکره مرآت الخیال را در دو صفحه

(ص ۴۰۰-۴۰۱) و اشتباهات و اصفرا که بقول مؤلف وی در تذکره «معدن الجواهر» مرتکب شده است در ۳ صفحه ۱۶۰+ صفحه (ص ۴۰۲-۴۰۳ و ص ۴۰۹-۴۱۰) و رساله مولانا آگاه را که مشتمل است بر جواب اعتراضی بر بیتی تحت عنوان «فایده» در پنج صفحه (ص ۴۰۵-۴۰۹) آورده است.

در ردیل اشعار شعرای ریز اعتراضات و اصف و شعرای دیگر را که آنها بر اشعار این شعرا وارد آورده اند ذکر نموده و غالباً خودش جواب آنان را باد کر سندی داده است: مولانا محمد باقر آگاه (در ۴ ص) و مینش (در ۶ ص) و بهجت و بلینغ و ثاقب (در ۷ ص) و خوشنود و خالص و شاعر (در ۴ ص) و فاروق و فرحت (در ۷ ص) و قدرت و قدیر و مخلص و والا و ولا و واقف و واصل^۱ (در ۴ ص)

در ذیل شرح حال شعرای ذیل اسم آثارشان را مفصل ذکر کرده است: ابجدی و خوشنود و واحد و واصل.

در ذیل نام راقم (ص ۲۲۲) تحت عنوان «فایده» شرحی درباره قافیه شایگان (ایطای حلی و خفی) آورده است.

در ذیل شرح حال ابجدی حکایات حالی در باره احنه نقل کرده است مؤلف در ردیل اشعار شعرای ریز بر بعضی اشعارشان ایراد گرفته است. احسن و رایق و فرحت و معاون و واقف و واصل.

در این تذکره مؤلف غالب اشعار را از غزلیات انتخاب کرده و گاهی غزلیات کامل را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام اسد در این کتاب.

از مطالعات این تذکره چنان بر می آید که هنوز در بعضی نواحی هند فارسی خیلی رواج داشته و بسیاری از شاعران و ادیبان این قسمت هندوستان به فارسی شعر میسروده اند و کتابهایی مینوشته اند و حتی عده ای از آنها ناین زبان دیوان شعر هم داشته اند چنانکه در «گلزار اعظم» آمده است که شعرای ذیل صاحب دیوان فارسی بودند

۱- استثنائاً اینها اعتراضات معترضین را با اعترافات و اصف ذکر کرده است و در هیچ مورد بحواب این اعتراضات پرداخته است

مولوی محمد باقر آگاه و شیخ محمد امین امین و مولوی میرزا اسماعیل خان ابجدی و نورالدین محمد خان انور و سید نظام الدین احقر و حافظ شاه انوار الحق انوار نقشبندی و غلام احمد احمدی و رضا حسین خان بهادر افسر و شاه محمد عزیز الدین قادری دیک و سید عبداللطیف ذوقی و سید احمد راغب و مولوی محمد حسین راقم قادری و سید محمد خان بهادر سخن اصفهانی و غلام محی الدین شایق و شمس الدوله غلام عید القادر خان شمس و میر علی مردان یکدل و مولوی شاه و حیه اله طالب و مولوی عبدالودود عاشق و قدرت اله خان قدرت و مولوی جافظ شاه عبد القادر مهربان و دوا القادر الدوله محمد علی حسین خان بهادر و سیف الملک محمد انور خان خان بهادر، مختار و غلام - محی الدین محر

همچنین بعضی از این شعراتالیفات دیگر هم بفارسی داشته اند که برخی از آنها را بواب اعظم در تذکره «گلزار اعظم» ذکر نموده است مانند: بهجت و تما و مولوی محمد حسن و خوشنود و شاه محمد عریزالدین دید قادری و ذوقی و راقم و شایان و شمس و شاعر و میر مرتضی منروی و مهربان و مولوی تراب علی یامی و باطر و والا و واصف .

سبك انشای مؤلف

سبك انشای مؤلف غالباً ساده است اما گاهی سعی کرده است نثر مصنوعی بپویسد مخصوصاً در موقع تعریف شعرا بشر مصنوع پرداخته است در ذیل نام اکثر شعرا در موقع نقل اشعار آنان جمله ای مصنوع بمعنی «اینك اشعار او و غالباً بماسبت تحلص شاعر جباس آورده اسب مثلاً :

ابجدی - در داستان سخن ابجد مضامین بدین آئین تعلیم میکند

قاصی احمد احمد قاضی فکرش در دار الانصاف معنی پانی چنین داد

سخن سنجی میدهد

۱- اینجا اعتراضات متعرضین را اعترافات واصف ذکر کرده است و در هیچ مورد بحواب این اعتراضات پرداخته است

• کتاب «در این طریقه» در ده سال پس از وفات مولف در حال شری برآید.
• ۸-۲۰ ص ۸۰-۸۱ در مورد شری به شرح می‌دهد.

فهرست اسامی شعری

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• (۱۳۰۸ هـ) در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.
• در ده سال پس از وفات مولف (دولتی) در ده سال پس از وفات مولف.

فصل سوم

از آغاز سلطنت انگلستان (۱۸۵۷ م = ۱۲۷۶ هـ) تا ۱۹۳۰ م مطابق ۱۳۴۹ هـ

هند و پاکستان انگلستان بوسیله همین حکام اعلی و نواب السلطنه بر هندوستان حکومت میکرده است

وضع زبان و ادب فارسی در این دوره

در این دوره انگلیسی یزودی حای فارسی را بعنوان زبان رسمی و اداری مملکت هند گرفت اما در اواخر سلطنت انگلستان در نتیجه اصرار اهالی هند در اکثر نقاط هندوستان استعمال زبانهای داخلی و محلی مانند اردو و هندی و بنگالی در بعضی ادارات محلی مانند دادگاهها محارقرار داده شد

در هر حال فارسی که قدار سلطنت انگلیسها زبان رسمی و ادبی هندوستان بود حای خود را با انگلیسی و تا اندازه ای به بعضی زبانهای داخلی داد و حتی بتدریج در میدان ادبی بر انگلیسی وارد و هندی و بنگالی و بعضی زبانهای محلی دیگر حای فارسی را گرفتند

اما هنوز در این دوره محبوبیت شعر و ادب فارسی در هندوستان بکلی ارمیان نرفت و در بعضی نواحی نیم مستقل مانند حیدرآباد دکن و بهوپال بعلت تشویق حکام آنجا و همچنین در بعضی نقاط دیگر هند سبب دوق ادبی، مردم بفارسی شعر میسروده و گاهی موشن کتب فارسی میپرداخته اند

تذکره نویسی در این دوره

ارمیان سیزده تذکره فارسی که در این دوره در شبه قاره هندوستان تألیف شد تقریباً نصف آن یعنی شش تذکره در بهوپال ترتیب داده شد که از آن شش کتاب سه کتاب تذکره را نواب صدیق حس حان نایب ریاس بهوپال و دوپسر او تهیه نمودند و همچنین دو کتاب دیگر سام احترا تانان و تذکره الحواتیر، بر بنام نواب شاه حهان بیگم والیه بهوپال عنوان شده و یک تذکره دیگر را بر صا به موی یکی ارا اهالی و کارمندان ریاس بهوپال ترتیب داده است همچنین تعداد زیادی از کتب فارسی در موضوعات مختلف باهتمام و کوشش و تشویق حکام

ادب پرور حیدرآباد دکن و بهوپال مخصوصاً نواب شاهجهان بیگم و نواب صدیق حسن خان تألیف و منتشر شد .

ار میان تمام تذکرة های فارسی این دوره تنها تذکرة الحواتین رایك نفر ایرانی سام میرزا محمدملك الکتاب شیرازی نام نواب شاهجهان بیگم نوشته است و بقیه را نویسندگان هندوستان تألیف و تنظیم کرده اند

از تذکرة های این دوره ریاض الفردوس و شمع محفل سخن و شمع اجمن و صبح گلشن و روز روشن و تذکرة الشعراء عی تذکرة های عمومی هستند یعنی شامل شعرای متقدم و متأخر میباشد و نگارستان سخن تنها در باره شعرای متأخر و «هفت آسمان» در باره کسانی که مشوی (در بحر سریع) سروده اند و اخترا تا بان و تذکرة الحواتین ملك الکتاب شیرازی و حدیقه عشرت تنها در باره ربان شاعر فارسی و تکمله مقالات الشعرا در دگر شعرای متأخر سید و سخنوران چشم دیده در باره شعرای معاصر مخصوصاً ار حیدرآباد دکن میباشد

سك تازه انشای تذکرة نگاران در این دوره

در میان تذکرة نگاران این دوره سك انشای نویسندگان شمع اجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و روز روشن و اخترا تا بان و تذکرة الحواتین و حدیقه عشرت مصوع بوده و مخصوصاً درسه کتاب اول در اکثر موارد نشر و مسجع بکار رفته است اما در بقیه کتب سك نویسندگان آن ساده است و تنها در مقدمه و موقع تعریف شعر اصنعت بکار رفته است.

رویه مرفقه غیرار مطالی که در تذکرة های این دوره در باره شعرای متقدم ارتد کرة های سابق نقل شد ار درش مطالی که در باره شعرای متأخرین آمده است خیلی کم میباشد و اشعاریکه ار شعرای معاصر این دوره در این تذکرة ها آمده است اکثر فاقد لطف و وحدت فکر و تارگی مصامین میباشد و این حقیقت را میرسد که شعر فارسی در این دوره به پست ترین نقطه انحطاط خود در شبه قاره هندوستان رسیده بود

در هر حال تذکرة های فارسی این دوره نشان میدهد که هنوز ذوق شعری و

ادبی فارسی در هندوستان بکلی از بین نرفته بود وعده ای ارشعرا و نویسندگان آن کشور باین زبان شعر میسروده و کتی تألیف میگردید .

تذکره های فارسی راجع به شعرای اردو

همچنین يك نکته قابل توجه دیگر اینست که در این دوره و در آخر دوره سابق بسیاری ارتد کره ها درباره شعرای اردو فیربربان فارسی تألیف شده است
در این تذکره ها ماسد «تذکره هندی» مصحفی گاهی مؤلف آن در ضمن نقل اشعار اردو و بعضی اشعار فارسی شعرا را هم بطور نمونه آورده است
اینک درباره تذکره های فارسی که در این دوره در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است بحث میشود.

ریاض الفردوس

ابتدا

خاکی نژاد صعیف البیان گم کرده هوش و حرد اس پذیر محاسن
وحوش و انعام ننگ سی آدم محمد حسین (را) که سپید ارسیه (را) ممتاز تواند کرد کجا
ره ره و کی محال آن دارد که به حمدت حباب احدیت عرا سمه که وجود کونین ادبی
صعت ایحادیه اوست «

مؤلف

اسم مؤلف مولوی محمد حسین حاب و اسم پدرش علام قادر حان صاحب
شاهجهان پوری اسب (شرح حال مؤلف بدست بیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۷۶ هـ تألیف کرد.

این کتاب مشتمل است بر ذکر صدوپنجاه و شش شاعر بترتیب تاریخی کتاب «ریاض العردوس» مشتملست بر سه جلد **جلد اول** شامل شعرای عربی **جلد دوم** شامل شعرای فارسی و **جلد سوم** شامل شعرای اردو میباشد.

جلد دوم یا مقاله ثانیه مشتملست بر دو **باب اول** در نظم (شعر) و **باب دوم** در نثر **باب اول** مشتملست بر پنج فصل بدینقرار

فصل اول در حمد و نعت و منقبت

فصل دوم در واسوخت^۱ و محمسن

فصل سوم در عریات و قطعات

فصل چهارم در صایع لفظی و معنوی و تاریخ وفات حضرت رسول و حلفای راشدین و حضرت فاطمه و حسنین و دیگر بزرگان دین و اشعار مکتوبی که در مکاتبات نگار آید و اقسام نثر را آرایش دهد

۱- اصطلاح شعری است که سیاری از شعرای فارسی زبان همداعم ادای را بی و هندی بکار برده اند اما در ایران هیچوقت متداول نبوده است واسوخت بمعنی واسوختن = سوختن و اعراض کردن و روگردانیدن و برار شدن از معشوق و مطلوب (فرهنگ نفیسی) اصطلاح شعرای ایران برادری و اعراض و روگردانی از معشوق (آسدراج) واسوختن = اعراض کردن و رو بر تافتن ارچیری و ترك عشق گفتن (بهار عجم) و روگردانی کردن از معشوق (آسدراج) در شبه قاره هند و پاکستان نوعی از شعر بوده که طی آن شاعر از معشوق گله و شکوه میکرد و اظهار برادری از او نموده معشوق را مورد ملامت و توبیخ و سرزنش قرار میداد و این شعر تقریباً اعلامیه ترك عشق عاشق نام معشوق خود بوده است چنانکه «حواهر اللغات» (اردو) تألیف پاندیت راجنات را بهادر چاپ هند ۱۹۲۴ میلادی واسوختن را چنین معنی میکند «برار هوا - من به پیرلیا یعنی برار شدن و رو بر تافتن سپس میبویسد . «اسی لئی واسوخت اس کلام کو کھتی ہیں حسنین معشوق کو حلی کٹی ساتی ہیں» یعنی واسوخت شریعت که در آن معشوق را مورد ملامت و سرزنش قرار میدهند

هفت آسمان

ابتدا

«الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسول محمد الامين و على آله واصحابه

اجمعين»

شرح حال مولف

مولف آقا احمد علی متخلص به احمد است و اسم پدرش شجاعت علی است و خانواده وی همراه نادرشاه بهندوستان رفت احمد علی برور ۱۰ شوال ۱۲۵۵ هـ در دهلی^۱ متولد شد

اسم تاریخی او «مظهر علی» است که سال ولادت او را می‌رساند. از اوایل عمر بحث اطلاعات وسیعی که در رمیه ادبیات فارسی داشت در هندوستان خیلی معروفیت پیدا کرد و در سال ۱۸۶۲ م در کلکته مدرسه احمدیه را تأسیس نمود و تا آخر عمر ریاست آن مدرسه را بعهده داشت

در سال ۱۸۶۴ م بتوصیه پروفیسور کوول احمد علی سمت معلمی فارسی در مدرسه دولتی کلکته انتخاب شد و در سال دیگری مؤید برهان را منتشر کرد این کتاب تنصیر باقدانه است بر کتاب برهان قاطع وطی این کتاب احمد علی در مقابل انتقاد شدیدی که غالب دهلوی شاعر معروف برای فرهنگ در کتاب خود قاطع برهان نموده بود از مؤلف این فرهنگ دفاع کرده است.

سپس چون غالب دهلوی کتابی در جواب این رساله نوشت احمد علی رساله دیگری بنام «شمسیر تیز تر» را انتشار داد

۱- استوری دهاکه نکال شرقی

۱- Professor Cowell

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۲۸۵ هـ مطابق ۱۸۶۹ میلادی تألیف نموده است و درباره سب تألیف در مقدمه چنین توضیح داده است

« اما بعد فقیر کثیر التخصیر احمد و امینماید که پیشتر از این اهالی کمیتی ایشیاتک سوسیته^۱ کلکته نصف اول از جلد دوم سکندرنامه که در این دیار بحری اشتهار دارد بتصحیح جناب دکتر اشپرنگر صاحب و آغا محمد شستری بطبع آوردند و این روزها که سه یکپرار وهشتصد و شصت و نه عیسوی (میلادی) و سه یکپرار و دو صد و هشتاد و پنج هجری میباشد ارباب کمیتی مزبور نصف اخیر آن (را) تصحیح فقیر طبع کردند سپس خواستند که ترجمه مصنف آن شیخ بزرگوار نظامی گنجوی علیه الرحمه بآسدی از بیان مثنوی .. مرقوم و مطبوع شود باین ترتیب که . آنچه تعلق بدین داش استنساخ و انتقاط نمودم و درین اوراق بتحقیقی که میسر شد ثبت کردم و چون برد محققان سخن اوران مثنوی هفت می باشد و این رساله بالا صاله در بیان آنست این را «هفت آسمان» نام کردم و (دریک) اوج و هفت آسمان و (یک) افاق مرتب

مؤلف در مقدمه نوشته است که غیر از کتب عروض و قوافی و رسایل قواعد و صایع و بدایع و حرآن از کتابهای ریر در تألیف این کتاب استفاده کرده است

۱- بحجات الاس حامی

۲- بهارستان حامی

۳- تذکرة الشعراء دوئشاه سمرقندی

۴- هفت اقلیم محمد امین راری

۵- مرآت الحیال شیرخان لودی

۶- مرآت العالم بحتاور خان عالمگیری

۷- تذکره میرزا طاهر بصرآبادی اصفهانی

۱- یعنی مقامات مسؤول کمیتہ احسن آسیاء

- ۱۱- مثنوی آصفی هروی
 ۱۲- منظر الا بصار قاضی سنجانی
 ۱۳- فتوح الحرمین محی لاری
 ۱۴- مظهر آثار امیر هاشمی کرمانی
 ۱۵- گوهر شہوار عبدی جنابدی
 ۱۶- مشہد انوار غزالی مشہدی
 ۱۷- مرآت الصفات غزالی مشہدی
 ۱۸- نقش بدیع غزالی مشہدی
 ۱۹- قدرت آثار غزالی مشہدی
 ۲۰- منظور انظار رہائی مروی
 ۲۱- ۲۲- دومثنوی نویدی شیرازی
 ۲۳- مشاہد داعی شیرازی
 ۲۴- مثنوی قاسم کاهی
 ۲۵- مہر وفای سالم محمد بیگ
 ۲۶- مظهر الاسرار حکیم ابوالفتح دوانی
 ۲۷- حلد برین مولانا وحشی کرمانی
 ۲۸- مجمع الایکار عرفی شیرازی
 ۲۹- زبدۃ الافکار بیکی اصفہانی
 ۳۰- مرکر ادوار شیخ فیض فیاض
 ۳۱- مثنوی زاهد
 ۳۲- مثنوی میر معصوم
 ۳۳- مثنوی مولانا علی احمد نشانی
 ۳۴- تحفہ میمونہ محمد حسن دہلوی
 ۳۵- مثنوی شانی تکلو
 ۳۶- منبع الانہار ملک قمی
 ۳۷- دیدہ بیدار حکیم شعائی
 ۳۸- ربدة الاشعار قاسمی گابادی
 ۳۹- دولت بیدار ملاشیدا
 ۴۰- مثنوی شیخ بہاء الدین عاملی بہائی
 ۴۱- حسن گلو سور رلالی حواساری
 ۴۲- مثنوی ناقر کاشی خرد
 ۴۳- مثنوی قدسی مشہدی
 ۴۴- مثنوی سلیم محمد قلی
 ۴۵- مثنوی حکیم حادق گیلانی
 ۴۶- بارو بیازحاتی گیلانی
 ۴۷- مثنوی الہی سعد آبادی
 ۴۸- مثنوی ابراہیم اہم صفوی
 ۴۹- مثنوی غافل محمد تقی
 ۵۰- مثنوی فدائی محمد بیگ
 ۵۱- مثنوی مولانا عیاض سرواری
 ۵۲- مظهر الانوار ہاشمی بحاری
 ۵۳- مثنوی صفا محمد ناقر نایینی
 ۵۴- مثنوی ملا صحنی بیر بیگ
 ۵۵- مثنوی، ملا محمد شریف
 ۵۶- مثنوی فایر میرزا علاء الدین محمد
 ۵۷- مثنوی طاہر وحید
 ۵۸- مثنوی والہی قمی
 ۵۹- مثنوی درویش حسین والہ ہروی

۶۰- مثنوی سنجر کاشی میر محمد هاشم ۶۱- مثنوی میرزا فصیحی هروی

۶۲- مطلع الانوار میر باقر داماد ۶۳- مثنوی میرزا جلال اسیر شهرستانی

اشراق اصفهانی

۶۴- مثنوی میر یحیی کاشی ۶۵- مثنوی اشرف مازندرانی

۶۶- مثنوی حفاف ۶۷- مثنوی ابوشعب

۶۸- مثنوی صادق تهرشی ۶۹- مثنوی لایق میر محمد مراد

۷۰- مطلع الانظار شیخ محمد علی ۷۱- مثنوی حکیم میرزا حبیب اله شیرازی

حرین اصفهانی متخلص به قافیه

۷۲- مثنوی دردوداع اسداله حان غالب ۷۳- مثنوی رنگوبوی غالب دهلوی

۷۴- مثنوی یک ورقه غالب دهلوی ۷۵- مثنوی دیگر یک ورقه غالب

۷۶- مثنوی تاج سخن مولوی محمد عبدالرؤف وحید

۷۷- مثنوی مشرق الانوار مولوی عبدالرحیم گورکھپوری متخلص به تمنا و

معروف به دهری

۷۸- مثنوی چاره بیمار ابوالعاصم عبدالحلیم متخلص به عاصم

در آخر کتاب ذکر چند «بسم الله گویان» را آورده است

مؤلف در ردیف بحث در باره هر مثنوی اول شرح حال مختصری از گوینده

آن آورده است و سپس بحث مختصری در باره هر مثنوی آورده و بعضی اشعار آن را

نقل کرده است.

گاهی تنها یک سطر در شرح حال شاعر و یک بیت بطور شاهد و نمونه

مثنوی وی نقل کرده است مثلاً رجوع شود به مثنوی حفاف (ص ۱۵۹)

در موقع بحث در باره موضوعی عقاید تذکره نویسان و شعر او نویسندگان مختلف

را در باره آن موضوع آورده است و هر موقعیکه با آنها توافق نظر نداشته است عقیده خود را

هم ذکر نموده

رویه مبرفته این تذکره معیّدی است و اگر شش آسمان دیگر هم ناقص و چا

و زلف حمد و نعت اولی است بر حال ادب خفیه

॥३॥

مضمون

[illegible]

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۶/۰۵ (۱۳۹۵ سال ۱۸۷۳ میلادی) در مسقط
شاه

5. 15. 1951

است اینها را تصنیف و جاری ساخته است
 در این حال که احمد علی به شرح به شرح
 در مورد کتاب در «حق آسمان» برسان

5. 10. 1950.

[illegible]

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف نواب سید صدیق حسن خان و تخلص او نواب و کنیت وی ابوالطیب است، وی پسر اصغر سید اولاد حسن^۱ حسینی بخاری قجوحی فاضل معروف است که از شاگردان عبدالعزیز دهلوی و مرید سید احمد بریلوی بود و در «جهاد» سید احمد مرورش کد داشت نواب صدیق روریکشده ۱۹ حمادی الاول ۱۲۴۸ هـ در محله شیخ پوره در شهر قنوح (بریلی) میان دو آب گگا و حما بدنیا آمد مادرش نجیب النساء اراهایی بریلی بود. سب نواب صدیق به سید حلال الدین بخاری «مخدوم حبا بیان جهان گشت» (متوفی ۷۸۵ هـ) میرسد و او با نام رین العابدین بن امام حسین مشتهی میشود و بنابراین اقوام او به سادات حسینی بخاری شهرت داشته اند. جد سید حلال الدین مرورش سید حلال گل سرخ در ۶۵۳ هـ از حاربا بهد آمد. نواب صدیق مذهب سی و پیرو طریقه نقشبندی بود اما ندسب کسی بیعت نکرده بود

نواب صدیق علوم متداوله را در دهلوی و شهرهای دیگر برد چیدن از اساتید معروف عصر خود تحصیل نمود و برد مفتی محمد صدر الدین خان بهادر صدر الصدور متخلص به آررده دهلوی منطق و حکم و فقه و علم و ادب را فرا گرفته از وی سده احاره فتوی گرفت و علوم شرعی و دینی ارقیل تفسیر و حدیث و فقه ست و اسماء رحال و احکام را برد قاصی حسین بن محسن انصاری قاصی حدیده تحصیل نموده از وی احازه فتوی گرفت سپس سده دو اوین اسلام ارقیل معاحم و مساند و صحاح و جوامع و امثال آنرا از مولانا شیخ محمد یعقوب دهلوی مهاجر مقیم مکه برادر مولوی محمد اسحاق دهلوی کسب نموده و همچنین از شیخ مولوی عبدالحق بن فصل الله ساکن قصبه بیوتی بیرسد احاره ندسب آورد سپس بقیه عمر را در مطالعه «اسعار و صحف کثیر» از هر موضوع گذراند و مخصوصا کتب اهل حدیث وی را تحت تأثیر خود قرار داده و در نتیجه وی در درمره «اعل حدیب» درآمد اما حرکت و سب از کسی دیگر پیروی

۱- ر ك اتحاف السلا. اسم پدرش در شمع الحسن «حسن» و در تذکره علمای هند تالیف علی (ص ۲۴) «سید آل حسن» ذکر شده است

و تقلید نمی کرد.

نواب در تمام عمر پنج بار مسافرت کرد.

در مسافرت اول وی در طلب علم بدلهلی و شهرهای دیگر رفت.

در مسافرت دوم وی در طلب معاش و روزی به بهوپال و تونک رفت. در تونک در نتیجه اصرار وزیر الدوله حاکم آنجا قریب بهشت ماه توقف نمود و سپس دوباره به بهوپال برگشت و آنجا نادر محمد جمال الدین خان صاحب بهادر مدارالمهام و نایب ریاست^۱ بهوپال ازدواج کرد و در ۱۲۷۵ هـ در همان شهر رحل اقامت افکند و ثمره این ازدواج يك دختر و دو پسر بود. در زمان اقامت در بهوپال گاهی تنها و گاهی با اتفاق نواب سکندر بیگم والیه بهوپال برای بازدید از شهرهای دیگر میرفت و دوباره به بهوپال برمی گشت. در زمان سکندر بیگم (متوفی ۱۲۸۵ هـ) وی در اداره اشاکار می کرد و بعداً متصدی اداره تألیف تاریخ بهوپال شد.

مسافرت سوم نواب صدیق در ۱۲۸۵ هـ صورت گرفت موقعی که وی برای حج و زیارت عتبات عالیّه بحجاز رفت و يك هفته در حواریمر از رسول توقف نموده به مکه برگشت و سپس راه جدید (راه آهن) به بهوپال مراجعت نمود و طی این مسافرت کتب بسیار از علوم قرآن و حدیث مطالعه کرد و بعضی کتب نسخه برداری و بعضی دیگر را خریداری نموده به بهوپال آورد و به کتابخانه شخصی خود اضافه نمود. بعد از مراجعت به بهوپال مدتی اهتمام (و انتظام امور) و مدارس ریاست مزبور را بعهده داشت در زمان شاهجهان بیگم والیه بهوپال (که بعد از فوت سکندر بیگم در ۱۲۸۵ هـ امور را بدست گرفت) نواب صدیق اول رئیس فرهنگ و سپس میرمشی یا امیرالاشاهد و از طرف بیگم ألعاب میردبیر و حاکم بوی اعطاسد در ۱۲۸۸ هـ (بعد از فوت زن اول) نواب بابیگم ازدواج کرد آیه «و احرى تحونها» تنعمیه يك عدد تاریخ این ازدواج را میرساند در نتیجه این ازدواج اقطاع هفتاد و پنج هزار روپیه سالانه

۱- ریاست مخصوصاً در زمان انگلیسها نایبانی می گفتند که استقلال داخلی داشته است اما در سیاست خارجی با سیاست انگلیسها بود

از محال بریلی که واسته ریاست بهوپال بوده نواب صدیق پرداخت میشد و او بسمت وزیر دوم بیگم بالقبع معتمدالمهام منصوب شد. در سال دیگر بیگم این اداره را منحل کرد و نواب صدیق را لقب نواب والااحاه و امیر الممالك عطا کرد. همچنین نواب شان مجیدی درجه ثابیه را از طرف سلطان عبدالحمید عثمانی ببرداریافت نمود

مسافرت چهارم نواب در سال ۱۲۸۹ هـ صورت گرفت چون او باتفاق نواب شاهجهان بیگم به بمبئی رفت و آنجا در داریت بروک^۲ گور بر جنرل و وایسرای هندوستان^۳ از طرف ملکه و کتوریه نواب شاهجهان بیگم را مدال بیتی درجه یک با خلعت ساخت انگلستان و علم عالی پرچم و لقب «گراوند کماندراستار آف اندیا»^۴ ناسند لقب موشح بامضای ملکه و وزیر اعظم انگلستان و لقب رئیس دلاور اعظم طبقه اعلائی ستاره هند اعطا کرد در این مسافرت نواب صدیق در شهرهای دیگر مانند گجرات و سورت و احمدآباد و بیدر بیر سیاح کرد.

مسافرت پنجم نواب صدیق در سال ۱۲۹۱ هـ صورت گرفت موقعی که وی باتفاق شاهجهان بیگم به کلکته رفت و این مسافرت مدت دو ماه و چهار روز طول کشید. در این مسافرت نواب صدیق نامیر تراب علیخان سر سالار خنگ بهادر وزیر ریاست حیدرآباد رکن و نواب امیر علیخان بهادر وزیر السلطان و چند تن دیگر از معاریف و واعظم کشور ملاقات کرد و همچنین با گور بر جنرل و پیرس آف ویلر شاهزاده انگلستان مکرر ملاقات کرد و از بناها و ناعها و حیواناتها و نهادهای معروف آن ناحیه دیدن کرد، صما در راه نواب صدیق یک هفته در بنارس و اله آباد و کانپور توقف نمود و بعد از بازدید از اهالی و باعهای آنجا به بهوپال مراجعت کرد و برای بقیه عمرهماجا

۲- Lord Northbrooke فرمانروای کل هندوستان (۱۸۷۲-۱۸۷۶ م مطابق

۱۲۸۹-۱۲۹۳ هجری)

۳- گور بر جنرل یعنی فرمانروای کل کسی بود که از طرف پادشاه یا ملکه انگلستان بر هندوستان حکومت میکرد و او را وایسرای (نایب السلطنه) هم میگفتند

۴- Grand Commander Star of India

آثار مهم نواب صدیق بقرار زیر است

۱- تفسیر فتح اله اس فی مقاصد القرآن در چهار مجلد که نواب صدیق در مدت هشت سال بدون کمک و دستیاری دیگری تألیف کرد

۲- اکسیر فی اصول التفسیر- اسم این کتاب تاریخی اسب و سال تألیف کتاب (۱۲۸۹ هـ) رامیرساند اما در مقدمه این کتاب ۱۲۹۰ هـ بطور سال جاری ذکر شده است اساس این کتاب بر «کشف الظنون» حاحی خلیفه و فور الکبیر ولی الله دهلوی است و مؤلف حواسته است این کتاب مقدمه ای بر تفسیر عربی سابق الذکری باشد چاپ در کابور در ۹۱-۱۲۹۰ هـ.

۳- مسک الحتام فی شرح بلوغ المرام - در دو جلد - در مدت شش ماه تألیف کرد.

۴- افادت الشیوخ بمقدار النسخ والمنسوح - در ۱۲۸۶ هـ تألیف کرد . چاپ در کابور در ۹-۱۲۸۸ هـ و در لاهور در ۱۹۰۰ م (۱۳۱۸ هـ)

۵- شمع احسن - تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۹۲ هـ تألیف نموده اسب در پایان کتاب قطعه ای از سوهن لال مشی آمده اسب که بیت زیر آن سال تألیف این کتاب را میرساند.

چه خوش گفته اسب سوهن لال تاریخ که «شمع احسن شمع دل افروز»
(= ۱۲۹۲ هـ)

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده اسب «دزین بر دیکمی که طبع اندوه آرمیده و خاطردزد گزیده نظر بر تذکره های شعری ورس داشت و بگلگش بهار سجنهای موزون خاطران می برد احب حواستم که ارینستان سراهای فرح افرا عمردا گلدسته چند بر چند بر حیم تا اگر صاحب دلی دیگر راهم گذراوقات بر سر این حدیقه رعنا وروصد عاقتد ورمایی خاطرافسرده را بسیر حو بان سر رنگ این گلزمین بشکفتد بین رهگذر بر اوزاق دواوین شعر چند نقطه

انتخاب ردم و رخسار شاه سخن را بحال و خط اصلاح آراستم.

مؤلف اسم مأخذ کتاب را در مقدمه یا خاتمه نیاورده است اما در دیل شرح حال شعر اسم کتابهای زیر را آورده است که در آن در تألیف این کتاب استفاده کرده است

۱- ید بیضا (رجوع شود به نام عرفی) ۲- نتایج الافکار (رجوع شود به نام قدرت)

۳- ریاض الشعرا (رجوع شود به نام عرفی) ۴- مجمع العایس (رجوع شود به نام عرفی)

۵- خزانه عامره (رجوع شود به نام متین) ۶- ثمرات القدس (رجوع شود به نام عبد-

القادر ندایوی)

۷- منتخب التواریخ (رجوع شود به نام فیض) ۸- تذکره حسینی (رجوع شود به نام حرین)

۹- تفحات الانس (رجوع شود به نام قاسم انوار) ۱۰- شاه جهان نامه (رجوع شود به نام قدسی)

۱۱- مرآت الحیال (رجوع شود به نام قدسی) ۱۲- تذکره آذر (رجوع شود به نام آذر)

اما باید توجه داشت که شرح حال و آثار شعرای معاصر را مؤلف از خود شعرا گرفته است و از این حیث این کتاب دارای اهمیت بسیار میباشد

این تذکره مشتمل بر ۹۷۱ شاعر متقدم و متأخر و معاصر مؤلف بترتیب

العبا از روی حرف اول تحلیص یا اسم شاعرو با «ابوری» شروع شده با دیوسف (مولوی ابوالحامد محمد دیوسف علی) تمام میشود مقدمه کتاب که مشتملست بر بیست

صفحه غالباً حاوی مطالب غیر ضروری و عبارت آرائی است که اگر این مطالب را

از کتاب حذف میکردند هیچ صدمه‌ای بخود کتاب نمیرسید. در این مقدمه مؤلف از این اثیر و یگران نقل کرده است که اول کسیکه شعر تازی سرود حضرت آدم بود (۱)

و در باره این موضوع مؤلف عقاید دیگران را بر آثار کتابهای مختلف نقل کرده است

همچنین در باره اول کسیکه بر زبان فارسی شعر سرود و هم چنین در باره بعضی موضوعهای دیگر بحث کرده است

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را خیلی محصور آورده است تنها در دیل نام

قریب به دیوسف شاعر اشعار و شرح حال آنها را مفصل نقل کرده است مانند ابوری و

آذری و آصف و امید و اقدس و غیره

درذیل نام شعرای دیرتها اشعارشان را سببه معصل آورده است: اهلی شیرازی، اشرف، آفرین لاهوری، ایحاد، افتحار، احمدحان، اعجاز، افضل کاشانی، انشا، بساطی، ترکمان، حسانی، حزنی، حالتی، حقیری، دوالفقار، رفعت، شوقی، سریف، شاپورتهرانی، عمرحیام، عرت، عرشی، عزیز، فوحی، فطرت، قیاض، قادر، قاسم دیوانه، کشفی، ماهر، میلی، مطهرخان، مشرقی، مومن استرآبادی، مومن دهلوی، ناصر (نواب ناصر حنگ)، نصرت سیالکوتی، وحشی دولت آبادی، ولی دشت بیاضی، واعظ قروینی، حیدر قروینی، وحید، هلاکی، همایون پادشاه و یمینی.

رویهمرفته اشعار حافظ (در ۴ ص) و آزاد بلگرامی (در ۱ ص) و ناطق (در ۵ ص) و غالب دهلوی رادر (۸ ص) معصل ترا از سایرین آورده است

همچنین شرح حال خود رادر (۶ ص) معصل ترا از سایرین نوشته است

درذیل نام والہ مؤلف بر موضوع «عشق» بحث مسوطی آورده است و سبب هائی برای معالجه و همچنین تعریف آن از «صحاح» و ماهیت و چگونگی و معالجه آن را از شیخ الرئیس و ابواسحق ابراهیم بن تمیم قیروانی آورده و همچنین اشعاری از شعرای عربی و بحث عشق را در گلستان سعدی باب پنجم و غیره رادر باره موضوع عشق نقل کرده است که تمام این مطالب خارج از موضوع کتاب است و هیچ اطلاعی راجع برندگان والہ صاحب ترجمه بدست نمیدهد

مؤلف در این کتاب شرح حال و آثار بعضی شعرای معاصر را آورده است که قبل از او در هیچ کتاب بیامده و چون این اشعار و شرح حال شعرا را وی از خودشان گرفته است ما بر این قابل اعتبار و اعتماد میباشود و چنین این حقیقت را میسراند که هنوز در سه قاره هند و پاکستان تعداد زیادی از شعر او وجود داشتند که بفارسی شعر میسروده اند و اسامی و آثار مختصر آنان در این تذکره ضبط شده است اما بحای جمع آوری اشعار و شرح حال شعرای متقدم که مؤلف بعضی از آنان را در این کتاب آورده است بهتر بود اگر اشعار و شرح حال شعرای معاصر را معصل تر میآورد چون در آن صورت اهمیت

از سلطان جهان بیگم (انگلیسی) چاپ لندن ۱۹۱۲ م ص ۵-۱۴۳ و مآثر صدیقی شرح
 حال نواب صدیق حسن (بربان اردو) ارعلی حسن خان چاپ لکھنؤ ۱۹۲۴ م و
 «دایرة المعارف اسلامی» چاپ لندن ۱۹۳۴ م ج ۴ ص ۴۰۳ الف تحب صدیق حسن
 حان و وان دایک. (Bibliography Ed. Van Dyke) و رور نامه های پاییز
 (Pioneer) لکھنؤ مورخ ۲۹ ر ۱۸۸۰ م ص ۱ ب و ۲۵ ر ۱۸۹۰ م ص ۱ ب و
 ۲۶ ر ۱۸۹۰ م ص ۶ ب و دیلی تلگراف (Daily Telegraph) پونا مورخ
 ۲۹ ر ۱۸۸۵ م ص ۳ الف و اندین مرر (Indian Mirror) مورخ ۱۱ ر ۱۸۸۵ م
 ص ۲ و تائمر آف اندیا (Times of India) هفتگی مورخ ۱۱ ر ۱۸۸۵ م ص ۱ ج
 و ۱۲ ب و ۱۸ ح بعنوان «اوصاع در بهوپال» (Affairs in Bhopal) «دفاع از
 نواب همسر» (A Defence of the Nawwab Consort) (۰۰۰۰۰۰۰۰)
 که اول بصورت رساله ای از طرف «اشاعت السه» رور نامه اهل حدیث لاهور چاپ
 شده بود و بعداً ادو کیت آف اندیا (Advocate of India) در ۱۸۸۹ م بصورت
 صمیمه ای چاپ کرد همچنین رجوع شود به رور نامه پونا آبدور (Poona Observer)
 مورخ ۲۲ ر ۱۸۹۰ م ۲ ز و تائمر (Times) مورخ ۳ ر ۱۸۹۰ م ص ۷ و استوری
 ص ۲۷ و ۹۱۳

چاپ در مطبع شاهجهانی بهوپال سال ۱۲۹۳ ه چاپ شد

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به فهرست اسامی که در آغاز این کتاب

چاپ بهوپال آمده است

نگارستان سخن

ابتدا

بسمله مصحف ایمان و فائحه قرآن ایقان حمد متکلمیسب که گوهر غلطان
سخن را بحکمت مابعه خود برشته نظم دلاویر کشیده و احجار العاطم نشور را در میران کده
طباع شعرا سحرانگیر لیت شمع بحشیده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف - سید نورالحسن خان و القاب و کنیت وی و اب رصی الدوله
نظام الملك سید ابوالخیر است که اول طیب تحصیل داشت و بعد تحصیل نور را اختیار
نمود . او پسر ارشد نواب صدیق حسن خان از بنظر ناول نواب مر بوراس که دختر
کمال الدین خان دهلوی بحسب و ریر بهویال بود وی رور چهارشنبه ۲۱ رحب
۱۲۷۸ هـ دنیا آمد و اسم تاریخی او «نظیر حسن» است که ار وی ا بعد سال تولد وی
رامیر ساند . وی ار طرف یدرسید حسینی و ار طرف مادر شیخ صدیقی بوده . سن پنج
سالگی بخواند قرآن و کتب متداوله فارسی پداحت در اول کتب علوم متداوله
مانند صرف و نحو شافیه و کافیه را برد مفتی ریاست بهویال مولوی محمد ایوب و
محتصرات منطق قال اقول و ایسا عوحی را برد مولوی ابورعلی صدر (رئیس) مدارس
سلیمانیه بهویال و صغری و کبری و شرح تهذیب و شرح جامی را پیش مولوی الهی
بحش فیض آبادی استاد مدرسه سلیمانیه بهویال مؤلف رحمه شاهجهانی حواند.

در موقع تألیف «نگارستان سخن» مشغول حواند دو او یی و قرآن و کتب سنت
از قبیل جلالین و مشکوة و سنن ترمذی و مختصر معانی و غیره برد مولوی محمد
بشیر سسوانی مدرس استان خاص حضرت شاهجهانی و مولوی محمد بشیر الدین
قنوحی قاصی بهویال بوده در دوالقعه ۱۲۹۳ م . باتفاق پدر و مادری خود نواب

همچنین قطعه‌ای سال تألیف را بسنه میلادی (۱۸۷۵ م) و دو قطعه سال طبع کتاب را بسنه هجری (۱۲۹۳ ه) و قطعه‌ای دیگر بسنه میلادی (۱۸۷۶ م) می‌رساند در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه و حاتمیه کتاب چنین توضیح داده است که جمعی از شعرای معاصر از دهاکه و نگاله و غیره نتایج افکار خود را از بلاد دور دست برای « تذکره شمع احمن » تألیف نواب صدیق حسن حان (پدر مؤلف) که در ۱۲۹۳ ه بطبع رسیده فرستاده بودند اما بنا بر مسافت دهلی بماسب دربار ملکه و کتوریه فرصت چاپ آن در تذکره مرنور دست نداد و ما برای مؤلف شرح حال و اشعار شعرای مرنور را در تذکره خود ضمیمه کرده وعده دیگران متاخرین را هم در آن اضافه نموده و بصورت تذکره حدائیکه ای ترتیب داد.

نظر بتوضیح فوق این تذکره را میتوان « تکلمه صبح گلشن » حساب کرد. مؤلف اسم کتابهای دیر را در حاتمیه کتاب آورده است که در تألیف این تذکره مورد استفاده وی قرار گرفته است.

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| ۱ - لب الالباب (لب الالباب) عوفی | ۲ - تذکره سامی |
| ۳ - تذکره دولتشاه | ۴ - خلاصه الاشعار - نعیمی کاشی |
| ۵ - هفت اقلم | ۶ - خاتمہ منتخب التواریخ |
| ۷ - مجمع الفصلا - ملا بقائی | ۸ - تذکره بصرآبادی |
| ۹ - مرآت الحیال | ۱۰ - کلمات الشعرا |
| ۱۱ - همیشه ببار | ۱۲ - حیات الشعرا - متین کشمیری |
| ۱۳ - سقیه بی حیر | ۱۴ - ریاض الشعرا |
| ۱۵ - مجمع العایس | ۱۶ - تذکره حرین |
| ۱۷ - تذکره بینظیر | ۱۸ - مردم دیده |
| ۱۹ - ید بیضا | ۲۰ - سروآراد |
| ۲۱ - خراانه عامره | ۲۲ - نتائج الافکار گوپا موی |
| ۲۳ - شتر عم | ۲۴ - بغایس المآثر |

ابوسعید ابوالخیر وملا باقر وثاقب (مهاراجه گوپال سنگه) وسلطان ومحبو
مهری (سیدعلی) ونویدی.

همچنین دردیل نام خاور ومرتضی شرح حالشان را معصل اما ار خاور سه بیت
واز میر مرتضی تنها يك بیت آورده است .

رویه مر فته اشعار مولوی محمد یوسف (در ۱/۶) ومهری سیدعلی (در ۶ص)
را مفصل تر از سایرین آورده است بعضی قطعه های تهنیت وغیره وقصیده ها وخاتمه
الطبع بنظم وشروتاریخ طبع کتاب ار شعرا ومشیان در بار بهوپال در آخر کتاب ضمیمه
ده که قسمت قابل ملاحظه این کتاب (۲۶ص) را تشکیل میدهد

سك انشاى مؤلف عالماً مصوع است وزی در بسیاری از موارد شرمسحع بكار
برده است

تذکر

این کتاب حتماً تألیف سیدنور الحسن حان بیست چون در موقع تألیف این
کتاب سن وی هنوز از چهارده پانزده سال تجاوز نکرده بود و اصلاً نمیتوان باور کرد
که يك پسر چهارده پانزده ساله ای بتواند کتابی مانند نگارستان سخن را باین شرمه صنوع
وفی ببویسد و حتماً يك کسی از ملازمان در بار یواب صدیق حسن خان پدر مؤلف این
کتاب را تألیف نموده و نام این «یواب زاده» هست داده است (بیرجوع شود به پایان
بحث در باره «صبح گلش» در سطور دیل)

چاپ

بهونال مطبع شاهجهانی / ۱۲۹۳ / ۱۸۷۶م

برای شرح حار مؤلف رجوع شود به نگارستان سخن و صبح گلش واستوری

ح ۱ ص ۱۴-۹۱۳

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به جاب بهونال ۱۲۹۳ هـ

صبح گلشن

ابتدا

شمشیر ربان جوهر بیان می نماید و مشتر قلم رگه معنی میگذاید .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف سید محمد علی حس حان والقبو کنیت وی نواب صفی الدوله حسام الملک سید ابوالنصر و تحلیص وی سلیم اسب وی پسر کوچک نواب سید صدیق حسن خان اربطی رن اول او دختر محمد جمال الدین حان دهلوی و حسرتوریر بهوپال بوده و در چهارشنبه ۴ ربیع الآخر ۱۲۸۳ هـ ندیا آمد و بسن پنج سالگی بمکتب (دستان) رفت و در دو سال قرائت قرآن را تمام کرده و سپس نغرا گرفتن زبان فارسی مشغول گشت و کتبه متداوله صرف و نحو و غیره را پیش مولوی محمد حسن بلگرامی خواند و هنوز دوازده سال نیش بود که این تذکره را تألیف نمود !
وی مدتی رئیس افتخاری اداره فرهنگ بهوپال بود .

آثار مؤلف

- ۱- صبح گلشن - تذکره مورد بحث
- ۲- السان المرصوص من بیان ایحار الفقه المنصوص - در فقه حنفی به فارسی . چاپ ۱۲۹۹ هـ (رجوع شود به آصفیه ح ۳ ص ۴۴۴)
- ۳- حرم گل - دیوان فارسی .
- ۴- نامه دل - دیوان اردو .

۵- مآثر صدیقی - شرح حال مفصل نواب صدیق حسن خان اردو - چاپ لکهنو ۱۳۴۲ هـ .

۶- برم سخن - تذکره شعرای اردو - چاپ ۱۲۹۷ هـ (شرح حال شعرا ابرامان فارسی نوشته است)

۷- موارد المصادر - برمایش شاهجهان بیگم بعدار قوت نواب صدیق حسن تألیف گردید .

همچنین آثار زیادی بران اردو دارد مانند فطرت الاسلام و سیره الاسلام وانتظام حابه ری وعیره که فهرست آن بر صفحه آخر مآثر صدیقی ذکر شده اس .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در عره دوالقعه ۱۲۹۴ آغار و در آحر ماه جمادی - الاول ۱۲۹۵ هـ با تمام رسا بیده اس در پایان کتاب «قطعه تاریخ» دیل از مولوی محمد یوسف علی آمده است که سال آغار تألیف این را میرساند

ار دکاء علی حسن دم رد	صح گلشن بگلش عالم
سال تویر مطلع این صح	«دلرور سحنورا» گفتم
(= ۱۲۹۴ هـ)	

همچنین در پایان کتاب چند «قطعه تاریخ» دیگر از شعرای مختلف آمده اس که سال پایان تألیف این را میرساند از آحمله قطعه زیر ار سرفرار علی وصی اله آمادی اس

چون رکلك امیر ابن امیر	یافت این تد کره حدید ارقام
گفت تاریخ وصی حوسفکر	« یادگار سحنورا نام »
(= ۱۲۹۵ هـ)	

مؤلف در مقدمه این کتاب شر سیار مصنوع ومشیانه سب تألیف را چنین توصیح داده است که چون بدرش صدیق حسن خان تد کره ای نام شع احمن تألیف

کرد بقیه شعرائی که ذکرشان در آن تذکره نبود «بجوش آمدند و حسرت فروشان درخروش» تا اینکه برادر بزرگ مؤلف و پسر ارشد بواب صدیق حسن خان تکلمه‌ای بنام «نگارستان سخن» نوشت و بعضی شعرا را که اسامی آنها ارشع انجمن افتاده بود ضمیمه کرد اما هنوز عده زیادی از شعرا که در هردو تذکره فوق یاد نشده بودند میخواستند تذکره دیگر ترتیب داده شود تا از آنها هم در آن تذکره یاد شود بالاخره مؤلف بترتیب این تذکره کمر همت بست و شرح حال شعرا و اشعارشان را وارد این تذکره کرد اما در این تذکره بعضی شعرائی که در شمع انجمن و نگارستان سخن مذکورند نیز تکرار شده و علت آن را مؤلف در دیباچه چنین توضیح داده است که این تکرار برای ایست که آنها را مؤلف «حوش آواز تر» یافته است.

مؤلف در دیباچه کتاب اسم تذکره‌های زیر را آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است

۱- آفتاب عالمات

۲- بستر عشق حسین علیه‌الحق عظیم آبادی

اما در این کتاب بسیاری از مطالب را از تذکره‌های زیر نقل کرده است.

۱- شمع احسن - بواب صدیق حسن خان (پدر مؤلف)

۲- نگارستان سخن (سید نور الحسن خان) (برادر مؤلف).

اصلاً این کتاب تکمله شمع احسن و نگارستان سخن میباشد.

در این کتاب فهرست اسامی شعرا هیچ حایا نموده است اما عده شعرای مذکور

بقرار زیر است :

الف = ۱۶۰ = ب = ۷۹ = پ = ۵ = ت = ۵۱ = ث = ۹ = ح = ۳۵ = ح = ۶۹ = ح = ۳۹

د = ۱۸ = د = ۵ = ر = ۶۱ = ر = ۱۸ = س = ۷۷ = ش = ۴۸ = ص = ۵۲ = ص = ۹ = ط = ۱۷ = ط = ۶

ع = ۱۱۷ = ع = ۱۵ = ف = ۶۴ = ق = ۳۲ = ک = ۲۲ = ل = ۳۳ = م = ۶۰ = ن = ۲۱۲ = و = ۹۷

ه = ۴۱ = ی = ۳۹ کل ۲۰۲۴ تن شاعر

این تذکره مشتملست بر ذکر ۲۰۲۴ تن شاعر بترتیب الفبا از روی

حرف اول تخلص یا اسم شاعر از شعرای متقدم و متوسط و متأخر که اکثرشان شعرای متأخر میباشند

این تذکره با «آثار مشهور بملا آثار» شروع شده با «یوسف - مولوی محمد یوسف علی گی پاموی» تمام میشود

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرارا حیلی مختصر آورده است و اکثر شعر را رادر دوسه جمله معرفی و آرها دوسه بیت یا یک رباعی نقل کرده است .

شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده اسب : احسن مولوی محمد احسن و رفعت محمد تپاس و شبیر حافظ محمد حان و کلیم نور الحسن خان و نوش مشی کنج منوهر لال (هر کدام در یکص) و حسرتی نواب محمد مصطفی حان و سلیم علی حسن خان (مؤلف) و مسیح رکن الدین کاشی و یوسف مولوی محمد یوسف (هر کدام در ۱/۴ ص) و شاهجهان بیگم و ممتاز الدوله سید عبدالحی حان (هر کدام در ۲ ص) و نواب صدیق حسن خان (در ۴ ص)

رویهمرفته شرح حال نواب صدیق حسن حان را از سایرین مفصل تر آورده اسب .
بدارالقرار شتاف

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل آورده است برق (در ۲ ص) و قصاب و سعیدا (۲-۱ ص) و نواب صدیق حسن حان (در ۳ ص) و منیر محمد صیا (در ۴ ص) و نوش نشی که منوهر لال (در ۴ ص) و شبیر حافظ حان محمد خان (در ۷ ص) و حسرتی (در ۱۰ ص) رویهمرفته اشعار حسرتی را ارحمه مفصل تر آورده است

دردیل نام نواب صدیق حسن خان پبح بیت رباعی عربی او آورده است
دردیل نام فارغ فداعلی نمونه نثر او را هم آورده اسب

سك اشای مؤلف بسیار مصوع اسب و غالب مطالب را بشرح مسجع آورده اسب
سالهارا بالعاط عربی ذکر کرده است

عالمی حمله ای مصوع در معنی «فوت شد» آورده است چنانکه .

دردیل نام اصاف میویسد در سه خمسی و تسعین و مایه و الف این خا کدان

را گذاشت

درذیل نام وحشت مینویسد: درسنه بضع واربعمین ومایة وalf از این وحشتکده
بمدارالقرار شتافت.

رویهمرفته این تذکره ارحیث ای که ذکر بسیاری از شعرای معاصر را که ذکرشان
در تذکره های دیگر نیامده شاملست دارای اهمیت میباشد اما چون مؤلف اکثر
مطالب را منثر مسجع آورده است بنا بر این درذیل اکثر شعر اشرح حالشان را مفصل
نیآورده چون نوشتن آن زحمتی در برداشت و تنها شرح حال نواب صدیق و شاهجهان
بیگم و نور الحسن کلیم و مولوی محمد یوسف که بترتیب پدر و بامادری و برادر و استاد
مؤلف بوده و همچنین شرح حال چند نفر دیگر که از آشنایان بردیک مؤلف بودند
مفصل آورده اس چون رحمت نوشتن شر مصوع بلکه مسجع در مورد این اشخاص
میارزید.

تذکر

اما در مورد اینکه «صح گلشن» از تألیفات سید محمد حسن حان نیست
تردید و شکی وجود ندارد چون نمیتوان باور کرد که یک پسر ۱۲ ساله از عهده
تألیف این تذکره باین نثر مشیانه و مصوع بر آید زیرا که نوشتن چنین نثر
مصنوع که غالباً مسجع اس کار «بجگانه» نیست. بنا بر این میتوان گفت که طبق
رسم امراء و شاهان یک کسی دیگر از ملارمان دربار نواب صدیق حسن حان این
کتاب را تألیف و برای خوشودی و تملق از نواب مر نور و خانواده او این تذکره
را بنام این نواب داده است

اما در باره مؤلف اصلی این کتاب میتوان گفت که با احتمال قوی مؤلف آن
همان مولوی سید محمد یوسف علی گوپاموی «کاربردار آستانه علیه ولیعهد یاست
بهوپال» بوده که مؤلف راجع ناو در مقدمه مینویسد

«چون هور مرا از عمر گرامی مرحله دوا در هم فرا پس است نه دستی
به تیمار دیگران دارم و نه فکر چاره خویش خضر این وادی و ساقی این ددی مولوی
محمد یوسف علی صاحب را ارح برانگیخته و بدست یاری (و) امداد حب
موصوف (مر نور) رنگ تالاس و تحقیق ریخته تذکره می جدید که بر دمولوی

۱- شمع ایجنس

۲- نگارستان سخن

۳- صبح گلشن^۱۴- آفتاب عالمات^۲

مؤلف در شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را نیز آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است.

۵- شتر عشق

۶- ید ییضا

این کتاب مشتملست بر ذکر ۲۴۱۰^۳ شاعره متقدم و متأخر بترتیب الفبا و روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «آبی ترشیری» شروع شده با «یوس میریونس» ابروی تمام میشود.

این کتاب فهرست اساسی شعرا را ندارد اما در آخر کتاب فهرستی از ابواب کتاب آمده است که در آن تعداد شعرائیکه تحت هر باب ذکر شده مذکور است
اشعار و شرح حال اکثر شعرا را حیلی مختصر آورده است و در اکثر موارد معرفی شاعر را در یک جمله کرده و از او یک دوبیت آورده است.
اما در ردیل ۲۵۰ شاعر اشعار و شرح حال آنها را سببه مفصل آورده است مانند ابوسعید ابوالخیر و احتر و ارشد و غیره.

در ردیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگر چه مختصر است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم را جمع بردگانی شان را بهم رسانیده است مانند احیا و اجل شاه و غیره.

۱- هرگاه مؤلف شرح حال شاعری را از یکی یا بیشتر ارسه کتاب فوق نقل کرده روی اسم یا تخلص آن شاعر نشان مخصوص «ش و و س» بترتیب برای شمع ایجنس و نگارستان سخن و صبح گلشن گذاشته است

۲- مؤلف در دیباچه اضافه نموده است که در تألیف کتاب خود از این کتاب مخصوصا حیلی استفاده کرده است.

۳- تعداد شعرای مذکور در این تذکره ۲۴۱۱ می باشد اما چون ذکر یک شاعر (امیر نظام الدین امیر آبادی) مکرر آمده است بنا بر این تعداد شعرا ۲۴۱۰ می باشد، ۲۴۱۱ چنانکه خود مؤلف در آخر کتاب تحت عنوان «توییر» راجع باین موضوع اشاره کرده است.

درذیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم راجع به زندگی‌شان را بهم نرسانیده است مانند آزاد گوپاموی و غیره.

درذیل ۳۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اشعارشان را خیلی مختصر آورده است مانند ابراهیم ادهم و امین و غیره.

درذیل ۸۰ شاعر اشعارشان را نسبتاً مفصل آورده است مانند ارشدی و افضل و اوحدی کرمانی و غیره.

مؤلف گاهی بر بعضی اقوال و روایات منابع خود ایراد گرفته و نتیجه تحقیق خود را در باره آن موضوع نوشته است مثلاً درذیل «موحد بدایوسی» مینویسد: «آفتاب عالم‌تاب و صبح گلشن آبرا بلگرامی و مجهول الاسم و النسب نگاشته ولی نامش وهاب الدین ابن ملا قطب الدین بدایونی است»

همچنین درذیل نام «وحشی حوشعانی» مینویسد «در شمع انجمن و بعضی تذکره ها او را کاشی نگذاشته اند اگرچه (در) خدمت ملا محتش کاشی تلمذ داشت».

یا درذیل نام سید محمد هادی مینویسد: «در شمع انجمن آورده که ارشع رای کاشاست و در آفتاب عالم‌تاب و صبح گلشن آبرا یزد حردی نگاشته (اند) اصل این است که ولادتش در یرد حرد و شوو بمای او در کاشان بوده»

اما در هیچ مورد مآخذ اطلاعات خود را که از آن در باره موضوعات فوق تحقیق نموده است ذکر نکرده و ما را بر این نمیتوان بر قول مؤلف اعتماد کرد و بدون شک و تردید آبرا قبول کرد

در آخر این کتاب طبق رسم شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن بعضی قطعاتی که سال تألیف و طبع کتاب را میرساند و تقریباً «ارشع رای و ادبای بهو نال صمیمه شده است

بر خلاف ادعای مؤلف مبنی بر سلاست و بی تکلفی عبارات، سکا شدی و عالماً مصنوع است و گاهی شر مسجع هم نوشته است و مخصوصاً در شرح حال خود تحت نام «صا» که در ۱۶ ص آورده است شرا و بقدری مصنوع و پر تکلف و پر از حشو و رواید

जिसका नाम है

[illegible]

۱۔ کچھ کھانا کھا کر

[illegible][illegible]

၁၈၂၁ ခုနှစ် ဇူလိုင်လ ၁၀ ရက်နေ့

၅၁

[illegible]

۱۱۱۵ در مورد مصروفیت خود بنویسید تا بدانید که آیا این کتابچه

۱۳۵۰ | ۱۴۰۵ | ۱۴۵۰ | ۱۵۰۰ | ۱۵۵۰ | ۱۶۰۰ | ۱۶۵۰ | ۱۷۰۰ | ۱۷۵۰ | ۱۸۰۰ | ۱۸۵۰ | ۱۹۰۰ | ۱۹۵۰ | ۲۰۰۰ | ۲۰۵۰ | ۲۱۰۰ | ۲۱۵۰ | ۲۲۰۰ | ۲۲۵۰ | ۲۳۰۰ | ۲۳۵۰ | ۲۴۰۰ | ۲۴۵۰ | ۲۵۰۰ | ۲۵۵۰ | ۲۶۰۰ | ۲۶۵۰ | ۲۷۰۰ | ۲۷۵۰ | ۲۸۰۰ | ۲۸۵۰ | ۲۹۰۰ | ۲۹۵۰ | ۳۰۰۰ | ۳۰۵۰ | ۳۱۰۰ | ۳۱۵۰ | ۳۲۰۰ | ۳۲۵۰ | ۳۳۰۰ | ۳۳۵۰ | ۳۴۰۰ | ۳۴۵۰ | ۳۵۰۰ | ۳۵۵۰ | ۳۶۰۰ | ۳۶۵۰ | ۳۷۰۰ | ۳۷۵۰ | ۳۸۰۰ | ۳۸۵۰ | ۳۹۰۰ | ۳۹۵۰ | ۴۰۰۰ | ۴۰۵۰ | ۴۱۰۰ | ۴۱۵۰ | ۴۲۰۰ | ۴۲۵۰ | ۴۳۰۰ | ۴۳۵۰ | ۴۴۰۰ | ۴۴۵۰ | ۴۵۰۰ | ۴۵۵۰ | ۴۶۰۰ | ۴۶۵۰ | ۴۷۰۰ | ۴۷۵۰ | ۴۸۰۰ | ۴۸۵۰ | ۴۹۰۰ | ۴۹۵۰ | ۵۰۰۰ | ۵۰۵۰ | ۵۱۰۰ | ۵۱۵۰ | ۵۲۰۰ | ۵۲۵۰ | ۵۳۰۰ | ۵۳۵۰ | ۵۴۰۰ | ۵۴۵۰ | ۵۵۰۰ | ۵۵۵۰ | ۵۶۰۰ | ۵۶۵۰ | ۵۷۰۰ | ۵۷۵۰ | ۵۸۰۰ | ۵۸۵۰ | ۵۹۰۰ | ۵۹۵۰ | ۶۰۰۰ | ۶۰۵۰ | ۶۱۰۰ | ۶۱۵۰ | ۶۲۰۰ | ۶۲۵۰ | ۶۳۰۰ | ۶۳۵۰ | ۶۴۰۰ | ۶۴۵۰ | ۶۵۰۰ | ۶۵۵۰ | ۶۶۰۰ | ۶۶۵۰ | ۶۷۰۰ | ۶۷۵۰ | ۶۸۰۰ | ۶۸۵۰ | ۶۹۰۰ | ۶۹۵۰ | ۷۰۰۰ | ۷۰۵۰ | ۷۱۰۰ | ۷۱۵۰ | ۷۲۰۰ | ۷۲۵۰ | ۷۳۰۰ | ۷۳۵۰ | ۷۴۰۰ | ۷۴۵۰ | ۷۵۰۰ | ۷۵۵۰ | ۷۶۰۰ | ۷۶۵۰ | ۷۷۰۰ | ۷۷۵۰ | ۷۸۰۰ | ۷۸۵۰ | ۷۹۰۰ | ۷۹۵۰ | ۸۰۰۰ | ۸۰۵۰ | ۸۱۰۰ | ۸۱۵۰ | ۸۲۰۰ | ۸۲۵۰ | ۸۳۰۰ | ۸۳۵۰ | ۸۴۰۰ | ۸۴۵۰ | ۸۵۰۰ | ۸۵۵۰ | ۸۶۰۰ | ۸۶۵۰ | ۸۷۰۰ | ۸۷۵۰ | ۸۸۰۰ | ۸۸۵۰ | ۸۹۰۰ | ۸۹۵۰ | ۹۰۰۰ | ۹۰۵۰ | ۹۱۰۰ | ۹۱۵۰ | ۹۲۰۰ | ۹۲۵۰ | ۹۳۰۰ | ۹۳۵۰ | ۹۴۰۰ | ۹۴۵۰ | ۹۵۰۰ | ۹۵۵۰ | ۹۶۰۰ | ۹۶۵۰ | ۹۷۰۰ | ۹۷۵۰ | ۹۸۰۰ | ۹۸۵۰ | ۹۹۰۰ | ۹۹۵۰ | ۱۰۰۰۰ | ۱۰۰۵۰ | ۱۰۱۰۰ | ۱۰۱۵۰ | ۱۰۲۰۰ | ۱۰۲۵۰ | ۱۰۳۰۰ | ۱۰۳۵۰ | ۱۰۴۰۰ | ۱۰۴۵۰ | ۱۰۵۰۰ | ۱۰۵۵۰ | ۱۰۶۰۰ | ۱۰۶۵۰ | ۱۰۷۰۰ | ۱۰۷۵۰ | ۱۰۸۰۰ | ۱۰۸۵۰ | ۱۰۹۰۰ | ۱۰۹۵۰ | ۱۱۰۰۰ | ۱۱۰۵۰ | ۱۱۱۰۰ | ۱۱۱۵۰ | ۱۱۲۰۰ | ۱۱۲۵۰ | ۱۱۳۰۰ | ۱۱۳۵۰ | ۱۱۴۰۰ | ۱۱۴۵۰ | ۱۱۵۰۰ | ۱۱۵۵۰ | ۱۱۶۰۰ | ۱۱۶۵۰ | ۱۱۷۰۰ | ۱۱۷۵۰ | ۱۱۸۰۰ | ۱۱۸۵۰ | ۱۱۹۰۰ | ۱۱۹۵۰ | ۱۲۰۰۰ | ۱۲۰۵۰ | ۱۲۱۰۰ | ۱۲۱۵۰ | ۱۲۲۰۰ | ۱۲۲۵۰ | ۱۲۳۰۰ | ۱۲۳۵۰ | ۱۲۴۰۰ | ۱۲۴۵۰ | ۱۲۵۰۰ | ۱۲۵۵۰ | ۱۲۶۰۰ | ۱۲۶۵۰ | ۱۲۷۰۰ | ۱۲۷۵۰ | ۱۲۸۰۰ | ۱۲۸۵۰ | ۱۲۹۰۰ | ۱۲۹۵۰ | ۱۳۰۰۰ | ۱۳۰۵۰ | ۱۳۱۰۰ | ۱۳۱۵۰ | ۱۳۲۰۰ | ۱۳۲۵۰ | ۱۳۳۰۰ | ۱۳۳۵۰ | ۱۳۴۰۰ | ۱۳۴۵۰ | ۱۳۵۰۰ | ۱۳۵۵۰ | ۱۳۶۰۰ | ۱۳۶۵۰ | ۱۳۷۰۰ | ۱۳۷۵۰ | ۱۳۸۰۰ | ۱۳۸۵۰ | ۱۳۹۰۰ | ۱۳۹۵۰ | ۱۴۰۰۰ | ۱۴۰۵۰ | ۱۴۱۰۰ | ۱۴۱۵۰ | ۱۴۲۰۰ | ۱۴۲۵۰ | ۱۴۳۰۰ | ۱۴۳۵۰ | ۱۴۴۰۰ | ۱۴۴۵۰ | ۱۴۵۰۰ | ۱۴۵۵۰ | ۱۴۶۰۰ | ۱۴۶۵۰ | ۱۴۷۰۰ | ۱۴۷۵۰ | ۱۴۸۰۰ | ۱۴۸۵۰ | ۱۴۹۰۰ | ۱۴۹۵۰ | ۱۵۰۰۰ | ۱۵۰۵۰ | ۱۵۱۰۰ | ۱۵۱۵۰ | ۱۵۲۰۰ | ۱۵۲۵۰ | ۱۵۳۰۰ | ۱۵۳۵۰ | ۱۵۴۰۰ | ۱۵۴۵۰ | ۱۵۵۰۰ | ۱۵۵۵۰ | ۱۵۶۰۰ | ۱۵۶۵۰ | ۱۵۷۰۰ | ۱۵۷۵۰ | ۱۵۸۰۰ | ۱۵۸۵۰ | ۱۵۹۰۰ | ۱۵۹۵۰ | ۱۶۰۰۰ | ۱۶۰۵۰ | ۱۶۱۰۰ | ۱۶۱۵۰ | ۱۶۲۰۰ | ۱۶۲۵۰ | ۱۶۳۰۰ | ۱۶۳۵۰ | ۱۶۴۰۰ | ۱۶۴۵۰ | ۱۶۵۰۰ | ۱۶۵۵۰ | ۱۶۶۰۰ | ۱۶۶۵۰ | ۱۶۷۰۰ | ۱۶۷۵۰ | ۱۶۸۰۰ | ۱۶۸۵۰ | ۱۶۹۰۰ | ۱۶۹۵۰ | ۱۷۰۰۰ | ۱۷۰۵۰ | ۱۷۱۰۰ | ۱۷۱۵۰ | ۱۷۲۰۰ | ۱۷۲۵۰ | ۱۷۳۰۰ | ۱۷۳۵۰ | ۱۷۴۰۰ | ۱۷۴۵۰ | ۱۷۵۰۰ | ۱۷۵۵۰ | ۱۷۶۰۰ | ۱۷۶۵۰ | ۱۷۷۰۰ | ۱۷۷۵۰ | ۱۷۸۰۰ | ۱۷۸۵۰ | ۱۷۹۰۰ | ۱۷۹۵۰ | ۱۸۰۰۰ | ۱۸۰۵۰ | ۱۸۱۰۰ | ۱۸۱۵۰ | ۱۸۲۰۰ | ۱۸۲۵۰ | ۱۸۳۰۰ | ۱۸۳۵۰ | ۱۸۴۰۰ | ۱۸۴۵۰ | ۱۸۵۰۰ | ۱۸۵۵۰ | ۱۸۶۰۰ | ۱۸۶۵۰ | ۱۸۷۰۰ | ۱۸۷۵۰ | ۱۸۸۰۰ | ۱۸۸۵۰ | ۱۸۹۰۰ | ۱۸۹۵۰ | ۱۹۰۰۰ | ۱۹۰۵۰ | ۱۹۱۰۰ | ۱۹۱۵۰ | ۱۹۲۰۰ | ۱۹۲۵۰ | ۱۹۳۰۰ | ۱۹۳۵۰ | ۱۹۴۰۰ | ۱۹۴۵۰ | ۱۹۵۰۰ | ۱۹۵۵۰ | ۱۹۶۰۰ | ۱۹۶۵۰ | ۱۹۷۰۰ | ۱۹۷۵۰ | ۱۹۸۰۰ |

۱۵. مختصر را شعری کمالی حال حاضر (مؤلف میرزا گلشن گلشن) و صبح و سخنستان نگارستان و انجمن

در اکثر موارد مستحق است زیرا که برخلاف رسم کتاب سابق الی (شماره)

«الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله»

است. و

«اگرچه من پسر مسیح

مسئله بنویسید و جواب دهید

است که مطالب آنرا میخوانید و در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید در هر وقت که بخواهید

اختر تابان

ابتدا

«سخنی که آب و تابش روکش لعل بدحشان و یاقوت درحشان باشد ستایش داور یکتا هستور هستی نما و کلامیکه بهتر و خوشتر از گوهر شاهوار و زمرد آبدار بود نعت خاتم المرسلین است که مدام بر روان پاکش سلام و درود خداست»

شرح حال مؤلف

مؤلف ابوالقاسم محتشم است. وی در سوم ماه محرم ۱۲۷۶ هـ در بهوپال بدینا آمد - نسبش به جابر بن عبدالله انصاری میرسد و اجداد وی که «صاحب السیف و القلم» بودند ارمدینه منوره به بغداد مهاجرت کرده چندین قرن در آنجا سکونت داشتند و سپس به همدان رفته و در آنجا «بعرت و حشمت» بسر میبردند. یکی از اجداد مؤلف در زمان نواب آصف الدوله (۱۱۸۹-۱۲۱۲ هـ) به دوستان آمده به لکنورفت و آنجا سکونت گزید و به خدمت نواب مرپور درآمد سپس به رستمان رفته و دختر سید حیدر بغدادی را «در حلاله نکاح کشید» - پسر وی مولانا احمدیمینی شروانی (متوفی ۱۲۵۶ هـ در بلده پونا) که تألیفات بسیار دارد به ندرت و در خدمت انگلیسها و غاری الدین حیدر پادشاه اود بعرت و احترام زندگی کرد حلف الرشید وی مولانا عباس شروانی متخلص به رفعت که صاحب تألیفات بسیار بوده پدر مؤلف بود و در خدمت والیه بهوپال و در مجلس نواب امیر الممالک بود (بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نیامد)

تصیره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۲۹۸ هـ تألیف نموده است حالیکه در حاتمه

مینویسد:

«بتاریخ سوم شعبان سنه ۱۲۶۸ هـ برابرش روز^۱ تیرماه ۱۲۸۸ قمری^۲ مطابق یکم جولائی (اول ژوئیه) ۱۸۸۱ (میلادی) ارتالیف فراغ حاصل گردید
مؤلف در مقدمه کتاب بنثر مصنوع راجع به مادر و کمیاب بودن سخن شاعره‌ها شکوه کرده و میگوید: «زن بخلاف مرد در صد هزار یکی سخندان میباشد و آن هم بسبب پرده نشینی (حجاب) در زاویه گمنامی (میباشند)»^۳
پردمداری زنان در زمره اهل ایمان حائلی رسید که لقب ربان مستورات گردید... پس چنانکه آنها مدت‌العمر در تنق نشستند و در پرده (حجاب) پیوند رمین گشتند همچنان اکثر کلام ایشان نیردر پرده عدم بهان وار حوادث زمان رایگان شد.
در مجمع اتجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن و رور روشن که حاوی ذکر خیر پنج شش هزار شاعر نامدار اندواین اسفار اربعه از (چهل کتاب که اسم آنها را مؤلف ایضا نوشته است) و دیگر چند کتاب. که تفصیل اسمای آن بسیار است و تراحم اکثر سخن سنجان معاصر آرایش و پیرایش یافته‌اند چون تفحص بکار رفت صرف نام و

۱- درش نام رورهی حدم اهرماه شمسی ایرانیان قدیم بوده که ایشان ایام هفته نداشتند و هر روز را به اسمی میخواندند. فردوسی: چو حور سپهر آورد رورش.

تور از ندگی یاد پدرام و خوش ایضا عنصری

درآمد در آن حایه چون بهشت بر وزرش ارماه اردیبهشت (فرهنگ نظام)

(تذکر: در بیت فوق فردوسی در فرهنگ نظام بحای «هور» و «حور» آمده است که محققا اشتباه است و ظاهرا اشتباه کاتب است چون خود مولف فرهنگ نظام این کلمه را در حرف‌ها آورده است و آنجا معنی آن آفتاب نوشته و بعنوان سند بیت دلیل بر فردوسی نقل کرده است:

از ویست شادی و رویست رور خداوند کیوان و باهید و هور

۲- فصلی نوعی از تقویم هائیکست که در هندوستان معمول بوده است

نشان قریب چهل شاعره زن و شرح حال آنها نهایت مختصر بملاحظه . در آمد
بحدیکه از کلام بعضی صرف (تنها) یک بیت بنظر گذشت و همان يك شعر (بیت)
در چند تذکره یافته شد .

«و ملا فخری هروی که . حواهر العجایب تذکره شاعرات پارسی زبان نوشته
بهرار تلاش ست و سه (بیست و سه) شاعر (ه) یافته و جناب والدماحدم . مولانا محمد
عباس رفعت دام ظلّه که صدها کتاب کمیاب (را) مطالعه فرموده اند . بتلاش بسیار
بقدر هشت ورق برخی از کلام و تراجم قریب پنجاه زن (را) جمع کرده اند .
هیچمدان (مؤلف) .. مدتی نگرد آوردن این حواهر و حواهر کمر همت بسته ... حال
وقال هشتاد و دو وزن فراچنگ (بدست) آورده است »

مؤلف این کتاب را با ترغیب برادر خود ابوالحسن و بر مایش نواب شاهجهان
بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است

مؤلف در مقدمه کتاب های زیر را حرومناح خود در تألیف این کتاب
آورده است :

- ۱- شمع احسن ۲- نگارستان ۳- صح گلشن
- ۴- رور روشن ۵- سرو آزاد ۶- خزانه عامره
- ۷- ید بیضا ۸- آفتاب عالمتاب ۹- شتر عشق
- ۱۰- آتک شده آذر ۱۱- تذکره شیخ علی حریز
- ۱۲- تذکره حسینی ۱۳- تذکره (حور) پی زری
- ۱۴- لب لباب (لباب الالباب) عوفی ۱۵- تذکره سامی
- ۱۶- خلاصه الاشعار (تقی کاشی) ۱۷- هفت اقلیم
- ۱۸- منتخب التواریخ ۱۹- مجمع العسلای بمائی
- ۲۰- تذکره میرزا طاهر (بصرآبادی) ۱۲- مرآت الحیال
- ۲۲- همیشه بهار ۲۳- حیات التعمیرای متین
- ۲۴- سفینه بیحس ۲۵- ریص الشعر

۲۶- کلمات الشعر ۲۷- مجمع النقایس

۲۸- تذکره تقی اوحدی (عرفات) ۲۹- تذکره بینظر

۳۰- تنایج الافکار (قدرت) ۳۱- تذکره ناظم (تبریزی)

۳۲- تذکره ملا قاطعی ۳۳- گل رعنا

۳۴- شام غریبان ۳۵- جواهر زواهر

۳۶- قند پارسی نساخ ۳۷- گلستان مسرت

۳۸- شترغم ۳۹- نقایس المآثر

۴۰- تذکره باغ ارم ۴۱- خریطه جواهر

۴۲- گلزار ابرار ۴۳- جواهر العجایب

همچنین در خاتمه کتاب شرح حال را به بلخیه و مستوره کرد ستانیه را مؤلف (بقول خودش) از تذکره مجمع الفصحای میرزا رضا قلی هدایت (چاپ تهران) نقل کرده است.

ار جمله کتب فوق تذکره های (جوهر) پی رری و حیات الشعرا ی متین و جواهر زواهر و باغ ارم امروز پیدا نیست و از این حیث ارزش این کتاب امروز بیشتر میشود.

مؤلف از چهار کتاب اول الذکر خیلی استفاده کرده و همچنین خریطه جواهر و گلزار ابرار جزو مأخذ مخصوص این چهار کتاب میباشد. مؤلف ار جواهر العجایب هم خیلی استفاده کرده و بسیاری از مطالب را از این کتاب نقل کرده است. این تذکره مشتمل است بر ذکر هشتاد و چهار^۱ تن از زبان شاعر بترتیب الفبازروی حرف اول اسمها تخلص آنها و با «آرزوی سمر قندی» شروع شده با

۱- مؤلف اول ذکر هشتاد و دو تن را آورده است و سپس در خاتمه ذکر دوتن از زبان

شاعر (را به بلخیه و مستوره کرد ستانیه) را اضافه نموده است. استوری عده آنها را تنها هشتاد و دو نوشته است (ر.ک. استوری ص ۱۶ ص ۹۱۶)

«یاسمن بو» تمام میشود اما در خاتمه ذکر را به بلخیه و مستوره کرد ستانیه را نیز اضافه کرده است

مؤلف در جمع آوری شرح حال و آثار زبان شاعر خیلی کوشش و تلاش کرده است و میتوان گفت که در میان تذکره‌هائی که تا آنوقت درباره زنان شاعر نوشته شده بود این تذکره جامع تر از سایر تذکره‌ها است.

در ذیل نام اکثر شاعره‌ها مؤلف اشعار و شرح حال آنها را که از تذکره‌های مختلف پیدا کرده است یکجا جمع نموده و از این حیث سعی وی قابل تحسین و آفرین است. اما گاهی مؤلف شرح حال بعضی از شاعره‌ها را ظاهراً تعدداً مفصل بیاورده است مانند نور جهان بیگم که شرح حال آنها در کتب تاریخ مفصل آمده است و مؤلف میتواند شرح حال آنها را مفصل تر بنویسد اما وی در این قسمت سهل انگاری نموده است.

سك انشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما گاهی مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شاعره‌ها نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع بکار برده است مانند:

«بلبعه شیرازی - خوش فکر بود (و) سخن موزون می فرمود» یا «حجایی جرباد قانیه - شعر بآب و تال می‌گفت تو گوئی گهر می‌سفت»
سالها را بزبان عربی آورده است

چاپ

مطبع شاهجهانی دارالاقال بلده بهوپال ۱۲۹۹ هـ
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به اختر تابان چاپ بهوپال .

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اختر تابان چاپ بهوپال.

نموده است چاپ بمبئی ۱۳۰۶ هـ .

- ۴- تاریخ قدیم یونان و تاریخ حکمای فلاسفه یونان- مؤلف این کتاب را با استفاده از آثار انگلیسی که در این موضوع نوشته شده تألیف نموده است . چاپ بمبئی ۱۳۰۶ هـ .
- ۵- مرآت الزمان- تاریخ مختصر چین و جاپان (ژاپن) در ۱۱۱ صفحه . چاپ بمبئی ۱۸۹۳ میلادی .

- ۶- الف بهار- در حکایات و غیره . چاپ بمبئی ۱۳۱۳ هـ .
- ۷- آیات الولاية . دفاع از حق علی و ائمه بخلافت . چاپ بمبئی ۱۸۹۸ م
- ۸- مفتاح الرق . درباره روابط کارمند و کارفرما . چاپ بمبئی ۱۳۱۵ هـ .
- ۹- کشف الصناعات یا منتخبات محمدی در بیان صنایع مختلف . ۱۳۱۱ هـ
- ۱۰- تحفة الخواتین . در بهداشت زنان . چاپ بمبئی ۱۳۲۵ هـ .
- ۱۱- تذکرة الخواتین- تذکره مورد بحث

تبصره بر تذکره

مؤلف این تذکره را در ربیع الاول ۱۳۰۶ هـ در بهوپال نام نواب شاهجهان بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد :

« باید غافل نبود که در این جهان زمان بوده اند که در زیر مقنعه کله داریها نموده اند در فهم حقایق احتمادی کرده در حل غوامض تحقیقی انبیا آورده لشکر شکسته اند کشور گرفته اند صد کار کرده اند صد راه رفته اند و ارباب سیرازانها بدرستی دگری نکرده اند مصمم شدم که در حالات نساء مشهور استقصا کنم و باستمداد رجال اهل حق طرحی برای نابیرم از حسن اتعاق؛ کتاب « مشاهیر النساء » از مؤلفات ادیب اریب « محمد دهنی آفندی » بدست آمد . ترجمه آنرا اساس قرار داده معلومات خود را با بعضی تصرفات که سطر فاقد درست میآمد بدان افزودم و بنگارش احوال حیرات حسان ابتدا نمودم » .

مؤلف از منابع خود تنها اسم کتاب « مشاهیر النساء » تألیف « محمد دهنی آفندی »

ذکر نموده است اما باید اذعان کرد که مؤلف کتاب « خیرات حسان » تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه (صنیع الموله) چاپ تهران را با حذف نام مؤلف و تفسیر نام کتاب تألیف آنرا بخود سبب داده است همچنین معلوم نیست چرا اسم « اختر تابان » را که هفت سال پیش در همان شهر (بهوپال) که مؤلف بتألیف این کتاب پرداخته است چاپ شده بود ذکر نکرده و جالب اینجاست که « اختر تابان » هشتاد و چهار شاعر را ذکر نمود اما این کتاب که هفت سال بعد از آن نوشته شده است تنها پنجاه و دو شاعر را ذکر نموده است.

این کتاب مشتملست بر ذکر « مشاهیر نسوان عالم از عرب و روم و هند و عجم از صدر اسلام تا سال تألیف کتاب » و « اوصاف حمیده و صفات پسندیده آنها » و اشعاریکه بر عربی و فارسی و ترکی گفته اند و حکایات و عجائبی که از آنها روایت شده است مؤلف این کتاب را با ذکر حضرت آمنه و بیت و هب و والده حضرت رسول آغاز کرده و سپس ذکر پنجاه و دو شاعر را بترتیب العبا آورده است که اول آنها « آغا کوچک » و آخرشان « یاسمن بو » است

در ذیل « علی حضرت (علیا حضرت) و کتوریه پادشاه (۱۱) (ملکه) انگلستان و امپراطور هندوستان » که در هشت صفحه این کتاب آمده است مؤلف اطلاعات مفصلی را جمع بردگانی ملکه و کتوریا و وقایع مهم تاریخی عهد او تا سال تألیف کتاب ذکر نموده است از محتویات کتاب معلوم میشود که مؤلف شیعه متعصبی بوده چنانکه در ذیل نام حضرت حصه اسم خلفای ثلاثه و حضرت حصه را با احترام ذکر نکرده (رجوع شود به ص ۹۰) و همچنین در ذیل نام حضرت صفیه اسم حضرت عایشه و زینب بنت جحش و حصه و حویریه را با احترام بیاورده (رجوع شود به ص ۹ - ۱۴۸) اما اسم حضرت علی و اهل بیت و ائمه را با احترام ذکر کرده است

مؤلف سال وفات و وقایع مهم دیگر مربوط برندگان و خواتین را غالباً ذکر نموده مخصوصاً در ذیل نام خواتین عرب و خواتین از خانواده حضرت علی غالباً سال وقایع مهم را ثبت نموده است.

بنات النعش و قصیده کهکشان و قطعات سحب و ترکیب بند منطقه البروج و مطلع شرق^۱
و مقطع غرب^۲ زاد طبع اوست » .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد ابراهیم متخلص به مسکین و خلیل و اسم پدرش مخدوم
عبدالکریم متخلص مکریم (متوفی در ۱۷ صفر ۱۲۷۲ هـ). مولد و مسکن مؤلف تنه (سند)
۱ ت . وی اصلا هراتی و نسبا صدیقی و طریقه نقشندهی و مذهبا حنفی بود . وی سب
مفصل خود را در دیل شرح حال خود در این تذکره نوشته است .

خلیل در ماه حمادی الاولی ۱۲۴۳ هـ متولد شد و این بیت اوسال ولادت اورا میرساند
سال میلاد منیغش سرالهام گفت دل (؟) « گوهر در حشرف علم لدن »

(= ۱۲۴۳ هـ)

خلیل چهل سال بعد از وفات میرعلی شیر قانع (متوفی در ۱۲۰۳) مؤلف مقالات
الشعرا (تالیف ۱۱۷۴ هـ) متولد شد . این همان سالست که پروریده و مربی بررگ ادب
فارسی و شاعر این زبان میر کریم علی حان که سومین نمرار سلسله حکام تالپورسند بود
سال آخر زندگانی خود رسیده بود و دوازده ماه بعد در حمادی الثانی سنه ۱۲۴۴ هـ
چشم ار حان بر بست و بعد از وی برادرش میر مرادعلی حان متخلص به علی آخرین
فرمانروای این سلسله که مانند برادر خود شاعر فارسی گوی و ادب پرور بود بر مسند
سلطنت نشست ولی شش سال بعد در ۱۲۴۹ هـ (= ۱۸۳۲ م) از این جهان رخت بردست .
این زمانی بود که انگلیسها بوسیله دیاس و توطئه چینی هاسعی میکردند که
سید را تحت تسلط خود در آورند . بالاخره در زمان حکومت سلسله دوم حاندان
تالپور انگلیسها تمام قراردادهای خود را که با حکام سابق سند بسته بودند ریرپا گذاشته
و با کمک و همکاری میرعلی مراد حان تالپور و الی حیرپور (سند) نقشه توسعه طلبی به خود را

۱- اردوی سحبه چاپی « مشرق

۲- اردوی سحبه چاپی « مغرب »

جامه عمل پوشانند و بر ناحیه سینه تسلط پیدا کرده قسمت خیرپور را به میر مرادعلیخان مروری بعنوان پاداش و حایزه برای همکاری با انگلیسها واگذار کرده بقیه ناحیه را بسلطنت خود منضم ساختند.^۱ در فوریه ۱۸۴۳م (۱۲۵۹هـ) انگلیسها کلیه اعضای خانواده تالپور را که احکام سد بودند غیرار میر مرادعلیخان مروری دستگیر کرده عنوان زندانیان سلطنتی به بمبئی فرستادند^۲ و بدین ترتیب دوره آزادی و استقلال سند سپری گشت

سقوط خاندان تالپور در سند برای زبان فارسی نمثابه پیغام مرگ در این ناحیه بود چون انگلیسها انگلیسی را بجای فارسی زبان رسمی اعلام کرده و بساط شعر و ادب فارسی را بکلی برچیدند و نااهالی سندها مانند سایر نواحی هندوستان خاطر نشان ساختند که یاد گرفتن انگلیسی متضمن فواید کثیر میباشد در حالیکه برعکس آن یاد گرفتن ارسى برای آنها هیچ سودی در بر ندارد چنانکه بیت زیر زبان سندهی فکر آن دوره در این مورد میرساند .

فارسی پرهسین تیل و کتیسن انگریزی پرهیس گهوری چر هیسن
(یعنی اگر فارسی بخوانید نعت میفرشید و اگر انگلیسی بخوانید براس
عزت سوار میشوید)^۳ .

موقیکه سندهست انگلیسها افتاد خلیل هوزعه ده ساله نیش نموده و بنا بر این
اگر وی هعه ده سال بعد بدیا آمده بود هیچوقت تحصیل فارسی و عربی توفیق نمی یافت
چون بعد از انگلیسها دیگر احتیاج به فرا گرفتن این زبانها نبود و لذا شاید
هیچوقت تألیف این تذکره طور تکلمه مقالات الشعراى مادرت نمیزید
در محیطی که خلیل چشم بدیا گشوده و پرورش یافته و کسانیکه وی با آنها

۱- ر.ك. تاریخ سندها در حد احاط چاپ سدهی ادبی بود کراچی ۱۳۷۸هـ = ۱۹۵۹

میلادی (ص ۱۵۹)

۱- ر.ك. دل تاریخ سده - مقدمه گردآورنده (انگلیسی)

۲- ر.ك. تکلمه - مقدمه گردآورنده

صحبت داشته و از قیوض معنوی آنها کسب فیض نموده تمام آنها اهل علم و صاحبان سیر و سلوک بودند. در شهر ته آنوقت چهار خاندان وجود داشتند که مرجع اهل علم و در عرفان و باقیان معروف بودند.

اولا خانواده محدوم ابوالقاسم نورالحق نقشبندی که نویسنده این خاندان نقشبندی در سند رواح و شیوع پیدا کرد.

ثانیاً خاندان محدوم علامه محمد هاشم تنوی که اعضای آن به تنها سرچشمه رشت و هدایت محسوب میشدند بلکه منبع برگ علوم معقول و مقول هم بودند ثالثاً خانواده میراحسین اله میر نظر علی که منبع تصوف و طریقت بود. رابعاً خاندان خود حلیل که اعضای آن مورد احترام خاصی در سراسر سند بودند. هر چهار خاندان مربوط به محدودیان قندهار که مورث اعلای آن شاه صفی اله نام داشت ارادت داشتند.

خلیل در چنین محیط عرفانی تربیت شد و به این دلیل چون برگ شد دوق عرفان را نوارث برده و صوفی صافی و پیر طریقت بار آمد. وی هشت ساله بود که از قرائت قرآن فارغ شد و سپس بخواندن فارسی پرداخت و حطاطی هم یاد گرفت. علم صرف را پیش پدر خود یاد گرفت و مجموعه صرف و نحو کافیه و کنز الدقایق فقه و هلم حرا تا توضیح در علم فقه و قسمتی از مطول معانی را خواند همچنین چند ورق را از «سلم» در علم منطق خواند اما چون «حوایبای پریشان» دید آنرا کنار گذاشت. در علم ریاضی شرح چعبی و در علم حدیث بعضی قسمتهای مشکوٰۃ و حضرت سنی ابی داود «ارباء سم الله تا تاء تمت» و در علم تفسیر قسمتی از حلالین و مدارك شریف خواند و در علم فقه تا هدایت و در مختار خواند اما بشاگردان خود تدریس کرد همچنین در اصول حدیث بیرسخه صغیره خواند و در علم مناظره چند درس از «رشیدی» شنید.

خلیل هنوز «خردسال» بود که به نوشتن شعر پرداخت چنانکه در ذیل نام عباس علی تنوی متخلص به علی میبویسد.

« فقیر را در خرد سالی یک بار ملاقات او حاصل شد درین وقت فقیر کج معج زبانی و ژولیده بیانی آغازیده بود »^۱.

این دوق گفتن شعر و نوشتن نثر فارسی در خلیل ارتاثیر « مخلصی » ایجاد شد اما اسم آن « مخلص » خلیل دکر مکرده است و تنها همین قدر میگوید که « بعد از تأثیر محبت مخلصی طبعم منظم فارسی مایل شد »^۲.

خلیل غیر ارپدر خود تنها اسم یکسر را حرو و اساتید خود دکر نموده است چنانکه در دیل مولوی آل احمد پهلواری مینویسد « کاتب الحروف را در سخنوری اریشان بسیار فواید حاصل شده . »^۳ اما طاهرا وی اساتید دیگر هم داشته که اسم آنها را در این تذکره نیاورده است

باید ادعا کرد که با وجود اینکه در زمان خلیل آفتاب زبان و ادب فارسی درسند و روبرو ال بود و شعرائی مانند میر علی شیر قانع دیگر رخت از جهان بر بسته بودند اما همور قریحه و دوق شعر فارسی در بعضی حاواده ها باقی مانده و بر آسمان شعر فارسی بعضی ستاره های روشن میدرخشیدند هر چهار خاندان عرفان و طریقت تته که ذکر شان در سطور فوق گذشت با ربان ادبیات فارسی علاقه داشتند و در خاندان خود خلیل ارچندین پشت شعرای صاحب دل و بادوقی بو خود آمده بودند و حتی پدر او محدود عبدالکریم متخلص به کریم و برادر وی محدود فیضی احمد متخلص به فیض و غیره بفارسی شرمیسروند همچنین در حاواده میر قانع پسر او میر مایل که در ۱۲۵۶ هـ فوت شد شاعر بود و میر صابر پسر میر مایل که معاصر خلیل بود بر فارسی شعر میسرود .

در زمان خلیل هنوز بهترین وسیله برای بیان مطالب بصوف و عرفان شعر فارسی بود و بیا بر این عده شعرای فارسی گو (چنانکه بعضی از آنها در تذکره تکمله مقالات الشعرا - کر شده اند) کم بوده و این عده شعرانزم شعر و ادب فارسی را گرم

۱ - رك تکمله ص ۶ - ۴۰۵

۲ - بصا ص ۲۱۲

۳ - ایضا ص ۹

نگه میداشتند. همچنین هنوز از خاندان حکمرانان سابق‌سند برخی از رجال شاعر در این عصر وجود داشتند که بعضی از آنها در حال تبعید و درازوطن در گذشتند اما چند نفر از آنها بعد از پایان مدت تبعید دوباره بوطن خود برگشتند و تاملاتی شعر و ادب فارسی را نیمه فروزان نگه داشتند مانند جعفری و میر و حسین و حسن و مومن و بهر مور و حیدری و سانگی و غیره که اسامی آنها در تواریخ معاصر آمده است. با وجود اینکه از وجود این امر دیگر فواید مالی مقصود و منظور سود اما وجود آنها برای رندگی شعر و ادب فارسی درسند معتم بود

علاوه بر این يك عامل مؤثر دیگر در این زمان انتشار حریده ای سام «معرح- القلوب» از کراچی بوسیله یکمهر فارسی زبان و شاعر بادوقی بود که در هر شماره نمونه های کلام شعرای فارسی گوی سند و نواحی آن را چاپ میکرد و گاهی مسابقه های شعر را ترتیب میداد و اشعاری را چاپ میکرد و شعرای دیگر را آن استقبال میکردند.

خلیل در اول «بیاض» کوچکی درست کرده بود که يك طرف آن اشعار خود را (ارغریات) و طرف دیگر آن نشر خود را ارمکاتیب که به «مخلصان» مینوشت نقل میکرد ولی، متأسفانه این بیاض گم شد و سپس بیاض دیگر مثل سابق درست کرد و بای ترتیب دیوان خود نهاد. خلیل آنوقت مسکین تحلیلص میکرد. بعد از تکمیل «دیوان مسکین» مکاتیب خود را جمع آوری کرده اسم آن را «کشکول مسکین» نهاد.

چندی بعد در نتیجه توصیه های بعضی رفقای خود مانند میان میحمد راهد شاکرانی بمناسبت اسم خود که ابراهیم بود «خلیل» تخلص اختیار نمود و بعد از مدتی «دیوان خلیل» را هم با تمام رسانید و همچنین مکتوبات خود را که تا آنوقت نوشته بود جمع آوری نموده اسم آنرا «ماید خلیل» نهاد شعراً و عالماً حسنه عرفان و تصوف دارد.

گاهی بر بان سندهی هم شعر میسرود و آنرا «اداسی» تخلص میکرد که

بزبان سندهی بمعنی قسمی از فقرا یا آرزومند است. همچنین بزبان هندی (اردو) هم شعر میگفت و آنجا هم مانند فارسی «مسکین» تخلص داشت. خلیل بقول خودش دراول زبان هندی (اردو) بلد نبود اما در اثر صحبت سید غلام محمد متخلص به گدا و مطالعه دیوان ناسح و آباد و آتش آں زبان رایاد گرفت و چند غزل در آن زبان سروده است.

در تکمله خلیل درذیل تخلص «خلیل» (در ردیف «خ») انتخاب اشعار خود را «دیوان خلیل» آورده است و سپس درذیل تخلص «مسکین» (در ردیف میم) سه غزل را از دیوان مسکین هم نقل کرده است.

مؤلف به ماده تاریخ گوئی هم علاقه داشت و درذیل بعضی شعر اقطعه های تاریخ که خودش گفته بود نقل کرده است

در سال ۱۳۱۳ هـ بسن هفتاد سالگی بفکر افتاد که در آسال میمیرد و بدین مناسبت قطعه زیر متضمن تاریخ وفات خود سرود که در «دیوان خلیل» درج است.

چو کرد نقل ارین دار پر ملال خلیل خرد بماند سن انتقال و جویان
سروش گفت بگوشش که خیر روی حساس «خلیل را بچنان برد لطفا یرد» حوان

= ۱۳۱۳ هـ

سپس در حدود سال ۱۳۱۶ هـ موقعی که بسن هفتاد و سه سال رسیده بود دوباره همان فکر در خاطر خلیل حطور گردو سنا براین دو باره قطعه زیر را بدان مناسبت سرود که در «دیوان خلیل» آمده است.

اراین جهان چو بر فتم که رفتن است ضرور هر ار شکر که فضل خدا مرا حوید
روانه گشتم و گفتم من ار سر الهام رود خلیل بیاران وداع میگوید
(= ۱۳۱۶ هـ)

چند قطعه تاریخ دیگر هم در «دیوان خلیل» بهمین مناسبت آمده است که سال ۱۳۱۶ هـ را بعنوان سال فوتوی میرساند و بیب زیر سال میلادی (۱۸۵۶) را میرساند که

در همانجا ثبت گردیده است :

سالوداع خود چو پرسیدم از سروش بی بحثو کدبگفت بگو «خیر خاتمه»
(= ۱۸۵۶ م)

اما در سال ۱۳۱۶ هـ مطابق ۱۸۵۶ م نیز از دست احل امان یافت ولی در سال آینده در ۱۳۱۷ هـ بسن هفتاد و چهار سالگی این سرای فانی را بدرود گفت^۱. بعضی شعرای سند تاریخ فوت او را شعر سروده اند اما اکثر آنها بدست نرسید. خوشحانه چند قطعه تاریخ فوت خلیل که دوست وی مولانا عبدالکریم کراچوی متخلص به درس سروده و در دیوایش چاپ شده در دست ماست^۲ و این دوبیت اردو قطعه او اینجا نقل میگردد

فلک سالو صالح گفت ای درس بگو «ستان حنت کرد مرل» (= ۱۳۱۷ هـ)
پی سال تاریخ با درس گفت فلک «کاملی نقشید سحن» (= ۱۳۱۷ هـ)
قبر خلیل در گورستان مخدوم ابوالقاسم نقشیدی ریر تل مرکزی جانب مغرب امروز هم موجود است و در پهلوی او دخترش مدفونست قبر او حام است و هیچ کتیبه ندارد. اما خلیل اشعاری را برای سنگ مزار خود سروده بود و در دیوایش باین عبارت ثبت گردیده است

«نقش قبر خلیل فقیرا گر این فرد شود بهتر

زنده میرد عاقبت ای رایر فرخ شعار تکیه نتوان کرد هر گز بر حیات مستعار»
همچنین در دیوایش خلیل یك عرل دیگر بعنوان ریر آمده است
«بر لوح قبر فقیر چه ریا رید»^۳

۱ - رور وفات خلیل معلوم نیست اما باید بعد از ۲ ربیع الثانی (۱۳۱۷ هـ) باشد چون در آن رور خواهر وی فوت کرده و او بدان مناسبت تاریخ وفات او را سروده است (ر. ک. تکمله چاپ کراچی ص ۳۲)

۲ - ر. ک. تکمله چاپ کراچی ص ۲۵۰-۲۵۲

۳ - ایضا ص ۳ - ۲۵۲

از نسب نامه خلیل که در پایان مقدمه تکمله چاپ کراچی دانشمند معظم آقای پیر حسام الدین ضمیمه کرده اند معلوم میشود که خلیل بعد از محمد حسن فرزندی بنام حبیب داشت که در ۲۳ صفر ۱۲۶۹ هـ متولد شد و در ۱۳۰۱ هـ در عین شب درگذشت. مؤلف تاریخ مرگ وی را که دیگران سروده بودند و چهارده مسجع وی (که سال ۱۳۰۶ هـ میرساند) و یک محمس و یک مثنوی و چند رباعی که خودش سروده بود در ذیل «حبیب» در این کتاب آورده است^۱. همچنین خلیل دخترانی نیرداشته که در زمان حیات او فوت کردند یکی از دختران وی که بقول بعضی بعد از مرگ وی فوت کرده بود پهلوی او دفن شده است بعد از این دختر کسی از خاندان خلیل رنده نماد (همچنین بعد از مدتی کسی ارسه خاندان دیگر نیز که در کرشان در سطور فوق گذشت باقی نماند)^۲.

چنانکه از مطالعه این تذکره برمی آید خلیل با شعرای معاصر خود روابط دوستانه و برادری داشته است و چون وی بیک خاندان خلیل القدر تعلق داشت معاصرینش وی را بنظر احترام مینگریسته اند همچنین بسیاری از شعرای معاصر که برخی در این تذکره ذکر شده اند در شعر شاگرد خلیل بودند مثلاً رجوع شود به طالب و عریز و علی و غنی و فقیر و زاهد و جعری و غیره

از جمله شعرای متقدم در زمان خلیل در سند حواحه حافظ حیلی محبوبیت داشت و شعرای سند گاهی غریزاتی تقلیدوی میسرودند چنانکه در حدود دیوان خلیل بچندین عرل بر میخوریم که وی بطور و روش حافظ سروده است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱ - بیاض که شامل اشعار و مکاتیب اوایل زندگی خلیل بوده و بعداً منقود شد

۱۱ - ر.ک تکمله تن ۱۶ ص ۱۲۷ - ۱۵۲

۲ - ر.ک تکمله چاپ کراچی مقدمه گرد آورده ص ۳۲ برای د - همه های این خاندانها رجوع شود به پایان مقدمه تکمله بعد از ص ۳۶ .

۲ - دیوان مسکین. دیوان اول فارسی

۳ - دیوان خلیل. دیوان دوم فارسی

۴ - کشکول مسکین. مجموعه مکاتیب که با «دیوان مسکین» در یک مجلد آمده است.

۵ - مائده خلیل. مجموعه دیگر از مکاتیبی که با «دیوان خلیل» در یک مجلد آمده است

۶ - تحفة الصغیر رساله ای در شرح حال جدمؤلف محدوم غلام حیدر.

تبصره بر کتاب

مؤلف سال تألیف کتاب را در مقدمه یا حاتمه نیاورده است اما در ذیل آصف اصفهانی میگوید که دو سال است تحمیه ساله ۱۳۰۴ هـ که به کراچی آمده بود» همچنین در ذیل شرح حال پسر وی حبیب که در ۱۳۰۶ هـ فوت کرد هنوز تارگی آن رحم پیدا است. بدین جهت میتوان گفت که مؤلف این تذکره را در حدود سال ۱۳۰۶ هـ تألیف نموده است در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد «اردیر . آرزو بود که تکمله مقالات الشعرا که ارتصایف . میرعلی شیر قانع میاشد تصنیف کند و بعینه طرزو راه آن یگانه رود یعنی اهل سد و هراهل ولایت (ایران) که از سند در گذر درج نماید. از باعث علایق و عوایق ارقوت بععل نمی آمد تا ایسکه درین وقت قدری فرصت دستداد عمارت تکمله را بامهاد» .

مؤلف در خاتمه کتاب اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که در تألیف آن از آنها استفاده نموده است

۱- کلمات الشعراى سرحوش ۲- یدبصای میرعلام علی آراد

۳- مقالات الشعراى میر قانع

این تذکره با «احمد مولوی احمد هدوستانی پهلوانی» شروع شده

با « یوسف حکاک سیستانی » تمام میشود و شامل ذکر هشتاد و دو تن^۱ شاعر است که اهل سد بودند یا از آنجا گذشته‌اند. این کتاب اصلاً تکمله ایست بر تذکره مقالات الشعرا تألیف میر علی شیر قانع (تألیف ۱۱۷۴ هـ). مؤلف در مقدمه این کتاب بعد از حمد و نعت و سبب تألیف کتاب شواهدی برای اثبات شاعری از آیات قرآن و احادیث رسول و اقوال و حکایات مختلف آورده است

در حاتم این کتاب بعضی اشعار متفرق ارشعرای مختلف از مقالات الشعرا و کلمات الشعرا ویدیصا و غیره نقل کرده اس و بدین ترتیب مجلس ادبی ساخته است که طی آن اشعاری چند در یک موضوع که شعرای مختلف سروده‌اند نقل کرده است (ص ۶۵۸-۶۷۳) و سپس در پایان دعائی بر بان عربی آورده است (ص ۴-۶۷۳)

از مطالعه این تذکره باین حقیقت پی می‌بریم که تازمان قانع (مؤلف مقالات الشعرا) چنانکه از تذکره وی پیداس شعرای ایرانی درسند نبود داشته‌اند اما در زمان خلیل بحای شعرای ایرانی شعر اوادنای افغانی در این ناحیه رفت و آمد داشته و موجب تشویق شعرای فارسی و شیوع دوق و شعرواد فارسی درسند میشده‌اند . این امر دوعلت داشت اولاً احادان محدودیان قدهار و کابل درسند مریدان کثیر داشتند و بنا بر این رفت و آمد بین سد و افغانستان در این عصر زیاد صورت می‌گرفت و ثانیاً بعلت جنگهای داخلی و نفوذ انگلیسها در افغانستان تعداد زیادی از حادانهای معرو و افراد حاواده‌های شاه‌ی بسند مهاجرت نموده در آن زمان در آن ناحیه سکونت گزیده بودند و اکثر آنها اهل ذوق و دانش بودند و روابط نزدیک آنها با اهالی این سرزمین باعث تشویق و ترعیب مردم آن شعرواد فارسی شده اس

خلیل خودش هم با چندین نفر افغانی آشنائی و روابط دوستانه داشت و به بعضی از آنها مکاتبه می‌نمود مثلاً هنگامی که سردار غلام محمد حان طرزی بکراچی آمد خلیل با وی آشنا شد و بعداً هر دو باهم مکاتبه داشتند و سر درمور و رید حه

۱- این عده دوا رده بعد دیگر را که مؤلف در دیل بعضی شعرا شرح احوالشان را آورده

ست شامل بیست و یکرا که آنها شاعر بوده‌اند.

سردار محمود خان طرزی را برای ملاقات با حلیل به تته فرستاد و خلیل چندین غزل بطرز غزلیات وی سروده است.^۱

نکته دیگر که از مطالعه این تذکره بدان پی میبریم این امر است که تازمان مؤلف این تذکره هنوز در اکثر شهرها و قصبات سند دوق شعر و شاعری باقی مانده و مخصوصا در شهر تته و حیدرآباد و هالا و متیاری و بهکروشکارپور و سیوستان و کراچی شعرائی وجود داشتند که بهارسی شعر میسرودند چنانکه حلیل اسامی بسیاری از معاصرین خود را در این تذکره ذکر نموده است که از این شهرها و قصبات تعلق داشتند از جمله امام بخش فدوی و علی اصغر علی و بنده علی گرجی و محمد قاسم هالائی و موتیل شاه کمتر تنوی و ۷۶ محمد گدا و مخلص علی محصل و احمد علی و غیره.

چون مؤلف با اکثر شعرا و اشخاصی که ذکر آنها را در این تذکره آورده است ملاقات کرده یا از بردیک با آنها آشنائی داشت و اکثر آنان از معاصرین و رفقایش بودند بنابراین شرح حال و آثاری که در این کتاب آورده اسب مورد اعتبار و اعتماد میباشد

اما در ذیل نام اکثر شعرا شرح حال آنها را خیلی محصور آورده و حتی اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان آنها را بهم نرسانیده با وجود اینکه چون از بردیک با آنها آشنا بود موقعیت و فرصت خوبی برای این کار داشت اما ظاهرا سعی نکرده است اطلاعات کافی و وافی را درباره شرح رندگان آنها را بهم رساند

در هر حال شرح حال شعرا و اشخاص زیر را معصل ترا از دیگران آورده است
مخدوم هاشم (در ۳ص) و ناقی و عبدالکریم بن علام حیدر و میان عبداللطیف و میان گل محمد (هر کدام در ۴ص) و مخدوم عبدالکریم و ابوالقاسم نقشبدی (هر کدام در ۸ص) و میر سید نظر علی (در ۶ + ۶ص)

همچنین در ذیل نام اکثر شعرا ازیشان فقط يك دو بیت نقل کرده است اما

درذیل شعرای زیر اشعار آنها را از سایرین مفصل تر آورده است: صفی و گدا (هر کدام در ۳^۱ ص) و حانان و شریف و مایل (هر کدام در ۴ ص) و قاضی غلام علی جعفری و عظیم (هر کدام در ۴^۱ ص) و حلیل (در ۱۹ ص تحت نام خلیل و ۱^۱ ص تحت نام مسکین) و روی هم رفته انتحاب اشعار خود را از همه بیشتر (قریب دو سیست بیت) نقل کرده است.

شرح حال افراد زیر را مفصل آورده است اما چون اینها شاعر نبودند از موضوع این کتاب خارج است

۱-۴- مخدوم عبداللطیف و ابراهیم و عبداللطیف ثانی و عبدالله درذیل

نام «امید»

۵-۹- محمد زمان و محمد عبدالکریم و غلام حیدر و ابوالقاسم و میر سید نظر علی

درذیل نام «خلیل»

۱۰-۱۲- میان عبداللطیف و محمد زمان و گل محمد در ذیل «روشن»

(میان ضیاء الدین)

درذیل شرح حال «حبیب» پسر خوانمرگ خود مؤلف شرح وفات وی را خیلی مفصل آورده است و قطعه های تاریخ فوت و محسن و مثنوی ها و رباعیات و فردیات که در ماتم پسرش سروده معصلا نقل کرده است و همچنین قطعه های تاریخ وفاتی را که دیگران بر مرگ وی سروده بودند بر اینجا نقل کرده است.

درذیل نام شعرای زیر اشعاری از خود که در جواب آنها سروده است نقل کرده است مولوی آل احمد و آصف اصغری و باقی و ثاقب و جعفری و حیدر و حسن و رین العادین و سعید و شریع و طرری و عظیم و علی (میرا نده علی) و عباس و علی (میر سید عباس بخاری)^۱ و گدا و مایل و محمد عالم و ولی .

همچنین درذیل نام حبیب و عریضی اشعار را از خود نقل کرده است

درذیل نام بعضی اشعار عربی آنها را نیز نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی

آل احمد احمد (ص ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵) - همچنین در حاتم و نیت بر بان اردواز خود نقل کرده است.

مؤلف بماده تاریخ گوئی علاقه فراوانی داشته است چنانکه در ردیل شعرای زیر تاریخ وفات آنرا که خودش گفته بود آورده است. ناقی و حبیب (تاریخ فوت و مسجع هر دو) و میرسید عبدالکریم بن غلام حیدر همچنین ماده تاریخهای فوت که دیگران سروده اند نیز نقل کرده است رجوع شود به نام ثبات و حبیب و عبدالکریم بن غلام حیدر و شریف و عظیم

گاهی در ضمن شرح حال شعرا بعضی حکایات حال نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی آل احمد احمد و محدوم هاشم و محدوم عبداللطیف و محدوم محمد ابراهیم و محدوم عبداللطیف ثانی و محدوم محمد درمان و محدوم عبدالکریم و محدوم ابوالقاسم نقشبندی و میرسید نظر علی و عبدالکریم بن غلام حیدر و میان عبداللطیف بن میان ابراهیم و میان گل محمد»

سک انشای مؤلف اکثر ساده و غیر مصنوع است اما گاهی مؤلف مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شعرا بشر مصوع پرداخته است همچنین گاهی قبل از اسامی اشخاص و شعر اچند لقب توصیفی آورده است و گاهی این القاب را خیلی مفصل در آن مت مثلاً رجوع شود به نام ولی و یوسف

نسخ خطی

۱ - دانشگاه لاهور (بحط مؤلف است چون بعضی عبارات خط رده یا اصلاح شده است و گاهی برای نوشتن احوال و اشعار شعرا حاالی گذاشته است اما بعداً بوی فرصت دست نداده که این قسمت را تمام کند همچنین با وجود اینکه مؤلف غالباً ترتیب اسامی را از روی القبا آورده است گاهی بعضی اسامی را خلاف این اصل ترتیب نوشته است).

۲ - نسخه دیگر که در نسخه فوق است نسخ شده است در کتابخانه شخصی آقای

پیر حسام‌الدین در کراچی پاکستان موجود است.

چاپ

سندھی ادبی بورڈ کراچی ۱۹۵۷ م بتصحیح و حواشی و تعلیقات از فاضل
ارجمند آقای حسام‌الدین راشدی (از روی نسخه خطی فوق)^۱
برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تکمله مقالات الشعرا و مقدمه بر آن
کتاب چاپ کراچی ارفاضل گرامی آقای پیر حسام‌الدین راشدی.
فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به تکمله مقالات الشعرا چاپ کراچی.

۱- این چاپ بسیار خوب است و گرد آورده آن دانشمند حلیل‌القدر آقای پیر حسام‌الدین
که ارفضای فارسی شبه‌قاره پاکستان و هند میباشد در ترتیب و تصحیح این تذکره بسیار زحمت
کشیده و مقدمه‌ای در شرح حال و آثار مؤلف (۲۱-۳۶) و حواشی و تعلیقات بسیار مفصل و سودمند
(۶۷۷-۸۲۷) با تصام فهارس مصادر (منابع) و اسامی رجال و اماکن و کتب (۸۲۹-۹۰۱)
و غلط‌نامه مفصل (ص ۹۰۲-۹۱۲) و پنج سب‌نامه بسیار مفید و چندین عکس از شعرا و الواح
قبور و مرارات و مقارن و نمونه‌های خط شعرا و غیره. متن کتاب اصافه کرده است که برای خواننده
آن بسیار سودمند و مفید است. در این چاپ حواشی و تعلیقات که گرد آورنده فاضل مرپور
متن کتاب علاوه کرده است خیلی پرمایه و نا ارزش و مطالب آن خیلی بیشتر از متن خود
تذکره است. بدین ترتیب میتوان آن را تکمله «تکمله مقالات الشعرا» نامید. ماعی گرد آورنده
در تهیه این مطالب و رحماتی که در این زمینه متحمل شده است، سر اور بسیار تحسین و آفرین است
و برای گرد آورندگان کتب تذکره و تاریخ بمثانه شمع راه و بهترین نمونه و مثال است
اشاره این کتاب ارحله خدمات مهمی است که احسن ادبی مند (سندھی ادبی بورڈ) کراچی
ندبای ادب فارسی انجام داده است که محال شرح و وصف آن اینجا نیست.

حدیقه عشرت

ابتدا

ای شاهد زیبای سخن جلوه گری کن
از شوخی خود کلک مرا بال (و) پری کن

چهره آرائی مشاطه قلم به شای حسن دلغریب شاهدیست که شبستان جهان را
از شمع جمال ماه یان و شعاع حسن حورشیدرخان منور ساحت و چمن پیرائی باغان
حامه به بوستان حمه دلربائیس که ریاض جهان را از چهره زیبای گلرخان و بهال
قامت دلربای سرو قدان بر آراست

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف کور در گاپرشاد متخلص به مهر سندیلوی است . اسم پدرش
را حاد هنیترای است مؤلف در ۱۸۴۶ میلادی (مطابق ۱۲۶۳ هـ) بدیا آمد و در ۱۸۵۷ م
(مطابق ۱۲۸۴ هـ) بعنوان «رئیس» حاشین پدر خود شد و در ۱۸۸۴ م (مطابق ۱۳۰۲ هـ)
قاصی اعرازی سدیله مصوب شد آثار مؤلف بدین قرار است.

۱- حدیقه عشرت تذکره مورد بحث

۲- گلستان هند در تاریخ هند است مشتمل بر چهار دفتر بدین قرار

(۱) راجاهای هند (قبل از اسلام) .

(۲) دوره اسلام

(۳) دوره انگلیسها تا ۱۸۸۷ م (مطابق ۱۳۰۵ هـ)

(۴) ذکر مؤلف و احداث وی

این کتاب را مؤلف ششماه بعد از تشکیل در بار « حولی » در هردوئی

تألیف کرد

چاپ لکهنو ۱۸۸۹ م و سندیله ۱۸۹۷ م

۳- بوستان اودم در تاریخ اود است مشتمل بر شش دفتر بدین ترتیب:

(۱) شاهان هندو

(۲) وزرای شاهان دهلی

(۳) شاهان اود

(۴) دوره «غدر» (شورش هند)

(۵) دگر احداث مؤلف

(۶) دگر سندیله و معاریف آن

چاپ لکهنو ۱۸۹۲ میلادی

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۸۹۳ میلادی مطابق ۱۳۱۱ هـ تألیف نموده است

مؤلف سبب تألیف این تذکره را در دیباچه کتاب بشر بسیار مصنوع حبیب توصیح میدهد که وی از مدتی اشعار متقدمین و متأخرین را مطالعه میکرد و در ضمن مطالعه بچند بیت از شاعرانها برخورد و بالاخره تصمیم گرفت که تذکره مختصری را جمع برداشته شاعران ترتیب دهد

این تذکره مشتمل است بر دگر 'از ساعران متقدمین و متأخرین' ترتیب

۱- سجع چاپی که بدست نگارنده رسیده حبیبی - قص است و مخصوصاً صحبت آخر

را ندارد و همچنین شرح حال دو شاعر بعد از بهائی را آن فتنه است این سجع مشتمل است

بر دگر ۹۴ شاعر

المبائی از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعره و با آقائی (هراتی) شروع شده با^۲ تمام میشود

مؤلف در دیباچه میویسد: کنایی از مجموعه کلام (اشعار) نسوان بنظر نگذشت و بیاضی از خلاصه مذاق این سحرکاران فروع افرای چشم جهان بینم نگشت اما این قول مؤلف منی بر صاحب نیست زیرا که مؤلف تذکره دیگر از شاعره هارا بنام «احترتابان» که ابوالعاسم محتشم بسال ۱۲۹۰ م تألیف کرده^۳ دیده است چنانکه اسم آنرا در ردیل «حسینا» آورده است اما از محتویات کتاب پیداست که مؤلف چنانکه نایدوشاید از آن کتاب استفاده نکرده است

مؤلف در مقدمه کتاب میویسد که اول کسی که ارطایفه نسوان شعر گفت دلارام دلربای بهرام گور بوده است

در ردیل اکثر شاعره ها مؤلف شرح حالشان را خیلی مختصر و از آنها دوسه بیت نقل کرده است

و ادرعه کمی از شاعره ها اشعار و شرح حالشان را سسه مفصل آورده است مانند آفاق حلا و آرام (دلارام) و حها و خاتون و غیره و رویهمرفته شرح حال نور جهان بیگم را مفصل تر از همه (در ۱۰ صفحه) آورده است

سکانشای مؤلف غالباً مصبوع است
رویهمرفته این تذکره جیدان اهمیت و ارزشی ندارد

چاپ

کوبین - رس سدیله ۱۸۹۴ میلادی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به استوری ص ۴۹۱ و ۷۱۲ و ۹۱۶

۲- نسخه چاپی ما که ناقص الاخر است ما «همدمی» تمام میشود و قسمت آخر در کمر همدمی نیز از این نسخه افتاده است

۳- برای شرح مفصل این کتب رک «احترتابان» در این کتاب.

در این کتاب قریب به شصت هزار بیت (بدون تکرار) بعنوان شاهد آمده است. این کتاب در هشت جلد در مطبع قادری آگره هند از ۱۹۰۴ م تا ۱۹۰۸ م (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ هـ) بطبع رسیده است

۲- حواری العرب - درباره اصطلاحات عربی و شرح آن بر زبان اردو چاپ انستی تیوت پرس علیگره

۳- تذکره الشعراء تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیفات این کتاب را سال ۱۳۰۰ هـ آغاز نموده و در سنه ۱۹۰۷ م (مطابق ۱۳۲۵ هـ) بمکملت پسر خود مطالب این تذکره را از تذکرها و کتب دیگر مذاقه و مقابله نموده و بالاخره در ۱۹۱۰ م (مطابق ۱۳۲۸ هـ) ۱ تألیف و مقابله کتاب فراغت یافت^۲

در مورد سبب تألیف عبدالحمید خان پسر مؤلف در ذیل مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بر زبان اردو) چنین توضیح داده است که در موقع تألیف ارمغان آصفی مؤلف بکثرت ریس این تذکره افتاد اما علت مشکلاتی که مؤلف در زمان طبع ارمغان با آن مواجه شدوی درباره توفیق در عملی ساختن این فکر در حارسک و تردید گردید اما بعداً چون حرواول از کتاب وی نام «حواری العرب» در انستی تیوت پرس با موفقیت بطبع رسید و خصوص امیدوار گشت و تصمیم گرفت قبل از

الشعراء) میں تذکرہ ہی)) ترجمہ آن عبارت معارفی قرار دیا است

مؤلف این تذکره در تألیف معروف خود نام ارمغان آصفی برای هر اصطلاح اشعاری را از اساتید مسلم که در این کتاب (تذکره الشعراء) مذکورند بعنوان شاهد و سند آورده است و از اینجا بعضی باین فکر افتاده اند که این تذکره مشتملست منحصر بر ذکر شعرائی که مؤلف در فرهنگ (ارمغان آصفی) اسعار آنها را نقل کرده است و طاهرا این عقیده صحیح است چون مؤلف مرحلاف رسم تذکره بویسان اشعار شعرا را در این تذکره اصلاً نیاورده چون قبلاً در ارمغان آصفی نقل کرده بود و باین تکرار آن در تذکره لازم نبود

۳- رکن دیباچه این کتاب از پسر مؤلف - مؤلف «عرض حال» (بر زبان اردو)

ارسال بقیه جروهایی « حواری العرب » مطبع سابق الذکر اربطع تذکره الشعراء راغت حاصل نماید اما تجری الریاح دمالایشتهی السفن چون طبق متن این کتاب تمام شدمؤلف مبتلای مرض الموت شد و بالاخره در ۱۵ کتبر ۱۹۱۶ م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳۴ هـ) داعی اجل را لبیک گفت .

همچنین پسر مؤلف میگوید که قراز بود این تذکره بعد اربطع ارمغان آصفی طبع رسد اما چون مؤلف مکی مشغول اتمام « حواری العرب » بود سا برای کار طبع این تذکره بتعویق افتاد و حتی اگر بعضی رفقای صمیمی برای چاپ آن اصرار میوریدند این کتاب همورهم بریور طبع آراسته نمیشد

در مورد ما حد کتاب عبدالحمید حان پسر مؤلف در دیل مقدمه این تذکره نوشته اس که غیر از کتب تاریخ کتبر در تألیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است

- | | |
|------------------------------|-----------------|
| ۱- لب الالباب (لب الالباب) | ۲- مجمع العصال |
| ۳- کلمات شعرا | ۴- تذکره میظیر |
| ۵- لطایف الحیال | ۶- نایح الافکار |
| ۷- تذکره دولتشاه سمرقندی | ۸- فایوس حیا |
| ۹- تذکره حسن دوست | ۱۰- آتشکده |
| ۱۱- حرايه عامه | ۱۲ |

این کتاب متملسب برد کریکبر ' روجیل ویک (۱۰۴۱) شاعر مقدمه و متاخر وی حرف اول اسم یا تحلیص ساعرو باد آدر حاحی لطف علی بیگ

اصحابی « شروع شده با » محمدیوسف حردافای ، تمهه میثود .

در این کتاب مؤلف تمها بعضی اطلاعات راجع بردگی شعرا را فراهم آورده ، اشعاش ، ۱۰ ، اصلا بل ، نکده اسم و نام مطاب ر بصرت حدودی تحرد عا . ای

۱- تحلیص ۲- اسم ۳- سند و ذت ۴-

شاعری که سعد در زمان وی میریست (

در ذیل نام هر شاعری که در هندی متولد شد یا بهند آمد درستون عهد حکومت اسم پادشاهی را که در آن وقت در هندوستان حکومت میکرد نوشته و در مورد شعرای ایرانی که بهند نیامدند اسم پادشاه ایرانی که شاعر در زمان وی میریسته ثبت گردیده است پسر مؤلف در مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بزبان اردو) مینویسد که تذکره های سابق پر از تعریف بی خود شعرا بوده و احوال تاریخی در آن کتب کمتر یافت میشد بنابراین ترتیب و تألیف این تذکره کار آسانی نبوده است همچنین توضیح داده است که هر گاه اختلافی در امری وجود داشت مؤلف نظری را قبول کرده است که اکثریت تذکره نویسندگان آن موافقت داشته اند

شرح حال شعرای ریر را در حاشیه کتاب سسه مفصل ترا از سایرین (در سه چهار سطر) آورده است. آرو و حافظ و امیر خسرو و سعدی و صائب و طه پوری و طه پیر فاریابی و عارف تبریزی و نعمت خان عالی و عراقی و عرفی و عطار و ناصر علی و مولوی عبداللہ خان موفرخ آبادی (همشهری مؤلف) و عراقی (ملک الشعرا) و فیضی و قاسم انوار و قطران تبریزی و شیخ سعدالدین محمود و ملک طیب و ورو حواحه نصیرالدین طوسی و شاه نعمت اله و ملا وحشی

در ذیل نام شعرای ریر آثارشان را معصل ذکر نموده است: شیخ آذری و آرزو و آزاد و شیخ بهائی و قتی اوحدی و ملال لالی و طه پوری

در ذیل نام بعضی شعرای شرح حال معصل تری از ایشان را در پاورقی کتاب نقل کرده است اما در جمع آوری این مطالب دقت و تحقیق لازم بعمل بیاورده و گاهی مرتکب اشتباهاتی شده است و باین نمیتوان به محتویات این تذکره کاملاً اعتماد کرد

مؤلف که در تألیف این کتاب همکار و دستیار پدر بوده بزرگترین مقدمه این کتاب اعتراف نموده است که احوال بسیاری از شعرادر این کتاب با تمام مآلده است سبک انسانی مؤلف ساده و غیر مصحح است اما نارسا و امر و ایران فرق دارد

روزی پدر مؤلف سخت مریض شد و مادرش بر اثر علاقه فراوانی که بشوهر خود داشت هفت بار دور تحت خواب شوهرش مریض گشت و بخدادعا کرد که اگر عمر شوهر من بپایان رسیده است من همه عمر خود را ناومی بحشم و همان روز بستری شد و بعد از همت و رفوت کرد^۱.

مؤلف در حدود سال ۱۲۴۲ هجری نور محل از مضافات لاهور متولد شد و تاسی سالگی بتحصیل علوم متداوله پرداخت. پدرش که بیش از صد سال عمر کرد شعر و شاعری را دوست نداشت اما در فهم ععانی اشعار و حل معمی بدطولائی داشت و متواست بهت زبان صحت کند و همچنین «همت قلم» خط مینوشت. روزی مؤلف در حضور پدر خود مصرعی بر مصرع یکی از شعرای لاهور سرود و پدرش آنرا حیلی پسندید و در نتیجه بمؤلف اجازه داده که پس از آن شعر بسراید.

بعد از تکمیل تحصیلات مؤلف سن سی سالگی (در حدود ۱۲۷۲ هجری) کمر بسیر و سیاحت بست و مدت بیست و دو سال از شهرهای مختلف دیدن کرد و در همین ایام دیوان گلشن معی^۲ «و فرخ نامه» معروف به «راما این پارسی» را با مر و فرمایش حاکم نابه (که ریاستی^۳ بود در پنجاب) سرود و والی نابه منصبی را بعنوان حایره و صله با و اعطا کرد

۱- نایدادعا کرد که ارهمین قبیل قصه ای در تواریخ هند درباره مرگ نابیر شاه آمده است میگوید چون همایون پسر نابیر شاه مریض شد نابیره فرزند خود فوق العاده علاقه داشت هفت بار دور ستروی گشت و بدرگاه خدا دعا کرد که حاضرست بحای حان پسر حان خود را بفرشته مرگ بدهد و در نتیجه نابیر ساه مریض شد و دیری نگذشت که مرد و همایون از دست فرشته مرگ حان سلامت برد

۲- چون مؤلف این کتاب را سال ۱۳۳۲ هجری بود سالگی تألیف کرد نابیر این در حدود ۱۲۴۲ هجری متولد شد و چون پدرش در نور محل زندگی میکرد نابیر این با احتمال قوی ولادت او در شهر نور محل اتفاق افتاد چنانکه مؤلف خودش را «نور محلی» نوشته است

۳- ناحیه بیه مستقل را در هند و پاکستان ریاست گفته اند ما سید حیدر آداد کن و کشمیر و غیره

مؤلف میگوید که لرد مایو (۱۸۶۹-۱۸۷۲ م مطابق ۱۲۸۶-۱۲۸۹ ه) وایسرای
 همد^۱ وراجگان^۲ هندوستان اورالقب «ملك الشعرا» دادند.
 همچنین مؤلف ادعا کرده است که درزندگی اوشعراى عجم وهندباشعار او
 استاد میکردند .

مؤلف در تصوف دست ارادت بدامن غوث علی شاه قلندر پانی پتی برده و در شعر پارسی
 شاگرد گل محمد خان ناطق مکرانی و شهاب الدین واثق هراتی و مولوی رکن الدین
 مکمل نور محلی که از هر کدام يك بیت در صمن شرح حال خود بطرز نمونه آورده است)
 و امام بخش صهائی دهلوی شاعر معروف آن رمان و در شعر ریخته (اردو) از میر علی
 اوسط رشك لکهنوی کسب فیض کرده است . همچنین در ذیل شرح حال عبدالغنی
 عبدو مولوی رکن الدین مکمل نور محلی تذکر داده است وی استاد مؤلف بوده اند .
 در آخر عمر دوباره «سودای سیاحت» در سرش افتاد اما این دفعه با «گردون
 بخار دخی» (قطار) مسافرت کرد. وی در حدود ۱۳۰۵ ه دکن رسید^۳ و آنجا در زمره
 مدح گویان سلطان دکن (بطام حیدر آباد دکن) درآمد .

در موقع تألیف این کتاب سن مؤلف نود سال بود اما خودش میگوید: «هنوز تنم
 و دندان مستحکم چون جوانان سی ساله است».

مؤلف با اکثر شعراى معروف معاصر خود مانند مظفر علی خان اسیر و غالب و مومن
 و امام بخش صهائی و بواب شیفته و داغ و غیره آشنا بود و اکثر آنها هم بزم^۴ او بودند.
 مؤلف با فن «ماده تاریخ گوئی» علاقه فراوانی داشت و از حمله مصرع «ماده تاریخ
 فوت» شعراى زیر را خود گفته است شایق حیدر آبادی و طوبی حیدر آبادی و طهیر
 یوم مکمل نور محلی و محبوب لاهوری .

۱- بایب السلطه که ارطرف حکومت انگلستان انتخاب

۲- حکام ریاستها. کلمه را حاکم غالباً برای حکام هند و اطلاق میشد.

۳- قبل از تألیف این کتاب ۲۷ سال در حیدرآباد دکن بوده و این کتاب را سال ۱۳۳۲ ه

تألیف کرد بنابراین در حدود سال ۱۳۰۵ ه وارد حیدرآباد دکن شد

مؤلف در این تذکره تذکرهاست که شعرای زیر شاگرد او بوده اند احمد حسین امجد و خواجه جهانگیر علیخان آصف حیدر آبادی و سید بواب جان تمنا ناری و مستحب الدین تجلی حیدر آبادی و محمد امام تائب و دستگیر حسین خان حسینی و سید حسین ذوقی و میر رحمان علی سیف ملقب به سیف الملک (از امرای حیدر آباد) و میر شہامت واعظم علی شایق و نواب ضامن حسین ضامن حیدر آبادی و محمد خان طلعت حیدر آبادی و ابوالدین عتیق و عارف (مؤلف اسمش را فراموش کرده) و حمیظ الدین عصر و عظیم الدین حسن قباد و سید اسحق محمود حیدر آبادی و غلام سی نظمی و غلام محی الدین نکت حیدر آبادی و غلام محمد نعیم حیدر آبادی و داود علیخان واقف حیدر آبادی و ولایت علیخان ولایت حیدر آبادی .

از حمله شاگردان مؤلف غلام محی الدین نکت حیدر آبادی صاحب دیوان فارسی بوده است و میر رحمن علی سیف در موقع تألیف این کتاب هفتاد ساله (از همه شاگردان مؤلف مسن تر) بوده و اکثر بقیه شاگردان مؤلف جوان بودند

اولاد مؤلف

مؤلف در این تذکره اسم فتح محمد قیصر پسر ارشد و بسم اله بیگم عصم دختر بزرگ و خیر النساء غفت دختر کوچک را ذکر نموده است که هر کدام از آنها فارسی شعر میسروده اند و از آنها چند بیت نقل کرده است . سن پسر ارشدی بوقت تألیف این کتاب چهل سال بود . معلوم نیست که مؤلف فرزندان دیگر هم داشت یا حیر

آثار مؤلف

چنانکه خودش در این تذکره شرح داده است بقرا زیر است .

- ۱- فرخانمه معروف به «راما بن پارسی» ۲- دیوان فارسی بنام «گلشن معنی»
- ۳- ساقی نامه
- ۴- مشوی گلزار محبت
- ۵- رساله بدر حسین (بشعر)
- ۶- مشوی صورت سرمد
- ۷- سروالاطرین (نثر)
- ۸- گلبانک ترکی (نثر)

میکرد. لاچار (ناچار) مستعد شدم»

این تذکره مشتمل است بر دکر ۲۳۰ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر.

مؤلف در حاتم کتاب این قطعه را در همین معنی آورده است

چو بعد از سعتن این سلك تر کی در نام سخن سنجان شمرم

بح داله کر اول تابه آحر بد کر دوصد و سی راه برم

مؤلف (چنانکه خودش در دیباچه کتاب توضیح داده است) در این تذکره تنها دکر شعرائی را آورده است که بچشم خود آنها را دیده و با آنها ملاقات کرده است و اکثر آنها «هم برم» او بوده و به فارسی شعر میسروده اند همچنین بعضی از آنها شاگرد مؤلف بودند.

این تذکره «با نواب میر محبوب علیخان آصف سلطان (نظام) دکن» شروع شده با «یاورالدین یاور» تمام میسود تقریباً تمام افراد مذکور در این تذکره یا اهل حیدرآباد دکن بودند یا آنحادر خدمت نظام دکن بودند اما نواب کلب علیخان والی رامپور و چند نفر دیگر را استثنائاً دکر نموده است

مؤلف در این تذکره توضیح داده است که وی از صاحب بعضی اساتید سخن فیص برده اما عمداً بذکر احوالشان پرداخته زیرا که تذکره نویسان دیگر قبل از او شرح احوالشان را نوشته اند مانند مطهر علیخان اسپر و غالب و مومن و امام بخش صهبائی و ناطق مکرانی و وانیق هراتی و نواب سیمه و غیره

همچنین درباره بعضی شعرا مانند صامی علی حلال لکهنوی و کمال حلف حلال و امیرالدتسلیم و شوق بیملوی و انوار دهلوی و غنی رامپوری و سمشاد لکهنوی و غیره که به مؤلف آشنا بودند تمهید کر نام بعضی از آنها اکتفا کرده چون از اشعارشان حدی مدسب او برسیده بود

این تذکره از تذکرات مؤخر فارسی است و از این حیث خیلی مهم است چون شعرائی که در حیدرآباد دکن در اوائل قرن چهاردهم هجری میزیسته اند و

دکرهاں در این تذکره آمده است اتفاقاً ذکر اکثرشان در هیچ تذکره دیگر نیامده است

از این تذکره معلوم میشود که حتی تا اوایل قرن چهاردهم هجری در حیدرآباد محل شعر و شاعری هنوز گرم بود و هنوز شعرائی وجود داشتند که شمع شعرا سی را مخصوصاً در حیدرآباد کن فروراس نگه داشته بودند و بعضی از آنها بفارسی دیوان داشتند چنانکه مؤلف در این تذکره در ذیل افراد زیر در این خصوص تذکره داده است.

نواب کلب علیحاج والی رامپور و غلام محی الدین بکعت حیدرآبادی و مولوی عبدالواحد، و احد حیدرآبادی و میرزا هادی ملقب بدوزیر جنگ حیدرآبادی

در ذیل نام اکثر شعرا در یک دوسطر از آنها یاد کرده و یک دو بیت از آنها نقل کرده است

در ذیل شعرای زیر «ماده تاریخ وفات» آنها را نقل کرده است که از روی احد سال فوتشان را میرساند

نواب میر محبوب علیحاج آصف و حنط الدین پاس و داع دهلوی و عظم علی سائق حیدرآبادی و ضوی سوشتری و طبر دهلوی و مولوی رکن الدین مکمل نور محلی و محبوب لاهوری و وانه حیدرآبادی

تبعاً اسعار و شرح حال افراد زیر را مفصل آورده است

نواب میر محبوب علیحاج آصف و مولوی عبدالجبار آصفی و مولوی نواز الدین و میر میثمی و نواز آصف حیدرآبادی و سر حیدرآبادی و گردخوری در شاد باقی و ترکی (مؤلف) و مولوی تقی دیوانی و جسمی حیدرآبادی و ذاع دهلوی و زاین حیدرآبادی و محمد میران سپ و غلام محمد عرب سوق و اعظم و علی سائق و میرزا آبدی و سید محمد صامن و عثمی حیدرآبادی و عاشق حیدرآبادی و عصر حیدرآبادی و میرزا بد علیحاج بد و عاقر حیدرآبادی و قاصد حیدرآبادی و قیصر سر ارشد مؤلف و کیتی حیدرآبادی و محوی فتح پوری و میرزا شاد احمد قدیمی و نواز غلام

۱- مؤسس عرفه معروف بقادی «در خدمت» که بعتیده قادی بهت «معجم مرعرد» بود برآب اراو حلی تعریف کرده است.

محبوب سبحانی محبوب لاهوری و مولوی جمال الدین نوری حیدر آبادی و ساطم حیدر آبادی و والہ حیدر آبادی و ولاحیدر آبادی و وواجد حیدر آبادی و هادی حیدر آبادی.

در ذیل شرح حال بعضی شعر ا فقط سن آنان را در موقع وفات ذکر کرده اسما سال وفاتشان را نیاورده است مانند امیر مینائی و حمیر و غیره.

همچنین سن بعضی شعرا را بوقت ملاقات با خود آورده است اما غالباً سال آن ملاقات را ذکر نکرده است رجوع شود به نام تفته و تمیر و چالاک و حادق ایرانی و خبر عظیم آبادی و دکا حیدر آبادی و سایل و شبلی نعمانی و صافی شیرازی و یاور خرابی و یسار لاهوری

در ذیل شرح حال شعرای ریر سشان را چنانکه از دیدن معلوم میشود آورده است. صغیر دهلوی و عالی حیدر آبادی و قیور و لاهوری.

در ذیل نام بسیاری از شعرا س نشان را بوقت تألیف این کتاب آورده اس مانند امجد و تمنا و تجلی و غیره

مؤلف اشعار شعرای زیر را بدست بیاورده است و بنابراین تنها بد کراسامی و گاهی شرح حال مختصر آنها اکتفا نموده است ادیب دهلوی و سحی حیدر آبادی و شیدا لکهنوی و شیفته کتوری و ضامن لکهنوی و نظم لکهنوی.

مؤلف در ضمن شرح حال بعضی شعرا برخی حکایت های جالبی نقل کرده است: رجوع شود به ذکر آف و حسین میان و داغ دهلوی و طوبی.

از همه حالب تر شرح حال اسماعیل است که بقول مؤلف «ارقوم احنه» بوده و در ذیل نام او مؤلف شرح حال عجیبی آورده است

مؤلف در ذیل نام شعرای ریر بایر ادتی که دیگران بر اشعار آنها گرفته اند حواب داده و برای اثبات قول خود دلایل و اسنادی را اشعار شعرای دیگر آورده است رجوع شود به بشر و باقی و ترکی (مؤلف) و جمیل و حلیل (حلیل حسن) و حادق و حالی و دکا و شاد و شوق (غلام محمد عرب) و صافی و ضیاء و فہیم و وزیر و والہ و

وحدودی اکثر این ایرادات ارباصر اصفهانی است که مؤلف دگرش را در ذیل نام ناصر آورده است.

سبك انشای مؤلف

این کتاب بهارسی افغانی نوشته شده است و زبان آن بافارسی ایرانی امروز خیلی فرق دارد و مؤلف بعضی اصطلاحات را بکار برده است که در ایران امروز معمول نیست اما سبك وی ساده و روان اوسلیس و خالی از تصنع است. روی هم رفته این تذکره ارجحیت اینک بسیاری از شعرا که در این کتاب دگرشان آمده است در کتب دیگر از آنها یاد نشده دارای ارزش و اهمیت می باشد و نیز علاقه اهل هند را نسبت بر زبان فارسی نشان می دهد که حتی قریب صد سال بعد از تسلط انگلیسها باین زبان شعر میسرودند و هنوز بعضی امرا و بوابان در هند از شعرای فارسی تشویق و تقدیر می کردند و حتی خودشان هم باین زبان شعر میسرودند مثلاً رجوع شود به میر محبوب علیخان نظام دکن و حسین میان نواب قصبه مانگرول و نواب جعفر حسین خان و میر رحمن علی سیف الملک و مهاراجا کشن پرشاد و نواب میر صعه اله خان حیدر آبادی و نواب عزیز یار جگه از امرای حیدر آباد و نواب کلب علیخان والی راهپور که بهارسی شعر میسرودند حتی بعضی از شعرای فارسی که در این تذکره دگر شده هندو بودند رجوع شود به راجا نیم چند رام احقرو بحرنگ پرشاد برمی و گوپال سهای تفته و بهاری لال زمر و مهاراجا کشن پرشاد شاد و سورج بهان میکش و گوری شنکر مجدوب و یک نفر جهود بنام اسحاق (که اصلاً از نواحی مصر بوده) و بهارسی شعر میسرود

چاپ

مطبع شمس الاسلام (حیدر آباد دکن) ۱۳۳۲ هـ

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به «سجنوران چشم دیده».

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به «سجنوران چشم دیده» چاپ (حیدر آباد دکن) ۱۳۳۲ هـ

فصل چهارم

از سال ۱۳۹۰ میلادی مطابق ۱۳۴۹ هـ تا حال

کل هندوستان بود اعلام شد اما از طرف حزب مسلم لیگ محمدعلی جناح مؤسس پاکستان اولین فرمانروای کل آن کشور انتخاب شد

تذکره نگاری در این دوره

این آخرین دوره تذکره نویسی فارسی است تمام تذکرهاى فارسی که در این دوره در شه قاره هند و پاکستان نوشته شده نویسندگان محلی ترتیب داده اند و هیچکدام از آنها ایرانی نبوده اند - باید توجه داشت که دستاخی بهائی ایرانی مؤلف «شعراى عصر پهلوی» با اینکه اسم خانواده وی ایرانی است معدلک از پارسیان هند میباشد که اجداد وی بعد از فتح ایران بدست عربها بهدمها حرت کرده و قربها است در آن سرزمین سر میزند و ما را این نمیتوان آنها را حرو ایرانیها حساب کرد

در این دوره چهار تذکره در هند و پاکستان تألیف شده است یکی از آنها «رساله» دکتر ندیر میرزا برلاس درباره شعراى فارسی زبان پیشاور بوده است که وی برای دکترای داسکده ادبیات تهیه نموده است یکی دیگر از این تذکرها کتابی نام «سجنوران ایران در عصر حاضر» اساس «رساله دکترای» دکتر محمد اسحق بوده است که مشارالیه بعد از دانشگاه لندن گرفته است

از میان تذکرهاى این دوره دو کتاب نام **سجنوران ایران در عصر حاضر و شعراى عصر پهلوی** راجع بشعراى معاصر ایران و یکی دیگر نام **تذکره شعراى پارسی زبان کشمیر** درباره شعراى متأخر کشمیر و آخرین آن نام «شعراى فارسی زبان پیشاور» درباره شعراى متأخر و معاصر پیشاور است چنانکه واضح و لائح است هیچکدام از این تذکرها «عمومی» نیست یعنی راجع بشعراى متعدد و متأخر فارسی بدو، تخصیص بشعراى نوع شعر نیست بلکه اول دو تذکره راجع بشعراى ایران و سومین تنها راجع بشعراى کشمیر و چهارمین تنها درباره شعراى پیشاور میباشد

سبك انشای تذکره نویسان این دوره

یکی از محتصات تذکره‌های این دوره سبك انشای آست تمام این تذکره‌ها به سبك انشای حدید فارسی تألیف شده است که تقریباً يك قرن پیش در ایران معمول شده است ناید ادعا کرد که تا سوات اخیر در هند و پاکستان همان سبك قدیم فارسی رواج داشته است و حتی تذکره‌هائی که در آخر دوره سابق در شه قاره هند و پاکستان تهیه شده است هیچکدام بسبك حدید فارسی بوده است. علت آن بی‌اطلاعی مردم شه قاره مر نور از تحول و تغییر که در ایران در زبان فارسی رخ داده بوده است.

علب اساسی این تحول در سبك انشای تذکره نویسان این دوره در شه قاره هند و پاکستان تماس بر دیکی است که بعد از مدتی دوباره از اواخر زمان انگلیسها بین ایرانیها و اهالی هند و پاکستان شروع شده است مخصوصاً بعد از استقلال پاکستان و هندوستان در روابط آن دو کشور با ایران تحول محسوسی روی داده است و رف و آمد مردم هند و پاکستان با ایران بیش از پیش صورت میگیرد و بهمین علب نویسندگان شه قاره هند و پاکستان با تحولات جدید ادبیات فارسی آشنا شده و کتابهائی راجع با ادبیات حدید فارسی تألیف نموده اند و سبك آنها هم تغییر یافته با سبك حدید فارسی ایران مطابق پیدا کرده است .

ایك بشرح معصل تذکره‌های فارسی که در شه قاره هند و پاکستان در این دوره تألیف شده است میپردازیم

در ۱۹۲۵ کی قیام یافتند.

شده است که طاهر! اشتباهه شش مویسی است و باین موقع لیسایی را اقلا دو سال بعد از لیسایی
۳- در شرح حالی که آقای دکتر اسحق برای نگارنده فرستاده و سال ۱۹۲۳ م ذکر

۲- ر. ک. اسفوری ۱۳۱۷ م ۹۲۱

اما اردوی آرشو دهنی داشگاه کلته سنه ۶۴ سال می باشد

در شرح حالی که برای نگارنده ارسال و فرستاده می شود که سال تولدشان ثبت نشده
۱- اسفوری ۱۳۱۷ م ۹۲۱ سال ۱۹۰۰ م نوشته شده است اما خود آقای دکتر اسحق

۳) (که) امروزی خروار کستان شریفی است) در نتیجه عربی و علوم اسلامی استیسان
داشگاه به مدت یک سال تحصیلی ۲۶-۱۹۲۵ م (۴۵-۱۳۴۴) در داشگاه

داشگاه مریور مدال طلا و جایزه یوی اعطای شد

فوق لیسانس در داشگاه کلته مقام کرد و اول را جایز شد و بنا بر این از طرف
در همان سال (۹) با خود فوق لیسانس بر زبان عربی توفیق یافت در میان کلیه دانشجویان
و (B.A) گرفت و (B.A) گرفت و (B.Sc) گرفت. (B.Sc) گرفت. از (۱۳۴۰) داشگاه
۱۹۲۱ م حدود سال ۱۸۹۸ م (مطابق ۱۳۱۶ ه) در کلته مدیا آمد و در ۱۹۲۱ م
اسم مؤلف (الحج) محمد اسحق و اسحق (الحج) محمد اسحق

شرح حال مؤلف

از لحاظ شعر و ادب با معالک معظم امروزه باین برای می بینند

که استیسان از معالک استیسان - کشور باستانی ایران یکی از معالک استیسان -

ابتدا

سخنوران ایران در عصر حاضر

دیدن کرد

همچنین وی برای هم مسائل حقوق و اره و

سطح رسا

۱۳۵۵ هـ کتاب «مجموعه» در ایران و ایران

در حقیقت هر دو فرایند که در ایران و ایران

مؤلف دو باره در ۱۳۴۳ هـ (۱۳۵۴ هـ) دعوت

سطح رسا

۱۳۵۱ هـ «مجموعه» در ایران و ایران

آنها که در ایران و ایران

و ادبیات و ادبیات و ادبیات

و ادبیات و ادبیات و ادبیات

و ادبیات و ادبیات و ادبیات

وی همچنین در ۱۳۴۰ هـ (۱۳۴۹ هـ) ایران

میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و میراث و میراث و میراث

و مؤسس و دبیر «انجمن ایران» می‌باشد و هم‌چنین، یازدهمین دانشگاه بیرروا بطرف‌هنگی دارد - وی در ۱۹۵۹ م (۱۳۷۹ هـ) بصورت معاون آسیائی (بنگال) کلکته انتخاب شده و انجمن دبیر آن انجمن (قسمت زبان‌شناسی) می‌باشد

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- سحروران ایران در عصر حاضر - تذکره مورد بحث
- ۲- شعر حدید فارسی - (انگلیسی) - در ۱۹۴۳ م (۱۳۴۳ هـ) در کلکته چاپ شد
- ۳- چهار رن شاعر بزرگ ایران - (انگلیسی) - در ۱۹۵۰ م (۱۳۷۰ هـ) چاپ شد .

۴- فهرست مسح خطی عربی در کتابخانه انجمن آسیائی (بنگال) کلکته - در ۱۹۵۱ م (۱۳۷۱ هـ) چاپ شد

۵- روصات الحنات فی اوصاف مدینه الہرات - تألیف معین الدین اسعراوی (۱۴۹۲ هـ) این کتاب تصحیح آقای دکتر اسحق در ۱۹۶۱ م (۱۳۸۱ هـ) از طرف دانشگاه علیگره بطبع رسید

۶- هم‌اقلیم تألیف امین احمد راری - تصحیح وی در حدود ۵۰۰ صفحه از طرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته در دست چاپ است

۷- مجله انجمن هندو ایران - این مجله از طرف شورای روابط فرهنگی هند از ۴ سال پیش بران انگلیسی و فارسی (در یک جلد) با نظارت او از دهلی بومنتشر می‌شود. هم‌چنین مقالاتی در موضوعات مختلف در مجله‌هایی متعدد از وی چاپ شده است.

تصویر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۳۴۹ هـ آغاز نموده و حلد اول آن را سال ۱۲۵۱ هـ و حلد دوم را سال ۱۳۵۵ هـ در دهلی بطبع رسانیده است

در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه کتاب (بربان فارسی) چنین توضیح داده است:

«در تابستان ۱۳۰۹ ش (مطابق ۱۳۴۹ هـ) برای مطالعه ربا و ادبیات و رسی ابردیك از هندوستان بایران رفتم و مدت شش ماه در تهران و نقاط دیگر اقامت هسته روزگاری خوش بمصاحب دانشمندان و نویسندگان و ادبای طرار اول سرزمین سعدی و فردوسی گذراندم (و) از حرمن علم و ادب حوشه‌ها چیدم و توسه‌ها گرفتم با اینکه در کشور گلو بلبل «بوی گلم چنان مست کرده بود که دایم اردست رفته بود» در خاطر ماند که ازین بوستان مردوستان را تحفه آورده و به وطنان کسانیکه بربان ملیح فارسی آشنائی دارند ارمغانی دهم»

مؤلف اسم‌ها را در مقدمه یا حاتمیه کتاب بیاورده اما در متن کتاب در ذیل شرح حال شعرا اسم کتبر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است.

- | | | |
|---|---|--------------------------|
| ۱- محله آئیده | ۲- محله ارمغان | ۳- محله ایران |
| ۴- محله بهار | ۵- محله دانشکده | ۶- محله بمکدان |
| ۷- محله بویههار | ۸- محله ایرانشهر | ۹- محله کابل (افغانستان) |
| ۹- روزنامه سیم‌شمال | ۱۱- روزنامه صوراسرافیل | |
| ۱۲- روزنامه طوفان | ۱۳- روزنامه بهار | |
| ۱۴- حریده «آوار تاجیک» (سمرقند) | ۱۵- حریده افغان | |
| ۱۶- کابون شعرا | ۱۷- حدایق السحر تألیف رشیدالدین و طواط مرتبه عباس اقبال | |
| ۱۸- سیاحت‌نامه - حواحه علام‌التقلین (هندی) | ۱۹- تاریخ ادبیات ایران - دکتر براون | |
| ۲۰- مطبوعات ایران ^۱ - دکتر براون | ۲۱- بحر محیط تألیف داش | |
| ۲۲- ناع بهشت - سید اشرف‌الدین | ۲۳- دیوان امیری | |

- ۲۴- دیوان عارف
 ۲۵- دیوان عشقی
 ۲۶- محرن لآلی- شهاب کرماشاهی
 ۲۷- منجیات آثار- محمدصیاهش ترودی
 ۲۸- گلهای ادب- میرزا حسین حان
 ۲۹- حردنامه حاودان - دکتر
 . اعلم الدوله ثقی
 ۳۰- لآلی ادب- چاپ ممشی
 ۳۱- فارسنامه مصری- شوریده شیرازی
 ۳۲- تحفة الحسیه - حسین قلی حان سلطان کله

ارحمه کتب فوق مؤلف ارمحله ایران و ارمعان از همه بیشتر استعاده کرده
 و اکثر مطالب و اشعار شعرا را از این دو محله نقل کرده است.

این تذکره مشتملست بر دو جلد - جلد اول د کرسی و سه شاعر و جلد دوم د کر
 پچاه و یک شاعر را بترتیب الفبا شامل است و بدین ترتیب تعداد کلیه شعرای این
 تذکره ۸۴ میباشند اما اسم خام پروین اعتصامی بعد از جلد اول در جلد دوم هم تکرار
 شده اس و بنا بر این عده کل شعرای این تذکره ۸۳ میباشند

در مورد علت این تکرار مؤلف در مقدمه جلد دوم به عاریسی چنین توضیح

داده اس

«شرح حال و موهبه اشعار حام پروین اعتصامی را در محلد ایل نگاشتیم ولی
 باقتضای زمان طبع تصویر خام را احارت نداشتیم . بهشت نابوای ایران و آزادی آنان
 ارقید پرده و حجاب با طبع این کتاب تصادف کرد و ما بهتر آن دیدیم که در این
 موقع عکس حام (پروین) را انتشار داده دیگر بار قسمتی از اشعار این خام داشمند
 را اردیوان او که ارحسن اتفاق در این موقع بطبع رسیده اقتباس و درج کنیم. تصویر
 حام پروین تا کنون در هیچیک از حراید و مجلات ایران و ممالک خارجه گراور
 نشده اس»

در جلد اول ذکر تنها یک نفر از شاعر (پروین اعتصامی) و در جلد دوم ذکر دو
 تن از ربان شاعر (پروین اعتصامی و حت فصل بهار حام ملقب بایران الدوله)
 آمده اس

۱- اما ذکر ملک الشعرا «بهار» را بحای ردیف «ب» در ردیف «میم» آورده است.

جلد اول کتاب با «ادیب پیشاوری» شروع شده با «یاسائی» پایان میپذیرد و جلد دوم با «آزاد» شروع شده با «یکتا» تمام میشود

بعضی مرایا و مختصات این تذکره برادریراسب

۱- شعرائیکه در این کتاب از آنها نام برده شده به دوره مشروطیت بعد تعلق دارند و از این حیث اولین تذکره بررگی است از شعرای حدید فارسی و میتوان آن را بهترین و جامع ترین تذکره شعرای معاصر قلمداد نمود.

۲- در ایران از دوره مشروطیت ساحتن تصایف و سرودها و غیره رواج یافته و تا حدی ادبیات ایران را شکل ادبیات اروپا در آورده است. بعضی از نصایفی که ملك الشعرا بهار ساخته و همچنین برخی از تصایف عارف قزوینی که بعقیده مؤلف بهترین نمونه از این قسمت شعر حدید فارس میباشد برای اولین دفعه در تاریخ شعر فارسی در این تذکره انتخاب شده است

۳- در دیل نام هر شاعر عکس او بر آمده است^۲ جلد اول عکس سی و دو تن شاعر و جلد دوم عکس پنجاه و یک تن شاعر و شاعره را شامل است که جلد اول تنها عکس خام پروین را علتی که در سطور فوق ذکر شد شامل نیست اما در جلد دوم عکس او هم آمده

۱- ظاهراً قبل از این تذکره چند تذکره دیگر نیز درباره شعرای معاصر فارسی (عصر پهلوی) تألیف شده است و لذا این کتاب را نمیتوان اولین تذکره شعرای فارسی حدید گشت اما این اولین تذکره بررگی است که در باره شعرای معاصر تألیف شده است و هیچکدام از تذکره های سابق نمیتواند از این حیث با این تذکره برابری و رقابت کند در سالی که جلد اول این تذکره چاپ شد (۱۳۵۱ هـ) تذکره دیگری نیز بنام «شعرای عصر پهلوی» ارمینی چاپ شد اما آن تذکره هم نمیتواند رقیب تذکره دکتر اسحق شود

۲- در این قسمت بر اولیت نصیب این تذکره نشده بلکه قبلاً نیز تذکره های ماسد تذکره محدیه تألیف میرزا ابراهیم مشی در صفر ۱۳۰۳ هـ در زمان ناصرالدین شاه با تمثال شعراء چاپ شده است.

- ۴- برای اولین دفعه در ادبیات فارسی مؤلف م‌های موسیقی را از بعضی شعرا آورده است. در حلد اول دوت موسیقی از حسام‌راده پارار گاد و در حلد دوم يك نت از امیری ادیب الممالك آورده است که در هیچ يك از تذکره‌های فارسی نیامده است
- ۵- مؤلف در انتخاب اشعار شعرا خیلی دقت ورزیده و سعی کرده است بهترین اشعار گویدگان معاصر را در این کتاب انتخاب نماید
- ۶- در حاشیه کتاب بعضی کلمات مشکل را مخصوصاً از فراسه که شعر فارسی حدید نکار میرود یا بعضی شعرا تعمداً در شعر خود آنرا آورده اند توضیح داده است. رجوع شود بنام روحانی علامر ضاص ۱۱۵ و ۱۲۲ و عشقی ص ۲۲۶ و ۲۳۴ و ۲۴۷ و قلمر ص ۲۹۰ و غیره.
- ۷- همچنین درباره اشاراتی به بعضی وقایع تاریخی که در بعضی اشعار شعرا آمده است در حاشیه شرح داده است. رجوع شود بنام اشرف الدین اشرف ص ۱۴۸ و ۱۵۰ و عارف قزوینی ص ۱۹۸ و ۲۰۴ و فرات ص ۲۸۷ و فرهنگ ص ۳۳۹ و ملك الشعرا بهار ص ۳۶۳ و (در حلد دوم) حکمت ص ۱۱۴
- ۸- درباره بعضی اسامی شعرا و نویسندگان و رهران و بررگان ملل که در بعضی اشعار شعرا آمده است در پاورقی توضیح داده است. رجوع شود به (جلداول) ملك الشعراء بهار ص ۳۶۱ و (جلد دوم) افسر ص ۳۲ نامداد ص ۶۹ و بیشتر ص ۸۱ و پژمان ص ۹۸ و ۱۰۲ و قلمر ص ۸-۲۹۷ و عارف قزوینی ص ۳-۱۹۲ و وحید دستگردی ص ۳۹۶
- ۹- مؤلف در ردیل شرح احوال اکثر شعرا اطلاعات ریر را درباره هر کدام از آنها ندست داده است. اسم و نسب و مولد و موطن و سال ولادت شاعر و تحصیلات و مشاغل ادبی و فرهنگی و سال وفات (در صورتی که وی فوت کرده باشد) و خصایص و پایه ادبی و عقاید بعضی ناقدین بررگ ایرار معاصر درباره او و آثار او و بهترین اشعار منتخب از او.
- ۱۰- مؤلف در ردیل مقدمه انگلیسی کتاب شرح حال مختصر پنهان و يك تن شاعری که در آن حلد از آنها نامرده شده است بر نان انگلیسی بیر آورده است

۱۱- مؤلف با اکثر شعرا ملاقات کرده و بعضی اطلاعات را از خودشان گرفته و در بعضی مسائل با آنان صحبت کرده است و همچنین شرح حال اکثر شعرا را یا از خودشان گرفته یا از بعضی محلات معتبر و مهم فارسی اقتباس کرده است و از این حیث شرح حال شعرا مورد اعتماد و اعتبار می‌باشد

۱۲- مؤلف در انتخاب اشعار سعی کرده است به فقط بهترین اشعار شاعر را در این تذکره گنجاند بلکه از انواع شعریکه شاعر در آن طبع آزمائی نموده است در این تذکره انتخابی را آن آورده باشد

۱۳- برای اولین دفعه مؤلف سابعمیده خودش شعر را سه طبقه تقسیم کرده است بقرار زیر.

اول- آنهاییکه بسبب و طرز قدما شعر می‌گویند و تقریباً مضامین گذشگان را تکرار می‌کنند مانند ادیب پیشاوری

دوم- آنهاییکه مضامین و افکار تازه را بهمان اورانی که اساتید زبان فارسی از متقدمین بدان شعر سروده‌اند بکار می‌برند و نمونه کامل این طبقه ملک الشعرا بهار بوده است.

سوم- آنهاییکه در تحدید خواهی افراط کرده و باوران حدیده قایل گردیده و بدان اشعاری سروده‌اند مانند عارف قزوینی و غیره

هر يك از طبقات فوق از روش و سبك دیگران انتقاد می‌کند ولی مؤلف بدون هیچگونه ملاحظه و نظری از هر طبقه قسمتی از اشعار را انتخاب کرده است تا خوانندگان این تذکره بدین وسیله کلیه اسلوب و سبک‌های متداول فارسی آشنا شود اما از طبعه احیرالدکر کمتر اشعار را انتخاب نموده است

مؤلف در مورد انتخاب شعرا در مقدمه جلد دوم چنین توضیح داده است.

«ما در انتخاب اشخاص نظر خاصی نداشته‌ایم و سعی کرده‌ایم کلیه شعرای معاصر را که در دیبای شعروادب نام و معروفی دارد در این کتاب (از آنان) یاد

کیم غالب این آقایان پیرو اساتید گذشته و ارطرفداران مکتب قدیم بشمار می آیند ولی سبک و سلیقه و استعداد و معلومات آنان بحکم عقل یکسان نیست. ما بدون اینکه اشعار این را با آن بسنجیم و آنرا بر این ترجیح دهیم بهترین اشعار هر یک را برگزیده و درج کرده ایم. ما همین قدر توفیق یافتیم که نام آنرا بر حریده عالم نگریم دیگر دوام آن وابسته باستحکام و استواری آثار آن است که تاجیه حد میتواند در مقابل حوادث ایام و تضاریف روزگار پایداری و مقاومت کنند.

مؤلف چنانکه خودش توصیح داده اس در باره مقام و پایه ادبی شعرای مد کور اظهار نظر بکرده و همچنین در مورد خوبی و بدی آثار آنان نیز نظر خود را نداده و آثار آنان را با یکدیگر مقایسه نکرده اس. علت اساسی این روش وی این بوده اس که وی نتوانسته است که از انتقاد خود یا ترجیح یکی بر دیگری موجبات اعتراض و دلخوری دیگران را فراهم آورد چنانکه خودش در پاورقی جلد دوم صفحه «و» نظیر چنین واقعه ای را ذکر نموده اس که محمد ضیاء الدین هشترو دی در «منتحبات آثار» (تذکره شعرای معاصر) خام پروین را بر شعرای دیگر برتری نهاده بود. ما بر این از طرف بعضی شعرامورد اعتراض واقع گشت.

ما بر این مؤلف مینویسد که وی پس از عور و استقصاء در آثار شاعر بهترین اشعار او را برگزیده و در دسترس اهل ذوق و ادب گذارده و مقایسه و داوری را بعهده آنان محول داشته اس چون در این کتاب از سخنوران عصر حاضر سخن را نداده است مؤلف سر او را تر آن دید که بحث انتقادی را به دیگران واگذار کند.

شرح حال شعرا اکثر مفصل و حاوی اطلاعات لازم در باره زندگی آنان میباشد مخصوصاً شرح حال شعرای ریر را مفصل تر از دیگران آورده است. **جلد اول** ادیب پیشاوری (۲۶ ص) و دهجد (۱-۴ ص) و عبدالعظیم قریب و فرحی یردی (هر کدام در ۳ ص) و بهار (۱-۲ ص) **جلد دوم** افسر (۳ ص) و نصرت اله کاسمی و وثوق الدوله و حمید دستگردی (هر کدام در ۲-۲ ص) و و بهر فته مؤلف شرح حال دهجد را از سایرین مفصل تر آورده است.

همچنین اشعار شعرا را معمولاً مفصل آورده است اما در دیل نام شعرای زیر اشعار آنان را اردیگران مفصل تر آورده است **جلد اول** ایرح میرزا ۱۶ ص و پروین ۱۱ ص (و در جلد دوم ۱-۴ ص) ورشید یاسمی ۱۲ ص و روحانی غلامرضا ۲۱ ص و اشرف ۲۳ ص و عارف قزوینی ۲۵ ص و عشقی ۳۰ ص و میرزا حسین خان صمیعی ادیب السلطنه عطا ۲۳ ص و فرح حراسانی ۱۶ ص و ملک الشعراء بهار ۳۴ جلد دوم افسر ۱۱ ص و امیری ادیب الممالک ۱-۱۳ ص و دانش طهرانی و ریحا و سرمد و شهریار و عبرت نائینی و مسرور و نصرت کاسمی (هر کدام در ۱۱ ص) و قلم ۱۰ ص و شعاع الملک ۱-۱۱ ص و وحید دستگردی ۱۲ ص و و توق الدوله و یکتا (هر کدام ۱-۱۴ ص) رویهم رفته اشعار ملک الشعراء بهار و عسفی را از سایر شعرا مفصل تر آورده است

گاهی درباره بعضی شعرا عقیده علامه محمد قزوینی را بشمدم معروف و بررنگ ایران را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام دهجدا (ص ۷۶).

در دیل نام عارف عقاید خودش را درباره بعضی اشعارش ذکر نموده است که اهمیت و موقعیت آن را تأکید میکند (رجوع شود به صفحه ۱۹۴ و ۱۹۷).

در دیل نام دهجدا بعضی عبارات را از کتاب «امثال و حکم» وی (نشر) نقل کرده است همچنین در دیل رباعی (حاج میرزا محمد حسن قریب) اشعار عربی و ایرانی را در دو صفحه آورده است

در مورد بعضی شعرا مؤلف توضیح داده است که با وجود بهایب تلاش و کوشش به تهیه آثار آنان توفیق نیافته است اما در آن جمله مرحوم صوری ملک الادب و مؤید نائینی حراسانی و بیداری کرمانی و بیما و دکتر فلسفی نائینی و جعفر حامه و گفته که شاید رساله ای جداگانه برای تکمیل این تذکره انتشار دهد^۱

مؤلف در مقدمه جلد اول بعضی انتقادات مفید بر زبان ادبیات امروزه فارسی کرده است که اکثر مسمی بر حقیقت و در عین حال بسیار سودمند میباشد اینک قسمتی از آن اینجا نقل میگردد

۱- مؤلف طاهر آ تاکنون هیچ رساله ای در این باب چاپ نکرده است .

« انقلاب سیاسی ایران در تبدیل سلطنت استبدادی بحکومت مشروطه که اراپدای ربع دوم قرن چهاردهم هجری شروع گردید تا حدی ادبیات این مملکت را متقلب نمود . قصاید بلند (و) بالا که متضمن مدایح سلاطین و امراء و مملو از چاپلوسی های نیمه مورد بود اربین رقت و افکار آزادی خواهی و اصلاح طلبی حایگین آن شد . غزل های عاشقانه که بمعینه بعضی تاحدی موجب فساد اخلاق اجتماعی میگردد بقطعات اجتماعی و اخلاقی مدلل شد . اراهمیت صنایع لعلی که بعداً بتذال رسیده بود کاسته گردید و توجه بمعانی و مصامین دلشیں بیشتر شد . نویسندگان نیز سهم خود اارویه سابق دسب کشیده و در نگارش و تحریر اسلوب ساده تری را اختیار کردند و بیشتر در طریق تحقیق و انتقاد قدم گذاشتند ولی این انقلاب ادبی معایبی بیر در برداشت که شاید اگر بدقت سحیده شود باید گفت 'دبیات ایران درین معامله چندن سودی نرده است .

« امروز اصطلاحات و الفاظ اروپائی مخصوصاً لغات فرانسه بشدت هر چه تمامتر در ادبیات و زبان ایران داخل شده و رور برور مردمانه آن الفاظ افروده میشود . ادباء و نویسندگان ایران هم که حقاً تا کور نگاهان و حافظ زبان فارسی بوده اند این الفاظ را در اشعار و نگارشات خود بدون کمترین ملاحظه ای بکار میبرند و حتی بعضی حقیقه تعمذ میکنند

« کتب و معالات محتلهه ای که در ایران بطع میرسد عموماً ارا السنه بیگانه ترجمه میشود و گذشته ارا اینکه الفاظ خارجی در خلال هر سطری نمایاست چه سا ترکیب حملات و عبارات بیر اروپائی است و کمتر نویسنده ای دیده میشود که ارا این طرر نگارش احتناں حوید

« این رویه و سلیقه طبعه ادبا در سایر طبقات محتلهه بیر اثر خود را بخشیده و کمتر سحصی دیده میشود که در گفگوی رورانه کلمات اروپائی (را) بکار برد و رافم این سطور هر گاه اربردیک ندین قسمت توجه نمیکردم بیانات علامه فاصل میر را می محمد خان قزوینی مدظله را که در این موضوع هموطنان خود را شدت مورد اعتراض

قرارداده اند^۱ باور نکرده و نمیتوانست تصور کنم که ادبای ایران بدست حویش تیره بر ریشه زبان خود میزنند و در فنا و اضمحلال این زبان شیرین ادبی میکوشند. در زبان فارسی مثل است که بطرفدار دلسور و با حرارت تر از صاحب کار (را) «کاسه گرمتر از آتش» میگویند. اینک دلسوری من هم بسبب زبان فارسی این مصداق را پیدا کرده و حتی ممکن است موجب رنجش بعضی از ادبای ایران را فراهم سازد. پس بهتر است بدین مختصر قناعت نموده و از این موضوع بگذریم»

سك مؤلف ساده و عاری از تكلف و بضع است و تقریباً همه حامؤلف زبان فارسی امروزه را مبارک کرده است و از این حیث در شرف قاره هندوپاکستان اولین کسی است که تذکره ای بر زبان فارسی جدید تألیف نموده است

رو به مرتفع نظر مریا و حو بیهای مذکور در سطور فوق این تذکره را میتوان یکی از چند تذکره خوب فارسی حساب کرد زیرا در بین تمام تذکره هائی که در هندوستان و پاکستان تا حال تألیف شده است این تذکره در موضوع خود از همه بهتر و جامع تر و مفصل تر و بمثابة سرمشق و نمونه والا ئی است که در آینده تذکره نویسان شرف قاره هند پاکستان (خصوصاً) و سایر کشورها (عموماً) باید از آن بیروی و تعلید نمایند تنها نقصی که در این کتاب دیده میشود فقدان بعد ادبی است که اگر مؤلف ترس و رنجش شعرا و ادبای ایرانی را بداند و باین قسم هم توجه و دقت نموده بود این تذکره در موضوع خود بی نقص و عیب و با حال بی نظیر و نابی بود اما بعلت همین يك نقص این کتاب را نمیتوان از حیث فن تذکره نگاری بی عیب و کامل قلمداد نمود

فهرست اسامی شعرا

جلد اول

- | | |
|----------------|-------------------------|
| ۱- ادیب پشاورى | ۲- ادیب بيشابورى |
| ۳- ایرح میرزا | ۴- بدیع الزمان فروزانگر |

- ۵- پروین اعتصامی
۶- پروین اعتصامی
۷- حبیب یعمائی
۸- حسام راہد
۹- دکتر محمود خان افشار
۱۰- دھجدا
۱۱- رشید یاسمی
۱۲- رعدی
۱۳- روحانی غلامرضا
۱۴- سالار شیرازی
۱۵- سید اشرف الدین
۱۶- شاب کرما ساهی
۱۷- شوریدہ سیرازی
۱۷- عارف قزوینی
۱۹- عبد العظیم قریب
۲۰- عشقی
۲۱- عطا (ادیب السلطہ)
۲۲- عمام
۲۳- فرات
۲۴- فرح خراسانی
۲۵- فرحی یردی
۲۶- فروعی
۲۷- فرهنگ
۲۸- کمالی اصفہانی
۲۹- محمد کسمائی
۳۰- ملک الشعراء بہار
۳۱- نادری
۳۲- نصرالہ فلسفی
۳۳- یاسائی.

جلد دوم

- ۱- آزاد
۲- آیتی
۳- احمدی
۴- ادیب راہد
۵- ادیب طوسی
۶- افسر
۷- امیری
۸- اورنگ
۹- نامداد
۱۰- بیضائی
۱۱- بیش
۱۲- پروین اعتصامی
۱۳- ترمان
۱۴- حلیلی
۱۵- حامی حنف
۱۶- حکم

- | | |
|--------------------|---------------------|
| ۱۷ - دانش اصفهانی | ۱۸ - دانش تهریری |
| ۱۹ - دانش حراسانی | ۲۰ - دانش تهرانی |
| ۲۱ - دانش کرمانی | ۲۲ - دواب |
| ۲۳ - دهقان | ۲۴ - ربانی |
| ۲۵ - ریحان | ۲۶ - سرمد |
| ۲۷ - سرود | ۲۷ - سا |
| ۲۹ - شجره | ۳۰ - شعاع |
| ۳۱ - شفق | ۳۲ - شهریار |
| ۳۳ - صدر | ۳۴ - صورتگر |
| ۳۵ - عرت | ۳۶ - فرا=رزى |
| ۳۷ - قلم | ۳۸ - گرامی تهریری |
| ۳۹ - لاهوتی | ۴۰ - مایل تویسرکانی |
| ۴۱ - محتشم السلطنه | ۴۲ - مسرور |
| ۴۳ - ناصح | ۴۴ - بصرت (کاسمی) |
| ۴۵ - بطام وفا | ۴۶ - بیاری |
| ۴۷ - وثوق | ۴۸ - وحید دستگردی |
| ۴۹ - هادی حایری | ۵۰ - یحیی |
| ۵۱ - یکتا | |

چاپ

جلد اول چاپخانه جامعه دهلی سال ۱۳۵۱/هـ ۱۹۳۳م - مؤلف این جلد را نام دانشگاه کلکته عنوان کرده است

جلد دوم چاپخانه جامعه دهلی سال ۱۳۵۵/هـ ۱۹۳۷م - مؤلف این جلد را نام نیاما برشادمکر حی رئیس دانشگاه کلکته عنوان کرده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به استوری ج ۱ ق ۲ ص ۹۲۱ و ارمغان ج ۹ ش ۷ ص

- ۴- بوران دخت نامه مجموعه اشعار استاد پورداود نثر تیب و اهتمام و ترجمه انگلیسی بوسیله دشاحی چاپ بمبئی ۱۹۲۸ میلادی
- ۵- اخلاق ایران باستان چاپ بمبئی ۱۹۳۰ م و تهران ۱۹۳۲ م.
- ۶- فلسفه ایران باستان چاپ بمبئی ۱۹۳۳ م
- ۷- شعرای عصر پهلوی. تذکره مورد بحث
- همچنین مؤلف عده ای از کتابهای فارسی را که شامل بر نامه دانشگاه بمبئی بوده بانگلیسی ترجمه کرده است
- در این تذکره که مؤلف بسال ۱۹۳۳ میلادی (= ۱۳۵۱ هـ) تألیف نموده است اشعار مستحب شعرای عصر پهلوی را با ترجمه انگلیسی آورده است و همچنین شرح حال آنها را نیز بر زبان فارسی با ترجمه مختصر انگلیسی آورده است

چاپ

جلد اول این کتاب درد کر ۹۸ شاعر از بمبئی در ۱۹۳۳ (= ۱۳۵۱ هـ) چاپ شد

تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر

یا

ایران صغیر

ابتدا

« پنج سال پیش مقالاتی حد دربارہ شعرای کشمیر نوشتم »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف خواجه (دکتر) عبدالحمید و حلص وی عرفانی اس و اسم پدرش خواجه محمد دین اس که شعل تجارت داشت مؤلف رور ۴ نوامبر سال ۱۹۰۷ م (= ۱۲۷۷)

رمضان ۱۳۲۵ هـ) در دهکده معلان والی واقع در چهارمیلی جنوب شهر سیالکوت بدیا آمد
اجداد وی اصلاً اهل کشمیر بودند و از آنجا سرزمین پنجاب مهاجرت کرده در حوالی
شهر سیالکوت رحل اقامت افکندند. دکتر عرفانی تازه دوره دستان را در مدرسه کوتلی
امیر بیایان رسانیده بود که پدرش فوت کرد و وی بعد از فوت پدر بشهر چکوال رفت و
در پیشرو عمویش سر بردودر ۱۲۹۵ = ۱۳۳۴ هـ در مدرسه عالی دولتی چکوال دوره متوسطه
را تمام کرد و دو سال اول دانشکده را در دانشکده صادق احر تن^۱ به تحصیل پرداخت و
دوره ماقبل لیسانس (اف.ای) را آنجا بیایان رسانید و بالاخره در سال ۱۹۲۹ = ۱۳۴۸ هـ
از دانشکده پرنس آف ولز^۲ حمولیسانس گرفت و سپس دوره فوق لیسانس فارسی را
از دانشکده اسلامیة لاهور (دانشگاه پنجاب) در ۱۹۳۱ = ۱۳۵۰ هـ و دوره فوق لیسانس
انگلیسی را در ۱۹۴۲ = ۱۳۶۲ هـ بیایان رسانید و در ۱۹۵۶ = ۱۳۷۶ هـ ناخذ دکترای
فارسی از دانشگاه پنجاب لاهور بایل آمد

در سال ۱۹۳۱ = ۱۳۵۰ هـ دکتر عرفانی وارد اداره فرهنگ بلوچستان شده و در
مدرسه عالی کویت مشغول تدریس انگلیسی شد در سال ۱۹۴۵ = ۱۳۶۵ هـ وی بمأموریت
فرهنگی انتخاب شده بایران آمد و مدتی در ایران تدریس انگلیسی پرداخت و در اوایل
سال ۱۴۹۷ = ۱۳۶۷ هـ به کویت مراجعت نموده مشغول تدریس در دانشکده کویت شد و
مدتی سمب نارسی فرهنگ شهرستان سینی و سپس معاونت دانشکده کویت را بعهده داشت
در آوریل ۱۹۴۹ = ۱۳۶۹ هـ دکتر عرفانی بعنوان وابسته مطبوعاتی پاکستان
دوباره بایران آمد و در ۱۹۵۹ = ۱۳۷۵ هـ بعد از شش سال پاکستان مراجعت نمود و آنجا
اداره محله «هلال» فارسی را که از طرف وزارت اطلاعات و مطبوعات منتشر میشود
بعهده داشت سپس در آوریل ۱۹۵۸ = ۱۳۷۸ هـ وی بعنوان وابسته فرهنگی پاکستان
برای دفعه سوم بایران آمد و همور همان سمت را بعهده دارد

دکتر عرفانی بار دو و فارسی هر دو شعر میسرآید و مجموعه ای از رباعیات فارسی

وی بنام «حدیث عشق» از تهران منتشر شده است و همچنین وی مجموعه «ضرب کلیم» اقبال (لاهوری) را از شعر اردو به شعر فارسی ترجمه کرده است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- رومی عصر- شرح حال و آثار اقبال لاهوری- چاپ کتابفروشی معرفت تهران

۱۳۳۲ ش

۲- داستانهای عشقی پاکستان چاپ- ابن سینا ۱۳۴۰ ش ر ۱۳۸۱ هـ

۳- تذکره شعرای پارسی گوی کشمیر یا ایران صغیر تذکره مورد بحث- چاپ

تهران ابن سینا ۱۳۳۵ ش .

۴- حدیث عشق یا رباعیات عرفانی- چاپ تهران ۱۳۳۳ ش

۵- اقبال در نظر اربابها- چاپ اقبال کادمی ۱۹۵۷ میلادی

۶- شعرای معاصر فارسی- چاپ وزارت فرهنگ پاکستان عربی لاهور ۱۹۵۷ م

۷- فارسی امروز- بهر بان اردو و انگلیسی و فارسی- چاپ لاهور سال ۱۹۵۶ م

۷- ترجمه فارسی ضرب کلیم اثر اقبال لاهوری بر بان اردو- چاپ اقبال کادمی

۱۹۵۷ م

۹- ترتیب و تألیف کتب فارسی برای سال اول و دوم و سوم دبیرستانها مشتمل

بر منتخباتی از کتب محصل فارسی

۱۰- شرح حال و آثار ملک الشعرا بهار- رساله دکترای فارسی مؤلف- چاپ

ابن سینا تهران ۱۹۵۷ م

۱۱- شرفارسی در دو حلد (ریر چاپ)

۱۲- نوای سرمد- چاپ تهران ۱۳۴۱

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در حدود ۱۳۳۴ هـ نوشته است سال تألیف را خودش ذکر

نکرده است اما در مقدمه‌های دکرتر صا زاده شفق و دکرتر ناطرزاده کرمانی سال ۱۳۳۴ دکر شده است .

در مورد سبب تألیف مولف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است .
 «پنج سال پیش مقالاتی چند درباره شعرای کشمیر نوشتم که در روزنامه های مهر ایران و بهرام منتشر شد و مورد توجه بعضی دانشمندان ایران قرار گرفت .
 مرحوم ملك الشعراء بالخاصه اراينجا ب تشويق نموديد و خواستار شدند كه رساله (اى) راجع بشعراى كشمير براى استعاده برادران ايرانى و شعر دوستان هند و پاكستان منتشر كنم . بعلت گرفتاريهاى گوناگون ادارى و در دسترس نبودن آثار بعضى ار شعراى كشمير نتوانستم اين كار را انجام دهم تا شايد اين شرح مختصر بعضى ارداشمندان و نويسندگان ايران را تحريك نموده و ادار تا تأليف كتابهاى مفصل ترو جامع ترى در اين باره نمايد» .

تنها كتابى كه مؤلف اسم آورده ديماچه آورده است و بقول خودش «براى اخذ اطلاعات تاريخى» از آن استعاده نموده است «تاريخ كشمير» تأليف استاد صوفى است ولى در متن كتاب اسم كتابهاى رير را دكر نموده است كه در تأليف اين كتاب ار آنها هم استعاده کرده اس^۱ .

- ۱ - تذکره سرحوش (رحوع شود به نام غنى) .
- ۲ - تذکره بصر آبادى (رحوع شود به نام غنى)
- ۳ - رياض الشعراى داغستانى (رحوع شود به نام حویا) .
- ۴ - صبح گلشن (رحوع شود به نام حویا) .
- ۵ - میحانه عبدالنسی قروینی (رحوع شود به نام ملاذهنی و اوحی)
- ۶ - حرا به عامره (رحوع شود به نام رافع)
- ۷ - شرح احوال و آثار حویا تألیف دکرتر محمد ناقر (رحوع شود

۱ - ناگفته بماند كه بعضى مدرحات اين كتاب ار (ارمعان پاك) تأليف آقاى محمد اكرام گرفته شده است

سپس مختصری در باره شعر فارسی در کشمیر و تقسیم بندی اشعار آورده است.

در این رساله مختصری که تماماً صدو و شش صفحه دارد مؤلف اشعار و شرح حال حال دو شاعر نام غنی و حویاراً تقریباً در نصف کتاب (در نود و سه صفحه) آورده است که مفصل تر ار همه میباشد. شرح حال غنی را در سه صفحه و اشعارش را در چهل و یک صفحه و شرح حال جو یاراً در چهار صفحه و اشعار منتخب وی را در چهل و سه صفحه آورده است

در دیل نام عبدالوهاب پارسی مؤلف تنها بتقل شرح حالش اکتفا نموده و هیچ شعری اروی نیاورده است

همچنین در دیل نام شعرای ریر تنها اشعازی منتخب آنها را نقل کرده و شرح حال هیچیک را نیاورده است ملا نامی و ملا حمید و پاندیت بیربل کاجرو و ارسته و پاندیت بهوانی داس نیکو.

مؤلف در تألیف این کتاب ارماً حد مهم دیگر که در صورت بهره برداری ار آنها ارزش این کتاب بمراتب بیشتر میشد استفاده نکرده ولی چنانکه خودش در مقدمه توضیح داده است منظورش ار تألیف این رساله تحریک و وادار نمودن دانشمندان و نویسندگان ایرانی بوده است تا آنها کتابهای مفصل و جامع تری در این موضوع تألیف نمایند

سک مؤلف ساده و حالی از تصنع و تکلف است و ایر کتاب را به فارسی امروز

نوشته است

فهرست اسامی شعرا

- ۱- غنی کشمیری ۲- حویای تریری
- ۳- شیخ یعقوب صرفی ۴- ملا حسین فانی
- ۵- حاجی اسلم سالم ۶- بابا خانگی

(۱) $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$ $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$ $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$

۴۱۹۲۹ در بزمیت خیمه و دارد دایره ای و از اوایل علاقه علی تدریس و نگار تعلیم و نگار تعلیم

فیض

سجیوی و دیو در ۱۹۵۴ = ۱۳۷۳ هجری قمری

[illegible]

مؤید و معزز کننده این روش است. در این روش، به جای آنکه دانشجو در یک کلاس درس، به صورت انفرادی یا گروهی، با یک موضوع خاص مواجه شود، او در یک محیط واقعی، با یک مسئله واقعی مواجه می‌شود. در این روش، دانشجو با استفاده از مهارت‌های خود، به حل مسئله می‌پردازد و در فرآیند حل مسئله، به یادگیری می‌پردازد. این روش، به دانشجو کمک می‌کند تا به یادگیری عمیق‌تری دست یابد و به یادگیری خودمختار و مستقل دست یابد. این روش، به دانشجو کمک می‌کند تا به یادگیری عمیق‌تری دست یابد و به یادگیری خودمختار و مستقل دست یابد.

የግዴታ ምክር ቤቱ ስራ ላይ ለመግባቱ ምክር ቤቱ ስራ ላይ ለመግባቱ

[illegible][illegible]
$$1407 = 1998 \text{ (دوسری سال)} \text{ کا جنسیں } 140 = 1991 \text{ سال سے پہلے}$$
[illegible]

۱۳۳۳ = ۱۳۸۶ سال شمسی در سال ۱۳۳۳ خورشیدی بود

۵۱ و شود گشودن چشم بر لای و آشمن و معز و خانوادہ ملک در یک سنگ بودی

در قفسه ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ = ۲۹ + ۹۸ سال اول در ادبیات وی

اسم مؤلف (دکتر) حسن میرزا بن لای و تخلص او ندیر و اسم پدرش میرزا

سیرت

ملفوظات

کتابخانه فارسی زبان پست و راه ران در داری بود «

۱۲۱

နတ်၊ ဂြိုဟ်၊ အင်္ဂါ၊ နဂါး၊

گردید در سال ۱۹۳۶م = ۱۳۵۵هـ وی وارد کادرسفارت بریتانیا در کابل شده مدتی سمت منشی را بعهده داشت و در ۱۹۴۲م = ۱۳۶۱هـ در آکادمی نظامی (دانشگاه نظامی) دهرادون معلم شد. سپس در ۱۹۴۶م = ۱۳۶۶هـ بکلکته رفته مدتی بعنوان منشی^۱ سیاسی میرزا ابوالحسن اصفهانی (باررگان معروف چای که اصلا ایرانی اس) در شرکت سهامی ام-ای اصفهانی کلکته استخدام شد و قبل از تشکیل پاکستان برای گذراندن تعطیلات بوطن خود که در پاکستان فعلی قرار داشت رف اما بعلت زد و حوردد شدید و طولی که بعد از تقسیم شه قاره هندوستان روی دا- نتواس بکلکته که جری هندوستان یا بهارت اعلام شده بود بر گردد و ناچار دوباره بتعلیم و تدریس مشغول شده در دانشکده دولتی پیشاور دبیر^۱ فارسی شد.

در اواخر سال ۱۳۳۴ ش وی بدعوت دانشگاه تهران بایران آمد و در سال ۱۳۳۶ ش ار دانشکده ادبیات د کترای ادبیات فارسی گرفت موضوع رساله د کترای او «شعرای فارسی ربان پیشاور» کتاب مورد بحث ما بوده که وی براهنمای استاد ار حمند آقای د کتر حسین خطیبی تهیه نموده و بعد ار اخذ د کتری پاکستان مراحت نمود و دوباره در دانشکده اسلامیة پیشاور بعنوان دبیر^۲ فارسی مشغول^۱ تدریس شد. ایک در دانشکده مر نور در شعبه فارسی همان سمب دبیری فارسی را بعهده دارد

د کتر برلاس در میاں شعرای جدید اردو مقام خاصی دارد و در قسمت شمال غربی پاکستان جزو مؤسسن نهضت شعر نو محسوب میشود و همچنین وی در قسمت سرحد (شمال غربی پاکستان) در راه پیشرف ربان اردو و خدمات بسرائی انجام داده و دایره ادبیه (اردو) پیشاور را تشکیل داد. وی ار اعضای فعال احمن ترقی اردو (پیشاور) و دبیر کل احمن مر نور میباشد و اداره محله ادبی دولتی «تعلیم نو» و ماهنامه ادبی دانشکده اسلامیة پیشاور نام «خیر» را بر بعهده ارد

مجموعه ای ار اشعار اردوی او بام «طرح نوع» در سال ۱۹۴۲م = ۱۳۶۱هـ بطبع

رسیده است .

همچنین وی چند کتاب درسی هم به فارسی تألیف نموده است.

تبصره بر کتاب

حاصله درسطور فوق گذشت مؤلف این کتاب را سال ۱۳۳۶ ش = ۱۳۷۷ هـ
عنوان رساله دکترای ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات تهران ترتیب
داده است.

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است:
«مدتی بود آرزو داشتم راجع شعرای فارسی پیشاور کتابی تدوین کنم . .
در سه سال پیش آقای دکتر خطیبی با هیئت فرهنگی ایران به پیشاور تشریف آوردند
در پذیرائی هیئت مرور حشنی محل و جلسه شعری ارطرف میان جعفر شاه (وزیر
فرهنگ شهرستان 'سرحد در آبرمان) گرفته شد که در آن شعرای معاصر فارسی
ربان پیشاور شرکت کردند خوشحالی و خوشنودی خویش را که ورود میهمانان
عزیز نصیب شده بود در این مراسم پذیرائی ربان شیرین شعر فارسی بیان
کردند این جلسه شعری این قدر اثر خوب در میهمانان عزیز ما بجا گذاشت که
یس اردو سال چون بدعوت دانشگاه تهران از طرف در لب پاکسان برای تحصیلات
ربان و ادبیات فارسی (به) تهران آمدم و با آقای دکتر خطیبی راجع موضوع رساله
خود مشورت کردم ایشان بیاد آوردن اطرات آن جلسه پر شور ادبی موضوع شعر
فارسی در سرزمین پیشاور را بمن پیشهاد کردند و این پیشهاد مطابق ذوق و آرزوی
قلبی من بود»

مؤلف در ابتدای کتاب اسم مادر را که از آن در تألیف این کتاب استفاده کرده
اسم یاد کرده است

۱- مـطـور مؤلف ایـچـا «استان» سابق شمال غربی پاکستان است و وی اشتباهاً کلمه «شهرستان»
را بجای استان بکار برده است.

الف- کتب تذکره و تنقید و تاریخ

- ۱- ادبیات سرحد (جلد اول) تألیف میرزا رضا همدانی که در ۱۹۵۳ م/ارطرف مکتبه نو قصه خوانی پیشاور طمع و منتشر شد.
- ۲- ادبیات سرحد (جلد سوم) تألیف سید فارغ بخاری چاپ در ۱۹۵۵ م در مکتبه فوق.
- ۳- روح اقبال تألیف دکتر یوسف حسین خان چاپ حیدر آباد دکن.
- ۴- اٹک کی اس پار (اردو) تألیف دوست محمد خان کامل ام - ای چاپ دارالاشاع پیشاور.

ب- کلیات و دواوین و آثار منظوم دیگر

- ۵- کلیات خوشحال خان - سحہ خطی متعلق بکتابخانه دانشگاه پیشاور
- ۶- کلیات خوشحال خان - چاپ عبدالخالق تاجر کتب قصه خوانی پیشاور
- ۷- کلیات قاسم علیخان آفریدی - سحہ خطی کتابخانه دانشگاه پیشاور.
- ۸- دیوان قصاید و غزلیات ادیب پیشاوری باتحشیه و تعلیقات آقای علی عبدالرسولی چاپ تهران ۱۳۱۲ ش
- ۹- کلیات رعنا کاظمی - سحہ خطی بخط خود شاعر متعلق بکتابخانه شخصی آقای سمل بخاری
- ۱۰- منتخبی از کلیات رعنا - سحہ خطی بخط خود شاعر در تحویل سید فارغ بخاری.
- ۱۱- دیوان «سور بیدل» - کلیات اردو و فارسی میرزا دلاور خان بیدل - چاپ ۱۹۳۲ م
- ۱۲- ۱۷- کلیات سید حگر کاظمی و محمد شاه برق و ملک ناصر علیخان ناصر و سید ضیا جعفری و سمل بخاری و رضا همدانی - سحہ خطی.
- ۱۸- «رگ مینا» کلیات شعر اردوی میرزا رضا همدانی - چاپ مکتبه نو قصه خوانی پیشاور ۱۹۵۶ م

[illegible]

20/10/2024

[illegible]

2- စံပြစောင့်ရှောက်

فصل اول (۸-۲۱) - سیر تطور زبان و شعر فارسی در پیشاور از قدیمترین

زمان تا امروز در ذیل عناوین زیر

- ۱- مقدمه در تاریخ شهر پیشاور (ص ۸-۹)
 - ۲- وضع محلی شهر پیشاور (ص ۹-۱۷)
 - ۳- اوضاع سیاسی پیشاور در این دوره (۱۷-۱۸)
 - ۴- دوره شعر فارسی معاصر در پیشاور (۱۹-۲۱)
- ## فصل دوم (ص ۲۲-۳۳) - تاثیر و نفوذ اوضاع اجتماعی ایران در شهر پیشاور

در ذیل عنوان های زیر

- ۱- زبان و لهجه های تکلم شهر پیشاور (۲۲-۲۳)
- ۲- خانواده های قدیم ایرانی (ص ۲۳-۲۶)
- ۳- لهجه های پیشاور که تاثیر اوضاع اجتماعی را نشان میدهد (ص ۲۴-۲۷)

۴- دیگر لغات و اصطلاحات ایرانی در لهجه محلی (ص ۲۷-۳۰)

۵- شعر در لهجه پیشاوری سی حرفیها^۱ (ص ۳۰-۳۳).

فصل سوم (ص ۲۴-۵۶) - محتصات شعر فارسی در شهر پیشاور در ذیل عناوین زیر

- ۱- مقدمه (ص ۳۴-۳۵)
- ۲- مشحصات شعر فارسی در شهر پیشاور (ص ۳۵-۵۶) بعنوانهای ذیل:
- ۱- انواع شعری - قصیده^۲ (ص ۳۶-۴۳)

۱- مؤلف در باره «سی حرفیها» (در ص ۳۱) چنین توضیح میدهد (این منظومات در

لهجه پیشاوری مورد هجائی است و مربوط بعروض عربی نیست، و دو «سی حرفی» را ارسائین احمد علی ما ترجمه در ص ۳۱ و ۳۲ نقل کرده است

۲- معلوم نیست چرا مؤلف اینجا تنها در باره قصیده بحث کرده است در صورتیکه

شعرای پیشاور انواع دیگر شعر مانند غزل و رباعی و مثنوی و قطعه نیز سروده اند و مؤلف در ذیل آثار آبان اشعاری را از این انواع شعر نقل کرده است

[illegible]

(၁၂၃၄၅၆၇၈၉)

وہی

[illegible]

(1410, 1411)

১৯৬৬

$\frac{1}{\sqrt{\pi}} \quad \omega^{\frac{1}{2}} \quad 1 \quad -1 \quad 1$

(၁၅၁၃၃၆၃၆၆၆)

595

ကျေးဇူးတင်ရန်

[illegible]

(1221-70418)

$\frac{1}{2} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{4}$

(0.11 - 0.14)

၂၀၁၅ ခုနှစ်

و

[illegible]

(• 221-63410)

අ-මාලිකා තීරණය 18-37 $\frac{1}{2}$ වර 3 වර 1 වර සිදු කළ බවට

(1111-63210)

[illegible]

(11-00110)

[illegible][illegible]

است | و در | ای شی | کی | مؤلف | قس

စောဗိမ္ဗိယ(၁၇၈၀-၁၈၀၁) - ညောင်တုန်းမြို့နယ်၊ ရွှေဘိုမြို့နယ်၊ ရွှေဘိုမြို့နယ်၊ ရွှေဘိုမြို့နယ်

(၁၀-၂၃) မိုးရာသီ ၁၉၆၆ ခုနှစ်၊ ဧပြီလ ၁၀ ရက်နေ့၊ ရန်ကုန်မြို့၊ ရန်ကုန်တက္ကသိုလ်၊ ရန်ကုန်တက္ကသိုလ်၊ ရန်ကုန်တက္ကသိုလ်။

و جزیئی | مجموعہ و شعریں اور ادبی و رفاقی و معیشتی و تعلیمی مسائل - ۲

مؤلف از شش نفر شاعر آحر که همه آنها بقول اودر قید حیات هستند منتحبات
معصل تری اراقسام متنوع شعر آورده است و این رو معلوم میشود که وی سعی کرده
است آنها را بوسیله کتاب خود بیشتر بشناساند.

د کتر برلاس در فصل سوم بحث معصلی در باره مختصات شعر فارسی در پیشاور
آورده است که بسیار مفید و ارزنده است اما (چنانکه در حاشیه ۲ ص ۶۹۰ تذکره داده شد)
معلوم نیست چه سبب در دیل انواع شعری تنها قصیده را ذکر کرده است در صورتیکه
شعرای پیشاور اقسام دیگر شعرا را ببردند و مؤلف در این کتاب از آنها اقسام متنوع
شعرا نقل کرده است

در صفحه ۴۰۵ این رساله عبارت دیل آمده است

«بعد از دوره ادیب پیشاوری شعر فارسی در پیشاور بیش از پیش رونق گرفت
چنانکه بلافاصله بنام عده ای از شعرای نامدار دیگری مانند سائین احمد علی - سید
مسحودی شاه حاد - غلام حیدر مسگر - میرزا دلاور خان بیدل - برق گجوی
(پیشاوری) - قاصی محمد عمر خان قزاروچی - میان محمد حالص مکی - سید جگر
کاظمی - میر عباس میر - محمد شاه برق - پروفیسور عبدالرحیم سید شیرازی و حصر
علیحان بر میخوریم. این شاعران به دوره دوم شعر فارسی در پیشاور متعلق اند و
از میان آنها قاصی قزاروچی - سید جگر کاظمی و محمد شاه برق هنوز در قید حیات و
سرودن شعر فارسی مشغول اند»

اما معلوم نیست چه سبب مؤلف از میان شعرای فوق تنها بذکر دلاور خان بیدل
و سید جگر کاظمی و سید محمد شاه برق پرداخته و ذکر بقیه شعرا را در این کتاب
بیاورده است در صورتیکه بقول خودش یکی از آنها نام قاصی روحی همور «در قید
حیات و بسرودن شعر فارسی مشغول» است

همچنین در صفحه ۵۱۵ این کتاب مؤلف می نویسد

«علاوه بر سه شاعر نامبرده دوره دوم که در قید حیات اند^۱ مرحوم سید رعنای کاطمی - محمود الحسن کوکب - ملک ناصر علیخان ناصر - سید صیاء جعفری - قاری بسمل بخاری و میررارضا همدانی از شعرای مهم دوره معاصر شمار میروند که هر یک از ایشان بسبب وطور خاصی بسرودن شعر پرداخته و اصول قدیم شعر فارسی را در پیشاوردن نال کرده است

ارمیان شعرائی که مؤلف در اینجا از آنها یاد کرده است معلوم نیست بچه سبب ذکر محمد الحسن کوکب را که بقول خودش حرو و «شعرا»ی مهم دوره معاصر» بشمار می رود در این کتاب بیاورده است

سپس در همان صفحه (۶) مؤلف مینویسد:

«متأسفانه هیچیک از کلیات شعر فارسی حزدیوان سردارخان باباخان راهد قزلباش و کلیات شعر ارد و میرزا دلاورخان بیدل که یک قسمتش دارای شعر فارسی است بچاپ نرسیده است و هیچ کتابی در باره این موضوع نوشته نشده است».

اما ارمیان دو شاعر نامبرده مؤلف تنها در کرمیرزا دلاورخان بیدل را در این کتاب آورده است و معلوم نیست چرا ذکر «سردارخان باباخان راهد قزلباش» را که بقول مؤلف دیوان شعر فارسی بچاپ رسیده در این کتاب بیاورده است

در موارد فوق در صورتیکه مؤلف نتوانسته است اطلاعات لازم و آثار شعرای نامبرده را بدست آورد اصاف این بود که باین امر صریحاً اعتراف میکرد اما وی هیچ نوع توضیحی را در باره علت عدم ذکر این شعرا در این کتاب نداده است

در هر حال این اولین تذکره فارسی است که طی آن مؤلف راجع بسبب هر شاعر بحث جداگانه و سبب معصی آورده است و قبل از آن تنها در کتاب «سخنوران ایران در عصر حاضر» اشاره هائی بسبب شعرا آمده است اما مؤلف آن باین ترتیب در این موضوع پرداخته است

۱- مقصود مؤلف از سه شاعر نامبرده «قاصی قصاروحی و سیدحجر کاطمی و محمد شاه برق» است که اسامی آنان در آخر عبارتی که در سطور فوق از ص ۵۰۶ نقل شده آمده است

سبک مؤلف ساده و عاری از تکلف و تصنع است و این کتاب را تقریباً بفارسی امروز نوشته است البته گاهی عباراتی برمیخوریم که خلاف معمول فارسی امروز است مانند .

۱ - استعمال صیغه جمع بعد از کلمه «چند» که در شرق قدیم فارسی معمول بوده و در هند و پاکستان هنوز هم معمول است مؤلف می نویسد : «و این غزل از رعنائی کاظمی که دارای چند صنایع دیگر بر حسب» (رجوع شود به ص ۵۱ سطر ماقبل آخر) یا «چند قطعاتی برگزیده از هر نوع تعری اینجا درج میشود» (ص ۸۷ سطر ۱۶) .

۲ - در چندین مورد « یای بکره » را بعد از الف بدون « همزه » یا « ی » آورده است مانند .

« نمونه های که هست از مواردی است که بدون هیچ تکلف آورده شده »
(ص ۵۵ سطر ۱۱)

یا « و برای جلسه آینده ابیاتی چند از رباعی فارسی وارد و طرح میشد تا فروش آن شعرهای ساخته شود » (ص ۵۵ سطر ۱۰)

۳ - برعکس گاهی بحای تنها « ی » همزه و « ی » را آورده است مانند :
« ارجحاً رباعی و اصطلاحات فارسی به شعرائی ایرانی آن دوره مشابهاً دارد »
(رجوع شود به ص ۴ سطر ۵)

۴ - املاء حور و سالی بحای حرد سالی (ص ۱۵۱ سطر ۱۱) .

۵ - اشتباهات دیگر مانند

« این چند شعر از ترکیب بدر رعنائی کاظمی است که هر بیت این صنعت را دارد و هیچ تکلف در آن در کار برفته است (بحای بکار برفته است) (رجوع شود به ص ۵۴ سطر ۶) »
« برعکس در شعرهای فارسی اش یک نوع روانی - شیرینی و حدیث و خود دارد که توجه خواننده را جلب میکند (بحای حذبه ای) (رجوع شود به ص ۶۲ سطر ۳) »
« نمونه های خوبی و بی نظیری از آثار شعری او شمار میرود (بحای نمونه

های خوب و)

همچنین هر جائیکه بیشتر اردو کلمه بهم عطف شده اسب بحای «و» علامت را استعمال کرده و در چنین موارد تنهادر آخر کلمه «و» آورده است مانند
اسائین احمد علی - سید مسجدی شاه حادام - علام حیدر مسگر ... و جعفر
علی جعفری «(ص ۴ و ۵) .

یا «قاضی روحی - سید جگر کاظمی و محمد شاه برق» (ص ۵ سطر ۴)
در هر حال باوجود این حقیقت که کتاب مورد بحث تذکره حامعی از تمام
شعرای فارسی ربان پیتاور نیست و حتی ذکر شعرائی را که اسم آنان در مقدمه یاد شده
بیر در این کتاب نیامده اسب معدلك اگر شرح حال و نمونه اشعار شعرای فارسی
پیشاور را که در این کتاب نقل شده اسب در نظر بگیریم و مورد سنجش قرار دهیم چه از
حیث جامعیت شرح حال و چه از لحاظ مفصل بودن اشعار شرا میتوان این تذکره را جزء
بهترین تذکره های فارسی حساب کرد

تذکره - مؤلف در حاشیه ص ۱۰۵ مینویسد «در ربان اگلیسی شهر پیشاور را
«سرحد» می گفتند» و این اصلا در سب نیست چون کلمه «سرحد» همیشه در هندو با کستان
بمعنی استان شمال غربی پا کستان بکار رفته اسب و نه به معنی پیشاور و هنور هم بر ربان
اردو همین معنی دارد

نسخه - نسخه خطی متعلق به کتابخانه آقای دکتر پرویر باتل حائلری
متأسفانه این کتاب هنوز بچاپ نرسیده است و حق این بود که مؤلف آن هر
چه رود تر اقدامی برای طبع آن میکرد تا این کتاب سیار معید با اصلاحات و
اصاف لازم در اختیار خوانندگان فارسی ربان قرار بگیرد. امیدواریم مؤلف آن برودی
در این راه توفیق پیدا کند

شرح حال مؤلف

نگارنده شرح حال مؤلف را از «حدید شعرای اردو» چاپ فیروز سر لاهور
در حدود ۱۹۵۳ م مرتبه دیگر عبدالوحید (باردو) ص ۱۰۴۷-۱۰۴۸ و پرونده شخصی

دکتر برلاس دردأ شکده ادبیات گرفته و با وجود اینکه بوسیله نامه مکرر از ایشان استدعا کرده که اطلاعات مفصل را مع برندگان و آثار خود برای نگارنده بفرستند ولی ایشان طاهرأ بعلت عدم فرصت در این مورد هیچ اقدامی نکردند

فهرست اسامی شعرا

در سطور فوق ذکر شد .

پایان

ملحقات

تذکر

پس از پایان چاپ متن کتاب حاصر کتابی بنام «تذکره سخنوران یرد» تألیف اردشیر خاضع بدست نگارنده رسید که اینک شرحی درباره آن درسطور دیل اضافه میگردد .

تذکره سخنوران یرد

ابتدا

یس ار ستایش یردان پاک و فرستادگان برگزیده اش چنین گوید نگارنده
این کتاب «

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف اردشیر پور حدار حم پور مرزبان متخلص به «خاضع» است . وی
بسال ۱۲۸۰ش درقریه اله آباد رستاق واقع در ۱۸ کیلو متری شهرستان یرد متولد
شد. پس از پایان تحصیلات ابتدائی دردستان گودرزی دروطن خود بکار کشاورزی
پرداحب از کودکی شعر علاقمند بود وبتوصیه استاد بمان تخلص خاضع را
برای خود انتخاب کرد

حاصع درسال ۱۳۰۶ برای اولیس بار بهدوستان مسافرت کرد ودر بندر بمئی
مشغول کار گشت و صمناً سال ۱۳۰۸ مجموعه ای از اشعار خود را بنام «دیوان خاضع»

(جلد اول) در همان شهر بچاپ رسانید و بعلت علاقه فراوانی که بمطالعه کتب و دواوین شعرا و تواریخ داشت بسال ۱۳۱۰ کتابعروشی حاضع را در شهر بمبئی تأسیس نمود و بانتشار و پخش کتب و شریات فارسی پرداخت

سپس سال ۱۳۱۲ نمایندگی بسیاری از محلات فارسی چاپ ایران را بدست آورد و به چاپ و تصحیح کتابهای دینی و ادبی فارسی همب گماشت
 بسال ۱۳۱۴ دبستان دوشیرگان در اله آباد تأسیس کرد اما چون دبستان مر بور درآمد کافی برای تأمین مخارج آموزگاران و غیره آن نداش خاصع آقای شاهپور فریدون اله آبادی مقیم کلکته رجوع کرد ووی تمام مخارج آن دبستان را بعده خود گرفت . دبستان مر بور سال ۱۳۱۶ کاملاً مجهز و آماده شد

آثار

آثار مؤلف که تماماً بچاپ رسیده بقرار زیر است

- ۱- دیوان حاصع درد و جلد
- ۲- یرد گردنامه منظوم
- ۳- رباعیات حاصع
- ۴- تاریچه اله آباد
- ۵- اشک مادر و نامه گذشتگان
- ۶- تذکره سخنوران یرد (تذکره مورد بحث)

تبصره بر کتاب

طبق توضیحی که مؤلف در پایان کتاب داده اسب وی در ۲۰ شهریور ۱۳۴۰ ش تألیف این کتاب را آغاز نمود و رور ۲۶ اسفند ۱۳۴۱ ش تدوین و چاپ آن را پایان رسانید .

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده اسب

«در سال ۱۳۴۰ خورشیدی هنگام اقامت در حیدرآباد دکن با آقای سید علیرضا وزیرى اتفاق ملاقات افتاد. دونفرى اره ر مقوله و باب سخن را بدیم در صمى صحب از سخنوران یزد گفتگو بمیاں آمد ایشان فرمودد اگر فرصتی ایحاب

۲- است «صمد صمدی» در «مجموعه کتابت» این مجموعه ۹۷-۹۸

۱- مؤلف شریح حال اکثر شعر را از این دو کتاب نقل کرده است.

۲- «نکره شتر عشق» رجوع شود به نام این مثنوی.

۱- «نکره شترستان» رجوع شود به نام این مثنوی.

۱- «نکره شترستان» رجوع شود به نام این مثنوی.

مجموعه «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

مثنوی

۳۴- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۳۳- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

مثنوی

۲۸- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۷- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۶- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۵- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۴- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۳- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۲- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۱- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۲۰- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۱۹- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۱۸- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۱۷- «مثنوی» در «مجموعه کتابت» این کتاب موجود است.

۳- شارستان چهار چمن تألیف فراتنه بهرام ابن فرهاد رجوع شود به نام

یردی .

۴- جنگ هائی محفوظ در بنگاه حاور شناسی حورشید حی کاما بمبئی

رجوع شود به نام آدری یردی و حدا بخش اردشیر یردی.

۵- تحفه سامی - رجوع شود به نام باقی یردی

۶- دفتر اشعار منتخب ارحاج سید ابوالفضل سعیدی ریحان رجوع شود به

به نام طرار یردی

۷- تذکره هندی رجوع شود به نام وصال یردی .

۸- مشحرات تألیف آقا سید شهاب الدین بجوی رجوع شود به نام مشتاق

یردی

۹- آفتاب عالمتاب رجوع شود به نام معر یردی .

۱۰- تذکره میکده رجوع شود به نام وامق یردی

۱۱- تاریخ آل مظفر رجوع شود به نام امیر یردی

۱۲- محله ترقی رجوع شود به نام حافظی یردی

این کتاب مشتمل است بر دکر ۱۸۵۱ شاعر متقدم و متأخر و معاصر یرد

و نائین و خندق در دو جلد نمراد ریر

جلد اول مشتملست بر دکر ۲۷۱ شاعر که اولشان آگهی بحسب یزدی

و آخرشان یعمای خندق است

جلد دوم مشتمل است بر دکر ۱۳۱ شاعر که اولشان اوشار یردی و آخرشان

یاسائی است

همچنین دکر ۷۰ نفر شاعر را در دیل « ملحقات » آورده است که اولشان

اوهب یردی و آخرشان ایمانی مهابادی

۱- همچنین در پایان کتاب شرح حال بسیار مختصر و عکس از همت نمر آورده اما

هیچ شعری از آنان نقل نکرده است .

ذکر شعرای فوق را در جلد اول و دوم ترتیب الفبائی آورده است اما در دیل ملحقات ترتیب الفبائی را مراعات ننموده و اسامی شعرا بدون هیچ ترتیب خاصی ذکر کرده است .

مؤلف شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است :

شارق یردی و مجد الملک یردی و محمد مهید مستوفی بافقی و آذر خرمشاهی و دهقانی تفتی و طریف راده یردی و علومی یردی (هر کدام در ۲ صفحه) و قاری یردی و مجد همگرو افشار یردی و آیتی یردی و اسلامی بدوشن و عسکری کامران یردی و قلم یردی و قوام الشعرا یردی (هر کدام در $\frac{1}{4}$ صفحه) و فرات یردی (در ۴ صفحه) و عیث یردی (در $\frac{1}{4}$ صفحه) و حیحوں یردی و طراز یردی و وحشی بافقی (هر کدام در ۵ صفحه) و استاد کیومرث خرمشاهی (در $\frac{1}{4}$ صفحه) و فرحی یردی (در ۸ صفحه) .

مؤلف اسعار شعرای زیر را مفصل تر از دیگران نقل کرده است :

مجد همگر (در ۳ صفحه) و بهمن یردی و افسانه یعمای و حیران کسویه و نشاط یردی و فتی رباط شب نادامی (هر کدام در $\frac{1}{4}$ صفحه) و مصاحب نائینی و محرم دوم یردی و یعمای خندق و بلاعی نائینی و پرمان اهرستانی و حلوه نائینی و قوام الشعرا یردی و گلشن اردکانی و موند یردی (هر کدام در ۴ صفحه) و عسکری کامران یردی و ادیب یردی و کاروان یردی (هر کدام در $\frac{1}{4}$ صفحه) و حجاب یردی و حابی برسی آبادی و طریف راده نائینی یردی و فرخی یردی (هر کدام در ۵ صفحه) و وریری یردی و شکوهی سادلی هر کدام (در $\frac{1}{4}$ صفحه) و حاصع اله آبادی (مؤلف) و ناصر یردی (هر کدام در ۶ صفحه) و طرب نائینی و دهقانی تفتی (هر کدام در $\frac{1}{4}$ صفحه) و سالك یردی و اسلامی بدوشن (هر کدام در ۷ صفحه) و افشار یردی و اعلامی نائینی (هر کدام در ۸ صفحه) و استاد کیومرث خرمشاهی و آیتی تفتی و بهجت برسی آبادی (هر کدام

در ۸-۱ صفحه) و عبرت نائیسی (در ۹ صفحه) و فرات یردی (در ۱۰ صفحه) و آذر خرمشاهی و پاک نژاد یردی د قلم یردی (هر کدام در ۱۱ صفحه) و حیران یردی (مدرس) و حبیب یغمائی (هر کدام در ۱۶ صفحه).

شرح حال اکثر شعرا را در یکی دو حمله آورده و از آنان یکی دو بیت یارباعی نقل کرده است

در دیل نام شعرای ریر اسم آثارشان را ریر ذکر کرده است.

طاهری یردی و فرات یردی و مشتاق یردی و ایرج افشار و حبیب یغمائی و علوی یزدی.

در دیل نام شعرای ریر بعضی قسمتها را از آثار مشورشان نیز نقل کرده است.

آدری یزدی و نشاط یردی.

در دیل نام مشتاق یردی نسب معصل وی را نقل کرده است.

در دیل نام فقیهی یردی شعری بعربی از وی آورده است.

در پایان فهرست شعرای یرد و نائین و جندق که ذکرشان در این کتاب

نیامده است ترتیب آنها آورده است

سك اشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در دیل نام بعضی شعرا را آنان به شرح مصوغ تعریف کرده مخصوصاً در ذیل نام قوام الشعرا یردی از وی

شرح مسجع تعریف کرده است

رویه گرفته این کتاب ذکر اکثر شعرای متقدم و متأخر یرد و نائین و جندق را شامل است و از این لحاظ رحمتی که مؤلف آن در ترتیب این کتاب متحمل شده است قابل تحسین و آفرین است اما در متن کتاب اشتباهات زیادی چشم میخورد که اکثر آن غلطهای چاپی است^۱ همچنین در بعضی موارد در املاء یا استعمال بعضی اصطلاحات و کلمات اشتباه رخ داده است که بعضی از آن در سطور دیل اشاره

۱- اینجا از ذکر غلطهای چاپی صرف نظر میشود.

میشود تا در موقع تجدید چاپ اصلاح شود .

تذکره شعرای متقدمین و معاصرین بحای تذکره شعرای متقدم و متقدم و متأخر^۱ (ریر عنوان کتاب)

اگر فرصت ایجاب میکرد بحای اگر فرصت احاره میداد (صفحه يك)
در بحوچه صحت . . بحای در صمن صحت (صفحه يك)

خورده نگیرند بحای خرده نگیرند (صفحه چهار) .

در جامع معیدی چنین مینویسد . . . بحای در جامع مفیدی چنین آمده است
یا مؤلف جامع معیدی چنین مینویسد (ص ۱۲۴) - همچنین رجوع شود به صفحه
۱۳۴ : « در جامع مینویسد » و ص ۳۵۰ « در تذکره رور روشن مینویسد . . »
در تذکره رور روشن مستور است بحای در تذکره رور روشن مسطور است (ص ۱۲۹)
این چند ابیات اوست بحای این چند بیت از اوست (ص ۱۶۱) همچنین
رجوع شود به ص ۴۶۵ « اینک چند ابیات . . . »

این بیت اوست بحای این چند بیت اوست (ص ۲۷۳)

چاپ حیدر آباد دکن کتابفروشی خاصه در اسفند ۱۳۴۱ ش باهتمام آقای
اردشیر حاصع .

غیر از غلطهای چاپی که در سراسر این کتاب بر اوانی دیده میشود در شاهه -
گذاری بر اشتباهات زیادی بچشم میخورد مخصوصاً در نگار بردن پاراسر^۲ () «
و گیومه (« ») که در بعضی موارد راید است .

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به آغار و بایان این کتاب چاپ
حیدر آباد دکن سال ۱۳۴۱ ش .

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به « تذکره سحوراں یرد » که مؤلف
در دیل نام « حاضع اله آبادی » شرح حال معصل خود را نوشته است

۱- در فارسی امروز صفت را بصورت جمع میآورند

۲- در فارسی امروز معدود را بصورت جمع میآورند .

«تذکر»

نگارنده در تهیه و تکمیل ضمیمه‌های زیرحیلی سعی و کوشش کرده و به اکثر فهرستهای کتابخانه‌ها و کتب مربوطه دیگر مراجعه و از آن استفاده نموده است. معدلك ادعا ندارد که این فرستها از هر حیث کامل و جامع است.

ضمیمه اول

تذکره‌های فارسی که در هندوستان و پاکستان تألیف شده است اما شرح آن در این رساله بیامده است

(الف) - تذکره‌هایی که نگارنده این رساله بآن دسترسی نداشت و شرح آن را ارجای دیگر هم نتوانسته بدست آورد اما نام این کتابها جروما حدتد کره‌های دیگر یا در فهرست استوری و غیره ذکر شده است

۱- **معین الجواهر** تألیف مولوی محمد صالح واصف سال ۱۲۶۲ هـ (رجوع شود به گلزار اعظم)

۲- **تذکرۃ الشعراء** تألیف بهاءالدین حسن خان عروج (ایوانو ۴۰۲ و تکمله اول ۷۹۳)

۳- **تذکره شعراى هند** تألیف مولوی محمد کریم - چاپ هند (استوری ص ۹۲۲)

۴ - مذاق سخن تألیف شاه حید حسن بن شاه محمد حسن اله آبادی چاپ هند ۳۰۰هـ (ایضا)

۵- تذکره وتبصره تألیف مهدی حسین ناصری تذکره شعرای محبوب فارسی چاپ اله آباد ۱۹۱۵م = ۱۳۳۴هـ

۶- ترجمه مجاس النقایس علیشیر نوائی ارعد الما قی شریف رسوی بامر علام غوث خان اعظم نواب کربا تک (فهرست مدراس ۴۴۵)

۷- تذکرة النساء تذکره شاعره های هندوستان - اسم مؤلف ندارد (بذیر احمد ۷۲ کتابخانه حاحی حبیب اله در بلور مورخ ۱۱۸۲هـ = ۱۷۶۸م)

(ب) تذکره هائی که امروز نسخه ای از آن یجا بمانده است

۱- عارف الآثار تألیف محمد عارف بقائی بعد از ۹۸۰هـ در آگره هند (رحوع شود به «مآثر رحیمی» ح ۳ در ذیل نام عارف بعائی)

۲- حیات الشعرا تألیف محمد علیخان متین کسمیری از مآخذ گل رعنا و خرا نه عامره و نگارستان سخن و اختر تابان

۳- تذکره منیر لاهوری از مآخذ صف ابراهیم و غیره

۴- تذکرة الشعرا و ارسته سیالکوٹی - از مآخذ تذکره بی نظیر و غیره (رحوع شود به نام آراد)

۵- تذکره الشعراء عوفی گجراتی - (رحوع شود به سینه خوشگو نسخه آب آورد در ذیل نام عوفی معاصر اکبر شاه)

۶- تذکرة الشعراء دیده مغول متخلص به دیده و ملقب به اعرحان (رحوع شود به خوشگو دفتر ثالث - چاپ یته ص ۲۵۵ در ذیل نام «دیده»)

۷- تذکره باغ ارم - از مآخذ احتر تابان

۸- تذکره (جوهر) پی زری از مآخذ احتر تابان

۹- آفتاب عالم تاب تألیف قاصی محمد صادق - از مآخذ احتر تابان و رور

روشن و صبح ۱۰۰۰

۱۰- **شام غریبان** تألیف لچمی مراین شفیق اورنگ آبادی از مآخذ اختر
تاما و نگارستان سخن و بنای افکار

۱۱- **مجمع البلغا** - مایلی (ارشعراى سده)

۱۲- **تذکرة الشعرا** - شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت (رجوع شود
به سینه هندی چاپ پته ص ۱۲۷ در دیل نام طبیعت)

۱۳- **سفینه الشوق** تألیف رای منکه رای شوق در حدود ۱۱۷۰ هـ (رجوع شود
به سینه هندی چاپ پته ص ۱۱۵ در دیل نام منکه رای شوق)

۱۴- **حدیقه هندی** - تألیف بهگوان داس هندی در ۱۲۰۰ هـ (رجوع شود به
سینه هندی چاپ پته ص ۱)

۱۵- **تذکرة الشعرا** تألیف میر تقی الدین اوحدی نقی ملتانی (رجوع شود
به سینه خوشگو سحه آب آورد مر کری ش ۲۶۵۵ در ذیل نام نقی ملتانی) .

۱۹- **تحفة الشعرا**^۱ تألیف سلطان ابوالفتح صفوی متخلص به طلوعی^۲

تذکره اسم کتابهای ریدر بعضی تذکره هاد کرده است اما چون ظاهر آن سحه ای
از این کتابها بجا مانده بنابراین نمیشود بطور حتمی درباره موضوع آن چیزی
گفت بعضی از این کتابها مجموعه اشعار شعراء بوده است

۱- **سخن الشعرا** تألیف مولوی عبدالغفور خان بهادر ساح (رجوع شود به
سمع احمن)

۲- **قد پارسى** تألیف مولوی عبدالغفور خان بهادر ساح از مآخذ اختر
تاما و نگارستان سخن

۳- **بشتر نعم** از مآخذ اختر تاما و نگارستان سخن

۱- اسم این تذکره در دیل سبب تألیف تذکره کاتب آمده است - رجوع شود به بحث
درباره آن تذکره در کتاب حاضر

۲- رجوع شود به بحث در باره تذکره کاتب - شرح حال مؤلف - در کتاب حاضر

- ۶- شایسته خدایا ایام عبد الغنی عفی ار ما خذ کریمه السعیه عفی
 احتیاتیان
 ۵- خواهر زواهر تالمه لخمی بر این شفیق اورنگ آبادی از ما خذ
 ۴- خرمه خواهر از ما خذ اختر تان و شتر عشق

Page 65

(۱۱) بلوشہ ح ۲ ش ۱۱۲۹ (ھ ۹۶۷) وش ۱۱۳۰ (ھ ۹۷۴) ۴۱-۱۱۳۱ ح ۳ ش ۲۴۵۲
(قرن ۱۶م)

(۱۲) مؤسسہ رورن ش ۳۱ (ھ ۹۷۱)

(۱۳) برلش ۶۳۸ (ھ ۹۷۴) ۴۲-۶۳۹

(۱۴) دارن ۳۲۰ (ھ ۹۷۵)

(۱۵) فلو گنج ش ۲ (ھ ۹۷۹) ۱۲۰۰ (ھ ۹۸۵)

(۱۶) براون-فہرست فارسی ش ۱۱۲ (ھ ۹۸۴) ۱۱۳ (ھ ۹۷۹) ۱۱۴

(۱۷) تکملہ ش ۲۹۲۵ (سخہ آخر = کینگ ش ۱۰۶)

(۱۸) براون-کلکسیون ح ۸ = هوتم شیندلر ۳۶ (۹۰۸ یا ۹۸۰ ھ)

(۱۹) بوہار ۹۰ (ھ ۹۸۰)

(۲۰) کرافتص ۱۲۵ ش ۳۱۲ (ھ ۹۸۲)

(۲۱) ایوانو ۲۱۸ (ھ ۹۸۴)

(۲۲) ایوانو-کرن ۵۰ و ۴۹

(۲۳) کپورتہلا (ھ ۹۹۹) (مجلہ اوریٹل کالج لاہور ح ۴ مورخ اوت ۱۹۲۷ ص ۱۱)

(۲۵) دانشگاہ تاشکند ۶۹ (قرن ۱۶م)

(۲۵) سپہ سالار ج ۲ ص ۷-۴۴۷۵ (سخہ-یکی مورخ قرن ۱۶م)

(۲۶) لیندزیانا ص ۱۳۲ ش ۸۳۸ (حدود ۱۶۰۰م) ش ۵۴ وش ۳۱۰ وش ۳۰۹

(۲۷) رها تسکص ۱۳۰ وش ۱۵ (۱۰۳۳ھ- با فہرست اسامی شعرا) ص ۵۹ ش ۴۵

وص ۱۰۳ ش ۵۹ (اشتہااً بہ عنوان محبوب العیوب)

۲۸- بانکی پور ج ۸ ش ۶۸۰ (ھ ۱۰۵۱) ش ۶۸۱

(۲۹) علیگر- کلکسیون سحن اللہ ص ۶۱ ش ۳۲

(۳۰) آصفیہ ح ۱ ص ۳۱۸ ش ۳۶ وح ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۱۹

(۳۱) او مرش ۱

(۳۲) دانشگاہ بمبئی ص ۲۷۴ (قدیم)

بفارسی ترجمه کرده و مجلس نهم راجع به شعرای معاصر را باصل کتاب افزوده است
 نسخ خطی لیندزیانا ۱۲۲ش ۶۵ (۹۳۹هـ) ریو ح ۱ ص ۳۶۵ ب (۹۶۵)
 چاپ مجله اورینتل کالج لاهور ج ۷ ش ۴ مورخ اوت ۱۹۳۱ و غیره - تهران باهتمام
 استاد علی اصغر حکمت ۱۳۲۳ ش.

۴- ترجمه فارسی «مجالس النقایس» علی شیر نوائی از حکیم (شاه)
 محمد بن مبارک قزوینی در ۹۲۷-۹۲۹هـ نام سلیم دراستنبول - مترجم اصل کتاب
 را در هفت «بهشت» خلاصه کرده و دو دروزه «را باصل کتاب افزوده اسب روضه
 اول درد کرد شعرای متقدم و متأخر است که غالب مطالب آنرا از بهارستان حامی
 اقتباس نموده و روضه دوم در ذکر سلطان سلیم و شعرای دربار وی میباشد (نسخه
 خطی آن در کتابخانه استاد نفیسی موجود است) چاپ تهران ۱۳۲۳ ش باهتمام
 استاد علی اصغر حکمت.

نسخ خطی - اسعد ش ۳۸۷۷ کتابخانه استاد سعید نفیسی تهران.

۵- ترجمه فارسی «مجالس النقایس» علی شیر نوائی از شاه علی بن عبدالله
 در زمان سلطان دین محمد بن حسنی بیگ که در عهد خان اوزبک (۹۹۱-۱۰۰۶هـ)
 حاکم خراسان بود نسخه خطی ریو تکمله ش ۱۰۳ تا شرح حال الغ بیگ مجلس
 هفتم - مورخ قرن ۱۷م)

۶- تحفه سامی تألیف ابوالنصر سام میرزا بن شاه اسماعیل صفوی در حدود
 ۹۵۷هـ در ذکر تقریباً ۶۶۴ شاعر قرن نهم تا اواسط قرن دهم در هفت «سینه»

(۱) حاجی خلیفه ج ۲ ص ۲۶۳ ش ۲۸۲۳

(۲) اشپر نگر ص ۱۲ ش ۷

(۳) باسکی پور ح ۸ ش ۶۸۲ (۹۶۸) ۶۸۳ (۹۷۱هـ)

(۴) ریو ح ۱ ص ۳۶۸ الف (ناقص - مورخ ۹۶۹هـ) ص ۳۶۷ ب (اواخر قرن ۱۶م)

(۵) ریو تکمله ش ۱۰۳ (۹۷۶هـ)

(۶) فلوگل ج ۲ ش ۱۲۰۱ (۹۷۲هـ)

- (۷) کرافت ص ۱۲۶ ش ۳۱۳ (۹۹۷۲)
 (۸) لیدریانا ص ۲۱۵ ش ۳۱۷ (۹۹۷۷)
 (۹) سپه سالار ح ۲ ص ۴۶۲ (حدود ۹۹۸۳)
 (۱۰) قاهره ص ۵۰۱ (۹۹۹۷)
 (۱۱) بلوشه ح ۲ ش ۱۴۴ (۱۰۰۱ هـ) ۱۱۴۵ (اواخر قرن ۱۶ هـ) ۱۱۴۶ (قرن ۱۷ م)
 (۱۲) دانشگاه بمبئی ص ۴۱ ش ۲۵ (مهر مورخ ۱۰۰۷ هـ دارد)
 (۱۳) او مرش ۲
 (۱۴) نرل ش ۶۴۳ و ۶۴۳ الف
 (۱۵) نراون تکمله ۲۷۲
 (۱۶) بخارا سمو یوف ش ۴۱
 (۱۷) اته ۶۶۵ (در حدود ۵۷۹ شاعر) ۶۶۶ (۴۷۴ شاعر)
 (۱۸) لیس گراد موره آسیائی (ناقص - رجوع شود به :
Melanges Asiatiques ج ۷ سن پیتتر بورگ ۱۸۷۶ ص ۴۰۷
 (۱۹) لیدن ح ۳ ص ۱۹ ش ۹۳۳
 (۲۰) مدراس ۳۰۵

همچنین چند نسخه خطی در فهرست دانشگاه بمبئی ذکر شده است که یکی از آنها مورخ ۹۷۲ هـ در یکی از کتابخانه های کامل موجود است و چندین نسخه خطی در استاسول موجود است (مثلا رجوع شود به فاتح ش ۲-۴۲۴۱ و حکیم اوغلو علی پاشا ۷۱۸)

چاپ تهران ۱۳۱۴ ش باهتمام مرحوم وحیدر دستگردی و همچنین قسمتهای مختلف این کتاب در شهرهای مختلف چاپ شده است.

خلاصه از آنندرام محلص - نسخه خطی اندیا آفیس دی پی ۷۱۸

۷. مذکر احباب تألیف سید بهاء الدین حسن نثاری بخاری بسال ۱۰۰۵ هـ مشتمل بر

ذکر ۲۶۵ شاعر از زمان میرعلی شیرنوائی تا ۱۰۰۵ هـ در یک مقاله و چهاربان
 نسخ خطی (۱) مورد بریتانیا (۹۸۷ هـ رجوع شود به محله سه ماهه مورد بریتانیا
 ج ۴ ش ۴ مورخ ۱۹۳۰ ص ۱۱۲).

(۲) برلن ۶۴۵

(۳) ایوانو ۲۱۹ (ناقص قرن ۱۷ م)

(۴) لنین گراد - موسسه شرقی آکادمی

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به برلن ص ۹-۶۰۵

۸- تذکره ابوالبقا تألیف میر ابوالبقا تبرشی که مؤلف عرفات وی در ۱۰۰۰ هـ
 در اصفهان و قزوین دیده بود (برای شرح حال وی رجوع شود به عرفات و ریاض الشعرا
 و شمع اجمص ص ۸۱ و تذکره الشعرا غنی ص ۵)

۱- تذکره الشعراء تألیف بابا شاه رجوع شود به کشف الطنون ح ۱)

۱۰- ریاض الشعرا ریاض (م ۱۰۵۴ هـ) در ذکر شعرا تر کست که مؤلف
 در رحب ۱۰۱۸ هـ بنام سلطان احمد اول عثمانی (۱۰۱۲-۱۰۲۶ هـ) تألیف کرد (فهرست
 کتابخانه شخصی پروفیسور براون ص ۶)

۱۱- خیر البیان تألیف شاه حسین بن ملک عیث الدین محمود در ۱۰۱۷ هـ

۱۰۱۹ هـ بنام شاه عباس بررگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) در ذکر شعرا متعدد و
 متأخر در دو فصل و یک خاتمه نسخ خطی ریو تکمله ش ۱۰۸ (۱۰۴۱ هـ) ۱۰۹
 (ناقص - قرن ۱۸ م)

۱۲- تذکره ناظم تبریزی تألیف خواجه محمد صادق معروف به صادقا سریری
 بسال ۱۰۳۰ هـ بنام شاه عباس بررگ صفوی (و ماده تاریخ تألیف آن «بسم گزیده»
 (= ۱۰۳۰) اسب (نسخه ای از آن در دانشگاه علیگر موجود اسب)

۱۳- میخانه یا خرابات یامیکده تألیف حسن بن لطف الله تهرانی سال ۱۰۴۰ هـ نام
 حسن بیگ شاملو بیگلر بیگی خراسان (۱۰۲۷-۱۰۵۰ هـ) در چهار مقاله و ۲۸
 حرف و فاتحه. نسخه خطی و فهرست اسامی شعرا ریو تکمله ش ۱۰۷

درد کر ۱۴۱ شاعر ارجمله ۱۶ شاعر کوهکیلویه (نسخه ۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۳۶۲- درحاشیه تذکره نصرآبادی ص ۱ تا ۱۵ شعرای دیگروص ۸۶ تا ۸۷ شعرای کوه کیلویه).

۱۹- تذکره واله اصفهانی تألیف میرزا کاظم واله اصفهانی که طاهرآ نایب تمام مانده است و هیچ مقدمه یا خاتمه ندارد در دکر ۴۷ شاعر متقدم و متاخر است (نسخه ۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۹۰۴)

۲۰- تذکره همیشه بهار تألیف ابوالقاسم حیدر در اواسط دوره صفوی نسخه خطی دانشکده ادبیات ش ۹۸ ب مورخ قرن ۱۱ هـ . برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به محله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۱۰۸- ۱۲۰

۲۱- آتشکده تألیف حاجی لطف علی بیگ آذر بیگدلی شاملو اصفهانی (۱۱۹۵۰ هـ) در ۱۱۷۴ درد کر شعرای متقدم و متأخر در دو «محموره»

نسخ خطی

۱) اشپر بگوش ۳۲

- ۲) بلوشه ح ۴ ش ۲۴۵۳ (اصفهان - ۱۱۸۰ هـ) ح ۲ س ۱۱۵۳ (۱۲۱۳ هـ)
- ۱۱۵۴ (۱۲۱۷ هـ) ۱۱۵۵ (۱۲۳۱ هـ) ۱۱۵۶ (۱۲۳۴ هـ - قسمتی بخط مؤلف)
- ۳) اته ۶۹۳ (۱۱۹۶ هـ) ۶۹۴ (۱۲۱۵ هـ) محتملاً بخط پسر مؤلف.
- ۴) لندریانا ص ۱۸۲ ش ۹۱۸ (۱۲۰۲ هـ) س ۵۶ (۱۲۱۵ هـ)
- ۵) سپه سالار ح ۲ ص ۶- ۴۵۲ (چهار نسخه یکی مورخ ۱۲۰۷ هـ)
- ۶) ریوح اص ۳۷۵ ب (ناقص - ۱۲۱۴ هـ) تکمله ۱۱۱۴ (۱۲۳۴ هـ) ح ۱ ص ۳۷۵ الف (۱۲۳۸ هـ)

۷) اکسفورد موسسه هندسرخ خطی وینفیلد ش ۶ (۱۲۱۹ هـ)

۸) نادلین نسخ فارسی ۸۰ (۱۸۲۰ هـ)

۹) نادلین ۳۸۴ (۱۲۲۷ هـ) ۳۸۵ (۱۲۲۸ هـ) ۳۸۶

b-711

2023-11-27

46-222

(2) $\frac{1}{2} \log 101$ (1957)

(۱۸) کی نسبتی مجموعہ ۱۸۷۷ء کی (۱۷)

Y0.8-9.25w/10

(۵۱۲۷۶) ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵

(81440) 444 (01118) 111

၂၁) နိဗ္ဗာန်-ဓမ္မာရုံ (၂၂၂၂၄)

၁၁) ရေတံဆိပ် ၁၇၆၃၇၂ (၃၂၂၁၆)

• 1) $\int_0^1 x^2 \ln(x) dx = -\frac{1}{3}$

دانشگاه بهراں ۲۹۶۹

۲۴- تذکره اختر (احسن آرا) تألیف احمد بیگ گرجی محصل به اختر سال ۱۲۲۷ هـ در ذکر شعرای معاصر مؤلف بترتیب العبا سح خطی برلن ۱۶۶۴ و کتابخانه آقایان همایون فرخ و فخرالدین نصیری امینی تهران . فهرست اسامی شعرا . برلن ص ۷-۶۶۵

۲۵- انجمن خاقان تألیف محمد فاضل خان راوی نایدی گروسی (۱۲۵۲م هـ) سال ۱۲۴۳ هـ درد کر شعرای رمان فتحعلیشاه در چهار احسن و یک حاتمه (نسخ خطی ۱) ریو تکمله ۱۲۰ (۱۲۳۴ هـ) ۲ سپه سالار ح ۲ ص ۶۱ (۱۲۳۶ هـ) (۳) اسعد ۲۰۷۵

۴) کتابخانه دانشگاه پشحاب لاهور (رحوع سود به محله اورینتل کالج ح ۳ ش ۱ مورخ ۱۹۲۶ م ص ۷۷) (۵) مجلس ۳۲۴

برای فهرست اسامی شعرا رحوع شونده ریو تکمله ص ۸۶ و مجلس ح ۲ ش ۸۹۲
۲۶- تذکره السلسله تألیف صابر ابوالعاسم بن میرزا محمد ابراهیم مدرس- تذکره سلسله مدرسیه یرد در دوسلسله ویکرشته .

نسخه خطی: داشکده ادبیات ش ۸۴ (نحط مؤلف ناقص الآخر)- برای فهرست اسامی ۱۸ شاعر اول رحوع شود به مجله داشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۹۴-۹۵

۲۷- تذکره قدسیه تألیف محمد ابراهیم مدایح نگار در ذکر شعرای معاصر در چهار رکن ناتصویر سیاه قلم هر شاعر اثر ابو تر اب عقاری چاپ بهراں

۱- قبل از این احمد بیک گرجی متخلص به اختر کتابی سام « جهان آرا » درد کر شعراء معاصر خود تألیف نموده بود اما قبل از تمام آن فوت کرد و بعد از وی برادرش به تکمیل آن پرداخت اما باز ناتمام ماند تا آنکه فتحعلی شاه فاضل خان گروسی رامامور تکمیل آن تذکره کرد و او احسن خاقان را تألیف کرد . رحوع شود به الذریعه ح ۴ ص ۲۹ .

برای میر کرم علیخان و میر مراد علیخان تالپور حاکم سند که مؤلف مدتی در دربار آنان بود در ذکر شعرای معاصر است و غالباً اشعار شعرا را بدون شرح حال دارد **نسخ خطی** . دانشگاه لاهور و کتابخانه شخصی پیر حسام الدین راشدی در کراچی

۳۴ - سفینه الم محمود تألیف محمود میرا سال ۱۲۴۰ هـ^۱ نامر

فتحعلی شاه. **نسخ خطی** ریو تکمله ش ۱۲۲ و مری تهران ۳۶۳۲ و اسعد ۳۸۷۴

۳۵ - نگارستان دارا تألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون

(۱۲۴۳ هـ) سال ۱۲۴۱ هـ درد کر فتحعلی شاه و شاهرادگان و امراء و فضلا و شعرا

رمان وی . **نسخ خطی** ریو تکمله ۱۲۳

فهرست اسامی شعرای نگار حانه های اول تاسوم : ریو ص ۸۸ - ۸۹

۳۶ - تذکره الشعر والشعرا تألیف مفتون فوق (مقدمه دیوان فرصت

چاپ ۱۳۳۳ هـ والدریعه ح ۴)

۳۷ - نقل مجالس (یا مجلس) تألیف محمود میرا سال ۱۲۴۲ هـ در بهاوند درد کر

شاعره های متقدم و متأخر - نسخه خطی آن سابقاً در کتابخانه شخصی و امری بود

۳۸ - تذکره السلاطین یا بزم خاقان تألیف سیف الدوله سلطان

محمد بن فتحعلی شاه قاجار سال ۱۲۴۵ هـ در اصفهان و در ۱۲۵۰ هـ دوباره در آن

نظر کرد در ذکر فتحعلی شاه و شعرا عصر او در يك مقدمه (متضمن ایس -

العشاق رامی) و سه باب **نسخ خطی** سپه سالار ح ۲ ص ۴۷۷ و مجلس ح ۲ ص ۴۷۸^۲

۳۹ - مآثر الباقریه . تألیف سید محمد علی بن سید محمد طباطبائی رواری سال

۱ - در نسخه ای اسم این تذکره مجمع محمود و سال تألیف ۱۲۳۵ هـ آمده است

(استوی ح ۱ ص ۸۸۸) .

۲ - نسخه مجلس ش ۸۹۴ يك نرم مشتمل بر بیست مجلس (ایس العشاق رامی)

و پنج اجنبی دارد .

۱۲۴۵ هـ در ذکر ۵۲ شاعری که بمدح سید محمد باقر الموسوی الحسینی اشعاری سروده‌اند . نسخه خطی آن در کتاب رامپور هند موجود است .

۴۰- تذکره محمد شاهي تألیف بهمن میرزا (محدود ۱۸۸۳م) بن نایب السلطنه

عباس میرزا بسال ۱۲۴۹ هـ^۱ در سه « رشته » ترتیب در ذکر ۱۵۰ شاعر متقدم و متأخر تا پایان قرن ۱۲ هـ و فتحعلی شاه و ۱۲ شاهزاده قاجار و ۵۷ شاعر معاصر مؤلف ترتیب العا .

نسخ خطی : ریو تکمله ۱۲۴ (۱۲۵۷ هـ) و مجلس ج ۲ ش ۹۰۲ و ۹۰۳ و دانشکده ادبیات تهران ش ۱۰ - ب . برای فهرست اسامی شعرا رشته‌های ۳ و ۲ رجوع شود سه ریو تکمله ص ۹۰ - ۹۱ و محله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۹۸ - ۱۰۰ .

۴۱- تذکره درویش نوا تألیف درویش حسین بواکاشی در حدود ۱۲۵۳ هـ در ذکر شعرای متقدم و متأخر با نقل اشعار مفصل از آنان

نسخ خطی . ریو تکمله ۱۱۵ (تنها سلسله ۱ طبقه اول مورخ ۱۲۵۳ هـ) و براون کلکسیون ۷ ش ۶۸

۴۲- مصطفی خراب تألیف احمد قاجار الشهیریه به هلاکومت حاصل به خراب - بسال ۱۲۵۳ هـ در ذکر شعرای هند و ایران و ترکیه معاصر فتحعلی شاه قاجار که به فارسی و ترکی شعر میسروده‌اند نسخه : بلوشه ح ۲ ش ۱۱۶۰ (۱۲۷۱ هـ)

۴۳- مدایح المعتمدیه تألیف محمد علی بهار بن آقا ابوطالب مذهب اصفهانی در حدود ۱۲۵۸ هـ در ذکر ۸۷ شاعر (که آحرشان خود مؤلف است) که بمدح معتمد الدوله منوچهر خان گجری تعلیمی^۲ اشعاری سروده‌اند با شرح حال

۱- مجلس ص ۱۶۳ - ۱۶۷

۲- معتمد الدوله مجتبی بود که در حمله فتحعلی شاه بر گرجستان در ۱۲۱۹ هـ اسیر شده و بالاخره در ۱۲۵۸ هـ حاکم اصفهان و لرستان و غرستان شد (استوری ۱ حاشیه ص ۹۰۲)

بسیار مختصر و بشر سیار مصنوع آقا علی رشتی معتمدالدوله را بناین کتاب
افزوده است .

نسخ خطی : ریوتکمله ۱۲۷ و ۱۲۸ و مجلس ح ۲ ش ۱۱۹۲ و دانشکده
ادبیات تهران ۹ ب (دیپاچه ندارد) برای **فهرست اسامی** ۹۹ شاعر رجوع شونده
مجله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۱۰۰ - ۱۰۴ و برای **فهرست اسامی شعرا**
(۱۹ + ۸۷) رجوع شود به ریوتکمله ص ۵ - ۹۳

۴۴- **تذکره یخچالیه** تألیف محمد علی بن ابوطالب متخلص به بهار (مؤلف
مدایح معتدیه) در عصر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ هـ) درهجو شعرای
معاصر مؤلف - چاپ تهران ۱۲۹۰ تصحیح و مقدمه محمد حسین فروع ادیب .
۴۵- **تذکره مصف** تألیف سید عبدالرحیم مارندرانی متخلص به مصف
در ذکر شعرای رمان فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۶۰ هـ) - (رجوع شونده
مجمع الصفا ح ۲ ص ۳۱۶ در دیل نام صادق یگدلی)

۴۶- **تذکره میکده یا آشیانه میکده** تألیف میرا محمد علی بر محمد
باقر الحسینی یزدی متخلص به وامق سال ۱۲۶۲ هـ (رجوع شود به آئینه
دانشوران و آتشکده یردان والدریعه ح ۴ ص ۵۰) .

۴۷- **حدیقه امان الاهی** تألیف میرا عبدالله رونیق بن محمد آقا کردستانی
بسال ۱۲۶۵ هـ در ذکر شعرای سندح بنام امان اله حاکم که در ۱۲۶۲ هـ از طرف
محمد شاه قاجار والی کردستان شد و مولف منشی ناشی وی بود
نسخه خطی ریوتکمله ۲۹ (۱۲۶۶ هـ)

۴۸- **تذکره الشباب** تألیف محمد مهدی بن محمد ناقر اصفهانی مخلص به
فروغ الدین در اواخر ۱۲۶۵ هـ که بنام ناصرالدین شاه عنوان کرده است واحوال
و آثار خود را تا ۴۰ سالگی آورده و در ضمن ذکر بعضی شعرای معاصر و اشعار
منتخب آنان را نقل کرده و به بعضی وقایع سیاسی معاصر اشاره کرده است

نسخه : ملك تهران ۲۶۶۳ بحط عبدالعلی بسر مؤلف

۴۹ - گنج شایگان تألیف میرزا طاهر مشی متخلص به شعری اصفهانی ملقب به دیباچه نگار که مانند حرین از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود و بسال ۱۲۷۲ هـ این تذکره را که ماده تاریخ تألیف آن « آگنده شد بدرج گهر گنج شایگان » در ذکر ۴۱ یا ۴۲ شاعری که بمدح صدر اعظم میرزا آقا حان اسعاری سروده اند در دو «درج» و «يك» «سلك» تألیف کرده است .

نسخه خطی مجلس ۴۲۸ - چاپ تهران ۱۲۷۲ هـ

۵۰ - تذکره صاحبقران یا بوستان خیال تألیف میر محمد تقی حسینی

بسال ۱۲۷۹ هـ

۵۱ - تذکره رشحات تألیف شهاب اصفهانی (از مآخذ مجمع الصفحا)

۵۲ - مجمع الفصحا تألیف رضا قلی هدایت سال ۱۲۸۴ هـ در ذکر ۷۰۰

ن از سلاطین و شاهزادگان و امراء و سغرای معروف متوسط و متأخر فارسی

نسخ خطی ریو تکمله ۱۲۵ - چاپ تهران ۱۲۹۵ هـ باهتمام آقای مظاهر

مصفا ۱۳۴۰ ش .

۵۳ - تذکره و دیوان بسمل تألیف حاج علی اکبر نواب متخلص به بسمل

شیرازی مؤلف تذکره دلگشا سال ۱۲۸۵ هـ در ذکر عمارات دولتی و ارگ و صدور

و وزراء و شاهزادگان و سغرا علمای معاصر مؤلف و در آخر دیوان خود ضمیمه

کرده است نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۶۷۴

۵۴ - تذکره کاظم - اسم مؤلف ندارد^۱ - مؤلف معاصر رضا قلی هدایت

بوده (ص ۱۹۹ این تذکره) و این کتاب را سال ۱۲۸۶-۷ هـ تألیف کرده است

(ص ۱۱۹ و ح ص ۱۹۹ و ۲۶۰) و اس کتاب مستمل است بر ذکر فریب ۳۶ تن

۱ - مؤلف « بیان محمود » میبوسند : کاظم اصدش : قصه تویسرکان است و مقبول

سجودان » ظاهر آ همین کاظم است

از شعرای متقدم و متأخر از جمله نه تن زبان شاعرند (نسخه مجلس ح ۲ ش ۹۰۱ دارای ۳۰۷ برگ)

۵۵ - تحفة الاحباب في تذكرة الاصحاب یا تذکره قاری رحمت اله واصح بن عاشور محمد بحاری که معاصر امیر مظفرالدین (۱۲۷۷ - ۱۳۰۳ هـ) بود در ذکر شعرای آسیای مرکزی در قرن ۱۹ م ۱۳/ هـ - چاپ تا شکند سال ۱۳۳۲ هـ با اضافات باهتمام میرسلیم بیگ . نسخه خطی بحارا سمونوف ۳۸ .

۵۶ - افضل التذکار فی ذکر الشعراء والاشعار تألیف محدومی پیرمستی متخلص به افضل بسال ۱۳۲۲ هـ در شعرای آسیای مرکزی که در قرن ۱۹ میلادی ۱۳/ هجری میزیسته اند نسخه خطی . بحارا سمونوف ۴ چاپ تا شکند ۱۳۳۶ هـ
۵۷ - تذكرة الشعراء تألیف صدیق خان بن امیرمطر - سحه . بخارا سمونوف ۴۹

۵۸ - تذکره استر آباد تألیف محمد صالح استر آبادی در ۱۲۹۴ هـ بامر شاهراده علیقلی میرزا اعصادالسلطه وزیر علوم و صنایع (نسخه کتابخانه ملی تهران ش ۴۳۳۰)

۵۹ - تذكرة الشعراء معاصرين تألیف سید صیاء الدین محمد بن سید محمد صادق مرعشی اصفهانی متخلص به سید (با دیل تذكرة الشعراء عبدالفتاح نوی فرزند مؤلف) - چاپ هند ۱۲۹۹ هـ

۶۰ - تذکره ناصری تألیف مؤرخ الدوله عباسقلی سپهرکاشانی در اوصاف ناصرالدین شاه (۱۲۶۶ - ۱۳۱۴ هـ)

۶۱ - تذکره شبستان تألیف سید میرزا محمد علی بن میرزا عبدالوهاب متخلص به شهاد در ذکر سلسله مدرسیه یرد (از مآخذ آیتی در آتشکده یردان چاپ ۱۳۵۷ هـ والذریعه ح ۴)

۶۲ - تذکره مجدیه تألیف میرزا ابراهیم مشی معاصر ناصرالدین شاه بفرمایش میرزا تقی خان محمدالملک در ذکر ۱۱ نفر شاعر از جمله ناصرالدین شاه

بامثال ده نفر از آنان - چاپ صفر ۱۳۰۳ هـ (در ۸۷ صفحه) (استوری - چاپ تهران ۱۳۰۲ هـ در ۵۲ صفحه) .

۶۳- تذکره ممیز اسم مؤلف ندارد - تألیف بسال ۱۳۰۶ در ذکر برخی از شعرای قرن ۱۳ هـ - سحه‌ای ناتمام بخط مؤلف در کتابخانه مجلس ج ۲ ش ۹۰۴ مورخ ۱۳۰۶ هـ دارای ۱۱۴ برگ موجود است .

۶۴- تذکره مسعودی اسم مؤلف و سال تألیف ندارد. قسمت اول آن مشتملست بر بعضی رسایل پیر و قسمت دوم جزو اول آن در ذکر شرح حال بسیار مختصر و اشعار منتخب از ۲۴ شاعر متقدم و جزو دوم مجموعه اشعار است از ۲۹ شاعر متقدم و مآخر (ملک تهران ۱۳۴۴) .

۶۵- خیرات حسان تألیف اعتماد السلطنه محمد حسن خان ملقب به صنیع الدوله (۱۳۱۳ هـ) در ذکر آداب و رسوم و لطایف و طرایف و حکایات و اشعار و وفیات مشاهیر بابوان چاپ تهران ۱۳۰۷ هـ

۶۰- سکینه الفضلا تألیف عبدالحکیم رستاقی در ذکر شعرای کابل چاپ

دهلی ۱۳۱۰ ش

۶۷- تذکره الشعراء بته خزانه تألیف محمد هوتک چاپ کابل باهتمام و تصحیح

آقای عبدالحی حبیبی (در ۲۹۰ ص)

۶۸- حدیقه الشعرا تألیف دیوان بیگی نسخه‌ای از آن بخط مؤلف که سابقاً

متعلق به مرحوم عباس اقبال بود اکنون در کلکسیون استاد حکمت دردانشکده ادبیات موجود است

۶۹- سخن و سحروران تألیف استاد بدیع الزمان فروزانفر در دو جلد حلد

اول مشتملست بر ذکر ۴۴ شاعر خراسان و ماوراءالنهر از ابتدای قرن ۳ تا اواخر

قرن ۶ هـ و جلد دوم مشتملست بر ذکر ۱۱ نفر از شعرای عراق و آذربایجان

از اواسط قرن ۵ تا آخر قرن ۸ هـ - چاپ حلد اول ۱۳۰۸ هـ حلد دوم (قسمت اول) آنان

۱۳۱۲ ش^۱.

۷۰- بی‌پایه الشعرای تألیف حاج کاظم تاجر تهریری (م ۱۳۱۵ هـ) در ذکر شعرای معاصر مؤلف (رجوع شود به الذریعه).

۷۱- تذکره غریبی (رجوع شود به دانشمندان آذربایجان)

۷۲- شکرستان فارس تألیف سید محمد حسین شعاع شیرازی بفرمان شاهزاده علینقی میرزا رکن الدوله در شیراز در ذکر شعرای معاصر فارس (رجوع شود به مقدمه «تذکره شعاعیه»)

۷۳- تذکره شعاعیه تألیف محمد حسین شعاع، الملك شیرازی متخلص به شعاع در ۲۱-۱۳۲۰ هـ مام میرزا محمد علی خان نصرالدوله در ذکر ۱۰۷ تن از شعرای معاصر معاصر مؤلف بترتیب العبا (ملك تهران ۳۸۳۹ مورخ ۱۳۲۲ هـ)

۷۴- ترجمه فارسی مجمع الخواص تألیف صادقی بیگ کتابدار شاه عباس اول در ذکر ۳۳۳ شاعر از ابتدای عهد شاه اسماعیل تا زمان شاه عباس اول (یا نقول اقص ۱۲ شاه عباس ثانی) این کتاب اصلاً بر بن ترکی است اما مؤلف اشعارا کثر شعرا را بفارسی آورده است و اخیراً دکتر خیامپور آنرا بفارسی ترجمه کرده است - چاپ تبریز ۱۳۲۷ ش.

۷۵- نامه فرهنگیان تألیف میرزا محمد علی بن عبدالحق مصاحبی متخلص به عبرت (۱۳۲۱ ش) در ذکر ۳۴ از شعرای قرن ۱۴ هـ بترتیب العوا و بالعکس ۲۲ نفر از آنان (مجلس ش ۱۱۹۷)

۷۶- مدینه الادب تألیف محمد علی عبرت مؤلف نامه فرهنگیان فوق

۱ چنانکه دیباچه مؤلف فاصل کتاب میرساند قرار بود این کتاب در چهار جلد تألیف شود جلد اول مشتمل بر ذکر شعرای حراسان و ماوراءالنهر و جلد دوم در ذکر شعرای عراق و آذربایجان و جلد سوم در ذکر شعرای شیراز و هندوستان و جلد چهارم در ذکر نویسندگان - اما تنها جلد اول و قسمت اول جلد دوم (تاحاقای شروانی) بطبع رسیده است و بقیه این کتاب تاکنون چاپ نشده است.

دردِ کَر شعرای معاصر مؤلف با حواشی دردِ کَر بعضی بلاد و شعرای ماضی - (سخنه
 باتمام آن در کتابخانه مجلس تهران موجود است)

۷۷- **روزنامه ملت**ی که بمدیریت شاهراده علیقلی میرزا اعتضاد السلطه
 ویرای علوم و صنایع و معادن در زمان ناصرالدین شاه بحط بستعلیق و چاپ سنگی انتشار
 مییافت و در هر شماره آن ترجمه احوال و نمونه آثار یکی از شعرای متقدم و متوسط
 یا معاصر ذکر میشد (دوره کاملی از آن در هیچیک از کتابخانه‌ها نیست اما مجموعه‌ای
 از آن در کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی در کتابخانه مجلس موجود
 است که در ۲۴ نفر از شعرای متقدم و متأخر را دارد).

۷۸- **تذکره شعرای قائنات و قمرستان** تألیف ضیاءالدین محمد حسین المشتهر
 به ضیاءالدین الیرحندی متخلص به ضیا بسر ملا باقر شیرآخوندی (مرکری
 ۳۰۱۲ مورخ ۱۳۳۱ هـ) در آغاز این سحه در اوراق حداد گانه ای آقای حبیبقلی
 ناستانی را ذکر بعضی شعر را که در این تذکره نیامده افزوده است. همچنین
 رجوع شود به بدیر احمدش - ۸ (دحیره ایوانو) و استوری ج ۱ ص ۹۲۳

۷۹- **نمونه ادبیات تاجیک** تألیف صدرالدین عیبی

۸۰- **تذکره شعرای معاصرین** تألیف ملاشاه محمد دارا بجردی متخلص به
 شاه (صبح گلشن ص ۲۲۰ در دیل نام شاه)

۸۱- **تذکره الشعرا معاصر هرات** تألیف محمد غواص چاپ کلوی ادبی
 هرات ۱۳۳۰ ش

۸۲- **سخنوران نامی معاصر** تألیف سید محمد باقر برقی دردِ کَر شعرای
 معاصر دردو حلد چاپ تهران حلد اول در ذکر ۸۶ شاعر ۱۳۲۹ ش و حلد دوم
 دردِ کَر ۷۹ شاعر چاپ ۱۳۳۰ س

۸۳- **نامه سخنوران** تألیف اسدالله ایرد گشسپ چاپ شده است (از مآحد
 سحرای معاصر اصفهان)

۸۴- گویند **معاصر** تألیف حسین عماد زاده (ار مآخذ شعرای اصفهان)

۸۵- آئینه دانشوران تألیف سید علیرضا ریحانی معروف به ریحان الله در ذکر گروهی از دانشمندان و دانشجویان حوزه علمیه قم با اشعار آنان چاپ تهران ۱۳۵۳ هـ.

۸۶- تذکره **علوی** تألیف رضابن عبدالخالق ثابتی در ذکر ۱۱۰ نفر شاعر که بمدح حضرت علی اشعاری سروده اند. چاپ مطبوعاتی افلاطون تهران ۱۳۳۴ ش (در ۱۹۹ ص).

۸۷- تذکره متأخرین شعرای **فارس** تألیف فصیح الملك شوریده در حدود ۱۳۳۱ هـ (نسخه ناقص الاول و آخر که طاهر آ نصف کتاب است و مؤلف بوسیله آقای اسمارت به پروفیسور براون در ۱۹۱۳ م/ ۱۳۳۲ هـ تعدیم کرده است و در فهرست کتابخانه شخصی پروفیسور براون ص ۱۳۷ ذکر شده است)

۸۸- آثار **الحسان** تألیف حاج میرزا حسن بن حاج میرزا علی حاربی انصاری اصفهانی در مدایع اشعار نسوان ایران و غرب و هند و ترک و ذکر پاره‌ای از احوالات ایشان (نام این کتاب در فهرست تألیفات حاربی انصاری در آخر کتاب «آفتاب در حشده» چاپ ۱۳۴۳ هـ ذکر شده است. الدریعه ح ۱ ص ۵)

۹۹- تذکره شعرای **چهارمحال** تألیف سرهنگ اوژن - چاپ سده اسب (ار مآخذ تذکره شعرای معاصر اصفهان)

۹۰- تذکره شعرای **معاصر اصفهان** تألیف سید مصلح الدین مهدوی درد کر ۴۸۴ شاعر معاصر اصفهان و توابع آن بترتیب المعاص چاپ کتابت روشی تایید اصفهان در شهریور ۱۳۳۴ ش.

تذکره شعرای **معاصر** تألیف سید عبدالحمید حلحالی در دو جلد چاپ تهران جلد اول ۱۳۳۳ ش و جلد دوم ۱۳۳۷ ش.

۹۲- از رابعه تاپروین تألیف کشاورز صدر درذکر زنان شاعر ایران- چاپ

تهران

۹۳- شعرای بزرگ ایران تألیف هوشنگ مستوفی درذکر یازده شاعر بزرگ

ایران از قرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری - چاپ تهران ۱۳۳۴ ش.

۹۴- زبان سخنور تألیف علی اکبر سلیمی در دو جلد چاپ تهران ۱۳۳۵ ش.

۹۵- بهشت سخن تألیف دکتر مهدی حمیدی شیرازی درذکر شعرای متقدم

چاپ حلد اول درد کر شعرای پنج قرن اول ۱۳۳۴ ش و جلد دوم درذکر شعرای قرن ششم ۱۳۳۸ ش.

۹۶- پاسداران سخن تألیف آقای مطهر صفا درذکر شعرای متقدم (ومتأخر)

فارسی چاپ تهران حلد اول درد کر شعرای متقدم بسال ۱۳۳۵ ش.

۹۷- صدف یا ساعتی ناشاعر تألیف دکتر داریوش صبور بسال ۱۳۳۵ ش درد کر

۲۴ شاعر معاصر مؤلف در پایان کتاب ذکر احوال و آثار خود را آورده است چاپ

تهران ۱۳۳۵ ش

۹۸- تذکره شعرای خوانسار تألیف یوسف بخشی حواساری درذکر ۱۰۰

نفر از شعرای خوانسار بترتیب العا چاپ تهران ۱۳۳۶ هـ (در ۲۴۲ ص).

۹۹- برگزیده تألیف عصمت شریف افشار صدریه تاریخ مختصر شاعران- چاپ

تهران زوار ۱۳۳۶ ش

۱۰۰- از رودکی تا بهار تألیف حسین کوهی کرمانی چاپ تهران (در ۲۹۴ ص)

۱۰۱- گلهای جاویدان در بوستان ادب ایران تألیف مهدی توحیدی پور

درد کر شعرای متقدم . چاپ تهران ۱۳۳۶ ش (در ۶۱۵ ص)

۱۰۲- شاهکارهای شعر معاصر تألیف فریدون کار با مقدمه دکتر یار شاطر-

چاپ تهران ۱۳۳۸ ش (در ۶۸۳ ص)

۱۰۳- تذکره شعرای سمنان تألیف نصرت الله نوحیان نوح با مقدمه استاد

سعید نفیسی و آقای حبیب یعمائی در ذکر ۸۳ شاعر سمنان- چاپ تهران ۱۳۳۷ ش
(در ۱۷۷ ص).

۱۰۴- تاریحچه شعرای کرمانشاه تألیف ماهر شاکری درد کر ۱۱۴ شاعر
کرمانشاه- چاپ کرمانشاه ۱۳۳۷ ش

۱۰۵- دانشمندان و سخن سرایان فارس تألیف محمدحسین رکنزاده
آدمیب چاپ تهران جلد اول ۱۳۳۸ ش ارآتشی تایبامی (در ۵۹۲ ص)

۱۰۶- اشعار جاویدان پارسی تألیف امیر مسعود سپهرم - چاپ بهراں روار
۱۳۳۹ ش (در ۱۸ ص)

۱۰۷- تذکره طلعت تألیف طلعت اعتماد مقدسیعنا چاپ بهراں ۱۳۳۹ س
(در ۲۶۳ ص)

۱۰۸- گنج سخن تألیف دکتر دیبج الله صفا در ذکر شعرای معدم و متأخر
در سه جلد چاپ دانشگاه تهران ۴۰-۱۳۳۹ ش -

و فارسی و اردو است قسمت فارسی «گلشن ناز» و «تکمله گلشن ناز» نام دارد و
 بیست و یک سال ۱۲۹۲ هـ (ماده تاریخ) = «مآثرات خیالی» (تذکره های عربی
 تذکره النساء نادری یا «گلشن ناز» و «تکمله آن» تألیف منشی درگاه
 ۶- ۵۷۵ م الاموال - تألیف میرسعاد علی رصوی خاں ۸۵۷ هـ ۱۴۵۷ هـ

مدراس ۱۳۵۲ هـ

۵- سخنوران و فکر - تألیف مولوی محمد سوری کوهر. چاپ دانشگاه

سال ۱۳۲۹ هـ

محمد عبدالصالح حار صوفی ملکا پوری برای پویشی ملکا مطبع رحمانی
 ۳- ۵۷۵ م الاموال - تألیف مولوی ابو تراب (تذکره شعری دکن) - تألیف مولوی
 ۲- ۵۷۵ م الاموال - تألیف مولوی عبدالرحمن - چاپ اعظمی
 ۱- ۵۷۵ م الاموال - تألیف مولوی شمس الدین - چاپ اعظمی
 ۱۹۰۲-۵ - ۵۷۵ م الاموال - تألیف مولوی شمس الدین - چاپ اعظمی
 ۱- ۵۷۵ م الاموال - تألیف مولوی شمس الدین - چاپ اعظمی
 ۱- ۵۷۵ م الاموال - تألیف مولوی شمس الدین - چاپ اعظمی

تألیف شده است و در کتاب فارسی دارد

تذکره شعری فارسی و کتب دیگر که در زبان اردو در قلمرو هندوستان

موسم

هر کدام مشتمل بر دگر ۹ شاعره فارسی میباشد - چاپ در اکمل المطابع دهلی
 ۱۸۸۳ م/ ۱۳۰۱ هـ (ماده تاریخ . گلشن مروت نادر = ۱۳۰۱ هـ)

۸ - جدید فارسی شاعری - تألیف دکتر منیب الرحمن - چاپ اداره علوم
 اسلامیة دانشگاه علیگر سال ۱۹۵۹ م/ ۱۳۷۹ هـ

۹ - نیا ایرانی ادب - تألیف دکتر ظهورالدین احمد چاپ لاهور در حدود
 ۱۹۵۷ میلادی (باب اول آن در باره شعرای جدید فارسی است) .

صمیمہ چہارم

تذکرہ شعرای اردو کہ در ہند و پاکستان بر ناس فارسی تالیف شدہ است
واکثر این شعرا بفارسی شعر می سرودہ اند

۱۔ نکات الشعراء۔ تالیف میر تقی میر سال ۱۱۶۵ ھ (یکسال بعد از فوت
مخلص متوفی در ۱۱۶۴ ھ) تذکرہ صد شاعر ریختہ (اردو)

سخ خطی اشپرنگر ۴۲ و بادلیں ۳۹۲ (۱۲۱۱ ھ) و رامپور (رحوع شود
بہ مجلہ اورینٹل کالج مورخ فوریه ۱۹۳۰ م ص ۱۱۴)۔ چاپ احمن ترقی اردو
اورنگ آباد دکن ہند در نظامی پرس بدایون باہتمام و مقدمہ حبیب الرحمن شیروانی
۲۔ گلشن گفتار تالیف خواجہ حاحامید اورنگ آبادی سال ۱۱۶۵ ھ
چاپ خورشید پرس حیدر آباد دکن مرتبہ سید محمد

۳۔ تذکرہ ریختہ گویان۔ یا تذکرہ علی گردیری۔ تالیف سید فتح علی
حسین گردیری بسال ۱۱۶۶ ھ (اتہ ۱۱۶۵ ھ) کہ مشتملست بر دکر تقریباً
صد شاعر اردو

سخ خطی : اشپرنگر ۴۳ و اتہ ۶۹۸ (۱۱۸۰ ھ) ۶۹۹ (۱۲۱۶ ھ) ۷۰۰
(۱۲۱۳ ھ) و ایوانو ۲۳۳ (ناقص۔ او احر قرن ۱۸ م) و ایوانو تکملہ اول ۷۶۷ (او احر
قرن ۱۸ م) و مدراس ۴۳۷ (۱) (۱۲۳۰ ھ) و نانکی پور تکملہ اول ۱۷۸۷ (قرن ۱۹ م)

ریو ج ۳ ص ۱۰۷۱ الف (قرن ۱۹ م)

چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن هند سال ۱۹۳۳ م / ۱۳۵۲ هـ
باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق

۴- مخزن نکات - تألیف شیخ محمد قیام الدین قایم چاند پوری (متوفی در ۱۲۰۷ یا ۱۲۱۰ هـ) سال ۱۱۶۸ هـ .

نسخ خطی . اشپرگر ۴۴ (کتابخانه موسی محل . بخط مؤلف) واته
۷۰۱ . چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن سال ۱۹۲۹ م / ۱۳۴۸ هـ نامقدمه
مرحوم مولوی عبدالحق

۵ - چمستان شعرا - تألیف لچپی برای شعیق اورنگ آبادی سال ۱۱۷۵ هـ
چاپ مطبع انجم اردو اورنگ آباد دکن باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق سال
۱۹۲۸ م .

۶- طبقات الشعرا - تألیف قدرت الله صدیقی شوق سنهلی سال ۱۱۸۸ هـ

چاپ باهتمام محمد ابواللیث صدیقی ندایونی

۷- تذکره حقیقت الشعرا - تألیف قدرت الله صدیقی شوق سنهلی - تذکره
ریخته گویان (شعرا اردو) - رجوع شود به آثار شوق در دیل بحث در باره تذکره
« تکملة الشعراى حام حمسید » در این کتاب

۸ - تذکره شعراى اردو - تألیف میر حسن سال ۱۱۸۸ هـ تا ۱۱۹۲ هـ

چاپ انجمن ترقی اردو سال ۱۹۴۰ م / ۱۳۵۹ هـ باهتمام حبیب الرحمن شروانی

۹- تذکره سخن آفرینان هندی زبان - تألیف میر علام حسن را تمائی
سال ۱۱۹۱ هـ بنام شاه عالم پادشاه هند (۱۱۷۳-۱۲۲۱ هـ) نسخه خطی ایوانو-

کرزن ۶۲ مورخ ۱۸۶۱ م

۱۰ - تذکره شورش - تألیف سید علام حسن شورش معروف به میر بهیا

(متوفی در ۱۱۹۵ هـ) سال ۱۱۹۳ هـ .

نسخه خطی . اشپرنگر ۴۶ - بادلین ۳۸۷

۱۱- تذکره مسرت افزا تألیف ابوالحسن امیرالدین احمدالمشتر به امیرالله اله آبادی بسال ۱۱۹۳ هـ - تذکره ۲۴۷ شاعر ریخته (اردو) - نسخه خطی ؛ بادلین ۳۸۸ (طاهرأ بخط مؤلف)

۱۲- گل عجائب - تألیف اسدعلیخان تما اورنگ آبادی بسال ۱۱۹۴ هـ چاپ انجمن ترقی اردو سال ۱۹۳۴/۱۳۵۳ هـ با مقدمه مرحوم مولوی عبدالحق .
۱۳- گلشن سخن - تألیف میرراکظم ملقب به مردان علی خان متخلص به متلاسال ۱۱۹۴ هـ (نسخه آن در رامپور موجود است رجوع شود به مقدمه دستور العصاحت »)

۱۴- دگر میر - خود نوشت شرح حال میر تقی میر بسال ۱۱۹۷ - چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دگر بسال ۱۹۲۸ م / ۱۳۴۷ هـ با مقدمه مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۵- گلزار ابراهیم تألیف علی ابراهیم حار حلیل بسال ۱۱۹۸ هـ - تذکره سید شاعر ریخته (اردو)

نسخ خطی اشپرنگر ۴۷ = ایوانو تکمله اول ۷۶۹ (۱۲۱۹ هـ) و ریو ح ۱ ص ۳۷۸ الف و نانکی بورح ۸ ش ۷۱۰ (۱۲۳۸ هـ) چاپ انجمن ترقی اردو هند

۱۶- تذکره همدی گویان - تألیف شیخ علام همدانی مصحفی امروهوری آغاز در ۱۲۰۰ هـ و پایان در ۱۲۰۹ هـ - تذکره ۳۵۰ شاعر ریخته (اردو) از زمان محمد شاه (۱۱۳۱ - ۱۱۶۱ هـ) تا زمان مؤلف و مرمایش میر مستحسن حلیق - چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد هند باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۷- تذکره عشقی - تألیف شیخ وحیه الدین عشقی بن محرم عظیم آبادی - در حدود سال ۱۲۱۵ هـ مشتمل بر دگر ۴۳۹ شاعر ریخته (اردو) - نسخه خطی . اشپرنگر ۴۸ = بادلین ۳۹۳ .

۱۸- عیار الشعراء - تألیف حوب چند دکا (متوفی در ۱۲۶۲ هـ) بن بهوانی
چند کایسب دهلوی ار شاگردان میر بصیر بسال ۱۲۰۸ یا ۱۲۱۳ هـ مشتمل بر ذکر
تقریباً ۱۵۰۰ شاعر ریخته (اردو) برمایش استاد حود بصیر- نسخه خطی اشپرنگر
۵۰ = اته ۷۰۲ و ۵۲ و داشگاه لاهور و بانکی پور تکمله اول ۱۷۸۹ (۱۸۲۲ م)
و برلن ۶۶۹ و اته ۲۸۴۹

۱۹- مجموعه نغز - تألیف سید ابوالقاسم معروف به میر قدرت الله فادری
متخلص به قاسم بسال ۱۲۲۱ هـ . تذکره ۸۰۰ شاعر اردو - چاپ داشگاه لاهور
در کریمی پرس لاهور سال ۱۹۳۳ م/ ۱۳۵۲ هـ باهتمام مرحوم پروفیسور محمود
شیرانی .

۲۰- ریاض الصفحا - تألیف شیخ علام همدانی مصحفی امروہوی آغار در
۱۲۲۱ هـ و پایان در ۱۲۳۶ هـ - چاپ اورنگ آباد باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق
در ۳۷۸ صفحه .

۲۱- عمدہ مستخبہ - تألیف نواب اعظم الدولہ میر محمد حان سرور (متوفی
در ۱۲۵۰ هـ) بن نواب ابوالقاسم مظفر حسک در ۹ محرم ۱۲۲۲ هـ مشتمل بر ذکر
۱۲۰۰ شاعر اردو - سح خطی اشپرنگر ۵۱ و بلوشه ح ۲ ش ۱۲۵۹ (۱۸۲۹ م)
واته ۲۸۵۰

۲۲- دستور الفصاحت - تألیف حکیم سید احمد علی خان یکنسا سال
۱۲۲۳ هـ - چاپ باهتمام امتیاز علی حان عرشی در هندوستان پرس رامپور سال
۱۳۶۳/۱۹۴۳ هـ .

۲۳- تذکرہ فارسی - تألیف سیح غلام همدانی مصحفی امر و ہوی سال
۱۲۳۶ هـ مشتمل بر ذکر شعرای متأخر اردو و فارسی و تقریباً از تمام شعرا
اشعار اردو آنان نقل کرده اسب

۲۴- گلشن بیخار - تألیف نواب عظیم الدولہ سرور ار الملک محمد مصطفی
خان شبعته مظفر جنگ (متوفی در ۱۲۸۶ هـ) آغاز بسال ۱۲۴۸ هـ و پایان

در ۱۲۵۰ هـ مشتمل بر ۶۰۰ شاعر ریخته (اردو) - نسخ خطی: ریو ج ۳ ص ۱۰۶۹ الف
(۱۲۵۲ هـ) و بانکی پور ح ۸ ش ۷۱۸ (۱۲۵۵ هـ) - چاپ دهلی سال ۱۲۵۳ هـ
و ۱۸۴۳ م و لکهنو ۱۸۷۴ م .

۲۵- **مدایح الشعراء** - تألیف نواب عنایت حسن خان بهادر مہجور بنارسی
(نوادہ علی ابراہیم خان حلیل) بسال ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۰ هـ مشتمل بر ذکر ۶۷ شاعر
اردو - نسخہ ای ار آن در کتابخانہ رامپور ہند موجود است .

۲۶- **مخزن شعراء** - تألیف قاصی نورالدین حسینی خان رضوی متخلص
بہ فائق بسال ۱۲۶۸ هـ - تذکرہ شعرائ گجراتسب - چاپ احمن ترقی اردو بسال
۱۹۳۳ م / ۱۳۵۲ هـ باہتمام مرحوم مولوی عبدالحق

۲۷- **خزینۃ العلوم** - تألیف منشی درگا پرشاد نادر سرنندی بسال ۱۹ -
۱۲۸۸ هـ - چاپ مطبع معید عام لاہور بسال ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶ هـ .

۲۸- **بزم سخن** - تألیف سید علی حس متخلص بہ سلیم - چاپ مطبع نامی
معید عام آگرہ بسال ۱۲۹۸ هـ

۲۹- **طور کلیم** - تألیف سید نورالحسن - چاپ و مطبع نامی معید عام
آگرہ سال ۱۲۹۸ هـ

۳۰- **گلشن ہمیشہ بہار** - تألیف عبدالعلیم بصر اللہ خان قمر احمدی
حویشگو خورحوی (متوفی در ۱۲۹۹ هـ) تذکرہ ۴۱۴ شاعر ہندوستانی - چاپ
فتح الاحار پرس کول (علیگر) سال ۱۲۷۰ هـ

۳۱- **تذکرۃ الشعراء ہود** - تألیف بساش بسال ۱۲۹۹ هـ . (محرن الش
و محرن الشعراء و محرن الاشعار سال ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ هـ)

۳۲- **تذکرہ مختصر در حال ریختہ گویان ہند** - تألیف محمد صدرالدین
سال (۹) سحہ حطی . براون تکملہ ش ۳۰۴

ضمیمه پنجم

تذکره های اولیا و صوفیه که بسیاری از آنان شعر هم میسروده اند^۱.

الف- تذکره های اولیا و صوفیه که در شبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است

۱- کشف المحجوب- تألیف علی بن عثمان الجلائی الهجویری در حدود

۴۵۰ هـ در ذکر تصوف و قسمتی از آن در ذکر صوفیه میباشد (استوری ج ۱ ص ۹۲۴)

۲- سیر الاولیاء فی محبت الحق جل و علی- تألیف سید محمد مبارک بن

محمد علوی کرمانی معروف به امیر خورد (متوفی در دهلی در ۷۱۱ هـ) در زمان فیروز

شاه تغلق (۷۵۲-۸۹۰ هـ) در ذکر صوفیه چشنی در ده باب (استوری ح ۱ ص ۹۴۴)

۳- منبع الانساب- تألیف سید معین الحق بن شهاب الحق - تذکره سادات

بهکر سند و انبیاء و ائمه اولادشان و ۴ پیر و ۱۴ حانواده ناشرح سلسله های صوفیه

(استوری ح ۱ ص ۹۴۹)

۴- تذکره خواجہ باقی اللہ- تألیف خواجہ باقی اللہ نعمشیدی دهلوی (متوفی

در ۱۱۱۲ هـ) چاپ حیدرآباد دکن

۵- تذکرۃ الاولیاء- نعمت اللہ رضائی- چاپ بمبئی ۱۳۱۳ هـ

۱- تذکر این مہرست اسم تذکرہ ہائی را کہ در ذکر تہا یک مہر ہودہ شامل

۶- سیر العارفين- تأليف حامد بن فضل الله معروف به درویش جمالی یا شیخ ملاجمالی کنوه دهلوی ۱ (متوفی در ۹۴۲هـ) در ذکر ۱۴ صوفی چشتی معاصر همایون شاه (۹۳۶-۹۶۳هـ) که در میان سالهای ۹۳۷ و ۹۴۲ تألیف شده است. (استوری ح ۱ ص ۹۷۰)

۷- اخبار الاخيار في اسرار الانوار- تأليف عبدالحق دهلوی بحاری (متوفی در ۱۵۰۲هـ) درد کر ۲۵۵ صوفی هند سال ۹۹۹هـ

۸- زادالمتقين في سلوك طريق اليقين- تأليف عبدالحق دهلوی فوق سال ۱۰۰۳ هـ درد کر دو صوفی هندوستان بنام علی بن حسام الدین متقی و عبدالوهاب بن ولی الله المتقی مقیم مکه و شیوخ و فقراء معاصر مکه

۹- تذكرة الحق- تأليف محمد امير درد و حلد - چاپ ۱۳۳۲هـ

۱۰- اخبار الاصفياء- تأليف عبدالصمد بن افضل محمد در ۱۰۱۴هـ درد کر ۲۵۰

صوفی غالباً مانند اخبار الاحيار فوق (استوری ح ۱ ص ۹۸۳)

۱۱- تحفة السعداء- تأليف حواحه کمال درد کر صوفیه چشتی (استوری

ج ۱ ص ۹۸۳)

۱۲- لمعات من نفحات القدس- تأليف شيخ سليم (متوفی در ۱۰۴۱هـ) درد کر

صوفیه نقشبندی - چاپ ۱۳۲۷هـ (استوری ج ۱ ص ۹۸۳)

۱۳- گلزار ابرار - تأليف محمد غوشی سطاری میان سالهای ۹۹۸-۱۰۱۱هـ

(و بقول ایوانو بیان سالهای ۱۰۲۰ و ۱۰۲۲هـ) نام چهارنگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷هـ) درد کر

۵۷۵ صوفی هدی تژاد که آنان اهل گجرات بودند در رسح «چمن» (استوری ح ۱

ص ۹۸۴)

۱۴- کلمات الصادقين- تأليف محمد صادق کشمیری همدانی مؤلف طبقات

شاهچانی و سلسله الصادقين در سال ۱۰۲۳ هـ درد کر ۱۲۵ صوفی که در دهلوی مدفونند

۱۵- تاريخ مشايخ کشمير يا رشي نامه - تأليف بابا نصيب يا بابا نصيب الدين

سهروردی کشمیری متوفی در ۱۳ محرم ۱۰۴۷ هـ که یکی از اکابر صوفیه کشمیر بود در ذکر صوفیه کشمیر (استوری ج ۱ ص ۹۸۵).

۱۶- **رشی نامه** - تألیف بهاء الدین بها - تذکره منظوم در سه دفتر که اساس آن بر رشی نامه نصیب اسب (استوری ج ۱ ص ۹۸۶)

۱۷- **جواهر فریدی** - تألیف علی اصغر چشتی در ۱۰۳۳ هـ در ذکر صوفیه چشتی مخصوصاً فرید الدین گنج شکر و اولاد وی - چاپ لاهور ۱۳۰۱ هـ (استوری ج ۱ ص ۹۸۶)

۱۸ **زبدة المقامات** یا برکات الاحدیت الناقیه تألیف محمد هاشم بن محمد قاسم النعمانی البدر حشابی در ۱۰۳۷ هـ بهرمایش فرزندان احمد سرهندی در ذکر شیخ احمد فاروقی سرهندی و غیره

۱۹- **نسمات القدس من حدایق الانس** - تألیف محمد هاشم بن محمد قاسم در ۱۰۳۱ هـ بهرمان احمد فاروقی سرهندی در ذکر صوفیه بهشتی اقرن ۱۰ تاریخ اول قرن ۱۱ هـ - تتمه رشحات آئین الحیات تألیف فخر الدین علی بن الحسین الواعظ کاشفی (استوری ج ۱ ص ۹۹۰)

۲۰- **الا سئله والا جوابه** - در جوابائیکه سید محمود بهووه در ۱۰۴۲ هـ به ۱۷ سؤال محمد بن حلال شاهی و رصوی راحه بسالهای مهم در دوره رنگانی اکابر شیوخ داده اسب (استوری ج ۱ ص ۹۹۱)

۲۱- **مجمع الاولیاء** یا محل اصغیا و مجمع الاولیا - تألیف میر علی اکبر حسینی اردستانی بهام شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ هـ) در سال ۱۰۴۳ هـ در ذکر قریب به ۱۴۰۰ یا ۱۵۰۰ صوفی در ۱۲ باب و یک خاتمه (استوری ج ۱ ص ۹۹۱)

۲۲- **مناقب الحضرات** - یا مناقب احمدیه و حضرات احمدیه تألیف حاجی محمد امین بدخشی در ذکر صوفیه بهشتی مخصوصاً احمد فاروقی سرهندی و فرزندان وی در یک مقدمه و سه مطلب و ۱۱ باب و یک خاتمه (استوری ج ۱ ص ۲ - ۹۹۱)

- ۲۳- سفینه الاولیا- تألیف محمد دارا شکوه قادری پسر ارشد شاهجهان در ۲۷ رمضان ۱۰۴۹ هـ درد کر بزرگان و عرفا و شیوخ چاپ آگره ۱۲۶۹ هـ و لکهنو ۱۸۷۲ و کاپور ۱۸۸۴ و ۱۳۱۸ هـ
- ۲۴- سکینه الاولیاء- تألیف محمد دارا شکوه در ۱۰۵۲ هـ درد کر اکابر صوفیه لاهور (استوری ج ۱ ص ۹۹۸)
- ۲۵- موس الارواح تألیف حها آرا بیگم دختر شاهجهان (و مؤلفه صاحبیه تذکره ملاسه تألیف سال ۱۰۵۱ هـ) بسال ۱۰۴۹ هـ درد کر معین الدین چشتی و مریدان او (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۰).
- ۲۶- سنوات الاتقیاء- تألیف شیخ بدرالدین بن ابراهیم سهرندی در ذکر اکابر مخصوصاً در ذکر سال وفاتشان از دم تا سال ۱۰۴۴ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۲).
- ۲۷- حضرت القدس- تألیف شیخ بدرالدین بن ابراهیم سهرندی درد کر صوفیه نقسندی دردو دفتر در سال ۱۰۵۳ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۳).
- ۲۸- ستر الاقطاب تألیف الله دیا بن شیخ عبدالرحمن چشتی عثمانی معاصر شاهجهان آغادر ۱۰۳۶ و پایان در ۱۰۵۶ هـ درد کر ۲۷ بحر ارسلسله چشتیه چاپ لکهنو (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۴)
- ۲۹- مخبر الواصلین- تألیف میر محمد فاضل المدعونه مظهر الحق قمرمندی اکبر آبادی (متوفی در ۱۱۰۶ هـ) در ۱۰۶۰ هـ درد کر رسول وصحابه و سیاری از صوفیه و غیره ارقر اول تا ۱۱۰۵ هـ- چاپ کلکته ۱۲۴۹ و لکهنو ۱۲۵۶ هـ.
- ۳۰- مرآت الاسرار- تألیف عبدالرحمن بن عبدالرسول عباسی علوی چشتی- آغار در ۱۰۴ هـ و نمایان در ۱۰۶۵ هـ- درد کر صوفیه ارا و ایل اسلام تازمان حسام الدین مانک پوری (متوفی در ۸۵۳ هـ) در ۲۳ طبقه (استوری ج ۱ ص ۱۰۰۵)- عبدالرحمن «مرآت المداری» شرح حال شیخ مانک پوری و «مرآت مسعودی» در شرح فرمانه افسانه ای سام سلطان الشهداء سالار مسعود غازی را نیز تألیف کرده

است (استوری ح ۱ ص ۱۰۰۶).

۳۱- چشتیه بهشتیه یا فردوسیه قدسیه - تألیف علاءالدین بن محمد چشتی
برناوی در ۱۰۶۶ هـ در ذکری صوفیه چشتی در یک مقدمه و ۲۸ دکر (استوری ح ۱ ص
۱۰۰۷).

۳۲- کارنامه اولیاء - تألیف نظام الدین احمد بن محمد صالح صدیقی حسینی
معاصر شاهجهان در ۱۰۶۷ هـ در ذکراولیا
۳۳- کرامات الاولیاء تألیف نظام الدین احمد فوق در ۱۰۶۸ هـ (ریوج ۳
ص ۹۷۴ الف)

۳۴- اخبار الاولیاء من لسان الاصفیا - تألیف عبدالله خویشگی قصوری
در ذکری خویشگو و صوفیه دیگر سال ۱۰۷۷ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۱۱)
۳۵- معارج الاولیاء - تألیف عبدالله خویشگی فوق در بیان مشایخ هندوستان
(استوری ج ۱ ص ۱۰۱۱)

۳۶- ریاض الاولیاء تألیف محمد بقا متخلص به نعا سهار نیوری (متولد
در ۱۳۰۷ هـ و متوفی در ۱۰۹۴ هـ) و بیخا ورخان (متوفی در ۱۰۹۶ هـ) در ذکری صوفیه
در چهارچمن در سال ۱۰۹۰ هـ (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۲)

۳۷- خوارق الساکین - تألیف (۹) بسال ۱۱۰۹ هـ در حکایاتی ارسوفیه قدیم
کشمیر و غیره (استوری ح ۱ ص ۱۰۱۳)

۳۸- مطلوب الطالبین تألیف محمد بلال بن شیخ ابو محمد خالدی دهلوی
در ذکری نظام الدین اولیا و مریدان وی در ۱۷ مطلب در سال ۱۱۱۱ هـ (استوری ح ۱
ص ۱۰۱۳)

۳۹- روضه اقطاب - تألیف محمد بلال فوق در ۱۱۲۴ هـ در ذکری قطب الدین
بختیار کاکی و چند صوفی دیگر که در نزدیک قمری مدفونند. چاپ لاهور ۱۸۹۰ م
و دهلی ۱۳۰۴ هـ

- ۴۰- تحفة القاری - تألیف شاه منصور بن شاه چاند محمد معروف به شیخ چایله در ۱۱۱۹ هـ درد کر صوفیه در سه قسمت (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۴)
- ۴۱- ظواهر السرائر - تألیف محمد عمر بن ابراهیم النیشابوری در نیمه اول قرن ۱۸ م درد کر شیخ سعدی لاهوری و عبدالرحمن سلمی نیشابوری و سید آدم نوری (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۵)
- ۴۲- انیس القادریه - تألیف بهاء الحق القادری در ۱۱۳۸ هـ در ذکر شیخ عبدالقادر حیلانی و صوفیه قدیم (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۷)
- ۴۳- ذکر جمیع اولیای دهلی - تألیف محمد حبیب الله بن شیخ جهان اکبر آبادی دهلوی (متولد در اکبر آباد در ۱۰۸۲ هـ و متوفی در دهلی در ۱۱۶۰ هـ) در سال ۱۱۴۰ هـ درد کر صوفیه (استوری ج ۱ ص ۱۰۱۹ هـ)
- ۴۴- سواطع الانوار یا اقتباس الانوار - تألیف محمد اکرم بن شیخ محمد الحنفی البارسوی درد کر صوفیه چشتی در چهار باب چاپ لاهور ۸۹۵۰ م
- ۴۵- تحایف رشیدیہ - تألیف محمد عبدالرشید (متوفی در ۱۱۳۰ هـ) بن نذر محمد قادری کیرانوی درد کر ۳۷ نفر از رسول تاشاه فتح محمد آغار در ۱۱۳۷ هـ و اتمام در ۱۱۴۳ هـ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۰)
- ۴۶- تذکره قادریه تألیف محمد عبدالرشید فوق خلاصه تذکره فوق.
- ۴۷- انفاس العارفين - تألیف قطب الدین احمد المعروف به ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ هـ) در حدود ۱۱۴۵ هـ درد کر صوفیه در سه قسم. چاپ دهلی ۱۳۱۵ هـ
- ۴۸- الانتخاب فی سلاسل اولیاء الله - تألیف قطب الدین فوق درد کر سلسله های صوفیه چاپ دهلی ۱۳۱۱ هـ
- ۴۹- اشجار الجمال یا اخبار الجمال - تألیف محمد بن یار محمد کولوی (متولد در ۱۰۹۸ هـ) در ۱۱۵۱ هـ درد کر اسیا و صوفیه (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۲)
- ۵۰- حقایق الاولیاء - تألیف محمد قیام الدین معروف به قاصی حان فاروقی در ۱۱۵۴ هـ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۳)

۵۱- مخزن العراس- تألیف محمد حبیب قادری ناگوری اجمیری در ۱۱۵۵ و

۱۱۵۶ هـ در تاریخ فوت، صوفیه (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۳)

۵۲- روضات القیومیہ- تألیف ابوالعین کمال الدین محمد احسان سیرہ

شیخ احمد سرہندی در ۱۱۵۲-۱۱۵۴ هـ در ذکری شیخ احمد فاروقی سرہندی و اولادو

میریدان او (استوری ج ۱ ص ۴-۱۰۲۳)

۵۳- سفینۃ العارفین- تألیف محمد امان بن محمد یوسف در حدود ۱۱۰۳ هـ

در ذکری عرفا مخصوصاً از ہند تا پایان قرن ۱۱ هـ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۴)

۵۴- واقعیات کشمیر- تألیف محمد اعظم در ۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ کہ غالباً راجع

بہ صوفیہ کشمیر است (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۴)

۵۵- روضۃ الاولیاء- تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی در کردہ صوفی کہ

در روضہ یا خلد آباد دفنند چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۴)

۵۶- بشارت الامامہ- تألیف سید علامہ حسین خان طباطبائی در ۱۱۹۴-۱۱۹۵ هـ

مثنوی در احوال و کشف و کرامات اعداد مؤلف (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۶)

۵۷- تحفۃ الطاہرین- تألیف شیخ محمد اعظم تنوی در ۱۱۹۴ هـ در ذکری ۱۶۸

صوفی کہ در کوه مکی و شہر تہ و بواحی آن دفنند جاب سیدی ادبی نورد کراچی

۱۹۵۶ م

۵۸- مجموعہ- شجرہ ہای صوفیہ کشمیر و بعضی حکایات مربوط بایشان- اسم

مؤلف معلوم نیست و آخرین سال کہ در این کتاب ذکر شدہ اس ۱۱۲۸ هـ اس (نسخہ

ایوانو کرزن ۷۹)

۵۹- مکی نامہ تألیف میر علی شیر قانع تنوی- در ذکری صوفیہ کہ در کوه مکی

مدفونند. چاپ سندی ادبی نورد کراچی در مجلہ مہراں ش ۲ مورخ ۱۹۵۶ م

۶۰- حدیقۃ الاولیاء- سید عبدالقادر تنوی (مقدمہ مصحح تحفۃ الطاہرین)

۶۱- تذکرة المراد- حاحی محمد حسین صفائی تتوی (مقدمه مصحح تحفة الطاهرین)

۶۲- معارف الانوار- محمد صالح بن کر یا تتوی (مقدمه مصحح تحفة الطاهرین)

۶۳- صحیفة العراس یا تاریخ وفات بزرگمان- تألیف محمد شریف بمرمایش تیمو سلطان حاکم میسور (۱۱۹۷-۱۲۱۳ هـ) فهرست صوفیه است بترتیب و ذکر تاریخ وفاتشان (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۸)

۶۴- معیار السالکین فی طریقت تألیف میر علی شیر قانع تتوی در ۱۲۰۲ هـ درد کر صوفیه از زمان حضرت رسول تا پایان قرن ۱۲ هـ در ۱۲ معیار (استوری ج ۱ ص ۱۰۳۰)

۶۵- بحر ذخار - تألیف وحیه الدین اشرف لکهنوی در ۱۲۰۳ هـ در هشت لحه و چند بهر و موح درد کر صوفیه که غالب آنان هندی الاصل بودند - چاپ اله آباد ۱۳۱۳ هـ (تنها قسمت صابریها) (استوری ج ۱ ص ۱۰۳۲) .

۶۶- نشارت مظهریه در فضایل حضرات طریقه مجددیه تألیف محمد نعیم الله بهرائچی حنفی نقشبندی (۱۱۵۳-۱۲۱۸ هـ) بمرمایش میر محمد ماه بهرائچی درد کر میرزا مظهر مؤسس سلسله شمسیه مظهریه از سلسله نقشبندی (استوری ج ۱ ص ۱۰۳۳)

۶۷- معمولات مظهریه - درد کر سلسله مظهری صوفیه - چاپ کانپور ۱۲۸۴ هـ و لاهور ۱۸۹۳ م

۶۸- اصول المقصود- تألیف تراب علی بن محمد کاظم قلندری علی کا کوروی در ۱۱۲۵ هـ درد کر ۱۲ شیخ قلندری در ۱۲ اصل - چاپ هد ۱۳۱۲ هـ .

۶۹- ذکر الاصفیا فی تکمله سیر الاولیاء در منقبت شمس الهدایا - تألیف گل محمد معروفی کرچی چشتی احمد پوری (متوفی در ۱۲۳۴ هـ) تکلمه سیر الاولیاء سید محمد کرمانی است (استوری ج ۱ ص ۱۰۳۷) .

- ۷۰- فواید سعديه - تأليف قاصی محمد ارتضى على خان خشنود گویاموی
(۱۱۹۸-۱۲۵۱ هـ) درد کر عرفا و صوفیه - چاپ لکهنو ۱۸۸۵ م
- ۷۱- تحفه اعظمیه - تألیف خوشود گویاموی فوق درد کر صوفیه (استوری
ح ۱ ص ۱۰۳۹) .
- ۷۲- تذکرة الکرام - تألیف محمد ابوالحیات قادری بهلوی بهاری در ۱۲۴۹
هجری درد کر ۴۵ شیخ بهاری که غالب آنها در قرن ۱۹ و ۱۸ میلادی میریسته اند
چاپ لکهنو ۱۸۸۰ م
- ۷۳- احوال شاه گل امام جیو و خانواده و جانشین وی - تألیف میاں حیر
محمد منشی در ۱۲۰۹ هـ (استوری ح ۱ ص ۱۰۴۱)
- ۷۴- بیاض دلگشا - تألیف عبدالعلیم ناصر الله خان احمدی حویشگو خواجوی
(متوفی در ۱۲۹۹ هـ) مؤلف تاریخ دکن در ۱۲۶۸ هـ درد کر شاه عبدالعلیم و پیر او و
صوفیه دیگر - چاپ کول (علیگر) ۹-۱۲۶۸ هـ
- ۷۵- منبهات فی علم الاموات - تألیف علام نعی بن محمد فتح علی بلگرامی
چشتی صابری در ۱۲۹۲ هـ (ونقول استوری در ۱۲۹۸ هـ) درد کر صوفیه هند مخصوصاً
از سلسله چشتی (سخه : ایوانو کرر ۸۴)
- ۷۶- منتخبات از تذکرة الاولیای عطار - که سرخوش (غیر از مؤلف کلمات
الشعرا) در شعبان ۱۲۹۷ هـ تهیه کرده است (فهرست کتب شخصی پروفیسور براون
ص ۱۲۷) .
- ۷۷- تذکرة الهدایه اسم مؤلف ندارد - درد کر خواجہ آفاق اسب (بادل
ج ۲ ش ۲۴۹۵/۲)
- ۷۸- خزیه الاصفیا - تألیف مفتی محمد علام سرور قریشی اسدی الهاشمی
الهوری (در ۱۲۸۰-۱۲۸۱ هـ) درد کر صوفیه در هفت محرن - چاپ لاهور ۱۲۸۴ هـ و
لکهنو ۱۸۷۳ م و کانپور ۱۳۱۲ هـ
- ۷۹- گنجینه سروری یا گنج تاریخ - تألیف مفتی غلام سرور فوق در تاریخ

تولد و وفات معاریف اسلام در ۱۲۸۴ هـ - چاپ لاهور ۱۲۸۵ هـ لکهنو نو لکشور ۱۸۷۷ م
و ۱۸۸۹ م.

۸۰- **انوار العارفین** - تألیف محمد حسین بن محمد مسعود چشتی صابری
قدوسی مراد آبادی در ۱۲۸۶ هـ درد کر صوفیه متقدم مخصوصاً از سلسله‌های چشتی
و قادری و نقشبندی و کسائیکه در مراد آباد دفند - چاپ بریلی ۱۲۹۰ هـ و لکهنو
۱۸۷۶ م.

۸۱- **قصر عارفین** - تألیف احمد علی حیر آبادی مرید شاه سلیمان تونسوی
در ذکر صوفیه چشتی و قادری و سهروردی و نقشبندی تازمان شاه سلیمان تونسوی -
چاپ رامپور ۱۸۹۰ و لاهور ۱۳۱۲ هـ

۸۲- **مکتوب ضیا یا نسب نامه کلان** - تألیف شاه سیاه الله فخری قادری
حصی در ۱۲۸۹ هـ در نسب نامه حضرت رسول و ۱۴ خاندان صوفی و ذکر ۷۲ فرقه
اسلام - چاپ لاهور ۱۲۸۹ و ۱۲۹۳ و ۱۲۹۶ و ۱۳۰۹ هـ

۸۳- **گلزار خلیل** - تألیف مولوی ابومحمد حسن شعری قادری در ۱۲۹۰ هـ
درد کر خواجه محمد حلیل واحدا مؤلف - چاپ لاهور ۱۲۹۱ هـ

۸۴- **الروضة الازهر فی مآثر القلندر یا لطایف الادکار فی مناقب عمدة الاخیار**
تألیف مولوی شاه تقی علی قلندر کوروی (۱۲۱۳-۱۲۹۰) درد کر تراب علی قلندر
کا کوروی پدر مؤلف و مرشدین وی و صوفیه قلندری - چاپ رامپور و لکهنو ۱۳۳۱ هـ
۸۵- **حوض الکوثر فی تکمله روض الازهر** - تألیف علی انور قلندر در
۱۲۹۱ هـ - چاپ با کتاب فوق در رامپور و لکهنو ۱۳۳۱ هـ

۸۶- **انتصاح من ذکر اهل الصلاح** - تألیف علی انور قلندر بس علی اکبر
(متولد ۱۲۶۹ هـ) درد کر صوفیه و سلسله‌های صوفیه - چاپ لاهور ۱۸۷۷ م و لکهنو
۱۳۲۷ هـ

۸۷- **تحریر الامور فی تفسیر القلندر** - تألیف علی انور قلندر فوق درد کر

قلندرها - چاپ لکهنو علوی پرس ۱۲۹۰ هـ

۸۸- الاغصان الاربعة الشجرة الطیمة - تألیف مولوی ولی الله انصاری لکهنوی
فرنگی محلی (متوفی در ۱۲۷۰ هـ) با اضافه‌ها اضافه‌ها از پسرش محمد انعام الله تاسال
۱۲۹۶ هـ درد کر ملا احمد اسوار الحق فرنگی محلی واولاد وی - چاپ لکهنو
۱۲۹۸ هـ.

۸۹- گل بهشتی - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم بعضی
صوفیه چشتی - چاپ لکهنو ۱۸۸۱ م

۹۰- گل فردوس - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم شرف الدین
احمد و بعضی صوفیه دیگر - چاپ لکهنو ۱۸۸۴ م

۹۱- روضة النعیم - تألیف امین احمد ثبات فردوسی - تذکره منظوم عبدالقادر
وصوفیه دیگر چاپ لکهنو ۱۳۰۱ هـ

۹۲- معین الاولیا - تألیف فاضل سید امام الدین حس حان درد کر معین الدین
چشتی احمیری وحاشینان وی واولاد روحانی وی - چاپ احمیر ۱۸۹۴ م.

۹۳- تحایف الابرار - (یا تاریخ کبیر کشمیر موسوم به تحایف الابرار فی ذکر
الاولیاء الاحیاء) تألیف حاجی ابو محمد محی الدین مسکین کروی حنفی نقشبندی
آغار در ۱۳۱۰ و اتمام در ۱۳۲۱ هـ در ذکر صوفیه کشمیر در ده « تحفه » - چاپ
امرتسر ۱۳۲۱-۲ هـ

۹۴- تذکرة المتقین - تألیف مولوی سید محمد امیر حس مداری فنصوری
بن سید شاه احون رئیس مکیپور درد کر شاه مدار و حلقای وی و دیگر اعصای سلسله
وی تارمان مؤلف - چاپ کاپور ج ۱ در ۱۳۱۵ هـ و ج ۲ در ۱۳۲۲ هـ

۹۵- انساب مشایخ کشمیر - تألیف حدود ۱۱۲۸ هـ در اساب صوفیه کشمیر و
اسیاء و اولیاء (استوری ج ۱ ص ۱۰۵۳)

۹۶- عراس بزرگان - در هند در حدود ۱۱۶۰ هـ ترجمه اعرابی - در تاریخ

تولد و وفات صوفیه است (استوری ج ۱ ص ۱۰۵۴) .

۹۷- ضیاء القلوب - تألیف عمادالله فاروقی در سلسله‌های صوفیه - چاپ دهلی

۱۸۷۷ م و کانپور ۱۳۱۵ هـ

۹۸- حکایات الصالحین - تألیف عثمان بن عمر معروف به کهف - ترجمه از

عربی در بیست باب که هر کدام شامل ده حکایت است . چاپ لاهور ۱۲۹۸ هـ .

۹۹- حکایات اولیاء صالحین - (آصعیه ج ۱ ص ۳۱۶ ش ۶۳۹) .

۱۰۰- انتخاب تاریخ الاخیار - تذکره سید محمد حوینوری و مریدان وی

(استوری ج ۱ ص ۱۰۵۶) .

۱۰۱- کنز الاساب - تألیف عبدالرراق عطا حسینی در نسب نامه صوفیه و

معاریف - چاپ بمبئی ۱۸۸۳ م

۱۰۲- کرامت الاولیاء - (آصعیه ج ۱ ص ۶۰ ش ۷۰۶ و ۸۹۴ - استوری ج ۱

ص ۱۰۵۷)

۱۰۳- خلاصة العارفين - (آصعیه ج ۱ ص ۶۰ ش ۴۱۶ - استوری ج ۱ ص ۱۰۵۷)

۱۰۴- لمعة الشمس تذکره مظلوم شمس الدین تریرى و نعمت الله ولى

(آصعیه ج ۲ ص ۵۰ ش ۵۰ و استوری ج ۱ ص ۱۰۵۷)

۱۰۵- مناقب اصغیاء تألیف شاه شعیب فردوسی - تذکره صوفیه معروف - چاپ

کلکته ۱۸۹۵ م

۱۰۶- مقولات اولیاء کرام - تذکره مختصر صوفیه (سحبه . برل ۵۸۹ و استوری

ج ۱ ص ۱۰۵۹)

۱۰۷- مقولات اولیاء الله - اقوال و احوال صوفیه (اتنه ۱۸۹۵ (۱) و استوری

ج ۱ ص ۱۰۵۹)

۱۰۸- مشکوة النبوة - تألیف سید علی درد کر صوفیه حیدر آباد و غیره -

(استوری ج ۱ ص ۱۰۵۹)

۱۰۹- مخبر الاولیاء- تألیف رشیدالدین مودود لالا چشتی در ذکر صوفیه
(استوری ج ۱ ص ۱۰۵۹)

۱۱۰- مناجات خاسی- تألیف حکیم قمرالدین سیالکوٹی ند کره منظوم در
نسب نامہ نقشبندی- چاپ لاہور ۱۹۱۱ م .

۱۱۱- نسب نامہ شیخ رادگان- در شجرہ بعضی صوفیہ- چاپ لکھنؤ ۱۸۷۶ م

۱۱۲- نوادر سفر- تألیف فریدالدین درد کر ۲۲ صوفی چشتی ناشر حمرارات
آبان (استوری ج ۱ ص ۱۰۶۰)

۱۱۳- روضۃ الانرار- تألیف ابوالحسن محمد معروف بد محمدالدین قادری
لاہوری چاپ جہلم ۱۳۰۲ھ

۱۱۴- روضۃ الاولیاء فی احوال اصفیاء- تألیف محمد حسین بن محمد رضا
درد کر حصرت رسول و صوفیہ نقشبندی چاپ امرتسر ۱۳۳۳ھ

۱۱۵- رسالہ قطبیہ عشقیہ- تد کره منظوم شیخ مہر علی شاہ و صوفیہ حشتی .
چاپ لاہور ۱۹۱۶ م

۱۱۶- ریاض المور- معروف بہ گلزار سرور تألیف محمد امام الدین درد کر
سال تولد و وفات فصلائی اسلام مخصوصاً صوفیہ کرام چاپ لاہور ۱۳۳۳ھ

۱۱۷- سائلک طریقت- درد کر مشایخ سلسلہ ہمای محتلف صوفیہ چاپ لکھنؤ
۱۳۳۰ھ

۱۱۸- شجرہ اولیاء نقشبندی- تألیف حبیب اللہ نقشبندی تد کره منظوم
صوفیہ نقشبندی چاپ لدھیانہ ۱۸۸۸ م

۱۱۹- شجرہ اولیاء طریقت قادریہ مجددیہ- تألیف محمد یوسف علی قادری
شجرہ نامہ م طوم قادریہا تا محمد شیر پیر مؤلف چاپ آگرہ ۱۳۲۲ھ

۱۲۰- شجرہ چشتی و قادری و قلندری و صابری- تألیف علام بہیک در شر
و بطم نامدح مولوی قادر بخش سہارنپوری چاپ مراد آباد ۱۹۱۲ م

۱۲۱- شجره خاندان نقشبندیہ و قادریہ- تألیف ابوالحسن صدیقی بانوتی شعر-

چاپ آگرہ ۱۸۷۳ م

۱۲۲- شجره مبارکہ چشتیہ صابریہ قدوسیہ محدثہ محمدیہ و قادریہ-

تألیف شاہ حبیب اللہ تانی محب اللہی شعر- چاپ الہ آباد ۱۹۲۶ م

۱۲۳- شجره قادریہ- تألیف رحیم بخش چاپ لاهور ۱۸۷۹ م

۱۲۴- شجره متبرکہ منظومہ- در شجره سلسلہ قادری (بیر زبان پنجابی)

شعر فارسی تألیف رحیم بخش فوق چاپ لاهور ۱۷۷۹ م

۱۲۵- شجره نقشبندیہ - تذکرہ منظوم تألیف سید امام علی- چاپ فاروقی

پرس دہلی ۱۸۷۴ م

۱۲۶- شجره قادری- تذکرہ شاہ مردان نثر و نظم تألیف غلام سی چاپ

لاهور ۱۳۳۰ھ

۱۲۷- شجره طیبہ- تألیف حسین اللہ عربوی در شجرہ بعضی سلسلہ های فرعی

نقشبندی- چاپ لدھیانہ ۱۹۲۳ م

۱۲۸- شجره طیبہ خاندان چشتیہ- در شجره سلسلہ های فرعی چشتی یعنی

بطامیہ و صوفیہ و حادمیہ و حللیہ چاپ لکھنؤ ۱۹۲۰ م

۱۲۹- شجره طیبہ قادریہ- در سب نامہ شاہ علی محمد لاهوری- چاپ لاهور

۱۹۰۴ م

۱۳۰- شجره طیبہ سلسلہ عالیہ نقشبندیہ - تألیف (۹) چاپ لاهور ۱۸۸۹ م

۱۳۱- شجره طیبہ سلسلہ عالیہ سہروردیہ حضرت رفیقہ- تذکرہ منظوم

تألیف عبدالسلام رفیقی نورپوری در شجرہ صوفیہ سلسلہ رفیقی- چاپ لاهور ۱۸۹۹ م

۱۳۲- تذکرہ سلاسل قادریہ و چشتیہ وغیرہ تذکرہ منظوم تألیف محمد

اسد اللہ حان و محمد حفیظ اللہ چاپ چہر ۱۸۹۷ م

۱۳۳- شجرۃ العارفین تذکرہ مختصر منظوم خاندان شاہ محمد رفیع الرمان

الہ آبادی تألیف محمد علی الف چاپ الہ آباد ۱۲۹۷ھ

- ۱۳۴- شمس الانساب تألیف محمد معصوم شریف اصفهانی در شجره شیخ
عبدالقادر حیلانی (استوری ح ۱ ص ۱۰۶۳)
- ۱۳۵- سلسله عالیة تألیف عنایت حسین بن فتح الله ما تکمله‌ها از فیض محمد بن
دلدار محمد درد کر مشایخ سلسله کسوه چاپ میر ۱۳۰۶ هـ (در ۱۹۶ ص)
- ۱۳۶- سلسله عالیہ چشتیه فخریه نظامیه سلیمانیه در شجره روحانی مؤلف
شاه عبداللطیف جاشین محمد سلیمان چاپ لاهور ۱۸۷۰ م
- ۱۳۷- سلسله عالیہ چشتیه فخریه نظامیه سلیمانیه لطیفیه در شجره روحانی
مؤلف شاه عبداللطیف جاشین محمد سلیمان چاپ تیره ۱۹۱۷ م
- ۱۳۸- سلسله قادریه در شجره روحانی مؤلف عبدالحق شاه چاپ فیروپور
۱۹۱۸ م
- ۱۳۹- سلسله الالائی تألیف معین الدین ثابت در شجره سلسله‌های نقشبندی
وقادری و جشتی و سهروردی - چاپ لکهنو ۱۸۸۳ م
- ۱۴۰- شجره مشایخ صوفی کشمیر تألیف (۹) (نسخه ایوانو کررن ۷۹- استوری
ح ۱ ص ۱۰۶۴)
- ۱۴۱- تذکره سلطانی . تذکره مطوم سلطان العارفین حمزه محدومی و
اولادش تألیف ملا بهاء الدین کشمیری چاپ لاهور ۱۹۳۳ م
- ۱۴۲- تذکره المشایخ درد کر بعضی مشایخ کروی درویش (استوری ح ۱
ص ۱۰۶۴)
- ۱۴۳- تذکره خواجگان نقش‌سندی (نسخه پیشاور ۱۰۱۵ و استوری ح ۱ ص ۱۰۶۵)
- ۱۴۴- تذکره صوفیه تألیف رشکی بن دیوان مولال فلسفی (استوری ح ۱
ص ۱۰۶۵)
- ۱۴۵- ثمرات القدس تألیف لال بیگ درد کر صوفیه مرد ورن غالباً ارسلسله
چشتی (استوری ح ۱ ص ۱۰۶۵)

۱۴۶- تحفه اکملیه تألیف محمد حسن بن حافظ ولی الله کبروی کشمیری
در ذکر اکمل الدین بدخشی وجاشینان وی . چاپ لاهور ۱۳۵۰ هـ

۱۴۷- تحفه الاولیاء تألیف مولوی میر احمد شاه رضوانی پیشاوری در ذکر
سید عبدالوهاب صابر معروف به احون پنجو . چاپ لاهور ۱۳۲۱ هـ

۱۴۷- فواید القواد تألیف نجم الدین حسن بن علاء الدین سنحری (م ۷۲۷م)
مجموعه ملحوظات شیخ بطام الدین ایلاء دهلوی (متوفی در ۷۲۵ هـ) که مؤلف
دعری ۱۵ سال ترتیب داده است . در ضمن مباحث صوفی اطلاعات کافی در باره
شرح حال صوفیه قدیم سلسله چشتی آمده است . (سجده ایوانوش ۲۳۹ و غیره) .
۱۴۹- رساله در سلسل صوفیه در شجره سلسله های صوفیه در هند (ایوانو
(۱۷۷۲)

۱۵۰- تذکرة الاولیاء تألیف شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت . (سعینه
هندی ص ۱۲۸ در دیل نام صیف الدین محمد طبیعت)

۱۵۱- تذکرة المعاد تألیف محمد ثناء الله پانی پتی مجددی نقشبندی (متوفی
در ۱۲۲۵ هـ) چاپ بولکشور لکنو

۱۵۲- تذکرة المحققین تألیف تاج العلماء سید علی محمد بن سلطان العلما
محمد بقوی بصیر آبادی لکهنوی چاپ همد

۱۵۳- تذکرة الموتی و القبور تألیف مولوی محمد ثناء الله پانی پتی
مجددی نقشبندی (متوفی در ۱۲۲۵ هـ) - چاپ همد

۱۵۴- تذکرة الانرار و الاسرار تألیف عبدالکریم بن محدوم . چاپ دهلی
۱۳۰۹ هـ

۱۵۵- تقریح الطالین فی ارادت مولانا به شمس الدین تألیف محمد افضل
اله آبادی مؤلف شرحی بر دیوان حافظ و اسکندر نامه نظامی (بادلیں ج ۳ ش ۲۴۹۱)

۱۵۶- تذکرة الاولیاء تألیف حاج محمد کریم خان کرمانی چاپ ممبئی
۱۳۳۳ هـ

۱۵۷- شجره طیبه تألیف قمر الدین علی متخلص به مست پسر ساءالله متخلص به ثا در ذکر صوفیه سلسله قادری (نسخ) نادلین ح ۳ ش ۲۴۹۷ و وینفیلد ش ۵۲).

ب - تذکره های اولیاء و صوفیه که خارج از هند و پاکستان بفارسی تألیف شد است .

۱- طمقات صوفیه عبدالله انصاری (متوفی در ۸۱۱هـ) در ذکر ۱۲۰ صوفی از سه قرن اول هجری که اکثر مطالبش از طبقات الصوفیین تألیف محمد بن الحسین السلمی (متوفی در ۴۱۲هـ) گرفته شده است و بعد از مرگ شیخ عبدالله انصاری یکی از مریدان وی ترتیب داده است (سح حطی . ناهد ناشا ۴۲۶ و بور عثمانیه ۲۵۰۰ و ایوانو ۲۳۴)

۲- تذکرة الاولیا تألیف شیخ فریدالدین عطار (متوفی ۶۲۸ هجری) در ذکر تقریباً ۷۰ صوفی باصمیمه درد کر ۲۰ صوفی . چاپ لیدن و لیدن ۱۹۰۵ م و دهلی ۱۸۵۲ م و لکهنو ۱۸۹۱ و تهران ۱۳۲۱ و بمبئی ۱۳۰۵ هـ و لاهور ۱۳۰۶ و ۱۳۰۸ و ۱۳۲۴ هـ (استوری ح ۱ ص ۹۳۷)

۳- تحفة المرشدين من حکایات الصالحین ترجمه فارسی روضه الریاحین فی حکایات الصالحین درد کر ۵۰ صوفی) از جلال الدین محمد بن عادی کارونی بایک دیل در حال شیخ بواسحق کارونی مرشد مؤلف - (سح حطی . دانشگاه لاهور و آیا صوفیا ۱۷۰۲)

۴- ترجمه (فارسی) روضة الریاحین از فصل الله حهاں بن اسدالله الحسینی العربی السمنانی در زمان سلطان محمد قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵ هـ) (سحه حطی ۱۰۲۶هـ)

۵- ترجمه خلاصة المفاهیر یا ترجمه التکمله از یکی از مریدان شیخ حلال الدین بحاری برمایش مرشد.

۶- مناقب العارفين تألیف شمس الدین احمد افلاکی مرید جلال الدین عارف نوه جلال الدین رومی آغاز در ۷۱۸ و اتمام در ۷۵۴ هـ در ذکر جلال الدین رومی وغیره (استوری ج ۱ ص ۹۳۸)

۷- خلاصة المناقب تألیف احمد بن صمد از میریدان جلال الدین بخاری خلاصه ای از کتاب فوق تهیه کرده است (ایوانو ۲۴۱)

۸- ثواب الصافات اولیاء الله تألیف عبدالوهاب بن جلال الدین محمد همدانی بسال ۹۴۷ هـ خلاصه ای از مناقب العارفين (شماره ۶ فوق) (اته اندیا آفس ۶۳۱).

۹- شیرازنامه تألیف احمد بن ابی الحیر شیرازی بسال ۷۴۴ هـ درد کر عرفای شیراز. (استوری ج ۱ ص ۹۳۷)

۱۰- صفوة الصفا تألیف توکلی بن اسماعیل بن حاجی اردبیلی معروف به ابن برار بسال ۷۵۹ هـ درد کر شیخ صعی الدین اسحق و پسرش صدرالدین موسی (استوری ج ۱ ص ۹۴۰)

۱۱- تذکره صفوة الصفا که ابوالفتح الحسینی نامر شاه طهماسب صغوی (۹۳۰-۹۸۴ هـ) دوباره ترتیب داد و بقول ریو تنها مقدمه و خاتمه اضافه کرد. خاتمه آن مشتمل است بر ذکر اولاد صعی الدین تاشاه طهماسب (نسخ خطی ریو ج ۱ ص ۳۴۵ و راوون تکمله ۸۳۷ و مشهد ح ۳ فصل ۱۴ ش ۶۸)

۱۲- کتاب ملازاده یا رساله ملازاده تألیف احمد بن محمد معروف به معین القراء که در قرن بهم میریسته است مشتمل است بر شرح حال معارف مخصوصاً صوفیه که در بحارا مدفوسند - نسخ خطی دانشگاه لنین گراد ۹۴۷ و ۹۴۸ - و دانشگاه تاشکند سمو یوف ۶۴ و مجلس ۲۲۵ و بحارا سمو یوف ۹۲. چاپ بحارا ۱۹۰۴

۱۳- تذکره شیوخ بحارا - ظاهر آهمان تذکره فوق است تألیف احمد بن محمد (رجوع سود بهر المان - رورن ص ۱۳)

۱۴- تذکره هزاره راز . ترجمه فارسی شد الازار عن روار المرار تالیف معین الدین ابوالقاسم حبید. ترجمه اربعیسی بن حید شیرازی متوفی بعد از ۷۹۱ هـ چاپ شیراز ۱۳۲۰ ش.

۱۵- تفحات الانس من حضرات القدس تالیف نورالدین عبدالرحمن حامی (متوفی در ۸۹۸ هـ) درد کر قریب به ۵۶۷ صوفی (استوری ح ۱ ص ۹۵۴)

۱۶- محاسن العشاق تالیف عبدالعاری سلطان حسین آغار در ۹۰۸ هـ و اتمام ۹۰۹ هـ درد کر ۷۶ صوفی (استوری ح ۱ ص ۹۶۱)

۱۷- رشحات عین الحیات تالیف فخرالدین علی بن الحسین الواعظ کاشمی المشتهر به الصفی (متوفی در ۹۳۹ هـ) (استوری ح ۱ ص ۹۶۴)

۱۸ و ۱۹- تذکره اولیاء و سلسله العارفین دو تذکره تالیف محمد بن برهان الدین سمرقندی معروف به محمد قاصی (متوفی در ۹۲۱ هـ) مرید خواجه عیدالله احرار نقشبندی (استوری ح ۱ ص ۹۶۷)

۲۰- تاریخ سلسله نقشبندی تالیف ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی در ۹۴۷ هـ (استوری ح ۱ ص ۹۷۳)

۲۱- روضة الجنان و حنة الجنان تالیف حسین واعظ قزوینی تریری سال ۹۷۹ هـ (ایضاً ۹۷۵)

۲۲- سلسله نامه خواجگان نقشبند تالیف نورالدین محمد بن حسین قزوینی درد کر شیوخ نقشبندی سال ۹۷۸ هـ (ایضاً ۹۷۵)

۲۳- سعدیه تالیف حسین بن میر حسین حسینی سرحسی سال ۹۸۴ هـ درد کر خواججهای جویبار (ایضاً ۹۷۶)

۲۴- ریاض الاولیا منسوب به معین الدین مبری در اواخر سده دهم درد کر انبیاء و اولیاء (ایضاً ۹۷۶)

۲۵- تاریخ مزارات بلخ تالیف محمد صالح بن امیر عبدالله فادرمان عبدالمومن حان اوزبک (۱۰۰۶ هـ)

- ۲۶- تاریخ مدفونین بلخ و حالات سمرقند اسم مؤلف ندارد (ایضاً ۹۸۱)
- ۲۷- سراج السالکین و لطایف العارفین تألیف عبیدالله نقشنندی درذکر شیخ لطف الله چشتی (متوفی در ۹۷۹هـ) و صوفیه نقشنندی (ایضاً ۹۸۱)
- ۲۸- روضة اطهار تألیف محمد امین حشری تریزی بسال ۱۰۱۱هـ در فهرست صوفیه که در تبریز دفن شده اند چاپ تبریز ۱۳۰۳هـ
- ۶۹- مطلب الطالبین تألیف ابی العباس محمد طالت در حدود ۱۰۵۶هـ درذکر شیوخ جویبار (استوری ج ۱ ص ۱۰۴)
- ۳۰- ثمرات المشایخ تألیف سید زنده علی المفتی در اوایل قرن ۱۱هـ درذکر شیوخ آسیای مرکزی (ایضاً ۱۰۱۲)
- ۳۱- سلسله النسب الصوفیه تألیف شیخ حسین بن شیخ اندال زاهدی بنام شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۵۵هـ) درذکر صفی الدین اسحاق و اولاد وی.
- ۳۲- تذکره خواجگان یا تذکره عریران تألیف محمد صادق کاشغری بسال ۱۱۸۲هـ (ایضاً ۱۰۲۶)
- ۳۳- مجمع المحققین تألیف ملا محمد صادق یارکندی بسال ۱۲۰۸هـ در تاریخ خواجگان کاشغر (ایضاً ۱۰۳۵)
- ۳۴- ریاض الواصلین یا تذکره واصلین، تذکره منظوم که گرامی بقرمایش محمد رحیم حان حیوه (۱۲۲۱-۱۲۴۱هـ) سال ۱۲۲۹هـ تألیف کرد (ایضاً ۱۰۳۷)
- ۳۵- آداب المسافرین تألیف آقاتقی خوئی درذکر صوفیه (ایضاً ۱۰۴۰)
- ۳۶- ریاض العارفین تألیف رضاقلیحان هدایت سال ۱۲۶۰هـ (ایضاً ۱۰۴۰)
- ۳۷- انیس الطالبین تألیف محمدشاه محمود بن میرزا فاضل قراس میان سالهای ۱۱۰۵ و ۱۱۲۵هـ درذکر صوفیه مخصوصاً خواجیه محمد عبدالله بن خواجیه یحیی شادی سیره مخدوم اعظم (بادلین ح ۳ ص ۲۴۹۴).
- ۳۸- مناقب اولیاء شریفی تألیف شریف بن شریفی سال ۱۰۰۵هـ درذکر شیوخ

وصوفیه ترک مخصوصاً اُحداد مؤلف بنام سلطان محمد سوم عنوان کرده اسب (فهرست کتابخانه شخصی براون ۱۳۵)

۳۹- شمایل اتقیا اسم مؤلف ندارد درد کر اولیاء وصوفیه (ایضاً ۱۴۰)

۴۰- جامع المقامات تالیف عبدالعباس بهاء الدین بن محدوم اعظم درد کر محدوم اعظم مؤسس خاندان خواجه در ترکستان شرقی داد کر سب و مقامات و گرامیات وی (یاد لیلین ج ۳ ص ۲۴۹۳)

۴۱- تذکره اویسیه اسم مؤلف ندارد درد کر سلسله اویسیه (ایضاً

ش ۲۴۹۷)

۴۲- طرایق الحقایق تالیف معصوم علی بن رحمت علی نعمت اللہی الشیرازی در تهران در صفر ۱۳۱۸ درد کر صوفیه و عرفای بعضی سلسله های صوفیه

۴۳- اذکار الاذکیاء فی بیان مناقب المشایخ الطرق (فهرست فارسی خدیو مصر چاپ مصر ۱۳۰۶ ص ۴۹۸)

۴۴- ترجمه تکمله کتاب دروۃ الریا حین فی حکایات الصالحین عبد الله الیافعی - اسم مترجم معلوم نیست (سحه ایضاً ۵۰۲)

۴۵- مناقب مزارات بخارای شریف (سحه لیلین گراد ۳۹۰- شاید = رساله مزارات بخارا شریف - سحه پیشاور ۹۹۹ الف)

۴۶- رساله نزرگان سمرقند (بخارا سمو یوف ۷۱)

۴۷- سلسله عالیہ شجره خواجه عید الله احرار و خاندان وی تألیف عبدالحی بن ابوالفتح الحسینی از اولاد خواجه احرار - سحه دانشگاه تاشکند (۵) ۷۴

۴۸- طمقات مشایخ نقشبندیہ بخارا (سحه دانشگاه لنین گراد ش ۸۵۴)

۴۹- تاریخ اجداد و فرزندان واصحاب حضرت مولانا جلال الملة والدین محمد رومی (سحه لیدن ح ۵ ص ۲۳۲ ش ۲۴۶۰)

- ۵۰- فضایل بلخ اصلاً بسال ۶۱۰ هجری تألیف شده بود و بعداً در سال ۶۳۸ هجری کسی آنرا بهرمایش قاضی و حوالدین ابوبکر بهارسی ترجمه کرد که قسمت سوم آق درد کر ۷۰ شیخ بلخ و اطراف آست (استوری ج ۱ ص ۱۱۱۳)
- ۵۱- شرح حال اولیا (نسخه ۰ لیسندریا نا ص ۱۱۶ ش ۷۹۰)
- ۵۲- تذکرة القبور تألیف عبدالکریم بن حاج ملامهدی اصفهانی در ذکر عرفا و فضلائیکه در اصفهان مدفونند چاپ اصفهان ۱۳۲۴ هجری
- ۵۳- تذکرة العارفین تألیف هادی عرفانی فسائی
- ۵۴- تذکرة الموحدین تألیف شیخ حواد یزدی مقیم مشهد . چاپ ایران (باشعشة الحسينيه دريك جلد)
- ۵۵- تذکرة السالکین تألیف حاج میرزا اردبیلی . چاپ تهران ابن سینا
- ۵۶- تذکرة الاولیا تألیف حاج شیخ علی چاپ باکو
- ۵۷- تذکرة الاولیا تألیف شمس الدین بن حسرون پرویر سلماسی پرویزی . چاپ تبریز ۱۳۳۳ هجری
- تذکرة الاولیا یا مزارات کرمان تألیف سعید محرابی کرمانی باهتمام کوهی کرمانی . چاپ تهران ۱۳۳۰ هجری
- ۵۹- اسرار الانرار فی اخبار الاخیار مستح تذکرة الاولیا و تبصرة الاصعیا در ۸۴ باب . (نسخه موره ایران باستان تهران ش ۳۵۹۲ مورخه ۹۸۷ هجری وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صعی در اردبیل در ۱۰۱۷ هجری)

ضمیمہ ششم

تذکرہ علما و فضلا و ملوک و امرا و خطاطان و غیرہ کہ گاہی ذکر کسائی را کہ شعر میسرودند بیر شاملند

الف۔ تذکرہ علما و فضلا و غیرہ کہ در ہند و پاکستان تألیف شدہ است
(۱)۔ تذکرہ علما و فضلا

۱۔ تحفۃ الکرام تألیف میر علی شیر قانع تتوی بسال ۸۱-۱۱۸۰ھ

۲۔ ارمغان احباب تألیف شمس العلماء مولوی محمد حسین استاد میسیون کالج لاہور بسال ۱۸۹۰م/۱۳۰۸ھ درد کر شعرا و ملوک نثر تیب العما چاپ لاہور ۱۸۹۰م و ۱۹۱۸م

۳۔ آئینہ حق نما تألیف (؟) بسال ۱۲۳۱ھ بنام غاری الدین حیدر شاہ اود درد کر ادبا و فضلا ی شیعہ مخصوصاً سید دلدار علی و استادان و شاگردان وی و بعضی اشخاص دیگر کہ در لکھنو در زمان وی میریستہ اند. (سح حطی ایندیا آفیس دی پی. ۱۲۵۹ (b) آصفیہ ج ۲ ص ۱۳۳۰ و ح ۳ ص ۱۸۲ و بانکی پور تکملہ ثانی ش ۲۰۶۲)
۴۔ مجمع المقول تألیف محمد علی بن حاحی حس ہندی مشتمل بر ذکر معاریف شیعہ کہ تعریضاحتہ وہہ کر بلا رفته بر ای امام حسین آہ و بگاہ میکرده اند (نسخہ : برلن ۱۰۲۰)

۵- مجموعه حیدر شکوه تألیف میرزا محمد حیدر شکوه تبیجه محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۳۶هـ) در ذکر علما و فضایل شیعه. (سحه خطی: ایوانو تکمله ثانی ۹۳۹)

نجوم السمافی تراجم العلما تألیف مولوی محمد علی کشمیری الاصل ثم لکھوی بسال ۱۲۸۶ هـ بر مایش سید حامد حسین درسه «نجم» (یک نجم برای یک قرن) و یک حاتمہ این کتاب مشتملست بر ذکر علما و ادبای شیعه از قرن ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ هجری چاپ لکھنؤ ۱۳۰۳ هـ

۷- میزان الاخلاق تألیف سید محمد علی بن سید جعفر یردی بسال ۱۲۴۴ هـ در همد در شرح حال مؤلف و مدح دولت انگلیس و ذکر معاریف یرد

۸- منظر الاحدیہ فی بیان الانساب السادات زیدیه تألیف سید عبدالاحد طهر آبادی شجره نامه سادات زیدی طهر آباد (در ۴ میل جنوب شرقی حوینورهند) اررمان آدم تارمان مؤلف. چاپ حوینور ۱۹۱۴

۹- تذکره امروہہ تألیف سید مظاہر حسین امروہوی مدرس تاج المدارس امروہہ درد کر علما و فضایل متقدم و متاخر امروہہ (اتہص ۵۳۰ و الذریعہ ج ۴ ص ۳۷)

۱۰- تذکره علمای ہمد تألیف احمد علی چاپ ہمد ۱۸۹۴ میلادی

۱۱- مآثر الکرام تألیف میر علام علی آراد بلگرامی بسال ۱۱۶۶ هـ (مادہ تاریخ: حتامہ مسک) کہ حلد اول آن درد کر شیوخ و علمای ہمد مخصوصاً بلگرام است . چاپ ہند

۱۲- قاموس المشاہیر (ارما حدمقالات الشعرا چاپ کراچی ۱۹۵۷م)

۱۳- ریاض الافکار تألیف و یر علی عبرتی بسال ۱۲۶۸ هـ درد کر نثر نگاران قرن ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ م کہ بسیاری ارآنان شاعرہم بودند (رجوع شود بہ آثار عبرتی در دیل بحث در بارہ «معراج الخیال» در کتاب حاضر)

۱۴- تذکره علمای تألیف خیر الدین محمد الہ آبادی (متوفی در حدود ۱۸۲۷م) در ۱۵ حمادی الاول ۱۳۱۶ هـ درد کر ۲۸ ہر افضلا و علمای حوینور . چاپ با ترجمہ انگلیسی در کلکتہ ۱۹۳۴ م

۱۵- تجلی نور معروف به تذکره مشاهیر خونپور تألیف سید نورالدین ریدی

ظفر آبادی جوپوری در ۱۸۸۱م در دکر صوفیه و ادباء و سحرای جوپور چاپ جلد ۱ .
در جوپور ۱۸۸۹م و جلد ۲ در جوپور ۱۹۰۰م

۱۶- نغمة التواریخ تألیف سید محمد آل حسن بن سید بدیر احمد مودودی

امروہوی در دکر صوفیه و فضلالی امروہہ در سال ۱۲۹۶ھ در یک مقدمه و چهار باب و
یک خاتمه . چاپ امروہہ ۱۸۸۰م

۱۷- شرایف عثمانی تألیف علام حسن ثامن صدیقی فرشوری بلگرامی در ۱۱۷۹ھ

در دکر معاریف بلگرام برای اصلاح اشتباهات مآثر الکرام آزاد بلگرامی (نسخه
۲۸۸ و غیره - استوری ج ۱ ص ۱۱۱۵)

۱۸- مرآت الاحوال جهان نما تألیف احمد بن محمد علی اصفهانی بهبهانی

در عظیم آباد بسال ۱۲۵۳ھ بنام محمد علیسان قاحار (یسر ارشد فتحعلیشاه متوفی
در ۱۲۳۷ھ) . (نسخ ریوح ۱) ۱۳۸۵ و ریو تکمله ۱۳۱ و بانکی پور ج ۷ ص ۶۲۸ و بوهار ۹۶
و ایندیا آفیس دی پی ۷۴۸ و ایندیا آفیس ۳۹۴۱ و ایواو ۲۷۸ و ایواو تکمله ثانی ۹۳۵
و آصفیه ج ۱ ص ۲۵۳ ش ۱۹۵ و نذیر احمد (۷۱)

۲- تذکرۃ الامراء

۱- تذکرۃ الامراء تألیف کیول رام سال ۱۱۸۶ھ در دکر امرائی که در دربار

تیموریان هند اررمان اکبر تا عالمگیر شاه میریسه بد در دوات سرتیب در دکر
امرای مسلمان و هندو (نسخه ریوح ۳ ص ۹۷۱)

۲- ارشاد الوزراء تألیف صدرالدین محمد بن بردست حان دررمان محمد ساه

(۱۱۳۱-۱۱۶۱ھ) در دکر وررای ایران و هند (بعد از اسلام) (نسخه ناقص آل آخر .
ریوح ۱ ص ۳۳۸)

۳- مؤلف فیثاغورث و سقراط و افلاطون و ارسطو و غیره را وریر گشتاسپ و بهمن و

همای و دارا و شاهان دیگر ایرانی نوشته است!

۳- **مآثر الامراء** - (رجوع شود به آثار مصاصم الدوله در ديل بحث درباره بهارستان سخن در کتاب حاضر)

(۳) - تذکره های سلاطین

- ۱- حدایق السلاطین تالیف علی بن طیعور سظامی بسال ۱۰۹۲ هـ
 - ۲- حدیقه السلاطین تالیف میرزا نظام الدین احمد شیرازی سال ۱۰۵۴ هـ^۱
 - ۳- ساطین السلاطین تالیف میرزا ابراهیم ربیری^۱
 - ۴- تذکره الملوك تالیف میر رفیع الدین ابراهیم شیرازی سال ۱۰۱۲ هـ^۱
- (۴) - تذکره های خطاطان

- ۱- تذکره خوشویسان تالیف علام محمد هفت قلمی دهلوی (متوفی در حدود ۱۲۳۹ هـ) درد کر خطاطان که اکثرشان شاعر بوده اند چاپ کلکته ۱۲۲۸ هـ باهتمام وتصحیح محمد هدایت حسن مدرس عربی وفارسی در پرسیدنسی کالج کلکته هند
 - ۲- مفتاح الحظوظ رضا علی شاه قادری در هند در ۱۲۴۹ هـ تالیف کرد.
- ب- تذکره علما و فضلا وغیره که خارج از هند و پاکستان تالیف شده است

(۱) - تذکره علما و فضلا و تاریخ ادبیات

- ۱- مجالس المومنین تالیف قاصی نورالله شوستری بسال ۱۰۱۰ هـ مجلس
- ۱۲ و مجلس آخر آن مشتملست بر ذکر شعرای فارسی چاپ تهران ۱۲۶۸ هـ و ۱۲۹۹ هـ
(برای سح حطی رجوع شود به استوری ح ص ۱۱۲۹)
- ۲- تاریخ علما و شعرای گیلان تالیف حسن شمس گیلانی . چاپ تهران سال ۱۳۲۷ ش فصل ۲ در شرح حال علما و شعرا و نویسندگان گیلان و حاتمیه درد کر بعضی ار شعرای قم

۳- تجربه الاحرار و تسلیة الابرار تالیف عبدالرزاق بیگ دنبلی آذربایحانی

محلص به مقتون (متوفی در ۱۳۴۳ هـ)

۱- ارماحد کلام الملوك (اردو) تألیف میر سعادتعلی رموی چاپ هند بسال ۱۳۵۲ هـ

۴- تذکره شمس التواریخ تالیف اسدالدین محمود گلپایگانی ساکن اصفهان

سال ۱۳۲۱ هـ در چهار رکن مشتمل بر دگر فقها و حکما و عرفا و شعرا چاپ اصفهان
(الذریعه ج ۴ ص ۳۸)

۵- حدایق الجنان تالیف عبدالرراق بیگ دسلی آذربایجان منخلص به مفتون

(متوفی در ۱۲۴۳ هـ) دردگر سرگذشت مؤلف و تراجم احوال شعرا و فضایل معاصر
شیراز و شمه‌ای از احوال کریمخان زند تا ظهور آقا محمدخان قاجار.

۶- سامی فی الاسامی تالیف حشری تبریزی در شرح حال مشاهیر شعرا و

علما و صلحای مدفون در تبریز و نواحی آن- (چاپ شده اسب)

۷- قصص العلماء تالیف محمد بن سلیمان تنکانی (متوفی در ۱۳۰۸ هـ) در ۱۷

رجب ۱۲۹۰ در ۱۵۳ نفر از علمای شیعه چاپ تهران ۱۳۰۴ و ۱۳۰۸ و بمبئی
یا لکهنو ۱۳۰۶ و تبریز ۱۳۲۰ هـ.

۸- آثار الشیعة الامامیه تالیف عبدالعزیز جواهر کلام اصلاً در ۲۰ جلد که

از آن ظاهر آنجا دو جلد چاپ شده است. ترجمه فارسی آن دردو جلد در مطبع مجلس
تهران بسال ۱۳۴۲ هـ و ۱۳۰۷ ش چاپ شده است

۹- ملتسمی الاحبا خالص من الریا ترجمه فارسی شد الارار فی حظ الاورار

عن زوار المرار - (هرار مرار) که معین الدین ابوالقاسم حیدری شیرازی سال
۷۹۱ هـ عربی تالیف کرد و پس روی عیسی بن حبیب شیرازی آنرا فارسی ترجمه کرد
این کتاب در باره معاریفی است که در شیراز مدفونند (سج ترجمه: ریو ج ۱ ص ۳۶۴-ب
چاپ شیراز ۱۳۲۰ ش)

۱۰- تحفة الاحماء فی تذکرة الاولیاء و الشرفا تالیف شیخ علی بن الحسین

المدعوبه رین العابدین الگنحوی الصعوی سال ۱۲۹۱ هـ نام ناصرالدین شاه قاجار
دردگر ۳۱۸ تن ارفصلا و مشاهیر شعرای شهرهای مختلف ایران

۱۱- رجال اصفهان یا تذکرة القبور تالیف ملا عبدالکریم بن حاج ملا مهدی

گزی برخواری اصفهانی (متوفی در ۱۳۳۹ هـ) در شرح تکایا و قبور علما و عرفا و شعرا و

دانشمندان نامی واقع در اصفهان ومؤلف در ضمن ترجمه مختصر و آثار و اشعار آنان را هم آورده است. چاپ اصفهان ۱۳۶۹ هـ

۱۲- **ريحانة الادب** تالیف میرزا محمدعلی بن محمد طاهر تبریزی خیابانی معروف به مدرس (متوفی در سال ۱۳۷۳ هـ) در ذکر برگان و دانشمندان بترتیب الفبا چاپ درشش جلد در تهران ۱۳۳۵ ش.

۱۳- **نامه دانشوران** تحت بطرحی مامد شمس العلما شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی (متوفی در حدود ۱۳۱۴ هـ) و اعتماد السلطنه محمدحسن خان مراغه‌ای تهرانی ملقب به صبیح الملک (متوفی در ۱۳۱۳ هـ) و حاج میرزا ابوالفضل ساوجی (متوفی در ۱۳۱۲ هـ) درد کر جمعی از فقها وادبا و شعرا و اطبا و عرفا و فلاسفه و مردان نامی و آثار و اشعار آنان بترتیب الفبا. ناتمام مانده و باشین «شاه نعمت‌الله ولی» پایان یافته است چاپ تهران در همت جلد در سال ۱۳۱۳ هـ تا ۱۳۲۴ هـ (نیررحوع شود به استوری ح ۱ ص ۴-۱۱۷۳ که آحا استوری نام این کتاب را «نامه دانشوران ناصری» ذکر کرده است)

۱۴- **دانشوران خراسان** تالیف علامر صا ریاضی. چاپ تهران ۱۳۳۶ س

۱۵- **حديقة الاحباب فی ذکر المعروفین بالکسی واللقاب و الانساب** تالیف حاج شیخ عباس قمی سال ۱۳۴۹ هـ درد کر شعرا و فصلای شیعه و سنی متقدم و متاخر بترتیب العبا در سه باب چاپ نصف ۱۳۴۹ هـ و بهران ۱۳۲۹ ش

۱۶- **وفیات معاصرین** تالیف میرزا محمد بن عبدالوهاب قزوینی در ذکر معاصرین (شعرا و غیره) بترتیب الفبا در محله «یادگار» که از ح ۳ تاج ۵ ش ۱۰ (یا بعضی وقعه‌ها) جاری بود.

۱۷- **نثر فارسی معاصر** تالیف ایرح افشار در ذکر نویسندگان (و بعضی شعرا) نامتحات آثار مشور آنان چاپ تهران ۱۳۳۰ ش.

۱۸- **دانشمندان آذربایجان** تالیف محمد علیحان تربیب درد کر معاریف آذربایحان مخصوصاً شعرا و فضلالی آحا چاپ تهران ۱۳۱۴ ش.

۱۹- تاریخ ادبیات ایران تألیف استاد حلال‌الدین سنا همائی اصفهانی
از آغار تارمان معول. چاپ تبریز ۱۳۴۸ هـ در دو جلد.

۲۰- مختصری در تاریخ تحول نظم و نشر پارسی تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا
چاپ تهران ۱۳۳۷ ش

۲۱- تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر رضا راده شفق چاپ تهران ۱۳۳۶-
۱۳۳۷ ش

۲۲- تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا جلد اول چاپ تهران
در ۳۳۳ ش و ج ۲ چاپ تهران در ۱۳۳۶ ش و ج ۳ چاپ تهران در ۱۳۴۱ ش

۲۳- (ترجمه فارسی) تاریخ ادبیات ایران ادوارد بن اوول جلد اول ترجمه آق‌ای
علی پاشا صالح. چاپ وزارت فرهنگ تهران ۱۳۳۴ ش «وارسعدی تاجامی» ترجمه
جلد سوم از اسناد علی اصغر حکمت. چاپ تهران در ۱۳۲۷ ش.

۲۴- نجوم السماء تألیف محمد صادق بن مهدی در اواخر قرن ۱۳ هـ در زمان
ناصرالدین شاه درد کر فقهای شیعه در عصر صعوی تا واسط قاجاریه.

۲۵- ریاض الصفا فی مشاهیر الرجال والنساء یا «صحایف العالم» یا «مرآة
الحق» تألیف محمد مهدی فروغ اصفهانی پسر محمد باقر بهجت اصفهانی که
هر دو از شعرای نیمه قرن ۱۳ هـ بودند. مؤلف تا ۱۲۸۵ هـ در قید حیات بود چون در آن
سال وی کتاب تدکره مآثر المعاصرین تألیف کرده ست. ریاض الصفا در تاریخ
ارزمان آدم و دکر پیغمبران و شاهان و عارفان و فقیهان و قاصیان و ادیبان و ساعران
(برگ ۳۰۳-۳۲۲) و طریفان و نواردگان و ربان نامدار و غیره میباشد سبعة بحط
مؤلف. فهرست اهدائی مشکوه ج ۲ ص ۶-۵۸۴

۲۶- تذکرة الاسامی تألیف میرزا آفندی (۹) سال ۹۵۷ هـ در دکر شاه
اسمیل صعوی و شعرا و علما و ررا و مشاهیر رمان وی. نسخة ۰ فهرست کتابخانه
الحدیو المصریه ص ۵۰۱.

۲۷ - آثارالوزراء تألیف سیف‌الدین حاحی بن نظام‌العقیلی بنام خواحه
نوام الدین نظام الملک حوافی وریردر دو مقاله - نسخه - ريو تکلمه ش ۱۰۱
س ۶۹ ب).

۲۸ - شکوفه‌های ذوق و ادب تألیف ابوالحسن احتشامی در حدود ۱۳۳۷ ش
درد کر بعضی استادان و شعرا و نویسندگان معروف معاصر ایران. چاپ در حدود
۱۳۲۷ ش

۲۹ - داستان دوستان یا تذکره ادبا و شعرای آذربایجان تألیف (۹)

۳۰ - تاریخ ادبیات ایران محمدرضا دائی جواد چاپ تهران ۱۳۳۶ ش.

۳۱ - (ترجمه) تاریخ ادبیات هرمان اته ارد کتر رضا راده شفق تهران - چاپ
سگاه توجه و نشر کتاب ۱۳۳۷ ش

۳۲ - نخستین کنگره شعر و نویسندگان ایران چاپ انجمن فرهنگی
ایران و شوروی تهران

۳۳ - تاریخ میرسید شریف راقم تألیف احو و بد ملا شرف‌الدین معروف به علم
اندجانی در قطعه‌های تاریخ راجع به ملوک و عرفا و فضلا و غیره که از رماں تولد
تیمور ۷۳۶ هـ تا ۱۰۵۴ هـ میریسته اند (استوری ح ۱ ص ۳۸۷ و ۱۱۱۶)

۳۴ - بردگان و سخن‌سرایان همندان تألیف کتر مهدی درحشان - چاپ تهران
۱۳۴۱ ش

۳۵ - تذکره علمای اسلام یا ستارگان فروزان تألیف یحیی نوری چاپ
تهران ۱۳۳۴ ش

تذکره‌های خطاطان

۱ - امتحان الفضل یا تذکره خطاطین تألیف میرزا سگلاح خراسانی
سال ۱۲۹۱ هـ در رماں ناصرالدین‌ساز قاجار درد کر ۳۴ معراز مشاهیر خطاطین که
اکثرشان شاعر بوده اند چاپ تبریز ۱۲۹۱ هـ

تذکره‌های سلاطین

۱- تاریخ کلام الملوك تالیف میرزا محمد یوسف لاهیجی در تاریخ و احوال سلاطین است (فهرست کتب فارسی کتابخانه حدیو مصر چاپ مصر ۱۳۰۶ ص ۵۰۰)

ضمیمہ ہفتم

کتب عمومی کہ ضمناً ذکرِ شعرای فارسی را ہم دارد

الف۔ کتب عمومی کہ در ہندو پاکستان تالیف شدہ است

- ۱۔ تاریخ فرخ آبادی تالیف سید ولی اللہ فرح آبادی مشتمل بر ذکر شعرا و علمای فرخ آباد سال ۱۲۴۸ھ سحہ آن در کتابخانہ رامپور ہند موجود است
- ۲۔ صحیح صادق تالیف میرزا محمد صادق متخلص بہ صادق زبیری اصفہانی آزادانی (عمومی طاہر نصر آبادی مؤلف تہ ذکرہ نصر آبادی) آغار در ۱۰۳۱ھ و پایاں در ۱۰۴۸ھ مشتمل بر چہار محلہ این کتاب در تاریخ و جغرافی است و مجلد سوم آن در ذکر معارف دہ قرن اول ہجری است

- ۳۔ مرآت العالم تالیف شیخ محمد ناقی سہارپوری (متوفی در ۱۰۹۴ھ) بسال ۱۰۷۸ھ کہ در تاریخ و جغرافی است و حاتمہ آن در ذکر شعرا و فصلائی معاصر مؤلف است۔

- ۴۔ فرحت الناظرین تالیف محمد اسلم انصاری قادری بسال ۱۱۸۴ھ (بادلین ۱۱۹۴ھ) خاتمہ آن مشتمل است بر جغرافی ہند و ذکر بعضی شیوخ و علما و شعرای معاصر شعاع الدولہ

- ۵۔ حدیقۃ الاقالیم تالیف مرتضی حسین بلگرامی میاں سالہای ۱۱۹۲ و ۱۱۹۶ھ

در تاریخ و جغرافی هف اقلیم مخصوصاً هندوستان اسب و ضمناً ذکر بعضی شعرا و فضلا راهم شامل است .

۶- **جام جهان نما** تالیف مظفر حسین متخلص بهوصفی و ملقب به مهارت خان بسال ۱۱۸۰ هـ . دائرة المعارفی است در تاریخ و جغرافی و تاریخ طبیعی و فیریک و احلاق و سیاست و دستور و طب و غیره در دو حلد جلد دوم آن در ذکر شعرای فارسی از زمان اکبر تا ۱۱۸۰ هـ است . نسخه . با یکی پور تکمله اول ص ۱۰ ش ۱۷۵۲ هـ .

۷- **صحیفه الاعمال و مرآت الاحوال** تالیف عبدالعلی اسلام آبادی در تاریخ اسلام آباد (چاتگاؤں) و فضلالی آنجا چاپ آگره ۱۸۸۹ م

۸- **رساله سالار جنگ** یا آبادی دهلی در شرح شهر دهلی و انیه و غیره آن و مشایخ و شعرا و فضلالی معاصر مؤلف . نسخه ریوج ۲ ص ۸۵۸ ب و غیره بیر به رجوع شود استوری ج ۱ ص ۱۱۱۸

۹- **مرآت احمدی** تالیف علی محمد خاں در ۱۱۷۵ هـ . حاتمه آن در ذکر صوفیه و سادات مدفون در احمد آباد و مضافات آن اسب (استوری ج ۱ ص ۳۱-۷۲۹ و ۱۱۱۲)

۱۰- **برهان الفتوح** تالیف محمد علی بن محمد صادق الحسینی بيشاپوری بحنفی برهانیوی در ۱۱۴۸ هـ که ناب ۱۵ آن و در ذکر صوفیه اسب (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۲)

۱۱- **چهار گلشن** تالیف رای چترمن در ۱۱۳۷ هـ که گلشن چهارم آن درد کر صوفیه اسلام و هندو اسب (استوری ج ۱ ص ۱۰۲۶)

ب- **کتب عمومی که خارج ارهید تألیف شده است**

۱- **چهار مقاله** تالیف بطامی عروسی سمرقندی در حدود ۵۵۰ هـ چاپ تهران
۲- **دهارستان** تالیف حاح شیخ محمد حسین آیتی چاپ ۱۳۲۷ ش باهتمام امیر معصوم خان حریمه در تازیح و جغرافی و تراحم رحال قایناب و قهستان در چهار

مقاله مقاله چهارم آن در ذکر تراجم رجال و بزرگان قهستان و امر او و رر او شعر است.

۳- تذکره شوشتر تألیف سید عبدالله جرایری متخلص به فقیر (متوفی در ۱۱۷۳ هـ) بسال ۱۱۶۴ هـ و سپس مؤلف در ۱۱۶۹ هـ لاحقته ای بآن اضافه کرد مشتمل است بر تاریخ و تراجم عده ای از علما و سادات و شعرا و رجال و حکام شوشتر در ۴۴ فصل . چاپ کلکته بسال ۱۳۴۳ هـ تصحیح حان بهادر مولا بخش و محمد هدایت حسین .

۴- لطایف الطوائف تألیف فخرالدین علی صفی بیهقی (متوفی در ۹۳۹ هـ) . باب بهم آن مشتمل است بر لطایف شعرا که مؤلف صمنا شرح حال مختصری از بعضی شعرا نیز آورده است چاپ بهران ۱۳۳۶ ش با هتمام آقای احمد گلچین معانی .

۵- مطلع الشمس تألیف محمد حسن خان مراعی ملقب به صنیع الدوله و اعتضاد السلطنه (متوفی در تهران سال ۱۸۹۶ م) در ذکر شهرها و فضلا و معارف حراسان . چاپ تهران ۱۳۰۱-۳

۶- حقایق الانوار پارسی تألیف عبدالرراق دبلوی آذربایجانی متخلص به مفتون (متوفی در ۱۳۴۳ هـ) در ذکر شعرای عرب و عجم و حل معصلات اشعار آنان و مشآت و مطارحات و فصاح و بلاغت اقوال و سیاست ملوک و آداب و در را و غیره در ۲۳ حدیقه

۷- ریاض الجنه تألیف میرزا حسن حسینی ربوری متخلص به قانی سال ۱۲۱۶ هـ در یک مقدمه و هشت روصه و یک حاتمه مانند دائرة المعارفی است از عهد مؤلف . روصه های رابع و خامس و سادس و سابع آن اختصاص دارد بدکر علما و حکما و شعرا و وررا و آثار و اشعارشان

۸- آثار عجم تألیف محمد نصیر میرزا فرص حسینی شیرازی (متوفی در سال ۱۳۳۹ هـ) سال ۱۳۱۰-۳ هـ در ذکر جغرافی و تاریخ و عرفا و حکما فصحا و مجتهدین فارس چاپ بمبئی ۱۳۱۴ هـ و ۱۳۵۳ هـ

حصہ ہفتم

فہرست کتب تاریخ کہ در آن صمناً ذکر شعرا ہم آمده است

الف۔ کتب تاریخ کہ در ہندو پاکستان تألیف شدہ است

۱۔ تاریخ سلطان محمد قطب شاہ تألیف (۹) بسال ۱۰۲۶ھ

۲۔ تاریخ قطب شاہی تألیف قادر خان منشی بیدری بسال ۱۲۴۵ھ

۳۔ گلشن ابراہیمی (تاریخ فرشتہ) تألیف محمد قاسم فرشتہ ہندو شاہ

استر آبادی بسال ۱۰۱۵ھ چاپ ہند

۴۔ طبقات اکبری تألیف بطام الدین احمد ہروی بسال ۱۰۰۱-۲ھ مشتمل

برد کر ۸۱ شاعر رمان اکبر شاہ چاپ لکھنؤ ۱۸۷۰م و ۱۸۷۵م و کلکتہ ۱۹۱۳م.

۵۔ منتخب التواریخ تألیف عبدالقادر بدایونی مشتمل بر ذکر ۱۶۶ شاعر

رمان اکبر شاہ (جلد سوم درد کر علما و فقرا و شعرا). چاپ ایجنس آسیائی بنگال

کلکتہ

۶۔ آئین اکبری (اصلاً دفتر سوم اکبر نامہ) تألیف شیخ ابوالفضل علامی.

مشتمل بر پنج دفتر۔ دفتر دوم آن درد کر فصلا و شعرای زمان اکبر شاہ است. چاپ لکھنؤ

۱۸۶۹ و ۱۸۸۲ و ۱۸۹۳م و کلکتہ ۷۷-۱۸۶۷م.

۷۔ اکبر نامہ تألیف ابوالفضل علامی. چاپ کلکتہ ۱۸۷۷م

۸- **مآثر رحیمی** تألیف ملا عبدالباقی بهاوندی تاریخ بیرم خان و عبدالرحیم خان خانخانان در سه جلد خاتمه جلد سوم مشتمل است بر ۳۱ نفر از علما و فضلا (۲) ۱۰۶ نفر ارشعرا (۳) ۴۸ نفر ارسپاهیان و مستندان هر طبقه و طایفه که حرو متوسلین و منسلکین دربار عبدالرحیم خانخانان سپهسالار معروف اکبر شاه بودند. چاپ انجمن آسیائی نگال ۱۹۳۱ م

۹- **مفتاح التواریخ** تألیف تامل و لیم بیل در حدود ۱۲۶۵ هـ. چاپ بولکشور لکهنو بسال ۱۲۸۴ هـ

۱۰- **سیر المتأخرین** تألیف غلامحسین خان چاپ لکهنو ۱۸۶۶/۱۲۸۳ هـ

۱۱- **تاریخ صدر جهان** تألیف ملک القضاة صدر جهان فیصل الله بنیابی معاصر محمود شاه بیگار سلطان گجرات (۸۶۳-۹۱۷ هـ)

۱۲- **جام جهان نما** تألیف محمد قدرت الله شوق صدیقی آغار در ۱۱۹۱ هـ و پایان در ۱۱۹۹ هـ تاریخ عمومی اسو حاتمه آن درد کر فضلا و عرفا و شعرا و غیره میباشد
۱۳- **مرآت آفتاب نما** تألیف بواب عبدالرحمن شاهنوار حاشمی دهلوی (متوفی در ۱۲۲۲ هـ) بسال ۱۲۱۸ هـ تاریخ عمومی اسب ناد کر معصل وقایع رمان شاه عالم و جغرافی و شرح حال شعرا و فضلا

۱۴- **زبدة الغرایب** تألیف محمد رضا نجم بن ابوالقاسم طباطبائی بسال ۱۲۳۱ هـ. تاریخ عمومی در پنج محلد و محلد پنجم آن درد کر فلاسه و صوفیه و

۱۵- **یادگار بهادری** تألیف بهادر سنگهس هراری مل شاهجهان آبادی بسال ۱۲۴۹ هـ. تاریخ عمومی است در چهار «سانحه» و چند باب درد کر فضلا و شعرا و جغرافی و فنون و علوم

۱۶- **تاریخ هندی** تألیف رستم علی شاه آبادی سال ۱۱۵۴ هـ خاتمه آن

۱- **ارما حد کلام الملوك** (اردو) تألیف میر سعادت علی رسوی چاپ هند سال ۱۳۵۷ هـ

درد کر شیوخ و علما و شعرای معاصر مؤلف است

۱۷- تاریخ محمد شاهی یا نادر الزمانی تألیف خوشحال چند بسال ۱۱۵۹ هـ.

مقاله دوم آن درد کر ۱۵۸ شاعر است که فهرست اسامی آنان در فهرست پرتش برلن آمده است

۱۸- واقعات کشمیر تألیف حواجه اعظم- آغاز در ۱۱۴۰ هـ و پایان ۱۱۶۰ هـ

که صماً ذکر اکثر عرفا و فضلا و شعرای کشمیر را هم دارد . چاپ هند .

۱۹- برهان الفتوح تألیف محمد علی بن محمد صادق حسینی نیشاپوری

حنفی برهانی پوری بسال ۱۱۴۸ هـ بنام نواب برهان الملك سعادت خان نیشاپوری حاکم اود . تاریخ مختصر باتوجه خاص سالها دریک مقدمه و ۱۸ باب و یک حاتمه که حاتمه آن درد کر شعرا و فضلاست

۲۰- مرآت الواردات تألیف محمد شفیع وارد بن سید محمد شفیع بسال

۱۱۴۶ هـ تاریخ سلاطین تیموری هند تا سال شانزدهم سلطنت محمد شاه (۱۱۴۶ هـ) در چهار طبقه - طبقه سوم آن درد کر شعرا و نویسندگان هند و ستاست

۲۱- عمل صالح تألیف محمد صالح کسوه لاهوری بسال ۱۰۷۰ هـ تاریخ

مفصل رمان شاهجهان که صماً ذکر شعرا و فضایل زمان شاهجهان را هم دارد . چاپ هند

۲۲- لب السیر و جهان نما تألیف میرزا ابوطالب خان طالب اصصهانی (مؤلف

تذکره خلاصه الافکار) خلاصه تاریخ جهانست که وی سال ۱۲۰۸ هـ بنام آصف الدوله حاکم اود تألیف کرده است در چهار باب و باب سوم آن درد کر مختصر شعرا و فضایل معروف است رجوع شود به بحث درباره تذکره خلاصه الافکار در کتاب حاضر

۲۳- اویماق مغل (معول) تألیف محمد عبدالقادر آقه باش قاجار ساکن

سویگر صلع مند سوره مالوه سال ۱۳۱۹ هـ مشتمل است بر ذکر سلاطین و حوایب معول و صماً ذکر مختصر شعرا و عرفا و علمارا بر در ذیل ذکر سلاطین معول آورده

است . چاپ هند ۱۳۱۹ هـ

۲۴- اقبالنامه جهانگیری تألیف معتمدخان بخشی. چاپ کلکته ۱۸۶۵ م

۲۵- توزک بابری یا بابر نامه تألیف بابر شاه و ترجمه حاجانان میرخان.

چاپ بمبئی ۱۳۰۸ هـ .

۲۶- توزک جهانگیری تألیف جهانگیر شاه . در احوال رمان سلطن

جهانگیر شاه تا اواسط سال ۱۷ که جهانگیر شاه خودش نوشته اس

و پس از آن معتمد خان بامر وی احوال تاریخی تا اوایل سال ۱۹ سلطن جهانگیر

شاه نوشته و باصلاح جهانگیر در آورده است و سپس میرزا محمد هادی معتمدالخدمت

احوال تاریخی تا آخر حیات جهانگیر را تکمیل کرد و دیباچه ای بر آن افزود .

چاپ لکهنو .

۲۷- تحفة العالم تألیف عبداللطیف اسن اسی طالب الحسینی الموسوی

الشوشتری (متوفی در حیدرآباد دکن در ۱۲۲۰ هـ) بسال ۱۲۱۹ هـ درد کر ۲۱ شاعر و فقیه

چاپ بمبئی ۱۲۶۳ هـ و حیدرآباد دکن ۱۲۹۷ هـ .

۲۸- مرآت الاحوال جهان نما تألیف احمد بن محمد علی بهبانی بسال

۱۲۲۵ هـ در پتته هند بنام محمد علی خان قاجار (پسر فتحعلیشاه) . تاریخ ارمان

صعوی تارمان مؤلف در پنج مطلب و یک خاتمه و در کراچاد و حابواده مؤلف (مجلسی)

را نیز دارد .

۲۹- تاریخ معصومی یا تاریخ سند تألیف میر معصوم نامی بهکری حاب بمبئی

۱۹۳۸ م

۳۰- هفت گلشن محمدشاهی تألیف کامورحان در تاریخ هند که وقایع تاریخی

تا سال ۱۳۳۲ هـ را دارد و گلشن هفتم آن در باره صوفیه اس (استوری ج ۱ ص ۱۵) (۱۰۱۵)

۳۱- منتخب التواریخ خاکی- میرزا حسن بیگ خاکی

۳۲- تاریخ حسن- پیر غلام حسن کهوپیاهی - حصه (قسمت) چهارم آن در کر

۱۱۸- شاعر ارشامست - چاپ سرینگر سال ۱۹۶۰م باهتمام اداره تحقيق و اشاعت دوات حمون و کشمير

۳۳- طبقات ناصري - منهاج الدين سراج سال ۶۵۸هـ در دهلي - چاپ لاهور جلد اول سال ۱۳۲۸ش و جلد دوم سال ۱۹۴۵م به تصحيح و تحشيه آقاي عبدالحی حبيبي

۳۴- تاريخ برني يا تاريخ فيروز شاهي - ضياء الدين برني - چاپ کلکته

۲۵- تاريخ ملا خليل مرجانپوري - جلد دوم آن درد کر شعرا را شاملست

۳۶- تاريخ کبير ملا عبدالکبير سراي بلي - چاپ سرينگر کشمير .

۳۷- منتخب التواريخ - بيربل کاجوري - چاپ هند

ب- کتب تاريخ که خارج از هند و پاکستان تاليف شده است و ذکر شعرا را هم دارد

۱- راحة الصدور تاليف نجم الدين ابو بکر محمد بن راوندي سال ۵۹۹هـ

چاپ تهران ۱۳۳۳ش

۲- تاريخ گزيده تاليف حمدالله مستوفي قرويني سال ۷۳۰هـ . چاپ تهران

۱۳۳۹ش

۳- حبيب السير تاليف عياث الدين حوايد مير (متوفى در ۹۴۵هـ) . چاپ

تهران ۱۳۳۳ش

۴- عالم آراي عباسي تاليف اسکندر بيگ منشي شاه عباس بررگ . چاپ

تهران ۱۳۳۵ش

۵- ناسخ التواريخ تاليف ميرزا تقی سپهر وعاسقلى سپهر . چاپ تهران

۱۳۴۰ش

۶- زيت التواريخ تاليف ميرزا محمد رضا بنده تبريزي (متوفى تهران

در ۱۲۲۳هـ) سال ۱۲۲۱هـ . تاريخ عمومي است که نامر فتحعليشاه ميرزا محمد رضا

وعبدالکریم بن علی رضا تاليف کرده اند مشتمل بر آغاز و دو پيرايه پيرايه اول

صمناً ذکر انبيا وائمه وفضلا را هم دارد .

۷- لب الالباب تاليف حاجي محمدقلي قاجار گنجوي سال ۱۰۹۷هـ . خلاصه

تاریخ اسلام در ۲۳ فصل است که فصل آخر آن شرح حال مختصر ۲۲۰ شاعر فارسی را دارد

۸- **بهجت المراد** تالیف شکرالله بن شهاب الدین احمد الرومی (متوفی در ۸۹۴هـ) معاصر سلطان مراد (۸۲۴-۸۵۵هـ) تاریخ عمومی است تا حلوس سلطان محمد بن مراد (۸۵۵هـ) درسیرده باب .

۹- **أحمد التواریخ** تالیف حسن بیگ روملو بنام شاه اسمعیل ثانی (۹۸۴-۹۸۵هـ) ضمناً که ذکر مشاهیر علماء و وزراء و شعرای رمان سلاطین صفوی و رومیه و چغتائی و ازبکیه را نیز دارد چاپ کلکته ۱۹۳۱ م .

۱۰- **جامع مفیدی** تالیف محمد معید بافقی متوفی سال ۱۰۹۰ در تاریخ برد است و ذکر فضلاء و شعرای یرد را هم دارد . سححه خطی : کتابخانه ملک بهران ۴۳۴۲ . چاپ تهران باهمام کتابخانه اسدی

۱۱- **تاریخ یزد** تالیف عبدالحسین آینی سال ۱۳۱۷هـ که ضمناً ذکر بسیاری از شعرا و فضلاء یرد را هم دارد چاپ گلشهر یرد

۱۲- **ظفرنامه تیموری** تالیف شرف الدین علی یردی (متوفی در ۸۵۸هـ) سال ۸۲۸هـ . چاپ تهران ۱۳۴۱ش

۱۳- **مطلع السعدین** تالیف کمال الدین عبدالرؤف بن اسحق سمرقندی (متوفی در ۸۸۷) چاپ لاهور

۱۴- **روضة الصفا** محمد بن خاوند شاه بن محمود مشهور به میر حواد (متوفی در ۹۰۳هـ) در هفت جلد (جلدهفتم آنرا نواده دحتری مؤلف عیث الدین حواد میر مؤلف حبیب السیر افروده است)

۱۵- **تاریخ معول** تالیف مرحوم عباس اقبال که مؤلف در فصل بهم شرح حال بعضی مورخین و علماء و عرفا و حکما و نویسندگان و شعرا (ص ۴۷۹-۵۵۴) آورده است . چاپ تهران ۱۳۴۱ش

۱۶- **المآثر والآثار** تالیف محمد حسن خان صنیع الدوله ثم اعتماد السلطنه

ضمیمه نهم

تذکره در فارسی بعضی کتابهایی است که نام آن با کلمه «تذکره» شروع میشود و برخی دیگر نیز که نام آن با کلمه تذکره شروع نمیشود اما بعضی گاهی آنرا اشتباهاً حرو تذکره شعرا حساب کرده اند بنابراین در سطور ذیل در این مورد توضیح لازم در باره اصل موضوع بعضی از این کتابها داده میشود.

الف - کتابهایی که نام آن با «تذکره» شروع می شود

۱ - تذکره تالیف علامه نصیرالدین طوسی مشتمل بر بیست فصل در «آعار

وانجام» - چاپ دانشگاه تهران

۲ - تذکره الاخوان تالیف سلیمان میرزا قاجار - چاپ تهران سال ۱۲۷۹ هـ

در ۱۴۸ صفحه در رد بر تصوف است

۳ - تذکره شاه طهماسب صفوی تالیف شاه طهماسب بن اسمعیل صفوی

درس گذشت خود از ابتدای جلوس (۱۹ رح ۹۳ هـ) تا زمان تالیف (؟) - چاپ برلین چاپخانه کاویانی ۲۵ محرم ۱۳۴۳ هـ.

۴ - تذکره همایون و اکبر تالیف بایریدبیات سال ۹۹۹ هـ - نامرا کر

شاه در ذکر وقایع تاریخی رمان همایون شاه و اکبر شاه از ۹۴۹ تا ۹۹۹ هـ - چاپ کلکته ۱۳۶۰ هـ.

- ۵- تذکره عدری یا تذکره اسحق مجموعه اشعار است از شعرای مقدم و متاخر که اسحق بیگ عدری بیگدلی برادر آذر بیگدلی جمع آوری نموده است - نسخه: سپه سالار تهران و ملک تهران ۳۷۹۴
- ۶- تذکره صائب تألیف میرزا صائب اصفهانی - بیاض اشعار است .
- ۷- تذکره الخواین تألیف میردوستی^۱ بسال ۹۵۵ در دگر اشعار ۲۴۰ شاعر که اکثرشان هم عصر یا قریب العصر مولف بودند و در ورن و قافیه واحد و مشترك اشعاری سروده اند بر دیف حروف العیا - نسخه مرکری ۲۴۳۱
- ۸- تذکره کمورالشعرا تألیف صدرالدین محمد بهبهانی در قرن ۱۱ ه اشعار شعرا را از روی مصامین و موضوعات و معانی خاصی آورده است
- ۹- تذکره الهی تألیف ابوالحسن صاحب فرید آبادی - چاپ بولکشور لکهنو ۱۸۹۸ م / ۱۳۱۶ ه ملفوط شاه مطهر علی اکبر آبادی است
- ۱۰- تذکره العاشقین دیوان عرل تقی اوحدی (رجوع شود به آثار تقی اوحدی در دیل بحث در باره عرفات العاشقین در این کتاب)
- ۱۱- تذکره العاشقین دیوان شعر شیخ حرین - چاپ لکهنو ۱۲۹۳/۱۴۸۷۶ ه .
- ۱۲ تذکره نصرت یا خلاصه لطایف الخیال مجموعه اشعار شعرای مقدم و متاخر و معاصر مولف است که امیر محمد صالح رضوی ملقب به صدر الممالک سال ۱۱۰۴ ه ترتیب داده است و محمد بصیر نصرت مقدمه ای بر آن افزوده است - نسخ خطی مجلس ۱۱۷۰ و سپه سالار ۲۷۳۰ و ملک تهران ۴۱۳۱ و مرکری تهران س ۳۹۵۱ و بیر رجوع شود به سپه سالار س ۱۱۲۲
- ۱۳- تذکره خاور مجموعه اشعار شعرای مقدم و متاخر است بر ترتیب العیا که حیدر قلی میرزا متخلص به خاور در قرن ۱۳ ه از قصیده و غزل ترتیب داده است - نسخه ملک ۴۳۰۰
- ۱- برای شرح حال میردوستی رجوع شود به میحانه چاپ تهران ص ۲ - ۶۶۱ در دیل نام دوستی سمرقندی

۱۴- تذکره خاوری تألیف فضل‌اله حسینی حاوری شیرازی کتابیست در عروض و قوافی و غیره که مولف در قرن ۱۳ هـ تألیف نموده اسب - نسخه ملک ۲۸۷۵ .

۱۵- تذکره تاریخی تألیف میرزا فضل‌اله وزیر نظام‌نوری (۱۲۱۳-۱۲۸۹ هـ) بسال ۱۲۸۰ هـ در تاریخ آغارکار خاندان قاجار است نسخه داشکده ادبیات ش ۸۹ - ح

۱۶- تذکره متأثر المعاصرین موسوم به «مجموعه الحواهر» تألیف محمد مهدی قزوع اصفهانی سال ۱۲۸۵ هـ درد کر شرح حال و منشآت قایم مقام فراهانی و منتخبی از آثار متقدمین و معاصرین و حکایات و لطایف زبان عربی و فارسی است - نسخه مرکری تهران ۳۲۰۷ در ۳۰۸ ص
ب - کتبی که نام آن با تذکره شروع نمیشود .

۱- مجمع الشعرا تألیف کاتب‌الملک متخلص به دوری سال (۹) مجموعه اشعار یسب از ۴۵۶ شاعر که مولف برای حمیده نابو نادر اکبر شاه ترتیب داده است نسخه بخط مولف مرکری تهران ش ۲۴۴۸ .

۲- آسمان‌سخن تألیف لطف‌الله محمد مهدی بن احمد معاصر اورنگ ریب شاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) - خلاصه تذکره الشعراء دولشاه سمرقندی است حاوی اشعار ۲۵۰ شاعر که اصلاً فیضی کرمانی در زمان اکبر شاه ترتیب داده بود

۳- انیس العشاق تألیف حسن بن محمد رامی در ذکر اشعاری در اوصاف حسن در ۱۹ باب مؤلف این کتاب را در زمان معزالدین ابوالفتح شیخ اویس بهادر خان ترتیب داده اسب نسخه مرکری ش ۳۰۳۴

۴- مصامین الشعرا تألیف مولانا محمد رضا بن محمد جعفر - مجموعه اشعار یسب از ۴۵۰ شاعر که محاور از صد نفر آنها معاصر مولف بودند که مولف تحت عناوین مختلف آورده اسب؛ نسخه ناقص الاول طاهراً بخط مؤلف مرکری تهران ش ۲۵۰۴

۵- بوستان خیال تألیف بکتابش قلی متخلص به ابدالرومی- مجموعه اشعار شعرائی است که مؤلف در رجب ۱۲۲۵هـ (یا سال ۱۹۰۵) در اصفهان ترتیب داده است - نسخه طاهر ابطح مؤلف مرکری تهران ۱۹۹۹- چاپ هند

۶- انیس الشعر تألیف علی اکبر متخلص به افسر (م ۱۲۶۲ هـ)- کتابی در علم عروض و قافیه است - نسخه مرکری تهران ۱۳۵۰).

۷- منتخب لباب تألیف محمد هاشم علی خان معروف به خوافی حان - تاریخ تیموریان هند است از ناصر تامحمد شام- نسخه اندیا آفس ج ۲ ش ۳۰۱۳.

۸- بیان محمود مجموعه اشعاریست که محمود میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار از غزلیات شعرای نیمه اول قرن ۱۳ هجری انتخاب نموده است- نسخه. مجلس ح ۳ ش ۸۹

۹- شاهد صادق تألیف میرزا محمد صادق اصفهانی مؤلف صبح صادق (م ۱۰۶۱ هـ) حد مرزا طاهر نصرآدای در حدود سال ۱۰۵۶هـ در پنج باب و یک پایان نامه نوشته است و مانند دائرة المعارفی است، که هر باب آن، دارای چند فصل است و مؤلف در باب سوم فصل ۴۴ درباره شعر و شاعران و صله شاعران مختصراً بحث کرده است

۱۰- مجموعه شعر مجموعه اشعار قریب ۶۸۶ شاعر است که سراج الدین حسینی اورنگ آبادی سال ۱۱۶۹ هـ ترتیب داده است. نسخ اته ۶۹۱ و اشپرنگر ص ۱۴۸.

۱۱- دریای گوهر (جلد سوم) تألیف دکتر مهدی حمیدی شیرازی- مجموعه اشعاریست از شعرای معاصر (چاپ تهران میر کمبر ۱۳۳۴ ش)

۱۲- مستحبات آثار تألیف محمد صیاء هشتروندی مشتملست بر مستحبات آثار شری و نظم ادباء و در نام هر شعر بجای شرح حال، ی محتصات شعر و بشر و نظر خود را درباره وی ذکر نموده است - چاپ تهران ۱۳۴۳ هـ

۱۳- شعر فارسی در عهد شاهرخ تألیف دکتر یار شاطر بحث عمومی د

ناره وضع سیاسی و ادبی در عهد شاهرح را دارد و شرح حال شعراء را ندارد . چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۴ ش

۱۴- گلستان مسرت یا حدایق المعانی تألیف محمدخان مصطفی سال ۱۲۶۱ هـ -

مجموعه اشعار است در پنج حدیقه - چاپ مطبع مصطفائی هند

۱۵- گلدسته نشاط تألیف منوچهر نعلبند حارح آکلند سال ۱۲۵۲ هـ مطابق

۱۸۳۶ م مجموعه اشعار است از شعرای متقدم و متأخر بر زبان فارسی و هندی (اردو) در هفت گلدسته در دلیل عناوین مختلف .

۱۶- نزم ایران تألیف حاجی سید محمد رضا طباطبائی یردی- چاپ نظامی

پرس لکهنو ۱۳۴۵ هـ در باب سوم آن اشعار شعرای مختلف « برای استشهاد در نرم آرائی » ترتیب حروف تهجی آمده است .

اضافات

برگزیده از پارسی سرایان کشمیر

ابتدا «شعر فارسی در هند موضوعیست حالب وارچند سال قبل در ایران و اروپا مورد علاقه و تحقیق دانشمندان قرار گرفته است»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دکتر گردهاری لال تیکواست. وی بسال ۱۹۲۵ م در کشمیر متولد شد و فوق لیسانس خود را در پاکستان و هندی ادبیات فارسی پایان رساند و در سال ۱۹۶۰ م. دکترای ادبیات فارسی را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت. در دوران خدمت خود در وزارت خارجه هند گفته‌های یودا و چندین مقاله درباره تصوف و همچنین منتخبی از آثار اسدربات تاگور را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد. وی از اعضای مؤسس انجمن ایران و هند و عضو انجمن شرق شناسی امریکا و انجمن آسیائی سگال اسب و اکنون در دانشگاه کالیفرنیا (لوس آنجلس) تدریس ربان‌های فارسی وارد و اشتغال دارد.

غیر از «برگزیده از پارسی سرایان کشمیر» کتاب مورد بحث، دیوان محسن فانی (م ۱۰۸۲ هـ) نیز سال ۱۳۴۲ ش، به تصحیح و تحشیه دکتر تیکوار طرف انجمن ایران و هند تهران بجا آورده است.

مؤلف این کتاب را بسال ۱۳۴۲ ش. تألیف و چاپ کرده است.

در دیل شرح حال شعرا مؤلف اسم کتابهای زیر را آورده است که در تالیف این کتاب از آن استفاده کرده است.

۱- تاریخ حس - حس کویہامی جلد سوم و چهارم - چاپ سریگر کشمیر

۲- واقعات کشمیر - محمد اعظم دیدہ مری - چاپ کشمیر

۳- تصوف در کشمیر در قرون ۱۴ و ۱۵ - مقاله مؤلف که در شماره مورخ

ژوئیه ۱۹۶۳ م در مجله دیبای اسلام (انگلیسی) چاپ امریکا چاپ شده است

۴- مخبر الاسرار - حافظ قادری چاپ لاهور

۵- اکبر نامه ابوالفضل چاپ کلکتہ ۱۹۲۹ م

۶- منتخب التواریخ - عبدالقادر دوانی

۷- فتحات کبرویہ - سحہ حطی متعلق بکتابخانه تحقیق کشمیر

۸- تحفہ اشرفیہ - محمد حس - چاپ لاهور ۱۳۵۲ هـ

۹- دیوان حس - میر حبیب اللہ کامل چاپ کشمیر ۱۳۸۱ هـ

۱۰- مقدمہ دیوان عنی ار محمد علی ماهر چاپ لکھنؤ ۱۹۳۱ م

۱۱- تذکرہ بصر آبادی

۱۲- شمع الحسن

۱۳- مرآت الحیال

۱۴- کلمات الشعرا

۱۵- دیوان فانی بتصحیح و تحشیہ دکتر تیکو (مؤلف) چاپ تہران ۱۳۴۲ ش

۱۶- مقدمہ ترجمہ انگلیسی «دستان مذہب» چاپ پاریس ۱۸۴۳ م

۱۷- کاتالوگ کتابت الحسن آسیائی سگال تالیف ایوانو

۱۸- تحفۃ الکملیہ چاپ لاهور ۱۳۵۰ هـ

۱۹- بحر العرفان چاپ کشمیر ۱۳۸۱ هـ

۲۰- تاریخ ملا حلیل مر حابوری

۲۱- خوارق السالکین - احمد بن الصور کشمیری

- ۲۲- کلام صادق - چاپ آکادمی هند و فرهنگ و زبان‌های کشمیر ۱۹۶۰م.
- ۲۳- کلیات حویا چاپ لاهور ۱۹۶۰ م نامقدمه پروفیسور محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب
- ۲۴- نظری به حویا- چاپ لاهور ۱۹۵۴ ش
- ۲۵- ابران صغیر چاپ تهران ۱۹۴۵ش (۱۳۳۵ش.)
- ۲۶- نتایج الافکار- چاپ بمبئی
- ۲۷- منتخب النوار یخ یا تاریخ بیر بل کاجرو
- ۲۸- آتشکده
- ۲۹- ریاض الشعرا
- ۳۰- کشمیر- غلام محمد صوفی- چاپ لاهور ۱۹۴۹م
- ۳۱- پندیت کشمیری- آند کول
- ۳۲- بهار گلشن کشمیر- چاپ لکھنؤ ۱۹۳۲م
- ۳۳- بایرسان نامه - چاپ کشمیر
- ۳۴- شعر العجم - شلی نعمانی
- این کتاب یاد کر «محمد امین اویسی» شروع شده یاد کر «بیر بل کاجرو و وارسته» تمام میشود و رویه مرفته د کر ۱۹ تن ار گویند گان پارسی گوی کشمیر را شاملست در پایان کتاب مؤلف یک قصیده فیضی و یک مثنوی ترجمه از «مهاپارتا» بوسیله اوم سری گنیشای بمه را آورده است
- در مقدمه کتاب مؤلف درباره تاریخ و اهمیت و انواع و محتصات شعر فارسی در کشمیر بتفصیل بحث کرده اس و همچنین به ورود کلمات فارسی بران محلی کشمیر و بعضی اصطلاحات زبان کشمیری و سکریت بران فارسی در آثار شعرای کشمیر اشاره کرده اس
- مؤلف در دیل نام هر شاعر شرح حال او را با احتصار اما بطور جامع آورده و سعی کرده اس سال تولد و فوت هر شاعر را مخصوصاً د کر نماید همچنین اسم آتارا کثر

شعرا را بیان کرده و در پایان مقال اسم کتابهایی که اطلاعات بیشتر درباره شاعر مورد بحث دارند بیزدکر کرده است

مؤلف گاهی درباره بعضی اصطلاحات محلی و کلمات سنسکریت و اسامی رجال که در ضمن شرح حال یا آثار بعضی شعرا آمده است در حاشیه کتاب توضیح داده است. مؤلف در مقدمه توضیح داده است که یادداشت‌هایی را که درباره ساطع و مشتاق دو شاعر غرلسرای قرن ۱۸ کشمیر تهیه کرده بود در موقع مراجعات کشمیر بهرمان در راه گم کرده و بنابراین نتوانست آنها را در این کتاب بچاپ برساند.

مؤلف اشعار شعرا را نیز مفصل آورده است و سعی کرده است منتخبات آنان را از انواع شعر ماسد غزل و مثنوی و ترجیع بدو رباعی و غیره نعل کند

رو به پرفته این کتاب اطلاعات مفیدی را در باره شعرای کشمیر بهم میرساند و همچنین منتخبات آثار خوبی از آنان را شاملست اما معلوم نیست چرا مؤلف ذکر تنها ۱۹ شاعر را در این کتاب آورده است در صورتیکه تنها تاریخ حسن حصه (قسمت) چهارم ذکر ۱۱۸ شاعر کشمیر را آورده است و این کتاب جزو مآخذ کتاب مورد بحث میباشد.

مؤلف فهرست منابع و مآخذ کتاب خود را یکجاء ذکر نکرده است و همچنین با وجود اینکه سر تا سر این کتاب چندین غلط چاپی بچشم میخورد غلط نامه ای برای این کتاب تهیه نکرده است

در بعضی موارد در این کتاب غلطهای املائی و غیره نیز بچشم میخورد که در سطور ذیل به بعضی از آنها اشاره میشود تا در موقع تجدید چاپ بوسیله مؤلف اصلاح گردد

هر دو این آثار بجای این هر دو اثر (حاشیه ۲ صفحه پ)

برای اطلاع بیشتر رجوع شود بحای برای اطلاع بیشتر رجوع شود به (ص ۱)

برای اطلاع بیشتر به مآخذ دیل رجوع شود بجای برای اطلاع بیشتر مآخذ

دیل رجوع شود (ص ۹)

مهمترین مأخذ موجود در باره حیات و شعر او عبارتست از بجای مهمترین مأخذ
یا مأخذ مهم (ص ۳۶)

آثار منظوم وی دیوانی است بجای از جمله آثار منظوم وی یا اثر منظوم وی (ص ۷۵)
متأسفانه یادداشتهای که نگارنده از آنها تهیه کرده بود گم شده است (ص ۱۲۱)
زوجه هنگام سوخته شدن جسد شوهر باید خود را نیز در همان آتش
میسوزاند بجای روحه هنگام سوختن جسد شوهر موقوف بود خود را نیز در همان
آتش بسوزاند (ص ۱۷۳)

چاپ - تهران در شهریور ۱۳۴۲ ش از طرف انجمن ایران و هند تهران -
صرفمطر از غلطهای چاپی که در این کتاب فراوانست چاپ خوبی است و مؤلف
پنج عکس از معمره های شعرا و چهار عکس از نمونه های خط شعرا و یک عکس از سردر
معبره بدخشی را نیز در این کتاب آورده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به هاشم در پایان دیوان محسن فانی چاپ

تهران سال ۱۳۴۲ ش تصحیح و تحشیه دکتر تیکو

فهرست اسامی شعرا

- ۱- ویس ۲- صرفی ۳- حبی ۴- عی ۵- فانی ۶- اکمل ۷- طیب ۸- صادق
- ۹- حویا ۱۰- سالم ۱۱- آذر ۱۲- بلبل ۱۳- توفیق ۱۴- بیس ۱۵- شایق ۱۶- تیکو
- ۱۷- خوشدل ۱۸- حمید ۱۹- وارسته .

فهرست منابع

الف- کتب فارسی

- ۱- آتشکده تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی چاپ تهران ۱۳۳۷ هـ باهتمام دکتر جعفر شهیدی
- ۲- آتشکده تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی چاپ تهران ۴۰ - ۱۳۳۵ هـ (سه جلد) بتصحیح و تحشیه دکتر حسن سادات ناصری
- ۳- آئین اکبری تالیف ابوالفضل علامی چاپ بولکشور لکنو ۱۸۹۳ م - ۱۳۱۰ هـ
- ۴- اختر تابان تالیف ابوالقاسم محتشم چاپ بهوپال ۱۲۹۹ هـ
- ۵- اشارات بینش تالیف سید مرتضی بینش چاپ مدراس ۱۲۶۸ هـ
- ۶- اکبرنامه تالیف ابوالفضل علامی چاپ کلکته ۱۸۷۷ م
- ۷- انیس الاحبا تالیف موهن لعل انیس نسخه خطی دانشگاه لاهور و مجلس تهران (= کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی)
- ۸- انیس العاشقین تألیف کنوردتر سنگه زخمی نسخه خطی دانشگاه لاهور وعکسهای نسخه خطی کتابخانه ماتا پرشاد که در دانشگاه لاهور موجود است.
- ۹- باغ گلرهای حسن رجوع شود به مجموعه عشق شماره ۱۳۷ در سطور ذیل.
- ۱۰- داغ معانی تألیف نقش علی نسخه خطی بانکی پورج ۱۸۶۸

۱۱- بحر دُخار- نسخه خطی موره بریتا بیا فہرست ریوح ۳ ص ۹۷۶

۱۲- بزم آرای تالیف علی بن محمود الحسینی نسخه خطی ریو دیل ش ۱۰۶ ص ۷۳ الف.

۱۳- بہارستان سخن تالیف میر عبدالرراق شاہوارحان صمصام الدولہ چاپ مدراس ۱۹۵۸ م.

۱۴- بیاض شماره ۴۴۷ مجلس تہران بخط محمد صالح برادرزادہ اسکندریہ گمشدہ مولف تاریخ عالم آرای عباسی

۱۵- پادشاہ نامہ تالیف عبدالحمید لاہوری چاپ کلکتہ ۱۸۶۷

۱۶- تاریخ احوال تالیف شیخ محمد علی حربن (در شرح حال حویش) چاپ لندن ۱۸۳۹ م

۱۷- تاریخ ادبیات فارسی تالیف ہرمان اتہ- ترجمہ فارسی ارد کثر رسارادہ شفق چاپ تہران ۱۳۳۷ ش

۱۸- تاریخ جہانگیری تالیف مطربی سمرقندی نسخه خطی اتہ ح ۲ ش ۳۰۲۳.

۱۹- تاریخ فرشتہ یا گلشن ابراہیمی تالیف ملا محمد قاسم ہندو شاہ چاپ نولکشور لکھنؤ ۱۲۸۱ ہ

۲۰- تاریخ محمد شاہی معروف بہ نادرالزمانی تالیف حوسحا لجد سحہ خطی

۲۱- تاریخ معصومی یا تاریخ تالیف سید میر معصوم نامی بہکری چاپ بمبئی ۱۹۳۸ م/ ۱۳۵۷ ہ

۲۲- تحفہ سامی تالیف سام میرزا صفوی چاپ مطبعہ ارمغان تہران ۱۳۱۴ س

۲۳- تحفۃ الشعر اتالیف میرزا افضل بیگ قاقسال نسخه خطی متعلق بکناحہ شخصی کرل رشید ناظم بیمارستان جناح کراچی

۲۴- تحفۃ العالم تالیف عبداللطیف موسوی شوستری چاپ بمبئی ۱۲۹۴ ہ.

۲۵- تذکره تألیف شیخ بصیرالدین طوسی چاپ دانشگاه تهران.

۲۶- تذکره الاولیاء تألیف شیخ فریدالدین عطار چاپ چاپخانه مری تهران

۱۳۳۳ش

۲۷- تذکره تبیظیر تألیف میر عبدالوهاب افتخار دولت آبادی چاپ اله آماد

۱۹۴۰م.

۲۸- تذکره حسیسی تألیف میر حسین دوس سسلی چاپ بولکشور لکهنو

۱۸۷۵م نسخه خطی دانشگاه لاهور

۲۹- تذکره خرابات تألیف (۹) نسخه خطی ملک تهرانش

۳۰- تذکره الخواتین تألیف میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی چاپ بهوپال

۱۳۰۶ه

۳۱- تذکره الحوائین تألیف میر دوستی بسال ۹۵۵ه. نسخه خطی مرکزی

تهرانش ۲۴۳۱

۳۲- تذکره شاه طهماسب صفوی تألیف شاه طهماسب صفوی چاپ برلن چاپخانه

کویابی ۱۳۴۳ه

۳۳- تذکره شاعرات تألیف (۹) - نسخه خطی دانشگاه لاهور

۳۴- تذکره الشعرا تألیف دولت شاه سمرقندی چاپ کتابخوشی نارانی تهران

۱۳۳۷ش

۳۵- تذکره الشعرا تألیف (۹) میان سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ه - نسخه خطی اته ۶۹۲

۳۶- تذکره شعرای پادسی زبان کشمیر یا ایران صغیر تألیف دکتر حواحه

عبدالحمید عرفانی- چاپ تهران ۱۳۳۵ش

۳۷- تذکره علمای هند تألیف احمد علی چاپ هند ۱۸۹۴م.

۳۸- تذکره کاتب تألیف میرزا محمد علی کاتب صفوی نسخه خطی کتابخانه

رامپور هند

۳۹- تذکره المعاصرین تألیف شیخ علی حرین چاپ قایید اصمهان ۱۳۳۴ش.

۴۰- تذكرة الملوك تالیف (؟) در حدود ۱۱۳۸ هـ چاپ لندن باهتمام مینورسکی

۱۹۴۳ م

۴۱- تذكرة الملوك تالیف یحیی خان منشی فرح سیر پادشاه هند و نسخه خطی

۱۰۹۰ ش

۴۲- تذکره ندرت تالیف علی فطرس عطاء الله محصل به فطرس نسخه خطی

۶۲۶ ش

۴۳- تذکره نصرآبادی تالیف محمد طاهر نصرآبادی چاپ ارمغان تهران

۱۳۱۷ ش

۴۴- تذکره بصرت یا خلاصه لطایف الخیال تالیف میرزا محمد صالح حسینی

در ۱۱۰۴ هـ نسخه خطی مرکزی ش ۳۹۵۱

۴۵- تذکره نوبهار تالیف محمد رفیع الدین بهشندی نسخه خطی داشگاه

لاهور

۴۶- تذکره همایون و اکبر تالیف نایرید بیات چاپ کلکته ۱۳۶۰ هـ

۴۷- تذکره همدی گویان تالیف سیخ علام همدانی مصحفی امروہوی چاپ

ایمن ترقی اردوہد

۴۸- تذکره ریو سف علیحان نسخه خطی ایوانو ۴۵ واسپرنگرس ۱۹۳۴

۴۹- تکملة الشعراى جام جمشید تالیف مولوی محمد قدرت الله شوق

نسخه خطی رامپورہد.

۵۰- تکملة مقالات الشعرا تالیف محمد ابراهیم حلیل چاپ کراچی سدی

ادبی نور ۱۹۵۸ م

۵۱- تمبیه الغافلین تالیف سراج الدین علیحان آرو (روح سودہ تذکره

ریاض السعرا در دیل نام حرین)

۵۲- تورک جهانگیری تالیف حها نگیر پادشاه ہند چاپ لکھو (تاریخ ندارد)

۵۳- جوامع الحکایات تالیف محمد عوفی (بخش اول) - چاپ داشگاه تهران

باہتمام د کتر محمد معین سال ۱۳۳۵ ش ۱

۵۴۔ جوامع الحکایات تألیف محمد عوفی نسخہ خطی ش Or. 4392
صفحہ 87a و Add. 16862 موزہ بریتانیا .

۵۵۔ جواهر العجایب تألیف مولانا سلطان محمد متخلص بہ فخری بن امیری
چاپ نولکشور لکهنوی ۱۸۷۳ م = ۱۲۹۰ھ

۵۶۔ چہار چہن رجوع شود بہ مجموعہ عشق ش ۱۳۸ درسطور دیل

۵۷۔ چمستان شعرا تألیف لچہمی براین شعیق اور بگ آ نادی چاپ اور بگ۔

آ نادی ۱۹۲۸ م

۵۸۔ حدایق الشعرا تألیف میرزا امیر بیگ سارسی نسخہ خطی ایوانو۔ کرزن

۷۰۲

۵۹۔ حدیقہ عشرت تألیف کنور پرشاد مہر سدیلوی چاپ سدیلہ ہند

۱۸۹۴ م .

۶۰۔ حقیقت الحقیقت مرتبہ ح استعسن نسخہ خطی مورہ بریتانیا ج ۳

ص ۵۸۹

۶۱۔ خزائہ عامرہ تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی چاپ کاپور ۱۸۷۱ م

۶۲۔ حزیۃ الشعرا تألیف سید علی احملی نسخہ خطی انڈیا آفیس ۳۸۹۹۔

۶۳۔ خزینہ فتح الہی تألیف میر عماد الدین محمود الہی حسینی نسخہ خطی

اشپر بگر ش ۱۱

۶۴۔ خلاصۃ الاشعار تألیف بی کاسی نسخہ خطی دانسکدہ ادبیات س ۱۰۴

و مجلس تہراں س ۱۹۳۵ و ۳۲۴ ب و نلاند واشپر بگر س ۹۰۸ و برلن ش ۶۴۷ الف

واتہ ش ۶۶۷

۶۵۔ خلاصۃ الافکار تألیف ابوطالب حان تریری اصعبانی۔ نسخہ خطی داشگاہ

لاہور تہراں س ۴۳۰۳

۶۶۔ خلاصۃ الشعرا تألیف ملا صوفی مار بدرابی و عبد اللطیف عباسی۔ نسخہ خطی

متحقق ۱۳۰۰ و ۱۳۲ و بادلین ش ۱۳۶۶^۱

۶۷- خلاصه الکلام تألیف علی ابراهیم خلیل - نسخ خطی بانکی پور ح ۸

ش ۵-۷۰۴ و نادلین ۳۹۰^۱

۶۸- خلاصه لطایف الخیال رجوع شود به تذکره نصرت ش ۶۶ فوق .

۶۹- دیوان منتخب سراج (الدین علی حان آرو) - نسخه خطی اسپرنگر

ص ۱۵۰

۷۰- راحة الصدور تألیف محمدسن علی بن سلیمان راوندی چاپ بهرا

ش ۱۳۳۳

۷۱- روز روشن تألیف محمد مطهر حسن گویا موی متخلص به صا چاپ

بهوپال ۱۲۹۷ هـ

۷۲- روضة السلاطین تألیف مولانا سلطان محمد مهملص به وحری بن

امیری نسخه خطی برلن ش ۶۴۴

۷۳- ریاض الشعر تألیف علی قلی حان والہ داعستانی - نسخ خطی دانسگاه

لاهور و ملک تهران ۴۳۰۱

۷۴- ریاض العارفین تألیف رضاقلی حان هدایب چاپ بهرا

۷۵- ریاض الفردوس تألیف مولوی محمد حسین شاهجهان پوری چاپ

بولکشور ۱۳۸۳ هـ

۷۶- ریاض الوفاق تألیف دوالعار علی مسب نسخه خطی اسپرنگر ۳۶

۷۷- زواید الفوید تألیف عبدالواسع هاسوی نسخه خطی دانشگاه لاهور

۷۸- سخوران ایران در عصر حاضر تألیف دکتر محمد اسحق چاپ دهلی

جلد اول ۱۳۵۱ هـ = ۱۹۳۳ م و جلد دوم ۱۳۵۵ هـ = ۱۹۳۷

۷۹- سخوران چشم دیده تألیف ترک علیساہ ترکی قلندر نورمجلی چاپ

حیدرآباد دکن ۱۳۳۲ هـ .

۱- عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است .

- ۸۰- سرو آزاد تألیف میر غلام علی آزاد بلگرامی چاپ لاهور ۱۹۱۳ هجری.
- ۸۱- سفینه الاولیا تألیف شاهراده محمد دارا شکوه چاپ لکهنو ۱۸۷۸ م.
- ۸۲- سفینه بیخبر تألیف میر عظم‌اله بیخبر نسخه خطی دانشگاه لاهور.
- ۸۳- سفینه خوشگو تألیف نذر ابن داس خوشگو دفتر اول نسخه خطی ان‌دیا آفیس ۴۰۲۳ دفتر دوم نسخه خطی مجلس ش ۴۰۳ و دانشگاه لاهور و دفتر سوم چاپ پتیه ۱۳۷۷ هـ = ۱۵۹۸ م.
- نسخه آب‌آورد نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ش ۲۶۵۵ و ملک تهران ۴۳۰۵
- ۸۴- سفینه الشعر تألیف (۹) نسخه خطی ایوانو - کرن ش ۳۲۶.
- ۸۵- سفینه عشرت تألیف درگاداس عشرت نسخه خطی نانکی پور ج ۸ ص ۶۹۹
- ۸۶- سفینه علی حزین تألیف شیخ محمد علی حرین - چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۶۸ هـ = ۱۹۳۰ م
- ۸۷- سفینه هندی تألیف بهگوان داس هندی - چاپ ۱۳۷۷ هـ = ۱۹۵۸ م
- ۸۸- سندان نامه تألیف محمد سن علی الطهری السمرقندی - نسخه خطی ریو ص ۷۴۸ و چاپ استانبول و رارت فرهنگ ترکیه ۱۹۴۸ م باهتمام آقای آتش
- ۸۹- سیر المتاخرین تألیف علامه حسین خان - چاپ کابوز ۱۸۶۶ م.
- ۹۰- سیرت جلال الدین مکبرنی تألیف نورالدین محمد محمد علی ناصح - چاپ تهران ۱۳۲۴ ش
- ۹۱- شعرای فارسی زبان کشمیر رجوع شود به تذکره شعرای نرسی کشمیر ش ۳۶ فوق
- ۹۲- شعرای عصر پهلوی تألیف دساحی بهائی ایرانی چاپ بمبئی حیدر اول (۱۹۳۳ م) = ۱۳۵۱ هـ

- ۹۳- شعرای فارسی زبان پیشاور تألیف دکتر بدیر حس میرزا برلاس متخلص، به بدیر- سحیح حطی کتابخانه شخصی دکتر پرویر ناقل خالری .
- ۹۴- شعر العجم تألیف شبلی نعمانی ترجمه فخر داعی گیلانی - چاپ بهراں
- ۹۵- شمع انجمن تألیف نواب سید صدیق حس خان- چاپ بهوپال ۱۲۹۳ هـ
- ۹۶- شمع محفل سخن تألیف سید عبداللطیف الطاف حسینی - نسخه حطی مدراس ش ۱۲۷۹ .
- ۹۷- صبح گلشن تألیف سید محمد علی حس خان- چاپ بهوپال ۱۲۹۵ هـ .
- ۹۸- صبح وطن تألیف نواب علام عوٹ حان اعظم- چاپ مدراس ۱۲۵۸ هـ
- ۹۹- صحف ابراهیم تألیف ابراهیم خان حلیل - نسخ حطی نانکی پور ح ۸ ص ۷۰۸ و نسخه برلن ۶۶۳^۱ .
- ۱۰۰- طبقات اکبری تألیف نظام الدین احمد- چاپ کلکته ۱۹۲۷-۱۹۳۵ م
- ۱۰۱- طبقات سخن تألیف علام محی الدین شوق- نسخه حطی اشپرنگر ۵۳ و برلن ۶۷۰ .
- ۱۰۲- طبقات سلاطین اسلام تألیف استانبولی لین پول ترجمه مرحوم عباس اقبال چاپ تهران ۱۳۱۳ ش
- ۱۰۳- طبقات شاهجهانی تألیف محمد صادق - نسخه حطی ریو ح ۳ ص ۱۰۰۹ ب
- ۱۰۴- طبقات ناصری تألیف منہاج سراج چاپ کلکته ۱۸۶۴ م
- ۱۰۵- عرفات العاشقین تألیف تقی اوحدی - نسخ حطی کتابخانه نانکی پور ح ۸ ص ۶ - ۶۸۵ و ملک تهران ۵۳۲۴
- ۱۰۶- عقد ثریا تألیف شیخ غلام همدانی متخلص به مصحفی امروہوی - چاپ حیدرآباد دکن ۱۹۳۴ م
- ۱۰۷- عمل صالح یا شاهجهان نامہ تألیف محمد صالح کسوه لاهوری چاپ
- ۱- عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۲۲۔ **مجلد سہ کرناٹک** تالیف حکیم ناقر حسین رایق۔ نسخہ خطی ایوانو

ذیل اول ص ۸-۱۰

۱۲۳۔ **گل رعنا** تالیف لچہمی نراین شعیق اور نگ آبادی۔ نسخہ خطی داشگاہ

لاہور و کتابخانہ ایجنمن ترقی اردو کراچی و (فصل دوم) چاپ حیدر آباد دکن

۱۲۴۔ **گلزار اعظم** تالیف بواب علام غوث خان اعظم۔ چاپ مدراس ۱۲۷۲ھ

۱۲۵۔ **لباب الالباب** تالیف محمد عوفی۔ چاپ لندن ولیدن جلد دوم ۱۹۰۳م

باہتمام پرفسور براون۔ جلد اول ۱۹۰۶م باہتمام پرفسور براون و میرزا محمد فروینی

و تہران ۱۳۳۵ش باہتمام استاد سعید نعیمی .

۱۲۶۔ **لب تاریخ سند** تالیف حداداد حان۔ چاپ کراچی سندھی ادبی بورڈ

۱۳۷۸ھ = ۱۹۵۹ م باہتمام دکنر سی بخش حان بلوچ .

۱۲۷۔ **لب لباب** تالیف قمر الدین علی۔ نسخہ خطی اتہ ش ۶۹۵.

۱۲۸۔ **لطایف الحیال** تالیف شیخ مفید شیرازی (محمد س محمد شیرازی دارابی)

نسخہ خطی کتابخانہ ملک تہران ۲۹۵۱ و داشگاہ لاہور

۱۲۹۔ **مآثر الامراء** تالیف صمصام الدولہ شاہنوار حان۔ چاپ کلکنہ ۱۸۸۸م.

۱۳۰۔ **مآثر رحیمی** تالیف ملا عبدالباقی بہاوندی۔ چاپ کلکنہ ۱۹۳۱م

۱۳۱۔ **مثنوی صورت حال** گلش حو نیوری۔ نسخہ خطی ریو ح ۲ ص ۷۱۵.

۱۳۲۔ **مجالس المنافیس** (دو ترجمہ آنار قرن دہم)۔ چاپ تہران ۱۳۲۳ش

باہتمام اساد علی اصغر حکمت .

۱۳۳۔ **مجمع الشعرای جہانگیری** تالیف قاطعی۔ نسخہ خطی بادلین س ۳۷۱

۱۳۴۔ **مجمع الفصحا** تالیف رصاقلی حان ہدایت۔ چاپ تہران ۱۳۴۰ باہتمام

آقای مظاہر مصفا

۱۳۵۔ **مجمع الفصلا** تالیف محمد عارف نقائی۔ نسخہ خطی داشگاہ لاہور

۱۳۶۔ **مجمع المنافیس** تالیف سراح الدین علیہ تان آرو۔ نسخہ خطی داشگاہ

لاہور .

۱۳۷- مجموعه ده دیوان چسترییتی- چاپ دبلین ایرلند با همکاری آقای
محتبی مینوی .

۱۳۸- مجموعه عشق یا چهارچمن یا ناع گلرهای حسن تألیف غلام محی-
الدین میر تپی- نسخه خطی علیگر دحیره سخن الله ص ۵۳ ش ۸

۱۳۹- محاک شعرا تألیف محمد صالح شاملوی خراسانی- نسخه خطی ملک
تهران ۴۰۹۶

۱۴۰- مخزن العرایب تألیف شیخ احمد علی سندیلوی- نسخه خطی دانشگاه
لاهور و نادلیں ۳۹۵^۱

۱۴۱- مرآت آفتاب نما تألیف شاهبواز خان هاشمی دهلوی- نسخه خطی دانشگاه
لاهور

۱۴۲- مرآت الاحوال (حان ما) تألیف احمد بن محمد علی بهسائی بسال
۱۳۲۵ هـ درپتنه نسخه خطی ملک تهران

۱۴۳- مرآت الخیال تألیف شیرحان لودی- چاپ بمبئی ۱۳۲۴ هـ
۱۴۴- مردم دیده تألیف ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری- چاپ لاهور ۱۳۳۹ ش

۱۴۵- معراج الخیال تألیف وریر علی عبرتی- نسخه خطی دانشگاه لاهور .
۱۴۶- المعجم فی معاییر اشعار العجم تألیف شمس قیس رازی- چاپ دانشگاه

تهران ۱۳۳۵ ش باهتمام استاد مدرس رضوی
۱۴۷- مفتاح التواریخ تألیف طامس ولیم بیل- چاپ بولکشور ۱۲۸۶ هـ =

۱۸۶۸ م .

۱۴۸- مقالات الشعرا تألیف قیام الدین حیرت- نسخه خطی رامپور هند
۱۴۹- مقالات الشعرا تألیف میر علام علی شیر قانع تتو- چاپ کراچی سدی

ادبی مورد ۱۹۵۷ م

۱۵۰- مقدمه جوامع الحکایات از محمد نظام الدین- چاپ لندن ۱۹۲۹ م.

۱- عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۵۱- منتخب الاشعار تالیف مردا علی خان مبتلا- نسخه خطی دانشگاه لاهور،

۱۵۲- منتخب التواریخ تالیف شیخ عبدالعادر بداونی چاپ کلکتہ ۱۸۶۹م

۱۵۳- منتخب اللباب تالیف محمد ہاشم خان مخاطب بہ خانخان نظام الملکی

چاپ کلکتہ ج ۱۸۸۹م ح ۲ ۱۸۷۴ و ح ۳ ۱۹۲۵م.

۱۵۴- منتخب الحکایات باہتمام مرحوم ملک الشعرا بہار چاپ فرہنگ

تہران ۱۳۲۴ش.

۱۵۵- منتخب حاکم تالیف ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری نسخه خطی رہاتسک

ص ۱۳۳ش ۲۱.

۱۵۶- میخانہ تالیف عبدالنسی قروینی چاپ لاهور ۱۹۲۶م باہتمام مرحوم پروفیسور

محمد شفیع و تہران ۱۹۶۱م/ ۱۳۴۰ش/ ۱۳۸۱ھ یا ہتمام آقای احمد گلچین معانی

۱۵۷- نتائج الافکار تالیف محمد قدرت اللہ گوپاموی چاپ بمبئی ۱۳۳۶ش

۱۵۸- نجوم السماء تالیف میرعلام رسول مشہور بہ محمد علی بن محمد صادق

آزاد کشمیری لکھنوی چاپ حلد اول لکھنؤ ۱۳۰۳ھ

۱۵۹- نشتر عشق تالیف آقا حسین قلی خان عاشقی عظیم آبادی- نسخه خطی

دانشگاہ لاهور.

۱۶۰- نغمہ عندلیب تالیف محمد رضا نجم طباطبائی نسخه خطی ریو ح ۳

ص ۹۷۸ب

۱۶۱- نفایس المآثر تالیف علاء الدولہ فرویزی نسخه خطی دانشگاہ علیگر.

۱۶۲- نفحات الانس تالیف ملا بورالدین حامی چاپ تہران

۱۶۳- نگارستان سخن تالیف سید نور الحسن خان چاپ بہوپال ۱۲۹۳ھ

۱۶۴- واقعات کشمیر تالیف خواجہ محمد اعظم سال ۱۱۴۰-۱۱۶۰ھ چاپ

لاہور ۱۳۰۳ھ ۱۸۸۶م

۱۶۵- ہفت آسمان تالیف آقا احمد علی حاکم کلکتہ ۱۸۷۳م

۱۶۶- هفت اقلیم تالیف امین احمد راری۔ نسخ خطی دانشگاه لاهور و مرکزی تهران و ادبیات تهران و ملک تهران (رجوع شود به هفت اقلیم - نسخ خطی در کتاب حاضر)۔

۱۶۷- همیشه بہار تالیف کشن چند اخلاص . نسخہ خطی ناسکی پور ح ۸

ش ۶۸۹

۱۶۸- یادداشتہای قرویمی چاپ دانشگاه تهران جلد دوم ۱۳۳۴ ش باہتمام

آقای ایرج افشار

۱۶۹- ید بیضا تالیف میر علام علی آزاد بلگرامی نسخہ خطی متعلق بہ کتابخانہ حافظ محمد ابراہیم در گریہ یاسین (در استان سابق سند) پاکستان غربی

۔۔ کتب اردو

۱- آب حیات تالیف محمد حسین آزاد دہلوی۔ چاپ ہند .

۲- آرایش محفل تالیف میر شیر علی افسوس جعفری چاپ کلکتہ ۱۸۰۸

۲ الف- اردو ندگری تالیف دکتسید عبداللہ چاپ لاهور

۳- اردو کی ہندو شعرا تالیف عبدالسلام خورشید۔ چاپ دفتر مرکزی رفاقت

سحاب لاهور ۱۹۴۶ م

۴- اورینٹل کالج مگزین لاهور کہ ار طرف اورینٹل کالج (دانشکدہ السنہ شرقی)

لاہور منتشر میشود (شمارہای مختلف)

۵- برم سخن تالیف سید علی حسن متخلص بہ سلیم . چاپ آگرہ ۱۲۹۸ھ۔

۶- بہار مین اردو زبان کا ارتقا ۱۸۵۷ء تک تالیف دکترا احترا اورینوی۔ چاپ

بٹہ ۱۹۵۷ م

۷- تاریخ ادبیات اردو تالیف رام ناسو سکینہ ناسکلیسی ترجمہ ناردو اد

آقای عسکری حابہند

۸- تاریخ شعرا بہار تالیف سید عریر الدین بلخی راز (ارماخذ بہار مین

اردو ادب و زبان کا ارتقاء)

۹۔ تذکرہ عشقی تالیف شیخ وحید الدین عظیم آبادی

۱۰۔ تذکرہ گلشن ہند تالیف میرزا علی لطف چاہلیگرہ ۱۹۳۴م ہاتھ تمام

دکتر محی الدین زور۔

۱۱۔ جدید شعرائے اردو تالیف دکتر عبدالوحید چاہلی لاهور فیروز سنر

(در حدود ۱۹۵۳ م)

۱۲۔ حقایق الحسینیہ تالیف مقبول احمد صمدانی۔ چاہلی آباد ۱۹۲۹م

۱۳۔ سخنوران بلند فکر تالیف مولوی محمد منور گوہر۔ چاہلی دانشگاه

مدرسہ ۱۳۵۲ھ۔

۱۴۔ فہرست کتب عربی و فارسی وارد و مخروہ کتب خانہ آصفیہ سرکار

عالی حیدر آباد چاہلی حیدر آباد دکن ۳-۱۳۳۲ھ

۱۵۔ فہرست نسخ قلمی عربی و فارسی وارد و سحان اللہ اورینٹل لائبریری مسلم

یونیورسٹی علیگرہ۔ تالیف کامل حسین۔ چاہلی علیگرہ ۱۹۲۹م۔

۱۶۔ قاموس العلوم تالیف شمس الہ قادری چاہلی حیدر آباد دکن ۱۹۳۵م۔

۱۷۔ کلام الملوک تالیف میر سعادت علی رصوی چاہلی ہند ۱۳۵۷ھ

۱۸۔ کلیات صہبائی امام بخش صہبائی چاہلی لکھنؤ۔

۱۹۔ گلشن بیخار تالیف مصطفیٰ حان شیعہ۔ چاہلی لکھنؤ

۲۰۔ باب المعارف العلمیہ فی المکتبۃ دارالعلوم الاسلامیہ پیشاور تالیف

مولوی عبدالرحیم۔ چاہلی آگرہ ۱۹۱۸م

۲۱۔ آثار صدیقی تالیف سید علی خان۔ چاہلی لکھنؤ ۱۹۲۴م۔

۲۲۔ مجلہ ندیم بہار نمبر۔ چاہلی پتنہ مورخ حوالائی واگسب (زوئیہ واوت)

۱۹۳۲م۔

۲۳۔ مجموعہ نغز تالیف سید ابوالقاسم معروف بہ میر قدرت اللہ قادری منحلص

بہ قاسم۔ چاہلی لاهور ۱۹۳۳م/۱۳۵۳ھ ہاتھ تمام مرحوم پیروفسور محمود شیرانی۔

۲۴۔ محبوب الرحمن (تذکرہ شعرائے دکن) تالیف مولوی عبدالجبار حان

ملکاپوری . چاپ حیدر آباد دکن ۱۳۲۹ھ.

ح- کتب عربی

۱- الانساب والاسرات الحاکمہ فی التاریخ الاسلامی للمستشرق رامباور -

الحرء الاول- الدکتور رکی محمد حس بکرو حسن احمد محمود- مطبعہ جامعہ

فواد الاول ۱۹۵۱م

۲- فتوح البلدان تالیف ابوالحسن بلادی چاپ مصر ۱۳۵۰ھ/ ۱۹۳۲م باہتمام

محمد رضوان

۳- فہرست کتب الفارسیہ الموجودہ بالکتبخانۃ الخدیویۃ المصریۃ

چاپ قاہرہ ۱۳۰۶ھ.

۴- کشف الظنون تالیف حاحی خلیفہ- چاپ وکالت المعارف ترکیہ ۱۳۶۰ھ=

۱۹۴۱م.

۵- ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون تالیف اسماعیل پاشا بن

محمد امین بغدادی- طبع وکالت المعارف استانبول ۱۳۴۴ھ- ۱۹۴۵ میلادی.

د- کتب ترکی

۱- قاموس الاعلام تالیف شمس الدین سامی چاپ استانبول ۱۳۰۶ھ.

۲- نور عثمانیہ کتبخانہ سیدہ محفوظ کتب موجودہ نک دفتر یلر

استانبول ۱۳۰۳ھ.

ه- کتب سندی

۱- مجلہ مہر ان چاپ حیدر آباد (سند) شمارہ ۲ حلدہ مورخ اپریل و مئی و

جون (آوریل و مئی و ژوئن) ۱۹۵۶م

و - منابع انگلیسی و فرانسوی و لاتینی و روسی و سری (بخط لاتین) و غیره

1 . Abdul Mugtadir, Maulavi. - Please see "Bankipur"

below

2 Affairs in Bhopal (A Defence of the Nawab Consort)
published as a Supplement by Advocate of India in 1889 .

3 . An Account of My Life - Sultan Jehan Begum

London, 1912 .

4 . Asiatick Miscellany - by William Chambers, Vol. I.

Calcutta, 1785

5 . Asiatic Society of Bengal - List of Arabic and

Persian MSS acquired on behalf of the government of

India by the Asiatic Society of Bengal during 1903 -

1907 Calcutta, 1908 .

&

6 List of the Arabic and Persian manuscripts

acquired on behalf of the government of India by the

Asiatic Society of Bengal during 1908 - 1910 Calcutta,

1911

7 . Aumer, Joseph - Die Arabischen Handschriften

der Königl. Hof- und Staatsbibliothek in München

(Catalogus codicum manuscriptorum Bibliothecae Regiae

Monacensis, t. 12) . Munich, 1866

&

Die Persischen Handschriften der Königl. Hof-

und Staatsbibliothek in München (Catalogus codicum

manuscriptorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t. 1:3)

- München, 1866 .
8. Bankipur - Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore, prepared for the Government of Bengal under the supervision of E. Denison Ross by Maulavi Abdul Mugtadir . Calcutta, 1908 - 1939
- 9 . Beale, T . W . - Please see "Oriental Biographical Dictionary" below .
10. Berlin-Verzeichniss der persischen Handschriften der Königl. Bibliothek zu Berlin von Wilhelm Pertsch . Berlin, 1838 .
- 11 Bibliobraphy - Ed . Van Dyke
- 12 . Biographie Universelle - Michaud . Paris, 1843
- 13 . Bland, N . - Earliest Persian Biography of Poets and some other work of the class called Tazkirat ul Shuara, published in the "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol IX dated 17 February, 1846"
- 14 . Blochet, Edgard - Catalogue des manuscrits persans de la Bibliothèque Nationale , VI volumes . Paris , 1905 - 1934
- 15 . Blochmann - Please see "Contributions to Persian Lexicography" below
- 16 . Bodleian - Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu manuscripts in the Bodleian Library begun by . . . Eduard Sachau
- completed by Herman Ethe, Part I . Oxford, 1889 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part II : Turkish, Hindustani, Pushtu and additional Persian manuscripts Oxford, 1930 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part III:additional Persian manuscripts, by A.F.L. Beeston Oxford,1954.
17 Bresla - Verzeichnis der arabischen, persischen, turkischen und hebraischen Handschriften der Stadtbibliothek zu Breslau von C Broeckelmann, Breslau, 1903
18 Broeckelmann, Carl - Geschichte der arabischen Litteratur von B. Broeckelmann. Weimar-Berlin, 1898-1902 .

19 Browne, E.G (Personal Library) - A Descriptive Catalogue of the Oriental manuscripts belonging to the late E G Browne, by R A. Nicholson. Cambridge
20 Browne, E.G A Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of the University of Cambridge Cambridge, 1896 .

&

A Hand - list of the Mubammadan manuscripts including those written in the Arabic character preserved in the Library of the University of Cambridge. Cambridge, 1900 .

- 21 Browne Supplement - A Supplementary Hand-list of the Muhammadan manuscripts preserved in the Library of the University and Colleges of Cambridge London, 1922.
- 22 . Browne (Houtum - Schindler) - The Persian manuscripts of the late Sir Albert Houtum-Schindler, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, 1917, pp 657-694"
- 23 . Buhar - Catalogue raisonne of the Buhar Library (now in the Imperial Library, Calcutta). Vol. I: Catalogue of the Persian manuscripts in the Buhar Library begun by Maulavi Qasim Razavi, revised and completed by Maulavi Abdul Mugtadir . Calcutta, 1921.
- 24 . Cambridge - Please see "Browne" and "Browne Supplement" above.

&

- A Second supplementary Hand - List of the Muhammadan manuscripts in the University and colleges of Cambridge, by A.J Arberry Cambridge, 1952
- 25 Contributions to Persian Lexicography - by Blochmann, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol xxxii, 1868, pp 18-25 and 70-71".
- 26 Daily Telegraph, Poona dated 29 October 1885.
- 27 . Dictionnaire encyclopedique de bibliographie arabe - Sarkis
- 28 . Dorn, Bernhard - Catalogue des Manuscrits et

Xylographes orientaux la Bibliothèque Impériale Pub -
lique de St. Petersbourg. St. Petersbourg, 1852.

29. Edinburgh - A Descriptive Catalogue of the
Arabic and Persian manuscripts in Edinburgh University
Library, by Mohamamad Ashraf Huk, Hermann Ethe
and Edward Robertson. Edinburgh 1925.

30 Edinburgh New Coll - A Handlist of the Arabic,
Persian and Hindustani manuscripts of New College,
Edinburgh, by R B Serjeant London 1942

31 Encyclopaedia of Islam - in IV volumes. Luzan
& Co., London. 1913

32. Ethe, Herman - Catalogue of the Persian ma-
nuscripts in the Library of India Office, II volumes.
Oxford, 1903-37 & 1931

33 Eton - Catalogue of the Oriental manuscripts
in the Library of Eton College, compiled by D. S.

Margoliouth Oxford, 1904

34. Flugel, Gustav - Die arabischen, persischen und
turkischen Handschriften der Kaiserlich - Königlichen
Hofbibliothek zu Wien Wien, 1865 - 1867.

35 Garcin de Tassy - Histoire de la littérature
hindoue et hindoustane Paris, 1870 - 1871 (2nd

Edition) .

&

36. Memoire sur les noms propres et le titres Musmans,
Suivi d'une notice sur le vêtements avec inscriptions
arabes, persanes et hindoustanes. Paris , 1878 .

37. Glasgow - An Eastern Library . with two Persian and Arabic manuscripts, compiled by Khan Sahib Abdul Mugtadir and Abdul Hamid . Glasgow, 1920 .
- &
- The Persian and Turkish manuscripts in the Hunterian Library of the University of Glasgow, published in "Journal of Royal Asiatic Society, 1906, pp 595 - 609" .
- 38 . Glimpses of Life and Manners in Persia - by Lady Sheil . London, 1856
- 39 . Hamburg - Katalog der Orientalischen Handschriften der Stadtbibliothek zu Hamburg mit ausschluss der hebraischen Teil I Die arabischen, persischen, türkischen, malaischen, koptischen, syrischen, ethnopischen Handschriften . Hamburg, 1908 .
- 40 . Historical Landmarks of the Deccan - by T W Haig Allahabad, 1907
- 41 . The History of India - by Elliot and Dowson Trubner & Company, London, 1877
- 42 . A History of Persian Literature - by E . G . Brcne Cambridge University Press, 1928
- 43 History of Shah Jehan of Delhi - by B F Sakena
- 44 Hobson Jobson - by Col Yule and A . C .

Burnell . John Murray, Albemarle St . , London, 1903 .

45 . India Office - Manuscripts which have not been described in the Catalogue of India Office Library by Hermann Ethel (Vide Storey Section I Part I, page xvi under I . O .) .

46 India Office D P . - Please see "India Office" above .

47 . Indian Mirror dated 1 November 1885 .

48 . Indo - Iranica , Vol . Thirteen No . 4 dated

December 1960 . Please see "Khan Arzoo "

below .

49 . Ivanow Vladimir - Concise descriptive

catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal Calcutta, 1924 .

&

50 Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal, II Supplements . Calcutta, 1927 - 1928 .

51 . Ivanow - Curzon . - Concise descriptive

catalogue of the Persian manuscripts in the Curzon collection of the Asiatic Society of Bengal . Calcutta, 1926

52 . JASB - Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta ,

53. JRAS - Journal of the Royal Asiatic Society, London .
- 54 Kapurthala - Vide Oriental College Magazine, Vol. iii/4 (August 1927) , Lahore .
- 55 Karatay - Istanbul Universitesi Kutuphanesi farsca basmlar Katalogu, by Fehmi Edham Karatay . Istanbul, 1949 .
- 56 Khani Arzoo and His Works, an article by Dr. Manohar Sahai Anwar, Head of the Department of Persian, Arabic and Urdu, Panjab University, Camp College, New Delhi, published in Indo - Iranica Vol. 13 No. 4 for December 1960, pp 23 - 32
57. Kraft, Albrecht - Die arabischen persischen and turkischen Handschriften der Kaiserlich - Koniglichen Orientalischen Akademie zu Wien. Wien, 1842 .
58. Leningrad - Akademiya Nauk SSSR Institut Vostokovedeniya, N D Miklukho - Maklai Opisa nie tadzhikskikh i persidskikh rukopisei Instituta Vostokovedeniya (Pt I) . Moscow - Leningrad, 1955 .
59. The Life of Sheikh Muhammad Ali Hazin (written by himself in Persian) - edited and translated by F. C. Belfour, 1830 .
- 60 Lindesiana - Bibliotheca Lindesiana Hand-list of Oriental manuscripts Arabic, Persian, Turkish . (Now in John Rylands Library at Manchester) Aberdeen. 1898

61. Madras - Alphabetical index of manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library of Madras (Persian manuscripts) . Madras, 1893 .

&

62. A Descriptive catalogue of the Islamic manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library, II Vols . Madras, 1939 - 1950 .

63. Madrasah - Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Library of the Calcutta Madrasah , by Kamaluddin Ahmad and Abdul Mugtadir . Calcutta . 1905

64. Manchester - Catalogue of the Arabic manuscripts in the John Rylands Library, Manchester, by A . Mingana Manchester, 1934

65. Morley, William H - A Catalogue of the manuscripts in the Arabic, Persian, Turkish and Hindustani languages, preserved in the Libraries of the Royal Asiatic Society and the Oriental Translation Fund of Great Britain and Ireland . London, 1838 .

&

- 66 A Descriptive catalogue of the historical manuscripts in the Arabic and Persian Languages preserved in the Library of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland . London, 1854 .
- 67 Mughal Empire - by Srivastava
- 68 Nazir Ahmad - Notes on Important Arabic

and Persian manuscripts in various Libraries in India ,
by Maulavi Hafiz Nazir Ahmad, published in the
Journal of the Asiatic Society of Bengal, New Series,
Vol xiii (1917) , pp lxxvii-cxxxix and Vol xiv (1918),
pp . excix - cccvi . References have been given here
to the serial numbers in the Persian section of the
latter .

69 . OCM - Oriental College Magazine , Lahore .
Please see No. 4 of the Urdu Sources above
70 Oriental Biographical Dictionary - by Thomas
William Beale, published by the Asiatic Society of
Bengal Calcutta, 1881 .

71 . Palmer, E H - A Descriptive catalogue of the
Arabic, Persian and Turkish manuscripts in Library of
Trinity College, Cambridge, 1870
72 Palmer (King's College) - A Descriptive cata-
logue of the Arabic, Persian and Turkish manuscript
in the King's College, published in "Journal of the
Royal Asiatic Society, Nouvelle serie, tom III, pp 105"
onwards .

73 . Persian Literature (A Bio-Bibliographical Sur-
vey) - by C. A. Storey Luzac & Co Ltd., 46, Great
Russel St , London, 1953 .

74 The Pioneer Daily, Lucknow dated 29 January
1880

75 The Poona Observer dated 22 February 1890
76 Princeton - Descriptive catalogue of the Garret

- collection of Persian, Turkish and Indian manuscripts. in the Princeton University Library, by Mohamed E. Moghadem and Yahya Armajani under the supervision of Philip K. Hitti. Princeton, 1939.
77. Rampur - Rampur State Library, United Provinces, India The published catalogue of this Library has not been utilised by the writer
78. R.A.S Royal Asiatic Society Catalogue of the Arabic, Persian, Hindustani and Turkish manuscripts in the Library of the Royal Asiatic Society, London, published in the Journal of the Royal Asiatic Society, London, 1892, pp 501-69
79. Rehatssek, Edward Catalogue raisonne of the Arabic, Hindustani, Persian and Turkish manuscripts in the Mulla Firuz Library, Bombay Bombay, 1873
80. Rien, Charles - Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, III volumes. London, 1879 - 1881 - 1883.
81. Rien Supplement - Supplement to the Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum by Charles Rien London, 1895.
82. Rosen, Institut - Les manuscrits persans de l'Institut des Langues Orientales (du Ministere des Affaires Etrangeres) decrits par le Baron Victor R. St. Petersburg, 1886
83. Ross and Browne - Catalogue of two collections of the Persian and Arabic manuscripts preserved

in the India Office Library, London . compiled by Sir
 Denison Ross and Edward G . Browne . London, 1902 .
 84 . Saleman - Rosen - Indices alphabetici codicum
 manuseriptorum persicorum turcicorum arabicorum
 qui in Bibliotheca Imperialis Literarum Universitatis
 Petropolitanae adseruantur "Zapiski Vostochnago Otdel-
 leniya Imperatorskago Rossiyskago Archeologiceskago
 Obscestwa" t II - III, by Saleman and V Rosen . St
 Petersburg, 1887 .
 85 . Schefer, Charles Catalogue de la collection de
 manuserits Orientaux (arabes, persans et turcs) , publie
 par E. Blochet . Paris, 1900 .
 86 . Semonov, A A - A Descriptive catalogue of
 the Persian , Arabic and Turkish manuscripts preserved
 in the Library of Middle Asiatic State University,
 Tashkent, 1935 - 1956

&

Sobraniye vostochnykh rukopisei Akademii Nauk
 Uzbekskoi SSR, 4 vols Tashkent, 1952 - 56 .
 87 Semonov (Bukhara) - Katalog rukopisei
 istoricheskogo otdela Bukharskoi Tsentral'noi Biblioteki
 Tashkent, 1925
 88 Sheikh Muhammad Ali Hazin, his life, times
 and works - by Sarfataz Khan Khatak Lahore, 1944
 89 Siyarul Mutakhhherin - translated by Mr
 Raymond .
 90 Sprenger, A A Catalogue of the Arabic, Per-

sian and Hiduatsny manuscripts of the libraries of the King of Oudh, compiled under the orders of the Government of India vol I Calcutta, 1854

90.A. Storey - Please see "Persian Literature" above.
91. Tashkent. Please see "Semonov, A.A." above.
92. Times (London) dated 3 March 1890.

93. Times of India Weekly dated 6 November 1885.

94. Tippoo Sultan Library - A Descriptive catalogue

of the Oriental Library of the late Tippoo Sultan of Mysore, compiled by C. Stewart. Cambridge, 1809

95 Vallers, K - Katalog der islamischen Hand-
schriften der Universitäts - Bibliothek zu Leipsig .

Leipzig, 1906.

جی ۱۶۱۰۶ خا و امانی
فہرست

فهرست کتب و رجال و اماکن

- الف-فهرست کتب
- آب حیات - محمد حسین آراد هلوی ۴۶۸
- آبروی سخن - آرو ۳۳۵
- آتشکده - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی ۲۹۵، ۲۲، ۶
- ۰، ۷۰۳، ۶۴۵، ۶۱۹، ۵۹۸، ۵۵۴، ۵۴۰
- ۰، ۷۲
- آتشکده عجم ر. ک آتشکده
- آثار البلاد ۱۱۹
- آثار الحسان - حاج میرزا حسن اصفهانی ۷۳۲
- آثار الشیعة الامامیه عبدالعزیز حواهر کلام ۷۶۹
- آثار عجم - محمد نصیر میرزا فرصت ۷۷۶
- آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی) ۲۶۳، ۲۶۱
- آثار الورداء - سیف الدین حاجی ۷۷۱
- آداب عشق - آرو ۳۳۴
- آداب المسافرين - آقا قلی حوئی ۷۶۱
- آرایش محل - میر شیر علی افسوس جمعی ۳۷۶
- آسمان سخن - لطف اله محمد مهندس ۷۸۶
- آسیاتیک میسلائی ۲۶۴
- آشیانه میکره ر. ک تذکره میکره
- آفتاب عالمات ۶۰۹، ۶۱۴، ۶۱۹، ۷۰۵، ۷۱۰
- آیات الولاية - ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
- آئین اکبری - ابوالفضل علامی ۵۸۹، ۳۸۴، ۷۷۸
- آئین عطا - ندرت ۲۷۳
- آئینه حق نما ۷۶۴
- آئینه دانشوران - سید علی رضا ریحانی ۷۳۲
- اتحاف النبال - نواب صدیق حسن خان ۶۰۰
- اتک کی اس پار (اردو) دوست محمد خان

- نواب صدیق ۵۹۷
افضل التذكار فی ذکر الشعرا و الاشعار -
محدومی پیرمستی افضل ۷۲۸
اقبال در نظر ایرانیها ۶۸۰
اقبالنامه جهانگیر - معتمدخان محشی ۷۸۱
اقتباس الانوار - محمد اکرم النارسوی
۷۴۷
اکبرنامه - ابوالفضل علامی ۱۴۶، ۲۴۵،
۷۷۸، ۴۰۸، ۲۸۷
اکسیر التواریخ و سیر الائمة ملک الکتاب
شیرازی ۶۲۲
اکسیر فی اصول التفسیر - نواب صدیق
۵۹۷
الف بهار - ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
امتحان الفضلا یا تذکره خطاطین - میرزا
سنگلاخ حراسانی ۷۷۲
امپراطوری معول (انگلیسی) ۱۴۱
انتخاب تاریخ الاحیاء ۷۵۳
انتصاح من ذکر اهل الصلاح - علی انور قلندر
۷۵۱
الانتخاب فی سلاسل اولیاءاله - قطب الدین
احمد دهلوی ۷۴۷
انتخاب کعبه عرفان ۱۵۵، ۲۷۴، ۲۷۵
انجم خاقان - محمد فاضل حارواوی
بایندی گروسی ۷۲۲
انجم ناصری - محمد ابراهیم مدایح نگار
انساب سمعانی ۴۷۳
- انساب مشایخ کشمیر ۷۵۲
الانساب و الاسرات الحاكمة فی التاریخ
الاسلامی للمستشرق رامانور - الدكتور زکی
اشای قانع ۴۰۷
انعام العارفين - قطب الدین احمد دهلوی
۷۴۷
انیس الاحناموهی لعل انیس ۴۰، ۴۰۰، ۴۵۰
انیس الشعرا - علی اکبر افسر ۷۸۷
انیس الطالبین - محمد شاه محمود ۷۶۱
انوار العارفين - محمد حسین چشتی صادری
قدوسی مراد آبادی ۷۵۱
انیس العشاقین - کنورتن سنگه رحمی
۵۲۱
انیس العشاق - حسن بن محمد رامی ۷۸۶
انیس قادریه - بهاء الحق قادری ۷۴۷
اویماق معل - محمد عبدالقادر ۷۸۰
ایران صغیر ک. تذکره شعرا ی پاریسی زبان
کشمیر
ایصاح المکنون فی الدیل علی کشف الطبوس -
اسماعیل پاشا بن محمد امین بعدادی ۲
ناع بهشت - سید اشرف الدین ۶۶۶
باغ گلها ی حسن ر. ک مجموعه عشق
ناع معانی نقش علی ۳۹۶
بتحانه ملاصوفی مار بدرابی ۱۳۰، ۱۳۵
۱۴۹
بحار التشریح - شوق ۴۴۷

۵۸ ...
 ...
 ۵۰۶ ...
 ...
 ۴۳۶ ...
 ۴۳۸ ...
 ...
 ۸۷۸ ...
 ...
 ۸۶۳ ...
 ...
 ۱۷۸ ...
 ...
 ۵۸۸ ...
 ...
 ۷۸۲, ۳۵۰, ۵۰۶
 ...
 ...
 ۱۵۸۱, ۱۹۱۹
 ...
 ۶۳۵ ...
 ...
 ۸۷۸ ...
 ...
 ۵۰۳ ...
 ۰۳۶
 ...
 ...
 ...

۷۳۸ ...
 ...
 ۷۳۸ ...
 ...
 ۱۳۳ ...
 ۷۰۶, ۱۳۸
 ...
 ۳۲۸
 ...
 ۷۷۸
 ...
 ۴۸۸
 ...
 ۳۱۱
 ۵۸۸, ۵۷۵
 ...
 ۵۸۸, ۵۷۸
 ...
 ۴۲۸
 ۴۲۸
 ...
 ۷۲۳
 ۶۶۶
 ۷۳۸, ۶۶۶, ۶۶۶

تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون ۶۶۶	نیاص محک شعر - قانع ۴۰۷
تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون - ترجمه ۹	نیاص محمد رمان راسخ ۹
علی باشا صالح (جلداول) ۷۷۱	نیاص محمد علی ماهر ۹
تاریخ ادبیات ایران - استاد همائی جلد اول ۷۷۱	نیاص میر معراج فطرب، بنام گلشن فطرت ۹
تاریخ ادبیات ایران - دکتر دصارداد شفق ۷۷۱	میاں محمود ۷۸۷
تاریخ ادبیات ایران - محمد رضا دائمی حواد ۷۷۱	یحیی بنامه ۲۴۸
تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته - ترجمه ۷۷۲	پادشاه نامه - عبدالحمید لاهوری ۱۹۲۰، ۱۴۰
دکتر شفق ۷۷۲	پاسداران سخن - مطاهر مصفا ۷۳۳
تاریخ ارسارار ۷۸۳	پسمانده - ترک علی شاه ۶۵۱
تاریخ اعصم کوفی ۱۱۸	پوران دخت - نامه - استاد پورداد ۶۷۸
تاریخ اعظمی - حواحه محمد اعظم شاه ۶۸۲	پیام شوق - آردو ۳۳۵
تاریخ اکبری ۵۱۶	پیک مرد یسان - دساحی ۶۷۷
تاریخ الهی ۱۱۸	تاح الاقبال - نواب صدیق حسن خان ۶۰۰
تاریخ انگلستان یا جهان آرا - ملک الکتنان ۶۲۲	تاح التواریخ و سلاله السیر - ریک ریت الرمان ۶۰۰
تاریخ بربری یا تاریخ فیروزشاهی - صیاء الدین ۷۸۱	تأدیب الریدی فی کدیب الصدیق ۲۶۹، ۳۹۴
تاریخ مناکتی ۱۶۶، ۱۱۸	تاریخ آل مطهر ۷۰۵
تاریخ بیهقی ۱۵۸، ۱۴۶	تاریخ ابن حلکان ۱۴۶
تاریخ جهان آرا ۱۱۸	تاریخ احدات و فریدان واصحاب حصرت ۷۶۲
تاریخ حام جهان - بنام شوق ۴۶۹	مولانا حلال الدین رومی ۷۶۲
تاریخ جهانگشای عظام ملک حویسی ۴۶۸	تاریخ احوال حربین ۳۵۳
« جهانگیری - مطربی سمرقندی ۱۸۶، ۵۱۶، ۳۰۴	تاریخ ادبیات اردو (نامگلیسی) گراهام بلی ۴۶۸
	تاریخ ادبیات اردو - رام مانوسکسینه ترجمه ۴۶۸
	تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون ترجمه ۸۷۱
	علی اصغر حکمت (جلد سوم) ۸۷۱

- « حسن - پیر غلام حسن کو بهامی ۷۸۱
 « شعراى کرمانشاه - باقر شاکری ۷۳۴
 « حان جهانى و محرران قضاى - نعمت‌اله
 « بن حبیب‌الله ۷۸۳
 « رشیدی ۱۴۶، ۱۱۹
 « سلسله نقشبندی - ابوالحسن محمد باقر
 ۷۶۰
 « سلطان - محمد قطب‌شاه ۷۷۸
 « شاهجهان دهلی ۱۴۱
 « شاهرخی ۱۵۸
 « شعراى بهار - عبدالدين بلخی ۴۶۲
 « صبح صادق رک صبح صادق
 « صدرجهان ۷۷۶
 « صغویه ۱۵۷
 « طبری ۴۲۸
 تاریخ عالم‌آرای عباسی رک. عالم‌آرای
 عباسی ۵۱۹
 تاریخ عالمگیری
 تاریخ عباسیه - قانع ۴۰۵
 تاریخ عبدالقادر رداوی رک
 منتخب التواریخ
 تاریخ علما و شعراى گیلان -
 حسن شمس‌گیلابی ۷۶۷
 تاریخ عیث‌الدین هروی ۴۰۹
 تاریخ فرح‌آبادی - سیدولی‌الله ۷۷۴
 تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی -
 ملا محمد قاسم هندوشاه ۴۹۰، ۴۲۸، ۲۸۷
 ۵۱۹
 تاریخ فیروز شاهى - صیاء‌الدین
 ۴۹۶، ۱۴۶
 تاریخ قدیم هرات ۱۱۹
 تاریخ قدیم، زبان و تاریخ حکمای
 فلاسفه یونان - ملک‌الکتاب
 شیرازی ۶۲۳
 تاریخ قطب‌شاهى - قادر حان ۷۷۸
 تاریخ کودحامگان - طاهری شهاب ۶۴
 تاریخ کبیر کشمیر رک تحایف -
 الارار
 تاریخ کبیر - ملا عبدالکبیر سرای‌لی ۷۸۱
 تاریخ کشمیر - محی‌الدین مسکین
 رک تحایف الارار
 تاریخ کلام الملوک - میرزا محمد
 یوسف لاهیجی ۷۷۳
 تاریخ گریده ۱۱۸، ۴۲۷، ۲۸۶ ۴۷۳
 ۷۸۲
 تاریخ مبارکشاهی ۱۱۸
 تاریخ محمدشاهی معروف به
 نادرا ارمایی - حوش‌الحجید ۷۸۰
 تاریخ مدفونین بلخ و حالات سمرقند ۷۶۱
 تاریخ مرآت آفتاب‌ما رک
 مرآت آفتاب‌ما ۵۱۹
 تاریخ مرآت بلخ - محمد صالح ۷۶۰

تاریخ مشایخ کشمیر - ماما صیبا الدین	تحرلی نور بورا الدین ریدی طفر آمادی
سهروردی کشمیری	حوپوری
۷۴۳	۷۶۶
تاریخ معصومی - میر معصوم بهکری	تحایف الارار فی ذکر الاولیاء الاحیاء یا
۷۸۱، ۴۰۹، ۹۳	تاریخ کبیر کشمیر - حاحی ابو محمد محی الدین
تاریخ معول - عباس اقبال	مسکین کبروی حمفی نقشبندی
۷۸۳	۷۵۲، ۶۸۲
تاریخ مکہ یا تاریخ قطبی - قاصی قطب الدین	تحایف رشیدیہ محمد عبدالرشید
حمفی	قادر کیرا بوی
۳۲۸	۷۴۷
تاریخ میرا حیدر	تحفة الاحیاء فی تذکرة الاولیاء
۱۱۸	والشرع فاعشیخ علی بن الحسین گنجوی عربوی
تاریخ میر سید شریف راقم - ملا شرف الدین	۷۶۹
۷۷۲	تحفة الاحیاء فی تذکرة الاصحاب یا تذکرة
تاریخ مادری میرا مهدی حاکم کوک	قاری رحمت الہ
۵۱۹، ۴۸۶	۷۲۸
تاریخ ناصر	تحفة اعظمیہ - حوشود گوپاموی
۷۱	۷۵۰
تاریخ نظامی	تحفة اکملیہ - محمد حسن کبروی
۴۰۹	کشمیری
تاریخ نظام الدین رکطیقات اکبری	۷۵۷
تاریخ وصاف	تحفة الاولیاء - مولوی میر احمد شاہ
۴۹۹	۷۵۷
تاریخ ہراب	رسواں پیشاوری
۱۱۹	۷۵۷
تاریخ ہمایون	تحفة لسعدنا - حواحد کمال
۱۵۸	۷۴۳
تاریخ ہد (انگلیسی) ایلیات ودوس	تحفة الشمر - سلطان ابوالفتح طلوعی
۴۸۹	صعوی
تاریخ ہندی - رستم علی	۷۱۱
۷۷۹	تحفة الطاہر بن - شیخ محمد اعظم تنوی
تاریخ یاہعی	۷۴۸
۱۱۹	تحفة الحبیب فخری ابن امیری
تاریخ یرد - عبدالحسن آیتی	۹۷، ۹۴
۷۸۳، ۷۰۴	تحفة الحسینیہ - حسین قلی حاکم سلطان
۱۵۸، ۱۵۵	کلہر
تحریرہ الاحرار و سلیۃ الارار -	۶۶۷
عبداللہ راق بیک دسلی	تحفہ الحواتین - ملک الکتاب شیرازی
۷۶۳	۶۲۳

تحفة السامی ر.ك. تحفه سامی	تذكرة الابرار والاسرار۔ عبدالكريم ۷۵۷
تحفه سامی۔ سام میرزا صفوی ۱۹۳، ۱۷۵	تذکرہ ابوالقلا ۷۱۸
۵۴۰، ۵۱۹، ۴۹۶، ۴۲۶، ۳۳۸، ۲۸۷	« الاتقيا ۲۸۷
۷۱۶، ۷۰۵، ۶۱۹	« احتر ۷۲۲-۷
تحفة الشعرا۔ سلطان احوالفتح	تذكرة الاحوان۔ سليمان ميرزا
محمد صفوی ۵۱۳	قاجار ۷۸۴
« الشعرا۔ ميرزا افضل بيك	« الاسامی۔ ميرزا آقدي ۷۷۱
قاقشال ۳۷۸	تذکرہ استرآناد محمد صالح استرآنادی
« الصغير۔ خليل ۶۳۴	« الامراء۔ كيول رام ۷۶۱، ۷
« العالم۔ عبداللطيف موسوی	تذکرہ امروہو۔ سيدہ طاهر حسين
شوشتری ۷۸۱	امروہوی ۷۶۵
« القاری شاه منصور	« ابنمصری ر.ك ابنمصری ۷۲۳
شیخ چایلده ۷۴۷	« اویسیه ۷۶۲
« الكرام۔ ۷۶۴، ۴۰۵، ۴۰۲	تذكرة الاولياء۔ حاج شيخ علي ۷۶۳
« المحالس ۴۱۹	« اولياء۔ حاج محمد کريم جان
« المرشدين من حکايات الصالحين	کرمانی ۷۵۷
۔ حلال الدين محمد کارونی ۷۵۸	« اولياء حواجه پاشا ۱
تحریر الامور فی تفسير القلندر۔ علي ابور	« اولياء، شمس الدين سلماسی
قلندر ۷۵۱	پروری ۷۶۴
تحقيق السداد في مراتب الاراد۔	« اولياء۔ شيخ صيف (سيف) الدين
محمد صديق مسعود عثمانی بلگرامی	محمد طبعیت ۷۵۲
۲۶۸	« الاولياء، شيخ فريد الدين عطار ۳، ۲
تذکارات (تذکرہ) العاشقين (حریں) ۳۶۴	۷۵۸
تذکرہ۔ شيخ نصر الدين طوسی ۷۸۴، ۳	« « يا امرات کرمان۔ سعيد
تذکرہ آرزو ر.ك مجمع النمايس	محرابی ۷۶۳
تذکرہ آسدرام محصل	« « ۔ نعمت الله رضائي ۷۴۲

- « سلسلۃ العارفين - محمد بن
 ۷۵۶ تذکرہ حوا حکان نقشبندی
 ۷۶۰ مرہان الدین سمرقندی
 ۶۲۲ شیرازی
 ۷۸۵ تذکرۃ الحواتین - میرزا محمد ملک الکتاب
 ۱۶۳ تذکرہ حرانات
 تذکرہ خوشگو - ر.ک. سقینہ خوشگو
 ۷۶۷، ۷
 تذکرہ خوشویسان - غلام محمد دہلوی
 ۷۲۵، ۷ تذکرہ درویش بواکاشانی
 تذکرہ دلگشا ، علی اکبر سمل
 ۷۲۳، ۷ شیرازی
 تذکرہ ودیوان سمل - حاج علی اکبر
 ۷۲۷ بواب سمل شیرازی
 ۷۲۷، ۷ تذکرہ رشحات - شہاب اصعہانی
 تذکرہ ریختہ گویاں گردیری - سید
 ۷۳۷، ۳۳۱ فتحعلی حسین
 ۷۶۳ تذکرۃ السالکین - حاج میرزا اردبیلی
 تذکرہ - سامی رک تحفہ سامی
 تذکرہ سخن آفرینان ہندی زبان -
 ۷۳۸ میر علام حسین راتمنائی
 ۷۰۱ تذکرہ سخن وراں یرد - حاصع
 ۶۸۱ تذکرہ سرخوش - ر.ک. کلمات الشعرا
 تذکرہ سلاسل قادریہ وچشتیہ و غیرہ - محمد
 ۷۵۵ اسد اللہ خان و محمد حفیظ اللہ
 ۷۲۴، ۷ تذکرۃ السلاطین
 تذکرہ سلطانی - ملا بہاء الدین کشمیری ۷۵۶
- « سلسلۃ العارفين - محمد بن
 ۷۶۰ مرہان الدین سمرقندی
 ۷۱۰، ۶۲۰ تذکرہ باع ارم
 ۷۲۱ « ناقتی - ر.ک. ندیع الامینیہ
 « بیطیر - عبدالوہاب افتخار
 ۴۶۶، ۳۹۳ دولت آمادی
 ۷۱۰، ۶۴۵، ۶۲۰، ۵۱۹، ۴۴۳
 « ثمر نائینی - سید حسن ثمر نائینی ۷۲۳
 « تقی اوحدی - ر.ک. عرفات العاشقین
 « تاریخی - میرزا افضل اللہ
 ۷۸۶ وزیر بطام بوری
 « تقی کاشی - ر.ک. خلاصۃ الاشعار
 « (جوہر) بی دری ۷۱۰ - ۶۱۹
 تذکرۃ الحق - محمد امیر ۷۴۳
 « حسین دوست - ر.ک. تذکرہ حسینی
 « حسینی - میر حسین دوست سنہلی
 ۶۴۵، ۶۱۹، ۵۹۸، ۳۳۱، ۳۱۷
 « حقیقت الشعرا - قدربت اللہ
 ۷۳۸ صدیقی شوق سنہلی
 ۷۸۵ « حاور
 « حاور - فصل اللہ حسینی ۷۸۶
 « حواہ امین الدین حسن بخاری
 ر.ک. تذکرۃ الاحباب
 « حواہ ناقتی بالہ - حواہ ناقتی اللہ
 نقشبندی ۷۴۲
 « حوا حکان - محمد عادیق کاشعری ۷۶۱

- تذکره الشعراء حریب۔ ر. ک. تذکره الما صرین ۷۲۲
تذکره شعراى حواسار - يوسف بحشى ۳۹۹
حواسارى ۷۲۳
تذکره شعراى دکن (اردو) ۷۰۳
تذکره الشعراء - رکن الدین محمد حوافی ۷۱۳
تذکره الشعراء، دولت شاه سمرقندی ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۷۵، ۱۹۳، ۲۸۶، ۴۲۶
۴۶۰، ۴۷۳، ۴۹۰، ۴۹۶، ۵۴۰
۶۴۵، ۷۰۳، ۷۱۳
تذکره الشعراء دیدہ معول ۷۱۰
تذکره الشعراى سبحان قلی خان ۷۱۹
تذکره شعراى سمنان - بصرت الله بوحیان ۷۳۳
تذکره الشعراء - شیخ صیغ (سیف) الدین محمد ۷۱۱
طبیعت
تذکره الشعراى عمى ۱۳۸، ۱۵۴، ۶۴۳
تذکره شعراى قائمات وقہستان - صیاء -
الدین محمد حسین صیاء بیر حندی ۷۳۱
تذکره الشعراى متین - ر. ک. حیات الشعراء
تذکره شعراى معاصر اصفهان - سید مصلح
الدین مهدوی ۷۳۲
تذکره الشعراى معاصر ایران - عبدالحمید
حلحالی ۷۰۳
تذکره الشعراى معاصر هرات - محمد عواص
۷۳۱
- تذکره السلسله صامرا بوالقاسم مدرس ۷۲۲
تذکره شاعرات ۳۹۹
تذکره شاه طهماسب صموی ۷۸۴، ۴
تذکره الشبان - محمد مهدی اصفهانی ۷۲۶
تذکره الشبان - سید میرزا محمد علی شہلا ۷۲۸
تذکره شعاعیہ - محمد حسین شعاع الک شعاع
شیرازی
تذکره الشعراى آزاد - ر. ک. سرو آزاد
ویدیضا وحرانہ عامرہ
تذکره الشعراى اردو - میر حسن ۷۳۸
تذکره الشعراء - صدیق خان ۷۲۸
تذکره الشعراى احلام - ر. ک. ہمیشہ بہار
تذکره الشعراء - ماما شاہ ۷۱۸
تذکره الشعراء - بہاء الدین حسن خان عروج
۷۰۹
تذکره الشعراء (تالیف قرن ۱۱ھ) ۷۱۹
تذکره الشعراء (؟) تالیف میان سالہای ۱۱۷۰
و ۱۱۸۰ ہجری ۴۳۷، ۴۰
تذکره الشعراى پارسی گوی کشمیر یا ایران
صغیر - دکتر عرفان ۶۸۰
تذکره الشعراء پتہ حراہ، محمد ہونک
۷۲۹
تذکره شعراى چہار محال - سرہنک اوژن
۷۳۲

- تذکرۃ الشعراء معاصرین۔ سید صیاء الدین
 محمد اصغہاوی ۷۲۸
 تذکرۃ الشعراء معاصرین۔ ملا شاہ محمد
 دارا بھردی ۷۳۱
 الشعراء۔ میر تقی الدین اوحدی نقی ملتانوی
 ۷۱۱
 الشعراء وارستہ سیالکوٹی د ۳۹، ۷۱۰
 ہند۔ مولوی محمد کریم ۷۰۹
 ہود۔ شاش ۷۴۱
 تذکرۃ الشعراء الشعراء۔ معنوں ۷۲۴
 تذکرۃ شمس التواریخ۔ اسد الدین محمود
 گلایگا، ۷۶۷
 شورش۔ سید غلام حسین شورش ۷۳۸
 شوشتر۔ سید عبداللہ حرایری فقیر
 ۷۷۶
 شیوخ بحارا ۷۵۹
 صائب ۷۸۵
 تذکرۃ صاحبقران۔ رک بوستان خیال
 صاحبقران یا بوستان خیال۔ سید محمد
 تقی حسین ۷-۲۷
 صبح صادق۔ رک، صبح صادق
 صحایف شرایف۔ میر محمد عسکری ۵۴۰
 صفوة الصفا۔ ابوالفتح الحسینی ۷۵۹
 صوفیہ۔ رشکی ۷۵۶
 طلعت طلعت اعتماد مقدم عنقا ۷۳۴، ۷
 تذکرۃ العارفین۔ ہاری عرفانی فسامی ۷۶۳
 العاشقین۔ تقی اوحدی
 العاشقین۔ شیخ حریر ۷۸۵
 تذکرۃ عبدالرزاق بیک دنلی ۷
 عدری ۷۸۵
 عشقی۔ شیخ و حبیب الدیق عشقی
 عظیم آبادی ۷۳۹
 علمای اسلام یا ستارگان فروزان۔ یحیی
 ابوری ۷۷۲
 علماء حیر الدین محمد الہ آباد ۷۶۵
 علمای ہند۔ احمد علی ۸۶۵، ۶
 علوی۔ رضا ثانی ۷۳۲
 عیقلی جان والہ۔ رک ریاض الشعراء
 علی گردیزی۔ سید فتح علی حسین گردیزی
 ۷۳۷
 غریبی ۷۳۰
 غلام علی آزاد (۱) ۲۴۸
 فارسی۔ شیخ غلام ہمدانی مصحفی
 امر و ہوی ۷۴۰، ۴۶۶
 قادریہ۔ محمد عبداللہ رشید قادری
 کبیرانوی ۷۴۷
 تذکرۃ القنور۔ عبدالکریم اصغہاوی ۷۶۳
 تذکرۃ قدسیہ۔ محمد ابراہیم ندایع نگار
 ۷۲۲
 کاتب۔ میرزا محمد علی کاتب
 صغوی ۵۱۲
 کاظم ۷۲۷

- تذکره الکرام - محمد ابوالحیات قادری
پهلواری بهاری
تذکره کنور الشعرا - صدرالدین محمد
بهایی ۷۸۵
« گلشن هند - میرزا علی لطف ۴۶۲
و لدت النساء (تذکره النساء) ۴۹۶
« آثار المعاصرين - محمد مهدی فروغ
اصهائی ۷۸۶
« متاخرین شعرای پارس - فصیح الملک شوریده
۷۳۲
تذکره المتقین - مولوی سید محمد امیر حسین
مداری قنوری ۷۵۲
تذکره محدثه - میرزا ابراهیم منشی ۷۲۸
تذکره المحققین - تاج العلماء سید علی نقوی
نصیر آبادی لکهنوی ۷۵۷
تذکره محمد شاهي - نواب بهمن میرزا
۷۲۵، ۲۷
« مختصر در حال ریخته گویان هند - محمد
صدرالدین ۷۴۱
« مسرت افرا - ابولحسن امیرالدین احمد
اله آبادی ۷۳۹
« مسعودی ۷۲۹
تذکره المراد - حاجی محمد حسین صفائی
۷۴۹
« المشایخ ۷۵۶
« المعاد - محمد ثناء الله پانی پتی محدودی
- نقشبندي ۷۵۷
« المعاصرين شيخ علي حزين ۳۹۵، ۳۴۱
۶۱۹، ۵۱۹، ۵۰۴، ۴۹۶، ۴۹۱، ۴۶۰، ۴۲۶
تذکره ملا قاطعی ۶۲۰، ۴۲۸
تذکره الملوك (۱) تألیف در حدود ۱۱۳۸ ه
۵
« الملوك - مير رفيع الدين ابراهيم شیرازی
۷۶۷
« الملوك - يحيى حار ۵
تذکره ممير ۷۲۹
« مصنف - سيد عبدالرحيم - هارند رابی
۷۲۶
تذکره مير لاهوری ۷۱۰، ۴۷۳
تذکره الموتی والقبور - مولوی محمد
ثناء الله پانی پتی محدودی نقشبندي ۷۵۷
« الموحدين - شيخ حواد يردی ۷۶۳
تذکره وتبصره - مهدی حسین ناصري ۷۱۰
« مير تقی - درك نكات الشعرا ۳۸۴
« ميرزا محمد صائب - رك يياض صائب
« ميکده یا آشيانہ ميکده - ميرزا محمد حسن
الحسني ۷۲۲
« ميکده ۷۰۵
« ناصري - مورخ الدوله عباسقلي سپهر
کاشانی ۷۲۸
« ناطم تيريزی ۳۸۴، ۴۶۰، ۴۹۱
۶۰۵، ۶۲۰، ۶۱۸

تذکره ندرت - علی فطرت عطاء الله	تذکره یحچالیه - محمد علی بهار
ندرت	اصفهانى
۲۷۳، ۳۹	۷۲۶
تذکره النساء - تذکره شاعره های	تذکره یوسف علیحان
هندوستان	تذهیب طناع - قانع
تذکره النساء بادرى - منشی درگا پرشاد	ترجمان وها بیت - نواب صدیق
۷۱۰	۶۰۰
۷۳۵	حسن
تذکره نصرآبادى - محمد طاهر	ترویج نامه حسن وعشق - قانع
بصرآبادى	تسلیة الواد فی قصاید آزاد
۳۰۴، ۲۴۹، ۲۴۷، ۶۰۵	۳۹۴
۴۹۶، ۴۷۳، ۴۶۰، ۳۸۴، ۳۳۷	تشریح مادر
۶۸۱، ۶۱۹، ۶۰۴	تصحیح عرایب اللغات عبدالواسع
(ذیل بر) تذکره نصرآبادى	ها سوى
۷۱۹	۳۳۵
تذکره بصرت یا لطایف الحیال - میرزا	تفریح الطالبین فی ارادت مولانا
محمد صالح حسینی	به شمس الدین - محمد افضل اله آبادی
تذکره بوبهار - محمد رفیع الدین	تفسیر در منشور شیخ حلال الدین
۴۸۹	سیوطی
تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن -	۴۲۸
تذکره والہ اصفهانى	تفسیر منشور شیخ حلال الدین
۷۲۰	۵۹۷
تذکره الهدایه	تفسیر قاضی بیضاوی
۷۵۰	۴۲۸
تذکره هراز مراد - عیسی بن حنید	تصحیح العافلیں
شیرازی	۴۸۲
تذکره هما یوں و اکبر - با یرید	تکملة الشعرای حام حمشید - مولوی
۷۶۰	۴۶۸، ۲۴۳
بیات	قدرت اله شوق
تذکره همیشه بهار - ابوالقاسم حیدر	(ترجمه) تکمله کتاب روضة الریاحین
۷۸۴، ۵	۷۶۲
تذکره هندی	تکمله مقالات الشعرا - محمد ابراهیم
تذکره هندی گویاں - شیخ علام	۶۲۵، ۲۱
۷۲۰	تنبیه العافلیں - سراج الدین علیحان
۷۰۵	۴۶۸، ۴۶۵
همدانى مصحفى امروھوى	آورو
۷۳۹	۲۴۸، ۳۵۴، ۳۳۴

[illegible]

- چهارمقاله - نظامی عروضی سمرقندی
 ۷۶۷ احمد شیرازی
 ۷۲۹ حدیقه الشعرا - دیوان بیگی
 ۴۴۶ حدیقه الصها
 حدیقه عشرت - کنود پرشاد مهر
 ۶۴۰ سدی لوی
 ۴۰۷ حدیقه علما - قانع
 حدیقه المرام مولوی محمد و اصف مدرسی
 ۵۵۸ ۵۲۹
 ۵۰۳ حدیقه هندی - بهگوان داس هندی
 ۷۱۱
 حصرات القدس - شیخ بدرالدین سهرندی
 ۷۴۵
 حقایق الانوار پارسی - عبدالرزاق دنلی
 ۷۷۶
 حقایق الاولیا - محمد قیام الدین فاروقی
 ۴۶۹ حقیقت الشعرا - شوق
 ۴۴۱ حقیقت های هندوستان - شعیق ۳۹
 ۷۵۳ حکایات اولیاء صالحین
 ۷۵۳ حکایات الصالحین - عثمان بن عمر
 حماسه الطرفا - ابو محمد عبدالکافی رورنی
 ۷۱
 حواری العرب - عی
 ۶۴۴ حوص الکونین فی تکمله روص الارهر -
 ۷۵۱ علی ا بورقلندر
 ۴۲۶ حیات الشعرا - متین کشمیری ۳۹۵
 ۷۱۰ ۶۱۹ ۶۰۴ ۵۱۹ ۴۴۳
 ۵۳۹ حیات و ریاد
- ۷۷۵، ۴۷۳، ۴۲۷، ۲۸۷، ۱۷
 ۳۴۵ حاجی بابا (اصمعیانی) - موریر
 ۲۸۷ حاشیه نجات - محمد دهدار
 ۴۴۱ حالات حیدرآباد - شعیق
 ۱۵۷، ۱۴۵، ۱۱۸، ۶۰
 ۷۸۲، ۴۹۰، ۴۲۸، ۳۹۹، ۲۸۷
 حقایق الحنان - عبدالرزاق بیک دسلی
 ۷۶۹ معنوں
 ۶۶۶، ۴۲۷ حقایق السحر و طوطا
 حقایق السلاطین - علی بن طیفور سظامی
 ۷۶۷
 حقایق الشعرا میرزا امیر بیک
 ۵۶۲، ۴۰
 حقایق المعانی و رک گلستان مسرت
 حدیث عشق یار و اعیان عرفانی -
 ۶۸۰ دکتر عرفانی
 حدیقه الاحباب فی ذکر المعروفین
 بالکنی و القاب و اسباب - شیخ
 ۷۷۰ عباس قمی
 حدیقه الاقالیم - مرتضی حسین
 ۷۷۴ ملگرامی
 حدیقه امان الهی - میرزا عبداله
 ۷۲۱ روبن کردستانی
 ۷۴۸ حدیقه الاولیاء - سید عبدالقادر تنوی
 ۳۶۳ حدیقه ثانی
 حدیقه السلاطین - میرزا نظام الدین

حاج آرزو و آثار وی	۳۳۰	حلاصۃ الکلام - علی ابراهیم حلیل	۴۵۶
حرامات - حرین	۳۶۳	حلاصۃ لطایف الخیال ر. ک. تذکرہ بصرت	۴۷۵
حرمن گل - علی حسن خان	۶۰۷	حلاصۃ المناقب - احمد بن محمد	۸۵۹
حریطہ خواہر	۵۱۹ ۶۲۰ ۷۱۲	حلاصۃ الہند - شفیق	۴۴۱
حرانہ عامرہ - میر علام علی آزاد بلگرامی	۲۰	حواری السالکین	۷۴۶
۲۱ ۲۵۸ ۲۶۴ ۲۶۸ ۲۹۸ ۳۲۷		حوان حلیل طہوری	۳۷۴
۳۲۸ ۳۳۹ ۳۵۱ ۳۵۳ ۳۹۷ ۴۲۰		خودشید لامع با منظر العالم - بحم طباطبائی	۵۶۰
۴۲۵ ۴۴۳ ۵۱۹ ۵۹۸ ۶۰۴ ۶۱۹		حیایان - آذر	۳۳۳
۶۸۱ ۶۴۵		حیرالنبیان	۷۱۸
حریتۃ الاصغیا - مفتی محمد علام سرور قریشی	۷۵۰	حیرات حسان - اعتماد السلطنہ محمد حسن	۷۲۹
اسدی ہاشمی لاهوری	۵۶۳	حاج صبیح الدولہ	۳۳۵
حریتۃ الشعرا - سید علی احملی	۷۴۱	داد سخن - آذر	۶۸۰
حریتۃ العلوم - منشی درگا پرشاد نارسر ہندی	۱۹۱	داستانہای عشقی پاکستان - دکتر عرفان	۷۷۰
حریتۃ گنج الہی - میر عماد الدین محمود	۶۲	داشمدان آذر باحاج محمد علی خان تربیت	۷۷۰
الہی حسینی	۱۲۴ ۲۰	داشوران حراسان - علامہ صاریسی	۷۷۰
حطای نامہ - سید علی اکبر حطائی	۶۰۴ ۴۷۳ ۴۶۰ ۴۲۶	داشمدان و سخن سراپان - محمد حسین	۷۳۴
حلاصۃ الاشعار - تقی کاشی	۵۱۹ ۴۷۷ ۲۶۵ ۴۰	رکن رادہ	۷۳۴
حلاصۃ الافکار - ابوطالب حان تبریزی	۴۸۶	دریای گوہر (جلد سوم) - مہدی حمیدی	۷۸۷
اصغہابی	۴۷۳	شیرازی	دستورالطہاحت - حکیم سید احمد حان یکتا
حلاصۃ الدیع - شمس الدین فقیر	۱۳۴ ۲۵ ۲۰	حلاصۃ الشعرا	۷۴۰
حلاصۃ ریاض الشعرا	۷۵۳	حلاصۃ الشعرا (ومیحانہ) ملا صوفی مار بندرانی	۱۷۰ ۱۷۳
حلاصۃ الشعرا (ومیحانہ) ملا صوفی مار بندرانی	۴۶۵	و عبد اللطیف عباسی	
حلاصۃ العاروفین		حلاصۃ العاروفین	
حلاصۃ العروس - مصحفی امر و ہوی			

۷۰۴	د قوام الشعرا	دقتر اشعار منتخب از حاح سید ابوالفضل
۱۲	د کمال الدین اسمعیل	سعدی ۷۰۵
۱۷	د محمدالدوله	دیناچه دیوان حسین ثنائی ۱۷۶
۶۳۴	د مسکین - حلیل	دیناچه دیوان عراقی ۱۷۵
۳۴۱	د منتخب سراج الدین علیحاج آرو	دیناچه دیوان فیضی ۱۷۶
۷۰۴	د وحشی بافقی	دیناچه غره الکمال ۱۷۶
۷۰۴	د یعمای چندقی	دیوان آدمیت - اوحدی ۱۵۵
۴۹۰	د حیره الحواقین	دیوان آزاد (ملکرامی) ۳۹۵
	د کرامت الایمان فی تکلمه سیر الاولیاء درمنقبت	دیوان اثر ۳۹۵
	شمس الهدا گل محمد معروفی کرخی جشتی	دیوان اسلم سالم ۶۸۲
۷۴۹		دیوان اشعار - قانع ۴۰۷
	د کریم علی اولیای دهلی - محمد	دیوان اعظم ۵۴۹
۷۴۷	د حبیب اله اکبر آبادی	دیوان امیرآباد ۱۵۵
۷۳۹	د کریم تقی میر	» امیری ۶۶۶
۱۸۵	د دیلمیچانه	» حویا ۶۸۲
	د راحه الصدور بحم الدین ابوبکر - محمد	» حاصم ۷۰۲
۷۸۱ ۱۸ ۱۷ ۱۴	د راوندی	» حلیل ۶۳۴
۵۱۱	د راهنمای کتاب	» دروغرر - اوحدی ۱۵۵
۷۰۲	د راعیات حاصع	» ذوقیه هندی ۵۰۳
	د رجال اصفهان یا تذکره القبور -	» شوقیه هندی ۵۰۳
۷۶۹	د ملا عبدالکریم اصفهانی	» عارف ۶۶۷
۵۸۶	د رساله اشتقاق - احمدعلی	» عشقی ۶۶۷
۶۵۰	د رساله بدرحسین - ترک علیشاه	» علی شیر - قانع ۴۰۴
۷۶۲	د رساله بررگان سمرقند	» غمی ۶۸۲
۵۸۶	د رساله ترانه - احمدعلی	» فارسی - رحمی ۵۲۴
۱۱۹	د در عجاب و عرایب هند	» فالعم - قانع ۴۰۴
۷۵۷	د دررسل صوفیه	د قصاید و غزلیات ادیب پشاور ۶۸۸

۶۶۶	رورنامہ سیم شمال	۶۸۲	« درون شالنامی
روصات الحصات فی اوصاف مدینة الہرات		« رباعیات حیات۔ احمد بن حسین	
۶۶۵	معین الدین سمراری	۳۸۷	رشیدی تبریزی
روصات التیومیہ۔ ابوالفیض کمال الدین		۷۷۵	« سالار حنک
۷۴۸	محمد احسان	۵۰۳	« سوانح السنوہ۔ ہندی
روضۃ الامراء۔ ابوالحسن محمد قادری لاہوری		۳۶۵	« صیدیہ
۷۵۴		۵۸۸	« عبدالواسع ہاسوی
الروضۃ الارھر فی مآثر القلندر بالطایف		۴۰۷	« علمی مع شرح۔ ق، نع
الادکار فی مناقب الحمدہ الاحیار۔ مولوی		۳۶۴	« فرس نامہ
۷۵۱	شاہ تقی علی قلندر کا کوردوی	۵۸۸	« قافیہ۔ مولانا قاسم کاهی
روضہ اطہار۔ محمد امین حشری تبریزی		۷۵۴	«۔ قطبہ عشقیہ
۷۶۱		۶۷۷	(ترجمہ انگلیسی) رستاخیر عشقو
« اقطاب۔ محمد بلاق خالدی			رشحات عین النحیات۔ فخر الدین
۷۴۶	دہلوی	۷۶۰	علی کاشمی صبی
۴۰۶	روضۃ الاسیا	۷۴۳	رشی نامہ۔ بابا نصیب الدین سہروردی
۲۶۸	« الاولیا	۷۴۴	رشی نامہ۔ بہاء الدین بہا
« الاولیا فی احوال اصفیاء۔		۴۸۶	رقعات عالمگیری
۷۵۴	محمد حسین	۷۱	رقیۃ القم
« الاولیا۔ میر غلام علی آر د۔ ملگرامی		۶۸۸	رک مینا۔ میر دارصا ہمدانی
۷۴۸			روح اقبال۔ دکتر محمد یوسف حسین
« الحسان و حۃ الحسان۔ حسین		۶۸۸	
۷۶۰	واعظ قروینی تبریزی		رور روش۔ محمد مظہر حسین
(ترجمہ فارسی)۔ روضۃ الراحین		۲۴۰	گوپاموی
۷۵۸	فضل اللہ جہاں	۷۰۳، ۶۱۹، ۶۱۲، ۶۰، ۳۱۳، ۳۱۱	
روضۃ السلاطین۔ مولانا سلطان احمد		۶۶۶	رورنامہ بہار
۹۵، ۹۱	فحری بن امیری	۶۶۶	رورنامہ طوفان
۷۸۳، ۱۴۵، ۱۱۹	روضۃ الصفا	۷۳۱	رورنامہ ملتی

- روضة اليعيم- امين احمد ثبات فرودسی
 ۷۵۲
 ۷۸۰ رومی عصر- دکتر عرفانی
 ریاض الافکار- وزیر علی عبرتی ۷۶۵، ۵۳۷
 ریاض الاولیاء- محمد بقا سهار پوری ۷۴۶
 ریاض الحنف میرزا حسن حسینی فانی ۷۷۶
 ریاض الشعراء- علیقلی حان والہ داغستانی ۳۰
 ۱۶۱ ۲۴۹ ۲۹۳ ۲۹۹ ۳۹۹ ۴۲۶
 ۴۲۶ ۴۴۳ ۴۴۹ ۴۶۰ ۴۷۰ ۴۸۱
 ۴۹۱ ۴۹۶ ۵۰۴ ۵۱۹ ۵۴۰ ۵۵۴
 ۵۹۸ ۶۰۴ ۶۱۹ ۶۴۵ ۶۸۱
 ریاض الشعراء ریاض ۷۱۸
 « الصفا فی مشاہیر الرجال والنساء -
 محمد مهدی فروغ اصغہانی ۷۷۱
 « المعارف - رضا قلیخان ہدایت ۷۶۱
 « الفرودسی- مولوی محمد حسین شاہ
 ۵۸۲
 « الفصحا (تذکرہ شعراء اردو)
 امر و هو ۴۱۵ ۷۴۰
 « الواصلین - گرامی ۷۶۱
 « العرفان - دوالقار علی مست ۵۱۴
 « البور- محمد امام الدین ۷۵۴
 ریحانة الادب - میرزا محمد علی تنہیری
 ۷۷۰
 راد المتقین فی سلوک طریق الیقین-
 عبدالحق دہلوی بحاری ۷۴۲
 راید القواید - آبرو ۳۳۷
- رایدہ العرایب - نجم طباطبائی ۵۶۰
 الماء الحسینی ۷۲۳
 « المقامات - محمد ہاشم الدحشانی
 ۷۴۴
 « المناقب- قانع ۴۰۵
 ریان سخور- علی اکبر شیر سلیمی ۷۰۳
 ۷۳۳
 ردگی شاہ عباس اول ۷۰۴
 راید القواید- عبدالواسع ہاوی
 ریت الاحلاق- قانع ۶۰۴
 ریت الرمان یا تاح التواریح و سلالۃ السیر-
 ملک الکتاب شیرازی ۶۲۲
 ریتۃ المدایح - محمد صادق ۷۲۱
 ریتۃ العرایب- محمد رضا نجم ۷۷۹
 ساعتی باشاعر رک صدق
 ساقی ناہ- ترک علیشاہ ۶۵۰
 سالک طریقت ۷۵۴
 سامی فی الاسامی- حشری تنہیری ۷۶۹
 سحرة المرحان فی آثار ہندوستان ۲۶۹
 سخن الشعراء - مولوی عبدالغفور حان
 بہادر ساح ۷۱۱
 سحوران ایران در عصر حاضر- دکتر
 محمد اسحق ۲۶۶، ۲۶
 سحوران بلند فکر- مولوی محمد منور گوہر
 ۷۳۵، ۵۲۹، ۲۶۱، ۲۵۹
 سحوران چشم دیدہ - ترک علیشاہ قلندر

۴۴۳ ۳۶۰ ۲۳۹ ۲۱ ۱۴ ۱۳	۴۷۶	نور مجلی
۱۵۴		سجنوران عصر پهلوی ر.ک. سجنوان در
۴۹۰ ۳۹۰ ۱۳	۷۰۶	عصر حاضر
۷۱۱		سجنوران نامی معاصر - سید محمد باقر برقی
۷۴۸ ۷۴۸	۷۳۱، ۷۰۴	
۴۱۴	۷۲۹	سجن و سجنوران - استاد فروزان
۱۳		سراج السالکین و لطایف العارفين -
۳۷۶ ۳۶۷	۷۶۱	عبداله نقشبندی
۷۲۴	۳۳۲	سراج اللغه - آذرو
۲۴۳	۵۲۸	سراج المحبت - عربی
۵۰۰	۳۳۴	سراج میر - آذرو
۷۴۵	۳۳۴	سراج و هاج - آذرو
۷۲۹	۴۰۶	سرافران نامه - قائم
۳۸۵	۵۶۴	سراج الشهادتین - عبدالعزیز دهلوی
	۲۶۸، ۲۳۲	سروآزاد - میرعلام علی آزاد
۷۵۶	۴۶، ۴۴۳، ۴۲۶ ۳۹۸، ۳۸۳، ۳۳۱، ۳۲۹	
۷۵۶	۷۰۲، ۶۰۳، ۵۷۱، ۵۵۵، ۵۴۰، ۴۷۳	
۷۶۲		سرودهای اهورا (طاهر انانگلیسی) دشاحی
۷۵۶	۶۷۷	
	۴۸۹	سرورافرا
۷۵۶	۶۵۰	سروالطایرین - ترک علیشاه
۷۵۶	۷۶۰	سعیدیه - حسین سرحسی
		سفینه الاولیا - شاهزاده محمد داراشکوه
۷۶۰	۷۴۵، ۵۱۹	
۷۶۱	۴۲۶، ۱۳	سفینه بیحس - میر عظمت اله بیحس
۵۲۴	۶۱۹، ۶۰۴، ۵۵۵، ۴۹۰	
۵۸۸		سفینه خوشگو - بدر ابن داس خوشگو

- سند داد نامہ - محمد بن علی الطہیری
السمرقندی ۶۵
سدة السمادات فی حسن حاتمة السادات
۲۶۷
سوانات الاتقیاء - شیخ بدرالدین سہرمدی ۷۴۵
سواطع الانوار - محمد اکرم البارسوی ۷۴۷
سیاحت نامہ حواہی غلام الثقلین (ہندی) ۶۶
سیر الاقطاب - الہ دیاچشت عثمانی ۷۵
سیر الاولیا فی محبت الحق حلوی علی
سید محمد مبارک علوی کرمانی ۷۴۲
سیر العارفین - حامد بن فصل الہ درویش
حمالی ۷۴۳
سیرت حلال الدین منکری بوردین محمد
سوی ترجمہ محمد علی باص ۶۵
سیر المناظرین - علامہ حسین خان ۳۵۳ ۳۶۰
۴۵۷ ۴۶۲ ۷۷۹
شارستان چہارچمن - فرانہ بہرام ۷۰۴
شاعر شرق - تالیف عبدالہ ابور بیگ
(انگلیسی) ۶۸۹
شام عربیان - لچہمی برائن شعیق اورنگ
آبادی ۷۱۱، ۶۲۰، ۶۰۵، ۵۵۵، ۴۴۵
شاہجہان نامہ - رک عمل صالح
شاہجہان نامہ - شیخ عبدالحمید ۳۸۴
شاہجہان نامہ - ملا علاء الملک قوی ۳۸۴
شاہد صادق - میرزا محمد صادق اصغہابی
۷۸۷
شاہکارهای شعر معاصر - فریدون کار ۷۳۳
شاہنامہ - مصحفی امروہوی ۴۶۶
شستان ستان - تذکرہ ۷۰۴
شجرہ اطہر اہل بیت - قانع ۴۰۶
شجرہ اولیاء طریقہ قادریہ محدیدیہ
محمد یوسف علی قادری ۷۵۴
شجرہ اولیاء نقشبندی - حبیب الہ نقشبندی
۷۵۴
شجرہ چشتی وقادری وقلندری وصابری -
علامہ بہیک ۷۵۴
شجرہ حادان نقشبندیہ وقادریہ
ابوالحسن صدیقی نابوتی ۷۵۵
شجرۃ الطور فی شرح آیت النور - حریں ۳۶۵
شجرہ طیبہ ۲۶۸
شجرہ طیبہ، حسین الہ عربوی ۷۵۵
شجرہ طیبہ - حادان چشتیہ ۷۵۵
شجرہ طیبہ سلسلہ عالیہ سہروردی حصرت
رفیقیہ ۷۵۵
شجرہ طیبہ سلسلہ عالیہ نقشبندیہ ۷۵۵
شجرہ طیبہ قادریہ ۷۵۵
شجرہ طیبہ - قمر الدین علی مست ۷۵۸
شجرۃ العارفین - محمد علی الفت ۷۵۵
شجرہ قادری - علامہ بی ۷۵۵
شجرہ قادریہ - رحیم بخش ۷۵۵
شجرہ مبارکہ چشتیہ صابریہ شاہ حبیب الہ
ثاں ب الہی ۷۵۵
شجرہ متبرکہ منظومہ - رحیم بخش ۷۵۵
شجرہ مشایخ صوفی کشمیر ۷۵۶

- شجره نقشبديه- سيد امام علي ۷۵۶
 شرايف عثمانی - غلامحسين ثامن صديقي
 فرشوري بلگرامي ۷۶۶، ۷۶۸
 شرح احوال و آثار حویا - ماهتمام دکنر محمد
 مافر ۶۸۱
 شرح اوليا ۷۶۳
 شرح حال و آثار ملك الشعراء بهار - دکنر
 عرفاي ۶۸۰
 شرح حديقه ۱۴۳
 شرح ديوان مرتضوی - مير - ميدي
 ۲۸۶
 شرح قصايد عرفی - آردو ۳۳۳
 شرح قصيده لاميه حريں ۳۶۵
 شرح گلگشتی ميربحات - آردو ۳۳۴
 شرح مختصر المعالی - آردو ۳۳۴
 شرفنامه ۵۸۸
 شعراى در رك ايران هوشيك مستوفي ۷۳۳
 شعراى پارسی رمان کشمير رك تذکره
 شعراى پارسی رمان کشمير
 شعراى عصر پهلوی - ديشاحي بهائي ايران
 ۶۷۷
 شعراى فارسی رمان پيشاور - دکنر بدير ميرزا
 برلاس ۶۸۵
 شعراى معاصر فارسی دکنر عرفاي ۶۸۰
 شعر حديد فارسی (انگلیسی) دکنر محمد
 اسحق ۶۶۵
 شعر العجم - شلی نعمای ترجمه فخر داعی
 گیلانی ۷۳۵
 شعر فارسی در عهد شاهرخ - دکنر يادشاطر
 ۷۸۷
 شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب المعتنی
 ۲۷۰
 شکرستان فارس - سيد محمد حسين شعاع
 شیراری ۷۳۰
 شکوفه راز - آردو ۳۳۳
 شکوه های دوق وادب - ابوالحسن احتشامي
 ۷۷۲
 شمامة العیر فی الهند من سيد النشر ۲۶۹
 شمایل اتقیا ۷۶۲
 شمس الاساب - محمد معصوم سريفاصفهائی
 ۷۵۶
 شمشير تيربر - احمد علی ۵۸۵
 شمع انجمن - نواب سيد صديق حسن
 حان ۶۰۹، ۶۰۰، ۵۹۲، ۵۵۸، ۳۲۶
 ۷۰۳، ۹۱۹، ۶۱۴
 شیرارنامه - احمد بن ابی الحیر شیراری
 ۷۵۹، ۱۵۷
 صحیح صادق ۲۸۷، ۳۸۴، ۴۲۸، ۵۱۹، ۶۰۵
 ۷۷۴
 صحیح گلشن - سيد محمد علی حسن حان ۵۲۱
 ۶۸۱، ۶۱۴، ۶۱۱، ۵۶۹
 صحیح وطن - نواب علام عوث حان اعظم ۳۱
 ۷۰۳، ۵۵۸، ۵۴۹، ۵۴۵، ۵۲۸
 صحاح جوهری ۴۲۸

- صحف ابراهیم۔ ابراهیم حان حلیل ۱۳۲، ۴۷۱، ۴۵۹، ۳۲۳
- صحیفۃ الارقام۔ علاء الدولہ قزوینی ۱۰۴
- صحیفۃ الاعمال و مرآت الاحوال۔ عبدالعلی ۷۷۵
- صدف یا ساعتی نا شاعر۔ دکتر داریوش صبور ۷۳۳
- صغوة الصفا۔ توکلی ۷۵۹
- صغیر دل۔ حرین ۴۶۳
- صنایع الحسن۔ وحرى اسامیری ۹۴
- صولت فاروقی۔ آشوب تورانی
- صرب کلیم اقبال لاہوری (ترجمہ فارسی) ۶۸۰
- دکتر عرفانی ۲۶۹
- ضوء الدراری۔ آزاد ۷۵۳
- ضیاء القلوب۔ عمادالہ فاروقی ۱۹
- طبقات اکبری۔ نظام الدین احمد ۷۷۸، ۴۹۶، ۱۲۶
- طبقات الادبا۔ کمال الدین ابی الکرکات
- عبدالرحمن ۱
- طبقات الاولیاء۔ شیخ سراج الدین عمر ۱
- « سخن۔ شیخ علام محی الدین قریشی ۵۱۱
- میر تقی ۴۴۸
- « سخن۔ عشق ۱۱۱
- « سلاطین اسلام۔ استابلی لیب پول ترجمہ ۱۸۹، ۳۲
- « مرحوم عباس اقبال ۱۰۱
- « شاہجہانی۔ محمد صادق ۱۸۹، ۳۲
- « الشعراء۔ بیہان المصری واسمعیل بی
- یحیی الیرید ۱
- « الشعرا۔ قدرت الہ صدیقی شوق سنبھلی ۷۳۸، ۵۴۰، ۴۶۹
- « صوفیہ۔ عبدالہ اصاری ۷۵۸
- « فقہا ۱۱۹
- « محمود شاہی ۱۱۷
- « ناصری۔ مہباح الدین سراح ۷۸۱
- مشایخ نقشبندیہ بحارا ۷۶۲
- طرائق الحقائق۔ معصوم علی نعمت اللہی ۷۶۲
- شیرازی ۷۴۱
- طور کلیم۔ سید نور الحسن حان ۴۰۶
- طومار سلاسل گریدہ۔ قانع ۷۸۳، ۱۱۸
- طغر نامہ تیموری۔ شرف الدین علی یردی ۲۴۵
- طغر نامہ شاہ عباس ۲۴۵
- طغر نامہ۔ شرف الدین علی یردی
- ر.ک طغر نامہ تیموری
- طواہر السیر۔ محمد انیشاپوری ۷۴۷
- عارف الآثار۔ محمد عارف نقائی ۷۱۰
- عالم آب۔ آرو ۳۳۴
- عالم آرای عباسی ۴۷۳، ۳۸۴، ۲۸۷، ۳۴۵
- ۷۸۲، ۵۱۹
- عبرت و فسانہ۔ آرو ۳۳۵
- عجایب مخلوقات ۱۱۸
- عراس بررگان ۷۵۲
- عرب نامہ۔ ابوالقاسم ناحرری ۷۱
- عرفات العاشقین۔ تقی اوحدی ۱۵۱، ۳۹

- ۱۵۵ فردوس خیال - اوحدی
 ۷۰۴ فرانگان زرتشتی - رشید شهمردان
 فرهنگ نغیسی
 ۱۳۰۱۱،۹۰۸،۲ فرهنگ آندراج
 فرهنگ برهان قاطع ر.ک. برهان قاطع
 فرهنگ تازی پارسی - استاد
 ۱ بدیع الزمان وروانفر
 فرهنگ تراجم شرقی (انگلیسی)
 ۴۶۸،۳۱
 ۵۱۹ فرهنگ هانگیری
 ۵۱۹،۴۲۷،۳۹۵ فرهنگ رشیدی
 فرهنگ فارسی - عبدالرشید تنوی
 ر.ک. فرهنگ رشیدی
 ۳۴۳ فرهنگ نامه - حری
 فرهنگ نظام - سید محمد علی
 ۱۳۰۱۱،۱۰،۹۰۲ (داعی الاسلام)
 فرهنگ نغیسی - ناظم الاطفا
 ۱۳۰۱۱،۱۰،۹۰۲
 فرهنگ نویسی فارسی (انگلیسی) -
 ۳۳۲ بلو حمان
 ۷۶۳ مضایل ملح
 ۶۷۸ فلسفه ایران باستان - دشاحی
 فواید سعیدیه - قاصی محمد ارضی
 ۷۵۰ علی حاشیود گویاموی
 ۷۵۷ فواید القواد - نجم الدین حسن سحری
 ۲۸۵ فواید القواد - مصمما الدوله
 ۶۲ فهرست کتابخانه لیدن
 ۴۵۰،۳۳۷،۳۰۴،۲۷۴،۱۹۳
 ۶۲۰،۴۷۳
 عشیات العشق - عشق
 ۴۴۷ عطیه کبری - آردو
 ۳۳۴ عقد ثریا - شیخ غلام همدانی
 مصحفی امروہوی
 ۴۶۳ عمدہ منتخبہ - نواب اعظم الدولہ
 ۷۴۰ میر محمد حان سرور
 عمل صالح یا شاه جهان نامہ -
 ۷۸۰،۳۸۴،۱۴۲ محمد صالح کنوہ لاهوری
 عوالم الاسرار فی عرایب الاسفار -
 عبدالکریم بن محمد قاصی
 ۷۷۷ عیار الشعرا - حوب چند د کادھلوی
 ۷۴۰ عین الحیات - تقی اوحدی
 ۱۵۵ غرایب الاسرار
 ۱۱۸ غرالان ہند
 ۲۶۷ غوثیہ - قانع
 ۴۰۶ فارسنامہ ناصری - شوریدہ شیرازی
 ۶۶۷ فارسی امروز - دکتر عرفانی
 ۶۸۰ فاموس خیال - غنی
 ۷۱۲،۶۴۵ فتاویٰ مجمع المسائل - مولوی
 ۵۵۳ شاہ عبدالرحیم
 ۵۱ فتوح البلدان - ابوالحسن بلادری
 المرح بعد الشدة - قاصی ابوالحسن
 ۶۹،۵۴ بن علی التوحی
 ۷۷۴ فرحت الناطرین - محمد اسلم اصراری
 ۶۵۰ فرحنامہ ترک علیشاہ

- قاموس الاعلام - شمس الدين حامی ۹۳
قاموس العلوم - شمس الله قادری ۲۶۹، ۲۶۰
قاموس مشاهیر ۷۶۵
قصر عارفین - احمد علی حیرآبادی ۷۵۱
قصص الحاقانی ۷۱۹
قصص العلماء - محمد بن سلیمان تنکانی ۷۶۹
قلم قدرت ۱۵۴
قندپاریسی ۷۱۱، ۶۲۰، ۶۱۴
قوانین انشاء بالغ ۴۰۹
قول فیصل - امام بخش صہائی ۳۵۵
کارنامہ - نظام الدین احمد صدیقی
حسینی ۷۴۶
کافیۃ القافیہ - اوحدی ۱۵۶
کانون شعرا ۶۶۶
کتاب ملازادہ - احمد بن محمد بن
معین الفقرا ۷۵۹
کرامات الاولیاء - نظام الدین احمد صدیقی
حسینی ۷۴۶
کرامت الاولیاء ۷۵۳
کشف الصاعہ یا منتجات محمدی -
ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
کشف الطنون حاحی حلیہ ۵۹۷، ۶۰، ۲۰۱
کشف المحجوب - علی بن عثمان
الحلانی الهجویری ۷۴۲
کشکول آزار ۲۷
کشکول مسکین ۶۳۴
کسۃ الحرہ بن ۱۵۴
کعبہ دیدار - تقی اوحدی ۱۵۴
کعبہ عرفان - اوحدی ۴۹۶، ۲۷۴، ۱۵۵
کلام الملوک - میر سعادت علی رصوی ۷۳۵
کلمات الشعرا - میان محمدافصل
سرخوش ۱۹۱، ۱۴
۳۳۸، ۲۸۷، ۲۴۹، ۲۲۱، ۲۱۰
۴۶۰، ۴۴۳، ۴۲۶، ۴۰۸، ۳۸۴
۵۸۸، ۵۷۱، ۵۵۵، ۵۱۹، ۴۷۳
۶۸۱، ۶۴۵، ۶۲۰، ۶۰۴
کلمات السادقیں - محمد صادق
کشمیری ہمدانی ۷۴۳
کنز الاساب - عبدالرزاق عطا حسینی ۷۵۳
کلیات آردو ۳۳۳
» اوحدی ۱۵۵
» سمل بحاری ۶۸۸
» حوشحال خان ۶۸۸
» رصا ہمدانی ۶۸۸
» رعنا کاظمی ۶۸۸
» سرخوش ۲۱۳
» سیدحگر کاظمی ۶۸۸
» سیدصیا جعفری ۶۸۸
» سید محمد شاہ برق ۶۸۸
» قاسم علیحاجی آفریدی ۶۸۸
» ملک ناصر علیخان ۶۸۸
» بدرت ۲۷۳
» نعمت خان عالی ۳۸۵
کعبۃ المرام - حرین ۳۵۱
گزارش مسوطی راجع ناہالی کشمر -

- مرثه متین الرمان ۶۸۲
گلنار تركی ۶۵۰
گل بهشتی- امین احمد ثبات وردوسی ۷۵۲
گلچین جهانمائی - سرتیب
محمد حسین جهانمائی ۷۰۴
گلدسته - عبدالوهاب عالمگیری
۲۷۴، ۱۶۳، ۴۰
گلدسته کرماتک- حکیم باقر حسین رایی
۵۷۱، ۵۵۸، ۵۲۷، ۳۱
گلدسته نشاط - مینوال ۷۸۸
گل رعنا- لچهمی برائن شمعق اورنگ آبادی
۴۳۸، ۴۲۱، ۳۱۳، ۲۴۳، ۲۲۹
۶۲۰، ۶۰۵، ۵۵۵، ۵۱۹، ۴۴۵،
گلزار ابرار- شیخ محمد مندوی
۵۲۰، ۳۸۵
گلزار ابرار- محمد عوشی شطاری ۷۴۳
گلزار ابراهیم - علی ابراهیم خان
۷۳۹، ۴۵۹
خلیل
گلزار ادب - حسین مکی ۷۰۴
گلزار اعظم - نواب غلام عوث خان
اعظم ۵۵۳، ۵۴۹، ۵۴۶، ۵۲۷، ۲۱
۵۷۰، ۵۶۹، ۵۵۸
گلزار خلیل- مولای ابو محمد حسن
شعری قادری ۷۵۱
گلزار خیال- آردو ۳۳۵
گلزار سرور ر ک ریاض النور
گلستان سعدی ۴۸۵
- گلستان مسرت ۶۲۰، ۶۰۵
گلستان مسرت یا حدایق المعانی-
محمد حان مصطفی ۷۸۸
گلستان همد - درگا پرشاد مهر
سدیلوی ۶۴۰
گلشن ابراهیمی ر ک تاریخ فرشته
گلشن سخن- میرزا کاظم مرادعلی خان
۷۳۹
گل عجب - اسد علی خان تما
اورنگ آبادی ۷۳۹
گلشن بیجار- مصطفی خان شیفته
۷۴۰، ۵۲۱، ۴۶۸
گلشن فطرت ر. ک بیاض میر معراج فطرت
» گفتار- حواحه خان حمید
اورنگ آبادی ۷۳۷
» محمود- محمود میرزا ۷۲۳
» معنی - ترك علیشاه ۶۵۰
» ناز ر ک تذکرة النساء نادری
» همیشه بهار- عبدالعلیم نصرالحان
قمر احمدی حویشگو حورحوی ۷۴۱
» همد ۴۶۵، ۴۶۲
گل فردوس- امین احمد ثبات
فردوسی ۷۵۲
گلهای ادب - میرزا حسین خان سعادت
بوری ۶۶۷
گلهای حاویدان در بوستان ادب ایران -
مهدی توحیدی

۴۷۳ . ۷۹۰	مثنوی اعلان غم - قانع	۴۰۵
مجالس المؤمنین - محمد باقر مجلسی	مثنوی بهاگوت یا مهر صیا - شیخ احمد علی	
۴۰۹ ، ۴۷۳ ، ۷۶۷	سندیلوی	۵۰۳
مجالس النفایس - دو ترجمه آن از قرون دهم	مثنوی ترانه حق - ترک علیشاه	۶۵۱
۹۳ ، ۱۱۹ ، ۱۹۳ ، ۲۶۲ ، ۳۹۹	» چهار مرله - قانع	۴۰۵
۴۷۳ ، ۴۹۶	» حتم السلوک - قانع	۴۰۶
(ترجمه) مجالس النفایس - ار عبدالباقی	» سرا پای عشق	۲۶۷
شریف رصوی	» سلسله المحنت - هندی	۵۰۲
۷۱۰	» سورسار	۳۳۳
(ترجمه فارسی) مجالس النفایس - شاه علی	» شتر گریه - تقی اوحدی	۱۵۵
بن عبدالله	» شکراب - ترک علیشاه	۶۵۱
(ترجمه فارسی) مجالس النفایس حکیم (شاه)	» صورت سرمد - ترک علیشاه	۶۸۰
محمد بن مبارک قزوینی	» طول امل - ترک علیشاه	۶۵۱
محلہ آئیده	» مثنوی گلر ارمجیب - ترک علیشاه	۶۵۰
محلہ ارمغان	مثنوی وسوس عشق - عشق	۴۴۷
محلہ اردو	مثنوی قصاص نامه - قانع	۴۰۶
محلہ انجمن ایران و هند	مثنوی قصه کامر و پ - قانع	۴۰۴
محلہ ایرانشهر	مثنوی کاں حواهر - قانع	۴۰۷
محلہ بهار	مثنوی محبت نامه - قانع	۴۰۷
محلہ ترقی	مثنوی مررا نامه	۳۰۳
محلہ دانش	» مطهر الانوار - شیخ احمد علی سندیلوی	۵۰۳
محلہ دانشکده	» نور علی نور	۲۱۴
محلہ کابل	مثنویهای شهید	۳۹۵
محلہ ندیم - بهار نصیر	مثنویهای یکتا	۳۹۵
محلہ نمکدان	مجالس عبدالقادر مراغه ای	۱۹۳
محلہ نوبهار	مجالس العشاق - عبدالعاری سلطان حسین	
مجمع الاساب		
۱۱۸		
مجمع الاولیاء میر علی اکبر حسینی اردستانی		
۷۴۴		

- مجمع النفا - مایلی ۷۱۱
مجمع الخواص (ترجمه فارسی) ۷۳۰
مجمع الشعراى حها نگیری - قاطعی ۱۸۷
مجمع الشعرا - کاتب الملك دوری
۷۸۶ ، ۴۷۳
مجمع الصانيع - نظام الدين احمد ۴۰۹
مجمع القصصا - رضا قليخان هدايت
۷۲۷ ، ۷۰۳ ، ۶
مجمع الفصلا - محمد عارف نقائی
۶۱۹ ، ۶۶۴ ، ۴۹۱ ، ۴۳۶ ، ۱۰۹ ،
۶۴۵
مجمع المحققين - ملامحمدصادق يارکندی
۷۶۱
مجمع الموءک - نجم طباطبائی ۵۶۰
مجمع النفايس - سراج الدين عليحان آدرو
۳۰۱ ، ۲۹۴ ، ۲۴۱ ، ۱۶۱ ، ۳۱ ، ۲۱
۴۲۶ ، ۳۲۲ ، ۶۲۶ ، ۴۲۰ ، ۴۲۲ ، ۴۲۶
۵۰۴ ، ۴۴۳ ، ۴۶۰ ، ۲۷۰ ، ۴۹۶ ، ۵۰۴
۶۰۴ ، ۵۹۸ ، ۵۷۱ ، ۵۵۴ ، ۵۱۹
۶۲۰
مجمع النقول - محمدعلي هندی ۷۶۴
محمل التواريح ۲۸۷
مچمل فصیحی ۱۴۶
مجموعه ۷۴۸
مجموعه حیدر شکوه - میرزا محمد حیدر شکوه
۷۶۵
مجموعه عشق - علام محی الدین میرتهی ۴۴۷
مجموعه شعرا - سراج الدین حسینی ۷۸۷
مجموعه نعر - سيد ابوالقاسم میر قدرت اله
۷۴۰ ، ۳۳۱
محبوب الرحمن (تذکره شعراى دکن) - مولوی
عبدالحصار حان ملکپوری ۷۳۵ ، ۵۶۵
محرک شعرا - محمد صالح شاملوی حراسانی
۵۲۹
محرر الاولیاء - رشید الدین مودود لالاچشتی
۷۵۴
محرر الواصلين - میر محمد فاضل ترمذی
۷۴۵
مختار نامه - قانع ۴۰۶
مختصری در تاریخ تحول نظم و شرفارسی
۷۷۱
دکتر دبیح الله صفا
۱۷۵
محرر احصار - میر مختار
محرر شعرا - قاصی نور الدین حسینیحان
۷۴۱
رصوی فائق
محرر العراس - قادری ناگوری
۷۴۸
احمیری
محرر العرايب - شیخ احمد علی سندیلوی
۴۹۴ ، ۳۶۱ ، ۳۴۴ ، ۲۴۰ ، ۱۵۱ ، ۹
محرر لآلی - شاد کرماشاهی ۶۶۷
محرر نکات - شیخ محمد پیام الدین قائم
۷۳۸ ، ۳۳۱
چاندپوری
مدایح الامینیہ یا مدایح الحسیبیہ - عبدالماقی

- اصفهای ۷۲۱
مدایح السلطان ۶۹
مدایح الشعراء - نواب عنایب حسینخان مهجور
بنارسی ۷۴۱
مدایح المعتمدیه - محمدعلی بهار اصفهانی
۷۲۵
مدّة العمر - حریر ۳۴۶
مدینة الادب - محمدعلی عسرت ۷۳۰
مداق سحر - شاه سیدحسن ۷۱۰
مداکرات فی محاصرات - حریر ۳۶۵
مذکرات الاحباب ۷۱۷ ، ۱۹۳
مرآت الادوار - مصلح الدین محمداللاری
۹۷۴
مرآت الاسرار - عبدالرحمن عاسی علوی
چشتی ۷۴۵
مرآب آفتاب نما - شاهوار خان هاشمی
دهلوی ۷۷۹ ، ۵۱۹
مرآت احمدی - علی محمدخان ۷۷۵
مرآت الاحوال درک مرآت الاحوال جهان نما
مرآت الاحوال جهان نما - احمد اصفهانی
نهایی ۷۶۶ ، ۷۸۱
مرآت جهان نما ۱۹۲ ، ۴۷۳
مرآت الحیال شیرخان لودی ۲۲۰ ، ۲۸۷
۳۸۴ ، ۳۹۹ ، ۴۲۶ ، ۴۴۳ ، ۴۹۶
۵۱۹ ، ۵۵۵ ، ۵۷۱ ، ۵۸۵ ، ۵۹۸
۶۰۴ ، ۶۱۹
- مرآت الرماں - ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
مرآت الصفا ۴۹۰
مرآت العالم - شیخ محمدباقی سهارپوری
۷۷۴
مرآت المثنوی ۱۴۳
مرآت الواردات - محمدشفیع وارد ۷۸۰
مردم دیده - ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری
۳۱ ، ۲۶۳ ، ۲۹۹ ، ۳۲۷ ، ۳۵۶ ،
۴۱۵ ، ۴۲۶ ، ۴۴۳ ، ۵۰۴
مرادات کرمان رک ته کز اولیا یا مرادات
کرمان
مرادات هرات
مسودات مجدالدین قوسی ۴۴۵
مسیر طالعی فی بلاد افرنجی ۴۸۱
مسک الحتام فی شرح بلوغ المرام - نواب
صدیق ۵۹۷
مشاهیر النیاء - محمد دهی آفندی ۶۲۳
مشعرات - سیدشهاب الدین یحیی ۷۰۵
مشکوة النیوة - سیدعلی ۷۵۳
مصباح الاحق - لا عبرتی ۵۳۷
مصطفی حراب - احمد قاجار ۷۲۵
مصطلحات الشعراء - وارسته ۴۹۵
مصامین الشعراء - محمدصالح محمد حعفر
۷۸۶
مطبوعات ایران (انگلیسی) - پرسور براون
۶۶۶

مطلب الخطالین - امیر العباس محمد طالب	معیار سالکین فی طریقت - قانع
۷۶۶	معین الاولیاء - قاصی سید امام الدین
مطلع السعدین - کمال الدین عبدالرزاق	حسن جان
۷۸۳	مفتاح الریاست - نجم طباطبائی
مطلع الشمس - محمد حسن خان مراغی صنیع	مفتاح النوادیح - طامس ولیم بیل
۷۷۶	۴۷۷ ۵۵۹ ۴۸۹ ۵۸۸ ۷۷۹
مطلوب الخطالین - محمد سلاطین حالدی دهلوی	مفتاح الحطوط - رصاعلی شاه قادری
۸۴۶	مفتاح الرق ملک الکتاب شیرازی
مطلع الاقطار - حزیں	مفتاح مفاتیح وعینیہ
۳۶۳	۱۵۶
مطول - ملافتناذانی	معید الشعرا - مصحفی امر و هوئی
۳۸۵	۴۶۵
مظهر الاحدیہ فی بیان الانساب السادات ویدیہ	مقالۃ الاررار
سید عبداللحد ظفر آبادی	۱۹۳ ، ۱۵۸
۷۶۵	مقالات الشعرا - قیام الدین حیرت
مظهر البرکات	۲۳۶
۲۷۰	۶۳۴ ، ۲۴۳ ، ۲۴۱ ، ۲۴۰
معارج الولایت - عبداله حویشکی	مقالات الشعرا - میرعلام علی شیر قانع تنوی
۷۴۶	۴۰۱
معارف الانوار - محمد صالح تنوی	مقدمہ حوامع الحکایات - دکتر محمد
۷۴۹	۴۷۳
معجم البلدان	المعجم فی معایر اشعار العرب -
۴۷۳	۸۰
شمس قیس رازی	مقولات اولیاء الہ
۱۲	۷۵۳
معدن الجواهر - مولوی محمد مهدی واصف	مقولات اولیاء کرام
۷۰۹ ۵۴۶ ۳۱	۷۵۳
معراج التوحید	مکتوبات فیصی
۴۸۰	۳۸۴
معراج الخیال - وزیر علی عسری	مکتوب صبا یا سب نامہ کلان - شاه صبا الہ
۵۳۶ ، ۴۰	۷۵۱
معراج العشاق - عسری	محرر قادری حنفی
۵۳۸	مکلی نامہ - میر علی شیر قانع تنوی
۷۴۹	۴۰۵
معمولات مظہریہ	۷۴۸
معیار الافکار - آرزو	ملتئم الاحاحا حاصر من الریا (ترجمہ فارسی)
۳۳۴	۷۶۹
معیار سالکان طریقت - قانع	
۴۰۶	

مناجات حاکی	۷۵۴	منتخبات محمدی - ملک الکتاب
مناظرۃ الانسان	۱۱۸	شیرازی
مناقب احمدیہ - حاجی محمد امین بدحشی		منتخب لابند محمد ہاشم علی خان
مناقب اصفیاء	۷۴۴	حوافی حافی
مناقب اولیاء شریعی - شریف بن شریعی	۷۵۳	منتخب الطایف - رحیم علیجان
مناقب الحصرات - حاجی محمد امین بدحشی	۷۶۱	۵۹۰، ۴۷۰
	۷۴۴	منتخب اللغات - عبدالرشید تنوی
مناقب الشعراء - ابی طاهر الحاتونی	۱۵	۵۷۱، ۴۲۶
مناقب العارفين - شمس الدین احمد افلاکی	۷۵۹	منتخب حوامع الحکایات - مرحوم
مناقب مزارات بہار ای شریف	۷۶۲	ملک الشعراء بہار
منہج الانساب - سید معین الحق	۷۴۲	منتخب حاکم - ملا عبدالحکیم
منہیات فی علم الاموات - غلام بقی بلگرامی		حاکم لاهوری
چشتی صابری	۷۵۰	منتخب مجمع المایوس
منتخبات آثار - محمد صیاء ہشترودی		منتخبی از حوش حال حسان تألیف
	۷۸۷، ۶۶۲	سرمیک راوردی (انگلیسی)
منتخبات ارتدکرة الاولیای عطار -		منتخبی از کلیات رعدا
سرخوش	۷۵۰	مشآت ابواب الجنان - مہر را
منتخبات حصرت گلش	۴۴۵	رفیع واعظ قزوینی
منتخب الاشعار - مردا علی خان مبتلا	۳۱۰	مشآت حاجی عبدالعلی طالقانی
منتخب التواریخ - بیر بل کاجرو	۷۸۱	مشآت ملا طبری
منتخب التواریخ - شیخ عبدالقادر دوانی		منظر العالم ر.ک. حورشید لامع
۴۷۳، ۴۲۶، ۴۰۸، ۳۸۵، ۲۴۵، ۱۱۰		ہوارد المصاد
۷۷۸، ۶۱۹		موس الارواح - جہان آرا بیگم
منتخب التواریخ - میراحسن بیک		دحتر شاہ جہان
حاکمی ۷۸۰، ۵۹۸، ۵۸۸، ۱۴۵		مؤید برہاں - احمد علی
		مہر و ماہ - آردو
		مپخانہ - عبدالنبی قروینی

بقائی محمد عارف	۱۰۹	الحامی علاء الملک صیاء الدین ابوبکر احمد
ملگرامی میر سید لطف الله	۲۵۶	۶۵
ملگرامی میر سید محمد	۲۵۷	۴۵۹ حرأت
ملگرامی میر عبدالخلیل	۲۵۶	۱۸ حمال نقاش اصفہانی
البلیان شیخ اوحد الدین عبداللہ العارسی		حبیدی نظام الملک قوام الدین محمد ۵۵
۱۵۱		۱۶۸
بلو عمان	۳۳۲	۳۲۵ حہاد ارشاه
بہادر شاہ طغر (۱۲۵۳-۲۵۸۰ھ)	۱۹۸	۵۱۰۳۷-۱۰۱۴) حہانگیر نور الدین محمد (۱۰۳۷-۵۱۰۳۷
بہاء الملک حسن	۵۴	۲۲۴، ۲۱۵، ۱۹۱، ۱۸۶، ۱۶۹، ۱۵۳، ۸۶
بہرام گور	۹۹	۲۷۶
بہرام شاہ بن مسعود عربی (۵۱۱-۵۴۸ھ)		چراغ دہلی شیخ بصیر الدین (۲۵۷۲ھ)
۵۳		۳۲۳، ۵۵
بہمنی سلطان فیروز شاہ (۸۰۰-۸۲۵ھ)	۸۸	۱۸۶ چنگیز خان
بہمن سلطان محمد شاہ دوم (۷۸۰-۷۹۹ھ)	۸۸	حاجی حلیمہ
بہمنی علاء الدین حسن گنگو	۸۷	۱۲ ۱۱ حافظ
بہوایی داس	۴۳۹	حاکم ملا عبدالحکیم لاہوری ۳۱۵ - ۴۱۵
بہو سلہ رگھوچی	۲۷۷	۱۱۴ حبیبی عبدالحی
بہحیر میر عظیم اللہ	۲۵۷، ۲۳۱	۳۴۱، ۲۵۷، ۱۹ حریں (شیخ علی حریں)
بیدل عبدالقادر	۲۴۱	۴۵۹
بیم بہو پترای بیراگی	۲۴۱	۶۷ سن بہاء الملک
بینش سید مرتضی	۵۶۴	۳۱۷ ن دوست
پانی پتی شیخ شرف الدین (شیخ ابوعلی قلندر) (۷۲۵م)	۵۵	۲۸۱ حنک
تاہگو	۶۵	۲۳۶ ت قیام الدین
تریتی حواہ ابو الحسن	۱۹۱	۲۰۲ حاصع اردشیر
ترحان میرا عاری	۱۳۷	۱۳۵ حاکی میرا حسن بیک
تقی اوحدی	۱۵۱، ۱۳۷، ۲۷	۱۶۳ حان احمد میرا حاکم گیلان
		۸۶ حاجا مان بیرم خان

دھلوی شیخ نظام الدین اولیاء (۷۲۷م)	۸۶	خانہا نان عبدالرحیم
۲۸۱	۳۰۸، ۲۹۶	خدیجہ سلطان
رایق غلام علی موسیٰ رضا ملقب بہ		حسروشاہ بن بہرامشاہ عربوی (۵۵۵-۵۴۸ھ)
۵۲۷	۵۳	
۴۴۹		حسرو ملک بن حسروشاہ (۵۵۷۳۱۵ ۵۵)
۳۲۵	۵۳	
رکن الدین طغرل بن ارسلان		حلی سلطان علاء الدین (۶۹۵-۷۱۵ھ) ۸۷
۳۵۶		حلی ملک اختیار الدین دولتشاہ بلکا، ۶۸
روبی ابوالفرح بن مسعود (۴۹۲م -		حلی سلطان علاء الدین (۶۹۶-۷۶۵ھ)
۵۴ (۵۰۸ھ)	۵۵	
۲۲۴	۳۴۵	حلیہ آوا بوس
رحمی عبدالرحمان شاہجہانی ۵۲۱، ۲۱۱	۴۷۱، ۴۵۶	حلیل علی ابراہیم خان
۲۶۹	۶۲۶	حلیل محمد ابراہیم
۳۲۸		حوارمشاہ سلطان علاء الدین محمد
۲۴۱، ۲۱۳	۶۵ (۶۰۰ھ)	
امیر سکتکس (۳۶۶ - ۳۸۷ھ) ۵۲	۶۵	حوارمشاہ
۶۳	۲۲۱	حوافی سید شکر اللہ خان
۶۱	۶۹۱	حوشحال خان حنک
۲۵۶، ۲۵۹	۲۳۱، ۲۱۱	حوشگو سدراس داس
۲۴۱، ۲۱۰	۳۲۳، ۳۰۱، ۲۳۹	
۴۱۶	۴۵۷	داود علیخان
۶۹۱	۲۵۶	دائی میر سید محمد
۶۹۱	۴۱۴	درگاداس
سید علی المدعو محمد میربحان	۲۴۴	دری شوشتری
۵۶۳	۱۵۱	دقاق ابوعلی
۶۹۲	۶۱	دولتیار سعد الدین مسعود
۶۹۱	۶۷۷	دشاحی بھائی ایرانی
سید لعل شاہ حکر کاظمی		

عاشق عظیم آمادی آقا حسین قلیخان	۵۱۶	عاری بیک حان	۴۱۷
عاشقی عظیم آمادی ر.ک عاشق عظیم آمادی	۵۲۱	عاری الدین	۲۶۴
عالمگیر ر.ک اورنگریب		عالم دهلوی	۵۸۵
« ثانی (۱۱۶۸-۱۱۷۳ھ)	۲۳۶	عجدوایی شاه مسافر	۲۵۹
عالمگیری عبدالوہاب	۲۷۴	عربوی ابوالحسن علی بن عثمان حلابی	
عاملی شیخ بہاء الدین محمد	۳۴۲	ہجویری	۵۵
عبدالملک حان امیر محبت اللہ	۴۱۷	علام علی حان	۴۴۶
عبدالسیحان فخرالرمانی قزوینی	۱۶۸	عنی محمد عبدالعنی موفرح آمادی	۶۴۳
عبداللطیف میر	۱۰۲	عوری شہاب الدین	۶۶
عبدالرحمن بن عوف	۶۰	عوری سلطان غیاث الدین محمود (۶۰۲-۶۰۷ھ)	
عبداللہ حان	۳۳۷	۵۳	
عبدالمتقندر	۳۳۶، ۱۳۵	فاجر مکین میرزا	۴۵۲
عبرت ویر علی	۵۳۶	فراسیس بزاری	۲۷۸
عثمان حلیفہ سوم (۲۳-۳۵ھ)	۵۱	فجرای ابن امیر ہروی سلطان محمد	۹۱
« مصرۃ الدین	۶۴	فرخ سیرشاہ محمد (۱۱۲۴-۱۱۳۱ھ)	
عدنان محمد مجد الدین	۶۴	۳۲۵، ۳۱۱، ۵	
عرفائی (دکتر) حواجہ عبدالحمید	۶۷۸	فقیر دهلوی عباسی میر شمس الدین	
عظیم الدولہ بہادر رحمت مآب نواب کرناٹک		۴۲۳، ۳۰۶، ۲۹۶	
(۱۳۱۶-۱۲۳۴ھ)	۵۴۷، ۵۲۷	فیروز حنک عبداللہ امیر الامرا ۱۷۱ھ	۴۳۰، ۱۷۱
عظیم الشان محمد	۳۲۵	فیروز شاہ رکن الدین (۶۳۳-۶۳۴ھ)	
عمدۃ الامرا	۵۲۷	۶۷	
عمدۃ الملک امیر حان احام	۳۵۵	قادر شمس اللہ	۲۶۹
عمر تاج الدین امام برہان الاسلام	۶۳	قاری بسمیل بخاری	۶۹۲
عمر (حلیفہ دوم)	۵۱	قاسم علیخان آفریدی	۶۹۱
عوفی محمد بن محمد	۵۹	قاسم علی حان عالیچاہ ناظم بنگال	۳۱۱
عیسی قاضی صفی الدین	۱۰۲	قایم چاند پوری	۳۳۱
		قباچہ ناصر الدین (۷۲۵ھ)	۶۶، ۵۵

۴۵۸	لرد وادن هستنگر	۲۳۰	قبول کشمیری میرزا عبدالغنی
۷۵	لودی ابراهیم	۵۵۲	قدرت قدرت الدخان گویاموی
	لودی شیخ شمس الدین فریارس (م. ۷۹۰)	۳۴۹	قرلش (مادرشاه)
۴۵۶		۸۸	قطبشاه محمد قلی (۹۸۸-۱۰۲۰ هـ)
۲۲۱	لودی شیر خان	۸۸	قطبشاه یار قلی حمشید (۹۵۰-۹۵۷ هـ)
۲۲۱	لودی علی امجد خان		قطبشاه عبدالله قطب الملك (۱۰۳۵-۱۰۸۳ هـ)
۲۱۱	ماهر محمد علی	۱۴۱	
۹۷	ماهیم		قطبشاه سلطان محمد (۱۰۲۰-۱۰۳۵ هـ)
۴۰۷	مایل میر علام علی	۸۸	
۳۱۱	مثلامردان علی خان	۵۶	قطب عالم شیخ نور (۸۰۸ هـ)
۳۴۴	محلسی مولانا محمد ناقر	۶۱	قلع طمع باح خان ابراهیم
۶۶۲	محمد اسحق (دکتر)	۴۴۸	قمر الدین علی الحسینی الناصری
	« شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ هـ) ۲۷۶، ۲۷۳، ۵	۳۴۸	قمی ملا فریدون
	۴۱۶، ۳۲۶، ۳۱۱، ۲۹۸	۱۲۴	کاشانی شرف الدین علی الحسینی
۸۷	« دن تعلق (۷۲۵-۷۹۰ هـ)	۱۲۴	کاشی تقی الدین محمد
۱۸۹	« صادق	۱۰۱	کامی علاء الدوله قروینی
۵۲۹	« صالح شاملوی حراسانی	۲۹۷	کرم داد
۲۹۵	« علی خان	۴۶۸	گارس دتاسی
۶	« عوفی	۱۴۰	کجراتی عبداللطیف
۴۷۲	« قلی خان	۴۶۴	گراهام بیلی
۲۹۶، ۲۹۵	محمود خان افغان	۲۴۱	گلش سعد الله
۵۲۰، ۴۷	« غریبی (۳۸۸-۴۲۱ هـ)	۵۵	گنج شکر شیخ فرید الدین (م. ۶۶۴ هـ)
۴۷۸	مختار الدوله		گوالیاری محمد غوث شیخ حمید الدین
۵۶	محدوم شاه بقی (م. ۸۲۴ هـ)	۳۲۳	(م. ۹۷۰ هـ)
	محدوم جها نیاں سید حلال الدین بحاری	۸۲۵	گیسودرار شیخ محمد
۳۹۳		۳۴۲	گیلابی شیخ راهد
		۴۵۹	لرد کاروالس

میرتھی شیخ غلام محی الدین قریشی	مخدوم جہاں گشت شیخ حلال (م ۱۷۹۰ھ)
۴۲۵	۵۶
۴۵۸	مخلص آندرام (م ۱۱۶۴ھ) ۳۹۱، ۳۲۶
۲۹۷	مست دوالہقار علی ۵۱۴
۱۶۹	المستنصر (بالہ) (۶۲۳-۶۴۰) ۶۸
۶۹۱	مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری (م ۵۱۵ھ)
۶۹۲	۵۴
۱۶۹	مسیود تاسی ۴۵۹
۲۸۳	مصحفی امرہوی شیخ علامہ مدانی ۴۶۳
۲۸۳	مظہر حنک ۴۳۰
۶	معین دکنتر محمد ۶۸
۳۲۶	مکیں محمد فاجر ۵۰۱
۴۱۷، ۳۲۷، ۲۹۷، ۵	ملتان شیخ بہاء الدین رکریا (م ۶۴۷ھ) ۵۵
ناصر حنک نواب نظام الدولہ حاکم حیدر آباد	۶۹۱
(۶۱-۱۱۶۴ھ) ۲۵۹؛ ۴۳	ملک ناصر علی خان
ناگوری قاضی حمید الدین (م ۶۹۵ھ) ۵۵	ملک الکتاب میرزا محمد خان شیرازی
۴۵۸، ۳۲۷	۶۲۲، ۲۲۴
۶۳	مسارام ۴۳۹
۵۵۹	میہاح سراج ۵۴
۲۴۰	موسی ہوسی ۲۸۱
۲۷۳	مولوی ترک علیشاہ قلندر پور محلی ۶۴۷
۲۱۰	مولوی محمد حسین خان ۵۸۲
۵۲۴	مہا پتہ خان ۱۲۰
۲۷۷	مہر علی خان ۲۹۵
۶۹	میان غلام شاہ کلہوڑہ والی سد (۸۶-۱۱۷۰ھ)
۲۳۳	۴۰۲
۱۸۱ ۱۰۹	میرا ولاد محمد ۴۲۵

۱۵۴	احمد آباد	نظام علیخان نواب (۱۱۷۵ - ۱۲۱۸ هـ)
۳۹۳	احمد نگر	۴۳۹
۲۹۵، ۱۲۸	آدر بیجان	نظام الملك نواب میر محبوب علیخان بہادر
۵۲۷	ارکات	نظام دکن
۴۵۷	اریسہ	۶۴ نفیس سی سعید
۶۲	اسمراین	۳۹۷ نقش علی مولف ناع معانی
۶۲	اسفرار	۳۶، ۳۱ نواب اعظم
۴۷۷ ، ۴۳۰ ، ۲۹۵ ، ۱۳۸	اصحہاں	۵۹۳، ۳۸ نواب صدیق حسن خان
۳۲۵، ۳۲۳	اکبر آباد (آگرہ)	۳۸ د شاہجہان بیگم والیہ بہویال
۱۹۱، ۱۶۹	آگرہ	۴۴۷ د صحفان
۳۲۸	الہ آباد	واحد علیشاہ پادشاہ اود (۱۲۶۳-۱۲۷۲ھ)
۴۶۴	امروہا	۵۶۰
۵۲۷	اودگیر	۴۲۱ واقع لاہوری (مثالوی) نور العین
۴۱۸ ، ۲۸۱ ، ۲۵۹	اورنگ آباد	۲۹۴ والہ علی قلی خان
۴۳۹ ، ۴۲۵ ، ۴۲۱		۳۱۵، ۲۶۲ وحید الدین اشرف
۶۲	آموہی	۲۶۴ ولیام چمبرر
۲۹۵	ایروان	۵۲ ولید بن عبدالملك (۸۶-۹۶ھ)
۶۲	بحارا	۸۵ ہمایوں ناصر الدین (۹۳۷-۹۶۲ھ)
۵۵۹ ، ۳۱۷	بریلی	۱۰۷
۳۴۸	بصرہ	۵۰۰ ہندی بہگوان داس
۱۲۰	بعداد	۲۸۱ یمین الدولہ نواب
۴۷۱، ۴۵۹، ۳۵۶	بنارس	۴۴۶ یوسف علیخان
۳۴۶	بندر عباس	
۴۷۸	بنگال	ح- فرہ رست اماکن
۴۵۷، ۲۲۱، ۵۳	بنگالہ	۱۷۱، ۱۶۹ احمر
۴۵۷، ۱۷۱	بہار	۳۲۸ احوذہیا
۶۱۳، ۶۰۷، ۵۹۴، ۳۷	بہوپال (ہند)	۶۷ احہ

۴۵۷	مرشد آباد	۴۷۹	گور کپور
۶۲	مرو	۱۴۱	گولکنده
۳۴۸	مشهد	۱۲۸	گیلان
۵۹۳ ، ۵۴۷ ، ۲۵۹	مکہ	۳۴۹	لار
۴۵۷	مونگھیر	۲۹۸ ، ۶۲	لاہور
۵۵۹	ناگپور	۵۵۹ ، ۴۶۴ ، ۳۱۲	لکھنؤ
۱۲۰	بجف	۱۵۳	لوہاؤر (لاہور)
۲۹۵	بححواں	۱۷۱	مابو
۶۲	بہروالہ	۶۲	ماوراءالنہر
۶۲	بیشاپور	۲۵۸ ، ۵۴	مالوہ
۶۲	ہرات	۵۲۷	محمدپور
۱۹۱ ، ۱۲۸	ہمدان	۵۲۷ ، ۲۹۲ ، ۱۳۶ ، ۳۶	مدیراس (ہند)
۱۲۸	یرد	۲۵۹	مدینہ
۱۵۳	یرحرد	۴۶۴ ، ۳۱۷	مراد آباد

غلطنامه

استدعا دارد که قبل از مطالعه این کتاب غلطهای رپر را اصلاح بفرمائید . نگارنده امیدوار است غلطهای دیگر که ممکن است بعلمت حروف ریختگی در این کتاب وجود داشته باشد بوسیله خوانندگان گرامی اصلاح خواهد شد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
هشت	۲۰	سر و آزاد	سر و آزاد
به	۱۱	ایس الاحمد	انیس الاحیاء
یازده	۶	یحمد	محمد
پانزده	۱۸	هندو	هندو
۱	۱۳	دتر	دیر
۵	۲۱	الحواتین	الحوائین
۲۰	۲۱	میچا به	متحانه
۲۱	۲۰	مقالات	مقالات
۳۱	۱۵	مدارس	مدارس
۵۴	۱۹	الشدہ	الشدہ
۵۵	۱۸	دکریا	رکریا
۸۹	۲۱	اماءلیف	تألیف
۹۳	۲۲	تدکرة	تذکرة

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱۸	۲۰	شریف الدین	شرف الدین
۱۲۹	۲۳	ملاند	بلاند
۱۴۱	۱۱	قطب شا	قطب شاه
۱۶۰	۲۱	تعزیت	تعریف
۲۰۱	۱۴	رساله	کتاب
۲۲۵	۱۵	توصیح	توضیح
۲۲۵	۱۹	قرمشی	قریشی
۲۲۹	۱۶	سحراله	سحران اله
۲۳۲	۵	فیص	فیض
۲۳۲	۲۱	ستاندار	استاندار
۲۳۵	۱۳	اهمیب	اهمیت
۲۳۹	۱۲	شما	شمال
۲۳۹	۱۷	امروز	امروز
۲۴۷	۴۰	طاهراً	طاهرا
۲۴۸	۱۵)	حدی شود
۲۴۹	۱۸	و	حدی شود
۲۵۶	۱	وطا	وطناً
۲۶۹	۱۷	شما ته	شمامه
۲۷۷	۲۲	دیر مکت	دیر مکتفشت
۲۸۱	۳	مالاحی اؤ	مالاحی راؤ
۲۸۳	۱۸	ممعین	متعین
۲۸۳	۱۹	پود	بود
۳۲۵	۱۱	عش	عیش
۳۶۹	۱۵	اکتر	اکثر
۳۷۶	۱۹	Beugal	Bengal
۳۷۶	۱۹	et eho	of the
۳۹۴	۳	ملگرامی	ملگرامی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۹۴	۵	میر یسد	مینویسد
۳۹۴	۱۴	تذکره	تذکره
۴۰۰	۱۴	ناعی	رباعی
۴۰۱	۱۵	دوم	روم
۴۰۴	۱۹	مثنوی	مثنوی
۴۰۹	۳۳	ضا	رضا
۴۴۷	۱۰	یتسه	پتسه
۴۶۸	۱۱	تاریخ	تاریخ
۴۷۷	۲۰	ملندن	ملندن
۴۷۸	۱۶	ککا	ککا
۴۸۹	۱۴	«مجله» European Magazine	«مجله» European Magazine
۴۹۶	۱۶	تذکره	تذکره
۵۰۵	۱	مختصر	مختصر
۵۲۷	۷	او گیر	اود گیر
۵۲۷	۱۱	اود گیر	اود گیر
۵۲۷	۱۱	بمدارس	بمدارس
۵۳۱	۲۰	تدکر	تذکره
۵۴۷	۲۰	ا	ا
۵۷۱	۱۹	نتوی	تتوی
۶۰۱	۱۳	آذور	آررور
۶۰۴	۱۵	اقلم	اقلیم
۶۰۷	۱	۷۰۶	۶۰۷
۶۱۹	۱۴	نگارستان	نگارستان سخن
۶۴۱	۱۹	دکر	دکر
۶۴۵	۱۲	کلمات شعرا	کلمات الشعراء

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۵۰	۲۰	راماين	راماين
۶۵۷	۲	۱۳۹۰	۱۹۳۰
۶۸۵	۲۱	Lanquages	Languages
۶۸۶	۲۳	طرح نوع	طرح نو
۶۸۹	۳	سعيدء	سعيد
۶۹۵	۶	صنائع	صايع
۶۹۶	۸	شعرايى را كه	شعرايى كه
۷۰۱	۱۲	اشعارشرا	اشعار شعرا
۷۰۸	۱۵	كرد	كرد
۷۰۸	۲	و متقدم	حذف شود
۷۰۸	۳	متاخر	معاصر
۷۰۸	۱۲	داينك چند	داينك چندا بيات
۷۰۸	۲۴	ابيائ	فارسي
۷۱۰	۱	مارسى	وحيد
۷۱۲	۴	حيد	تأليف
۷۱۸	۱۱	اماليف	حذف شود
۷۲۴	۱۴	تذكره	تذكرة
۷۳۱	۱۷	تذكرة الشعرا	تذكرة الشعراى
۷۳۳	۱۱	چند	۹۷
۷۴۵	۱۳	سر	سير
۷۵۶	۱۱	اللالى	اللالى
۷۵۷	۱۳	تته كره	تذكرة
۷۵۹	۹	شيرارامه	شيرارامه
۷۶۰	۱	مرار	مرار
۷۶۰	۱	تذكرة هر ارمرار	تذكرة هر ارمرار
۷	۱۷	سلسله نامه	سلسله نامه
۷	۱۹	سعدية	سعديه
۷۶۱	۵	روضه	روضه

صفحه	سطر	غلط	سبب
۷۶۱	۷	اطالبین	الطالبین
۷۶۳	۱۴	تذکره	۵۸- تذکره
۷۶۳	۱۴	تذکره الاولیاء	۵۸- تذکره الاولیاء
۷۹۴	۱۲	تنها تاریخ حسن	تنها در تاریخ حسن
۷	۱۳	دکر .. را آورده	دکر .. آمده است
۸۴۹	۹	سراح اللعنه	سراح اللعنه

تذکره - بعلمت اشتباه در شماره های صفحات، عنوان و فهرست کتب و رجال و اماکن ،

نهای صفحه ۸۲۷ در صفحه ۸۲۸ چاپ شده است و همچنین صفحه ۸۲۹ سفید مانده است.

حواناتدگان محترم لطفاً تصحیح نفرمایند .